رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم وتمم بالخیر

حمد نامحدود خدائی را تبارک وتعالی که برافت تامه قران را برای بندکان خود نازل فرمود تا مرضی
او را از نامرضی باز شناسند واز مکاید نفس وظلمات اعمال قبیحه واخلاق خبیثه خلاص شوند وبحضرة القدس
راه یابند ونزدیک پروردکار خویش مرضی باشند ممکن نبود که ازین مهلکه نجاتی میسر شود اگر خود
دستکیری نفرمودی ومتصور نبود که ازین ظلمات متراکمه خلاصی بدست آید اگر خود راه ننمودی منت
او تعالی قلب وقالب ما را احاطه کرده است وجود او ظاهر وباطن ما را در کرفته ودرود وسلام بران حضرت
عالیمقام که ما را بر سعادت دارین مطلع ساخت ومصالح نشاتین بوجه اتم بیان فرمود پس هیچ
بیانی نباشد واضحتر از بیان آنحضرت وهیچ رحمتی نباشد بالاتر از رحمت آنحضرت نیکبخت ترین ما آنست
که اتباع سنت آنحضرت کند وبدبخت ترین ما آنست که از [illegible] متابعت منحرف شود واشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله صلی الله علیه وعلی آله
واصحابه وسلم اما بعد نصیحت نیکخواهی مسلمانان در هر زمان ودر هر مکان رنکی دیکر دارد واقتضای دیکر
مینماید ولهذا علماء دین وکبراء اهل یقین در تفسیر وحدیث وعقاید وفقه وسلوک تصانیف متنوعه ساخته اند
وتوالیف کوناکون پرداخته طائفه شاهراه اطناب اختیار نموده اند وفرقه بوجه اختصار سخن کفته وجمعی
بزبان عجم سخن کفته اند وکروهی بلغت عرب در سفته ودرین زمانه که ما درانیم ودرین اقلیم که ما ساکن آنیم
نصیحت مسلمانان اقتضای کند که ترجمه قرآن عظیم بزبان فارسی سلیس وروزمره متداول بی تکلف فضیلت نمائی
وبی تصنع عبارت آرائی بغیر تعرض قصص مناسبه وبغیر ایراد توجیهات متشعبه تحریر کرده شود تا خواص و
عوام همه یکسان فهم کنند وصغار وکبار بیک وضع ادراک نمایند لهذا این فقیر را داعیه این امر بخاطر

ونخواه نخواه بر سر آن آوردند و بجد در تفحص ترجمها افتاد تا بر اکثر از تراجم بمیزانی که بخاطر مقرر شده بود

مناسب باید در ترویج آن کوشید و کیف ما امکن بیش اهل عصر مرغوب نماید در بعض تطویل مُمل یافت و در بعض

تقصیر مخل و هیچ یک موافق آن میزان نیفتاد لاجرم عزم تالیف ترجمه دیگر مصمم شده تسوید ترجمه زهراوین بر روی

کار آمد بعد ازان سفر حرمین اتفاق افتاد و آن سلسله از هم گسست بعد از سالهائی چند عزیزی پیش این فقیر

خواندن قران با ترجمه آن شروع کرد اینصورت سلسله جنبان آن عزم شده و بر سر آن آورد که بقدر خواندن سبقها

سبقها نوشته شود چون قریب ثلث قرآن رسیده شد آن عزیز را سفری پیش آمد و آن تحریر در حیز توقف افتاد بعد مدتی

باز تقریبی پیدا شد دیگر باران خطره بارینه را یاد آوردند و ثلث قران کشیده بر دچون للاکثر حکم الکل مقرر است

بعض یاران گفته شد که آن مسوده را مبیض کنند و آن ترجمه را مقرون بآیات قران نویسند تا نسخه مستقل گردد

آن یاران سعادتمند روز عید الضحی سنه خمسین بعد الالف والمائة در تبییض شروع نمود چون تبییض باخر تسوید رسید

باز عزم را انتعاشی پدید آمد و تا آخر قران مسوده شد وکان ختم التسوید فی اوائل شعبان وختم التبییض فی اوائل

رمضان سنه احدی وخمسین بعد ازان در سنه وخمسین باهتمام برادر دینی عزیز القدر خواجه محمد امین اکرمه الله

تعالی بشهود آن کتاب را رواجی پیدا شد و در حیز مدارسه در آمد و نسخ متعدده گشت و اهل عصر آن را اقبال نمودند

الحمد لله که آن نقشی که خاطر می بست آمد آخر از پس پرده تقدیر پدید **مقدمه** در بیان مقصدی چند که تقدیم آن

بر کتاب رسم قدیم مصنفان است این کتابیست در فن ترجمه قران عظیم است مدلول نظم عربی را بعبارت فارسی ادا کرده شد

با رعایت نحو و ملاحظه تقدیم ما حقه التقدیم و اظهار محذوف و موافقت نظم ترجمه با نظم قرآن در ترتیب الفاظ الا

در جائیکه بسبب اختلاف لغتین رکاکت لفظ یا تعقید دلالت لازم میشد و آنچه ضروری است از اسباب نزول و توجیه

مشکل بقدر ضرور بکار آمد بوجهی که درین چیزها مثل کشاف و جیز و جلالین باشد و حامل بر مشاکلت وجیز و جلالین

شهادة حجة الاسلام غزالی است بر آنکه خواننده مثل وجیز طبقه سفلی از علم تفسیر در می یابد و نام این کتاب

فتح الرحمن بترجمة القران مقرر کرده شد و نام مصنف این کتاب احمد بن عبد الرحیم است و لقب مشهور ولی الله

الدهلوی وطنا العمری نسبا احسن الله الیه والی مشایخه و والدیه و مرتبه این کتاب بعد خواندن متن قران و رسائل

مختصر فارسی است تا فهم لسان فارسی بی تکلف دست دهد و تخصیص صبیان اهل حرف و سپاهیان که توقع

مانده نام سوره بقره و آل عمران ۱۲

انتعاش بر وزن ... ۱۲

[illegible]

استیفاء علوم عربیه ندارند در اول سن تمیز این کتاب بایشان تعلیم باید کرد تا اول چیزی که در جوف ایشان افتد
معانی کتاب الله باشد و سلامت فطرت از دست نرود و سخن ملاحده که بمرقع صوفیه صافیه مستتر شده عالم را
گمراه میسازند فریفته نکند و اراجیف معقولیان خام و سخن بیهوده‌دان بی‌نظام لوح سینه را ملوث نسازد و نیز
آنانکه بعد انقضای شطر عمر توفیق توبه یابند و تحصیل علوم آلیه نتوانند این کتاب ایشان را باید آموخت تا در
تلاوت قرآن حلاوتی یابند و منفعت آن در حق جمهور مسلمانان متوقع است انشاء الله العظیم اما در حق صبیان
و مبتدیان خود ظاهر است چنانکه گفته آمد و سایر ابنای روزگار که اکثر اوقات بشغل معاش مشغول اند در
وقت فراغ باید که با یکدیگر حلقه حلقه بنشینند و کسیکه بر عبارت فارسی قدرت داشته باشد و اندکی از فن
تفسیر بهره یافته یا بر عزیزی این ترجمه را گذرانیده بود بقدر وسعت وقت یک دو سوره با ترجمهٔ آن بترتیل
و تبیین و وقوف بر کلام تام بخواند تا همه بشنوند و معانی آن محظوظ شوند و تشبهی پیدا کرده باشند با صحابه کرام
که بهمین دستور حلقه حلقه می‌نشستند و قاری ایشان قرأت میکرد اینقدر فرق است که صحابه کرام بسلیقه خود
زبان عربی فهم میکردند و این جماعه بتوسط ترجمهٔ فارسیه و چنانکه یاران سعادتمند مثنوی مولانا جلال الدین و گلستان
شیخ سعدی و منطق الطیر شیخ فرید الدین عطار و قصص فارابی و نفحات مولانا عبد الرحمن و امثال آن نقل
مجلس دارند چه باشد اگر این ترجمه را بهمان اسلوب درمیان آرند و حصه از شغل خاطر یاد بدارک آن گمارند و اگر آن شغل
با کلام اولیاء الله است این شغل کلام الله است و اگر آن مواعظ حکیمان است این مواعظ احکم الحاکمین است و اگر آن
مکتوبات عزیزان است این مکتوبات رب العزت است شتان بین المرتبتین اگر انصاف دهی فایدهٔ اصلی از نزول
قرآن اتعاظ است بمواعظ آن و اهتدا است بهدایت آن نه صرف تلفظ بآن اگرچه تلفظ آنهم مغتنم است لیکن چه مسلمانی
بدست آورده است کسیکه مدلول قرآن را نفهمد و کدام حلاوة دارد آنکه مدلول کلام الله را نداند و آنانکه
بر لغت عربیه اطلاع تمام دارند و تفاسیر را بر اوستادان گذرانیده اند حاجت خواندن این ترجمه ندارند لکن
امیدواری از فضل حضرت باری آنست که این جماعه نیز اگر درین کتاب نظر کنند تحت لفظ قرآن پیش ایشان روشن شود
و بر مختارات از نحو و شرح غریب و غیر آن اطلاع یابند و بسا فائده که پیش از مطالعهٔ آن نشنیده و ندیده باشند
تا از کی استفاده نمایند و این ترجمه جابر [illegible]

و استیفاء توجیهات کلام را و استیعاب قصص را احتمال ندارند و اگر تحصیل علوم آلیه تکلیف داده شود معلوم نیست
که آن صورت متحقق شود یا نه و بعد تحقق آن صورت ممکن که داعیهٔ تعمق در آن علوم پیدا شود و تمام عمر درین داعیه
مصروف گردد چنانکه اکثر اهل علوم آلیه را می بینیم هیچ بهره از آن نیست که درجهٔ ادنی از علم تفسیر در اول عمر اکتساب
کرده شود تا اگر علوم آلیه بدست آید این نیز ممد و مؤید در اتمام مقصود وی بود و اگر بدست نیاید حصه از مقصود
بدست آورده باشد و خسارت محض نیافته باشد ~ صد پاره قلندر سزد ار بمن نمائی * که دراز و دور دیدم
ره و رسم پارسائی * و طریق تحریر درین کتاب آنست که هر آیتی را جدا نوشته شد مقرون بترجمهٔ آن و در ترجمهٔ آن
لسان متعارف و روزمرهٔ متداول اختیار نموده آمد و هرچه زیاده از تحت اللفظ است اگر یک دو کلمه است تلفظ
یعنی با مثل آن متمیز ساخته شد و اگر کلامی است مستقل اول آن بلفظ مترجم گوید و آخر آن بلفظ والله اعلم معلوم کرده شد
و مهما امکن در قصص متعلقهٔ قرآن اکتفا بر یک دو فقره لازم دیده شد و در اسباب نزول از قصص مطوله نکته بر آورده
انتزاع نموده شد و تا امکان رعایت سیاق آیات ضروری دانسته آمد و استمداد این کتاب در آنچه متعلق بنقل است
از اصح تفاسیر محدثین که تفسیر بخاری و ترمذی و حاکم است کرده شد و تا امکان از اخبار ضعیفه و موضوعه احتراز
نموده شد و قصص اسرائیلیه را که از علماء اهل کتاب منقول است نه از حدیث خیر البشر علیه و علی آله الصلوات والتسلیمات
داخل کرده نشد الا در جائیکه کشف معنی بغیر ایراد آن نمی شود و الضرورات تبیح المحظورات و این ترجمه ممتاز است
از ترجمهای دیگر بچند وجه یکی آنکه نظم قرآن را بمثل مقدار آن از فارسی متعارف ترجمه کرده شد با اظهار مراد و لطافت
تعبیر و از آنچه در ترجمهای دیگر یافته میشود از اطناب عبارت ترجمه و رکاکت تعبیر و اعجام مراد بقدر امکان احتراز
نموده شد دیگر آنکه سایر تراجم از دو حالت خالی نیست یکی ترک کرده اند قصص متعلقه بقرآن مطلقا یا استیفاء جمیع آن
نموده اند و درین ترجمه راه متوسط اختیار نموده شد پس جائیکه معنی آیت موقوف است بر قصه بقدر ضرورت دو سه
کلمه از آن انتخاب کرده آورده شد و جائیکه معنی آیت موقوف بر قصه نبود ترک نموده آمد سیوم آنکه از توجیهات
متنوعه توجیه اقوی باعتبار عربیه و اصح باعتبار علم حدیث و علم فقه و اقل در صرف از ظاهر اختیار نموده شد و کسیکه
تفسیر وجیز و تفسیر جلالین که بمنزلهٔ اصل این ترجمه اند و سایر تفاسیر مطالعه کند درین حرف شک ندارد چهارم آنکه این ترجمه
بوجهی واقع شده است که شناسندگان نحو از آن اعراب قرآن و تعیین محذوف و مرجع ضمیر و محل لفظی که در

عبارت مقدم و موخر کرده شده است میتواند دانست و آنکه شناسنده نحو نیست از اصل غرض محروم نماند پنجم آنکه
ترجمهای قدیم خالی از دو حالت نیستند یا ترجمه تحت اللفظ میباشد یا ترجمه حاصل المعنی و در هر یکی وجوه خلل بسیار در می آید
و این ترجمه جامع است در هر دو طریق و هر خللی را ازان خللها علاجی مقرر کرده شد و این سخن درازست در رساله قواعد
ترجمه بیان کرده ایم و آنکه گفتیم که این ترجمه مشعر است بوجوه اعراب کلمه ایست مجملی بسبیلی میطلبد اندکی خاطر را
بآن متوجه باید ساخت لفظ است علامت بعلی است که در میان جا نشستن جمله اسمیه یا ظرفیه باشد زید قایم است زید کجاست
و علامت اسناد فعل بفاعل تقدیم فاعل و متصل آوردن فعل زید ایستاد و عند الضرورت ایستاد زید نیز میتوان گفت
و مفعول به نایب مناب فاعل باشد یا نه بحرف را مقرون می شود زدم زید را و زده شد زید را و بنوعی از تسامح میتوان گفت
زید زده شد و اگر قرینه قایم باشد حذف را جایز است و مفعول مطلق اگر برای عدد باشد بیکبار کردن و دو بار کردن
میتوان تقریر کرد و اگر برای نوع باشد بیک نوع کردن و یک طور کردن و اگر غیر مصدر را بجای مصدر قایم کرده باشند
گویند ضربت سوطا زدم یک تازیانه و اگر از غیر لفظ فعل باشد قرأت سردا خواندم بطریق پی در پی خواندن و اگر
برای مجرد تاکید باشد یا از قبیل سبحان الله و عدالله از قبیل اختلاف لغتین است بدون تکلف وارجاع بحرف دیگر
میسر نشود و اگر مفعول له بمعنی غرض باشد بلفظ برای یا بلفظ تا و تصویر مصدر و بصورت جمله ضربته تادیبا زدمش
برای ادب دادن یا تا ادب دهم و اگر بمعنی حامل باشد بلفظ بعلت و بحکم و بمقتضای و امثال آن قعدت جبنا نشستم
بعلت نامردی و اگر بمعنی احتراز باشد بلفظ برای احتراز و برای احتیاط و امثال آن ضربته ان یقول الناس ما ضربه
زدمش برای اجتناب از آنکه گویند نزدش و مفعول فیه بلفظ در مکان باشد یا زمان و مفعول معه بلفظ استوی الماء
والخشبة برابر شد آب با چوب و حال اگر کلمه مفرد باشد باشتقاق لفظی که موضوع برای حال باشد جئت راکبا آمدم سواره
و اگر جمله متسمه از فعل ذی الحال باشد باتصال لفظ کرده و کنان و مثل آن جاء زید یتبختر فی مشیه زید آمد تبختر کنان
در رفتار خود و اگر جمله متسمه از فعل غیر ذی الحال باشد لا بد لفظ حالانکه زیاده کرده شود هر چند در اصل لغت فارسیه
نیست حال در زبان عربی بمعنی شتی آید گاهی موکد باشد جاءنی ابوک عطوفا و گاهی بمعنی نهایت فادخلوها خالدین
و گاهی بمعنی قصد آید جئت اشکو الیه و در فارسی اینجانی مستعمل نیست و تمیز اگر از عددی یا وزنی یا پیمانه یا مساحتی
باشد بصیغه تمییز یا باضافت یا لفظ از بیان کرده شد بیست مرد یک رطل گندم یک صاع از جو و اگر از اسم اشاره باشند

بلفظ اما زاده

بلفظ ماذا اراد الله بهذا مثلا چه چیز اراده کرده است خدای باین مثل و اگر از نسبت باشد تحویل فاعل یا مفعول کرده شد

یا از روی و از جهت و باعتبار فسر و آمده زید حسن دارا زید نیک است از روی خانه و باعتبار خانه و گاهی در فارسی

مضمون تمیز را بنوعی از تصرف که دو کلمه را یک کلمه ساختن است ادا کرده شود خاق قلبا تنگدل شد هو قاسی قلبا وی سخت

دل است و گاهی در عربی مفعول بغیر توسط حرف جر باشد و در فارسی ایراد حرف جر لازم شود فسیکفیکهم الله کفایت

خواهد کرد ترا خدا از شر ایشان و مثل قالوا اتخذ الله ولدا گفتند فرزند گرفت خدا و مثل اعطیت زیدا درهما درهم

دادم زید را و مثل کان زید قایما زید ایستاده بود و زید ایستاده است جعلت زیدا عبدی زید را بنده خود ساختم

در بعضی صورتها تقدیم و تاخیر را بر خود هموار باید ساخت و گاهی جمله را که بتاویل مصدر ساخته باشند بمصدر مفرد تقریر

توان کرد و مصدر مفرد را بجمله مصدر بان مصدریه تعبیر توان نمود و همچنین موصول را با صلاش بکلمه مفرده و بالعکس

قال الذی امن گفت آن مسلمان و الذین امنوا مسلمانان الذین اوتوا الکتاب اهل کتاب و این در آن صورت است

که معنی واضح باشد و مثل قد افلح المومنون الذین هم فی صلوتهم خاشعون هر آینه رستگار شدند آن مسلمانان که ایشان

در نماز خود خشوع کنندگان اند یعنی اگر موصول صفت اسمی واقع شده تقدیم لفظ آن برای موصوف کرده شد و علامت

تخصیصی که از تقدیم مستفاد معلوم میشود در فارسی نیز تقدیم انست کم و هم و هو و ایاه در بعض مواضع نحو و تعبیر

کرده میشود در فارسی میتوان گفت شما راست گوئید یا ایشانند راست گو و احتیاج آن نیست که گوئید ایشانند

راست گویان و اگر مظهر را موضع مضمر وضع کرده باشند لفظ آن زاید کرده شد تا مربوط باشد در فارسی

علامت جمع بفعل ملحق کنند هر چند فاعل مظهر باشد قام هولاء ایستادند ایشان و او و فا بسیار است که زاید باشد

و بسیار است که در فارسیه معنی آن ربط بغیر ذکر عطف و تعقیب درست شود لیس اگر رکاکت لفظ در صورت

ترجمه لازم می آید ترک کرده شد بالجمله دقائق فن ترجمه بسیار است و مقصود اینجا بیان انموذجی است چون این فقیر

خوض در ترجمه بدون معاونت کسی و بدون رجوع بکتابی کرده است و در اوقات مختلفه با وجود اشتغال

بسایر علوم محرر نموده احتمال دارد که در بعض مواضع وفا باین التزامات متحقق نشده باشد یاران سعادتمند

که آن قواعد را مستحضر داشته باشند بحکم اخوة دینی نصیحت را منظور نظر دارند و در اصلاح آن کوشند و وصیت

این فقیر بکاتبان این ترجمه آنست که عبارت قران را بخط جلی و اعراب و حمره از ترجمه متمیز سازند و احتیاط کنند

که در الفاظ ترجمه تحریفی راه نیابد و در مواضع اشتباه کلام تام را بنقطه حمره از ما بعد جدا نمایند و ترکیب اضافی

و توصیفی را بکسره مضاف و موصوف معلم سازند تا بر مبتدیان روشن تر شود و اگر در ترجمه لفظی که بنسبت

مبتدیان غریب مینماید یا تقریری که بر اذهان صبیان صعوبتی می نهد یافته شود یاران سعادتمند بر حاشیه کتاب

معنی آن نویسند تا بر هیچ فردی مشکل نشود ان ارید الا الاصلاح ما استطعت وما توفیقی الا بالله علیه توکلت

والیه انیب **اسناد** قال العبد الضعیف ولی الله بن عبد الرحیم عفی عنه قراة القران کله من اوله الی آخره بروایة حفص

عن عاصم علی الصالح الثقة حاجی محمد فاضل السندی سنة ۱۱۵۲ قال تلوته من اوله الی آخره بروایة حفص علی الشیخ عبد الخالق

المنوفی شیخ القراء بمحروسة دهلی قال قرات القران کله بالقراة السبعة علی الشیخ البقری و البقری تلا بها علی

شیخ القراء بزمانه الشیخ عبد الرحمن الیمنی وقرا الیمنی بها علی والده الشیخ السجادة الیمنی وعلی الشهاب احمد

بن عبد الحق السنباطی تلاوة کذلک علی الشیخ سجادة المذکور وقرا الشیخ سجادة کذلک علی الشیخ ابی نصر الطبلاوی

کذلک علی شیخ الاسلام زکریا تلاوة علی برهان القلقیلی والرضوان ابی نعیم العقبی وقرا کل منهما علی امام القراء والمحدثین

محرر الروایات والطرق ابی الخیر محمد بن محمد بن علی بن یوسف الجزری صاحب کتاب النشر وله طرق کثیرة جدا ذکرها فی

النشر منها سلسلة مخصة بتسلسل التلاوة والقراء الطابطبین من جهة صاحب التیسیر فلنقتصر ههنا علی تلک السلسلة

قال الجزری قرات التیسیر وقرات به القران کله من اوله الی آخره علی شیخی الامام الصالح العالم قاضی المسلمین ابی العباس احمد

بن الشیخ الامام ابی عبد الله الحسین بن سلیمان بن فزارة الحنفی بدمشق المحروسة رحمه الله وقال لی قرأته وقرات

به القران العظیم علی والدی واخبرنی انه قراه وقرا به القران العظیم علی الشیخ الامام ابی محمد القاسم بن احمد بن الموفق

اللورقی قال قراته وقرات به علی المشایخ الائمة المقرئین ابی العباس احمد بن علی بن یحیی بن عون الله الحصار و

ابی عبد الله بن محمد بن سعید بن محمد المرادی وابی عبد الله محمد بن ایوب بن محمد بن نوح الغافقی الاندلسیین

قال کلهم قراته وقرات به علی الشیخ الامام ابی الحسن علی محمد بن هذیل البلنسی قال قراته وتلوت به علی ابی داود

سلیمان بن نجاح قال قراته وتلوت به علی مولف الامام ابی عمرو الدانی قال الجزری وهذا اعلی اسناد یوجد الیوم

فی الدنیا متصلا واخص هذا الاسناد بتسلسل التلاوة والقراة والسماع ومنی الی المولف کلهم علماء ائمة ضابطون

قال الدانی فی کتاب التیسیر قرات القران کله بروایة حفص علی ابی الحسن طاهر بن غلبون المقری قال قرات بها علی ابی الحسن علی

وقرا الطبلاوی

بن ظفر صاحبه

بن محمد صالح الهاشمي الضريري بالبصرة قال قرات بها علي ابي العباس احمد بن سهل الاشناني قال قرات بها علي ابي محمد عبيد

بن الصباح قال قرات علي حفص قال قرات علي عاصم قال الداني واخذ عاصم القران عن ابي عبد الرحمن عبيد بن حبيب

السلمي وعن زر بن حبيش اما ابو عبد الرحمن فعن عثمان بن عفان وعلي بن ابي طالب وابي بن كعب وزيد بن ثابت

وعبد الله بن مسعود عن النبي صلي الله عليه وسلم واخذ زر عن عثمان بن عفان وابن مسعود عن النبي صلي الله

عليه وسلم أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ می پناهم بخدا از شیطان رانده شده سورة الفاتحة

مكية مدنية سبع ايات بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝ بنام خدا بخشاینده مهربان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ ستایش خدا راست پروردگار عالمها یعنی عالم انس و عالم جن و عالم ملائکه و

علی هذا القیاس اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝ بخشاینده مهربان مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ ۝ خداوند روز جزا اِيَّاكَ

نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ۝ ترا می پرستیم و از تو مدد می طلبیم اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ۝ بنما ما را راه

صِرَاطَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ راه آنان که انعام کرده بر ایشان غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

بجز آنانکه خشم گرفته شد بر آنها و بجز گمراهان مراد از آنانکه انعام کرده شد بر آنها چهار فرقه اند نبیین و صدیقین

و شهدا و صالحین و مراد از آنانکه خشم گرفته شد بر آنها یهود اند و از گمراهان نصاری آمین قبول کن دعای ما را

سورة البقرة مدنية وهي مائتان وثمانون اية بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

الٓمّٓ ۝ ذٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ ۝ این کتاب هیچ شبهه نیست در آن راه نماست

پرهیزکاران را اَلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۝ آنانکه

ایمان می آرند بنا دیده و بر پا میدارند نماز را و از آنچه ایشان را روزی داده ایم خرج میکنند وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ

بِمَا اُنْزِلَ اِلَيْكَ وَمَا اُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْاٰخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ۝ و آنانکه ایمان می آرند بآنچه فرود آورده شده

بسوی تو و آنچه فرود آورده شده پیش از تو و بآخرت ایشان یقین دارند اُولٰٓئِكَ عَلٰى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ

وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ ایشانند بر هدایت از جانب پروردگار خویش و ایشانند رستگاران اِنَّ الَّذِينَ

كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَاَنْذَرْتَهُمْ اَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ هر آینه آنانکه کافر شدند برابر است

برایشان که بترسانی ایشان را یا نترسانی ایمان نیارند خَتَمَ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوبِهِمْ وَعَلٰى سَمْعِهِمْ وَعَلٰى

ابصارهم غشاوة ولهم عذاب عظيم ۝ مهر نهاد خدا بر دلهای ایشان و بر شنوای ایشان و بر چشمهای
ایشان پرده است و ایشان راست عذاب بزرگ ومن الناس من يقول آمنا بالله وباليوم الآخر
وما هم بمؤمنين ۝ و از مردمان کسی هست که میگوید ایمان آوردیم بخدا و بروز بازپسین و نیستند ایشان
مومنان يخادعون الله والذين آمنوا وما يخدعون إلا أنفسهم وما يشعرون
فریب میدهند خدا را و مومنان را و بحقیقت نمی فریبند مگر خود را و آگاه نمی شوند في قلوبهم مرض
فزادهم الله مرضا ولهم عذاب أليم بما كانوا يكذبون ۝ در دلهای ایشان بیماری است پس
افزون داد خدا ایشان را بیماری و ایشان راست عذاب درد دهنده بسبب آنکه دروغ می گفتند وإذا
قيل لهم لا تفسدوا في الأرض قالوا إنما نحن مصلحون ۝ و چون گفته شود ایشان را تباهکاری
مکنید در زمین گویند بجز این نیست که ما صلاحکاریم ألا إنهم هم المفسدون ولكن لا يشعرون
آگاه شو بتحقیق ایشان تباهکارند ولکن آگاه نمیشوند وإذا قيل لهم آمنوا كما آمن الناس قالوا
أنؤمن كما آمن السفهاء ألا إنهم هم السفهاء ولكن لا يعلمون ۝ و چون گفته شود ایشان را
که ایمان آرید چنانکه ایمان آوردند مردمان گویند آیا ایمان آریم چنانکه ایمان آورده اند بیخردان آگاه شو
بتحقیق ایشان اند بیخردان ولیکن نمیدانند وإذا لقوا الذين آمنوا قالوا آمنا وإذا خلوا إلى
شياطينهم قالوا إنا معكم إنما نحن مستهزؤن ۝ و وقتیکه ملاقات میکنند با اهل ایمان گویند
ایمان آورده ایم و چون تنها شوند با شیاطین خود یعنی رئیسان خود گویند هر آینه ما با شماییم جز این نیست که
ما تمسخر میکنیم الله يستهزئ بهم ويمدهم في طغيانهم يعمهون ۝ خدا تمسخر میکند با ایشان
و مهلت میدهد ایشان را در گمراهی خویش سرگشته شده أولئك الذين اشتروا الضلالة بالهدى
فما ربحت تجارتهم وما كانوا مهتدين ۝ ایشان آن کسانند که خریدند گمراهی را عوض هدایت
پس سود نیافت تجارت ایشان و راه یابنده نشدند مثلهم كمثل الذي استوقد نارا فلما أضاءت
ما حوله ذهب الله بنورهم وتركهم في ظلمات لا يبصرون ۝ صم بكم عمي فهم
لا يرجعون ۝ داستان ایشان مانند داستان کسی است که افروخت آتش را پس چون روشن کرد آتش

گرد و حوالی او

حوالی او دور ساخت نور این گروه را و بگذاشت ایشانرا در تاریکیها هیچ نه بینند کر اند گنگ اند کور اند
پس ایشان باز نمی گردند حاصل نثل آنست که اعمال منافقان همه حبط شود چنانکه روشنی آن جماعه دور شد
اَوْ كَصَيِّبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ
حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ۝ یا داستان ایشان مانند باران بزرگ ست آمده از آسمان چنین باران
که باشند در وی تاریکیها و رعد و برق در می آرند انگشتان خود را در گوشهای خود بسبب آوازهای برهول
بترس مرگ و خدا احاطه کننده ست کافرانرا يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ
مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ نزدیک ست که برق برباید چشمهای ایشانرا هرگاه روشنی دهد برق ایشانرا روند
دران روشنی و چون تاریکی دهد بر ایشان بایستند و اگر خواستی خدا هر آینه ببردی شنوائی ایشانرا
و دیده های ایشانرا هر آینه خدا بر همه چیز تواناست حاصل نثل آنست که منافقان در ظلمات نفسانیه افتادند
و چون مواعظ بلیغه شنوند فی الجمله ایشانرا تنبیهی شود و آن فائده نکند مانند مسافران که در شب تاریک
و ابر حیران باشند و در برق دو سه قدم روند و باز ایستند والله اعلم يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا
رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ ای مردمان بپرستید پروردگار خویش را
آنکه آفرید شما را و کسانی را که پیش از شما بودند تا که شما در پناه شوید الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا
وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا
لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ آنکه ساخت زمین را برای شما بساطی و آسمان را سقفی و فرود آورد از آسمان
آب پس برون آورد بسبب وی از انواع میوه ها روزی برای شما پس مقرر مکنید همتایان برای خدا
وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ
دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ و اگر هستید در شبهه از آنچه فرود آوردیم بر بنده خود یعنی از وی
پس بیارید یک سوره مانند آن و بخوانید مددگاران خود را بجز خدا اگر هستید راست گوی فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا
وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ۝ پس اگر نکردید

والسنگ خواهند کردن پس حذر کنید از آتشی که آتش انگیز وی مردمان و سنگها باشند آماده کرده شده است

برای کافران وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا

الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِن ثَمَرَةٍ رِّزْقًا قَالُوا هَٰذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِن قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ

مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ • و بشارت ده آنکسانرا که ایمان

آوردند و کردند کارهای شایسته با آنکه ایشانراست بوستانها میرود زیر آن جویها هرگاه که داده شوند از آنجا

روزی از قسم میوه گویند این همانست که داده شده بودیم پیش ازین و آورده شود بایشان آن روزی

مانند یکدیگر یعنی غبار رنگ مرغوب هیچ شبه بایشان نشنیند والله اعلم و ایشانراست در آنجا زنان پاک کرده شده

و ایشان در آنجا جاوید اند مترجم گوید کافران چون ذکر ذباب و عنکبوت در قرآن شنیدند طعن کردند و گفتند که

خدای تعالی بذکر این چیزهای خسیس چه اراده کرده است این آیت نازل شد إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَن يَضْرِبَ

مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ

كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ

بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ • هر آئنه خدا شرم ندارد از آنکه بزند داستانی پشه و بالاتر از آن اما آنانکه ایمان

آورده اند میدانند که این داستان راست است از پروردگار ایشان و اما آنانکه کافر اند میگویند چه چیز

خواسته است خدا باین داستان خدا گمراه میکند بسبب وی بسیار را و راه مینماید بسبب وی بسیار را و گمراه

نمیکند بوی مگر بدکاران را الَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا

أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ • آن فاسقان که

می شکنند پیمان خدا بعد بستن آن و می برند آنچه خدا فرموده است بوستن آن و تباهی میکنند در زمین ایشانند

زیانکار كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ

إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ • چگونه کافر میشوید بخدا حالانکه بودید بیجان پس زنده گردانید شما را بعد از آن بمیراند شما را

باز زنده گرداند شما را باز بسوی وی گردانیده شوید هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ

اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ • وی آنست که بیافرید برای شما

هرچه در زمین است همه یکجا باز متوجه شد بسوی آسمان پس راست کرد آن هفت آسمانرا و او بهمه چیز دانا است

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ

الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ◦ و یاد کن چون گفت پروردگار

مر فرشتگان که من آفریننده ام در زمین جانشینی گفتند آیا می آفرینی در زمین کسی را که تباهی کند در روی و خونریزی

کند و ما تسبیح میکنیم با حمد تو و بپاکی آواز میکنیم برای تو فرمود هر آینه من میدانم آنچه شما نمیدانید و علم آدم

الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَٰؤُلَاءِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ◦

و بیاموخت خدا آدم را نامهای مخلوقات تمام آن بار پیش آورد آن چیزها را بر فرشتگان پس گفت خبر دهید مرا

بنامهای این چیزها اگر راست گوی هستید قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنتَ الْعَلِيمُ

الْحَكِيمُ ◦ گفتند بپاکی یاد میکنیم ترا هیچ دانش نیست ما را مگر آنچه تو آموختی ما را هر آینه توئی دانا با حکمت قَالَ

يَا آدَمُ أَنبِئْهُم بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنبَأَهُم بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ

وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ ◦ فرمود ای آدم خبر ده فرشتگان را بنامهای اینها پس

چون خبر داد آنرا بنامهای آنها فرمود آیا نگفته بودم شما را که هر آینه من میدانم نهان آسمان و زمین و میدانم آنچه

آشکار میکنید و آنچه پوشیده میداشتید وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ

وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ◦ و چون گفتیم فرشتگان را سجده کنید آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس قبول نکرد

و سرکشی نمود و گشت از کافران وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا

حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ◦ و گفتیم ای آدم ساکن شو تو و زوجه تو در

بوستان بهشت و بخورید از بهشت خوردنی بسیار هر جا که خواهید و نزدیک مشوید باین درخت که خواهید شد از ستمگاران

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ

وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ◦ پس لغزانید هر دو را شیطان از آن بهشت پس بیرون آورد آن دو را

از آن نعمتها که بودند در آن و فرمودیم فرود روید بعض شما بعض را دشمن باشید و شما راست در زمین آرامگاه و بهره

تا مدتی فَتَلَقَّىٰ آدَمُ مِن رَّبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ◦ پس فرا گرفت آدم از پروردگار

سخنی چند پس بازگشت خدای بمهربانی بروی هرآینه اوست بازگردنده مهربان و آن کلمات اینست ربنا ظلمنا
انفسنا وان لم تغفرلنا وترحمنا لنکونن من الخاسرین قلنا اهبطوا منها جمیعا فاما یاتینکم منی
هدی فمن تبع هدای فلا خوف علیهم ولا هم یحزنون ۝ فرمودیم فرو روید ازانجا همه شما
پس اگر بیاید شما را از من هدایتی پس هر که پیروی کرد هدایت مرا هیچ ترسی نیست برایشان و نه ایشان اندوه خورند
والذین کفروا وکذبوا بایاتنا اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون ۝ و کسانیکه کافر شدند
و دروغ داشتند آیتهای ما را ایشانند باشندگان دوزخ ایشان در انجا جاوید باشند مترجم گوید خدای تعالی بنی اسرائیل را
نعمتهای خود یاد داد و معجزها که درین قوم ظاهر شده بود ذکر فرمود انگاه شبهات و شهوات ایشان را زدود
بدلائل و این قصه ممتد است تا قوله تعالی واذ ابتلی ابراهیم یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التی انعمت
علیکم واوفوا بعهدی اوف بعهدکم وایای فارهبون ۝ ای فرزندان یعقوب یاد کنید
که ارزانی داشتم بر شما و وفا کنید بعهد من تا وفا کنم بعهد شما و از من بترسید وامنوا بما انزلت
مصدقا لما معکم ولا تکونوا اول کافر به ولا تشتروا بایاتی ثمنا قلیلا وایای فاتقون ۝
و ایمان آرید بانچه فرو فرستادم باور کننده آنچه با شماست و مباشید نخستین منکر او و مستانید عوض آیتهای
من بهای اندک و از من حذر کنید ولا تلبسوا الحق بالباطل وتکتموا الحق وانتم تعلمون ۝ و خلط مکنید
راست را با ناراست و پنهان مکنید راست را دانسته واقیموا الصلوة واتوا الزکوة وارکعوا
مع الراکعین ۝ و برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را و نماز گزارید با نماز گزارندگان اتامرون
الناس بالبر وتنسون انفسکم وانتم تتلون الکتاب افلا تعقلون ۝ ای میفرمایید مردمان را
بنیکوکاری و فراموش میکنید خویشتن را و شما میخوانید کتاب یعنی توریة آیا نمی فهمید واستعینوا بالصبر
والصلوة وانها لکبیرة الا علی الخاشعین ۝ و مدد طلبید یعنی در جمیع حاجات و مصائب والله اعلم بشکیبائی
و نماز و هرآینه نماز دشوار است مگر بر فروتنی کنندگان الذین یظنون انهم ملاقوا ربهم وانهم
الیه راجعون ۝ آنانکه میدانند که ایشان ملاقات خواهند کرد با پروردگار خویش و آنکه ایشان بسوی
او باز خواهند گشت یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التی انعمت علیکم وانی فضلتکم علی العالمین ۝

ع

حزب

الربع

ای فرزندان یعقوب یاد کنید آن نعمت مرا که ارزانی داشته ام بر شما و آنکه فضل دادم شما را بر همه عالمها یعنی
عالمیان آن زمان وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ
مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ◦ و حذر کنید از آن روز که کفایت نکند هیچ کس از کس چیزی را و نه پذیرفته شود
از هیچ کس شفاعت و گرفته نشود از هیچ کس عوض و نه ایشان یاری داده شوند وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ
يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ
مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ◦ و یاد کنید نعمت من آن وقت که رهانیدم شما را از کسان فرعون که میرسانیدند شما را سخت -
عذاب ذبح میکردند پسران شما را و زنده میگذاشتند دختران شما را و در این کار آزمایشی بزرگ بود از پروردگار
شما مترجم گوید سبب کشتن پسران آن بود که کاهنان فرعون را خبر داده بودند که در بنی اسرائیل پسری پیدا
شود که باعث افتادن پادشاهی او گردد وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ
وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ◦ و آن وقت که شکافتیم برای شما دریا را پس خلاص کردیم شما را و غرق ساختیم فرعونیان
و شما میدیدید مترجم گوید که خدای تعالی موسی علیه السلام را وعده داد که چهل شب در طور معتکف شود تا تورات
عطا فرمائیم در غیبت وی بنی اسرائیل باغوای سامری گوساله پرستی اختیار کردند خدای تعالی بعد عود موسی حکم فرمود
تا بعض ایشان بعض را بکشند و این توبه ایشان است وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ
الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ◦ و آن وقت که میعاد مقرر ساختیم با موسی چهل شب پس گرفتید شما
گوساله را بعد از رفتن موسی یعنی معبود ساختید و شما ستمکار بودید ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ
لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ◦ پس در گذرانیدیم از شما بعد از این تا بود که سپاسداری کنید وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى
الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ◦ و آن وقت که دادیم موسی را کتاب و حجت تا بود که
راه یابید وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا
إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ◦ و آن وقت که موسی گفت قوم خود را ای قوم من هر آئینه شما ستم کردید بر خویشتن بگرفتن
گوساله پس باز آئید بسوی آفریدگار خود پس بکشید خویشتن را این بهتر است شما را نزدیک آفریدگار شما پس

بازگشت بمهربانی بر شما هر آینه اوست بازگردنده مهربان مترجم گوید موسی علیه السلام هفتاد کس را از بنی اسرائیل

با خود برد تا با وی کلام الهی استماع نمایند ایشان بعد از شنیدن خواهان رویت شدند و در طلب آن پای از حد ادب

بیرون نهادند خدای تعالی آنهمه را بصاعقه بسوخت و باز بدعاء موسی زنده ساخت اشارة بدین قصه است این آیه

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

و آن وقت که گفتید ای موسی هرگز باور نداریم ترا تا آنکه ببینیم خدای را آشکارا پس گرفت شما را صاعقه و شما میدیدید

ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ • باز زنده کردانیدیم شما را پس از مردن شما تا شما شکرگذاری

کنید مترجم گوید بنی اسرائیل مامور شدند بجهاد عمالقه و ایشان در آن باب تغافل کردند پس معاقب شدند بافتادن در بیابان

چهل سال و انجا چون آب و طعام و جمیعا مفقود شد خدای تعالی بدعای موسی علیه السلام من و سلوی نازل ساخت

و از سنگی دوازده چشمه روان کرد و ابر را سایبان گردانید قدر این نعمتها نشناختند و کفران نعمت نمودند

اشارة باین قصه است این آیه وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِنْ

طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ • و سایه بان ساختیم بر شما ابر را

و فرود آوردیم بر شما من و سلوی را و گفتیم بخورید از پاکیزه آنچه دادیم شما را و ایشان ستم نکردند بر ما و لیکن بر خویش

ستم میکردند وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَٰذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ

سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ • و آن وقت که گفتیم در آئید

درین دیه یعنی دیهی که در زمان حضرت موسی فتح شده بود پس بخورید از انجا بافراغی هر جا که بخواهید و در آئید

بدروازه سجده کنان و بگوئید سوال ما آمرزش است تا بیامرزیم شما را گناهان شما و زیاده خواهیم داد نیکوکاران را

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ

بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ • پس بدل کردند کسانیکه ستمکار بودند سخن بجز آنچه فرموده شد ایشان را یعنی بجای حطه حنطه

گفتند پس فرود آوردیم برای ستمکاران عذابی از آسمان بسبب بدکار بودن ایشان وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ

لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ

مَشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ • و آن وقت که آب خواست

موسی برای قوم خود پس گفتیم بزن بعصای خود سنگ را پس روان شد از سنگ دوازده چشمه بدانست هر قوم

آب خورد خود را یعنی بنی اسرائیل دوازده قبیله بودند برای هر قبیله یک چشمه معین شد والله اعلم گفتیم بخورید و بنو[شید]

از روزی خدا و فساد مکنید در زمین تباهی کنان وَإِذْ قُلْتُمْ يَٰمُوسَىٰ لَن نَّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا

رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنبِتُ الْأَرْضُ مِن بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا قَالَ

أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُم مَّا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ

عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ

وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا وَّكَانُوا يَعْتَدُونَ ۝ و آن وقت که گفتید

ای موسی هرگز شکیبائی نکنیم بر یک طعام پس طلب برای ما از پروردگار خود تا بیرون آرد از برای ما از آنچه میرویاند

زمین از سبزه وی و بادرنگ وی و گندم و عدس وی و پیاز وی گفت موسی آیا بدل میکنید آنچه وی فروتر است

با آنچه وی بهتر است فرو روید شهری پس هر آئنه باشد شما را آنچه خواستید و زده شد یعنی فرود آورده [شد]

بر ایشان خواری و بینوائی و باز گشتند بخشم از خدا این از آنست که باور نمی داشتند آیتهای خدا را و می [کشتند]

پیغامبران را بنا حق این بسبب گناه کردن ایشان است و آنکه از حد در میگذشتند إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ

هَادُوا وَالنَّصَارَىٰ وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ

عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ هر آئنه آنانکه مسلمان شدند و آنانکه جهود و ترسایان [شدند]

و بی دینان هرکه از ایشان ایمان آرد بخدا و بروز بازپسین و کرد کار شایسته پس ایشان راست مزد ایشان

نزد پروردگار ایشان و ترس نبود بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند حاصل معنی آنست که آدمی در اصل

از هر فرقه که باشد چون ایمان آرد از اهل نجات بود خصوصیت فرقه معتبر نیست وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ

وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُم بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ و آن وقت [که]

گرفتیم پیمان شما را و برداشتیم بالای شما را باستواری یعنی احکام توریت را و یاد دارید آنچه در آنست

تا بود که شما در پناه شوید ثُمَّ تَوَلَّيْتُم مِّن بَعْدِ ذَٰلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنتُم

مِّنَ الْخَاسِرِينَ ۝ باز روگردانیدید بعد از این پس اگر نبودی بخشایش خدا بر شما و مهربانی او هر آئنه میشدید [از زیانکاران]

از زیانکاران وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ

و هرآینه دانسته اید آن کسانرا که از حد درگذشتند از شما در شنبه یعنی شکار کردند و شکار کردن روز شنبه در

بنی اسرائیل حرام بود پس گفتیم ایشانرا که بوزنه شوید خوار شده فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا

وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ پس ساختیم این قصه را عبرتی برای آن قوم که پیش این دیه بودند یعنی در آن زمانه

حاضر بودند و آن قوم که پس از ایشان آیند و پندی پرهیزکاران را منترجم گوید شخصی از بنی اسرائیل کشته یافته

و کشنده او معلوم نبود خدای تعالی حکم فرمود که گاو را ذبح کنند و بعضوی از آن مقتول را بزنند تا زنده شود و از

قاتلان خود خبر دهد القصه گاو را بمبلغ خطیر خرید کردند و بزدند مقتول زنده شد و پسران عم خود را نام برد که ایشان

کشتند پس قاتلانرا بقصاص رسانیدند از آن باز قاتل را از میراث محروم ساختند والله اعلم وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ

لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ

مِنَ الْجَاهِلِينَ و آن وقت که گفت موسی بقوم خود هرآینه خدا میفرماید شما را بکشتن گاوی گفتند آیا ما را مسخره

می گیری گفت پناه می گیرم بخدا از آنکه باشم از نادانان قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ

يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَٰلِكَ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ گفتند سوال کن

برای ما از پروردگار خود تا بیان کند برای ما چیست آن گاو گفت هرآینه خدا میفرماید که هرآینه وی گاویست نه پیر

و نه برنا میانه است درمیان این و آن پس کنید آنچه فرموده شدید قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْنُهَا

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ گفتند سوال کن برای ما از پروردگار خود

تا بیان کند برای ما چیست رنگ آن گاو گفت هرآینه خدا میفرماید که وی گاویست زرد تنک زرد است رنگ او خوش میکند

بینندگان را قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ

گفتند سوال کن برای ما از پروردگار خود تا بیان کند برای ما چه کاره است آن گاو هرآینه گاوان مشتبه شدند بر ما

و هرآینه ما اگر خواسته است خدا راه یافتگانیم قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا

تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ

گفت هرآینه خدا میفرماید که وی گاویست نه محنت کشنده که شورانَد زمین را و نه آب میدهد زراعت را سلامت است

هیچ حال نیست در وی گفتند الحال آوردی سخن درست پس ذبح کردند و نزدیک بود نداز انکه کنند وَاِذْ قَتَلْتُمْ
نَفْسًا فَادّٰرَأْتُمْ فِيهَا وَاللّٰهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ۝ و آنوقت که کشتید شخصی را پس نزاع کردید
در وی و خدا بیرون آورنده ست چیزی را که پنهان میکردید فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذٰلِكَ يُحْيِي اللّٰهُ
الْمَوْتٰى وَيُرِيكُمْ اٰيَاتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ پس فرمودیم بزنید این شخص را بعضوی از گاو و اینطور زنده
خدا مردگان را و مینماید شما را نشانهای خود تا بود که دریابید ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ
فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ اَوْ اَشَدُّ قَسْوَةً وَاِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْاَنْهَارُ وَاِنَّ مِنْهَا
لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَاِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ
عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝ باز سخت شد دلهای شما بعد ازین پس آنها مانند سنگ اند بلکه زیاده تر در سختی و هر آینه
از سنگها آنست که روان میشود از وی جویها و هر آینه از سنگها آنست که می شگافد پس بیرون می آید از وی آب
و هر آینه از سنگها آنست که فرو می افتد از ترس خدا و نیست خدا بیخبر از آنچه میکنید اَفَتَطْمَعُونَ اَنْ يُؤْمِنُوا
لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللّٰهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهٗ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ
يَعْلَمُونَ ۝ ای مومنان آیا امید دارید که یهود منقاد شوند شما را و هر آینه گروهی از ایشان می شنیدند کلام
یعنی توریت را پس بدل میکردند آن را بعد از آنکه فهمیده بودند او را وَاِذَا لَقُوا الَّذِينَ اٰمَنُوا قَالُوا
اٰمَنَّا وَاِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ اِلٰى بَعْضٍ قَالُوا اَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهٖ عِنْدَ
رَبِّكُمْ اَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝ و چون ملاقات کنند با مومنان گویند ایمان آوردیم و چون تنها شوند بعضی
از ایشان با بعضی یعنی با رئیسان خویش آن رئیسان گویند آیا خبر میدهید ایشان را بآنچه گشاده است خدا بر شما
یعنی از بعث پیغمبر آخر زمان تا مناظره کنند با شما بآن دلیل نزد پروردگار شما آیا در نمی یابید اَوَلَا يَعْلَمُونَ
اَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۝ این جهودان آیا نمی دانند که خدا میداند آنچه پنهان میکنند
و آنچه آشکارا می نمایند وَمِنْهُمْ اُمِّيُّونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ اِلَّا اَمَانِيَّ وَاِنْ هُمْ اِلَّا يَظُنُّونَ ۝
و بعضی از ایشان ناخوانندگانند نمیدانند کتاب لیکن میدانند آرزوهای باطل و نیستند مگر گمان کنندگان
فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِاَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هٰذَا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ لِيَشْتَرُوا بِهٖ

ثمنا قليلا فويل لهم مما كتبت ايديهم وويل لهم مما يكسبون ● بس واى آن كسانرا كه مينويسند نوشته

بدستهاى خود باز ميگويند اين از نزديك خداست تا بستانند عوض وى بهاى اندك بس واى ايشانرا از آنچه

دستهاى ايشان و واى ايشانرا از سبب آنچه كسب ميكنند ايشان مترجم گويد كه يكى از عقايد باطله يهود آن بود كه ميگفتند

يهود باشند در دوزخ مگر روزى چند واين خطاست زيرا كه دخول جنت موقوف بر ايمان بخدا و روز قيامت

و بپيغمبر زمان است چنين يهود و غير آن اعتبار ندارد و اشارة همين معنى در اين آيت وقالوا لن تمسنا النار

الا اياما معدودة قل اتخذتم عند الله عهدا فلن يخلف الله عهده ام تقولون

على الله ما لا تعلمون ● وگفتند نرسد بما آتش دوزخ مگر چند روز شمرده شده بگو آيا گرفته ايد نزد خدا پيمانى

تا هرگز خلاف نكند خدا پيمان خود را آيا ميگوييد بر خدا آنچه نميدانيد بلى من كسب سيئة واحاطت به

خطيئته فاولئك اصحاب النار هم فيها خالدون ● آرى هركه كرد كار بد و بگرد آمده او را گناه او

بس ايشان باشندگان دوزخ ايشان در آنجا جاويدند والذين آمنوا وعملوا الصالحات اولئك

اصحاب الجنة هم فيها خالدون ● وكسانيكه ايمان آوردند و كردند كارهاى شايسته ايشان باشندگان

بهشت ايشان در آنجا جاويدند واذ اخذنا ميثاق بنى اسرائيل لا تعبدون الا الله

وبالوالدين احسانا وذى القربى واليتامى والمساكين وقولوا للناس حسنا

واقيموا الصلوة واتوا الزكوة ثم توليتم الا قليلا منكم وانتم معرضون ●

وآن گاه كه گرفتيم پيمان بنى اسرائيل كه نپرستيد مگر خدا را و بوالدين نيكوئى كنيد و باهل قرابت و يتيمان و مسكينان

و بگوييد مردم را سخن نيك و برپا داريد نماز را و بدهيد زكوة را پس برگشتيد و گردان شده مگر اندكى از شما

واذ اخذنا ميثاقكم لا تسفكون دماءكم ولا تخرجون انفسكم من دياركم ثم

اقررتم وانتم تشهدون ● وآنگاه كه گرفتيم پيمان شما را كه مريزيد خون يكديگر و بيرون مكنيد قوم

خويش را از خانهاى خويش پس قبول كرديد حاضر آمده ثم انتم هؤلاء تقتلون انفسكم وتخرجون

فريقا منكم من ديارهم تظاهرون عليهم بالاثم والعدوان وان ياتوكم

اسارى تفادوهم وهو محرم عليكم اخراجهم افتؤمنون ببعض الكتاب

وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَٰلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ

يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۞ باز شما آن گروهید که می کشید قوم خود را

و بیرون می کنید گروهی را از قوم خود از خانهای ایشان یکی مدد کار دیگر میشوید بر ستم کردن در حق ایشان بگناه

و تعدی و اگر اسیر شده بشما می آیند فدا می دهید عوض ایشان حالانکه حرام ست بر شما بیرون کردن ایشان

ایا ایمان می آرید پاره از کتاب و کافر میشوید بپاره پس چیست سزای آنکه چنین کند از شما مگر خواری در زندگی

و در روز قیامت گردانیده شوند بسوی سخت ترین عذاب و نیست خدا بیخبر از انچه میکنید یعنی منع کرده شدند

از کشتن و جلا وطن کردن و در ظلم مدد کاری نمودن و فرموده شدند بفدای اسیران و ایشان از همه احکام

بفدای اسیران عمل کردند و بس زیرا که موافق نفس ایشان افتاد و استطاعت نفس ست طاعت خدا نیست أُولَٰئِكَ

الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ۞ ایشان

آن کسانند که خریدند زندگانی دنیا را عوض آخرت پس سبک کرده نشود از ایشان عذاب و نه ایشان یاری

داده شوند وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ

مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ

أَنْفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ ۞ و هر آینه دادیم موسی را کتاب

و از پی در آوردیم بعد از وی پیغمبران را و دادیم عیسی پسر مریم را نشانهای روشن و قوت دادیم اورا

بروح القدس یعنی جبرئیل ایا هرگاه آورد پیغامبری نزد شما انچه دوست ندارد نفسهای شما سرکشی کردید پس گروهی

دروغگو داشتید و گروهی را کشتید مترجم گوید دیگر از قبایح یهود آن بود که میگفتند قلوبنا غلف یعنی در دل خود

از نفقه احکام داریم که هیچ شبهه بدان راه نمی یابد و این خطاست که بسبب قبول نکردن دین اسلام جهل

جهل کوده نقوی زیرا که آثار تقوی هیچگاه از ایشان ظاهر نمیشد و اشارت بهمین معنی ست در این آیات

وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَا يُؤْمِنُونَ ۞ و گفتند دلهای ما در پرده

بلکه نفرین کرده ست ایشانرا خدا بسبب کفر ایشان پس اندکی ایمان آرند وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ

عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا

جاءهم ما عرفوا كفروا به فلعنة الله على الكافرين ۝ و آنگاه که آمد بایشان کتاب از نزدیک خدا یعنی
قران باور کننده آنچه بایشان هست و پیش ازین طلب فتح میکردند بر مشرکان پس هرگاه آمد آنچه میدانستند منکر شدند و
پس لعنت خداست بران کافران تعریض است بان قصه که یهود خیبر با غطفان جنگ میکردند و هزیمت می یافتند
دعا کردند که بحق محمد نبی امی که خروج او در آخر زمان موعود است ما را نصرت ده بعد از ان فتح یافتند بئسما اشتروا
به انفسهم ان يكفروا بما انزل الله بغيا ان ينزل الله من فضله على من يشاء من عباده
فباءو بغضب على غضب وللكافرين عذاب مهين ۝ بد چیزیست آنچه فروختند عوض وی خویشتن را
که کافر شوند بانچه فرود آورده است خدا یعنی قران بسبب حسد بر آنکه فرود آرد خدا از رحمت خود بر هر که خواهد از بندگان خود
پس بازگشتند بخشمی بالای خشمی و کافران راست عذاب خوار کننده و اذا قيل لهم آمنوا بما انزل الله قالوا
نؤمن بما انزل علينا ويكفرون بما وراءه وهو الحق مصدقا لما معهم قل فلم تقتلون
انبياء الله من قبل ان كنتم مؤمنين ۝ و چون گفته شود ایشان را ایمان آرید بانچه فرود آورده است خدا گویند
ایمان می آریم بانچه فرود آورده شده بر ما و ایشان کافر میشوند بانچه بجز ویست حالانکه او راستست باور
آنچه بایشان است بگو پس چرا میکشتید پیغامبران خدا پیش ازین اگر مومن بودید ولقد جاءكم موسى بالبينات
ثم اتخذتم العجل من بعده وانتم ظالمون ۝ و هر آینه آمد بشما موسی بنشانهای روشن پس گرفتید شما
گوساله را بپرستش از وی و شما ستمکار بودید واذ اخذنا ميثاقكم ورفعنا فوقكم الطور خذوا ما آتيناكم
بقوة واسمعوا قالوا سمعنا وعصينا واشربوا في قلوبهم العجل بكفرهم قل بئسما يأمركم
به ايمانكم ان كنتم مؤمنين ۝ و آنگاه که گرفتیم پیمان شما و برداشتیم بالای شما طور را گفتیم بگیرید آنچه دادیم
شما را بقوت و بشنوید گفتند یعنی بزبان حال گفتند شنیدیم و نافرمانی کردیم و درخورده شد در دلهای ایشان
دوستی گوساله بسبب کافر بودن ایشان بگو بد چیزیست آنچه میفرماید شما را ایمان شما اگر هستید از اهل ایمان دیگر از
تحریفات یهود آن بود که می گفتند داخل نخواهد شد در بهشت هیچکس مگر یهود و این خطاست زیرا که علامت بهشتیان
مشتاق شدن بملاقات خداست و ایشان از مرگ هراسان بودند و اشارت بهمین معنیست درین آیت
قل ان كانت لكم الدار الآخرة عند الله خالصة من دون الناس فتمنوا الموت ان كنتم

صادقین • بگو اگر هست شما را سرای بازپسین نزدیک خدا مخصوص بجز مردمان دیگر پس آرزو کنید مرگ اگر هستید
راست گوی • ولن یتمنوه ابدا بما قدمت ایدیهم والله علیم بالظالمین • و هرگز آرزو نکنند او را
همیشه بسبب آنچه پیش فرستاده است دستهای ایشان و خدا داناست بستمکاران • ولتجدنهم
احرص الناس علی حیوة ومن الذین اشرکوا یود احدهم لو یعمر الف سنة وما هو
بمزحزحه من العذاب ان یعمر والله بصیر بما یعملون • و هر آینه بیابی ایشان را حریص ترین
مردم بر زندگانی و حریص تر از آنکه مشرک اند دوست میدارد یکی از ایشان کاش عمر داده شود هزار سال
و نیست راننده وی از عذاب آنکه عمر داده شود و خدا بیناست بآنچه میکنند • و دیگر از نزولات سبب آن بود که
جبرئیل را دشمن میداشتند که عذاب بر امم سابقه فرود آورد و این خطاست که جبرئیل مأمورست از جناب حق عز و جل
و براه اخبار قل من کان عدوا لجبریل فانه نزله علی قلبک باذن الله مصدقا لما بین یدیه
وهدی وبشری للمؤمنین • بگو هر که باشد دشمن مر جبرئیل را چه زیان میکند پس بتحقیق جبرئیل فرود آورده است
قرآن را بر دل تو بحکم خدا باور دارنده آنچه پیش وی است و راه نما و مژده دهنده اهل ایمان را • من کان عدوا
لله وملئکته ورسله وجبریل ومیکال فان الله عدو للکفرین • هر که باشد دشمن خدا و فرشتگان
و پیغمبران او و جبرئیل و میکائیل پس هر آینه خدا دشمن است کافران را • ولقد انزلنا الیک ایات بینات
وما یکفر بها الا الفاسقون • و هر آینه بتحقیق فرود آوردیم بسوی تو نشانهای روشن و کافر نمیشوند بآنها
مگر بدکاران • اوکلما عاهدوا عهدا نبذه فریق منهم بل اکثرهم لا یؤمنون • آیا هرگاه بستند پیمانی
بر انداخت آنرا گروهی از ایشان بلکه اکثر ایشان باور نمیدارند • ولما جاءهم رسول من عند الله مصدق
لما معهم نبذ فریق من الذین اوتوا الکتب کتب الله وراء ظهورهم کانهم لا یعلمون •
و هرگاه که آمد بایشان پیغامبری از نزد خدا باور دارنده آنچه با ایشان است افکند گروهی از آن قوم که داده شدند کتاب
آن کتاب خدا را پس پشت خویش گویا نمیدانند و دیگر از نزولات این بود که سحر میکردند و سلیمان علیه السلام را ساحر
میدانستند و این افترا بود بر سلیمان علیه السلام و اشاره بهمین معنی است درین آیه • واتبعوا ما تتلوا الشیطین
علی ملک سلیمن وما کفر سلیمن ولکن الشیطین کفروا یعلمون الناس السحر وما انزل

عَلَی الْمَلَکَیْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا یُعَلِّمَانِ مِنْ اَحَدٍ حَتّٰی یَقُولَا اِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ
فَلَا تَکْفُرْ فَیَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا یُفَرِّقُونَ بِهِ بَیْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّینَ بِهِ مِنْ
اَحَدٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ وَیَتَعَلَّمُونَ مَا یَضُرُّهُمْ وَلَا یَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرٰیهُ مَا لَهُ فِی
الْاٰخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ اَنْفُسَهُمْ لَوْ کَانُوا یَعْلَمُونَ ۝ و پیروی میکردند آنچه میخواندند
شیطانان در سلطنت سلیمان و کافر نشد سلیمان و لیکن شیطانان کافر شدند می آموختند مردمان را جادو
و پیروی کردند آنچه فرود آورده شد بر دو فرشته در بابل هاروت و ماروت و نمی آموزند هیچکس را تا آنکه گویند
جز این نیست که ما بلائیم پس تو کافر مشو پس یاد میگرفتند از ایشان افسونی که جدائی می افکندند بسبب آن در میان مرد
و زنش و نیستند ایشان زیان رساننده بسبب آن هیچکس را مگر باراده خدا و ایشان یاد میگرفتند آنچه زیان میرسانید ایشان را
و سود نمیداد ایشان را و هر آینه دانسته اند که هر که بستاند جادو را نیست او را در آخرت هیچ بهره و هر آینه بد چیزیست
آنچه فروختند عوض وی خویشتن را کاش میدانستند وَلَوْ اَنَّهُمْ اٰمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ خَیْرٌ لَوْ کَانُوا
یَعْلَمُونَ ۝ و اگر ایشان ایمان می آوردند و تقوی میکردند هر آینه ثواب نزدیک خدا بهتر بودی کاش میدانستند
هوات بود آن بود که در مجلس پیغامبر آمده لفظ راعنا میگفتند و این را دو معنیست یکی آنکه رعایت کن ما را و شفقت
بر ما کن و دوم رعونت دارنده یعنی احمق و قصد ایشان این بود حق سبحانه و تعالی مسلمانان را ازین کلمه نهی کرد و برای سد باب
فساد اشارت بهمین معنیست درین آیه یَا اَیُّهَا الَّذِینَ اٰمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انْظُرْنَا
وَاسْمَعُوا وَلِلْکَافِرِینَ عَذَابٌ اَلِیمٌ ۝ ای مومنان مگوئید راعنا و گوئید انظرنا و نیک بشنوید و کافران را
عذاب درد دهنده مَا یَوَدُّ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ اَهْلِ الْکِتَابِ وَلَا الْمُشْرِکِینَ اَنْ یُنَزَّلَ عَلَیْکُمْ مِنْ خَیْرٍ
مِنْ رَبِّکُمْ وَاللّٰهُ یَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ یَشَاءُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ ۝ دوست نمیدارند آنانکه
کافر شدند از اهل کتاب و مشرکان که فرود آورده شود بر شما هیچ نیکی از پروردگار شما و خدا مخصوص میکند بخشایش خود
هر کرا خواهد و خداوند فضل بزرگست مَا نَنْسَخْ مِنْ اٰیَةٍ اَوْ نُنْسِهَا نَاْتِ بِخَیْرٍ مِنْهَا اَوْ مِثْلِهَا اَلَمْ تَعْلَمْ
اَنَّ اللّٰهَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ ۝ هر چه نسخ میکنیم از آیتی یا فراموش میگردانیم آن را می آریم بهتر از وی یا مانند وی
آیا نمیدانستی که خدا بر همه چیز تواناست مترجم گوید درین آیت تعریض است بجواب یهود که انکار نسخ میکردند [illegible]

ألم تعلم أن الله له ملك السموات والارض وما لكم من دون الله من ولي
ولا نصير • ای آیا نمیدانی که خدا راست بادشاهی آسمانها و زمین ونیست شمارا بجز وی هیچ دوست
و نه یاری دهنده ام تريدون ان تسئلوا رسولكم كما سئل موسى من قبل ومن يتبدل
الكفر بالايمان فقد ضل سواء السبيل • ایا میخواهید که سوال کنید بغامبر خود را چنانکه سوال کرده
شد موسی بیش ازین وهر که بستاند کفر را عوض ایمان بس هر اینه گم کرد راه میانه را • ود كثير من اهل الكتب
لو يردونكم من بعد ايمانكم كفارا حسدا من عند انفسهم من بعد ما تبين لهم الحق
فاعفوا واصفحوا حتى ياتي الله بامره ان الله على كل شيء قدير • دوست داشتند بسیاری
از اهل کتاب که کافر گردانند شمارا بعد از ایمان شما از حسد از نزدیک نفس خود بس از انکه واضح شد برایشان حق
در گذرانید و رو بگردانید تا انکه آرد خدا حکم خود را یعنی امر کند بجهاد و ایشان هر اینه خدا بر همه چیز توانا
واقيموا الصلوة واتوا الزكوة وما تقدموا لانفسكم من خير تجدوه عند الله ان الله
بما تعملون بصير • و بر با دارید نماز را و بدهید زکوة را و انچه بیش می فرستید برای نفسهای خود از نکوکاری
خواهید یافت آنرا نزد خدا هر اینه خدا بانچه میکنید بیناست • وقالوا لن يدخل الجنة الا من كان
هودا او نصارى تلك امانيهم قل هاتوا برهانكم ان كنتم صدقين • و گفتند هرگز به بهشت
در نیاید مگر آنکه یهود باشد یا ترسا باشد و این آرزوهای باطلۀ ایشانست بگو آرید دلیل خود را اگر هستید
راست گوی بلى من اسلم وجهه لله وهو محسن فله اجره عند ربه ولا خوف عليهم ولا هم
يحزنون • بلی هر که منقاد کرد روی خود را برای خدا و وی نکوکار باشد بس او راست مزد او نزد بروردگار
خویش و نیست ترس برایشان و نه ایشان اندوهگین شوند دیگر از مقولات یهود اهل کتاب آن بود که هر فرقه
از یهود و نصاری دیگر را انکار میکرد و اشارت بهمین معنی هست در این آیة وقالت اليهود ليست
النصارى على شيء وقالت النصارى ليست اليهود على شيء وهم يتلون الكتب كذلك
قال الذين لا يعلمون مثل قولهم فالله يحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون
گفتند یهود نیستند ترسایان بر هیچ چیز و گفتند ترسایان نیستند یهود بر هیچ چیز و ایشان همه میخوانند کتاب

ثلث

همچنین گفتند آنانکه نمیدانند یعنی مشرکان گفتند مانند قول ایشان پس خدا حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه
اختلاف میکنند در آن وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا
أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ وکیست ستمکارتر از آنکه منع کرد مسجدهای خدا را از آنکه یاد کرده
شود نام خدا در وی و کوشش کرد در ویرانی آنها این گروه نمی سزد ایشان را که در آیند بمسجد مگر ترسان ایشان راست
فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ایشان راست در دنیا خواری و ایشان راست در آخرت
عذاب بزرگ در این آیة تعریض بکفار مکه و بشارت است بمغلوب شدن ایشان والله اعلم و دیگر از هفوات یهود
آن بود که چون استقبال بیت المقدس منسوخ شد استهزا میکردند بهمین معنی در این آیة وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ
فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ و خدا راست مشرق و مغرب پس بهر سو که روی آرید
همانجاست روی خدا هر آینه خدا فراخ نعمت داناست و دیگر از هفوات جهودان آن بود که یهود عزیر را و
نصاری عیسی را پسر خدا میگفتند خدای تعالی نازل کرد وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ و گفتند بگرفت خدا فرزند را پاکی او راست بلکه او راست آنچه در آسمانها و زمین
هر کسی برای وی فرمانبردارانند بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ
آفریننده آسمانها و زمین است و چون حکم کند کاری پس جز این نیست که میگوید او را بشو پس میشود وَقَالَ
الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَٰلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ
قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ و گفتند آنانکه هیچ نمیدانند یعنی مشرکان
چرا با ما سخن نمیگوید خدا یا نمی آید بما نشانه همچنین گفتند کسانیکه پیش از ایشان بودند مانند قول ایشان یکدیگر
ماننده است دلهای ایشان هر آینه بیان کردیم نشانها برای گروهی که یقین میکنند إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ
بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ هر آینه ما فرستادیم ترا براستی مژده دهنده
و بیم کننده و پرسیده نخواهند شد ترا از اهل دوزخ وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ
حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ
الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ و هرگز خشنود نشوند از تو یهود

ونه ترسایان تا آنکه پیروی کنی کیش ایشان را بگو بدرستی که هدایت خدا همانست هدایت واگر پیروی کردی آرزوهای خود

باطل ایشان را بس آنچه آمده است بتو از دانش باشد ترا برای خلاص از عذاب خدای هیچ دوستی و نه یاری دهنده

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝

آنانکه دادیم ایشانرا کتاب یعنی توریت میخوانند آنرا حق خواندن آن ایشان باور میدارند بهدایت خدا و هرکه

منکر وی باشد پس ایشانند زیانکار یعنی آنانکه توریت را می فهمند تصدیق شریعت محمدیه می کنند و آنانکه

تصدیق آن نمی کنند توریت را نفهمیده اند يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي

فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ۝ یا بنی اسرائیل یاد کنید نعمت مرا که انعام کرده ام بر شما و آنکه فضل دادم شما را بر

عالمیان وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنفَعُهَا شَفَاعَةٌ

وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۝ و حذر کنید از آن روز که کفایت نکند کسی از کسی چیزی را و نه پذیرفته شود از کسی بدل

شود نه سود دهد او را شفاعت و نه ایشان یاری داده شوند مترجم گوید ازینجا تا سیقول السفهاء خدای تعالی

اثبات پیغمبری و نبوت پیغامبر ما صلی الله علیه وآله وسلم از قصه دعاء حضرت ابراهیم که در توریت مذکور

و ترجیح میدهد ملت حنیفه را که حضرت پیغامبر ما برای آن مبعوث اند و رد میکند قول یهود را که حضرت یعقوب

بیهود وصیت کرده است و از تفریق در انبیای پیغمبر ما یعنی معتقد بعضی باشند و منکر بعضی وَإِذِ ابْتَلَىٰ

إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِن ذُرِّيَّتِي

قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ۝ و یاد کن چون بیازمود ابراهیم را پروردگار او بسخنی چند پس ابراهیم

بانجام رسانید آنها را گفت خدا هر آئینه من میگردانم ترا پیشوای مردمان گفت ابراهیم و از اولاد من نیز پیشوایان

بکن فرمود نرسد وعده من بظالمان وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن

مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ

وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ۝ و آنگاه که ساختیم کعبه را مرجع مردمان و محل امن و بگیرید نمازگاه از جای قدم

و وحی فرستادیم بسوی ابراهیم و اسمعیل که پاک سازید خانه مرا برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان

و رکوع و سجود کنندگان وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَٰذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ

مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ

عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ و آنگاه که گفت ابراهیم ای پروردگار من بساز این مکان را شهری با امن

و روزی ده ساکنان وی را از میوه ها روزی ده آنرا که ایمان آرد از ایشان بخدا و بروز بازپسین فرمود خدای

و کسیکه کافر شود بهره مند گردانمش اندکی پس بیچاره گردانم او را بسوی عذاب آتش و وی بد جای است

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ

الْعَلِيمُ ۝ و آنگاه که بلند میکردند ابراهیم و اسمعیل بنیادهای خانه را گفتند ای پروردگار ما قبول کن از ما هر آینه

توی شنوا دانا رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا

مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۝ ای پروردگار ما و بکن ما را فرمان بردار خود

و از اولاد ما بکن گروهی منقاد خودت و نما ما را طریق عبادتهای ما و مهربانی باز آی بر ما هر آینه توی باز آینده

مهربان رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ ای پروردگار ما بفرست در میان ایشان پیغامبری از ایشان

تا خواند برایشان آیتهای تو و بیاموزد ایشان را کتاب و علم و پاک کند ایشانرا هر آینه توی توانا دانا وَمَنْ

يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ

فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ۝ و کیست که رو بگرداند از کیش ابراهیم مگر آنکه نشناخت نفس خود را و هر آینه

برگزیدیم او را در این سرا و هر آینه او در سرای دیگر از نیکان است إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ

أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ آنگاه که گفت او را پروردگار او که منقاد شو گفت او

منقاد شدم پروردگار عالمها را وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ

إِنَّ اللّٰهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۝ و وصیت کرد باین کلمه

ابراهیم پسران خود را و یعقوب نیز فرزندان را ای فرزندان من هر آینه خدا برگزیده است

برای شما این دین را پس نمیرید مگر مسلمان شده أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ

إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلٰهَكَ وَإِلٰهَ آبَائِكَ

ابراهیم

ابراهیم و اسمعیل و اسحق الها واحدا و نحن له مسلمون ● ایا حاضر بودید انگاه که بنزدیک امد یعقوب را اثار
موت انگاه که گفت فرزندان خود را چه چیز را عبادت خواهید کرد بعد از من گفتند عبادت کنیم آن معبود یگانه را و ما
او را منقادیم تلک امة قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم و لا تسئلون عما کانوا یعملون ●
این گروهیست که در گذشت وی راست انچه کردند و شما راست انچه کردید و شما پرسیده نخواهید شد از انچه ان گروه
می کردند و قالوا کونوا هودا او نصاری تهتدوا قل بل ملة ابراهیم حنیفا و ما کان من المشرکین ●
و گفتند شوید جهود یا ترسا تا راه یابید بگو بلکه پیروی میکنیم ملت ابراهیم که حنیف بود و نبود از اهل شرک
قولوا امنا بالله و ما انزل الینا و ما انزل الی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب
و الاسباط و ما اوتی موسی و عیسی و ما اوتی النبیون من ربهم لا نفرق بین احد منهم
و نحن له مسلمون ● بگوئید ایمان آوردیم بخدا و بانچه فرود آورده شد بسوی ما و بانچه فرود آورده شد بسوی
ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و بانچه داده شد موسی و عیسی را و بانچه داده شدند پیغامبران
از پروردگار خویش تفریق نمیکنیم درمیان هیچکس از ایشان و ما حق و جل را منقادیم فان امنوا بمثل
ما امنتم به فقد اهتدوا و ان تولوا فانما هم فی شقاق فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم
پس اگر باور دارند اهل کتاب انچه باور داشتید شما پس راه یافتند و اگر برگشتند پس جز این نیست که ایشان در
زد و باشند که کفایت کند خدا بانتقام تو ایشان را و اوست شنوا دانا صبغة الله و من احسن
من الله صبغة و نحن له عابدون ● قبول کردیم رنگ خدا یعنی دین او را و کیست بهتر از خدا باعتبار
رنگ و ما او را پرستندگانیم قل اتحاجوننا فی الله و هو ربنا و ربکم و لنا اعمالنا و لکم
اعمالکم و نحن له مخلصون ● بگو ایا مکابره میکنید با ما در باب خدا و او پروردگار ما و شماست و ما راست
کردارهای ما و شما راست کردارهای شما و ما او را باخلاص پرستندگانیم ام تقولون ان ابراهیم و
اسمعیل و اسحق و یعقوب و الاسباط کانوا هودا او نصاری قل ءانتم اعلم ام الله و من
اظلم ممن کتم شهادة عنده من الله و ما الله بغافل عما تعملون ● ایا می گوئید که هرآینه ابراهیم
اسمعیل و اسحاق و یعقوب و پیغمبران او جهود بودند یا ترسا بودند بگو شما دانا ترید یا خدا و کیست ستمکارتر از انکه

الجزء الثاني

بوشیدان گواهی را که نزدیک اوست از جانب خدا و نیست خدا بیخبر از انچه میکنید تلك امة قد خلت لها
ما كسبت ولكم ما كسبتم ولا تسئلون عما كانوا يعملون ۝ این گروهی است که در گذشت و بر اوست
انچه کردند و شما راست انچه شما کردید و پرسیده نخواهید شد از انچه ایشان میکردند مترجم گوید چون انحضرت صلی الله
علیه واله وسلم بمدینه هجرت فرمود شانزده ماه یا هفده ماه بطرف بیت المقدس نماز میگزارد و آرزو می کرد که خدا تعالی
کعبه را قبله وی سازد خدای تعالی نازل کرد قد نری تقلب وجهك الخ بعد ازان جواب شبهه سفها درین مسئله نازل کرد
سیقول السفها بعد ازان امر فرمود بصبر و مشاق جهاد و در بسیاری از احکام توحید و قصاص و حج و صوم
و صدقه و نکاح و طلاق که اهل جاهلیت تحریف کرده بودند و رعایت انصاف نمی کردند بیان حقیقت حال فرمود
و در دو ابطال شبهات مخالفین کرد و سوالهای ایشان را جواب داد و این سیاق ممتد است تا الم تر الی الذین خرجوا
سيقول السفهاء من الناس ما ولىهم عن قبلتهم التي كانوا عليها قل لله المشرق
والمغرب يهدي من يشاء الى صراط مستقيم ۝ خواهند گفت بیخردان از مردم چه چیز برگردانید
ایشان را از ان قبله ایشان که بودند بران یعنی از بیت المقدس بگو خدا راست مشرق و مغرب راه مینماید هر کرا
خواهد بسوی راه راست وكذلك جعلناكم امة وسطا لتكونوا شهداء على الناس ويكون
الرسول عليكم شهيدا ۝ و همچنین ساختیم شما را گروهی مختار تا گواه باشید بر مردمان و تا باشد رسول گواه
بر شما وما جعلنا القبلة التي كنت عليها الا لنعلم من يتبع الرسول ممن ينقلب على
عقبيه وان كانت لكبيرة الا على الذين هدى الله وما كان الله ليضيع ايمانكم
ان الله بالناس لرءوف رحيم ۝ و مقرر نکردیم آن قبله را که بودی بران یعنی بیت المقدس مگر برای
آنکه بدانیم کسی را که پیروی پیغامبر کند جدا از انکه باز گردد بر هر دو پاشنه خود یعنی انچه در سابق علم الهی مقرر شده
آنست که قبله امت محمد مصطفی صلی الله علیه واله وسلم کعبه باشد و توجه به بیت المقدس بکنید بنابر حکمت امتحان است
و هر آئینه هست این خصلت دشوار مگر بر آنان که ایشان را راه نموده است خدا و خدا ضایع نمیسازد گرویدن
شما را هر آئینه خدا بمردمان بخشاینده مهربان است قد نرى تقلب وجهك في السماء فلنولينك
قبلة ترضاها فول وجهك شطر المسجد الحرام وحيث ما كنتم فولوا وجوهكم

شطره وان الذين اوتوا الكتب ليعلمون انه الحق من ربهم وما الله بغافل
عما يعملون • بتحقيق مي بينيم گشتن روي تو در جانب آسمان يعني بتوقع نزول استقبال كعبه پس البته متوجه گردانيم ترا
بآن قبله كه خشنود شوي بوي پس متوجه گردان روي خود را بسوي مسجد حرام و هرجا كه باشيد متوجه گردانيد رويهاي خويش را
بطرف وي و هر آئينه اهل كتاب مي دانند كه اين راست است از پروردگار ايشان و نيست خدا بيخبر از آنچه مي كنند
ولئن اتيت الذين اوتوا الكتب بكل اية ما تبعوا قبلتك وما انت بتابع قبلتهم
وما بعضهم بتابع قبلة بعض ولئن اتبعت اهواءهم من بعد ما جاءك من العلم
انك اذا لمن الظلمين • و هر آئينه اگر بياري پيش اهل كتاب هر نشانه هرگز پيروي نكنند قبله ترا و نيستي تو پيروي كننده
قبله ايشان و نيستند بعض ايشان پيروي كننده قبله بعض ديگر و اگر تو پيروي كني خواهشهاي نفساني ايشانرا بعد از آنچه آمده است
بتو از دانش هر آئينه تو باشي آنگاه از ستمكاران الذين اتينهم الكتاب يعرفونه كما يعرفون ابناءهم ١٧ ع
وان فريقا منهم ليكتمون الحق وهم يعلمون • كسانيكه داده ايم ايشانرا كتاب مي شناسند وي را يعني
حقيقت استقبال كعبه را چنانكه مي شناسند فرزندان خويش را و هر آئينه گروهي از ايشان مي پوشند حق را دانسته
الحق من ربك فلا تكونن من الممترين • اين درست است از پروردگار تو پس مباش از شك آرندگان
ولكل وجهة هو موليها فاستبقوا الخيرات اينما تكونوا يأت بكم الله جميعا ان الله على
كل شيء قدير • و هر كسي را جانبي است كه وي متوجه آنست پس شتاب كنيد بسوي نيكيها هرجا كه باشيد بيارد
شما را خدا جمع ساخته هر آئينه خدا بر همه چيز تواناست ومن حيث خرجت فول وجهك شطر المسجد
الحرام وانه للحق من ربك وما الله بغافل عما تعملون • و هرجا كه روي پس متوجه كن روي خود را
جانب مسجد حرام و هر آئينه وي راست است از پروردگار تو و نيست خدا بيخبر از آنچه مي كنيد ومن حيث
خرجت فول وجهك شطر المسجد الحرام وحيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره لئلا
يكون للناس عليكم حجة الا الذين ظلموا منهم فلا تخشوهم واخشوني ولاتم نعمتي
عليكم ولعلكم تهتدون • و هرجا كه روي پس متوجه كن روي خود را جانب مسجد حرام و هرجا كه باشيد متوجه كنيد
روي خويش را جانب وي تا نباشد مردمان را الزام بر شما مگر آنكه ستم كرده اند از جماعه پس مترسيد از ايشان و بترسيد از من

و تا تمام کنم نعمت خود را بر شما و تا بود که راه یابید مترجم گوید در توریت مذکور است که امتی از بنی اسمعیل پیدا خواهد شد
که تعظیم کعبه کنند پس توجه آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم بکعبه حجت باهره است بر صدق نبوت آنحضرت بنزدیک احبار یهود
اگرچه سفهاء یهود طعن کنند که قبله انبیا را گذاشت والله اعلم كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ
آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ۝ چنانکه فرستادیم
پیغامبری در میان شما از قوم شما می خواند بر شما آیتهای ما و پاک میسازد شما را و می آموزد شما را کتاب و علم و می آموزد شما را
آنچه نمی دانستید فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ۝ پس یاد کنید مرا تا یاد کنم شما را و سپاس مع ٣ ع ١٥
کنید مرا و ناسپاسی مکنید مترجم گوید بعد ازین خدای تعالی امر میفرماید بصبر بر شنفتن جهاد و ثواب صبر ذکر می کند
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ۝ ای مسلمانان مدد جوید
در تحصیل ثواب آخرت بصبر و نماز هر آئینه خدا با صابران است وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ
بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ ۝ مگوئید کسی را که کشته شود در راه خدا که ایشان مردگانند بلکه ایشان
زنده اند ولیکن شما آگاه نمی شوید وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ
وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ۝ هر آئینه بیازمائیم شما را بچیزی از ترس و گرسنگی و نقصان
مالها و جانها و میوه‌ها و بشارت ده صابران را الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ
إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ۝ آنانکه چون برسد بدیشان سختی گویند هر آئینه ما ازان خدائیم و هر آئینه ما بسوی وی
باز خواهیم گردید أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ۝
این گروه بر ایشان است درودها از پروردگار ایشان و بخشایش و ایشانند راه یافتگان مترجم گوید که بعض
اهل اسلام صفا و مروه را از شعایر طواغیت گمان کرده ازان دست باز داشتند پس نازل شد این آیت
إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ
بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ۝ هر آئینه صفا و مروه از نشانهای خداست پس هر که
حج خانه کند یا عمره بجا آرد پس بزه نیست بروی در آنکه طواف کند در میان این هر دو و هر که نیکی بجا آرد پس خدا
قبول کننده داناست إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ

للناس

للناس في الكتاب أولئك يلعنهم الله ويلعنهم اللاعنون ● هر آينه آنانكه مى پوشند آنچه فرود
آورده ايم از سخنان روشن و هدايت بعد از آنكه بيان كرديم آنرا براى مردمان در كتاب آن گروه لعنت ميكند ايشانرا
خدا و لعنت ميكنند ايشانرا لعنت كنندگان إلا الذين تابوا وأصلحوا وبينوا فأولئك أتوب
عليهم وأنا التواب الرحيم ● مگر آنانكه توبه كردند و نيكوكارى پيش گرفتند و بيان كردند پس اين گروه
وعيد كفار بمهربانى باز ميگردم بر ايشان و منم باز گردنده مهربان إن الذين كفروا وماتوا وهم كفار أولئك عليهم
لعنة الله والملائكة والناس أجمعين ● هر آينه آنانكه كافر شدند و كافر مردند آن گروه بر ايشانست لعنت
خدا و فرشتگان و مردمان همه خالدين فيها لا يخفف عنهم العذاب ولا هم ينظرون ● هميشه
باشند در آن لعنت و سبك كرده نشود از ايشان عذاب و نه ايشان مهلت داده شوند وإلهكم إله واحد
١٩ ع ١١ لا إله إلا هو الرحمن الرحيم ● و معبود شما يگانه است نيست هيچ معبود بجز وى بخشاينده مهربانست إن
في خلق السماوات والأرض واختلاف الليل والنهار والفلك التي تجري في البحر بما ينفع
الناس وما أنزل الله من السماء من ماء فأحيا به الأرض بعد موتها وبث فيها من كل دابة
وتصريف الرياح والسحاب المسخر بين السماء والأرض لآيات لقوم يعقلون ● هر آينه در آفرينش
آسمانها و زمين و آمد و شد شب و روز و آن كشتى كه ميرود در دريا با آنچه سود ميدهد مردم را يعنى تجارات و
در آنكه فرود آورد خدا از آسمان آب پس زنده ساخت بسبب وى زمين را پس از مردن وى و پراكنده ساخت
در زمين هر نوع جنبنده و در گردانيدن بادها و در ابر رام كرده شده ميان آسمان و زمين هر آينه نشانهاست
آن گروه را كه در مى يابند ومن الناس من يتخذ من دون الله أندادا يحبونهم كحب الله
والذين آمنوا أشد حبا لله و از مردمان كسى هست كه ميگيرد بجز خدا همتايان را دوست ميدارند ايشانرا
مانند دوستى خدا و كسانيكه ايمان آورده اند قوى تر اند در دوستى خدا ولو يرى الذين ظلموا إذ يرون
العذاب أن القوة لله جميعا وأن الله شديد العذاب ● و عجب كند بيننده اگر بيند كسانى را
كه ستم كردند در آن حالت كه معاينه كنند عذاب را بسبب آنكه توانائى خدا راست تمام آن و بسبب آنكه خدا سخت عقوبتست
إذ تبرأ الذين اتبعوا من الذين اتبعوا ورأوا العذاب وتقطعت بهم الأسباب ●

درانحالت که بیزار شوند پیشوایان کفر از تابعان و ببینند عذاب را و بریده شود به نسبت ایشان همه اسباب یعنی وسیلها
وقال الذين اتبعوا لو ان لنا كرة فنتبرأ منهم كما تبرءوا منا كذلك يريهم الله اعمالهم
حسرات عليهم وما هم بخارجين من النار ۝ و گویند پیروی کنندگان کاش ما را باز گشتنی باشد
تا بیزاری کنیم از آن پیشوایان چنانکه بیزار شدند ایشان از ما همچنین نماید خدا در نظر ایشان کردارهای
ایشان را پشیمانیها بر ایشان و نیستند ایشان بیرون آیندگان از دوزخ مترجم گوید اهل جاهلیت چیزها
از نزد خویش حرام ساخته بودند مانند بحیره و سوایب خدای تعالی در رد ایشان نازل کرد یا ایها الناس
كلوا مما في الارض حلالا طيبا ولا تتبعوا خطوات الشيطان انه لكم عدو مبين ۝ ای مردمان
بخورید حلال پاکیزه را از آنچه در زمین است و پیروی مکنید گامهای شیطان را هر آئینه او شما را دشمن آشکاراست
انما يأمركم بالسوء والفحشاء وان تقولوا على الله ما لا تعلمون ۝ جز این نیست که میفرماید شما را
به بدکاری و بیحیایی و بانکه افترا کنید بر خدا آنچه نمی‌شناسید واذا قيل لهم اتبعوا ما انزل الله
قالوا بل نتبع ما الفينا عليه آباءنا اولو كان آباؤهم لا يعقلون شيئا ولا يهتدون ۝
و چون گفته شود ایشان را پیروی کنید آنرا که فرود آورده است خدا گویند بلکه پیروی میکنیم چیزی را که یافته ایم
بروی پدران خویش را یعنی تقلید می‌کنند اگر چه پدران ایشان نمی‌فهمیدند چیزی را و راه نمی‌یافتند ومثل
الذين كفروا كمثل الذي ينعق بما لا يسمع الا دعاء ونداء صم بكم عمي فهم لا يعقلون ۝
و داستان پند دادن کافران مانند حال کسی است که بانگ میزند آنچیز را که نمی‌شنود مگر خواندن و آواز
بلند کردن کافران کرانند گنگانند کورانند پس ایشان هیچ نمی‌فهمند یا ایها الذين امنوا كلوا من
طيبات ما رزقناكم واشكروا لله ان كنتم اياه تعبدون ۝ ای مسلمانان بخورید از پاکیزه‌ها
آنچه روزی دادیم شما را و سپاس گوئید خدا را اگر او را می‌پرستید انما حرم عليكم الميتة والدم
ولحم الخنزير وما اهل به لغير الله فمن اضطر غير باغ ولا عاد فلا اثم عليه
ان الله غفور رحيم ۝ جز این نیست که حرام کرده است بر شما مردار را و خون را و گوشت خوک را و آنچه
آواز بلند کرده شود در ذبح وی بغیر خدا پس هر که بیچاره شود نه تعدی کننده و نه از حد در گذرنده پس گناه نیست

بروی یعنی در خوردن این چیزها هر آئینه خدا آمرزنده مهربان است مترجم گوید اگر گوئی که درین آیت حصر کرده شده
تحریم را در اشیاء مذکوره حالانکه در حدیث سباع و حمار و مانند آن را نیز حرام شمرده شده است پس وجه تطبیق
چه باشد گوئیم حصر اضافی است بنسبت بحایره و سوائب که حرام میداشتند پس در بهیمة الانعام هیچ چیز حرام نیست
غیر اشیاء مذکوره و در خبائث و سباع و مانند آن سخن نداشتند والله اعلم إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ
مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ
إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ◉ هر آئینه کسانیکه
می پوشند آنچه فرود آورده است خدا از کتاب و می ستانند عوض وی بهای اندک آن جماعه نمی خورند در شکمهای خود
مگر آتش و سخن نگوید با ایشان خدا روز قیامت و نه پاک کند ایشان را و ایشان راست عذاب درد دهنده
أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ◉
ایشانند آنانکه خرید کردند گمراهی را عوض هدایت و عذاب را عوض آمرزش پس چه شکیبا اند ایشان بر دوزخ
الربع ۹ ع ۲۱ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ◉
اینهمه بسبب آنست که خدا فرود آورد کتاب را براستی و هر آئینه آنانکه اختلاف کردند در آن کتاب در مخالفت
دور اند از صواب لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَٰكِنَّ الْبِرَّ
مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ
ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ
الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ
وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ◉ نیست نیکوکاری آنکه
متوجه کنید روی خود را بطرف مشرق و مغرب یعنی توجه بجهت مشرق و مغرب چنانکه یهود و نصاری
زعم میکنند نیکوکاری نیست بلکه منسوخ شده است لکن صاحب نیکوکاری آنست یعنی صاحب آن نیکوکاری
که ملتها در آن اختلاف ندارند آنست که باور دارد خدا را و روز قیامت را و فرشتگان و کتاب و پیغامبران را
و بدهد مال را با وجود دوست داشتن آن مال خداوندان خویشی را و یتیمان را و فقیران را و مسافران را و سوال کنندگان را

وخرج کند در باب بردها یعنی در آزادی بندگان یا خلاصی مکاتب و برپا دارد نماز را و بدهد زکوة را و وفا کنندگان
بر عهد خویش چون عهد کنند و مدح میکنم صبر کنندگان را در تنگدستی و سختی و بوقت کارزار ایشانند راستگوی
و ایشانند پرهیزگاران يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ
وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَى بِالْأُنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ
وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَٰلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُ
عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ ای مسلمانان لازم کرده شد بر شما قصاص در کشتگان یعنی اعتبار مماثله در کشتگان آزاد
در مقابله آزاد است یعنی مثل اوست در حکم و بنده در مقابله بنده یعنی مثل اوست و زن در مقابله زن
پس کسی که درگذاشته شد او را چیزی از خون برادرش یعنی چیزی از خون مسلمان مقتول پس حکم او پیروی
کردن است بنکوئی یعنی ولی دم بحسن معامله مطالبه کند نه بدرشتی و خون بها است بوی بخوشخوئی یعنی قاتل بخوشخوئی
ادا نماید نه بصعوبت این حکم سبک کردن است از پروردگار شما و مهربانی است پس هر که از حد گذرد
بعد ازین وی راست عذاب درد دهنده وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ و شما را بسبب قصاص زندگانی است ای خداوندان خرد تا باشد که پرهیزگاری کنید
مترجم گوید اهل جاهلیت شریف را در مقابله وضیع نمی کشتند و در مقابله شریف چند کس از وضیع
می کشتند خدای تعالی نازل فرمود که حکم الهی اعتبار مماثله است در اجناس کشتگان باین معنی که احرار را
حکم جدا است که هر حر مثل حر دیگر است در ان حکم و عبد را حکم جدا است که هر عبد مثل عبد دیگر است و امتیاز
حکم زنان در باب دیات است نه در باب قود پس هر فردی ازین اجناس مساوی است با فرد دیگر هر چند
بعضی شریف باشد و بعضی وضیع بعضی جمیل و بعضی ذمیم بعضی مالدار بعضی فقیر و سنت زیاده کرده است
دو جنس دیگر که مسلمان در مقابله مسلمان است و کافر در مقابله کافر پس اگر بعض ورثه عفو کنند یا از گذشته [خونبها]
قبول نمایند ولی دم را باید که بحسن معامله مطالبه کند نه بدرشتی و قاتل را باید که بخوشخوئی ادا کند نه به بدخوئی
كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ
بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ۝ لازم کرده شد بر شما وقتی که موت پیش آید کسی را از شما اگر مال بگذارد

و وصیت کردن برای پدر و مادر و نزدیکان بنکوئی لازم شد این کار بر متقیان فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا
سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ پس هر که بدل کند وصیت بعد از انکه
شنیدش پس جز این نیست که گناه تبدیل بر ان کسان است که بدل میکنند آن وصیت را هر آینه خدا شنوا و دانا است
فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝
پس هر که دریابد از وصیت کنندگان ظلمی یا گناهی پس صلاح آرد درمیان ایشان پس هیچ گناه نیست بر وی
هر آینه خدا آمرزنده مهربان است مترجم گوید حکم وصیت منسوخ است بآیه مواریث يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ ای کسانیکه ایمان آورده اید
لازم کرده شد بر شما روزه داشتن چنانکه لازم کرده شد بر کسانیکه پیش از شما بودند تا باشد که پرهیزکاری
کنید أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى
الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا
خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ روزه داشتن در روز چند شمرده شده پس هر که باشد از شما بیمار یا مسافر
پس لازم است شمار آن از روزهای دیگر و لازم است بر آنانکه میتوانند روزه داشتن یعنی و نمیدارند فدیه
که عبارت از خوراک یک درویش است پس هر که بجا آرد نیکی این بهتر است او را و انکه روزه دارید بهتر است شما را
اگر میدانید مترجم گوید مضمون این آیه تخییر است در صوم و فدیه و این معنی منسوخ است بآیتی که متصل می آید
مترجم گوید که شاید که معنی آیه چنین باشد و واجب است بر آنانکه می توانند داد فدیه را دادن فدیه که عبارت
از طعام یک درویش است مراد صدقه الفطر است و سنت از ا مقدر کرده است بیک صاع یا نیم صاع از
گندم پس آیه محکم باشد نه منسوخ و شاید که معنی آیه چنین باشد و واجب است بر آنانکه می توانند قضا کردن یعنی
قضا و نکردند تا آنکه رمضان دیگر آید والله اعلم فدیه دادن که عبارت از طعام یک مسکین است و آن مقدر است
بیک صاع مد و این حکم منقول است از قاسم و سعید بن جبیر و همین است مذهب شافعی و در ینصورت نیز محکم است
غیر منسوخ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى
وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ

اَيَّامٍ اُخَرَ يُرِيدُ اللّٰهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللّٰهَ
عَلٰى مَا هَدٰكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ ماه رمضان آنست که فرود آورده شد دروی قرآن راهنما برای
مردمان وسخنان روشن از هدایت واز جدا کردن حق وباطل یعنی در رمضان یک دفع از لوح محفوظ بآسمان
دنیا فرود آمد واز آنجا بدفعات بران حضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرود آمد در چند سال پس هر که دریابد
از شما آن ماه را پس البته روزه دارد آن را وهر که بیمار باشد یا مسافر پس بروی لازم است شمار آنچه فوت شده
از روزهای دیگر میخواهد خدا بشما آسانی ونمی خواهد بشما دشواری ومیخواهید که تمام کنید شمار او بزرگی یاد
کنید خدا را بشکر آنکه راهنمود شما را وتا باشد که شاکر شوید وَاِذَا سَاَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَاِنِّي قَرِيبٌ
اُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ اِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ۝ وچون
استفسار کنند ترا بندگان من از حال من پس هر آینه من نزدیکم قبول میکنم دعا دعا کننده وقتی که دعا کند مرا
پس باید که فرمان برداری کنند برای من وباید که بگروند بمن تا باشد که راه یابند اُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ
الرَّفَثُ اِلٰى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَاَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللّٰهُ اَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ
اَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالْاٰنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللّٰهُ لَكُمْ
وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتّٰى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْاَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْاَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ اَتِمُّوا
الصِّيَامَ اِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَاَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللّٰهِ
فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ اٰيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ حلال کرده شد برای شما در شب روزه
مخالطت کردن با زنان خود ایشان بمنزله پوشش اند شما را وشما بجای پوشش اید ایشان را دانست خدا
که شما خیانت میکردید در حق خویشتن پس بمهربانی بازگشت بر شما ودرگذشت از شما پس الحال مخالطت کنید
با زنان وطلب کنید آنچه مقدر کرده است خدای برای شما یعنی اولاد وبخورید وبنوشید تا آنکه روشن شود برای شما
رشته سفید از رشته سیاه مراد از رشته سفید فجر است پس از آن تمام کنید روزها را تا شب ومباشرت مکنید
زنان را درحالیکه معتکف باشید در مسجدها اینها منهیات خداست پس نزدیک مشوید بآنها همچنین بیان میکند
خدا آیتهای خود را برای مردمان باشد که پرهیزگاری کنند وَلَا تَاْكُلُوا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ

وتدلوا بها

وتدلوا بها الى الحكام لتاكلوا فريقا من اموال الناس بالاثم وانتم تعلمون ۝ و مخورید اموال
خویش را در میان خویش بناحق و مرسانید اموال خود را بحاکمان یعنی برشوت تا بخورید پاره از اموال مردمان
بستم دانسته مترجم گوید ظاهر نزدیک این بنده آنست که سوال کردند از شهر حج که شوال و ذی قعده و ده روز
از ذی حجه باشد که ایا حج موقت ست با هلها یا نه و یکی از تحریفات جاهلیه آن بود که در حال احرام از بالای
دیوار جسته و یا از نقب دیوار گذشته بخانه می آمدند و از راه دروازه نمی آمدند پس نازل شد این آیت
یسالونك عن الاهلة قل هی مواقیت للناس والحج ولیس البر بان تاتوا البیوت
من ظهورها ولكن البر من اتقى واتوا البیوت من ابوابها واتقوا الله لعلكم
تفلحون ۝ میپرسند ترا از ماهها یعنی از شهر حج بگو اینها میعاد اند برای مردمان و برای حج یعنی تا مردمان
احرام حج بندند در اینها و نیست نیکوکاری آنکه در آئید در خانه در حالت احرام از پس پشت آنها و لیکن نیکوکار
آنست که پرهیزکاری کند و در آئید در خانها از راه دروازه و حذر کنید از خدا تا باشد که رستگار شوید
وقاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونكم ولا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین ۝ و جنگ کنید
در راه خدا با آنکه جنگ می کنند با شما و از حد مگذرید هر آئینه خدا دوست ندارد از حد گذرندگان را واقتلوهم
حیث ثقفتموهم واخرجوهم من حیث اخرجوكم والفتنة اشد من القتل ولا
تقاتلوهم عند المسجد الحرام حتى یقاتلوكم فیه فان قاتلوكم فاقتلوهم
كذلك جزاء الكافرین ۝ فان انتهوا فان الله غفور رحیم ۝ و بکشید مشرکان را هر جا که
بیابید ایشان را و بیرون کنید ایشان را از آنجا که بیرون کردند شما را یعنی از مکه و غلبه شرک سخت ترست
از قتل یعنی در مقابله او قتل جایز ست و کارزار مکنید با ایشان نزدیک مسجد حرام تا آنکه کارزار کنند
با شما پس اگر بجنگند با شما پس بکشید ایشان را همچنین ست کافران پس اگر کافر باز مانند پس هر آئینه خدا
آمرزنده مهربان ست وقاتلوهم حتى لا تكون فتنة ویكون الدین لله فان انتهوا
فلا عدوان الا على الظالمین ۝ و بجنگید با ایشان تا آنکه نابود شود شرک و شود دین محض برای خدا
پس اگر باز مانند یعنی از شرک پس نیست دست درازی مگر بر ستمکاران الشهر الحرام بالشهر الحرام

وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا
اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ۝ ماه حرام عوض ماه حرام است و بزرگیها با یکدیگر عوض میشود
پس هر که تعدی کند بر شما پس دست درازی کنید بروی مانند دست درازی وی بر شما و حذر کنید از خدا و بدانید
که خدا با پرهیزکاران است وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا
إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۝ و خرج کنید در راه خدا و میفکنید خویشتن را بسوی هلاک و نیکوکاری کنید
هر آئینه خدا دوست میدارد نیکوکاران را حاصل این آیات آن است که در مسجد حرام ابتدا قتال نباید کرد و چون
کافران ابتدا کنند در مقابله ایشان باید جنگ کردن که اینمعنی با حرمت مسجد و شهر نزاع ندارد چنانکه ابتدا
کشتن مسلمانان درست نیست و اگر خون ناحق ریخته باشد قصاص میتوان گرفت فقیهان بسبب تصریح نکردند
که اقامت حربیان بمکه بعد فتح مکه بود نیست والله اعلم وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ [لِلَّهِ] فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ
فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ فَمَنْ كَانَ
مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا
أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ
أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ذَٰلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي
الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ و تمام کنید حج و عمره را ع ۲۴ ۸
برای خدا یعنی بشروع لازم میشوند پس اگر بازداشته شوید لازم است آنچه سهل باشد از قربانی و متراشید
سرهای خود تا آنکه رسد قربانی بجایش یعنی در حج رمی جمرة العقبه کنند بمنی و در عمره از سعی بین الصفا
والمروه فارغ شوند بمکه والله اعلم هر که باشد از شما بیمار یا او را رنجی باشد در سر او یعنی شپش باشد و تراشید
و باین سبب حلق کند پیش از محل والله اعلم پس لازم است عوض او روزه یا صدقه یا قربانی پس چون ایمن شدید
پس هر که بهره ور شد بسبب ادای عمره یعنی با مور ممنوعه احرام بهره شد تا وقت حج پس لازم است آنچه سهل باشد
از قربانی پس هر که نیابد پس لازم است روزه داشتن سه روز در وقت حج و هفت روز وقتی که
بازگردید از سفر این یک ده تمام است این حکم آنراست که نباشد قبیله وی باشنده مسجد حرام و حذر کنید از خدا

وبدانید که خدا سخت عقوبت است مترجم گوید درین آیات چند حکم مذکور شده است وجوب اتمام حج و عمره بعد از
شروع و حکم احصار و کفارت ارتکاب امور ممنوعه احرام بعذر مرض و ماهیت تمتع و وجوب قربانی بر متمتع
والله اعلم اَلْحَجُّ اَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ
فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللهُ وَتَزَوَّدُوا فَاِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوٰى وَاتَّقُونِ
يَا اُولِي الْاَلْبَابِ ۝ حج موقت است بماههای دانسته شده یعنی شوال و ذی القعده و عشره ذی الحجه پس هر که
لازم کرد بر خود درین ماهها حج را یعنی احرام بست پس مخالطت زنان جایز نیست در حج و نه بدکاری و نه
باهم مناقشه کردن و هر چه کنید از نیکی میداند او را خدا و توشه همراه گیرید پس هر آینه بهترین فواید توشه
پرهیزکاری است یعنی از سوال و دزدی و از من بترسید ای خداوندان خرد لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ
تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَاِذَا اَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ
وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدٰىكُمْ وَاِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ ۝ و نیست شما را گناهی که در آنکه طلب کنید
در موسم حج روزی را از پروردگار خویش یعنی تجارت پس آنگاه که باز گردید از عرفات پس یاد کنید خدا را
نزدیک مشعر حرام و یاد کنید او را بشکر آنکه راه نموده است شما را هر آینه بودید پیش ازین گمراهان ثُمَّ
اَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ اَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللهَ اِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ پس باز گردید از انجا
که باز گردند عامه مردمان یعنی از عرفات نه از مزدلفه چنانکه قریش تحریف کرده بودند والله اعلم و آمرزش
طلبید از خدا هر آینه خدا آمرزنده مهربان است فَاِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللهَ كَذِكْرِكُمْ
اٰبَاءَكُمْ اَوْ اَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْاٰخِرَةِ مِنْ
خَلَاقٍ ۝ پس چون ادا کردید ارکان حج خویش را پس یاد کنید خدا را یعنی در منی مانند یاد کردن شما پدران
خویش را بلکه زیاده تر یاد کردن پس از مردمان کسی هست که میگوید ای پروردگار ما بده ما را در دنیا و نیست
او را در آخرت هیچ نصیب وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً
وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۝ و از مردمان کسی هست که میگوید ای پروردگار ما بده ما را در دنیا نعمت و در آخرة
نعمت و محفوظ دار ما را از عذاب دوزخ اُولٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَاللهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ

النصف

این گروه ایشانراست بهره از ثواب آنچه بعمل آوردند یعنی از ثواب آخرت و خدا زود کننده حساب است
واذكروا الله في ايام معدودات فمن تعجل في يومين فلا اثم عليه ومن تاخر
فلا اثم عليه لمن اتقى واتقوا الله واعلموا انكم اليه تحشرون ۝ یاد کنید خدا را در چند روز
شمرده شده یعنی ایام منی پس کسیکه شتاب کوچ بکند در دو روز یعنی از منی پس گناه نیست بروی و آنکه
دیر ماند پس گناه نیست بروی مر آنرا که پرهیزکاری کند و بترسید از خدا و بدانید که شما بسوی وی برانگیخته خواهید شد
مترجم گوید بعد ازین خدای تعالی تصویر میفرماید حال کافر و مومن را والله اعلم ومن الناس من يعجبك
قوله في الحيوة الدنيا ويشهد الله على ما في قلبه وهو الد الخصام ۝ و از مردمان کسی است که بشگفت
می آرد ترا سخن او در باب زندگانی دنیا و گواه می آرد خدا را بر آنچه در دل اوست حال آنکه او سخت ترین ستیزندگان است
واذا تولى سعى في الارض ليفسد فيها ويهلك الحرث والنسل والله لا يحب الفساد ۝ و چون
ریاست پیدا کند شتابد در زمین تا تباهی کند در آنجا و نابود سازد زراعت و مواشی را و خدا دوست ندارد تباه کاری
واذا قيل له اتق الله اخذته العزة بالاثم فحسبه جهنم ولبئس المهاد ۝ و چون گفته شود او را که از
خدا حذر کن کشدش تکبر بر گناه پس کفایت کننده وی دوزخ است و هر آینه وی بد جاست ومن الناس من يشري
نفسه ابتغاء مرضات الله والله رؤف بالعباد ۝ و از مردمان کسی است که میفروشد خویشتن را برای
طلب رضامندی خدا و خدا مهربان است بر بندگان يا ايها الذين امنوا ادخلوا في السلم كافة ولا تتبعوا
خطوات الشيطان انه لكم عدو مبين ۝ ای کسانیکه ایمان آورده اید در آیید در اسلام همه یکجا یعنی
در اصول مختلف مشوید و پیروی مکنید گامهای شیطانرا یعنی هر آینه او شما را دشمن آشکار است فان زللتم
من بعد ما جاءتكم البينات فاعلموا ان الله عزيز حكيم ۝ پس اگر لغزیدید بعد از آنکه آمد بشما
سخنان روشن پس بدانید که خدا غالب داناست هل ينظرون الا ان ياتيهم الله في ظلل من الغمام
والملائكة وقضي الامر والى الله ترجع الامور ۝ انتظار نمی کنند اهل عصیان مگر آنرا که بیاید بایشان
خدا یعنی بیاید عذاب خدا در سایبانها از ابر و بیایند فرشتگان و بانجام رسانیده شود کار و بسوی خدا باز گردانیده میشوند
کارها سل بني اسرائيل كم اتيناهم من اية بينة ومن يبدل نعمة الله من بعد ما جاءته

فان الله

فان الله شدید العقاب ۝ بپرس از بنی اسرائیل چه قدر دادیم ایشانرا از نشانه روشن و هرکه بدل کند نعمت خدارا
پس از انکه بیاید بوی یعنی کفر پیش گیرد تا نعمت مفقود گردد پس هرآئینه خدا سخت عقوبتست زین للذین کفروا
الحیوة الدنیا ویسخرون من الذین امنوا والذین اتقوا فوقهم یوم القیمة والله یرزق
من یشاء بغیر حساب ۝ آراسته کرده شده است کافرانرا زندگانی اینجهان وسخریه میکنند با اهل ایمان
وکسانیکه تقوی دارند بالاتر از ایشان باشند روز قیامت و خدا روزی دهد هرکرا خواهد بی شمار یعنی بسیار کان
الناس امة واحدة فبعث الله النبیین مبشرین ومنذرین وانزل معهم الکتب
بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه وما اختلف فیه الا الذین اوتوه من بعد
ما جاءتهم البینات بغیا بینهم فهدی الله الذین امنوا لما اختلفوا فیه من الحق باذنه
والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم ۝ بودند مردمان یک گروه پیش آمدن هر پیغامبر که باشد
بایکدیگر در دین او اختلاف نداشتند پس فرستاد خدای تعالی پیغامبرانرا بشارت دهنده و بیم کننده و فرود آورد
با ایشان کتاب براستی تا حکم کند آن کتاب میان مردمان در انچه اختلاف کردند بعد ازانکه آمد با ایشان نشانها از جهة
حسد در میان خویش و اختلاف نکردند دران مگر کسانیکه داده شد بدیشان کتاب یعنی امت دعوت پس راه نمود خدا
مومنانرا بان حق که اختلاف کردند دروی با راه خود و خدا راه مینماید کسی را که خواهد بسوی راست حاصل آنست که
سنت الله جاری شده است بانکه بعد بعثت هر پیغمبر در امت دعوت اختلاف واقع میشود ازان تنگدل نباید شد والله اعلم
ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما یاتکم مثل الذین خلوا من قبلکم مستهم البأساء
والضراء وزلزلوا حتی یقول الرسول والذین امنوا معه متی نصر الله الا ان
نصر الله قریب ۝ ایا پنداشتید ای مردمان که در آئید به بهشت حالانکه هنوز پیش نیامده است شمارا حالت
آنانکه گذشتند پیش از شما رسید بایشان سختی و محنت و جنبانیده شدند تا آنکه میگفت پیغامبر و کسانیکه ایمان آوردند
باوی کی باشد یاری دادن خدا آگاه شوید هرآئینه یاری دادن خدا نزدیکست یسئلونک ماذا ینفقون
قل ما انفقتم من خیر فللوالدین والاقربین والیتمی والمسکین وابن السبیل
وما تفعلوا من خیر فان الله به علیم ۝ سوال میکنند ترا که کدام نوع خرج کردن خرج کنند کو انچه

خرج کردید از مال پس مادر و پدر را باید و خویشاوندان و درویشان و مسافران و انچه کنید از نیکی پس هر آینه خدا بوی

داناست كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تُحِبُّوا

شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ • لازم کرده شد بر شما جنگ و آن دشوارست شما را و شاید که

شما ناخوش دارید چیزی را حالانکه وی بهتر باشد شما را و شاید که دوست دارید چیزی را و حالانکه وی بدتر باشد شما را و خدا

میداند و شما نمیدانید يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ

وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِندَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ سؤال میکنند

ترا از ماه حرام از جنگ کردن دران یعنی رجب و ذی القعده و ذی الحجه و محرم که در شریعت حضرت ابراهیم جنگ کردن

درین ماهها حرام بود پس سوال کردند که در شریعت محمدیه حکم تحریم باقیماند یا نه والله اعلم بگو جنگ کردن درو سخت کاریست

و باز داشتن از راه خدا و ناگرویدن بخدا و باز داشتن از مسجد حرام و بیرون کردن اهل این مسجد ازوی سخت ترست

نزدیک خدا و فتنه انگیختن یعنی ترویج شرک سخت ترست از کشتن حاصل جواب آنست که قتال کفار جایزست و تحریم

قتل مسلمین مغلظ میشود والله اعلم وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا

وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ • و همیشه باشند که جنگ می کنند با شما تا آنکه باز گردانند شما را

از دین شما یعنی از اسلام اگر توانند و هر که برگردد از شما از دین خود پس کافر بمیرد آن گروه نابود شده کارهای

ایشان در دنیا و آخرة و ایشان اند باشندگان دوزخ ایشان در آنجا جاویدند إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ •

هر آئینه آنانکه ایمان آوردند و آنانکه هجرت کردند و جهاد نمودند در راه خدا آن گروه امید دارند بخشایش خدا را و خدا

آمرزنده مهربانست يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ

مِن نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ

لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ

وَإِن تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ

عزیز حکیم

عزيزٌ حكيمٌ ۝ سوال ميكنند ترا از شراب و قمار بگو درين هر دو گناه سخت ست و نفعهاست مردمانرا يعني در دنيا
و گناه اين هر دو سخت ترست از نفع آنها يعني پس حرام اند و بمنافع اينها التفات نبايد كرد والله اعلم و سوال كنند ترا
چه چيز خرج كنند بگو خرج كنيد زياده را از حاجت ضروري همچنين بيان ميكند خدا براي شما آيتها تا باشد كه تامل كنيد
در مصلحت دنيا و آخرت و سوال ميكنند ترا از يتيمان بگو اصلاح آوردن كار ايشان بهترست يعني بغير شركت پس اگر
مشاركت كنيد با ايشان پس ايشان برادران شما اند و خدا ميداند تباه كار را از اصلاح كار و اگر خواستي سخت گرفتي
شما را هر آينه خدا غالب استوار كارست وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَّ وَلَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ
مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ
أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ
لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝ و بزني مگيريد زنان شرك آرنده را تا آنكه ايمان آرند و هر آينه زن مسلمان بهترست از زن
شرك آرنده اگرچه بشگفت آورده باشد شما را و بزن مدهيد يعني زنان مومنه را بمشركان تا ايمان آرند و هر آينه مسلمان
بهترست از مشرك اگرچه بشگفت آورده باشد شما را يعني هر بنده از بندگان خدا كه مومن باشد و هر داه از داهان خدا كه
مومنه باشد بهترست از مشرك و مشركه والله اعلم گروه مشركان ميخوانند بسوي دوزخ و خدا ميخواند بسوي بهشت
و بسوي آمرزش بقدرت خود و بيان ميكند آيتهاي خود را براي مردمان تا باشد كه پند پذير شوند وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ
الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ
فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ۝ سوال ميكنند ترا
از حيض بگو كه وي نجاست ست پس يكسو شويد از زنان در حال حيض و نزديكي مكنيد با ايشان تا آنكه پاك شوند پس چون
پاك شوند يعني غسل بجا آرند پس نزديكي كنيد با ايشان از آن راه كه مباح كرده ست شما را خدا يعني از جانب قبل هر آينه خدا
دوست ميدارد توبه كنندگان را و دوست ميدارد پاك شوندگان را نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى
شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ۝ زنان شما كشت زار
شما اند پس بيائيد بكشت زار خويش هر روش كه خواهيد يعني بهر صفت كه جماع كنيد شايد غلطانده و از پس و پيش آن خواهيد كرد
بعد از آنكه در قبل باشد و پيش فرستيد يعني اعمال صالحه را براي خويشتن و بترسيد از خدا و بدانيد كه شما با وي ملاقات

وبشارت ده مسلمانان را ولا تجعلوا الله عرضة لأيمانكم أن تبروا وتتقوا وتصلحوا بين الناس
والله سميع عليم ● و مکنید نام خدا را دستمال برای سوکندان خویش برای اجتناب از آنکه نیکوکاری کنید و پرهیزکاری
نمائید و صلاح آرید در میان مردمان و خدا شنوا داناست یعنی سوکند برای موقوف کردن کار نیک جایز نیست
لا يؤاخذكم الله باللغو في أيمانكم ولكن يؤاخذكم بما كسبت قلوبكم والله غفور حليم
مواخذه نمی کند خدا به بیهوده کوئی در سوکندهای شما یعنی لا والله و بلی والله بغیر قصد کو بدیا غلط دانسته سوکند خورد
علی اختلاف المذهبین والله اعلم ولیکن مواخذه میکند بانچه قصد کرده است دلهای شما و خدا آمرزنده بردبار است للذين
يؤلون من نسائهم تربص أربعة أشهر فإن فاءو فإن الله غفور رحيم ● مر آن کسان را که
ایلای کنند از زنان خویش یعنی قسم میخورند که جماع نکنند انتظار کردن چهار ماه است پس اکر بازکشتند یعنی این سوکند پس
هر آئینه خدا آمرزنده مهربان است وإن عزموا الطلاق فإن الله سميع عليم ● و اکر قصد کردند جدائی را
پس هر آئینه خدا شنوا داناست والمطلقات يتربصن بأنفسهن ثلاثة قروء ولا يحل لهن
أن يكتمن ما خلق الله في أرحامهن إن كن يؤمن بالله واليوم الآخر وبعولتهن
أحق بردهن في ذلك إن أرادوا إصلاحا ولهن مثل الذي عليهن بالمعروف
وللرجال عليهن درجة والله عزيز حكيم ● و آن زنان که طلاق داده شد ایشان را انتظار سه
حیض یا سه طهر کنانند خویشتن را و جایز نیست ایشان را آنچه خدا آفریده است در رحمهای ایشان یعنی ولد و حیض اکر
ایمان می آرند بخدا و روز بازپسین و شوهران ایشان سزاوارترانند بباز آوردن ایشان در حباله خود در این مدت
اکر خواهند نیکوکاری و زنان راهست مانند آنچه بر زنان است بوجه پسندیده یعنی زنان را بر مردان حق است چنانچه
مردان را بر زنان حق است و مردان راهست بر ایشان بلندی یعنی فرمانروائی و خدا غالب استوار کار است
الطلاق مرتان فإمساك بمعروف أو تسريح بإحسان ولا يحل لكم أن تأخذوا
مما آتيتموهن شيئا إلا أن يخافا ألا يقيما حدود الله فإن خفتم ألا يقيما حدود الله
فلا جناح عليهما فيما افتدت به تلك حدود الله فلا تعتدوها ومن يتعد حدود الله
فأولئك هم الظالمون ● طلاق رجعی دوبار است پس از آن یا نکاه داشتن است بخوشخوئی یا رها کردن است

بنیکی

به نیکویی و حلال نیست شما را که بگیرید چیزی را از آنچه داده اید زنان را یعنی حلال نیست که بدل طلاق از مهر بگیرید مگر آنکه که بترسند
مرد و زن که بر پا نتوانند داشت احکام خدا را یعنی در معاشرت پس اگر بترسید ای مسلمانان از آنکه بر پا ندارند این هر دو
احکام خدا را پس گناه نیست بر ایشان در آنچه عوض بود داد زن این حدها مقرر کرده خداست پس بیرون مروید از اینها
و هر که بیرون رود از حدود خدا پس آن گروه ایشانند ستمکاران فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ
زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ
حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ • پس اگر طلاق داد یعنی سوم بار پس هرگز حلال نشود این زن بعد از آن
تا آید بنکاح شوهر دیگری یعنی و او دخول کند والله اعلم پس اگر طلاق داد شوهر دیگر پس گناه نیست بر آن هر دو در آنکه
باز گردند بنکاح باهم اگر بدانند که بر پای توانند داشت احکام خدا را بیان میکند آن حدود را برای قومی که میدانند وَإِذَا
طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ
ضِرَارًا لِتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَاذْكُرُوا
نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا
أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ • و چون طلاق دادید زنان را پس رسیدند بمیعاد خود یعنی نزدیک رسیدند بانقضای
عدت پس نگاه دارید ایشان را به نیکویی یا رها کنید ایشان را به نیکویی و نگاه مدارید ایشان را برای ضرر رسانیدن تا ستم کنید
و هر که این کند پس هر آینه ستم کرد بر خود و مگیرید آیتهای خدا را مسخره و یاد کنید نعمت خدا را بر خویش و آنچه فرود آورد بر شما
از کتاب و علم که پند میدهد شما را بآنها و بترسید از خدا و بدانید که خدا بهر چیز داناست وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ
فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ
ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَٰلِكُمْ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَأَطْهَرُ
وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ • و چون طلاق دادید زنان را پس رسیدند بمیعاد خود یعنی عدت منقضی شد
پس منع مکنید ایشان را از آنکه نکاح کنند با شوهران خویش یعنی با شوهران دیگر که با ایشان رغبت پیدا کردند وقتیکه
با یکدیگر راضی شدند در میان خویش بروش پسندیده این حکم پند داده میشود بآن هر کسی را که مومن باشد از شما بخدا و روز قیامت
و انکار خوشتر است شما را و پاکیزه تر و خدا میداند و شما نمیدانید وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ

حولین کاملین لمن اراد ان یتم الرضاعة وعلی المولود له رزقهن وکسوتهن بالمعروف
لا تکلف نفس الا وسعها لا تضار والدة بولدها ولا مولود له بولده وعلی الوارث مثل
ذلك فان ارادا فصالا عن تراض منهما وتشاور فلا جناح علیهما وان اردتم
ان تسترضعوا اولادکم فلا جناح علیکم اذا سلمتم ما آتیتم بالمعروف واتقوا الله
واعلموا ان الله بما تعملون بصیر ۝ و مادران باید که شیر دهند فرزند خود را دو سال تمام این حکم
آن راست که خواهد تمام کردن مدت شیر و بر پدر نفقه و پوشاک این زنان شیر دهنده است بوجه پسندیده
واجب کرده نمیشود بر هیچ کس الا قدر توانائی او رنج نباید داد مادر را بسبب فرزند وی و نه پدر را بسبب فرزند وی و لازم است
بر وصی مانند این پس اگر خواهند مادر و پدر از شیر باز کردن یعنی پیش از دو سال بعد رضامندی میان یکدیگر
و مشورت کردن با یکدیگر پس هیچ گناه نیست بر ایشان و اگر خواهید که دایه گیرید بچه دادنش مقرر کردید
بخوبی و بترسید از خدا و بدانید که خدا با نچه می کنید بیناست والذین یتوفون منکم ویذرون
ازواجا یتربصن بانفسهن اربعة اشهر وعشرا فاذا بلغن اجلهن فلا جناح علیکم
فیما فعلن فی انفسهن بالمعروف والله بما تعملون خبیر ۝ و کسانیکه بمیرند از شما و بگذارند زنان را
باید که انتظار کنانند این زنان خویشتن را چهار ماه و ده روز پس چون رسیدند بمیعاد خویش پس گناه نیست
بر شما در انچه کردند در خویشتن بوجه پسندیده یعنی نکاح بر طور شرع و خدا با نچه می کنید آگاه است ولا جناح
علیکم فیما عرضتم به من خطبة النساء او اکننتم فی انفسکم علم الله انکم ستذکرونهن
ولکن لا تواعدوهن سرا الا ان تقولوا قولا معروفا ولا تعزموا عقدة النکاح
حتی یبلغ الکتاب اجله واعلموا ان الله یعلم ما فی انفسکم فاحذروه واعلموا ان الله
غفور حلیم ۝ و نیست گناه بر شما در سخنی که کنایت کردید بوی از خواستگاری زنان یعنی در میان عدة یا پنهان
داشتید در دلهای خود خدا دانست که شما یاد خواهید کرد این زنان را یعنی بتصریح بعد عدة یعنی وعده مکنید با ایشان
نکاح را مگر انکه گوئید سخنی پسندیده یعنی بکنایت و قصد مکنید عقد نکاح را تا آنکه رسد میعاد مقرر نهایت خود و بدانید
که خدا میداند انچه در دلهای شماست پس بترسید ازو و بدانید که خدا آمرزنده بردبار است لا جناح علیکم

ان طلقتم النساء

إن طلقتم النساء ما لم تمسوهن أو تفرضوا لهن فريضة ومتعوهن على الموسع قدره
وعلى المقتر قدره متاعا بالمعروف حقا على المحسنين ۝ هيچ گناه نيست بر شما اگر طلاق داده‌ايد زنان را
در آن وقت که هنوز دست نرسانيده‌ايد بايشان يا معين نکرده‌ايد بايشان مقداري يعني مهر را و بدهيد بخشش مطلقات را
يعني پوشاک دهيد لازم است بر توانگر مقدار حال او و بر تنگدست مقدار حال او بهره دادن بگونهٔ نيکوي لازم شده بر
نيکوکاران وإن طلقتموهن من قبل أن تمسوهن وقد فرضتم لهن فريضة فنصف ما فرضتم
إلا أن يعفون أو يعفو الذي بيده عقدة النكاح وأن تعفوا أقرب للتقوى ولا تنسوا
الفضل بينكم إن الله بما تعملون بصير ۝ و اگر طلاق داده‌ايد زنان را پيش از آنکه دست رسانيد بايشان
و معين کرده باشيد براي ايشان مقداري پس لازم است نيمه آنچه معين کرده‌ايد مگر آنکه ببخشند زنان يا در گذارد کسيکه
بدست اوست عقد نکاح يعني زوج حق خود که گذاشته تمام دهد و آنکه در گذاريد نزديکتر است به پرهيزکاري
و فراموش مکنيد احسان کردن در ميان خويش هر آينه خدا بآنچه مي‌کنيد بيناست حافظوا على الصلوات
والصلاة الوسطى وقوموا لله قانتين ۝ نگاه کنيد بر همه نمازها و بر نماز ميانه يعني خصوصا بر نماز عصر
و بايستيد براي خدا فرمانبردار شده فإن خفتم فرجالا أو ركبانا فإذا أمنتم فاذكروا الله
كما علمكم ما لم تكونوا تعلمون ۝ و اگر ترسيديد يعني از عدو و مانند آن پس روان بر پاهاي خود
نماز گذاريد يا سواره پس چون ايمن شويد پس ياد کنيد خدا را چنانچه آموخته است شما را آنچه نمي‌دانستيد والذين
يتوفون منكم ويذرون أزواجا وصية لأزواجهم متاعا إلى الحول غير إخراج
فإن خرجن فلا جناح عليكم فيما فعلن في أنفسهن من معروف والله عزيز
حكيم ۝ و آنانکه قبض ارواح ايشان کرده شود از شما و بگذارند زنان را لازم کرده شد بر ايشان وصيت کردن
براي زنان خويش بآنکه بهره دهند ايشان را تا يکسال يعني سکني غير بر آوردن پس اگر بيرون روند گناه نيست
بر شما در آنچه کردند در حق خويشتن از کار پسنديده يعني نکاح بطور شرع و خدا غالب استوارکار است مترجم گويد
اين آية نزديک جمهور منسوخ است بآية اربعة اشهر و عشرا والله اعلم وللمطلقات متاع بالمعروف
حقا على المتقين ۝ و طلاق داده شدگان را لازم است بهره مند ساختن يعني نفقه و سکني لازم کرده شد

پرهیزکارانرا كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ • همچنین بیان می کند خدا برای شما احکام خودرا
تا باشد که شما بفهمید أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ
لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ •
آیا ندیدی ای بیننده بسوی کسانیکه بیرون آمدند از خانهای خویش و ایشان هزاران بودند بیم مرگ
پس گفت ایشانرا خدا بمیرید باز زنده گردانید ایشانرا هرآینه خدا صاحب بخشایش است بر مردمان لیکن اکثر ایشان
سپاس نمیکنند مترجم گوید ایشان قومی از بنی اسرائیل بودند که از ترس وبا بصحرا رفتند و آنجا بغضب الهی یکباره
هلاک شدند و باز بدعاء حزقیل علیه السلام زندگانی یافتند والله اعلم وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ
وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ • و جنگ کنید در راه خدا و بدانید که خدا شنوا داناست مَنْ ذَا
الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ
وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ • کیست آنکه وام دهد خدارا وام دادن نیک پس دو چند سازد خدا آن مال را برای او
مراتب بسیار و خدا تنگ میسازد و کشاده می کند روزی را و بسوی او بازگردانیده شوید أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَإِ
مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ إِذْ قَالُوا لِنَبِيٍّ لَهُمُ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلْ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا
لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ
عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ • آیا ندیدی بسوی جماعت
از بنی اسرائیل بعد از موسی چون گفتند مر پیغامبر خویش را که برپا کن برای ما پادشاهی تا جنگ کنیم در راه خدا
گفت پیغامبر آیا نزدیک بشید از آنکه جنگ نکنید اگر واجب کرده شود بر شما جنگ گفتند و چه شده است
مارا که جنگ نکنیم در راه خدا و بتحقیق برون کرده شدیم از خانهای خویش و جدا کرده شدیم از فرزندان
خویش پس آنگاه که واجب کرده شد بر ایشان جنگ روی گردانیدند مگر اندکی از ایشان و خدا داناست
بستمکاران وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّىٰ
يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ

ان الله

إِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللّٰهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ
وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ وگفت مر ایشان را پیغامبر ایشان هر آینه خدا پادشاه مقرر کرده است برای شما طالوت را
گفتند چگونه باشد او را پادشاهی بر ما و سزاوارتریم به پادشاهی ازوی و داده نشده است و بر افراخی از مال گفت
هر آینه خدا برگزیده است بر شما و داده است او را افراخی در دانش و افزونی در بدن و خدای بخشد پادشاهی خود را
هر که خواهد و خدا جواد داناست وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ
سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسٰى وَآلُ هٰرُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلٰئِكَةُ إِنَّ فِي ذٰلِكَ
لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ وگفت ایشان را پیغامبر ایشان هر آینه نشان پادشاهی او آنست که بیاید بشما
صندوقی که دران آرام دل است از پروردگار شما و بقیه از چیز کانیکه گذاشتند آل موسی و هارون برمیدارند
او را فرشتگان هر آینه درین صورت نشانست اگر باور دارنده اید فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ
إِنَّ اللّٰهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ
اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا
مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللّٰهِ
كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ مَعَ الصّٰبِرِينَ ۝ پس چون جدا شد
یعنی از وطن طالوت با لشکرها گفت هر آینه خدا آزماینده است شما را بجوئی پس هر که بنوشد ازان جوی
پس نیست ازان من و هر که نچشد از آدمیان ازان من است الا آنکه بردارد یک کف آب بدست خود پس آشامیدند ازان جوی
مگر اندکی از ایشان پس آنگاه که گذاشتند از جو طالوت و مؤمنان همراه او گفتند نوشندگان نیست توانائی ما را
امروز بمقابله جالوت و لشکرهای او گفتند آنانکه میدانستند که ایشان ملاقات خواهند کرد با خدا بسا اندک گروه که غالب شد
بر گروه بسیار باراده خدا و خدا با شکیبایانست وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا
أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكٰفِرِينَ ۝ و آنگاه که بمیدان آمدند
برای جنگ جالوت و لشکرهای او و این صالحان گفتند ای پروردگار ما بریز بر ما شکیبائی و محکم کن قدمهای
ما را و غلبه ده ما را بر گروه ناگرویدگان فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللّٰهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتٰهُ اللّٰهُ

الملك والحكمة وعلمه مما يشاء ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض
ولكن الله ذو فضل على العالمين ۝ پس شکست دادند آن کفار را بتوفیق خدا و کشت داود جالوت را
و داد خدای تعالی او را پادشاهی و علم و بیاموخت او را از انچه میخواست و اگر نبودی دور کردن خدا مردمان را
گروهی را بدست گروهی هر اینه تباه شدی زمین و لیکن خدا صاحب بخشایش است بر عالمها تلك آيات الله
نتلوها عليك بالحق وانك لمن المرسلين ۝ اینهای خداست میخوانیم آنرا بر تو ای محمد براستی و هر آینه
تو از پیغامبرانی تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض منهم من كلم الله ورفع بعضهم
درجات وآتينا عيسى ابن مريم البينات وايدناه بروح القدس ولو شاء الله
ما اقتتل الذين من بعدهم من بعد ما جاءتهم البينات ولكن اختلفوا فمنهم من آمن
ومنهم من كفر ولو شاء الله ما اقتتلوا ولكن الله يفعل ما يريد ۝ این پیغامبران فضل دادیم
بعضی را بر بعضی از ایشان کسی هست که با او سخن گفت خدا و بلند کرد بعضی را در مرتبها و دادیم عیسی بن مریم را
معجزها و قوت دادیم او را بروح القدس و اگر خواستی خدا با یکدیگر نمی جنگیدند کسانیکه بعد از پیغامبران بودند
پس از انکه آمد بایشان حجتها و لیکن اختلاف کردند پس از ایشان کسی هست که ایمان آورد و از ایشان کسی هست که کافر شد
و اگر خواستی خدا با یکدیگر نمی جنگیدند و لیکن خدا میکند انچه میخواهد يا ايها الذين آمنوا انفقوا مما رزقناكم
من قبل ان يأتي يوم لا بيع فيه ولا خلة ولا شفاعة والكافرون هم الظالمون ۝ ای مسلمانان
خرج کنید از انچه روزی دادیم شما را پیش از انکه بیاید روزیکه خرید و فروخت نیست در ان روز و نه دوستی و نه
سپارش و کافران ایشانند ظالمان الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له
ما في السموات وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين
ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه
السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم ۝ خدای هیچ معبود نیست بجز وی
زنده تدبیر کننده عالم نمی گیرد او را پینکی و خواب مر او راست انچه در آسمانهاست و انچه در زمین است کیست انکه
شفاعت کند نزدیک وی الا بحکم او میداند انچه پیش دست ایشان است و انچه پس پشت ایشان است و در نمی گیرند

الحزب الثالث

مومنان از معلومات حق چیزی را مگر انچه وی خواسته است و فرا گرفته است پادشاهی او آسمانها و زمین را و گران نمیشود
بروی نگاهبانی این هر دو و او بلند مرتبه بزرگ قدرت است لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ
فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ
سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ نیست جبر کردن برای دین یعنی حجت اسلام ظاهر شد پس کو با جبر کردن نیست الحق فی الجمله
جبر باشد هر آینه ظاهر شده است راه یابی از گمراهی پس هر که منکر بت شود و ایمان آرد بخدا پس هر آینه چنگ زده است
بدست آویزی محکم که نیست گسستن آنرا و خدا شنوا دانا است اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ
الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ
أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ خدا کارساز مومنان است بیرون می‌آرد ایشانرا از تاریکیها
بسوی روشنی و آنانکه کافر اند کارساز ایشان بتانند بیرون می‌آرند ایشانرا از روشنی بسوی تاریکیها اینجماعت
باشندگان دوزخ اند ایشان در آن جاوید اند أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ
اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ
إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ
وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ آیا ندیدی بسوی کسیکه مکابره کرد با ابراهیم در باب پروردگار او
در مقابل آنکه داد او را خدا پادشاهی یعنی نمرود چون گفت ابراهیم پروردگار من آنست که زنده میکند و می‌میراند
گفت آن کافر من زنده میکنم و می‌میرانم یعنی بستم مستحق کشتن را میگذارم و کسی را که مستحق کشتن نیست میکشم
والله اعلم گفت ابراهیم پس هر آینه خدا می‌آرد آفتاب را از مشرق پس تو بیار آنرا از طرف مغرب پس مغلوب شد
کافر و خدا راه نمی‌نماید ستمکارانرا أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ
اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ
بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانْظُرْ
إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا
تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ یا ندیدی این شخص را که گذشت بر دهی و وی افتاده بود

بر سقفهای خود مترجم گوید این شخص عزیر بود گفت چگونه زنده میکند این را خدا بعد مردن این مرده کرد او را خدا تعالی

صد سال بعد از ان برانگیختش گفت چه قدر درنگ کردی گفت درنگ کردم یک روز یا پارهٔ از روز گفت بلکه درنگ

کردهٔ صد سال پس ببین بسوی طعام خود و آشامیدنی خود که متغیر نشده و ببین بسوی دراز گوش خود و

میخواهیم که گردانیم ترا نشانه برای مردمان و ببین بسوی استخوانها چگونه جنبش میدهیم آنرا بعد ازان میپوشانیم

بران گوشت را پس چون واضح شد شد این حال گفت بیقین میدانم که خدا بر همه چیز تواناست وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهِيْمُ

رَبِّ اَرِنِيْ كَيْفَ تُحْيِ الْمَوْتٰى قَالَ اَوَلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلٰى وَلٰكِنْ لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِيْ قَالَ فَخُذْ اَرْبَعَةً

مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ اِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلٰى كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَاْتِيْنَكَ سَعْيًا

وَاعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ۝ و آنگاه که گفت ابراهیم ای پروردگار من بنما چگونه زنده میکنی مردگان را

گفت خدا آیا باور نداشته گفت آری باور داشته ام لیکن میخواهم که آرام گیرد دل من یعنی عین الیقین میخواهم

گفت خدا پس بگیر چهار تن از پرندگان پس بهم آور همه را نزدیک خود بعد ازان بگذار بر هر کوهی پارهٔ از ایشان

بعد ازان ندا کن ایشانرا البته بیایند پیش تو شتابان و بدانکه خدا غالب استوارکارست مَثَلُ الَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ

اَمْوَالَهُمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ اَنْۢبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِيْ كُلِّ سُنْۢبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ وَاللّٰهُ يُضٰعِفُ

لِمَنْ يَّشَاۤءُ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيْمٌ ۝ صفت آنانکه خرج می کنند اموال خود را براه خدا مانند صفت یکدانه است که

رویاند هفت خوشه را در هر خوشه صد دانه است و خدا دو چند میدهد هر کرا خواهد و خدا جواد داناست

الَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُوْنَ [redacted] مَا اَنْفَقُوْا مَنًّا وَّلَا

اَذًى لَّهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ۝ آنانکه خرج میکنند اموال

خود را در راه خدا باز از پی آن انفاق نمی آرند منت نهادن را و نه ایذا رسانیدن را ایشانراست مزد ایشان

نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند قَوْلٌ مَّعْرُوْفٌ وَّمَغْفِرَةٌ

خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَّتْبَعُهَآ اَذًى وَاللّٰهُ غَنِيٌّ حَلِيْمٌ ۝ سخن ملایم گفتن و در گذشتن یعنی از پی ادی

سایل بهترست ازان خیرات که از پی آن آزرده کردن باشد و خدا بی نیاز بردبارست يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا

لَا تُبْطِلُوْا صَدَقٰتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْاَذٰى كَالَّذِيْ يُنْفِقُ مَالَهٗ رِئَاۤءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ

واليوم الآخر

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ
عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ۝ اي مومنان باطل مكنيد خيرات خود را
بمنت نهادن وآزرده كردن همچو كسي كه خرج ميكند مال خود را براي نمودن مردمان وايمان ندارد بخدا و
روز قيامت پس صفت او مانند سنگ صافست كه بروي باشد اندكي خاك پس رسيد بوي باراني عظيم پس گذاشت
اورا سخت وصاف مانده توانا نمي شوند اهل ريا بر چيزي از آنچه عمل كردند وخدا راه نمي نمايد گروه كافرانرا حاصل
اين مثل آنست كه عمل منان ومرائي در دنيا مي نمايد كه عمل نيكست ودر آخرة حبط ميباشد وهيچ فائده نميدهد چنانكه
بر سنگي خاك افتاده باشد وبظاهر چنان نمايد كه قابل زراعت است وچون باران بارد محو شود والله اعلم
وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ
بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ وصفت آنانكه خرج ميكنند مالهاي خويش را از جهت طلب رضامندي خدا وبسبب اعتقاد
ناشي از دل خويش مانند صفت باغيست بمكاني بلند رسيد بوي باراني عظيم پس آورده ميوهاي خود دو چندان
واگر نمي رسيد اورا باراني عظيم پس شبنم كفايت مي كرد وخدا بآنچه مي كنيد بيناست حاصل اين مثل آنست كه عمل
اهل اخلاص فايده ميدهد از سابقين باشد يا از اصحاب يمين أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ
نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ
وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ
الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ۝ آيا دوست ميدارد يكي از شما كه باشد اورا باغي از درختان خرما وانگور
ميرود زير آن جويها واورا هست دران باغ هر جنس از ميوه رسيده باشد واورا كلان سالي وباشد اورا
اولاد ناتوان پس درين حالت رسيد آن باغ را گردبادي كه دران آتش است پس پاك بسوخت همچنين واضح ميسازد
خدا براي شما آيتها تا باشد كه تامل كنيد حاصل اين مثل آنست كه عمل منان ومرائي در وقت شدت احتياج حبط شود
چنانكه بوستان اين شخص در وقت شدت احتياج بسوخت يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ
طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ

وَلَسْتُم بِآخِذِيهِ إِلَّا أَن تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ۝ اي مومنان خرج كنيد
از پاكيزهای آنچه شما پيدا كرديد و از پاكيزهای آنچه بيرون آورديم براي شما از زمين و قصد مكنيد ردي را از آن
خرج ميكنيد آنرا و نستيد گيرنده آن مگر وقتيكه چشم پوشي كنيد در گرفتن آن و بدانيد كه خداي نياز ستوده است
الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ
وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ شيطان وعده ميدهد شما تنگدستي را و ميفرمايد به بخيلي و خدا وعده ميكند آمرزش را از نزد
خود و نعمت خود دادن را و خدا جواد و داناست يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ
أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ۝ ميدهد دانش هر كرا خواهد و هر كرا داده شد او را دانش
پس هر آئينه داده شد نيكوئي بسيار و پند پذير نميشوند مگر خداوندان خرد وَمَا أَنفَقْتُم مِّن نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُم
مِّن نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ ۝ و آنچه خرج كرديد از خيرات يا لازم كرديد
بر خود از نذري پس هر آئينه خدا ميداند آنرا و نيست ستمكاران را هيچ ياري دهنده إِن تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ
فَنِعِمَّا هِيَ وَإِن تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنكُم مِّن سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ
بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ اگر آشكارا كنيد خيرات را پس نيكو چيزيست آن و اگر پنهان كنيد و بدهيد آنرا بفقرا
پس بهتر است شما را و اين دور سازد از شما يعني گناهان را و خدا از آنچه مي كنيد آگاه است لَّيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ
وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا تُنفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنفُسِكُمْ وَمَا تُنفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ
وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ۝ لازم نيست بر تو اي محمد
هدايت ايشان ليكن خدا هدايت ميكند هر كرا ميخواهد و آنچه خرج كرديد از مال پس نفع براي شماست و لائق نيست كه
خرج كنيد مگر براي طلب رضاي خدا و آنچه خرج كرديد از مال تمام رسانيده شود بسوي شما يعني ثواب او را و شما
ستم كرده نخواهيد شد لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ
يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُم بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا
تُنفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ۝ خيرات براي آن فقيرانست كه بند كرده شدند در راه خدا يعني
بسبب اشتغال بجهاد كسب كردن نميتوانند و الله اعلم نمي توانند سفر كردن در زمين توانگر مي پندارد ايشانرا

نادان

نادان بسبب طمع نکردن تو می شناسی ایشانرا بقیافه ایشان سوال نمی کنند از مردمان بالحاح و هرچه خرج کنید از

مال پس هر آینه خدا بآن داناست الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ

أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ • کسانیکه خرج میکنند اموال خویش شب و روز پنهان

و آشکارا پس ایشانراست مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان

اندوهگین شوند الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ

مِنَ الْمَسِّ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا

فَمَن جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانتَهَىٰ فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ

أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ • کسانیکه میخورند سود را برنخیزند یعنی از گور مگر چنانچه بر میخیزد کسی که

دیوانه ساخت اورا شیطان بسبب رسانیدن آسیب این آسیب بسبب آنست که سود خواران گفتند جز این نیست که سوداگری

مانند سود است حلال کرده است خدا سوداگری را و حرام ساخته است سود را پس کسیکه آمد بوی پند از جانب

پروردگار او پس باز ماند از ین کار پس او راست آنچه گذشت و کار او مفوض است بخدا یعنی سودیکه قبل آیة

تحریم گرفته باز گردانیدنش لازم نیست والله اعلم و هر که باز گشت بسود خواری یعنی بعد از تحریم پس آن گروه

باشندگان دوزخ اند ایشان در آنجا جاوید اند يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ

كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ • نابود میسازد خدا برکت سود را و افزون میسازد برکت خیرات را و خدا دوست ندارد

هر ناسپاس گناهکار را إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ

لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ • هر آینه کسانیکه ایمان آورده اند و کردند

ایشان

کارهای شایسته و برپا داشتند نماز را و دادند زکوة را مر ایشانراست مزد ایشان نزدیک پروردگار

و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا

مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ • ای کسانیکه ایمان آورده اید حذر کنید از خدا و ترک کنید آنچه

مانده است از سود اگر هستید از اهل ایمان فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ

وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ • پس اگر نکردید پس خبردار باشید

بجنگی از طرف خدا و رسول او و اگر توبه کردید پس شماراست اصل مالهای شما نه شما ستم کنید و نه بر شما ستم کرده شود

وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ و اگر باشد

مفلسی پس لازمست مهلت دادن تا توانگری و آنکه خیرات کنید بهترست شمارا اگر هستید داننده وَاتَّقُوا

يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ و حذر کنید

از آن روز که باز گردانیده شوید در آن بسوی خدا پس تمام داده شود هر شخصی را آنچه عمل کرده است و ایشان

ستم کرده نشوند يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبْ

بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي

عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا

أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ

مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ

تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا

أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ

أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا

تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ

فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ ای مومنان اگر معامله کنید

با یکدیگر بوام دادن تا میعاد مقرر پس نویسید آنرا و باید که بنویسد میان شما نویسنده بانصاف و سرباز نزند

نویسنده از آنکه نویسد چنانچه آموخته است او را خدا پس باید که وی نویسد و انشا کند آنکه وام برده است

و باید که بترسد از خدا و پروردگار خود و نقصان نکند از آن وام چیزی را پس اگر باشد کسیکه وام برده است

بیخبر و یا ناتوان یا نمیتواند انشا کردن پس باید که انشا کند کارگذار او بانصاف و گواه گیرید دو شاهد را از

مردان خویش یعنی از مسلمانان پس اگر نباشند گواه پس یک مرد و دو زن کفایت است از کسانیکه رضامند باشید از

گواهان و هم آنگاه طلبیده شوند و مانده نشوید از آنکه نویسید حق را اندک باشد یا بسیار تا میعاد وی این بالفاظ نزدیکتر

نزدیک خدا و درست تر برای گواهی و قریب تر از آنکه در شک نشوید مگر وقتیکه باشد آن معامله سوداگری دست بدست
که دست گردان میکنید آنرا میان خویش پس نیست بر شما گناه از آنکه ننویسید آنرا و گواه گیرید هرگاه که خرید و فروخت
کنید و باید که رنج داده نشود نویسنده و نه گواه و اگر بکنید انکار پس هر آئنه این گناه ست شما را و بترسید از خدا
و می آموزد شما را خدا و خدا بهر چیز داناست وَإِنْ كُنتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ
فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا
الشَّهَادَةَ وَمَن يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ۝ و اگر مسافر باشید و نیابید
نویسنده را پس لازم ست گرو بدست آورده شده پس اگر ایمن دارد گروهی از شما گروهی را پس باید که ادا کند
آنکس که امین دانسته شد امانت خود را و باید که بترسد از خدای پروردگار خود و پنهان مکنید گواهی را و هر که پنهان
کند آنرا پس هر آئنه گنهکار ست دل او و خدا بانچه می کنید آگاه ست لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
وَإِن تُبْدُوا مَا فِي أَنفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُم بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ
مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ خدا راست آنچه در آسمانها ست و آنچه در زمین ست
و اگر آشکارا کنید آنچه در دل شما ست یعنی از قسم نفاق و اخلاص و حسد و نصیحت و مثل آن نه از قسم حدیث
نفس و الله اعلم یا پنهان دارید آنرا البته حساب آن بگیرد از شما پس بیامرزد کسی را که خواهد و خدای بر همه چیز تواناست
آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِن رَّبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَ
رُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ
باور داشت پیغامبر آنچه فرود آورده شد بسوی او از پروردگار او و پیغامبران او و گفتند فرق نمی کنیم
میان هیچ کسی از پیغامبران یعنی بعضی را معتقد و بعضی را منکر نمی باشیم و گفتند شنودیم و فرمانبرداری کردیم
میخواهیم آمرزش تو ای پروردگار ما و بسوی تست بازگشت لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا
مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ
عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا
وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ۝ خدا واجب نمیکند بر هیچ کس

بیس ۵

م و مومنان نیز همه ایمان آوردند بخدا و فرستگان او و کتابهای او

الا مقدار طاقت او مر او راست انچه عمل کرد بروی باشد انچه گناه کرده گفتند ای پروردگار ما بعقوبت مگیر ما را
اگر فراموش کنیم یا خطا کنیم ای پروردگار ما و منه بر سر ما بار گران چنانکه نهادی آنرا بر کسانیکه پیش از ما
بودند ای پروردگار ما و منه بر سر ما انچه برداشت آن نیست ما را و درگذر از ما و بیامرز ما را و بخشای بر ما
توئی خداوند ما پس غلبه ده ما را بر گروه کافران سورة آل عمران مدنية وهي مائتان اية

بسم الله الرحمن الرحيم

الم الله لا اله الا هو الحي القيوم خدا نیست هیچ معبود مگر او زنده تدبیر عالم کننده ست
نزل عليك الكتاب بالحق مصدقا لما بين يديه وانزل التورية والانجيل
من قبل هدى للناس وانزل الفرقان فرود آورد بر تو کتاب براستی باور دارنده انچه
پیش دست تست و فرود آورد توریت و انجیل پیش ازین برای راه نمودن مردمان و فرود آورد معجزه را
ان الذين كفروا بايات الله لهم عذاب شديد والله عزيز ذو انتقام هر آئنه کسانیکه
کافر شدند بآیات خدا ایشانراست عذاب سخت و خدا غالب صاحب انتقام ست ان الله لا يخفى عليه
شيء في الارض ولا في السماء هر آئنه خدا پوشیده نمی شود بروی چیزی در زمین و نه در آسمان هو
الذي يصوركم في الارحام كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم او آنست که صورة
می بندد شما را در رحم چنانچه خواهد نیست هیچ معبود بجز او غالب استوار کار هو الذي انزل عليك
الكتاب منه ايت محكمت هن ام الكتاب واخر متشابهات او آنست که فرود آورد
بر تو کتاب بعضی ازان آیتها واضح ست و بعضی دیگر محتمل معانی باهم مشتبه فاما الذين في قلوبهم
زيغ فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة وابتغاء تاويله وما يعلم تاويله
الا الله پس اما کسانیکه در دل ایشان کجی ست پیروی میکنند آنرا که مانند یکدیگر شده ازان کتاب برای طلب فتنه
و برای طلب مراد آن و نمیدانند مراد آن مگر خدا والراسخون في العلم يقولون امنا به كل من عند
ربنا وما يذكر الا اولوا الالباب و ثابت قدمان در علم میگویند ایمان آوردیم باین متشابه
اینهمه از نزدیک پروردگار ماست و پند پذیر نمیشوند مگر خداوندان خرد ربنا لا تزغ قلوبنا

بعد اذ هديتنا

بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب ۞ میگویند ای پروردگار
کج مکن دلهای ما را بعد ازانکه راه نمودی ما را و عطا کن برای ما از نزد خود نعمتی هر آینه توی عطا کننده ربنا
انك جامع الناس ليوم لا ريب فيه ان الله لا يخلف الميعاد ۞ ای پروردگار ما هر آینه توی
جمع کننده مردمان در ان روز که هیچ شک نیست دران هر آینه خدا خلاف نمیکند وعده را ان الذين كفروا
لن تغني عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله شيئا واولئك هم وقود النار هر آینه آنانکه
کافر شدند دفع نکند از ایشان اموال ایشان و نه اولاد ایشان از عذاب خدای تعالی چیزی را و ایشان آتش انگیز
دوزخ كداب ال فرعون والذين من قبلهم كذبوا باياتنا فاخذهم الله بذنوبهم
والله شديد العقاب ۞ حال ایشان مانند حال فرعونست و آنانکه پیش از ایشان بودند دروغ داشتند کسانی
آیات ما را پس گرفت ایشان را خدا بسبب گناهان ایشان و خدا سخت عقوبتست قل للذين كفروا ستغلبون
وتحشرون الى جهنم وبئس المهاد ۞ بگو کافرانرا که مغلوب خواهید شد و برانگیخته خواهید شد بسوی دوزخ
و بد جایگاهست او قد كان لكم اية في فئتين التقتا فئة تقاتل في سبيل الله واخرى
كافرة يرونهم مثليهم راي العين والله يؤيد بنصره من يشاء ان في ذلك
لعبرة لاولي الابصار تحقیق هست نشانه دران دو قوم که بهم آمدند یعنی روز بدر یک گروه جنگ
می کرد در راه خدا و گروه دیگر کافر بودند میدیدند مسلمانان آن کافرانرا دو برابر خویش بدیدن چشم و خدا قوت
میدهد بنصرت خود هر کرا خواهد هر آینه درین واقعه پندی هست خداوندان چشمها را زين للناس حب
الشهوات من النساء والبنين والقناطير المقنطرة من الذهب والفضة و
الخيل المسومة والانعام والحرث ذلك متاع الحيوة الدنيا والله عنده حسن
الماب ۞ آراسته کرده شده است برای مردمان دوستی آرزوهای نفس از زنان و فرزندان و خزانهای
جمع ساخته از زر و سیم و اسپان نشان مند ساخته و چهارپایان و زراعت اینست بهره زندگانی و خدا نزد یک
بازگشت نیک قل اؤنبئكم بخير من ذلكم للذين اتقوا عند ربهم جنت تجري من تحتها
الانهار خلدين فيها وازواج مطهرة ورضوان من الله والله بصير بالعباد ۞

بگوای محمد ایا خبر دهیم شما را با انچه بهترست ازین مرمتقیانرا باشد نزدیک پروردگار ایشان بوستانها میرود زیر آن
جویهای جاوید باشند کانند دران و باشد زنان پاکیزه و باشد خشنودی از خدا و خدا بیناست به بندگان
ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ إِنَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ۝ آنانکه میگویند ای پروردگار انتام
هرآئنه ما ایمان آوردیم پس بیامرز مارا گناهان ما و نگهدار مارا از آتش عذاب ٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلْقَٰنِتِينَ
وَٱلْمُنفِقِينَ وَٱلْمُسْتَغْفِرِينَ بِٱلْأَسْحَارِ ۝ شکیب کنندگان و درست گویندگان و فرمانبردارندگان و خرج
کنندگان و آمرزش خواهندگان در اوقات سحر مترجم گوید ازینجا خدای تعالی شروع میفرماید در مناظره
اهل کتاب و رد شبهات ایشان و تعداد تحریفات و این قصه ممتدست تا قوله و اذ غدوت من اهلک
شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَأُو۟لُوا۟ ٱلْعِلْمِ قَآئِمًۢا بِٱلْقِسْطِ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْعَزِيزُ
ٱلْحَكِيمُ ۝ گواهی داد خدا یعنی آشکارا ساخت آنکه نیست هیچ معبود مگر او و گواهی دادند فرشتگان و خداوندان
دانش در ان حال که خدا تدبیر کننده عالم است بعدل نیست هیچ معبود مگر او غالب استوار کارست إِنَّ ٱلدِّينَ
عِندَ ٱللَّهِ ٱلْإِسْلَٰمُ وَمَا ٱخْتَلَفَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْعِلْمُ بَغْيًۢا
بَيْنَهُمْ وَمَن يَكْفُرْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلْحِسَابِ ۝ هرآئنه دین معتبر نزدیک خدا اسلامست
و اختلاف نکردند یعنی در قبول اسلام اهل کتاب مگر بعد از انکه آمد بایشان دانش یعنی حقیقة حال دانستند از روی
حسد در میان خویش و هرکه کافر باشد بآیتهای خدا پس هرآئنه خدا زود کننده حسابست فَإِنْ حَآجُّوكَ فَقُلْ
أَسْلَمْتُ وَجْهِىَ لِلَّهِ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِ وَقُل لِّلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْأُمِّيِّۦنَ ءَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ
أَسْلَمُوا۟ فَقَدِ ٱهْتَدَوا۟ وَّإِن تَوَلَّوْا۟ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ ٱلْبَلَٰغُ وَٱللَّهُ بَصِيرٌۢ بِٱلْعِبَادِ ط پس اگر مکابره
کنند با تو یا محمد پس بگو منقاد ساختم روی خود را برای خدا و هرکه پیروی من کرد نیز منقاد ساخت و بگو باهل کتاب
و بنا خوانندگان ایا اسلام آوردید پس اگر اسلام آوردند تحقیق راه یافتند و اگر روی گردانیدند پس جز این نیست
که لازم بر تو پیغام رسانیدنست و خدا بیناست به بندگان إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَيَقْتُلُونَ
ٱلنَّبِيِّـۧنَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ ٱلَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِٱلْقِسْطِ مِنَ ٱلنَّاسِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝
هرآئنه کسانیکه کافر شدند بآیتهای خدا و می کشند پیغامبران را بناحق و می کشند آنرا که بعدل امر میفرمایند از مردمان پس

خرده انشان

خبر ده ایشان را بعذاب دردهنده أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ
مِنْ نَاصِرِينَ ۝ این گروه آنانند که نابود شد عملهای ایشان در دنیا و آخرة و نیست ایشان را یاری دهنده
أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ
يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ ۝ آیا ندیدی بسوی آنانکه داده شدند بکباره از علم کتاب خوانده
میشوند بسوی کتاب خدا تا حکم کند میان ایشان پس روی می گردانند گروهی از ایشان اعراض کنان ذَٰلِكَ ۝
بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ
این بسبب آنست که ایشان گفتند هرگز نرسد ما را آتش دوزخ مگر روزی چند شمرده شده و فریفت ایشان را در دین ایشان
انچه افترای کردند فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ
لَا يُظْلَمُونَ ۝ پس چگونه بود حال وقتیکه جمع کنیم ایشان را در روزی که هیچ شک نیست در ان و تمام داده شود
هر شخصی را جزای انچه عمل کرد و ایشان ستم کرده نشوند قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ
وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ بگو بار خدایا ای خداوند بادشاهی میدهی بادشاهی هرکرا میخواهی و باز میگیری بادشاهی از هرکه خواهی
و ارجمند میسازی هرکرا میخواهی و خوار میسازی هرکرا خواهی بدست تست نیکی هر آینه تو بر همه چیز توانائی تُولِجُ
اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ
وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ در می آری شب را در روز و در می آری روز را در شب و بیرون
می آری زنده را از مرده و بیرون می آری مرده را از زنده و روزی میدهی هرکرا خواهی بی شمار مترجم گوید
در اینجا اشارتست بمغلوب شدن کافران لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ
الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ
اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ۝ باید که دوست نگیرند مسلمانان کافران را بجز اهل ایمان و هر که این کند
پس نیست در چیزی از ان خدا یعنی در عهد خدا نیست مگر آنکه دفع شر ایشان کند نوعی از حذر کردن و میترساند
شما را خدا از خود و بسوی خدا بازگشت ست قُلْ إِنْ تُخْفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمْهُ اللَّهُ

ويعلم ما في السموات وما في الارض والله على كل شيء قدير ۞ بگو اگر پنهان کنید آنچه در سینه‌هاست
یا آشکار کنید پس میداند آنرا خدا و میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و خدا بر همه چیز تواناست يوم
تجد كل نفس ما عملت من خير محضرا وما عملت من سوء تود لو ان بينها وبينه امدا
بعيدا ويحذركم الله نفسه والله رءوف بالعباد ۞ آن روز حاضر یابد هر کس آنچه عمل کرده است
از نیکی آنچه کرده است از بدی دوست دارد که کاش بودی در میان وی و در میان آن بدی مسافتی دور
میترساند شما را از خود و خدا بسیار مهربان است به بندگان قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني
يحببكم الله ويغفر لكم ذنوبكم والله غفور رحيم ۞ ای محمد بگو اگر دوست میدارید خدا را پس پیروی
کنید دوست دارد شما را خدا و بیامرزد شما را گناهان و خدا آمرزنده مهربان است قل اطيعوا الله والرسول
فان تولوا فان الله لا يحب الكافرين ۞ بگو فرمان برید خدا را و پیغامبر را پس اگر روگردانید پس هرآینه
خدا دوست ندارد کافران را مترجم گوید نصاری با حضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم در باب عیسی علیه السلام گفتگو کردند
حق سبحانه این آیه نازل ساخت بعد از نزول آیه‌ها نصاری را بمباهله دعوت کردند همه عاجز شده جزیه قبول نمودند
ان الله اصطفى ادم ونوحا وال ابراهيم وال عمران على العالمين ذرية بعضها
من بعض والله سميع عليم ۞ هرآینه خدا برگزید آدم و نوح را و کسان ابراهیم و کسان عمران را بر
عالمها در حالیکه این جماعه نسلی بودند بعض آن پیدا شده از بعضی و خدا شنوا داناست اذ قالت امرأة
عمران رب اني نذرت لك ما في بطني محررا فتقبل مني انك انت السميع العليم ۞
آنگاه که گفت زن عمران ای پروردگار من نذر کردم آنچه در شکم است آزاد کرده یعنی از خدمت والدین معاف
داشته پس قبول کن از من هرآینه توئی شنوا دانا فلما وضعتها قالت رب اني وضعتها
انثى والله اعلم بما وضعت وليس الذكر كالانثى واني سميتها مريم واني اعيذها
بك وذريتها من الشيطان الرجيم ۞ پس چون بزاد دختر را گفت ای پروردگار من هرآینه بزادم
این دختر را و خدا داناست آنچه وی بزاد و گفت آنزن و نیست فرزند مانند دختر یعنی در خدمت بیت المقدس را
نمی شاید و هرآینه من نام کردم او را مریم و هرآینه من در پناه تو میکنم او را و نسل او را از شیطان ملعون فتقبلها

ربها بقبول حسن وانبتها نباتا حسنا وكفلها زكريا كلما دخل عليها زكريا المحراب
وجد عندها رزقا قال يا مريم انى لك هذا قالت هو من عند الله ان الله يرزق
من يشاء بغير حساب • پس قبول كرد مريم را پروردگار او بقبول نيك و باليده ساخت او را باليدن
نيك وخبرگيري ساخت زكريا را هرگاه داخل شدي زكريا بر مريم در مسجدي يافت نزديك او روزي را يعني
ميوه زمستان در تابستان وميوه تابستان در زمستان گفت اي مريم از كجاست ترا اين روزي گفت او
از نزديك خداست هرآينه خدا ميدهد روزي هر كرا ميخواهد بي شمار هنالك دعا زكريا ربه قال رب هب لي
من لدنك ذرية طيبة انك سميع الدعاء آنوقت طلب كرد زكريا از پروردگار خود گفت اي پروردگار
عطا كن مرا از نزديك خود نسل پاك هرآينه تو شنواي دعائي فنادته الملائكة وهو قائم يصلي
في المحراب ان الله يبشرك بيحيى مصدقا بكلمة من الله وسيدا وحصورا ونبيا
من الصالحين • پس ندا كردند ورا فرشتگان ووي ايستاده بود نماز ميگزارد در عبادتگاه كه خدا
بشارت ميدهد ترا بيحيي باشد باور دارنده فيض خدا يعني عيسي را باور دارد وسردار وبي رغبت بزنان و پيغمبر
از نيكوكاران قال رب انى يكون لي غلام وقد بلغني الكبر وامراتي عاقر قال كذلك الله
يفعل ما يشاء • گفت اي پروردگار من چگونه پيدا ميشود براي من فرزند ورسيده است مرا كلان سالي
وزن من نازاد است گفت همچنين خدا ميكند آنچه ميخواهد قال رب اجعل لي اية قال ايتك
الا تكلم الناس ثلثة ايام الا رمزا واذكر ربك كثيرا وسبح بالعشي والابكار گفت
اي پروردگار من معين كن براي من نشاني يعني نشان حمل آن فرزند فرمود نشان تو آنست كه سخن نتواني گفت
با مردمان سه روز مگر باشارت وياد كن پروردگار خود را بسيار وتسبيح كو بشام وصباح واذ قالت
الملائكة يا مريم ان الله اصطفيك وطهرك واصطفيك على نساء العالمين
وآنگاه كه گفتند فرشتگان اي مريم هرآينه خدا برگزيد ترا و پاك ساخت ترا و برگزيد ترا بر زنان عالمها يا مريم
اقنتي لربك واسجدي واركعي مع الراكعين • اي مريم فرمانبرداري كن پروردگار خود را
ونماز كن با نماز كنندگان ذلك من انباء الغيب نوحيه اليك وما كنت لديهم اذ يلقون

أَقلامهم أَيُّهم يَكفُل مريم وما كُنتَ لديهم إذ يختصمون ۝ اي محمد اين از خبرهاي غيبست وحي كرديم
آنرا بسوي تو وتو نبودي نزديك آن قوم چون مي انداختند قلمهاي خويش را يعني قرعه مي انداختند تا كدام كس
از ايشان خبرگير مريم باشد ونبودي نزديك ايشان آنگاه كه باهم گفت وگوي ميكردند إذ قالتِ الملائكة
يا مريمُ إنّ الله يُبشِّرُكِ بكلمةٍ منه اسمُه المسيحُ عيسى ابنُ مريمَ وجيهاً في الدنيا والآخرة
ومِنَ المقرّبين ويُكلّمُ الناسَ في المهدِ وكهلاً ومِنَ الصالحين ۝ آنگاه كه گفتند فرشتگان اي مريم
هرآينه خدا بشارت ميدهد ترا ببعضي از جانب خود كه نام او مسيح عيسى پسر مريم است باآبرو در دنيا وآخرت
واز نزديك كردگان حضرت عزت وسخن گويد با مردمان در گهواره ووقت معمري وباشد از شايستگان
قالت ربِّ أنّى يكونُ لي ولدٌ ولم يمسسني بشرٌ قال كذلكِ الله يخلقُ ما يشاءُ إذا
قضى أمراً فإنّما يقولُ له كُن فيكون ۝ گفت اي پروردگار من چگونه شود مرا فرزند ودست نرسانيده است
مرا هيچ آدمي فرمود همچنين خدا پيدا ميكند هرچه ميخواهد چون سرانجام ميكند كاري پس جز اين نيست كه
ميگويد او را بشو پس ميشود ويُعلّمُه الكتابَ والحكمةَ والتوراةَ والإنجيلَ ورسولاً
إلى بني إسرائيلَ أنّي قد جئتُكم بآيةٍ من ربّكم أنّي أخلقُ لكم من الطين كهيئةِ الطير
فأنفخُ فيه فيكونُ طيراً بإذنِ الله وأُبرئُ الأكمهَ والأبرصَ وأُحيي الموتى
بإذنِ الله وأُنبّئُكم بما تأكلون وما تدّخرون في بيوتكم إنّ في ذلك لآيةً لكم
إن كنتم مؤمنين ۝ ودر ضمن بشارت ميگويد كه بياموزد او را خدا كتاب ودانش وتوريت وانجيل وگرداند
او را پيغامبر بسوي بني اسرائيل باين دعوي كه آورده ام پيش شما نشانه از پروردگار شما آنكه من ميسازم براي شما
از گل مانند شكل پرنده پس ميدمم در آن پس ميگردد پرنده بحكم خدا وبه ميكنم كور مادرزاد را وبرص دار را
وزنده ميسازم مردگان را بحكم خدا وخبر ميدهم بآنچه مي خوريد وآنچه ذخيره مي نهيد در خانهاي خود هرآينه
درين كار نشانه است شما را اگر باور دارنده كاينيد ومصدّقاً لما بين يديّ من التوراة ولأُحِلَّ
لكم بعضَ الذي حُرّم عليكم وجئتُكم بآيةٍ من ربّكم فاتّقوا الله وأطيعون ۝ وآمده ام باور دارنده
آنچه پيش دست منست از توريت وآمده ام تا حلال گردانم براي شما بعض آنچه حرام شده بود بر شما وآمده ام نزد شما

بنشانه

بنشانه از پروردکار شما پس ترسید از خدا و فرمان من برید إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَٰذَا
صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝ هر آینه خدا پروردکار من و پروردکار شماست پس پرستش کنید او را اینست راه راست

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ
آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ۝ القصه این بشارت در حق عیسی علیه السلام متحقق شد و یهود
بدین خود دعوه نمودند پس آنگاه که دریافت عیسی از قوم خود کفر را گفت کیستند یاری دهندگان من بسوی خدا
گفتند حواریان و ما ییم یاری دهندگان خدا را ایمان آوردیم بخدا و گواه باش که ما فرمانبرداریم رَبَّنَا
آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ۝ ای پروردکار ما ایمان آوردیم
بانچه فرود آوردی و پیروی کردیم پیغامبر را پس بنویس ما را با شاهدان یعنی در زمره شهدا که کمل امت اند والله اعلم
وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ۝ و بد سگالیدند کافران و بد سگالید خدا یعنی با آن کافران
و خدا قویترست از همه بد سگالان إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَىٰ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ
مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ
ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ۝ آنگاه گفت خدای عیسی هر آینه
من برگیرنده توام یعنی از جهان و بردارنده توام بسوی خود و پاک سازنده توام از صحبت کسانیکه کافر شدند
و گرداننده تابعان توام بالای کافران یعنی غالب بر ایشان تا روز قیامت باز بسوی منست بازگشت شما
پس داوری کنم میان شما در آنچه اختلاف میکردید اندران فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا
شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۝ اما کافران پس عذاب کنم ایشان را عذاب
سخت در دنیا و آخرة و نیست ایشانرا هیچ یاری دهنده وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۝ و اما کسانیکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته
پس تمام دهد خدا ایشانرا مزد ایشان و خدا دوست نمیدارد ظالمانرا ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ
وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ ۝ این را میخوانیم بر تو یا محمد که آیات و کتاب محکم است إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ
آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝ هر آینه حال عیسی نزدیک خدا مانند حال آدمست آفریده اورا

ازخاک پس بازگفت اورا بشو پس شد یعنی انسان شد الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ
این سخن راست است از پروردگار تو پس مباش از شک آرندگان فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ
مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا
وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ پس هر که مکابره کند با تو در باب عیسی
بعد از آنچه آمد بتو از دانش پس بگو بیایید تا بخوانیم فرزندان خود را و فرزندان شما را و زنان خود را و زنان شما را
و ذاتهای خود را و ذاتهای شما را پس همه بزاری دعا کنیم پس لعنت خدا گوییم بر دروغگویان إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْقَصَصُ
الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ هر آینه اینست خبر راست و نیست هیچ معبود
بجز خدا و هر آینه خدا غالب استوار کارست فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ پس اگر رو گردانند
پس خدا داناست به تباهکاران قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا
نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ
فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ بگو ای اهل کتاب بیایید سوی سخن مسلم میان ما و شما که
نپرستیم بجز خدا و شریک نسازیم با وی چیزی را و پروردگار نگیرد بعض از ما بعض دیگر را بجز خدا پس اگر روی گردانند
پس بگویید که گواه باشید که ما مسلمانیم يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنْزِلَتِ
التَّوْرَاةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ای اهل کتاب چرا مکابره میکنید در باب ابراهیم
یعنی بعض گفتند یهودی بود و بعض گفتند نصرانی بود والله اعلم و فرود آورده نشده است توریة و انجیل
الا بعد ابراهیم آیا نمی فهمید هَا أَنْتُمْ هَٰؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ
بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ آگاه شوید شما ای قوم مکابره کردید در آنچه شما را بوی دانش است
پس چرا مکابره میکنید در آنچه شما را بوی دانش نیست و خدا میداند و شما نمیدانید یعنی در مسائل منصوصه در توریة
اختلاف کردید با بغیر منصوصه چرا سد والله اعلم مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَٰكِنْ
كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ نبود ابراهیم جهود و نه ترسا و لیکن بود حنیف مسلمان
و نبود از شرک آرندگان مترجم گوید حنیف آنرا گفتند که استقبال کعبه کند و حج گذارد و ختنه نماید و از جنابت

غسل

عمل کند حاصل آنکه نام کسی بود که بشریعت ابراهیمی متدین باشد اِنَّ اَوْلَى النَّاسِ بِاِبْرٰهِيْمَ لَلَّذِيْنَ
اتَّبَعُوْهُ وَهٰذَا النَّبِيُّ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَاللّٰهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِيْنَ ۝ بدرستی نزدیکترین مردم بابراهیم آنکسان
بودند که پیروی او کردند یعنی در زمان او و این پیغمبر و مومنان و خدا کارساز مسلمانان ست وَدَّتْ طَّآئِفَةٌ
مِّنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ لَوْ يُضِلُّوْنَكُمْ وَمَا يُضِلُّوْنَ اِلَّآ اَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُوْنَ ۝ آرزو کردند طائفه
از اهل کتاب که گمراه سازند شما را و گمراه نمی سازند مگر خویشتن را و آگاه نیستند يٰۤاَهْلَ الْكِتٰبِ
لِمَ تَكْفُرُوْنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَاَنْتُمْ تَشْهَدُوْنَ ۝ ای اهل کتاب چرا کافر میشوید بآیتهای خدا دانسته
يٰۤاَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تَلْبِسُوْنَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوْنَ الْحَقَّ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ۝ ای اهل کتاب
چرا خلط می کنید حق را بباطل و چرا می پوشید حق را دانسته وَقَالَتْ طَّآئِفَةٌ مِّنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ اٰمِنُوْا
بِالَّذِيْۤ اُنْزِلَ عَلَى الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَجْهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوْۤا اٰخِرَهٗ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُوْنَ ۝ و گفتند
گروهی از اهل کتاب یعنی با یکدیگر ایمان آرید بآنچه فرود آورده شده ست بر مسلمانان اول روز و انکار
کنید آخر آن روز تا شاید که مسلمانان برگردند یعنی در شک افتند وَلَا تُؤْمِنُوْۤا اِلَّا لِمَنْ تَبِعَ
دِيْنَكُمْ قُلْ اِنَّ الْهُدٰى هُدَى اللّٰهِ اَنْ يُّؤْتٰۤى اَحَدٌ مِّثْلَ مَاۤ اُوْتِيْتُمْ اَوْ يُحَآجُّوْكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ
قُلْ اِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَنْ يَّشَآءُ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيْمٌ ۝ ص و منقاد مشوید مگر کسی را که پیروی

يَّخْتَصُّ بِرَحْمَتِهٖ مَنْ يَّشَآءُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ

دین شما کند بگو یا محمد بدرستی هدایت همان ست که هدایت خداست گفتند باور مکنید آنکه داده شود بهیچکس مانند
آنچه داده شده اید شما یا گروهی الزام دهند شما را نزدیک خدا بگو نعمت بدست خداست میدهد آنرا بهر که
خواهد و خدا فراخ نعمت داناست مخصوص میکند بخشایش خود هر کرا خواهد و خداوند صاحب فضل عظیم ست
وَمِنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ مَنْ اِنْ تَاْمَنْهُ بِقِنْطَارٍ يُّؤَدِّهٖۤ اِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّنْ اِنْ تَاْمَنْهُ
بِدِيْنَارٍ لَّا يُؤَدِّهٖۤ اِلَيْكَ اِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَآئِمًا ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَالُوْا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي
الْاُمِّيّٖنَ سَبِيْلٌ وَيَقُوْلُوْنَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُوْنَ ۝ و از اهل کتاب کسی ست که اگر او را
امین سازی بقنطار یعنی مال بسیار ادا کند آنرا بتو و از ایشان کسی هست که اگر او را امین سازی بیک دینار
باز ندهد بتو مگر آنکه همیشه بروی استاده باشی این آن بسبب که ایشان گفتند نیست بر ما در ناخوانندگان گناهی

و دروغ میکویند بر خدا دانسته بَلىٰ مَنْ اَوْفىٰ بِعَهْدِهٖ وَاتَّقىٰ فَاِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِيْنَ ۝ بلی هر که وفا کند
بعهد خدا و پرهیزکاری نماید پس هر آینه خدا دوست میدارد پرهیزکارانرا اِنَّ الَّذِيْنَ يَشْتَرُوْنَ بِعَهْدِ اللّٰهِ
وَاَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيْلًا اُولٰٓئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِى الْاٰخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللّٰهُ وَلَا يَنْظُرُ اِلَيْهِمْ
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيْهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۝ هر آینه کسانیکه می ستانند عوض عهد خدا و سوکندهای
خود بهاء اندک را انجماعه نصیبی نیست ایشانرا در آخرة و سخن نکوید با ایشان خدا و نظر بسوی ایشان نکند
روز قیامت و نه پاک کند ایشانرا و ایشانراست عذاب درد دهنده وَاِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيْقًا يَّلْوٗنَ
اَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتٰبِ لِتَحْسَبُوْهُ مِنَ الْكِتٰبِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتٰبِ وَيَقُوْلُوْنَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ
وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَيَقُوْلُوْنَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُوْنَ ۝ و هر آینه از اهل کتاب
کروهی هستند که می پیچند زبان خویش بنوشته تا کمان کنید که آن از کتابست و نیست آن از کتاب یعنی
بتکلف چیزی از خود نوشته اند و میکویند که آن از نزدیک خداست و نیست آن از نزدیک خدا و دروغ
میکویند بر خدا دانسته مَا كَانَ لِبَشَرٍ اَنْ يُّؤْتِيَهُ اللّٰهُ الْكِتٰبَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُوْلَ
لِلنَّاسِ كُوْنُوْا عِبَادًا لِّيْ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَلٰكِنْ كُوْنُوْا رَبَّانِيّٖنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُوْنَ
الْكِتٰبَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُوْنَ ۝ سزاوار نیست هیچ آدمی را که عطا کند او را خدا کتاب و علم و نبوة
باز کوید بمردمان بندکان شوید مرا بدون خدا لیکن مثل این شخص میکوید که باشید ربانی یعنی مرشد خلق
شوید بسبب آموختن کتاب و خواندن آن وَلَا يَاْمُرَكُمْ اَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلٰٓئِكَةَ وَالنَّبِيّٖنَ اَرْبَابًا
اَيَاْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ اِذْ اَنْتُمْ مُّسْلِمُوْنَ ۝ و سزاوار نیست که فرماید شمارا که پروردکار کیرید فرشتکان
و پیغامبرانرا آیا بکفر فرماید شمارا بعد از انکه مسلمان شده باشید وَاِذْ اَخَذَ اللّٰهُ مِيْثَاقَ النَّبِيّٖنَ
لَمَآ اٰتَيْتُكُمْ مِّنْ كِتٰبٍ وَّحِكْمَةٍ ثُمَّ جَآءَكُمْ رَسُوْلٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهٖ وَلَتَنْصُرُنَّهٗ
قَالَ ءَاَقْرَرْتُمْ وَاَخَذْتُمْ عَلٰى ذٰلِكُمْ اِصْرِيْ قَالُوْٓا اَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوْا وَاَنَا مَعَكُمْ مِّنَ
الشّٰهِدِيْنَ فَمَنْ تَوَلّٰى بَعْدَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ ۝ آنکاه که کرفت خدای تعالی پیمان
پیغامبران یعنی از بنی آدم پیمان کرفت برای پیغامبران که انچه دادم شمارا از کتاب و علم باز بیاید بشما پیغامبری

باور کننده وانچه با شماست البته ایمان آرید باو والبته یاری دهید او را فرمود خدا آیا اقرار کردید و گرفتید
بر بکار عهد مرا یعنی قبول کردید گفتند اقرار کردیم فرمود پس گواه باشید یعنی بر یکدیگر و من با شما از گواهانیم
پس هر که برگردد بعد ازین آن گروه ایشانند بدکاران أَفَغَيْرَ دِينِ اللهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ
فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ۝ آیا این کافران ورای دین خدا می طلبند
و خدا را منقاد شده اند آنانکه در آسمانها و زمین اند بخوشی یا با ناخوشی و بسوی او گردانیده شوند قُلْ آمَنَّا
بِاللهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ عَلٰى إِبْرٰهِيمَ وَإِسْمٰعِيلَ وَإِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ
وَمَا أُوتِيَ مُوسٰى وَعِيسٰى وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ۝
بگو ایمان آوردیم بخدا و بانچه فرود آورده شده است بر ما و آنچه فرود آورده شده بود بر ابراهیم و اسمعیل
و اسحق و یعقوب و نبیرگان وی و آنچه داده شد موسی و عیسی و پیغامبران را از پروردگار ایشان فرق نمیکنیم میان
هیچ یک از ایشان و ما خدا را منقادیم وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي
الْآخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِينَ ۝ و هر که طلب کند ورای اسلام دین دیگر را پس هرگز قبول کرده نخواهد شد ازو و او
در آخرة از زیانکاران است كَيْفَ يَهْدِي اللهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ
الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِينَ ۝ چگونه راه نماید خدا یعنی
بسوی بهشت گروهی را که کافر شدند بعد اسلام خود و بعد ازانکه شناختند که پیغامبر درست است و بعد ازانکه آمد
بایشان حجتها و خدا راه ننماید گروه ستمکاران را أُولٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللهِ وَالْمَلٰئِكَةِ
وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ۝ این گروه سزاوار ایشان آنست که باشد بر ایشان نفرین خدا و فرشتگان و مردمان
همه ایشان خٰلِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ۝ جاویدان در آن لعنت
سبک کرده نشود از ایشان عذاب و نه ایشان مهلت داده شوند إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ
وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ الا آنانکه توبه کردند بعد ازین و نیکوکاری کردند پس هر آئینه خدا
آمرزنده مهربانست إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ
وَأُولٰئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ ۝ هر آئینه کسانیکه کافر شدند بعد از اسلام خویش باز زیادتی کردند در کفر یعنی

اصرار کردند تا وقت غرغره هرگز قبول کرده نشود توبه ایشان و آن گروه ایشانند گمراهان إن الذين كفروا
وماتوا وهم كفار فلن يقبل من أحدهم ملء الأرض ذهبا ولو افتدى به أولئك لهم
عذاب أليم وما لهم من ناصرين ۝ هرآینه آنانکه کافر شدند و کافر مردند هرگز قبول کرده نخواهد شد
از هیچ یک از ایشان مقداری بر زمین از زر اگر عوض خود دهد آنرا آن گروه ایشانراست عذاب درد دهنده
و نیست ایشانرا هیچ یاری دهنده لن تنالوا البر حتى تنفقوا مما تحبون وما تنفقوا من

الجزء الرابع

شيء فإن الله به عليم ۝ هرگز نیابید نیکوکاری را تا انکه خرج کنید از انچه دوست میدارید و هر چیز که
خرج کنید خدا بوی داناست كل الطعام كان حلا لبني إسرائيل إلا ما حرم إسرائيل على
نفسه من قبل أن تنزل التوراة قل فأتوا بالتوراة فاتلوها إن كنتم صادقين ۝
همه طعام حلال بود بر بنی اسرائیل الا انچه حرام کرده بود یعقوب بر خویشتن پیش از انکه تورات نازل کرده شود
بگو بیارید تورات پس بخوانید آنرا اگر راستگو هستید مترجم گوید یهود بر حضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم طعن
میکردند که شما دعوای ملت ابراهیم میکنید و انچه در خاندان ابراهیم میخوردند مانند گوشت شتر و شیر آن میخورید خدای تعالی
جواب داد که همه چیز حلال بود پیش از نزول تورات الا گوشت و شیر شتر و تحریم گوشت و شیر شتر ملت
ابراهیم نیست خاصه بنی اسرائیل بود بسبب تحریم جد ایشان والله اعلم فمن افترى على الله الكذب
من بعد ذلك فأولئك هم الظالمون ۝ پس هر که دروغ بندد بر خدا بعد ازین پس آن گروه ایشانند
ستمکاران قل صدق الله فاتبعوا ملة إبراهيم حنيفا وما كان من المشركين ۝ بگو راست گفت
خدا پس پیروی کنید ملت ابراهیم را حنیفی کیش شده و نبود از مشرکان إن أول بيت وضع للناس
للذي ببكة مباركا وهدى للعالمين ۝ هرآینه اول خانه که مقرر کرده شد برای مردمان آنست که در
مکه است برکت داده شده و هدایت مر مردمانرا فيه آيات بينات مقام إبراهيم ومن دخله
كان آمنا ولله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلا ومن كفر فإن الله
غني عن العالمين ۝ در انخانه نشانهای روشن است از انجمله جای استادن ابراهیم یعنی نقشی که در سنگ
ظاهر شده و هر که در آید انجا ایمن بود و حق خداست بر مردمان حج خانه کعبه هر که توانائی دارد در رفتن بسوی آن از جهة

اسباط و هر که کافر شود پس هر آینه خدا بی نیاز است از عالمها قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ
وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ ۝ بگو ای اهل کتاب چرا کافر میشوید بآیات خدا و خدا حاضر است بر آنچه می کنید
قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ
وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝ بگو ای اهل کتاب چرا باز میدارید از راه خدا کسیکه ایمان آورد می طلبید
برای آن راه کجی یعنی شبهات می آرید تا نزدیک مردمان ظاهر شود که کج است و شما باخبرید و نیست خدا بیخبر از آنچه
می کنید يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ
كَافِرِينَ ۝ ای مسلمانان اگر فرمان برید گروهی را از اهل کتاب کافر گردانند شما را بعد از اسلام شما وَكَيْفَ
تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ
إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ و چگونه کافر شوید و خوانده میشود بر شما آیات خدا و در میان شماست پیغامبر خدا
و هر که چنگ استوار کرد بخدا پس هر آینه راه نموده شد بسوی راه راست يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ
حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۝ ای مسلمانان بترسید از خدا حق ترسیدن از وی و نمیرید
مگر مسلمان شده وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ
أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ
فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۝ و چنگ زنید بر رسن خدا یعنی بدین
خدا جمع آمده و پراکنده مشوید و یاد کنید نعمت خدا که بر شماست چون بودید دشمن یکدیگر یعنی اوس و
خزرج و عرب معدیه و یمنیه و عرب و عجم با یکدیگر دشمنی داشتند پس الفت داد میان دلهای شما پس شدید
به نعمت خدا برادر با یکدیگر و بودید بر کرانه مغاکی از آتش پس رهانید شما را از آن همچنین بیان میکند خدا برای شما
نشانهای خود را تا باشد که راه یابید یعنی تفرق در اصول دین حرام است که جمعی معتزلی باشند و جمعی شیعه
و علی هذا القیاس وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ
الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ و باید که باشند از شما گروهی که بخوانند بسوی نکوکاری و بفرمایند بکار پسندیده
و منع کنند از ناپسندیده و آن گروه ایشانند رستگاران یعنی واجب بالکفایه است که جمعی بامر معروف قیام نمایند

ولا تكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا من بعد ما جاءهم البينات وأولئك لهم عذاب
عظيم ۝ ومباشید مانند کسانیکه پراکنده شدند و خلاف یکدیگر کردند بعد از انکه آمد بایشان حجتها و آن گروه
ایشانراست عذاب بزرگ یعنی مانند یهود و نصاری مشوید که بعناد و چند فرقه گشتند يوم تبيض وجوه
وتسود وجوه فأما الذين اسودت وجوههم أكفرتم بعد إيمانكم فذوقوا العذاب
بما كنتم تكفرون ۝ آن روز که سفید شود یکباره رویها و سیاه گردد یکباره رویها اما آنانکه سیاه گشت
روی ایشان بدیشان گفته شود آیا کافر شدند بعد از اسلام خویش پس بچشید عذاب بسبب کافر شدن خویش
وأما الذين ابيضت وجوههم ففي رحمة الله هم فيها خالدون ۝ و اما آنانکه سفید شد
رویهای ایشان پس در رحمت خدا باشند ایشان در انجا جاوید تلك آيات الله نتلوها عليك
بالحق وما الله يريد ظلما للعالمين ۝ این آیات خداست میخوانیم آنرا براستی و نمیخواهد خدا
ستم کردن بر مردمان ولله ما في السماوات وما في الأرض وإلى الله ترجع الأمور ۝
و خدا راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و بسوی خدا باز گردانیده میشود همه کار كنتم
خير أمة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف وتنهون عن المنكر وتؤمنون
بالله ولو آمن أهل الكتاب لكان خيرا لهم منهم المؤمنون وأكثرهم الفاسقون ۝
هستید شما بهترین امتی که بیرون آورده شد یعنی ظاهر کرده شد برای مردمان میفرمایید بکار پسندیده
و منع میکنید از ناپسندیده و باور میدارید خدا را و اگر ایمان می آوردند اهل کتاب بهتر بودی ایشانرا
بعضی از ایشان مسلمانند و اکثر ایشان بدکارند لن يضروكم إلا أذى وإن يقاتلوكم يولوكم
الأدبار ثم لا ينصرون ۝ هرگز زیان نرسانند بشما مگر اندک رنجی یعنی بسبب زبان درازی
و اگر کارزار کنند با شما پشت با بسوی شما کنند یعنی بگریزند باز نصرت داده نشوند ضربت عليهم
الذلة أين ما ثقفوا إلا بحبل من الله وحبل من الناس وباءوا بغضب من الله
وضربت عليهم المسكنة ذلك بأنهم كانوا يكفرون بآيات الله ويقتلون الأنبياء
بغير حق ذلك بما عصوا وكانوا يعتدون ۝ زود باشد بر ایشان خواری هرجاکه یافته شوند

مگر بعهد آدمی

مگر بدست آویزی از خدا و دست آویزی از مردمان یعنی مگر بعهد و ذمه و باز گشتند بخشمی از خدا و زده شد
بر ایشان ناداری این از آن سبب است که کافر میبودند بآیات خدا و می کشتند پیغامبران را بنا حق این سبب گناه کردن
ایشان است و سبب آنکه از حد می گذشتند لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ
آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ ۝ نیستند همه برابر از اهل کتاب گروهی است ایستاده یعنی
راست کردار میخوانند آیات خدا را در اوقات شب و ایشان سجده می کنند یعنی آنانکه از ایشان مسلمان شده اند
مانند عبد الله بن سلام يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ
عَنِ الْمُنكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَٰئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ باور میدارند خدا را و
روز قیامت را و میفرمایند بکار پسندیده و منع میکنند از ناپسندیده و شتابی میکنند در نیکیها و ایشان از
شایسته کاران اند وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَن يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ۝ و آنچه می کنند از
نیکی پس ناقدر شناسی کرده نشود با ایشان بنسبت آن عمل و خدا داناست به پرهیزکاران إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
لَن تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُم مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝
هر آئینه کسانیکه کافر شدند دفع نکند از ایشان مال ایشان و اولاد ایشان از عذاب خدا چیزی را و ایشان اند باشندگان
دوزخ ایشان آنجا جاوید اند مَثَلُ مَا يُنفِقُونَ فِي هَٰذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ
حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَٰكِنْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ صفت
آنچه خرج می کنند درین زندگانی دنیا مانند صفت بادیست که در آن سرما سخت است برسید زراعت گروهی را
که ستم کردند بر خویشتن پس نابود ساخت آن را و ستم نکرد بر ایشان خدا و لیکن بر خویشتن ستم میکردند حاصل آنکه
صدقات ایشان حبط میشود يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ
خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ
أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ ۝ ای مسلمانان دوست پنهانی مگیرید از غیر خویش یعنی
از غیر مسلمانان تقصیر می کنند بنسبت شما در فتنه انگیزی دوست داشتند رنج شما را هر آئینه ظاهر شد دشمنی از
دهن ایشان و آنچه پنهان کرده است سینه ایشان سخت تر است هر آئینه بیان کردیم برای شما نشانها اگر دانا هستید.

ها انتم اولاء تحبونهم ولا یحبونکم وتؤمنون بالکتاب کله واذا لقوکم قالوا امنا
واذا خلوا عضوا علیکم الانامل من الغیظ قل موتوا بغیظکم ان الله علیم بذات
الصدور ۝ آگاه شوید شما ای قوم که دوست میدارید ایشانرا و ایشان دوست نمیدارند شمارا و ایمان
می آرید بهمه کتاب الهی و ایشان چون ملاقات کنند باشما گویند ایمان آوردیم و چون تنها بشوند بگزند بر شما
انگشتان خودرا از خشم بگو بمیرند بسبب خشم خویش هر آینه خدا داناست بآنچه در سینهاست ان تمسسکم
حسنة تسؤهم وان تصبکم سیئة یفرحوا بها وان تصبروا وتتقوا لا یضرکم کیدهم
شیئا ان الله بما یعملون محیط ۝ اگر برسد بشما نعمت ناخوش کند ایشانرا و اگر برسد بشما سختی خوشدل
شوند بآن و اگر شکیب کنید و پرهیزکاری نمائید هیچ زیان نرساند بشما مکر ایشان هر آینه خدا بآنچه می کنند در گیرنده
مترجم گوید در غزوه احد اهل نفاق میل کردند بآنکه در شهر متحصن شوند و اصحاب خواستند که بیرون آمده جنگ
کنند بعد از آنکه هزیمت واقع شد منافقان این را محل طعن گرفتند و وقت حرب حضرت پیغامبر شعبی جماعه را
متعین ساختند که از پی بجنبند چون آثار فتح ظاهر شدن گرفت آنجماعه در پی غارت افتادند و عصیان پیغامبر کردند
بشومی این عصیان هزیمت بر مسلمانان افتاده و همه فرار کردند الا ماشاء الله و در نزول خبر شهادت
حضرت پیغامبر شایع شد منافقان قصد ارتداد کردند پس در جواب طعن منافقان و عتاب خلاف امر کنندگان
و تشنیع بی وفایان حق سبحانه نازل کرد واذ غدوت من اهلک تبوئ المؤمنین مقاعد
للقتال والله سمیع علیم ۝ و یاد کن آنگاه که بگاه بیرون آمدی از میان اهل خانه خود می نشاندی
مسلمانانرا در جایها برای جنگ و خدا شنوا داناست اذ همت طائفتان منکم ان تفشلا
والله ولیهما وعلی الله فلیتوکل المؤمنون ۝ آنگاه که خواستند دو فرقه از شما که بزدلی کنند
و خدا کارساز ایشان بود و بر خدا باید که توکل کنند مسلمانان یعنی بنی سلمه و بنی حارثه که داعیه فرار بخاطر
گذشته بود و باز خدای تعالی ایشانرا از جبن محفوظ داشت ولقد نصرکم الله ببدر وانتم اذلة
فاتقوا الله لعلکم تشکرون ۝ و هر آینه خدا فتح داد شمارا روز بدر و شما خوار بودید پس بترسید از خدا
تا بود که شکر کنید اذ تقول للمؤمنین الن یکفیکم ان یمدکم ربکم بثلثة الاف من

الملئکة منزلین ۝ چون میگفتی بمسلمانان ایا کفایت نخواهد کرد شما را که امداد کند پروردگار شما بسه هزار کس
از فرشتگان فرود آورده شده بلی ان تصبروا وتتقوا ویاتوکم من فورهم هذا یمددکم
ربکم بخمسة آلاف من الملئکة مسومین ۝ بلی اگر صبر کنید و پرهیزکاری نمائید و بیایند کافران
بسوی شما باین جوش خود امداد کند شما را پروردگار شما بپنج هزار کس از فرشتگان نشانمند کرده یعنی خود را
و اسپان خود را نیک آراسته وما جعله الله الا بشری لکم ولتطمئن قلوبکم به وما النصر
الا من عند الله العزیز الحکیم ۝ و نساخت خدای تعالی این مدد را مگر برای مژده دادن شما و برای آنکه
آرام گیرد دل شما بآن و نیست فتح مگر از نزدیک خدا غالب استوار کار لیقطع طرفا من الذین کفروا
او یکبتهم فینقلبوا خائبین ۝ چنین کرد تا هلاک کند طائفه را از کافران یا مغلوب سازد ایشان را
پس باز گردند بمراد نارسیده لیس لک من الامر شیء او یتوب علیهم او یعذبهم فانهم
ظلمون ۝ نیست ترا از کار چیزی یا بمهربانی باز گردد بر ایشان یا عذاب کند ایشان را زیرا که ایشان ستمکارند
ولله ما فی السموات وما فی الارض یغفر لمن یشاء ویعذب من یشاء والله غفور
رحیم ۝ و خدا راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است می آمرزد هر کرا خواهد و عذاب میکند هر کرا خواهد
و خدا آمرزنده مهربان است یا ایها الذین آمنوا لا تاکلوا الربوا اضعافا مضعفة واتقوا الله
لعلکم تفلحون ۝ ای مومنان مخورید سود را دو چندان تو بر تو و بترسید از خدا تا باشد که رستگار شوید
واتقوا النار التی اعدت للکفرین ۝ و پناه گیرید از ان آتش که آماده کرده شده است برای کافران
واطیعوا الله والرسول لعلکم ترحمون ۝ و فرمان برید خدا را و پیغامبر را تا شاید که بر شما
مهربانی کرده شود وسارعوا الی مغفرة من ربکم وجنة عرضها السموات والارض
اعدت للمتقین ۝ و شتاب کنید بسوی آمرزش از پروردگار خویش و بسوی بهشتی که پهنای او مانند
آسمانها و زمین است آماده کرده شده است برای پرهیزکاران الذین ینفقون فی السراء والضراء
والکظمین الغیظ والعافین عن الناس والله یحب المحسنین ۝ برای آنانکه خرج میکنند در
آسایش و سختی و فرو خورندگان خشم اند و عفو کنندگان تقصیر از مردمان و خدا دوست میدارد نیکوکاران را والذین

اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم ومن يغفر

الذنوب الا الله ولم يصروا على ما فعلوا وهم يعلمون ۝ وآنانكه چون كار زشت كنند يا ستم

كنند بر خود ياد كنند خدا را پس آمرزش خواهند براي گناهان خود وكيست كه بيامرزد گناهانرا مگر خدا و نباشند

برانچه كردند دانسته اولئك جزاؤهم مغفرة من ربهم وجنت تجري من تحتها الانهار

خلدين فيها ونعم اجر العاملين ۝ آن گروه پاداش ايشان آمرزش است از پروردگار ايشان

و بوستانها ميرود زير آن جويها جاويدان در آنجا و نيك است اجر طاعت كنندگان قد خلت من قبلكم

سنن فسيروا في الارض فانظروا كيف كان عاقبة المكذبين ۝ هر آينه گذشته است پيش از شما

واقعها پس سير كنيد در زمين و ببينيد چگونه شود آخر كار دروغ دارندگان هذا بيان للناس و

هدى وموعظة للمتقين ۝ اين واضح كردن است براي مردمان و راه نمودن و پند دادن براي

پرهيزگاران ولا تهنوا ولا تحزنوا وانتم الاعلون ان كنتم مؤمنين ۝ و سست مشويد و

اندوهناك مباشيد و شما ايد غالب اگر مسلمان هستيد ان يمسسكم قرح فقد مس القوم قرح

مثله وتلك الايام نداولها بين الناس وليعلم الله الذين امنوا ويتخذ منكم شهداء

والله لا يحب الظالمين ۝ اگر برسد شما را زخمي پس رسيده است جماعة كافران را زخمي مانند آن يعني در

واينچه دستها ميگردانيم آنرا در ميان مردمان براي فوايد بسيار و تا متميز سازد خدا مؤمنان را و شهيد كرداند بعض

از شما و خدا دوست نميدارد ستمكاران را وليمحص الله الذين امنوا ويمحق الكافرين ۝ و تا كامل عيار

كند مسلمانانرا يعني ذنوب ايشانرا محو كند و نابود سازد كافرانرا ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما

يعلم الله الذين جاهدوا منكم ويعلم الصابرين ۝ آيا گمان كرديد كه در آييد به بهشت و هنوز

متميز نساخته است خدا مجاهدانرا از شما و پيش از آنكه جدا سازد صابرانرا ولقد كنتم تمنون الموت

من قبل ان تلقوه فقد رايتموه وانتم تنظرون ۝ و هر آينه شما آرزو ميكرديد مرگ را

يعني شهادت را پيش از آنكه ملاقات آن كنيد پس معاينه كرديد آنرا و شما مي نگريستيد وما محمد الا

رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم على اعقابكم ومن

ينقلب

يَنقَلِبْ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ فَلَن يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ۝ نيست محمد مگر پيغامبری
گذشته اند پیش از وی پیغامبران آیا اگر بمیرد یا کشته شود برگردید بر پاشنهای خود یعنی مرتد شوید و هر که
برگردد بر پاشنهای خود پس هیچ زیان نرساند خدا را و خدا ثواب خواهد داد شکرگذاران را وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ
أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّؤَجَّلًا وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَن
يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ ۝ و نیست هیچ شخص که بمیرد الا باراده خدا
مقید بقید وقت و هر که خواهد جزای دنیا دهیم بوی از ثواب دنیا و هر که خواهد جزای آخرت بدهیمش از ثواب
آخرت و نزدیک ست که جزای نیک دهیم شکرگذاران را وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ
فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ
الصَّابِرِينَ ۝ و بسا پیغامبر که قتال کردند با کفار همراه او خداپرستان بسیار پس سستی نکردند بسبب مصیبتی که
ایشان را رسید در راه خدا و ناتوانی نکردند و بیچارگی ننمودند و خدا دوست میدارد صابران را وَمَا كَانَ
قَوْلَهُمْ إِلَّا أَن قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا
عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ۝ و نبود سخن این خداپرستان بجز آنکه گفتند ای پروردگار ما بیامرز ما را گناهان
ما را و از حد گذشتن ما در کار خود و استوار کن پایهای ما را و نصرت ده ما را بر قوم کافران فَآتَاهُمُ اللَّهُ
ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۝ پس عطا کرد خدا ایشان را جزای نیک
در دنیا و جزای نیک در آخرة و خدا دوست میدارد نیکوکاران را يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تُطِيعُوا
الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنقَلِبُوا خَاسِرِينَ ۝ ای مومنان اگر فرمان برداری کافران
کنید باز گردانند شما را بر پاشنهای شما پس زیانکار شوید بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ ۝
بلکه خدای یاری دهنده شماست و او بهترین یاری دهندگان است سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا
الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ ۝
خواهیم انداخت در دل کافران بزدلی بسبب آنکه شریک مقرر ساختند با خدا چیزی را که هیچ حجت فرو ناورده است
خدای برای او و جای ایشان دوزخ ست و او بد افتگاه ستمکاران ست وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ

إذ تحسونهم بإذنه حتى إذا فشلتم وتنازعتم في الأمر وعصيتم من بعد ما أراكم ما تحبون

منكم من يريد الدنيا ومنكم من يريد الآخرة ثم صرفكم عنهم ليبتليكم ولقد عفا عنكم

والله ذو فضل على المؤمنين ۞ هر آئينه راست كرد خدا در حق شما وعده خود را چون مي كشتيد كافران را بحكم خدا

تا وقتيكه بزدلي كرديد در كار خويش و نافرماني كرديد بعد از آنكه نمود بشما آنچه ميخواستيد از شما كسي بود كه ميخواست

آخرت را آنگاه باز گردانيد شما را از ايشان يعني فرار كرديد تا امتحان كند شما را و هر آئينه در گذرانيد از شما و خدا صاحب رحمت

بر مومنان إذ تصعدون ولا تلوون على أحد والرسول يدعوكم في أخراكم فأثابكم غما

بغم لكيلا تحزنوا على ما فاتكم ولا ما أصابكم والله خبير بما تعملون ۞ آنگاه كه دور ميرفتيد

در گريختن و متوجه نمي شديد بهيچكس و پيغامبر ميخواند شما را در جماعه كه پس پشت شما بودند پس جزا داد شما را باندوه

بالاي اندوهي اين پند دادن براي آنست تا اندوهناك نشويد بر آنچه از دست شما رفت و نه بر آنچه رسيد بشما و خدا

باخبرست بآنچه ميكنيد ثم أنزل عليكم من بعد الغم أمنة نعاسا يغشى طائفة منكم وطائفة

قد أهمتهم أنفسهم يظنون بالله غير الحق ظن الجاهلية يقولون هل لنا من الأمر

من شيء قل إن الأمر كله لله يخفون في أنفسهم ما لا يبدون لك يقولون لو كان لنا

من الأمر شيء ما قتلنا هاهنا قل لو كنتم في بيوتكم لبرز الذين كتب عليهم القتل إلى

مضاجعهم وليبتلي الله ما في صدوركم وليمحص ما في قلوبكم والله عليم بذات

الصدور ۞ باز فرود آورد بر شما پس از اندوه امني كه پينكي بود مي پوشيد گروهي را از شما و گروهي ديگر بودند كه

اندوهناك ساخته بود ايشانرا كار خويشتن گمان ميكردند بخدا ناحق گمان كوران ميگفتند آيا هست ما را ازينكار چيزي

بگو دربكار ما را اختيار نيست و نه بتدبير ما كار ميكنند بگو كار تمام خدا راست پنهان ميدارند در دل خويش آنچه آشكار

نمي كنند براي تو مي گويند اگر بودي ما را ازينكار چيزي كشته نميشديم درينجا بگو اگر مي بوديد در خانهاي خود هر آئينه

بيرون مي آمدند كسانيكه مقدر شده بود بر ايشان كشته شدن بسوي كشتنگاه خويش و اينكار براي آن كرده شد

كه در علم الهي مقدر بود و تا بازمايد خدا آنچه در سينه شماست و تا كامل عيار سازد آنچه در دل شماست و خدا دانا

بآنچه در سينه هاست إن الذين تولوا منكم يوم التقى الجمعان إنما استزلهم الشيطان

ببعض ما کسبوا ولقد عفا الله عنهم ان الله غفور حلیم ۝ هر آینه کسانی که روی گردانیدند از
شما روزی که بهم آمدند هر دو جماعه یعنی کافران و مسلمانان جز این نیست که لغزانید ایشان را شیطان بشومی بعض
آنچه کردند و هر آینه عفو کرد خدا از ایشان هر آینه خدا آمرزنده بردبار است یا ایها الذین آمنوا لا تکونوا
کالذین کفروا وقالوا لاخوانهم اذا ضربوا فی الارض او کانوا غزی لو کانوا عندنا
ما ماتوا وما قتلوا لیجعل الله ذلک حسرة فی قلوبهم والله یحیی ویمیت والله
بما تعملون بصیر ۝ ای مومنان مباشید مانند آنان که کافر شدند و گفتند در حق برادران خویش چون
سفر کنند در زمین یا باشند بجهاد بیرون آمده یعنی چون بمیرند درین حالت اگر میبودند ایشان نزدیک ما
نمی مردند و کشته نمی شدند تا گرداند خدای تعالی این سخن را دریغ در دل ایشان و خدا زنده میکند و می میراند
و خدا آنچه می کنید بیناست ولئن قتلتم فی سبیل الله او متم لمغفرة من الله ورحمة خیر
مما یجمعون ۝ و اگر کشته شدید در راه خدا یا مردید هر آینه آمرزش از خدا و بخشایش بهترست از آنچه جمع میکنند
ولئن متم او قتلتم لالی الله تحشرون ۝ و اگر مردید یا کشته شدید البته بسوی خدا برانگیخته خواهید شد
فبما رحمة من الله لنت لهم ولو کنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک فاعف
عنهم واستغفر لهم وشاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله ان الله یحب
المتوکلین ۝ پس بسبب مهربانی از خدا نرم شدی برای ایشان و اگر میبودی درشت خوی سخت دل هر آینه پراکنده
میشدند از حوالی تو پس درگذر از ایشان و آمرزش خواه برای ایشان و مشورت کن با ایشان در کار پس هرگاه
قصد محکم کردی پس اعتماد کن بر خدا هر آینه خدا دوست میدارد توکل کنندگان را ان ینصرکم الله
فلا غالب لکم وان یخذلکم فمن ذا الذی ینصرکم من بعده وعلی الله فلیتوکل
المؤمنون ۝ اگر نصرت دهد شما را خدا هیچکس غالب نیست بر شما و اگر بی یاری بگذارد شما را پس کیست که نصرت دهد
شما را بعد از وی و بر خدا باید که توکل کنند مسلمانان وما کان لنبی ان یغل ومن یغلل یأت بما
غل یوم القیمة ثم توفی کل نفس ما کسبت وهم لا یظلمون ۝ و هرگز خیانت از پیغمبر نیامد و هر که
خیانت کند خواهد آورد آنچیز را که خیانت او کرده است بروز قیامت یعنی بر سر برداشته پس تمام داده شود هر شخص را

از انچه کرده است وایشان ستم کرده نشوند مترجم کوید چون انحضرت صلی الله علیه وآله وسلم متصرف بودند در غنیمت این آیه
نازل شد تا کسی کمان خیانت نکند افمن اتبع رضوان الله کمن باء بسخط من الله وماویه
جهنم وبئس المصیر ۞ ایا کسی که در پی خشنودی خدا رفت میباشد مانند کسی که باز کشت بخشم خدا و جای او
دوزخ است وبد جایست هم درجت عند الله والله بصیر بما یعملون ۞ ایشان بر مراتب اند
نزدیک خدا و خدا بیناست بانچه میکنند لقد من الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا من
انفسهم یتلوا علیهم ایته ویزکیهم ویعلمهم الکتب والحکمة وان کانوا من قبل لفی
ضلال مبین ۞ هر اینه نعمت فراوان داد خدا بر مومنان انکاه که فرستاد در میان ایشان پیغامبری از
قوم ایشان میخواند بر ایشان ایات خدا و پاک میسازد ایشانرا و می اموزد ایشانرا کتاب و علم و هر اینه بودند
بیش ازین در کمراهی اشکارا اولما اصابتکم مصیبة قد اصبتم مثلیها قلتم انی هذا قل هو
من عند انفسکم ان الله علی کل شیء قدیر ۞ ایا چون رسید بشما مصیبتی که بدشمن رسانیده بودید دو چند
ازان کفتید از کجا آمد این مصیبت بکو که آن از نزدیک نفوس شماست هر اینه خدا بر همه چیز تواناست وما
اصابکم یوم التقی الجمعان فباذن الله ولیعلم المؤمنین ولیعلم الذین نافقوا وقیل
لهم تعالوا قاتلوا فی سبیل الله او ادفعوا قالوا لو نعلم قتالا لاتبعنکم هم للکفر
یومئذ اقرب منهم للایمان یقولون بافواههم ما لیس فی قلوبهم والله اعلم بما یکتمون ۞
وانچه رسید شما را روزیکه بهم آمدند دو کروه باراده خدا بود و تا متمیز سازد مومنانرا و متمیز سازد انانرا که منافق
شدند وکفته شد ایشانرا بیایید بجنکید در راه خدا یا دفع کنید کافرانرا یعنی از بلاد خویش کفتند اکر میدانستیم جنک کردن
یعنی اکر مصلحت میدانستیم هر اینه پیروی شما میکردیم این کروه سوی کفر آن روز نزدیکتر بودند به نسبت ایشان بجانب
ایمان میکویند بدهان خویش انچه نیست در دل ایشان و خدا داناتر است بانچه می پوشند الذین قالوا
لاخوانهم وقعدوا لو اطاعونا ما قتلوا قل فادرءوا عن انفسکم الموت ان کنتم
صادقین ۞ انانکه خود از جنک باز نشسته کفتند در حق برادران خویش اکر فرمان ما می بردند کشته نمی شدند
بکو دفع کنید از خویشتن مرک اکر راست کو هستید ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله

اموات

أمواتا بل أحياء عند ربهم يرزقون • و مرده کمان مکن کسانی را که کشته شدند در راه خدا بلکه زنده اند

نزدیک پروردگار خویش روزی داده میشوند فرحین بما آتاهم الله من فضله ویستبشرون

بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم ألا خوف علیهم ولا هم یحزنون • شادان بآنچه عطا کرده است

خدا بایشان از فضل خود و خوشوقت میشوند بسبب آنانکه هنوز بایشان نه پیوسته اند از پس ایشان بسبب آنکه هیچ ترس

نیست بر ایشان ونه ایشان اندوهناک شوند یستبشرون بنعمة من الله وفضل وأن الله لا یضیع

أجر المؤمنین • خوشوقت میشوند بنعمت خدا و فضل او و بآنکه خدا ضایع نمیکند مزد مومنانرا مترجم گوید در احد

مسلمانان و کفار باهم عهد بستند که وعده گاه قتال میان ایشان سال آینده سوق بدر باشد و چون موسم سوق بدر رسید

کفار شخصی را فرستادند تا جمعیت ایشانرا بیان کرده مسلمانانرا در خبر توقف اندازد با وجود آن جماعه از مسلمانان

همراه آنحضرت صلی الله علیه وسلم برآمدند و به بدر رسیدند و در تجارت سود ها یافتند و هیچ یک از کفار مزاحم ایشان نشد

واین را غزوه بدر صغری میگویند خدای تعالی در مدح ایشان میفرماید الذین استجابوا لله والرسول

من بعد ما أصابهم القرح للذین أحسنوا منهم واتقوا أجر عظیم • کسانیکه قبول کردند حکم

خدا و رسول بعد از آنکه رسیده بود بایشان زخم برای آنانکه از آن جماعه نیکوکاری کردند و تقوی کرده اند مزد بزرگ است

الذین قال لهم الناس إن الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم إیمانا وقالوا حسبنا الله

ونعم الوکیل • آنانکه گفتند بایشان مردمان که کافران لشکر جمع کرده اند برای شما پس بترسید از آن لشکرها

پس زیاده کرد این سخن ایمان ایشانرا و گفتند بس است ما را خدا و نیک کارگذار است فانقلبوا بنعمة من الله

وفضل لم یمسسهم سوء واتبعوا رضوان الله والله ذو فضل عظیم • پس بازگشتند مسلمانان

بنعمتی از خدا و فضل او نرسید بایشان هیچ سختی و پیروی خوشنودی خدا کردند و خدا صاحب فضل بزرگ است إنما

ذلکم الشیطان یخوف أولیاءه فلا تخافوهم وخافون إن کنتم مؤمنین • جز این نیست که این خبر دهنده

شیطان است میترساند دوستان خود را یعنی ضعیف الاسلام را پس مترسید از کافران و بترسید از من اگر مومن هستید

ولا یحزنک الذین یسارعون فی الکفر إنهم لن یضروا الله شیئا یرید الله ألا یجعل

لهم حظا فی الآخرة ولهم عذاب عظیم • و اندوهگین نکنند ترا ای محمد آنانکه می شتابند در نصرة کفر

هرآینه ایشان هیچ زیان نرسانند خدا را یعنی دین او را میخواهد خدا که ندهد ایشانرا هیچ بهره در آخرة و ایشانراست
عذاب بزرگ إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ هرآینه
آنانکه خریدند یعنی اختیار کردند کفر را عوض ایمان هیچ زیان نرسانند خدا را و ایشانراست عذاب درد دهنده وَلَا
يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ
مُهِينٌ ۝ و گمان نکنند کافران که مهلت دادن ما ایشانرا بهترست در حق ایشان جز این نیست که مهلت میدهیم
ایشانرا تا زیاده شوند در گناهکاری و ایشانراست عذاب خوار کننده مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ
عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ
يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ ۝
هرگز نگذارد خدا مسلمانانرا بر آنچه الحال شما هستید بر آن تا آنکه جدا کند ناپاک را از پاک و هرگز مطلع نکند
خدا شما را بر غیب لیکن خدا برمیگزیند از پیغامبران خود هرکرا خواهد پس ایمان آرید بخدا و پیغامبران او و اگر ایمان
آرید و تقوی کنید شما را باشد مزد بزرگ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ
هُوَ خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ باید که گمان نکنند آنانکه بخل میکنند با آنچه عطا کرده است خدای تعالی
ایشانرا از فضل خود این بخل را بهتر برای خویش بلکه او بدست برای ایشان نزدیکست که بزنشکل طوق
پوشانیده شود ایشانرا آنچه بخل کرده اند با آن روز قیامت یعنی اعمال را بصورت مار در گردن ایشان
اندازند و خدا راست پس گذاشته اهل آسمانها و زمینها و خدا با آنچه میکنید داناست لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ
قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ
بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ۝ هرآینه شنید خدا سخن آنانکه گفتند که خدا فقیرست
و ما توانگریم یعنی چون یهود شنیدند اقرضوا الله گفتند ما غنی ایم و خدا فقیرست والله اعلم خواهیم نوشت
آنچه گفتند و نویسیم کشتن ایشان پیغامبران را بناحق و گوییم بچشید عذاب سوزنده ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ
أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ۝ این عذاب بسبب عملیست که پیش فرستاده دستهای شما

برنزکرا

و آیتست که خدا ستم کننده نیست بر بندگان الذین قالوا ان الله عهد الینا الا نؤمن
لرسول حتی یأتینا بقربان تأکله النار قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبینات وبالذی
قلتم فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین ۝ آنانکه گفتند که خدا حکم فرستاده است سوی ما که ایمان
نیاریم بهیچ پیغامبر تا آنکه بیارد بقربانی که بخورد او را آتش یعنی گوسپندی که از غیب آتش او را بردارد بگو
آوردند نزدیک شما پیغامبران پیش از من معجزها و آن نیز که شما گفتید پس چرا کشتید ایشان را اگر هستید
راست گوی فان کذبوک فقد کذب رسل من قبلک جاءوا بالبینات والزبر والکتاب
المنیر ۝ پس اگر بدروغ نسبت کردند ترا بدروغ نسبت کرده شده پیغامبران پیش از تو آوردند معجزها و
صحیفها و کتاب روشن را کل نفس ذائقة الموت وانما توفون اجورکم یوم القیامة
فمن زحزح عن النار وادخل الجنة فقد فاز وما الحیوة الدنیا الا متاع الغرور
هر شخصی چشنده موتست و جز این نیست که تمام داده خواهید شد مزد خویش را روز قیامت پس هر که دور
داشته شد از دوزخ و در آورده شد به بهشت پس هر آینه بمراد رسید و نیست زندگانی دنیا مگر بهره
فریبنده لتبلون فی اموالکم وانفسکم ولتسمعن من الذین اوتوا الکتاب من قبلکم
ومن الذین اشرکوا اذی کثیرا وان تصبروا وتتقوا فان ذلک من عزم الامور
البته آزمایش کرده خواهید شد شما را در اموال شما و جان شما و خواهید شنید از آنانکه پیش از شما کتاب داده شده اند
و از مشرکان سرزنش بسیار و اگر صبر کنید و پرهیزکاری نمائید هر آینه این خصلت از کارهای مقصودست
واذ اخذ الله میثاق الذین اوتوا الکتاب لتبیننه للناس ولا تکتمونه فنبذوه
وراء ظهورهم واشتروا به ثمنا قلیلا فبئس ما یشترون ۝ و یاد کن چون گرفت خدا عهد
اهل کتاب که البته بیان کنید کتاب برای مردمان و نپوشید آنرا پس انداختند آن عهد را پس پشت خویش
و گرفتند عوض وی بهاء اندک پس بد چیزیست که می ستانند لا تحسبن الذین یفرحون بما اتوا
ویحبون ان یحمدوا بما لم یفعلوا فلا تحسبنهم بمفازة من العذاب ولهم عذاب
الیم ۝ مپندار کسی را که شادمان شوند بانچه کردند و دوست میدارند که ستوده شوند بانچه نکرده اند

مبتدا را ایشانرا در خلاص از عذاب وایشانراست عذاب درد دهنده ولله ملك السموات والارض

والله على كل شيء قدير • وخدار است بادشاهی آسمانها و زمین وخدا بر همه چیز توانا است ان

في خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار لايات لاولي الالباب • هر اینه

در آفرینش آسمانها و زمین وآمد شد شب و روز نشانهاست خداوندان خرد را الذين يذكرون

الله قياما وقعودا وعلى جنوبهم ويتفكرون في خلق السموات والارض ربنا ما

خلقت هذا باطلا سبحانك فقنا عذاب النار • آنانکه یاد میکنند خدارا ایستاده و نشسته

و بر پهلوی خویش و تامل میکنند در آفرینش آسمانها و زمین میگویند ای پروردگار ما نیافریده این را باطل

یعنی بغیر تدبیر بلیغ والله اعلم پاکیست ترا پس نگهدار مارا از عذاب آتش ربنا انك من تدخل النار

فقد اخزيته وما للظالمين من انصار ای پروردگار ما هر اینه تو هر کرا در آری بدوزخ تحقیق

رسوا کردی اورا و نیست ستمکاران را هیچ یاری دهنده ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي للايمان

ان امنوا بربكم فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار

ای پروردگار ما هر اینه ما شنیدیم ندا کننده را باواز بلند میخواند بسوی ایمان که ایمان آرید به پروردگار

خویش پس ما ایمان آوردیم ای پروردگار ما پس بیامرز گناهان مارا و دور کن از ما بدیهای مارا و بمیران مارا

با نیکوکاران ربنا واتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد

ای پروردگار ما بده مارا آنچه وعده کرده بر زبان رسولان خود و رسوا مکن مارا روز قیامت هر اینه تو خلاف

وعده نمی کنی فاستجاب لهم ربهم اني لا اضيع عمل عامل منكم من ذكر او انثى بعضكم

من بعض فالذين هاجروا واخرجوا من ديارهم واوذوا في سبيلي وقاتلوا وقتلوا

لاكفرن عنهم سيئاتهم ولادخلنهم جنات تجري من تحتها الانهار ثوابا من عند الله

والله عنده حسن الثواب پس قبول کرد دعای ایشانرا پروردگار ایشان بانکه من ضایع نمی سازم

عمل هیچ عمل کننده از شما از مرد یا زن بعضی شما از جنس بعض است پس آنانکه هجرة کردند و بیرون کرده شدند از خانهای

خویش و رنجانیده شدند در راه من و جنگ کردند و کشته شدند البته دور کنم از ایشان گناهان ایشانرا و البته

در آرم ایشانرا در باغها که میرود زیر آن جویها پاداش از نزدیک خدا و خدا نزدیک اوست پاداش نیک
لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ
باید که نفریبد ترا آمد و شد کافران در شهرها این بهره مندانک است بعد از آن جای ایشان دوزخ باشد
و وی بد جای است لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ • لیکن آنانکه ترسیدند از پروردگار خود
ایشانراست بوستان میرود زیر آن جویها جاویدان در آنجا تحفه از نزدیک خدا و آنچه نزدیک خداست
بهتر است نیکوکارانرا وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنْزِلَ
إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ
إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ • و هر آینه از اهل کتاب کسانند که ایمان می آرند بخدا و بانچه فرود آورده شد بسوی
شما و بانچه فرود آورده شده بسوی ایشان فروتنی کنندگان برای خدا نمی ستانند عوض آیتهای خدا بهای
اندک آن گروه ایشانراست مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان هر آینه خدا زود حساب کننده است
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ • ای مومنان
صبر کنید و محنت کشید و برای جهاد آماده باشید و بترسید از خدا باشد که رستگار شوید سورة النساء

مدنية مائة وسبع وسبعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ
مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
عَلَيْكُمْ رَقِيبًا • ای مردمان بترسید از پروردگار خویش که بیافرید شما را از یک کس و آفرید از آن یک کس
زن او را و منتشر ساخت از این دو کس مردان بسیار و زنان بشمار و بترسید از آن خدا که از یکدیگر بنام او
سوال میکنید و بترسید از قطع قرابت داری هر آینه خداست نگهبان بر شما وَآتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ
وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا

کبیرًا . و بدهید بیتیمان اموال ایشان و بدل نکنید ناپاکیزه را با پاکیزه و مخورید اموال ایشان بهم آورده
با اموال خویش هر آینه این گناه بزرگ است مترجم گوید که در جاهلیت اولیاء دختران یتیمه مانند ابناء اعمام
ایشانرا بنکاح خود می آوردند و ایفاء حقوق نکاح نمی کردند خدای تعالی آیه فرستاد وَإِنْ خِفْتُمْ أَنْ
لَا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ
أَنْ لَا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَى أَلَّا تَعُولُوا وَآتُوا النِّسَاءَ
صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا . اگر دانید که عدل نتوانید کرد
در حق دختران پس نکاح کنید آنچه خوش آید شما را از سایر زنان دو دو و سه سه و چهار چهار پس اگر دانید
که در این صورت نیز عدل نتوانید کرد پس نکاح کنید یک زن را یا سریه کنید آنرا که مالک او شد دست شما
این نزدیکتر است بآنکه جور نکنید و بدهید زنانرا مهر ایشان بخوشدلی و اگر زنان در گذرند بخوشدلی برای شما
از بعض مهر پس بخورید آنرا سازگار و خوشگوار وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ
قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا . و مدهید بیخردان را اموال خود
که کرده است خدا آنرا سبب استقامت معیشت برای شما و بخورانید و بپوشانید ایشانرا از آن اموال و گوئید
بایشان سخن نیکو یعنی بر سبیل مجاز باید کرد و اموال ایشان که بحقیقت همه مسلمان بآن منتفع اند بواسطه یا بی واسطه
بدست ایشان داده ضایع نباید ساخت والله اعلم وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ
آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا
وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ
أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا . و امتحان کنید یتیمانرا در ایام صبا تا آنکه بنکاح
برسند یعنی بالغ شوند پس اگر دریافتید از ایشان حسن تدبیر پس برسانید بایشان اموال ایشانرا
و مخورید آن اموال را یعنی در صغر ایشان باسراف و شتابی از ترس آنکه بزرگ شوند و هرکه باشد توانگر پس باید
که بخورد بوجه پسندیده پس چون برسانید بایشان اموال ایشانرا گواه گیرید بر ایشان و بس است بحقیقت خدا
حساب کننده . لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا

ترک

تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا ۝ مردانرا حصه ست ازانچه
بگذارند پدر و مادر و خویشان و زنانرا نیز حصه ست ازانچه بگذارند پدر و مادر و خویشان ازانچه کم باشد
ازمال یا بسیار باشد حصه مقرر کرده شده یعنی مردان و زنان هر دو حصه دارند از هر حال که باشد کم باشد
یا بسیار درین رد ست بر اهل جاهلیت که زنانرا حصه نمیدادند وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ۝ و چون حاضر شوند
نزدیک قسمت میراث خویشان یعنی خویشان غیروارث و یتیمان و گدایان پس بدهید ایشانرا چیزی
ازان یعنی بطریق استحباب و بگویید با ایشان سخن نیکو وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً
ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۝ باید که بترسند از خدا
آنانکه اگر نزدیک شوند ازانکه بگذارند بعد خود اولاد ناتوانرا خایف باشند برایشان که ضایع شوند
پس باید که از خدا بترسند و باید که بگویند سخن استوار یعنی آنانکه اولاد داشته باشند بوجهی وصیت کنند
که اولاد را ضرر نرسد و آن مقدر در شرع بسیوم حصه مال یا کم ازان والله اعلم إِنَّ الَّذِينَ
يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا ۝
هر آئینه آنانکه میخورند اموال یتیمان بظلم جز این نیست که میخورند در شکم خویش آتش را و درآیند بدوزخ
يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ
فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا
السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ
الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ
آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ حکم میکند خدا در حق اولاد شما که مرد راهست مانند حصه دو زن پس اگر اولاد میت تمام
دختران باشند زیاده از دو پس ایشانراست دو سهم حصه ازانچه میت گذاشته ست مترجم گوید حکم دو دختر
نیز ثلثان ست والله اعلم و اگر در بعض یک دختر باشد پس اوراست نیم ترکه و هست پدر و مادر میت را

هر یکی را از ایشان ششم حصه از انچه بگذاشته ست اگر باشد میت را فرزندی پس اگر نباشد او را فرزندی

و وارث او پدر و مادر شدند پس مادر را سیوم حصه یعنی ما بقی پدر راست پس اگر باشد میت را

برادران هست مادر را ششم حصه یعنی برادران یا خواهران حصهٔ مادر را ناقص میسازند اگرچه خود

چیزی نیابند و یک برادر و یک خواهر ناقص نمیسازد والله اعلم و این تقسیم بعد ادای وصیتی ست که

میت بآن فرموده یا بعد ادای دین یعنی اگر وصیت باشد نخست ادای وصیت کنند و اگر دین باشد

نخست ادای دین کنند والله اعلم و پدران شما و پسران شما نمیدانید که کدام یک ایشان نزدیکتر است

در نفع رسانیدن حصه معین کرده شد از جانب خدا هر اینه هست خدا دانا استوار کار و لکم

نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ الرُّبُعُ مِمَّا

تَرَكْنَ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ

لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ

رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوِ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا

أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَى بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ

وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ • و شما راهست نیمه انچه بگذاشته اند زنان شما اگر نباشد

ایشان را فرزندی پس اگر ایشان را فرزندی باشد شما راهست چهارم حصه از انچه بگذاشته اند بعد

ادای وصیتی که بآن فرموده باشند یا بعد ادای دین و زنان راست چهارم حصه از انچه شما بگذاشته اید

اگر نباشد شما را فرزندی پس اگر باشد شما را فرزندی پس زنان راست هشتم حصه از انچه بگذاشته اید بعد

ادای وصیتی که بآن فرموده باشید یا ادای دین و اگر مرد مرده که ازوی میراث میخواهند یا زن مرده

کلاله باشد و معنی کلاله آنست که پدر و فرزند ندارد و او را برادری هست یا خواهری یعنی اخیافی پس

هر یک از ایشان راست ششم حصه پس اگر اخیافیان زیاده ازین باشند پس ایشان باهم شریک اند

در سیم حصه بعد ادای وصیتی که بآن فرموده شده یا بعد ادای دین بغیر آنکه ضرر رسانندهٔ باشد یعنی وصیتی که

زیاده از ثلث بود اعتبار ندارد والله اعلم حکم کرده شده ست از جانب خدا و خدا دانا بردبار ست تلک

وان کان لکم ولد

حدود الله

حدود الله ومن يطع الله ورسوله يدخله جنات تجري من تحتها الانهار

خالدين فيها وذلك الفوز العظيم • اینهمه حدها مقرر کرده خداست و هرکه فرمانبرداری کند

خدا و رسول او را درآردش در بهشتهائی که میرود زیر آن جویها جاویدان در آنجا اینست مطلب

بزرگ ومن يعص الله ورسوله ويتعد حدوده يدخله نارا خالدا فيها وله عذاب

مهين • و هرکه نافرمانی کند خدا و رسول او را و تجاوز کند از حدهای مقرر کرده او درآردش به آتش جاوید

آنجا او راست عذاب رسوا کننده واللاتي يأتين الفاحشة من نسائكم فاستشهدوا

عليهن اربعة منكم فان شهدوا فامسكوهن في البيوت حتى يتوفاهن الموت

او يجعل الله لهن سبيلا • و از زنان شما آنانکه زنا می کنند پس گواه طلبید بر ایشان چهار مرد

از جنس خویش یعنی از مسلمانان پس اگر گواهی دادند محبوس کنید ایشان را در خانها تا آنکه عمر ایشان را

تمام کند مرگ یا مقرر کند خدای تعالی برای ایشان راهی مترجم گوید بعد این آیه خدای تعالی راهی مقرر کرد

و آن رجم ثیب و جلد بکر است پس الحال حکم حبس نیست والله اعلم واللذان يأتيانها منكم

فآذوهما فان تابا واصلحا فاعرضوا عنهما ان الله كان توابا رحيما • و آن دو کس که

زنا می کنند از شما آزار دهید ایشان را پس اگر توبه کردند و نیکوکاری در پیش گرفتند پس اعراض کنید از تعذیب

ایشان هر آینه خداست بازگردنده مهربان مترجم گوید این آیه مجمل است و در احادیث مذکور شد که

بکر را صد تازیانه باید زد و ثیب حر را رجم باید کرد و عبد را پنجاه تازیانه والله اعلم انما التوبة

على الله للذين يعملون السوء بجهالة ثم يتوبون من قريب فاولئك يتوب الله

عليهم وكان الله عليما حكيما • بجز این نیست که وعده قبول توبه لازم بر خداست برای آن کسان که

می کنند معصیت بنادانی بعد از آن توبه کنند در نزدیکی یعنی پیش از حضور مرگ پس آن گروه برحمت باز میگردد

خدا بر ایشان و هست خدا دانا استوارکار وليست التوبة للذين يعملون السيئات

حتى اذا حضر احدهم الموت قال اني تبت الآن ولا الذين يموتون وهم كفار

اولئك اعتدنا لهم عذابا اليما • و نیست وعده قبول توبه آنکسان را که می کنند معاصی تا آنگاه که پیش آید

کسی را از ایشان مرگ گفت هر آینه من توبه کردم الحال و نه آنکسانرا است که کافر بمیرند این گروه آماده ساختیم
برای ایشان عذاب درد دهنده مترجم گوید اهل جاهلیت زنانرا نیز از جمله میراث می دانستند و ولی میت اگر خواستی
بجبر در نکاح خود می آورد و اگر خواستی منع میکرد که با اجنبی نکاح کنند تا آنکه مهر رد نماید خدای تعالی این آیه فرستاد
یَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَا یَحِلُّ لَکُمْ اَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ کَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوْهُنَّ لِتَذْهَبُوْا بِبَعْضِ
مَا اٰتَیْتُمُوْهُنَّ اِلَّا اَنْ یَّاْتِیْنَ بِفَاحِشَةٍ مُّبَیِّنَةٍ وَعَاشِرُوْهُنَّ بِالْمَعْرُوْفِ فَاِنْ کَرِهْتُمُوْهُنَّ
فَعَسٰی اَنْ تَکْرَهُوْا شَیْئًا وَّیَجْعَلَ اللّٰهُ فِیْهِ خَیْرًا کَثِیْرًا ای مومنان حلال نیست شمارا آنکه میراث گیرید
زنانرا و ایشان ناخوش باشند و منع مکنید ایشانرا یعنی از نکاح هر که خواهند تا ببرید آنرا بعضی از آنچه داده اید ایشانرا
یعنی کابین که قرابت ایشان داده است والله اعلم لیکن باید فسق کنند کار بد و ظاهر شود بدید زیرا که اگر ناپسند کنید ایشانرا
پس شاید که ناپسند کنید چیزی را و بنهد خدای تعالی در آن چیز خیر بسیار وَاِنْ اَرَدْتُّمُ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ
مَّکَانَ زَوْجٍ وَّاٰتَیْتُمْ اِحْدٰهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَاْخُذُوْا مِنْهُ شَیْئًا اَتَاْخُذُوْنَهٗ بُهْتَانًا وَّاِثْمًا
مُّبِیْنًا اگر خواهید بدل کردن زن بجای زنی و داده باشید یکی از ایشان را قنطار یعنی مال بسیار در مهر داده باشید
پس باز مگیرید از آن مال چیزی آیا میگیرید آنرا ستم و تعدی آشکارا وَکَیْفَ تَاْخُذُوْنَهٗ وَقَدْ اَفْضٰی بَعْضُکُمْ
اِلٰی بَعْضٍ وَّاَخَذْنَ مِنْکُمْ مِّیْثَاقًا غَلِیْظًا وچگونه گیرید آنرا حالانکه رسیده است بعض شما ببعض یعنی
مباشرت کردید و گرفتند زنان از شما عهد محکم را یعنی ایجاب و قبول بحضور شهود در میان آمد وَلَا تَنْکِحُوْا مَا نَکَحَ
اٰبَاؤُکُمْ مِّنَ النِّسَاءِ اِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ اِنَّهٗ کَانَ فَاحِشَةً وَّمَقْتًا وَّسَاءَ سَبِیْلًا ونکاح مکنید
کسی را که نکاح با او کرده باشند پدران شما از زنان لیکن آنچه گذشت عفو است هر آینه این هست کار بد و مبغوض
و این بد راهی است حُرِّمَتْ عَلَیْکُمْ اُمَّهٰتُکُمْ وَبَنٰتُکُمْ وَاَخَوٰتُکُمْ وَعَمّٰتُکُمْ وَخٰلٰتُکُمْ وَبَنٰتُ
الْاَخِ وَبَنٰتُ الْاُخْتِ وَاُمَّهٰتُکُمُ الّٰتِیْ اَرْضَعْنَکُمْ وَاَخَوٰتُکُمْ مِّنَ الرَّضَاعَةِ وَاُمَّهٰتُ
نِسَائِکُمْ وَرَبَائِبُکُمُ الّٰتِیْ فِیْ حُجُوْرِکُمْ مِّنْ نِّسَائِکُمُ الّٰتِیْ دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَاِنْ لَّمْ تَکُوْنُوْا دَخَلْتُمْ
بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَیْکُمْ وَحَلَائِلُ اَبْنَائِکُمُ الَّذِیْنَ مِنْ اَصْلَابِکُمْ وَاَنْ تَجْمَعُوْا بَیْنَ الْاُخْتَیْنِ
اِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ اِنَّ اللّٰهَ کَانَ غَفُوْرًا رَّحِیْمًا حرام کرده شدند بر شما مادران شما و دختران شما و

خواهران شما و خواهران پدران شما و خواهران مادران شما و دختران برادران و دختران خواهر و آن مادران شما که
شیر داده اند شما را یعنی دایهها و خواهران شما از جهة شیرخوارگی و مادران زنان شما و دختران زنان شما که در
کنار شما پرورش یافته اند از بطن آن زنان شما که وطی کردید با ایشان پس اگر وطی نکرده باشید با ایشان هیچ گناه
نیست بر شما و زنان پسران شما که از پشت شما باشند یعنی پسر خوانده نباشند و حرام کرده شد آنکه جمع کنید
الجزء الخامس
میان دو خواهر لیکن آنچه گذشت عفو است هر آینه خدا است آمرزنده مهربان وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ
إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ
مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً
وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝
و حرام کرده شدند زنان شوهردار مگر آنچه مالک شده است دست شما یعنی اگر زنی را از دار الحرب اسیر
کرده اند نکاح و تسری او صحیح بود هر چند آنجا زوج داشته باشد والله اعلم لازم ساخته است خدا بر شما
و حلال کرده شد شما را ماسوی این همه محرمات حلال کرده شد که طلب نکاح کنید باموال خویش عفت طلب کنان
نه شهوة رانندگان یعنی نکاح صحیح آنست که با مهر باشد و موبد باشد بحسب ظاهر زیرا که چون حاجت جماع
همیشه است احصان بدون عقد موبد حاصل نشود والله اعلم پس کسیکه لذت گرفتید با او از زنان
بدهید ایشان را مهر ایشان مقرر کرده شده یعنی بجماع تمام مهر لازم میشود والله اعلم و نیست بر شما
گناه در آنچه با یکدیگر راضی شدید بعد مهر مقرر یعنی بعد مقرر کردن اگر بتراضی زیاده یا کم کنید باک نیست
والله اعلم هر آینه خدا است دانا استوارکار وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ
الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ
بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ
غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَّ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ
نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا
خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ و هر که نتواند از شما از جهة توانگری که نکاح کند زنان آزاد مسلمان را

پس باید که نکاح کنند از انچه مالک او شده است دست جنس شما مراد کنیزکان شما اند وخدا داناترست بایمان شما

بعض شما از جنس بعضی ست یعنی کنیزکان نیز بنات آدم اند والله اعلم پس نکاح کنید کنیزکان را بدستوری

خداوندان ایشان وبدهید ایشانرا مهر ایشان بخوشخوئی در حالیکه عفیفه باشند نه زنا کننده و نه دوست

پنهانی گیرنده مترجم گوید فارق در نکاح واتخاذ اخدان شرط شهود ست و در احصان وسفاح موید بودن

عقد بحسب ظاهر والله اعلم پس چون باشند در حباله زوج آمدند اگر زنا کنند پس برایشان ست نیم مقدار از انچه بر زنان

آزادست از عقوبت یعنی پنجاه تازیانه واگر در حباله زوج نباشند نیز عقوبت او پنجاه تازیانه ست

زیرا که ذکر این قید بجهة نفی احتمال زیاده ست واین معنی در حدیث مبین شد والله اعلم نکاح کنیزکان کسی راست

که بترسد از گناه وانکه صبر کنید بهترست شما را وخدا آمرزنده مهربان ست يُرِيدُ اللّٰهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ

وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ میخواهد خدا

که بیان کند برای شما وبنماید شما را راههای کسانیکه پیش از شما بودند و برحمت بازگردد بر شما وخدا دانا استوارکارست

وَاللّٰهُ يُرِيدُ أَن يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَن تَمِيلُوا مَيْلًا

عَظِيمًا ۝ وخدا میخواهد که برحمت بازگردد بر شما ومیخواهند آنانکه پیروی شهوات کنند که کجروی کنید کجروی عظیم

يُرِيدُ اللّٰهُ أَن يُخَفِّفَ عَنكُمْ وَخُلِقَ الْإِنسَانُ ضَعِيفًا ۝ میخواهد خدا که سبک کند از شما وانسان

ضعیف آفریده شده ست يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَن

تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ إِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ۝ ای مومنان مخورید

اموال خود را درمیان خویش بناحق یعنی مال یکدیگر بناحق نباید خورد ولیکن بخورید وقتیکه آن داد وستد تجارة

باشد بعد رضامندی یکدیگر از شما ومکشید خویشتن را هر آئنه خداست بشما مهربان وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ

عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرًا ۝ وهرکه چنین کند بتعدی وستم

درآریمش بدوزخ واین بر خدا آسان ست إِن تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنكُمْ

سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُم مُّدْخَلًا كَرِيمًا ۝ اگر احتراز کنید از کبایر منهیات نابود سازیم از شما صغایر شما را

ودرآریم شما را بمحل گرامی مترجم گوید گناه کبیره آنست که بران حد مشروع شد یا وعده دوزخ کرده آمد یا بکفر مستحق شد

دروان

در قرآن یا سنت صحیح و هرکه از کبایر اجتناب کند صغایر او را نماز و روزه و صدقه نابود میسازد والله اعلم

ولا تتمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض للرجال نصیب مما اکتسبوا وللنساء نصیب
مما اکتسبن واسألوا الله من فضله ان الله کان بکل شیء علیما ٭ و تمنا مکنید مرتبه را که خدای تعالی
بآن بزرگی داده بعض را از شما بر بعض مردانرا هست بهره از آنچه حاصل کرده اند و زنانرا هست بهره از آنچه
حاصل کرده اند و سوال کنید بجناب خدای از بخشایش او هر آینه خدا هست بهمه چیز دانا ولکل جعلنا موالی
مما ترک الوالدان والاقربون والذین عقدت ایمانکم فاتوهم نصیبهم ان الله
کان علی کل شیء شهیدا ٭ و مقرر کردیم وارثان برای هر چیزی از آنچه گذاشته اند پدر و مادر و خویشان
و کسانیکه ایشان را مربوط ساخته است عهد شما پس بدهید ایشانرا بهره ایشان هر آینه خدا هست بر همه چیز
حاضر یعنی حلیف را رعایت کردن میتوان و ایشانرا در میراث دخل نیست و میراث برای اقربای مقرر کرده شد
والله اعلم الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض وبما انفقوا من
اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغیب بما حفظ الله واللاتی تخافون
نشوزهن فعظوهن واهجروهن فی المضاجع واضربوهن فان اطعنکم فلا تبغوا
علیهن سبیلا ان الله کان علیا کبیرا ٭ مردان تدبیر کار کننده اند مسلط شده بر زنان بسبب آنکه
فضل داده است خدا بعض آدمیانرا بر بعض یعنی بسبب آنکه مردان در اصل جبلت بهتر اند از زنان و بسبب آنکه
خرج کردند از اموال خویش پس زنان نیکوکار فرمانبردارنده نگاهدارنده اند یعنی مال و ابرو را در غیبت
بنگاهداشت خدا مترجم گوید که درین آیه بیان فرمود که مرد فرمانرواست بسبب فضل جبلی و بسبب انفاق
و زن صالح کسی است که فرمانبرداری کند و حفظ مال نماید والله اعلم و آن زنان که معلوم کنید سرکشی ایشان
پس پند دهید ایشانرا و در خوابگاه یعنی مباشرت مکنید و بزنید ایشانرا پس اگر فرمانبرداری شما کردند پس تجسس مکنید
بر ایشان راهی یعنی حیله ایذا دادن تجسس مکنید والله اعلم هر آینه هست خدا بلند مرتبه بزرگ قدر وان خفتم
شقاق بینهما فابعثوا حکما من اهله وحکما من اهلها ان یریدا اصلاحا یوفق الله بینهما
ان الله کان علیما خبیرا ٭ و اگر معلوم کردید ای حاکمان مخالفت میان زن و شوهر پس معین کنید صلح کاری

از خویشان زن اگر این صلحکاران بخواهند صلح را البته موافقت کند خدای تعالی در میان ایشان هر آینه هست خدا
دانا آگاه زن شوهر فاعبدوا الله ولا تشرکوا به شیئا وبالوالدین احسانا وبذی القربی
والیتامی والمساکین والجار ذی القربی والجار الجنب والصاحب بالجنب وابن السبیل
وما ملکت ایمانکم ان الله لا یحب من کان مختالا فخورا ○ و بپرستید خدا را و شریک او مقرر مکنید
چیزی را و به پدر و مادر نیکوکاری کنید و بخویشان و یتیمان و گدایان و همسایه خویشاوند و همسایه اجنبی
و همنشین بپهلو نشسته و مسافر و بآنچه دست شما مالک او شد یعنی غلامان و کنیزکان هر آینه خدا دوست ندارد
کسی را که متکبر خودستاینده هست الذین یبخلون ویأمرون الناس بالبخل ویکتمون
ما آتاهم الله من فضله واعتدنا للکافرین عذابا مهینا ○ دوست ندارد آنانکه بخل میکنند
و مردمان را ببخل امر مینمایند و میپوشند آنچه خدا داده هست ایشان را از فضل خود و آماده ساختیم برای
کافران عذاب رسوا کننده والذین ینفقون اموالهم رئاء الناس ولا یؤمنون بالله
ولا بالیوم الآخر ومن یکن الشیطان له قرینا فساء قرینا ○ و آنانکه خرج میکنند اموال
خود را برای نمودن مردمان و معتقد نیستند بخدا و روز قیامت و هر که شیطان یار او باشد پس وی
بد یاری هست وماذا علیهم لو آمنوا بالله والیوم الآخر وانفقوا مما رزقهم الله
وکان الله بهم علیما ○ و چه زیان بود بر ایشان اگر ایمان می آوردند بخدا و روز آخر و خرج
میکردند از آنچه خدا داده هست ایشان را و هست خدا بایشان دانا ان الله لا یظلم مثقال ذرة
وان تک حسنة یضاعفها ویؤت من لدنه اجرا عظیما ○ هر آینه خدا ستم نمی کند وزن ذره
و اگر آن عمل نیکی باشد دو چندان کندش و بدهد از نزدیک خود مزد بزرگ فکیف اذا جئنا من کل
امة بشهید وجئنا بک علی هؤلاء شهیدا ○ پس چه حال باشد آنگاه که بیاریم از هر قوم گواهی
و بیاوریم ترا گواه برین امت یومئذ یود الذین کفروا وعصوا الرسول لو تسوی بهم
الارض ولا یکتمون الله حدیثا ○ آن روز آرزو کنند آنانکه کافر شدند و نافرمانی پیغامبر کردند
کاش بر ایشان زمین را هموار کرده شود یعنی از ایشان نامی و نشانی نماند و نپوشند از خدا هیچ سخنی

یا ایها الذین

يا أيها الذين آمنوا لا تقربوا الصلوة وأنتم سكارى حتى تعلموا ما تقولون ولا جنبا
إلا عابري سبيل حتى تغتسلوا وإن كنتم مرضى أو على سفر أو جاء أحد منكم
من الغائط أو لامستم النساء فلم تجدوا ماء فتيمموا صعيدا طيبا فامسحوا
بوجوهكم وأيديكم إن الله كان عفوا غفورا ○ اى مومنان بنماز نزديك مشويد حالانكه
شما مست باشيد تا آنكه بفهميد آنچه بزبان ميكوئيد مترجم كويد اين حكم قبل از تحريم خمر بود بعد از آن مى
بالكليه حرام شد والله اعلم و بنماز نزديك مشويد در حال جنابت تا آنكه غسل كنيد مكر آنكه مسافر باشيد
اكر بيمار باشيد يا مسافر ويا بيايد كسى از شما از جاى ضرور يا مباشرة زنان كنيد و نيابيد آب پس قصد كنيد
بزمين پاك پس مسح كنيد بروى خويش و دستهاى خويش هر آينه خدا هست عفو كننده بخشاينده مترجم
كويد كه خداى عز و جل در رد يهود و تعداد قبايح ايشان آيات فرستاد ألم تر إلى الذين أوتوا
نصيبا من الكتاب يشترون الضلالة ويريدون أن تضلوا السبيل والله أعلم
بأعدائكم وكفى بالله وليا وكفى بالله نصيرا ○ آيا نديدى بسوى كسانيكه داده شدند بهره
از كتاب يعنى يهود مى ستانند كمراهى را و ميخواهند كه شما كم كنيد راه را و خدا داناتر هست بدشمنان شما
و خدا دوست بس هست و خدا يارى دهنده بس هست من الذين هادوا يحرفون الكلم عن
مواضعه ويقولون سمعنا وعصينا واسمع غير مسمع وراعنا ليا
بألسنتهم وطعنا في الدين ولو أنهم قالوا سمعنا وأطعنا واسمع وانظرنا
لكان خيرا لهم وأقوم ولكن لعنهم الله بكفرهم فلا يؤمنون إلا قليلا ○ از يهود
قومى هست كه تغيير ميكنند كلمه ها را از جاى آنها و ميكويند يعنى بزبان حال شنيديم و عاصى شديم و ميكويند
اسمع غير مسمع و راعنا مى پيچانند سخن را بزبان خويش و طعنه ميزنند در دين و اكر ايشان كفتندى شنيديم
و فرمانبردارى كرديم و بجاى اسمع غير مسمع اسمع ميكفتند و بجاى راعنا انظرنا هر آينه بودى بهتر ايشانرا
و درست تر و ليكن لعنت كرده هست ايشانرا خدا بسبب كفر ايشان پس ايمان نمى آرند مكر اندكى مترجم كويد بجاى
سخن آنست كه سب ايشان در كلام غلط مى كنند كه كسى نشناسد و اسمع غير مسمع دو معنى دارد يكى آنكه بشنو در حالتيكه

معظم و محترمی و کسی با تو خلاف مرضی تو نتواند گفت دیگر آنکه بشنود در حالتی که محقری و کسی با تو سخن نمیگوید و راعنا
نیز دو معنی دارد یکی آنکه رعایت کن ما را دیگر احمق رعونت دارنده غرض ایشان سب بود کلمه محتمل معنیین میگفتند
والله اعلم یا ایها الذین اوتوا الکتاب آمنوا بما نزلنا مصدقا لما معکم من قبل ان
نطمس وجوها فنردها علی ادبارها او نلعنهم کما لعنا اصحاب السبت وکان
امر الله مفعولا ۝ ای اهل کتاب ایمان آرید بانچه فرود آوردیم باور کننده آنچه با شماست پیش از آنکه محو
کنیم صورت روبها را پس بگردانیم بر شکل پشت روبها یا لعنت کنیم ایشان را چنانکه لعنت کردیم اهل شنبه را
و هست اراده خدا کرده شده ان الله لا یغفر ان یشرک به ویغفر ما دون ذلک لمن یشاء
ومن یشرک بالله فقد افتری اثما عظیما ۝ هر آینه خدا نمی آمرزد که او را شریک مقرر کرده شود
و می آمرزد غیر آن هر کرا خواهد و هر که شریک خدا مقرر کند هر آینه افترا کرده است بگناه بزرگ الم تر الی
الذین یزکون انفسهم بل الله یزکی من یشاء ولا یظلمون فتیلا ۝ آیا ندیدی بسوی
کسانیکه ستایش می کنند خود را بلکه خدا ستایش می کند هر کرا خواهد و ستم کرده نخواهند شد مقدار رشته انظر
کیف یفترون علی الله الکذب وکفی به اثما مبینا ۝ ببین چگونه می بندند بر خدا دروغ را و این گناه
آشکارا بس است یعنی میگویند که بنی اسرائیل برگزیدگان خدا اند و ایشان را عذاب نخواهد شد مگر روز چند والله اعلم
الم تر الی الذین اوتوا نصیبا من الکتاب یؤمنون بالجبت والطاغوت ویقولون
للذین کفروا هؤلاء اهدی من الذین آمنوا سبیلا ۝ آیا ندیدی بسوی کسانیکه بهره از کتاب
داده شدند معتقد میشوند بت را و معبود باطل را و میگویند در حق مشرکان که ایشان راه یابنده ترند
از مسلمانان درین آیت تعریض است بانکه یهود در روز احزاب طلبکار مشرکان شدند اولئک الذین
لعنهم الله ومن یلعن الله فلن تجد له نصیرا ۝ ایشان آن گروه اند که لعنت کرد ایشان را
خدا و هر که خدا لعنت کندش پس نخواهی یافت او را یاری دهنده ام لهم نصیب من الملک
فاذا لا یؤتون الناس نقیرا ۝ آیا ایشان راست بهره از پادشاهی پس آن هنگام ندهند بمردمان
مقدار نقیری و نقیر گوی است که بر پشت خسته خرما باشد والله اعلم ام یحسدون الناس علی ما

اتاهم الله من فضله فقد اتینا آل ابراهیم الکتاب والحکمة واتیناهم ملکا عظیما • آیا
حسد می کنند بر مردمان بر آنچه ایشان را الله تعالی داده است از فضل خود پس هر آئینه ما دادیم کسان ابراهیم
کتاب و دانش و دادیم ایشان را پادشاهی بزرگ فمنهم من آمن به ومنهم من صد عنه وکفی
بجهنم سعیرا • پس از کفار کسی هست که ایمان آورد بآن کتاب و از ایشان کسی هست که باز ایستاد ازوی
و کفایت است دوزخ آتش افروخته ان الذین کفروا بآیاتنا سوف نصلیهم نارا کلما نضجت
جلودهم بدلناهم جلودا غیرها لیذوقوا العذاب ان الله کان عزیزا حکیما • هر آئینه
کسانیکه کافر شدند بآیات ما در آریم ایشان را به آتش پس هر گاه که پخته گردد پوستهای ایشان عوض پیدا
کنیم برای ایشان پوستهای دیگر جز آن تا بچشند عذاب هر آئینه خدا هست غالب استوار کار والذین
آمنوا وعملوا الصالحات سندخلهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها
ابدا لهم فیها ازواج مطهرة وندخلهم ظلا ظلیلا • و کسانیکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند
زود در آریم ایشان را به بوستانها میرود زیر آن جویها جاویدان آنجا همیشه ایشان راست آنجا زنان پاک کرده شده
و در آریم ایشان را بسایه نیک یعنی رحمت تمام ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها
واذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل ان الله نعما یعظکم به ان الله کان سمیعا
بصیرا • هر آئینه خدا میفرماید شما را که ادا کنید امانتها بسوی اهل آن و میفرماید که حکم براستی کنید چون حاکم شوید میان
مردمان هر آئینه خدا نیکو چیزی است که بآن پند میدهد شما را هر آئینه خدا هست شنوا و بینا در این آیه اشارت است
بقصه عثمان حجبی که مفتاح کعبه از دست وی گرفتند و عمر مردمان آن را از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و علی آله وسلم
طلب کردند و آنحضرت قبول ننموده بعثمان رد فرمود یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا
الرسول واولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله والرسول ان کنتم
تؤمنون بالله والیوم الآخر ذلک خیر واحسن تاویلا • ای مومنان فرمانبرداری کنید خدا را
و فرمانبرداری کنید پیغامبر را و فرمانروایان را از جنس خویش پس اگر اختلاف کنید در چیزی پس راجع کنید آن را
بسوی خدا و پیغامبر اگر اعتقاد میدارید بخدا و روز آخر این بهتر است و نیکوتر باعتبار عاقبت مترجم گوید

مردم ضعیف الاسلام در خلاف هوای نفس بحکم شرع راضی نمیشدند و گاهی بکاهنان و رئیسان کفر رجوع میکردند
و چون آنحضرت ایشانرا بر این معنی تعزیر یا تهدید فرمودی سوگند خوردندی که مخالفت آنحضرت مقصود ما نیست
خدای تعالی در این باب آیات فرستاد أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ
وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ
وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ۝ آیا ندیدی بسوی کسانیکه گمان میکنند که ایمان
آوردند بآنچه بسوی تو نازل کرده شده است و بآنچه پیش از تو نازل کرده شد میخواهند که قضایای خویش رفع
کنند بسوی سرکش و حالانکه فرموده شد ایشانرا که نامعتقد وی شوند و میخواهد شیطان که گمراه سازد
ایشانرا گمراهی دور وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ
يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا ۝ و چون گفته شود با ایشان بیائید بسوی آنچه نازل کرده است خدا و بسوی
پیغامبر بینی که آن منافقان باز می ایستند از تو باز ایستادنی فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ
أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا ۝ پس چه حالست آنگاه که
برسد بایشان مصیبتی بسبب آنچه پیش فرستاده است دست ایشان پس بیایند نزدیک تو قسم میخورند بخدا که
نخواسته بودیم مگر نیکوکاری و موافقت کردن یعنی در میان خصوم أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي
قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ۝ این گروه آنند که میداند
خدا آنچه در دل ایشانست پس اعراض کن از ایشان یعنی از قتل ایشان و پند ده ایشانرا و بگو با ایشان سخنی
مؤثر در دل ایشان وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا
أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ۝
و نفرستادیم هیچ پیغامبر را مگر برای آنکه فرمانبرداری کرده شود بحکم خدا و اگر ایشان وقتی که ستم کردند بر خویشتن
بیامدندی نزدیک تو پس آمرزش طلب کردندی از خدا و طلب آمرزش کردی برای ایشان پیغامبر هر آینه یافتندی
خدا را رحمت بازآینده مهربان فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ
ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ۝ پس قسم به پروردگار تو که ایشان

مسلمان نشوند

مسلمان نباشند تا آنکه حاکم کنند ترا در اختلافی که واقع شد میان ایشان باز نیابند در دل خویش تنگی از آنچه حکم
فرمودی و قبول کنند بانقیاد ولو انا کتبنا علیهم ان اقتلوا انفسکم او اخرجوا من دیارکم
ما فعلوه الا قلیل منهم ولو انهم فعلوا ما یوعظون به لکان خیرا لهم واشد
تثبیتا واذا لاتیناهم من لدنا اجرا عظیما ولهدیناهم صراطا مستقیما ۝ واگر ما می نوشتیم
یعنی واجب میکردیم برایشان که بکشید خویشتن را یا بیرون شوید از خانهای خویش نمی کردند این امر اندک
از ایشان واگر میکردند آنچه بآن پند داده میشوند هر آینه بهتر بودی ایشان را و محکم تر در استواری دین و آنگاه
البته میدادیم ایشان را از نزدیک خویش مزد بزرگ و دلالت میکردیم ایشان را براه راست ومن یطع الله
والرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین والصدیقین
والشهداء والصالحین وحسن اولئک رفیقا ذلک الفضل من الله وکفی بالله
علیما ۝ وهرکه فرمان برد خدا و رسول را پس انجماعه همراه آن کسانند که انعام کرده است خدا برایشان از
پیغامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان و نیکو رفیق اند ایشان این بخشایش از خداست و بس است خدا
دانا مترجم گوید مردم ضعیف الاسلام در اول اسلام که جهاد فرض نشده بود دعوة اسلام قبول نمودند
و چون جهاد فرض شد از آن تقاعد کردند و از بعض کلمات منافقانه سر بر میزد و بعض با مخالفان هم زبان شده
خلاف مرضی آنحضرت رای زدند و خدای تعالی در این باب آیات فرستاد یا ایها الذین امنوا خذوا
حذرکم فانفروا ثبات او انفروا جمیعا ای مسلمانان بگیرید سلاح خود را پس بیرون روید یعنی
بغزا گروه گروه شده یا بیرون روید همه جمع آمده وان منکم لمن لیبطئن فان اصابتکم
مصیبة قال قد انعم الله علی اذ لم اکن معهم شهیدا ۝ و هر آینه بعض از شما آنست که
درنگ میکند یعنی در رفتن پس اگر رسد بر شما مصیبتی گوید انعام کرد خدا بر من چون نبودم حاضر با ایشان
ولئن اصابکم فضل من الله لیقولن کان لم تکن بینکم وبینه مودة یا لیتنی کنت معهم
فافوز فوزا عظیما ۝ واگر رسد بشما نعمتی از خدا گوید گویا هرگز نبود میان شما و میان وی دوستی کاش من بودمی
با ایشان پس یافتمی مطلب بزرگ را فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشرون الحیوة الدنیا بالاخرة

وَمَن يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا • و هر که جنگ کند در راه خدا
پس کشته شود یا غالب آید آن مومنان که میفروشند زندگانی دنیا را بآخرت و هر که جنگ کند در راه خدا
پس کشته شود یا غالب آید بدهیم مزد بزرگ وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ
مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَٰذِهِ الْقَرْيَةِ
الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا • و چیست شما را
که جنگ نمی کنید در راه خدا و برای بیچارگان از مردان و زنان و کودکان یعنی گرفتاران بدست کفار آنکه
می گویند ای پروردگار ما بیرون آر ما را ازین دیه ستمکار اهل آن و مقرر کن برای ما از نزدیک خود کارسازی
و مقرر کن برای ما از نزدیک خود یاری دهنده الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا
مومنان کارزار می کنند در راه خدا و کافران می جنگند در راه معبود باطل پس جنگ کنید با دوستان شیطان
هر آینه حیله شیطان سست أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ
فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا
رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ
خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا • آیا ندیدی بسوی کسانیکه گفته شد ایشان را باز دارید دست خود
یعنی جنگ مکنید و برپا کنید نماز را و بدهید زکوة را یعنی قبول کردند والله اعلم پس چون نوشته شد بر ایشان
جنگ ناگاه گروهی از ایشان میترسند از مردمان مانند ترسیدن از خدا یا زیاده تر و گفتند ای پروردگار ما
چرا نوشتی بر ما کارزار را چرا زنده نگذاشتی ما را تا وقتی نزدیک بگو بهره مندی دنیا اندک است و آخرة بهتر است
کسی را که پرهیزگاری کند و ستم کرده نخواهید شد مقدار رشته أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ
فِي بُرُوجٍ مُشَيَّدَةٍ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَٰذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ
يَقُولُوا هَٰذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَٰؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ
حَدِيثًا • هر جا که باشید دریابد شما را مرگ و اگر چه باشید در محلهای محکم و اگر رسد بایشان نعمتی گویند این از نزدیک

خداست و اگر برسد بایشان شدتی گویند یا محمد این از نزدیک توست بگو همه از نزدیک خداست پس چه حال است
این قوم را نزدیک نیستند که بفهمند سخنی را مَا اَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللّٰهِ وَمَا اَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ
فَمِنْ نَفْسِكَ وَاَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيدًا • آنچه رسید بتو از نعمت پس از خداست
و آنچه رسید بتو از محنت پس از نزدیک توست و فرستادیم ترا پیغامبر برای مردمان و بس است خدا حاضر
مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ اَطَاعَ اللّٰهَ وَمَنْ تَوَلّٰى فَمَا اَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا • هر که فرمانبرداری
کند رسول را پس هر آینه فرمانبرداری خدا کرده و هر که اعراض کرد پس نفرستادیم ترا بر ایشان نگاهبان مترجم گوید
یعنی این کلمه توست که خیر از جانب خداست و شر از جانب بنده لیکن مقصود این مردم ازین کلمه درست نیست
و آن آنست که جهاد با جمیع قبایل عرب معقول نیست پس اگر فتح باشد نعمتی غیر مترقب است و اگر هزیمت باشد
موافق حال این تدبیر است و چون جهاد بامر الهی است همه خیر است عقل را درانجا دخل دادن صحیح نباشد والله اعلم
وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَاِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللّٰهُ
يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَاَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَكِيلًا • و میگویند در دل
فرمانبرداری است و چون بیرون روند از نزدیک تو گروهی از ایشان بوقت شب بنا نهند غیر آنچه تو میفرمائی
و خدا می نویسد یعنی در نامه اعمال آنچه شب میگویند پس اعراض کن از ایشان و توکل نما بر خدا و خدا کارساز بنده
بس است اَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْاٰنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللّٰهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا
كَثِيرًا • آیا تامل نمی کنند قرآن را اگر بودی از نزدیک غیر خدا البته یافتندی درآن اختلاف بسیار وَاِذَا
جَاءَهُمْ اَمْرٌ مِنَ الْاَمْنِ اَوِ الْخَوْفِ اَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ اِلَى الرَّسُولِ وَاِلٰى اُولِي الْاَمْرِ
مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ
الشَّيْطَانَ اِلَّا قَلِيلًا • و وقتی که بیاید نزدیک ایشان خبری از ایمنی یا ترس مشهور سازند آنرا
و اگر راجع میگردانیدند آنرا بسوی پیغامبر و بسوی فرمانروایان از اهل اسلام هر آینه دریافتندی مصلحت
آن خبر را آنانکه از ایشان میتوانند برآوردن مصلحت آن و اگر نبودی بخشش خدا بر شما و رحمت او البته
پیروی میکردید شیطان را مگر اندکی فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ لَا تُكَلَّفُ اِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ

المؤمنين عسى الله ان يكف بأس الذين كفروا والله اشد بأسا واشد تنكيلا ○
پس جنگ کن یا محمد در راه خدا بر تو مواخذه نیست مگر از جان تو و رغبت ده مسلمانانرا یعنی بر تو رغبت دادن است
وپس اگر رفاقت نکنند بر تو مواخذه نیست والله اعلم نزدیک است که موقوف سازد خدا جنگ کافران را
وخدا سخت ترست باعتبار جنگ وسخت ترست باعتبار عقوبت من یشفع شفاعة حسنة
یکن له نصیب منها ومن یشفع شفاعة سیئة یکن له کفل منها وکان الله
على كل شيء مقيتا ○ هرکه شفاعت کند شفاعتی نیک باشد او را بهره از ثواب آن وهرکه شفاعت کند
شفاعتی بد باشد او را حصه از عذاب آن وهست خدا بر همه چیز توانا یعنی مثلا سپارش کردن پیش والی تا او را بدهند
نیک است وسپارش سارق تا دست او نبرند درست نیست والله اعلم واذا حییتم بتحیة فحیوا
باحسن منها او ردوها ان الله کان على کل شيء حسیبا ○ وچون تعظیم کرده شوید بسلامی پس
تعظیم کنید بکلمه بهتر از ان یا همان کلمه جواب دهید هر آئینه هست خدا بر همه چیز حساب کننده الله لا اله
الا هو لیجمعنکم الى یوم القیمة لا ریب فیه ومن اصدق من الله حدیثا ○ خدا نیست نصف
هیچ معبود مگر او البته بهم آرد شما را بروز قیامت هیچ شک نیست دران وکیست راستگوتر از خدا در سخن مترجم
گوید خدای تعالی بیان میفرماید که بر تملق کفار اعتماد نباید کرد فما لکم فی المنفقین فئتین والله
ارکسهم بما کسبوا اتریدون ان تهدوا من اضل الله ومن یضلل الله فلن تجد له
سبیلا ○ پس چیست ای مسلمانان شما را در باب تملق کنندگان دو گروه شدید یعنی بتملق فریفته شدند
وبعض نشدند ومی بایست که همه بنفاق فریفته نمی شدند والله اعلم وخدا نگونسار ساخت ایشانرا
بشومی آنچه کردند آیا میخواهید که راه نمائید یعنی از جمله راه یابان شمارید کسی را که گمراه ساخت او را خدا وهرکرا خدا
گمراه کند نیابی برای او هیچ راهی ودوا لو تکفرون کما کفروا فتکونون سواء فلا تتخذوا
منهم اولیاء حتى یهاجروا فی سبیل الله فان تولوا فخذوهم واقتلوهم حیث وجدتموهم
ولا تتخذوا منهم ولیا ولا نصیرا ○ این تملق کنندگان آرزو کردند که شما هم کافر شوید
چنانچه ایشان کافر شدند پس برابر باشید پس دوست مگیرید هیچکس را از ایشان تا آنکه هجرت کنند در راه خدا

[illegible]

یعنی مسلمان شوند و هجرت کنند پس اگر اعراض کردند یعنی از اسلام و هجرة اسیر کنید ایشانرا و بکشید هر جا که
یابید و دوست و یار مگیرید کسی از ایشان إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ
أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ
عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ
عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ۰ اسیر کنید و بکشید مگر آنانرا که پیوند دارند با گروهی که میان شما و میان ایشان عهدست
یا بیایند نزدیک شما حال آنکه تنگ آمده است سینهٔ ایشان از آنکه بجنگند با شما یا با قوم خویش مترجم
گوید و کسیکه ایمان آرد و هجرت نکند حکم او بطریق اولی فهمیده شد والله اعلم و اگر خواستی خدا هر آینه
مسلط ساختی بر شما پس قتال میکردند با شما پس اگر یکطرف یکسو شوند از جانب شما و قتال نکنند با شما و بفکنند
بسوی شما پیغام صلح را پس نکرده است خدای تعالی شما را بر ایشان راهی یعنی اگر اسلام آرند و هجرت کنند
ایشانرا دوست باید گرفت و اگر اسلام نیارند می باید کشت مگر آنکه معاهد باشند و تابعانرا بر عهد و خلفای
معاهدانرا هیچ راه ایذا نتوان داد والله اعلم سَتَجِدُونَ آخَرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ
وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلَّمَا رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ
السَّلَمَ وَيَكُفُّوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَٰئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ
عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ۰ خواهید یافت قومی را که میخواهند ایمن شوند از شما و ایمن شوند از قوم خود هر گاه
باز گردانیده میشوند بسوی فتنه انگیزی نگونسار انداخته شوند در ان یعنی صلح میکنند و باز نقض عهد
مینمایند والله اعلم پس اگر یکسو نشوند از جنگ شما و نه افکنند بسوی شما پیغام صلح را و باز ندارند دست
خویش را پس اسیر کنید ایشانرا و قتل نمائید هر جا که یابید و اینجماعه داده ایم شما را بر ایشان حجت ظاهر مترجم
گوید خدای تعالی احکام قتل خطا بیان میفرماید و آنکه کف از کسی که بکلمهٔ اسلام متکلم شده واجب ست
و فضل مجاهدان و وجوب هجرة از دار کفر بدار الاسلام و کیفیت نماز سفر و نماز خوف بیان میکند
والله اعلم وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ
رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ

لكم وهو مؤمن فتحرير رقبة مؤمنة وان كان من قوم بينكم وبينهم ميثاق فدية
مسلمة الى اهله وتحرير رقبة مؤمنة فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين
توبة من الله وكان الله عليما حكيما ۝ و نشود مسلمانی را که بکشد مسلمانی را لیکن قتل
واقع میشود بخطا یعنی بغیر قصد و هر که بکشد مسلمانی را بخطا پس لازم ست آزاد کردن برده مسلمان
و خون بها رسانیده شده بکسان مقتول مگر آنکه ابرا نمایند پس اگر باشد مقتول از گروه دشمنان و او
مسلمان است پس لازم ست آزاد کردن برده مسلمان یعنی مقتول مسلمان اگر از ساکنان دار الحرب باشد دیه لازم
نیست والله اعلم و اگر باشد مقتول از قومی که میان شما و ایشان عهد ست یعنی و او مومن باشد پس لازم ست
خون بها رسانیده شده بکسان او و آزاد کردن برده مسلمان پس هر که نیابد برده را پس لازم ست روزه
دو ماه پی درپی مشروع در کفاره بجهت قبول توبه ست از جانب خدا و هست خدا دانا استوار کار مترجم
گوید جمهور مفسرین تصویر وان كان من قوم بينكم وبينهم ميثاق در مقتول کافر کردند بملاحظه آنکه توارث
درمیان مومن و کافر منقطع ست و سبیل دیه سبیل میراث ست و بنده ضعیف میگوید مشبهه مسئله ما کان
لمؤمن ان يقتل مؤمنا الا خطأ و نقیده وهو مؤمن در نظر و لکن فیه ظاهر اینست که درینجا قید ایمان معتبر ست و لزوم
دیه بجهه وفا بعهد ست نه بر سبیل میراث و نظیر وجوب مهر ست در مسئله مومنه از قوم معاهدین در سوره
ممتحنه والله اعلم ومن يقتل مؤمنا متعمدا فجزاؤه جهنم خالدا فيها وغضب الله عليه
ولعنه واعد له عذابا عظيما ۝ و هر که بکشد مسلمانی را بقصد پس جزاء او دوزخ است
جاویدانی و خشم گرفته ست بر او خدا و لعنت کرده ست او را و آماده ساخته ست برای او عذاب بزرگ مترجم گوید
مراد مستحل قتل ست والله اعلم يا ايها الذين امنوا اذا ضربتم في سبيل الله فتبينوا
ولا تقولوا لمن القى اليكم السلام لست مؤمنا تبتغون عرض الحيوة الدنيا
فعند الله مغانم كثيرة كذلك كنتم من قبل فمن الله عليكم فتبينوا ان
الله كان بما تعملون خبيرا ۝ ای مسلمانان چون سفر کنید در راه خدا یعنی برای جهاد پس تحقیق
تفحص کنید و مگوئید کسی را که بسوی شما سلام انداخته ست نیستی مسلمان میطلبید متاع زندگانی دنیا

پس نزد خدا

بس نزدیک خدا غنیمتهای بسیارست همچنین بودید پیش ازین پس انعام کرد خدا بر شما یعنی در اول حال بجز
کلمهٔ شهادت دلیل اسلام ایشان نبود در رفته اعمال خیر از ایشان بوجود آمدند والله اعلم پس تفحص کنید
هر آینه خداست بانچه می‌کنید آگاه لا یستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر والمجاهدون
فی سبیل الله باموالهم وانفسهم فضل الله المجاهدین باموالهم وانفسهم علی
القاعدین درجة وکلا وعد الله الحسنی وفضل الله المجاهدین علی القاعدین
اجرا عظیما ● برابر نیستند نشینندگان غیر معذور از مسلمانان و جهاد کنندگان در راه خدای تعالی
بمال خویش و جان خویش فضل داده است خدا مجاهدان را بمال و جان خویش بر نشینندگان در مرتبه و هر یکی را
وعدهٔ نیک کرده است خدا و افزون داده است خدا مجاهدان را بنسبت نشینندگان مزد بزرگ مترجم
گوید فایدهٔ قید غیر اولی الضرر آنست که در اولی الضرر این حکم مطرود نیست بلکه جمعی باشند از اولی الضرر که
نیت صحیح دارند و ثواب عمل کامل یابند والله اعلم درجات منه ومغفرة ورحمة وکان الله
غفورا رحیما ● افزون داده است مرتبها از جانب خویش و آمرزش و بخشایش و هست خدا آمرزنده
مهربان ان الذین توفاهم الملائکة ظالمی انفسهم قالوا فیم کنتم قالوا کنا مستضعفین
فی الارض قالوا الم تکن ارض الله واسعة فتهاجروا فیها فاولئک ماواهم جهنم
وساءت مصیرا ● هر آینه آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان کردند در حالیکه ستمکار بودند بر
خویشتن یعنی بترک هجرة از دار الحرب بدار الاسلام و بتکثیر سواد کفار والله اعلم فرشتگان با ایشان
گفتند در چه حال بودید شما گفتند بودیم بیچارگان در زمین گفتند آیا فراخ نبود زمین خدا تا هجرت
میکردید در آن پس آن جماعه جای ایشان دوزخ است و او بد جایی است الا المستضعفین من الرجال
والنساء والولدان لا یستطیعون حیلة ولا یهتدون سبیلا ● مگر آنانکه بحقیقه بیچاره اند
از مردان و زنان و کودکان هیچ چاره نمی توانند و هیچ راه نمی یابند فاولئک عسی الله ان یعفو
عنهم وکان الله عفوا غفورا ● پس آن جماعه نزدیکست که خدا عفو کند از ایشان و هست خدا عفو کننده
و آمرزنده ومن یهاجر فی سبیل الله یجد فی الارض مراغما کثیرا وسعة ومن یخرج

مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللّٰهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللّٰهِ

وَكَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَحِيمًا • و هر که ترک وطن بکند در راه خدا بیابد در زمین اقامتگاه بسیار

و فراخی معیشت و هر که بیرون رود از خانه خود هجرت کنان سوی خدا و پیغامبر او پس دریابد او را موت

یعنی در راه قبل وصول بمقصد پس بتحقیق ثابت شد مزد او بر خدا و هست خدا آمرزنده مهربان وَإِذَا ضَرَبْتُمْ

فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلٰوةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ

كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا • و چون سفر کنید در زمین پس نیست بر شما

گناهی در انکه کوتاه سازید قدری از نماز اگر ترسید ازانکه در بلا افکنند شما را کافران هر اینکه

هستند شما را دشمن اشکارا مترجم گوید مشهور آنست که این آیة در صلوة مسافر نازل شده و خوف قید

اتفاقی ست و انچه نزدیک این بنده رجحان یافته ست آنست که این آیة در صلوة خوف نازل شده

و سفر قید اتفاقی ست و مراد از قصر قصر در کیفیت رکوع و سجود ست که بجای نمیتوان ادا کرد نه در

کمیت رکعات والله اعلم وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلٰوةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مَعَكَ مِنْهُمْ

وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَىٰ

لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا

لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ

عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا

حِذْرَكُمْ إِنَّ اللّٰهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا • و چون باشی در میان مومنان یعنی وقت

خوف پس بپا کردی برای ایشان نماز را پس باید که بایستند گروهی از ایشان با تو و باید که بگیرند سلاح

خویش پس چون بسجده روند پس آن گروه دیگر باید که بپس ایشان باشند یعنی مقابله عدو و باید که

بیایند آن گروه دیگر که هنوز نماز نکرده اند پس نماز کنند با تو و باید که بگیرند خود و سلاح خود را و حذر

خود و زره و سپر را گویند آرزو کردند کافران کاش غافل شوید از سلاح خویش و متاع خویش

پس حمله کنند بر شما یکباره و هیچ گناه نیست بر شما اگر باشد شما را رنجی از باران یا بیمار باشید در انکه

بنهید سلاح

نهید سلاح خویش را و البته بگیرید حذر خود را هرآینه خدا آماده کرده است برای کافران عذاب رسوا کننده
مترجم گوید این از صورتهاست یکی آنکه امام دو بار نماز گذارد یکبار با جماعه و دیگر بار با جماعه دیگر آنکه
امام با یک جماعه یک رکعت گذارد و در قیام توقف کند تا آنکه رکعت دیگر خوانده مقابل عدو روند
و آن جماعت دیگر آمده اقتدا کنند امام رکعت دیگر با آن جماعت خواند و در قعده چندان توقف کند که
از رکعت دوم فارغ شوند آنگاه با ایشان سلام دهد و این هردو با صورتهای دیگر همه صحیح شده
و همه محتمل آیه است والله اعلم فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلٰوةَ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ قِيَامًا وَّقُعُودًا وَّعَلٰى
جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلٰوةَ إِنَّ الصَّلٰوةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا
مَّوْقُوتًا ۝ پس چون نماز تمام کردید پس یاد کنید خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوی خویش پس چون
آرامید برپا کنید نماز را یعنی بطریق نماز آمده والله اعلم هرآینه هست نماز بر مومنان فرض وقت
معین کرده شده وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ
كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ و سستی منمائید
در جستجوی کفار اگر شما دردمند میشوید پس ایشان نیز دردمند میشوند چنانکه شما میشوید و شما
امید میدارید از خدا آنچه ایشان را امید نیست و هست خدا دانا استوار کار مترجم گوید مردم ضعیف الاسلام
اگر کسی از ایشان مرتکب گناهی شدی در رد حد از وی حیلها انگیختندی پس آنحضرت وجهی اظهار کردندی
که براءة او بخاطر مبارک رسیدی و با یکدیگر خلوت کرده رازها بخلاف مرضی شریف در میان آوردندی
خدای تعالی آیات فرستاد إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ
اللّٰهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا ۝ هرآینه ما فرود آوردیم بسوی تو کتاب را براستی تا حکم کنی میان
مردمان بآنچه شناسا ساخته است ترا و مباش خصومت کننده برای حمایت خیانت کنندگان
وَاسْتَغْفِرِ اللّٰهَ إِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ۝ و آمرزش خواه از خدا هرآینه خدا هست
۷ إنّ الله صح — آمرزنده مهربان وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا
أَثِيمًا ۝ و خصومت مکن از جانب آنانکه خیانت میکنند با جنس خویش هرآینه خدا دوست ندارد آنرا که

باشد خیانت کننده گناهکار یستخفون من الناس ولا یستخفون من الله وهو معهم اذ
یبیتون ٧ من القول وکان الله بما یعملون محیطا . پنهان میکنند از مردمان و پنهان نمیکنند ٧ ما لا یرضی
از خدا و او با ایشان هست آنگاه که بشب مشورت میکنند آنچه خدا نمی پسندد از تدبیر و هست خدا بانچه
می کنند در گیرنده ها انتم هؤلاء جادلتم عنهم فی الحیوة الدنیا فمن یجادل الله عنهم
یوم القیمة ام من یکون علیهم وکیلا . آگاه باشید شما ای قوم خصومت کردید از طرف
خیانت کنندگان در زندگانی دنیا که خصومت خواهد کرد با خدا از طرف ایشان روز قیامت یا کیست
بر ایشان که باشد کارسازنده ومن یعمل سوءا او یظلم نفسه ثم یستغفر الله یجد الله
غفورا رحیما . و هر که بکند کار بد یا ستم کند بر خویش باز آمرزش طلبد از خدا بیابد خدا را آمرزنده
مهربان ومن یکسب اثما فانما یکسبه علی نفسه وکان الله علیما حکیما . و هر که بکند
گناهی پس جز این نیست که میکند آنرا بر جان خویش و هست خدا دانا استوارکار ومن یکسب
خطیئة او اثما ثم یرم به بریئا فقد احتمل بهتانا واثما مبینا . و هر که بکند
خطائی یا گناهی باز تهمت کند بآن بیگناهی را پس بر خود برداشت افترا و گناه ظاهر را ولولا
فضل الله علیک ورحمته لهمت طائفة منهم ان یضلوک وما یضلون
الا انفسهم وما یضرونک من شیء وانزل الله علیک الکتاب والحکمة
وعلمک ما لم تکن تعلم وکان فضل الله علیک عظیما . و اگر نبودی فضل خدا بر تو
و بخشایش او قصد کرده بودند گروهی از ایشان که گمراه کنند ترا و گمراه نمیکنند مگر خویشتن را و هیچ
زیان نرسانند بتو و فرود آورده است خدا بر تو کتاب و دانش و آموخته است ترا آنچه نمیدانستی
و هست فضل خدا بر تو بزرگ لا خیر فی کثیر من نجویهم الا من امر بصدقة او
معروف او اصلاح بین الناس ومن یفعل ذلک ابتغاء مرضات الله
فسوف نؤتیه اجرا عظیما . و نیست خوبی در بسیاری از مشورت پنهانی ایشان و لیکن
خوبی در مشورة کسیست که فرماید بصدقه و یا بکار پسندیده یا بصلاح کاری میان مردمان و هر که

این کار

این کمند بطلب خوشنودی خدا بدهیمش مزد بزرگ ومن يشاقق الرسول من بعد ما تبين
له الهدى ويتبع غير سبيل المؤمنين نوله ما تولى ونصله جهنم وساءت
مصيرا • و هرکه مخالفت پیغامبر کند بعد از آنکه معلوم شد او را راه هدایت و پیروی کند سوی راه مسلمانان
متوجه کنیمش آنچه میل کرد یعنی فوت دل بغیر ایم و در آریمش بدوزخ او بد جایی ست مترجم گوید اینجا
تغلیظ تحریم شرک میفرماید إن الله لا يغفر أن يشرك به ويغفر ما دون ذلك
لمن يشاء ومن يشرك بالله فقد ضل ضلالا بعيدا • هر آینه خدا نمی آمرزد آنکه شریک
با او مقرر کرده شود و می آمرزد غیر شرک هر کرا خواهد و هرکه شریک خدا مقرر کند پس گمراه شد گمراهی
دور إن يدعون من دونه إلا إناثا وإن يدعون إلا شيطانا مريدا لعنه الله
وقال لأتخذن من عبادك نصيبا مفروضا • مشرکان نمی پرستند بجز خدا
مگر بتانی را که بنام دختران مسمی کرده اند و نمی پرستند مگر شیطان دور رفته از خدا لعنت کرد
او را خدا و گفت شیطان البته بگیرم از بندگان تو حصه که در علم ازلی معین شده ولأضلنهم
ولأمنينهم ولآمرنهم فليبتكن آذان الأنعام ولآمرنهم فليغيرن خلق الله
ومن يتخذ الشيطان وليا من دون الله فقد خسر خسرانا مبينا • والبته
گمراه کنم ایشان را و البته در آرزوی باطل افکنم ایشان را و البته بفرمایم ایشان را تا بشکافند گوش
چهارپایان و البته بفرمایم ایشان را تا تغیر دهند آفرینش خدا را یعنی مانند خصی کردن و سوزن زدن
بربدن تا رخ یا کبود کردانند والله اعلم يعدهم ويمنيهم وما يعدهم الشيطان
إلا غرورا • وعده میدهد ایشان را و در آرزوی می اندازد ایشان را و وعده نمی کند ایشان را
شیطان الا بفریب أولئك مأواهم جهنم ولا يجدون عنها محيصا • جای ایشان
دوزخ ست و نیابند مخلصی والذين آمنوا وعملوا الصالحات سندخلهم جنات
تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها أبدا وعد الله حقا ومن أصدق من
الله قيلا • و آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند در آریم ایشان را بوستانها که میرود

زیر آن جویها جاویدان آنجا همیشه وعده کرده ست خدا براستی وکیست راست گوتر از خدا در سخن لیس
بِاَمَانِیِّکُمْ وَلَا اَمَانِیِّ اَهْلِ الْکِتَابِ مَنْ یَعْمَلْ سُوْءًا یُجْزَ بِهٖ وَلَا یَجِدْ لَهٗ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ
وَلِیًّا وَّلَا نَصِیْرًا ۝ نیست کار بوفق آرزوی شما و نه بوفق آرزوی اهل کتاب هرکه بکند کار بد
جزا داده خواهد شد بآن و نیابد برای خود بجز خدا هیچ دوستی و نه یاری دهنده وَمَنْ یَّعْمَلْ مِنَ
الصّٰلِحٰتِ مِنْ ذَکَرٍ اَوْ اُنْثٰی وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَاُولٰٓئِکَ یَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ وَلَا یُظْلَمُوْنَ
نَقِیْرًا ۝ وهرکه بکند از جنس کارهای شایسته از مردمان و او مومن باشد آن جماعه در آیند به بهشت
وستم کرده نشود برایشان مقدار نقیری وَمَنْ اَحْسَنُ دِیْنًا مِّمَّنْ اَسْلَمَ وَجْهَهٗ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ لله
وَّاتَّبَعَ مِلَّةَ اِبْرٰهِیْمَ حَنِیْفًا وَّاتَّخَذَ اللّٰهُ اِبْرٰهِیْمَ خَلِیْلًا ۝ وکیست نیکوتر باعتبار دین
از کسیکه منقاد ساخت روی خود را برای خدا و او نیکوکارست و پیروی کرد ملت ابراهیم را وَلِلّٰهِ مَا فِی
السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ وَکَانَ اللّٰهُ بِکُلِّ شَیْءٍ مُّحِیْطًا ۝ و خدا راست آنچه در آسمانهاست
وآنچه در زمین است و هست خدا بر همه چیز در گیرنده وَیَسْتَفْتُوْنَکَ فِی النِّسَآءِ قُلِ اللّٰهُ یُفْتِیْکُمْ
فِیْهِنَّ وَمَا یُتْلٰی عَلَیْکُمْ فِی الْکِتٰبِ فِیْ یَتٰمَی النِّسَآءِ الّٰتِیْ لَا تُؤْتُوْنَهُنَّ مَا کُتِبَ
لَهُنَّ وَتَرْغَبُوْنَ اَنْ تَنْکِحُوْهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِیْنَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَاَنْ تَقُوْمُوْا
لِلْیَتٰمٰی بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوْا مِنْ خَیْرٍ فَاِنَّ اللّٰهَ کَانَ بِهٖ عَلِیْمًا ۝ و طلب فتوی میکنند
از تو درباب زنان یعنی چه نوع با ایشان معامله باید کرد و الله اعلم بگو خدا فتوی میدهد شما را
درباب زنان و آنچه خوانده میشود برشما در کتاب نازل شده ست در حق آن زنان یتیمه که نمیدهید
ایشانرا آنچه فرض کرده شده ست برای ایشان و رغبت میکنید که نکاح کنید با ایشان مترجم گوید
در نکاح زنان یتیمه رغبت میکردند بسبب رعایت جمال و حداثت سن و در ادای نفقه و مهر تقصیر
میکردند والله اعلم و نازل شده ست درباب بیچارگان از کودکان و حکم ست بآنکه تعهد حال یتیمان کنید
بانصاف و آنچه می کنید از نیکوئی هست خدا بآن دانا مترجم گوید جواب این استفتا تفصیلی است بسبب
خدای تعالی بعض مسایل را حواله فرمود بر آیات سابقه و آن مسئله تحریم ظلم بر یتامی النساست و بعض را

النساء

اینجا جواب داد و آن مسئله نشوز و تحریم میل کلی بیک زن و اعراض از زن دیگر و اباحت طلاق در صورت
ضرورت والله اعلم وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا
أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا
فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا • و اگر زنی معلوم کند از شوهر خویش سرکشی یا روگردانی پس
گناه نیست بر ایشان در آنکه صلح آرند در میان خویش نوعی از صلح و صلحکاری بهتر است و حاضر کرده شده اند
نفوس نزدیک بخل یعنی از بخل غایب نمیشوند و آن را نمی گذارند والله اعلم و اگر نیکوکاری و پرهیزکاری
کنند پس هر آئینه خدا هست با آنچه می کنید دانا وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ
فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا
رَحِيمًا • و نتوانید هرگز عدل کردن میان زنان اگرچه نهایت عدل کنید پس یاری کجی مکنید تمام کجی تا آنکه
بگذارید آن زن را مانند معلقه معلقه زنی است که نه بیوه باشد و نه با او شوهر او موافقت کند والله اعلم
و اگر صلاح کنید و پرهیزکاری نمائید پس هر آئینه خدا هست آمرزنده مهربان وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا
مِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا • و اگر مرد و زن از یکدیگر جدا شوند کفایت کند خدای تعالی
هر یکی را از توانگری خود و هست خدا جواد استوارکار وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنِ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِنْ تَكْفُرُوا
فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا • و خدا راست آنچه در
آسمانهاست و آنچه در زمین است و هر آئینه حکم فرمودیم آنان را که داده شدند کتاب پیش از شما و شما را
نیز که بترسید از خدا و اگر کافر شوید پس هر آئینه خدا راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و هست خدا
توانگر ستوده شده وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا • و خدا راست
آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و خدا کارساز بس است إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ
بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا • و اگر خواهد دور کند شما را ای مردمان و بوجود آرد دیگران را
و هست خدا بر اینکار توانا مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

وَكَانَ اللّٰهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ۝ هر كه باشد طالب جزاء دنيا يعني جزاي عمل در دنيا كند طلب كند پس نزديك
خداست ثواب دنيا و آخرة و هست خدا شنوا بينا يعني پس چرا نه طالب هر دو باشيد والله اعلم
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلّٰهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ
وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللّٰهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا
وَإِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝ اي مسلمانان متعهد انصاف
باشيد اظهار حق كنندگان براي خدا و اگرچه بر ضرر خويشتن يا بر پدر و مادر و خويشاوندان باشد اگر
آنكه حق بر وي ثابت ميشود توانگر باشد يا فقير بهر حال خدا مهربان تر است بر ايشان پس پيروي خواهش
نفس مكنيد اعراض كنان از عدل و اگرچه پيچانيد سخن را يا روي گردانيد پس هر آئينه خدا هست بآنچه ميكنيد آگاه
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَ
الْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللّٰهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ۝ اي مسلمانان ايمان آريد بخدا و پيغامبر او و آن كتاب
كه فرو فرستاده ست بر پيغامبر خود و آن كتاب كه فرو فرستاده ست پيش از اين و هر كه كافر شود
بخدا و بفرشتگان او و كتابهاي او و پيغامبران او و بروز آخر پس گمراه شد گمراهي دور مراد آنست
كه هر كه در ملت اسلاميه داخل شد او را بتفصيل تصديق اينچيزها بايد كرد إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ
كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللّٰهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ
سَبِيلًا ۝ آنانكه ايمان آوردند باز كافر شدند باز ايمان آوردند باز كافر شدند باز زيادت كردند
در كفر يعني اصرار كردند والله اعلم هرگز نيامرزد خداي تعالى اين را و هرگز ننمايد اينها را راهي
گويد از پيغامبر وعيد منافقان بيان ميفرمايد بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ خبر ده منافقانرا
بآنكه ايشانرا باشد عذاب درد دهنده الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ
الْمُؤْمِنِينَ أَيَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا ۝ آن منافقان كه كافرانرا
دوست ميگيرند بجز مومنان آيا نزديك ايشان ارجمندي مي طلبند هر آئينه ارجمندي خدا راست همه يكجا

وقد نزل عليكم في الكتاب ان اذا سمعتم ايات الله يكفر بها ويستهزا بها فلا
تقعدوا معهم حتى يخوضوا في حديث غيره انكم اذا مثلهم ان الله جامع
المنافقين والكافرين في جهنم جميعا • و هرآئنه فرو فرستاده ست خدا بر شما در قرآن که چون
بشنوید آیتهای خدا انکار نموده می آید و تمسخر کرده میشود پس منشینید با ایشان تا آنکه شروع کنند
در سخنی بجز آن هرآئنه شما آنگاه که بنشینید مانند آن کافران باشید هرآئنه خدا بهم آرنده ست
منافقان و کافران همه بجا در دوزخ • الذين يتربصون بكم فان كان لكم فتح من الله
قالوا الم نكن معكم وان كان للكافرين نصيب قالوا الم نستحوذ عليكم
ونمنعكم من المؤمنين فالله يحكم بينكم يوم القيمة ولن يجعل الله للكفرين
على المؤمنين سبيلا • آن منافقان که انتظار شما می کشند پس اگر باشد شما را فتحی از جانب خدا
گویند آیا نبودیم با شما یعنی از زمرهٔ شما ایم والله اعلم و اگر باشد کافران را نصیبی گویند یعنی بکافران
آیا غالب نشدیم بر شما یعنی خواه مخواه شما را مصلحت دادیم که با مسلمانان بجنگید و نگذاشتیم که بمصلحت دیگر
عمل کنید والله اعلم و آیا باز نداشتیم شما را از ضرر مسلمانان یعنی سعی کردیم که ضرر مسلمانان بشما نرسد
والله اعلم پس خدا حکم خواهد کرد میان شما روز قیامت و هرگز نخواهد کرد خدا کافران را بر مسلمانان راهی
یعنی نشود که اسلام را استیصال کرد الله والله اعلم ان المنفقين يخادعون الله وهو خادعهم
واذا قاموا الى الصلوة قاموا كسالى يراءون الناس ولا يذكرون الله الا قليلا
هرآئنه منافقان فریب میکنند با خدا و او فریب کننده ست با ایشان و چون منافقان بسوی نماز برخیزند
برخیزند کاهلی کنان و ریا می کنند برای مردمان و یاد نمیکنند خدا را مگر اندکی مذبذبين بين ذلك
لا الى هؤلاء ولا الى هؤلاء ومن يضلل الله فلن تجد له سبيلا • متردد اند درمیان
این و آن نه بسوی اینان اند نه بسوی آنان و هرکرا گمراه کند خدا پس نیابی او را هیچ راهی يا ايها الذين
امنوا لا تتخذوا الكافرين اولياء من دون المؤمنين اتريدون ان تجعلوا لله
عليكم سلطانا مبينا • ای مسلمانان دوست مگیرید کافران را بجز مومنان آیا میخواهید که ثابت کنید برای خدا

برخوانش از الزام ظاهر إن المنافقين في الدرك الأسفل من النار ولن تجد لهم نصيرا
هر آئنه منافقان در طبقه زیرترین اند از آتش و نیابی ایشانرا هیچ یاری دهنده إلا الذين تابوا
وأصلحوا واعتصموا بالله وأخلصوا دينهم لله فأولئك مع المؤمنين وسوف
يؤت الله المؤمنين أجرا عظيما ● مگر آنانکه توبه کردند و صلاح پیش گرفتند و چنگ زدند بخدا و
خالص کردانیدند دین خود را برای خدا پس آن جماعه همراه مومنان اند و زود بدهد خدا مومنانرا مزد بزرگ
ما يفعل الله بعذابكم إن شكرتم وآمنتم وكان الله شاكرا عليما ● چه کار کند خدا
بعذاب شما اگر سپاسداری کنید و ایمان آرید و هست خدا قدر شناس دانا لا يحب الله الجهر
بالسوء من القول إلا من ظلم وكان الله سميعا عليما ● دوست نمیدارد خدا بلند گفتن
سخن بد مگر سخن سخت گفتن مظلوم که عفوست و هست خدا شنوا دانا إن تبدوا خيرا أو تخفوه
أو تعفوا عن سوء فإن الله كان عفوا قديرا ● اگر آشکار کنید کار نیک را یا پنهان کنید
آنرا یا عفو کنید از ظلمی پس هر آئنه هست خدا عفو کننده توانا إن الذين يكفرون بالله ورسله
ويريدون أن يفرقوا بين الله ورسله ويقولون نؤمن ببعض ونكفر
ببعض ويريدون أن يتخذوا بين ذلك سبيلا ● أولئك هم الكافرون حقا
وأعتدنا للكافرين عذابا مهينا ● هر آئنه کسانیکه کافر میشوند بخدا و پیغامبران او و کسانیکه
میخواهند که تفرقه کنند درمیان خدا و پیغامبران او یعنی بخدا ایمان آرند و بر پیغامبران ایمان نیارند و اینند
و کسانیکه میگویند ایمان می آریم ببعض پیغامبران و نامعتقد میشویم ببعض را و میخواهند که راهی گیرند درمیان
این و آن آن جماعه ایشانند کافران بتحقیق و آماده ساخته ایم برای کافران عذاب رسوا کننده والذين
آمنوا بالله ورسله ولم يفرقوا بين أحد منهم أولئك سوف يؤتيهم أجورهم
وكان الله غفورا رحيما ● و کسانیکه ایمان آوردند بخدا و پیغامبران او و تفرقه نکرده اند درمیان
هیچ یکی از ایشان خواهد داد خدا ایشانرا مزد ایشان و هست خدا آمرزنده مهربان مترجم گوید اینجا
خدای تعالی رد شبهه یهود میکند که قرآن چرا یکدفعه مثل الواح موسی نازل نشده و این سخن مقتدست

الجزء السادس

يسئلك اهل الكتاب

یا اهل الکتاب لا تغلوا یسئلک اهل الکتاب ان تنزل علیهم کتابا من السماء فقد
سألوا موسی اکبر من ذلک فقالوا ارنا الله جهرة فاخذتهم الصاعقة بظلمهم
ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینات فعفونا عن ذلک وآتینا موسی
سلطانا مبینا ۝ درخواست می کنند از تو اهل کتاب که فرود آری بر ایشان کتابی از آسمان یعنی یکدفعه
پس سوال کرده بودند از موسی سخت‌تر ازین گفتند خدا را بما آشکارا پس گرفت ایشانرا صاعقه بسبب
گناه ایشان باز معبود گرفتند گوساله را بعد از آنکه آمد با ایشان معجزها پس درگذشتیم ازین جریمه و دادیم
موسی را غلبه ظاهر ورفعنا فوقهم الطور بمیثاقهم وقلنا لهم ادخلوا الباب سجدا وقلنا
لهم لا تعدوا فی السبت واخذنا منهم میثاقا غلیظا ۝ و برداشتیم بالای ایشان طور را
برای گرفتن عهد ایشان و گفتیم ایشانرا در آیید بدروازه سجده کنان و گفتیم ایشانرا تجاوز مکنید در
روز شنبه و گرفتیم از ایشان عهد محکم فبما نقضهم میثاقهم وکفرهم بآیات الله وقتلهم
الانبیاء بغیر حق وقولهم قلوبنا غلف بل طبع الله علیها بکفرهم فلا یؤمنون
الا قلیلا ۝ پس بسبب شکستن عهد ایشان خود را و بسبب کفر ایشان بآیات خدا و کشتن ایشان
انبیا را بناحق و گفتن ایشان که دلها در پرده است نه بلکه مهر نهاده است خدای تعالی بر دل ایشان بسبب
کفر ایشان پس ایمان نیارند مگر اندکی وبکفرهم وقولهم علی مریم بهتانا عظیما ۝ وقولهم انا
قتلنا المسیح عیسی ابن مریم رسول الله وما قتلوه وما صلبوه ولکن شبه
لهم وان الذین اختلفوا فیه لفی شک منه ما لهم به من علم الا اتباع الظن
وما قتلوه یقینا بل رفعه الله الیه وکان الله عزیزا حکیما ۝ و بسبب کفر ایشان
و گفتن ایشان بر مریم بهتانی سخت یعنی قذف بزنا و بسبب گفتن ایشان که ما کشتیم مسیح عیسی پسر
مریم را که فی الواقع پیغمبر خدا بود و نکشته اند او را و بردار نکرده اند او را و لیکن مشتبه شد بر ایشان
و هر آینه کسانیکه اختلاف کردند در باب عیسی در شک اند از حال او و نیست ایشانرا بآن یقینی لیکن
پیروی ظن می کنند و بیقین نکشته اند او را بلکه برداشته او را خدای تعالی بسوی خود و هست خدا غالب

استوار كار وَإِن مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ
عَلَيْهِمْ شَهِيدًا ۝ ونباشد هيچ كس از اهل كتاب الا البته ايمان آرد بعيسى پيش از مردن عيسى يعني يهودي
كه حاضر شوند نزول عيسى را البته ايمان آرند والله اعلم و روز قيامت باشد عيسى گواه بر ايشان
فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ
كَثِيرًا ۝ پس ظلمى كه بظهور آمد از يهود حرام ساختيم بر ايشان چيزها را پاكيزه كه حلال بودند ايشان را
و بسبب باز داشتن ايشان مردمان بسيار را از راه خدا وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ
وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ و گرفتن ايشان
سود را و حال آنكه منع كرده شده اند از ان و خوردن ايشان اموال مردمان را بناحق و مهيا كرديم
براى كافران از ايشان يعني بعد از آن بر كفر عذاب درد دهنده مترجم گويد اگر گوئى انكار عيسى
بعد نزول توريت كرده بودند و تحريم لحوم ابل و تحريم ذى ظفر در توريت مذكور بود پس چگونه
جزاء انكار عيسى باشد گويم نزديك اين بنده ظاهر آنست كه مراد از تحريم طيبات موقوف داشتن
نعمتهاست كه سابقا ايشان را داده بودند از بادشاهى و نبوة و نصرت و غير آن و اين مشابه
آن آيت ست ضربت عليهم الذلة والمسكنة الايه و اين آيه و حرام على قرية اهلكناها و چنانچه
جمع كلام باهم مربوط باشد والله اعلم لَٰكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ
يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ
الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا ۝
لكن ثابت قدمان در علم از اهل كتاب و مومنان كه ايمان مى آرند بآنچه فرو فرستاده شده است
بسوى تو و بآنچه فرو فرستاده شده ست پيش از تو و مدح ميكنم برپا دارندگان نماز را و همچنين
دهندگان زكوة را و ايمان آرندگان بخدا و روز آخر اين جماعه زود دهيم ايشان را مزد بزرگ
إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِن بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ
وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ

وسليمن

وسليمن وآتينا داود زبورا ورسلا قد قصصناهم عليك من قبل ورسلا
لم نقصصهم عليك وكلم الله موسى تكليما ۝ هرآينه وحي فرستاديم بسوي تو چنانكه
وحي فرستاديم بسوي نوح وپيغامبران پس از وي وچنانكه وحي فرستاديم بسوي ابراهيم واسمعيل
واسحاق ويعقوب ونبيرگان وعيسى وايوب ويونس وهارون وسليمان وچنانكه داديم داود را
زبور وچنانكه فرستاديم پيغامبراني كه قصه ايشان گفته ايم بر تو پيش ازين وپيغامبراني كه قصه
ايشان نگفته ايم بر تو وگفت خدا با موسى سخن رسلا مبشرين ومنذرين لئلا يكون للناس
على الله حجة بعد الرسل وكان الله عزيزا حكيما ۝ فرستاديم پيغامبران مژده دهندگان
وبيم كنندگان تا نباشد مردمانرا بر خدا الزام بعد فرستادن پيغامبران يعني تا نگويند كه نفرستاد
هيچ پيغامبر نزديك ما نيامد والله اعلم وهست خدا غالب استوار كار لكن الله يشهد بما انزل
اليك انزله بعلمه والملئكة يشهدون وكفى بالله شهيدا ۝ ليكن خدا اظهار ميفرمايد
در حق آنچه فرو فرستاد آنرا بعلم خود وفرشتگان نيز گواهي ميدهند وبس است خدا گواه ان
الذين كفروا وصدوا عن سبيل الله قد ضلوا ضلالا بعيدا ۝ هرآينه كسانيكه كافر شدند
وباز داشتند يعني مردمانرا از راه خدا بتحقيق گمراه شدند گمراهي دور ان الذين كفروا وظلموا
لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهديهم طريقا الا طريق جهنم خالدين فيها ابدا وكان
ذلك على الله يسيرا ۝ هرآينه كسانيكه كافر شدند وستم كردند هرگز نيامرزد ايشانرا خدا ونمايد
ايشانرا راهي مگر راه دوزخ جاويدان آنجا هميشه وهست اين آسان بر خدا يا ايها الناس قد
جاءكم الرسول بالحق من ربكم فآمنوا خيرا لكم وان تكفروا فان لله ما في
السموات والارض وكان الله عليما حكيما ۝ اي مردمان هرآينه آمد شما پيغمبر براستي از جانب
پروردگار شما پس ايمان آريد ايمان آوردن بهتر باشد براي شما واگر كافر شويد پس هرآينه خدا راست
آنچه در آسمانها وزمين است وهست خدا دانا استوار كار مترجم گويد ازينجا شروع ميفرمايد در رد مذهب نصارى
والله اعلم يا اهل الكتاب لا تغلوا في دينكم ولا تقولوا على الله الا الحق انما المسيح

عيسى ابن مريم رسول الله وكلمته القيها الى مريم وروح منه فامنوا بالله
ورسله ولا تقولوا ثلثة انتهوا خيرا لكم انما الله اله واحد سبحانه ان يكون
له ولد له ما في السموات وما في الارض وكفى بالله وكيلا ۝ اي اهل كتاب از حد مگذريد
در دين خود و مگوئيد بر خدا مگر سخن راست جز اين نيست كه عيسى پسر مريم پيغامبر خدا و فرمان وست انداخت
آنرا بسوي مريم و روحيست از جانب خدا پس ايمان آريد بخدا و به پيغامبران او و مگوئيد خدايان سه اند
باز مانيد ازين قسم گفتار را اين باز ماندن بهتر باشد شما را جز اين نيست كه خدا معبود يكانه است پاكست
از انكه باشد او را فرزندي مر اوراست انچه در آسمانها و انچه در زمين است بس است خدا كارسازنده
لن يستنكف المسيح ان يكون عبدا لله ولا الملئكة المقربون ومن يستنكف
عن عبادته ويستكبر فسيحشرهم اليه جميعا ۝ ننگ ندارد عيسى از انكه باشد بنده
خدا و نه فرشتگان مقرب ننگ دارند و هركه ننگ كند از بندگى او و سركشى كند پس خواهد برانگيخت
ايشانرا نزديك خويش همه يكجا فاما الذين امنوا وعملوا الصالحات فيوفيهم
اجورهم ويزيدهم من فضله واما الذين استنكفوا واستكبروا
فيعذبهم عذابا اليما ولا يجدون لهم من دون الله وليا ولا نصيرا ۝ پس اما
كسانيكه ايمان آوردند و كارهاي شايسته كردند پس تمام دهد ايشانرا مزد ايشان و زياده
دهد ايشانرا از فضل خود و اما كسانيكه ننگ داشتند و سركشي كردند پس عذاب كند ايشانرا
عذاب درد دهنده و نيابند براي خويش بجز خدا دوستي و هيچ ياري دهي يا ايها الناس
قد جاءكم برهان من ربكم وانزلنا اليكم نورا مبينا ۝ اي مردمان بتحقيق آمد
نزديك شما دليلي از پروردگار شما و نازل كرديم بسوي شما روشني آشكارا فاما الذين
امنوا بالله واعتصموا به فسيدخلهم في رحمة منه وفضل ويهديهم اليه
صراطا مستقيما ۝ اما كسانيكه ايمان آوردند بخدا و چنگ زدند باو پس زود در آرد ايشانرا
در رحمت و فضل از نزديك خود و بنمايد ايشانرا بسوي خود راه راست يستفتونك قل الله

يفتيكم

يستفتونك قل الله يفتيكم في الكلالة ان امرؤ هلك ليس له ولد وله اخت فلها نصف ما ترك
وهو يرثها ان لم يكن لها ولد فان كانتا اثنتين فلهما الثلثان مما ترك
وان كانوا اخوة رجالا ونساء فللذكر مثل حظ الانثيين يبين الله لكم
ان تضلوا والله بكل شيء عليم • طلب فتوي ميكنند از تو بكو خدا فتوي ميدهد شمارا
در باب ميراث كسيكه والد وولد ندارد واكر مردي بميرد كه فرزندش نيست يعني وند والد واو را
خواهري باشد يعني اعياني واكر نباشد علاتي قايم مقام اعياني بود پس خواهرش راست نيمه انچه
كذاشته ست واكر اين خواهر مردي آن برادر وارث او شدي اكر نباشد آنرا فرزندي پس اكر
خواهران دو باشند پس ايشانرا ست دو سيم حصه انچه بكذاشته ست واكر ايشان جماعه باشند
مردان وزنان مرد راست مانند حصه دو زن بيان ميكند خدا براي شما تا كمراه نشويد و خدا بر
همه چيز داناست

سورة المائدة مدنية مائة وعشرون ايات

بسم الله الرحمن الرحيم •

يا ايها الذين امنوا اوفوا بالعقود • اي مومنان وفا كنيد بعهدها يعني عهدي كه
با خدا بسته ايد در التزام احكام او تعالى احلت لكم بهيمة الانعام الا ما يتلى
عليكم غير محلي الصيد وانتم حرم ان الله يحكم ما يريد • حلال كرده شده ست
براي شما چارپايان از قسم انعام مكر انچه خوانده خواهد شد بر شما يعني شتر وكاو وكوسفند اين
قسم را انعام كويند حلال ست مكر ميت وموقوذة وانچه بيايد والله اعلم ونه حلال دارنده شكار
درحاليكه محرم باشيد وهر آئنه خدا حكم ميكند انچه ميخواهد يا ايها الذين امنوا لا تحلوا
شعائر الله ولا الشهر الحرام ولا الهدي ولا القلائد ولا امين البيت
الحرام يبتغون فضلا من ربهم ورضوانا واذا حللتم فاصطادوا ولا يجرمنكم
شنان قوم ان صدوكم عن المسجد الحرام ان [redacted] وتعاونوا على البر
والتقوى ولا تعاونوا على الاثم والعدوان واتقوا الله ان الله شديد العقاب •

تعتدوا

وقف لازم

رابع

ای مسلمانان هتک حرمت مکنید و نه ماه حرام یعنی قتال در ماه رجب و ذی قعده و ذی الحجه و محرم نباید کرد

والله اعلم و نه قربانی را و نه آنچه در گردن او قلاده می اندازند و نه قصد کنندگان بیت الحرام را که می طلبند

فضل از پروردگار خویش و خوشنودی از وی یعنی تعرض حاجیان و معتمران مسلمانان نباید کرد و لقطه

ایشان نباید گرفت والله اعلم و چون احرام گشادید پس شکار کنید و حمل نکند شما را دشمنی گروهی بسبب آنکه

باز داشتند شما را از مسجد الحرام یعنی پیش از فتح مکه و پیش از آنکه مسلمان شوند والله اعلم بر تجاوز کردن

از حد و با یکدیگر مدد کنید بر نیکوکاری و پرهیزکاری و با یکدیگر مدد مکنید بر گناه و ستم و بترسید از خدا

هر آینه خدا سخت عقوبت است او مترجم گوید حکم تغلیظ تحریم قتال در شهر حرم مخصوص است بمسلمین بدلیل

آیه سوره بقره و تحریم تعرض حاجیان نیز بمسلمین مخصوص است بدلیل آیه سوره براءة و این با نزول آیات

منسوخ داشتن آنها چنانکه عامه مفسرین میگویند راست نمی آید والله اعلم حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ

وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ

وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا

بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ

وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ

الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

حرام کرده شد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه نام غیر خدا بوقت ذبح او یاد کرده شود

و آنچه بخفه کردن مرده باشد و آنچه بسنگ یا بعصا مرده باشد و آنچه از جای بلند افتاده بمیرد و آنچه بشاخ زدن

مرده باشد و آنچه درنده خورده باشد الا آنچه بعد ازین آفتها ذبح کرده باشد و حرام است آنچه ذبح کرده باشند بر

نشانهای معبود باطل یعنی بر صورة و قبر والله اعلم و حرام کرده شد آنچه طلب کنید معرفت قسمت خود

به تیرهای فال اینهمه فسق است امروز نا امید شدند کافران از دین شما پس مترسید از ایشان و بترسید از من

امروز کامل کردم برای شما دین شما و تمام کردم برای شما نعمت خود و اختیار کردم برای شما دین اسلام

پس هر که لاچار شود در گرسنگی غیر مایل بگناه پس هر آینه خدا آمرزنده مهربان است یعنی در مخمصه خوردن مردار

جایزست ونزدیک ابی حنیفه فائده غیر مائل بگناه آنست که زیاده از ضرورت نخورد ونزدیک مالک وشافعی
آنست که قاطع طریق وسارق را رخصت نیست واین آیه آخر آیات قرآن ست بعد از ان هیچ آیه نازل
والله اعلم يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ
تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ
إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ سوال میکنند ترا چه چیز حلال کرده شد برای ایشان بگو که حلال کرده شد
برای شما پاکیزها یعنی انچه عرب پاکیزه دانند والله اعلم وانچه اموخته باشید او را از جانوران شکاری
در حالتی که شکار تعلیم کنند کاینده می آموزید ایشان را بعض انچه شما را الله تعالی آموخته ست پس بخورید
از انچه نگاه داشتند برای شما یعنی نخورده وندریده باشند برای خوردن خود والله اعلم و یاد کنید نام
خدا را بران یعنی نزدیک ارسال جانوران شکاری والله اعلم وبترسید از خدا هر آینه خدا زود حساب
کننده ست الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ
حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي
أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝
امروز حلال کرده شد برای شما پاکیزها وطعام اهل کتاب حلال بود بر شما حلال ست مثل گوسفند وگاو
وانچه بر شما حلال کرده شد بر کسیکه از ایشان مسلمان شود وحلال ست مثل شتر وذی ظفر وقبیله یهود
ونصاری در ین باب اعتبار نیست والله اعلم وحلال کرده شد برای شما محصنات از زنان مسلمان ومحصنات
از زنان کسانیکه کتاب داده شدند پیش از شما چون بدهید ایشان را مهر ایشان عفت طلب کنان نه شهوة
رانندگان ونه دوست پنهان گیرندگان وهر که نامعتقد اسلام باشد نابود شد عمل او واو در آخرة
از زیانکاران ست محصنات اینجا نزدیک امام ابی حنیفه بمعنی پارسا ست ونزدیک شافعی آزاد واز
غیر مسافحین مفهوم شد که نکاح متعه درست نیست واز لا متخذی اخدان مفهوم شد که نکاح سر درست نیست
والله اعلم يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ

بع

إلى المرافق وامسحوا برؤوسكم وأرجلكم إلى الكعبين وإن كنتم جنبا فاطهروا
وإن كنتم مرضى أو على سفر أو جاء أحد منكم من الغائط أو لامستم النساء
فلم تجدوا ماء فتيمموا صعيدا طيبا فامسحوا بوجوهكم وأيديكم منه ما يريد
الله ليجعل عليكم من حرج ولكن يريد ليطهركم وليتم نعمته عليكم
لعلكم تشكرون ● اي مسلمانان چون خيزيد بسوي نماز پس بشوييد روي خود را و دستهاي خود را
تا آرنج و مسح كنيد سر خود را و بشوييد پاي خود را تا شتالنگ و اگر باشيد با جنابت پس غسل
كنيد و اگر باشيد بيمار يا مسافر يا بيايد يكي از شما از خلاجاي يا مساس كرده باشيد زنان را يعني جماع
كه مراد از قضاي حاجت [illegible]
كرده باشيد و نزديك نيافتيد در دست رسانيدن بزن ناقض وضوست والله اعلم پس نيابيد آب پس
قصد كنيد خاك پاك پس مسح كنيد از آن خاك بروي خود و دست خود نميخواهد خدا كه شروع كند
بر شما شقتي و ليكن ميخواهد كه پاك سازد شما را و تمام كند نعمت خود را بر شما تا شويد كه شكر گذاري
كنيد واذكروا نعمة الله عليكم وميثاقه الذي واثقكم به إذ قلتم سمعنا
وأطعنا واتقوا الله إن الله عليم بذات الصدور ● و ياد كنيد نعمت خدا را
بر خويش و پيمان خدا را كه عهد بسته است با شما بآن پيمان آنگاه كه گفتيد شنيديم و فرمانبرداري
كرديم يعني عهدي كه وقت بيعت بستيد والله اعلم و بترسيد از خدا هر آينه خدا داناست بانچه در
سينه ها باشد يا أيها الذين آمنوا كونوا قوامين لله شهداء بالقسط ولا
يجرمنكم شنآن قوم على ألا تعدلوا اعدلوا هو أقرب للتقوى واتقوا الله
إن الله خبير بما تعملون ● اي مسلمانان متعهد حق الله باشيد گواهي دهندگان باشيد
براستي و حمل نكند شما را دشمني قوي بر ترك عدل عدل كنيد عدل نزديكتر است به پرهيزگاري و بترسيد
از خدا هر آينه خدا آگاه است بانچه مي كنيد وعد الله الذين آمنوا وعملوا الصالحات
لهم مغفرة وأجر عظيم ● وعده كرده است خدا آنكسانيكه ايمان آوردند و كارهاي شايسته
كردند با مضمون كه ايشان راست آمرزش و مزد بزرگ والذين كفروا وكذبوا بآياتنا

أولئك

أُولٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ۝ وكسانيكه كافر شدند و بدروغ نسبت كردند آيات ما را ايشانند

اهل دوزخ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا

إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللهَ وَعَلَى اللهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝

اى مومنان ياد كنيد نعمت خدا را بر خويش آنگاه كه قصد كردند قومى كه دراز كنند دست خود را

بسوى شما يعنى قتال كنند والله اعلم پس باز داشت دستهاى ايشان را از شما بترسيد از خدا و بر خدا

بايد كه توكل كنند مومنان مترجم گويد اين معجزه چند نوبت متحقق شد از انجمله آنست كه آنحضرت

صلى الله عليه وعلى آله وسلم بقريۀ بمحلۀ يهود رفته بودند شخصى از ايشان خواست كه سنگى بالاى آنحضرت

افكند خداى تعالى دست آن شخص بند كرد از انجمله آنست كه كفار قريش در حديبيه از جنگ باز ايستادند

بعد از آنكه داعيۀ جنگ داشتند و از انجمله آنست كه يكى از ياران مسيلمه كذاب دست درازى خواست

خداى تعالى دست او را كرفته ساخت وَلَقَدْ أَخَذَ اللهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ

اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلٰوةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكٰوةَ وَ

آمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ

سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ

مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ۝ و هر آئينه كرفت الله تعالى پيمان بنى اسرائيل و معين ساختيم

از ايشان دوازده سردار و گفت خدا هر آئينه من با شما ام مضمون پيمان آنكه اگر برپا داشتيد

نماز را و معتقد شويد پيغامبران مرا و تقويت كرديد ايشان را و قرض داديد خدا را قرضى نيك

يعنى در جهاد صرف كرديد بتوقع ثواب آخرة والله اعلم البته نابود سازم از شما گناهان شما را

و البته در آرم شما را بوستانها ميرود زير آن جويها پس هر كه كافر شود از شما بعد ازين پس

كم كرد راه راست فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ

الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىٰ خَائِنَةٍ

مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۝ پس بسبب شكستن

ایشان بهمان خویش را لعنت کردیم ایشانرا و سخت کردانیدیم دل ایشانرا تغیر میکنند کلمات را از مواضع
آنها و فراموش کردند حصه از انچه بآن پند داده شدند و همیشه هستی که اگاه میشوی بر خیانتی ازیشان
مگر اندکی ازیشان پس درگذر کن ازیشان و اعراض کن هر آئینه خدا دوست میدارد نیکوکارانرا
وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا
بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ
و گرفتیم از کسانیکه گفتند ما نصاری ایم بهمان ایشانرا پس فراموش کردند حصه از انچه بآن پند داده شدند
پس پیوسته ساختیم درمیان فرقهای نصاری دشمنی و کینه تا روز قیامت و خبر خواهد داد ایشانرا
خدا بانچه میکردند يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ
مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ ای اهل کتاب هر آئینه آمد بشما پیغامبر ما بیان میکند برای شما
بسیاری از انچه پنهان میداشتید از کتاب یعنی از کتاب الهی و درگذر میکند از تقصیرات بسیار قَدْ
جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ
وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ای اهل کتاب
هر آئینه آمد بشما از جانب خدا نوری و کتابی روشن یعنی قران بسبب آن دلالت مینماید خدا کسی را که طلب رضا کرد
بسوی راههای نجات و بیرون می آرد ایشانرا از تاریکی بسوی روشنی باراده خود و دلالت میکند
ایشانرا بسوی راه راست لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ
يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَمَنْ فِي
الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ هر آئینه کافر شدند کسانیکه گفتند خدا همون مسیح پسر مریم است یعنی حلول
کرده است در وی و الله اعلم بگو که میتواند از خدا چیزی از انتقام اگر بخواهد که هلاک کند عیسی پسر مریم را
و مادرش را که مریم است و آنانرا که در زمین اند همه یکجا و خدا راست بادشاهی آسمانها و زمین و انچه
درمیان این هر دو است می آفریند هرچه میخواهد و خدا بر همه چیز توانا است وَقَالَتِ الْيَهُودُ

والنصارى

والنصارى نحن ابناء الله واحباؤه قل فلم يعذبكم بذنوبكم بل انتم بشر ممن خلق
يغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء ولله ملك السموات والارض وما بينهما
واليه المصير ۝ وگفتند یهود و ترسایان ما پسران خدائیم و دوستان اویم یعنی خدا را پدر خود
می گفتند والله اعلم بگو پس چرا عذاب میکند شما را بر گناهان شما بلکه شما آدمیانید از جنس آنچه پیدا کرده است
می آمرزد هر کرا خواهد و عذاب میکند هر کرا خواهد و خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه درمیان
این هر دو است و بسوی اوست رجوع يا اهل الكتب قد جاءكم رسولنا يبين لكم على فترة
من الرسل ان تقولوا ما جاءنا من بشير ولا نذير فقد جاءكم بشير ونذير
والله على كل شيء قدير ۝ ای اهل کتاب هر آئینه آمده است بشما پیغامبر ما بیان میکند برای شما
در حالت انقطاع آمدن پیغامبران یعنی عیسی تا پیغامبر ما هیچ پیغامبری مبعوث نشد و مدت میان ایشان
پانصد و شصت سال بود والله اعلم تا نگوئید که نیامد نزدیک ما هیچ مژده دهنده و بیم کننده هر آئینه آمده
بشما مژده دهنده و بیم کننده و خدا بر همه چیز تواناست واذ قال موسى لقومه يا قوم اذكروا
نعمة الله عليكم اذ جعل فيكم انبياء وجعلكم ملوكا واتكم ما لم يؤت احدا من
العلمين ۝ و یاد کن چون گفت موسی قوم خود را ای قوم من یاد کنید نعمت خدا را بر خویش چون پیدا کرد
درمیان شما پیغامبران را و پادشاهی ساخت شما را و داد بشما آنچه نداد هیچ کس از عالمیان یعنی معجزات
عظیم از فلق بحر و رفع طور والله اعلم يا قوم ادخلوا الارض المقدسة التي كتب الله لكم
ولا ترتدوا على ادباركم فتنقلبوا خاسرين ۝ ای قوم من در آئید بزمین پاک که مقرر ساخت
آنرا خدا برای شما و روگردان شوید بر سمت پشت خود آنگاه زیانکار گردید یعنی فرار مکنید قالوا
يا موسى ان فيها قوما جبارين وانا لن ندخلها حتى يخرجوا منها فان يخرجوا منها
فانا داخلون ۝ گفتند ای موسی هر آئینه آنجا گروهی هستند زورآور و هرگز ما داخل نشویم آنجا تا آنکه
ایشان بیرون آیند از آنجا پس اگر ایشان از آنجا بیرون شوند هر آئینه ما در آئیم قال رجلان من
الذين يخافون انعم الله عليهما ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم

غالبون ۝ و علی الله فتوكلوا ان كنتم مؤمنين ۝ گفتند دو مرد اسرائیل تقوی که انعام کرده بود
خدا بر ایشان یعنی یوشع و کالب در آئید ای قوم بر جباره از راه دروازه چون در آمدید بدروازه بس
شما غالب باشید و بر خدا توکل کنید اگر مسلمان هستید قالوا یا موسی انا لن ندخلها ابدا ما
داموا فیها فاذهب انت و ربك فقاتلا انا ههنا قاعدون ۝ گفتند ای موسی ما هرگز
نه در آئیم درین زمین هیچگاه ما دام که ایشان در آنجا اند بس تو و پروردگار تو بروید و جنگ کنید هر آئینه
ما اینجا نشستگانیم قال رب انی لا املك الا نفسی و اخی فافرق بیننا و بین القوم
الفسقين ۝ گفت موسی ای پروردگار من قادر نیستم الا بر خود و بر برادر خود یعنی هارون بس فصل کن
میان ما و میان گروه گناهکاران قال فانها محرمة علیهم اربعین سنة یتیهون
فی الارض فلا تأس علی القوم الفسقين ۝ گفت خدا بس آن زمین حرام کرده شده است — ع
بر ایشان چهل سال سرگردان میشوند در زمین بس اندوهناك مباش بر گروه ستمکاران یعنی حکم کردم — وقف لازم
که با آن زمین منتفع نشوند چهل سال واتل علیهم نبا ابنی ادم بالحق اذ قربا قربانا — نصف
فتقبل من احدهما و لم یتقبل من الاخر قال لاقتلنك قال انما یتقبل الله
من المتقين ۝ و بخوان بر قوم خود خبر دو پسر آدم براستی چون نیاز حق کردند قربانی را بس قبول کرده شد
از یکی و قبول کرده نشد از دیگر یعنی هابیل نیکوترین گوسفندی نیاز برد از غیب آتشی ظاهر شد و بخورد
و قابیل بدترین گندم بخش آورد آتش نیاز وی را قبول نکرد و این سبب حسد شد و الله اعلم گفت قابیل البته
بکشم ترا هابیل گفت جز این نیست که خدا قبول میکند از متقیان لئن بسطت الی یدك
لتقتلنی ما انا بباسط یدی الیك لاقتلك انی اخاف الله رب العالمين ۝
اگر دراز کنی بسوی من دست خود را تا بکشی مرا هرگز دراز نکنم بسوی تو دست خود را تا بکشم ترا هر آئینه من
می ترسم از خدا پروردگار عالمها انی ارید ان تبوء باثمی و اثمك فتكون من اصحب النار و
ذلك جزاء الظلمين ۝ هر آئینه من میخواهم که ببری گناه مرا و گناه خود را بس باشی از اهل دوزخ
و این جزا ستمکاران است فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله فاصبح من الخاسرین ۝

بس نرم

پس نفس او سهل ساخت در نظر او کشتن برادر خود را پس بکشت او را و شد از زیانکاران مترجم گوید

بعد کشتن ندانست که چگونه دفن کند جثه او را بر پشت نهاده می گشت والله اعلم فَبَعَثَ اللّٰهُ

غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْاَرْضِ لِيُرِيَهٗ كَيْفَ يُوَارِيْ سَوْءَةَ اَخِيْهِ قَالَ يَا وَيْلَتٰى اَعَجَزْتُ

اَنْ اَكُوْنَ مِثْلَ هٰذَا الْغُرَابِ فَاُوَارِيَ سَوْءَةَ اَخِيْ فَاَصْبَحَ مِنَ النّٰدِمِيْنَ • پس فرستاد

خدا زاغی را که میکافت در زمین تا بنماید خود را چگونه بپوشد تن مردار برادر خود گفت ای وای بر من

آیا عاجز شدم از آنکه باشم مانند این زاغ پس بپوشیدمی تن مردار برادر خود پس شد از پشیمان

شدگان مِنْ اَجْلِ ذٰلِكَ كَتَبْنَا عَلٰى بَنِيْ اِسْرَآئِيْلَ اَنَّهٗ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ اَوْ

فَسَادٍ فِي الْاَرْضِ فَكَاَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيْعًا وَمَنْ اَحْيَاهَا فَكَاَنَّمَا اَحْيَا النَّاسَ

ان ٣٤ م جَمِيْعًا وَلَقَدْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنٰتِ ثُمَّ اِنَّ كَثِيْرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذٰلِكَ فِي الْاَرْضِ

لَمُسْرِفُوْنَ • بسبب این حادثه حکم کردیم بر بنی اسرائیل که هر که بکشد کسی را بغیر عوض کسی و بغیر فساد

در زمین یعنی قطع طریق و ارتداد والله اعلم پس چنانست که کشته است مردمان را همه یکجا و هر که

سبب زندگانی کسی شد پس چنانستی که زنده ساخت مردمان را همه یکجا و هر آئینه آمدند به بنی اسرائیل

پیغامبران ما به نشانهای روشن باز بسیاری از ایشان بعد از این در زمین تجاوز کنندگان اند

یعنی چون از قابیل رسم قتل پیدا شد هر قتلی که در جهان واقع شود او را بدان مواخذه می کنند و همچنین

در هر زمانه کسی که رسم کشتن نو میکند بحکم من سن سنة سیئة کان له کفل منها در قتلی که بعد از وی اگر

شر کسی پیدا میشود بسبب آنجا من اجل ذلک بجای علی قیاس ذلک واقع شده است والله اعلم اِنَّمَا جَزٰٓؤُا

الَّذِيْنَ يُحَارِبُوْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَيَسْعَوْنَ فِي الْاَرْضِ فَسَادًا اَنْ يُّقَتَّلُوْٓا اَوْ

يُصَلَّبُوْٓا اَوْ تُقَطَّعَ اَيْدِيْهِمْ وَاَرْجُلُهُمْ مِّنْ خِلَافٍ اَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْاَرْضِ

ذٰلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيْمٌ • جزا این نیست که جزا

کسانیکه جنگ می کنند با خدا و رسول او و می شتابند در زمین بقصد فساد یعنی قطع طریق می کنند

آنست که کشته شوند یا بر دار کرده شوند یا بریده شود دستها و پاهای ایشان از جانب مخالف

یعنی دست راست و پای چپ والله اعلم یا دور کرده شوند از وطن این رسوائیست ایشانرا در دنیا
وایشانراست در آخرة عذاب عظیم إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن قَبْلِ أَن تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا
أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ • مگر کسانیکه توبه کردند پیش از آنکه دست یابید بر ایشان پس بدانید که خدا
آمرزنده مهربانست یعنی حد ساقط و حقوق آدمیان ساقط نیست يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ • ای مسلمانان
بترسید از خدا و بطلبید قرب بسوی او و جهاد کنید در راه او تا رستگار شوید إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لِيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ
مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ • هر آینه کافران اگر باشد مر ایشانرا آنچه در زمین همه یکجا
و همراه او مانند او همچنان پس برای آنکه عوض او دهند آنرا از عذاب روز قیامت هرگز قبول کرده نشود
از ایشان و ایشانراست عذاب درد دهنده يُرِيدُونَ أَن يَخْرُجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُم
بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ • بخواهند که بیرون روند از دوزخ و نیستند بیرون
رفتگان از دوزخ و ایشانراست عذاب دایم وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا
جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ • مرد دزد و زن دزد پس ببرید دست
ایشانرا جزا آنچه بعمل آورده اند عبرتی از طرف خدا و خدا غالب داناست فَمَن تَابَ مِن بَعْدِ
ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ • پس هر که توبه کرد بعد
ستم خود و کار شایسته بعمل آورد پس هر آینه خدا برحمت باز میگردد بروی هر آینه خدا آمرزنده
مهربانست أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ
وَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ • آیا ندانسته که خدا مر او راست پادشاهی
آسمانها و زمین عذاب میکند هر کرا خواهد و می آمرزد هر کرا خواهد و خدا بر همه چیز تواناست مترجم گوید
در توریت رجم زانی نازل شده بود و یهود تحریف کرده روی زانی را سیاه کردن و چند تازیانه زدن
قرار داده بودند و در زمان آنحضرت در میان ایشان زنا واقع شد زانی را پیش آنحضرت بدست منافقان

ودرزمان و نسانه

ودو میان فرستادند بقرار آنکه اگر جلد فرماید بکنیم واگر رجم فرماید نکنیم آنحضرت صلی الله علیه وعلی آله وسلم
خفیفت رجم اظهار فرمودند ورجم کردند درین آیات اشارتست بآن قصه يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ
لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ
وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ
آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هذا
فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ
اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ
وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ • ای پیغامبر اندوهگین نکنند ترا کسانیکه سعی میکنند در کفر
از آنانکه گفتند بدهان خویش ایمان آوردیم وایمان نیاورده است دل ایشان واز قوم یهود نیز ایشان
شنوندگانند سخن دروغ را یعنی معتقد آن شده اند شنوندگان برای گروهی دیگر که هنوز پیش تو
نیامده اند یعنی جاسوسان حربیان اند والله اعلم یعنی تغیر میکنند کلمات را بعد از ثبوت آنها در
موضع خویش میگویند اگر داده شوید این حکم محرف قبول کنید واگر آنرا داده نشوید پس احتراز نمائید هرکه خدا
ضلالت اورا اراده کرده است نتوانی برای او از خدا چیزی از هدایت وایشان آنند که نخواسته است خدا
که پاک کند دل ایشانرا ایشانراست در دنیا رسوائی وایشانراست در آخرة عذاب بزرگ سَمَّاعُونَ
لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ
عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ
الْمُقْسِطِينَ • ایشان شنوندگانند سخن دروغ را وخورندگانند حرام را یعنی رشوه را پس اگر بیایند
پیش تو حکم کن میان ایشان یا اعراض کن از ایشان واگر اعراض کنی از ایشان هیچ زیان نرسانند یعنی
اهل ذمه اگر قضیه خویش بامام رفع کنند اگر خواهد حکم کند واگر خواهد بر علما ایشان مفوض نماید والله اعلم
وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَاةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ
وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ • وچگونه حکم میکنند ترا ونزدیک ایشان توریت است که دران حکم خداست

باز اعراض میکنند بعد ازین و نیستند ایشان معتقدان یعنی اگر عرض ایشان طلب رضای خدای تعالی بودی
بر توریت عمل نمودندی ولیکن غرض فاسد داشتند إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَاةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا
النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ
كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِ وَلَا تَشْتَرُوا
بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ • هر اینه ما فرود آوردیم
توریت را در ان هدایت و روشنی است حکم میکنند بآن پیغامبران که منقاد حکم الهی اند برای یهود و حکم میکنند
خدا پرستان و احبار ایشان همه حکم میکردند بانچه حافظ آن گردانیده شدند از کتاب خدا و بران گواه بودند
یعنی بقطع معلوم کرده بودند که حکم الهی است و الله اعلم پس گفتیم مترسید از مردمان و بترسید از من و مخرید
بآیتهای ما بهای اندک و هر که حکم نکند بانچه خدا فرو فرستاده است پس ایشانند نامعتقدان وَكَتَبْنَا
عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ
بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ
لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ • و لازم ساختیم بر یهود در
توریت که شخص عوض شخص است یعنی بعوض او باید کشت و چشم عوض چشم است و بینی عوض بینی است
و گوش عوض گوش است و دندان عوض دندان و حکم زخمها باعتبار مماثلت است پس هر که عفو کند
آن زخم پس این عفو کفاره است و برا و هر که حکم نکند بانچه خدا فرستاده است پس ایشانند ستمکاران
وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِمْ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاةِ
وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاةِ
وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ • و از پس فرستادیم بر پی این پیغامبران عیسی پسر مریم را
راست دارنده انچه پیش او بود که توریت است و دادیمش انجیل در وی هدایت و روشنی است
و باور دارنده انچه پیش وی بود که توریت است و هدایت و پند متقیان را وَلْيَحْكُمْ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ
بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ • و فرمودیم باید که

حکم اهل انجیل

حکم کنند اهل انجیل بآنچه فرو فرستاده است خدای تعالی در وی و هر که حکم نکند بآنچه فرو فرستاده است
خدا پس ایشانند بدکاران وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ
الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا
جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً
وَاحِدَةً وَلَٰكِن لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا
فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ۝ و فرو فرستادیم بسوی تو کتاب را براستی باور دارنده آنچه
پیش وی است از کتاب و نگاهبان بروی یعنی تحریف را از غیر تحریف جدا میسازد والله اعلم پس
حکم کن در میان ایشان بآنچه فرو آورده است خدا و پیروی مکن خواهش ایشانرا اعراض کنان از آنچه
آمد بتو از حکم الهی برای هر گروهی از شما مقرر ساخته ایم شریعتی و راهی و اگر خواستی خدا گردانیدی شمارا
یک امت ولیکن خواست که بیازماید شمارا در آنچه بشما داده است پس شتابی کنید بسوی نیکو کاری
یعنی اتباع فرمان الهی در شریعت پیغامبر زمان والله اعلم بسوی خدا رجوع شماست همه یکجا پس
خبر دهد شمارا بآنچه در آن اختلاف میکردید وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ
وَاحْذَرْهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَن بَعْضِ مَا أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ
اللَّهُ أَن يُصِيبَهُم بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ ۝ و فرمودیم که حکم کن
میان ایشان بآنچه فرو آورده است خدا و پیروی مکن خواهش ایشانرا و بترس از ایشان از آنکه گمراه کنند
ترا از بعض آنچه فرو فرستاده است خدا بسوی تو پس اگر اعراض کنند پس بدانکه میخواهد که برساند عذاب
ایشانرا بسبب بعض گناهان ایشان و هر آینه بسیاری از مردمان بدکارانند أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ
ع وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ۝ آیا حکم جاهلیت میخواهند و کیست نیکوتر از خدا
باعتبار حکم برای قومی که یقین دارند مترجم گوید حاصل این آیات الزام است بر اهل کتاب با وجود التزام
کتاب بر حسب آن عمل نمیکنند و درین آیات بیان آنست که هر قرنی را شریعتی داده اند و بعد نزول قرآن
بجز متابعت آن جایز نیست والله اعلم يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ

وقف لازم · غفران · منزل

أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الظّٰلِمِينَ ۝ ای مومنان دوست مگیرید یهود و نصاری را بعض ایشان دوست بعض اند و هر که از شما
دوست دارد ایشان را پس هر آینه او از جمله ایشان است هر آینه خدا راه نمی نماید گروه ستمکاران را فتری
الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشٰى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ
أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلٰى مَا أَسَرُّوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ ۝ پس می بینی
کسانی را که در دل ایشان بیماری است یعنی نفاق است سعی میکنند در دوستی یهود و نصاری میگویند
میترسیم از آنکه میرسد ما را مصیبتی یعنی احتمال دارد که هزیمت بر اهل اسلام افتد پس موافقت با ایشان
مصلحت است و الله اعلم پس نزدیک است که خدا بیارد فتح را یا چیزی دیگر را از نزدیک خود پس پشیمان
بشوند بر آنچه پنهان داشتند در دل خویش وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهٰؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا
بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ ۝ و بگویند
مومنان یعنی روز قیامت آیا ایشان اند آنکه قسم خوردند بخدا سخت ترین سوگندهای خویش که البته
ایشان همراه شما اند امروز نابود شد عملهای ایشان پس گشتند زیانکار يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ
أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكٰفِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ
لَوْمَةَ لَائِمٍ ذٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ ای مومنان
هر که از شما بر گردد از دین خود پس خواهد آورد خدا گروهی را که دوست میدارد ایشان را و ایشان
دوست میدارند او را متواضع کنان اند برای مومنان درشت طبع اند بر کافران جهاد می کنند در راه
خدا و نمی ترسند از ملامت ملامت کننده این بخشایش خداست میدهد آنرا بهر که خواهد و خدا جواد
داناست مترجم گوید این وعده در زمان حضرت ابو بکر صدیق متحقق شد و مهاجران و انصار و
تابعان ایشان با مرتدان جهاد کردند والله اعلم إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ
يُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ۝ جز این نیست که دوست شما خدا است

ثلثه

ورسول او و مومنانی که برپا دارند نماز را و میدهند زکوة را و ایشان بوست نماز گذارند و مَن
ع يَتَوَلَّ اللهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْغَالِبُونَ • و هرکه دوستی کند با خدا
و با رسول او و مومنان پس هر آینه گروه خدا ایشانست غالب يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا
الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكُفَّارَ
أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ • ای مسلمانان دوست مگیرید کسانی را که تمسخر و بازی
گرفته اند دین شما را از کسانیکه داده شد ایشان را کتاب پیش از شما و نه سایر کافران را و بترسید خدا را اگر مسلمان
هستید وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ •
و چون ندا کنید بسوی نماز تمسخر و بازی میگیرند آنرا یعنی بانگ اذان استهزا کنند و الله اعلم این بسبب آنست که
ایشان گروهی هستند که هیچ نمی فهمند قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللهِ
وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ • بگو ای اهل کتاب عیب میگیرید از ما
مگر آنکه ایمان آوردیم بخدا و بانچه فرو فرستاده شده است بر ما و بانچه فرو فرستاده شده است پیش ازین
دیگر آنکه بیشتر از شما بدکارانند قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللهِ مَنْ لَعَنَهُ
اللهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ
مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ • بگو آیا خبر دهم شما را به بدترین از آن عیب داینکه شما بیان کردید
باعتبار جزا نزدیک خدا آن بدتر کسیست که لعنت کرد او را خدا و خشم گرفت بروی و گردانید از ایشان
بوزنگان و خوکان و کسی که می پرستید معبود باطل را این گروه بدترند باعتبار جای و گمراه ترند از
راه راست وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ وَاللهُ
أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ • چون بیایند پیش شما گویند ایمان آوردیم حال آنکه با کفر در آمدند و با کفر بیرون
رفتند و خدا داناترست بانچه می پوشیدند وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ
وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ • و می بینی که بسیاری از ایشان سعی می کنند در گناه و تعدی
و حرام خوردن خویش هر آینه بد چیزیست که بعمل آوردند لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ

عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ● چرا منع نمیکنند ایشان را
خدا پرستان و دانشمندان از دروغ گفتن ایشان و حرام خوردن ایشان هر آینه بد چیزیست که
می کنند وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ
مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ
رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا ● وگفتند یهود دست خدا بگردن بسته است یعنی بخل دارد بگردن بسته
باد دستهای ایشان و لعنت کرده شد ایشان را بسبب آنچه گفتند بلکه دست او گشاده است خرج میکند
چنانچه میخواهد و البته بیفزاید در حق بسیاری از ایشان آنچه فرو فرستاده شده است بسوی تو از
پروردگار تو نافرمانی و کفر را وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا
أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ
الْمُفْسِدِينَ ● و افکندیم درمیان فرقهای یهود دشمنی و ناخوشی تا روز قیامت هرگاه که می افروزند
آتشی برای جنگ فرو نشاندش خدا یعنی چون میخواهند که باعدای خود که مؤمنین اند یهودیه بستند جنگ
کنند مقهور و مغلوب میشوند و میشتابند در زمین برای فساد و خدا دوست نمیدارد مفسدان را و لو
أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ
و اگر اهل کتاب ایمان می آوردند و پرهیزکاری میکردند نابود ساختمی از ایشان گناهان ایشان را و در آوردمی
ایشان را بوستانهای نعمت وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ
مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ
مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ ● و اگر ایشان برپا میداشتند حکم توریت و انجیل را و آنچه فرود آورده شده است
بسوی ایشان از پروردگار ایشان یعنی سایر کتب سابقه خوردندی از بالای خود و از زیر پای خود
از ایشان گروهی است میانه رو و بسیاری از ایشان بد چیزیست که میکنند مترجم گوید حاصل آنست که
اگر برپا میداشتند حکم توریت و انجیل را پیش از نزول قرآن و پیش از آنکه حضرت پیغامبر صلی الله علیه و علی
آله و سلم مبعوث شود برکت فراوان نصیب ایشان میشد لیکن مخالفت کردند پس بانواع بلا مبتلا گشتند

لازم

و الله اعلم

واللہ اعلم یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک وان لم تفعل فما بلغت
رسالته والله یعصمک من الناس ان الله لا یهدی القوم الکافرین ۝ ای پیغامبر رسان
آنچه فرود آورده شده است بسوی تو از جانب پروردگار تو و اگر نه کردی یعنی اگر یک آیت هم
نرساندی والله اعلم نرسانیده باشی پیغامبری خدا را و خدا نگاه دارد ترا از مردمان هر آئینه خدا راه نمی نماید
گروه کافران را قل یا اهل الکتاب لستم علی شیء حتی تقیموا التوریة والانجیل وما انزل
الیکم من ربکم ولیزیدن کثیرا منهم ما انزل الیک من ربک طغیانا وکفرا
فلا تاس علی القوم الکافرین ۝ بگو ای اهل کتاب نیستید بر چیزی تا آنکه برپا کنید حکم توریة و انجیل
و آنچه فرو فرستاده شده است بسوی شما از پروردگار شما یعنی سایر کتب سابقه البته بیفزاید در حق
بسیاری از ایشان آنچه فرو فرستاده شده است بسوی تو از جانب پروردگار تو یعنی قرآن طغیان و کفر پس
اندوهگین مشو بر قوم کافران مترجم گوید حاصل آنست که بر وفق قول ملزم میشوند زیرا که التزام شریعت
میکنند و برحسب آن نمیروند قطع نظر از کافران والله اعلم ان الذین امنوا والذین هادوا
والصابئون والنصاری من امن بالله والیوم الاخر وعمل صالحا فلا خوف علیهم
ولا هم یحزنون ۝ هر آئینه مسلمانان و جهودان و همچنین است حال ستاره پرستان و ترسایان
هر که ایمان آرد از ایشان بخدا و روز آخر و کرد کار شایسته هیچ ترس نیست بر ایشان و ایشان اندوهگین
نشوند یعنی در اصل از هر فرقه که باشد چون ایمان آرد از اهل نجات است و خصوصیت فرقه را اعتبار نیست
والله اعلم لقد اخذنا میثاق بنی اسرائیل وارسلنا الیهم رسلا کلما جاءهم رسول
بما لا تهوی انفسهم فریقا کذبوا وفریقا یقتلون ۝ هر آئینه گرفتیم عهد بنی اسرائیل و فرستادیم
بسوی ایشان پیغامبران را هر گاه که آمدی با ایشان پیغامبری با آنچه دوست نمیداشت نفس ایشان
گروهی را بدروغ نسبت کردند و گروهی را می کشتند وحسبوا الا تکون فتنة فعموا وصموا
ثم تاب الله علیهم ثم عموا وصموا کثیر منهم والله بصیر بما یعملون ۝ و پنداشتند
که هیچ عقوبت نخواهد بود پس کور شدند و کر گشتند پس رحمت بازگشت خدا بر ایشان یعنی محمد را

صلى الله عليه وعلى آله وسلم فرستاد والله اعلم پس باز كور شدند وكر كشتند بسيارى از ايشان وخدا بيناست
بانچه مى كنند لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ
اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ
النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ● هر آينه كافر شدند كسانيكه كفتند الله همان ست
عيسى پسر مريم وكفته بود عيسى اى بنى اسرائيل پرستيد خدا را پروردكار من وپروردكار شما
هر آينه كسيكه شريك خدا مقرر مى كند حرام كرده ست خدا بهشت را بروى وجاى او دوزخ ست
ونيست ستمكاران را هيچ يارى دهنده مترجم كويد اعتقاد حلول نوعى از شرك ست لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ
قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا إِلَٰهٌ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ
لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ● هر آينه كافر شدند كسانيكه كفتند كه خدا سوم كس ست
يعنى در مرتبه الوهيت سه كس هستند يكى خدا ودوم عيسى وسيوم روح القدس والله اعلم ونيست هيچ
الهى مكر اله يكانه واكر باز نمانند از انچه مى كويند خواهد رسيد كافرانرا از ايشان يعنى اهل اصرار را
از ايشان عذاب درد دهنده أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ
رَحِيمٌ ● آيا رجوع نمى كنند بسوى خدا وآمرزش نمى طلبند از وى وخدا آمرزنده مهربان ست مَا الْمَسِيحُ
ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ
الطَّعَامَ انْظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انْظُرْ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ● نيست عيسى پسر مريم
مكر پيغامبرى كه كذشته اند پيش از وى پيغامبران ومادر او وليه بود ومى خوردند طعام را ببين چكونه
بيان ميكنيم براى ايشان نشانها باز ببين چكونه كردانيده ميشوند يعنى از معرفت حق قُلْ
أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
بكو آيا عبادت مى كنيد بجز خدا چيزى را كه نميتواند براى شما زيانى ونه سودى وخدا همان ست شنوا
دانا قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ
قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ ● بكو اى اهل كتاب از حد مكذريد

در دين خود

در دین خود بناحق و پیروی مکنید خواهش نفس قومی را که گمراه شدند پیش ازین و گمراه کردند مردمان بسیار را
و گمروی کردند از راه راست یعنی پیشوایان یهودیه و نصرانیه که برای ایشان مذهب قرار داده اند
والله اعلم لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ
ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا وَّكَانُوا يَعْتَدُونَ • لعنت کرده شد کافران از بنی اسرائیل بر زبان داود و
عیسی پسر مریم این بسبب آنست که نافرمانی میکردند و از حد میگذشتند كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن
مُّنكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ • یکدیگر را منع نمی کردند از آن عمل زشت که مرتکب آن شدند
هر آینه بد چیزیست که میکردند تَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا
قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَن سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ • می بینی
بسیاری از ایشان دوستی میکنند با کافران یعنی با مشرکان هر آینه بد چیزیست که پیش فرستاده
برای ایشان نفوس ایشان الخ خشم گرفتن خداست بر ایشان و ایشان در عذاب جاویدانند
وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرًا
مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ • و اگر ایمان آوردندی بخدا و بپیغامبر یعنی بپیغامبر خود و آنچه فرو فرستاده شده
بسوی وی البته دوست نگرفتندی مشرکان را و لیکن بسیاری از ایشان فاسقانند لَتَجِدَنَّ
أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم
مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيسِينَ وَرُهْبَانًا
وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ • هر آینه بیابی سخت ترین مردمان در عداوت مسلمانان یهود و مشرکان را
و هر آینه بیابی نزدیکترین مردمان در دوستی مسلمانان کسانی را که گفتند ما نصاری ایم این بسبب
الجزء السابع
آنست که از جمله ایشان هستند دانشمندان و گوشه نشینان و بسبب آنست که ایشان تکبر نمی کنند
وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا
مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ • و چون بشنوند آنچه فرو
فرستاده شده بر پیغامبر یعنی چشمهای ایشان می ریزند از اشک بسبب آنکه شناختند

از حق میگویند ای پروردگار ما ایمان آوردیم پس بنویس ما را با شاهدان یعنی جماعه که اهل امت باشند والله اعلم

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ اَنْ يُّدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصّٰلِحِيْنَ
و چیست ما را که ایمان نیاریم بخدا و آنچه آمده است بما از دین راست و چیست ما را که طمع نکنیم که داخل کند
ما را پروردگار ما یعنی به بهشت با قوم صالحان فَاَثَابَهُمُ اللّٰهُ بِمَا قَالُوْا جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا
الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا وَذٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِيْنَ پس جزا داد ایشان را خدا بران مقوله که گفتند
بوستانها میرود زیر آن جویها جاویدان آنجا اینست جزای نیکوکاران وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا
بِاٰيٰتِنَآ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَحِيْمِ و کسانیکه کافر شدند و بدروغ نسبت کردند آیات ما را ایشانند
در دوزخ مترجم گوید در آیات مذکوره اشارتست بفضیلت قومی از انصاری حبشه که همراه جعفر
طیار بخدمت آنحضرت آمده مسلمان شدند والله اعلم يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تُحَرِّمُوْا طَيِّبٰتِ
مَآ اَحَلَّ اللّٰهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوْا اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِيْنَ ای مومنان حرام نکنید لذاید
آنچه خدا حلال ساخته است شما را و از حد مگذرید هر آینه خدا دوست نمیدارد از حد گذرندگان را وَكُلُوْا
مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ حَلٰلًا طَيِّبًا وَّاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِيْٓ اَنْتُمْ بِهٖ مُؤْمِنُوْنَ و بخورید از آنچه روزی
داده است شما را خدا حلال پاکیزه و بترسید از آن خدا که شما با وی ایمان آوردید یعنی ترک نکاح یا ترک
اکل لحم و امثال آن درست نیست والله اعلم لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللّٰهُ بِاللَّغْوِ فِيْٓ اَيْمَانِكُمْ وَلٰكِنْ
يُّؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُّمُ الْاَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهٗٓ اِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسٰكِيْنَ مِنْ اَوْسَطِ مَا
تُطْعِمُوْنَ اَهْلِيْكُمْ اَوْ كِسْوَتُهُمْ اَوْ تَحْرِيْرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلٰثَةِ اَيَّامٍ ذٰلِكَ
كَفَّارَةُ اَيْمَانِكُمْ اِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوْٓا اَيْمَانَكُمْ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ اٰيٰتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ
باز خواست نمیکند از شما خدا بلغو در سوگندهای شما لیکن باز خواست از شما بسبب محکم کردن سوگندها بقصد
یعنی بلغو کفاره واجب نیست چنانکه از دور شیئی ببیند و بگوید که زید است و بظن گوید که والله زید است
و زید نباشد و در یمین منعقده اگر حانث شود کفاره واجب است چنانکه گوید والله این طعام نخورم یا
در خانه نه درآیم و علی هذا القیاس والله اعلم پس کفاره یمین منعقده طعام دادن ده مسکین راست

از حد میانه

از عهد میانه از آنچه میخورانید اهل خود را یا پوشش دادن ایشان را یا آزاد کردن برده پس هر که نیابد لازم
روزه داشتن سه روز اینست کفارت سوگندهای شما چون سوگند خوردید یعنی حانث شوید و نگاه دارید
سوگندهای خود را یعنی تا معذور حانث مشوید والله اعلم همچنین بیان میکند خدا برای شما آیتهای خود را
تا بود که شما شکر کنید یا ایها الذین آمنوا انما الخمر والمیسر والانصاب والازلام رجس
من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون ای مسلمانان جز این نیست که خمر و قمار و نشانهای
معبودان باطل و تیرهای فال پلیدیست از کردار شیطان است پس احتراز کنید از وی تا شود که شما
رستگار شوید انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوة والبغضاء فی الخمر والمیسر ویصدکم
عن ذکر الله وعن الصلوة فهل انتم منتهون وجز این نیست که میخواهد شیطان که بیاندازد
در میان شما دشمنی و ناخوشی بسبب خمر و قمار و باز دارد شما را از یاد خدا و از نماز پس آیا شما باز ایستادید
واطیعوا الله واطیعوا الرسول واحذروا فان تولیتم فاعلموا انما علی رسولنا
البلاغ المبین وفرمانبرداری کنید خدا را و فرمانبرداری کنید پیغامبر را و بترسید پس اگر رو گردانید
پس بدانید که بر پیغامبر ما نیست مگر پیغام رسانیدن آشکارا لیس علی الذین آمنوا وعملوا الصلحت
جناح فیما طعموا اذا ما اتقوا وآمنوا وعملوا الصلحت ثم اتقوا وآمنوا ثم
اتقوا واحسنوا والله یحب المحسنین نیست بر کسانیکه ایمان آوردند و عملهای شایسته
کردند گناهی در آنچه خوردند یعنی قبل از تحریم چون پرهیزکاری کردند و ایمان آوردند و کارهای شایسته
کردند باز پرهیزکاری کردند و ایمان آوردند و باز پرهیزکاری کردند و نیکوکاری نمودند و خدا دوست
میدارد نیکوکاران را یعنی آنچه قبل از تحریم خوردند عقوبت نیست چون در تقوی رسوخ پیدا کردند و این سخن
بدان ماند که کسی گوید با تو احسان کنم باز با تو احسان کنم یعنی آنکه پیوسته احسان کنم والله اعلم
یا ایها الذین آمنوا لیبلونکم الله بشیء من الصید تناله ایدیکم ورماحکم لیعلم الله
من یخافه بالغیب فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب الیم ای مسلمانان هر آینه
می آزماید شما را پروردگار شما بچیزی از شکار برسد بآن دستهای شما و نیزههای شما تا متمیز کند خدا

کسی را که غایبانه از وی می ترسد پس هر که تعدی کند پس از ین او راست عذاب درد دهنده یا ایها
الذین آمنوا لا تقتلوا الصید وانتم حرم ومن قتله منکم متعمدا فجزاء مثل
ما قتل من النعم یحکم به ذوا عدل منکم هدیا بالغ الکعبة او کفارة طعام
مسٰکین او عدل ذلک صیاما لیذوق وبال امره عفا الله عما سلف ومن عاد
فینتقم الله منه والله عزیز ذو انتقام ۝ ای مسلمانان مکشید صید را چون احرام بسته باشید
و هر که بکشد آنرا از شما بقصد پس واجبست جزا و آن جزا مانند چیزیست که او را کشته ست از جنس
چاروایان حکم کند بآن دو صاحب عدالت از شما باشد آن چهارپایه قربانی رسیده بکعبه یا آن جزا
کفارات طعام فقیران یا برابر آن از روزه تا بچشد جزا کردار خود عفو کرده ست خدا از آنچه
کرده گذاشت و هر که دیگر بار کند انتقام کرد از وی خدا و خدا غالب صاحب انتقام ست مترجم گوید
جزا صید یکی از سه چیز تواند بود مماثل صید را در حرم ذبح کند و مماثل نزدیک شافعی بخلقت و هیئت ست
و نزدیک ابی حنیفه بقیمت یا بقیمت صید طعام خرید نماید و بمسکینان دهد نزدیک شافعی
هر مسکینی را مدی و نزدیک ابی حنیفه هر مسکینی را نیم صاع از گندم یا یک صاع از جو یا بشمار مسکینان
علی اختلاف المذهبین روزه دارد والله اعلم احل لکم صید البحر وطعامه متاعا
لکم وللسیارة وحرم علیکم صید البر ما دمتم حرما واتقوا الله الذی
الیه تحشرون ۝ حلال کرده شد بر شما شکار دریا و خوردن آن تا متمتع باشید برای شما و برای
قافله و حرام کرده شد بر شما شکار بیابان وقتیکه احرام بسته باشید و بترسید از آن خدای که بسوی وی
حشر کرده خواهید شد جعل الله الکعبة البیت الحرام قیاما للناس والشهر
الحرام والهدی والقلائد ذلک لتعلموا ان الله یعلم ما فی السموات وما
فی الارض وان الله بکل شیء علیم ۝ گردانید خدای تعالی کعبه را که خانه بزرگوار ست
و ماه حرام را و قربانی را و آنچه در گردنش قلاده انداخته اند سبب انتظام امور مردمان این بیان برای
آنست تا بدانید که خدا میداند آنچه در آسمانها ست و آنچه در زمین ست و تا بدانید که خدا بهمه چیز

دانا ست اِعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعِقَابِ وَاَنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝ بدانید اینکه خدا تعالی
سخت ست عقوبت آن و آنکه بدانید که خدا آمرزنده مهربان ست مَا عَلَى الرَّسُوْلِ اِلَّا الْبَلٰغُ
وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُوْنَ وَمَا تَكْتُمُوْنَ ۝ و نیست بر پیغامبر مگر رسانیدن پیغام و خدا
میداند آنچه آشکارا می کنید و آنچه پنهان می کنید قُلْ لَّا يَسْتَوِى الْخَبِيْثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ
اَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيْثِ فَاتَّقُوا اللّٰهَ يٰاُولِى الْاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ۝ بگو ای محمد
برابر نیست پلید و پاک و اگرچه در عجب آرد ترا بسیاری پلید پس بترسید از خدای ای خداوندان خرد
تا رستگار شوید یعنی مال حرام و مال حلال برابر نیست اگرچه حرام بسیار جمع میشود والله اعلم
مترجم گوید بعض مردم از آنحضرت بغیر ضرورت سوال میکردند یکی گفت پدر من کیست و دیگری گفت مرجع من
بهشت ست یا دوزخ در این باب نازل شد يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَسْاَلُوْا عَنْ اَشْيَآءَ اِنْ
تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ وَاِنْ تَسْاَلُوْا عَنْهَا حِيْنَ يُنَزَّلُ الْقُرْاٰنُ تُبْدَ لَكُمْ عَفَا اللّٰهُ عَنْهَا
وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ حَلِيْمٌ قَدْ سَاَلَهَا قَوْمٌ مِّنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ اَصْبَحُوْا بِهَا كٰفِرِيْنَ ۝ ای مسلمانان سوال
مکنید از آن چیزهای که اگر ظاهر کرده شود حقیقت آنها پیش شما غمگین کند شما را و اگر سوال کنید از آن وقتیکه
فرود آورده میشود قرآن البته ظاهر کرده میشود پیش شما عفو کرد الله تعالی از آن سوالات و خدا آمرزنده
بردبار ست هر آینه سوال کرده بودند از مثل آن چیزهای قومی پیش از شما باز کافر شدند بآنها مترجم گوید اهل جاهلیت
احکامی چند اختراع کرده بودند و در آنها بقول اسلاف خود متمسک بودند از آنجمله بحیره و آن ماده شتری ست
که او را برای بتان مقرر میکردند و شیر او بکسی نمیدادند و سائبه که برای بتان جانوری را میگذاشتند و بار
بر پشت او نمی نهادند و وصیله و آن ماده شتر ست که اول بار در اول عمر شتر ماده زاید و بعد از آن بغیر
فصل دیگر بار ماده زاید پس از برای بتان میگذاشتند و بعد از آنکه از فحلی چند بچه گرفتندی او را معاف
داشتندی از رکوب و جز آن او را حام میگفتندی خدای تعالی این همه را نسخ فرمود آیت فرستاد
وَمَا جَعَلَ اللّٰهُ مِنْ بَحِيْرَةٍ وَّلَا سَآئِبَةٍ وَّلَا وَصِيْلَةٍ وَّلَا حَامٍ وَّلٰكِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا
يَفْتَرُوْنَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَاَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُوْنَ ۝ مشروع نکرده ست خدای تعالی هیچ بحیره

و نه سایبه و نه وصیله و نه حام را لکن کافران دروغ بر خدای بندند و بسیاری از ایشان نمی دانند و اذا
قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا
أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ۝ و چون گفته شود ایشان را بیایید بسوی
آنچه فرو فرستاده است خدا و بسوی پیغامبر گویند بس است ما را آنچه بر آن یافتیم پدران خود را و اگرچه
پدران ایشان هیچ نمی دانستند و هیچ راه نمی یافتند یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنفُسَكُمْ ۝
لَا يَضُرُّكُم مَّن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ
ای مسلمانان محافظت کنید نفس خویش را ضرر نمی رساند شما را کسی که گمراه شد چون شما راه یاب شدید
بسوی خداست رجوع شما همه پس خبر دهد شما را بآنچه عمل میکردید یعنی از شما صلاح کردید و شرط
امر معروف بجا آوردید مخالفت مخالفان ضرر نمی کند والله اعلم مترجم گوید مسلمانی را اتفاق سفر افتاد
و در جاییکه هیچ مسلمان نبود محتضر شد ناچار دو ذمی را ترکه خود سپرد و بر وصیت خود گواه ساخت
ایشان از آن ترکه جام نقره را خیانت کردند و چون اولیاء میت از ایشان مطالبه نمودند قسم خوردند
که ما اطلاع آن نداریم بعد از آن آن جام نزدیک صواغی پیدا شد گفت که این دو ذمی بدست من
فروختند در این باب آیه نازل شد و دو کس از اولیاء میت قسم خورده آن جام را گرفتند یَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ
ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُم
مُّصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُمَا مِن بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ
لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا
لَّمِنَ الْآثِمِينَ ۝ ای مسلمانان نصاب شهادة درمیان شما وقت وصیت چون برسد یکی از
شما را موت دو کس اند صاحب عدالت باشند از شما یا از غیر شما اگر شما سفر کرده باشید در زمین پس برسد شما را
مصیبت موت اگر شک داشته باشید باز دارید ایشان را بعد از نماز عصر پس قسم خورند بخدا که خرید
نمی کنیم عوض سوگند خدا بهاء دنیا را و اگرچه کسی که برای نفع او گواهی میدهیم صاحب قرابت باشد و پنهان نمیکنیم

لَا يَعْلَمُونَ

إِلَى ٢

نَكْتُمُ

گواهی خدا را

گواهی خدا را یعنی گواهی حق که خدا بدان فرموده والله اعلم هر آینه ما آنگاه از گناهکاران باشیم فَاِنْ عُثِرَ
عَلٰی اَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا اِثْمًا فَاٰخَرٰنِ یَقُوْمٰنِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِیْنَ اسْتَحَقَّ عَلَیْهِمُ الْاَوْلَیٰنِ
فَیُقْسِمٰنِ بِاللّٰهِ لَشَهَادَتُنَا اَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَیْنَا اِنَّا اِذًا لَّمِنَ الظّٰلِمِیْنَ ۝
پس اگر اطلاع واقع شد بر آنکه این دو گواه حاصل کردند گناهی یعنی دروغ گواهی دادند و دروغ قسم
خوردند پس بایستند دو کس دیگر که قرابت قریبه داشته باشند بجای آنها از جماعه که مال از حق خود ساخت
هر یکی از دو گواه دروغ بزبردستی بر ایشان یعنی دو کس از ورثه مظلوم باشند بجای ایشان
پس سوگند خورند بخدا که گواهی ما درست تر است از گواهی آن دو و از حد تجاوز نکرده ایم هر آینه ما
آنگاه از ستمکاران باشیم ذٰلِكَ اَدْنٰٓی اَنْ یَّاْتُوْا بِالشَّهَادَةِ عَلٰی وَجْهِهَآ اَوْ یَخَافُوْٓا اَنْ
تُرَدَّ اَیْمَانٌۢ بَعْدَ اَیْمَانِهِمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاسْمَعُوْا وَاللّٰهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الْفٰسِقِیْنَ ۝
این اسلوب نزدیکتر است آنکه بیارند گواهی را بر وجه آن یعنی بر وجهی که باید در گواهی دادن یا بترسند
از آنکه رد کرده شود سوگند بعد سوگندهای ایشان یعنی اگر کسی داند که بعد از سوگند من سوگند مدعی
نخواهد بود سوگند دروغ خورد و اگر بداند که چون کذب ظاهر شود مدعیانرا سوگند دهند در حق سوگند
ایشان ثابت شود از سوگند دروغ احتیاط کند و بترسید از خدا و بشنوید حکم او را و خدا راه نمی نماید
گروه فاسقانرا مترجم گوید تاویل آیه بمذهب شافعی آنست که مراد از شهاده وصیت و از منکم من اقاربکم
و ذکر اثنین برای احتیاط و قسم دادن بجهة مدعا علیه بودن درین دعوی که خیانت کرده اند و
تعیین صلوة عصر بجهة تغلیظ یمین و اختیار اثنین برای احتیاط و اقامت اولیان بجهة مدعا بودن ایشان
در دعوی که بجهة عذر خود تقریر کنند چنانچه در صورة مذکوره دعوای اشترا کرده بودند و ان اثرتم و
فان عثر اشارتست توجه دعوای کسی و بمذهب ابوحنیفه مانند آنست مگر آنکه تعیین صلوة عصر
بجهة آنست که قضات در محکمه یمین وقت می نشستند پس گویا گفته شد در محکمه قضا والله اعلم یَوْمَ
یَجْمَعُ اللّٰهُ الرُّسُلَ فَیَقُوْلُ مَاذَآ اُجِبْتُمْ قَالُوْا لَا عِلْمَ لَنَا اِنَّكَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوْبِ ۝ یاد کن
آن روز که جمع کند خدا تعالی پیغامبرانرا پس بگوید چه جواب داده شد شما را گویند هیچ دانش نیست ما را هر آینه تویی

داننده امور پنهانی یعنی گفتند از سر خضوع و نیایش ایشان گویند در برابر تو بنسبت دانش تو ما را
هیچ دانش نیست بعد از آن گواهی دهند بر امت خویش والله اعلم اذ قال الله یا عیسی ابن مریم
اذکر نعمتی علیک و علی والدتک اذ ایدتک بروح القدس تکلم الناس فی المهد
وکهلا واذ علمتک الکتب والحکمة والتوریة والانجیل واذ تخلق من الطین
کهیئة الطیر باذنی فتنفخ فیها فتکون طیرا باذنی وتبرئ الاکمه والابرص
باذنی واذ تخرج الموتی باذنی واذ کففت بنی اسرائیل عنک اذ جئتهم بالبینات
فقال الذین کفروا منهم ان هذا الا سحر مبین ۝ واذ اوحیت الی الحواریین
ان امنوا بی وبرسولی قالوا امنا واشهد باننا مسلمون ۝ و آن وقت که گوید خدای تعالی
ای عیسی پسر مریم یاد کن نعمت مرا بر خویش و بر والده خویش چون قوت دادم ترا بروح القدس یعنی برکات
حظیرة القدس والله اعلم سخن میگفتی با مردمان در گهواره و در حالت معمری و چون آموختم ترا کتاب و دانش
و توریت و انجیل و چون پیدا میکردی از گل مانند شکل مرغ بحکم من پس دم میزدی بروی پس میشد مرغ
بحکم من و به میکردی کور مادر زاد را و برص دار را بحکم من و چون بیرون می آوردی مردگان را بحکم من یعنی
از گور زنده بر می آوردی والله اعلم و چون باز داشتیم شر بنی اسرائیل از تو آنگاه که آوردی نزدیک
ایشان معجزه پس گفتند کافران از ایشان نیست این مگر سحر آشکارا و چون الهام فرستادم بسوی حواریان
که ایمان آرید بمن و به پیغامبر من گفتند ایمان آوردیم و گواه باش ای عیسی برآنکه ما مسلمانیم اذ قال
الحواریون یا عیسی ابن مریم هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائدة من السماء قال
اتقوا الله ان کنتم مؤمنین ۝ چون گفتند حواریان ای عیسی پسر مریم آیا میتواند پروردگار تو
که فرو فرستد بر ما خوانی از آسمان گفت عیسی بترسید از خدا اگر مومن هستید مترجم گوید حاصل اینست که الهام
فرستادم بر حواریان در آن مدة که معجزه طلب کردند و بر حسب مراد دیدند قالوا نرید ان ناکل منها
وتطمئن قلوبنا ونعلم ان قد صدقتنا ونکون علیها من الشهدین ۝ گفتند میخواهیم که
بخوریم از آن خوان و آرام گیرد دلهای ما و بدانیم که راست گفتی با ما و باشیم بر نزول آن از گواهان قال

عیسی ابن

عیسی ابن مریم اللهم ربنا انزل علینا مائدة من السماء تکون لنا عیدا لاولنا واخرنا
وآیة منک وارزقنا وانت خیر الرازقین • گفت عیسی پسر مریم بار خدایا ای پروردگار ما فرود آر
بر ما خوانی پر از طعام از آسمان تا باشد عیدی برای ما برای اول امت ما و آخره ما و معجزه از جانب تو و روزی ده مارا
و تو بهترین روزی دهندگانی قال الله انی منزلها علیکم فمن یکفر بعد منکم فانی اعذبه عذابا
لا اعذبه احدا من العالمین • گفت خدا من فرود آرنده ام آنرا بر شما پس هر که از شما کافر شود بعد از آن رع
پس من تعذیب کنم او را عذابی که تعذیب نکنم آن هیچ یکی را از اهل عالم مترجم گوید بعد از آن خوانی نازل شد
از آسمان بر وی گوشت و نان پس خوردند و سیر شدند والله اعلم مترجم گوید خدای تعالی روز قیامت
نعمتهای خود عیسی را علیه السلام یاد دهد بعد از آن سوال کند که خود را از آله میگفتی یا نه بجهت تاکید و برای قطع
شبهه نصاری بالمغ دعوة والله اعلم واذ قال الله یا عیسی ابن مریم ءانت قلت للناس
اتخذونی وامی الهین من دون الله قال سبحانک ما یکون لی ان اقول ما لیس
لی بحق ان کنت قلته فقد علمته تعلم ما فی نفسی ولا اعلم ما فی نفسک انک
انت علام الغیوب • و یاد کن آن وقت که گوید خدای عیسی پسر مریم ایا تو گفتی مردمان که
خدا گیرید مرا و مادر مرا بجز الله تعالی گفت پاکی یاد میکنم ترا نسزد مرا که بگویم آنچه لایق من نیست اگر گفته باشم
این قول پس تو او را دانسته میدانی آنچه در ضمیر من است و نمیدانم آنچه در ضمیر تو است هر آئینه تو داننده امور
پنهانی ما قلت لهم الا ما امرتنی به ان اعبدوا الله ربی وربکم وکنت علیهم شهیدا
ما دمت فیهم فلما توفیتنی کنت انت الرقیب علیهم وانت علی کل شیء شهید •
نگفتم با ایشان مگر آنچه فرموده بودی مرا که پرستید خدا را پروردگار من و پروردگار شما و بودم بر ایشان
نگاهبان مادامیکه در میان ایشان بودم پس وقتیکه بر گرفتی مرا یعنی بر آسمان بردی مرا تو بودی نگاهبان
بر ایشان و تو بر همه چیز نگاهبانی ان تعذبهم فانهم عبادک وان تغفر لهم فانک انت
العزیز الحکیم • اگر عذاب کنی ایشان را پس ایشان بندگان تو اند و اگر بیامرزی ایشان را پس تو ئی غالب
استوار کار قال الله هذا یوم ینفع الصادقین صدقهم لهم جنت تجری من تحتها

الانهار خلدين فيها ابدا رضي الله عنهم ورضوا عنه ذلك الفوز العظيم • گوید خدا

این روزیست که نفع کند دران راست گویان را راستی ایشان ایشانرا باشد بوستانها میرود

زیر آن جویها جاوید اند انجا همیشه خشنود شد خدا از ایشان وخشنود شدند ایشان از خدا واین

رستکاری بزرگ لله ملك السموات والارض وما فيهن وهو على كل شيء قدير •

خدا راست پادشاهی آسمانها وزمین وانچه درانهاست واو بر همه چیز تواناست

مکیه ... آیات بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي خلق السموات والارض وجعل الظلمت والنور ثم الذين كفروا

بربهم يعدلون • ستایش آن خدای راست که آفرید آسمانها وزمین وپیدا کرد تاریکیها وروشنی

باز کافران با پروردگار خود برابری میکنند یعنی معبودان باطل را هو الذي خلقكم من طين ثم

قضى اجلا واجل مسمى عنده ثم انتم تمترون • اوست آنکه بیافرید شما را از گل باز

مقرر کرد وقت مرگ ومدتی معین هست نزدیک او یعنی برای قیام قیامت وباز شما شک میکنید

وهو الله في السموات وفي الارض يعلم سركم وجهركم ويعلم ما تكسبون •

واوست خدا متصرف وفرمانروا در آسمانها وزمین میداند پنهان شما وآشکار شما ومیداند انچه عمل

میکنید وما تاتيهم من اية من ايات ربهم الا كانوا عنها معرضين • ونمی آید

بکافران هیچ نشانه از نشانهای پروردگار ایشان الا ازان روگردان شدند فقد كذبوا

بالحق لما جاءهم فسوف ياتيهم انبؤا ما كانوا به يستهزءون • پس ثابت شد که ایشان

بدروغ نسبت کردند سخن راست را چون بیامد بایشان پس خواهد آمد بایشان خبر انچه بوی تمسخر

میکردند یعنی مصداق آن خبر والله اعلم الم يروا كم اهلكنا من قبلهم من قرن

مكنهم في الارض ما لم نمكن لكم وارسلنا السماء عليهم مدرارا وجعلنا

الانهار تجري من تحتهم فاهلكنهم بذنوبهم وانشانا من بعدهم قرنا اخرين

ایا ندیده اند که چه قدر هلاک کرده ایم پیش از ایشان ازان امتها که [illegible] استقرار داده بودیم

ایشانرا

ایشانرا در زمین آنقدر که استقرار نداده ایم شمارا و فرستاده بودیم باران بر ایشان پی در پی
و پیدا کرده ایم جویها میرفت زیر ایشان یعنی زیر مساکن ایشان پس هلاک کردیم ایشانرا بگناهان ایشان
و پیدا کردیم بعد از ایشان امتی دیگر وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ
لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ۝ و اگر فرو میفرستادیم بر تو نوشته را بر ورقی
پس مساس میکردند آنرا بدست خود گفتندی کافران نیست این مگر سحر ظاهر یعنی تعصب ایشان بمرتبه
که اگر نزول کتاب را بچشم ظاهر ببینند نیز انکار کنند وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ
أَنْزَلْنَا مَلَكًا لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنْظَرُونَ ۝ و گفتند کافران چرا نه فرود آورده شده
بر پیغامبر فرشته یعنی بوجهی که ما آنرا بچشم ظاهر ببینیم والله اعلم و اگر فرو میفرستادیم فرشته را
البته بانجام رسانده شدی کار باز مهلت داده نشوندی یعنی ظهور ملایکه باین وجه مستلزم هلاک
ایشانست در حکمت الهی والله اعلم وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ
مَا يَلْبِسُونَ ۝ و اگر میکردیم آن فرستاده را فرشته لازم میشد که کنیمش مردی یعنی بشکل
مردی و هر آینه مشتبه میکردیم بر ایشان آنچه الحال اشتباه میکنند وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ
مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝ و هر آینه تمسخر
کرده شد بر پیغامبران پیش از تو پس فرود آمد به تمسخر کنندگان از ایشان جزای آنچه بآن تمسخر
میکردند یعنی جزای آنچه بآن تمسخر میکردند یعنی جزا کلمه بطریق سخریه با انبیا میگفتند قُلْ سِيرُوا
فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ۝ بگو سیر کنید در زمین باز نظر کنید
چگونه شد آخر کار دروغ دارندگان قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ
عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ
فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ بگو کراست آنچه در آسمانها و زمین هست بگو خدا راست لازم کرد بر خود
مهربانی البته جمع کند شمارا در روز قیامت هیچ شک نیست دران آنانکه زیان کردند در حق خویشتن
پس ایشان ایمان نمی آرند وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝

و اوراست انچه ساکن شد در شب و روز و اوست شنوا دانا قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا

فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ

أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ • بگو ایا دوستی گیرم بجز خدا بید اکننده آسمانها

و زمین و رزق میدهد و رزق داده نمیشود بگو هر آینه امر کرده شده ست مرا که باشم نخستین مسلمان

یعنی ازین امت و فرموده شد که مباش از شریک مقرر کنندگان قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ

رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ • بگو هر آینه من میترسم اگر نافرمانی پروردگار خود کنم از عذاب روز بزرگ

مَنْ يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ • هر که عذاب باز داشته شود

ازوی آنروز پس مهربانی کرد خدا بروی و اینست مطلب یابی ظاهر وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ

بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ • و اگر سختی

رساند خدا بتو پس هیچ دفع کننده نیست آنرا مگر او و اگر نعمت رساند بتو پس او بر همه چیز توانا ست

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ • و اوست غالب بالای بندگان خود

و اوست دانا آگاه قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ

وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَٰذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ

آلِهَةً أُخْرَىٰ قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ وَإِنَّنِي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ •

بگو چه چیز معتبر ست در باب شهادة یعنی اظهار حق کردن والله اعلم بگو خداست وی اظهار حق

کننده ست میان ما و میان شما و وحی کرده شد بسوی من این قران تا بیم کنم شما را بآن و بیم کنم انرا

نیز که قران باو برسد ایا شما اثبات می کنید که با خدا هستند خدایان دیگر بگو من اثبات نمی کنم بگو بجز این نیست

که او خدای یگانه ست و هر آینه من بیزارم از انچه شما شریک مقرر می کنید الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ

يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ • انانکه

ایشانرا کتاب داده ایم میشناسند حقیقة این قول را چنانکه می شناسند پسران خود را انانکه زیانکار

شدند در حق خویشتن ایشان ایمان نمی آرند وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ

اوکذب

أو كذب بآياته إنه لا يفلح الظالمون ۝ و کیست ستمکارتر از کسیکه بربست بر خدا دروغ را
یا دروغ نسبت کرد آیات او را هر آینه رستکار نمی شوند ستمکاران ويوم نحشرهم جميعا ثم
نقول للذين أشركوا أين شركاؤكم الذين كنتم تزعمون ۝ و یاد کن آن روز که حشر کنیم ایشانرا
همه یکجا باز گوییم مشرکانرا کجا اند آن شریکان شما که ایشانرا بظن اثبات میکردید ثم لم تكن فتنتهم
إلا أن قالوا والله ربنا ما كنا مشركين ۝ بعد از آن نباشد عذر ایشان مگر آنکه گویند قسم بخدا
پروردگار ما مشرک نبودیم انظر كيف كذبوا على أنفسهم وضل عنهم ما كانوا يفترون
بنگر چگونه دروغ گفتند بر خویشتن و گم گشت از ایشان آنچه افترای کردند ومنهم من يستمع
إليك وجعلنا على قلوبهم أكنة أن يفقهوه وفي آذانهم وقرا وإن يروا كل
آية لا يؤمنوا بها حتى إذا جاءوك يجادلونك يقول الذين كفروا إن هذا إلا
أساطير الأولين ۝ و از ایشان کسی است که گوش می نهد بسوی تو و بنهاده ایم بر دل ایشان پرده ها
تا نفهمند آنرا و در گوش ایشان گرانی را و اگر ببینند هر معجزه ایمان نیارند بآن تا وقتی که بیایند پیش تو
مجادله کنان با تو گویند این کافران نیست این مگر قصه های پیشینیان وهم ينهون عنه وينأون
عنه وإن يهلكون إلا أنفسهم وما يشعرون ۝ و ایشان منع می کنند از متابعت او و هلاک
نمیکنند مگر خویشتن را و نمیدانند ولو ترى إذ وقفوا على النار فقالوا يا ليتنا نرد
ولا نكذب بآيات ربنا ونكون من المؤمنين ۝ و تعجب کنی اگر ببینی ایشانرا وقتیکه باز
داشته شوند نزدیک آتش پس گویند ای کاش ما باز گردانیده شویم پس دروغ نسبت نکنیم آیات
پروردگار خویش را و شویم از مسلمانان بل بدا لهم ما كانوا يخفون من قبل ولو ردوا
لعادوا لما نهوا عنه وإنهم لكاذبون ۝ نه بلکه ظاهر شد ایشانرا جزاء آنچه میپوشیدند
پیش از این یعنی جزاء عقاید باطله و اگر باز گردانیده شوند البته رجوع کنند بسوی آنچه منع کرده شده اند
از آن و هر آینه ایشان دروغ گویانند وقالوا إن هي إلا حياتنا الدنيا وما نحن بمبعوثين ۝
و گفتند نیست هیچ حیوة مگر زندگانی اینجهان ما و نیستیم ما برانگیختگان یعنی منکر حشر اند والله اعلم

۲ و باز می مانند خود وازو

ولو ترى اذ وقفوا على ربهم قال أليس هذا بالحق قالوا بلى وربنا قال فذوقوا
العذاب بما كنتم تكفرون ◦ وتعجب كنى اگر ببيني انگاه كه باز داشته شوند بحضور پروردگار
خويش گويد خدا آيا اين درست نيست گويند آري درست است قسم پروردگار ما گويد بچشيد عذاب بسبب آنكه
كافر بوديد قد خسر الذين كذبوا بلقاء الله حتى اذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يا حسرتنا بغتة
على ما فرطنا فيها وهم يحملون اوزارهم على ظهورهم الا ساء ما يزرون ◦
بتحقيق زيانكار شدند آنانكه بدروغ نسبت كردند ملاقات خدا را آنگاه كه بيايد بايشان قيامت
ناگهان گويند اي پشيماني ما بر تقصير ما در باب قيامت و ايشان بر دارند بارهاي خويش يعني گناهان
خويش را بر پشتهاي خويش آگاه شويد بد چيزيست آنچه بر ميدارند يعني عمل بد بشكل چيزي در غايت
زشتي و ناخوشي شده بر پشت او نشينند وما الحيوة الدنيا الا لعب ولهو وللدار الآخرة
خير للذين يتقون افلا تعقلون ◦ و نيست زندگاني دنيا مگر بازي ولهو و هر آينه آخرة
بهتر است متقيان را آيا در نمي يابيد قد نعلم انه ليحزنك الذي يقولون فانهم
لا يكذبونك ولكن الظالمين بآيات الله يجحدون ◦ هر آينه ميدانيم كه اندوهگين ميكند
ترا آنچه ايشان ميگويند پس هر آينه ايشان بدروغ نسبت نمي كنند ترا فقط وليكن اين ستمكاران
بآيات خدا انكار مي كنند ولقد كذبت رسل من قبلك فصبروا على ما كذبوا واوذوا
حتى اتاهم نصرنا ولا مبدل لكلمات الله ولقد جاءك من نبأى المرسلين ◦ نصف
و هر آينه بدروغ نسبت كرده شد پيغامبران را پيش از تو پس صبر كردند بر تكذيب خويش و رنجانيده شدند
خويش را آنكه بيامد بايشان نصرة ما و نيست هيچ تغير دهنده وعدهاي خدا را و هر آينه آمد بتو
بعض خبر پيغامبران وان كان كبر عليك اعراضهم فان استطعت ان تبتغي
نفقا في الارض او سلما في السماء فتأتيهم بآية ولو شاء الله لجمعهم على الهدى نفقا سوراخ
فلا تكونن من الجاهلين ◦ و اگر گران شده باشد بر تو روگرداني ايشان پس اگر ميتواني نصف وقف غفران
كه بجوئي سوراخي در زمين يا نردباني در آسمان پس بياري پيش ايشان معجزه يعني از انجا اگر ميتواني

که معجزه جاری بیار حاصل آنست که تفویض کن بر خدا والله اعلم واگر خواستی خدا جمع ساختی ایشانرا
بر هدایت پس مباش از جاهلان إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ
إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ جز این نیست که قبول میکنند دعوت اسلام را آنانکه می شنوند و مردگان
یعنی کافران برانگیزد ایشانرا خدا باز بسوی او گردانیده شوند وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ
مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ وگفتند چرا
نه فرود آورده شد بر پیغامبر نشانه از جانب پروردگار او یعنی از آن نشانها که می طلبند والله اعلم
بگو هر آینه خدا قادر است بر آنکه فرو فرستد آیتی ولیکن اکثری ایشان نمیدانند وَمَا مِنْ دَابَّةٍ
فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ
ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ونیست هیچ جانوری در زمین و نه هیچ پرنده که می پرد بدو بازوی
خود مگر ایشان جماعتها اند مانند شما فرو گذاشت نکرده ایم در کتاب یعنی در لوح محفوظ هیچ چیز را
باز بسوی پروردگار خود حشر کرده خواهند شد وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ
فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشَإِ اللَّهُ يُضْلِلْهُ وَمَنْ يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وکسانیکه
بدروغ نسبت کردند آیات ما را کرانند و گنگانند در تاریکیها اند هر کرا خواهد خدا گمراه کندش و هر کرا
خواهد براه راست گرداندش قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ
السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ بگو آیا دیدید اگر بیاید شما عذاب خدا
یا بیاید شما قیامت آیا بغیر خدا تضرع می کنید اگر راست گوهستید بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ
مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ نه بلکه خاص بجناب او دعا می کنید
پس دفع کند آنچه دعا می کنید برای دفع آن اگر خواهد و فراموش میکنید آنچیزکه او را شریک مقرر کردید
وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ
و هر آینه فرستاده ایم بسوی امتان پیش از تو یعنی پیغامبران پس در گرفت کردیم ایشانرا
به تنگی معیشت و بیماری تا زاری کنند فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَٰكِنْ قَسَتْ

قلوبهم وزين لهم الشيطان ما كانوا يعملون • بس چرا نه زاري كردند وقتيكه امد بايشان
عذاب ما وليكن سخت شد دل ايشان و زينت داد در نظر ايشان شيطان انچه ميكردند فلما
نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم ابواب كل شيء حتى اذا فرحوا بما اوتوا اخذناهم
بغتة فاذا هم مبلسون • بس چون فراموش كردند انچه بند داده شد ايشانرا بان كشاده ساختيم
برايشان درهاي همه چيز يعني باستدراج نعمتهاي فراوان داديم والله اعلم تا آن هنگام كه شاد
گشتند بانچه داده شد ايشانرا در گرفتيم ايشانرا ناگهان بس شدند نا اميد شونده فقطع دابر
القوم الذين ظلموا والحمد لله رب العالمين • بس بريده شد بيخ گروه ستمكاران و
سپاس خدايراست برورد گار عالمها قل ارايتم ان اخذ الله سمعكم وابصاركم
وختم على قلوبكم من اله غير الله ياتيكم به انظر كيف نصرف الايات ثم هم
يصدفون • بگو ايا ديديد اگر باز گيرد خدا شنواي شما و چشمهاي شمارا و مهر كند بر دلهاي شما
كيست خدا غير الله تعالى كه انرا بازارد بشما ببين چگونه بيان ميكنيم ايتها باز ايشان روگردان ميشوند
قل ارايتكم ان اتاكم عذاب الله بغتة او جهرة هل يهلك الا القوم
الظالمون • بگو خبر دهيد اگر بيايد بشما عذاب خدا ناگهان يا اشكارا ايا كرده شوند يعني هلاك نشوند
مگر قوم ستمكاران وما نرسل المرسلين الا مبشرين ومنذرين فمن امن واصلح
فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون • ونمي فرستيم پيغامبرانرا مگر بشارت دهنده و بيم كننده
پس هر كه ايمان اورد و نيكو كاري كند بس هيچ ترس نبود برايشان و نه ايشان اندوهگين شوند والذين
كذبوا باياتنا يمسهم العذاب بما كانوا يفسقون • وكسانيكه بدروغ نسبت كرده اند
ايات مارا برسد بايشان عذاب بسبب فاسق بودن ايشان قل لا اقول لكم عندي خزائن
الله ولا اعلم الغيب ولا اقول لكم اني ملك ان اتبع الا ما يوحى الي قل هل ع
يستوي الاعمى والبصير افلا تتفكرون • بگو نميگويم بشما كه نزديك منست خزينهاي خدا
ونميگويم كه ميدانم غيب ونميگويم بشما كه من فرشته ام پيروي نميكنم مگر چيزيرا كه وحي كرده شد

بسوی من بکو آیا برابر میشود نابینا و بینا آیا تأمل نمیکنید وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ
يُحْشَرُوا إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ و بترسان
بقرآن یعنی بنده بقرآن کسانی را که میترسند از آنکه حشر کرده شوند بسوی پروردگار خویش نباشد
ایشانرا بجز خدا هیچ دوستی و سپارش کننده تا پرهیزکاری کنند مترجم کوید روسا کفار با حضرة
کفتند که ما را عارست که با فقراء مسلمین صحبت داریم ایشانرا از مجلس خود یکسو کن تا با تو بنشینیم خدا تعالی
آیة فرستاد وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ
مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ و دور مکن
کسانی را که مناجاة میکنند بپروردگار خویش بامداد و بیگاه میطلبند روی او را نیست بر تو
از حساب ایشان چیزی و نیست از حساب تو بر ایشان چیزی تا برانی ایشانرا پس ایشانرا که آنکاه
باشی از ستمکاران وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ
مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ ۝ و همچنین امتحان کردیم بعض مردمانرا ببعض تا کویند
آیا این جماعه انعام کرده است خدا بر ایشان از میان ما خدای تعالی فرمود آیا نیست خدا دانا تر
بشکر کنندکان وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ
عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ
فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ و چون بیایند نزدیک تو کسانیکه ایمان آوردند بآیتهای ما پس بکو سلام علیکم
پروردگار شما بر خود مهربانی لازم کرده است که هر که بکند از شما کار بد بنادانی باز توبه کرد بعد از آن
و نیکوکاری نمود پس خدا آمرزنده مهربان است وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ
الْمُجْرِمِينَ ۝ و همچنین تفصیل میکنیم نشانها را تا ظاهر شود راه ستمکاران ظاهر نزدیک مترجم آنست که
این واو زایدست مثل واو و فتحت ابوابها قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ
مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ۝
بکو هر آینه منع کرده شدم از آنکه عبادت کنم آن کسانی را که شما میپرستید بجز خدا بکو پیروی نمیکنم آرزوهای

وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ

شما را گمراه شده باشم آنگاه و نباشم از راه یافتگان قل انی علی بینة من ربی وکذبتم به

ما عندی ما تستعجلون به ان الحکم الا لله یقص الحق وهو خیر الفاصلین

بگو هر آینه من بر حجتم از پروردگار خود و دروغ داشتید آن دلیل را نیست نزدیک من آنچه شما زود می طلبید

آنرا یعنی عقوبت در اختیار من نیست نیست حکم مگر خدا را بیان میکند حق یعنی دین راست را و او بهترین

فیصل کنندگان است قل لو ان عندی ما تستعجلون به لقضی الامر بینی وبینکم

والله اعلم بالظلمین بگو اگر بودی نزدیک من آنچه بزودی می طلبید هر آینه بانجام رسانیده شدی

کار میان من و میان شما و خدا داناتر است بستمکاران وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا

هو ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقة الا یعلمها ولا حبة فی ظلمت

الارض ولا رطب ولا یابس الا فی کتب مبین و نزدیک اوست کلیدهای غیب

یعنی انواع علم غیب نمیدانند مگر او و میداند آنچه در بیابان و دریاست و نمی افتد هیچ برگ الا

میداند و نمی افتد هیچ دانه در تاریکیهای زمین و نه هیچ تری و خشکی الا ثبت است در کتاب روشن

وهو الذی یتوفیکم بالیل ویعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه لیقضی اجل

مسمی ثم الیه مرجعکم ثم ینبئکم بما کنتم تعملون و اوست آنکه قبض روح شما کند

بشب یعنی وقت نوم و میداند آنچه کسب کردید بروز باز برمی انگیزد شما را در روز تا بانجام رسانیده شود

میعاد معین باز بسوی او بازگشت شماست باز خبر دهد شما را بآنچه میکردید وهو القاهر فوق

عباده ویرسل علیکم حفظة حتی اذا جاء احدکم الموت توفته رسلنا

وهم لا یفرطون و اوست غالب بالای بندگان خود و میفرستد بر شما ملائکه نگاهبان

تا وقتیکه باید یکی را از شما مرگ قبض روح او کنند فرستادگان ما و ایشان تقصیر نمی کنند ثم ردوا

الی الله مولهم الحق الا له الحکم وهو اسرع الحسبین باز گردانیده شوند مردمان بسوی

الله خداوند ایشان که حق است مر او راست حکم و او شتاب ترین حساب کنندگان است قل من

ینجیکم من ظلمت البر والبحر تدعونه تضرعا وخفیة لئن انجنا من هذه

لنکونن من الشاکرین

لنکونن من الشاکرین ⊙ بگو کیست که میرهاند شما را از تاریکیهای بیابان و دریا یعنی از سختیهای
بیابان و دریا مناجات می کنید بجناب او بزاری و نیاز پنهانی می گوئید اگر برهاند ازین محنت هر آینه
باشیم از شکر کنندگان قُلِ اللّٰهُ یُنَجِّیکُم مِنهَا وَمِن کُلِّ کَربٍ ثُمَّ اَنتُم تُشرِکُونَ ⊙ بگو خدا
میرهاند شما را ازان محنت و از هر اندوهی باز شما شریک او مقرر میکنید قُل هُوَ القَادِرُ عَلیٰ اَن یَبعَثَ
عَلَیکُم عَذَابًا مِن فَوقِکُم اَو مِن تَحتِ اَرجُلِکُم اَو یَلبِسَکُم شِیَعًا وَیُذِیقَ بَعضَکُم
بَأسَ بَعضٍ اُنظُر کَیفَ نُصَرِّفُ الاٰیٰتِ لَعَلَّهُم یَفقَهُونَ ⊙ بگو اوست توانا بر آنکه فرستد
بر شما عذابی از بالای شما یعنی چنانکه سنگ بر قوم لوط بارید یا از زیر پای شما یعنی چنانکه قارون بزمین رفت
یا جمع کند شما را گروه گروه و بچشاند بعض شما را جنگ بعضی یعنی افواج متعدده پیدا شود و با یکدیگر
جنگ کنند بنگر چگونه گوناگون بیان میکنیم آیتها را تا بفهمند وَکَذَّبَ بِهٖ قَومُکَ وَهُوَ الحَقُّ قُل
لَستُ عَلَیکُم بِوَکِیلٍ لِکُلِّ نَبَاٍ مُستَقَرٌّ وَسَوفَ تَعلَمُونَ ⊙ و دروغ نسبت کردند او را قوم تو
و آن راست است بگو نیستم بر شما نگاهبان هر خبری را میعادی هست و خواهید دانست وَاِذَا رَاَیتَ
الَّذِینَ یَخُوضُونَ فِی اٰیٰتِنَا فَاَعرِض عَنهُم حَتّیٰ یَخُوضُوا فِی حَدِیثٍ غَیرِهٖ وَاِمَّا
یُنسِیَنَّکَ الشَّیطَانُ فَلَا تَقعُد بَعدَ الذِّکریٰ مَعَ القَومِ الظَّالِمِینَ ⊙ و چون ببینی
آنان را که بحث شروع می کنند در آیتهای ما پس روی گردان از ایشان تا وقتیکه شروع کنند در سخنی
غیر وی و اگر فراموش گرداند ترا شیطان پس منشین بعد یاد آوردن با گروه ستمکاران وَمَا
عَلَی الَّذِینَ یَتَّقُونَ مِن حِسَابِهِم مِن شَیءٍ وَلٰکِن ذِکریٰ لَعَلَّهُم یَتَّقُونَ ⊙ و نیست
بر کسانیکه پرهیزکاری کردند از حساب کافران چیزی ولیکن بر ایشان لازم است پند دادن تا شود که
پرهیزکاری کنند وَذَرِ الَّذِینَ اتَّخَذُوا دِینَهُم لَعِبًا وَلَهوًا وَغَرَّتهُمُ الحَیٰوةُ
الدُّنیَا وَذَکِّر بِهٖ اَن تُبسَلَ نَفسٌ بِمَا کَسَبَت لَیسَ لَهَا مِن دُونِ اللّٰهِ وَلِیٌّ وَلَا
شَفِیعٌ وَاِن تَعدِل کُلَّ عَدلٍ لَا یُؤخَذ مِنهَا اُولٰئِکَ الَّذِینَ اُبسِلُوا بِمَا کَسَبُوا
لَهُم شَرَابٌ مِن حَمِیمٍ وَعَذَابٌ اَلِیمٌ بِمَا کَانُوا یَکفُرُونَ ⊙ و بگذار کسانی را که دین خود

گرفتند بازی و بیهوده و فریفت ایشانرا زندگانی دنیا و پند ده بقرآن برای احتیاط از آنکه بهلکه گرفته نشود

نفسی بسبب آنچه کرده ست نیست او را بجز خدا هیچ دوست و نه شفاعت کننده و اگر عوض خود دهد هر فدای

که تواند گرفته نشود از وی آن جماعه آنانند که بهلکه گرفته شدند بوبال آنچه کردند ایشانراست آشامیدنی

از آب جوشانیده و ایشانراست عذاب دردناک بسبب آنکه کافر بودند قُلْ أَنَدْعُوا مِنْ دُونِ

اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي

اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى ائْتِنَا

قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَأُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ بگو آیا مناجات کنیم

بجز خدا کسی را که نفع ندهد ما را و زیان نرساند ما را و باز گردانیده شویم بر پاشنهای خود بعد از آنکه

راه راست نموده ست ما را خدا مانند کسی که گمراه کرده باشند و برابر بیابان در زمین حیران مانده

مر او را یاران که میخوانندش بسوی راه راست که بیا بسوی ما بگو هر آینه هدایت خدا همونست

هدایت حقیقی و فرموده شده ست ما را که منقاد شویم پروردگار عالمها را وَأَنْ أَقِيمُوا

الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۝ و فرموده شد که برپا دارید نماز را

و بترسید از خدا و اوست آنکه بسوی او حشر کرده خواهید شد وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ ۝ و اوست آنکه بیافرید

آسمانها و زمین بتدبیر محکم و روزی که فرماید یعنی چیزی را که بشو پس میشود قَوْلُهُ الْحَقُّ

وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ

الْخَبِيرُ ۝ سخن او درست ست و مر او راست پادشاهی روزیکه دمیده شود در صور

داننده نهان و آشکاراست و اوست استوار کار آگاه وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ

آزَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ و یاد کن چون

گفت ابراهیم پدر خود آذر را آیا خدا میگیری بتان را هر آینه من میبینم ترا و قوم ترا در گمراهی ظاهر

وَكَذَٰلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ

ثلثة الربع

فلما جن

و همچنین مینمودیم ابراهیم را ملک آسمانها و زمین تا او از یقین کنندگان باشد یعنی چنانکه بروی ظاهر کردیم
که بتان لایق عبادت نیستند و او در یکون زاید است والله اعلم فلما جن علیه اللیل رای کوکبا
قال هذا ربی فلما افل قال لا احب الافلین ○ پس چون تاریک شد بروی شب دید ستاره گفت
اینست پروردگار من پس چون فرو رفت گفت دوست ندارم فرو روندگانرا فلما رای
القمر بازغا قال هذا ربی فلما افل قال لئن لم یهدنی ربی لاکونن من القوم
الضالین ○ پس چون دید ماه را طلوع کرده گفت اینست پروردگار من پس وقتی که فرو رفت
اگر هدایت نکند مرا پروردگار من شوم از گروه گمراهان فلما رای الشمس بازغة قال هذا
ربی هذا اکبر فلما افلت قال یا قوم انی بری مما تشرکون ○ پس وقتیکه دید آفتاب
طلوع کرده گفت اینست پروردگار من این بزرگتر است پس چون فرو رفت گفت ای قوم من هر آینه
بیزارم از آنچه شریک مقرر میکنید انی وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض
حنیفا وما انا من المشرکین ○ هر آینه متوجه ساختم روی خود را سوی کسیکه پیدا کرد آسمانها و
زمین در حالیکه حنیفم و نیستم از مشرکان وحاجه قومه قال اتحاجونی فی الله وقد
هدان ولا اخاف ما تشرکون به الا ان یشاء ربی شیئا وسع ربی کل شیء علما
افلا تتذکرون ○ و جدال کردند با او قوم او گفت آیا جدال میکنید با من در باب خدا و تحقیق
هدایت کرده است مرا و نمیترسم از آنچه شما شریک مقرر میکنید با خدا ولیکن میترسم از آنکه خدا اراده کند
چیزی یعنی از انواع محنت و احاطه کرده است پروردگار من همه چیز از جهت دانش آیا پند نمی گیرید
وکیف اخاف ما اشرکتم ولا تخافون انکم اشرکتم بالله ما لم ینزل به
علیکم سلطانا فای الفریقین احق بالامن ان کنتم تعلمون ○ و چگونه ترسم از
کسی که او را شریک مقرر میکنید و شما نمی ترسید از آنکه شریک خدا مقرر کردید چیزی را که فرو نفرستاده است
بر شما دلیلی برای آن پس کدام ازین دو گروه سزاوارتر است با من بگوئید اگر میدانید الذین
آمنوا ولم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن وهم مهتدون ○ خدای تعالی

فرمود کسانیکه ایمان آوردند و نیامیختند ایمان خود را بشرک آنجماعه ایشانراست ایمنی و ایشان شده
راه یافتگان وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ
إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ۝ واینست حجت ما دادیمش ابراهیم را بر قوم او بلند میکنیم در مراتب هرکه
میخواهیم هر آینه پروردگار تو استوارکار داناست وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا
هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ
وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝ و عطا کردیم ابراهیم را اسحاق و یعقوب
هر یکی را از ایشان هدایت کردیم و نوح را هدایت کردیم پیش ازین و از اولاد ابراهیم راه نمودیم داود
و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را و همچنین جزا میدهیم نیکوکاران را وَزَكَرِيَّا
وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ و هدایت کردیم زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را
هر یک از صالحان بودند وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ ۝
و هدایت کردیم اسمعیل را و الیسع و یونس و لوط را هر یک را فضل دادیم بر اهل ایمان وَمِنْ آبَائِهِمْ
وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ و هدایت کردیم
بعضی را از پدران ایشان و اولاد ایشان و برادران ایشان و برگزیدیم ایشانرا و دلالت کردیم ایشانرا
براه راست ذَٰلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا
لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ اینست هدایت خدا دلالت میکند بدان هرکرا خواهد از بندگان
خویش و اگر شرک مقرر میکردند نابود شدی از ایشان انچه کرده بودند أُولَٰئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ
الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَٰؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا
لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ ۝ آنجماعه آنانند که دادیم ایشانرا کتاب و حکمت و پیغامبری پس اگر کافر
شوند بآیات قرآن این کافران ما مقرر ساختیم برای ایمان بآنها گروهی را که هرگز کافر نشوند یعنی
مهاجران و انصار و سایر اخیار والله اعلم أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهُدَاهُمُ
اقْتَدِهْ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلْعَالَمِينَ ۝ آنجماعه انبیا کسانی اند که

هدایت کرد

هدایت کرد ایشانرا خدا پس بروش ایشان اقتدا کن بگو سوال نمیکنم از شما هیچ مزد بر تبلیغ قران نیست این
مگر پند عالمیانرا یعنی چنانکه انبیا صبر کردند بر ایذا کفار تو نیز صبر کن وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖٓ اِذْ قَالُوْا
مَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ عَلٰى بَشَرٍ مِّنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ اَنْزَلَ الْكِتٰبَ الَّذِيْ جَآءَ بِهٖ مُوْسٰى نُوْرًا وَّهُدًى
لِّلنَّاسِ تَجْعَلُوْنَهٗ قَرَاطِيْسَ تُبْدُوْنَهَا وَتُخْفُوْنَ كَثِيْرًا وَعُلِّمْتُمْ مَّا لَمْ تَعْلَمُوْٓا اَنْتُمْ وَلَآ اٰبَآؤُكُمْ
قُلِ اللّٰهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِيْ خَوْضِهِمْ يَلْعَبُوْنَ • وصفت نکردند یهود خدا را حق صفت او چون گفتند
فرو نفرستاده است خدا هیچ آدمی چیزی بگو که فرستاد کتابی که آورده است او را موسی روشنی و
هدایت مردمانرا میگردانید او را دو قسم ورقها آشکارا میکنید آنرا و پنهان میکنید بسیار براو آموخته شد بد
یعنی در قران آنچه نمیدانستید شما و نه پدران شما میدانستند یعنی کتمان آیات توریت را قران اظهار کرد
والاسابق بیقین نمیدانستند بگو خدا فرو آورد ما بگذار ایشانرا در بحث ایشان در حالی که بازی میکنند
حاصل آنست که یهود اگر گویند خدای تعالی هیچ بشر وحی نفرستد نقض کرده شود توریت و اگر گویند
می فرستد استبعاد فرستادن قران مجرد تعصب است پس فالوا بجای ان قالوا گفته شد وَهٰذَا كِتٰبٌ
اَنْزَلْنٰهُ مُبٰرَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِيْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنْذِرَ اُمَّ الْقُرٰى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِيْنَ
يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ يُؤْمِنُوْنَ بِهٖ وَهُمْ عَلٰى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُوْنَ • واین قران کتابست که فرستاده ایم
او را با برکت باور دارنده آنچه پیش از وی بود تا بیم کنی اهل مکه را و کسانی را که گرد اساکن اند و معتقدان
آخرة البته ایمان می آرند بقران و ایشان بر نماز خود محافظت میکنند مترجم گوید انذار اول اعرب را
کرده شد که زبان عربی می فهمند و بتبع جمع اهل ارض را بواسطه ترجمه پس اینجا انذار اول مراد است مانند آیه
هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلو علیهم آیاته الایه و در آیه و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین اعم از
اول و ثانوی والله اعلم وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا اَوْ قَالَ اُوْحِيَ اِلَيَّ وَلَمْ يُوْحَ
اِلَيْهِ شَيْءٌ وَّمَنْ قَالَ سَاُنْزِلُ مِثْلَ مَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ وَلَوْ تَرٰٓى اِذِ الظّٰلِمُوْنَ فِيْ غَمَرٰتِ
الْمَوْتِ وَالْمَلٰٓئِكَةُ بَاسِطُوْٓا اَيْدِيْهِمْ اَخْرِجُوْٓا اَنْفُسَكُمْ اَلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُوْنِ
بِمَا كُنْتُمْ تَقُوْلُوْنَ عَلَى اللّٰهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ اٰيٰتِهٖ تَسْتَكْبِرُوْنَ • و کیست ستمکارتر

از کسیکه بر بست بر خدا دروغی یعنی اعتقاد کرد مثلا که بحایر و سوائب از امر الهی است و اتفاق سلف دلیل
بر آنست والله اعلم یا گفت وحی فرستاده شده است بمن و بتحقیق نفرستاده شده است بسوی وی
چیزی و از کسیکه گفت فرو خواهم آورد مانند آنچه فرود آورد خدا یعنی انشاء کتابی مثل قرآن خواهم کرد
و آن را بطریق مشاکلت انزال گفته شد و تعجب کنی چون بنگری وقتیکه ظالمان در شدائد مرگ باشند و فرشتگان
دست دراز میکنند یعنی میزنند بگویند بیرون آرید روحهای خود را امروز جزا داده خواهید شد عذاب
رسوا کننده بسبب آنکه می گفتید بر خدا ناحق و بسبب آنکه از تصدیق آیات او سرکشی میکردید وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا
فُرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ
شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ
عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ٭ و گوییم هر آینه آمدید پیش ما تنها چنانچه آفریده بودیم شما را اول بار و بگذاشتید
آنچه عطا کرده بودیم شما را پس پشت خویش و نمی بینیم با شما شفاعت کنندگان شما را که گمان میکردید که ایشان
در تربیت شما شریکان خدااند هر آینه بریده شد پیوند میان شما و گم شد از شما آنچه گمان میکردید إِنَّ اللَّهَ
فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَىٰ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ فَأَنَّىٰ
تُؤْفَكُونَ ٭ هر آینه خدا شکافنده دانهها و خستهها است بیرون می آورد زنده را از مرده و مرده را
از زنده اینست خدا پس کجا بر گردانیده میشوید فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ
وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ٭ شکافنده صبح است و گردانید شب را آرامگاه و گردانید
آفتاب و ماه را معیار حساب اینست تقدیر خدا غالب دانا وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا
بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ٭ و اوست آنکه بیافرید برای شما
ستارهها تا راه یابید بسبب آنها در تاریکیهای بیابان و دریا هر آینه بتفصیل بیان کردیم نشانهها را برای
گروهی که میدانند وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا
الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ ٭ و اوست آنکه پیدا کرد شما را از یک شخص پس شما را قرار گاهی است و ودیعت
جایی هر آینه بتفصیل بیان کردیم نشانها برای گروهی که می فهمند وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

فاخرجنا

فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ
مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا
وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انْظُرُوا إِلَىٰ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ●
و اوست آنکه فرود آورد از آسمان آبی پس بیرون آوردیم بسبب آن آب روینده را از هر قسم پس بیرون آوردیم
از آن آب سبزه و بیرون می آوردیم از آن سبزه دانها که بر یکدیگر پیوسته و از درختان خرما از شکوفهای
او یک طایفه شاخها بزمین نزدیک شده است و بیرون آوردیم بوستانها از درختان انگور و بیرون
آوردیم زیتون و انار را مانند یکدیگر و غیر مانند یکدیگر یعنی در صورت درخت و ثمر مانند یکدیگرست و در طعم
مخالف یک باره شیرین و یکباره ترش و تلخ والله اعلم بنگرید بسوی میوه درخت چون میوه آرد و بسوی
پختگی هرآینه درین نشانهاست گروهی که ایمان می دارند وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَ
خَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَصِفُونَ ● و مقرر کردند کافران برای خدا
شریکان که از قسم جن اند حال آنکه خدا آفریده است ایشان را و بافترا ثابت کردند او را فرزندان و دختران
بغیر دانش پاکیست او را چندانکه از آن بیان میکنند بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ
وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ● او آفریننده آسمانها و زمین است
چگونه باشد او را فرزندی حال آنکه نبود او را زن و آفرید هر چیزی را و او بهر چیز داناست ذَٰلِكُمُ اللَّهُ
رَبُّكُمْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ● اینست خدا پروردگار
شما نیست هیچ معبود مگر او آفریننده هر چیزیست پس پرستش کنید او را و او بر هر چیز کارسازست
لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ● در نمی یابند او را چشمها یعنی در دنیا و او در می یابد چشمها
وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ
و اوست مهربان آگاه قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا
أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ● هرآینه آمد بشما دلیلها از جانب پروردگار شما پس هر که بینا شد پس نفع او راست
و هر که نابینا ماند پس زیان بروی است بگو یا محمد و نیستم من بر شما نگاهبان وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ
وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ● و همچنین گوناگون بیان میکنیم نشانها برای احراز

اذا انکه گویند که خوانده و تا بیان کنیم این دین را برای گروهی که میدانند مترجم گوید احتمال بود که کفار گویند
اهل کتابهای سابقه را خوانده و انچه میگویی ما خود از کتب سابقه هست نه وحی الهی پس خدای تعالی قرآن را بوحی
نازل ساخت و بوجهی گوناگون بیان که مجال این شبهه نماند زیرا که این قسم بیان از خواندن کتب سابقه ممکن نیست
بدون وحی الهی والله اعلم اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ
یا محمد پیروی کن چیزی را که وحی کرده شد سوی تو از جانب پروردگار تو هیچ معبودی نیست مگر او
و اعراض کن از مشرکان وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا
أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ ۝ واگر خواستی خدا شریک مقرر نمی کردند و نگردانیده ایم ترا بر ایشان نگاهبان
و نیستی تو بر ایشان متعهد وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ
عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِم مَّرْجِعُهُمْ
فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ ای مسلمانان دشنام مدهید کسانی را که مشرکان می پرستند بجز خدا
زیرا که ایشان دشنام خواهند داد خدا را از روی ظلم بغیر دانش همچنین آراسته کرده ایم در نظر
هر گروهی کردار آن گروه باز بسوی پروردگار ایشان رجوع ایشان باشد پس خبر دهد ایشان را بعاقبت حال
انچه میکردند وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا
الْآيَاتُ عِندَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ و سوگند خوردند کافران
بسخت ترین سوگندان خویش که اگر بیاید بدیشان معجزه البته ایمان آرند بان بگو جز این نیست که
معجزه ها نزدیک خداست و چه مطلع ساخته است شما را ای مسلمانان یعنی ایا میدانید که آن معجزه چون
بیاید ایشان ایمان نیارند وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ
وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ و صرف کنیم دل ایشان را و چشم ایشان را چنانکه ایمان نیاوردند ع
[illegible] بقرآن اول بار و بگذاریم ایشان را در گمراهی خود سرگردان گشته م الجزء الثامن
وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَّا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَلَٰكِنَّ
أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ ۝ واگر ما فرستادیمی سوی ایشان فرشتگان را و سخن میگفتند با ایشان مردگان

و جمع کردیم

و جمع میکردیم برایشان همه چیز گروه گروه ایمان نمی آوردند مگر وقتیکه خواستی خدا و لیکن بسیاری از ایشان
نادانی میکنند وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي
بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا
يَفْتَرُونَ ۝ و همچنین پیدا کردیم برای هر پیغامبری دشمنانرا که شیاطین اند از آدمیان و جن
بطریق وسوسه القا می کنند بعض ایشان بسوی بعض سخن بظاهر آراسته تا فریب دهند و اگر خواستی
پروردگار تو نمی کردند اینکار پس بگذار ایشانرا با افترای ایشان وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ
لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ ۝ و القا می کنند سخن بظاهر
آراسته تا میل کنند بسوی او دلهای کسانیکه ایمان ندارند و تا پسند کنند اورا و تا عمل کنند آنچه ایشان
کننده اند یعنی اخلاق ایشان است أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ
مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ
الْمُمْتَرِينَ ۝ بگو آیا طلب کنم فیصل کننده بجز خدا و اوست آنکه فرو فرستاد بسوی شما قرآن را واضح
کرده شده و کسانیکه داده ایم ایشانرا کتاب یعنی توریت میدانند که قرآن فرو فرستاده شده است
از جانب پروردگار تو براستی پس مباش از شک کنندگان مترجم گوید در سورهای مکیه مذکور شده است
که یهود تصدیق میکنند قرآن را و در سورهای مدنیه مذکور شده است که یهود تکذیب می کنند آنرا و وجه
تطبیق آنست که چون آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در مکه بود هنوز دعوة یهود نکرده بود همه تصدیق قرآن
معترف بودند که حکم آن برحق لازم است و همچنین از ایشان انکار نکرد چون هجرة فرمود ایشانرا دعوت کرد
بعناد در آمدند در سیرت ابن اسحاق چند قصه با مضمون مذکور است والله اعلم وَتَمَّتْ كَلِمَتُ
رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ و تمام است سخن
پروردگار تو در راستی و انصاف هیچکس تغیر کننده نیست سخنهای اورا و اوست شنوا دانا
وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ
وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ۝ و اگر فرمان برداری کنی بسیاری را از اهل زمین گمراه کنند ترا از راه خدا

وسوسه می کنند مگر گمان را و نیستند مگر دروغگوی یعنی آنچه کافران در باب تحریم و تحلیل اشیا نسبت
میکردند باطل است والله اعلم ان ربك هو اعلم من يضل عن سبيله وهو اعلم بالمهتدين
هر آینه پروردگار تو داناترست بکسی که در میشود از راه وی و داناترست براه یافتگان فكلوا
مما ذكر اسم الله عليه ان كنتم باياته مؤمنين ۝ پس بخورید از آنچه ذکر کرده شد نام خدا
بروی یعنی نزدیک ذبح وی اگر مومن هستید بآیات خدا وما لكم الا تاكلوا
مما ذكر اسم الله عليه وقد فصل لكم ما حرم عليكم الا ما اضطررتم اليه
وان كثيرا ليضلون باهوائهم بغير علم ان ربك هو اعلم بالمعتدين ۝
و چیست شما را که نخورید از آنچه ذکر کرده شده است نام خدا بروی حال آنکه تفصیل بیان کرده است
برای شما آنچه بر شما حرام ساخته الا آنچه مضطر باشید بسوی او یعنی میت حرام است الا وقت ضرورت
تناول آن رخصت است والله اعلم و هر آینه بسیاری گمراه می کنند بخواهش نفس خویش بغیر دانش هر آینه
پروردگار تو داناترست بستمکاران وذروا ظاهر الاثم وباطنه ان الذين
يكسبون الاثم سيجزون بما كانوا يقترفون ۝ و ترک کنید آشکار گناه و پنهان
او را هر آینه کسانیکه گناه می کنند جزا داده خواهند شد بسبب آنچه میکردند ولا تاكلوا
مما لم يذكر اسم الله عليه وانه لفسق وان الشياطين ليوحون الى
اوليائهم ليجادلوكم وان اطعتموهم انكم لمشركون ۝ و مخورید از آنچه یاد کرده نشد
نام خدا بروی و هر آینه خوردنش گناه هست و هر آینه شیاطین وسوسه القا میکنند بسوی دوستان
خویش تا خصومت کنند با شما و اگر فرمانبرداری ایشان کنید هر آینه شما مشرک باشید مترجم گوید مراد ازین
وسوسه آنست که اهل جاهلیت میگفتند که چرا کشته خود را بخوریم و کشته خدا را نخوریم والله اعلم او من كان
ميتا فاحييناه وجعلنا له نورا يمشي به في الناس كمن مثله في الظلمات
ليس بخارج منها كذلك زين للكافرين ما كانوا يعملون ۝ آیا کسیکه مرده بود پس زنده
ساختیمش یعنی کافر بود و هدایت کردیمش و پیدا کردیم برای او نوری که میرود بآن میان مردمان

ع ۱

مانند کسیکه

مانند کسی باشد که صفتش این است در تاریکیهاست نیست بیرون آینده ازان همچنین آراسته کرده شده است
در نظر کافران آنچه میکردند وکذلک جعلنا فی کل قریة اکابر مجرمیها لیمکروا فیها
وما یمکرون الا بانفسهم وما یشعرون • وچنانکه رؤسا کفار مکه در نصرت کفر سعی
میکنند والله اعلم وهمچنان پیدا کردیم در هر دیهی بزرگان فساق آن دیهه تا فساد کنند در آن دیهه
وبحقیقت ضرر نمیکنند مگر در حق خویش ونمیدانند واذا جاءتهم آیة قالوا لن نؤمن
حتی نؤتی مثل ما اوتی رسل الله الله اعلم حیث یجعل رسالته سیصیب
الذین اجرموا صغار عند الله وعذاب شدید بما کانوا یمکرون • وچون
بیاید بایشان نشانه گویند ایمان نیاریم تا وقتیکه داده شود مارا مانند آنچه داده شده است
بپیغامبران خدا یعنی هر کسی از ما جبرئیل فرود آید و وحی نازل شود والله اعلم و خدا داناتر است
بمحل نهادن پیغامبری خود خواهد رسید این گناهکاران را رسوائی نزدیک خدا و عذابی سخت
بسبب آنچه بدی اندیشیدند فمن یرد الله ان یهدیه یشرح صدره للاسلام
ومن یرد ان یضله یجعل صدره ضیقا حرجا کانما یصعد فی السماء
کذلک یجعل الله الرجس علی الذین لا یؤمنون • پس هر کرا خدا خواهد که هدایت
کندش کشاده کند سینهٔ او را برای اسلام یعنی بفهماندش حقیقت اسلام ومحاسن آن
والله اعلم و هر کرا خواهد که گمراه کندش تنگ کند سینهٔ او را در نهایت تنگی گویا بالا میرود
در آسمان وهمچنین می اندازد خدا ناپاکی را بر کسانیکه ایمان نمی آرند یعنی هرچند میخواهند حقیقت
اسلام ومحاسن آن بفهمند نمیتوانند والله اعلم وهذا صراط ربک مستقیما قد
فصلنا الآیات لقوم یذکرون • واین اسلام راه پروردگار تست راست آمده هر آینه
تفصیل کردیم نشانهارا برای گروهی که پند پذیر میشوند لهم دار السلام عند ربهم
وهو ولیهم بما کانوا یعملون • ایشانراست سرای سلامتی یعنی بهشت نزدیک پروردگار
ایشان واو کارساز ایشانست بسبب آنچه میکردند ویوم یحشرهم جمیعا یا معشر

الجن قد استکثرتم من الانس وقال اولیاؤهم من الانس ربنا استمتع بعضنا

ببعض وبلغنا اجلنا الذی اجلت لنا قال النار مثوکم خلدین فیها الا ما

شاء الله ان ربک حکیم علیم • و روزیکه حشر کند خدا ایشانرا همه بگوید ای گروه جن

یعنی شیاطین تابع خود بسیار گرفتید از مردمان و گفتند دوستان ایشان از آدمیان یعنی

تابعان ایشان از کفار ای پروردگار ما بهره مند شد بعض ما از بعض یعنی متبوعان خوشوقت شدند

بتابعان و تابعان محظوظ شدند از متبوعان والله اعلم و رسیدیم بمیعاد خویش که معین کرده بودی

برای ما یعنی برای حساب پس در حق ما چه حکم است گوید خدا آتش جای شماست جاوید آنجا لیکن آنچه

خدا خواسته است بودنی است یعنی در حق اهل نجات والله اعلم هر آئینه پروردگار تو استوارکار

داناست وکذلک نولی بعض الظلمین بعضا بما کانوا یکسبون • و همچنین مسلط میکنیم بعض

ستمکارانرا بر بعض بسبب آنچه میکردند یمعشر الجن والانس الم یاتکم رسل منکم

یقصون علیکم ایتی وینذرونکم لقاء یومکم هذا قالوا شهدنا علی

انفسنا وغرتهم الحیوة الدنیا وشهدوا علی انفسهم انهم کانوا کفرین •

ای گروه جن و انس آیا نیامدند بشما پیغامبران از جنس شما میخواندند بر شما آیات مرا و بیم میکردند

شمارا از ملاقات این روز شما گویند اعتراف کردیم بر خویشتن و فریب داده بود ایشانرا زندگانی

دنیا و گواهی دادند بر خویشتن که ایشان کافر بودند مترجم گوید مراد آنست که آیا نیامده اند یعنی

از مجموع جن و انس و آن صادق است بر بودن رسل از انس مبعوث بانس و جن والله اعلم

ذلک ان لم یکن ربک مهلک القری بظلم واهلها غفلون • این ارسال بسبب

آنست که هرگز پروردگار تو هلاک کننده شهرها نباشد بجزای ظلم در حالیکه اهل آنها غافل باشند

یعنی قبل از بعث رسل عقوبت نمی آید والله اعلم ولکل درجت مما عملوا وما ربک

بغفل عما یعملون • و هر شخص را مرتبهاست از جزا آنچه کردند و نیست پروردگار تو بیخبر از آنچه

بعمل می آرند وربک الغنی ذو الرحمة ان یشأ یذهبکم ویستخلف من بعدکم

مایشاء

مَا يَشَاءُ كَمَا أَنشَأَكُم مِّن ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ آخَرِينَ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ

و پروردگار تو غنی خداوند رحمت است اگر خواهد دور کند شما را و جانشین سازد از شما هر که را
خواهد چنانکه پیدا کرد شما را از نسل قومی دیگر هر آینه هر چه وعده کرده میشود شما را البته آمدنی است
و نیستید شما عاجز کنندگان قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ
تَعْلَمُونَ مَن تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ • بگو ای قوم من عمل کنید شما
بر حالت خویش هر آینه من نیز عمل کننده ام زود باشد که بدانید کسی را که باشد او را عاقبت پسندیده
در آخرة هر آینه رستگار نشوند ظالمان مترجم گوید اهل جاهلیت احکامی چند اختراع کرده بودند
از ان جمله آنست که از زراعت و مواشی پاره برای خدا مقرر میکردند و پاره برای بتان و حصه خدا
بر مساکین و ضعیفان صرف میکردند و حصه بتان با سادنه بتان میرسانیدند پس اگر چیزی از حصه
خدا در حصه بتان مخلوط میشد از جدا میکردند که بتان محتاج اند و از انجمله آنست که قتل دختران تجویز
میکردند و پیشوایان ایشان بر همین فتوی داده بودند و از انجمله آنست که بعض زراعت و مواشی را
حجر میساختند که غیر خدمهٔ بتان کسی نخورد و آنچه برای بتان ذبح میکردند نام خدا بران نمی گرفتند
و از ان جمله آنست که چون بحائر و سوائب آنچه می زادند اگر زنده بودی مردان را حلال میدانستند
و نه زنان را و اگر مرده بودی همه را حلال میدانستند خدای تعالی رد این مذاهب باطله فرمود و آنچه حکم
تو ست بیان میفرمود محرماتی که اهل ملل بران متفق اند ذکر کرد والله اعلم وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا
ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَٰذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَٰذَا لِشُرَكَائِنَا
فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَىٰ شُرَكَائِهِمْ سَاءَ
مَا يَحْكُمُونَ • و مقرر کردند برای خدا از آنچه او پیدا کرده است از جنس زراعت و چهار پایان حصه گفتند
این حصه برای خداست بگمان خویش و این حصه برای شرکا که ما مقرر کرده ایم پس آنچه بود برای شرکای
ایشان نمیرسد بخدا و آنچه باشد برای خدا میرسد بشرکاء ایشان بد چیزیست که مقرر میکنند وکذلک

۴ کذالک

زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ

دینهم ولو شاء الله ما فعلوه فذرهم وما یفترون • و همچنین آراسته کرده الله

در نظر بسیاری از مشرکان قتل اولاد ایشان را شرکاء ایشان یعنی شیاطین که وسوسه کرده اند

با پیشوایان که مذهب قرار داده اند والله اعلم تا هلاک کنند ایشان را و تا مختلط کنند بر ایشان

دین ایشان را و اگر خواستی خدا نکردندی این کار پس بگذار ایشان را با مفتریات ایشان وقالوا هذه

انعام وحرث حجر لا یطعمها الا من نشاء بزعمهم وانعام حرمت ظهورها

وانعام لا یذکرون اسم الله علیها افتراء علیه سیجزیهم بما کانوا یفترون

وگفتند آن چهارپایان و زراعت حجرست نخورد آنرا مگر آنکه ما خواهیم بگمان خویش و این چهار پایان اند

که حرام کرده ست پشت آنها یعنی برای بار و سواری و چهارپایان دیگر اند که نام خدا نمی گیرند

نزدیک ذبح آن بسبب آنکه دروغ بسته اند بر خدا و جزا خواهد داد ایشان را بمقابله آنچه افترا می کردند

وقالوا ما فی بطون هذه الانعام خالصة لذکورنا ومحرم علی ازواجنا

وان یکن میتة فهم فیه شرکاء سیجزیهم وصفهم انه حکیم علیم • وگفتند

آنچه در شکم این چهارپایان باشد یعنی در شکم بحایر و سوائب باشد حلال است برای مردان ما

و حرام است بر زنان ما و اگر مرده باشد همه در آن شریک اند جزا خواهد داد ایشان را بمقابله این بیان

هر آینه او استوار کار داناست قد خسر الذین قتلوا اولادهم سفها بغیر علم

وحرموا ما رزقهم الله افتراء علی الله قد ضلوا وما کانوا مهتدین •

و هر آینه زیانکار شدند آنانکه کشتند اولاد خود را از جهت بیخردی بغیر دانش و حرام کردند آنچه

روزی داد ایشان را خدا بسبب دروغ بستن بر خدا بتحقیق گمراه شدند ایشان و نشدند راه یابندگان

وهو الذی انشأ جنت معروشت وغیر معروشت والنخل والزرع مختلفا

اکله والزیتون والرمان متشابها وغیر متشابه کلوا من ثمره اذا اثمر

وآتوا حقه یوم حصاده ولا تسرفوا انه لا یحب المسرفین • و خدا آنست که

پیدا کرد بوستانها بر داشته شده بر پایها یعنی درختان بر ساق ایستاده والله اعلم و پیدا کرد درختان

ربع

خرما و زرع را

خرما و زراعت را گوناگون میوه های هر یکی و زیتون و انار را مانند یکدیگر و غیر مانند یکدیگر یعنی او را در
نوعی باعتبار صورة مانند یکدیگر اند و باعتبار مزه نه والله اعلم بخورید از میوه ای آن چون میوه بیرون آورد
و بدهید زکوة او را روز درودن وی و اسراف مکنید هر آینه خدا دوست ندارد اسراف کنندگان را
وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةً وَفَرْشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ
إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ • و پیدا کرد از چهار پایان بار بردارنده جانوری را که بر زمین غلط بچسبد فرش
بخورید از انچه روزی داده ست خدا شما را و پیروی مکنید گامهای شیطان را هر آینه او شما را دشمن ظاهر
ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ
الْأُنْثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنْثَيَيْنِ نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ •
آفرید هشت قسم را از گوسپند دو قسم از بز دو قسم یعنی نر و ماده از هر یک والله اعلم بگو آیا این
دو نر را حرام کرده ست خدای تعالی یا این دو ماده را یا آنرا که مشتمل شده ست بروی رحمهای این دو
ماده خبر دهید مرا بدانش یعنی نقلی صحیح بیارید از ابراهیم و اسمعیل علیهما السلام و از کتب الهیه والله اعلم
اگر هستید راست گوی وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ
أَمِ الْأُنْثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنْثَيَيْنِ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّاكُمُ اللَّهُ
بِهَذَا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي
الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ • و پیدا کرد از شتر دو قسم و از گاو دو قسم بگو آیا این دو نر را حلال کرده ست
خدا یا این دو ماده را یا آنرا که مشتمل شده ست بروی رحمها و این دو ماده آیا حاضر بودید وقتیکه
حکم کرد شما را خدا باین پس کیست ستمکارتر از کسیکه بندد بر خدا دروغ تا گمراه کند مردمان را بغیر دانش
هر آینه خدا راه نمی نماید قوم ستمکاران را قُلْ لَا أَجِدُ فِيمَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ
إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا
أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ •
بگو نمی یابم در آنچه وحی فرستاده شد بسوی من هیچ چیز حرام بر خورنده که بخورد آنرا مگر آنکه باشد

ع ق ۴

مردار یا خون ریخته یا گوشت خوک پس هر آینه آن حرام است یا آنچه فسق باشد که برای غیر خدا آواز بلند کرده شده باشد
وقت ذبح او پس هرکه در مانده شود نه بغی کننده و نه از حد گذرنده پس هر آینه پروردگار تو آمرزنده
مهربان است مترجم گوید مراد حصر اضافی است بنسبت بهیمة الانعام و آن اضافات مذکوره است
و سگ و شیر و باز و غیر آن که حرام است از بهیمة الانعام نیست و در آن بحث نداشتند والله اعلم
وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفُرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا
أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَٰلِكَ جَزَيْنَاهُم بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ •
و بر یهود حرام ساختیم هر جانور ناخن دار یعنی مثل شتر و شترمرغ والله اعلم و از گاو و گوسفند
حرام ساختیم بر ایشان پیه این دو قسم مگر پیهی که برداشته آنرا پشت این دو قسم یا برداشته است
آنرا امعاء یا آنچه متعلق باشد باستخوان اینطور جزا دادیم ایشانرا بمقابله ستم ایشان و هر آینه ما راست گوییم
فَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل رَّبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ
پس اگر بدروغ نسبت کنند ترا بگو که پروردگار شما خداوند مهربانی بسیار است و رد کرده نمی‌شود
عقوبت او از قوم ستمکاران سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا
آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِن شَيْءٍ كَذَٰلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا
بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِندَكُم مِّنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنتُمْ
إِلَّا تَخْرُصُونَ • زود باشد که بگویند مشرکان اگر خواستی خدای یعنی رضای او بودی شرک
مقرر نمی‌کردیم و نه پدران ما میکردند و حرام میکردیم چیزی را همچنین بدروغ نسبت کردند کسانیکه
پیش از ایشان بودند تا آنکه چشیدند عقوبت ما بگو آیا هست نزدیک شما دانشی یعنی نقلی از کتب الهی
والله اعلم تا بیرون آرید آنرا برای ما پیروی نمیکنید مگر شبهه را و نیستید شما مگر دروغگوی قُلْ
فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ • بگو خدا راست دلیل محکم پس اگر خواستی
خدای هدایت کردی شما را همه یکجا قُلْ هَلُمَّ شُهَدَاءَكُمُ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ
هَٰذَا فَإِن شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

[illegible]

والذين

٤٩٥

وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ۝ بگو بیارید علماء خود را آنانکه
گواهی میدهند که خدا حرام ساخته است این را پس یا محمد اگر بفرض گواهی دهند تو معترف مشو با ایشان
و پیروی مکن خواهش کسانی را که بدروغ نسبت کردند آیات ما را و کسانیکه اعتقاد ندارند بآخرت
و ایشان با پروردگار خود برابر میکنند یعنی معبود باطل را والله اعلم قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ
رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ
مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا
بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ
تَعْقِلُونَ ۝ بگو بیائید تا بخوانم آنچه حرام کرده است پروردگار شما بر شما فرموده است که شریک او
مقرر مکنید چیزی را و بوالدین نیکو کاری کنید و مکشید اولاد خود را از ترس فقر ما روزی میدهیم شما را
و ایشان را و نزدیک مشوید به بیحیائیها یعنی بزنا و لواطه آنچه علانیه باشد از آن و آنچه پوشیده باشد و مکشید
هیچ نفس را که حرام ساخته است خدا کشتن الا بحق یعنی قصاص و قتل ان با این حکم فرموده است شما را
تا بود که شما بفهمید وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ
وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا
وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۝
و نزدیک مشوید بمال یتیم الا بخصلتی که وی نیک است تا آنکه رسد بجوانی خود و تمام کنید پیمانه و ترازو را
و تکلیف نمیدهیم هیچکس را مگر بقدر طاقت او و چون سخن گوئید یعنی گواهی دهید یا حکم کنید والله اعلم
پس رعایت انصاف نمائید و اگرچه آن محکوم علیه صاحب قرابت باشد و بعهد خدا یعنی بنذر او وفا کنید
این حکم فرموده است شما را تا پند پذیر شوید وَأَنَّ هَٰذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا
السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ و خبر داده است
که آنچه مذکور شد راه من است راست و درست آمده است پس پیروی او کنید و پیروی مکنید راههای
دیگر را که این راهها جدا کنند شما را از راه خدا با این حکم فرموده است شما را تا پرهیزکاری کنید ثُمَّ

اٰتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً
لَعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ۝ باز میگوییم که داده بودیم موسی الکتاب را بتمام کنیم بر کسی که
نیکوکار بود و بیان کنیم هر چیزی را و بجهت هدایت و مهربانی تا ایشان بملاقات پروردگار خویش ایمان آرند
مترجم گوید ظاهر نزدیک این بنده آنست که حرام کردانیدیم اشیاء مذکوره را در ازل و در رقوم لوح
و هم اجرا باز دادیم موسی را کتاب والله اعلم وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ
وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝ و این قران کتابیست که فرستادیمش با برکت پس پیروی او کنید
و پرهیزکاری کنید تا مهربانی کرده شود بر شما أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أُنْزِلَ الْكِتَابُ عَلَى طَائِفَتَيْنِ
مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ ۝ فرستادیمش تا نگویید بجز این نیست که فرود
آورده شد کتاب یعنی توریت و انجیل بر دو گروه پیش از ما و بتحقیق بودیم ما از تلاوت ایشان بی خبر
أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَى مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ
رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي
الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ ۝ یا گویید اگر فرود
آورده شدی بر ما کتاب هر آینه بودیمی راه یافته تر از ایشان پس آمده است بشما حجتی از پروردگار
شما و هدایت و بخشایش پس کیست ستمکارتر از کسیکه بدروغ نسبت کند آیات خدا را و اعراض
کند کا ... از آیات خویش بدترین عذاب بسبب آنکه اعراض میکردند هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ
الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ
لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا
إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ۝ منتظر نیستند مگر آنرا که بیاید بدیشان فرشتگان یعنی برای قبض ارواح
یا بیاید حکم پروردگار تو یعنی با هلاک قوم یا بیاید بعض نشانهای پروردگار تو یعنی طلوع شمس از
مغرب یا دابة الارض والله اعلم روزیکه بیاید بعض نشانهای پروردگار تو نفع ندهد نفسی را که
ایمان نیاورده بود پیش ازین ایمان او یا نفع ندهد نفسی را که کسب نکرده بود در ایمان خود عمل خیر

ع

[illegible]

توبه او یعنی آن روز توبه گناهکار و ایمان کافر قبول نشود والله اعلم بگو انتظار کنید و هر آینه ما نیز منتظریم
إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَّسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ
يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ • تحقیق کسانی که پراکنده کردند دین خود را و گروه گروه شدند نیستی
از ایشان در هیچ حسابی یعنی از تو مواخذه نخواهد کرد والله اعلم جز این نیست که کار ایشان
بسوی خداست باز خبر دهد ایشان را عاقبت آنچه میکردند مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا
وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ • هر که آورد نیکی پس او راست
ده چندان و هر که آورد بدی پس جزا داده نخواهد شد الا مثل آن و ایشان ستم کرده نخواهند شد
قُلْ إِنَّنِي هَدَانِي رَبِّي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِّلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ
الْمُشْرِكِينَ • بگو هر آینه دلالت کرده است مرا پروردگار من بسوی راه راست مراد میدارم دین راست
کیش ابراهیم را حنیف شده و نبود از مشرکان قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ • بگو هر آینه
نماز من و حج و قربانی من و زندگانی من و موت من همه برای خداست پروردگار عالمها هیچ شریک
نیست او را باین توحید فرموده شد مرا و من نخستین مسلمانم قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ
رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ
إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ • بگو آیا طلب کنم پروردگاری دیگر را
غیر خدا و اوست پروردگار همه چیز و عمل نمیکند هیچ کس مگر بر ذات خود و بر ندارد هیچ بردارنده بار
بار دیگری باز بسوی پروردگار شما رجوع شما باشد پس خبردار کند شما را آنچه که در آن اختلاف میکردید وَهُوَ الَّذِي
جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ
إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ • و او آنست که ساخت شما را پادشاهان
زمین و بلند کرد بعضی را بالا بعضی درجها تا بیازماید شما را در آنچه داده است بشما هر آینه پروردگار تو
شتاب کننده عقوبت است و هر آینه او آمرزنده مهربان است سورة الانعام مکیة [illegible]

نصف
ع ۲

بسم الله الرحمن الرحيم

المص • كتاب انزل اليك فلا يكن في صدرك حرج منه لتنذر به وذكرى
للمؤمنين • اين كتابيست كه فرود آورده شد بسوى تو پس بايد كه نباشد در سينه تو هيچ تنگى
از تبليغ فرود آورده شده تا بيم كنى بآن وبراى پند مسلمانان اتبعوا ما انزل اليكم
من ربكم ولا تتبعوا من دونه اولياء قليلا ما تذكرون • پيروى كنيد آنرا كه
فرود آورده شد بسوى شما از جانب پروردگار شما و پيروى مكنيد بجز وى دوستانرا يعنى معبودان
باطل را كه دوست ميگرفتند والله اعلم اندكى پند پذيريد وكم من قرية اهلكناها فجاءها
بأسنا بياتا او هم قائلون • وبسا ديه كه هلاك كرديمش پس آمد بوى عقوبت ما و ايشان
شبانگاه آرميده بودند يا وقتيكه ايشان در خواب نيمروز بودند فما كان دعواهم اذ جاءهم
بأسنا الا ان قالوا انا كنا ظالمين • نبود قول ايشان چون بيامد بايشان عقوبت ما الا آنكه
گفتند هرآينه ما ستمكار بوديم فلنسئلن الذين ارسل اليهم ولنسئلن المرسلين فلنقصن
عليهم بعلم وما كنا غائبين • پس البته سوال خواهيم كرد امتانى را كه پيغامبر فرستاده شد
بسوى ايشان والبته سوال خواهيم كرد پيغامبران را پس البته بيان خواهيم كرد بحضور ايشان يعنى
همه اعمال ايشان را بدانش و نبوديم غايب والوزن يومئذ الحق فمن ثقلت موازينه
فاولئك هم المفلحون • و سنجيدن اعمال بانصاف آنروز بودنى است پس هركه گران باشد
پله نيكى او پس ايشانند رستگار ومن خفت موازينه فاولئك الذين خسروا
انفسهم بما كانوا بآياتنا يظلمون • و هركه سبك شد پله نيكيهاى او پس الجماعه آنانند كه
زيان كردند در حق خويشتن بسبب آنكه بآيات ما انكار ميكردند ولقد مكناكم في الارض وجعلنا
لكم فيها معايش قليلا ما تشكرون • و هرآينه استقرار داديم شما را در زمين و پيدا كرديم ع ١٠ ٨
براى شما در آنجا اسباب معيشت اندكى شكر كنيد ولقد خلقناكم ثم صورناكم ثم قلنا
للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا الا ابليس لم يكن من الساجدين • و هرآينه آفريديم

شمارا بعد

شما را یعنی پدر شما را باز صورت بستیم شما را یعنی پدر شما را باز گفتیم فرشتگان که سجده کنید آدم را پس
سجده کردند مگر ابلیس نبود از سجده کنندگان قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا
خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ۝ گفت خدا چه چیز منع کرد ترا از آنکه سجده کنی
وقتیکه امر کردم ترا گفت من بهترم از وی آفریدی مرا از آتش و آفریدی او را از گل قَالَ فَاهْبِطْ
مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ ۝ گفت فرود رو از آسمان
زیرا که لایق نیست ترا که سرکشی کنی در آن پس بیرون شو هر آینه تو از خوار شوندگانی قَالَ
أَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ۝ گفت بار خدایا مهلت ده مرا
تا روزیکه آدمیان برانگیخته شوند گفت خدا هر آینه تو از مهلت داده شدگانی قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي
لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ۝ پس گفت بسبب آنکه گمراه کردی مرا البته بنشینم برای
آدمیان براه راست تو یعنی تا ازان منع کنم ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ
خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ۝ پس البته بیایم
بسوی ایشان از پیش ایشان و از پس پشت ایشان و از جانب راست ایشان و از جانب چپ
ایشان و نیابی اکثر ایشان شکرگذار قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ
لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ ۝ گفت بیرون رو از آسمان نکوهیده رانده شده بخدا اگر نصف
پیروی کنند ترا از آدمیان البته پر کنم دوزخ را از شما همه یکجا وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ
الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ و گفتیم
ای آدم ساکن شو و زن تو در بهشت پس بخورید از هر جا که خواهید و نزدیک مشوید باین درخت
که خواهید شد از ستمکاران فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا
مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَٰذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ
تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ۝ پس وسوسه داد ایشان را شیطان تا آشکارا کند برای ایشان آنچه
پوشیده بود از نظر ایشان از شرمگاه ایشان و گفت منع نکرده است شما را پروردگار شما

ازین درخت مگر برای احتیاط از آنکه شوید فرشته یا شوید از جاوید باشندگان وقاسمهما
انی لکما لمن الناصحین فدلّٰهما بغرور ۰ وقسم خورد برای ایشان که من از نصیحت کنندگانم
شما را پس بسوی پستی انداخت ایشانرا بفریب دادن فلما ذاقا الشجرة بدت لهما سوآتهما
وطفقا یخصفان علیهما من ورق الجنة وناداهما ربهما الم انهکما عن تلکما
الشجرة واقل لکما ان الشیطان لکما عدو مبین ۰ پس چون چشیدند آن درخت
ظاهر شد ایشانرا شرمگاه ایشان پس شروع کردند که برگی بالای برگی می چسبانیدند بر خویش
از برگ درختان بهشت و ندا کرد ایشانرا پروردگار ایشان که آیا منع نکرده بودم شمارا
ازین درخت و نگفته بودم بشما که هر آئینه شیطان شمارا دشمن آشکاراست قالا ربنا
ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا وترحمنا لنکونن من الخاسرین ۰ گفتند ای پروردگار ما
ستم کردیم بر خویش و اگر نیامرزی مارا و مهربانی نکنی البته از زیانکاران باشیم قال اهبطوا
بعضکم لبعض عدو ولکم فی الارض مستقر ومتاع الی حین ۰ گفت خدا
فرو روید بعض شما بعضی را دشمن خواهد بود و شمارا در زمین استقرار و بهره مندی باشد تا
وقتی معین یعنی تا مرگ قال فیها تحیون وفیها تموتون ومنها تخرجون ۰ ۲ ع ۱۰ ۹
گفت خدا در زمین زندگانی خواهید کرد و در انجا خواهید مرد و از انجا بیرون آورده شوید
یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباسا یواری سوآتکم وریشا ولباس التقوی
ذلک خیر ذلک من آیات الله لعلهم یذکرون ۰ ای فرزندان آدم هر آئینه
ما فرود آوردیم بر شما لباسی که بپوشد شرمگاه شمارا و فرود آوردیم جامهای زینت را و لباس
پرهیزکاری وی از همه بهترست این از نشانهای خداست تا ایشان پند پذیر شوند
یا بنی آدم لا یفتننکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنة ینزع عنهما
لباسهما لیریهما سوآتهما انه یراکم هو وقبیله من حیث لا ترونهم انا
جعلنا الشیاطین اولیاء للذین لا یؤمنون ۰ ای فرزندان آدم گمراه نکند شمارا

شیطان چنانکه بیرون آورد پدر و مادر شما را از بهشت برمیکشید از ایشان جامهٔ ایشان را
تا بنماید ایشان را شرمگاه ایشان هر آینه شیطان و قوم وی می‌بیند شما را از جاکه شما نمی‌بینید ایشان را
هر آینه ما ساختیم شیاطین را کارگذار کسانیکه ایمان ندارند وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا
وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ
عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ و کارگذاران آنکه چون بکنند کار زشت گویند یافتیم بر این کار پدران خود را
و خدا فرموده است ما را بآن بگو هر آینه خدا نمیفرماید بکار زشت آیا میگوئید بر خدا آنچه نمیدانید
قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ
لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ۝ بگو هر آینه فرموده است پروردگار من بانصاف و
فرموده است که راست کنید روی خود را یعنی سوی کعبه نزدیک هر نماز و بپرستید او را برای او
خالص کرده عبادت را چنانکه آفرید شما را همچنان دیگر بار خواهید شد یعنی سر و پا برهنه ختنه ناکرده
محشور شوید والله اعلم فَرِيقًا هَدَى وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا
الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ۝ گروهی را راه نمود
و گروهی ثابت شد بر ایشان گمراهی هر آینه ایشان شیطان را دوست گرفتند بجز خدا می‌پندارند که
ایشان راه یافتگانند يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا
وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ۝ ای فرزندان آدم بگیرید زینت خود را یعنی لباس خود را
ع ٦ ١٠ نزدیک هر نماز و بخورید و بیاشامید و از حد مگذرید هر آینه خدا دوست نمیدارد از حد گذرندگان را
قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ
آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝
بگو که حرام کرد زینت خدا را که پیدا کرده است برای بندگان خود که حرام کرده است پاکیزه‌ها از رزق
بگو آن پاکیزه از ملابس و مأکل برای مسلمانان است در زندگانی دنیا یعنی لایق ایشان است اگرچه دیگران
نیز استعمال کنند والله اعلم خالص شده برای ایشان روز قیامت همچنین بیان میکنیم نشانها برای

گروهی که میدانند مترجم گوید درین آیه اشارهست بر مذهب رهبان یهود و نصاری
و متحشفین عرب که توسع را در ماکل و ملابس مکروه می پنداشتند والله اعلم قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ
الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ
مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ • بگو جز این نیست که حرام کرده است
پروردگار من بجای آرا آنچه علانیه باشد از آن و آنچه پوشیده باشد و حرام کرده است گناه و تعدی
ناحق و آنکه شریک خدا مقرر کنید چیزی را که خدا هیچ دلیل بر آن نازل نکرده است و آنکه بگویید بر خدا آنچه نمیدانید
وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ •
و هر گروهی را میعادی هست یعنی وقتی معین است برای هلاک ایشان والله اعلم پس چون باید
یعنی نزدیک شود میعاد ایشان تاخیر نکنند یک ساعت و نه سبقت کنند يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ
رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ • گفتیم یعنی بر زبان حضرت آدم چنانکه در سوره بقره اشارت رفت والله اعلم
ای فرزندان آدم اگر بیایند بشما پیغامبران از جنس شما میخوانند بر شما آیات مرا پس هر که پرهیزکاری
کند و نیکوکاری نماید پس هیچ ترس نباشد بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند وَالَّذِينَ
كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ • و کسانیکه دروغ
نسبت کردند آیات ما را و سرکشی کردند از قبول آنها ایشان باشندگان دوزخ اند ایشان آنجا
جاویدند فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمْ
نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ
مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ •
پس کیست ستمکارتر از کسیکه بربست بر خدا دروغ یا به دروغ نسبت کرد آیات او را آن جماعه برسد
بایشان بهره ایشان از آنچه نوشته شد در لوح محفوظ یعنی نعمت و نقمت که مقدر شده در دنیا
بایشان برسد والله اعلم تا وقتیکه بیایند نزدیک ایشان فرستادگان ما تا قبض ارواح ایشان

کنند گویند

کنند گویند کجاست انچه شما میپرستید بجز خدا گویند گم شدند ایشان از ما و معترف شوند بر خویش بانکه ایشان
کافر بودند قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا
دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ
رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ
حکم کند خدا که داخل شوید همراه امتانی که گذشته اند پیش از شما از جن و انس در آتش هرگاه در آید قومی
لعنت کند قوم دیگر مانند خود را تا وقتیکه بیکدیگر رسند در دوزخ همه یکجا جماعهٔ متاخر از ایشان در
حق جماعهٔ متقدم از ایشان ای پروردگار ما که ایشان گمراه کردند ما را پس بده ایشانرا عذاب دو چند
از دوزخ فرماید خدا هر یکی را دو چندست لیکن نمیدانید یعنی بابعض را عذاب کفر و تقلید و مر بعض را
عذاب ضلال و اضلال والله اعلم وَقَالَتْ أُولَاهُمْ لِأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ
فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ • و گویند جماعهٔ متقدم از ایشان جماعهٔ متاخر را
از ایشان و نیست شما را هیچ بزرگی بر ما پس بچشید عذاب بسبب انچه میکردید إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا
بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ
الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ • هر آینه کسانیکه بدروغ نسبت کردند آیات
ما را و سرکشی کردند از قبول آن هرگز گشاده نشود برای ایشان دروازه‌های آسمان و در نیایند
به بهشت تا وقتیکه داخل شود شتر در سوراخ سوزن یعنی محال است والله اعلم و همچنین جزا میدهیم
گناهکارانرا لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ •
ایشانرا از دوزخ فرش بود و بالای ایشان از دوزخ پوششها باشد و همچنین جزا میدهیم
ستمکارانرا وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ
أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ • و کسانیکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند تکلیف نمیدهیم
هیچکس را مگر قدر طاقت او و انجماعه باشندگان بهشت اند ایشان انجا جاویدان باشند وَنَزَعْنَا
مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا

هذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدنا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق ونودوا
ان تلكم الجنة اورثتموها بما كنتم تعملون ۝ بیرون آریم آنچه در سینه‌های ایشان بود
یعنی آن کینها که در دل بهشتیان باشد دور کنیم مثل آنچه میان عثمان و علی و طلحه و زبیر و عایشه رضی الله
عنهم واقع شد والله اعلم میرود زیر ایشان نهرها و گویند سپاس خدا راست که دلالت کرد ما را بسوی
این بهشت و هرگز مستعد راه یافتن نبودیم اگر راه نمودی ما را خدا هر آینه آمدند فرستادگان
پروردگار ما براستی و ندا کرده شوند که این بهشت داده شدید آنرا بسبب آنچه میکردید ونادى اصحب
الجنة اصحب النار ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقا فهل وجدتم ما وعد ربكم
حقا قالوا نعم فاذن مؤذن بينهم ان لعنة الله على الظلمين الذين يصدون
عن سبيل الله ويبغونها عوجا وهم بالاخرة كافرون ۝ و ندا کنند اهل بهشت اهل
دوزخ را که ما راست یافتیم آنچه وعده کرده بود ما را پروردگار ما پس آیا شما هم راست یافتید آنچه شما را وعده
کرده بود پروردگار شما گفتند آری پس آواز کند آواز کننده درمیان ایشان که لعنت خدا بر آن ستمکاران است
که باز میداشتند مردمانرا از راه خدا و میخواستند برای آن راه کجی یعنی میخواستند که بشبهات این راه را
باطل سازند و ایشان باخرة اعتقاد نداشتند وبينهما حجاب وعلى الاعراف رجال
يعرفون كلا بسيماهم ونادوا اصحب الجنة ان سلم عليكم لم يدخلوها وهم
يطمعون ۝ و درمیان بهشت و دوزخ حجابی است که آن مسمی باعراف است والله اعلم و بر اعراف
مردمانی باشند که میشناسند هر یکی را از اهل موضعین بقیافه ایشان و ندا کنند اهل اعراف اهل بهشت را
که سلام علیکم و هنوز به بهشت نه در آمدند و ایشان طمع آن دارند واذا صرفت ابصارهم
تلقاء اصحب النار قالوا ربنا لا تجعلنا مع القوم الظلمين ۝ و چون گردانیده شود چشم
اهل اعراف بطرف اهل دوزخ گویند ای پروردگار ما مکن ما را همراه گروه ستمکاران ونادى اصحب
الاعراف رجالا يعرفونهم بسيماهم قالوا ما اغنى عنكم جمعكم وما كنتم
تستكبرون ۝ و ندا کنند اهل اعراف مردانرا که میشناسند ایشانرا بقیافه ایشان گویند کفایت نکرد

از شما جمعیت شما و آنکه سرکشی میکردید أَهٰؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللّٰهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا
الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ۝ آیا اینجماعه اند آنانکه شما قسم میخوردید که هرگز خدا نرساند
بایشان هیچ رحمت یعنی فقرا مسلمین که کافران از ایشان حسابی نمیگرفتند و الله اعلم گفته شد ایشانرا که
در آیید بهشت هیچ ترس نیست بر شما و نه شما اندوهگین شوید وَنَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ
أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ قَالُوا إِنَّ اللّٰهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ ۝
ندا کنند اهل دوزخ اهل بهشت را که بریزید بر ما چیزی از آب یا از سایر آنچه روزی داده است شما را خدا
گویند خدا حرام ساخته است این هر دو را بر کافران الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ
الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنْسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هٰذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ
بر آنانکه دین خود گرفته اند بازی و لهو را و فریب داد ایشانرا زندگانی دنیا پس امروز فراموش کنیم ایشانرا
چنانکه ایشان فراموش کردند ملاقات این روز خویش را و چنانکه انکار میکردند بآیات ما و فراموش کردن
خدا ترک ایشان است در دوزخ والله اعلم وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَ
رَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ و هر آینه آوردیم برای ایشان کتابی که مفصل کرده ایم آنرا بدانش برای
رهنمای و بخشایش مومنان را هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ
نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا
لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا
يَفْتَرُونَ ۝ انتظار نمیکنند کفار مگر مصداق این وعده را روزیکه بیاید مصداق آن گویند کسانیکه ع ١٣ ١٢
فراموش کرده بودند پیغامبران پروردگار ما براستی پس آیا هستند برای ما شفیعان تا شفاعت کنند
برای ما یا باز گردانیده شویم بسوی دنیا پس عمل کنیم غیر آنچه میکردیم یعنی مسلمان شویم و بت را نپرستیم
هر آینه زیان کردند در حق خویشتن و گم شد از ایشان آنچه افترا میکردند إِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِي
خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ
يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ

تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِيْنَ ۝ هر آینه پروردگار شما خدا است که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز

باز مستقر شد بر عرش میپوشاند شب را بروز یعنی کاهی اجزا شب را بلباس روز پوشانیده و حساب نهار

میکرد والله اعلم بمطلبه شب و روز را بشتاب یعنی از پی در آمدن شب بعد روز مشابه آنست که

گویا کسی دوان و شتابان بمطلبه والله اعلم و آفرید آفتاب و ماه و ستارگان را رام شده بفرمان خدا

آگاه شو او راست آفریدن و فرمانروائی بغایت بزرگست خدا پروردگار عالمها اُدْعُوْا رَبَّكُمْ

تَضَرُّعًا وَّخُفْيَةً اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِيْنَ وَلَا تُفْسِدُوْا فِي الْاَرْضِ بَعْدَ اِصْلَاحِهَا

خود را
وَادْعُوْهُ خَوْفًا وَّطَمَعًا اِنَّ رَحْمَةَ اللّٰهِ قَرِيْبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِيْنَ ۝ بپرستید پروردگار

زاری کنان و پوشیده از مردمان هر آینه او دوست ندارد از حد گذرندگان را و فساد مکنید در زمین

بعد اصلاح آن یعنی بعد بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم والله اعلم و بپرستید او را بترس و امید

هر آینه بخشایش خدا نزدیکست از نیکوکاران وَهُوَ الَّذِيْ يُرْسِلُ الرِّيٰحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ

رَحْمَتِهٖ حَتّٰى اِذَا اَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنٰهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَاَنْزَلْنَا بِهِ الْمَآءَ

فَاَخْرَجْنَا بِهٖ مِنْ كُلِّ الثَّمَرٰتِ كَذٰلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتٰى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ ۝ و او است آنکه

را
میفرستد بادهای مژده دهنده پیش از رحمت خود یعنی پیش از باران تا وقتی که بردارد ابر گران

روان کنیم آن را بسوی شهری مرده پس فرود آریم بواسطهٔ آن ابر آب را پس بیرون آریم بآن آب

از جنس هر میوه و همچنین بیرون آریم مردگان را یعنی از قبور بیان کردیم تا شما پند پذیرید

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهٗ بِاِذْنِ رَبِّهٖ وَالَّذِيْ خَبُثَ لَا يَخْرُجُ اِلَّا نَكِدًا

كَذٰلِكَ نُصَرِّفُ الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَّشْكُرُوْنَ ۝ و شهر پاکیزه بر می آید رستنی او بفرمان ع ۱۵ / ۱۳

پروردگار او و زمین ناپاکیزه بر نمی آید رستنی او مگر ناهموار بدبر رونده و همچنین گوناگون

بیان میکنیم نشانها را برای قومی که شکرگذاری می کنند مترجم گوید این مثل است برای تاثیر پند

در قلب سلیم و عدم تاثیر آن در غیر سلیم والله اعلم لَقَدْ اَرْسَلْنَا نُوْحًا اِلٰى قَوْمِهٖ فَقَالَ

يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ اِنِّيْ اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ ۝

بر آنهم فرستادیم

هر آینه فرستادیم نوح را بسوی قوم او پس گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شما را هیچ معبود بجز او
هر آینه من میترسم بر شما از عقوبت روز بزرگ یعنی روز قیامت قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا
لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ گفتند اشراف از قوم او هر آینه ما می بینیم ترا در گمراهی ظاهر قَالَ
يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ گفت ای قوم من نیست بمن
هیچ گمراهی ولیکن من پیغامبرم از جانب پروردگار عالمها أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ
لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ میرسانم بشما پیغامهای پروردگار خود و نیکخواهی
میکنم برای شما و میدانم از علم خدا آنچه نمیدانید أَوَعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ
عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝ آیا تعجب کردید از آنکه آمد شما را پند
از جانب پروردگار شما فرود آمده بر مردی از شما تا بیم کند شما را و تا پرهیزگاری کنید و تا مهربانی کرده شود
بر شما فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ
١٦ ع ١٥ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ۝ پس بدروغ داشتند او را پس نجات دادیم او را و کسانیکه بودند با وی
در کشتی و غرق ساختیم کسانی را که دروغ داشته بودند آیات ما را هر آینه ایشان بودند گروهی نابینا
وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا
تَتَّقُونَ ۝ و فرستادیم بسوی عاد برادر ایشان هود را گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را
و نیست شما را هیچ معبود غیر او آیا پرهیزگاری نمی کنید قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا
لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۝ گفتند اشراف قوم کفار از قوم او
هر آینه ما می بینیم ترا در بیخردی و هر آینه ما می پنداریم ترا از دروغ گویان قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ
بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ گفت ای قوم من نیست با من گمراهی
بیخردی ولیکن من پیغامبرم از جانب پروردگار عالمها أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي
وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ۝ میرسانم بشما پیغامهای پروردگار خود و من برای شما نیکخواه
با امانتم أَوَعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ وَاذْكُرُوا

١
اِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللهِ
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ آیا تعجب کردید از آنکه آمد بشما پندی از جانب پروردگار شما فرود آورده بر
مردی از شما تا بیم کند شما را و یاد کنید نعمت الهی آنوقت که کردانید شما را جانشین بعد از قوم نوح و
افزود برای شما در خلقت قوت را پس یاد کنید نعمتهای خدا را تا شما رستکار شوید قَالُوا أَجِئْتَنَا
لِنَعْبُدَ اللهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ
الصَّادِقِينَ ۝ کفتند آیا آمده بش ما تا عبادت کنیم خدا را تنها و بکذاریم آنچه می پرستیدند پدران ما
پس بیار بش ما آنچه وعید میکنی یعنی بیار عقوبت را اکر هستی از راست کویان قَالَ قَدْ وَقَعَ
عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ
آبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ۝
کفت ثابت شد بر شما از جانب پروردگار شما عقوبت و خشم آیا مکابره میکنید با من در باب نامهای
چند که شما مقرر کرده اید آنرا و پدران شما مقرر کرده اند یعنی بی اصل بت فرو نه آورده است خدا
برآن هیچ دلیل پس انتظار کنید هر آئینه ما نیز همراه شما از منتظرایم فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ
بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ ۝ پس نجات دادیم اورا
و کسانی را که با او بودند از مهربانی از جانب خویش و بریدیم بیخ آنان که دروغ میداشتند آیات ما را ١٧ ع ٢١
و نبودند از مومنان وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللهَ مَا لَكُمْ مِنْ
إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللهِ لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ
فِي أَرْضِ اللهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ و فرستادیم بسوی
قوم ثمود برادر ایشان صالح را کفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شما را هیچ معبود غیر او
هر آئینه آمد بشما دلیلی از جانب پروردگار شما این ماده شتریست پیدا کرده خدا نشانه برای شما پس بکذارید ش
که چرا کند در زمین خدا و نرسانید او را هیچ سختی که آنگاه بکیرد شما را عقوبت درد دهنده وَاذْكُرُوا
إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا

قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ۝
و یاد کنید نعمت الهی آنوقت که کردانید شما را جانشین بعد از قوم عاد و استقرار داد شما را در زمین
میسازید از نرم آن کوشکها و تراشیده خانها میسازید کوهها را پس یاد کنید نعمتهای خدا را و تباهی مکنید
در زمین فساد افکنندن قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ
آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ ۝
گفتند آن اشراف که سرکشی کرده بودند از قوم او مر آنها را که هر کسی ضعیف داشت ایشان را مر کسانی را
که ایمان آورده بودند از ایشان آیا میدانید که صالح فرستاده شده است از جانب پروردگار خود گفتند
اهل ایمان هر آینه ما بشریعتی که وی فرستاده شده است بآن شریعت معتقدانیم قَالَ الَّذِينَ
اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ۝ گفتند سرکشان هر آینه ما بآنچه معتقدان شدید کافرانیم
فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ
مِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝ پس کشتند آن ماده شتر را و تجاوز کردند از فرمان پروردگار خویش و گفتند ای صالح
بیار بما آنچه وعده میکنی اگر هستی از پیغامبران فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ
جَاثِمِينَ ۝ پس در گرفت ایشان را زلزله پس گشتند مرده بزانو افتاده در سرای خویش فَتَوَلَّى
عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ
النَّاصِحِينَ ۝ پس صالح اعراض کرد از ایشان و گفت ای قوم من رسانیدم بشما پیغام پروردگار خود
و نیکخواهی کردم برای شما و لیکن دوست نمیدارید نیکخواهی کنندگان را وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ
أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ۝ و فرستادیم لوط را آنوقت
که گفت بقوم خود آیا می کنید آن بیحیایی که پیش نکرده است آنرا هیچکس از عالمها إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ
شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ ۝ هر آینه شما میروید بشهوة پیش مردان
بجز زنان بلکه شما گروه مسرفانید وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ
مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ۝ و نبود جواب قوم او الا آنکه گفتند بیرون کنید ایشانرا

از وبه خود که همانا ایشان مردم پاکیزگی طلب کننده اند فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ
مِنَ الْغَابِرِينَ • پس نجات دادیم او را و اهل خانه او را مگر زنش که بود از باقی ماندگان وَأَمْطَرْنَا
عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ • و باراندیم بر ایشان بارانی یعنی از سنگ
پس بنگر چگونه بود آخر کار گناهکاران وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ
مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ
وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَٰلِكُمْ
خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ • و فرستادیم بسوی قوم مدین برادر ایشان شعیب را گفت ای قوم
بپرستید خدا را نیست شما را هیچ معبودی بجز او همانا آمده است بشما دلیلی از پروردگار شما پس تمام کنید
پیمانه و ترازو را و ناقص مدهید مردمان اشیاء ایشان و فساد مکنید در زمین بعد اصلاح آن اینکه
گفتیم بهتر است شما را اگر باور دارندگانید وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ
وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَاذْكُرُوا إِذْ
كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ وَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ • و منشینید بر هر راه
که بترسانید و باز دارید از راه خدا کسی را که ایمان آورده است باو و می جوئید برای آن راه کجی و
یاد کنید آن وقت که شما اندک بودید پس بسیار گردانید شما را و بنگرید چگونه شد آخر کار مفسدان
وَإِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَمْ يُؤْمِنُوا
فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ [بَيْنَنَا] وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ • و اگر هست گروهی از شما مومن بآنچه
فرستاده شدم همراه او و گروهی نامومن پس صبر کنند تا آنکه فیصل کند خدا در میان ما و او بهترین
حکم کنندگان است یعنی واجب آن بود که همه متفق میشدند بر ایمان و چون متفق نشدند منتظر فیصل
کرده باشند قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ
وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ
گفتند آن اشراف که سرکشی کرده بودند از قوم او البته بیرون کنیم ترا ای شعیب و کسانی را که همراه تو

ع ۱۲ ۱۷

بيننا

حم الجزء التاسع

ایمان آوردند

ایمان آوردند و یا اینست که باز گردید در دین ما گفت ایا عود کنیم اگرچه ما نا خواهان باشیم قد افترینا
على الله كذبا ان عدنا في ملتكم بعد اذ نجانا الله منها وما يكون لنا ان نعود
فيها الا ان يشاء الله ربنا وسع ربنا كل شيء علما على الله توكلنا ربنا افتح
بيننا وبين قومنا بالحق وانت خير الفاتحين • هرآینه بربسته باشیم برخدا دروغی اگر
باز گردیم در دین شما بعد از آنکه رهانید خدا ما را از وی و هرگز لایق نیست ما را که عود کنیم در آن مگر
آنکه خدا خواهد پروردگار ما احاطه کرده است پروردگار ما همه چیز از روی دانش بر خدا توکل کردیم
ای پروردگار ما فیصل کن درمیان ما و درمیان قوم ما براستی و تو بهترین فیصل کنندگانی وقال
الملأ الذين كفروا من قومه لئن اتبعتم شعيبا انكم اذا لخاسرون • و گفتند
آن اشراف که کافر بودند از قوم او بیاران خود اگر متابعت کنید شعیب را هرآینه شما آن هنگام
زیانکار باشید فاخذتهم الرجفة فاصبحوا في دارهم جاثمين • پس درگرفت
ایشان را زلزله پس صبح کردند در سرای خویش مرده بر زانو افتاده الذين كذبوا شعيبا
كان لم يغنوا فيها الذين كذبوا شعيبا كانوا هم الخاسرين • آنانکه بدروغ داشتند
شعیب را گویا نبودند آنجا آنانکه دروغ داشتند شعیب را ایشان بودند زیانکار فتولى عنهم
وقال يا قوم لقد ابلغتكم رسالات ربي ونصحت لكم فكيف آسى على قوم
كافرين • پس باز گشت از ایشان و گفت ای قوم من رسانیدم بشما پیغام پروردگار خود و
نیکخواهی کردم برای شما پس چگونه اندوه خورم بر قوم کافران وما ارسلنا في قرية من نبي
الا اخذنا اهلها بالبأساء والضراء لعلهم يضرعون • و نفرستادیم در هیچ دهی
پیغامبری را مگر گرفتار کردیم اهل آنرا بسختی و رنج تا بود که ایشان زاری کنند ثم بدلنا مكان
السيئة الحسنة حتى عفوا وقالوا قد مس آباءنا الضراء والسراء فاخذناهم
بغتة وهم لا يشعرون • باز دادیم بایشان بجای محنت راحت را تا آنکه بسیار شدند
و گفتند هرآینه رسیده بود پدران ما را سختی و راحت یعنی عادت زمانه است گاهی سختی و گاهی

۹

راحت مشابه اسباب مواخذه بر اعمال نبود و الله اعلم پس گرفتیم ایشانرا ناگهان و ایشان خبردار نشدند
وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ و اگر اهل دیهها ایمان آوردندی
و پرهیزکاری کردندی می‌گشادیم بر ایشان برکتها از جانب آسمان و زمین و لیکن بدروغ نسبت کردند
پس گرفتیم ایشانرا بوبال آنچه میکردند أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ
نَائِمُونَ ۝ آیا ایمن شدند اهل دیهها از آنکه بیاید عذاب ما بایشان شبانگاه و ایشان خفته باشند
أَوَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ ۝ آیا ایمن شدند اهل دیهها
از آنکه بیاید بایشان عذاب ما وقت چاشت و ایشان بازی می‌کنند أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا
يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ ۝ آیا ایمن شدند از مکر خدا یعنی از تدبیر هلاک
و الله اعلم پس ایمن نمی‌شوند از مکر خدا مگر گروه زیانکاران أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ ع ٣
الْأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ
قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ۝ آیا واضح نشد برای آنکه وارث زمین میشوند بعد از اهلاک
ساکنان آن زمین که اگر خواستی عقوبت رسانیدمی ایشانرا بعوض گناهان ایشان و مهر می‌نهیم بر دل
ایشان نمی‌شنوند تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَائِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم
بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِن قَبْلُ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ
الْكَافِرِينَ ۝ این دیهها ذکر میکنیم پیش تو بعض اخبار آن و هر آینه آمده بودند باهل آنها پیغامبران
ایشان با معجزه‌ها پس هرگز ایمان نیاوردند بآنچه تکذیب کرده بودند پیش از آن و همچنین مهر می‌نهد
خدا بر دل کافران وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِم مِّنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ ۝
و نیافتیم در اکثر ایشان وفا بعهد و هر آینه یافتیم اکثر ایشانرا بدکار ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِم
۝ مُّوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ
باز فرستادیم بعد ایشان موسی بنشانهای خویش بسوی فرعون و قوم او پس کافر شدند بآن

٣ ع

نشان بس بنکر چکونه بود آخر کار مفسدان وقال موسی یا فرعون انی رسول من
رب العالمین حقیق علی ان لا اقول علی الله الا الحق قد جئتکم ببینة من
ربکم فارسل معی بنی اسرائیل وکفت موسی ای فرعون هر آئینه من پیغامبرم از جانب
پروردکار عالمها سزاوارم بآنکه نکویم بر خدا مکر سخن راست آورده ام بشما نشانه از جانب پروردکار شما
پس بفرست با من بنی اسرائیل را قال ان کنت جئت بآیة فأت بها ان کنت من الصادقین •
کفت اکر آورده معجزه پس حاضر کن آنرا اکر هستی از راست کویان فالقی عصاه فاذا هی
ثعبان مبین • پس انداخت عصای خود را پس ناکهان آن عصا اژدهای شد ظاهر ونزع یده
فاذا هی بیضاء للناظرین • و بیرون آورد دست خود را پس ناکهان آن دست نورانی شد برای
بینندکان قال الملأ من قوم فرعون ان هذا لساحر علیم یرید ان یخرجکم من
ارضکم فماذا تأمرون • کفتند اشراف از قوم فرعون با یکدیکر هر آئینه این شخص ساحر دانا است
میخواهد که بیرون کند شما را از زمین شما پس چه میفرمائید قالوا ارجه واخاه وارسل
فی المدائن حاشرین یأتوک بکل ساحر علیم • کفتند ای فرعون موقوف دار او را و برادر
او را و بفرست در شهرها نقیبان را تا بیارند بپیش تو هر ساحر دانا را وجاء السحرة فرعون
قالوا ان لنا لاجرا ان کنا نحن الغالبین • و آمدند ساحران بپیش فرعون کفتند هر آئینه
ما را مزد میباید اکر ما غالب شویم قال نعم وانکم لمن المقربین • کفت آری و هر آئینه
شما از مقربان باشید قالوا یا موسی اما ان تلقی واما ان نکون نحن الملقین •
کفتند ای موسی یا اینست که بیفکنی تو یا ما باشیم اندازنده قال القوا فلما القوا سحروا
اعین الناس واسترهبوهم وجاءو بسحر عظیم • کفت موسی افکنید پس آنهنکام که افکندند
بجادو بستند چشمهای مردمان را و بترسانیدند ایشان را و آوردند جادوی بزرک واوحینا
الی موسی ان الق عصاک فاذا هی تلقف ما یأفکون • و وحی فرستادیم بسوی موسی
که بیفکن عصای خود را پس ناکهان آن عصا میبرد آنچه بدروغ اظهار میکردند فوقع الحق وبطل

ما كانوا يعملون • پس ثابت شد حق و باطل شد آنچه ایشان میکردند فغلبوا هنالك
وانقلبوا صاغرين • پس قوم فرعون مغلوب شدند آنجا و خوار گشتند والقي السحرة
ساجدين • و انداخته شدند ساحران سجده کنان قالوا آمنا برب العالمين رب
موسى وهارون • گفتند ایمان آوردیم بپروردگار عالمها خدای موسی و هارون قال
فرعون آمنتم به قبل ان آذن لكم ان هذا لمكر مكرتموه في المدينة
لتخرجوا منها اهلها فسوف تعلمون • گفت فرعون آیا ایمان آوردید بموسی پیش از آنکه
دستوری دهم شما را هر آینه این تدبیریست که اندیشیده اید تا در این شهر تا بیرون کنید
ازین شهر ساکنان آنرا پس خواهید دانست لاقطعن ايديكم وارجلكم من
خلاف ثم لاصلبنكم اجمعين • البته می برم دستهای شما و پایهای شما را
بخلاف یکدیگر یعنی دست راست و پای چپ والله اعلم باز بردار کنم شما را همه یکجا قالوا انا
الى ربنا منقلبون • گفتند هر آینه ما بسوی پروردگار خود رجوع کنندگانیم وما تنقم
منا الا ان آمنا لما جاءتنا ربنا افرغ علينا صبرا وتوفنا مسلمين • انکار نمی کنی
بآيات ربنا
بر ما مگر آنکه ایمان آوردیم بنشانهای پروردگار خویش چون بیامد بما ای پروردگار ما بریز بر ما
شکیبایی و قبض ارواح ما کن در حالیکه ما مسلمان باشیم وقال الملأ من قوم فرعون
اتذر موسى وقومه ليفسدوا في الارض ويذرك والهتك قال سنقتل
ابناءهم ونستحيي نساءهم وانا فوقهم قاهرون • و گفتند اشراف از قوم فرعون
آیا میگذاری موسی و قوم او را تا فساد کنند در زمین و تا بگذارد عبادت ترا و معبودان ترا
گفت خواهیم کشت پسران بنی اسرائیل را و زنده خواهیم گذاشت دختران ایشان را و ما بر ایشان
غالبانیم قال موسى لقومه استعينوا بالله واصبروا ان الارض لله يورثها
من يشاء من عباده والعاقبة للمتقين • گفت موسی بقوم خود مدد طلبید از خدا
و صبر کنید هر آینه زمین خدا راست وارث او کند هر کرا خواهد از بندگان خویش و آخر کار برای

برنهکاران هست قالوا اوذينا من قبل ان تاتينا ومن بعد ما جئتنا قال عسى
ربكم ان يهلك عدوكم ويستخلفكم في الارض فينظر كيف تعملون ۝ گفتند
ایذا داده شدیم پیش از آنکه بیایی نزدیک ما و بعد از آنکه آمدی نزدیک ما گفت امید هست که پروردگار
شما هلاک کند دشمن شما را و خلیفه گرداند شما را در زمین پس بنگرد چگونه عمل می کنید ولقد اخذنا آل فرعون
بالسنين ونقص من الثمرات لعلهم يذكرون ۝ و هر آینه گرفتار کردیم کسان فرعون را بقحطها و نقصان
میوه ها تا شود که ایشان پند پذیرند فاذا جاءتهم الحسنة قالوا لنا هذه وان تصبهم سيئة يطيروا
بموسى ومن معه الا انما طائرهم عند الله ولكن اكثرهم لا يعلمون ۝ پس چون آمدی بایشان
فراخی گفتندی این لایق ماست و اگر رسیدی بایشان سختی شگون بد گرفتندی بموسی و کسانیکه باوی بودند آگاه
جز این نیست که شگون بد ایشان نزدیک خداست ولیکن بیشتر از ایشان نمیدانند یعنی مواخذه بر اعمال
ایشان هست والله اعلم وقالوا مهما تاتنا به من اية لتسحرنا بها فما نحن لك بمؤمنين ۝
و گفتند کسان فرعون ای موسی هرچه بیاری آنرا از نشانها تا سحر کنی ما را بدان پس ما نیستیم ترا باور دارنده
فارسلنا عليهم الطوفان والجراد والقمل والضفادع والدم ايات مفصلات
فاستكبروا وكانوا قوما مجرمين ۝ پس فرستادیم بر ایشان طوفان و ملخ و کنه و غوکها و خون
نشانهای واضح کرده شده پس سرکشی کردند و بودند قوم گنهکار ولما وقع عليهم الرجز قالوا يا موسى
ادع لنا ربك بما عهد عندك لئن كشفت عنا الرجز لنؤمنن لك ولنرسلن معك
بني اسرائيل فلما كشفنا عنهم الرجز الى اجل هم بالغوه اذا هم ينكثون ۝ و وقتی که فرود آمد
بایشان عقوبت گفتند ای موسی دعا کن بجناب پروردگار خود بآن اسما و ادعیه که وحی کرده هست نزدیک تو
اگر زایل کنی از ما عقوبت را هر آینه معتقد شویم ترا و بفرستیم با تو بنی اسرائیل را پس چون زایل کردیم از ایشان
عقوبت تا مدتی که ایشان رسنده اند بآن ناگهان عهد می شکستند فانتقمنا منهم فاغرقناهم في اليم
بانهم كذبوا باياتنا وكانوا عنها غافلين ۝ پس انتقام کشیدیم از ایشان پس غرق کردیم ایشانرا در دریا
بسبب آنکه ایشان دروغ میداشتند آیات ما را و بودند از آن بیخبر واورثنا القوم الذين كانوا

يستضعفون مشارق الارض ومغاربها التي باركنا فيها وتمت كلمة ربك الحسنى على بني اسرائيل
بما صبروا ودمرنا ما كان يصنع فرعون وقومه وما كانوا يعرشون ۝ و میراث دادیم گروهی را ربع
که ضعیف شمرده میشدند مشارق و مغارب زمینی که برکت نهاده ایم دران یعنی زمین شام بایشان دادیم چه
بعضهای شرقیه و چه بعضهای غربیه والله اعلم راست شد وعده نیک پروردگار تو بر بنی اسرائیل بسبب آنکه صبر کردند
و خراب کردیم آنچه ساخته بود والله اعلم فرعون و کسان او و آنچه بر می افراشتند وجاوزنا ببني اسرائيل
البحر فأتوا على قوم يعكفون على اصنام لهم قالوا يا موسى اجعل لنا الها كما لهم آلهة قال
انكم قوم تجهلون ۝ و گذرانیدیم بنی اسرائیل را از دریا پس آمدند بر گروهی که مجاورت میکردند بر بتان خویش
گفتند بنی اسرائیل ای موسی بساز برای ما معبودی چنانکه ایشان را هستند معبودان گفت هر آئینه شما گروهی هستید
که نادانی می کنید ان هؤلاء متبر ما هم فيه وباطل ما كانوا يعملون ۝ هر آئینه این باطل کرده شده
مذهبی که ایشان دران اند و باطل ست آنچه میکردند قال اغير الله ابغيكم الها وهو فضلكم
على العلمين ۝ و گفت موسی آیا غیر خدا طلب کنم برای شما معبودی و او فضل داده ست شما را بر عالمها واذ
انجينكم من آل فرعون يسومونكم سوء العذاب يقتلون ابناءكم ويستحيون
نساءكم وفي ذلكم بلاء من ربكم عظيم ۝ و یاد کنید نعمت ما چون نجات دادیم شما را از کسان فرعون
می رسانیدند بشما عقوبت سخت می کشتند پسران شما را و زنده میگذاشتند دختران شما را و در همه مقدمه
آزمایش بزرگ بود از جانب پروردگار شما وواعدنا موسى ثلثين ليلة واتممناها ع
بعشر فتم ميقات ربه اربعين ليلة وقال موسى لاخيه هارون اخلفني
في قومي واصلح ولا تتبع سبيل المفسدين ۝ و وعده کردیم با موسی سی شب
و تمام کردیم آن میعاد را بده شب پس کامل شد میعاد پروردگار او چهل شب و گفت موسی برادر خود را
جانشین من باش در قوم من و صلاحکاری کن و پیروی منما راه تباهکاران را ولما جاء موسى
لميقاتنا وكلمه ربه قال رب ارني انظر اليك قال لن تراني ولكن انظر
الى الجبل فان استقر مكانه فسوف تراني فلما تجلى ربه للجبل جعله دكا

وخر موسى

وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا
أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وچون آمد موسی بوعده گاه وسخن گفت با او پروردگار او گفت ای پروردگار
من بنما کن مرا خویش تا نظر کنم بسوی تو گفت خدا نخواهی دید مرا ولیکن نظر کن بسوی کوه پس اگر قرار
خواهد گرفت بجای خود خواهی دید مرا پس وقتیکه ظهور کرد پروردگار او بران کوه گردانید آن کوه را برابر زمین
هموار ساخته وافتاد موسی بیهوش شده پس چون بهوش آمد گفت پاکی یاد میکنم ترا باز گشتم بسوی تو و من
اول مسلمانم قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي فَخُذْ مَا
آتَيْتُكَ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ۝ گفت ای موسی هر آینه من برگزیدم ترا بر مردمان به پیغامهای
خود و بشنوانیدن سخن خود پس بگیر آنچه عطا کردم ترا و باش از شکر کنندگان وَكَتَبْنَا
لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ
قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ ۝ ونوشتیم برای موسی در لوحها
از هر جنس برای پند و برای بیان هر چیز پس گفتیم بگیر آنرا بقوت و بفرما قوم خود را تا عمل کنند به بهترین
آنچه در وست یعنی بعزیمت دون رخصت والله اعلم خواهم نمود شما را سرای گناهکاران یعنی
منازل فرعونیان خراب شده خواهید دید سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي
الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ
لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا
بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ۝ باز خواهم داشت از تامل آیات خود کسی را که تکبر میکنند
در زمین ناحق و اگر ببینند هر نشانه که هست ایمان نیارند و اگر ببینند راه راستی را راه نگیرند آنرا
و اگر ببینند راه گمراهی را راه گیرند آنرا این بسبب آنست که دروغ داشتند آیات ما را و از ان غافل ماندند
وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا
ع يَعْمَلُونَ ۝ وکسانیکه دروغ داشتند آیات ما را و دروغ داشتند ملاقات آخرة را نابود شد
عملهای ایشان جزا داده نشوند الا بانچه میکردند وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ

عجلا جسدا له خوار الم يروا انه لا يكلمهم ولا يهديهم سبيلا اتخذوه و
كانوا ظالمين ۝ وساختند قوم موسى بعد رفتن او از زيور قبطيان كوساله بدنى كه اورا آواز كاو بود آيا
نديدند كه آن كوساله با ايشان هيچ سخن نميكفت و هدايت نميكرد ايشانرا هيچ راه معبود كرفتند آنرا
وايشان ستمكار بودند ولما سقط في ايديهم وراوا انهم قد ضلوا قالوا لئن لم يرحمنا
ربنا ويغفر لنا لنكونن من الخاسرين ۝ وچون نادم شدند وديدند كه ايشان كمراه شده اند
كفتند اكر مهربانى نكند برما پروردكار ما ونيامرزد مارا البته باشيم از زيانكاران ولما رجع
موسى الى قومه غضبان اسفا قال بئسما خلفتموني من بعدي اعجلتم
امر ربكم والقى الالواح واخذ براس اخيه يجره اليه قال ابن ام ان
القوم استضعفوني وكادوا يقتلونني فلا تشمت بي الاعداء ولا تجعلني
مع القوم الظالمين ۝ وچون باز آمد موسى بسوى قوم خود خشمناك شده اندوهكين كشته
كفت بد جانشينى است جانشينى كه كرديد پس از من آيا شتابى كرديد از حكم پروردكار خويش
وانداخت الواح را وكرفت موسى سر برادر خود را ميكشيدش بسوى خود كفت هرون اى پسر مادر
من هر آينه اين قوم ضعيف شمردند مرا ونزديك بودند كه بكشند مرا پس شاد مكن بسبب اهانت من
دشمنانرا و شمار مكن مرا با كروه ستمكاران قال رب اغفر لي ولاخي وادخلنا في رحمتك
وانت ارحم الراحمين ۝ كفت اى پروردكار من بيامرز مرا و برادر مرا و داخل كن ما را در
بخشايش خود و تو بخشاينده ترين بخشايندكانى ان الذين اتخذوا العجل سينالهم
غضب من ربهم وذلة في الحيوة الدنيا وكذلك نجزي المفترين ۝ هر آينه
كسانيكه معبود كرفتند كوساله را خواهد رسيد بديشان خشمى از پروردكار ايشان و رسوائى در حيات دنيا
وهمچنين جزا ميدهيم افترا كنندكانرا والذين عملوا السيئات ثم تابوا من بعدها
وامنوا ان ربك من بعدها لغفور رحيم ۝ و هر آينه كسانيكه كناه كردند و باز توبه
نمودند بعد از كناهان و ايمان آوردند البته پروردكار تو بعد از توبه آمرزنده مهربان است ولما

الراحمين
ع ٦

سكت

سکت عن موسى الغضب اخذ الالواح وفي نسختها هدى ورحمة للذين هم
لربهم يرهبون ۝ و چون ساکن شد خشم از خاطر موسی گرفت الواح را و در مکتوب وی هدایت بود
و بخشایش آنان را که از پروردگار خود می ترسیدند واختار موسى قومه سبعين رجلا
لميقاتنا فلما اخذتهم الرجفة قال رب لو شئت اهلكتهم من قبل واياي
اتهلكنا بما فعل السفهاء منا ان هي الا فتنتك تضل بها من تشاء وتهدي
من تشاء انت ولينا فاغفر لنا وارحمنا وانت خير الغافرين ۝ و اختیار کرد موسی از
قوم خود هفتاد کس برای میعاد ما یعنی با عذر گویند از عبادت گوساله و اجماع اگرچه عبادت نکرده بودند
بر عبادت کنندگان انکار هم نکردند پس خدای تعالی هلاک ساخت والله اعلم پس وقتیکه گرفت ایشان را
زلزله گفت موسی ای پروردگار من اگر میخواستی پیش ازین ایشان را و مرا هلاک میکردی یعنی اگر در
بنی اسرائیل هلاک میشدند تهمت قتل بر موسی ننهادندی والله اعلم آیا هلاک میکنی ما را بجزای آنچه کردند
بیخردان از قوم ما نیست این حادثه مگر امتحان تو گمراه میکنی بآن هر کرا خواهی و راه مینمائی بآن هر کرا خواهی
تو کارساز مائی پس بیامرز ما را و مهربانی کن بر ما و تو بهترین آمرزندگانی واكتب لنا في هذه
الدنيا حسنة وفي الآخرة انا هدنا اليك قال عذابي اصيب به من اشاء
ورحمتي وسعت كل شيء فساكتبها للذين يتقون ويؤتون الزكوة
والذين هم بآياتنا يؤمنون ۝ و بنویس یعنی مقدر کن برای ما درین دنیا و در آخرة نیز
نیکی هر آینه ما رجوع کردیم بسوی تو گفت خدا عذاب من میرسانم بهر که خواهم و مهربانی من احاطه کرده است
هر چیز را پس خواهم نوشت رحمت کامله خود را یعنی در آخرة برای کسانیکه پرهیزگاری میکنند و زکوة
میدهند و کسانیکه ایشان بآیات ما معتقد میشوند مترجم گوید معنی ساکتبها آنست که در آخر زمان رحمت
خاص باشد بتابعان نبی امی والله اعلم الذين يتبعون الرسول النبي الامي الذي يجدونه
مكتوبا عندهم في التورية والانجيل يأمرهم بالمعروف وينهاهم عن المنكر
ويحل لهم الطيبات ويحرم عليهم الخبائث ويضع عنهم اصرهم والاغلال

الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ
مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ خواهم نوشت رحمت اخرویه برای آنانکه پیروی می کنند آن پیغمبررا که نبی
امی ست انکه میابند نعت او نوشته نزدیک خویش در توریت وانجیل میفرماید ایشانرا بکار پسندیده و
منع میکند ایشانرا از نا پسندیده و حلال میسازد برای ایشان پاکیزه ها و حرام میکند بر ایشان ناپاکیزه را
وساقط می کند از ایشان بار گران ایشانرا و آن شغلهارا که بود بر ایشان پس آنانکه ایمان آوردند باو و
تعظیم کردند او را و یاری دادند او را و پیروی کردند نوری را که همراه وی نازل کرده شده ست ایشانند
رستگاران مترجم گوید بشارت دادن خدای تعالی حضرت موسی را بامت مرحومه اول دلیل ست بر نبوة
آنحضرت و لهذا میفرماید والله اعلم قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي
لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۝ بگو
ای مردمان هر آئینه من پیغامبر خدا ام بسوی شما همه یکجا آن خدائی که اوراست پادشاهی همه آسمانها و زمین
نیست هیچ معبود مگر وی زنده می کند و می میراند پس ایمان آرید بخدا و به پیغامبر او که نبی امی ست آنکه تصدیق
مینماید خدارا و سخنان او را و پیروی کنید او را تا بود که شما راه یاب شوید وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ
يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ۝ و از قوم موسی گروهی ست که دلالت میکنند مردمانرا
براه راست و براستی حکم میکنند وَقَطَّعْنَاهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى
إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا
قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى
كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝
و متفرق ساختیم بنی اسرائیل را بر دوازده قسم قبیله قبیله گروه گروه و وحی فرستادیم بسوی موسی وقتیکه
آب خواستند از وی قوم وی که بزن بعصا خود سنگ را پس روان شد از ان سنگ دوازده چشمه بدانست
هر گروهی آب خور خود را و سایبان ساختیم بر ایشان ابر را و نازل کردیم بر ایشان من و سلوی را گفتیم بخورید از

بیا کرمی

ع

اثنتی

باکیزه های اجر روزی داده ایم شما را و ایشان بر ما ستم نکردند و لیکن بر خویشتن ستم کردند وَإِذْ قِيلَ
لَهُمُ اسْكُنُوا هَٰذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ
سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ۝ و یاد کن چون گفته شد ایشان را ساکن شوید
درین دیهه و بخورید ازین دیهه هر جا که خواسته باشید و بگوئید حطه یعنی سوال ما آمرزش است و داخل شوید
بدروازه سجده کنان تا بیامرزیم برای شما گناهان شما را و زیاده خواهیم داد نیکوکاران را فَبَدَّلَ
الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا
كَانُوا يَظْلِمُونَ ۝ پس بدل کردند ستمکاران از بنی اسرائیل سخنی غیر آنچه فرموده شد ایشان را پس فرستادیم
ع ۹
بر ایشان عقوبتی از آسمان بمقابله آنکه ستم میکردند وَاسْأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ
الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ
لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَٰلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۝ و سوال کن یا محمد یهود را
نصف
از حال دیهی که ساکن بود بر لب دریا چون از حد می گذشتند در روز شنبه وقتی که می آمد ماهیان ایشان
ظاهر شده روزی که ایشان بتعظیم شنبه مشغول میشدند و روزی که تعظیم شنبه نمیکردند نمی آمد بایشان
همچنین آزمودیم ایشان را بسبب آنکه فسق میکردند مترجم گوید اهل دیه سه قسم بودند قسمی شکار میکردند و قسمی از ان
نهی میکردند و قسمی نه شکار میکردند و نه از آن منع میکردند والله اعلم وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ
لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةً
إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ و یاد کن چون گفت گروهی از اهل آن دیه یعنی قسم ثالث نهی کنندگان را
والله اعلم چرا پند میدهید گروهی را که خدای تعالی هلاک خواهد کرد ایشان را یا عذاب خواهد کرد ایشان را
عذاب سخت گفتند ما را عذری باشد نزدیک پروردگار شما و تا باشد که ایشان پرهیزکاری کنند فَلَمَّا
نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ
بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۝ پس وقتیکه فراموش کردند آنچه بآن پند داده شد ایشان را نجات
دادیم کسانی را که منع میکردند از کار بد و گرفتار کردیم ستمکاران را بعذاب سخت بسبب آنکه فاسق بودند فَلَمَّا

نصف

عتوا عما نهوا عنه قلنا لهم كونوا قردة خاسئين ۝ پس چون تکبر کردند از ترک آنچه منع کرده شدند
ایشان را از آن گفتیم ایشان را شوید بوزنگان خوار شده وإذ تأذن ربك ليبعثن عليهم إلى
يوم القيمة من يسومهم سوء العذاب إن ربك لسريع العقاب وإنه لغفور
رحيم ۝ و یاد کن چون آگاه کردانید پروردگار تو یعنی بنی اسرائیل را که بفرستد البته بر ایشان تا روز قیامت
کسی را که برساند بایشان عقوبت سخت هر آینه پروردگار تو زود عقوبت کننده است هر آینه او آمرزنده
مهربان است مترجم گوید بعد ازین هیچ پادشاهی در بنی اسرائیل پیدا نشد و همیشه رعیت بادشاهان اسلام
ونصاری و مجوس می بودند والله اعلم وقطعناهم في الأرض أمما منهم الصالحون ومنهم
دون ذلك وبلوناهم بالحسنات والسيئات لعلهم يرجعون ۝ و پراکنده کردیم
در زمین بنی اسرائیل را گروه گروه بعض از ایشان شایستگانند و بعض از ایشان سوای این اند و امتحان
کردیم ایشان را بنعمتها و شدتها تا باز گردند یعنی بسوی راه راست فخلف من بعدهم خلف
ورثوا الكتاب يأخذون عرض هذا الأدنى ويقولون سيغفر لنا وإن يأتهم
عرض مثله يأخذوه ألم يؤخذ عليهم ميثاق الكتاب أن لا يقولوا على الله
إلا الحق ودرسوا ما فيه والدار الآخرة خير للذين يتقون أفلا تعقلون ۝
پس از پی در آمدند بعد از ایشان جانشینان بد که وارث توریت شدند یعنی احبار بنی اسرائیل اختیار
می کنند متاع این عالم خسیس را و میگویند آمرزیده خواهد شد برای ما و اگر بیاید متاعی مانند آن البته
بگیرند آنرا یعنی مقر اند بر اخذ آن و غیر نادم اند از آن و توبه بغیر نادم صحیح نیست والله اعلم آیا گرفته نشده است
بر ایشان آن عهد که در توریت است که نگویند بر خدا مگر سخن راست و خوانده اند آنچه در توریت است
و سرای آخرت بهتر است پرهیزکاران را آیا فهم نمی کنید والذين يمسكون بالكتاب وأقاموا
الصلوة إنا لا نضيع أجر المصلحين ۝ و آنانکه تمسک میکنند بکتاب و برپا داشتند نماز را
هر آینه ما ضایع نمیسازیم مزد این نیکوکاران را وإذ نتقنا الجبل فوقهم كأنه ظلة وظنوا
أنه واقع بهم خذوا ما آتيناكم بقوة واذكروا ما فيه لعلكم تتقون ۝ و یاد کن

١٠ ع ٩

چون برداشتیم کوه را بالای ایشان گویا وی سایبانی است و گمان کردند که آن کوه خواهد افتاد بر ایشان
گفتیم بگیرید آنچه دادیم شما را آنچه تمام و یاد کنید آنچه در وی است تا بود که شما در پناه باشید از عذاب وَإِذْ أَخَذَ
الله رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ
أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ۝
و یاد کن چون گرفت پروردگار تو از بنی آدم از پشت ایشان اولاد ایشان یعنی روز میثاق از آدم
اولاد او پیدا کرد و از ایشان اولاد ایشان را بترتیبی که در خارج متحقق شد والله اعلم و گواه گردانید
ایشان را بر ذات ایشان گفت آیا نیستم پروردگار شما گفتند آری هستی گواه شدیم این شاهد گرفتن برای
احتراز از آن است که نگویید روز قیامت هر آینه ما بی‌خبر بودیم از این توحید أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ
آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ۝ یا نگویید
که بجز این نیست که شرک آورده بودند پدران ما پیش از ما و ما نسلی بودیم آمده بعد از ایشان یعنی
پس تقلید ایشان کردیم پس هلاک میکنی ما را بعقوبت آنچه بدکاران کردند وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ
وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ و همچنین بیان میکنیم نشانها تا باز گردند وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ
آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ ۝ و بخوان بر ایشان خبر
کسی که داده بودیم او را علم آیات خود پس بیرون رفت از علم آن آیات یعنی تابع شهوات نفس شد
تابع شهوات نفس را عالم نتوان گفت پس در پی او شد شیطان پس گشت از گمراهان یعنی بلعم باعور
که کتب الهی خوانده بود بعد از آن باغوای زن خود با ایذای حضرت موسی قصد کرد و ملعون شد والله اعلم
وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ
إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ۝ و اگر میخواستیم بر داشتیمی او را یعنی منزلت او را بسبب
این آیات ولیکن میل کرد بسوی پستی و پیروی خواهش خود کرد پس صفت او مانند صفت سگ است
اگر مشقت اندازی بروی یعنی بر زدن و دوانیدن زبان از دهن بیرون افگند و اگر معطل بگذاری

او را نیز بیرون افکند این صفت گروهی است که دروغ شمردند آیات ما را پس بخوان بر ایشان این پند
تا ایشان تامل کنند سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ ۝
باعتبار صفت بد اند این قوم که دروغ داشتند آیات ما را و بر خویشتن ستم میکردند مَنْ يَهْدِ اللَّهُ
فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَنْ يُضْلِلْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ هر کرا راه نماید خدا همان است راه یابنده
و هر کرا گمراه سازد پس آن جماعه ایشانند زیانکاران وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنِّ
وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ
لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ۝ و هر آینه بیافریدیم
برای دوزخ بسیاری از جنیان و آدمیان ایشانرا دلهاست که نمی فهمند بآن و ایشانرا چشمهاست که
نمی بینند بآن و ایشانرا گوشهاست که نمی شنوند بآن ایشان مانند چارپایان اند بلکه ایشان گمراه تر اند
ایشانند بیخبران وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ
سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ و خدایراست نامهای نیک پس بخوانید او را بآن نامها و بگذارید
آنرا که کجروی میکنند در نامهای خدا یعنی ابو المسیح و ابو الملائکه می گفتند و داده خواهند شد مر ایشانرا
جزای آنچه میکردند وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ۝ و از آن جماعه که پیدا کرده ایم
گروهی هست که دلالت میکنند بدین حق و بآن دین حق عدل میکنند وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ۝ و کسانیکه دروغ
داشتند آیات ما را پایه پایه بکشیم ایشانرا تا محل هلاک از آن راه که ندانند و مهلت دهم ایشانرا هر آینه
تدبیر من محکم است أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ ۝
آیا تامل نکردند که نیست این همنشین را هیچ دیوانگی نیست مگر او بیم کننده آشکارا أَوَلَمْ يَنْظُرُوا
فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ
قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ۝ آیا نظر نکردند به پادشاهی خدا
در آسمانها و زمین و در آنچه خدا پیدا کرده است از هر چیز و آیا نظر کردند در آن که شاید که نزدیک شده باشد

ربع

اجل ایشان

اجل ایشان پس بکدام سخن بعد قرآن ایمان خواهند آورد مَنْ يُضْلِلِ اللّٰهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ
فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ هر که گمراه سازدش خدا هیچ راه نماینده نیست او را و می گذارد ایشانرا خدا
در گمراهی خویش سرگردان شده يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ
رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً
يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللّٰهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝
سوال میکنند ترا از قیامت که کی باشد استقرار آن بگو جز این نیست که علم قیامت نزدیک پروردگار منست
پدید نه آرد او را در وقت او مگر خدا گران شده است یعنی مشکل شده است دانستن قیامت در آسمانها
و زمین نیاید بشما مگر ناگهان سوال میکنند ترا از قیامت گوییا تو کاوش کننده از آن یعنی عالمی بگو که دانش او
نزدیک خداست ولیکن بسیاری از مردمان نمیدانند قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا
مَا شَاءَ اللّٰهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ
أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ بگو نمی توانم برای خود نفع رسانیدن و نه ضرر کردن
مگر آنچه خدا خواسته است و اگر من دانستمی علم غیب هر آینه بسیار جمع کردمی از جنس منفعت و نرسیدی بمن
هیچ سختی نیستم من مگر بیم کننده و مژده دهنده برای گروهی که ایمان دارند هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ
وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ
فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللّٰهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ۝ اوست آنکه
پیدا کرد شمارا از یک شخص و پیدا کرد از آن یک شخص زنش را تا آرام گیرد با وی پس چون جماع کرد مرد با
زن خود بار گرفت باری سبک بر آمد و رفت کرد بآن بار سبک بعد از آن چون زن گران بار شد
هر دو دعا کردند بجناب پروردگار خویش که اگر فرزندی شایسته بدهی ما را باشیم از شکر کنندگان مترجم گوید
فلما تغشاها کلام علیحده است یعنی خدای تعالی آدم و حوا را پیدا کرد و از ایشان نسل بسیار پدید آورد بعد از آن
تفسیر ایشان از نسل میفرماید فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللّٰهُ عَمَّا
يُشْرِكُونَ ۝ پس چون داد خدای تعالی ایشانرا فرزندی شایسته مقرر کردند برای او شریکان در آنچه

داده بود بایشان پس بلند قدرست انان چه شریک مقرر میکنند مترجم گوید این تصویرست حال آدمی را که نزدیک
نقل حمل نیت اخلاص درست کند و چون فرزند بوجود آید انرا فراموش سازد و در تسمیه اشراک کند و ازینجا
دانسته شد که شرک در تسمیه نوعی ست از شرک چنانکه اهل زمانه ما غلام فلان و عبد فلان نام می نهند والله اعلم
أَيُشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ۝ آیا این مشرکان شریک مقرر کنند چیزی را که هیچ نمی آفرینند
و خود این شریکان آفریده میشوند وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ۝
و نمی توانند برای پرستندگان خود یاری دادن و نه خود را یاری میدهند وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ
لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ ۝ اگر بخوانید بتان را بسوی
راه هدایت پیروی نکنند شما را یعنی اگر بگوئید بخورید یا بیائید با شما هیچ کار نکنند برابرست بر شما آنکه دعوة
کنید ایشان را یا خاموش باشید إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ فَادْعُوهُمْ
فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ ای مشرکان کسانیکه عبادت می کنید ایشان را بجز خدا
بندگان اند مانند شما پس بخوانید ایشان را و باید که قبول کنند دعاء شما را اگر راست گو هستید أَلَهُمْ
أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ ایه
آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنْظِرُونِ ۝ آیا بتان را
پایهاست که راه میروند بآن آیا ایشان را دستهاست که تناول میکنند بآن آیا ایشان را چشمهاست
که می بینند بآن آیا ایشان را گوشهاست که می شنوند بآن بگو ای مشرکان بخوانید شریکان خود را بعد ازان
بدسگالی کنید در حق من و مهلت مدهید مرا إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى
الصَّالِحِينَ ۝ هرآئینه کارساز من خداست آنکه فرود آورد کتاب را و او کارسازی می کند نیکوکاران را
وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ۝
و آنانکه میخوانید ایشان را بجز خدا نمی توانند یاری دادن شما را و نه خود را یاری میدهند وَإِنْ
تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ۝
و اگر دعوة کنید ایشان را بسوی راه هدایت نشنوند سخن شما را و ای بیننده می بینی بتان را که می نگرند

بسوی تو وحال آنکه ایشان هیچ نمی بینند خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ۝
لازم گیر در گذر را و بفرما بکار پسندیده و اعراض کن از نادانان وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ
نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ واگر دغدغه کند ترا از جانب شیطان طلب پناه
طلب کن از خدا هر آینه او شنوا دانا ست إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ
الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ۝ هر آینه متقیان چون رسد ایشانرا وسوسه از
شیطان یاد می کنند خدا را پس ناگهان ایشان بینا می شوند وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ
ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ ۝ و برادران کافران یعنی قرینان ایشان از شیاطین والله اعلم می کشند
ایشانرا در گمراهی و هرگز باز نمی ایستند وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا
قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَى إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ
لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ یا محمد چون نمی آری نزدیک ایشان آیتی میگویند چرا از طرف خود انشا نمیکنی
او را بگو جز این نیست که پیروی میکنم با نچه فرود آورده شده است بسوی من از پروردگار من این قران
نشانها ست آمده از پروردگار شما و هدایت و بخشایش است مر قوم مومنانرا وَإِذَا قُرِئَ
الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝ و چون خوانده شود قران پس گوش نهید
بسوی آن و خاموش باشید تا مهربانی کرده شود بر شما وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا
وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ ۝
و یاد کن پروردگار خود را در ضمیر خود بزاری و ترسکاری و یاد کن پروردگار خود را بکلام پست تر
از بلند آوازی بامداد و شبانگاه و مباش از غافلان إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ
عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ۝ هر آینه کسانیکه نزدیک پروردگار تواند یعنی
ملا اعلی گردن کشی نمیکنند از عبادت او و بپاکی یاد میکنند او را و تخصیص او را سجده می کنند مترجم گوید
سوره انفال در قصه بدر فرود آمده است در آیات این سوره اشارة بوقایع این غزوه واقع شد
از آن جمله آنست که مسلمانان در غنیمت مباحثه میکردند آنانکه غارت کرده بودند خواستند که تنها بر آن

سجده ۱۲ کلمه ۱۲ ربع ۱۱

متصرف شوند دیگران خواستند که علی السویه قسمت شود خدای تعالی نازل ساخت که متصرف و مختار در
غنایم خدا و رسول اوست و دیگری را درین باب دخل نیست و آنچه جاهلیت میکردند از استیثار غارت کننده
بغنیمت باطل است بعد ازان حکم فرمود که غنیمت را پنج قسم باید کرد چهار قسم در میان غانمان قسمت کنند
و یکی در بیت المال نگاهداشته بمصرف آن رسانند و این تصرف حق است و عطاء اوست بغیر دخل غارت کنندگان
پس آیة قل الانفال لله والرسول محکم است غیر منسوخ سورة الانفال مدنية وهي سبع وسبعون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

يَسْئَلُوْنَكَ عَنِ الْاَنْفَالِ قُلِ الْاَنْفَالُ لِلّٰهِ وَالرَّسُوْلِ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَصْلِحُوْا
ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَاَطِيْعُوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِيْنَ ۝ می پرسند ترا از غنیمتها
بگو غنیمتها خدا و رسول راست یعنی متصرف در غنایم ایشانند و کسی دیگر را اختیار نیست والله اعلم پس
بترسید از خدا و بصلاح آرید صحبتی را که میان شماست و فرمانبرداری کنید خدا و رسول او را اگر مسلمان
هستید اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ الَّذِيْنَ اِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ وَجِلَتْ قُلُوْبُهُمْ وَاِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ
اٰيٰتُهٗ زَادَتْهُمْ اِيْمَانًا وَّعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُوْنَ ۝ جز این نیست که مومنان آنانند که چون
یاد کرده شود خدا بترسد دل ایشان و چون خوانده شود بر ایشان آیات خدا زیاده سازند آن آیات
ایمان ایشان را و بر پروردگار خویش توکل میکنند اَلَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ
يُنْفِقُوْنَ ۝ آنانکه برپا میدارند نماز را و از آنچه روزی دادیم ایشان را خرج میکنند اُولٰٓئِكَ هُمُ
الْمُؤْمِنُوْنَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجٰتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَّرِزْقٌ كَرِيْمٌ ۝ ایشانند
مومنان بتحقیق ایشان راست مرتبها نزدیک پروردگار ایشان و آمرزش و روزی نیک كَمَآ
اَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْۢ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَاِنَّ فَرِيْقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِيْنَ لَكٰرِهُوْنَ ۝ چنانکه
بیرون آورد ترا پروردگار تو بتدبیر درست و هر آینه گروهی از مسلمانان ناخشنود بودند مترجم گوید
یعنی کار در قسمت غنایم بر وفق حکم خداست نه موافق آرزوی نفوس چنانکه بیرون آوردن تو بتدبیر درست بود
از نزدیک خدا بر خلاف اراده قوم والله اعلم يُجَادِلُوْنَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَاَنَّمَا

يساقون

يُسَاقُوْنَ اِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُوْنَ ۝ خصومت میکردند با تو در سخن راست بعد از انکه ظاهر شد
گویا رانده میشوند بسوی مرگ وایشان دران می نگرند وَاِذْ يَعِدُكُمُ اللّٰهُ اِحْدَى الطَّآئِفَتَيْنِ
اَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّوْنَ اَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُوْنُ لَكُمْ وَيُرِيْدُ اللّٰهُ اَنْ يُّحِقَّ
الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهٖ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِيْنَ ۝ و یاد کن نعمت الہی انگاه که وعده میداد خدا شما
یکی از دو گروه که وی شما را باشد و دوست میداشتید که غیر فوج جنگی شما را بود و میخواست خدا که ثابت
کند دین حق را بفرمانهای خویش و ببرد بنیاد کافران را لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُوْنَ ۝
میخواست تا ثابت کند دین حق را و برطرف کند این باطل را اگرچه ناخوشنود باشند گناهکاران درین
آیات تعریض بان قصه که آنحضرت صلی الله علیه واله وسلم در غزوه بدر برای غارت کردن کاروان
قریش متوجه شد وایشان خبر یکاروان رسیده راه ساحل اختیار نمودند و خلاص شدند ابو جهل که بمدد ایشان
با لشکران از مکه برآمده بود مقابل آنحضرت شد بعض اصحاب میل بغارت کردن کاروان کردند و جمعی
قصد کارزار لشکر نمودند و مرضی آنحضرت جنگ با لشکر بود اِذْ تَسْتَغِيْثُوْنَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ
لَكُمْ اَنِّىْ مُمِدُّكُمْ بِاَلْفٍ مِّنَ الْمَلٰٓئِكَةِ مُرْدِفِيْنَ ۝ انگاه که فریاد میکردید در جناب
پروردگار خویش پس قبول کرد دعاء شما را که من مدد کننده شماام بهزار کس از فرشتگان از پس خود
جماعه دیگر را آورده یعنی یکهزار بودند بعد ازان سه هزار گشتند و بعد ازان پنجهزار شدند والله اعلم
وَمَا جَعَلَهُ اللّٰهُ اِلَّا بُشْرٰى وَلِتَطْمَئِنَّ بِهٖ قُلُوْبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ اِلَّا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ
ع ۱۴ ۱۲ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ۝ و نساخت خدا این مدد را مگر برای مژده و تا آرام گیرد بان
دل شما مگر از نزدیک خدا هر آینه خدا غالب با حکمت ست اِذْ يُغَشِّيْكُمُ النُّعَاسَ اَمَنَةً مِّنْهُ
وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِّنَ السَّمَآءِ مَآءً لِّيُطَهِّرَكُمْ بِهٖ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطٰنِ
وَلِيَرْبِطَ عَلٰى قُلُوْبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْاَقْدَامَ ۝ انگاه که میپوشید شما را پینکی بجهت
از نزدیک خود و فرود می آورد بر شما از آسمان آب تا پاک کند شما را بان و ببرد از شما آلودگی
شیطان و تا به بندد بر دل شما یعنی ثابت دارد دلها را و محکم کند بان پایها را درین آیه تعریض است

بآن قصه که روز بدر مسلمانان تشنه بودند و محدث بودند و آب نداشتند و از جهت وسوسه شیطان بخاطر
ایشان راه مییافت خدای تعالی باران فرستاد و نیکی ابر چشم ایشان مسلط کرد تا اضطراب دل برطرف
شود اذ یوحی ربک الی الملائکة انی معکم فثبتوا الذین آمنوا سالقی فی قلوب
الذین کفروا الرعب فاضربوا فوق الاعناق واضربوا منهم کل بنان ۞ آنگاه که
وحی فرستاد پروردگار تو بسوی فرشتگان که من با شمام پس استوار سازید مسلمانان را رعب
خواهم افکند در دل کافران پس بزنید ای مسلمانان بالای گردنها و بزنید از ایشان هر طرف دست
و پای را ذلک بانهم شاقوا الله ورسوله ومن یشاقق الله ورسوله فان الله
شدید العقاب ۞ این بسبب آنست که ایشان خلاف کردند با خدا و رسول او و هر که خلاف کند
با خدا و رسول او پس خدا سخت عقوبت است ذلکم فذوقوه وان للکافرین عذاب النار ۞
این را بچشید و بدانید که کافران راست عذاب آتش یا ایها الذین آمنوا اذا لقیتم الذین
کفروا زحفا فلا تولوهم الادبار ای مسلمانان چون بهم آئید با کافران انبوه کرده پس
مگردانید بسوی ایشان پشت را ومن یولهم یومئذ دبره الا متحرفا لقتال او
متحیزا الی فئة فقد باء بغضب من الله ومأواه جهنم وبئس المصیر ۞
و هر که بگرداند بسوی ایشان آن روز پشت خود را مگر رجوع کنان برای جنگی یا پناه جویان بسوی گروهی
پس هر آینه بازگشت بخشمی از خدا و جای او جهنم است و بد جائی است فلم تقتلوهم ولکن الله
قتلهم وما رمیت اذ رمیت ولکن الله رمی ولیبلی المؤمنین منه بلاء
حسنا ان الله سمیع علیم ۞ پس شما نکشته اید آن جماعه را ولیکن خدا کشت ایشان را و تو یا محمد
نه افکندی یعنی مشت خاک وقتی که افکندی ولیکن خدا افکند تا عطا کند مسلمانان را از نزدیک خویش ع ۱۴ ۱۳
عطاء نیکو هر آینه خدا شنوا داناست تعریض است بآن قصه که آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم روز بدر
یک مشت سنگریزه بسوی کفار انداخت پس هیچکس از ایشان نبود که چیزی از آن بچشمش داخل نشد و استقلال
تازه بدل مسلمانان ظاهر شد و این تائید غیبی بود ذلکم وان الله موهن کید الکافرین ۞

حال اینست

حال اینست و بدانید که خدا سست کننده ست حیلهٔ کافران إِن تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمُ الْفَتْحُ
وَإِن تَنتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِن تَعُودُوا نَعُدْ وَلَن تُغْنِيَ عَنكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا
وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ۔ ای کافران اگر طلب فتح میکردید پس آمد شما را فتح و اگر
باز ایستید پس آن بهتر ست شما را و اگر باز گردید شما یعنی بنا فرمانی باز گردیم یعنی بجزا دادن و دفع نکند
از شما جماعت شما چیزی را اگر چه بسیار باشد و بدانید که خدا با مسلمانان ست تعریض ست بآن قصه که ابو جهل
روز غزوهٔ بدر دعا کرد که بار خدایا هر که از میان این هر دو گروه قاطع رحم ست و دین باطل پیش
گرفته ست او را هلاک کن و بحقیقه متصف باین صفات ابو جهل و قوم او بودند يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنتُمْ تَسْمَعُونَ ۔ ای مسلمانان فرمانبرداری
کنید خدا و رسول او را و روی مگردانید از وی و حال آنکه شما می شنوید وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ
قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ۔ و مشوید مانند کسانیکه گفتند شنیدیم و ایشان نمی شنوند
یعنی مانند اهل کتاب که توریت میخواندند و بزبان معترف شدند و بران عمل نکردند إِنَّ شَرَّ
الدَّوَابِّ عِندَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ۔ هر آینه بدترین جنبندگان نزدیک
خدا کران گنگانند آنانکه در نمی یابند وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوا وَّهُم
ولو اسمعهم
مُّعْرِضُونَ ۔ و اگر دانستی خدا در ایشان نیکوئی البته شنوانیدی ایشانرا یعنی لیکن بدانست
و اگر شنوانیدی ایشانرا روی می گردانیدند اعراض کنان يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا
لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ
وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۔ ای مسلمانان قبول کنید خواندن خدا و رسول را چون بخوانند شما را برای آنکه
زنده دل سازد شما را و بدانید که خدا حایل میشود میان مرد و دل او یعنی عزیمت او فسخ میکند و بدانید
که بسوی او برانگیخته خواهید شد وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَّا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنكُمْ
خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۔ و بپرهیزید از فتنه که نرسد بآنانکه
ستم کردند از شما بتخصیص یعنی بلکه عام بود شامت او و الله اعلم و بدانید که خدا سخت عقوبت ست

وآن فتنه عقوبت ظهور بدعتست یا ترک نهی منکر والله اعلم وَاذْكُرُوا إِذْ أَنتُمْ قَلِيلٌ
مُّسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَن يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُم
بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ • و یاد کنید ای مهاجران نعمت الهی
آنوقت که شما اندک بودید ناتوان شمرده در زمین یعنی در مدینه و قوت داد شما را بنصرة خود
و روزی داد شما را از چیزهای پاکیزه تا شود که سپاس داری کنید يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا
اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ • ای مسلمانان خیانت مکنید با خدا
و رسول و خیانت مکنید امانتهای یکدیگر را دانسته وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ
فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِندَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ • و بدانید که مالهای شما و فرزندان شما آزمایش است
و آنکه خدا نزدیک اوست مزد بزرگ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل ع
لَّكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ • ۱۴
ای مسلمانان اگر بترسید از خدا پیدا کند برای شما فتح را و درگذراند از شما گناهان شما را و بیامرزد
شما را و خدا صاحب فضل بزرگست وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ
يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ •
و یاد کن نعمت الهی یا محمد آنگاه که بدسگالی میکردند در حق تو کافران تا حبس کنند ترا یا بکشند ترا
یا جلا وطن کنند ترا و ایشان بدسگالی میکردند و خدا بدسگالی میکرد با ایشان و خدا بهتر
بدسگالی کنندگانست تعریضست بآن قصه که کفار در مکه جمع شده این رای میزدند وَإِذَا
تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَٰذَا إِنْ هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ
الْأَوَّلِينَ • و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما گویند شنیدیم و اگر خواهیم بگوییم مانند آن
نیست این مگر افسانه پیشینیان وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِن كَانَ هَٰذَا هُوَ الْحَقَّ مِنْ عِندِكَ
فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنَ السَّمَاءِ أَوِ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ • و آنگاه که گفتند
بار خدایا اگر هست این قرآن راست از نزدیک تو پس بباران سنگ را از آسمان یا بیار بر ما عذاب

دردناک را وما کان الله لیعذبهم وانت فیهم وما کان الله معذبهم
وهم یستغفرون ۝ ونیست خدا که عذاب کند ایشانرا و تو میان ایشان باشی و هرگز نیست خدا عذاب کننده
ایشان و ایشان استغفار میکنند یعنی سنة الله آنست که تا پیغامبر در میان قوم باشد عذاب
عام نمیکند و همچنان تا آنکه ایشان استغفار میکنند عذاب نمی آید وما لهم الا یعذبهم
الله وهم یصدون عن المسجد الحرام وما کانوا اولیاءه ان اولیاؤه
الا المتقون ولکن اکثرهم لا یعلمون ۝ ونیست مر ایشانرا که عذاب نکند ایشانرا
خدا حال آنکه ایشان باز میدارند یعنی مردمانرا از مسجد الحرام و نیستند سزاواران آنجا مگر متقیان ولکن
بیشتری ایشان نمیدانند یعنی اصل استحقاق عذاب ابد لیکن بودن پیغامبر در میان ایشان مانع بود
حال مانع برخواست وما کان صلاتهم عند البیت الا مکاء وتصدیة فذوقوا
العذاب بما کنتم تکفرون ۝ ونیست نماز ایشان نزدیک خانه کعبه بجز صفیر کردن و دست
زدن پس بچشید ای کافران عذاب بسبب کافر شدن خود ان الذین کفروا ینفقون
اموالهم لیصدوا عن سبیل الله فسینفقونها ثم تکون علیهم حسرة ثم
یغلبون والذین کفروا الی جهنم یحشرون ۝ هر آینه کافران خرج میکنند اموال خود را
تا باز دارند مردمانرا از راه خدا پس زود باشد که خرج کنند آنرا باز باشد خرج کردن پشیمانی بر ایشان
باز مغلوب شوند و کافران بسوی دوزخ رانده شوند لیمیز الله الخبیث من الطیب
ویجعل الخبیث بعضه علی بعض فیرکمه جمیعا فیجعله فی جهنم اولئک
هم الخاسرون ۝ مغلوب شوند کافران و خرج کردن پشیمانی بود بر ایشان تا جدا سازد خدای تعالی
ناپاک را از پاک و بنهد ناپاک بعض آنرا بر بعض پس توده سازد آنهمه را یکجا پس در آورد آنرا در
دوزخ آنجماعه ایشانند زیانکاران و این تصویرست حال کسی را که میخواهد خرد و کلان چیزی را باطل سازد
ودفع کند قل للذین کفروا ان ینتهوا یغفر لهم ما قد سلف وان یعودوا فقد
مضت سنة الاولین ۝ بگو کافرانرا اگر باز ایستند آمرزیده شود ایشانرا آنچه گذشت و اگر عود کنند

پس هرآینه گذشته است روش پیشینیان وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ
كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ و کارزار کنید ای مسلمانان با ایشان
تا آنکه نباشد هیچ فتنه یعنی غلبه کفر و باشد دین همه اش برای خدا پس اگر باز ایستند از شرک یعنی مسلمان
شوند هرآینه خدا بآنچه می کنند بیناست وَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ
وَنِعْمَ النَّصِيرُ ۝ و اگر روی بگردانند یعنی از اسلام پس بدانید که خدا مددکار شماست نیک مددکارست
وی و نیک یاری دهنده است وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ
وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنتُمْ آمَنتُم بِاللَّهِ وَمَا
أَنزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝
و بدانید آنچه غنیمت یافتید از کافران از هر جنس پس پنجم حصه اش خدا راست و پیغامبر را و خویشاوندان را
یعنی خویشاوندان پیغامبر را که بنی هاشم و بنی مطلب اند و یتیمان و درویشان و مسافران را اگر هستید که
ایمان آورده اید بخدا و بآنچه فرو فرستادیم بر بنده خویش روزیکه جدا شد حق از باطل روزیکه بهم آمدند
دو گروه یعنی ایمان آوردید بآنکه روز بدر نصرت نازل فرمود و خدا بر همه چیز تواناست مترجم گوید
چهار خمس غانمان را باید و یک خمس در بیت المال نهاده بر پنج حصه یا شش حصه قسمت باید کرد علی اختلاف
المذاهب والله اعلم إِذْ أَنتُم بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُم بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ
مِنكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدتُّمْ لَاخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَٰكِن لِّيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا
لِّيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَن بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝
اگر ایمان آورده اید بآنچه فرو فرستادیم بر بنده خود آنگاه که شما بکناره نزدیک بودید و ایشان بکناره
دورتر و کاروان پایین تر از شما یعنی بجانب دریا و اگر با یکدیگر جنگ مقرر میکردید البته خلاف مینمودید
در وعده و لیکن جمع کرد تا بانجام رساند خدا کاری که کردنی بود تا هلاک شود کسیکه هلاک شده است
بعد قیام حجت و زنده ماند کسی که زنده شد بعد قیام حجت و هرآینه خدا شنوا داناست مراد از هلاک
اصرار بر کفرست و از حیوة مسلمان شدن إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَاكَهُمْ

كثيرا

كَثِيرًا لَفَشِلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَٰكِنَّ اللّٰهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝ اگر بنمایان
آورده اید باجه فزو فرستادم بر بنده خود آنگاه که بنمود خدا ایشانرا بتو در خواب تو اندکی و اگر بنمودی
بتو ایشانرا بسیار البته بزدلی میکردید و باکید یکر نزاع مینمودید در کار و لیکن خدا سلامت داشت یعنی از
بزدلی هر آینه وی دانا ست باجه در سینه هاست وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ الْتَقَيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ
قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللّٰهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ
ع٤ ١ و آنگاه که بنمود بشما ایشانرا جون روبرو شدید در جشم شما اندکی و کم نمود شمارا در جشم ایشان تا بانجام
رساند کاری را که کردنی بود و بسوی خدا باز گردانیده شوند کارها يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ
فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللّٰهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ ای مسلمانان جون روبرو شوید
باگروهی پس ثابت باشید و یاد کنید خدارا بسیار بود که شما رستگار شوید وَأَطِيعُوا اللّٰهَ وَرَسُولَهُ
وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ۝ و فرمان دارید
کنید خدا و رسول اورا و باکدیکر نزاع مکنید که در ینصورت بزدل شوید و برود دولت شما و شکیبائی ورزید
هر آینه خدا با شکیبایانست وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ
النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ۝ و مباشید مانند کسانی که
بیرون آمدند از خانهای خود از روی سرکشی و خودنمائی بمردمان و باز میداشتند از راه خدا و خدا باجه می کنید
در گیرنده است و این حال ابو جهل و یاران اوست والله اعلم وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ
وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمُ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَاءَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَىٰ
عَقِبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللّٰهَ وَاللّٰهُ شَدِيدُ
ع٤ ٢ الْعِقَابِ ۝ و آنگاه که شیطان بیاراست برای این کافران کردارهای ایشانرا و گفت هیچکس از مردمان
غلبه کننده نیست بر شما امروز و هر آینه من مدد کننده ام شمارا پس جون روبرو شدند هر دو گروه باز گشت
شیطان بر پاشنه خود و گفت هر آینه من بیعلقم از شما هر آینه من می بینم آنجه شما نمی بینید هر آینه من میترسم از خدا
و خدا سخت عقوبتست إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَٰؤُلَاءِ دِينُهُمْ

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَإِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ • آنگاه که می گفتند منافقان و آنانکه در دل ایشان
بیماریست فریفته است این مسلمانان را دین ایشان و هر که توکل کند بر خدا هر آینه خدا غالب درست کار است
وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلٰٓئِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا
عَذَابَ الْحَرِيقِ ۞ ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ • و تعجب میکردی
اگر می دیدی ای بینده چون فرشتگان قبض ارواح کافران می کنند میزنند بر روی ایشان و بر پشت ایشان
و میگویند بچشید عذاب سوختن این بسبب آن کردار است که پیش فرستاده است دست شما و بسبب آنکه خدا
ظلم کننده نیست بر بندگان كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللّٰهِ
فَأَخَذَهُمُ اللّٰهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ • مانند عادت قوم فرعون
و آنانکه پیش از ایشان بودند کافر شدند بآیات خدا پس گرفتار کرد خدا ایشان را بگناهان ایشان هر آینه خدای
توانا سخت عقوبت است ذٰلِكَ بِأَنَّ اللّٰهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتّٰى
يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ • این بسبب آنست که خدا هرگز نیست تغیر دهنده
هیچ نعمتی که انعام کرده باشد بر قومی تا آنکه ایشان بدل کنند حالی را که در ذات ایشان است یعنی شکر را
بکفران نعمت و طاعت را بمعصیت و این بسبب آنست که خدا شنوا داناست كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ
وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنٰهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا
آلَ فِرْعَوْنَ وَكُلٌّ كَانُوا ظٰلِمِينَ • مانند حال کسان فرعون و آنانکه پیش از ایشان بودند
دروغ شمردند آیات پروردگار خویش را پس هلاک ساختیم ایشان را بگناهان ایشان و غرق ساختیم
کسان فرعون را و هر یک ستمکار بودند إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللّٰهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ
لَا يُؤْمِنُونَ • هر آینه بدترین جنبندگان نزدیک خدا آنانند که کافر شدند پس ایمان نمی آرند
• الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ
آنانکه عهد بسته با ایشان باز می شکنند عهد خود را در هر مرتبه و ایشان پرهیز نمی کنند تعریض است
بقبایل یهود که آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم با ایشان صلح کرده بودند و ایشان وقت بعد وقت غدر

می کردند

می شوند فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ۝
پس اگر بیابی ایشانرا در جنگ متفرق ساز بسبب کشتن ایشان آنانرا که پس پشت ایشان باشند بود که پند پذیر
شوند وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
الْخَائِنِينَ ۝ واگر بترسی از گروهی خیانت را پس باز گردان بسوی ایشان عهد ایشان را بنوعی که ع ۴
همه برابر شوند یعنی ملامت نقض عهد بر شما لازم نیاید والله اعلم و هر آینه خدا دوست نمیدارد خیانت کنندگانرا
وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ ۝ و باید که نپندارند کافران که
ایشان پیش دستی کرده اند هر آینه ایشان عاجز نتوانند ساخت وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ
مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ
مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ۝ و مهیا سازید ای مسلمانان برای ایشان آنچه توانید از
توانائی یعنی استعمال آلات جنگ مثل تیر انداختن واز آماده داشتن اسپان بترسانید بآن دشمن خدا
و دشمن خویش و قومی دیگر را غیر ایشان شما نمیدانید ایشانرا و خدا میداند ایشانرا یعنی اهل نفاق اند
والله اعلم و آنچه خرج کنید از هر چه باشد در راه خدا تمام داده شود بشما یعنی ثواب آن والله اعلم و شما
ستم کرده نشوید وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ ۝ و اگر میل کنند بصلح تو پس تو هم میل کن بسوی آن و این امر برای اباحت است والله اعلم
و توکل کن بر خدا و هر آینه وی شنوا داناست وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ
حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ
لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ
بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ و اگر خواهند که فریب دهند ترا پس کفایت کننده است ع ۵
ترا خدا همونست آنکه قوة داد ترا بیاری دادن خود و مسلمانان و همونست آنکه الفت داد میان
دلهای ایشان اگر خرج میکردی آنچه در زمین است همه یکجا الفت نمیدادی میان دلهای ایشان ولکن

خدا الفت افکند میان ایشان هر آینه او غالب با حکمت ست يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ
اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ ای پیغامبر کفایت ست ترا خدا و کفایت کنند ترا انانکه پیروی تو کرده اند
از مسلمانان يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ
يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ
قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ۝ ای پیغامبر رغبت ده مسلمانانرا بر جنگ اگر باشند از شما بیست کس صبر کننده
غالب شوند بر دو صد کس و اگر باشند از شما صد کس غالب شوند بر هزار کس از کافران بسبب آنکه ایشان
گروهی هستند که نمی فهمند مترجم گوید چون این آیة نازل شد واجب گشت ثبات باده چندان کفار
بعد از ان منسوخ شد بوجوب ثبات در مقابله دو چندان والله اعلم الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ
عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ
وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ۝ اکنون
سبک ساخت خدا از سر شما و دانست که در میان شما ضعفی هست پس اگر باشند از شما صد کس
شکیبا غالب آیند بر دو صد کس و اگر باشند از شما هزار کس غالب آیند بر دو هزار بفرمان خدا و خدا
با صابران ست مترجم گوید صحابه از اسیران بدر فدا گرفتند باجتهاد خویش و مرضی نزدیک خدای تعالی
قتل انجماعه بود لیکن چون بنص صریح ممنوع نشده بودند عفو فرمود و این آیة نازل شد
مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ
الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ سزاوار نبود پیغامبر را که بدست
وی اسیران باشند تا انکه قتل بسیار بوجود آرد در زمین میخواهید مال دنیا و خدا میخواهد
مصلحت آخرة را و خدا غالب با حکمت ست لَوْلَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ
فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ اگر نبودی حکم خدا پیشی گرفته یعنی بعفو غیر منصوص والله اعلم
میرسید بشما در انچه گرفتید عذاب بزرگ فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ
إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ پس بخورید از انچه غنیمت گرفتید حلال پاکیزه و بترسید از خدا

بدرستی

ربع

هرآینه خدا آمرزنده مهربان ست تعریض ست بعباس ابن عبد المطلب يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ
فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَىٰ إِنْ يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِمَّا أُخِذَ
مِنْكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ای پیغامبر بگوی آنانرا که در دست شما اند از
اسیران اگر داند خدا در دل شما نیکی البته بدهد شما را بهتر از انچه گرفته شد از شما و بیامرزد شمارا و خدا
امرزنده مهربان ست وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ
وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ واگر خواهند خیانت با تو پس هرآینه خیانت کرده بودند با خدا پیش ازین
پس قدرت داد بر ایشان و خدا دانا با حکمت ست إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا
بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ بَعْضُهُمْ
أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ
يُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ
وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ هرآینه آنان که ایمان آوردند و هجره کردند
و جهاد نمودند بمال خود و جان خود در راه خدا و انان که جای دادند و نصرة کردند انجماعه بعض ایشان
کارسازان بعض اند یعنی مهاجران و انصار با یکدیگر باید که نصرة دهند و مواخات کنند والله اعلم و
آنانکه ایمان آوردند و هجره نکردند نیست شما را از کارسازی ایشان هیچ چیز تا انکه هجرة کنند و اگر
مدد طلب کنند از شما در کار دین پس لازم ست از شما یاری کردن مگر بر جماعه که میان شما و میان ایشان عهد
باشد و خدا بانچه می کنید بینا ست وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ
تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ و انانکه کافر شدند بعض ایشان کارسازان بعض اند اگر
نکنید ای مسلمانان اینکار را یعنی کارساز یرا با یکدیگر باشد فتنه در زمین و فساد بزرگ وَالَّذِينَ آمَنُوا
وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ
حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ و انانکه ایمان آوردند و هجره کردند و جهاد نمودند در راه خدا
و انانکه جای دادند و نصرة کردند انجماعه ایشانند مومنان بحقیقت ایشانراست آمرزش و روزی نیک

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَٰئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ ع ربع
بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ • و آنانکه ایمان آوردند
پس ازین و هجرة نمودند و جهاد کردند همراه شما این گروه نیز از شماست و خداوندان قرابت بعض ایشان
نزدیکترست ببعضی در حکم خدا یعنی صله و توارث میان اهل قرابت که اصحاب فروض و عصبات اند لازم است
والله اعلم هرآیینه خدا بهمه چیز داناست مترجم گوید سال نهم حضرت پیغامبر صلی الله علیه وآله وسلم علی مرتضی را
در موسم حج فرستاد تا عهود مشرکانرا بر انداز د الا چهار ماه ایشانرا فرصت داد تا در امر خود تامل کنند
مگر در فرقه بنو ضمره و بنو کنانه که خیانت در عهد نکرده بودند پس خدای تعالی عهد ایشانرا تا میعاد آن
مقرر داشت و ندا کند که بعد ازین هیچ مشرک حج نباید و هیچ برهنه طواف کعبه نکند و اوایل سورة براة
برایشان خواند والله اعلم سورة البراءة مدنية ثلث و ثلثون آية سورة توبه
بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَسِيحُوا فِي
الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ
قطع معامله است از جانب خدا و رسول او بسوی آنانکه عهد بسته بودید با ایشان از مشرکان پس سیر کنید
ای مشرکان در زمین چهار ماه بدانید که شما نه عاجز کننده خدا باشید و بدانید آنکه خدا رسوا کننده
کافرانست وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ
بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ
فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ • و خبر رسانیدنیست ع
از جانب خدا و رسول او بسوی مردمان روز حج بزرگ که خدا بیزارست از مشرکان و رسول او
نیز بیزارست پس اگر توبه کنید آن بهتر باشد شما را و اگر روی بگردانید پس بدانید که شما نه عاجز کننده ربع
خدائید و خبر ده کافرانرا بعذاب درد دهنده إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ
ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ
إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ • مگر آنانکه با ایشان عهد بسته بودید از مشرکان باز که

اعوذ بالله من النار ومن شر الکفار ومن غضب الجبار العزة لله ولرسوله

ناز

نکردند با شما در چیزی و مدد ندادند بر شما کسی را پس بوفا برسانید بسوی ایشان عهد ایشانرا تا مدت ایشان
هر آینه خدا دوست میدارد پرهیزکارانرا فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ
حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِنْ
تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ •
پس چون آخر شوند ماههای حرام یعنی آن چهار ماه که ایشانرا فرصت داده بودند بکشید مشرکانرا
هر جا که بیابید و بگیرید ایشانرا و بند کنید ایشانرا و بنشینید برای ایشان بهر کمین گاه پس اگر توبه کنند
و بر پا دارند نماز را و بدهند زکوة را بگذارید راه ایشان هر آینه خدا آمرزنده مهربان است وَإِنْ
ع ۹ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ
ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ • و اگر کسی از مشرکان طلب امان کند از تو امان بده او را
تا بشنود قرآن باز برسان او را بجای ایمنی وی و این بسبب آنست که ایشان گروهی هستند که نمیدانند
مترجم گوید آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم با کفار قریش صلح کرده بودند و ایشان در مقام غدر آمده
برگشتن حلفاء آنحضرت اعانت نمودند و این صورت سبب فتح مکه شد خدای تعالی برای ترغیب بر غزوه فتح
آیات فرستاد كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ
عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ
يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ • چگونه باشد مشرکانرا عهد نزدیک خدا و رسول او الا آنکه عهد بسته بودید با ایشان
نزدیک مسجد حرام یعنی قریش که در حدیبیه با ایشان صلح واقع شده بود پس مادام بر عهد ثابت باشند برای
شما ثابت باشید برای ایشان هر آینه خدا دوست میدارد پرهیزکارانرا كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا
عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ
وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ • چگونه بود مشرکانرا عهد و اگر غالب آیند بر شما نگاه ندارند در باب شما
حق خویشی را و نه عهد را رضامند میسازند شما را بدهان خویش و قبول نمیکند دل ایشان و بیشترین ایشان فاسقانند
اشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

خرید کردند با بهای خدا بهاء اندک را یعنی تابع شهوه نفس شدند و ایمان را ترک کردند پس باز داشتند

مردمان را از راه خدا هر آینه ایشان بد کاریست که میکردند لا يرقبون في مؤمن إلا ولا ذمة

وأولئك هم المعتدون ۝ نگاه نمیدارند در باب هیچ مسلمانی حق خویشی را و نه عهد را و انجماعه

ایشانند از حد در گذشتگان فإن تابوا وأقاموا الصلوة وآتوا الزكوة فإخوانكم

في الدين ونفصل الآيات لقوم يعلمون ۝ پس اگر توبه کنند و بر پا دارند نماز را و بدهند

زکوة را پس ایشان برادران شما اند در دین و واضح میسازیم آیات را برای گروهی که میدانند

وإن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم وطعنوا في دينكم فقاتلوا

أئمة الكفر إنهم لا أيمان لهم لعلهم ينتهون ۝ و اگر بشکنند سوگندان خویش را

پس از عهد بستن خویش و طعنه زنند در دین شما پس کارزار کنید با پیشوایان کفر هر آینه سوگند نیست

ایشانرا بود که ایشان باز مانند ألا تقاتلون قوما نكثوا أيمانهم وهموا

بإخراج الرسول وهم بدءوكم أول مرة أتخشونهم فالله أحق أن

تخشوه إن كنتم مؤمنين ۝ آیا جنگ نمی کنید با گروهی که شکستند سوگندان خویش

و قصد کردند جلاء وطن ساختن پیغامبر را و ایشان ابتدا کردند نقض عهد با شما اول مرتبه آیا میترسید

از ایشان پس خدا سزاوار ترست بآنکه بترسید ازوی اگر مسلمانید قاتلوهم يعذبهم الله

بأيديكم ويخزهم وينصركم عليهم ويشف صدور قوم مؤمنين

ويذهب غيظ قلوبهم ويتوب الله على من يشاء والله عليم حكيم ۝

جنگ کنید با ایشان تا عذاب کند ایشانرا خدا بدست شما و رسوا سازد ایشانرا و فتح دهد شما را

بر ایشان و شفا بخشد سینهای گروه مسلمانانرا و دور کند اندوه دل ایشان و برحمت باز گردد

بر هر که خواهد و خدا دانا استوار کارست أم حسبتم أن تتركوا ولما يعلم الله

الذين جاهدوا منكم ولم يتخذوا من دون الله ولا رسوله ولا المؤمنين

وليجة والله خبير بما تعملون ۝ آیا گمان کردید که گذاشته شوید یعنی تکلیف جهاد نشود

ع ۹

و هنوز

وهنوز متمیز نساخته است خدا آنانرا که جهاد کرده اند از شما و نگرفته اند بجز خدا و بجز پیغامبر او و بجز مومنان

هیچ دوست بهانی وخدا داناست باَنچه می کنید مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ

شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ

روا نباشد مشرکانرا که آباد سازند مسجدها وخدا اعتراف کرده بر خود بکفر انجماعه باطل شد عملهای ایشان

و در آتش ایشان همه باشند کانند تعریض است بجواب مفاخرهٔ قریش بعمارت مسجد حرام إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ

من آمن بالله

اللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ

أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ • جز این نیست که عمارت می کنند مسجدهای خدا را کسیکه ایمان آورده است

بخدا و بروز آخر و بر پا داشت نماز را و داده است زکوة را و نترسیده است مگر از خدا پس توقع است که

انجماعه از راه یافتگان باشند أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي

الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ • آیا کردید آب نوشانیدن حاجیانرا و آباد ساختن مسجد حرام را مانند عمل کسیکه

ایمان آورده است بخدا و روز آخر و جهاد کرده است در راه خدا برابر نیستند نزدیک خدا و خدا راه نمی نماید

گروه ستمکارانرا الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ

أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ • آنانکه ایمان آوردند

و هجره کردند و جهاد نمودند در راه خدا باموال خویش و جان خویش بزرگتر اند در مرتبه نزدیک خدا

انجماعه ایشانند مطلب یابان يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ

لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ • مژده میدهد

ایشانرا پروردگار ایشان برحمت از نزدیک خود و بخوشنودی و بوستانها که ایشانرا در انجا

نعمت دایم بود باشندگان انجا همیشه هر آینه خدا نزدیک اوست مزد بزرگ مترجم گوید بعد غزوهٔ فتح

در ترغیب بجهاد مشرکین و اهل کتاب نازل شد يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ

وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ

فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ۝ ای مومنان دوست مگیرید پدران خود و برادران خود را اگر اختیار کنند
کفر را بر ایمان و هر که از شما دوستی دارد با ایشان آن جماعت ایشانند ستمکاران قُلْ اِنْ كَانَ اٰبَآؤُكُمْ
وَاَبْنَآؤُكُمْ وَاِخْوَانُكُمْ وَاَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيْرَتُكُمْ وَاَمْوَالُ نِ اقْتَرَفْتُمُوْهَا وَ
تِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسٰكِنُ تَرْضَوْنَهَآ اَحَبَّ اِلَيْكُمْ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ
وَجِهَادٍ فِيْ سَبِيْلِهٖ فَتَرَبَّصُوْا حَتّٰى يَاْتِيَ اللّٰهُ بِاَمْرِهٖ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الْفٰسِقِيْنَ ۝ بگو اگر هستند پدران شما و پسران شما و برادران شما و زنان شما و خویشاوندان
شما و آن مالهائی که کسب کرده اید آنرا و تجارتی که میترسید از بی رواجی آن و منزلهائی که پسند
می کنید آنرا دوست تر نزدیک شما از خدا و رسول او و از جهاد در راه او پس منتظر باشید تا آنکه بیارد
خدا عقوبت خود را و خدا راه نمی نماید گروه فاسقان را مترجم گوید در غزوه حنین شکست روی داده بود مسلمین را
بعد از آن خدای تعالی نصرت داد بجهت تذکیر نعمت این آیه فرستاد لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ فِيْ
مَوَاطِنَ كَثِيْرَةٍ وَّيَوْمَ حُنَيْنٍ اِذْ اَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَّضَاقَتْ
عَلَيْكُمُ الْاَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُّدْبِرِيْنَ ۝ هر آینه فتح داد شما را خدا در جایهای
بسیار و روز حنین نیز چون بشگفت آورد شما را از بسیاری شما پس دفع نکرد آن بسیاری از شما
چیزی را و تنگ شد بر شما زمین با وجود فراخی آن پس بر گشتید پشت داده ثُمَّ اَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِيْنَتَهٗ
عَلٰى رَسُوْلِهٖ وَعَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ وَاَنْزَلَ جُنُوْدًا لَّمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا
وَذٰلِكَ جَزَآءُ الْكٰفِرِيْنَ ۝ باز فرو فرستاد خدای تعالی تسکین خود را بر پیغامبر خود و بر مسلمانان
و فرو فرستاد لشکرهای که شما ندیدید ایشان را و عقوبت کرد کافران را و اینست جزای کافران ثُمَّ
يَتُوْبُ اللّٰهُ مِنْۢ بَعْدِ ذٰلِكَ عَلٰى مَنْ يَّشَآءُ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝ باز برحمت باز گردد
خدا بعد ازین بر هر که خواهد یعنی توفیق اسلام دهد هر کرا خواهد از کافران و خدا آمرزنده مهربان است
يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِنَّمَا الْمُشْرِكُوْنَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ
هٰذَا وَاِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيْكُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖٓ اِنْ شَآءَ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ

ع ۶
۱۱

حکیم ۝ ای مسلمانان بجز این نیست که مشرکان پلید اند پس باید که نزدیک نشوند بمسجد حرام بعد ازین سال
واگر میترسید از درویشی یعنی بسبب انقطاع سوداگران والله اعلم پس توانگر خواهد ساخت شما را از
فضل خود اگر خواهد هرآینه خدا دانا درست کار است مترجم گوید خدای تعالی در باب جهاد اهل کتاب
و گرفتن جزیه از ایشان میفرماید والله اعلم قاتلوا الذین لا یؤمنون بالله ولا بالیوم
الآخر ولا یحرمون ما حرم الله ورسوله ولا یدینون دین الحق من الذین
اوتوا الکتاب حتی یعطوا الجزیة عن ید وهم صاغرون ۝ جنگ کنید با آنانکه ایمان
نمی آرند بخداوند و بروز آخر و حرام نمی شمرند آنچه حرام کرده است خدا و پیغامبر او و اختیار نمی کنند دین درست را
از اهل کتاب تا آنکه بدهند جزیه از دست خود خوار شده وقالت الیهود عزیر ابن الله
وقالت النصاری المسیح ابن الله ذلک قولهم بافواههم یضاهئون
قول الذین کفروا من قبل قاتلهم الله انی یؤفکون ۝ و گفتند یهود که عزیر
پسر خداست و گفتند نصاری که مسیح پسر خداست این قول ایشان است بدهان خود یعنی اصلی ندارد
مشابهت کرده اند با سخن قومی که کافر شدند پیش ازین یعنی مشرکان که ملائکه بنات الله میگویند
لعنت کرد بر ایشان خدا چگونه برگردانیده میشوند یعنی از راه صواب اتخذوا احبارهم
ع ١٠ ١٢ ورهبانهم اربابا من دون الله والمسیح ابن مریم وما امروا الا
لیعبدوا الله الها واحدا لا اله الا هو سبحانه عما یشرکون ۝ خدا گرفتند
دانشمندان و زاهدان خود را بجز الله و خدا گرفتند مسیح پسر مریم را و نفرموده شده اند مگر آنکه
عبادت کنند یک خدا نیست معبود بجز وی پاک است وی از آنکه شریک او مقرر کنند یریدون
نصف ان یطفئوا نور الله بافواههم ویأبی الله الا ان یتم نوره ولو کره
الکافرون ۝ میخواهند که فرو نشانند نور خدا را بدهان خویش یعنی شبهات تقریر میکنند در ابطال
دین والله اعلم و قبول نکند خدا الا آنکه تمام سازد نور خود را اگرچه ناخوش شوند کافران هو
الذی ارسل رسوله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره

الْمُشْرِكُونَ • همون هست آنکه فرستاد پیغامبر خود را بهدایت و دین راست تا غالب کندش بر
ادیان همه آن اگرچه ناخوش شوند مشرکان یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ
وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ
يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ
أَلِيمٍ • ای مسلمانان بسیاری از دانشمندان اهل کتاب و زاهدان اهل کتاب میخورند اموال
مردمانرا بباطل و باز میدارند از راه خدا و آنانکه ذخیره می کنند زر و نقره را و خرج نمی نمایند در راه خدا
یعنی زکوة نمیدهند بشارة ده ایشانرا بعذاب دردناک يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ
فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ
فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ • روزیکه گرم کرده شود یعنی دمیده شود بران مال در آتش
دوزخ پس داغ کرده شود بآن پیشانی ایشانرا و پهلوی ایشانرا و پشت ایشانرا و گفته شود
اینست آنچه ذخیره نهادید برای خود پس بچشید آنچه ذخیره میکردید مترجم گوید در دین حضرت
ابراهیم مقرر بود که در محرم و رجب و ذی قعده و ذی الحجه با یکدیگر جنگ نکنند و اهل جاهلیت
آنحکم تحریف کرده گاهی صفر را محرم میساختند و محرم را صفر و این را نسی میگفتند خدای تعالی اصل
آنحکم را باقی داشت باین وجه که جنگ ناحق بهیچوجه درست نیست و در بعضی ماهها حکم مغلظ می شود
و جنگ با کافران همه وقت درست است و نفی تحریف ایشان میفرمود إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ
عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا
أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ
كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ • هر آینه شمار
ماهها نزدیک خدا دوازده ماه هست در کتاب خدا روزیکه آفرید آسمانها و زمین را از آنجمله چهار
ماه حرام هست اینست دین درست پس ستم مکنید در ان چهار ماه بر خویشتن یعنی بقتال ناحق و
جنگ کنید با مشرکان همه ایشان چنانکه ایشان جنگ میکنند با شما و بدانید که خدا با متقیان است

انما النسی ز

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا
لِيُوَاطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ زُيِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الْكَافِرِينَ • جز این نیست که نسی زیادتی ست در کفر گمراه کردانیده میشوند بآن کافران
حلال میشمرند آن ماه را یکسال و حرام میشمرند از سال دیگر تا موافقت کنند بشمار آنچه حرام ساخته است
خدا پس حلال سازند چیزی را که حرام ساخته ست خدا آراسته کرده شده ست برای ایشان کردار
بد ایشان و خدا راه نمی نماید قوم کافران را مترجم کوید آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم در وقت عسرت
و گرمی هوا متوجه غزوه تبوک شدند و بسیاری از صحابه موافقت کردند و از مسلمین سه کس بعذر
تخلف کردند توبه ایشان بعد پنجاه روز قبول افتاد و از منافقان کلمات نفاق سر برزد خدای تعالی
در مدح ایمان و ذم آنان و عفو از آن سه کس آیه فرستاد يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ
إِذَا قِيلَ لَكُمُ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرَضِيتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا
ع ۱۱ ۱۲ ۱۲
مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ای مسلمانان چیست شما را که
چون گفته میشود بیرون آئید در راه خدا گران شده میل میکنید بسوی زمین آیا رضامند شده اید
بزندگانی دنیا عوض آخرة پس نیست متاع زندگانی دنیا در برابر آخرت مگر اندکی إِلَّا تَنْفِرُوا
يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ • اگر بیرون نیائید عذاب کند شما را عذابی درد دهنده و بدل شما کیرد قومی دیگر
شما و هیچ زیان نرسانید خدا را و خدا بر همه چیز توانا ست إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ
إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ
إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ
كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ • اگر نصرت ندهید
پیغامبر را چه باک هر آئینه نصرت داده ست او را خدای تعالی آنگاه که بیرون کردند کافران
دویم دو کس آنگاه که این دو کس در غار بودند آنگاه میگفت یار خود را یعنی ابوبکر صدیق را اندوه

مخور هر آینه خدا با ماست پس فرو فرستاد خدا تسکین خود را بر پیغامبر و قوت دادش بلشکرهای که
ندیدید آنرا و فروتر ساخت سخن کافران او سخن خدا همون است بلند و خدا غالب درست کار است
انفروا خفافا وثقالا وجاهدوا باموالكم وانفسكم في سبيل الله ذلكم خير لكم
ان كنتم تعلمون • بیرون آیید سبکبار و گران بار یعنی درحالیکه اسباب و حشم بسیار دارید یا
بجز عذر ضروری که بدست شما نباشد و باین توجیه آیت محکم باشد غیر منسوخ والله اعلم و جهاد کنید
بمال خود و جان خود در راه خدا این بهتر است شما را اگر میدانید لو كان عرضا قريبا وسفرا
قاصدا لاتبعوك ولكن بعدت عليهم الشقة وسيحلفون بالله لو استطعنا
لخرجنا معكم يهلكون انفسهم والله يعلم انهم لكاذبون • اگر بودی آنچه بآن ١٢ ع ١٤
دعوت میکنی نفع قریب الحصول و سفری آسان پیروی میکردند ترا و لیکن دور نمود ایشان را مسافت
راه و سوگند خواهند خورد بخدا که اگر میتوانستیم بیرون آمدیم با شما هلاک می کنند خویش را یعنی
بسوگند دروغ و خدای شناسد که ایشان دروغگو اند عفا الله عنك لم اذنت لهم
حتى يتبين لك الذين صدقوا وتعلم الكاذبين • عفو کناد خدا از تو چرا دستوری
دادی ایشان را منع اذن تا آنوقت بود که هویدا شوند راست گویان و بدانی دروغ گویان را
لا يستاذنك الذين يؤمنون بالله واليوم الاخر ان يجاهدوا باموالهم
وانفسهم والله عليم بالمتقين • دستوری نمی طلبند از تو آنان که ایمان آورده اند
بخدا و روز آخر در تخلف از آنکه جهاد کنند باموال خویش و جان خویش و خدا داناست بمتقیان
انما يستاذنك الذين لا يؤمنون بالله واليوم الاخر وارتابت قلوبهم
فهم في ريبهم يترددون • جز این نیست که دستوری می طلبند از تو آنانکه ایمان
نمی آرند بخدا و روز آخر و شک آورده است دل ایشان پس ایشان در شک خود سرگردان میشوند
ولو ارادوا الخروج لاعدوا له عدة ولكن كره الله انبعاثهم فثبطهم
وقيل اقعدوا مع القاعدين • اگر خواستندی بیرون آمدن مهیا میکردندی برای

آن سفر سامان را و لیکن ناپسند داشت خدا برانگیختن ایشان پس از حرکت باز داشت ایشان را
و گفته شد نشینید با نشینندگان و این تصویر است القا عزم تخلف را در خاطر ایشان
لو خرجوا فیکم ما زادوکم الا خبالا ولا اوضعوا خلالکم یبغونکم الفتنة
وفیکم سماعون لهم والله علیم بالظالمین ۝ اگر برمی آمدند میان شما نمی افزودند
در حق شما مگر فساد را و البته مرکب میتاختند میان شما فتنه جویان در حق شما یعنی سعی در فتنه میکردند
و میان شما سخن شنوان اند از ایشان یعنی سخن ایشان قبول میکنند و خدا داناست بستمکاران
لقد ابتغوا الفتنة من قبل وقلبوا لك الامور حتی جاء الحق وظهر
امر الله وهم کارهون ۝ و هر آینه طلب کرده بودند فتنه را پیش از این و بگردانیدند برای تو
مصلحتها تا آنکه بیامد نصرت حق و غالب شد کار خدا و ایشان ناخواهان بودند ومنهم
من یقول ائذن لی ولا تفتنی الا فی الفتنة سقطوا وان جهنم
لمحیطة بالکافرین ۝ و از ایشان کسی هست که میگوید دستوری ده مرا و در فتنه
مینداز مرا یعنی مرا در بلاد روم مبر که جمال رومیان دیده مفتون خواهم شد والله اعلم
آگاه شو که در فتنه افتاده اند و هر آینه دوزخ در گیرنده است کافران را ان تصبك
حسنة تسؤهم وان تصبك مصیبة یقولوا قد اخذنا امرنا من قبل
ویتولوا وهم فرحون ۝ اگر برسد ترا نعمتی ناخوش کند ایشان را و اگر برسد ترا مصیبتی
گویند بدست آورده ایم مصلحت خود پیش از این یعنی پنهان با اعدا موافقت کرده ایم
یا از سفر تخلف نموده ایم ما را هیچ باک نیست و برگردند شادمان شده قل لن یصیبنا
الا ما کتب الله لنا هو مولانا وعلی الله فلیتوکل المؤمنون ۝ بگو هرگز نرسد ما را
الا آنچه نوشته است خدای برای ما اوست کارساز ما و بر خدا باید که توکل کنند مسلمانان قل هل
تربصون بنا الا احدی الحسنیین ونحن نتربص بکم ان یصیبکم الله
بعذاب من عنده او بایدینا فتربصوا انا معکم متربصون ۝ بگو انتظار

نمی برید در حق ما الا یکی از دو خصلت نیک را یعنی فتح یا شهادت و ما انتظار می کشیم در حق شما که برساند
خدا بشما عذاب از نزدیک خود یا بدست ما پس انتظار کشید هر آینه ما نیز با شما منتظرانیم قل انفقوا
طوعا او کرها لن یتقبل منکم انکم کنتم قوما فسقین ۝ بگو ای منافقان خرج کنید
بخوشی یا ناخوشی هرگز قبول کرده نخواهد شد از شما هر آینه شما هستید قوم فاسقان وما منعهم
ان تقبل منهم نفقتهم الا انهم کفروا بالله وبرسوله ولا یاتون الصلوة
الا وهم کسالی ولا ینفقون الا وهم کرهون ۝ و باز نداشت ایشانرا از آنکه
قبول کرده شود از ایشان خرج ایشان الا آنکه ایشان کافر شدند بخدا و رسول او و نمی آیند بنماز
مگر کاهلی کنان و خرج نمیکنند مگر نا خواهان فلا تعجبک اموالهم ولا اولدهم انما
یرید الله لیعذبهم بها فی الحیوة الدنیا وتزهق انفسهم وهم کفرون ۝
پس بشگفت نیاورد ترا مال ایشان و نه فرزندان ایشان جز این نیست میخواهد خدا که عذاب کند ایشانرا
بآنها در زندگانی دنیا یعنی مشقت جمع مال و حفظ او و لاجرم اسف بر آنچه فوت شود والله اعلم
و بر آید جان ایشان و ایشان کافر باشند ویحلفون بالله انهم لمنکم وما هم
منکم ولکنهم قوم یفرقون ۝ و سوگند میخورند بخدا که ایشان از شما اند و نیستند ایشان
از شما و لیکن جماعه هستند که میترسند لو یجدون ملجا او مغرت او مدخلا
لولوا الیه وهم یجمحون ۝ اگر بیابند پناهی یا غارها یا جای در آمدن راه متوجه شوند
بآن شتاب کنان ومنهم من یلمزک فی الصدقت فان اعطوا منها رضوا
وان لم یعطوا منها اذا هم یسخطون ۝ و از ایشان کسی هست که عیب میکند ترا
در قسمت صدقات پس اگر داده شود ایشانرا از آن خوشنود شوند و اگر داده نشود از آن ناگهان
ایشان خشم میگیرند ولو انهم رضوا ما اتهم الله ورسوله وقالوا حسبنا الله
سیؤتینا الله من فضله ورسوله انا الی الله رغبون ۝ و اگر ایشان رضا مند
میشدند بآنچه داده است ایشانرا خدا و رسول او و می گفتند بس است ما را خدا بدهد ما را خدا از

تمامشد ربع ۱۵

فضل خود

فضل خود و رسول او و هر آینه بسوی خدا توقع دارندگانیم إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ
وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ • جز این نیست که صدقه‌ها بر فقیران
و بینوایان و کارکنان بر جمیع صدقات و آنانکه الفت داده میشود دل ایشانرا یعنی ضعیف الاسلام
و برای خرج کردن در آزادی برده‌ها و برای وامداران و برای خرج کردن در راه خدا یعنی جهاد و برای
مسافر حکم ثابت شده از نزدیک خدا و خدا دانا و درست کار است وَمِنْهُمُ الَّذِينَ يُؤْذُونَ
النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنُ خَيْرٍ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ
وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ •
و از ایشان آنانند که آزار میدهند پیغامبر را و میگویند وی سبک گوش است یعنی هر چه کسی گوید
قبول میکند مشورت مسلمانان را بگو وی سبک گوش نیکو است برای شما باور میکند گفته خدا را
و قبول میکند مشورت مسلمانان را و رحمت است برای اهل ایمان از شما و آنانکه ایذا میدهند
پیغامبر خدا را ایشانراست عذاب درد دهنده يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضُوكُمْ
ع وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضُوهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ • سوگند میخورند بخدا
برای شما تا رضامند کنند شما را و خدا و رسول او سزاوارتر اند بآنکه رضامند سازند اورا اگر
مسلمانان اند أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ
خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ • آیا نمی دانند که هر که خلاف کند با خدا و رسول او
پس هر آینه او راست آتش دوزخ جاوید ماند آنجا اینست رسوائی بزرگ يَحْذَرُ
الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزِئُوا
إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ • می ترسند منافقان از آنکه فرود آورده شود بر
مسلمانان سورتی که خبر دهد ایشانرا بآنچه در دل منافقان است بگو تمسخر کنید هر آینه خدا
پدید آرنده است چیزیرا که می ترسید وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ

وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللّٰهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ • واگر سوال کنی ایشانرا گویند

جز این نیست که ما در هزل شروع مینمودیم و بازی میکردیم گو آیا بخدا و آیتهای او و پیغامبر او

تمسخر میکردید لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ

نُعَذِّبْ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ • عذر مگوئید هر آئینه شما کافر شدید بعد از

ایمان خود یعنی ایمان زبانی خود اگر در گذریم از سر گروهی از شما البته عذاب کنیم گروهی را از شما

البته عذاب کنیم گروهی را بسبب آنکه گروهی گناهکار بودند الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ

بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ

أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللّٰهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ • مردان

منافق و زنان منافق بعض ایشان از جنس بعض اند میفرمایند بکار ناپسندیده و منع میکنند

از کار پسندیده و می بندند دستهای خود را فراموش کردند خدا را و خدا فراموش ساخت ایشانرا

هر آئینه منافقان ایشانند فاسقان وَعَدَ اللّٰهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ

نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللّٰهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ •

وعده داده خدا مردان منافقان و زنان منافقانرا و کافرانرا آتش دوزخ همیشه باشند آنجا

دوزخ بس است ایشانرا و لعنت کرد ایشانرا خدا و ایشانراست عذاب دایم كَالَّذِينَ مِنْ

قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا

بِخَلَاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ

بِخَلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةِ وَأُولٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ • مانند آنانکه پیش از شما بودند زیاده تر از شما

در قوت و بیشتر در اموال و اولاد پس بهره مند شدند بنصیبه خویش یعنی از دنیا پس شما نیز بهره مند

شدید بنصیبه خویش چنانکه بهره مند شدند آنانکه پیش از شما بودند بنصیبه خویش و شروع

در هزل کردید چنانکه ایشان شروع در هزل کردند اینجا نابود شد عملهای ایشان در دنیا و

آخر

آخرت و انجامء ایشانند با نکاران اَلَمْ یَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ
وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ
بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ . ایا نیامده است
بایشان خبر آنانکه پیش از ایشان بودند قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اهل مدین و
اهل موتفکات آمدند بایشان پیغامبران ایشان به نشانهای روشن پس هرگز نبَند که خدا
ظلم کند بر ایشان و لیکن ایشان بر خویشتن ظلم میکردند وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ
بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ
الصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَوٰةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ
اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ . مردان مسلمان و زنان مسلمان بعض ایشان کارساز
بعض اند میفرمایند بکار پسندیده و منع میکنند از کار ناپسندیده و برپا میدارند نماز را
و میدهند زکوة را و فرمان برداری میکنند خدا و رسول او را انجماعه رحمت خواهد کرد
خدا بر ایشان هر آینه خدا غالب درست کار ست وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ
ع ٥ ١٦ ١٧ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ . وعده کرده است
خدا مردان مسلمان و زنان مسلمانرا بوستانها که میرود زیر آن جویها همیشه باشندگان انجا
و جایهای پاکیزه در بهشتهای همیشه ماندن و خوشنودی خدا بزرگتر ست از همه اینست
فیروزی بزرگ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ
وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ . ای پیغامبر جهاد کن با کافران یعنی بسیف و جهاد کن
با منافقان یعنی بزبان و درشتی کن بر ایشان و جای ایشان دوزخ و وی بد جایی است
يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ
وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ

فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝ سوگند میخورند بخدا که نگفته اند
و هر آینه گفته اند سخن کفر و کافر شده اند بعد اسلام خویش و قصد کردند آنچه نیافتند یعنی ایذاء
پیغامبر و انکار نکردند الا برآنکه توانگر ساخت ایشانرا خدا و رسول او از فضل خود مترجم گوید این
نوعی از تحکم است والله اعلم پس اگر توبه کنند بهتر باشد ایشانرا و اگر بر گردند از توبه عذاب کند ایشانرا
خدا بعذاب درد دهنده در دنیا و آخرت و نیست ایشانرا در زمین هیچ کارسازی و هیچ یاری دهنده
وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهَ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ
الصَّالِحِينَ ۝ و از ایشان کسی هست که عهد بسته است با خدا البته اگر بدهد مارا از فضل خود صدقه دهیم
و باشیم از نیکوکاران فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ
پس وقتیکه بداد ایشانرا از فضل خود بخیلی کردند بآن و برگشتند اعراض کنان فَأَعْقَبَهُمْ
نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا
يَكْذِبُونَ ۝ پس خدای تعالی عاقبت حال ایشان ساخت نفاق را در دل ایشان تا روزیکه
ملاقات کنند با وی بشامت آنکه خلاف کردند با خدا آنچه وعده کرده بودند با وی و بشامت آنکه
دروغ میگفتند أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ
الْغُيُوبِ ۝ آیا ندانسته اند که خدا میداند سخن نهان ایشان را و رازگفتن ایشانرا و خدا داننده
غیوبست الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ
لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ
أَلِيمٌ ۝ آنانکه عیب میکنند در راه خدا صدقه دهندگانرا از مسلمانان در صدقات و عیب میکنند
آنانرا که نمی یابند مگر مشقت خود را یعنی مزدوری جزوی پیدا می کنند و صدقه می دهند پس تمسخر میکنند
با ایشان تمسخر کرد خدا با آن تمسخر کنندگان و ایشانراست عذاب درد دهنده اسْتَغْفِرْ لَهُمْ
أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَٰلِكَ

بانهم

بأنهم كفروا بالله ورسوله والله لا يهدي القوم الفسقين ۝ آمرزش
طلب کن برای ایشان یا آمرزش مخواه برای ایشان یعنی هر دو صورت یکسانست اگر آمرزش
خواهی برای ایشان هفتاد بار هرگز نیامرزد ایشانرا خدا این از آن سبب است که ایشان کافر شدند
بخدا و رسول او و خدا راه نمی نماید گروه فاسقانرا فرح المخلفون بمقعدهم خلاف
ع ۱۶ ۱۴ ۱۲ رسول الله وكرهوا أن يجاهدوا بأموالهم وأنفسهم في سبيل الله
وقالوا لا تنفروا في الحر قل نار جهنم أشد حرا لو كانوا يفقهون ۝
شادان شدند واپس کرده شدگان بنشستن خویش بر خلاف پیغامبر خدا و ناپسند کردند که
جهاد کنند باموال خویش و بجان خویش در راه خدا و گفتند با یکدیگر بیرون مروید در گرمی
بگو آتش دوزخ سخت ترست در گرمی اگر در می یافتند چنین نمیکردند فليضحكوا قليلا
وليبكوا كثيرا جزاء بما كانوا يكسبون ۝ پس باید که بخندند اندکی و بگریند بسیاری
سزای آنچه میکردند مراد خرمیست اندکی در اینجا خواهند خندید در آخرت خواهند گریست فإن
رجعك الله إلى طائفة منهم فاستأذنوك للخروج فقل لن تخرجوا
معي أبدا ولن تقاتلوا معي عدوا إنكم رضيتم بالقعود أول مرة
فاقعدوا مع الخالفين ۝ پس اگر باز آرد ترا خدای تعالی بسوی گروهی از ایشان
پس دستوری طلبند از تو برای بیرون آمدن یعنی برای احراز غنایم بگو بیرون نخواهید آمد
با من هرگز و جنگ نخواهید کرد همراه من با هیچ دشمنی هر آینه شما رضامند شدید بنشستن
اول بار پس بنشینید با پس ماندگان ولا تصل على أحد منهم مات أبدا ولا تقم
على قبره إنهم كفروا بالله ورسوله وماتوا وهم فسقون ۝ و یا محمد نماز
مگذار بر هیچ یکی از ایشان که بمیرد هرگز و مایست بر گور وی و هر آینه ایشان کافر شدند
بخدا و رسول او و مردند و ایشان فاسق بودند ولا تعجبك أموالهم ولا
أولادهم إنما يريد الله أن يعذبهم بها في الدنيا وتزهق أنفسهم

وهم كافرون • و بشگفت نیارد ترا اموال ایشان و نه فرزندان ایشان جز این نیست که
میخواهد خدا که عقوبت کند ایشان را بآن در دنیا و بیرون شود روح ایشان و ایشان کافر
باشند وإذا أنزلت سورة أن آمنوا بالله وجاهدوا مع رسوله
استأذنك أولوا الطول منهم وقالوا ذرنا نكن مع القعدين • و چون
فرود آورده شود سورتی با مضمون که ایمان آرید بخدا و جهاد کنید همراه رسول او دستوری
طلبند از تو خداوندان وسعت ازیشان و گویند بگذار ما را تا باشیم با نشستگان •
رضوا بأن يكونوا مع الخوالف وطبع على قلوبهم فهم لا يفقهون
راضی شدند بانکه باشند با زنان پس مانده و مهر نهاده شد بر دل ایشان پس ایشان فهم نمیکنند لكن
الرسول والذين آمنوا معه جاهدوا بأموالهم وأنفسهم وأولئك لهم
الخيرات وأولئك هم المفلحون • لیکن پیغامبر و آنانکه ایمان آورده اند با او جهاد کردند
باموال خود و جان خود و آنجماعه ایشانراست نیکیها و آنجماعه ایشانند رستگاران أعد الله
لهم جنت تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها ذلك الفوز العظيم • و آماده ساخت ١٧ ع ١٨ ١٩
خدا برای ایشان بوستانها میرود زیر آن جویها جاویدان آنجا اینست فیروزی بزرگ وجاء
المعذرون من الأعراب ليؤذن لهم وقعد الذين كذبوا الله ورسوله سيصيب
الذين كفروا منهم عذاب أليم • و آمدند اهل عذر از صحرانشینان تا دستوری داده شود
ایشان را و نشستند آنانکه دروغ گفتند با خدا و رسول او یعنی در اظهار اسلام خواهد رسید کافران
ازیشان عذاب درد دهنده ليس على الضعفاء ولا على المرضى ولا على الذين لا يجدون
ما ينفقون حرج إذا نصحوا لله ورسوله ما على المحسنين من سبيل والله غفور
رحيم • نیست بر ناتوانان و نه بر بیماران و نه بر آنانکه نمی یابند آنچه خرج کنند هیچ گناهی چون نیکخواهی کنند
با خدا و رسول او نیست بر نیکوکاران هیچ راه عتاب و خدا آمرزنده مهربانست ولا على الذين
إذا ما أتوك لتحملهم قلت لا أجد ما أحملكم عليه تولوا وأعينهم تفيض

من الدمع

نصف الجزو الحادی

من الدمع حزنا الا یجدوا ما ینفقون • و نه بر آنانکه چون بیایند پیش تو که سواری دهی ایشانرا
گوئی نمی یابم آنچه سوار کنم شمارا بران بازگردند و چشم ایشان روان باشد باشک جهة اندوه که نمی یابند آنچه
خرج کنند انما السبیل علی الذین یستاذنونک وهم اغنیاء رضوا بان یکونوا
مع الخوالف وطبع الله علی قلوبهم فهم لا یعلمون • جز این نیست که راه عتاب
بر آنانست که دستوری می طلبند از تو و ایشان توانگر اند راضی شدند بانکه باشند با زنان پس مانده
مهر نهاد خدا بر دل ایشان پس ایشان نمی فهمند یعتذرون الیکم اذا رجعتم
الیهم قل لا تعتذروا لن نؤمن لکم قد نبانا الله من اخبارکم وسیری
الله عملکم ورسوله ثم تردون الی عالم الغیب والشهادة فینبئکم
بما کنتم تعملون • عذر خواهی کنند پیش شما چون باز آئید بسوی ایشان بگو عذر خواهی مکنید باور
نکنیم سخن شمارا هر آئینه آگاه ساخته است خدا مارا ببعض خبرهای شما و خواهد دید خدا و رسول او عمل شمارا
یعنی در دنیا باز گردانیده شوید بسوی داننده نهان و آشکارا پس خبر دهد شمارا بآنچه میکردید سیحلفون
بالله لکم اذا انقلبتم الیهم لتعرضوا عنهم فاعرضوا عنهم انهم رجس
وماواهم جهنم جزاء بما کانوا یکسبون • سوگند خواهند خورد بخدا پیش شما چون باز آئید
بسوی ایشان تا روی بگردانید از ایشان پس شما روی بگردانید از ایشان هر آئینه ایشان پلیدند و جای
ایشان دوزخ است سزای آنچه میکردند یحلفون لکم لترضوا عنهم فان ترضوا
عنهم فان الله لا یرضی عن القوم الفسقین • سوگند میخورند برای شما تا راضی شوید
از ایشان پس اگر راضی شوید از ایشان هر آئینه خدا راضی نشود از گروه فاسقان الاعراب
اشد کفرا ونفاقا واجدر الا یعلموا حدود ما انزل الله علی رسوله والله
علیم حکیم • صحرا نشینان سخت تر اند در کفر و نفاق یعنی به نسبت اهل شهر و سزاوار تر اند
بانکه ندانند احکام شریعتی را که نازل کرده است خدا بر پیغامبر خود و خدا دانا درستکار است ومن
الاعراب من یتخذ ما ینفق مغرما ویتربص بکم الدوائر علیهم دائرة السوء

واللّٰه سميعٌ عليمٌ ۝ و از اعراب کسی هست که تاوان میشمارد چیزی را که خرج میکند و انتظار می‌کشند
در حق شما مصائب را بر ایشان باد مصیبت بد و خدا شنوا داناست ومن الاعراب من يؤمن
باللّٰه واليوم الآخر ويتخذ ما ينفق قربات عند اللّٰه وصلوات الرسول الا انها
قربة لهم سيدخلهم اللّٰه في رحمته ان اللّٰه غفور رحيم ۝ و از اعراب کسی هست که
ایمان می آرد بخدا و روز آخرت و می شمارد چیزی را که خرج میکند سبب قرب نزدیک خدا و وسیله دعای
نیک پیغامبر آگاه باش هر آینه وی قربتست ایشانرا داخل خواهد کرد ایشانرا خدا در رحمت خود هر آینه
آمرزنده مهربانست والسابقون الاولون من المهاجرين والانصار والذين
اتبعوهم باحسان رضي اللّٰه عنهم ورضوا عنه واعد لهم جنات تجري
تحتها الانهار خالدين فيها ابدا ذلك الفوز العظيم ۝ و سبقت کنندگان
نخستین از مهاجران و انصار و آنکه پیروی ایشان کردند به نیکوکاری خوشنود شد خدا از ایشان
و ایشان خوشنود شدند از وی و آماده ساخت برای ایشان بوستانها که میرود زیر آن جویها جاوید
آنجا همیشه اینست فیروزی وممن حولكم من الاعراب منافقون ومن اهل المدينة
مردوا على النفاق لا تعلمهم نحن نعلمهم سنعذبهم مرتين ثم
يردون الى عذاب عظيم ۝ و از آنانکه حوالی شما اند از اعراب منافقان اند و بعض
اهل مدینه خوگر شده اند به نفاق تو نمیدانی ایشانرا و ما میدانیم ایشانرا عذاب خواهیم کرد ایشانرا
دو بار یعنی در میان مسلمانان ذلیل شوند و در اموال و اولاد آفات بینند باز گردانیده شوند بسوی
عذاب بزرگ وآخرون اعترفوا بذنوبهم خلطوا عملا صالحا وآخر سيئا
عسى اللّٰه ان يتوب عليهم ان اللّٰه غفور رحيم ۝ و دیگران هستند که اقرار کردند
بگناهان خود آمیخته اند عمل نیک را با عمل دیگر که بدست نزدیکست که خدا برحمت باز متوجه شود بر ایشان
هر آینه خدا آمرزنده مهربانست خذ من اموالهم صدقة تطهرهم وتزكيهم
بها وصل عليهم ان صلاتك سكن لهم واللّٰه سميع عليم ۝ بگیر از اموال ایشان

زکوة

زکوة تا پاک سازی ایشانرا و با برکت کنی ایشانرا بآن و دعا خیر کن برایشان هر آینه دعاء تو سبب آرام است
ایشانرا و خدا شنوا داناست الم یعلموا ان الله هو یقبل التوبة عن عباده ویاخذ
الصدقات وان الله هو التواب الرحیم ۝ آیا ندانسته اند که خدا همون توبه قبول میکند از
بندگان خود و میگیرد صدقات را و آنکه خدا همونست توبه پذیرنده مهربان وقل اعملوا
فسیری الله عملکم ورسوله والمؤمنون وستردون الی عالم الغیب والشهادة
فینبئکم بما کنتم تعملون ۝ بگو عمل کنید پس خواهد دید خدا و رسول او و مومنان عمل شمارا
و گردانیده خواهید شد بسوی داننده پنهان و آشکار پس خبر دهد شمارا بآنچه میکردید وآخرون
مرجون لامر الله اما یعذبهم واما یتوب علیهم والله علیم حکیم ۝
و دیگران اند موقوف داشته شده بر فرمان خدا یا آنیست که عذاب کند ایشانرا یا برحمت متوجه شود
برایشان و خدا داناء درستکار است مترجم گوید جماعه از منافقان مسجدی ساخته بودند به نیت فاسد
تا تفرقه مسلمین باشد و کمین گاه کافران خدای تعالی بهدم آن امر فرمود والله اعلم والذین اتخذوا
مسجدا ضرارا وکفرا وتفریقا بین المؤمنین وارصادا لمن حارب الله ورسوله
من قبل ولیحلفن ان اردنا الا الحسنی والله یشهد انهم لکاذبون ۝
و از ایشان آنند که ساخته اند مسجدی برای زیان رسانیدن و بجهة کفر و برای تفرقه افکندن میان
مسلمانان و کمین گاه ساختن برای آنانکه جنگ کرده اند با خدا و رسول او پیش ازین و البته سوگند
خورند که نخواسته ایم مگر خصلت نیک را و خدا گواهی میدهد که ایشان دروغگویانند لا تقم فیه
ابدا لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه فیه رجال
یحبون ان یتطهروا والله یحب المطهرین ۝ مایست آنجا هرگز هر آینه مسجدیکه
بنیاد نهاده شده است بر نیت تقوی از اول روز بهتر است که ایستاده شوی آنجا آنجا مردانند
که دوست میدارند که پاک شوند و خدا دوست میدارد پاک باشندگانرا افمن اسس بنیانه
علی تقوی من الله ورضوان خیر ام من اسس بنیانه علی شفا جرف هار

فانهار به في نار جهنم والله لا يهدي القوم الظالمين ۝ آيا كسيكه بنياد نهاد
عمارت خود را بر ترسكاري از خدا و خشنودي او بهترست يا كسيكه بنياد نهاده است عمارت خود را
بر كناره زمين رود خورده مستعد افتادن پس در افتاد با صاحب خود در آتش دوزخ و خدا راه نمي نمايد
گروه ستمكاران را مترجم گويد عمارت ساختن بر اساس تقوى كنايه است از اخلاص در اعمال و عمارت ساختن
بر كناره رود خورده كنايه است از ريا و عجب در اعمال والله اعلم لا يزال بنيانهم الذي
بنوا ريبة في قلوبهم الا ان تقطع قلوبهم والله عليم حكيم ۝ هميشه باشد عمارت
ايشان كه بنياد كرده اند يعني مسجد ضرار سبب شك در دل ايشان مگر آنكه پاره پاره كرده شود دل ايشان
و خدا دانا و درست كارست ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم واموالهم ع
بان لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فيقتلون ويقتلون وعدا عليه حقا
في التورية والانجيل والقرآن ومن اوفى بعهده من الله فاستبشروا ببيعكم
الذي بايعتم به وذلك هو الفوز العظيم ۝ هر آينه خدا خريد كرده است از مسلمانان
جان ايشان و مال ايشان را بعوض آنكه ايشان را باشد بهشت جنگ ميكنند در راه خدا پس مي كشند و كشته ميشوند
وعده كه لازم است بر خدا بتحقيق در توريت و انجيل و قرآن و كيست وفا كننده تر بعهد خويش
از خدا پس شادمان باشيد باين فروختن خود كه معامله كرديد بآن و اين است فيروزي بزرگ
التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الآمرون
بالمعروف والناهون عن المنكر والحافظون لحدود الله وبشر المؤمنين ۝
ايشان توبه كنندگانند پرستندگانند حمد گويندگانند سفر در راه خدا كنندگانند ركوع و سجود
كنندگانند فرمايندگان اند بكار پسنديده و منع كنندگانند از ناپسنديده و نگاهدارندگان
احكام خدا را و مژده ده مسلمانان را ما كان للنبي والذين آمنوا ان يستغفروا
للمشركين ولو كانوا اولي قربى من بعد ما تبين لهم انهم اصحاب الجحيم ۝
روا نبود پيغامبر را و نه مسلمانان را كه طلب آمرزش كنند براي مشركان اگرچه خداوند خويشي باشند

بعد ازانكه

بعد از آنکه ظاهر شد ایشان را که آن گروه باشندگان دوزخ باشند وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ
إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ
مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ • و نبود آمرزش خواستن ابراهیم برای پدر خود مگر از
جهت وعده که کرده بود آن را با وی پس چون روشن شد بر ابراهیم که وی دشمن خداست بیزار شد
از وی هر آینه ابراهیم دردمند بردبار بود وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ
حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ • و هرگز نیست که خدا گمراه کند قومی
یعنی در حساب گمراهی نمی شمارد قومی را بعد از آنکه راه نموده شد ایشان را تا آنکه واضح سازد بر ایشان
آنچه از وی پرهیز کنند هر آینه خدا بهر چیز داناست یعنی تا پیغامبر نیاید و تبلیغ نکند معذورند
إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ
مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ • هر آینه خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین زنده میکند و میمیراند
و نیست شما را بجز وی هیچ کارسازی و یاری دهنده لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ
وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ
مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ • هر آینه برحمت متوجه شد خدا بر پیغامبر
و آن مهاجر و انصار که پیروی کردند در وقت تنگدستی بعد از آنکه نزدیک بود که از جای برود دل
گروهی از ایشان باز برحمت متوجه شد بر ایشان هر آینه وی بر ایشان بخشاینده مهربان است
وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ
ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ
لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ • و بر آن سه کس که موقوف داشته شدند تا آنکه ع ۳
تنگ شد بر ایشان زمین با وجود فراخی آن و تنگ شد بر ایشان جان ایشان و دانستند که پناهی نیست
از خدا مگر بسوی او و باز خدا برحمت متوجه شد بر ایشان تا ایشان رجوع کنند یعنی بمقام قرب هر آینه
خدا توبه پذیرنده مهربان است يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ •

ای مسلمانان بترسید از خدا و باشید با راست گویان ما کان لأهل المدینة ومن حولهم
من الأعراب أن یتخلفوا عن رسول الله ولا یرغبوا بأنفسهم عن نفسه ذلک
بأنهم لا یصیبهم ظمأ ولا نصب ولا مخمصة فی سبیل الله ولا یطئون
موطئا یغیظ الکفار ولا ینالون من عدو نیلا إلا کتب لهم به عمل صالح
إن الله لا یضیع أجر المحسنین ۝ لایق نبود اهل مدینه را و آنانرا که حوالی ایشان اند از اعراب
که باز پس مانند از همراهی رسول خدا و نه آنکه رغبت کنند در حفظ خویش اعراض کرده از ذات رسول
و این بسبب آنست که نمیرسد بایشان تشنگی و نه رنج و نه گرسنگی در راه خدا و نه سپرند جائی که
بخشم آرد کافرانرا و بدست نمی آرند از دشمن هیچ دستبردی مگر نوشته شود برای ایشان بسبب آن
عمل صالح هر آینه خدا ضایع نمی کند مزد نیکوکارانرا ولا ینفقون نفقة صغیرة ولا کبیرة
ولا یقطعون وادیا إلا کتب لهم لیجزیهم الله أحسن ما کانوا یعملون ۝ و خرج
نمی کنند هیچ خرج را اندکی و نه بسیاری و قطع نمی کنند هیچ میدانی را الا نوشته شود برای ایشان
عمل صالح تا جزا دهد ایشانرا خدا در مقابله نیکوترین آنچه میکردند وما کان المؤمنون لینفروا
کافة فلولا نفر من کل فرقة منهم طائفة لیتفقهوا فی الدین ولینذروا
قومهم إذا رجعوا إلیهم لعلهم یحذرون ۝ و ممکن نیست مومنانرا که برآیند یعنی
بطلب علم همه یکجا پس چرا بیرون نیامدند از هر جمعی از ایشان چند کس تا دانشمند شوند در دین
و تا بیم کنند قوم خود را چون باز آیند بسوی ایشان بود که ایشان بترسند یعنی طلب علم دین فرض کفایت است
یا أیها الذین آمنوا قاتلوا الذین یلونکم من الکفار ولیجدوا فیکم غلظة
واعلموا أن الله مع المتقین ۝ ای مسلمانان جنگ کنید با آنان که نزدیک شما اند از کافران ع
و باید که کافران بیابند در شما درشتی را و بدانید که خدا با متقیان است وإذا ما أنزلت سورة
فمنهم من یقول أیکم زادته هذه إیمانا فأما الذین آمنوا فزادتهم إیمانا
وهم یستبشرون ۝ و چون فرود آورده شود سورتی پس از منافقان کسی است که میگوید در حق

کدام یک

ربع

کدام یک از شما افزون کرده است این سوره ایمان را اما اهل ایمان پس بتحقیق زیاده کرده است در حق
ایشان ایمان را و ایشان شادمان میشوند وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا
إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ ۝ و اما آنان که در دل ایشان بیماریست پس زیاده کرده است
در حق ایشان پلیدی را همراه پلیدی ایشان و مردند ایشان کافر بودند أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ
يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ ۝ آیا نمی بینند
که ایشان عقوبت کرده میشوند در هر سال یکبار یا دو بار یعنی بامراض و مصایب باز توبه نمیکنند و نه
ایشان پند میگیرند وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُم مِّنْ
أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُم بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ ۝ و چون فرود آورده شود
سورتی یعنی سورتیکه در وی بیان نفاق ایشان باشد نظر کند بعض ایشان ببعضی از جهت رمز کنند که
و گویند آیا می بیند مجلس شما را پس باز گردند یعنی بجانهای خود باز گردانیده است خدا دل ایشان را بسبب آنکه
ایشان گروهی هستند که نمیدانند لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ
مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ۝ ای مسلمانان آمده است بشما
پیغامبری از قبیله شما دشوار است بروی رنج شما حریص است بر هدایت شما بمسلمانان بخشاینده مهربانست
فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ۝
پس اگر باز گردند بگو بس است مرا خدا هیچ معبود نیست مگر وی بر وی توکل کردم و او خداوند عرش بزرگست

سوره یونس مکیه مائه و عشرون آیات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

الٓر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ۝ این آیتهای کتاب با حکمت است أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا
أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ
عِندَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَٰذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ ۝ آیا عجب شد مردمانرا که وحی فرستادیم
بسوی مردی از ایشان که بیم کن مردمانرا و بشارت ده مسلمانانرا بآنکه ایشانراست پایه درست

نزد پروردگار ایشان گفتند کافران هرآینه این شخص جادوگر آشکار است ان ربکم الله
الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یدبر الامر
ما من شفیع الا من بعد اذنه ذلکم الله ربکم فاعبدوه افلا تذکرون
هرآینه پروردگار شما خدای است که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز و باز مستقر شد بر عرش
تدبیر میکند کار را نیست هیچ شفاعت کننده مگر بعد دستوری وی اینست خدای پروردگار شما
پس پرستید او را آیا پند نمیگیرید الیه مرجعکم جمیعا وعد الله حقا انه یبدؤا الخلق
ثم یعیده لیجزی الذین امنوا وعملوا الصالحات بالقسط والذین کفروا
لهم شراب من حمیم وعذاب الیم بما کانوا یکفرون بسوی اوست رجوع شما
همه یکجا وعده کرده است خدا وعده درست هرآینه وی اول بار کند آفرینش را باز دیگر بار کند این
تا جزا دهد آنان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند بانصاف و آنانکه کافر شدند
ایشان راست آشامیدنی از آب گرم و عقوبت درد دهنده بسبب آنکه کافر بودند هو الذی
جعل الشمس ضیاء والقمر نورا وقدره منازل لتعلموا عدد السنین
والحساب ما خلق الله ذلک الا بالحق یفصل الایت لقوم یعلمون
او آنست که ساخت آفتاب را درخشنده و ماه را روشن و معین کرد برای ماه منزلها را تا
بدانید شمار سالها و تا بدانید حساب را نیافریده است خدای تعالی این را مگر به تدبیر درست
بیان میکند نشانها برای گروهی که میدانند ان فی اختلاف اللیل والنهار وما
خلق الله فی السموات والارض لایت لقوم یتقون هرآینه در آمد و رفت
و در آنچه آفریده است خدای تعالی در آسمانها و زمین نشانها است گروهی را که پرهیزکاری
میکنند ان الذین لا یرجون لقاءنا ورضوا بالحیوة الدنیا واطمانوا بها
والذین هم عن ایتنا غفلون اولئک ماوهم النار بما کانوا یکسبون
هرآینه آنانکه امید ندارند ملاقات ما را و خشنود شدند بزندگانی دنیا و آرام گرفته اند بآن

ع

و آنان که

وانان که از نشانهای ما بیخبر اند انجامگاه جای ایشان آتش است بسبب آنچه عمل میکردند إِنَّ الَّذِينَ
آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ
فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۝ هر آینه آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند راه نماید ایشانرا
پروردگار ایشان بسبب ایمان ایشان یعنی بمقامات نجات میرود زیر ایشان جویها در بوستانهای
نعمت دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ
أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ دعاء ایشان در آنجا سبحانک اللهم باشد یعنی پاکی تراست
بار خدایا و دعاء خیر ایشان با یکدیگر سلام بود و نهایت دعاء ایشان اینست که حمد خدایراست
پروردگار عالمها وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ
أَجَلُهُمْ فَنَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ اگر زود رسانیدی
خدای تعالی بمردمان سختی را مانند آنکه زود طلبند نعمت را یعنی نعمت میدهد با نجام رسانیده شدی
در حق ایشان اجل ایشان پس میگذاریم آنانرا که امید ملاقات ما ندارند سرگردان شده در بیراهی خویش
وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ
ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرٍّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
و چون برسد رنج بآدمی دعا کند بجانب خفته بر پهلوی خود یا نشسته یا ایستاده پس آنگاه که
برداشتیم از وی رنج وی را برود گویا که نخوانده بود ما را بدفع کردن رنجی که رسیدش و همچنین آراسته
کرده شد از حد گذرندگان را آنچه میکردند وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا
وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ
و هر آینه هلاک کرده ایم قرنها را پیش از شما چون ستم کردند و آمدند بایشان پیغامبران ایشان با نشانهای
روشن و هرگز مستعد آن نبودند که ایمان آرند همچنین سزا میدهیم گروه گناهکارانرا ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ
خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ۝ باز جانشین ساختیم شمارا
در زمین پس از ایشان تا ببینیم چگونه کار میکنید وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ

الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَٰذَا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ
أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَاءِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي
عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ • و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما واضح آمده گویند آنانکه امید
ملاقات ما ندارند بیار قرآنی بجز این یا تغیر کن اورا یعنی تا موافق عقاید باطله ایشان باشد بگو روا نبود
مرا که تغیر کنمش از جانب خود پیروی نمی کنم الا بآنچه وحی فرستاده شده بسوی من هر آئینه من میترسیم
اگر نافرمانی پروردگار خود کنم از عذاب روز بزرگ قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ
وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ • بگو اگر خواستی خدا
نخواندمی آنرا بر شما و خبردار نکردی خدا شمارا بآن هر آئینه مانده ام میان شما عمری پیش ازوی آیا در نمییابید
فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ
پس کیست ستمکارتر از کسی که بر بندد بر خدا دروغ را یا دروغ شمرد آیات وی را هر آئینه سخن اینست
که رستگار نمیشوند گناهکاران را وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ
وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَٰؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا
لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ • و می پرستند بجز خدا
چیزی که ضرر نکند ایشانرا و سود نرساند بایشان و میگویند ایشان شفاعت کنندگان ما اند
نزدیک خدا بگو آیا خبردار می کنید خدارا بآنچه نمی داند در آسمانها و زمین پاکی وی راست و برترست
از آنکه شریک میکنند وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ
سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ • و نبودند مردمان مگر یک امت یعنی
بر توحید و ملت ابراهیمی پس اختلاف کردند یعنی بسبب عمرو بن لحی و اگر نبودی کلمه که سابقا صادر شده است
از پروردگار تو فیصل کرده شدی میان ایشان در آنچه اندران اختلاف دارند وَيَقُولُونَ
لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ
الْمُنْتَظِرِينَ • و میگویند چرا فرو فرستاده شده است برین پیغامبر نشانه از پروردگار وی بگو

ع

جز این نیست که علم غیب خدا راست پس انتظار کنید هر آینه من با شما از منتظرانم وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ
رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا
يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ • و چون بچشانیم مردمان را رحمتی پس از سختی که رسیده بود بایشان
ناگهان ایشان را بد اندیشی باشد در نشانهای ما یعنی بکفران نعمت بگو خدا زودتر است در بد اندیشی
هر آینه فرستادگان ما مینویسند آنچه بد اندیشی میکنید مترجم گوید بعد از آن خدای تعالی میفرماید
بیان کیفیت مکر و کفران نعمت والله اعلم هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّى إِذَا
كُنْتُمْ فِي الْفُلْكِ وَجَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ
وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ
لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ • اوست آنکه روان میکند
شما را در خشکی و در دریا تا وقتیکه باشید در کشتی ها و روان شدند کشتیها با سواران خود بباد
خوش و شادمان شدند ایشان بآن باد موافق ناگهان رسید بآن کشتیها باد تند و بیاید بایشان
موج از هر جا و بدانند که از هر جهت گرفتار گشتند دعا کنند بجناب خدا خالص کرده برای او عبادت را
که اگر خلاص کنی ما را ازین بلا باشیم از شکر کنندگان فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ (إِلَى الْبَرِّ) إِذَا هُمْ يَبْغُونَ
فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيٰوةِ
الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ • پس چون خلاص ساخت
ایشان را ناگهان ایشان سرکشی میکنند در زمین بناحق ای مردمان جز این نیست که سرکشی شما زیان
بر جان شماست یافتید بهره زندگانی دنیا را باز بسوی ماست رجوع شما پس خبردار کنیم شما را
بآنچه میکردید إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ
مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ
قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ
كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ • جز این نیست که صفت زندگانی دنیا مانند آبیست که

فرود آوردیمش از آسمان پس در هم آمیخت بسبب وی رویندگی زمین از آنچه میخورند مردمان و چهارپایان
تا وقتی که بدست آورد زمین پیرایهٔ خود را و آراسته شد و گمان کردند ساکنان آن زمین که ایشان
توانا اند بر انتفاع از آن ناگهان بیامد بزمین فرمان ما در شب یا در روز پس گردانیدیم آنرا مثل زراعت
از بیخ بریده گویا نبود دی روز همچنین بیان میکنیم نشانها را برای گروهی که تامل میکنند وَاللّٰهُ يَدْعُوٓا
إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ • و خدا میخواند بسوی سرای سلامتی
و دلالت میکند هر کرا خواهد بسوی راه راست لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ
وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ • آنانرا که نیکوکاری
کردند حالت نیک باشد و زیادتی بران یعنی رویت خدای تعالی و نپوشد روی ایشانرا هیچ سیاهی
و نه هیچ خواری انجماعه اهل بهشت اند ایشان انجا جاوید باشندگان اند وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ
جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ
وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ • و آنانرا
که بعمل آوردند کردارهای بد جزای بدی مثل آنست و بپوشد ایشانرا خواری نباشد ایشانرا
از خدا هیچ پناه دهنده گویا پوشانیده شده است روی ایشانرا پارهای شب تاریک آمده انجماعه
اهل آتش اند ایشان انجا جاوید باشندگانند وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ
أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنتُمْ وَشُرَكَاؤُكُمْ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاؤُهُم مَّا كُنتُمْ
إِيَّانَا تَعْبُدُونَ • و بترسید از روزیکه برانگیزیم ایشانرا همه یکجا باز گوئیم مشرکانرا بایستید
بجای خود شما و آنانکه شما ایشانرا شریک خدا ساخته اید پس تفرقه اندازیم میان ایشان و گویند شریکان
ایشان ما را نمی پرستید فَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِن كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ
لَغَافِلِينَ • پس بس است خدا گواه میان ما و میان شما هر آینه ما بودیم از پرستش شما بیخبر هُنَالِكَ
تَبْلُوا كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا
يَفْتَرُونَ • انجا دریابد هر شخصی آنچه پیش فرستاده بود و رجوع گردانیده شوند بسوی خدا مالک حقیقی

ع نصف

ایشان

ایشان و کم شد از ایشان انچه افترا میکردند قل من یرزقکم من السماء والارض امن یملک
السمع والابصار ومن یخرج الحی من المیت ویخرج المیت من الحی ومن
یدبر الامر فسیقولون الله فقل افلا تتقون ۔ بگو که روزی میدهد شما را از جانب
آسمان و زمین ایا کیست که خداوند باشد گوش و چشم را یعنی خالق گوش و چشم باشد و کیست که بیرون
آرد زنده را از مرده و بیرون آرد مرده را از زنده یعنی حیوان را از نطفه و نطفه را از حیوان و کیست که
تدبیر میکند کار را خواهند گفت آن الله است بگو ایا حذر نمی کنید فذلکم الله ربکم الحق
فماذا بعد الحق الا الضلال فانی تصرفون ۔ اینست خدا پروردگار بتحقیق شما پس چیست
بعد راستی مگر گمراهی پس از کجا برگردانیده میشوند کذلک حقت کلمت ربک علی الذین
فسقوا انهم لا یؤمنون ۔ و همچنین ثابت شد قضاء پروردگار تو برین فاسقان که ایشان
ایمان نیارند قل هل من شرکائکم من یبدؤا الخلق ثم یعیده قل الله یبدؤا
الخلق ثم یعیده فانی تؤفکون ۔ بگو ایا هست از شریکان شما کسی که نو کند آفرینش را باز
دوباره کندش بگو الله نو کند آفرینش را باز دوباره کندش پس از کجا گردانیده میشوید قل هل
من شرکائکم من یهدی الی الحق قل الله یهدی للحق افمن یهدی الی الحق
احق ان یتبع امن لا یهدی الا ان یهدی فما لکم کیف تحکمون ۔ بگو ایا هست
از شریکان شما کسی که راه نماید بسوی دین حق بگو الله همونست که راه مینماید بسوی دین حق پس
کسیکه راه نماید بسوی حق لایقتر است بانکه پیروی کرده شود یا کسی که خود راه نمی یابد مگر انوقت
که راه نموده شود پس چیست شما را چگونه حکم می کنید وما یتبع اکثرهم الا ظنا ان الظن
لا یغنی من الحق شیئا ان الله علیم بما یفعلون ۔ و پیروی نمی کنند بیشتر از ایشان
مگر وهم را هر آینه وهم کفایت نمی کند از معرفت حق چیزی را هر آینه خدا داناست بانچه می کنند وما
کان هذا القرآن ان یفتری من دون الله ولکن تصدیق الذی بین یدیه
وتفصیل الکتب لا ریب فیه من رب العالمین ۔ و نیست این قرآن افترا بغیر خدا

ولیکن هست باور دارنده انچه پیش از وی هست و بیان شریعتی هست که نوشته شد بر مردمان هیچ شبهه نیست
در ان از پروردگار عالمها أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا
مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ • ایا میگویند بربسته است اورا
بگو پس بیارید سورتی مانند آن و بخوانید هر کرا توانید بجز خدا اگر هستید راست گوی بَلْ كَذَّبُوا
بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَٰلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ • بلکه دروغ شمرده اند چیزی را که فرا رسیده اند بدانش
وی و هنوز نیامده است مصداق وعده وی بدیشان • دروغ داشتند انانکه پیش از ایشان بودند پس
بنگر چگونه شد عاقبت کار ستمکاران وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ
وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ • و از ایشان کسی هست که ایمان می آرد بوی و از ایشان
کسی هست که ایمان نمی آرد بوی و پروردگار تو داناترست بمفسدان وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ
لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ • و اگر
بدروغ نسبت کنند ترا پس بگو مراست عمل من و شماراست عمل شما بی تعلق آید از انچه من میکنم
و من بی تعلقم از انچه شما میکنید وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ
وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ • و از ایشان کسی هست که گوش می نهد بسوی تو ایا تو می شنوانی
کران را اگرچه در نمی یابند وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُوا
لَا يُبْصِرُونَ • و از ایشان کسی هست که می نگرد بسوی تو ایا تو راه می نمائی کوران را اگرچه نمی بینند
یعنی ایشان مانند کران و کوران اند إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَٰكِنَّ النَّاسَ
أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ • هر آینه خدا هیچ ستم نمی کند بر مردمان و لیکن مردمان بر خویشتن ستم می کنند
وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَنْ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ
قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ • و چون برانگیزد خدا
ایشان را گوئیا درنگ نکرده بودند الا ساعتی را از روز شناسا باشند با یکدیگر زیان کار شدند

ع ۹

ملاقات خدا را و نبودند راه یافتکان وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ
فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ • اکر بنمائیم ترا بعض انچه وعده می کنیم بایشان یا بمیرانیم
ترا بهر حال بسوی ماست رجوع ایشان پس بازخدا مطلع است بر انچه می کنند وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ
قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ • و هر امتی را پیغامبری است پس چون آمد پیغامبر ایشان فیصل کرده شود
میان ایشان بانصاف و بایشان ستم کرده نشود یعنی رسل و اتباع ایشان نجات یابند و کافران هلاک شوند
وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ • و میکویند کی باشد این وعده اکر هستید راست کوی
قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ
سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ • بکو نمیتوانم برای خود زیانی و سودی مکر انچه خدا خواسته است هر کروهی راست میعاد
چون می آید میعاد شان پس توقف نکنند ساعتی و نه سبقت کنند قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ
نَهَارًا مَاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ • بکو خبر دهید مرا اکر بیاید بشما عذاب او شبانکاه یا بروز بهر حال
چه چیز را شتاب می طلبند ازان عذاب این کناهکاران أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ آلْآنَ وَقَدْ كُنْتُمْ
بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ • باز وقتی که متحقق شد ایا ایمان آرید بآن انکاه کفته شود ایا اکنون ایمان آوردید و
پیش ازین شتاب می طلبیدید انرا باستهزاء و تکذیب ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ
هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ • باز کفته شود ستمکاران را بچشید عذاب جاوید جزا داده نمی شوید
الا بانچه میکردید وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقٌّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ • و می پرسند
ترا ایا درست است این وعده بکو آری قسم پروردکار من هر آئینه وی درست است و شما عاجز کننده نیستید
وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ
بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ • و اکر باشد هر نفسی ستم کننده را انچه در زمین است البته فدیه دهد خود
را بآن و در ضمیر خود دارند پشیمانی چون ببینند عذاب و فیصل کرده شود میان ایشان بعدل و بر ایشان
ستم کرده نشود أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ
لَا يَعْلَمُونَ • اکاه باش هر آئینه خدا راست انچه در آسمانها و زمین است اکاه باش هر آئینه وعده خدا راست است

ع
لما

ولیکن بیشتری از ایشان نمی دانند هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ • او زنده می کند و می میراند
و بسوی وی گردانیده شوید يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُم مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي
الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ • ای مردمان آمده است بشما پندی از پروردگار شما و شفای
آن علتی که در سینهای شماست و راهنمونی و بخشایش مسلمانان را قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ
فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ • بگو بفضل خدا و برحمت او باین چیزها باید که شادمان شوند آن بهتر است
از آنچه جمع میکنند قُلْ أَرَأَيْتُم مَّا أَنزَلَ اللَّهُ لَكُم مِّن رِّزْقٍ فَجَعَلْتُم مِّنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ
آللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ • بگو آیا دیدید چیزی را که فرود آورده است خدا برای شما از جنس
روزی پس ساختید بعض از آن حرام و بعض از آن حلال بگو آیا خدا اذن داده است شما را یا بر خدا دروغ می بندید
وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ
أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ • و چیست گمان آنانکه افترا می کنند بر خدا دروغ را بروز قیامت یعنی خدا با ایشان
چه خواهد کرد روز قیامت هر آینه خدا خداوند فضل است بر مردمان ولیکن بیشتری از ایشان سپاسداری
نمی کنند وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِن قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ
شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَن رَّبِّكَ مِن مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ
وَلَا أَصْغَرَ مِن ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ • و نمی باشی در هیچ شغلی و نمی خوانی هیچ آیتی
که از طرف خدا آمده و نمی کنید هیچ کاری مگر هستیم بر شما مطلع چون در می آیید بآن کار و پوشیده نمی شود
از پروردگار تو هم سنگ ذره در زمین و نه در آسمان و نیست خردتر از آن و نه بزرگتر الا نوشته شده است
در کتاب روشن أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ • الَّذِينَ آمَنُوا
وَكَانُوا يَتَّقُونَ • آگاه باشید هر آینه دوستان خدا هیچ ترس نیست بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند
آنانکه ایمان آوردند و تقوی میکردند لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ
لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ • و ایشان راست بشارة در زندگانی یعنی بر رویای صالحه و
بشارة در آخرة و نیست هیچ تبدیل مر سخنان خدا را این بشارة همون است فیروزی بزرگ وَلَا يَحْزُنكَ

ع

قوله

قولهم ان العزة لله جميعا هو السميع العليم ۝ و غمگين نكند ترا سخنان ايشان هر آينه غلبه خداراست
همه يكجا اوست شنوا دانا الا ان لله من في السموات ومن في الارض وما يتبع الذين
يدعون من دون الله شركاء ان يتبعون الا الظن وان هم الا يخرصون ۝ آگاه باش
هر آينه خداراست هر كه در آسمانهاست و هر كه در زمين ست و پيروي نمي كنند هر كه پرستش مي كنند بجز خدا
شريكان را بحقيقت پيروي نمي كنند مگر وهم را و نيستند مگر دروغگوي هو الذي جعل لكم الليل لتسكنوا
فيه والنهار مبصرا ان في ذلك لايت لقوم يسمعون ۝ اوست آنكه ساخت براي شما شب را
تا كه آرام گيريد دران و ساخت روز را روشن هر آئنه درين نشانهاست گروهي را كه مي شنوند قالوا
اتخذ الله ولدا سبحانه هو الغني له ما في السموات وما في الارض ان عندكم من
سلطن بهذا اتقولون على الله ما لا تعلمون ۝ گفتند كافران فرزند گرفته ست خدا پاكي اوراست
اوست بي نياز اوراست آنچه در آسمانها و آنچه در زمين ست نيست نزديك شما هيچ حجتي برين آيا ميگوييد
بر خدا آنچه نميدانيد قل ان الذين يفترون على الله الكذب لا يفلحون ۝ بگو هر آينه آنانكه مي بندند
بر خدا دروغ را رستگار نمي شوند متاع في الدنيا ثم الينا مرجعهم ثم نذيقهم العذاب
الشديد بما كانوا يكفرون ۝ ايشان را باشد بهره مندي در دنيا باز بسوي ماست بازگشت ايشان
پس بچشانيم ايشان را عذاب سخت بسبب آنكه كفر ميكردند واتل عليهم نبا نوح اذ قال لقومه يا قوم
ان كان كبر عليكم مقامي وتذكيري بايت الله فعلى الله توكلت فاجمعوا امركم
وشركاءكم ثم لا يكن امركم عليكم غمة ثم اقضوا الي ولا تنظرون ۝ و بخوان برايشان
خبر نوح را چون گفت بقوم خود اي قوم من اگر دشوار شده باشد بر شما قيام من و پند دادن من بآيتهاي
خداي پس بر خدا توكل كردم پس عزيمت درست كنيد در كار خود همراه شريكان خويش پس نباشد كار شما
پوشيده بر شما باز برسانيد بسوي من و مهلت مدهيد مرا فان توليتم فما سالتكم من اجر ان اجري
الا على الله وامرت ان اكون من المسلمين ۝ پس اگر اعراض كرديد يعني از گفته من چه زيان نخواسته بودم
از شما هيچ مزد را نيست مزد من مگر بر خدا و فرموده شده مرا كه باشم از مسلمانان فكذبوه فنجيناه ومن

ثلث ۱۲

مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الْمُنْذَرِينَ ۝ پس دروغی داشتندش پس خلاص ساختیم او را و آنان را که با وی بودند در کشتی و کردانیدیم ایشان را
جانشین و غرق کردیم کسانی را که دروغ داشتند آیات ما پس بنگر چگونه شد آخر کار بیم کرده شدگان ثُمَّ
بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ
مِنْ قَبْلُ كَذَٰلِكَ نَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ ۝ باز فرستادیم بعد نوح پیغامبران را بسوی قوم ایشان
پس آوردند پیش ایشان نشانهای روشن را پس هرگز مستعد آن نبودند که ایمان آرند بآنچه دروغ داشته بودند
آنرا پیش ازین همچنین مهر می نهیم بر دل از حد گذرندگان ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ وَهَارُونَ
إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ ۝ باز فرستادیم بعد از ایشان
موسی و هارون را بسوی فرعون و قوم وی با نشانهای خویش پس تکبر کردند و بودند قوم گناهکاران فَلَمَّا
جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَٰذَا لَسِحْرٌ مُبِينٌ ۝ پس چون آمد با ایشان سخن درست از نزدیک ما
گفتند هر آینه این سحر ظاهر است قَالَ مُوسَىٰ أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَٰذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ
گفت موسی آیا چنین میگوئید سخن درست را چون بیامد شما را آیا این سحر است این و درست کار نمی شوند ساحران
قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَلْفِتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمَا الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا
بِمُؤْمِنِينَ ۝ گفتند آیا آمده پیش ما تا باز داری ما را از دینی که یافته ایم بر آن پدران خود را و تا باشد
شما را ریاست در زمین و نیستیم ما شما را باور دارنده وَقَالَ فِرْعَوْنُ ائْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ۝
و گفت فرعون بیارید پیش من هر ساحر دانا را فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ
مُلْقُونَ ۝ پس وقتی که آمدند ساحران گفت ایشان را موسی بیفکنید آنچه شما افکننده اید فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ
مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ۝ چون افکندند گفت
موسی آنچه آورده اید سحر است هر آینه خدا باطل خواهد ساخت آنرا هر آینه خدا راست نمی آرد کار مفسدان را
وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ۝ و ثابت خواهد کرد خدا سخن درست بفرمان خود اگرچه ناخوش
دارند گناهکاران فَمَا آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ

أَنْ يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ ۝ پس ایمان نیاوردند بموسی مگر جماعه
از قوم وی با وجود خوف از فرعون و از اشراف قبط که عقوبت کنند ایشان را و هر آینه فرعون سرکشی بود در زمین
و هر آینه وی از حد گذرندگان بود وَقَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا
إِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ ۝ و گفت موسی ای قوم من اگر ایمان آورده اید بخدا پس بر وی توکل کنید اگر مسلمان هستید
فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ پس گفتند بر خدا توکل کردیم
ای پروردگار ما مکن ما را لگدکوب قوم ستمکاران وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ۝
و خلاص کن ما را برحمت خود از گروه کافران وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّآ لِقَوْمِكُمَا
بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ۝ و وحی فرستادیم
بسوی موسی و برادر وی که مسکن بسازید برای قوم خود در شهر مصر خانها را و بسازید آن خانهای خود را
قبله روی یعنی مساجد البیت بنا کنید و برپا دارید نماز را و بشارت ده مومنان را وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا
إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ
رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۝
و گفت موسی ای پروردگار ما هر آینه تو داده فرعون و قبیله او را زینت و مالهای بسیار در زندگانی
دنیا ای پروردگار ما تا گمراه کنند عالم را از راه تو ای پروردگار ما مسخ کن مال ایشان را و مهر کن بر دل ایشان
که ایمان نیارند تا به بینند عذاب درد دهنده را قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِّ
سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۝ گفت خدا هر آینه قبول کرده شد دعا شما پس ثابت باشید و پیروی مکنید
راه جاهلان را وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدْوًا
حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا الَّذِي آمَنَتْ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا
مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ و گذرانیدیم اولاد یعقوب را از دریا پس در عقب ایشان شدند فرعون و لشکر او از راه
ستم و تعدی تا وقتی که رسید ش مشقت غرق گفت باور داشتم که نیست هیچ معبود مگر آنکه ایمان آورده اند
بوی بنی اسرائیل و من از مسلمانانم آلْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ گفته شد آیا اکنون

ایمان آری و نافرمانی کردی پیش ازین و بودی از مفسدان فَالْیَوْمَ نُنَجِّیكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ
خَلْفَكَ آیَةً وَإِنَّ كَثِیرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آیَاتِنَا لَغَافِلُونَ • پس امروز بر مکان بلند افکنیم یعنی بر روی
آب آریم ترا با همان جسد تو یعنی بغیر تغیر تا باشی نشانه آنرا که از پس تو آیند و هر آینه بسیاری از مردمان
از نشانهای ما بیخبرانند وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِی إِسْرَائِیلَ مُبَوَّأَ صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّیِّبَاتِ فَمَا
اخْتَلَفُوا حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ یَقْضِی بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ فِیمَا كَانُوا فِیهِ یَخْتَلِفُونَ •
و هر آینه جای دادیم بنی اسرائیل را بمقام نیک و روزی دادیم ایشانرا از پاکیزها پس اختلاف نکردند تا آنکه
آمد با ایشان دانش یعنی قران هر آینه پروردگار تو حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه اختلاف میداشتند
فَإِنْ كُنْتَ فِی شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَیْكَ فَاسْأَلِ الَّذِینَ یَقْرَءُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ
الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِینَ • پس اگر در شکی از آنچه فرو فرستادیم بسوی تو پس بپرس
آنانرا که میخوانند کتاب پیش از تو یعنی ظاهر شود که بر انبیا سابق نیز وحی نازل میشد والله اعلم هر آینه آمده است
پیش تو وحی درست از پروردگار تو پس مشو از شک آرندگان وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِینَ كَذَّبُوا
بِآیَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِینَ • و مباش از آنان که دروغ داشتند آیات ما را تا شوی
از زیانکاران إِنَّ الَّذِینَ حَقَّتْ عَلَیْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا یُؤْمِنُونَ • وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آیَةٍ
حَتَّىٰ یَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِیمَ • و هر آینه آنان که ثابت شد بر ایشان حکم پروردگار تو ایمان نیارند
و اگرچه بیاید بر ایشان هر نشانه تا آنکه به بینند عذاب درد دهنده فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْیَةٌ آمَنَتْ
فَنَفَعَهَا إِیمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ یُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْیِ فِی الْحَیَوٰةِ الدُّنْیَا
وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِینٍ • پس چرا نشد دهی که ایمان آرد یعنی نزدیک نزول عذاب پس سود کندش ایمان
وی مگر قوم یونس چون ایمان آوردند برداشتیم از ایشان عقوبت رسوائی در زندگانی دنیا و بهره مند
ساختیم ایشانرا تا مدتی وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَآمَنَ مَنْ فِی الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِیعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ
النَّاسَ حَتَّىٰ یَكُونُوا مُؤْمِنِینَ • و اگر خواستی پروردگار تو ایمان آوردندی آنان که در زمین اند
همه ایشان یکجا آیا تو جبر توانی کرد مردمانرا تا مسلمان شوند وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ

وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ۝ و روا نبود هیچ شخصی را که ایمان آرد مگر بخواست خدای
و می اندازد پلیدی بر آنان که در نمی یابند قُلِ انْظُرُوا مَاذَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا تُغْنِي
الْاٰيٰتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ بگو ببینید چه چیز هست در آسمانها و زمین و فائده نمیکند
نشانها و ترسانندگان گروهی را که باور نمی کنند فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ اِلَّا مِثْلَ اَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا
مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانْتَظِرُوا اِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ۝ پس انتظار نمی کشند مگر مانند مصیبتهای
آنان که گذشتند پیش از ایشان بگو انتظار بکشید هر آینه ما نیز با شما از منتظرانیم ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا
وَالَّذِينَ اٰمَنُوا كَذٰلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنْجِ الْمُؤْمِنِينَ ۝ باز خلاص میکنیم پیغمبران خود را و آنانکه
ایمان آوردند همچنین خلاص کنیم مسلمانان را وعده دادیم وعده درست لازم بر خود قُلْ يٰاَيُّهَا
ع ١٥ النَّاسُ اِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا اَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ
وَلٰكِنْ اَعْبُدُ اللّٰهَ الَّذِي يَتَوَفّٰكُمْ وَاُمِرْتُ اَنْ اَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ بگوای مردمان
اگر هستید در شبه از دین من پس بشنوید عبادت نمی کنم آنانرا که شما می پرستید بجز خدا و لیکن
عبادت میکنم آن خدا را که قبض ارواح شما میکند و فرموده شد مرا که باشم از مسلمانان
وَاَنْ اَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝ و فرموده شد آنکه راست کن
خود را برای دین حنیف شده و مباش از مشرکان وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ
وَلَا يَضُرُّكَ فَاِنْ فَعَلْتَ فَاِنَّكَ اِذًا مِنَ الظّٰلِمِينَ ۝ و مخوان بجز خدا چیزی را که سود نکند ترا و
زیان نرساند بتو پس اگر بکنی باشی آنگاه از ستمکاران وَاِنْ يَمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهٗ اِلَّا
هُوَ وَاِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهٖ يُصِيبُ بِهٖ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهٖ وَهُوَ الْغَفُورُ
الرَّحِيمُ ۝ و اگر برساند خدا بتو رنجی پس نیست بردارنده مگر او و اگر خواهد در حق تو نعمتی پس نیست هیچ
دفع کننده فضل او را میرساند به هر که خواهد از بندگان خود و اوست آمرزنده مهربان قُلْ يٰاَيُّهَا
النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدٰى فَاِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهٖ وَمَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ
عَلَيْهَا وَمَا اَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ۝ بگوای مردمان آمده است بشما وحی راست از پروردگار شما پس هر که

راه یافت جز این نیست که راه یافت برای خود و هر که گمراه شد جز این نیست که گمراه میشود بزیان خود و نیستم من

بر شما نگاهبان وَاتَّبِعْ مَا يُوحَى إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ • و یا محمد

پیروی کن چیزی را که وحی فرستادیم بتو و شکیبائی ورز تا آنکه فیصل کند خدا و او بهترین فیصل کنندگان

سورة هود مكية مائة وثلاث وعشرون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الر. كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ • این کتابیست که استوار

کرده شد آیات او را باز واضح کرده شد آمده از نزدیک خدای درست کار خبردار أَلَّا تَعْبُدُوا

إِلَّا اللَّهَ إِنَّنِي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ • بآن مضمون که بگو عبادت مکنید مگر خدای را هر آینه

من شما را از جانب او بیم کننده و بشارت دهنده ام وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ

يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي

أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ • و آنکه آمرزش طلب کنید از پروردگار خود باز رجوع کنید بسوی

وی تا بهره مند سازد شما را بهره نیک تا میعاد معلوم و تا بدهد هر صاحب بزرگی را جزاء بزرگی او و اگر

روی گردان شوید پس هر آینه می ترسم بر شما از عذاب روز بزرگ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَى

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ • بسوی خداست بازگشت شما و او بر هر چیز تواناست أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ

صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا

يُعْلِنُونَ. إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ • آگاه باش این کافران می پیچند سینهای خود را

یعنی اعراض می کنند میخواهند که تا پنهان شوند از خدا آگاه باش چون بر سر میکنند جامهای خود را

میداند آنچه پنهان میدارند و آشکارا می کنند هر آینه او داناست بسری که مالک سینهاست مترجم گوید

میتوان گفت پیچیدن سینه عبارة از آن است که فکرهای ناصواب کنند و لشبهات واهیه دل خود را اطمینان

دهد و عقاید حقه را فراموش سازد زیرا که صدور اینجا بمعنی علوم صدور آمده است وَمَا مِنْ دَابَّةٍ

فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ •

ع

سپاره ۱۲
الجزء اثنا عشر

ومن
ب بجنجنده

ونیست هیچ جنبنده در زمین مگر بر خداست روزی او و میداند جای ماندن او را و جای نگاه داشتن
او را هر یک در کتاب روشن هست یعنی در لوح نوشته شده مترجم گوید مستودع جائیست که بغیر اختیار
او انجا نگاه داشته بود مانند صلب و رحم و مستقر جائیست که باختیار خود میماند مثل خانه وَهُوَ الَّذِي
خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا
و اوست انکه افرید آسمانها و زمین را در شش روز و بود عرش او بر آب آخر کار آفریدن شما انکه بیازماید
شما را که کدام کس از شما نیکوترست از جهة عمل وَلَئِنْ قُلْتَ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ
الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ • و اگر گوئی که هر اینه شما بر انگیخته شوید بعد موت گویند
کافران نیست این سخن مگر جادوئی ظاهر وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ
١٤٢ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ
و اگر باز داریم از ایشان عقوبت را تا مدتی شمرده شده گویند چه چیز باز میدارد آنرا آگاه باش روزیکه
بیاید بایشان نباشد باز داشته شده از ایشان و فرا گیرد ایشانرا انچه استهزا میکردند بآن وَلَئِنْ
أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَئُوسٌ كَفُورٌ • و اگر بچشانیم آدمی را
نعمتی از نزدیک خود باز گیریم انرا از وی هر آینه وی نا امید و ناسپاس هست وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ
نَعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ • و اگر بچشانیم
آدمی را رفاهیتی بعد سختی که رسیده باشد بوی گوید برفتند سختیها از من هر آینه وی شادمان خودستاینده است
إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ • مگر آنان که
شکیبائی نمودند و کارهای شایسته کردند انجماعه ایشانراست آمرزش و مزد بزرگ فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ
بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ جَاءَ
مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ • پس شاید تو ترک کنی بعض انچه
فرستاده میشود بسوی تو و تنگ میشود بآن سینهٔ تو یعنی ترک مکن و تنگدل مشو از جهة انکه گویند
چرا نه فرود آورده شده بر او گنجی یا چرا نه آمد همراه او فرشته چرا این نیست که تو بیم کننده و خدا بر همه چیز

نگهبان است أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرَيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ
اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ • آیا میگویند بر بسته است قرآن را بگو پس بیارید
ده سوره را مانند این بربافته و بخوانید هر کرا توانید بجز خدا اگر راست گوی هستید مترجم گوید
نخست بده سوره تحدی واقع شد و چون ازان عاجز شدند بیک سوره تحدی فرمود فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا
لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ • پس اگر قبول
نکنند آن کافران سخن شما را بدانید که قرآن نازل کرده شده است بعلم خدا و بدانید که هیچ معبود نیست
مگر وی پس آیا مسلمان هستید یعنی بر اسلام ثابت باشید مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا
نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ • هر که خواسته باشد زندگانی دنیا و تجمل آن
تمام رسانیم بسوی این جماعه جزاء اعمال ایشان در دنیا و ایشان در ینجا نقصان داده نشوند یعنی ثواب
صدقه و صله رحم که از کفار بوجود می آید در دنیا می دهند بتوسیع رزق و صحت بدن أُولَٰئِكَ ع ٢
الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ • این جماعه آنانند که نیست ایشانرا در آخرة مگر آتش و باطل شد در آخرة آنچه کرده بودند و باطل بود
آنچه بعمل می آوردند أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ
مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ
مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ •
آیا کسیکه باشد بر حجتی از جانب پروردگار خود یعنی دلیل عقلی و متصل وی یا می آید گواهی از جانب
پروردگار او یعنی قرآن و پیش از قرآن گواه وی بود کتاب موسی پیشوا و بخشایش مثل دیگران باشد
این جماعه ایمان می آرند بقرآن و هر که کافر باشد بآن از گروهها پس آتش وعده گاه وی است پس مباش از نزول
قرآن هر آینه وی درست است آمده از پروردگار تو ولیکن بیشتر مردمان ایمان نمی آرند وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ
افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ
كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ

يبغونها عوجا وهم بالآخرة هم كافرون • و کیست ستمکارتر از کسی که بربست بر خدا دروغی را
اینجماعه آورده شوند پیش پروردگار خود و گویند گواهان یعنی کرام کاتبین ایشانند آنانکه دروغ بستند
بر پروردگار خویش آگاه باش لعنت خداست بر ستمکاران آنانکه باز میدارند مردمانرا از راه خدا و میخواهند
برای آن راه کجی را و ایشان بآخرت کافرانند اولئك لم يكونوا معجزين في الارض وما كان
لهم من دون الله من اولياء يضاعف لهم العذاب ما كانوا يستطيعون السمع
وما كانوا يبصرون • اینجماعه نباشند عاجز کننده در زمین و نباشند ایشانرا بجز خدا دوستان
دو چند کرده شود ایشانرا عذاب نمی توانستند شنودن یعنی بسبب شدت ناخوشی و نمی دیدند مترجم گوید
و میتوان گفت همزه استفهام انکاری محذوفست یعنی آیا نمی توانستند شنید و آیا نمی دیدند اولئك
الذين خسروا انفسهم وضل عنهم ما كانوا يفترون • اینجماعه آنانند که زیان کردند در حق خویش
و گم شد از ایشان آنچه بر می بافتند لا جرم انهم في الآخرة هم الاخسرون • بیشک اینجماعه
در آخرت ایشانند زیانکاران ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات واخبتوا الى ربهم
اولئك اصحاب الجنة هم فيها خالدون • هر آینه آنان که ایمان آوردند و عملهای شایسته کردند
و آرام گرفتند متوجه شده بسوی پروردگار خویش اینجماعه اهل بهشت اند ایشان آنجا جاویدانند مثل
الفريقين كالاعمى والاصم والبصير والسميع هل يستويان مثلا افلا تذكرون •
صفت این دو فریق آنست مانند کور و کر و بینا و شنوا آیا هر دو برابرانند در صفت آیا پند نمی گیرید
ولقد ارسلنا نوحا الى قومه اني لكم نذير مبين • هر آینه فرستادیم نوح را بسوی قوم او
گفت هر آینه من برای شما بیم کننده آشکارام ان لا تعبدوا الا الله اني اخاف عليكم عذاب
يوم اليم • باین مضمون که می پرستید مگر خدا را هر آینه من میترسم بر شما از عذاب روز درد دهنده فقال
الملأ الذين كفروا من قومه ما نراك الا بشرا مثلنا وما نراك اتبعك الا
الذين هم اراذلنا بادي الرأي وما نرى لكم علينا من فضل بل نظنكم كاذبين •
پس گفتند جماعتی که کافر بودند از قوم او نمی بینیم ترا مگر آدمی مانند خویش و نمی بینیم که پیروی تو کرده باشند

بنا مل سرسری مگر آنانکه ایشان کمینها اند و نمی بینیم شما را هیچ بزرگی بر خود بلکه می پنداریم شما را در
دروغگویان قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ
فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ • گفت ای قوم من آیا خبر دهید بدانکه اگر
باشم بر حجتی از پروردگار خود و داده باشد مرا بخشایشی از نزدیک خود پس پوشانیده باشند حقیقت آن
بر شما آیا جبر کنیم شما را بر آن و شما ناخواهان باشید وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ
إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُو رَبِّهِمْ وَلَٰكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا
تَجْهَلُونَ • و ای قوم من طلب نمی کنم از شما بر این سرانجام رسانیدن مالی نیست مزد من مگر بر خدا و
نیستم یکسو کننده مسلمانان یعنی از صحبت خود هر آینه ایشان ملاقات کنندگانند با پروردگار خویش
ولیکن من می بینم شما را قومی که جهالت می کنید وَيَا قَوْمِ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ
أَفَلَا تَذَكَّرُونَ • و ای قوم من که نصرت دهد مرا از عقوبت خدا اگر برانم ایشان را آیا پند نمی گیرید وَلَا
أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ
لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي
إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ • و نمی گویم بشما که نزدیک من خزینهای خداست و نه آنکه میدانم غیب را
و نمی گویم که فرستاده ام و نمی گویم آنان را که بخواری می نگرد بدیشان چشم شما که نخواهد داد خدا ایشان را
هیچ نعمتی خدا داناتر است بانچه در ضمیر ایشانست هر آینه من آنگاه از ستمکاران باشم قَالُوا يَا نُوحُ
قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ • گفتند
ای نوح مکابره کردی با ما پس بسیار کردی مکابره ما را پس بیار آنچه وعده می کنی اگر هستی از راست گویان
قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ • گفت جز این نیست که بیارد آن را
بشما خدا اگر خواهد و شما عاجز کننده نیستید وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ
إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ • و سود نمی کند شما را نصیحت من
اگر خواهم که نصیحت کنم شما را اگر خدا خواسته باشد که گمراه کند شما را اوست پروردگار شما و بسوی او

۳ع

باز گردانیده شوید

بازکرداینده شوید ام یقولون افتریه قل ان افتریته فعلی اجرامی و انا بری مما
تجرمون • یا محمد آیا میکویند بر بسته ست قرآن را بکو اکر بر بسته ام پس بر من ست کناه من و من بی تعلقم
از کناه کردن شما مترجم کوید اینجا زیاده کرده شد در وسط قوم نوح تا شبه باشد بر تطبیق حال مشرکین
مکه با حال قوم حضرت نوح والله اعلم واوحی الی نوح انه لن یؤمن من قومک الا من
قد امن فلا تبتئس بما کانوا یفعلون • و وحی فرستاده شد بسوی نوح که ایمان نخواهد آورد
از قوم تو الا آنکه مومن شده ست پس اندوه مخور بسبب آنچه میکردند واصنع الفلک باعیننا
ووحینا ولا تخاطبنی فی الذین ظلموا انهم مغرقون • و بساز کشتی را بحضور ما و
بفرمان ما و سخن مکو با من در باب آنانکه ستم کردند هر آینه ایشان غرق کرده شدکانند ویصنع الفلک
وکلما مر علیه ملأ من قومه سخروا منه قال ان تسخروا منا فانا نسخر منکم کما
تسخرون • و میساخت نوح کشتی را و هر کاه که کذشتی بران کشتی جماعه از قوم او تمسخر میکردند باوی
کفت اکر تمسخر میکنید با ما پس هر آینه ما تمسخر خواهیم کرد با شما چنانچه شما تمسخر می کنید فسوف تعلمون
من یاتیه عذاب یخزیه ویحل علیه عذاب مقیم • پس خواهید دانست آنرا که بیاید بوی عذابی
که رسوا کند وی را و فرود آید بروی عقوبتی دایم حتی اذا جاء امرنا وفار التنور قلنا احمل فیها
من کل زوجین اثنین واهلک الا من سبق علیه القول ومن امن وما امن معه
الا قلیل • در همین معامله بودند تا وقتی که آمد فرمان ما و بجوشید تنور یعنی تنور غضب الهی کفتیم بردار
در کشتی از هر جنسی دو تن نر و ماده را و بردار کسان خود را مکر آنکه سبقت کرده ست بروی قضا یعنی
زن نوح و کنعان پسر نوح و بردار مسلمانانرا و ایمان نیاوردند باوی مکر اندکی وقال ارکبوا فیها
بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی لغفور رحیم • و کفت نوح سوار شوید در کشتی بنام خدا ست
روان شدن وی و ایستاده کردن وی هر آینه پروردکار من آمرزنده مهربان ست وهی تجری بهم
فی موج کالجبال ونادی نوح ابنه وکان فی معزل یا بنی ارکب معنا ولا تکن مع
الکافرین • و آن کشتی میبرد ایشانرا در موجی مانند کوهها و آواز داد نوح پسر خود را و او بود در کرانه

اي پسر سوار شو با ما و مباش با كافران قَالَ سَاٰوِيْ اِلٰى جَبَلٍ يَّعْصِمُنِيْ مِنَ الْمَآءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ
مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ اِلَّا مَنْ رَّحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِيْنَ • گفت پناه خواهم گرفت
بسوي كوهي كه نگاه دارد مرا از آب گفت نوح هيچ نگاه دارنده نيست امروز از عذاب خدا ليكن معصوم
كسي باشد كه خدا رحم كرده است بروي و درآمد موج ميان ايشان پس شد از غرق كردگان وَقِيْلَ
يٰۤاَرْضُ ابْلَعِيْ مَآءَكِ وَيٰسَمَآءُ اَقْلِعِيْ وَغِيْضَ الْمَآءُ وَقُضِيَ الْاَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُوْدِيِّ ربع
وَقِيْلَ بُعْدًا لِّلْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ • وگفته شد اي زمين فرو بر آب خود را واي آسمان باز مان يعني از باران
وكم كرده شد آب و سرانجام نموده شد كار و قرار گرفت كشتي بر كوه جودي وگفته شد هلاك باد قوم ستمكاران
وَنَادٰى نُوْحٌ رَّبَّهٗ فَقَالَ رَبِّ اِنَّ ابْنِيْ مِنْ اَهْلِيْ وَاِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَاَنْتَ اَحْكَمُ الْحٰكِمِيْنَ •
و آواز داد نوح پروردگار خود را پس گفت اي پروردگار من هرآينه پسر من از اهل من است و هرآينه
وعده تو راست است و تو بهترين حكم كنندگاني قَالَ يٰنُوْحُ اِنَّهٗ لَيْسَ مِنْ اَهْلِكَ اِنَّهٗ عَمَلٌ
غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْـَٔلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهٖ عِلْمٌ اِنِّيْۤ اَعِظُكَ اَنْ تَكُوْنَ مِنَ الْجٰهِلِيْنَ • گفت
اي نوح هرآينه وي نيست از كسان تو و هرآينه خداوندكار ناشايسته است پس سوال مكن تو مرا از چيزي
كه نيست ترا دانش آن هرآينه من پند ميدهم ترا براي احتراز از آنكه باشي از جاهلان قَالَ رَبِّ اِنِّيْۤ
اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اَسْـَٔلَكَ مَا لَيْسَ لِيْ بِهٖ عِلْمٌ وَاِلَّا تَغْفِرْ لِيْ وَتَرْحَمْنِيْۤ اَكُنْ مِّنَ الْخٰسِرِيْنَ •
گفت اي پروردگار من هرآينه من مي پناهم بتو از آنكه بپرسم از تو آنچه نيست مرا دانش آن و اگر نيامرزي
مرا و رحمت نكني بر من باشم از زيانكاران قِيْلَ يٰنُوْحُ اهْبِطْ بِسَلٰمٍ مِّنَّا وَبَرَكٰتٍ عَلَيْكَ
وَعَلٰۤى اُمَمٍ مِّمَّنْ مَّعَكَ وَاُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِّنَّا عَذَابٌ اَلِيْمٌ • گفته شد اي نوح
فرود آي همراه سلامتي از جانب ما و همراه بركتها فرود آمده بر تو و بر امتهاي كه پيدا شوند از همراهان تو
و امتهاي ديگر اند كه بهره مند كنيم ايشانرا در دنيا باز برسد بايشان از جانب ما عذابي درد دهنده تِلْكَ
مِنْ اَنْۢبَآءِ الْغَيْبِ نُوْحِيْهَاۤ اِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَاۤ اَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هٰذَا فَاصْبِرْ
اِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِيْنَ • اين قصه از اخبار غيب است وحي ميفرستيم آنرا بسوي تو نميدانستي آنرا تو ع

وقوم تو

و قوم تو نمیدانستند پیش ازین پس صبر کن هر آینه عاقبت متقیان راست وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا
قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ ۝ و فرستادیم بسوی عاد
برادر ایشان هود را گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شما را هیچ معبودی بجز وی نیستید شما مگر
افترا کننده يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝
ای قوم من نمی طلبم از شما برین پیغام مزدی را نیست مزد من مگر بر کسی که آفریده است مرا آیا در نمی یابید
وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً
إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ ۝ و ای قوم آمرزش طلبید از پروردگار خود باز رجوع کنید بسوی او
تا بفرستد ابر را بر شما ریزان گشته و با فزاید شما را قوتی همراه قوت شما و رو گردان مشوید گناهکار شده
قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ
بِمُؤْمِنِينَ ۝ گفتند ای هود نیاوردی بما دلیلی و نیستیم ما ترک کننده معبودان خود بگفته تو و نیستیم
ترا باور دارنده إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ
وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ مِنْ دُونِهِ فَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنْظِرُونِ ۝
نمی گوییم الا آنکه رسانیده اند بتو بعض معبودان ما ضرری گفت هر آینه من گواه میسازم خدا را و شما گواه
باشید که من بیزارم از آنچه شما شریک میگیرید بجز وی پس بد سگالی کنید در حق من همه یکجا باز مهلت مدهید
إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ
صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ هر آینه من توکل کردم بر خدا پروردگار من و پروردگار شما نیست هیچ جنبنده
الا خدا گرفته است موی پیشانی او را یعنی مالک اوست هر آینه پروردگار من بر راه راست است یعنی
حکیم است فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا
غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ۝ پس اگر رو گردان شوید ضرری بمن
عاید نیست هر آینه رسانیدم بشما پیغامی را که فرستاده شدم همراه آن بسوی شما و جانشین سازد
پروردگار من قومی را بجز شما و هیچ زیان نتوانید رسانیدن خدا را هر آینه پروردگار من بر همه چیز

نگاهبان است وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنْ
عَذَابٍ غَلِيظٍ • چون آمد عذاب ما خلاص ساختیم هود را و آنانکه ایمان آوردند با وی برحمتی از جانب خود
و برهانیدیم ایشان را از عقوبتی سخت وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ
وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ • و اینست سرگذشت عاد انکار کردند آیات پروردگار خود را و نافرمانی
نمودند بپیغامبران خود را و پیروی کردند فرمان هر سرکش ستیزنده را وَأُتْبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا
لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِعَادٍ قَوْمِ هُودٍ • و از پی این
فرستاده شد درین دنیا لعنتی و روز قیامت نیز آگاه باش هر آینه عاد کافر شدند بپروردگار خود آگاه باش
نفرین باد عاد را که قوم هود بودند وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ
مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا
إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ • و فرستادیم بسوی ثمود برادر ایشان صالح را گفت ای قوم من عبادت
کنید خدا را نیست شما را هیچ معبود بجز وی او پیدا کرد شما را از زمین و گردانید شما را باشنده در زمین
پس طلب آمرزش کنید ازو و باز رجوع کنید بسوی او هر آینه پروردگار من نزدیک است پذیرنده دعا است
قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّنَا
لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ • گفتند ای صالح بودی تو در میان ما امید داشته شده پیش ازین
آیا منع میکنی ما را از آنکه عبادت کنیم معبودانی را که عبادت میکردند پدران ما و هر آینه ما در شبهه قوی ایم
از آنچه میخوانی ما را بسوی آن قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي مِنْهُ
رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ • گفت ای قوم من
آیا دیدید اگر باشم بر حجتی از پروردگار خود و عطا کرده باشد مرا از جانب خود بخشایشی پس که نصرت دهد
مرا از عقوبت خدا اگر نافرمانی او کنم پس زیاده نمی کنید در حق من بجز زیانکاری وَيَا قَوْمِ هَذِهِ
نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ
عَذَابٌ قَرِيبٌ • و ای قوم من اینست ماده شتری که خدا فرستاده است برای شما نشانه پس بگذارید

ع ٦

تا بخورد در زمین

تا بخورد در زمین خدا و مرسانید بوی هیچ ضرری که آنگاه بگیرد شمارا عقوبتی نزدیک فعقروها فقال
تمتعوا في داركم ثلثة ايام ذلك وعد غير مكذوب ● پس پی زدند آنرا پس گفت صالح بهره مند باشید
در سرای خود سه روز این وعده ایست غیر دروغ فلما جاء امرنا نجينا صالحا والذين امنوا
معه برحمة منا ومن خزي يومئذ ان ربك هو القوي العزيز ● پس وقتیکه آمد فرمان ما
خلاص ساختیم صالح را و آنانرا که ایمان آوردند همراه وی بخشایشی از جانب خود و رهانیدیم از رسوائی آن روز
هر آینه پروردگار تو همونست توانا غالب واخذ الذين ظلموا الصيحة فاصبحوا في ديارهم جاثمين
كان لم يغنوا فيها الا ان ثمود كفروا ربهم الا بعدا لثمود ● و در گرفت ستمکارانرا آواز سخت
پس صبح کردند در سرای خود مرده شده گویا هرگز نبودند آنجا آگاه باش هر آینه ثمود انکار کردند پروردگار
ع ٦ خود را هر آینه دوری باد ثمود را ولقد جاءت رسلنا ابراهيم بالبشرى قالوا سلاما قال سلام فما
لبث ان جاء بعجل حنيذ ● و هر آینه آمدند فرستادگان ما پیش ابراهیم به بشارت و سلام گفتند ابراهیم
جواب سلام داد پس توقف نکرد در آنکه آورد گوساله بریان فلما رءا ايديهم لا تصل اليه نكرهم
واوجس منهم خيفة قالوا لا تخف انا ارسلنا الى قوم لوط ● پس چون دید که دست ایشان نمیرسد
بآن بد برد از ایشان و بخاطر آورد از ایشان ترسی گفتند مترس هر آینه ما فرستاده شده ایم بسوی قوم لوط
وامراته قائمة فضحكت فبشرناها باسحق ومن وراء اسحق يعقوب ● و زن ابراهیم ایستاده بود
پس بخندید یعنی بسبب خوشوقتی از اهلاک قوم لوط پس مژده دادیمش بتولد اسحق و بعد اسحق بوجود یعقوب
قالت يا ويلتى ءالد وانا عجوز وهذا بعلي شيخا ان هذا لشيء عجيب ● گفت ای وای من
آیا خواهم زاد و من پیر شدم و این شوهر من است کلان سال شده هر آینه این چیزی عجیب است قالوا
اتعجبين من امر الله رحمت الله وبركاته عليكم اهل البيت انه حميد مجيد ● فرشتگان
گفتند آیا تعجب میکنی از قدرت خدا و بخشایش خدا و برکات او بر شماست ای اهل این خانه هر آینه خدا
ستوده کار بزرگوار است فلما ذهب عن ابراهيم الروع وجاءته البشرى يجادلنا في
قوم لوط ان ابراهيم لحليم اواه منيب ● پس چون رفت از ابراهیم خوف و آمدش بشارت

شروع شود جدال کردن با ما در باب قوم لوط هر آینه ابراهیم بردبار بسیار رجوع کننده بخدا بود یا ابراهیم
اعرض عن هذا انه قد جاء امر ربك وانهم اتيهم عذاب غير مردود ۔ و گفتیم ای ابراهیم
بگذر از این جدال هر آینه حال این است آمد عقوبت پروردگار تو که هر آینه آنجماعه آینده ست با ایشان
عقوبتی که باز گردانیده نشود ولما جاءت رسلنا لوطا سيء بهم وضاق بهم ذرعا
وقال هذا يوم عصيب ۔ و چون آمدند فرستادگان ما پیش لوط اندوهگین شد بسبب ایشان و
تنگدل شد بسبب ایشان و گفت این روزیست سخت یعنی ایشان امارد خوش روی بودند و عادت
قوم معلوم بود پس خوف فتنه پیدا شد والله اعلم وجاءه قومه يهرعون اليه ومن قبل
كانوا يعملون السيئات قال يقوم هؤلاء بناتي هن اطهر لكم فاتقوا الله ولا
تخزون في ضيفي اليس منكم رجل رشيد ۔ و آمدند پیش لوط قوم او شتابان بسوی او
و پیش از این میکردند کارهای زشت لوط گفت ای قوم من این دختران من اند یعنی نکاح کنید
ایشانرا پاکیزه تر اند برای شما پس بترسید از خدا و رسوا مکنید در باب مهمانان من آیا نیست از شما هیچ مرد شایسته
قالوا لقد علمت ما لنا في بناتك من حق وانك لتعلم ما نريد ۔ گفتند هر آینه تو دانسته
که نیست ما را در دختران تو از حاجتی و هر آینه تو میدانی آنچه میخواهیم قال لو ان لي بكم
قوة او اوي الى ركن شديد ۔ گفت اگر مرا بمقابله شما قوت بودی یا پناه گرفتمی بقوم زور آور
میکردم آنچه میکردم قالوا يلوط انا رسل ربك لن يصلوا اليك فاسر باهلك بقطع
من اليل ولا يلتفت منكم احد الا امراتك انه مصيبها ما اصابهم ان موعدهم
الصبح اليس الصبح بقريب ۔ فرشتگان گفتند ای لوط هر آینه ما فرستادگان پروردگار توایم
نخواهند رسید بتو پس ببر کسان خود را پاره از شب و باید که واپس ننگرد هیچکس از شما الا زن تو که رسیدنیست
او را آنچه رسید باین قوم هر آینه میعاد ایشان وقت صبح ست آیا صبح نزدیک نیست فلما جاء
امرنا جعلنا عاليها سافلها وامطرنا عليها حجارة من سجيل منضود مسومة
عند ربك وما هي من الظالمين ببعيد ۔ پس چون آمد فرمان ما ساختیم زبر آنرا زیر و بباریدیم ع

بران

زیران و باران بندیم بر انجا سنکها از قسم سنک کل تبه یعنی لی در پی انشانه مند ساخته نزدیک پروردکار تو
واین سنکها نیستند دور از ستمکاران وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ
اِنّي م مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُم بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ
عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ ۝ و فرستادیم بسوی قوم مدین برادر ایشان شعیب را گفت ای قوم عبادت
کنید خدا را نیست شما را هیچ معبود مگر وی و کم مکنید پیمانه و ترازو را من می بینم شما را به آسودگی
و هر آینه من میترسم بر شما از عذاب روز در گیرنده یعنی هلاک کننده وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَ
الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ۝
و ای قوم من تمام کنید پیمانه و ترازو را بانصاف و کم مرسانید بمردمان چیزهای ایشان را و تباهکاری
مکنید در زمین فساد کنان بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُم
بِحَفِيظٍ ۝ نفعی که خدای تعالی حلال ساخته است بهتر است شما را اگر باور دارندگانید و نیستم بر شما
نگاهبان قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَن نَّتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَن
نصف نَّفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ۝ گفتند ای شعیب آیا نماز تو
میفرماید ترا که بگذاریم آنچه میپرستیدند پدران ما یا بگذاریم آنکه کنیم در مال خود هرچه خواهیم هر آینه تو
مرد بردبار رست معامله و مقصود ایشان استهزا بود قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ
مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ
إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ
أُنِيبُ ۝ گفت ای قوم من آیا دیدید اگر باشم بر حجتی از پروردگار خود و داده باشد مرا از جانب
خود روزی نیک یعنی حلال چگونه سخن شما شنوم و نمیخواهم که خلاف کنم با شما مایل شده بسوی آنچه منع میکنم
شما را از آن یعنی نمیخواهم که بکار نیک بفرمایم و خود نکنم والله اعلم نمیخواهم مگر اصلاحکاری تا توانم
و نیست توفیق من مگر بفضل خدا بر وی توکل کردم و بسوی او رجوع میکنم وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ
شِقَاقِي أَن يُصِيبَكُم مِّثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ

لُوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ ۝ و اي قوم من بيدا مكنيد در حق شما دشمني من اين خصلت را كه برسد شما مانند آنچه رسيد
بقوم نوح يا بقوم هود و يا بقوم صالح و نيست قوم لوط دور از شما وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا
إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ۝ و طلب آمرزش كنيد از پروردگار خود باز رجوع كنيد بسوي او
هرآينه پروردگار من مهربان دوستدار است قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا مِمَّا تَقُولُ وَإِنَّا
لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ ۝ گفتند اي شعيب
نمي فهميم بسياري از آنچه ميگوئي و هرآينه ما مي بينيم ترا در ميان خود ناتوان و اگر نبودي قبيله تو سنگسار
ميكرديم ترا و نيستي تو بر ما گرامي قدر قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ
وَرَاءَكُمْ ظِهْرِيًّا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ۝ گفت اي قوم من آيا قبيله من گرامي تر است
بر شما از خدا و گرفتيد خدا را انداخته پس پشت خويش هرآينه پروردگار من بانچه ميكنيد در گيرنده است
وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ
كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ ۝ اي قوم من عمل كنيد بر طور خود هرآينه من نيز عمل كننده ام
زود خواهيد دانست آنرا كه بيايد بوي عذابي كه رسوا كند وي را و آنرا كه وي دروغگو است و انتظار بريد
هرآينه من با شما منتظرام وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ معه
الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا بُعْدًا
لِمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ ۝ و وقتي كه آمد عذاب ما خلاص ساختيم شعيب را و آنانرا كه ايمان آورده بودند نصف
باوي ببخشايش از خود و در گرفت ظالمانرا آواز سخت پس گشتند در سراهاي خود مرده افتاده گويا ع
هرگز نبودند آنجا آگاه باش دوري باد مدين را چنانچه دور افتادند ثمود وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا بِآيَاتِنَا موسى
وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ
بِرَشِيدٍ ۝ و هرآينه فرستاديم موسي را به نشانهاي خود و بدليل روشن بسوي فرعون و جماعه او
پس پيروي كردند فرمان فرعون را و نبود فرمان فرعون براه راست يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ ۝ و پيشوا شود فرعون قوم خود را روز قيامت

پس آرد

بس بارد ایشانرا باتش و بد جایی ست که وارد ان شدند دوزخ وَاُتْبِعُوْا فِيْ هٰذِهٖ لَعْنَةً
وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُوْدُ ۝ و ازپی ایشان آورده شد لعنت درین دنیا و روز قیامت
بئس بد عطایی ست که داده شد آن لعنت ذٰلِكَ مِنْ اَنْۢبَآءِ الْقُرٰى نَقُصُّهٗ عَلَيْكَ مِنْهَا
قَآئِمٌ وَّحَصِيْدٌ ۝ این از اخبار دیهاست که میخوانیم انرا بر تو بعضی ازان باقی ست و بعض
از بیخ بریده وَمَا ظَلَمْنٰهُمْ وَلٰكِنْ ظَلَمُوْٓا اَنْفُسَهُمْ فَمَآ اَغْنَتْ عَنْهُمْ اٰلِهَتُهُمُ الَّتِيْ يَدْعُوْنَ
مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ لَّمَّا جَآءَ اَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوْهُمْ غَيْرَ تَتْبِيْبٍ ۝ و ستم نکردیم
بر ایشان ولیکن ایشان ستم کردند بر خویشتن بس هیچ رفع نکردند از ایشان معبودان ایشان
که میخوانند بجز خدا وقتی که آمد فرمان پروردگار تو و نافزودند آنرا بجز هلاکی وَكَذٰلِكَ
اَخْذُ رَبِّكَ اِذَآ اَخَذَ الْقُرٰى وَهِيَ ظَالِمَةٌ اِنَّ اَخْذَهٗٓ اَلِيْمٌ شَدِيْدٌ ۝ و همچنین ست
گرفتار کردن پروردگار تو چون در گرفت دیهارا و آنها ستمکار باشند هر آینه در گرفت وی
درد دهنده سخت ست اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْاٰخِرَةِ ذٰلِكَ يَوْمٌ
مَّجْمُوْعٌ لَّهُ النَّاسُ وَذٰلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُوْدٌ وَمَا نُؤَخِّرُهٗٓ اِلَّا لِاَجَلٍ مَّعْدُوْدٍ ۝ هر آینه درین سخن
نشانه ست کسی را که ترسیده ست از عذاب آخرة آن روز روزی ست که جمع کرده شوند دران
مردمان و آن روز روزی ست که همه حاضر شوند وروی و موقوف نمیداریم آنرا مگر تا مدت معین
يَوْمَ يَاْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ اِلَّا بِاِذْنِهٖ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَّسَعِيْدٌ ۝ روزیکه بیاید سخن نگوید هیچ کس
بدستوری خدا بعض ایشان بدبخت باشند و بعض نیکبخت فَاَمَّا الَّذِيْنَ شَقُوْا فَفِي النَّارِ لَهُمْ
فِيْهَا زَفِيْرٌ وَّشَهِيْقٌ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا مَا دَامَتِ السَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُ اِلَّا مَا شَآءَ
رَبُّكَ اِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيْدُ ۝ اما آنان که بدبخت شدند بس در آتش باشند ایشانرا انجا
مانند زیر و بم خر باشند جاویدان انجا مدة بقاء آسمانها و زمین بغیر وقتی که خواسته ست پروردگار تو
هر آینه پروردگار تو میکند هرچه میخواهد وَاَمَّا الَّذِيْنَ سُعِدُوْا فَفِي الْجَنَّةِ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا مَا
دَامَتِ السَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُ اِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَ عَطَآءً غَيْرَ مَجْذُوْذٍ ۝ و اما آنانکه نیکبخت کرده شدند

بس در بهشت باشند جاویدان انجا تا مدت بقاء آسمانها و زمین غیر وقتی که خواسته است پروردگار
تو بخششی غیر منقطع یعنی مدة ماندن در بهشت و دوزخ مانند مدة دوام آسمانها و زمین است
در دنیا اگر زیادتی را که در بهشت خداست و در جهنم کسی که نمی گنجد اعتبار نکنند حاصل بیان دوام است
بابلغ وجوه والله اعلم فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِمَّا يَعْبُدُ هٰؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ
آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ • بس مباش در شبهه از انچه می پرستند
این گروه مگر چنانچه می پرستند پدران ایشان پیش ازین و ما البته تمام رسانندهٔ ایم بایشان حصهٔ
ایشان را نا کاهیده یعنی حصهٔ ایشان از عذاب وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ
وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ • و هر آینه
داده بودیم موسی را کتاب بس اختلاف افتاد دران و اگر نبودی سخنی که سابقا صادر شده از پروردگار تو
هر آینه فیصل کرده میشد میان ایشان و ایشان در شبهه قوی اندازان وَإِنَّ كُلًّا لَمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ
رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ • و هر آینه هر کسی وقتیکه برانگیخته شوند البته تمام خواهد داد
ایشان را پروردگار تو جزاء کردار ایشان هر آینه وی بانچه می کنند داناست فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ
وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ • بس استوار باش چنانچه فرموده شده
تو و آنانکه توبه کردند همراه تو نیز و از حد مگذرید هر آینه وی بانچه می کنید بیناست وَلَا تَرْكَنُوا
إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ •
و میل مکنید بسوی آنانکه ستم کردند که انگاه برسد بشما آتش و نیست شما را بجز خدا دوستان باز
نصرة داده نشوید وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ
يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَٰلِكَ ذِكْرَىٰ لِلذَّاكِرِينَ • و برپا کن نماز را دو طرف روز و ساعتی
چند از شب هر آینه طاعات دور می کنند گناهان را این پندیست پند پذیران را وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ
لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ • و شکیبائی کن هر آینه خدا ضایع نمیسازد مزد نیکوکاران را فَلَوْلَا
كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا

ع ١٠

وما

ممن

مِنْهُمْ مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ • پس
چرا نشد قرنها که پیش از شما بودند اهل خرد که منع کنند از فساد در زمین الا اندکی از آن جماعه که خلاص
ساختیم از میان ایشان و پیروی کردند ستمکاران چیزی را که آسوده کرده شدند بآن یعنی بلذات
دنیا مشغول شدند و بودند گناهکار وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا
مُصْلِحُونَ • و هرگز نیست که پروردگار تو هلاک کند دیهها را بستم و اهل آن نیکوکار باشند
وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ
رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ
أَجْمَعِينَ • و اگر خواستی پروردگار تو گردانیدی مردمان را یک ملت و همیشه باشند مختلف الا آنکه
بروی رحم کرده است پروردگار تو و برای این اختلاف آفریده است ایشان را و تمام شد سخن
پروردگار تو که البته پر کنم دوزخ را از جن و مردمان همه یکجا وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ
أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى
لِلْمُؤْمِنِينَ • و هر چیزی را میخوانیم بر تو از اخبار پیغامبران آن چیز را که ثابت میکردانیم بآن دل ترا
و آمده است بتو درین سوره سخن درست و پندی و یادکردی برای مسلمانان وَقُلْ لِلَّذِينَ
لَا يُؤْمِنُونَ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ • و بگو آنان را که ایمان
نمی آرند کار کنید بر طور خود هر آینه ما نیز کار میکنیم و انتظار کشید هر آینه ما نیز منتظرانیم وَلِلَّهِ غَيْبُ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ
عَمَّا تَعْمَلُونَ • و خدای راست علم غیب آسمانها و زمین و بسوی او باز گردانیده میشود کار همه آن پس عبادت
کن او را و توکل است بر او و نیست پروردگار تو بیخبر از آنچه می کنید سوره یوسف مکیه مائة و احدی عشر آیة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ساع ۱۰ ۱ الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ • این آیتها آیات کتاب روشن است إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا
عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ • هر آینه ما فرو فرستادیم آنرا قرآن عربی ساخته باشد که شما دریابید سخن

نقص علیک احسن القصص بما اوحینا الیک هذا القرآن وان کنت من قبله لمن
الغافلین • ما قصه میخوانیم بر تو بهترین قصه خواندن بوحی فرستادن خود بسوی تو این قرآن را و هر آینه
حال آنست که تو بودی پیش از ان از بیخبران • اذ قال یوسف لابیه یا ابت انی رایت احد عشر
کوکبا والشمس والقمر رایتهم لی ساجدین • یاد کن چون گفت یوسف پدر خود را ای پدر من
هر آینه من بخواب دیدم یازده ستاره و آفتاب و ماه را دیدم ایشانرا برای خود سجده کننده قال
یا بنی لا تقصص رؤیاک علی اخوتک فیکیدوا لک کیدا ان الشیطان للانسان عدو
مبین • گفت ای پسرک من بیان مکن خواب خود را پیش برادران خود که ناگاه اندیشه کنند در حق تو
حیله هر آینه شیطان آدمی را دشمن آشکار است وکذلک یجتبیک ربک ویعلمک من
تاویل الاحادیث ویتم نعمته علیک وعلی آل یعقوب کما اتمها علی ابویک
من قبل ابراهیم واسحق ان ربک علیم حکیم • چنانکه اینخواب تو نمود همچنین برگزیند
پروردگار تو و بیاموزد ترا از علم تاویل الاحادیث یعنی تعبیر رویا و تمام کند نعمت خود را بر تو و فرزندان
یعقوب چنانکه تمام کرد آنرا بر دو جد تو پیش ازین ابراهیم واسحق را هر آینه پروردگار تو داناست و استوار کار است
لقد کان فی یوسف واخوته آیات للسائلین • هر آینه هست در قصه یوسف و برادران او نشانها
سوال کنندگانرا • اذ قالوا لیوسف واخوه احب الی ابینا منا ونحن عصبة ان ابانا
لفی ضلال مبین • چون گفتند که یوسف و برادر حقیقی او دوست تراند نزدیک پدر ما از ما و ما جماعتیم
هر آینه پدر ما در خطا ظاهر است • اقتلوا یوسف او اطرحوه ارضا یخل لکم وجه ابیکم
وتکونوا من بعده قوما صالحین • بکشید یوسف را یا بافکنیدش بزمین غیر معلوم تا خالی شود
برای شما توجه پدران شما و تا باشید بعد ازین گروهی شایسته یعنی توبه کنید قال قائل منهم
لا تقتلوا یوسف والقوه فی غیابت الجب یلتقطه بعض السیارة ان کنتم
فاعلین • گفت گوینده ازیشان مکشید یوسف را و بافکنیدش در چاه تاریک تا برگیرد او را بعض
مسافران اگر کنند کاری • قالوا یا ابانا ما لک لا تامنا علی یوسف وانا له لناصحون • گفتند

ثلث

ع ۱۱ ۲

ای پدر ما

اي پدر ما چيست حال تو كه امين نمي پنداري ما را بر يوسف و هر آينه ما او را نيك خواهيم أَرْسِلْهُ مَعَنَا
غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ • بفرست او را با ما فردا تا ميوه بسيار خورد و بازي كند و ما
هر آينه او را نگاهبانيم قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ
عَنْهُ غَفِلُونَ • گفت هر آينه اندوهگين مي كند مرا آنكه ببريدش و مي ترسم از آنكه بخورد او را گرگ و شما
ازوي بيخبر باشيد قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَخَسِرُونَ • گفتند اگر بخورد او را
گرگ و ما جماعتيم هر آينه ما آنگاه از زيانكاران باشيم فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي
غَيَابَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ • پس چون ببردندش
و عزيمت كردند كه بيفكنندش در چاه تاريك وحي فرستاديم بسوي او كه البته خبردار خواهي ساخت
ايشان را باين ماجراي ايشان و ايشان نشناسند وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ • و آمدند بپدر خود
شبانگاه گريان قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ
الذِّئْبُ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَدِقِينَ • گفتند اي پدر ما هر آينه شروع كرديم در سبق
و گذاشتيم يوسف را نزديك رخت خويش پس بخورد او را گرگ و نيستي تو باور دارنده ما و اگرچه باشيم
راست گوي وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ
وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ • و آوردند بالاي قميص او خون دروغ را يعقوب گفت
ني بلكه آراسته است براي شما نفس شما تدبيري را پس كار من صبر نيك است و خدا مدد طلب كرده شود ازوي
بر آنچه شما بيان مي كنيد وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا
غُلَمٌ وَأَسَرُّوهُ بِضَعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ • و آمد كارواني پس فرستاد سقاي خود را
پس انداخت دلو خود و گفت اي مژده اين نوجواني است و اهل قافله پنهان ساختند او را سرمايه دانسته و خدا
دانا است بآنچه ميكردند وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّهِدِينَ •
و برادران فروختندش به بهاي ناقص درهمي چند شمرده شده بودند در باب يوسف از بي رغبتان وَقَالَ
الَّذِي اشْتَرَيهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَيهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ

مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَٰكِنَّ
أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وگفت شخصی که خرید یوسف را از اهل مصر زن خود گرامی دار جای او شاید که نفع
دهد ما را یا فرزند گیریم او را و همچنین قرار دادیم یوسف را در آن زمین تا بیاموزیم او را از علم تاویل الاحادیث
و خدا تواناست بر مراد خود ولیکن اکثر مردمان نمیدانند وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا
وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝ و چون رسید یوسف به نهایت قوة دادیم او را دانائی و علم و همچنین جزا
میدهیم نیکوکاران را وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ
لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ۝ وگفت شنید کرد با یوسف
زنی که او در خانه اش بود تا بگذرد از حفظ خود و این کنایت از طلب جماع است به بست درها و گفت
بیش آی و گفت پناه میجویم بخدا این شخص صاحب من است نیکو ساخت جای مرا یعنی خیانت او نتوانم کرد هر آئینه
رستگار نمیشوند ظالمان وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَٰلِكَ لِنَصْرِفَ
عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ ۝ و هر آینه قصد کرد آن زن بسوی یوسف و قصد کرد
یوسف بسوی او اگر نبودی که دیدی یوسف دلیل پروردگار خود را میشد یعنی صورت یعقوب حاضر شد
انگشت را بدندان گرفته چنین کردیم تا باز گردانیم از وی بدی و بیحیائی را هر آئینه وی از بندگان خالص کرده ماست
وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ
مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ و با یکدیگر سبقت کردند بسوی دروازه
و بدرید آن زن پیراهن یوسف را از پس پشت و یافتند شوهر زن را نزدیک دروازه گفت نیست جزا
کسی که خواسته باشد با اهل تو کار بد مگر آنکه بزندان کرده شود یا عقوبتی درد دهنده قَالَ هِيَ رَاوَدَتْنِي
عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ
الْكَاذِبِينَ وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ یوسف گفت
این زن گفت شنید کرد با من تا غافل کند مرا از محافظت نفس من و گواهی داد گواهی از قبیله زن که اگر است
پیراهن یوسف دریده از پیش پس این زن راست گفته است و یوسف از دروغگویان است و اگر هست پیراهن او

ع ١٢ ٣

پیرهن زنی

دریده از پس شدست پس این زن دروغ گفته ست و یوسف از راست گویان ست فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ
قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ • پس شوهرش چون دید پیراهن اورا
دریده از پس شدست گفت این قضیه از مکر شماست ای زنان مکر شما ای زنان بزرگ ست يُوسُفُ أَعْرِضْ
عَنْ هَٰذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ • ای یوسف درگذر ازین ماجرا
وای زن طلب آمرزش کن برای گناه خود هرآینه تو بوده از خطا کنندگان وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ
امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ • وگفتند
زنان چند در شهر که زن عزیز گفت شنید می کند با تو جوان خود تا غافل کند اورا از حفظ نفس خود
هرآینه در دلش جای کرده ست از روی دوستی هرآینه ما می بینیم اورا در گمراهی ظاهر فَلَمَّا سَمِعَتْ
بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ
اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَٰذَا
بَشَرًا إِنْ هَٰذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ • پس چون شنید زن عزیز غیبت ایشان را آدم فرستاد
بسوی ایشان و مهیا کرد برای ایشان مجلسی و داد هر یکی را از ایشان کاردی و گفت ای یوسف بیرون
آی برین زنان پس چون دیدندش بزرگ یافتندش و ببریدند دست خویش و گفتند پاکست خدا نیست
این جوان آدمی نیست این شخص مگر فرشته گرامی قَالَتْ فَذَٰلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ
رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِنَ الصَّاغِرِينَ
زن عزیز گفت اینست آنکه ملامت کرده بودید مرا در عشق وی هرآینه گفت شنید کردم با وی تا غافل کنم
اورا از حفظ نفس وی پس خود را نگهداشت و اگر نکند آنچه میفرمایم البته زندان کرده شود و البته باشد از
خوار شدگان قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ
أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ • یوسف گفت ای پروردگار من زندان دوسترست نزدیک من
از آنچه می خوانند مرا بسوی آن و اگر تو باز نداری از من فریب این زنان را لابد میل کنم با ایشان و باشم از نادانان
فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ • پس قبول کرد دعا اورا

پروردگار او پس باز داشت از یوسف فریب ایشان هر آینه وی شنوا دانا ست ثُمَّ بَدَا لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ

مَا رَاَوُا الْاٰيٰتِ لَيَسْجُنُنَّهٗ حَتّٰى حِيْنٍ ۝ باز ظاهر شد آن جماعه را بعد از انکه دیده بودند نشانها

که البته بزندان در آرند او را تا مدتی یعنی مشورت کردند که یوسف بزندان باید کرد تا بنزد دیگران

ظاهر شود وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيٰنِ قَالَ اَحَدُهُمَآ اِنِّيْٓ اَرٰىنِيْٓ اَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْاٰخَرُ ع

اِنِّيْٓ اَرٰىنِيْٓ اَحْمِلُ فَوْقَ رَاْسِيْ خُبْزًا تَاْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَاْوِيْلِهٖ اِنَّا نَرٰىكَ مِنَ الْمُحْسِنِيْنَ ۝ ارانی

و داخل شدند بزندان همراه یوسف دو جوان یکی از ایشان گفت هر آینه بخواب می بینم خود را که می افشارم

آب انگور و دیگر گفت که هر آینه بخواب می بینم خود را که برداشته ام بر سر خود نانی که مرغان از ان میخورند

خبردار کن ما را بتعبیر این خواب هر آینه ما می بینیم ترا از نکوکاران قَالَ لَا يَاْتِيْكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقٰنِهٖٓ

اِلَّا نَبَّاْتُكُمَا بِتَاْوِيْلِهٖ قَبْلَ اَنْ يَّاْتِيَكُمَا ذٰلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِيْ رَبِّيْ اِنِّيْ تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ

لَّا يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ كٰفِرُوْنَ ۝ گفت نخواهد آمد شما هیچ طعامی که داده میشوید

آنرا یعنی در خواب مگر خبردار کنم شما را بتعبیر آن پیش از انکه بیاید بشما مصداق تعبیر این تعبیر از ان قبیل است

که آموخته است مرا پروردگار من هر آینه من ترک کردم کیش قومی که ایمان نمی آرند بخدا و ایشان بآخرة

نا معتقد اند وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ اٰبَآءِيْٓ اِبْرٰهِيْمَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ مَا كَانَ لَنَآ اَنْ نُّشْرِكَ

بِاللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ ذٰلِكَ مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ

لَا يَشْكُرُوْنَ ۝ و پیروی کردم کیش پدران خود را ابراهیم و اسحق و یعقوب نبود ما را که شریک خدا

مقرر کنیم چیزی را این از فضل خداست بر ما و بر مردمان ولیکن بیشتر مردمان شکر نمی کنند يٰصَاحِبَيِ

السِّجْنِ ءَاَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُوْنَ خَيْرٌ اَمِ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۝ ای دو باشنده زندان

آیا معبودان پراکنده بهتر اند یا خدای یکتای غالب مَا تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖٓ اِلَّآ اَسْمَآءً

سَمَّيْتُمُوْهَآ اَنْتُمْ وَاٰبَآؤُكُمْ مَّآ اَنْزَلَ اللّٰهُ بِهَا مِنْ سُلْطٰنٍ اِنِ الْحُكْمُ اِلَّا لِلّٰهِ اَمَرَ

اَلَّا تَعْبُدُوْٓا اِلَّآ اِيَّاهُ ذٰلِكَ الدِّيْنُ الْقَيِّمُ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ۝ عبادت

نمی کنید بجز خدا مگر نامهای چند را که شما مقرر کرده اید آنرا و پدران شما مقرر کرده اند نفرستاده است خدا

برآنها هیچ

برآنها دليلي نيست فرمانرواي مگر خدا را فرمود كه عبادت مكنيد مگر خود را اينست كيش درست وليكن بيشتر مردمان
نميدانند يَا صَاحِبَيِ السِّجْنِ أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا وَأَمَّا الْآخَرُ فَيُصْلَبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ
رَأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ ۔ اي دو باشنده زندان اما يكي از شما بس خوشاند مولاي
خود را شراب واما آن ديگر بس بردار كرده شود بس بخورند مرغان از سر او فيصل كرده شد كاري كه در وي
سوال ميكنيد وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنْسَاهُ الشَّيْطَانُ
ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ ۔ وگفت يوسف شخصي كه دانسته بود كه خلاصي يابنده است
ازان دو كس ياد كن مرا نزديك مولي خود بس شيطان فراموش كردانيد از خاطر وي كه ياد كند نزد مولي
خود بس ماند يوسف در زندان چند سال وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَىٰ سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ ع ۱۴ ۵
عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ
لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ ۔ وگفت بادشاه هرآينه من بخواب مي بينم كه هفت گاو فربه ميخورند آنها هفت گاو لاغر
و مي بينم هفت خوشه سبز را و هفت خوشه خشك را اي جماعة جواب بدهيد در باب خواب من اگر خواب را
تعبير مي گوييد قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالِمِينَ ۔ گفتند اين خوابهاي
شوريده است و ما نيستيم بتعبير خوابهاي شوريده دانا وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ
أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ ۔ وگفت آنكه نجات يافته بود ازان دو كس وياد آورد بعد مدتي
من خبر دهم شما را بتعبير اين خواب بس بفرستيد مرا مترجم گويد بس بسوي يوسف فرستادند و ملاقات كرد
والله اعلم يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ
سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ۔ گفت اي يوسف
اي راست گو جواب ده مارا درين خواب كه هفت گاو فربه ميخورند ايشان را هفت گاو لاغر و هفت خوشه سبز و هفت
خوشه ديگر خشك كه من باز گردم بسوي مردمان تا ايشان بدانند قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا
فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ ۔ گفت زراعت كنيد هفت سال بر عادت خود
بس آنچه بدرويد بگذاريدش در خوشه آن مگر اندكي ازانچه بخوريد ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ

يأكلن ما قدمتم لهن الا قليلا مما تحصنون • بازبايد بعد ازان هفت سال سخت
بخوريد انچه سابق ذخيره نهاده بوديد براي آنها مگر اندکي ازانچه باحتياط نگاه داريد ثم ياتي من بعد
ذلك عام فيه يغاث الناس وفيه يعصرون • باز بايد بعد ازان سالي که دوو باران فرستاده شود
بر مردمان و درو بيفشارند انگور و غيران مترجم گويد بادشاه اين تعبير شنيده مشتاق يوسف گشت
و يوسف عليه السلام مدتي توقف نمود تا براءة ذمه اش ظاهر کردد والله اعلم وقال الملك ائتوني ع ۱۵ ۶
به فلما جاءه الرسول قال ارجع الى ربك فاسأله ما بال النسوة اللاتي قطعن
ايديهن ان ربي بكيدهن عليم • وگفت بادشاه بياريد بيش من يوسف را بس چون آمد
نزديک يوسف فرستاده بادشاه گفت بازگرد بسوي مولي خود بس سوال کن او را چيست حال
آن زنان که بريدند دست خويش را هر آينه برورد کار من بحيله بازي ايشان داناست يعني شهادت
براقرار زليخا بعفت يوسف بوشيده اند والله اعلم قال ما خطبكن اذ راودتن يوسف
عن نفسه قلن حاش لله ما علمنا عليه من سوء قالت امرأة العزيز الان حصحص
الحق انا راودته عن نفسه وانه لمن الصادقين • گفت بادشاه چه بود حال شما وقتي که گفت
و شنيد کرديد با يوسف تا بلغزانيدش از احتياط نفس خود گفتند پاکي خداي راست ندانستيم بر يوسف
هيچ گناهي گفت زن عزيز اکنون ظاهر شد سخن راست که من گفت و شنيد کردم با وي تا بلغزانمش
از احتياط نفس او هر آينه او از راست گويان ست ذلك ليعلم اني لم اخنه بالغيب
وان الله لا يهدي كيد الخائنين • گفت يوسف اينهمه براي آنست تا بداند عزيز که من
خيانت او نکردم غايبانه و بداند که خداي راه نمي نمايد حيله خيانت کنندگان را وما ابرئ نفسي
ان النفس لامارة بالسوء الا ما رحم ربي ان ربي غفور رحيم • و پاکي صفت ع ۱۶ الجزو ۱۳
نمي کنم نفس خود هر آينه نفس بسيار فرماينده ست ببدي مگر آنوقت که مهرباني کند برورد کار من هر آينه
برورد کار من آمرزنده مهربان ست وقال الملك ائتوني به استخلصه لنفسي فلما
كلمه قال انك اليوم لدينا مكين امين • و گفت بادشاه بياريدش بيش من تا مقرر کنمش

خاص مرا

خالص براي خدمت خود پس چون سخن کفت با یوسف یعنی قابلیت او شناخت کفت اي یوسف
هر اینه تو امروز نزدیک ما صاحب قدر امانت داري قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ
عَلِيمٌ • کفت مقرر کن مرا بر خزاین این سرزمین هر اینه من محافظت کننده دانا ام وَكَذَٰلِكَ
مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَبَوَّأُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ
وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ • و همچنین باین تقرب منزلت دادیم یوسف را دران زمین وا ر
میکرفت از ان زمین هر جا که میخواست میرسانیم رحمت خود را بهر که خواهیم و ضایع نمی کنیم مزد
نیکوکاران را وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ • و هر اینه مزد آخرت
بهترست آنانرا که ایمان می آوردند و پرهیزکاري میکردند مترجم کوید بعد از ان قحط افتاد در جمیع
نواحي مصر و شام و اولاد یعقوب مشقت بسیار رسید بسوي یوسف متوجه شدند والله اعلم
وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ • و آمدند برادران یوسف
پس داخل شدند بروي پس شناخت ایشانرا و ایشان او را ناشناسا بودند وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ
قَالَ ائْتُونِي بِأَخٍ لَكُمْ مِنْ أَبِيكُمْ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ • مهیا کرد
براي ایشان سامان ایشانرا کفت بیارید پیش من برادر علاتي خود را که از پدر شماست آیا نمي بینید
که من تمام میدهم پیمانه را و من بهترین مهمانداري کنندکانم فَإِنْ لَمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ
عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ • پس اکر نیاورید او را پیش من پس هرکز پیمودن نباشد براي شما نزدیک من
و هرکز نزدیک نشوید بمن قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ • کفتند کفت و شنید کنیم با پدر او
تا از دوست باز دارد و ما البته اینکار کنندکانیم وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ
لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ • و کفت یوسف غلامان خود را
بنهید سرمایه ایشانرا در خرجهاي ایشان شاید ایشان بشناسند انرا چون باز روند باهل خویش بود که
ایشان باز آیند یعني بسبب دادن طعام و بکرفتن سرمایه دیکربار طمع کنند والله اعلم فَلَمَّا رَجَعُوا
إِلَىٰ أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا أَخَانَا نَكْتَلْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ •

پس چون باز گشتند بسوی پدر خویش گفتند ای پدر ما منع کرده شد از ما پیمانه پس بفرست با ما برادر ما را
تا پیمانه گیریم و هر آینه ما نگهبان وی ایم قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمِنتُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِن قَبْلُ
فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۝ گفت یعقوب ایمن بگیریم شما را بر وی مگر چنانکه
ایمن گرفته بودیم شما را بر برادر وی پیش ازین پس خدا بهترست نگاه دارنده و مهربان ترین مهربانانست
وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَٰذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ
إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَٰلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ ۝ و چون بگشادند
رخت خود یافتند سرمایه خود را باز گردانیده و بایشان گفتند ای پدر ما چه میخواهیم بیش ازین
اینست سرمایه ما باز گردانیده بسوی ما پس باز رویم بملک و غله آوریم برای کسان خود و نگهبانی
کنیم برادر خود را و زیاده آریم یک شتر وار اینجا آورده ایم پیمانه اندکست قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ
حَتَّىٰ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَن يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ
قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ۝ گفت نفرستم او را با شما تا آنکه دهید مرا عهدی از خدا که
البته باز آرید او را بمن مگر آنکه گرفتار کرده شوید پس چون دادندش عهد خویش یعقوب گفت
خدا بانچه میگوئیم نگاهبانست وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا
مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنكُم مِّنَ اللَّهِ مِن شَيْءٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ
عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ۝ و گفت ای پسران من در میائید از یک
دروازه و در آئید از دروازهای پراکنده تا زخم چشم نرسد و دفع نمی کنم از سر شما چیزی را
از قضا خدا نیست فرمانروائی مگر خدا را بروی توکل کردم و بروی باید که توکل کنند متوکلان
وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُم مَّا كَانَ يُغْنِي عَنْهُم مِّنَ اللَّهِ مِن شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً
فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝ ع
و چون داخل شدند از ان راه که فرموده بود ایشانرا پدر ایشان دفع نمیتوانست کرد از سر ایشان
چیزی را از قضا خدا لیکن سرانجام داد یعقوب خطره را که در ضمیر وی بود و هر آینه وی خداوند دانش

بانچه ما اموخته بودیم

باینچه ما اموخته بودیم اورا لیکن اکثر مردمان نمیدانند ولما دخلوا علی یوسف اوی الیه اخاه قال
انی انا اخوک فلا تبتئس بما کانوا یعملون ۝ وچون داخل شدند بر یوسف جای داد بسوی خود
برادر عینی خود را گفت هر آینه من برادر توام پس اندوهگین مباش بسبب آنچه میکردند فلما جهزهم
بجهازهم جعل السقایة فی رحل اخیه ثم اذن مؤذن ایتها العیر انکم لسارقون ۝
پس وقتیکه مهیا کرد برای ایشان سامان ایشان بنهاد آوند آب خوردن خود را در خورجین برادر خود بعد ازان
آواز داد آواز کننده که ای کاروان هر آینه شما دزدید قالوا واقبلوا علیهم ماذا تفقدون
قالوا نفقد صواع الملک ولمن جاء به حمل بعیر وانا به زعیم ۝ گفتند روی بسوی ایشان
آورده چیست آنچه نمی یابید گفتند نمی یابیم پیمانه بادشاه را و کسی را که بیاورد آنرا یکبار شتر باشد و من باین وعده
ضامنم قالوا تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الارض وما کنا سارقین ۝ گفتند بخدا هر آینه
دانسته اید که نیامده ایم تا فساد کنیم در زمین و هرگز دزد نبوده ایم قالوا فما جزاؤه ان کنتم کاذبین ۝
گفتند پس چیست جزا این فعل اگر دروغگو باشید قالوا جزاؤه من وجد فی رحله فهو جزاؤه
کذلک نجزی الظالمین ۝ گفتند جزا این فعل کسی است که یافته شود متاع در خرجین او پس همون شخص باشد
جزا او یعنی او را غلام گیرند والله اعلم همچنین جزا میدهیم ستمکارانرا فبدأ باوعیتهم قبل وعاء
اخیه ثم استخرجها من وعاء اخیه کذلک کدنا لیوسف ما کان لیأخذ اخاه فی
دین الملک الا ان یشاء الله نرفع درجات من نشاء وفوق کل ذی علم علیم ۝ پس
شروع کرد یوسف بتفحص خرجینهای ایشان پیش از خرجی برادر خود بعد ازان بر آورد پیمانه از خرجین برادر خود
همچنین تدبیر کردیم برای یوسف مستعد نبود که اسیر گیرد برادر خود را در دین بادشاه لیکن اسیر گرفتش
بمشیت خدا بلند میگردانیم در درجها کسی را که خواهیم و بالای هر خداوند دانش دانائی هست قالوا ان یسرق
فقد سرق اخ له من قبل فاسرها یوسف فی نفسه ولم یبدها لهم قال انتم شر مکانا
والله اعلم بما تصفون ۝ گفتند اگر دزدی کند این شخص دور نیست که دزدی کرده بود برادر او پیش ازین
پس پنهان داشت یوسف این سخن را در ضمیر خود و آشکارا نکرد آنرا پیش ایشان گفت در دل خود شما بدید

در منزلت و خداداناست بانچه بیان می کنید مترجم گوید حضرت یوسف بتی از طلا از ان جد مادری خود بدزدید
تا از عبادت صنم باز ماند یا مشابه این قصه چیزی که بسبب به تهمت او باشد بدزدی وقوع آمده بود والله اعلم
قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ۝ گفتند
ای عزیز هر اینه او را پدریست پیر کلان سال پس بگیر یکی را از ما بجای او هر آینه می بینیم ترا از نکوکاران قَالَ
مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذًا لَظَالِمُونَ ۝ گفت می پناهیم بخدا ع ٣ / ٩
از انکه بگیریم مگر کسی را که یافته ایم رخت خویش نزدیک او هر آینه ما انگاه ستمکار باشیم فَلَمَّا اسْتَيْأَسُوا
مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ وَمِنْ
قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي وَهُوَ
خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ۝ پس چون ناامید شدند ازوی تنها رفتند بخلوت مشورت کنان گفت بزرگترین ایشان
ایا ندانسته اید که پدر شما گرفته ست بر شما عهد خدا و پیش ازین تقصیر کرده بودند در حق یوسف پس جدا نخواهم شد
ازین سرزمین تا وقتیکه اذن دهد مرا پدر من یا حکم کند خدا مرا و او بهترین حکم کنندگان ست ارْجِعُوا إِلَى
أَبِيكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ ۝
ای برادران باز روید بسوی پدر خویش پس بگوئید ای پدر ما هر آینه پسر تو دزدی کرد و گواهی ندادیم الا
بانچه میدانستیم یعنی گفتش جزاوه من وجد فی رحله فهو جزاوه والله اعلم و نبودیم علم غیب را یاد دارنده
وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ۝ و بپرس از دهی که بودیم
دران و از کاروانی که آمده ایم دران والبته ما راست گویانیم قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ
أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ۝ گفت یعقوب
بلکه آراسته کرده ست برای شما نفوس شما کاری را پس حال من صبر نیک ست امید آنست که خدا بیارد
پیش من ایشان را همه یکجا هر آینه او دانا با حکمت ست وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسَفَى عَلَى يُوسُفَ وَابْيَضَّتْ
عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ ۝ و روی بگردانید از ایشان و گفت ای اندوه من بر یوسف و سفید شدند
دو چشم او بسبب اندوه پس او پر شده بود از غم قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَأُ تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ

حرضا

حرضا او تکون من الهالکین ◦ گفتند بخدا همیشه مستی که یاد میکنی یوسف را تا آنکه شوی بیمار یا شوی
از هلاک شدگان قال انما اشکوا بثی و حزنی الی الله و اعلم من الله ما لا تعلمون ◦ گفت
جز این نیست که بیان میکنم غم سخت خود را و اندوه خود را بجناب خدا و میدانم از جانب خدا آنچه نمیدانید
قال یا بنی اذهبوا فتحسسوا من یوسف و اخیه و لا تایئسوا من روح الله انه لا ییئس
من روح الله الا القوم الکفرون ◦ ای پسران من بروید پس تفحص کنید از یوسف و برادر او و نومید
مباشید از رحمت خدا هر آینه سخن اینست که نومید نمی شوند از رحمت خدا مگر گروه کافران فلما دخلوا علیه
قالوا یا ایها العزیز مسنا و اهلنا الضر و جئنا ببضاعة مزجاة فاوف لنا الکیل
و تصدق علینا ان الله یجزی المتصدقین ◦ پس چون داخل شدند بر یوسف گفتند ای عزیز
رسیده است بما و بکسان ما سختی و آورده ایم سرمایه نامقبول یعنی اندک یا ناسره پس تمام ده ما را پیمانه
و صدقه ده بر ما هر آینه خدا جزا میدهد صدقه دهندگان را قال هل علمتم ما فعلتم بیوسف و اخیه
اذ انتم جهلون ◦ گفت آیا دانستید قبح آنچه کردید بیوسف و برادرش وقتیکه شما نادان بودید
قالوا ائنک لانت یوسف قال انا یوسف و هذا اخی قد من الله علینا انه من یتق
و یصبر فان الله لا یضیع اجر المحسنین ◦ گفتند آیا بتحقیق تو یوسفی گفت من یوسفم و این
برادر من است هر آینه انعام کرد خدا بر ما هر آینه سخن اینست هر که پرهیزکاری کند و صبر نماید پس خدا ضایع
نمیسازد مزد نیکوکاران را قالوا تالله لقد اثرک الله علینا و ان کنا لخطئین ◦ گفتند قسم خدا
هر آینه فضل داده است ترا خدا بر ما و هر آینه ما خطا کننده بودیم قال لا تثریب علیکم الیوم
یغفر الله لکم و هو ارحم الرحمین ◦ گفت هیچ سرزنش نیست بر شما امروز بیامرزد خدا شما را
و او مهربانترین مهربانان است اذهبوا بقمیصی هذا فالقوه علی وجه ابی یات بصیرا
و اتونی باهلکم اجمعین ◦ ببرید این پیراهن مرا پس بیفکنید بر روی پدر من تا شود بینا و بیارید
بمن اهل خویش را همه یکجا و لما فصلت العیر قال ابوهم انی لاجد ریح یوسف لولا
ان تفندون ◦ و چون جدا شد کاروان از شهر گفت پدر ایشان هر آینه من می یابم بوی یوسف اگر نقصان ع ۴ ۱۰

ربع

عقل نسبت نکنید مرا قالوا تالله انک لفی ضلالک القدیم • گفتند بخدا هرآینه تو در خطاء قدیم خودی فلما
ان جاء البشیر القاه علی وجهه فارتد بصیرا قال الم اقل لکم انی اعلم من الله ما لا تعلمون
پس چون بیامد بشیر وی مژده دهنده انداخت قمیص را بر روی وی پس بینا گشت گفت آیا نگفته بودم شما را که
هرآینه من میدانم از جانب خدا آنچه شما ندانید قالوا یا ابانا استغفر لنا ذنوبنا انا کنا خاطئین •
گفتند ای پدر ما آمرزش طلب کن برای ما در حق گناهان ما هرآینه ما گناهکار بودیم قال سوف استغفر لکم
ربی انه هو الغفور الرحیم • گفت طلب آمرزش خواهم کرد برای شما از پروردگار خود هرآینه او آمرزنده
مهربان است فلما دخلوا علی یوسف آوی الیه ابویه وقال ادخلوا مصر ان شاء الله آمنین •
پس چون در آمدند بر یوسف یعنی در خیمه اش و او برای استقبال برآمده بود جای داد بسوی خود پدر و مادر خود را
و گفت در آیید بمصر ایمن شده اگر خدا خواسته است ورفع ابویه علی العرش وخروا له سجدا
وقال یا ابت هذا تاویل رؤیای من قبل قد جعلها ربی حقا وقد احسن بی اذ
اخرجنی من السجن وجاء بکم من البدو من بعد ان نزغ الشیطان بینی وبین
اخوتی ان ربی لطیف لما یشاء انه هو العلیم الحکیم • و برداشت پدر و مادر خود را بر تخت خود
و ایشان افتادند بسوی او سجده کنان گفت ای پدر من اینست تعبیر خواب من که پیش ازین دیده بودم هرآینه
راست ساخت آنرا خدای تعالی و نعمت فراوان داد بمن چون بیرون آورد مرا از زندان و آورد شما را از صحرا
بعد از انکه خلاف افگند شیطان میان من و میان برادران من هرآینه پروردگار من تدبیر نیک سازنده است
چیزی را که میخواهد هرآینه اوست دانا با حکمت رب قد آتیتنی من الملک وعلمتنی من تاویل الاحادیث
فاطر السموات والارض انت ولیی فی الدنیا والآخرة توفنی مسلما والحقنی بالصالحین •
ای پروردگار من دادی مرا بادشاهی و آموختی مرا تاویل احادیث ای پیدا کننده آسمانها و زمین توئی کارساز
من در دنیا و آخرة مسلمان بمیران مرا و لاحق کن مرا با صالحان ذلک من انباء الغیب نوحیه الیک
وما کنت لدیهم اذ اجمعوا امرهم وهم یمکرون • یا محمد این قصه از اخبار غیب است وحی میکنیم
آنرا بسوی تو و تو نبودی نزدیک ایشان چون عزم میکردند بر مشوره خود بدسگالی کنان وما اکثر الناس

ولو حرصت

ع
١١

وگو حرصت بمؤمنین • و مسلمان نیستند اکثر مردمان اگرچه حرص کنی وما تسئلهم علیه من
اجر ان هو الا ذکر للعالمین • و سوال نمیکنی از ایشان بر تبلیغ قران هیچ مزدی و نیست این مگر پند عالمها
وکاین من ایة في السموات والارض یمرون علیها وهم عنها معرضون • و بسا نشانهاست
در آسمان و زمین می گذرند بران اعراض کنان از تامل دران وما یؤمن اکثرهم بالله الا وهم
مشرکون • و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر شریک او مقرر کرده افامنوا ان تاتیهم غاشیة
من عذاب الله او تاتیهم الساعة بغتة وهم لا یشعرون • ایا ایمن شده اند از انکه بیاید
بایشان عقوبتی عام از عذاب خدا بیاید بایشان قیامت ناگهان و ایشان اگاه نباشند قل هذه
سبیلي ادعوا الی الله علی بصیرة انا ومن اتبعني وسبحان الله وما انا من المشرکین •
بگو این راه منست میخوانم بسوی خدا با حجت ظاهر من و پیروان من نیز میخوانند و پاکی خدا راست و نیستم من
از شریک مقرر کنندگان وما ارسلنا من قبلك الا رجالا نوحی الیهم من اهل القری
افلم یسیروا في الارض فینظروا کیف کان عاقبة الذین من قبلهم ولدار الاخرة
خیر للذین اتقوا افلا تعقلون • و نفرستادیم پیش از تو مگر مردانی که وحی میفرستادیم بسوی ایشان
از اهل دیهها ایا سیر نکرده اند در زمین تا ببینند چگونه باشد آخر کار انان که پیش از ایشان بودند و هر اینه سرای
آخرة بهترست متقیان را ایا نمی فهمید حتی اذا استیئس الرسل وظنوا انهم قد کذبوا جاءهم
نصرنا فنجي من نشاء ولا یرد باسنا عن القوم المجرمین • مهلت دادیم تا وقتیکه نومید شدند
پیغمبران و گمان کردند قوم ایشان که بدروغ وعده کرده شد بایشان آمد بایشان نصرت ما پس خلاص کرده شدند
هر کرا خواستیم ورد کرده نمی شود عذاب ما از گروه ستمکاران لقد کان في قصصهم عبرة لاولي الالباب
ما کان حدیثا یفتری ولکن تصدیق الذي بین یدیه وتفصیل کل شيء وهدی و
رحمة لقوم یؤمنون • هر اینه هست در قصه پیغامبران پندی خداوندان خرد را نیست قران سخنی که
بدروغ بربافته شود ولکن هست باور دارنده انچه پیش ازوی است و بیان کننده هر چیز و رهنمای و بخشایش مسلمانان را

سورة الرعد مکیة ثلث واربعون آیة

بسم الله الرحمن الرحيم

المر تلك آيات الكتب والذي انزل اليك من ربك الحق ولكن اكثر الناس لا يؤمنون

اینها آیات قران اند و آنچه فرو فرستاده شد بسوی تو از پروردگار تو راست است و لیکن اکثر مردمان ایمان

نمی آرند الله الذي رفع السموات بغير عمد ترونها ثم استوى على العرش وسخر الشمس

والقمر كل يجري لاجل مسمى يدبر الامر يفصل الايت لعلكم بلقاء ربكم توقنون

خدای آنست که برداشت آسمانها را بغیر ستونها که ببینید او را بعد از آن مستقر شد بر عرش و رام کرد آفتاب

و ماه را هر یکی سیر می کند بمیعادی معین تدبیر کار می نماید بیان می کند نشانها را تا شما بملاقات پروردگار خود

یقین آرید وهو الذي مد الارض وجعل فيها رواسي وانهرا ومن كل الثمرت جعل

فيها زوجين اثنين يغشي اليل النهار ان في ذلك لايت لقوم يتفكرون ۝ او آنست

که گسترد زمین را و آفرید در آنجا کوهها و نهرها و از هر نوع میوه آفرید در زمین دو قسم یعنی ترش و شیرین نفیس و

خسیس میپوشاند شب بروز هر آینه درین نشانهاست قومی را که تفکر کنند وفي الارض قطع متجورت

وجنت من اعنب وزرع ونخيل صنوان وغير صنوان يسقى بماء واحد ونفضل

بعضها على بعض في الاكل ان في ذلك لايت لقوم يعقلون ۝ و در زمین قطعهای مختلف است

پیوسته با یکدیگر و بوستانهاست از درختان انگور و کشت زارست و خرما بنان بعض بسیار شاخ و

بعض غیر آن سیراب کرده میشود از یک آب و فضل میدهیم بعض را بر بعض در طعم میوه ها هر آینه درین نشانهاست

قومی را که می فهمند وان تعجب فعجب قولهم ءاذا كنا ترابا ءانا لفي خلق جديد ۝ و اگر تعجب کنی

پس عجب سخن ایشان که آیا وقتی که خاک شویم آیا در آفرینش نو خواهیم بود اولئك الذين كفروا بربهم

واولئك الاغلل في اعناقهم واولئك اصحب النار هم فيها خلدون ۝ ایشانند آنان که

نامعتقد شدند بپروردگار خویش و ایشانند با این صفت که طوق در گردن ایشان باشد و ایشانند اهل آتش

ایشان آنجا جاوید باشند ويستعجلونك بالسيئة قبل الحسنة وقد خلت من قبلهم

المثلت وان ربك لذو مغفرة للناس على ظلمهم وان ربك لشديد العقاب

[illegible]

وبشتاب می طلبند از تو عقوبت پیش از راحت و هر آینه گذشته ست پیش از ایشان عقوبتها و هر آینه پروردگار تو
خداوند آمرزش ست مردمانرا با وجود ستمگار بودن ایشان و هر آینه پروردگار تو سخت عقوبت ست وَيَقُولُ
الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ و میگویند کافران
چرا فرستاده نشد برین پیغامبر نشانه از پروردگار او یا محمد جز این نیست که تو بیم کننده و هر قومی را رهنمایی ست
اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَى وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ خدای میداند
آنچه در شکم بر میدارد هر زنی و آنچه ناقص می کنند رحمها و آنچه زیاده میگردانند و هر چیزی نزدیک او باندازه ست
ع ٢ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ داناست به پنهان و آشکارا بزرگست بلند مرتبه ست سَوَاءٌ
مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ یکسانست
از شما کسی که پوشید سخن را و کسی که باواز بلند گوید آنرا و کسی که وی پنهان ست بشب و کسی که وی راه میرود بروز
لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا
بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ
مِنْ وَالٍ برای آدمی فرشتگانند از پی یکدیگر آینده میان دو دست او و پس پشت او نگاه میدارند اورا
بحکم خدا هر آینه خدا بدل نمیکند حالی را که بقومی باشند تا وقتی که ایشان بدل کنند آنچه در ضمیر ایشان ست و چون اراده کند
خدا بقومی عقوبت پس باز گردانیدن نیست آنرا و نیست ایشانرا بجز وی هیچ کارسازنده هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ
الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ واوست آنکه مینماید شمارا برق برای بیم کردن ترس
و امید و بر میدارد ابرهای گران را وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ
الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ و پاکی
یاد میکند رعد باستایش او و فرشتگان نیز از ترس او و میفرستد صاعقها پس میرساند آنرا بهر که خواهد و
کافران مکابره میکنند در باب خدا و او بسیار شدید ست لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ
لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطِ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ
الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ○ مر او راست دعا حق یعنی او راسزد که بجناب او نیاز کنند و مدعا طلبند و او اجابت

فرمايد والله اعلم و آنان كه كافران ايشان را ميخوانند بجز خدا قبول كنند دعا ايشان را هيچ مگر مانند كسي كه بكشايد
دو دست خود را بسوي آب تا برسد بدهنش و آن آب هرگز رسنده نيست بدهن او و نيست دعاء كافران مگر در گمراهي
بجا بدكي وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ
و خدا را سجده مي كنند هر كه در آسمانها و زمين ست خواهان و ناخواهان و سجده مي كنند سايه هاي آنها بامداد و
شبانگاه يعني سجده كفار نزديك شده يا ترس شمشير فروشنگان و مسلمانان خواهان والله اعلم قُلْ مَنْ رَبُّ
السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللّٰهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا
وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمٰى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمٰتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلّٰهِ
شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ
بگو كيست پروردگار آسمانها و زمين بگو از طرف ايشان خداست بگو آيا گرفتيد بجزوي دوستاني كه نميتوانند
براي خويشتن سودي و نه زياني بگو آيا برابرست نابينا و بينا و يا برابرست تاريكيها و روشني آيا مقرر
كرده اند خدا را آن شريكان كه آفريده باشند مانند آفريدن خدا پس مشتبه شده ست آفرينش بر ايشان بگو خدا
آفريننده هر چيزست و اوست يگانه غالب أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا
فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ
كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ
فِي الْأَرْضِ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْأَمْثَالَ فرو فرستاد از آسمان آب پس روان شدند رودها باندازه
خويش پس برداشت آب روان كفي بر روي آب آينده و از آنچه ميگدازند در آتش بطلب پيرايه يا بطلب رخت خانه
كفي هست مانند كف آب همچنين بيان ميكند خدا مثل حق و باطل اما آن كف پس ميرود ناچيز شده و اما آنچه سود
ميرساند بمردمان ميماند در زمين همچنين بيان ميكند خدا مثلها را مترجم گويد يعني لابدست كه در هر جنس چيز خير و شر
باشد همچنين كه در آدميان نيكوكاران و بدكاران باشند مستقر ميسازد نيكوكاران را و ايشان ميبرد و بدكاران را
هلاك ميكند والله اعلم لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنٰى وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا
فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ أُولٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوٰهُمْ جَهَنَّمُ

٢ سجده

ع ٢

ع ٣

نصف

وَبِئْسَ الْمِهَادُ • آنانرا که قبول کردند سخن پروردگار خویش حال نیک است و آنانکه قبول نکردند سخن او را اگر
باشد ایشانرا آنچه در زمین است همه یکجا و مانند آن همراه آن البته عوض خود دهند آنرا آنجماعه ایشانراست
سختی حساب و جای ایشان دوزخ است و آن بد جای است أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ
الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ • آیا کسیکه میداند که آنچه فرو فرستاده شده بسوی تو
از جانب پروردگار تو راست است مانند کسی باشد که وی نابیناست جز این نیست که پند پذیر میشوند
خداوندان خرد الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ
مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ • آنانکه وفا می کنند بعهد خدا
و نمی شکنند عهد را و آنان که می پیوندند فرموده است خدا پیوند کردن آن و میترسند از پروردگار خویش و
می ترسند از سختی حساب وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَوٰةَ وَأَنْفَقُوا
مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ • و آنانکه
شکیبائی کردند بطلب روی پروردگار خویش یعنی بطلب رضاء او و برپا داشتند نماز را و خرج کردند از آنچه
ما روزی دادیم بایشان پنهان و آشکارا و دفع می کنند به نیکوئی بدی را آنجماعه راست جزاء آن سرای جَنَّاتُ
عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَٰئِكَةُ يَدْخُلُونَ
عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ • بوستانها همیشه ماندن
در آیند آنجا ایشان و هر که نیکوکار باشد از پدران ایشان و زنان ایشان و اولاد ایشان و فرشتگان
داخل شوند بر ایشان از هر دروازه گویند سلامتی بر شماست بسبب صبر کردن شما پس نیک است جزاء این سرای
وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ
يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ • و آنانکه می شکنند
عهد خدا را بعد استوار کردن آن و قطع می کنند آنچه فرموده است خدا به پیوند کردن آن و فساد می کنند در زمین
آنجماعه ایشانراست لعنت و ایشانراست سختی آن سرای اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ
وَفَرِحُوا بِالْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ • خدا کشاده میسازد

روزی را برای هر که میخواهد و تنگ میکند و کافران شاد مان شدند بزندگانی دنیا و نیست زندگانی دنیا
بنسبت آخرة مگر متاعی اندک وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ
يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ و میگویند کافران چرا فرود آورده نشد بر پیغامبر ع ۹
نشانه از جانب پروردگار او یعنی از قسمیکه درخواست میکردند بگو هر آینه خدا گمراه میکند هرکرا خواهد
و راه مینماید بسوی خویش هر کرا رجوع کرد الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا
بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ
مَآبٍ • یعنی راه مینماید بسوی خود آنانرا که ایمان آوردند و آنانرا که آرام میگیرد دل ایشان بیاد خدا
آگاه شو بیاد خدا آرام میگیرند دلهای آنان که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند حالت خوش باشد
ایشانرا و خوبی جایگاه باشد كَذَٰلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوَ
عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَٰنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ
عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ • و همچنین فرستادیم ترا در امتی که گذشتند پیش از وی امتهای
بسیار تا بخوانی برایشان آنچه وحی فرستادیم بسوی تو و ایشان کافرند بخدا بگو او پروردگار منست
نیست هیچ معبود مگر او بروی توکل کردم و بسوی اوست رجوع من وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ
الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَل لِّلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَيْأَسِ
الَّذِينَ آمَنُوا أَن لَّوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا
تُصِيبُهُم بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ
إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ • و اگر بودی قرآنی که روانی کرده میشد بسبب آن کوهها یا شگافته ع ۱۰
می شد بسبب آن زمین را یا سخن آورده میشد بسبب آن مردگانرا نیز ایمان نمی آوردند بلکه خدا راست کار همه یکجا
آیا ندانسته اند مسلمانان که اگر خواستی خدا راه نمودی مردمانرا همه یکجا و همیشه کافران باین صفت باشند
که میرسد بایشان بسبب آنچه کردند عقوبتی سخت یا فرود می آید آن عقوبت نزدیک بخانه ایشان و آن گناه
از شدتی که از وی خوف هلاک برایشان مستولی شود و با خرگاه یا شند تا وقتیکه بیاید وعده خدا هر آینه خدا

خلاف نمیکند

خلاف نکند وعده را ولقد استهزئ برسل من قبلك فأمليت للذين كفروا
ثم أخذتهم فكيف كان عقاب و بدرستی که تمسخر کرده شد بپیغامبران پیش از تو پس مهلت دادم کافرانرا
باز گرفتار کردم ایشانرا پس چگونه بود عقوبت من أفمن هو قائم على كل نفس بما كسبت
وجعلوا لله شركاء قل سموهم أم تنبئونه بما لا يعلم في الأرض أم بظاهر من القول
بل زين للذين كفروا مكرهم وصدوا عن السبيل ومن يضلل الله فما له من هاد ٭ آیا
کسی که خبر گیرنده است بر هر کس بجزا آنچه عمل کرده است مثل این بتان باشد و مقرر کردند کافران خدا را شریکان
بگو بیان کنید نامهای ایشانرا یعنی اوصاف ایشانرا ذکر کنید با اوصاف خدا مقابله کرده شود و نفی مماثلت
ظاهر گردد والله اعلم آیا خبر میدهید خدا را آنچه نمیداند در زمین یا فریفته میشوید بسخن سرسری یعنی تقلید آبا
می کنید در سخن بی اصل والله اعلم بلکه آراسته کرده شده است کافرانرا اندیشهٔ فاسد ایشان و باز داشته شدند
از راه و هر که گمراه کند خدا نیست او را هیچ رهنماینده لهم عذاب في الحيوة الدنيا ولعذاب
الآخرة أشق وما لهم من الله من واق ایشانراست عذاب در زندگانی دنیا و هر آینه عذاب آخرت
سخت تر است و نیست ایشانرا از خدا هیچ نگاه دارنده مثل الجنة التي وعد المتقون تجري من
تحتها الأنهار أكلها دائم وظلها تلك عقبى الذين اتقوا وعقبى الكافرين النار ٭
صفت بهشتی که وعده کرده شده است متقیانرا اینست میرود زیر آن جویها میوهای او جاوید است
و سایه اش همچنین اینست جزای متقیان و جزای کافران آتش والذين آتيناهم الكتب يفرحون
بما أنزل إليك ومن الأحزاب من ينكر بعضه قل إنما أمرت أن أعبد الله ولا
أشرك به إليه أدعو وإليه مآب ٭ و آنان که داده ایم ایشانرا کتاب شاد میشوند بآنچه فرستاده شد
بسوی تو و از جماعتها کسی است که انکار میکند بعض او را بگو جز این نیست که فرموده شده مرا که عبادت کنم
خدا را و شریک او مقرر نکنم بسوی او میخوانم و بسوی اوست مرجع من وكذلك أنزلناه حكما عربيا
ولئن اتبعت أهواءهم بعد ما جاءك من العلم ما لك من الله من ولي ولا واق
و همچنین فرو فرستادیم قرآنرا کتابی عربی و اگر پیروی کنی خواهش نفس ایشانرا بعد از آنکه آمده است بتو

از علم نیست ترا از عقوبت خدا هیچ کارسازنده و نه نگاه وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ
أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً ۚ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ و هر آینه
فرستادیم پیغامبران پیش از تو و دادیم ایشان را زنان و فرزندان و نشاید هیچ پیغامبر را که بیارد نشانی
مگر بحکم خدا هر قضا و وقت را نامه هست یعنی چون قضاء الهی بوجهی متحقق شود اثر آن در عالم ملکوت ثبت می کنند
يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ ۖ وَعِندَهُ أُمُّ الْكِتَابِ • نابود میسازد خدا هرچه میخواهد و ثابت کند
هرچه خواهد و نزدیک اوست ام الکتاب یعنی لوح محفوظ مترجم گوید صورة حادثه در عالم ملکوت خلق میفرماید
بعد از آن اگر خواهد محو کند و اگر خواهد ثابت دارد و شاید که معنی چنین باشد هر زمانه را شرعی هست نسخ میکند
خدای تعالی آنچه میخواهد و ثابت میگذارد آنچه میخواهد و نزدیک اوست لوح محفوظ والله اعلم وَإِن مَّا نُرِيَنَّكَ
بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ • و اگر بنمائیم ترا بعض
آنچه وعده میکنیم با ایشان یا قبض روح تو کنیم بهر حال جز این نیست که بر تو پیغام رسانیدن است و بر ماست
حساب أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا ۚ وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ ۚ
وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ آیا نمی بینند که ما قصد میکنیم باین سرزمین که ناقص میسازیم آنرا از جوانب آن
و خدا حکم میکند نیست هیچ رد کننده حکم او را و او زود حساب کننده است مترجم گوید یعنی روز بروز
شوکت اسلام در زمین عرب بیشتر میشود و دار الحرب ناقص میگردد از اطراف آن عامه مفسرین این آیه را
مدنیه نامند و نزدیک مترجم لازم نیست که مدنی باشد و مراد از نقصان دار الحرب اسلام اسلم و غفار و جهینه
و مزینه و قبایل یمن است پیش از هجرة وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا ۖ يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ
كُلُّ نَفْسٍ ۗ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ • و هر آینه بدسگالی کردند آنان که پیش از ایشان بودند
پس خدا راست بدسگالی همه بجا میداند آنچه بعمل می آرد هر نفسی و خواهند دانست این کافران که کرا باشد خانه
آن سرا وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا ۚ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ
عِندَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ • و میگویند کافران پیغامبر نیستی بگو بس است خدا گواه درمیان من و شما و بس است
کسی که نزدیک اوست علم کتاب یعنی احبار یهود میدانند که رسالت آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم صحیح است

سورة ابراهیم

سورة ابراهيم عليه السلام مكية وهي اثنان وخمسون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۱ ع ۱۲ الر كتب انزلنه اليك لتخرج الناس من الظلمت الى النور باذن ربهم الى صراط

العزيز الحميد اين كتابيست كه فرو فرستاديم انرا بسوي تو تا بيرون آري مردمانرا از تاريكيها

بسوي روشني بحكم پروردگار ايشان بسوي راه خداي غالب ستوده الله الذي له ما في السموت

وما في الارض وويل للكفرين من عذاب شديد بسوي راه خداي غالب ستوده

كه اوراست آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمين است ووای كافرانرا از عذاب سخت الذين

يستحبون الحيوة الدنيا على الاخرة ويصدون عن سبيل الله ويبغونها عوجا

اولئك في ضلل بعيد آنان كه زندگاني دنيارا اختيار مي كنند بر آخرة وباز ميدارند مردمانرا

از راه خدا وميطلبند در وي كجي يعني بشبهات ثابت ميكنند كجيست ايشانند در گمراهي دور وما

ارسلنا من رسول الا بلسان قومه ليبين لهم فيضل الله من يشاء ويهدي

من يشاء وهو العزيز الحكيم ونفرستاديم هيچ پيغامبري مگر بزبان قوم او تا بيان كند

براي ايشان پس گمراه سازد خدا هر كرا خواهد وراه نمايد هر كرا خواهد واوست غالب باحكمت ولقد

ارسلنا موسى بايتنا ان اخرج قومك من الظلمت الى النور وذكرهم بايام الله

ان في ذلك لايت لكل صبار شكور وهر آينه فرستاديم موسى را بانشانهاي خود گفتيم كه بيرون آر

قوم خودرا از تاريكيها بسوي روشني وپند ده ايشانرا بروزهاي خدا يعني بوقايعي كه از جانب او بودند

ع ۱۳ هر آينه درين نشانهاست هر شكيباي شكرگذاررا واذ قال موسى لقومه اذكروا نعمة الله

عليكم اذ انجكم من ال فرعون يسومونكم سوء العذاب ويذبحون ابناءكم

ويستحيون نساءكم وفي ذلكم بلاء من ربكم عظيم وياد كن آنوقت كه گفت

موسى قوم خودرا ياد كنيد نعمت خدارا بر خويش چون خلاص كرد شمارا از كسان فرعون ميرسانيدند بشما

سختي عذاب وميكشتند پسران شمارا وزنده ميگذاشتند دختران شمارا ودرين حال آزمايش بزرگ بود

از پروردگار شما و اذ تأذن ربکم لئن شکرتم لازیدنکم ولئن کفرتم ان عذابی لشدید
و آن وقت که خبردار ساخت پروردگار شما که اگر شکر کنید زیاده دهم شما را و اگر ناسپاسی کنید هر آینه عذاب
من سخت ست وقال موسی ان تکفروا انتم ومن فی الارض جمیعا فان الله لغنی
حمید ○ و گفت موسی اگر کافر شوید شما و هر که در زمین ست همه یکجا پس هر آینه خدا توانگر ستوده شده است
الم یأتکم نبؤا الذین من قبلکم قوم نوح وعاد وثمود والذین من بعدهم لا یعلمهم
الا الله جاءتهم رسلهم بالبینات فردوا ایدیهم فی افواههم وقالوا انا کفرنا
بما ارسلتم به وانا لفی شک مما تدعوننا الیه مریب ○ آیا نیامده است بشما خبر آنانکه پیش از شما
بودند قوم نوح و عاد و ثمود و کسانیکه بعد از ایشان آمدند نمیداند ایشان را یعنی عدد و صفات ایشان را مگر خدا
آمدند بایشان پیغامبران ایشان بمعجزه ها پس باز آوردند دست خود را در دهان خود یعنی از بهر تعجب و انکار
انگشت بدندان گزیدند والله اعلم و گفتند هر آینه ما منکریم بآنچه فرستاده شدید همراه آن و هر آینه ما در شبهه
قوی ایم از آنچه میخوانید ما را بآن ○ قالت رسلهم افی الله شک فاطر السموات والارض
یدعوکم لیغفر لکم من ذنوبکم ویؤخرکم الی اجل مسمی قالوا ان انتم الا بشر
مثلنا تریدون ان تصدونا عما کان یعبد اباؤنا فأتونا بسلطان مبین ○ گفتند پیغامبران
ایشان آیا در خدا شبهه ست آفریننده آسمانها و زمین میخواند شما را تا بیامرزد برای شما گناهان شما
و موقوف دارد شما را تا مدتی معین گفتند نیستید شما مگر آدمی مانند ما میخواهید که باز دارید ما را از آنچه عبادت
میکردند پدران ما پس بیارید پیش ما حجتی ظاهر قالت لهم رسلهم ان نحن الا بشر مثلکم ولکن الله ثلث
یمن علی من یشاء من عباده وما کان لنا ان نأتیکم بسلطان الا باذن الله وعلی الله
فلیتوکل المؤمنون ○ گفتند بایشان پیغامبران ایشان نیستیم ما مگر آدمی مانند شما لکن خدا نعمت و احسان
میدهد بهر که خواهد از بندگان خود و نیست ممکن ما را که بیاریم حجتی مگر بحکم خدا و بر خدا باید که توکل کنند مسلمانان
وما لنا الا نتوکل علی الله وقد هدنا سبلنا ولنصبرن علی ما اذیتمونا وعلی الله ع ۱۳
فلیتوکل المتوکلون ○ و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و هر آینه نمود است ما را راههای ما و البته صبر خواهیم کرد

بر آنچه ایذا

و بر انذار شما و بر خدا باید که توکل کنند توکل کنندگان وقال الذین کفروا لرسلهم لنخرجنکم

من ارضنا او لتعودن فی ملتنا فاوحی الیهم ربهم لنهلکن الظلمین • و گفتند کافران

بپیغامبران خویش البته اخراج میکنیم شما را از زمین خود یا باز آئید در دین ما پس وحی فرستاد بسوی ایشان

پروردگار ایشان که هلاک خواهیم کرد ستمکاران را ولنسکننکم الارض من بعدهم ذلک

لمن خاف مقامی وخاف وعید • و ساکن خواهیم ساخت شما را در زمین بعد از ایشان این وعده

برای کسی است که بترسد از ایستادن بحضور من و بترسد از بیم من واستفتحوا وخاب کل جبار

عنید • و طلب فتح کردند پیغامبران و زیانکار شد هر گردنکش ستیزنده من ورائه جهنم ویسقی

من ماء صدید پیش روی او دوزخ است و نوشانیده شود آب از جنس زرد آب یتجرعه ولا یکاد

یسیغه ویاتیه الموت من کل مکان وما هو بمیت ومن ورائه عذاب غلیظ •

جرعه جرعه فرو کشد آنرا و نزدیک نبود آنکه بسهولت در کشد آنرا و بیاید پیش او موت یعنی اسباب پیدایش از

هر جانبی و او مرده نشود و پیش وی است عذابی سخت مثل الذین کفروا بربهم اعمالهم کرماد

اشتدت به الریح فی یوم عاصف لا یقدرون مما کسبوا علی شیء ذلک هو الضلال

البعید • صفت آنان که نا معتقد شدند بپروردگار خویش این است اعمال ایشان مانند خاکستری بود که

سخت وزید بر آن باد در روزیکه باد تند دارد قدرت ندارند بر هیچ چیز از آنچه کسب کرده بودند این است

گمراهی دور یعنی اعمال ایشان همه حبط شود و بدان منتفع نگردند والله اعلم الم تر ان الله خلق السموات

والارض بالحق ان یشا یذهبکم ویات بخلق جدید وما ذلک علی الله بعزیز • آیا

ندیدی که خدا آفرید آسمانها و زمین بتدبیر محکم اگر خواهد دور کند شما را و بیارد آفرینش نو و نیست این بر خدا

دشوار وبرزوا لله جمیعا فقال الضعفاء للذین استکبروا انا کنا لکم تبعا فهل انتم

مغنون عنا من عذاب الله من شیء قالوا لو هدنا الله لهدینکم سواء علینا اجزعنا

۱۵ ع امر صبرنا ما لنا من محیص • و حاضر شوند پیش خدا همه یکجا پس گویند ضعیفان گردن کشان را یعنی تابعان

پیشروان را هر آینه ما بودیم تابعان شما پس آیا شما دفع کننده هستید از ما پاره از عذاب خدا گویند اگر راه نمودی

مارا خدا راهنمائی میکردیم شمارا برابرست بر ما که اضطراب کنیم یا شکیبائی ورزیم نیست ما را هیچ مخلص وقال
الشيطان لما قضي الأمر إن الله وعدكم وعد الحق ووعدتكم فأخلفتكم وما كان لي
عليكم من سلطان إلا أن دعوتكم فاستجبتم لي فلا تلوموني ولوموا أنفسكم
ما أنا بمصرخكم وما أنتم بمصرخي إني كفرت بما أشركتمون من قبل إن الظالمين
لهم عذاب أليم • وگفت شیطان وقتیکه فیصل کرده شد کار یعنی وقتیکه بهشتیان به بهشت در آیند
و دوزخیان بدوزخ والله اعلم هر آینه خدا وعده داد شما را وعده راست و وعده دادم من شما را پس
خلاف وعده کردم من با شما یا نبود مرا بر شما هیچ تسلط لیکن بود آنکه بخواندم شما را پس قبول کردید سخن مرا
پس ملامت مکنید مرا و ملامت کنید خویش را و نیستم فریادرس شما و نیستید فریادرس من هر آینه من منکر شدم
از آنکه مرا شریک مقرر کردید پیش ازین هر آینه ستمکاران ایشان راست عذاب درددهنده • وأدخل
الذين آمنوا وعملوا الصالحات جنات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها بإذن
ربهم تحيتهم فيها سلام • و در آورده شدند آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند
به بهشتهائی که میرود زیر آن جویها جاویدان در آنجا بحکم پروردگار خویش دعای خیر ایشان با یکدیگر
آنجا سلام است ألم تر كيف ضرب الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة أصلها ثابت
وفرعها في السماء تؤتي أكلها كل حين بإذن ربها ويضرب الله الأمثال للناس
لعلهم يتذكرون • آیا ندیدی چگونه پیدا کرد خدا داستانی را ساخت سخن پاکیزه را مانند درخت
پاکیزه که بیخش استوار باشد و شاخش در آسمان میدهد میوه خود را هر فصلی بحکم پروردگار خویش و پدید
می آرد خدا مثلها را برای مردمان تا بود که پند پذیر شوند ومثل كلمة خبيثة كشجرة خبيثة
اجتثت من فوق الأرض ما لها من قرار • و حال سخن ناپاکیزه مانند درخت ناپاکیزه است
که بر کنده شد از بالای زمین نیست او را هیچ استقراری یعنی شریعت حق در ملکوت ثابت است و در دنیا
هر دو رواجی تازه میابد و مردمان منتفع میشوند و ملت و جاهلیت در ملکوت استقرار ندارد بلکه در دنیا
مردم شایع شود باز بر هم کرده آید والله اعلم يثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت في ع ١٦

المجوف الدنيا

الحيوة الدنيا وفي الآخرة ويضل الله الظلمين ويفعل الله ما يشاء استوار ميسازد
خدا مسلمانان را بسخن درست در زندگانی دنیا و در آخرة و گمراه میسازد خدا ستمکاران را و میکند خدا آنچه
میخواهد یعنی وقت مرگ توفیق شهادت میدهد و وقت سوال منکر و نکیر بقول حق گویا میسازد ألم تر إلى
الذين بدلوا نعمت الله كفرا واحلوا قومهم دار البوار جهنم يصلونها وبئس القرار
آیا ندیدی بسوی آنانکه بدل کردند نعمت خدا بناسپاسی یعنی ناسپاسی کردند بسوی آن نعمت مفقود شد پس
گویا نعمت دادند و کفر خریدند والله اعلم و فرود آوردند قوم خود را بسرای هلاکی که دوزخ است در آیند
اندر و آن بد قرارگاهی است وجعلوا لله اندادا ليضلوا عن سبيله قل تمتعوا فان مصيركم
الى النار و مقرر کردند خدا را همتایان تا گمراه کنند عالم را از راه او بگو بهره مند شوید هر آینه بازگشت
شما بسوی آتش است قل لعبادي الذين آمنوا يقيموا الصلوة وينفقوا مما رزقنهم
سرا وعلانية من قبل ان يأتي يوم لا بيع فيه ولا خلال بگو آن بندگان مرا که ایمان آورده اند
بر پا دارند نماز را و خرج کنند از آنچه ما روزی دادیم ایشان را پنهان و آشکار پیش از آنکه بیاید روزی که خرید
وانزل و فروخت نیست در آن و نه با یکدیگر دوستی بود الله الذي خلق السموات والارض من السماء
ماء فاخرج به من الثمرات رزقا لكم وسخر لكم الفلك لتجري في البحر بامره وسخر
لكم الانهار خدا آنست که آفرید آسمانها و زمین را و فرو فرستاد از آسمان آب پس بیرون آورد
بآن آب روزی برای شما از قسم میوها رام ساخت برای شما کشتی را تا بروند در دریا بحکم او و رام ساخت
برای شما جویبارها را وسخر لكم الشمس والقمر دائبين وسخر لكم الليل والنهار واتىكم
من كل ما سألتموه وان تعدوا نعمت الله لا تحصوها ان الانسان لظلوم كفار
و رام ساخت برای شما آفتاب و ماه را همیشه روندگان و رام ساخت برای شما شب و روز را و داد شما را از هر چه
خواستید و اگر شمارید نعمت خدا را احاطه نتوانید کرد آنرا هر آینه انسان ستمکار ناسپاس است و آذ
ع ٦ قال ابراهيم رب اجعل هذا البلد آمنا واجنبني وبني ان نعبد الاصنام و یاد کن چون
گفت ابراهیم ای پروردگار من بکن این شهر را جای امن و دور دار مرا و فرزندان مرا یعنی پسران بواسطه را

والله اعلم ازان که عبادت بتان کنیم رب انهن اضللن کثیرا من الناس فمن تبعنی فانه منی
ومن عصانی فانک غفور رحیم ای پروردگار من این بتان گمراه کرده اند بسیاری را از مردمان
پس هر که پیروی من کرد پس هر آینه او ازان منست و هر که نافرمانی کرد مرا پس هر آینه تو آمرزنده مهربانی
ربنا انی اسکنت من ذریتی بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحرم ربنا لیقیموا الصلوة
فاجعل افئدة من الناس تهوی الیهم وارزقهم من الثمرات لعلهم یشکرون
ای پروردگار ما هر آینه من ساکن ساختم بعض اولاد خود را بوادی بی زراعت نزدیک خانه محرم تو ای
پروردگار ما تا بر پای دارند نماز را پس بکن دلی چند را از مردمان رغبت کننده بسوی ایشان و روزی ده
ایشان را از میوهای تا بود ایشان که سپاسداری کنند ربنا انک تعلم ما نخفی وما نعلن
وما یخفی علی الله من شیء فی الارض ولا فی السماء ای پروردگار ما هر آینه تو میدانی آنچه
پنهان میداریم و آنچه آشکارا میکنیم و پوشیده نمی شود بر خدا هیچ چیز در زمین و نه در آسمان الحمد لله
الذی وهب لی علی الکبر اسمعیل واسحق ان ربی لسمیع الدعاء سپاس آن خدای را
که عطا کرد مرا با وجود کلان سالی اسمعیل و اسحق هر آینه پروردگار من شنونده دعاست رب
اجعلنی مقیم الصلوة ومن ذریتی ربنا وتقبل دعاء ای پروردگار من بکن مرا بر پا دارنده
نماز و از اولاد من نیز ای پروردگار ما و قبول کن دعا مرا ربنا اغفر لی ولوالدی وللمؤمنین
یوم یقوم الحساب ای پروردگار ما بیامرز مرا و مادر و پدر مرا و مسلمانان را روزی که قایم شود حساب
ولا تحسبن الله غافلا عما یعمل الظالمون انما یؤخرهم لیوم تشخص فیه ع ۱۸
الابصار و مپندار خدا را بیخبر از آنچه می کنند ستمکاران جز این نیست که موقوف میدارد ایشان را برای
روزی که خیره شوند دران چشمها مهطعین مقنعی رؤسهم لا یرتد الیهم طرفهم
وافئدتهم هواء شتاب کنندگان سر خود بر دارندگان باز نمیگردد بسوی ایشان چشم ایشان
و دلهای ایشان خالیست وانذر الناس یوم یأتیهم العذاب فیقول الذین ظلموا
ربنا اخرنا الی اجل قریب نجب دعوتک ونتبع الرسل اولم تکونوا اقسمتم

من قبل

مِنْ قَبْلُ مَا لَكُمْ مِنْ زَوَالٍ و بترسان مردمانرا از روزیکه بیاید بایشان عذاب پس گویند ظالمان ای پروردگار ما
موقوف دار مارا تا میعادی نزدیک تا قبول کنیم خواندن ترا و پیروی کنیم رسولانرا گفته شود بایشان ایا
قسم نخوردید پیش ازین که نباشد شمارا هیچ زوال وَسَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ
لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ الْأَمْثَالَ و ساکن شدید در منازل آنان که ستم کردند بر خویش
و واضح شد شمارا چگونه کردیم با ایشان و بیان ساختیم برای شما داستانها وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ
وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ و هر آینه بدسگالیدند خویش را و نزدیک
خداست علم بدسگالی ایشان و نیست بدسگالی ایشان بدان مثابه که از جای روند بسبب آن کوهها
یعنی مکر ایشان ضعیف است فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ
پس مپندار خدارا خلاف کننده وعده خود با رسولان خود هر آینه خدا غالب صاحب انتقام است يَوْمَ
تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ روزیکه بدل کرده شود
زمین بغیر این زمین و بدل کرده شوند آسمانها و ظاهر شوند بحضور خدا یگانه غالب وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ
يَوْمَئِذٍ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ و ببینی آن روز گناهکارانرا دست و پا بهم بسته در زنجیرها سَرَابِيلُهُمْ
مِنْ قَطِرَانٍ وَتَغْشَى وُجُوهَهُمُ النَّارُ لباس ایشان از قطران باشد و بپوشد روی ایشانرا
آتش قطران چیزیست سیاه بد بوی که آتش در آن زود میگیرد لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ
إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ تا جزا دهد خدا هر کسی را بآنچه کرده است هر آینه خدا زود حساب کننده است
هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنْذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ
این قرآن خبر رسانیدن است مردمانرا یعنی نازل کرده شده است برای تبلیغ و تا بیم کرده شوند بآن
و تا بدانند که جز این نیست که وی خدای یگانه است و تا پند پذیر شوند خداوندان عقل سورة الحجر مکیة
تسع وتسعون آية بسم الله الرحمن الرحيم
١٤ الربع عشره
الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُبِينٍ این آیتهای کتاب الهی و قرآن روشن است
رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ بسا بود که دوست دارند کافران کاش مسلمان

مسلمان بودندی ذرهم یاکلوا ویتمتعوا ویلههم الامل فسوف یعلمون · بگذار ایشانرا
تا بخورند و بهره مند شوند و مشغول کند ایشانرا امید دراز پس خواهند دانست وما اهلکنا
من قریة الا ولها کتاب معلوم · و هلاک نکردیم هیچ دیه را مگر که ویرا نوشته بود معلوم ما
تسبق من امة اجلها وما یستاخرون · و سبقت نمیکند هیچ گروهی از امت خود و باز پس
نمیمانند وقالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر انک لمجنون · و گفتند کافران ای کسیکه
فرود آورده شده است بروی قران هر آینه تو دیوانه لو ما تاتینا بالملئکة ان کنت من
الصدقین · چرا نمی آری پیش ما فرشتگانرا اگر هستی از راست گویان ما ننزل الملئکة
الا بالحق وما کانوا اذا منظرین · فرو نفرستادیم فرشتگانرا مگر بتدبیر محکم و نباشند
آنگاه مهلت داده شده انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحفظون · هر آینه ما فرو فرستادیم
قران را و هر آینه ما او را نگاهبانیم ولقد ارسلنا من قبلک فی شیع الاولین · و هر آینه
پیغامبرانرا فرو فرستادیم پیش از تو در فرقهای پیشینیان وما یاتیهم من رسول
الا کانوا به یستهزءون · و نمی آمد بایشان هیچ فرستاده مگر بودند باو تمسخر کنان
کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین · همچنین در می آریم استهزا را در دل گناهکاران وقد
خلت سنة الاولین · ایمان نیارند بخدا و بقران و هر آینه گذشت آیین پیشینیان ولو فتحنا
علیهم بابا من السماء فظلوا فیه یعرجون · و اگر بکشائیم بر ایشان دری از آسمان پس شوند
باین صفت که در وی بالا میروند لقالوا انما سکرت ابصارنا بل نحن قوم مسحورون
البته گویند جز این نیست که بند کرده شد چشمهای ما بلکه ما قومی هستیم جادو زده ولقد جعلنا
فی السماء بروجا وزیناها للنظرین · و هر آینه پیدا کردیم در آسمان برجها و بیاراستیمش برای
بینندگان وحفظنها من کل شیطن رجیم · و نگاهداشتیمش از هر شیطان رانده شده الا
من استرق السمع فاتبعه شهاب مبین · مگر آنکه بدزدی شنود پس در پی وی افتد آتش
آشکارا والارض مددناها والقینا فیها رواسی وانبتنا فیها من کل شیء موزون

لا یؤمنون به م

وزمین

وزمین گسترانیدیم پس و انداختیم در اینجا کوهها و رویانیدیم در اینجا از جنس هر چیز سنجیده یعنی هر نوع را
صورتی و صفتی هست که از اینجا تجاوز نمی کند وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ
و ساختیم برای شما در اینجا اسباب معیشت و ساختیم برای شما آنکه نیستید او را روزی دهنده یعنی غلامان و دیگران
و جانوران والله اعلم وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ
و نیست هیچ چیز مگر نزدیک ما خزانهای اوست و فرو نمی آریم او را مگر باندازه مقرر وَأَرْسَلْنَا الرِّيَاحَ
لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ ۔ و فرستادیم بادها
باردار کننده ابر پس فرود آوردیم از آسمان آبی پس نوشانیدیم شما را از آن آب و نیستید شما آنرا
جمع کننده وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ ۔ و هر آینه ما زنده میسازیم و ما میمیرانیم
و ماییم وارث وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ ۔ و هر آینه دانسته ایم
پیشینیان را از شما و هر آینه دانسته ایم پسینیان را وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ۔ ع ۲
و هر آینه پروردگار تو برانگیزد ایشان را هر آینه او استوارکار داناست وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ
مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ۔ و هر آینه آفریدیم آدمی را از گل خشک از قسم لای سیاه بوی گرفته
وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ و جان پیدا کردیم پیش از این از آتش سوزان
وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ۔ و یاد کن چون گفت
پروردگار تو فرشتگان را هر آینه من آفریننده ام آدمی را از گل خشک از قسم لای سیاه بوی گرفته
فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ۔ پس چون راست کنمش و بدمم
در وی روح خود را پس افتید پیش او سجده کنان فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ۔ پس سجده کردند
فرشتگان تمام ایشان همه یکجا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ۔ مگر ابلیس سر باز زد
از آنکه باشد با سجده کنندگان قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ۔ گفت خدای
ای ابلیس چیست ترا که نمی باشی با سجده کنندگان قَالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ
مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ۔ گفت هرگز نیستم که سجده کنم آدمی را که پیدا کرده او را از گل خشک از قسم لای سیاه

بوي كرفته قال فاخرج منها فانك رجيم · كفت بيرون شو از بهشت هر آينه تو رانده شده
وان عليك اللعنة الى يوم الدين · و هر آينه بر تست لعنت تا روز قيامت قال رب
فانظرني الى يوم يبعثون · كفت اي پروردكار من مهلت ده مرا تا روزيكه برانكيخته شوند
مردمان قال فانك من المنظرين · كفت هر آينه تو از مهلت داده شدكاني الى يوم الوقت
المعلوم · تا روز آن وقت مقرر قال رب بما اغويتني لازينن لهم في الارض ولاغوينهم
اجمعين · كفت اي پروردكار من بسبب آنكه كمراه كردي مرا البته بيارايم معصيت را در زمين و البته
كمراه سازم ايشانرا همه يكجا الا عبادك منهم المخلصين · مكر بندكان خالص كرده تو از ايشان قال هذا
صراط علي مستقيم · كفت خدا اين اخلاص راهيست راست كه بر من ميرسد ان عبادي ليس لك
عليهم سلطان الا من اتبعك من الغاوين · هر آينه بندكان نيست ترا بر ايشان غلبه ليكن
غلبه تو بر كسي باشد كه پيروي تو كرد از كمراهان وان جهنم لموعدهم اجمعين · و هر آينه دوزخ
وعده كاه ايشان است همه يكجا لها سبعة ابواب لكل باب منهم جزء مقسوم · او را هفت
در است هر دري را از كمراهان حصه است جدا كرده شده ان المتقين في جنت وعيون ·
هر آينه پرهيزكاران در بوستانها و چشمها باشند ادخلوها بسلام امنين · ايشانرا كفته شود
در آئيد اينجا بسلامتي امن شده ونزعنا ما في صدورهم من غل اخوانا على سرر متقبلين
و بيرون كشيم انچه در سينه هاي ايشان بود از كينه برادر يكديكر شده و بر تختهاي رو بروي يكديكر كرده لا
يمسهم فيها نصب وما هم منها بمخرجين · نرسد با ايشان انجا رنجي و نيستند ايشان از انجا
بيرون كرده شده نبئ عبادي اني انا الغفور الرحيم · خبر ده بندكان مرا كه من امرزنده مهربانم
وان عذابي هو العذاب الاليم · و بانكه عذاب من همان عذاب درد دهنده است ونبئهم
عن ضيف ابرهيم اذ دخلوا عليه فقالوا سلاما قال انا منكم وجلون · و خبر ده ايشانرا
از مهمانان ابراهيم چون داخل شدند بروي پس سلام كفتند ابراهيم كفت ما هر آينه از شما ترسانيم قالوا
لا توجل انا نبشرك بغلام عليم · كفتند مترس هر آينه ما مژده ميدهيم ترا بفرزندي دانا قال

ع ٣

ابشرتموني

أبشرتموني على أن مسني الكبر فبم تبشرون ۰ گفت آيا بشارت داديد مرا با وجود آنكه رسيد
بمن پيري پس بچه چيز بشارة ميدهيد قالوا بشرناك بالحق فلا تكن من القانطين ۰ ٣ ركن
گفتند مژده داديم ترا براستي پس مباش از نا اميدان قال ومن يقنط من رحمة ربه إلا
الضالون ۰ گفت وكيست نا اميد شود از رحمت پروردگار خود مگر گمراهان قال فما خطبكم
أيها المرسلون ۰ گفت پس چيست خبر شما اي فرستادگان قالوا إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين
گفتند هرآينه ما فرستاده شديم بسوي گروهي گناهكار إلا آل لوط إنا لمنجوهم أجمعين ۰
بجز كسان لوط هرآينه ما البته نجات خواهيم داد ايشانرا همه يكجا إلا امرأته قدرنا إنها لمن ع
الغابرين ۰ بجز زنش كه مقرر كرده ايم كه هرآينه وي از بازماندگان است فلما جاء آل لوط
المرسلون ۰ پس وقتيكه آمد بكسان لوط فرستادگان قال إنكم قوم منكرون ۰ گفت هرآينه
شما گروهي نا آشنائيد قالوا بل جئناك بما كانوا فيه يمترون ۰ گفتند بلكه آورده ايم پيش تو
آنچه دران شبه ميكردند يعني عقوبت وأتيناك بالحق وإنا لصادقون ۰ و آورده ايم پيش تو
وعده راست را و هرآينه ما البته راست گوايم فأسر بأهلك بقطع من الليل واتبع
أدبارهم ولا يلتفت منكم أحد وامضوا حيث تؤمرون ۰ پس ببر كسان خود را بپاره
از شب و تو از پي ايشان رو و بايد كه پس نگرد از شما هيچكس و برويد آنجا كه فرموده شويد وآن زمين
شام بود وقضينا إليه ذلك الأمر أن دابر هؤلاء مقطوع مصبحين ۰ و وحي
فرستاديم بسوي لوط اين سخن كه بيخ ايشان بريده شود چون بوقت صبح درآيند وجاء
أهل المدينة يستبشرون ۰ و آمدند اهل شهر خوش وقتي كنان قال إن هؤلاء ضيفي
فلا تفضحون ۰ گفت لوط هرآينه ايشان مهمانان منند پس رسوا مكنيد مرا واتقوا الله
ولا تخزون ۰ و بترسيد از خدا و خوار مكنيد مرا قالوا أولم ننهك عن العالمين ۰ گفتند آيا
منع نكرده بوديم ترا از ميزباني غريبان قال هؤلاء بناتي إن كنتم فاعلين ۰ گفت اينها دختران
منند اگر هستيد كننده كاري يعني اگر قضاء شهوت خواهيد نكاح بنات انسب والله اعلم

لعمرك إنهم لفي سكرتهم يعمهون ٭ قسم بزندگانی تو که این کافران در گمراهی خویش سرگردان
میشوند. مترجم گوید این کلمه در قصه حضرت لوط زیاده کرده شد تا تنبیه باشد بر تطبیق حال مشرکین
مکه بر حال قوم لوط وامثال ایشان والله اعلم فأخذتهم الصيحة مشرقين ٭ پس دریافت
ایشانرا آواز هولناک چون بوقت شروق در آمدند فجعلنا عاليها سافلها وأمطرنا
عليهم حجارة من سجيل ٭ پس ساختیم بالای آن شهرها زیر آن و باراندیم بر ایشان سنگ
از قسم سنگ گل یعنی گل پخته مثل سنگ شده والله اعلم إن في ذلك لآيات للمتوسمين ٭
هر آینه درین قصه نشانهاست عبرت گیرندگانرا وإنها لبسبيل مقيم ٭ و هر آینه آن شهر
براهی هستند که دایم آمد و رفت دارد إن في ذلك لآية للمؤمنين ٭ هر آینه درین
نشانه ست مومنانرا وإن كان أصحاب الأيكة لظالمين ٭ و هر آینه بودند اهل ایکه ستمکاران
فانتقمنا منهم وإنهما لبإمام مبين ٭ پس انتقام کشیدیم از ایشان و شهرهای قوم لوط ع
هر دو براه آشکار هستند ولقد كذب أصحاب الحجر المرسلين ٭ و هر آینه دروغ
شمردند ساکنان حجر پیغامبرانرا وآتيناهم آياتنا فكانوا عنها معرضين ٭ و رسانیدیم
بایشان آیتهای خود پس شدند از آن روگردان وكانوا ينحتون من الجبال بيوتا
آمنين ٭ و تراشیده میساختند از کوهها خانها ایمن شده فأخذتهم الصيحة مصبحين
پس گرفت ایشانرا آواز سخت صباح کنان فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون ٭
پس دفع نکرد از ایشان آنچه کسب میکردند وما خلقنا السماوات والأرض وما
بينهما إلا بالحق وإن الساعة لآتية فاصفح الصفح الجميل ٭ و نیافریدیم آسمان و زمین
و آنچه مابین ایشانست مگر بتدبیر درست و هر آینه قیامت آمدنیست درگذر یعنی از بی ادبیهای
ایشان درگذشتن نیکو إن ربك هو الخلاق العليم ٭ و هر آینه پروردگار تو هموست ربع
آفریننده دانا ولقد آتيناك سبعا من المثاني والقرآن العظيم ٭ و هر آینه دادیم ترا
هفت آیه از آنچه در نماز مکرر خوانده میشود یعنی سوره فاتحه و دادیم ترا قرآن بزرگ لا تمدن

عينيك

عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ
باز مکن دو چشم خود را بسوی انچه بهره مند ساخته ایم بآن جماعتها را از کافران و اندوهناک مشو بر ایشان و
پست بکن بازوی خود را برای مومنان یعنی تواضع کن برای مسلمانان وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ·
و بگو هر آینه من بیم کننده آشکارم كَمَا أَنزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ · فرود خواهیم آورد عذاب مانند انچه فرود
آورده بودیم بر تقسیم کنندگان الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ · آنان که ساختند کتاب الهی را پاره پاره
یعنی بر اهل کتاب که بر بعض آیات عمل میکردند و بر بعض نه والله اعلم فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ · پس
قسم پروردگار تو البته سوال کنیم ایشان را همه یکجا عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ · از انچه میکردند فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ
وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ · پس آشکار کن انچه فرموده میشوی و اعراض کن از مشرکان إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ
هر آینه ما بسنده ایم ترا از شر تمسخر کنندگان الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ·
آنان که مقرر میکنند بخدا معبود دیگر را پس زود بدانند وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ
و هر آینه ما میدانیم از حال تو که تنگ میشود سینه تو بسبب انچه میگویند فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ
السَّاجِدِينَ · پس پاکی یاد کن پروردگار خود را با ستایش و باش از سجده کنندگان وَاعْبُدْ
رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ · و عبادت کن پروردگار خود را تا وقتی که برسد بتو مرگ سورة
النحل مکیة مائة و ثمان و عشرون آیات بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ · آمد حکم خدا پس شتاب مکنید او را
یعنی غلبه دین اسلام و تعذیب کفار بیقین شدنیست چرا شتابی میکنید والله اعلم پاکست خدا و بلند قدرت
از انکه شریک او مقرر میکنند يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ
أَنذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ · فرود می آرد فرشتگان را بوحی باراده خود بهر که خواهد از بندگان
خود که بترسانید باین مضمون که خدا میفرماید که نیست هیچ معبود دیگر مگر من پس بترسید از من خَلَقَ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ · آفرید آسمانها و زمین را بتدبیر درست بلند قدرتست از انکه شریک
مقرر می کنند خَلَقَ الْإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ · آفرید آدمی را از منی پس ناگهان وی

ستیزنده آشکار شد والانعام خلقها لکم فیها دفء ومنافع ومنها تاکلون • وچارپایانرا
آفرید برای شما از انها پوشیدنی ست و منفعتهای دیگر ست و بعض انهارا میخورید ولکم فیها جمال حین
تریحون وحین تسرحون • وشمارا در انها آبروست چون وقت شام از صحرا باز می آرید وچون
بسوی صحرا سر میدهید وتحمل اثقالکم الی بلد لم تکونوا بالغیه الا بشق الانفس ان ربکم
لرءوف رحیم • و بر میدارند بار شمارا بسوی شهری که نمی رسیدید بآن مگر بمشقت جانها هر اینه پروردگار شما
بخشاینده مهربانست والخیل والبغال والحمیر لترکبوها وزینة ویخلق ما لا تعلمون
وآفرید اسپانرا واشترانرا وخرانرا تا سوار شوید بران وبرای آرایش ومی آفریند آنچه نمی دانید
وعلی الله قصد السبیل ومنها جائر ولو شاء الله لهدیکم اجمعین • وبر خداست رسید
راه میانه و بعض راهها کج است واگر خواستی راه نمودی شمارا همه یکجا هو الذی انزل من السماء
ماء لکم منه شراب ومنه شجر فیه تسیمون • اوست آنکه فرود آورد از آسمان آب
برای شما از آب آشامیدنیست وازان آب درختانست که دران میچرانید ینبت لکم به
الزرع والزیتون والنخیل والاعناب ومن کل الثمرات ان فی ذلک لایة
لقوم یتفکرون • میرویاند برای شما بسبب آب زراعت را و زیتون را و درختان خرما و انگور واز هر جنس
میوهها هر اینه درین نشانه ست گروهی را که تفکر میکنند وسخر لکم اللیل والنهار والشمس والقمر
والنجوم مسخرات بامره ان فی ذلک لایت لقوم یعقلون • ومسخر کرد برای شما شب
روز را وآفتاب وماه را وستارگان مسخر اند برای وی هر آینه درین نشانهاست گروهی را که در می یابند
وما ذرأ لکم فی الارض مختلفا الوانه ان فی ذلک لایة لقوم یذکرون • ومسخر کرد
آنچه آفرید برای شما در زمین گوناگون رنگها را یعنی از انواع حیوان ونبات هر اینه درین نشانه ست گروهی
که پند می پذیرند وهو الذی سخر البحر لتاکلوا منه لحما طریا وتستخرجوا منه حلیة
تلبسونها وتری الفلک مواخر فیه ولتبتغوا من فضله ولعلکم تشکرون
و اوست آنکه مسخر ساخت دریارا تا بخورید ازان گوشت تازه یعنی ماهی و تا برون آرید ازان پیرایه که

بپوشید آنرا

پوشیدن از او و می بینی کشتی ها را رونده در دریا و مسخر کرد دریا را تا طلب معیشت کنید از فضل او تا بود که
شکر کنید وَأَلْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۝
و افکند در زمین کوههای محکم برای احتراز از آنکه بجنباند شما را و آفرید جویها و راهها تا بود که راه یابید بشب بید
وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ ۝ و آفریدن نشانها و بستارگان ایشان راه می یابند أَفَمَن
يَخْلُقُ كَمَن لَّا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۝ آیا کسی که می آفریند مانند کسی باشد که نمی آفریند آیا پند نمی گیرید
وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ و اگر شمارید نعمت خدا را احاطه
نکنید آن را هر آینه خدا آمرزنده است و مهربان است وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ۝ و خدا میداند
آنچه پنهان میدارید و آنچه آشکارا می کنید وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا
وَهُمْ يُخْلَقُونَ ۝ و آنانکه می پرستند کافران ایشان را بجز خدا نمی آفرینند چیزی را و خود ایشان آفریده می شوند
أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ۝ مردگانند نه زندگان و نمیدانند کی انگیخته شند
إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُم مُّنكِرَةٌ وَهُم مُّسْتَكْبِرُونَ ۝ معبود شما
خدا یگانه است پس آنانکه معتقد نمی شوند بآخرة دل ایشان ناشناس است و ایشان سرکش اند لَا جَرَمَ
أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ ۝ بی شبهه است خدا میداند آنچه
پنهان میدارند و آنچه آشکارا می کنند و هر آینه او دوست ندارد سرکشان را وَإِذَا قِيلَ لَهُم مَّاذَا أَنزَلَ
رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝ و چون گفته شود ایشان را چیست آنچه فرو فرستاده است
پروردگار شما گویند افسانهای پیشینیان است لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ
وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُم بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ ۝ مآل این گفتار آنکه بردارند
بارگناهان خویش تمام روز قیامت و بردارند نیز بعض بارهای آنانکه گمراه میسازند ایشان را بغیر دانش
آگاه شوید بدست آنچه برمیدارند قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُم مِّنَ الْقَوَاعِدِ
فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِن فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ۝ هر آینه
بد اندیشی کردند آنانکه پیش از ایشان بودند پس آمد خدا یعنی فرمان خدا بسوی عمارة ایشان از جانب

بنیاد ها پس افتاد بر ایشان سقف از بالای ایشان و آمد بدیشان عذاب از آن جهت که نمیدانستند و این تمثیلست
فساد مکر ایشانرا بابلغ وجوه ثم یوم القیمة یخزیهم ویقول این شرکاءی الذین کنتم
تشاقون فیهم قال الذین اوتوا العلم ان الخزی الیوم والسوء علی الکفرین
باز روز قیامت رسوا کند ایشانرا و گویند کجا اند آن شریکان من که مخالف میکردند در حق ایشان گویند اهل علم
هر آینه رسوائی و سختی امروز بر کافرانست الذین تتوفهم الملئکة ظالمی انفسهم فالقوا
السلم ما کنا نعمل من سوء بلی ان الله علیم بما کنتم تعملون آنانکه قبض ارواح
ایشان میکردند فرشتگان حالانکه ستمکار بودند بر خویش پس انداختند الکافران پیغام انقیاد که
ما هرگز نمی کردیم هیچ عمل بد گفته شود آری هر آینه خدا داناست بآنچه میکردید فادخلوا ابواب
جهنم خلدین فیها فلبئس مثوی المتکبرین پس در آئید بدروازه های دوزخ جاویدان آنجا
پس بدست جای سرکشان دوزخ وقیل للذین اتقوا ماذا انزل ربکم قالوا خیرا للذین
احسنوا فی هذه الدنیا حسنة ولدار الاخرة خیر ولنعم دار المتقین گفته شود
متقیانرا چیست آنچه فرو فرستاده پروردگار شما گفتند فرود آورده است بهترین سخن آنانرا که نکوکاری
کردند درین سرای حالت نیکست و هر آینه سرای آخرة بهترست و نکو سرای متقیانست آخرة جنت
عدن یدخلونها تجری من تحتها الانهر لهم فیها ما یشاءون کذلک یجزی الله
المتقین بوستانها همیشه ماندن در آیند آنجا میرود زیر آن جویها و ایشانراست آنجا هرچه خواهند
همچنین جزا میدهد خدا متقیانرا الذین تتوفهم الملئکة طیبین یقولون سلم علیکم
ادخلوا الجنة بما کنتم تعملون آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان میکنند حالانکه پاکان
باشند گویند فرشتگان سلام بر شما باد در آئید ببهشت جزاء آنچه میکردید مترجم گوید این صورة را
برای بیان قال و حال و مآل اهل سعادة و اهل شقاوة نازل فرموده والله اعلم هل ینظرون الا ان تاتیهم
الملئکة او یاتی امر ربک کذلک فعل الذین من قبلهم وما ظلمهم الله ولکن کانوا
انفسهم یظلمون انتظار نمی کشند کافران الا آنکه بیایند بایشان فرشتگان یعنی برای قبض ارواح

بابا برزمان

تا بیاید فرمان پروردگار تو یعنی عذاب او همچنین کردند انانکه پیش از ایشان بودند و ستم نکرد بر ایشان خدا
ولیکن بر خویش ستم میکردند فاصابهم سیئات ما عملوا وحاق بهم ما کانوا به یستهزؤن •
پس رسید بایشان جزای گناهان از اعمال ایشان و فرود آمد بایشان انچه بان استهزا میکردند وقال الذین اشرکوا
لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء نحن ولا اباؤنا ولا حرمنا من دونه من
شیء کذلک فعل الذین من قبلهم فهل علی الرسل الا البلاغ المبین • وگفتند مشرکان
اگر خواستی خدائی پرستیدیم بجز وی هیچ چیز را نه ما و نه پدران ما و حرام نمیداشتیم بغیر فرمان وی هیچ چیز را
یعنی سلف ما اجماع کرده اند و آن بدون رضا خدا منعقد نمی شود والله اعلم همچنین کردند انانکه پیش از ایشان
بودند پس نیست بر پیغامبران بجز رسانیدن اشکار ولقد بعثنا فی کل امة رسولا ان اعبدوا الله
واجتنبوا الطاغوت فمنهم من هدی الله ومنهم من حقت علیه الضلالة فسیروا
فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین • و هر اینه فرستادیم در هر گروهی پیغامبر را
که عبادت خدا کنید و احتراز کنید از بتان پس از ایشان کسی بود که راه نمود خدا و از ایشان کسی بود که ثابت
شد بروی گمراهی پس سیر کنید در زمین پس بنگرید چگونه شد آخر کار این دروغ دارندگان ان
تحرص علی هداهم فان الله لا یهدی من یضل وما لهم من ناصرین • اگر کوشش کنی
بر هدایت ایشان چه سود هر آینه خدا راه نماید انرا که گمراه میسازد و نیست ایشانرا هیچ یاری دهنده
واقسموا بالله جهد ایمانهم لا یبعث الله من یموت بلی وعدا علیه حقا ولکن
اکثر الناس لا یعلمون • و قسم خوردند بخدا محکمترین سوگندهای خود که نه انگیزد خدا مرده را آری برانگیزد
وعده درست لازم شده بروی ولیکن بیشترین مردمان نمی دانند لیبین لهم الذی یختلفون
فیه ولیعلم الذین کفروا انهم کانوا کاذبین • آری برانگیزد تا بیان کند برای ایشان انچه
اختلاف میکنند دران و تا بدانند کافران که ایشان دروغی بودند انما قولنا لشیء اذا اردناه
ان نقول له کن فیکون • نیست فرمان ما برای چیزی چون خواهیم آفریدنش مگر گوئیم اورا بشو پس
بشود والذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوئنهم فی الدنیا حسنة

نصف

وَلَاَجْرُ الْاٰخِرَةِ اَكْبَرُ لَوْ كَانُوْا يَعْلَمُوْنَ • و اناکه ترک یار خود کردند برای خدا بعد ازان که ستم کرده شد
بر ایشان البته جای دهیم ایشانرا در دنیا البسرای نیک و هر آینه مزد آخرة بزرگتر است اگر میدانستند اَلَّذِيْنَ
صَبَرُوْا وَعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُوْنَ • آنانکه صبر کردند و بر پروردگار خویش توکل مینمایند و این وعده متحقق شد
و مهاجرانرا بمدینه جای داد وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ اِلَّا رِجَالًا نُّوْحِيْ اِلَيْهِمْ فَسْئَلُوْا اَهْلَ الذِّكْرِ
اِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ • و نفرستادیم پیش از تو مگر مردانی راکه وحی میفرستادیم بسوی ایشان پس سوال کنید از
اهل کتاب اگر نمیدانید یعنی پیغامبران سالف آدمی بودند فرشته نبودند والله اعلم بِالْبَيِّنٰتِ وَالزُّبُرِ
وَاَنْزَلْنَا اِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ اِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُوْنَ • فرستادیم ایشانرا
بدلایل و کتابها و فرود آوردیم بسوی تو کتاب تا بیان کنی برای مردمان شریعتی راکه فرود آورده شد بسوی ایشان
و تا بود ایشان که تفکر کنند اَفَاَمِنَ الَّذِيْنَ مَكَرُوا السَّيِّاٰتِ اَنْ يَّخْسِفَ اللّٰهُ بِهِمُ الْاَرْضَ اَوْ
يَاْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُوْنَ • آیا امین شده اند آنانکه اندیشیدند بدیهای بد یعنی در حق
پیغامبر و مومنان ازانکه فرو برد خدا ایشان را بزمین یا بیاید بایشان عذاب از آنجا که بدانند اَوْ يَاْخُذَهُمْ
فِيْ تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِيْنَ • یا بگیرد ایشانرا در آمد و شد ایشان پس نیستند ایشان عاجز کننده اَوْ
يَاْخُذَهُمْ عَلٰى تَخَوُّفٍ فَاِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ • یا بگیرد ایشانرا بعد ترس یعنی بعد اقامت
وانتن هلاک پس پروردگار شما لطف کننده بخشاینده است اَوَلَمْ يَرَوْا اِلٰى مَا خَلَقَ اللّٰهُ مِنْ شَيْءٍ
يَّتَفَيَّؤُا ظِلٰلُهٗ عَنِ الْيَمِيْنِ وَالشَّمَآئِلِ سُجَّدًا لِّلّٰهِ وَهُمْ دٰخِرُوْنَ • آیا ندیده اند بسوی
آنچه پیدا کرده است خدا از هر چیزی میگردد سایهای او از جانب راست و از جانب چپ سجده کنان برای خدا
خوار شده وَلِلّٰهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ مِنْ دَآبَّةٍ وَّالْمَلٰٓئِكَةُ وَهُمْ
لَا يَسْتَكْبِرُوْنَ • و خدا را سجده می کنند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است از قسم جنبنده و فرشتگان نیز ۳۰ سجده
سجده می کنند و ایشان سرکشی نمیکنند يَخَافُوْنَ رَبَّهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُوْنَ مَا يُؤْمَرُوْنَ
می ترسند از پروردگار خود غالب شده بالای ایشان و می کنند آنچه فرموده می شوند وَقَالَ اللّٰهُ لَا تَتَّخِذُوْٓا
اِلٰهَيْنِ اثْنَيْنِ اِنَّمَا هُوَ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ فَاِيَّايَ فَارْهَبُوْنِ • و گفت خدا فرا مگیرید دو معبود دو خدا نیست .

الا معبود یکی است

كه وي معبود يكانه است پس از من بترسيد وَلَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا
أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ • ومر اوراست آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است ومر اوراست عبادة لازم شده
آيا از غير خدا ميترسيد وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْأَرُونَ •
و هر آنچه با شماست از نعمت از جانب خداست باز چون برسد شما سختى پس بسوى او مينالبيد ثُمَّ
إِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا
فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ • باز چون بردارد سختى را از سر شما ناگهان فريقى از شما بپروردگار خود شريك مقرر
مى كنند تا ناسپاسى كنند بانچه داديم ايشانرا پس بهره مند شويد پس خواهيد دانست وَيَجْعَلُونَ
لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ • ومقرر كردند
براى چيزى كه نميدانند تحقيق آن يعنى براى بتان حصه از آنچه روزى داده ايم ايشانرا بخدا البته پرسيده خواهيد شد
از آنچه افترا ميكرديد وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ • ومقرر مى كنند
براى خدا دخترانرا پاك است او ومقرر مى كنند براى خويش آنچه رغبت نمايند يعنى پسرانرا وَإِذَا بُشِّرَ
أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَى ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ • واگر مژده داده شود يكى را از ايشان بتولد
دختر روى او سياه گردد و او پر از اندوه باشد يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ
عَلَى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ • پنهان شود از قوم بسبب ناخوشى آنچه
مژده داده شد بوى در تامل افتد كه آيا باقى گذاردش بخوارى يا در آردش در خاك آگاه شويد بد حكم ايشانست
بحكم لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَى وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
آنانرا كه معتقد نمى شوند بآخرة صفت بد است وخدايراست صفت بلند و او غالب با حكمت است وَلَوْ يُؤَاخِذُ
اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَإِذَا
جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ • واگر گرفتار كند خدا مردمانرا بسبب
ستم ايشان نگذارد بر زمين هيچ جنبنده وليكن موقوف ميدارد ايشانرا تا وقتى مقرر پس چون برسد آن وقت
مقرر ايشان باز نمانند ساعتى و نه پيش روند وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ

الكذب ان لهم الحسنى لا جرم ان لهم النار وانهم مفرطون • و مقرری کنند برای خدا
انچه ناپسند میدارند یعنی دختران و بیان می کند زبان ایشان سخن دروغ را که ایشان را باشد حالت نیک
یعنی نجاة در آخرة شبهه نیست در انکه ایشان را باشد آتش و انکه ایشان پیش فرستادگان اند بدوزخ
تالله لقد ارسلنا الی امم من قبلک فزین لهم الشیطن اعمالهم فهو ولیهم
الیوم ولهم عذاب الیم • قسم بخدا هر آینه پیغامبران فرستادیم بسوی امتانیکه پیش از تو بودند
پس بیاراست برای ایشان شیطان کردارهای ایشان را پس همون یار ایشان است امروز و ایشان راست
عذاب درد دهنده وما انزلنا علیک الکتب الا لتبین لهم الذی اختلفوا فیه
وهدی ورحمة لقوم یؤمنون • و فرو نه آوردیم بر تو کتاب مگر بسبب آنکه بیان کنی برای ایشان
انچه دران اختلاف کردند و برای راه نمودن و بخشایش قومی را که بگروند والله انزل من السماء ماء
فاحیا به الارض بعد موتها ان فی ذلک لایة لقوم یسمعون • و خدا فرود آورد از آسمان
آب پس زنده ساخت بآن زمین را بعد مرگ آن هر آینه درین نشانه است گروهی را که می شنوند وان
لکم فی الانعام لعبرة نسقیکم مما فی بطونه من بین فرث ودم لبنا خالصا سائغا
للشربین • و هر آینه شما را در چهار پایان پندی هست می نوشانیم شما را از جمله انچه در شکم وی هست
از میان سرگین وخون شیری خالص گوارا آشامندگان را ومن ثمرات النخیل والاعناب تتخذون
منه سکرا ورزقا حسنا ان فی ذلک لایة لقوم یعقلون • و از میوه های درختان خرما
و درختان انگور قسمی هست که میسازید ازان شراب مست کننده و میسازید ازان روزی حلال هر آینه
درین نشانه است گروهی را که در میابند واوحی ربک الی النحل ان اتخذی من الجبال
بیوتا ومن الشجر ومما یعرشون • والهام فرستاد پروردگار تو بسوی زنبور شهد که بساز
خانه از کوهها و از درختان و از انچه مردمان بنا می کنند ثم کلی من کل الثمرات فاسلکی
سبل ربک ذللا یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه شفاء للناس ان فی
ذلک لایة لقوم یتفکرون • باز بخور از هر جنس میوه ها و برو در راهها ی پروردگار خویش رام شده

از راهها

آن راسها بر می آید از شکم زنبوران آشامیدنی گوناگون رنگهای او در آن آشامیدنی شفاست مردمان را
هر آینه در همه مذکور نشانه ست گروهی را که تفکر می کنند وَاللهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفّٰكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ
إِلٰى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ۝ وخدا آفرید شما را باز
بمیراند شما را و از شما کسی هست که عاید کرده میشود بخوارترین عمر تا باشد آنکه نداند بعد دانستن چیزی را هر آینه
دانا تواناست وَاللهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلٰى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي
رِزْقِهِمْ عَلٰى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللهِ يَجْحَدُونَ ۝ وخدا فضل داد
بعض شما را بر بعض در روزی پس نیستند آنانکه افزونی داده شوند عاید کنندگان روزی خود بر مملوکان
خود تا همه ایشان در روزی برابر باشند آیا نعمت خدا را انکار میکنند یعنی هیچکس نمیخواهد که مملوکان خود را
برابر خود سازد والله اعلم وَاللهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ
بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبٰتِ أَفَبِالْبٰطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللهِ هُمْ
يَكْفُرُونَ ۝ وخدا آفرید برای شما از جنس شما زنان را و آفرید برای شما از زنان پسران و نبیرگان را
و روزی داد شما را از پاکیزه ها آیا بباطل معتقد میشوند و بنعمت خدا ایشان ناسپاسی میکنند
وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِنَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ
شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ ۝ و می پرستند بجز خدا کسی را که نمیتوانند برای ایشان چیزی روزی دادن
از آسمانها و زمین چیزی از توانائی و قادر نمیشوند فَلَا تَضْرِبُوا لِلّٰهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللهَ يَعْلَمُ
وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ پس بیان مکنید برای خدا دستانها هر آینه خدا میداند و شما نمیدانید ضَرَبَ اللهُ
مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلٰى شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنٰهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ
سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ بیان کرد خدا دستانی
بنده مملوکی که توانائی ندارد بر هیچ چیز و کسیکه دادیمش از نزدیک خود روزی نیک پس وی خرج می کند
از آن روزی پنهان و آشکارا آیا برابر میشوند همه ستایش خدا راست بلکه اکثر ایشان نمیدانند
وَضَرَبَ اللهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلٰى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلٰى مَوْلٰهُ

أَيْنَمَا يُوَجِّهْهُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ • بیان کرد خدا داستانی دیگر دو مرد که یکی از ایشان گنگ است قدرت ندارد بر چیزی و او گران است
بر خواجه هر کجا فرستدش نیارد از آنجا هیچ نیکی آیا برابر است این شخص و کسیکه میفرماید مردمانرا بعدل و خودش
بر راه راست است حاصل این دو مثل آنست که آنچه در عالم تصرف ندارد با خدا برابر نیست چنانچه مملوک
ناتوان با مالک توانا برابر نیست و چنانچه گنگ بی تمیز با صاحب هدایت و ارشاد برابر نیست وَلِلّٰهِ
غَيْبُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللّٰهَ
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ • خدا راست علم پنهان آسمانها و زمین و نیست کار قیامت یعنی نزدیک قدرت او
مگر مانند چشم زدن بلکه نزدیکتر است هر آینه خدا بر همه چیز توانا است وَاللّٰهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ
أُمَّهٰتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ • و خدا بیرون آورد شما را از شکم مادران شما نمیدانستید چیزی را و پیدا ساخت
برای شما شنوائی و چشمها و دلها تا بود که شکر کنید أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرٰتٍ
فِي جَوِّ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللّٰهُ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيٰتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ • آیا
ندیدند بسوی مرغان رام شده در هوای آسمان نگاه نمیدارد ایشانرا مگر خدا هر آینه درین نشانهاست
گروهی را که ایمان می آرند وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ
الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَافِهَا
وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ • و خدای ساخت برای شما از خانهای
شما جای سکونت و ساخت برای شما از پوست چهارپایان خانها و سبک می یابید آنرا روز سفر
خود و روز اقامت خود و ساخت از پشمهای وی و وبرهای وی و موی وی اسباب خانه و بهره مندی
تا وقت مقرر وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلٰلًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا
وَجَعَلَ لَكُمْ سَرٰبِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرٰبِيلَ تَقِيكُمْ بَأْسَكُمْ كَذٰلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ
عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ • و خدا پیدا ساخت برای شما از مخلوقات خود سایها و پیدا کرد برای شما

از کوهها غارها و ساخت برای شما جامهها که نگاه دارد شما را از گرمی یعنی و از سردی نیز و جامهائی که نگاه دارد
شما را از ضرر جنگ شما همچنین تمام میدهد نعمت خود را بر شما تا بود که منقاد شوید فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا
عَلَيْكَ الْبَلَٰغُ الْمُبِينُ • پس اگر اعراض کنید خبر این نیست که بر تو پیغام رسانیدن است آشکارا
يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَٰفِرُونَ • می شناسند نعمت خدا را باز
انکار می کنند و بیشترین ایشان کافران اند وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا
يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ • و آنروز که برانگیزیم ز هر گروهی گواهی را
و آن نبی آن قوم باشد والله اعلم باز دستوری داده نشود کافران را یعنی تا عذر خود کنند
و نه ایشان رجوع بمرضات الهی طلب کرده شود وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا ثلث
يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ • و چون به بینند ستمکاران عذاب اضطراب کنند پس
سبک کرده نشود از ایشان و نه ایشان مهلت داده شوند وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ
قَالُوا رَبَّنَا هَٰؤُلَاءِ شُرَكَاؤُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا مِن دُونِكَ فَأَلْقَوْا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ
لَكَٰذِبُونَ • و چون به بینند مشرکان شریکان خود را یعنی معبودان باطل خود را گویند ای پروردگار ما
اینجماعه شریکان ما اند که میپرستیدیم بجز تو پس شریکان پیغام اندازند بسوی ایشان این سخن را
که هر آئینه شما دروغگویانید وَأَلْقَوْا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَمَ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ •
و اینهمه افگنند بسوی خدا آنروز پیغام انقیاد را و گم کرد از ایشان هرچه افترا میکردند الَّذِينَ كَفَرُوا
وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَٰهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ • آنانکه کافر
شدند و باز داشتند یعنی مردمان را از راه خدا افزون دهیم ایشان را عذابی بالای عذابی بسبب آنکه
فساد میکردند یعنی عذاب ضلال و اضلال وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِم مِّنْ أَنفُسِهِمْ
وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَٰبَ تِبْيَٰنًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً
وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ • و آنروز که برانگیزیم در هر امتی گواهی را بر ایشان از قبیله ایشان و آن نبی آن قوم باشد
و بیاریم ترا گواه بر اینکافران و فرود آوردیم بر تو کتاب برای بیان کردن هر چیز و برای راه نمودن و

وبخشایش وعزده دادن مسلمانان إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ
وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۔ هرآینه خدا میفرماید بانصاف و
نیکوکاری وعطا کردن بخویشاوندان ومنع میکند از بیحیائی وکار ناپسندیده وتعدی وپند میدهد شمارا
تا بود که شما پند پذیر شوید وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدتُّمْ وَلَا تَنقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ
تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ۔ ووفا کنید بعهد خدا
چون عهد بندید ومشکنید سوکندهارا بعد محکم ساختن آنها هرآینه ساخته اید خدارا بر خویش نگاهبان یعنی
نام او در قسم مذکور کرده اید هرآینه خدا میداند آنچه میکنید وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِن بَعْدِ
قُوَّةٍ أَنكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَن تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ
اللَّهُ بِهِ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ۔ ومباشید مانند زنیکه کسست رشته خود را
بعد از استواری پاره پاره ساخته میسازید سوکندهای خویش را مکر درمیان خود تا افزونتر شود گروهی
از گروهی یعنی برای منفعت دنیا تا مال ومنال زیاده بدست آرد جز این نیست که می آزماید خدا شمارا بآن افزونی
والبته بیان کند برای شما روز قیامت آنچه دران خلاف میشوید مراد تحریم یمین غموس است وحاصل آنست
که اعمال خود را حبط میکند چنانکه این زن عمل خود را تباه کرد والله اعلم کویا اینجا اشارتست بانکه یمین غموس
حبط کننده اعمالست والله اعلم وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِن يُضِلُّ مَن يَشَاءُ
وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۔ واکر خواستی خدا ساختی شمارا یک کروه ولیکن کمراه
میکند هرکرا خواهد وراه مینماید هرکرا خواهد والبته پرسیده خواهید شد از آنچه میکردید وَلَا تَتَّخِذُوا
أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدتُّمْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ
وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۔ ومسازید سوکندهای خود را دغا درمیان خویش که انکاه بلغزد قدم بعد استواری
آن وبچشید عقوبت بسبب باز داشتن از راه خدا وشمارا باشد عذاب بزرگ یعنی در حیا د عهد کرده قسم خورده
دغا کردن سبب آنست که کافران من بعد قول ایشانرا معتبر ندانند وبا ایشان صحبت ندارند بلکه مسلمانان
در شبهه افتند والله اعلم وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِندَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ

إن كنتم

إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ • ولستانید عوض عهد خدا بهای اندک هرآینه آنچه نزدیک خداست بهترست شمارا
اگر دانسته اید مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ
بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ • آنچه نزدیک شماست فانی شود و آنچه نزدیک خداست پاینده ست
و بدهیم صابران را مزد ایشان نیکوترین آنچه میکردند مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ
فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ • هرکه عمل نیک کرد
مرد باشد یا زن و او مسلمان ست هرآینه زنده کنیمش بزندگانی خوش یعنی در دنیا نعمت دهیم و بدهیم
انجماعه را مزد ایشان بحسب نیکوترین آنچه میکردند فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ
الرَّجِيمِ • پس وقتیکه خواهی قران خواندن پناه طلب بخدا از شیطان رانده شده إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ
عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ • هرآینه نیست شیطان را غلبه بر آنانکه ایمان می آوردند و بر
پروردگار خود توکل می کنند إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ •
جز این نیست که غلبه او بر آنان ست که دوستداری او می کنند و آنانکه ایشان با خدا شریک مقرر می کنند
وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ
لَا يَعْلَمُونَ • و چون بدل کنیم آیتی بجای آیتی یعنی یک آیه را با آیه دیگر نسخ کنیم و خدا داناتر ست (او)
بآنچه فرو دمی آرد گویند جز این نیست که تو افترا کننده بلکه اکثر ایشان نمیدانند قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ
مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ • بگو فرود آورده ست
اورا روح القدس از جانب پروردگار تو براستی تا مستقیم سازد مومنانرا و برای راه نمودن و مژده
دادن مسلمانانرا وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ
أَعْجَمِيٌّ وَهَٰذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ • و هرآینه ما میدانیم که کافران میگویند جز این نیست که می آموزد
این پیغامبر را آدمی زبان کسی که نسبت میکنند بسوی او عجمی ست و این قران زبان عربی واضح ست
إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ • هرآینه آنان که
ایمان نمی آرند بآیات خدا راه نماید ایشانرا خدا و ایشانرا باشد عذاب درد دهنده إِنَّمَا يَفْتَرِي

الکذب الذین لا یؤمنون بآیات الله و اولئک هم الکاذبون • جز این نیست که افترا
می کنند دروغ را آنانکه ایمان ندارند بآیتهای خدا و ایشانند دروغیان من کفر بالله من بعد
ایمانه الا من اکره و قلبه مطمئن بالایمان و لکن من شرح بالکفر صدرا فعلیهم
غضب من الله و لهم عذاب عظیم • هر که کافر شود بخدا بعد ایمان خود بر ایشان است خشم
از خدا و ایشانراست عذاب بزرگ مگر آنکه جبر کرده شود بروی و دلش آرامیده باشد بایمان و لیکن کسیکه
سینه کشاده کند بکفر یعنی راضی شود بر ایشان است خشم از خدا و ایشان راست عذاب بزرگ
ذلک بانهم استحبوا الحیوة الدنیا علی الآخرة و ان الله لا یهدی القوم الکافرین •
این خشم بسبب آنست که ایشان دوست داشتند زندگانی دنیا را بر آخرة و بسبب آنست که خدا راه نمی نماید
گروه کافرانرا اولئک الذین طبع الله علی قلوبهم و سمعهم و ابصارهم و اولئک هم
الغافلون • ایشانند جماعه که مهر نهاده است خدا بر دل ایشان و بر گوش ایشان و دیدهای ایشان
و ایشانند بیخبران لا جرم انهم فی الآخرة هم الخاسرون • شک نیست در آنکه ایشانند در
آخرة زیانکاران ثم ان ربک للذین هاجروا من بعد ما فتنوا ثم جاهدوا و صبروا
ان ربک من بعدها لغفور رحیم • باز پروردگار تو آنانرا که هجرة کردند بعد از آنکه عقوبت
کرده شد ایشانرا تا کلمه کفر بگویند باز جهاد کردند و صبر نمودند هر آینه پروردگار تو بعد ازین مقدمه
آمرزگار مهربان است یوم تأتی کل نفس تجادل عن نفسها و توفی کل نفس ما عملت
و هم لا یظلمون • آنروز که بیاید هر شخصی جدل کنان از طرف ذات خود و تمام داده شود هر شخصی را
جزا آنچه کرده است و ایشان ستم کرده نشوند و ضرب الله مثلا قریة کانت آمنة مطمئنة
یأتیها رزقها رغدا من کل مکان فکفرت بانعم الله فاذاقها الله لباس الجوع
و الخوف بما کانوا یصنعون • و بیان کرد خدا داستانی دهی که بود ایمن آرامیده می آمد باو روزی
او بکشادگی از هر جائی پس ناسپاسی کرد بنعمتهای خدا پس چشانید خدا او را پوشش گرسنگی و ترس بسبب آنچه
میکردند و لقد جاءهم رسول منهم فکذبوه فاخذهم العذاب و هم ظالمون • و هر آینه آمد

بایشان

پیش ایشان پیغامبری از جنس ایشان پس دروغ داشتند پس بگرفت ایشانرا عقوبت و ایشان ستمکار بودند

مترجم گوید که این قصه انتزاع کرده شده است از قصهای بسیار و منطبق است بر واقعهای شمار و ابتدا

شنل نامیده شد و در عبارة اذاقها الله لباس الجوع والخوف جمع کرده شده است و تشبیه در یک سیاق

والله اعلم فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ

تَعْبُدُونَ • پس بخورید از آنچه خدا روزی داد شمارا حلال پاکیزه و شکر کنید نعمت خدارا اگر اورا می پرستید

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللّٰهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ

غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ • جز این نیست که حرام ساخته است خدا بر شما مردار

و خون و گوشت خوک و آنچه ذکر کرده شد نام غیر خدا بر ذبح وی پس هر که بیچاره شد نه ستم کرده و نه از حد

گذشته پس خدا آمرزگار مهربان است وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هٰذَا حَلَالٌ

وَهٰذَا حَرَامٌ لِتَفْتَرُوا عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ •

و مگوئید چیزیرا که بیان میکند حکم او زبان شما بدروغ آن حلال است و این حرام است تا افترا کنید بر خدا

دروغ را هر آینه آنانکه افترا میکنند بر خدا دروغ را رستگار نشوند مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ

أَلِيمٌ • ایشانرا بود بهره مندی اندک و ایشانرا باشد عذاب درد دهنده وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا

حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ •

و بر یهود حرام کرده بودیم آنچه قصه خواندیم بر تو پیش ازین یعنی در سوره انعام و ستم نکردیم بر ایشان

ولیکن بر جان خویش ستم میکردند ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ

ذٰلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ • باز هر آینه پروردگار تو آنانرا که کار بد

کردند بنادانی پس توبه کردند بعد از آن و شایسته کار شدند هر آینه پروردگار تو بعد از آن توبه آمرزگار مهربان است

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلّٰهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ • هر آینه ابراهیم بود بزرگواری

عبادة کننده برای خدا حنیفی کیشی و نبود از مشرکان مترجم گوید حنیف آنرا گویند که حج و ختنه و غسل جنابت

میکرده باشد شَاكِرًا لِأَنْعُمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ • سپاس دارنده نعمتهای خدا

برگزیدش خدا و دلالت نمودش بسوی راه راست وَآتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ
لَمِنَ الصَّالِحِينَ • و عطا کردیمش دران سرای نعمت و هر آینه او در آخرة از شایستگان است ثُمَّ
أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنِ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ • پس ازان وحی فرستادیم
بسوی تو که پیروی کن کیش ابراهیم را حنیف شده و نبود از مشرکان إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ
اخْتَلَفُوا فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ • جز این نیست که
لازم کرده شد تعظیم شنبه بر آنان که اختلاف کردند دران و هر آینه پروردگار تو حکم کند در میان ایشان
روز قیامت در آنچه اندران اختلاف میکردند یعنی یهودی بحث کردند در شنبه طایفه گفتند که خدای تعالی
روز شنبه از خلق فارغ شد پس در شنبه عبادت باید کرد و طایفه سکوت کردند خدای تعالی تعظیم روز شنبه
باین سبب بر ایشان واجب گردانید والله اعلم ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ
وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ
دعوة کن یعنی مردمانرا بسوی راه پروردگار خویش بدانش و پند نیک و مناظره کن با ایشان بطریقه که وی
نیکست هر آینه پروردگار تو داناترست بکسی که گمراه شد از راه او و او داناترست براه یابان وَإِنْ
عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ • و اگر مکافات کنید
پس مکافات کنید مثل آنچه باشما معامله کرده شد و اگر صبر کنید آن صبر بهترست صابرانرا وَاصْبِرْ
وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ • و شکیبائی کن
و نیست شکیبائی تو مگر بتوفیق خدا و اندوه مخور بر ایشان و مباش در تنگدلی از آنکه بد اندیشی میکنید
إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ • هر آینه خدا با پرهیزگاران است و آنانکه ایشان نیکوکاران اند

سورة بنی اسرائیل مکیة بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ • احدی و عشرون ومائة آیة

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا
حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ • پاکست آنکه برد بنده خود را شبی از مسجد حرام
بسوی مسجد اقصی که برکت نهادیم گرداگرد آن تا بنمائیمش بعض نشانهای خود هر آینه اوست شنوا بینا یعنی

خدای تعا

خدای تعالی در شب معراج پیش از صعود بر آسمانها آنحضرت را صلی الله علیه وسلم بمسجد بیت المقدس رسانید

وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكِيلًا

و دادیم موسی را کتاب و ساختیمش هدایت بنی اسرائیل را گفتیم که مگیرید بجز من کارسازی ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا

مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ۝ ای فرزندان قومی که برداشتیم ایشان را با نوح یعنی بر کشتی هر آینه

وی بود بنده سپاسدار وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ

وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا ۝ وحی فرستادیم بسوی بنی اسرائیل در توریت که البته فساد خواهید کرد در زمین

دو بار و البته طغیان خواهید کرد و سرکشی بزرگ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا

لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا ۝ پس چون بیاید وعده

نخستین بار از آن دو بفرستیم بر شما بندگان خود را خداوندکار زار سخت را پس در آیند میان خانها

یعنی برای قتل و نهب و هست وعده خدای کردنی و این متحقق شد بتسلیط پادشاه عمالقه ثُمَّ

رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ۝ باز دهیم

شما را غلبه بر ایشان و پی در پی دهیم شما را اموال و فرزندان و سازیم شما را بیشتر باعتبار لشکر و این یعنی

در خلافت حضرت داود ظاهر شد إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا

جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا

مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا ۝ و گوییم اگر نیکو کاری کنید نیکو کرده باشید برای جان خویش و اگر بد کاری کنید پس آن

بدی جان شما راست پس چون بیاید وعده دیگر بفرستیم بندگان خود را تا خوش سازند روی شما را و

تا در آیند مسجد چنانکه در آمده بودند اول بار و تا از پا افکنند هر چه غالب شوند افکندنی و این وعده متحقق شد

وقتیکه حضرت یحیی را کشتند پس بخت نصر را مسلط ساخت عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدْتُمْ

عُدْنَا ۲

وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا ۝ گوییم نزدیک است که پروردگار شما از آنکه رحم کند بر شما و اگر

رجوع کنید بنافرمانی ما رجوع کنیم بعقوبت و ساختیم دوزخ را برای کافران زندانی و ایشان عود کردند

بفساد و تکذیب حضرة پیغامبر ما و جنگ کردن با او پس خدای تعالی عود فرمود بتعذیب ایشان و بقتل و اسر

وخبر إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ
أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ۝ هرآینه این قران راه مینماید بخصلتی که او درست ترست وبشاره میدهد
آن مسلمانانرا که کارهای شایسته می کنند بآنکه ایشانرا باشد مزد بزرگ وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ وخبر میدهد بآنانکه ایمان نه آورده اند باخرة آماده کرده ایم برای
ایشان عقوبت دردرسانیده وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا
و دعا می کند آدمی به بدی یعنی در حالت تنگدلی بر خود واولاد خود دعا بد میکند مانند دعا به نیکوی
وهست آدمی شتابکار وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ
مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلًا وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا
مِنْ رَبِّكُمْ
وساختیم شب و روز را دو نشانه پس بی نور ساختیم نشانه شب وساختیم نشانه روز را سبب دیدن
اشیا تا طلب کنید فضل را از پروردگار خود و تا بدانید شمار سالها را و بدانید حساب و هر چیزی را
بیان کردیم بتفصیل وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا ۝ وهر آدمی متصل ساختیم شامت عمل او را البته در گردن او وبرون آریم
برای او روز قیامت نامه که به بیند آنرا بازکشاده اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ
حَسِيبًا ۝ گوییم بخوان نامه خود را بس است نفس تو امروز بر تو حساب کننده مَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا
يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا
مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا هرکه راه یابد پس جز این نیست که راه یاب میشود برای نفع خود
وهرکه گمراه شد پس جز این نیست که گمراه میشود بر ضرر خود و برندارد هیچ بردارنده بار دیگری ونیستیم
عذاب کننده تا آنکه فرستیم پیغامبری وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا
فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا ۝ وچون خواهیم که هلاک کنیم دهی را میفرماییم توانگران
آنجا یعنی آنچه خواهیم پس نافرمانی کردند آنجا پس ثابت شد بران وعده عذاب پس هلاک کردیم ایشانرا بهلاک کردنی
وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ۝

وبسا گر

وبسا کس را هلاک کردیم از طبقات مردمان بعد نوح و بس است پروردگار تو بگناه بندگان خود دانا

بینا مَنْ کانَ یُرِیدُ الْعاجِلَةَ عَجَّلْنا لَهُ فِیها ما نَشاءُ لِمَنْ نُرِیدُ ثُمَّ جَعَلْنا لَهُ جَهَنَّمَ

یَصْلٰیها مَذْمُوماً مَدْحُوراً ۝ هر که خواسته باشد آسودگی دنیا بشتاب دهیم وی را در اینجا هر چه خواهیم

باز مقرر کنیم برای او دوزخ در آید بآن نکوهیده رانده شده وَمَنْ أَرادَ الْآخِرَةَ وَسَعىٰ لَها

سَعْیَها وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولٰئِکَ کانَ سَعْیُهُمْ مَشْکُوراً ۝ و هر که بخواهد ثواب آخرة و سعی کند برای

وی سعی که لایق وی است و او مسلمان باشد پس آن جماعه هست سعی ایشان مقبول کُلًّا نُمِدُّ هٰؤُلاءِ وَ

هٰؤُلاءِ مِنْ عَطاءِ رَبِّکَ وَما کانَ عَطاءُ رَبِّکَ مَحْظُوراً ۝ هر فرقه را پی در پی میدهیم این فرقه

و آن فرقه را از بخشش پروردگار تو و نیست بخشش پروردگار تو باز داشته اُنْظُرْ کَیْفَ فَضَّلْنا

بَعْضَهُمْ عَلىٰ بَعْضٍ وَلَلْآخِرَةُ أَکْبَرُ دَرَجاتٍ وَأَفْضَلُ تَفْضِیلاً ۝ ببین چگونه افزونی داده‌ایم

بعض مردمان را بر بعضی یعنی در دنیا بسبب رزق و جاه و هر آینه آخرة زیاده تر بود در تمیز درجات و بیشتر باشد در

افزونی دادن لا تَجْعَلْ مَعَ اللّٰهِ إِلٰهاً آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُوماً مَخْذُولاً ۝ مقرر مکن با خدا معبود دیگر را

آنگاه بنشینی نکوهیده بی یار مانده وَقَضىٰ رَبُّکَ أَلّا تَعْبُدُوا إِلّا إِیّاهُ وَبِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً

إِمّا یَبْلُغَنَّ عِنْدَکَ الْکِبَرَ أَحَدُهُما أَوْ کِلاهُما فَلا تَقُلْ لَهُما أُفٍّ وَقُلْ لَهُما قَوْلاً کَرِیماً ۝ و حکم کرد

پروردگار تو که عبادت مکنید مگر خود وی را و بکنید با پدر و مادر نیکوکاری که رسد نزدیک تو بکلانسالی

یکی از ایشان یا هر دو پس مگو ایشان را اف و بانگ مزن بر ایشان و بگو با ایشان سخن نیکو وَاخْفِضْ لَهُما

جَناحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُما کَما رَبَّیانِی صَغِیراً ۝ و پست کن برای ایشان

بازوی تواضع را از جهة مهربانی و بگوی ای پروردگار من ببخشای بر ایشان چنانکه پرورش کردند مرا در

خوردسالی رَبُّکُمْ أَعْلَمُ بِما فِی نُفُوسِکُمْ إِنْ تَکُونُوا صالِحِینَ فَإِنَّهُ کانَ لِلْأَوّابِینَ غَفُوراً

پروردگار شما داناتر است بانچه در ضمیر شما است که باشید شایسته پس هر آینه وی هست رجوع کنندگان را

آمرزنده وَآتِ ذَا الْقُرْبىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْکِینَ وَابْنَ السَّبِیلِ وَلا تُبَذِّرْ تَبْذِیراً ۝ و بده

بخداوند قرابت حق وی را و بدرویش و رهگذری و اسراف مکن اسراف کردنی إِنَّ الْمُبَذِّرِینَ

وَأَکْبَرُ

وَلا تَنْهَرْهُما

كانوا اخوان الشياطين وكان الشيطن لربه كفورا ∘ هر آينه اسراف كنندگان هستند برادران

شياطين و هست شيطان به پروردگار خود ناسپاس واما تعرضن عنهم ابتغاء رحمة

من ربك ترجوها فقل لهم قولا ميسورا ∘ واگر روي بگرداني ازيشان بانتظار رزقي از پروردگار

خود كه اميدوار آن باشي پس بگو ايشانرا سخني ملايم ولا تجعل يدك مغلولة الى عنقك ولا

تبسطها كل البسط فتقعد ملوما محسورا ∘ ومكن دست خود را بسته با گردن خود ومكشا آنرا

تمام گشادن كه آنگاه بنشيني ملامت كرده شده يعني در صورة بخل درمانده گشته يعني در صورت اسراف

ان ربك يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر انه كان بعباده خبيرا بصيرا ∘ هر آينه

پروردگار تو مي گشايد و تنگ ميكند روزي براي هر كه خواهد هر آينه او به بندگان خود دانا بيناست

ولا تقتلوا اولادكم خشية املاق نحن نرزقهم واياكم ان قتلهم كان خطأ كبيرا

ومكشيد اولاد خود را از ترس تنگدستي ما روزي ميدهيم ايشانرا و شمارا هر آينه كشتن ايشان هست

گناهي عظيم ولا تقربوا الزنا انه كان فاحشة وساء سبيلا ∘ ونزديك مشويد بزنا هر آينه

وي بيحيائي است و بد راهي است ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق ومن قتل

مظلوما فقد جعلنا لوليه سلطانا فلا يسرف في القتل انه كان منصورا ∘ ومكشيد

نفسي را كه محرم ساخته است خدا مگر بحق و هر كه كشته شود بستم پس داده ايم وارث اورا قوتي يعني حق قصاص

پس بايد كه زيادتي نكنند در كشتن و هر آينه وي هست ياري داده شده ولا تقربوا مال

اليتيم الا بالتي هي احسن حتى يبلغ اشده واوفوا بالعهد ان العهد كان مسئولا

ونزديك مشويد بمال يتيم مگر بطريقي كه وي نيك است تا آنكه رسد بنهايت قوة خود ووفا كنيد بعهد هر آينه

عهد پرسيده خواهد شد ازو واوفوا الكيل اذا كلتم وزنوا بالقسطاس المستقيم ذلك

خير واحسن تاويلا ∘ وتمام كنيد پيمانه را چون بپيمائيد وبسنجيد بترازوي راست اين بهتر است

ونيكوتر است از جهة عاقبت ولا تقف ما ليس لك به علم ان السمع والبصر والفؤاد

كل اولئك كان عنه مسئولا ∘ ومرو در پي چيزي كه تراد انش آن نيست هر آينه گوش وچشم ودل

برکی انتها

بر کی از بها برسیده خواهی شد از و وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ
الْجِبَالَ طُولًا كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا و مرو در زمین خرامان هر آینه تو
نخواهی شکافت زمین را و نرسی بکوهها در درازی همه این خصلتها هست بد فعلی نزدیک پروردگار تو
ناپسندیده ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ
فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا این از حکمتهاست که وحی فرستاده است پروردگار تو از علم و مقرر مکن با خدا
معبودی دیگر را آنگاه انداخته شوی در دوزخ ملامت کرده شده و رانده گشته أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُمْ
بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا آیا برگزید شما را پروردگار
شما به پسران و خود فرا گرفت از فرشتگان دختران هر آینه شما میگویید سخن گران وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي
هَٰذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا و هر آینه هر نوع سخن گفتیم در این قرآن تا پند پذیر
شوند و نمی افزاید در حق ایشان مگر رمیدن را قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَابْتَغَوْا إِلَىٰ
ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا بگو اگر بودندی با خدا معبودان دیگر چنانکه میگویند آنگاه طلب کردندی بسوی خداوند
عرش راه منازعت را سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا پاکست وی و بلندست از آنچه
میگویند بلندی عظیم تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ
إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَٰكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا بپاکی یاد می کند
او را آسمانهای هفتگانه و زمین و هر که درمیان اینهاست و نیست هیچ چیز مگر بپاکی یاد می کند
با ستایش او و لیکن شما فهم نمی کنید یاد کردن ایشان را هر آینه وی هست بردبار آمرزگار وَإِذَا قَرَأْتَ
الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا و چون میخوانی
قرآن را میسازیم درمیان تو و درمیان آنکه باور نمیدارند آخرت را پرده پوشنده وَجَعَلْنَا عَلَىٰ
قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ
وَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا و می نهیم بر دل ایشان پوششهای تا نفهمند و در گوش ایشان گرانی
و چون یاد کنی پروردگار خود را در قرآن تنها روگردان شوند بر جانب پشت خود رمیده شده مترجم گوید

بردبار آمرزگار

درین هر دو آیه کنایه‌ست از عدم انتفاع ایشان بقرآن و مواعظ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ
إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا
ما داناتریم بچیزی که می‌شنوند بسبب آن یعنی قصد استهزا و عیب‌جوئی وقتیکه گوش می‌نهند سوی تو و وقتیکه ایشان
رازگویان باشند و وقتیکه می‌گویند این ستمکاران پیروی نمی‌کنید مگر مرد جادو کرده را انْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا
لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ۝ بنگر چگونه زدند دستانها برای تو پس گمراه شدند
پس نتوانستند راه یافتن وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا و گفتند
آیا چون شویم استخوانی چند و اعضای پوسیده از هم پاشیده آیا ما برانگیخته شویم بآفرینش نو قُلْ كُونُوا
حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا أَوْ خَلْقًا مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي
فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ قُلْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ
قَرِيبًا بگو سنگ شوید یا آهن شوید یا نوعی دیگر شوید از آنچه بزرگ نماید در خاطر شما خواهند گفت که باز پیدا کند
ما را بگو کسی که آفرید اول بار پس خواهند جنبانید سوی تو سر خود را یعنی طرز خواهند شد والله اعلم و خواهند گفت
[يَوْمَ يَدْعُوكُمْ]
کجا باشد آن بگو شاید که نزدیک باشد فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا ۝
روزیکه خدا بخواند شما را پس قبول کنید خواندن وی را حمدگویان و گمان کنید که درنگ نکرده بودید شما مگر
اندکی وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزَغُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ
كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا ۝ و بگو بندگان مرا که بگویند کلمه که آن بهترست یعنی با کفار هر آینه
شیطان نزاع می‌افکند میان مردمان هر آینه شیطان هست آدمی را دشمن آشکارا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ
إِنْ يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ وَإِنْ يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ۝ و مراد از آن کلمه این ست
که پروردگار شما داناترست بحال شما اگر خواهد رحم کند بر شما و اگر خواهد عقوبت کند شما را و نفرستادیم ترا
یا محمد بر ایشان نگاهبان و این کلمه پیش از امر جهاد بود وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا و پروردگار تو داناترست
هر که در آسمانها و زمین ست و هر آینه فضل دادیم بعض پیغامبران را بر بعض و دادیم داود را زبور قُلِ ادْعُوا

ع ربع

الذین زعمتم

الذين زعمتم من دونه فلا يملكون كشف الضر عنكم ولا تحويلا • بگو بخوانید آنانرا
که گمان دارید الوهیت در حق ایشان بجز خدا پس نتوانند برداشتن سختی را از شما ونه تغیر دادن اولئك
الذين يدعون يبتغون الى ربهم الوسيلة ايهم اقرب ويرجون رحمته ويخافون
عذابه ان عذاب ربك كان محذورا • آنانکه ایشانرا می پرستند کافران یعنی عیسی وعزیر وملائکه
طلب میکنند بسوی پروردگار خویش قرب را که کدام یک از ایشان نزدیکتر باشد وتوقع دارند رحمت اورا
ومی ترسند از عذاب او هرآینه هست عذاب پروردگار تو ترسیده شده وان من قرية الا نحن
مهلكوها قبل يوم القيمة او معذبوها عذابا شديدا كان ذلك في الكتب مسطورا
ونیست هیچ دهی الا ما هلاک کننده وی ایم پیش از روز قیامت یا عذاب کننده وی ایم عقوبت سخت
هست این وعده در لوح نوشته شده وما منعنا ان نرسل بالايات الا ان كذب بها
الاولون واتينا ثمود الناقة مبصرة فظلموا بها وما نرسل بالايت الا تخويفا
وباز نداشت مارا از انکه فرستیم نشانها مگر آنکه دروغ شمرده بودند آنرا پیشینیان ودادیم ثمودرا
اشتر ماده نشانه باشد پس کافر شدند بوی ونمی فرستیم نشانها را مگر برای ترسانیدن واذ قلنا
لك ان ربك احاط بالناس وما جعلنا الرءيا التي اريناك الا فتنة للناس والشجرة
الملعونة في القران ونخوفهم فما يزيدهم الا طغيانا كبيرا • ویاد کن چون گفتیم ترا
که پروردگار تو در گرفت همه مردمانرا یعنی در قدرت خود ونساختیم تماشی را که نمودیم تو مگر امتحان
مردمانرا ونساختیم درختی را که نفرین کرده شد در قران مگر امتحانی ومی ترسانیم پس نمی افزاید ترسانیدن
در حق ایشان مگر سرکشی بزرگ یعنی چون کافران قصه معراج شنیدند وآیه ان شجرة الزقوم طعام الاثیم بایشان
رسید استبعاد کردند ومحل طوس ساختند واذ قلنا للملئكة اسجدوا لادم فسجدوا الا ابليس
قال ءاسجد لمن خلقت طينا قال ارايتك هذا الذي كرمت علي لئن اخرتن الى يوم القيمة
لاحتنكن ذريته الا قليلا • ویاد کن چون گفتیم فرشتگانرا سجده کنید سوی آدم پس سجده کردند
الا ابلیس گفت آیا سجده کنم کسی را که آفریده از گل باز گفت آیا دیدی این شخص را که فضل داده بر من اگر موقوف

گذاری مرا تا روز قیامت البته از بیخ بر کنم اولاد او را الا اندکی قَالَ اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ
جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا خدا فرمود برو هر کسی که پیروی تو کند از ایشان پس دوزخ سزای
همه شماست سزا کامل وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَ
رَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدْهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا
و از جا بجنبان هر کرا توانی از ایشان به آواز خود و آواز کن بر اهلاک ایشان سواران خود را و پیادگان خود را
و شریک شو با ایشان در اموال و فرزندان و وعده ده ایشان را و وعده نمیدهد ایشان را شیطان مگر فریب
و این تصویر است سعی شیطان را در گمراه کردن ایشان یا خود از فعل ایشان در دزدان چون دهی را غارت کنند
بر ایشان نعره میزنند و سواران و پیادگان خود را آواز میدهند که ازین سو بگیرد و ازان سو بگیر إِنَّ
عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا • هر آینه بندگان من نیست ترا با ایشان
هیچ قدرتی و بس پروردگار تو کارساز رَبُّكُمُ الَّذِي يُزْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ
إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا • پروردگار شما آنست که روان میکند برای شما کشتی ها را در دریا تا طلب معیشت
کنید از فضل او هر آئنه اوست بر شما مهربان وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا
إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّاكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا • و چون برسد شما سختی در
دریا گم شود هر که او را میخوانید مگر خدا پس چون خلاص ساخت شما را بسوی خشکی روی گردان شدید
و هست آدمی ناسپاس أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ
لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا • آیا ایمن شده اید ازانکه فرو برد شما را بجانبی از خشکی یا بفرستد بر شما
بادی تندی که سنگریزه افگند باز نیابید برای خود هیچ نگاهبانی أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ
فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ
لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا آیا ایمن شده اید ازانکه باز در آرد شما را بدریا بار دیگر پس بفرستد
بشما از جنس باد باد تندی را پس غرق کرداند شما را بسبب آنکه کافر شدید باز نیابید برای خود هیچ مواخذه کننده
بر ما بسبب آن غرق وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ

وفضلنهم

وَفَضَّلْنٰهُمْ عَلٰى كَثِيْرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيْلًا ۝ و هر آینه بزرگ ساختیم فرزندان آدم را و بر داشتیم
ایشان را در بیابان و در دریا یعنی بر دواب و کشتی و روزی دادیم ایشان را از پاکیزه ها و فضل دادیم ایشان را
بر بسیاری از آنچه آفریده ایم فضل دادنی يَوْمَ نَدْعُوْا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ فَمَنْ اُوْتِيَ كِتٰبَهٗ
بِيَمِيْنِهٖ فَاُولٰٓئِكَ يَقْرَءُوْنَ كِتٰبَهُمْ وَلَا يُظْلَمُوْنَ فَتِيْلًا ۝ روزی که بخوانیم هر فرقه را با پیشوای
ایشان پس هر که داده شد نامه او بدست راستش پس آن جماعه بخوانند نامه خود را و ستم کرده نشود مقدار
یک رشته وَمَنْ كَانَ فِيْ هٰذِهٖٓ اَعْمٰى فَهُوَ فِي الْاٰخِرَةِ اَعْمٰى وَاَضَلُّ سَبِيْلًا ۝ و هر که باشد
در دنیا کور وی در آخرت نیز کور است و خطا کننده تر است راه را وَاِنْ كَادُوْا لَيَفْتِنُوْنَكَ
عَنِ الَّذِيْٓ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهٗ وَاِذًا لَّاتَّخَذُوْكَ خَلِيْلًا ۝ و هر آینه
نزدیک بودند که بفریب باز دارند ترا از آنچه وحی فرستاده ایم بسوی تو تا بربندی بر ما غیر آن را و آنگاه
دوست گرفتندی ترا وَلَوْلَآ اَنْ ثَبَّتْنٰكَ لَقَدْ كِدْتَّ تَرْكَنُ اِلَيْهِمْ شَيْـًٔا قَلِيْلًا ۝ و اگر
نه آن بودی که ثابت داشتیم ترا نزدیک بودی که میل کنی بسوی ایشان اندک میلی اِذًا لَّاَذَقْنٰكَ
ضِعْفَ الْحَيٰوةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيْرًا ۝ آنگاه می چشانیدیم ترا
دو چند عذاب زندگانی و دو چند عذاب مرگ باز نیافتی برای خود مدد کننده بر ما وَاِنْ كَادُوْا
لَيَسْتَفِزُّوْنَكَ مِنَ الْاَرْضِ لِيُخْرِجُوْكَ مِنْهَا وَاِذًا لَّا يَلْبَثُوْنَ خِلٰفَكَ اِلَّا قَلِيْلًا ۝
و هر آینه نزدیک بودند که بلغزانند ترا از زمین تا جلاوطن کنند ترا از آنجا و آنگاه نمی باشند پس از تو مگر
اندکی سُنَّةَ مَنْ قَدْ اَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُّسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيْلًا ۝ مانند روش آنانکه
فرستاده ایم ایشان را پیش از تو از پیغامبران خویش و نخواهی یافت روش ما را تبدیلی و این معنی روز بدر متحقق شد
و جمعی که در پی ایذاء آنحضرت بودند مقتول شدند و ان کادوا بجهت آن گفته شد که وقت نزول آیه قصد لغزانیدن
داشتند و هنوز طلبی بهجرة نکرده بودند والله اعلم اَقِمِ الصَّلٰوةَ لِدُلُوْكِ الشَّمْسِ اِلٰى غَسَقِ الَّيْلِ
وَقُرْاٰنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوْدًا ۝ برپای دار نماز را وقت زوال آفتاب تا هجوم تاریکی شب و لازم گیر قرآن
خواندن فجر را هر آینه خواندن فجر را حاضر شوند فرشتگان وَمِنَ الَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهٖ نَافِلَةً لَّكَ عَسٰٓى

اِنَّ قُرْاٰنَ الْفَجْرِ

ان يبعثك ربك مقاما محمودا و بعضی شب بیدار باش بقرآن شب چیزی زیاده شده برای تو
نزدیک است که ایستاده کند ترا پروردگار تو بمقامی پسندیده یعنی مقام شفاعت و قل رب ادخلنی
مدخل صدق واخرجنی مخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا و بگو ای پروردگار من
درآر مرا درآوردن پسندیده و بیرون آر مرا بیرون آوردن پسندیده و ساز برای من از نزدیک
خود قوتی یاری دهنده یعنی در حال غایت کن مرا چه وقت دخول رجای و چه وقت خروج از انجا و قل
جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل كان زهوقا و بگو آمد دین حق و نابود شد دین باطل هر آینه
باطل هست نابود شونده وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد
الظالمين الا خسارا و فرو دمی آریم از قرآن آنچه وی شفاست و رحمت است مسلمانان را و نمی افزاید
در حق ستمکاران مگر زیان را واذا انعمنا على الانسان اعرض ونا بجانبه واذا مسه الشر
كان يؤسا و چون انعام کنیم بر آدمی روی بگرداند و به یک جانب باز روی خود را و چون رسد بوی سختی
ناامید شود قل كل يعمل على شاكلته فربكم اعلم بمن هو اهدى سبيلا بگو هر کسی کار می کند
بر طریقه خود پس پروردگار شما داناتر است بآنکه وی یابنده تر بود راه را ويسئلونك عن الروح
قل الروح من امر ربي وما اوتيتم من العلم الا قليلا و سوال میکنند ترا از روح بگو
روح از فرمان پروردگار من است و شما نداده شده اید از علم مگر اندکی ولئن شئنا لنذهبن
بالذي اوحينا اليك ثم لا تجد لك به علينا وكيلا و اگر خواهیم ببریم آنچه وحی فرستاده ایم
بسوی تو باز نیابی برای خود به سبب وی بر ما کارسازی الا رحمة من ربك ان فضله كان عليك
كبيرا لیکن باقی گذاشتیم بسبب رحم از جانب پروردگار تو هر آینه فضل وی بر تو بزرگ است قل لئن
اجتمعت الانس والجن على ان ياتوا بمثل هذا القرآن لا ياتون بمثله ولو كان بعضهم
لبعض ظهيرا بگو اگر جمع شوند آدمیان و جن بر آنکه بیارند مانند این قرآن هرگز نیارند مانند آن اگر چه باشد
بعض ایشان بعض را مدد دهنده ولقد صرفنا للناس في هذا القرآن من كل مثل فابى اكثر الناس
الا كفورا و هر آینه گوناگون بیان کردیم برای مردمان در این قرآن از هر داستانی پس قبول نکردند بیشتر مردمان

اع

مگر ناسپاسی را

تمرا سپاسی را ۞ وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتّٰى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْاَرْضِ يَنْبُوعًا ۞ اَوْ تَكُونَ لَكَ
جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْاَنْهٰارَ خِلٰالَهٰا تَفْجِيرًا ۞ وگفتند هرگز باور نداریم ترا تا انکه جاری
کنی برای ما از زمین چشمه و یا باشد ترا بوستانی از خرما و انگور پس روان کنی جویها در میان آن روان کردنی
اَوْ تُسْقِطَ السَّمٰاءَ كَمٰا زَعَمْتَ عَلَيْنٰا كِسَفًا اَوْ تَأْتِيَ بِاللّٰهِ وَالْمَلٰائِكَةِ قَبِيلًا ۞ یا فرود آری آسمانرا
چنانکه گمان میکنی بر ما پاره پاره یا بیاری خدا را و فرشتگانرا روبروی ۞ اَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِنْ زُخْرُفٍ
اَوْ تَرْقٰى فِي السَّمٰاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتّٰى تُنَزِّلَ عَلَيْنٰا كِتٰابًا نَقْرَؤُهُ قُلْ سُبْحٰانَ رَبِّي
هَلْ كُنْتُ اِلّٰا بَشَرًا رَسُولًا ۞ یا باشد ترا خانه از زر یا بالا روی در آسمان و باور نداریم بالا رفتن
ترا تا انکه فرود آری بر ما نوشته که بخوانیم آنرا بگو پاکست پروردگار من نیستم من مگر آدمی فرستاده شده
وَمٰا مَنَعَ النّٰاسَ اَنْ يُؤْمِنُوا اِذْ جٰاءَهُمُ الْهُدٰى اِلّٰا اَنْ قٰالُوا اَبَعَثَ اللّٰهُ بَشَرًا رَسُولًا ۞
و باز نداشت مردمانرا از انکه ایمان آرند وقتیکه آمد بایشان هدایت مگر آنکه گفتند ایا خدای تعالی آدمی را
بپیغامبر فرستاده است ۞ قُلْ لَوْ كٰانَ فِي الْاَرْضِ مَلٰائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنٰا عَلَيْهِمْ مِنَ
السَّمٰاءِ مَلَكًا رَسُولًا ۞ بگو اگر می بودند در زمین فرشتگان که میرفتند آرمیده هر آینه پیغامبر فرستادیم
بر ایشان از آسمان فرشته را ۞ قُلْ كَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ اِنَّهُ كٰانَ بِعِبٰادِهِ خَبِيرًا
بَصِيرًا ۞ بگو بس است خدا گواه میان من و میان شما هر آینه وی به بندگان خود دانا بیناست ۞ وَمَنْ يَهْدِ
اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ اَوْلِيٰاءَ مِنْ دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيٰامَةِ
عَلٰى وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَاْوٰاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمٰا خَبَتْ زِدْنٰاهُمْ سَعِيرًا ۞ و هر کرا راه نمود پس
خدا همو است راه یاب و هر که گمراه سازد پس نیابی برای ایشان دوستان بجز خدا و برانگیزیم ایشانرا
روز قیامت روان شده بر روی خویش نابینا و گنگ و کر گشته جای ایشان دوزخ است هر گاه فرو نشیند
بیفزاییم برایشان آتش را ۞ ذٰلِكَ جَزٰاؤُهُمْ بِاَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيٰاتِنٰا وَقٰالُوا ءَاِذٰا كُنّٰا عِظٰامًا وَرُفٰاتًا
ءَاِنّٰا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ۞ اینست جزای ایشان بسبب آنکه کافر شدند بنشانهای ما و گفتند ایا چون شویم
استخوانها و ریزه ریزه ایا بر انگیخته شویم بآفرینش تو ۞ اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّ اللّٰهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰاتِ

ع ۱۱

نصف

وَالْاَرْضَ قَادِرٌ عَلٰی اَنْ یَّخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ اَجَلًا لَّا رَیْبَ فِیْهِ فَاَبَی الظّٰلِمُوْنَ اِلَّا
كُفُوْرًا ۔ ایا ندیده اند که آن خدائی که آفرید آسمانها و زمین را تواناست که بیافریند مانند ایشان
وساخته ست برای ایشان معادی که هیچ شبهه نیست دران پس قبول نکردند ستمکاران مگر انکار را
قُلْ لَّوْ اَنْتُمْ تَمْلِكُوْنَ خَزَآئِنَ رَحْمَةِ رَبِّیْٓ اِذًا لَّاَمْسَكْتُمْ خَشْیَةَ الْاِنْفَاقِ وَكَانَ الْاِنْسَانُ
قَتُوْرًا ۔ بگو اگر می بودید شما مالک خزانهای بخشش پروردگار مرا انگاه نیز بخیلی میکردید بترس آنکه
همه را خرج کنید و هست آدمی بخل کننده وَلَقَدْ اٰتَیْنَا مُوْسٰی تِسْعَ اٰیٰتٍۢ بَیِّنٰتٍ فَسْـَٔلْ
بَنِیْٓ اِسْرَآءِیْلَ اِذْ جَآءَهُمْ فَقَالَ لَهٗ فِرْعَوْنُ اِنِّیْ لَاَظُنُّكَ یٰمُوْسٰی مَسْحُوْرًا ۔ و هر آینه
دادیم موسی را نه نشانه روشن پس بپرس از بنی اسرائیل چون آمد بایشان پس گفت او را فرعون
هر آینه می پندارم ترا ای موسی جادو کرده شده قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَآ اَنْزَلَ هٰٓؤُلَآءِ اِلَّا رَبُّ
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ بَصَآئِرَ وَاِنِّیْ لَاَظُنُّكَ یٰفِرْعَوْنُ مَثْبُوْرًا ۔ گفت هر آینه تو دانسته
که نفرستاده ست این نشانها را مگر پروردگار آسمانها و زمین دلیلها فرستاده ست انرا و
هر آینه من می پندارم ترا ای فرعون هلاک شده فَاَرَادَ اَنْ یَّسْتَفِزَّهُمْ مِّنَ الْاَرْضِ فَاَغْرَقْنٰهُ
وَمَنْ مَّعَهٗ جَمِیْعًا ۔ پس خواسته که بجنباند بنی اسرائیل را از ان زمین پس غرق ساختیم او را و
که همراه او بودند همه یکجا وَقُلْنَا مِنْۢ بَعْدِهٖ لِبَنِیْٓ اِسْرَآءِیْلَ اسْكُنُوا الْاَرْضَ فَاِذَا جَآءَ وَعْدُ
الْاٰخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِیْفًا ۔ وگفتیم پس از وی بنی اسرائیل را ساکن شوید در زمین پس چون بیاید
وعده آخرة بیاریم شما را درهم آمیخته وَبِالْحَقِّ اَنْزَلْنٰهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَآ اَرْسَلْنٰكَ
اِلَّا مُبَشِّرًا وَّنَذِیْرًا ۔ و براستی فرو فرستادیم قرآن را و براستی فرود آمده ست و نفرستادیم ترا مگر
مژده دهنده و ترساننده وَقُرْاٰنًا فَرَقْنٰهُ لِتَقْرَاَهٗ عَلَی النَّاسِ عَلٰی مُكْثٍ وَّنَزَّلْنٰهُ تَنْزِیْلًا
و قرآن را بتفریق فرستادیم تا بخوانی آنرا بر مردمان بدرنگ و بدفعات فرو فرستادیم آنرا فرستادنی
قُلْ اٰمِنُوْا بِهٖٓ اَوْ لَا تُؤْمِنُوْا اِنَّ الَّذِیْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهٖٓ اِذَا یُتْلٰی عَلَیْهِمْ یَخِرُّوْنَ
لِلْاَذْقَانِ سُجَّدًا ۔ بگو ایمان آرید بآن یعنی قرآن یا ایمان نیارید هر آینه آنانکه داده شد ایشانرا علم

پیش ازین

پس ازین چون خوانده میشود بر ایشان می افتند بر روی خود سجده کنان وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا

إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ۔ و گویند پاکی پروردگار ماراست هر آینه هست وعده پروردگار

سجده

کردنی وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ۩ و می افتند بر روی خویش گریه کنان و

می افزاید قرآن بر ایشان فروتنی قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَٰنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ

بگو بخوانید خدارا یا بخوانید رحمن را هر کدام که بخوانی خوب باشد پس خدا راست نامهای نیکو وَلَا تَجْهَرْ

بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا ۔ و این همه بلند مخوان نماز خود را و این همه

پست مخوان از او بجوی میان این و آن راهی وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا ۔ و بگو ستایش خدا راست

که هیچ فرزند نگرفته است و نیست او را هیچ شریکی در پادشاهی و نیست او را کارسازی از سبب ناتوانی

و بتعظیم یاد کن او را تعظیم کردنی

سورة الکهف مکیة مائة وعشر آیات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۔

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا ۔ همه ستایش خدا راست

که فرو فرستاد بر بنده خود کتاب و نساخت در وی هیچ کجی قَيِّمًا لِيُنْذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِنْ

لَدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا مَاكِثِينَ فِيهِ

أَبَدًا ۔ ساخت او را راست تا بترساند از عقوبت سخت آینده از نزدیک خدا تا مژده رساند آن مسلمانانرا

که می کنند کارهای شایسته بآنکه ایشانراست مزد نیک باشندگان در وی همیشه وَيُنْذِرَ الَّذِينَ

قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ

إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا ۔ و تا بترساند آنانرا که گفتند خدا فرزند گرفته است نیست ایشانرا هیچ دانش

و نه پدران ایشانرا بود سخت است این سخن که بر می آید از دهان ایشان نمی گویند مگر دروغ فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ

نَفْسَكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَٰذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا ۔ مگر تو کشنده خود را در پی

ایشان اگر ایمان نیارند باین سخن از جهت اندوه إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا

لِيَبْلُوَهُمْ اَيُّهُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا • هر آینه ما ساخته ایم هر چیز را که بر زمین است آرایش آنرا تا امتحان کنیم ایشانرا
کدام کس از ایشان نیکوتر است در عمل وَاِنَّا لَجٰعِلُوْنَ مَا عَلَيْهَا صَعِيْدًا جُرُزًا • و هر آینه ما البته معدوم
خواهیم ساخت هر چیز را که بروی است میدان هموار بی گیاه مانده اَمْ حَسِبْتَ اَنَّ اَصْحٰبَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيْمِ
كَانُوْا مِنْ اٰيٰتِنَا عَجَبًا • آیا پنداشتی که اصحاب غار و نوشته یعنی که بر دیوار آن غار بود از جمله نشانهای
عجب بودند اِذْ اَوَى الْفِتْيَةُ اِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوْا رَبَّنَآ اٰتِنَا مِنْ لَّدُنْكَ رَحْمَةً وَّهَيِّئْ لَنَا مِنْ
اَمْرِنَا رَشَدًا • چون آرام گرفتند جوانان چند بسوی غار و گفتند ای پروردگار ما بده ما را از نزدیک خود
بخششی و آماده ساز برای ما راه یابی را در کار ما فَضَرَبْنَا عَلٰٓى اٰذَانِهِمْ فِى الْكَهْفِ سِنِيْنَ عَدَدًا
پس پرده گذاشتیم بر گوشهای ایشان در غار یعنی خوابانیدیم سالهای شمرده شده ثُمَّ بَعَثْنٰهُمْ لِنَعْلَمَ
اَيُّ الْحِزْبَيْنِ اَحْصٰى لِمَا لَبِثُوْٓا اَمَدًا • باز برانگیختیم ایشانرا تا بدانیم کدام یک از دو گروه یاد داشت
مقدار آنرا که درنگ کردند از مدة زمان نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَاَهُمْ بِالْحَقِّ اِنَّهُمْ فِتْيَةٌ اٰمَنُوْا
بِرَبِّهِمْ وَزِدْنٰهُمْ هُدًى • ما میخوانیم بر تو خبر ایشان براستی هر آینه ایشان جوانان چند بودند که ایمان
آوردند بپروردگار خویش و زیاده دادیم ایشانرا هدایت وَّرَبَطْنَا عَلٰى قُلُوْبِهِمْ اِذْ قَامُوْا
فَقَالُوْا رَبُّنَا رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ لَنْ نَّدْعُوَا مِنْ دُوْنِهٖٓ اِلٰهًا لَّقَدْ قُلْنَآ اِذًا شَطَطًا
و رشته بستیم بر دل ایشان یعنی دل ایشانرا استوار ساختیم چون ایستادند پس گفتند پروردگار ما
همان پروردگار آسمانها و زمین است هرگز نخواهیم پرستید بجز وی معبود را هر آینه گفته باشیم آنگاه
سخن دروغ هٰٓؤُلَآءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖٓ اٰلِهَةً لَوْلَا يَاْتُوْنَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطٰنٍ بَيِّنٍ
فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا • این قوم ما خدایان گرفتند بجز خدا چرا نمی آرند بر بودن
این خدایان دلیلی واضح پس کیست ستمکارتر از کسی که بربست بر خدا دروغ را وَاِذِ اعْتَزَلْتُمُوْهُمْ
وَمَا يَعْبُدُوْنَ اِلَّا اللّٰهَ فَاْوٗٓا اِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِّنْ رَّحْمَتِهٖ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ
مِّنْ اَمْرِكُمْ مِّرْفَقًا • و چون یکسو شوید ای یاران ازین کافران و یکسو شوید از آنچه میپرستند ایشان
بجز خدا پس آرام گیرید بسوی غار تا فراخ کند بر شما پروردگار شما بخشایش خود را و مهیا سازد برای شما منفعت

در کار شما

در شماو وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ
تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ
فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا • و ببینی ای بیننده ضوء آفتاب
وقتیکه طالع شود میل کند از غار ایشان بجانب راست و چون غروب شود تجاوز میکند از ایشان بجانب
چپ و ایشان در کشادگی اند از غار این از نشانهای خداست هر که راه نمایدش خدا هموست راه یابنده و هر که
گمراه میکندش نیابی او را هیچ دوست راه نماینده مترجم گوید بخاطر فاتر میرسد که دیوار جنوبی کهف آنقدر
بلند ست که سایه اصلی او در تمام سال محل خفتن ایشانرا میپوشاند و دیوار شرقی و غربی آن متصل دیوار
جنوبی بلندتر ست و پایه بپایه پست شده و انجا که سر بجانب شمال و پا بجانب جنوب کرده خفته اند پس وقتیکه
آفتاب طلوع کند ضوء آفتاب بر دیوار غربی و بعضی صحن غار افتد و هر چند ارتفاع زیاده گردد بلندی و
ارتفاع دیوار شرقی از وصول ضوء با ایشان مانع آید و ضوء از جانب راست ایشان منتقل گردد بجانب که جهة
شمال ست و در وقت استوا بجز سایه اصلی دیوار جنوبی نمیماند و چون آفتاب مائل بغروب شود ضوء آفتاب
بر دیوار شرقی افتد و آهسته آهسته بر سر دیوار مرتفع گردد و آنجانب چپ ایشانست وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا
وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ
عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا • و به پنداری ای بیننده ایشانرا بیدار و ایشان خفته اند
و میگردانیم ایشانرا بجانب راست و جانب چپ و سگ ایشان کشاده ست دو دست خود را بر عتبه دروازه اگر اطلاع
یابی بر ایشان البته رو بگردانی از ایشان بطریق گریختن و پر شوی از ایشان بترس وَكَذَٰلِكَ بَعَثْنَاهُمْ
لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ
بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَٰذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَىٰ طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ
بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا • و چنانکه خفتن ایشانرا نشانه ساختیم بحجت برانگیختیم
ایشانرا تا عاقبت با یکدیگر سوال کنند در میان خود گفت گوینده از ایشان چقدر درنگ کردید گفتند درنگ کردیم
یکروز یا بعض روز گفتند پروردگار شما داناترست بمقدار درنگ کردن شما پس بفرستید یکی را از میان خود باین نقره خود

بسوی شهر پس باید که تامل کند کدام یک از اطعمه این شهر طعام پاکیزه تر است پس بیارد بشما قوتی از آن و باید که بنرمی آید
و رفت کند و خبردار نکند بحال شما هیچکس را اِنَّهُمْ اِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ اَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ
وَلَنْ تُفْلِحُوا اِذًا اَبَدًا • هرآینه این کافران اگر قدرت یابند بر شما سنگسار کنند شمارا یا باز آرند شمارا در دین خود و
سنگسار نخواهید شد آنگاه هرگز وَكَذٰلِكَ اَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا اَنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَاَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ
فِيهَا اِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ اَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُنْيَانًا رَبُّهُمْ اَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا
عَلٰى اَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا • و همچنین خبردار کردیم مردمانرا بحال ایشان تا بدانند که وعده خدا راست
و آنکه قیامت هیچ شبه نیست در آن وقتیکه نزاع میکردند آن مردمان در میان خود در مقدمه ایشان پس گفتند
عمارت کنید بر غار ایشان خانه پروردگار ایشان داناتر است بحال ایشان پس گفتند آنانکه قدرت یافتند بر مقدمه
ایشان البته بسازیم بر غار ایشان مسجدی سَيَقُولُونَ ثَلٰثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ
كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي اَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ اِلَّا
قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ اِلَّا مِرَآءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ اَحَدًا • میخواهند گفت اصحاب کهف
سه کس اند چهارم ایشان سگ ایشان است و جمعی خواهند گفت پنج کس اند ششم ایشان سگ ایشان است تهمتی
می افگنند غایبانه و نیز می گویند هفت کس اند و هشتم ایشان سگ ایشان است بگو پروردگار من داناتر است بشمار ایشان
نمیدانند ایشانرا مگر اندک کسی پس گفت و گوی مکن در مقدمه ایشان مگر گفت و گوی سرسری و سوال مکن در باب ایشان
هیچکس را از کافران وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ اِنِّي فَاعِلٌ ذٰلِكَ غَدًا اِلَّا اَنْ يَشَآءَ اللّٰهُ وَاذْكُرْ رَبَّكَ اِذَا
نَسِيتَ وَقُلْ عَسٰى اَنْ يَهْدِيَنِ رَبِّي لِاَقْرَبَ مِنْ هٰذَا رَشَدًا • و مگو هیچ چیز را که من البته خواهم کرد آنرا فردا
مگر مقرون بذکر مشیت خدا بگوی خواهم کرد ان شاء الله تعالی و یاد کن پروردگار خود را وقتیکه فراموش کنی یعنی
باز متنبه شوی و بگوی توقع است که هدایت کند مرا پروردگار من براهی نزدیکتر باعتبار راستی از آنچه کافران میگویند
وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلٰثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا • و درنگ کرده بودند در غار خود سیصد سال
و افزودند نه سال دیگر قُلِ اللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَبْصِرْ بِهِ وَاَسْمِعْ
مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ اَحَدًا • بگو خدا داناتر است بمقداریکه درنگ کردند

او را

او راست علم غیب آسمانها و زمین چه قدر بیناست و چه قدر شنواست نیست ایشان را بجزوی کارساز و شریک
نمی گیرد در حکم خود هیچ کس را وَاتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ
دُونِهِ مُلْتَحَدًا ۝ و بخوان آنچه وحی فرستاده شد بسوی تو از کتاب پروردگار تو هیچ کس تبدیل کننده نیست کلمهای
وی را و نیابی بجز وی هیچ پناهی وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ
وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ
عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا ۝ و بند کن خود را با آنانکه یاد می کنند پروردگار خود را
بصبح و شام میخواهند روی او را و باید که در نگذرد چشمهای تو از ایشان طلب کنان آرایش زندگانی دنیا را
و فرمان مبر آنرا که غافل ساختیم دل او را از یاد خویش و پیروی کرده است خواهش نفس خود را و هست کار او از حد

ثلث

گذشته وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ
نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ
الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا ۝ و بگو این سخن راست است آمده از پروردگار شما پس هر که خواهد ایمان
آرد و هر که خواهد کافر شود هر آئینه ما مهیا کردیم برای ستمکاران آتشی را که در گیرد در ایشان سراپرده او
و اگر فریاد کنند بداد ایشان رسیده شود بنوشان آبی مانند مس گداخته بریان کند روها را و آن بد آشامیدنیست
و دوزخ بد آرامگاهیست إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا
أُولَٰئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ
وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ
وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا ۝ هر آئینه آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته هر آئینه ضایع نکنیم مزد کسی که
نیکو کرده است کار را آنجماعه ایشان راست بوستانها همیشه ماندن میرود زیر ایشان نهرها زیور داده شوند
آنجا دستوانها از زر و بپوشند جامهای سبز از دیبای نازک و دیبای ستبر تکیه کنان آنجا بر تختها این نیک ثوابست
و بهشت نیکو آرامگاهیست وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا
بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا ۝ و بیان کن برای ایشان داستانی قصه دو دشمن دادیم یکی را از ایشان دو بستان

از درختان انگور و گرد اگرد آن پیدا کردیم درختان خرما و پیدا کردیم در میان این بوستانها زراعت را كِلْتَا
الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهَرًا • هر دو بوستانها آوردند میوه‌ی
خود هیچ کم نکرد از میوه و جاری ساختیم میان آنها جوی آب وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ
أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا • و بود او را میوه‌های بسیار پس گفت همنشین خود را و او گفت و گوی
میکرد با آن همنشین من بیشترم از تو در مال و عالیترم باعتبار حشم وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ
قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَٰذِهِ أَبَدًا • و در آمد بوستان خود ستم کرده بر خویش گفت نمی پندارم که هلاک
شود این بوستان هیچگاه وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ
خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا • و گمان ندارم که قیامت متحقق شود بالفرض اگر باز گردانیده شوم بسوی پروردگا
خود هر آینه خواهم یافت بازگشتی بهتر ازین بوستان قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ
بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا لَٰكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي
وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا • گفت او را همنشین او و او گفت و گوی میکرد با وی آیا کافر شدی
بآن خدائی که پیدا کرد ترا از خاک باز از نطفه باز ترا مرد ساخت لیکن من اعتقاد دارم که الله پروردگار من است
و شریک مقرر نمی کنم با پروردگار خویش هیچکس را وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ
لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا فَعَسَىٰ رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِنْ
جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا أَوْ يُصْبِحَ مَاؤُهَا غَوْرًا
فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا • و چرا نه چون در آمدی بوستان خود گفتی آنچه خدا خواسته است شد نیست
هیچ توانائی مگر بمشیت خدا اگر می بینی مرا کمتر از خود در مال و فرزند پس شاید که پروردگار من بدهد مرا بهتر از
بوستان تو و شاید که فرستد بر بوستان تو عذابی را از آسمان پس گردد زمین پاکیزه لغزانده یا
با شود آب او فرو رفته پس نتوانی آنرا جستن وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ
خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا • و بعقوبت احاطه کرده شد میوه‌های او
پس بامداد کرد می مالید دو دست خود را بحسرت بر آنچه خرج کرد در عمارت آن و آن بوستان افتاده بود بر سقفهای خود

و بگو ای کافر

ومیگفت ای کاش شریک مقرر نکردمی با پروردکار خود هیچکس را وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ
وَمَا كَانَ مُنْتَصِرًا • و نبود او را هیچ جماعتی که یاری دهندش بجز خدا و نبود خود انتقام گیرنده هُنَالِكَ
الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا • اینجا ثابت شد که کارسازی خدا همیشه پاینده راست
وی بهترست از روی ثواب دادن و وی بهترست از روی جزا دادن وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَاحُ وَكَانَ اللَّهُ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا • و بیان کن برای ایشان داستان زندگانی دنیا که مانند آبی ست که فرو فرستادیمش
از آسمان پس درهم پیچید بسبب وی رستنی زمین پس شد آخر کار درهم شکسته می پراکنیدش بادها و هست خدا بر همه چیز
توانا الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ
أَمَلًا • مال و فرزندان آرایش زندگانی دنیاست و حسنات پاینده شایسته بهتر اند نزدیک خدا از جهت ثواب
و خوبتر اند از جهت امید داشتن وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ
مِنْهُمْ أَحَدًا • و آن روز که روان کنیم کوهها را و به بینی زمین را ظاهر شده و جمع سازیم مردمان را پس نگذاریم
از ایشان هیچکس را وَعُرِضُوا عَلَى رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ
أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا • و روبرو آورده شوند پیش پروردکار توصف کشیده گوئیم هر آینه آمدید
پیش ما چنانکه آفریده بودیم شما را اول بار بلکه می پنداشتید که نخواهیم ساخت برای شما وعده گاهی وَوُضِعَ
الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ
صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا •
و در میان نهاده شود نامه اعمال پس به بینی گناهکاران ترسان از آنچه در آن ست میگویند ای وای بر حال ما چیست
این نامه را نمی گذارد هیچ معصیت خورد را و نه بزرگ را مگر احاطه کرده ست آنرا و بیابند هرچه کرده بودند حاضر
و ستم نکند پروردکار تو بر هیچکس وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ
الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ
بَدَلًا • و یاد کن چون گفتیم فرشتگان سجده کنید آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس بود از جن پس بیرون شد

از فرمان پروردگار خود ای مردمان آیا دوست میگیرید او را و فرزندان او را بجز من و ایشان شما را دشمن اند شیطان
بد عوض است ستمکاران را مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ
الْمُضِلِّينَ عَضُدًا ۝ حاضر نکرده بودم ایشان را نزدیک آفریدن آسمانها و زمین و نه نزدیک آفریدن خود ایشان
و نیستم مددگیرنده گمراهان را وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ
وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا ۝ و روزیکه گوید خدای تعالی ای مشرکان ندا کنید شریکان مرا که گمان میبردید پس
ندا کنند انجماعه را و انجماعه قبول نکنند ندا ایشان را و ساختیم در میان ایشان مهلکه یعنی وادی از وادیهای دوزخ
تا یکی بدیگری نتوانند رسید وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا
مَصْرِفًا ۝ ببینند گناهکاران آتش را و بدانند که ایشان افتادگانند در وی و نیابند از انجا جای بازگشتن
وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ۝
و هر آینه گوناگون بیان کردیم در قرآن برای مردمان هر نوع داستان و هست آدمی بیشتر از همه چیز در خصومت
وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ
سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ۝ و باز نداشت مردمان را از انکه ایمان آرند چون بیاید بایشان
هدایت و از انکه طلب آمرزش کنند از پروردگار خود مگر انتظار انکه بیاید بایشان روش پیشینیان یا بیاید
بایشان عقوبت گوناگون شده وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ
كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنْذِرُوا هُزُوًا ۝ و نمی فرستیم پیغامبران را
مگر بشارت دهنده و ترساننده و خصومت می کنند کافران بشبهه بیهوده تا بلغزانند بسبب آن سخن حق را و مسخره
گرفتند آیات مرا و چیزی را که بآن ترسانیده شدند وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا
وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ
تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا ۝ و کیست ستمکارتر از کسیکه پند داده شد بآیات
پروردگار خویش پس رو گردان گشت از آن و فراموش کرد انچه پیش فرستاده است دو دست وی هر آینه ما ساختیم
بر دل ایشان پردها تا نفهمند قرآن را و ساختیم در گوش ایشان گرانی و اگر بخوانی ایشان را بسوی هدایت راه نیابند

انگاه هرگز

آگاه باش وربك الغفور ذو الرحمة لو يؤاخذهم بما كسبوا لعجل لهم العذاب بل لهم موعد
لن يجدوا من دونه موئلا • و پروردگار تو آمرزنده خداوند رحمت است اگر مواخذه کردی ایشانرا بانچه
کرده اند شتاب فرستادی بدیشان عقوبت را بلکه ایشانرا میعادیست که نیابند ایطرف ازان پناهی وتلك
القرى اهلكناهم لما ظلموا وجعلنا لمهلكهم موعدا • و این دیهها را هلاک کردیم چون ستم کردند
و معین کردیم برای هلاک ایشان میعادی واذ قال موسى لفتاه لا ابرح حتى ابلغ مجمع البحرين
او امضي حقبا • و یاد کن چون گفت موسی نوجوان خود را همیشه راه میروم تا آنکه برسم بمحل جمع شدن
دو دریا یا بروم مدتهای دراز فلما بلغا مجمع بينهما نسيا حوتهما فاتخذ سبيله في البحر سربا •
پس چون رسیدند بمحل جمع شدن دو دریا فراموش کردند ماهی خود را پس راه خود گرفت در دریا مانند نقبی
فلما جاوزا قال لفتاه آتنا غداءنا لقد لقينا من سفرنا هذا نصبا • پس چون گذشتند گفت موسی
نوجوان خود را بیار برای ما طعام چاشت ما را هر آینه رنج یافتیم ازین سفر خود قال ارايت اذ اوينا الى
الصخرة فاني نسيت الحوت وما انسانيه الا الشيطان ان اذكره واتخذ سبيله في البحر
عجبا • گفت آیا دیدی چون آرام گرفتیم تکیه کرده بسنگی پس من فراموش کردم ماهی را یعنی یاد فراموش
نساخت مرا از آنکه یاد کنم قصه آن مگر شیطان و راه خود گرفت در دریا بنهج عجیب قال ذلك ما كنا نبغ
فارتدا على آثارهما قصصا • گفت موسی این بود آنچه میجستیم پس بازگشتند بر نشان اقدام خود تفحص کنان
فوجدا عبدا من عبادنا آتيناه رحمة من عندنا وعلمناه من لدنا علما • پس یافتند بنده را
از بندگان ما که دادیم او را رحمتی از نزدیک خود و آموختیم او را از نزدیک خود علمی یعنی خضر علیه السلام را یافتند
قال له موسى هل اتبعك على ان تعلمن مما علمت رشدا • گفت او را موسی آیا پیروی تو کنم بشرط آنکه
بیاموزانی مرا از آنچه آموخته شدی از راه یابی قال انك لن تستطيع معي صبرا وكيف تصبر على ما
لم تحط به خبرا • گفت هر آینه تو نتوانی با من شکیبائی کردن و چگونه شکیبائی کنی بر چیزی که در نگرفته
آنرا از روی دانش قال ستجدني ان شاء الله صابرا ولا اعصي لك امرا • گفت خواهی یافت مرا
اگر خدا خواسته است شکیبا و خلاف نکنم با تو در هیچ فرمانی قال فان اتبعتني فلا تسألني عن شيء

الجزو السادس عشر

حَتّٰى أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا • گفت اگر پیروی من میکنی پس سوال مکن از من از هیچ چیز تا آنکه از خود آغاز
برای تو از حال آن بیانی فَانْطَلَقَا حَتّٰى إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا
لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا • پس راه رفتند تا وقتیکه سوار شدند بر کشتی خضر شکاف کرد آنرا گفت موسی
آیا شکافتی کشتی تا غرق کنی اهل آنرا هر آینه آوردی چیزی عظیم قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ
مَعِيَ صَبْرًا • گفت آیا نگفته بودم که تو نتوانی با من شکیبائی کردن قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ
وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا • گفت موسی مواخذه مکن با من بانچه فراموش کردم و بر سر من میانداز
در مقدمه من سختی فَانْطَلَقَا حَتّٰى إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ
لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا • پس راه رفتند تا وقتیکه برخوردند با نوجوانی خضر بکشت آنرا گفت موسی آیا کشتی نفسی
پاک را بغیر قصاص نفسی هر آینه آوردی شئی ناپسندیده قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ
مَعِيَ صَبْرًا • گفت آیا نگفته بودم با تو که هر آینه تو نتوانی با من شکیبائی کردن قَالَ إِنْ سَأَلْتُكَ
عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا • گفت موسی اگر بپرسم ترا از چیزی
بعد ازین بار پس صحبت مکن با من هر آینه رسیدی از جانب من بحد عذر فَانْطَلَقَا حَتّٰى إِذَا أَتَيَا أَهْلَ
قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَّ فَأَقَامَهُ
قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا • پس راه رفتند تا وقتیکه آمدند باهل دیهی طعام طلب کردند از اهل آن دیه
پس قبول ننمودند اهل دیه که مهمانی کنند ایشانرا پس یافتند در آنجا دیواری که میخواست بیفتد پس راست ساخت آنرا
گفت موسی اگر میخواستی هر آینه می گرفتی بر تعمیر این دیوار مزدی قَالَ هٰذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ
بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا • گفت اینست جدائی درمیان من و تو خبر خواهم داد ترا بسر آنچه
نتوانستی بران شکیبائی کردن أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ
أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا • اما کشتی پس بود از آن درویشان
چند که کار میکردند در دریا پس خواستم که معیوب کنم آنرا و بود پیش روی ایشان پادشاهی که میگرفت هر کشتی
درست را بزبردستی وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا

اما آن نوجوان پس بودند پدر و مادر وی مسلمان پس ترسیدیم از آنکه غالب آید بر ایشان در سرکشی و کفر فاردنا
أَنْ يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا. پس خواستیم که عوض دهد ایشان را پروردگار
ایشان بهتر از وی از روی پاکیزگی و نزدیکتر از جهة شفقت وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ
يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا
أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا
لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا. و اما آن دیوار پس بود از آن دو نوجوان یتیم در شهر و بود در زیر آن
گنجی از آن ایشان و بود پدر ایشان نیکوکار پس خواست پروردگار تو که این جوانان رسند
بنهایت قوة خویش و برآرند گنج خود را از روی مهربانی پروردگار تو و نکردم آنرا از رای
خود اینست سرانجام آنچه نتوانستی بر آن شکیبائی کردن وَيَسْأَلُونَكَ عَنْ ذِي الْقَرْنَيْنِ قُلْ
سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا. و سوال میکنند ترا از ذوالقرنین بگو خواهم خواند بر شما از حال وی
خبری إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا. هر آینه ما دست رس دادیم او را
در زمین و دادیم او را از هر چیز سامانی فَأَتْبَعَ سَبَبًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا
تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ وَإِمَّا
أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا. پس در پی سامانی افتاد تا آنکه رسید بمحل فرو رفتن آفتاب و یافت آنرا که
فرو میرود در چشمه گل و لای یعنی بحسب نظر مردمان و یافت نزدیک آن چشمه گروهی را گفتیم ای ذوالقرنین
اختیار بدست تست یا اینست که عقوبت کنی یا بگیری در میان ایشان معامله نیکوئی و این کنایه است
از قدرت او بر این دو کار قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَى رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ
عَذَابًا نُكْرًا. گفت اما کسی که ستم کرد پس عذاب خواهیم کرد او را باز گردانیده شود بسوی پروردگار خویش
پس عذاب کند او را عذاب سخت وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءً الْحُسْنَى وَسَنَقُولُ لَهُ
مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا. و اما آنکه ایمان آورد و کار شایسته کرد پس او را حالت خوش است از روی پاداش و
خواهیم گفت در باب وی از مقدمه خویش سخن آسانی ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا

تطلع علی قوم لم نجعل لهم من دونها سترا کذلک وقد احطنا بما لدیه خبرا • باز در پی سامانی
افتاد تا آنکه رسید بمحل برآمدن آفتاب و یافت آنرا که برمی آید بر گروهی که نکرده بودیم برای ایشان از جانب
از آفتاب پوششی چنین بود قصه و هر آینه در گرفته ایم بآنچه نزدیک وی بود از روی خبرداری ثم اتبع سببا
حتی اذا بلغ بین السدین وجد من دونهما قوما لا یکادون یفقهون قولا • باز در پی سامانی
افتاد تا وقتیکه رسید در میان سدین یافت از جانب سدین گروهی را که نزدیک نیستند از آنکه بفهمند سخنی قالوا
یا ذا القرنین ان یاجوج وماجوج مفسدون فی الارض فهل نجعل لک خرجا علی ان تجعل
بیننا وبینهم سدا • گفتند ای ذو القرنین هر آینه یاجوج وماجوج فساد کنندگانند در زمین پس آیا مقرر کنیم
برای تو باجی بر شرط آنکه بسازی در میان ما و در میان ایشان سدی قال ما مکنی فیه ربی خیر فاعینونی
بقوة اجعل بینکم وبینهم ردما • گفت آنچه دست رس داده است مرا در آن پروردگار من بهتر است
پس مدد کنید مرا بزور بازو تا بسازم میان شما و ایشان حجابی محکم آتونی زبر الحدید حتی اذا ساوی
بین الصدفین قال انفخوا حتی اذا جعله نارا قال آتونی افرغ علیه قطرا • بیارید
بمن پاره های آهن تا وقتیکه برابر ساخت ما بین آن دو کوه گفت آتش بدمید تا آنکه آتش ساخت
آن آهن را گفت بیارید بمن تا بریزم بالای این روی گداخته را فما اسطاعوا ان یظهروه
وما استطاعوا له نقبا • پس نتوانستند یاجوج وماجوج که بالا روند بران سد و نتوانستند او را
سوراخ کردن قال هذا رحمة من ربی فاذا جاء وعد ربی جعله دکاء وکان وعد
ربی حقا • گفت این صفت نعمتی است از پروردگار من پس وقتیکه بیاید وعده پروردگار من
یعنی نزدیک شود قیامت آنرا هموار کند و هست وعده پروردگار من راست وترکنا بعضهم
یومئذ یموج فی بعض ونفخ فی الصور فجمعناهم جمعا • و بگذاریم بعض ایشانرا آنروز
درهم آمیزند در بعض دیگر و دمیده شود در صور پس بهم آریم ایشانرا بهم آوردن وعرضنا جهنم
یومئذ للکافرین عرضا • و روبروی آریم دوزخ را آنروز پیش کافران روبروی آوردن الذین
کانت اعینهم فی غطاء عن ذکری وکانوا لا یستطیعون سمعا • آنانکه بود چشم ایشان

در پرده از یاد من و نمی توانستند سخن شنیدن یعنی از شدت بغض افحسب الذين كفروا ان يتخذوا
عبادي من دوني اولياء انا اعتدنا جهنم للكافرين نزلا • آیا پنداشتند کافران
دوست گرفتن ایشان بندگان مرا بجز من موجب خوب شد هر آینه ما آماده ساختیم دوزخ را برای
کافران جای فرود آمدن قل هل ننبئكم بالاخسرين اعمالا • بگو آیا خبر دهیم شما را با آنانکه زیانکارترین
مردم اند از روی عمل الذين ضل سعيهم في الحيوة الدنيا وهم يحسبون انهم يحسنون
صنعا • ایشان آنانند که گم شد سعی ایشان از زندگانی دنیا و ایشان گمان می کنند که نیکوکاری می کنند
در عمل اولئك الذين كفروا بايت ربهم ولقائه فحبطت اعمالهم فلا نقيم لهم يوم
القيمة وزنا • ایشان آنانند که کافر شدند بآیات پروردگار خویش و بملاقات او پس نابود شد
عمل ایشان پس برپا نخواهیم ساخت برای ایشان روز قیامت هیچ وزنی و این کنایتست از خواری
و بیقدری ذلك جزاؤهم جهنم بما كفروا واتخذوا اياتي ورسلي هزوا • حال اینست
جزای ایشان دوزخ باشد بسبب آنکه کافر شدند و گرفتند آیات مرا و پیغامبران مرا تمسخر ان
الذين امنوا وعملوا الصالحات كانت لهم جنت الفردوس نزلا • هر آینه آنان که ایمان
آوردند و کارهای شایسته کردند باشند ایشان را بوستانها در بهشت جای مهمانی خالدين فيها
لا يبغون عنها حولا • جاویدان آنجا طلبند از آنجا بازگشتن قل لو كان البحر مدادا لكلمات
ربي لنفد البحر قبل ان تنفد كلمت ربي ولو جئنا بمثله مددا • بگو اگر باشد دریا سیاهی
برای نوشتن سخنان پروردگار من البته خرج شود دریا پیش از آنکه آخر شود سخنان پروردگار من
اگرچه بیاریم مانند آن دریا بطریق مدد قل انما انا بشر مثلكم يوحى الي انما الهكم
اله واحد فمن كان يرجوا لقاء ربه فليعمل عملا صلحا ولا يشرك بعبادة ربه
احدا • بگو جز این نیست که من آدمی ام مانند شما وحی فرستاده میشود بسوی من معبود شما همان
معبود یکتاست پس هر که توقع دارد ملاقات پروردگار خود را باید که بکند کار پسندیده و شریک
نیارد در عبادت پروردگار خویش هیچکس را سوره مریم مکیه تسع و تسعون آیه

بسم الله الرحمن الرحيم

كهيعص ذكر رحمت ربك عبده زكريا · اين هست بيان بخشايش پروردگار تو بر بنده خود

زكريا اذ نادى ربه نداء خفيا · چون ندا كرد پروردگار خود را بدعاء پنهان قال رب انى

وهن العظم منى واشتعل الرأس شيبا ولم اكن بدعائك رب شقيا · گفت اى

پروردگار من هر آينه سست شده است استخوان از بدن من و برنگ آتش شعله زد سر من از جهت سفيد موى

و نبوديم در دعاء تو اى پروردگار من بى بهره وانى خفت الموالى من ورائى وكانت

امرأتى عاقرا فهب لى من لدنك وليا · و هر آينه مى ترسم از اقارب خود بعد از خود و هست

زن من نازاى پس عطا كن مرا از نزديك خود وارثى يرثنى ويرث من آل يعقوب واجعله

رب رضيا · كه ميراث گيرد از من و ميراث گيرد از آل يعقوب و بكن او را اى پروردگار من مرد پسنديده

يا زكريا انا نبشرك بغلام اسمه يحيى لم نجعل له من قبل سميا · گفتيم اى زكريا

هر آينه بشارت ميدهيم ترا بطفلى كه نام او يحيى است نيافريديم پيش ازين هيچ همنامى او را قال رب انى

يكون لى غلام وكانت امرأتى عاقرا وقد بلغت من الكبر عتيا · گفت اى پروردگار من

چگونه پيدا شود براى من طفلى و هست زن من نازاى و هر آينه رسيده ام از سبب كلان سالى بنهايت ضعف

قال كذلك قال ربك هو على هين وقد خلقتك من قبل ولم تك شيئا · گفت

همچنين است وعده گفت پروردگار تو اين كار بر من آسان است و هر آينه آفريدم ترا پيش ازين و نبودى

چيزى قال رب اجعل لى آية قال آيتك الا تكلم الناس ثلث ليال سويا · گفت اى پروردگار من

معين كن براى من نشانى فرمود نشانه تو آنست كه سخن نتوانى گفت با مردمان سه شبانروز در حالتيكه

صحيح المزاج باشى فخرج على قومه من المحراب فاوحى اليهم ان سبحوا بكرة وعشيا ·

پس بيرون آمد بر قوم خود از محراب عبادت پس اشارت كرد بسوى ايشان كه تسبيح گوئيد صبح و شام يا يحيى

خذ الكتب بقوة واتينه الحكم صبيا · القصه چون يحيى متولد شد و دو ساله گشت گفتيم اى يحيى بگير

احكام كتاب باستوارى و داديمش دانائى در حال كودكى وحنانا من لدنا وزكوة وكان تقيا ·

وداديمش

و داده بودیمش شفقتی از نزدیک خود و طهارت نفس و بود پرهیزکار وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا
عَصِيًّا ۔ و نیکوکار به پدر و مادر خود و نبود گردن کش گناهکار وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ
يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ۔ و سلام باد بروی روزیکه متولد شد و روزیکه بمیرد و روزیکه برانگیخته شود
زنده گشته وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ۔ و یاد کن در
کتاب مریم را چون یکسو شد از کسان خود جائی بسمت بر آمدن آفتاب فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا
فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ۔ پس گرفت اینجانب پرده از ایشان پس فرستادیم
بسوی او روح خود را یعنی جبرئیل را پس صورت گرفت برای مریم درست اندام شده قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ
بِالرَّحْمَٰنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا ۔ گفت هرآینه من می پناهم بخدا از تو اگر پرهیزکار باشی قَالَ إِنَّمَا
أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا ۔ گفت جز این نیست که من فرستاده پروردگار توام
تا عطا کنم ترا طفلی پاکیزه قَالَتْ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ۔
گفت چگونه پیدا شود برای من طفلی و دست نرسانیده است بمن هیچ آدمی و هرگز نبودم زناکار
قَالَ كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا
گفت وعده همچنین است فرمود پروردگار تو که این بر من آسان است و میخواهیم که بکنیم این طفل را
نشانه برای مردمان و بخشایشی از جانب خود و هست این مقدمه کاری مقرر کرده شده فَحَمَلَتْهُ
فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ۔ پس بشکم بار گرفت آن طفل را پس یکسو شد مریم بسبب آن حمل بجائی
دور از مردم فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَٰذَا وَكُنْتُ
نَسْيًا مَنْسِيًّا ۔ پس آورد او را درد زه بسوی تنه خرما مریم گفت ای کاش مرده بودمی پیش ازین و شدمی
فراموش از خاطر رفته فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ۔ پس آواز داد
او را طفل یا جبرئیل والله اعلم از جانب پائین او که اندوه مخور هرآینه پیدا کرده است پروردگار تو پائین تو
جوئی وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا ۔ و بجنبان بسوی خویش تنه
خرما را تا بیفکند بر سر تو خرمای تازه بالفعل از درخت چیده فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيِنَّ

مِنَ الْبَشَرِ اَحَدًا فَقُولِي اِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمٰنِ صَوْمًا فَلَنْ اُكَلِّمَ الْيَوْمَ اِنْسِيًّا ۔ پس بخور و بياشام
و آسوده چشم شو پس اگر ببيني از آدميان كسي را پس بگو هر آينه من نذر كرده ام براي خدا روزه را پس سخن نخواهم گفت
امروز با هيچ آدمي فَاَتَتْ بِهٖ قَوْمَهَا تَحْمِلُهٗ قَالُوْا يٰمَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا ۔ پس آورد عيسي را
پيش قوم خود برداشته گفتند اي مريم هر آينه آوردي چيز زشت يٰاُخْتَ هٰرُوْنَ مَا كَانَ اَبُوْكِ
امْرَاَ سَوْءٍ وَّمَا كَانَتْ اُمُّكِ بَغِيًّا ۔ اي خواهر هارون نبود پدر تو مرد بد و نبود مادر تو زنا كننده
فَاَشَارَتْ اِلَيْهِ قَالُوْا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ۔ پس مريم اشارت كرد طفل خود
گفتند چگونه سخن گوييم با كسي كه هست در گهواره كودكي قَالَ اِنِّي عَبْدُ اللّٰهِ اٰتٰنِيَ الْكِتٰبَ وَجَعَلَنِيْ
نَبِيًّا ۔ عيسي گفت من بنده خدايم داده است مرا كتاب ساخته است مرا پيغامبر وَّجَعَلَنِيْ مُبٰرَكًا اَيْنَ مَا
كُنْتُ وَاَوْصٰنِيْ بِالصَّلٰوةِ وَالزَّكٰوةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ۔ و ساخت مرا خداوند بركت هر جا كه باشم
و حكم فرموده است مرا نماز و زكوة مادام كه زنده باشم وَّبَرًّا بِوَالِدَتِيْ وَلَمْ يَجْعَلْنِيْ جَبَّارًا شَقِيًّا
و ساخت مرا نيكوكار بمادر خود و نكرده است مرا گردن كش بدبخت وَالسَّلٰمُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُّ
وَيَوْمَ اَمُوْتُ وَيَوْمَ اُبْعَثُ حَيًّا ۔ و سلام بر من است روزي كه متولد شدم و روزي كه بميرم و روزي كه
برانگيخته شوم زنده شده ذٰلِكَ عِيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِيْ فِيْهِ يَمْتَرُوْنَ ۔ اينست قصه عيسي
پسر مريم مراد ميدارم سخن راست را كه در وي مردمان اختلاف ميكنند مَا كَانَ لِلّٰهِ اَنْ يَّتَّخِذَ مِنْ وَّلَدٍ
سُبْحٰنَهٗ اِذَا قَضٰى اَمْرًا فَاِنَّمَا يَقُوْلُ لَهٗ كُنْ فَيَكُوْنُ ۔ نيست لايق خدا را كه بگيرد هيچ فرزندي پاكي
او راست چون سرانجام كند كاري پس اخراين نيست كه ميگويدش شو پس ميشود وَاِنَّ اللّٰهَ رَبِّيْ وَرَبُّكُمْ
فَاعْبُدُوْهُ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ۔ و گفت عيسي هر آينه خدا پروردگار من است و پروردگار شما است
پس عبادت او كنيد اينست راه راست فَاخْتَلَفَ الْاَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ
مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيْمٍ ۔ پس اختلاف كردند جماعتها در ميان خويش پس واي كافران را از حاضر شدن روز بزرگ
اَسْمِعْ بِهِمْ وَاَبْصِرْ يَوْمَ يَاْتُوْنَنَا لٰكِنِ الظّٰلِمُوْنَ الْيَوْمَ فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ۔ چه قدر شنوا باشند
و چه قدر بينا باشند روزي كه بيايند پيش ما ليكن اين ستمكاران امروز در گمراهي ظاهر اند وَاَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ

إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ • و بترسان ایشانرا از روز پشیمانی چون بانجام رسانیده شود
کار و ایشان در غفلت اند و ایشان ایمان نمی آرند إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ
هر آینه ما وارث شویم زمین را و هر کسی را که بر زمین ست و بسوی ما باز گردانیده شوند وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ
إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا • و یاد کن در کتاب ابراهیم را هر آینه وی بود راست گوی و پیغامبری
إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا • یاد کن چون گفت
پدر خود را ای پدر من چرا عبادت میکنی چیزی را که نمی شنود و نمی بیند و دفع نمی کند از تو چیزی يَا أَبَتِ إِنِّي
قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا • ای پدر من هر آینه آمده است
پیش من از علم آنچه نیامده ست پیش تو پس پیروی من کن تا دلالت کنم ترا براه راست يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ
الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ عَصِيًّا • ای پدر من عبادت مکن شیطان را هر آینه ست شیطان
مر خدا را نافرمانبر يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَٰنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا
ای پدر من میترسم از آنکه برسد بتو عقوبتی از خدا پس باشی قرین شیطان قَالَ أَرَاغِبٌ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي
يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا • گفت آیا رو گردانی تو از معبودان من
ای ابراهیم اگر باز نایستی البته سنگسار کنم ترا و ترک صحبت من بکن مدتی دراز قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ
سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا • گفت سلام علیک آمرزش خواهم طلبید برای تو از پروردگار
خویش هر آینه وی هست مهربان وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُو رَبِّي عَسَىٰ
أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ
إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا • و کناره بگیرم از شما و از آنچه می پرستید بجز خدا و پرستش کنم
پروردگار خود را شاید که نباشم در پرستش پروردگار خود بی بهره پس هرگاه کناره گرفت از ایشان و از آنچه
می پرستیدند بجز خدا عطا کردیم ویرا اسحاق و یعقوب و هر یکی را پیغامبر ساختیم وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا
وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا • و عطا کردیم بایشان چیزها از بخشش خود و ساختیم برای ایشان ذکر
جمیل نهایت بزرگی وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا • و یاد کن در کتاب

موسی را هر آینه وی بود خالص کرده شده و بود فرستاده پیغامبری وَنَادَيْنَاهُ مِن جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ
وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا • و ندا کردیم او را از جانب راست کوه طور و نزدیک ساختیم او را از گویان وَوَهَبْنَا لَهُ
مِن رَّحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا • و عطا کردیم او را از بخشش خود برادر او نبی ساخته وَاذْكُرْ فِي
الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا • و یاد کن در کتاب اسمعیل را
هر آینه وی بود فرستاده پیغامبری وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِندَ
رَبِّهِ مَرْضِيًّا • و میفرمود اهل خود را بنماز و زکوة و بود نزدیک پروردگار خویش پسندیده وَاذْكُرْ
فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا • و یاد کن در کتاب
ادریس را هر آینه وی بود راست کردار پیغامبری و برداشتیم او را بمکانی بلند یعنی بر آسمان أُولَٰئِكَ
الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ مِن ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ
وَمِن ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ
آيَاتُ الرَّحْمَٰنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا • اینجماعه آنانند که انعام کرد خدا بر ایشان از زمره پیغامبران سجده
از فرزندان آدم و از نسل آنانکه برداشتیم با نوح و از ذریه ابراهیم و یعقوب و از جمله آنانکه راه راست
نمودیم و برگزیدیم چون خوانده میشد بر ایشان آیات خدای افتادند سجده کنان و گریان فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ
خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا • پس جانشین شد بعد از
ایشان ناخلفی چند که ترک کردند نماز را و پیروی کردند خواهشها را پس خواهند یافت جزای گمراهی إِلَّا
مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا • لیکن
هر که توبه کرد و ایمان آورد و کار شایسته بعمل آورد آنجماعه در آیند بهشت و بر هیچ ستم کرده نشود بر ایشان
جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا • بوستانهای همیشه
ماندن که وعده داده است خداوند بندگان خود را نادیده هر آینه است وعده او البته آینده لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا
لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا • نشنوند در آنجا هیچ سخن بیهوده لیکن سلام شنوند
و ایشانرا بود روزی ایشان در آنجا صبح و شام تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَن كَانَ تَقِيًّا

این بهشت آن بهشت که عطا کنیم از بندگان خویش آنرا که پرهیزکار بود وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ
لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَٰلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا • و فرشتگان گفتند
که ما فرود نیائیم الا بحکم پروردگار تو او راست علم آنچه پیش ماست یعنی قیامت و آنچه عقب ماست یعنی از ابتدای
خلق آسمان و زمین و آنچه در میان اینست و نیست پروردگار تو فراموش کار رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا • اوست پروردگار آسمانها و زمین
و آنچه میان اینهاست پس عبادت او کن و شکیبا باش بعبادة او آیا میدانی او را همنامی یا مانندی وَيَقُولُ
الْإِنسَانُ أَإِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا • و میگوید آدمی یعنی آدمی کافر آیا چون بمیرم بیرون آورده خواهم
زنده شده أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا • آیا یاد نمی‌کند آدمی که ما آفریدیم
او را پیش ازین و نبود هیچ چیزی فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ
جِثِيًّا • پس قسم پروردگار تو که البته برانگیزیم این منکران بعث را با شیاطین باز حاضر کنیم ایشانرا حوالی
دوزخ بزانو در افتاده ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَٰنِ عِتِيًّا • باز برکشیم
از هر امتی آنرا که از ایشان جرات کننده‌تر است بر خدا از روی نافرمانی ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا
صِلِيًّا • باز ما داناتریم بآنکه سزاوارترند بدر آمدن دوزخ وَإِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ
رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا • و نیست از شما هیچکس مگر گذرنده برین هست این وعده لازم بر پروردگار تو
مقرر کرده شده ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوا وَّنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا • باز برهانیم متقیان از و بگذاریم
ظالمانرا آنجا بزانو در افتاده وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا
أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا • و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما واضح آمده
گویند کافران مسلمانانرا که کدام یک ازین دو گروه بهتر است در مرتبه و نیکوتر است از روی مجلس یعنی
بغرهٔ دنیا مغرور شدند وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِئْيًا • و بسیار
هلاک کردیم پیش از ایشان طبقه مردانرا که بهتر بودند باعتبار رخت خانه و از روی نمودار
قُلْ مَن كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَٰنُ مَدًّا • بگو هر که باشد در گمراهی فرو میدهیم او را

خدا افزون دادنی حَتّٰی اِذَا رَاَوْا مَا یُوْعَدُوْنَ اِمَّا الْعَذَابَ وَاِمَّا السَّاعَةَ فَسَیَعْلَمُوْنَ
مَنْ هُوَ شَرٌّ مَکَانًا وَاَضْعَفُ جُنْدًا ۰ تا وقتیکه بینند آنچه ترسانیده شدند عقوبت یا قیامت را
پس خواهند دانست کدام یک بدتر است در مرتبه و ناتوان تر است از روی سپاه وَیَزِیْدُ اللّٰهُ الَّذِیْنَ
اهْتَدَوْا هُدًی وَالْبَاقِیَاتُ الصَّالِحَاتُ خَیْرٌ عِنْدَ رَبِّکَ ثَوَابًا وَخَیْرٌ مَرَدًّا ۰ و زیاده
میدهد خدا راه یابانرا هدایت و حسنات پاینده شایسته بهتر اند نزدیک پروردگار تو از روی جزا
و نیکوتر اند از جهت بازگشت اَفَرَاَیْتَ الَّذِیْ کَفَرَ بِاٰیٰتِنَا وَقَالَ لَاُوْتَیَنَّ مَالًا وَّوَلَدًا ۰ آیا
دیدی آنرا که کافر شد بآیات ما و گفت البته داده شوم مرا یعنی در قیامت مال و فرزند اَطَّلَعَ الْغَیْبَ
اَمِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمٰنِ عَهْدًا ۰ آیا مطلع شده است بر غیب یا گرفته است از نزدیک خدا عهدی کَلَّا
سَنَکْتُبُ مَا یَقُوْلُ وَنَمُدُّ لَهٗ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا ۰ نچنان بود خواهیم نوشت آنچه می گوید و افزون
دهیم عقوبت افزون دادنی وَنَرِثُهٗ مَا یَقُوْلُ وَیَاْتِیْنَا فَرْدًا ۰ و بازستانیم پس از وی آنچه
میگوید پیش ما تنها شده وَاتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اٰلِهَةً لِّیَکُوْنُوْا لَهُمْ عِزًّا ۰ و خدایان گرفتند
بجز الله تا باشند ایشانرا سبب عزت کَلَّا سَیَکْفُرُوْنَ بِعِبَادَتِهِمْ وَیَکُوْنُوْنَ عَلَیْهِمْ ضِدًّا ۰ نچنان بود
منکر خواهند شد پرستش معبودان خود را و خواهند شد بر ایشان ستیزنده اَلَمْ تَرَ اَنَّا اَرْسَلْنَا
الشَّیٰطِیْنَ عَلَی الْکٰفِرِیْنَ تَؤُزُّهُمْ اَزًّا ۰ آیا ندیدی که ما فرستیم شیاطین را بر کافران که میجنبانند
ایشانرا جنبانیدنی فَلَا تَعْجَلْ عَلَیْهِمْ اِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا ۰ پس شتاب مکن بر ایشان جز این نیست که
بیت می شماریم برای ایشان شمار کردنی یَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِیْنَ اِلَی الرَّحْمٰنِ وَفْدًا ۰ روزیکه برانگیزیم
متقیانرا بسوی رحمان مهمان آمده وَنَسُوْقُ الْمُجْرِمِیْنَ اِلٰی جَهَنَّمَ وِرْدًا ۰ و روان کنیم گناهکارانرا
بسوی دوزخ تشنه کشته لَا یَمْلِکُوْنَ الشَّفَاعَةَ اِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمٰنِ عَهْدًا ۰ و نتوانند
شفاعت کردن الا کسی که گرفته است از نزدیک خدا عهدی یعنی مسلمان شده و وعده ثواب را مستحق گشته
وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمٰنُ وَلَدًا ۰ و گفتند فرزند گرفته است خدا لَقَدْ جِئْتُمْ شَیْئًا اِدًّا ۰ خدا فرمود ایشانرا
هر آینه آوردید چیزی زشتی تَکَادُ السَّمٰوٰتُ یَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْاَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ۰

ان دعوا

نزدیک اند آسمانها که شکافته شوند ازین سخن و بشکافد زمین و بیافتند کوهها پاره شده أن دعوا للرحمن
ولدا وما ينبغي للرحمن أن يتخذ ولدا • بسبب آنکه اثبات کردند خدای را فرزندی و نسزد خدای را که
فرزند گیرد إن كل من في السموات والأرض إلا آتي الرحمن عبدا • نیست هیچ یک از آنانکه
در آسمانها و زمین اند مگر آینده پیش رحمان بنده شده لقد أحصاهم وعدهم عدا • هر آینه علم در گرفته
ایشان را شمار کردی وكلهم آتيه يوم القيمة فردا • و هر یک از ایشان آینده است بسوی روز قیامت
تنها شده إن الذين آمنوا وعملوا الصلحت سيجعل لهم الرحمن ودا • هر آینه آنان که ایمان آوردند
وکارهای شایسته کردند پیدا خواهد کرد برای ایشان خدا دوستی را یعنی با یکدیگر دوست باشند فإنما
يسرناه بلسانك لتبشر به المتقين وتنذر به قوما لدا • و خبر این نیست که آسان ساختیم
قرآن را بزبان تو تا مژده دهی بآن متقیان را و بترسانی گروه ستیزنده کافران را وكم أهلكنا قبلهم
من قرن هل تحس منهم من أحد أو تسمع لهم ركزا • و بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان طبقات
مردم را آیا می بینی هیچ کس را از ایشان یا می شنوی از ایشان آوازی تکی

سوره طه مکیه [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم •

طه ما أنزلنا عليك القرآن لتشقى • فرو نفرستادیم بر تو قرآن را تا رنج کشی إلا تذكرة
لمن يخشى • لیکن فرو فرستادیم برای پند دادن کسی را که بترسد تنزيلا ممن خلق الأرض
والسموات العلى • فرو فرستادن از جانب کسی که آفریده است زمین را و آسمانهای بلند را الرحمن
على العرش استوى • وی بسیار بخشاینده است بر عرش قرار گرفت له ما في السموات وما في
الأرض وما بينهما وما تحت الثرى • او راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و آنچه
در میان اینهاست و آنچه در زیر خاک نمناک است وإن تجهر بالقول فإنه يعلم السر وأخفى
و اگر آشکار کنی سخن را پس وی میداند سخن پنهان را و پنهانتر را یعنی جهر بطریق اولی میداند الله لا إله
إلا هو له الأسماء الحسنى • هیچ معبودی نیست مگر وی مر او راست نامهای نیکو وهل أتاك حديث
موسى • و آیا آمده است بتو خبر موسی إذ رأى نارا فقال لأهله امكثوا إني آنست نارا لعلي آتيكم

مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى • چون دید آتش پس گفت اهل خود را درنگ کنید هر آئینه من
دیده ام آتشی امید دارم که بیارم شما را ازان آتش شعله یا یابم بران آتش راه نمائی فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ
يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى پس چون بیامد نزدیک
آتش آواز داده شد که ای موسی هر آئینه من پروردگار توام پس از پا بیرون کن نعلین خود را هر آئینه
تو بمیدان پاکی طوی وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى و من برگزیدم ترا پس گوش نه بسوی آنچه وحی
فرستاده میشود إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي
هر آئینه من خدایم نیست هیچ معبود غیر من پس عبادت بکن و برپا کن نماز را برای یاد کردن من إِنَّ السَّاعَةَ
آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ هر آئینه قیامت آمدنی است میخواهم که پنهان دارم
وقت او را تا جزا داده شود هر شخص بمقابله آنچه می کند فَلَا يَصُدَّنَّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا
وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَىٰ • پس باید که باز ندارند ترا از باور داشتن آن کسی که ایمان ندارد بران
و پیروی کرده است خواهش نفس خود را انگاه هلاک شوی وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَىٰ او چیست این
بدست راست تو ای موسی قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِيَ
فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَىٰ • گفت این عصای منست تکیه میکنم بران و برگ میریزم بآن بر گوسفندان
خود و مرا درین عصا کارهای دیگرست قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَىٰ گفت بافکن آنرا ای موسی فَأَلْقَاهَا
فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ پس افکندش پس ناگهان وی ماری شد دوان قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ
سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ گفت بگیر اینرا و مترس باز خواهیم گردانید او را بشکل نخستین وَاضْمُمْ
يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَىٰ و بهم آر دست خود را بسوی
بغل خود تا بیرون آید سفید شده از غیر عیبی نشانه دیگر آمده لِنُرِيَكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى میخواهیم که بنمائیم
ترا بعض نشانهای بزرگ خویش اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ برو سوی فرعون هر آئینه وی از حد
گذشته است قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي گفت ای پروردگار من کشاده برای من سینه مرا وَيَسِّرْ لِي
أَمْرِي و آسان کن برای من کار مرا وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي و بکشای گره از زبان من

تا فهم کنند

تا فهم کنند سخن من واجعل لي وزيرا من اهلي و مقرر کن برای من وزیری از کسان من
هرون اخي اشدد به ازري هارون برادر مرا محکم کن بسبب او توانائی مرا واشركه
في امري و شریک کن او را در کار من كي نسبحك كثيرا تسبیح تو گوئیم بسیار و
نذكرك كثيرا و یاد تو کنیم بسیاری انك كنت بنا بصيرا هر آینه تو هستی باحوال ما بینا
قال قد اوتيت سؤلك يا موسى گفت خدا هر آینه داده شد درخواست خود ای موسی
ولقد مننا عليك مرة اخرى و هر آینه نعمت فراوان دادیم بر تو یکبار دیگر اذ اوحينا الى
امك ما يوحى چون الهام فرستادیم بسوی مادر تو آنچه الهام کردنی بود ان اقذفيه في
التابوت فاقذفيه في اليم فليلقه اليم بالساحل ياخذه عدو لي وعدو له
والقيت عليك محبة مني ولتصنع على عيني که بافکن این طفل را در صندوق پس افکن
صندوق را در دریا تا افکند او را دریا بکناره بگیرد وی را دشمن من و دشمن وی و بافکندم بر روی تو قبول
از جانب خویش و خواستم که پرورده شوی بحضور من اذ تمشي اختك فتقول هل ادلكم
على من يكفله فرجعناك الى امك كي تقر عينها ولا تحزن وقتلت نفسا
فنجيناك من الغم وفتناك فتونا فلبثت سنين في اهل مدين ثم جئت
على قدر يا موسى چون میرفت خواهر تو پس میگفت آیا دلالت کنم شما را بر کسی که نگاهبانی این طفل کند
پس خلاص ساختیم ترا از اندوه و در محنت افکندیم ترا آزمودن پس درنگ کردی سالهای چند
در اهل مدین باز بر آمدی موافق تقدیر الهی ای موسی واصطنعتك لنفسي و ساخته ام ترا برای خویش
اذهب انت واخوك باياتي ولا تنيا في ذكري برو تو و برادر تو با نشانهای من
و سستی مکنید در یاد کردن من اذهبا الى فرعون انه طغى فقولا له قولا لينا
لعله يتذكر او يخشى پس بروید بسوی فرعون هر آینه وی از حد گذشته است پس بگوئید با وی سخن نرم
بود که پند پذیر شود یا بترسد قالا ربنا اننا نخاف ان يفرط علينا او ان يطغى گفتند
ای پروردگار ما هر آینه ما می ترسیم از آنکه تعدی کند بر ما یا از حد گذرد قال لا تخافا انني معكما اسمع

وَأَرىٰ گفت مترسید هرآینه من با شما ام می شنوم و می بینم فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ
فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ
عَلَىٰ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ پس بروید پیش وی پس بگوئید هرآینه ما فرستاده های پروردگار توایم
پس بفرست با ما بنی اسرائیل را و عذاب مکن ایشانرا هرآینه آورده ایم پیش تو نشانه از جانب پروردگار تو
و سلامتی کسی را باشد که پیروی راه هدایت کند إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ
كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ هرآینه وحی فرستاده شد بسوی ما که عذاب کسی را باشد که دروغ شمرد و روگردان
شود قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَىٰ القصه این پیغام رسانیدند فرعون گفت پس کیست پروردگار شما
ای موسی قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ گفت که پروردگار ما
آنست که داد هر چیز را صورت خاص او باز راه نمود بطلب معاش خویش قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ
الْأُولَىٰ گفت پس چیست حال قرنهای نخستین قَالَ عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ
رَبِّي وَلَا يَنْسَى گفت علم آن نزدیک پروردگار من هست در کتابی که غلط نکند پروردگار من
و نه فراموش سازد الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ
مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّىٰ او آنست که ساخت
برای شما زمین را فراشی و روان کرد برای شما در آنجا راهها و فرو فرستاد از آسمان آب پس بیرون
آریم بآن آب انواع مختلف از نبات كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ
لِأُولِي النُّهَىٰ گفتیم بخورید و بچرانید چهارپایان خود را هرآینه درین مقدمه نشانهاست خداوندان خرد را
مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ از زمین آفریدیم شما را و در
زمین باز در آریم شما را و از زمین بیرون کشیم شما را بار دیگر وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ
وَأَبَىٰ و هرآینه نمودیم فرعون را نشانهای خویش تمام آن پس دروغ شمرد و قبول نکرد قَالَ أَجِئْتَنَا
لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَىٰ گفت ایا آمده تا بیرون کنی ما را از زمین ما بجادوی
خود ای موسی فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ

ولا انت

ولا انت مکانا سوی هرآینه بیاریم پیش تو جادوی مانند آن پس معین کن میان ما و میان خود وعده
که خلاف نکنیم آنرا ما و نه تو بجای میانه شهر قال موعدکم یوم الزینة وان یحشر الناس ضحی
گفت وعده گاه شما روز آرایش است و آنکه جمع کرده شوند مردمان وقت چاشت فتولی فرعون
فجمع کیده ثم اتی پس بخانه بازگشت فرعون پس جمع کرد مکر خود را باز بیامد قال لهم موسی
ویلکم لا تفتروا علی الله کذبا فیسحتکم بعذاب وقد خاب من افتری
گفت موسی ساحرانرا وای بر شما افترا مکنید بر خدا دروغ را آنگاه هلاک سازد شما را بعذاب و هرآینه
بمطلب نرسید هرکه افترا کرد فتنازعوا امرهم بینهم واسروا النجوی پس گفت وگو کردند
ساحران بمشورت خود در میان خویش و پنهان گفتند راز را قالوا ان هذان لساحران
یریدان ان یخرجاکم من ارضکم بسحرهما ویذهبا بطریقتکم المثلی • گفتند البته
این دو ساحرانند میخواهند که بیرون کنند شما را از زمین شما بسحر خود و میخواهند که دور کنند دین نیکوی
شما را فاجمعوا کیدکم ثم ائتوا صفا وقد افلح الیوم من استعلی • پس بهم آرید
اسباب مکر خود را باز بیائید صف کشیده و هرآینه رستگار شد امروز هرکه غالب آمد قالوا یا موسی
اما ان تلقی واما ان نکون اول من القی • گفتند ای موسی با اینست که تو افکنی یعنی عصا را یا
باشیم ما اول کسی که افکند قال بل القوا فاذا حبالهم وعصیهم یخیل الیه من سحرهم
انها تسعی گفت بلکه شما افکنید ناگهان پس رسنهای ایشان و عصاهای ایشان نمودار شد پیش موسی سبب
سحر ایشان که میدوند فاوجس فی نفسه خیفة موسی پس یافت در ضمیر خود موسی ترسی قلنا لا تخف
انک انت الاعلی گفتیم مترس هرآینه تویی غالب والق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا انما
صنعوا کید ساحر ولا یفلح الساحر حیث اتی • و بیفکن آنچه در دست راست است تا فرو برد
چیزی را که ساحران ساخته اند هرآینه آنچه ساخته اند جادو جادوکننده است و رستگار نمیشود ساحر
هرجا که رود فالقی السحرة سجدا قالوا امنا برب هرون وموسی القصه همچنین شد پس
انداخته شدند ساحران سجده کنان گفتند ایمان آوردیم بپروردگار هارون و موسی قال امنتم له

قبل ان اذن لكم انه لكبيركم الذي علمكم السحر فلاقطعن ايديكم وارجلكم
من خلاف ولاصلبنكم في جذوع النخل ولتعلمن اينا اشد عذابا وابقى گفت
فرعون ايا باور داشتيد او را پيش از انكه دستوري دهم شما را هرآينه وي بزرگوار شماست كه آموخت
شما را سحر هرآينه ببرم دستهاي شما و پايهاي شما را يكي از جانب راست و ديگر از چپ بردار كشم
شما را بر تنه هاي خرما والبته خواهيد دانست كه كدام يك از ما سخت ترست عذاب او و پاينده ترست
قالوا لن نؤثرك على ما جاءنا من البينات والذي فطرنا فاقض ما انت
قاض انما تقضي هذه الحيوة الدنيا گفتند ترجيح نديهم ترا بر آنچه آمده ست پيش از دلايل واضح
و ترجيح نديهم ترا بر خدائي كه آفريد ما را پس حكم كن هرچه تو حكم كننده باشي جز اين نيست كه حكم كني در اين
زندگاني دنيا انا امنا بربنا ليغفر لنا خطايانا وما اكرهتنا عليه من السحر والله
خير وابقى هرآينه ما ايمان آورديم بپروردگار خويش تا بيامرزد براي ما گناهان ما را و آنچه جبر كردي
ما را بر آن كه سحر كنيم و خدا بهترست و پاينده ترست انه من يات ربه مجرما فان له جهنم
لا يموت فيها ولا يحيى هرآينه هر كه بيايد پيش پروردگار خويش گناهكار شده پس او راست
دوزخ نميرد آنجا و نزنده باشد ومن ياته مؤمنا قد عمل الصلحت فاولئك لهم
الدرجت العلى وانكه بيايد پيش او مسلمان شده و عملهاي شايسته كرده پس آن جماعه ايشان راست
درجهاي بلند جنت عدن تجري من تحتها الانهار خلدين فيها وذلك جزاء
من تزكى بوستانها هميشه ماندن ميرود زير آن جويها جاويدان آنجا و اين ست جزاء هر كه
پاك شده ست ولقد اوحينا الى موسى ان اسر بعبادي فاضرب لهم طريقا
في البحر يبسا لا تخاف دركا ولا تخشى و هرآينه وحي فرستاديم بسوي موسى كه وقت شب
ببر بندگان مرا پس برو براي ايشان در راهي خشك در دريا نترسي از دريافتن دشمن و نترسي
از غرق فاتبعهم فرعون بجنوده فغشيهم من اليم ما غشيهم واضل فرعون
قومه وما هدى پس تعاقب ايشان كرد فرعون با لشكرهاي خويش پس بپوشانيد ايشان را از دريا

آنچه پوشيد

آنچه بو شناسید ایشانرا و گمراه کرد فرعون قوم خود را و راه ننمود یَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ
مِنْ عَدُوِّكُمْ وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنَ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ
گفتیم ای بنی اسرائیل نجات دادیم شما را از دشمنان شما و وعده دادیم شما را یعنی بدادن توریت
بجانب راست طور و فرو فرستادیم بر شما من و سلوی كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا
تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ گفتیم بخورید از
لذایذ آنچه روزی دادیم شما را و از حد مگذرید در باب آن روزی آنگاه ثابت شود بر شما خشم من
و هر که ثابت شود بروی خشم من البته هلاک شد وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا
ثُمَّ اهْتَدَىٰ و هر آینه من آمرزنده ام کسی را که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کرد باز راه
یافت مترجم گوید چون موسی با هفتاد کس از قوم خود بجانب طور متوجه شد حضرت موسی از همه سبقت
کرد خطاب رسید و الله اعلم وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَىٰ قَالَ هُمْ أُولَاءِ
عَلَىٰ أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ • و چه چیز بشتاب آورد ترا غافل مانده از قوم خود ای موسی
گفت قوم من ایشانند بر پی من و شتافتم بسوی تو ای پروردگار من تا خشنود شوی قَالَ
فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ گفت خدا هر آینه ما در بلا افکندیم
قوم ترا پس از تو و گمراه ساخت ایشانرا سامری فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا •
پس باز گشت موسی بسوی قوم خود خشم گرفته اندوه خورده قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعْدًا
حَسَنًا • گفت ای قوم من آیا وعده نداده بود شما را پروردگار شما وعده نیک أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ
أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي آیا دراز شد بر شما مدت یعنی
مدت مفارقت من یا خواستید که واجب شود بر شما خشمی از پروردگار شما پس خلاف کردید وعده مرا قَالُوا
مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلْكِنَا وَلَٰكِنَّا حُمِّلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَٰلِكَ
أَلْقَى السَّامِرِيُّ گفتند خلاف نکردیم وعده ترا باختیار خویش لیکن ما را تکلیف کردند تا برداشتیم بارها از
پیرایه قبط پس افکندیم آنرا یعنی در آتش و همچنین افکند سامری فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ

فَقَالُوا هٰذَا إِلٰهُكُمْ وَإِلٰهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ ۝ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنْ لَا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا
يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ۝ باز بیرون آورده برای ایشان کوساله را برآورد کالبدی که اورا
آواز گاو بود پس گفتند اتباع سامری اینست پروردگار شما و پروردگار موسی پس فراموش کرده است
موسی آیا نمی دیدند این گمراهان که باز نمی گرداند بسوی ایشان سخنی را و نمی تواند برای ایشان
هیچ زیانی و سودی وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ
رَبَّكُمُ الرَّحْمٰنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتّٰى يَرْجِعَ
إِلَيْنَا مُوسَىٰ وهر آینه گفته بود ایشان را هارون پیش ازین ای قوم من جز این نیست که مبتلا شده اید
باین کوساله و هر آینه پروردگار شما خداست پس پیروی من کنید و انقیاد حکم من نمائید گفتند همیشه
مجاور خواهیم بود برای این کوساله تا وقتی که باز آید بما موسی قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ
إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي موسی گفت ای هارون چه چیز باز داشت ترا
چون دیدی ایشان را که گمراه شدند از آنکه پیروی من کنی یعنی بقتال اهل ضلال آیا خلاف حکم من کردی
قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ
بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي گفت ای پسر مادر من مگیر ریش مرا و نه موی سر مرا هر آینه من
ترسیدم از آنکه گوئی جدائی افکندی در میان فرزندان یعقوب و نگاه نداشتی سخن مرا قَالَ
فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ
الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذٰلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي گفت موسی پس چیست حال تو ای سامری
گفت بینا شدم بآنچه سایر مردم بینا نشدند بآن پس گرفتم مشتی خاک از نقش پای فرستاده یعنی
جبرئیل پس افکندم آنرا یعنی در کالبدی که از زر ساخته بود بشکل کوساله و همچنین صفت پاراست
بمن نفس من قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ
مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانْظُرْ إِلَىٰ إِلٰهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ
فِي الْيَمِّ نَسْفًا ۝ گفت پس برو هر آینه ترا در زندگانی سزا این است که گوئی دست مسا منکن مکن نیست

بر نغ ای بکی

یعنی اگر با کسی همنشین شندی بهر دو را تب میگرفت و هرآینه ترا وعده دیگر هست که خلاف کرده نشود
در حق تو و به بین بسوی معبود خود که مجاور شده بودی بران البته بسوزانیم آنرا پس پراگنده سازیم آنرا در
دریا پراگنده ساختن. إِنَّمَا إِلَٰهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا · جز این نیست
که معبود شما الله است آنکه نیست هیچ معبود بحق جز او فرا رسیده است بهر چیز از روی دانش كَذَٰلِكَ
نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا یا محمد همچنین قصه خوانیم
بر تو از اخبار آنچه گذشته است و هرآینه دادیم ترا از نزدیک خویش پندی مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ
يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا · هر که روی گردانید از آن پس وی بردارد در روز قیامت بار بد یعنی گناهی خَالِدِينَ
فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا جاویدان در آن بار کشیدن و وی بد بار است ایشانرا روز قیامت
يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا روزیکه دمیده شود در صور و برانگیزیم
گناهکارانرا آنروز کبود چشم گشته يَتَخَافَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا نهان حرف زنند در میان
خویش که درنگ نکردید یعنی در دنیا ده شبانروز نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ
طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا · ما داناتریم بحقیقت آنچه میگویند چون بگوید بهترین ایشان در
روش درنگ نکردید الا یک روز وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا
و میپرسند ترا از کوهها بگو پراگنده کند آنرا پروردگار من پراگنده کردن فَيَذَرُهَا قَاعًا
صَفْصَفًا لَا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا پس بگذارد زمین را میدانی هموار نه بینی در ان
هیچ کجی و نه هیچ بلندی يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ
لِلرَّحْمَٰنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا آنروز از پی آواز کننده روند یعنی انقیاد اسرافیل کنند
هیچ کجی نباشد آن اتباع را و پست شوند آوازها برای خدا پس نشنوی مگر آواز نرم يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ
الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَٰنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا آنروز نفع ندهد شفاعت مگر برای
کسی که دستوری داده است خدا او را و پسندیده است او را از روی گفتار یعنی مسلمان باشد يَعْلَمُ
مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا میداند آنچه پیش روی آدمیان و آنچه پس پشت

۴
لَا عِوَجَ

ایشان است و او میان ویکرند خدارا از روی دانش وعنت الوجوه للحي القيوم وقد خاب
من حمل ظلما ۰ و نیایش کنند رویهای مردمان برای زنده خبر کننده و هرآینه نقصد رسید هرکه برداشت
ستم را ومن يعمل من الصلحت وهو مؤمن فلا يخاف ظلما ولا هضما ۰ و هرکه بجای آرد کارهای
شایسته و او مومن باشد پس نترسد از ستمی و نه از نقصانی وكذلك انزلنه قرانا عربيا
وصرفنا فيه من الوعيد لعلهم يتقون او يحدث لهم ذكرا ۰ و همچنین فرو فرستادیم
کتاب قرانی عربی و گوناگون بیان کردیم اندران ترسانیدن را تا بود که پرهیزکار شوند یا پدید کند حق
ایشان پندرا فتعلى الله الملك الحق ولا تعجل بالقران من قبل ان يقضى اليك وحيه
وقل رب زدني علما ۰ پس بلند قدرست خدا پادشاه ثابت و شتابی مکن بخواندن قران پیش از آنکه
سرانجام رسانیده شود بسوی تو وحی او را و بگو ای پروردگار من بیفزای مرا دانشی ولقد عهدنا
الى ادم من قبل فنسي ولم نجد له عزما ۰ و هرآینه حکم فرستادیم بسوی آدم پیش ازین پس
فراموش کرد و نیافتیم او را قصد محکم واذ قلنا للملئكة اسجدوا لادم فسجدوا الا ابليس
ابى ۰ و یاد کن چون گفتیم فرشتگان را که سجده کنید بسوی آدم پس سجده کردند مگر ابلیس قبول نکرد فقلنا
يا ادم ان هذا عدو لك ولزوجك فلا يخرجنكما من الجنة فتشقى ۰ پس گفتیم ای آدم
هرآینه این دشمن است ترا و زن ترا پس باید که بیرون نکند شمارا از بهشت که آنگاه رنج کشی ان لك
الا تجوع فيها ولا تعرى ۰ هرآینه تراست در بهشت اینکه گرسنه نشوی و برهنه نباشی وانك
لا تظمؤا فيها ولا تضحى ۰ و آنکه تو تشنه نشوی اینجا و گرمی آفتاب نیابی تو فوسوس
اليه الشيطن قال يا ادم هل ادلك على شجرة الخلد وملك لا يبلى ۰ پس وسوسه انداخت
بسوی آدم شیطان گفت ای آدم آیا دلالت کنم ترا بر درخت همیشه بودن و بر پادشاهی که کهنه نگردد
فاكلا منها فبدت لهما سوءتهما وطفقا يخصفان عليهما من ورق الجنة وعصى ادم
ربه فغوى ۰ پس خوردند ازان درخت پس ظاهر شد ایشانرا شرمگاه ایشان و در استادند که می چسپانیدند
بر خویش از برگ درختان بهشت و نافرمانی کرد آدم پروردگار خودرا پس گم کرد راه را ثم اجتبه

رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ باز برگزیدش پروردگار او پس رحمت بازگشت بروی وراه نمود
قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ
فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ گفت فرو روید شما هر دو ازین بهشت بعض اولاد شما بعض دیگر را دشمن باشند پس
اگر بیاید شما را از جانب من هدایتی پس هر که پیروی هدایت من کند گمراه نشود و رنج نکشد وَمَنْ أَعْرَضَ عَن
ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَىٰ و هر که روگردان شود از یاد کردن من
پس او را بود زندگانی تنگ و نابینا برانگیزیم او را روز قیامت قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَقَدْ
كُنتُ بَصِيرًا گوید ای پروردگار من چرا نابینا برانگیختی مرا و هر آینه پیش ازین بینا بودم قَالَ كَذَٰلِكَ
أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَٰلِكَ الْيَوْمَ تُنسَىٰ گفت همچنین آمد بتو نشانهای ما پس تغافل کردی از آن
و همچنین امروز تغافل کرده شود در حق تو وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِن بِآيَاتِ رَبِّهِ
وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَىٰ و همچنین سزا دهیم آن را که از حد گذشت و ایمان نیاورد بآیات
پروردگار خویش و هر آینه عذاب آخرت سخت تر و پاینده تر است أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ
الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَىٰ آیا راه نمود ایشان را آنکه
بسیار هلاک کردیم پیش ازین طبقات مردمان را میروند در منازل آن هلاک شدگان هر آینه درین مقدمه
نشانهاست خداوندان خرد را وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى و اگر
نبودی سخنی که سابق صادر شد از پروردگار تو و نبودی وقتی معین هر آینه عذاب لازم شدی فَاصْبِرْ عَلَىٰ
مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ
وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ پس صبر کن بر آنچه میگویند و تسبیح گو با حمد پروردگار خویش پیش از
برآمدن آفتاب و پیش از غروب آن و بعض ساعتهای شب و طرفهای روز تسبیح گو بود که خوشنود شوی
وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ
وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ و مکشای دو چشم خود را بسوی آنچه بهره مند ساخته ایم بآن جماعتها را از ایشان
از قسم آرایش زندگانی دنیا تا مبتلا کنیم ایشان را در آن و روزی پروردگار تو بهتر است و پاینده تر است

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَوٰةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا و بفرما کسان خود را بنماز و شکیبائی کن
بر ادای آن نمی طلبیم از تو روزی دادن نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ ما روزی میدهیم ترا و عاقبت
خیر اهل تقوی راست وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ أَوَلَمْ تَأْتِهِمْ بَيِّنَةُ مَا فِي الصُّحُفِ
الْأُولَىٰ • و گفتند چرا نمی آرد پیش ما نشانه از جانب پروردگار خویش آیا نیامده ست بایشان نشانه واضح از
جنس آنچه در کتابهای پیشین ست یعنی قرآن مشتمل ست بر قصص و غیر آن موافق کتب سابقه وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ
بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ
نَذِلَّ وَنَخْزَىٰ • و اگر ما هلاک کردیم ایشانرا بعقوبتی پیش از فرستادن پیغمبر گفتندی ای پروردگار ما
چرا نفرستادی بسوی ما پیغمبری تا پیروی آیات تو میکردیم پیش از آنکه خوار شویم و رسوا گردیم قُلْ كُلٌّ
مُتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَىٰ • بگو هر یک
منتظر ست پس شما نیز منتظر باشید خواهید دانست که ایانند اهل راه راست و که راه یافت سورة الانبياء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ مکیة مائة و اثنی عشر آیات

اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ • نزدیک ست مردمانرا حساب
ایشان و ایشان از غفلت رو گردانند مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحْدَثٍ إِلَّا
اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ • نمی آید بایشان هیچ پند از جانب پروردگار ایشان نو بدید آورده
مگر شنوند آنرا بازی کنان لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ
مِثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ • غافل شده دل ایشان و پنهان راز گفتند ایشان
ای ظالمان که نیست این شخص مگر آدمی مانند شما آیا خیال می کنید سحر و شما می بینید قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ
فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ • گفت پیغامبر پروردگار من میداند هر سخنی را که در
آسمان و زمین باشد و او شنوا دانا ست بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ
شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ • بلکه گفتند این قرآن خوابهای پریشان ست بلکه
میگویند بر بسته ست آنرا بلکه میگویند او شاعر ست پس باید که بیارد پیش ما نشانه چنانکه فرستاده شد

پیغمبران

بآن نخستیان مراد از نشانه عقوبت عام میدا شد مثل طوفان قوم نوح و صرصر قوم هود والله اعلم

مَا آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ • ایمان نیاورده بود پیش از ایشان

هیچ دهی که هلاک کردیم آنرا آیا ایشان ایمان خواهند آورد وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي

إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ • و نفرستادیم پیش از تو مگر مردانرا که وحی

می فرستادیم بایشان پس بپرسید از اهل کتاب اگر شما نمیدانید وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ

الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ • و نساختیم پیغامبرانرا کالبدی که نخورند طعام و نبودند جاوید مانندگان

ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ • باز راست کردیم

در حق ایشان وعده را پس رهانیدیم ایشانرا و هر کرا خواستیم و هلاک کردیم از حد گذرندگانرا لَقَدْ

أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ • هر آینه فرو فرستادیم بسوی شما کتابی که درو

هست پند شما آیا نمی فهمید وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا

قَوْمًا آخَرِينَ • و بسیار را شکستیم از قسم دهی که ستمکار بود و نو پیدا ساختیم بعد آن گروه دیگررا

فَلَمَّا أَحَسُّوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ • پس چون دیدند عذاب ناگهان ایشان از آنجا میدویدند

لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ • گفتیم مگریزید

و باز روید بسوی مکانی که آسودگی داده شد شما را دران و بسوی خانهای خویش تا بود که پرسیده شوید

یعنی بعجز از کی قوم شما پرسند قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ • گفتند ای وای ما هر آینه ما بودیم

ستمکار فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ • پس همیشه این بود

گفتار ایشان تا وقتیکه گردانیدیم ایشانرا مثل زراعت درووه مانند آتش فرومرده وَمَا خَلَقْنَا

السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ • و نیافریدیم آسمان و زمین را و آنچه درمیان اینهاست

بازی کنان لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهْوًا لَاتَّخَذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ •

اگر میخواستیم که بسازیم بازی یعنی زن و فرزند هر آینه میساختیم آنرا از نزدیک خویش اگر کننده بودیم

یعنی مجردمی بودند و این مناقضه لطیفه ست حاصل آنکه در رسل این استعداد جاری نیست که چرا

آدمی رسول باشد بلکه و تنزیه از زن و فرزندی میتوان تقریر کرد که اگر خدا را زن و فرزندی بود محدود واجب الوجود
جامع اوصاف کمال نبود و الله اعلم بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ
وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ • بلکه می افکنیم حق را بر باطل پس سر او میشکند پس ناگهان باطل نابود شود
و وای شما راست از آنچه بیان می کنید وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ
لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ • و او راست هر که در آسمانها و زمین است
و آنان که نزدیک او یند یعنی ملأ اعلی سرکشی نمیکنند از عبادت او و مانده نمی شوند يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ
وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ • تسبیح میگویند شب و روز سستی نمی نمایند أَمِ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِنَ
الْأَرْضِ هُمْ يُنْشِرُونَ • آیا بجنس خدایان گرفته اند از امتعه زمین یعنی از زر و فضه که ایشان
بعد موت باز برانگیزانند مراد از این کلام رد است بر عبادت اصنام لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ
لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ • اگر بودی در آسمان و زمین خدایان چند
غیر خدا هر دو تباه گشتندی پاکی خدا راست خداوند عرش از آنچه صفت می کنند لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ
وَهُمْ يُسْأَلُونَ • بر رسیده نمیشود خدا از آنچه می کند و ایشان بر رسیده میشوند أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ
دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرُ مَنْ مَعِيَ وَذِكْرُ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ
لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ • آیا معبودان گرفته اند بجز خدا بگو بیارید دلیل خود را این است
کتاب آنانکه با من اند و کتاب آنانکه پیش از من بودند بلکه اکثر ایشان نمیدانند حق را پس ایشان روگردانند •
وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ
و نفرستادیم پیش از تو هیچ پیغامبری الا وحی فرستادیم بسوی او که نیست هیچ معبود بحق غیر من
پس پرستش من کنید • وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُكْرَمُونَ
و گفتند فرزند گرفته است خدا پاکی او راست بلکه آنان که در حق ایشان این زعم دارند بندگان گرامی اند
لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ • پیش دستی نمیکنند بر خدا به هیچ سخن و ایشان بفرمان
وی کار میکنند يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى وَهُمْ

مِنْ خَشْيَتِهِ

مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ • میداند آنچه در پیش روی ایشانست و آنچه پس پشت ایشانست و
شفاعت نمی‌کنند الا برای کسیکه خدا خشنود شده است و ایشان از ترس خدا مضطرب باشند وَمَنْ يَقُلْ
مِنْهُمْ إِنِّي إِلَٰهٌ مِنْ دُونِهِ فَذَٰلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ • و هر که
بگوید از ایشان که من خدایم بجز الله پس سزا میدهیم او را دوزخ همچنین سزا میدهیم ستمکاران را اَوَ
لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ
الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ • آیا ندیدند کافران که آسمانها و زمین ها بسته بودند پس
وا کردیم اینها را مترجم گوید وا کردن آسمانها نازل کردن مطر است و وا کردن زمین رویانیدن گیاه
از وی و پیدا کردیم از آب هر چیز زنده را آیا ایمان نمی‌آرند وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ
بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ • و پیدا کردیم در زمین کوهها از برای
احتراز آنکه بجنباند ایشان را و پیدا کردیم در وی گشاده راهها بود که ایشان راه یابند وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا
مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ • و ساختیم آسمان را سقفی نگاهداشته شده و ایشان از نشانهای
آسمان روگردانند وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ
و اوست آنکه آفرید شب و روز را و آفتاب و ماه را از هر یک از ستاره ها در آسمانی شنا می‌کنند وَمَا جَعَلْنَا
لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ • و ندادیم هیچ آدمی را پیش از تو همیشه بودن
آیا اگر تو بمیری ایشان همیشه باشند کانند كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ
فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ • هر شخصی چشنده مرگ است و مبتلا میکنیم شما را بسختی و آسودگی بطریق امتحان
و بسوی ما باز گردانیده شوید وَإِذَا رَآكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَٰذَا الَّذِي
يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَٰنِ هُمْ كَافِرُونَ • چون ببینند ترا کافران نمیگیرند ترا مگر بمسخره
میگویند آیا این شخص یاد می‌کند یعنی بملامت معبودان شما را و ایشان بیاد خدا منکر اند خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ
عَجَلٍ سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ • آفریده شد آدمی از شتابی و این کنایت است از غلبه استعجال
بر آدمی والله اعلم خواهم نمود شما را نشانهای خویش پس شتاب طلب مکنید از من وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا

الوعد ان كنتم صادقين ۝ و ميگويند كي خواهد بود اين وعده اگر راست گوييد لو يعلم
الذين كفروا حين لا يكفون عن وجوههم النار و لا عن ظهورهم و لا هم ينصرون ۝
اگر بدانند كافران صورت حال آن وقت كه باز نتوانند داشت از روي خويش آتش را و نه از پشت خويش
و نه ايشان نصرت داده شوند چنين نگفتندي بل تأتيهم بغتة فتبهتهم فلا يستطيعون
ردها و لا هم ينظرون ۝ بلكه بيايد بايشان قيامت ناگهان پس حيران گرداند ايشانرا
پس نتوانند دفع كردن آن و نه ايشان مهلت داده شوند و لقد استهزئ برسل من قبلك
فحاق بالذين سخروا منهم ما كانوا به يستهزءون ۝ و هر آينه تمسخر كرده شد به پيغامبران
پيش از تو پس در گرفت بآنانكه تمسخر كردند از ايشان جزاي آن استهزا ميكردند قل من يكلؤكم
بالليل و النهار من الرحمن بل هم عن ذكر ربهم معرضون ۝ بگو كه نگاهباني ميكند
شمارا در شب و روز از عقوبت خدا بلكه ايشان از ياد پروردگار خويش روي گردانند ام لهم
آلهة تمنعهم من دوننا لا يستطيعون نصر انفسهم و لا هم منا يصحبون ۝
آيا ايشانرا معبودانند غير ما كه نگاه ميدارند ايشانرا از مصائب نميتوانند نصرت دادن خويش را
و نه ايشان از عقوبت ما بجمعيت خود محفوظ مانند بل متعنا هؤلاء و آباءهم حتى طال عليهم
العمر افلا يرون انا نأتي الارض ننقصها من اطرافها افهم الغالبون ۝
بلكه بهره مند ساخته ايم ايشانرا و پدران ايشانرا تا آنكه دراز شد بر ايشان مدت آيا نمي بينند كه در گرفت
ميگيريم زمين دار الحرب ميكاهيم انرا از جوانب آن آيا ايشان غلبه كنندگانند يعني باسلام اسلم و غفار
پيش از هجرت قل انما انذركم بالوحي و لا يسمع الصم الدعاء اذا ما ينذرون
بگو جز اين نيست كه مي ترسانم بمضمون وحي و نمي شنوند كران آواز خواندن چون ترسانيده مي شوند
و لئن مستهم نفحة من عذاب ربك ليقولن يا ويلنا انا كنا ظلمين ۝ و اگر رسد
بايشان اندكي از عقوبت پروردگار تو هر آينه گويند اي واي ما را هر آينه ما بوديم ستمكاران و
نضع الموازين القسط ليوم القيمة فلا تظلم نفس شيئا و ان كان مثقال حبة

من خردل

من خردل اتينا بها وكفى بنا حاسبين • و در میان نهیم ترازوی عدل را در قیامت پس
ستم کرده نشود بر هیچ کس هیچ ستمی و اگر باشد عمل هم سنگ دانه سپندان حاضر کنیم آنرا و ما حساب کننده ایم
ولقد اتينا موسى وهارون الفرقان وضياء وذكرا للمتقين • و هر آینه دادیم
موسی و هارون را کتاب فیصل کننده و روشنی و پندی پرهیزکاران را الذين يخشون ربهم
بالغيب وهم من الساعة مشفقون • آنانکه می ترسند از پروردگار خویش غایبانه و ایشان
از قیامت ترسندگانند وهذا ذكر مبارك انزلناه افانتم له منكرون • و این قرآن پندیست
ربع
با برکت فرو فرستادیم آنرا آیا شما بآن منکرید ولقد اتينا ابراهيم رشده من قبل وكنا
به عالمين • و هر آینه دادیم ابراهیم را راه یابی وی پیش ازین و بودیم باحوال او دانا اذ قال
لابيه وقومه ما هذه التماثيل التي انتم لها عاكفون • و چون گفت پدر خود را و قوم
خود را چیست این صورتها که شما بران مجاورت دارید قالوا وجدنا اباءنا لها عابدين
گفتند یافتیم پدران خود را پرستنده آنها قال لقد كنتم انتم واباؤكم في ضلال
مبين • گفت هر آینه بودید شما و پدران شما در گمراهی ظاهر قالوا اجئتنا بالحق ام انت
من اللاعبين • گفتند آیا آوردی بما سخن راست را یا تو از بازی کنندگانی قال بل
ربكم رب السموات والارض الذي فطرهن وانا على ذلكم من الشاهدين
گفت بلکه پروردگار شما خداوند آسمانها و زمین است آنکه آفرید اینها را و من برین سخن از گواهانم
وتالله لاكيدن اصنامكم بعد ان تولوا مدبرين • و بخدا که البته بد سگالی کنم
بتان شما را بعد از آنکه روی بگردانید پشت داده فجعلهم جذاذا الا كبيرا لهم لعلهم اليه
يرجعون • پس ساخت آنها را ریزه ریزه مگر بت بزرگ را که ایشان را بود که بسوی او باز گردند
قالوا من فعل هذا بالهتنا انه لمن الظالمين • گفتند که کرده است این کار بخدایان ما
هر آینه وی از ستمکاران است قالوا سمعنا فتى يذكرهم يقال له ابراهيم • جماعه گفتند شنیدیم
از جوانی که ذکر بتان میکرد یعنی عیب میکرد گفته میشود او را ابراهیم قالوا فاتوا به على اعين الناس
به

لعلهم يشهدون • كفتند او را بياريد بحضور چشم مردمان تا بود كه ايشان كواهى دهند قالوا
ءانت فعلت هذا بالهتنا يا ابراهيم • كفتند ايا تو كردى اين كار بخدايان ما اى ابراهيم قال
بل فعله كبيرهم هذا فسئلوهم ان كانوا ينطقون • كفت بلكه كرده بت آنرا
اين بت بزرك ايشان پس سوال كنيد از ايشان اكر سخن ميكويند فرجعوا الى انفسهم فقالوا
انكم انتم الظلمون • پس رجوع كردند بخويشتن پس كفتند با يكديكر هر آينه شما ايد ستمكار ثم
نكسوا على رءوسهم لقد علمت ما هؤلاء ينطقون • پس نكونسار شدند بر سر خويش و اين
كفتند بت از لازم شدن هر آينه تو ميدانى كه ايشان سخن نميكويند قال افتعبدون من
دون الله ما لا ينفعكم شيئا ولا يضركم اف لكم ولما تعبدون من
دون الله افلا تعقلون • كفت ايا عبادت ميكنيد بجز خدا چيزى را كه هيچ نفع نميرساند
بشما و زيان نكند شما را اف خوشى است بشما و بانچه مى پرستيد بجز خدا ايا نمى فهميد قالوا حرقوه
وانصروا الهتكم ان كنتم فعلين • با يكديكر كفتند كه بسوزانيد او را و نصرت دهيد
خدايان خود را اكر كننده ايد قلنا ينار كونى بردا وسلما على ابراهيم • القصه در
آتش انداختند كفتيم اى آتش سرد شو و سلامت باش بر ابراهيم واردوا به كيدا
فجعلنهم الاخسرين • و خواستند با او فريب كردن پس ساختيم ايشانرا زيانكارتر ونجينه
ولوطا الى الارض التى باركنا فيها للعلمين • و رهانيديم ابراهيم را و لوط را بسوى
زمينى كه بركت نهاده ايم در ان عالمها را يعنى زمين شام ووهبنا له اسحق ويعقوب
نافلة وكلا جعلنا صلحين • وعطا كرديم او را اسحاق وعطا كرديم يعقوب كه نبيره ابراهيم
بود و هر يكى را ساختيم نكوكار وجعلنهم ائمة يهدون بامرنا واوحينا اليهم
فعل الخيرات واقام الصلوة وايتاء الزكوة وكانوا لنا عبدين • و پيشوا كردانيديم
ايشانرا راه مينمودند بفرمان ما و وحى فرستاديم بسوى ايشان كردن نكوئيها و برپا داشتن نماز
و دادن زكوة و بودند ما را عبادت كنندكان ولوطا اتينه حكما وعلما ونجينه من

القرية التي كانت تعمل الخبائث انهم كانوا قوم سوء فسقين ۝ و لوط را دادیم
حکمت و علم و برهانیدیم او را از دهی که میکرد کارهای ناپاک هرآینه ایشان بودند قوم بد گناهکار
وادخلناه في رحمتنا انه من الصلحين ۝ و درآوردیم او را در رحمت خویش هرآینه وی بود
از شایسته کاران و نوحا اذ نادی من قبل فاستجبنا له فنجيناه واهله من
الكرب العظيم ۝ و یاد کن نوح را چون دعا کرد پیش ازین پس قبول کردیم دعای او را پس
خلاص کردیم او را و کسان او را از اندوه بزرگ ونصرنه من القوم الذين كذبوا
بايتنا انهم كانوا قوم سوء فاغرقنهم اجمعين ۝ و نصرت دادیم او را بر قومی که دروغ
شمردند آیات ما را هرآینه ایشان بودند گروه بد پس غرق کردیم ایشانرا همه وداود و
سليمن اذ يحكمان في الحرث اذ نفشت فيه غنم القوم وكنا لحكمهم شهدين ۝
و یاد کن داود و سلیمان را چون حکم کردند در باب زراعت چون بوقت شب چرا کرد دران گوسفندان
گروهی و بودیم بر حکم ایشان حاضر یعنی گوسفندان قومی در زراعت قومی دیگر وقت شب درآمدند و چرا
کردند داود علیه السلام حکم کرد بدادن گوسفندان عوض زراعت و سلیمان حکم کرد انقوم را باصلاح زراعت
و آن قوم را بانتفاع از شیر غنم تا وقتیکه زراعت بحال خود رسد و حکم سلیمان اصوب بود والله اعلم ففهمنها
سليمن وكلا اتينا حكما وعلما وسخرنا مع داود الجبال يسبحن والطير وكنا
فاعلين ۝ پس فهمانیدیم طریق فیصل کردن خصومت سلیمان را و هر یکی را داده بودیم حکمت و دانش و مسخر
گردانیدیم با داود کوهها را که با او تسبیح میکردند و مرغانرا نیز مسخر ساختیم و ما بودیم کننده وعلمنه صنعة
لبوس لكم لتحصنكم من باسكم فهل انتم شكرون ۝ و بیاموزانیدیم او را ساختن لباسی برای شما که
نگاه دارد شما را از ضرر کارزار شما یعنی ساختن زره پس آیا هستید شکر کننده ولسليمن الريح عاصفة
تجري بامره الى الارض التي بركنا فيها وكنا بكل شيء علمين ۝ و مسخر ساختیم برای سلیمان
باد تند وزنده میرفت بفرمان وی بسوی زمین که برکت نهادیم دران یعنی شام و بودیم بهر چیز دانا ومن
الشيطين من يغوصون له ويعملون عملا دون ذلك وكنا لهم حفظين ۝ و مسخر ساختیم

از دیوان جماعه را که غواصی میکردند برای او و میکردند کاری جز آن نیز و بودیم ایشان را نگاهدارنده وَاَيُّوْبَ
اِذْ نَادٰى رَبَّهٗۤ اَنِّيْ مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرّٰحِمِيْنَ ۔ و یاد کن ایوب چون ندا کرد بجناب پروردگار
خویش با آنکه مرا رسیده سخت رنج و تو مهربان ترین مهربانانی فَاسْتَجَبْنَا لَهٗ فَكَشَفْنَا مَا بِهٖ مِنْ ضُرٍّ
وَّاٰتَيْنٰهُ اَهْلَهٗ وَمِثْلَهُمْ مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَذِكْرٰى لِلْعٰبِدِيْنَ ۔ پس قبول کردیم
دعای او را پس دور ساختیم آنچه با وی بود از رنج و عطا کردیم او را فرزندان او و مانند ایشان همراه
ایشان بسبب مهربانی از نزدیک خویش و یادی بود عبادت کنندگان را وَاِسْمٰعِيْلَ وَاِدْرِيْسَ وَذَا الْكِفْلِ
كُلٌّ مِّنَ الصّٰبِرِيْنَ ۔ و یاد کن اسمعیل را و ادریس را و ذو الکفل را هر یکی از صبر کنندگان بودند و
اَدْخَلْنٰهُمْ فِيْ رَحْمَتِنَا اِنَّهُمْ مِّنَ الصّٰلِحِيْنَ ۔ در آوردیم ایشان را در رحمت خود هر آینه ایشان
از نیکوکاران بودند وَذَا النُّوْنِ اِذْ ذَّهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَّنْ نَّقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادٰى
فِي الظُّلُمٰتِ اَنْ لَّاۤ اِلٰهَ اِلَّاۤ اَنْتَ سُبْحٰنَكَ اِنِّيْ كُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِيْنَ ۔ و یاد کن ذا النون را
چون رفت خشم خورده یعنی بر قوم خود بغیر اذن الهی والله اعلم پس گمان کرد که تنگ نکنیم بروی القصه
حوت او را الحلق در کشید پس ندا کرد در تاریکیهای با آنکه هیچ معبود بحق نیست غیر تو پاکی ترا است هر آینه
من بودم از ستمکاران فَاسْتَجَبْنَا لَهٗ وَنَجَّيْنٰهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُـْۨجِي الْمُؤْمِنِيْنَ ۔
پس قبول کردیم دعای او را و نجات دادیمش از غم و همچنین ما نجات میدهیم مسلمانان را وَزَكَرِيَّاۤ
اِذْ نَادٰى رَبَّهٗ رَبِّ لَا تَذَرْنِيْ فَرْدًا وَّاَنْتَ خَيْرُ الْوٰرِثِيْنَ ۔ و یاد کن زکریا را چون ندا کرد
بجناب پروردگار خویش ای پروردگار من مگذار مرا تنها و تو بهترین وارثانی فَاسْتَجَبْنَا لَهٗ وَ
وَهَبْنَا لَهٗ يَحْيٰى وَاَصْلَحْنَا لَهٗ زَوْجَهٗ اِنَّهُمْ كَانُوْا يُسٰرِعُوْنَ فِي الْخَيْرٰتِ وَيَدْعُوْنَنَا
رَغَبًا وَّرَهَبًا وَكَانُوْا لَنَا خٰشِعِيْنَ ۔ پس قبول کردیم دعای او را و بخشیدیم او را یحیی و نیکو ساختیم
برای او زن او را هر آینه این پیغمبران شتابی میکردند در نیکیها و میخواندند ما را بتوقع و خوف و بودند
برای ما نیاز مند وَالَّتِيْۤ اَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيْهَا مِنْ رُّوْحِنَا وَجَعَلْنٰهَا وَابْنَهَاۤ اٰيَةً
لِّلْعٰلَمِيْنَ ۔ و یاد کن زنی را که بعفت نگاهداشت شرمگاه خود را پس دمیدیم در آن روح خود را و ساختیم

او را و پسر او را

او را و پسر او را نشانه برای عالمیان ان هذه امتکم امة واحدة وانا ربکم فاعبدون • کفتیم این
اینست ملت شما ملت یکتا و منم پروردکار شما پس عبادت کنید یعنی اصل دین واحدست و اختلاف
در فروع مباشد وتقطعوا امرهم بینهم کل الینا راجعون • و متفرق شدند ایشان در کار خود
یعنی در اصل دین در میان خویش هر یک بسوی ما رجوع کننده کانند فمن یعمل من الصلحت وهو
مؤمن فلا کفران لسعیه وانا له کاتبون • پس هر که بکند از جنس کارهای شایسته و او مومن
باشد پس ناقبولی نبود سعی او را و هر آینه ما برای او می نویسیم وحرام علی قریة اهلکناها انهم
لا یرجعون • و محال بر دهی که هلاک کرده ایم او را آنکه باز کردند یعنی بدنیا حتی اذا فتحت
یاجوج وماجوج وهم من کل حدب ینسلون • تا وقتی که کشاده شود یاجوج و ماجوج
ایشان از هر بلندی بشتابند واقترب الوعد الحق فاذا هی شاخصة ابصار الذین
کفروا یا ویلنا قد کنا فی غفلة من هذا بل کنا ظالمین • و نزدیک برسد وعده راست پس
ناکهان حال اینست بالا دوخته شود چشم کافران کویند وای بر ما هر آینه در غفلت بودیم ازینحال بلکه بودیم
ستمکاران انکم وما تعبدون من دون الله حصب جهنم انتم لها واردون •
هر آینه شما و آنچه می پرستید بجز خدا یعنی بتان آتش انکیز دوزخ باشند شما بروی حاضر شوید لو کان
هؤلاء الهة ما وردوها وکل فیها خالدون • اکر می بودند اینها خدایان حاضر نمی شدندی بر
دوزخ و همه ایشان انجا جاوید باشند لهم فیها زفیر وهم فیها لا یسمعون • ایشانرا
انجا ناله باشد و ایشان انجا هیچ نشنوند ان الذین سبقت لهم منا الحسنی اولئک عنها
مبعدون • هر آینه آنانکه سابقا مقرر شد برای ایشان از جانب ما نکوئی آن جماعه از دوزخ دور کرده شوند
لا یسمعون حسیسها وهم فی ما اشتهت انفسهم خالدون • نشنوند آواز دوزخ را
و ایشان در آنچه خواهد نفس ایشان جاویدانند لا یحزنهم الفزع الاکبر وتتلقاهم الملئکة
هذا یومکم الذی کنتم توعدون • اندوهکین نسازد ایشانرا آن ترس بزرک و پیش آیند
ایشانرا فرشتکان کویند اینست آن روز که شما را وعده داده میشد یوم نطوی السماء کطی

السجل للكتب كما بدأنا اول خلق نعيده وعدا علينا انا كنا فاعلين ۝
روزیکه در پیچیم آسمانرا مانند پیچیدن طومار وقت نوشتن نامها چنانکه آغاز بدیم اول آفرینش را دیگر باره
کنیم آفرینش وعده لازم بر ما هر آینه ما کننده ایم ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر
ان الارض يرثها عبادي الصالحون ۝ و هر آینه نوشتیم در زبور بعد از توریت که زمین
وارث آن شوند بندگان شایسته ما یعنی در آخر زمان پیغامبر مبعوث شود و امت او بر همه زمین
غالب شوند ان في هذا لبلاغا لقوم عابدين ۝ هر آینه در آنچه گفته شده است کفایت است گروه
عابدانرا وما ارسلناك الا رحمة للعالمين ۝ نفرستادیم ترا مگر از روی مهربانی بر عالمیان قل
انما يوحى الي انما الهكم اله واحد فهل انتم مسلمون ۝ بگو جز این نیست که وحی فرستاده میشود
بسوی من که معبود شما خدای یکتا است پس آیا گردن نهنده هستید فان تولوا فقل اذنتكم على
سواء وان ادري اقريب ام بعيد ما توعدون ۝ پس اگر اعراض کنند بگو خبردار ساختیم
شما را بر وحی که همه برابر باشید و نمیدانم که نزدیک است یا دور است آنچه وعده داده میشوید انه يعلم
الجهر من القول ويعلم ما تكتمون ۝ هر آینه خدا میداند آشکار از سخن و میداند آنچه پنهان می کنید
وان ادري لعله فتنة لكم ومتاع الى حين ۝ و نمیدانم شاید که تاخیر موعود ابتلا باشد شما را
و بهره مندی باشد تا مدتی قال رب احكم بالحق وربنا الرحمن المستعان على ما تصفون ۝
پیغامبر گفت ای پروردگار من حکم کن براستی و پروردگار ما بخشاینده است مدد طلب کرده میشود در آنچه بیان میکنید

سورة الحج مدنية اربع واربعون آية بسم الله الرحمن الرحيم

يا ايها الناس اتقوا ربكم ان زلزلة الساعة شيء عظيم ۝ ای مردمان بترسید از پروردگار
خویش هر آینه زلزله که نزدیک قیامت باشد چیز بزرگ است يوم ترونها تذهل كل مرضعة عما
ارضعت وتضع كل ذات حمل حملها وترى الناس سكارى وما هم بسكارى
ولكن عذاب الله شديد ۝ روزیکه ببینید آنرا غافل شود هر شیر دهنده از طفلی که شیر میدهد و
بنهد هر زن باردار شکم خود را و ببینی مردمانرا مست شده و نیستند مست ولیکن عذاب خدا سخت است

ومن الناس

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطٰنٍ مَرِيدٍ كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ
مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ ۝ وازمردمان کسی هست که گفت وگو
می کند درشان خدا بغیر دانش وپیروی مینماید هر شیطان متمرد را که در قضای الهی نوشته شده است
بروی که هر که دوستداری وی کند پس وی گمراه کندش وراه نمایدش بسوی عذاب آتش ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ
فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنٰكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ
مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ

وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ

لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفّٰى وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ
شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ
زَوْجٍ بَهِيجٍ ۝ ای مردمان اگر در شک اید از رستخیز پس هر آینه ما آفریدیم شمارا از خاک باز از نطفه باز
از خون بسته باز از گوشت پاره صورت داده وغیر صورت داده میگوییم تا واضح سازیم برای شما وقرار
میدهیم در رحمها چیزی را که خواستیم تا میعادی معین باز بیرون می آریم شمارا کودکی شده باز تربیت
می کنیم تا برسید بنهایة جوانی خود واز شما کسی بود که قبض ارواح او کرده آید واز شما کسی بود که باز گردانیده شود
ببد ترین عمر تا نداند چیزی را بعد از آنکه میدانست ومی بینی زمین را خشک شده پس وقتیکه فرو فرستادیم
بران آب جنبش کند وبلند شود وبرویاند از هر قسم رونق دار ۝ ذٰلِكَ بِأَنَّ اللهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ
يُحْيِ الْمَوْتٰى وَأَنَّهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ این همه بسبب آنست که الله همونست ثابت وآنکه وی زنده
می کند مردگان را وآنکه وی بر همه چیز تواناست ۝ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللهَ
يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ۝ وآنکه قیامت آمدنیست نیست هیچ شبهه دران وآنکه خدا برانگیزاند آنانرا
که در گورها ۝ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتٰبٍ مُنِيرٍ ۝
وازمردمان کسی هست که گفت وگو کند درشان الله بغیر دانش وبغیر هدایت وبغیر کتاب روشن
ثَانِيَ عِطْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَذَابَ
الْحَرِيقِ ۝ پیچنده صفت گردن خود یعنی تکبر کنان تا گمراه کند از راه خدا او راست در دنیا رسوایی

وبچشانیم اورا روز قیامت عذاب سوختن ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ يَدَاكَ وَأَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ
لِلْعَبِيدِ • گوییم این بسبب اعمال است که پیش فرستاده اند دو دست تو و بسبب آنست که خدا نیست ستم کننده
بر بندگان وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللّٰهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ
أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ •
و از مردمان کسی هست که عبادت می کند خدا را بر کناره پس اگر برسد اورا نعمتی آرام گیرد بان عبادت و اگر
برسد اورا بلائی برگردد بر روی خود زیانکار شده در دنیا و آخرت اینست زیان ظاهر يَدْعُو مِنْ
دُونِ اللّٰهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ذٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ • میخواند بجز
خدا چیزی را که زیان نرساندش و سود ندهدش اینست گمراهی دور يَدْعُو لَمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ
نَفْعِهِ لَبِئْسَ الْمَوْلَىٰ وَلَبِئْسَ الْعَشِيرُ • میخواند کسی را که زیان او نزدیکتر است از سود او هر آئنه
بد خداوندیست و بد یاریست إِنَّ اللّٰهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ • هر آئنه خدا در آرد آنان را که ایمان آورده اند
و کارهای شایسته کرده اند در بوستانها که میرود زیر آن جویها هر آئنه خدا می کند آنچه میخواهد مَنْ كَانَ
يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللّٰهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ
لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ • هر که پنداشته باشد که نصرت نخواهد داد خدا
پیغامبر را در دنیا و آخرت پس باید که بیاویزد رسنی بجانب بالا باز باید که خفه شود پس در نگرد آیا دور میکند
این تدبیر او چیزی را که بخشم آورد یعنی اگر ازین غصه بمیرد هیچ ضرر نکند وَكَذٰلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ
بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللّٰهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ • و همچنین فرو فرستادیم قرآن را آیات روشن و بدرستی
که خدا راه مینماید هر کرا میخواهد إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَىٰ
وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللّٰهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللّٰهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
شَهِيدٌ • هر آئنه آنان که ایمان آوردند و آنانکه یهودی شدند و ستاره پرستان و ترسایان و گبران
و مشرکان خدای تعالی فصل خواهد کرد میان ایشان روز قیامت هر آئنه خدا بر هر چیز مطلع است أَلَمْ تَرَ

انقلب

أَنَّ اللّٰهَ

سجده

أن الله يسجد له من في السموات ومن في الأرض والشمس والقمر والنجوم والجبال
والشجر والدواب وكثير من الناس وكثير حق عليه العذاب ومن يهن الله فما له
من مكرم إن الله يفعل ما يشاء آیا نه دیدی که سجده می کنند خدای تعالی را آنانکه در آسمانها اند
و آنانکه در زمین اند و آفتاب و ماه و ستاره ها و کوهها و درختان و چهارپایان و بسیاری از مردمان
و بسیار کس هستند که ثابت شده ست برایشان عذاب و هر کرا خوار کند خدا پس نیست او را هیچ گرامی
دارنده هر آینه خدا می کند آنچه میخواهد هذان خصمان اختصموا في ربهم فالذين كفروا قطعت
لهم ثياب من نار يصب من فوق رءوسهم الحميم يصهر به ما في بطونهم والجلود ولهم
مقامع من حديد این دو فریق دشمنان یکدیگر اند خصومت کردند در شان پروردگار خویش پس
آنانکه کافر شدند قطع کرده شد برای ایشان جامها از آتش ریخته شود بالای سر ایشان آب گرم گداخته گردد
بآن هر چه در شکم ایشان باشد و پوست نیز و برای کوفتن ایشان مهیا باشد گرزهای آهن كلما أرادوا
أن يخرجوا منها من غم أعيدوا فيها وذوقوا عذاب الحريق هر گاه که خواهند که برآیند از دوزخ
خلاص شوند از اندوه باز گردانیده شوند آنجا و گفته شود بچشید عذاب سوختن إن الله يدخل الذين
آمنوا وعملوا الصالحات جنات تجري من تحتها الأنهار يحلون فيها من أساور من
ذهب ولؤلؤا ولباسهم فيها حرير و هر آینه خدا در می آرد آنها را که ایمان آوردند و کارهای
شایسته کردند در بوستانها میرود زیر آن جویها پیرایه پوشانیده شوند آنجا دستوانها از زر و پوشانیده شوند
مروارید و لباس ایشان آنجا ابریشم بود وهدوا إلى الطيب من القول وهدوا إلى صراط الحميد
و راه نموده شد یعنی از دنیا ایشانرا پاکیزه از سخن و دلالت کرده شد ایشانرا براه خدای ستوده
إن الذين كفروا ويصدون عن سبيل الله والمسجد الحرام الذي جعلناه للناس
سواء العاكف فيه والباد ومن يرد فيه بإلحاد بظلم نذقه من عذاب أليم هر آینه
آنانکه کافر شدند و باز میدارند از راه خدا و از مسجد حرام که پیدا کرده ایم آنرا برای مردمان یکسان آنجا متوطن
و صحرانشین بچشانیم ~~ایشانرا عذاب درد دهنده~~ و هر که خواهد آنجا کجروی کردن بستمکاری بچشانیم او را عذاب درد دهنده

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ
وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ۔ و یاد کن چون معین ساختیم برای ابراهیم موضع خانهٔ کعبه را این سخن گفته
شریک مقرر مکن با من هیچ چیز را و پاک کن خانهٔ مرا برای طواف کنندگان و ایستادگان و رکوع کنندگان
و سجود کنندگان یعنی برای نماز گذاران وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ
يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ۔ و آوازه ده در میان مردمان بحج تا بیایند پیش تو پیاده و سواره بر هر شتر لاغر
بیایند این شتران لاغر از راه دور لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ
عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ۔ تا حاضر شوند
نزدیک فائده‌ها برای خویش و یاد کنند نام خدا را در روز چند دانسته شده یعنی یوم نحر و بعد از وی بر ذبح
آنچه خدای تعالی روزی داده است ایشان را از قسم چارپایان مواشی پس بخورید از آن و بخورانید درمانده
درویش را ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ۔ باز باید که
دور کنند چرک تن خود را و بوفا رسانند نذرهای خود را و طواف نمایند بآن خانهٔ قدیم یعنی کعبه زیرا که
اول بنا شد بعد از آن بیت المقدس ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ حُرُمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ
وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا
قَوْلَ الزُّورِ حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ
فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ ۔ و اینست حکم و هر که تعظیم کند
شعایر خدا را پس این تعظیم کردن بهتر است او را نزدیک پروردگار او و حلال کرده شد برای شما
مواشی یعنی شتر و گاو و گوسپند مگر آنچه خوانده خواهد شد بر شما یعنی میته و خون مسفوح پس احتراز
کنید از پلیدی بتان و احتراز کنید از سخن دروغ یعنی گواهی دروغ حنیفی دین شده برای خدا
غیر شریک مقرر کننده با وی و هر که شریک مقرر کند با خدا پس گویا فرود افتاد از آسمان پس بربایند
او را مرغان مردارخوار یا فرو افکند باد او را بمکانی دور حاصل آنست که هلاک شد بوجهی که
امید نجات نماند ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ لَكُمْ فِيهَا

منافع

منافع الى اجل مسمى ثم محلها الى البيت العتيق اینست حکم و هر که تعظیم کند شعائر
خدا را پس این تعظیم از تقوی دلهاست شما را دران مواشی فایده هاست تا میعادی معین بار جای
ورود آمدن آن بخانهٔ قدیم ست ولكل امة جعلنا منسكا ليذكروا اسم الله على ما رزقهم
من بهيمة الانعام فالهكم اله واحد فله اسلموا وبشر المخبتين ٭ و هر امتی را معین ساختیم
طریق قربانی تا یاد کنند نام خدا بر آنچه داده ست ایشان را از چهارپایان مواشی پس خدای شما خدای یکیست
پس او را منقاد شوید یا محمد بشارت ده نیایش کنندگان را الذين اذا ذكر الله وجلت قلوبهم
والصابرين على ما اصابهم والمقيمي الصلوة ومما رزقناهم ينفقون ٭ آنان را که چون
یاد کرده شود خدا بترسد دل ایشان و صبر کنندگان را بر آنچه برسد بر ایشان و برپا دارندگان نماز را و آنان را
که از آنچه روزی دادیم با ایشان خرج می کنند والبدن جعلناها لكم من شعائر الله لكم فيها
خير فاذكروا اسم الله عليها صواف فاذا وجبت جنوبها فكلوا منها واطعموا
القانع والمعتر كذلك سخرناها لكم لعلكم تشكرون ٭ و شتران قربانی را ساخته ایم برای شما
از شعائر خدا شما را دران نیکی هست پس یاد کنید نام خدا را بر نحر آن چهارپای استاده پس چون بزمین افتند
پهلوی آن بخورید از آن و بخورانید درویش بی سوال را و سوال کننده را همچنین رام کردانیدیم چهارپایان را
برای شما بود که شکر کنید لن ينال الله لحومها ولا دماؤها ولكن يناله التقوى منكم كذلك
سخرها لكم لتكبروا الله على ما هداكم وبشر المحسنين ٭ نمی رسد بخدا گوشت قربانیها و نه خون
اینها لکن برسد بوی پرهیزکاری از شما و همچنین رام کردانید قربانیها را برای شما تا بزرگی یاد کنید خدا را
بشکر آنکه راه نمود شما را و بشارت ده نیکوکاران را ان الله يدافع عن الذين امنوا ان الله
لا يحب كل خوان كفور ٭ هر آینه خدا دفع می کند از مسلمانان یعنی ضرر اعدای ایشان را هر آینه خدا دوست ع
نمی دارد هر خیانت کننده ناسپاس را اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا وان الله على نصرهم
لقدير ٭ و دستوری جهاد داده شد آنها را که کفار با ایشان جنگ می کنند بسبب آنکه ایشان مظلوم شدند
و هر آینه خدا بر نصرت دادن ایشان تواناست الذين اخرجوا من ديارهم بغير حق الا ان

يقولوا ربنا الله ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع وبيع
وصلوات ومساجد يذكر فيها اسم الله كثيرا ولينصرن الله من ينصره ان
الله لقوي عزيز . آنانكه چون بيرون آورده شد ايشانرا از خانهاي ايشان بغير حق بلكن
بسبب آنكه مي گفتند پروردگار ما خداست واگر نبودي دفع كردن خدا مردمانرا بعض ايشان ببعضي
ويران كرده ميشدند خلوتهاي رهبانان وعبادتخانهاي نصارى وعبادتخانهاي يهود وعبادتخانهاي
مسلمانان ياد كرده ميشود دران مواضع نام خداي بسياري والبته نصرت خواهد داد خدا كسي را كه قصد
نصرت دين وي كند هر آينه خدا توانا غالب است الذين ان مكناهم في الارض اقاموا الصلوة
واتوا الزكوة وامروا بالمعروف ونهوا عن المنكر ولله عاقبة الامور نصرت خواهد داد
آنرا كه اگر دسترس دهيم ايشانرا در زمين برپا دارند نماز را وبدهند زكوة را وبفرمايند بكار پسنديده
ومنع كنند از كار ناپسنديده وخداي راست عاقبت همه كارها وان يكذبوك فقد كذبت
قبلهم قوم نوح وعاد وثمود وقوم ابراهيم وقوم لوط واصحاب مدين وكذب
موسى فامليت للكافرين ثم اخذتهم فكيف كان نكير . اگر دروغ شمرده اند ترا پس هر آينه
دروغ شمرده بودند پيش ازيشان قوم نوح وعاد وثمود وقوم ابراهيم وقوم لوط واهل مدين ودروغ
شمرده شد موسى را پس مهلت دادم اين كافرانرا باز گرفتار كردم ايشانرا پس چگونه بود عقوبت من فكاين
من قرية اهلكناها وهي ظالمة فهي خاوية على عروشها وبئر معطلة
وقصر مشيد . پس بسا دهي كه هلاك ساختيم آنرا واو ستمكار بود پس وي افتاده است بر سقفهاي
خود وبسا چاه بيكار مانده وبسا محل بلند خراب شده افلم يسيروا في الارض فتكون لهم
قلوب يعقلون بها او اذان يسمعون بها فانها لا تعمى الابصار ولكن تعمى فانها
القلوب التي في الصدور . آيا سير نكرده اند در زمين تا بود ايشانرا دلها كه فهم كنند بآن
يا گوشها كه بشنوند بآن هر آينه حال اينست كه نابينا نمي شوند چشمها وليكن نابينا ميشوند آن دلها كه
در سينه اند ويستعجلونك بالعذاب ولن يخلف الله وعده وان يوما عند

رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ • و زود می طلبند از تو عذاب و هرگز خلاف نخواهد کرد خدا وعده
خود را و هر آینه یک روز نزدیک پروردگار تو مانند هزار سال است از آنچه می شمرید یعنی اگر خواهد کار هزار سال در یک روز
تمام کند لیکن بسبب اهمال بسبب عجز نیست بلکه بنابر مصلحتی که جز او کسی نمیداند وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمْلَيْتُ
لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَيَّ الْمَصِيرُ • و بسا دهی که مهلت دادم آنرا و آن ستمکار بوده
باز گرفتار کردم آنرا و بسوی من است بازگشت قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ •
بگو ای مردمان جز این نیست که من برای شما ترسانندهٔ آشکارا ام فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ • پس آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند ایشانراست آمرزش
و روزی نیک وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ • و آنانکه سعی کردند
در رد آیات ما عاجز کنان بزعم خود ایشانند اهل دوزخ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ
وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ
ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ • و نفرستادیم پیش از تو فرستاده و نه صاحب وحی الا چون
آرزوی بخاطر بست یا فکند شیطان چیزی در آرزوی او پس دور می کند خدا آنچه شیطان انداخته است باز محکم
می کند خدا آیات خود را و خدا دانا با حکمت است مترجم گوید مثلا آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم بخواب دیدند که فتح
کرده اند زمینی که نخل بسیار دارد پس وهم بجانب یمامه و هجر رفت و در نفس الامر مدینه بود و مثلا آنحضرت صلی الله
علیه و آله و سلم بخواب دیدند که بمکه در آمده اند و حلق و قصر می کنند پس وهم آمد که در همان سال باشد و واقع شود و در نفس الامر
بعد از سالهای چند متحقق شد و در امثال این صورت امتحان مخلصان و منافقان در میان آید والله اعلم
لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ
لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ • تا بگرداند خدا آنچه شیطان انداخته است بلائی در حق آنان که در دل ایشان بیماریست و آنانکه
سخت است دل ایشان و هر آینه ستمکاران در مخالفت دور و دراز اند وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ
مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
و تا بدانند آنانکه داده شد دانش ایشانرا علم که آن وحی راست است از جانب پروردگار تو پس ایمان آرند بآن

بر بائش کنند برای خدا دل ایشان و هر آینه خدا راه نماینده است مسلمانان را بسوی راه راست ولا یزال الذین

کفروا فی مریة منه حتی تأتیهم الساعة بغتة او یأتیهم عذاب یوم عقیم ۔ و همیشه باشند

کافران در شبهه ازان وحی تا وقتیکه بیاید بایشان قیامت ناگهان یا بیاید بایشان عقوبت روزی نهایت نحس

الملک یومئذ لله یحکم بینهم فالذین آمنوا وعملوا الصالحات فی جنات النعیم ۔ بادشاهی آنروز

خدا راست حکم کند میان ایشان پس آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند در بوستانهای نعمت باشند

والذین کفروا وکذبوا بآیاتنا فاولئک لهم عذاب مهین ۔ و آنانکه کافر شدند و دروغ شمردند آیات

ما را آنجماعه ایشانرا باشد عذاب خوار کننده والذین هاجروا فی سبیل الله ثم قتلوا او ماتوا لیرزقنهم

الله رزقا حسنا وان الله لهو خیر الرازقین ۔ و آنانکه هجرت کردند در راه خدا پس کشته شدند یا مردند

هر آینه روزی دهد ایشانرا خدا روزی نیک یعنی بهشت و هر آینه خدا وی بهترین روزی دهندگان است

لیدخلنهم مدخلا یرضونه وان الله لعلیم حلیم ۔ والبته در آرد ایشانرا بموضعی که خشنود شوند ازان

و هر آینه خدا دانا بردبار است ذلک ومن عاقب بمثل ما عوقب به ثم بغی علیه لینصرنه الله

ان الله لعفو غفور ۔ حکم اینست و هر که در پی ایذای کسی افتاد بمانند آنکه ایذا داده شد او را بعد ازان تعدی

کرده شد بروی هر آینه نصرت خواهد داد او را خدای هر آینه خدا بخشنده آمرزگار است ذلک بان الله

یولج اللیل فی النهار ویولج النهار فی اللیل وان الله سمیع بصیر ۔ این نصرت بسبب آنست که

خدا در می آرد شب در روز و روز را بشب و آنست که خدا شنوا بیناست ذلک بان الله هو الحق وان

ما یدعون من دونه هو الباطل وان الله هو العلی الکبیر ۔ این نصرت بسبب آنست که خدا همونست

ثابت و آنچه میخوانند کافران بجز وی همونست باطل و آنست که خدا همونست بلند مرتبه و بزرگ قدر الم تر

ان الله انزل من السماء ماء فتصبح الارض مخضرة ان الله لطیف خبیر ۔ آیا ندیدی

که خدا فرود آورد از آسمان آب پس زمین سرسبز شود هر آینه خدا لطف کننده داناست له ما فی السموات

وما فی الارض وان الله لهو الغنی الحمید ۔ او راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است

هر آینه خدا همونست بی نیاز ستوده الم تر ان الله سخر لکم ما فی الارض والفلک تجری فی البحر

بامره ويمسك السماء ان تقع على الارض الا باذنه ان الله بالناس لرءوف رحيم ·
آیا نمیبینی که خدا مسخر کرد برای شما آنچه در زمین است و کشتی ساخت کشتیها میرود در دریا بفرمان او و نگاه میدارد
آسمان را از آنکه بیفتد بر زمین مگر بدستوری او هر آینه خدا در حق مردمان بخشاینده مهربان است وهو الذي احياكم
ثم يميتكم ثم يحييكم ان الانسان لكفور · و اوست آنکه زنده کرد شما را باز میراند شما را باز زنده کند
شما را هر آینه آدمی ناسپاس است لكل امة جعلنا منسكا هم ناسكوه فلا ينازعنك في الامر وادع
الى ربك انك لعلى هدى مستقيم · برای هر گروهی معین کرده ایم شریعتی که ایشان عمل کننده اند بر آن
پس باید که نزاع نکنند با تو در کار و بخوان بسوی پروردگار خویش هر آینه تو بر راه راستی وان جادلوك فقل الله
اعلم بما تعملون · و اگر مکابره نمایند با تو بگو خدا دانا تر است آنچه میکنید الله يحكم بينكم يوم القيمة فيما
كنتم فيه تختلفون · خدا حکم خواهد کرد میان شما روز قیامت در آنچه اندر آن اختلاف میکنید درین آیه اشارت است
بآنکه اختلاف شرایع بسبب اختلاف عصور است و همه شرایع حق اند در زمان خود معمول به پس نزاع در حقیقت آنها نباید
والله اعلم الم تعلم ان الله يعلم ما في السماء والارض ان ذلك في كتب ان ذلك على الله
يسير · آیا ندانستی که خدا میداند هر چه در آسمانها و زمین است هر آینه این همه ثبت است در کتابی هر آینه این همه بر خدا
آسان است ويعبدون من دون الله ما لم ينزل به سلطنا وما ليس لهم به علم وما للظلمين
من نصير · و عبادت میکنند بجز خدا چیزی را که فرو نفرستاده است خدا حجتی بر آن و چیزی که نیست ایشان را بثبوت آن
دانش و نیست ستمکاران را هیچ یاری دهنده واذا تتلى عليهم ايتنا بينت تعرف في وجوه الذين
كفروا المنكر يكادون يسطون بالذين يتلون عليهم ايتنا قل افانبئكم بشر من ذلكم
النار وعدها الله الذين كفروا وبئس المصير · و چون خوانده میشود بر ایشان آیات ما واضح آمده
می شناسی در روی این کافران ناخوشی را نزدیک میشوند که حمله کنند بر آنانکه میخوانند بر ایشان آیات ما بگو آیا خبر دهم
شما را بناخوشتر ازین آن دوزخ است وعده داده است خدا آنرا بکافران و وی بد جای است يايها الناس ضرب
مثل فاستمعوا له ان الذين تدعون من دون الله لن يخلقوا ذبابا ولو اجتمعوا له وان
يسلبهم الذباب شيئا لا يستنقذوه منه ضعف الطالب والمطلوب ما قدروا الله حق قدره

إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ۔ اي مردمان پديد آورده شده سخني پس بشنويد آنرا هر آينه آنانكه ميخوانيد بجز خدا هرگز نتوانند

مگسي را واگر جمع شوند براي آن واگر بربايد از دست ايشان مگس چيزي را خلاص نتوانند كرد آنرا از مگس ناتوان شد طالب ومطلوب

يعني عابد ومعبود تعظيم نكردند خدا را حق تعظيم او هر آينه خدا توانا غالب است اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ

النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۔ خدا برمي گزيند فرستادهاي از فرشتگان واز مردمان هر آينه خدا شنوا بيناست

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۔ ميداند آنچه پيش روي ايشان است وآنچه پس پشت

ايشان است وبسوي خدا بازگردانيده ميشود كارها يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ

وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۔ اي مسلمانان ركوع كنيد وسجود بجاي آريد وعبادت نمائيد پروردگار خود را وكنيد

كار نيكو هر آينه اميد است كه رستگار شويد وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ

فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ

شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ

هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ ۔ جهاد كنيد در راه خدا حق جهادي كه در راه خدا باشد وي برگزيد شما را

ونساخت بر شما در دين هيچ تنگي مشروع كرد دين پدر شما ابراهيم خدا نام نهاد شما را مسلمانان پيش ازين يعني در كتب

سابقه ودر قرآن نيز جهاد كنيد تا باشد پيغامبر گواه بر شما وباشيد شما گواه بر مردمان پس برپا داريد نماز را وبدهيد

زكوة را وچنگ در زنيد بخدا اوست خداوند شما پس نيكو خداوند است ونيكو مددكار

سورة المؤمنون مكية مائة وثماني عشرة آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۔

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ هر آينه رستگار شدند مسلمانان

آنانكه ايشان در نماز خويش بيم كننده اند وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ۔ وآنانكه از بيهوده روي

گردانند وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ۔ وآنانكه ايشان زكوة را اداكننده اند وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ

حَافِظُونَ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ۔ وآنانكه ايشان

شرمگاه خود را نگاه دارنده اند مگر بر زنان خويش يا كنيزكاني كه ملك دست ايشان است هر آينه ايشان نكوهيده نيستند

فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ۔ پس هر كه طلب كند سواي اين الجماعه از حد گذرنده اند

سجده

نزد امام شافعي واحمد رحمهما الله اينجا سجده است پس نزد ايشان در ين سورت دو سجده باشد ونزد ابي حنيفه ومالك رحمهما الله سجده نيست پس در ين سورت يك سجده اول بود ۱۲

والذينهم

والذين هم لامانتهم وعهدهم راعون • و آنان که ایشان امانتهای خود و عهد خود را رعایت کنندگانند
والذين هم على صلوتهم يحافظون • و آنان که ایشان بر نمازهای خود محافظت کنندگانند اولئك هم
الوارثون الذين يرثون الفردوس هم فيها خلدون • ایشانند آن وارثان که عاقبت کار
بدست آرند بهشت را ایشان آنجا جاوید باشندگانند ولقد خلقنا الانسان من سللة من طين •
و هرآینه آفریدیم آدمی را از خلاصه گل ثم جعلناه نطفة في قرار مكين • پس ساختیم آدمی را نطفه در قرارگاه
استوار ثم خلقنا النطفة علقة فخلقنا العلقة مضغة فخلقنا المضغة عظاما
فكسونا العظام لحما ثم انشاناه خلقا اخر فتبارك الله احسن الخلقين • باز ساختیم آن نطفه را
خون بسته پس ساختیم آن خون بسته را گوشت پاره باز ساختیم آن گوشت پاره را استخوانهای چند پس پوشانیدیم
بر آن استخوانها گوشت را باز آفریدیم او را آفرینشی دیگر یعنی نفخ روح و رویدن ناخن پس بزرگست خدا نیکوترین
نگارندگان ثم انكم بعد ذلك لميتون • باز هرآینه شما بعد ازین مرده شوید ثم انكم يوم القيمة
تبعثون • باز هرآینه شما روز قیامت برانگیخته گردید ولقد خلقنا فوقكم سبع طرائق وما كنا
عن الخلق غفلين • و هرآینه آفریدیم بالای شما هفت آسمان و نبودیم از آفرینش بیخبر وانزلنا
من السماء ماء بقدر فاسكناه في الارض وانا على ذهاب به لقادرون • و فرو فرستادیم
از آسمان آب باندازه پس جای دادیم او را در زمین و هرآینه ما بر دور کردن آن توانائیم فانشانا لكم به
جنت من نخيل واعناب لكم فيها فواكه كثيرة ومنها تاكلون • پس بیافریدیم برای شما بآن آب
بوستانها از درختان خرما و انگور شما را در آن بوستانها میوهای بسیار پیدا شود و بعض آنرا می خورید یعنی بطریق قوت
وشجرة تخرج من طور سيناء تنبت بالدهن وصبغ للاكلين • و آفریدیم درختی که بیرون می آید
از طور سینا یعنی درخت زیتون میروید بوجهی که حاصل شود روغن و نان خورش طعام خورندگان را وان لكم في
الانعام لعبرة نسقيكم مما في بطونها ولكم فيها منافع كثيرة ومنها تاكلون • و هرآینه
شما را در چارپایان پندیست می نوشانیم شما را از آنچه در شکم ایشانست و شما را در آن چارپایان منفعتهای
بسیارست و بعض ایشانرا میخورید وعليها وعلى الفلك تحملون • و بر چارپایان و بر کشتیها سوار کرده می شوید

ولقد ارسلنا نوحا الی قومه فقال یقوم اعبدوا الله ما لکم من اله غیره افلا تتقون ۝
وهر آینه فرستادیم نوح را بسوی قوم او پس گفت ای قوم من عبادت خدا کنید نیست شما را هیچ معبود غیر وی
آیا نمی ترسید فقال الملؤا الذین کفروا من قومه ما هذا الا بشر مثلکم یرید ان یتفضل
علیکم ولو شاء الله لانزل ملئکة ما سمعنا بهذا فی ابائنا الاولین ۝ پس گفتند کسانیکه
کافر بودند از قوم او نیست این شخص مگر آدمی مانند شما میخواهد که ریاست پیدا کند بر شما و اگر خواستی خدا هر آینه
فرستادی فرشتگان را نشنیدیم این ماجرا در پدران نخستین ان هو الا رجل به جنة فتربصوا
به حتی حین ۝ نیست این شخص مگر مردی که بوی عارض دیوانگی است پس انتظار وی کنید تا مدتی قال
رب انصرنی بما کذبون ۝ گفت ای پروردگار من نصرت ده مرا بسبب آنکه دروغی شمردند فاوحینا
الیه ان اصنع الفلک باعیننا ووحینا فاذا جاء امرنا وفار التنور فاسلک فیها
من کل زوجین اثنین واهلک الا من سبق علیه القول منهم ولا تخاطبنی فی
الذین ظلموا انهم مغرقون ۝ پس وحی فرستادیم بسوی وی که بساز کشتی بحضور ما و بفرمان ما
پس چون آمد فرمان ما و جوش زد تنور غضب و در آر در کشتی از هر جنس دو عدد نر و ماده و در آر کسان خود را
الا آنکه از ایشان سبقت کرده است بروی گفته حق و سخن مگو با من در آنکه ستم کردند هر آینه ایشان غرق کردگانند
فاذا استویت انت ومن معک علی الفلک فقل الحمد لله الذی نجنا من القوم الظلمین ۝
پس چون راست نشینی تو و هر که با تو باشد بر کشتی بگو همه ستایش خدا راست آنکه نجات داد ما را از گروه
ستمکاران وقل رب انزلنی منزلا مبارکا وانت خیر المنزلین ۝ و بگوی ای پروردگار من فرود آر
مرا در منزل مبارک و تو بهترین فرود آرندگانی ان فی ذلک لایت وان کنا لمبتلین ۝ هر آینه
درین ماجرا نشانهاست و هر آینه ما بودیم امتحان کننده ثم انشانا من بعدهم قرنا اخرین ۝
باز بیافریدیم بعد از ایشان قرنی دیگر فارسلنا فیهم رسولا منهم ان اعبدوا الله ما لکم
من اله غیره افلا تتقون ۝ پس فرستادیم میان ایشان پیغامبری از قبیلهٔ ایشان که عبادت خدا کنید
نیست شما را هیچ معبود بجز وی آیا نمی ترسید وقال الملا من قومه الذین کفروا وکذبوا بلقاء

الآخرة

منه

الآخرة وأترفناهم في الحيوة الدنيا ما هذا إلا بشر مثلكم يأكل مما تأكلون ويشرب
مما تشربون • وگفتند رئیسان از قوم وی آنانکه کافر شدند و دروغ شمردند ملاقات سرای بازپسین را
و آسودگی داده بودیم ایشان را در زندگانی دنیا نیست این شخص مگر آدمی مانند شما میخورد از آنچه شما میخورید و
می آشامد از آنچه شما می آشامید • ولئن أطعتم بشرا مثلكم إنكم إذا لخاسرون • و اگر فرمانبرداری کنید
آدمی را مانند خویش هر آینه شما آنگاه زیانکار باشید أيعدكم أنكم إذا متم وكنتم ترابا
وعظاما أنكم مخرجون • آیا وعده میدهد شما را که شما چون بمیرید و شوید خاکی و استخوانی بیرون
آورده خواهید شد هيهات هيهات لما توعدون • بعید است بعید است آنچه وعده داده میشود
شما را إن هي إلا حياتنا الدنيا نموت ونحيا وما نحن بمبعوثين • نیست زندگانی مگر
زندگانی اینجهانی ما می میریم و زنده میشویم و نیستیم برانگیخته شده یعنی بعض میمیرند و بعض زنده می شوند
إن هو إلا رجل افترى على الله كذبا وما نحن له بمؤمنين • نیست این شخص مگر
مردی که افترا کرده بر خدا دروغ را و ما نیستیم او را تصدیق کننده قال رب انصرني بما كذبون
• گفت ای پروردگار من نصرت ده مرا بمقابله آنکه دروغی شمردند مرا قال عما قليل ليصبحن نادمين
گفت بعد اندک زمانی پشیمان خواهند شد فأخذتهم الصيحة بالحق فجعلناهم غثاء فبعدا
للقوم الظالمين • پس گرفت ایشان را آواز سخت بحکم وعده راست پس گردانیدیم ایشان را مثل خاشاک
درهم شکسته پس دوری باد گروه ستمکاران را ثم أنشأنا من بعدهم قرونا آخرين • باز پیدا کردیم
بعد از ایشان قرنهای دیگر را ما تسبق من أمة أجلها وما يستأخرون • سبقت نمی کند هیچ
گروهی از میعاد خود و نه باز پس میمانند ثم أرسلنا رسلنا تترا كلما جاء أمة رسولها كذبوه
فأتبعنا بعضهم بعضا وجعلناهم أحاديث فبعدا لقوم لا يؤمنون • باز فرستادیم
پیغامبران خود را پی در پی هرگاه آمد بامتی پیغامبر او بدروغ نسبت کردند او را پس از پی در آوردیم
بعضی را عقب بعضی یعنی در هلاک و ساختیم ایشان را افسانه پس دوری باد گروهی را که ایمان نمی آرند ثم أرسلنا
موسى وأخاه هارون بآياتنا وسلطان مبين • و باز فرستادیم موسی و برادر او هارون را

بانشانهای خویش و با دلیل ظاهر إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ . بسوی فرعون
و جماعه او پس سرکشی کردند و بودند گروهی سرکشنده فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ
پس گفتند ایا ایمان آریم بدو آدمی مانند خویش و قوم ایشان ما را خدمت کنندگانند فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ
الْمُهْلَكِينَ . پس دروغ گفتند ایشانرا پس بودند از هلاک کردگان وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ
لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ . و هر آینه دادیم موسی را کتاب بود که ایشان راه یابند وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ
وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ . و ساختیم پسر مریم و مادرش را نشانه
و جای دادیم ایشانرا بزمینی بلند خداوند استقرار و خداوند آب روان يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ
الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ . گفتیم ای پیغامبران بخورید از طعام پاکیزه
و بکنید کار نیکو هر آینه بانچه می کنید من دانا ام وَإِنَّ هَٰذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ
و هر آینه اینست ملت شما ملت یکتا و من پروردگار شما ام پس بترسید از من فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ
بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ . پس متفرق ساختند امتان کار خود را در میان خویش
پاره پاره هر گروهی بانچه نزدیک اوست شادمانست فَذَرْهُمْ فِي غَمْرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ . پس بگذار ایشانرا
در غفلت ایشان تا مدتی أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَالٍ وَبَنِينَ نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ
بَلْ لَا يَشْعُرُونَ . ایا می پندارند که انچه امداد میکنیم ایشانرا بآن از مال و فرزندان سعی در نیکیها میکنیم
برای ایشان بلکه نمیدانند یعنی نعمت نیست بلکه استدراجست إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ
مُشْفِقُونَ . هر آینه انان که ایشان از ترس پروردگار خویش مضطرب باشند وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ
رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ . و انان که ایشان بآیات پروردگار خویش ایمان می آرند وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ
لَا يُشْرِكُونَ . و انان که ایشان بپروردگار خویش شریک مقرر نمی کنند وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا
آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ . و انان که می دهند انچه می دهند و دل ایشان ترسانست
بسبب انکه ایشان بسوی پروردگار خویش باز خواهند گشت أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ
وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ . انجماعه سعی میکنند در نیکیها و ایشان بسوی آن سبقت کنندگانند وَلَا نُكَلِّفُ

وَالَّذِينَ

نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ و تکلیف نمی کنیم هیچ کس را مگر
بقدر طاقت او و نزدیک ما کتابیست که سخن میگوید براستی یعنی نامهٔ اعمال و بر ایشان ستم کرده نشود بَلْ
قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِنْ هَٰذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِنْ دُونِ ذَٰلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ ۝ بلکه دل ایشان
در غفلت است ازین سخن و ایشان را عملهاست غیر این یعنی غیر انکار قرآن که ایشان آنرا کننده اند حَتَّىٰ
إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ ۝ در غفلت خویش مانند تا وقتی که گرفتار ساختیم
آسوده کان ایشان را بعذاب ناگهان ایشان فریاد میکردند لَا تَجْأَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنْصَرُونَ ۝
گفتیم فریاد مکنید امروز هر آینه شما از ما نصرت داده نخواهید شد قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ
عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تَنْكِصُونَ ۝ هر آینه خوانده میشد آیات ما بر شما پس شما بر پاشنهای خود باز میگشتید مُسْتَكْبِرِينَ
بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ ۝ تکبر کنان بدان قرآن با فسانه مشغول شده ترک میکردید أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ
أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ ۝ آیا تامل نکردند درین سخن یا آمده است بایشان آنچه نیامده بود
بپدران نخستین ایشان أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ ۝ آیا نشناختند پیغامبر خود را
پس ایشان او را ناشناسا اند أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ
یا میگویند بوی دیوانگیست بلکه آورده است پیش ایشان سخن راست و بیشتری ایشان سخن راست را ناخواهانند
وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ
بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ ۝ و اگر پیروی کردی خدای تعالی آرزوهای ایشان را
هر آینه بی انتظام شدندی آسمانها و زمین و هر که میان ایشان است بلکه آوردیم بدیشان پند ایشان را پس
ایشان از پند خویش روی گردانندگانند أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ
یا میخواهی از ایشان مزدی پس مزد پروردگار تو بهترست و او بهترین روزی دهندگانست وَإِنَّكَ
لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ و هر آینه تو میخوانی ایشان را بسوی راه راست وَإِنَّ الَّذِينَ
لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ ۝ و هر آینه آنان که ایمان نمی آرند بآخرت از آن راه
یکسو شوندگانند وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ و اگر

رحم میکردیم برایشان و برمیداشتیم آنچه بایشان است از سختی هر آینه پیوسته میشدند در گمراهی خود سرگشته
وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ • و هر آینه گرفتار کردیم
ایشان را بعذاب پس نیابس نکردند پروردگار خود را و زاری نمودند حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ
شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ • تا وقتی که بگشادیم برایشان دری خداوند عذاب
سخت ناگهان ایشان در آنجا امید برندگانند وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ
قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ • و اوست آنکه بیافرید برای شما شنوائی و دیدها و دلها اندکی شکرگذاری می‌کنید
وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ • و اوست آنکه پیدا کرد شما را در زمین و سوی وی
برانگیخته خواهید شد وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ •
و اوست آنکه زنده می‌کند و می‌میراند و او راست آمد و شد شب و روز آیا نمی‌فهمید بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ
الْأَوَّلُونَ قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ • بلکه گفتند مانند آنچه
گفته بودند نخستینیان گفتند آیا چون بمیریم و شویم خاکی و استخوانی چند آیا ما برانگیخته خواهیم شد
لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَٰذَا مِن قَبْلُ إِنْ هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ • هر آینه
وعده داده شد باین سخن ما را و پدران ما را پیش ازین نیست این مگر افسانهای پیشینیان قُل لِّمَنِ
الْأَرْضُ وَمَن فِيهَا إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ • بگو کراست زمین و آنچه در آن است بگوئید اگر میدانید
سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ • خواهند گفت خدای راست بگو آیا پند پذیر نمی‌شوید قُلْ
مَن رَّبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ • بگو کیست پروردگار آسمانهای هفتگانه
و پروردگار عرش بزرگ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ • خواهند گفت اینهمه خدای راست
بگو آیا پرهیز نمی‌کنید قُلْ مَن بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِن كُنتُمْ
تَعْلَمُونَ • بگو کیست آنکه بدست اوست پادشاهی هر چیز و او زنهار میدهد و زنهار داده نمی‌شود بر خلاف او
بگوئید اگر میدانید سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّىٰ تُسْحَرُونَ • خواهند گفت اینهمه خدای راست بگو پس
از کجا فریب داده می‌شوید بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ • بلکه آورده ایم بایشان سخن راست

و ایشان

وهر آينه ايشان دروغ گويند ما اتخذ الله من ولد وما كان معه من اله اذا لذهب
كل اله بما خلق ولعلا بعضهم على بعض سبحان الله عما يصفون • هيچ فرزند نگرفته است خدا
ونيست همراه او هيچ خداي ديگر آنگاه ببردي هر خداي چيزي كه آفريده بود وهر آينه غالب آمدي بعض ايشان
بر بعض پاكي صفت ميكنيم خدا را از آنچه تقرير مي كنند عالم الغيب والشهادة فتعالى عما يشركون •
داننده نهان آشكار است برتر است از آنچه شريك مي آرند قل رب اما تريني ما يوعدون
رب فلا تجعلني في القوم الظلمين • بگو اي پروردگار من اگر نمائي مرا آنچه ترسانيده مي شوند
اي پروردگار من پس داخل مكن مرا در گروه ستمكاران وانا على ان نريك ما نعدهم لقدرون
هر آينه ما بر آنكه بنمائيم ترا آنچه وعده مي دهيم بايشان توانائيم ادفع بالتي هي احسن السيئة نحن
اعلم بما يصفون • ومقابله كن بدي را بخصلتي كه آن نيك است ما داناتريم بآنچه بيان مي كنند وقل رب
اعوذ بك من همزات الشياطين واعوذ بك رب ان يحضرون • بگو يا محمد اي پروردگار
مي پناهم بتو از دغدغهاي شياطين و مي پناهم بتو اي پروردگار من از آنكه حاضر شوند بنزد من حتى اذا
جاء احدهم الموت قال رب ارجعون • در غفلت خويش باشند تا وقتي كه بيايد يكي را از ايشان
موت گويد اي پروردگار من باز گردان مرا لعلي اعمل صالحا فيما تركت كلا انها كلمة هو
قائلها ومن ورائهم برزخ الى يوم يبعثون • بود كه كار نيكو كنم در سرائي كه بگذاشتم نه چنين است
هر آينه اين سخني است كه وي گوينده آنست و پس ايشان حجابي باشد تا روزي كه بر انگيخته شوند يعني عالم قبر فاذا
نفخ في الصور فلا انساب بينهم يومئذ ولا يتساءلون • پس چون دميده شود در صور پس
قرابتها نباشد در ميان ايشان آن روز و نه با يكديگر سوال و جواب كنند فمن ثقلت موازينه فاولئك هم
المفلحون • پس هر كه گران آمد پلهء ترازوي او پس آن جماعه ايشانند رستگاران ومن خفت موازينه
فاولئك الذين خسروا انفسهم في جهنم خلدون • وهر كه سبك شد پلهاي ترازوي او پس
آن جماعه آنانند كه زيان كردند در حق خويش در دوزخ جاويد باشند تلفح وجوههم النار وهم
فيها كلحون • مي سوزد روي ايشان را آتش وايشان آنجا روي ترش هستند الم تكن اياتي تتلى

عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ • کویم ایا خوانده نمی شد آیات من بر شما پس آنرا دروغ میداشتید قَالُوا
رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ • گفتند ای پروردگار ما غالب آمد بر ما بدبختی ما
و بودیم گروهی گمراه رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ • ای پروردگار ما بیرون کن ما را
ازینجا پس اگر عود کنیم بکفر پس هر آینه ستمکار باشیم قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ • خدا میفرماید بروای
دور شوید درینجا و سخن مگوئید با من إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا
وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ • هر آینه گروهی از بندگان من میگفتند ای پروردگار ما ایمان آوردیم
پس بیامرز ما را و به بخشای بر ما و تو بهترین بخشایندگانی فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّى أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي
وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ • پس سخره گرفتید ایشانرا تا حدیکه فراموش کردانیدند یاد مرا از دل شما و شما
بر ایشان میخندیدید إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ • هر آینه من جزا دادم ایشانرا
امروز بمقابله صبر ایشان با نکه ایشانند بمراد رسندگان قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ •
گوید خدا چند مدت درنگ کردید در زمین بحساب شمار سالها قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ
الْعَادِّينَ • گفتند درنگ کردیم یکروز یا بعض روز پس بپرس از شمار کنندگان قَالَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا
لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ • گفت خدا توقف نکرده اید مگر اندکی کاش میدانستید أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ
عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ • ایا پنداشتید که آفریدیم شما را بیهوده و آنکه شما بسوی ما گردانیده نخواهید شد
فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ • پس برتر است خدای پادشاه ثابت نیست
هیچ معبود غیر او پروردگار عرش گرامی قدر وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا
حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ • و هر که بخواند با خدا معبود دیگر را که هیچ حجتی نیست
پرستنده را بر ثبوت آن معبود پس جز این نیست که حساب وی نزدیک پروردگار اوست هر آینه رستگار
نمی شوند کافران وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ • و بگو ای پروردگار من بیامرز
و به بخشای و تو بهترین بخشایندگانی سورة النور مدنية وهی اربع وستون آية
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ •

سورة النور

سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۔ این سورت
که فرو فرستادیم آنرا و فرض ساختیم آنرا و فرود آوردیم دران آیات روشن ۔ بود که شما پند گیرید الزَّانِيَةُ
وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ
إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۔
زن زنا کننده و مرد زننده بزنید هر یکی را ازیشان صد دره و باید که در نگیرد شما را شفقت بر ایشان در
جاری کردن شرع خدا اگر ایمان آورده اید بخدا و روز آخر و باید که حاضر شوند بعقوبت ایشان جماعهٔ از مسلمانان
الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرِّمَ
ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ۔ مرد زنا کننده نکاح نمی کند مگر با زن زنا کننده یا شرک آرنده و زن زنا کننده
بزنی نمی گیرد آنرا مگر مرد زنا کننده یا شرک آرنده و حرام ساخته شده است نکاح زانیه بر مسلمانان [illegible] ۔
ازین آیة معلوم شد که زانیه مصره بر زنا را نکاح نتوان کرد و همین است مذهب احمد و تاویل آیت بمذهب حنیفه
و شافعی آنست که حرام کرده شد شرک و زنا بر مسلمانان یا گویند خاص است بقولی یا گویند منسوخ است و فیه ما فیه
وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً
وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۔ و آنان که دشنام میدهند زنان
پرهیزکار را بزنا و نیارند چهار گواه بزنید ایشان را هشتاد دره و قبول نکنید گواهی ایشان را هیچگاه
و انجماعه ایشانند فاسق إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ
مگر آنان که توبه کردند بعد ازین و بصلاح آوردند کار خود را پس هر آینه خدا آمرزنده مهربان است
وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ
أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ۔ و آنان که دشنام میدهند زنان خود را
و نباشد ایشان را گواهان مگر نفس خویشتن پس مخلص گواهی ازیشان است چهار بار که بخدا هر آینه وی
از راست گویان است وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۔ و گواهی
پنجم باین صفت که لعنت خدا باد برو اگر از دروغ گویان باشد وَيَدْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ

تشهد اربع شهادات بالله انه لمن الکاذبین • و باز میگرداند از زن عقوبت را
انکه گواهی دهد چهار بار بخدا هر آینه این شوهر از دروغ گویان است والخامسة ان غضب الله
علیها ان کان من الصادقین • و گواهی دهد پنجم بار باین صفت که خشم خدا باد برین زن
اگر شوهر از راست گویان باشد • ولولا فضل الله علیکم ورحمته وان الله تواب حکیم •
و اگر نمی بود فضل خدا بر شما و رحمت او و آنکه خدا توبه پذیرنده با حکمت است بدجزا که نمی شد مترحم گویند که
در غزوه بنی مصطلق حضرت عایشه متهم شده و منافقان در اشاعت بد نامی سعی کردند و جماعه اظهار
براءة نمودند و جماعه توقف نمودند خدای تعالی براءة صدیقه نازل ساخت و ذم منافقان و مدح
براءة کنندگان و تهدید توقف کنندگان فرمود ان الذین جاؤا بالافک عصبة منکم
لا تحسبوه شرا لکم بل هو خیر لکم لکل امرئ منهم ما اکتسب من الاثم والذی
تولی کبره منهم له عذاب عظیم • هر آینه آنان که آوردند تهمت را جماعتی اند از شما مپندارید
این تهمت را بد در حق خویش بلکه آن بهتر است برای شما هر کسی را از ایشان جزا است که حاصل کرد از معصیت
و آنکه سر انجام داد عمده آن تهمت را از ایشان او راست عذاب بزرگ یعنی عبدالله بن ابی منافق لولا
اذ سمعتموه ظن المؤمنون والمؤمنات بانفسهم خیرا وقالوا هذا افک مبین
چرا نشد که چون شنیدید آنرا گمان میکردند مردان مسلمانان و زنان مسلمانان در حق خویش نیکی او می گفتند
این افترای ظاهر است لولا جاؤ علیه باربعة شهداء فاذ لم یاتوا بالشهداء فاولئك
عند الله هم الکاذبون • چرا نیاوردند برین سخن چهار گواه پس چون نیاوردند گواهان را پس آن گروه
نزدیک خدا ایشانند دروغ گو ولولا فضل الله علیکم ورحمته فی الدنیا والاخرة
لمسکم فیما افضتم فیه عذاب عظیم • و اگر نمی بود فضل خدا و رحمت او در دنیا و آخرت
هر آینه میرسید شما را درین مقدمه که گفت و شنید کردید در آن عذاب بزرگ اذ تلقونه بالسنتکم
وتقولون بافواهکم ما لیس لکم به علم وتحسبونه هینا وهو عند الله عظیم •
چون فرا میگرفتید آنرا بزبانهای خویش و می گفتید بدهان خویش سخنی که نبود شما را بحقیقت آن دانش

ولولا اذ

و می پنداشتید آنرا آسان و او نزدیک خدا بزرگ بود چون میگفتند فلان و فلان چنین میگویند و ما ندیده ایم

و به تحقیق نمیدانیم وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ هٰذَا سُبْحَانَكَ هٰذَا

بُهْتَانٌ عَظِيمٌ • و چرا نشد که چون شنیدید آنرا میگفتید نمیرسد ما را که بزبان آریم این سخن پاکی یاد میکنیم

ترا خدایا این سخن افترائیست بزرگ يَعِظُكُمُ اللّٰهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

پند میدهد شما را خدا تا باز بعمل نیارید مانند این هرگز اگر مسلمان هستید وَيُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْآيَاتِ

وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ • و بیان میکند خدا برای شما آیات را و خدا دانا با حکمت است إِنَّ الَّذِينَ

يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ • هر آینه آنان که دوست

میدارند آنکه فاش شود تهمت بدکاری در مسلمانان ایشانراست عقوبت دردهنده فِي الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةِ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ • در دنیا و آخرت و خدا میداند و شما نمیدانید

وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللّٰهَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ • و اگر نبودی فضل خدا و

رحمت او و آنکه او بخشاینده مهربان است چه چیزها که نمی شد يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا

ع نصف
۴
وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ +

خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ

مَا زَكَىٰ مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ای مسلمانان

از پی مروید گامهای شیطانرا و هر که پیروی گامهای شیطان کند پس هر آینه وی میفرماید به بیحیائی

و کار ناپسندیده و اگر نبودی فضل خدا بر شما و رحمت او پاک نشدی از شما هیچکس هرگز و لیکن الله پاک

میسازد هر کرا میخواهد و خدا شنوا و داناست وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا

أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا

تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللّٰهُ لَكُمْ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ • و باید که سوگند نخورند خداوندان بزرگی

و سعت از شما بر آنکه چیزی ندهند خویشاوندانرا و بی نوایانرا و خانمان ترک کنندگانرا در راه خدا و باید که

عفو کنند و درگذرند آیا دوست نمیدارید که بیامرزد خدا شما را و خدا آمرزنده مهربان است مترجم گوید که بود

درین آیت تعریض است با بوبکر صدیق قسم خورده بود که مسطح را هیچ ندهد و وی یکی از دشنام دهندگان

ان الذين يرمون المحصنت الغفلت المؤمنت لعنوا في الدنيا والاخرة

ولهم عذاب عظيم • هر اينه آنان كه دشنام ميدهند زنان پاك دامن را از بدكاري بيخبران را

ايمان آرندگان را لعنت كرده شدند در دنيا و آخرت و ايشان راست عذاب بزرگ يوم تشهد

عليهم السنتهم وايديهم وارجلهم بما كانوا يعملون • روزيكه گواهي دهند بر ايشان

زبانهاي ايشان و دستهاي و پايهاي ايشان بانچه ميكردند يومئذ يوفيهم الله دينهم الحق

ويعلمون ان الله هو الحق المبين • امروز تمام رساند بايشان جزا بانصاف ايشان را و بدانند كه

خدا همون است كه ثابت ظاهر الخبيثت للخبيثين والخبيثون للخبيثت والطيبت

للطيبين والطيبون للطيبت اولئك مبرءون مما يقولون لهم مغفرة

ورزق كريم • زنان ناپاك لايق اند بمردان ناپاك و مردان ناپاك لايق اند بزنان

ناپاك و زنان پاك لايق اند بمردان پاك و مردان پاك لايق اند بزنان پاك اينجماعه بري اند از انچه

مردم ميگويند ايشان راست آمرزش و روزي نيكو يا ايها الذين امنوا لا تدخلوا بيوتا

غير بيوتكم حتى تستانسوا وتسلموا على اهلها ذلكم خير لكم لعلكم تذكرون •

اي مسلمانان ميائيد بخانهاء غير خانهاي خويش تا آنكه دستوري طلبيد و سلام كنيد بر اهل آن اين

بهتر است شما را بود كه پند پذير شويد فان لم تجدوا فيها احدا فلا تدخلوها حتى

يؤذن لكم وان قيل لكم ارجعوا فارجعوا هو ازكى لكم والله بما تعملون

عليم • پس اگر نيابيد در انجا هيچكس را در ميائيد انجا تا آنكه دستوري داده شود شما را و اگر بشما گفته شود

كه باز گرديد پس بايد كه باز گرديد آن پاكيزه تر است شما را و خدا بانچه مي كنيد داناست ليس عليكم

جناح ان تدخلوا بيوتا غير مسكونة فيها متاع لكم والله يعلم ما تبدون

وما تكتمون • نيست بر شما گناهي از آنكه در آئيد بخانهائي كه مسكن كسي نيست در انجا منفعتي باشد شما را

يعني رباط و وقف و خدا ميداند انچه آشكار ميكنيد و پوشيده ميداريد قل للمؤمنين يغضوا

من ابصارهم ويحفظوا فروجهم ذلك ازكى لهم ان الله خبير بما يصنعون

بدر صحيح لهم

بگو مردان مسلمان

بگو مردان مسلمانان که بپوشند چشم خود را و نگاه دارند شرمگاه خود را این پاکیزه تر است ایشان را
هر آینه خدا خبردار است بانچه می کنند وقل للمؤمنٰت یغضضن من ابصارهن ویحفظن
فروجهن ولا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن
ولا یبدین زینتهن الا لبعولتهن او اٰبائهن او اٰباء بعولتهن او ابنائهن
او ابناء بعولتهن او اخوانهن او بنی اخوانهن او بنی اخواتهن او نسائهن
او ما ملکت ایمانهن او التابعین غیر اولی الاربة من الرجال او الطفل
الذین لم یظهروا علی عورٰت النساء ولا یضربن بارجلهن لیعلم ما یخفین
من زینتهن وتوبوا الی الله جمیعا ایه المؤمنون لعلکم تفلحون • و بگو زنان
مسلمان را که بپوشند چشم خود را و نگاه دارند شرمگاه خود را و آشکارا نکنند آرایش خود را یعنی
مواضع زیور را الا آنچه ظاهر است ازان مواضع یعنی الا وجه و کفین و باید که فرو گذارند مقنعهای
خود را بر گریبانهای خود و ننمایند آرایش خود را الا بشوهران خویش یا بپدران خویش یا بپدران
شوهران خویش یا بپسران خویش یا بپسران شوهران خویش یا برادران خویش یا بپسران برادران
خویش یا بپسران خواهران خویش یا زنان خویش یعنی غیر اهل فساد یا بآنچه مالک او شده است دست ایشان
یعنی غلامان یا طفیلیانی که صاحب شهوة نباشند از مردان یا طفلانی که هنوز مطلع نشده اند بر
شرمگاه زنان را و نه زنند زمین را بپای خویش تا دانسته شود آنچه پنهان کرده اند از زیور خویش و
رجوع کنید بسوی خدا همه یکجا ای مسلمانان که رستگار شوید حاصل این آیت آنست که مواضع زینت
دو قسم است آنچه در ستر آن حرج است و آن وجه و کفین بود و آنچه در ستر آن حرج نیست مانند سر و گردن
و عضد و ذراع و ساق پس ستر وجه و کفین از اجنبیان فرض نیست بلکه سنت است و ستر غیر آن از اجنبیان
فرض است نه از محارم والله اعلم وانکحوا الایامی منکم والصلحین من عبادکم وامائکم
ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع علیم • و نکاح دهید زنان
بی شوهر را از قوم خویش و شایستگان را از بندگان خویش و کنیزکان خویش اگر درویش باشند توانگر کند

ایشانرا خدا از فضل خود و خدا بسیار دهنده داناست وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا
حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ
إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُم مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى
الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَن يُكْرِههُّنَّ فَإِنَّ اللَّهَ
مِن بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ • و باید که پرهیزکاری کنند آنانکه نمی یابند اسباب نکاح
تا آنکه توانگر کند ایشانرا خدا از فضل خویش و آنانکه می طلبند مکاتبه را از بندگانی که مالک آن شده است
دست شما پس مکاتب کنید ایشانرا اگر یابید در ایشان شایستگی و بدهید مکاتبانرا از مال خدا که شما را داده
داشته است و جبر مکنید کنیزکان خود را بر زنا اگر ایشان پرهیزکاری خواهند تا بدست آرید متاع زندگانی
دنیا و هر که جبر کند ایشانرا پس هر آینه خدای تعالی آن کنیزکانرا بعد جبر کردن بر ایشان آمرزنده مهربانست.
وَلَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً
لِّلْمُتَّقِينَ • و هر آینه فرود آوردیم بسوی شما آیتهای روشن با وجود آوردیم داستانیکه از حال آنانکه ع
گذشتند پیش از شما و پند پرهیزکارانرا اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ
فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ
مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ
نَارٌ نُّورٌ عَلَىٰ نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ
بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ • خدا نور آسمانها و زمین است داستان نور وی در قلب مسلمانان ایشت مانند طاقی
که دران چراغ است یعنی فتیله روشن است آن چراغ در شیشه است یعنی در قندیل است آن شیشه گویا
ستاره درخشنده است افروخته میشود از روغن درختی با برکت که عبارت از درخت زیتونست
نه بسمت مشرق روینده و نه بجانب غرب روینده نزدیک است که زیت وی روشنی دهد اگرچه نرسیده باشد
آتش روشنی بر روشنی است راه مینماید خدا بنور خود هر کرا خواهد و بیان میفرماید خدا داستانها برای مردمان
و خدا بهر چیز داناست حاصل این مثل تشبیه نور است که بسبب مواظبت بر طهارت و عبادت در دل مسلمانان

حاصل میشود

حاصل مقصود بود چراغ که در غایت درخشندگی باشد و بحث اشعار بدان مواظبت مینماید فِي بُيُوتٍ
أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ
تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَوٰةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَوٰةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ
فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ
يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ • درخانهائی که دستوری داده است خدا که بلند کرده شود و از او
یاد کرده شود انجا نام او و پاکی یاد می کنند خدا را آنجا صبح و شام مردانیکه باز نمیدارد ایشانرا سوداگری و
نه خرید و فروخت از یاد کردن خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکوة می ترسند از ان روز که مضطرب شوند
دران دلها و دیدها تا جزا دهد ایشانرا خدا بعوض بهترین انچه میکردند و زیاده دهد ایشانرا خدا از فضل خویش
و خدا روزی میدهد هر کرا خواهد بغیر شمار یعنی بسیار وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ
الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ
سَرِيعُ الْحِسَابِ • وانانکه کافر شدند اعمال ایشان مانند سرابی است بمیدانهای هموار می پندارد تشنه آبی
تا وقتی که بیاید نزدیک آن نیابدش چیزی و یافت خدا را نزدیک آن پس تمام رسانید بوی حساب وی را و خدا
زود کننده حساب است حاصل این مثل آنست که اعمال کافر حبط شود و در آخرت آنرا هیچ ثواب نباشد
أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا
أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ • یا مانند تاریکیها در دریای
عمیق پوشیده این کافر را موجی از بالای آن موجی دیگر از بالای آن ابر بود تاریکیها است بعض آن بالای
بعض دیگر چون بیرون آرد دست خود نزدیک نیست که ببیندش و هرکه نداد او را خدا روشنی پس نیست او را
هیچ روشنی حاصل این مثل آنست که بر کافر ظلمات بهیمیه متراکم شده است و انوار ملکیه از وی بکلی معدوم شده است
أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ
وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ • ایا ندیدی که خدا را پاکی یاد میکنندش هرکه در آسمانها و زمین است
و مرغان بال کشاده و هر یکی دانسته است خدا دعای او را و تسبیح او را و خدا داناست بانچه می کنند و لله

مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ

مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاِلَى اللّٰهِ الْمَصِيْرُ • و خدایراست بادشاهی آسمانها و زمین و
بسوی خداست بازگشت اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يُزْجِيْ سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهٗ ثُمَّ يَجْعَلُهٗ رُكَامًا
فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلٰلِهٖ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَآءِ مِنْ جِبَالٍ فِيْهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيْبُ بِهٖ
مَنْ يَّشَآءُ وَيَصْرِفُهٗ عَنْ مَّنْ يَّشَآءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهٖ يَذْهَبُ بِالْاَبْصَارِ • ایا ندیدی که خدا روان
می کند ابررا باز جمع مینماید میان آن باز میسازدش توبرتو پس می بینی قطره را که بیرون می آید از میان آن و
فرود می آرد از جانب بالا از کوهها که انجاست ژاله را پس میرساندش بهرکه خواهد و باز میدارد ش از هرکه خواهد
نزدیک است درخشندگی برقی که دران ابر بوده است دور کند چشمهارا يُقَلِّبُ اللّٰهُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ اِنَّ
فِيْ ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّاُولِي الْاَبْصَارِ • میگرداند خدا شب و روز را هر آینه درین مقدمه پندی هست خداوندان
چشم را وَاللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ دَآبَّةٍ مِّنْ مَّآءٍ فَمِنْهُمْ مَّنْ يَّمْشِيْ عَلٰى بَطْنِهٖ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّمْشِيْ عَلٰى
رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّمْشِيْ عَلٰى اَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللّٰهُ مَا يَشَآءُ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ
و خدا آفرید هر جانوری را از آب پس از ایشانست آنکه میرود بر شکم خود و از ایشانست آنکه میرود بر دو پای
و از ایشانست آنکه میرود بر چهار پای می آفریند خدا هرچه میخواهد هر آینه خدا بر هر چیز تواناست لَقَدْ اَنْزَلْنَا
اٰيٰتٍ مُّبَيِّنٰتٍ وَاللّٰهُ يَهْدِيْ مَنْ يَّشَآءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ • هر آینه فرود آوردیم آیات روشن را
و خدا دلالت میکند هرکرا خواهد بسوی راه راست وَيَقُوْلُوْنَ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَبِالرَّسُوْلِ وَاَطَعْنَا ثُمَّ
يَتَوَلّٰى فَرِيْقٌ مِّنْهُمْ مِّنْ بَعْدِ ذٰلِكَ وَمَآ اُولٰٓئِكَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ • و میگویند منافقان ایمان آوردیم
بخدا و برسول و فرمانبرداری نمودیم و باز روی میگرداند گروهی از ایشان بعد ازین و نیستند ایشان مومنان
وَاِذَا دُعُوْٓا اِلَى اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ اِذَا فَرِيْقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُوْنَ • و چون خوانده شوند
بسوی خدا و رسول او تا حکم فرماید میان ایشان ناگهان جماعتی از ایشان روی گرداننده اند وَاِنْ
يَّكُنْ لَّهُمُ الْحَقُّ يَاْتُوْٓا اِلَيْهِ مُذْعِنِيْنَ • و اگر باشد ایشانرا حق بیایند بسوی او گردن نهاده اَفِيْ قُلُوْبِهِمْ
مَّرَضٌ اَمِ ارْتَابُوْٓا اَمْ يَخَافُوْنَ اَنْ يَّحِيْفَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُوْلُهٗ بَلْ اُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ •
ایا در دل ایشان بیماریست یا در شک افتادند یا میترسند ازانکه ستم کند بر ایشان خدا و رسول او بلکه انجماعه

اٰيٰتٍ مُّبَيِّنٰتٍ

ثلث

ایشانند

ایشانند ستمکاران إنما كان قول المؤمنين إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم
أن يقولوا سمعنا وأطعنا وأولئك هم المفلحون • جز این نیست که میباشد قول مسلمانان چون
خوانده میشود بسوی خدا و رسول او تا حکم کند میان ایشان آنکه گویند شنیدیم و فرمانبرداری کردیم آنجماعه
ایشانند رستگاران ومن يطع الله ورسوله ويخش الله ويتقه فأولئك هم الفائزون
و هرکه فرمانبرداری کند خدا و رسول او را و بترسد از خدا و حذر کند از عذاب او پس ایشانند مرادرسندگان
وأقسموا بالله جهد أيمانهم لئن أمرتهم ليخرجن قل لا تقسموا طاعة معروفة
إن الله خبير بما تعملون • و قسم خوردند بخدا انبوه کردن قسمهای خود که اگر بفرمای ایشانرا البته بیرون
روند البته از وطن بگو قسم مخورید فرمانبرداری پسندیده مطلوبست هر آینه خدا خبردارست بانچه می کنید قل
أطيعوا الله وأطيعوا الرسول فإن تولوا فإنما عليه ما حمل وعليكم ما حملتم وإن
تطيعوه تهتدوا وما على الرسول إلا البلاغ المبين • بگو فرمان برداری خدا کنید و فرمانبرداری
پیغامبر کنید پس اگر روی بگردانید جز این نباشد که بر پیغامبرست آنچه بروی لازم کرده شد و بر شماست آنچه بر شما
لازم کرده شد و اگر فرمانبرداری او کنید راه یابید و نیست بر پیغامبر مگر پیغام رسانیدن آشکار وعد الله
الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض كما استخلف الذين من
قبلهم وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم من بعد خوفهم أمنا يعبدونني
لا يشركون بي شيئا ومن كفر بعد ذلك فأولئك هم الفاسقون • وعده داده است خدا
آنانرا که ایمان آوردند از شما و عملهای شایسته کرده اند البته خلیفه سازد ایشانرا در زمین چنانکه خلیفه ساخته بود
آنانرا که پیش از ایشان بودند یعنی چنانکه بنی اسرائیل را بعد عمالقه پادشاه ساخت و البته محکم کند برای ایشان دین
ایشانرا که پسندیده است برای ایشان و البته بدل کند درباره ایشان بعد از ترس ایشان ایمنی پرستش کنند مرا
و شریک مقرر نکنند با من چیزی را و هرکه ناسپاسی کند بعد ازین پس آن جماعه ایشانند فاسقان یعنی چنانکه قاتلان
حضرت عثمان کردند مترجم گوید تفسیر این آیه در حدیث آمده الخلافة بعدی ثلثون سنة والله اعلم وأقيموا
الصلاة وآتوا الزكاة وأطيعوا الرسول لعلكم ترحمون • و برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را

أمنا

وفرمان برداری کنید پیغامبر را بود که بر شما رحم کرده شود لا تحسبن الذين كفروا معجزين في الارض
ومأوٰهم النار ولبئس المصير • مپندار کافران را عاجز کننده در زمین وجای ایشان آتش است وآن بد
بازگشت است يا ايها الذين امنوا ليستأذنكم الذين ملكت ايمانكم والذين لم يبلغوا
الحلم منكم ثلث مرات من قبل صلوة الفجر وحين تضعون ثيابكم من الظهيرة ومن بعد
صلوة العشاء ثلث عورات لكم ليس عليكم ولا عليهم جناح بعدهن طوافون
عليكم بعضكم على بعض كذلك يبين الله لكم الايت والله عليم حكيم • ای مسلمانان باید که
دستوری طلبند از شما آنانکه مالک ایشان شده است دست شما یعنی غلامان وکنیزکان وآنانکه نرسیده اند بحد احتلام
از شما سه نوبت پیش از نماز فجر و وقتی که فرو می نهید جامهای خود را از نیم روز و پس از نماز عشا این سه ساعت خلوت است
برای شما نیست بر شما و نه بر ایشان هیچ بزه بعد ازینها در آیندگان بر شما بعض از شما بر بعض دیگر همچنین بیان میکند
خدا برای شما آیات را و خدا داننده با حکمت است حاصل آنست که محارم و اطفال نیز درین ساعات استیذان کنند
زیرا که مردمان جامه درین ساعات از تن می کشند و عریان می شوند محصول سخن آنست که محارم را و اطفال را عریان
دیدن درست نیست والله اعلم واذا بلغ الاطفال منكم الحلم فليستأذنوا كما استأذن
الذين من قبلهم كذلك يبين الله لكم ايته والله عليم حكيم • و چون رسند طفلان از شما
بحد احتلام باید که دستوری طلب کنند دستوری می طلبیدند آنانکه پیش از ایشان بودند همچنین بیان میکند خدا برای شما
آیات خود را و خدا دانا با حکمت است والقواعد من النساء التي لا يرجون نكاحا فليس عليهن
جناح ان يضعن ثيابهن غير متبرجت بزينة وان يستعففن خير لهن والله سميع
عليم • و کلان سال از زنان آنانکه توقع نکاح ندارند نیست بر ایشان بزه در آنکه فرو نهند جامهای خود را
نه ظاهر کنان آرایش را و اگر پرهیزکاری کنند بهتر باشد ایشان را و خدا شنوا دانا است ليس على الاعمى حرج
ولا على الاعرج حرج ولا على المريض حرج ولا على انفسكم ان تاكلوا من بيوتكم او
بيوت ابائكم او بيوت امهتكم او بيوت اخوانكم او بيوت اخوتكم او بيوت
اعممكم او بيوت عمتكم او بيوت اخوالكم او بيوت خلتكم او ما ملكتم مفاتحه

او صديقكم

اوصدیقکم لیس علیکم جناح ان تاکلوا جمیعا او اشتاتا فاذا دخلتم بیوتا
فسلموا علی انفسکم تحیة من عند الله مبرکة طیبة کذلک یبین الله لکم الایت
لعلکم تعقلون ٭ نیست بر نابینا گناهی و نه بر لنگ گناهی و نیست بر بیمار گناهی و نه بر ذات شما گناهی
در آنکه بخورید از خانهای خویش یا خانهای پدران خویش یا خانهای مادران خویش یا خانهای برادران
خویش یا خانهای خواهران خویش یا خانهای عمهای خویش یا خانهای عمهای خویش یا خانهای خالهای خویش
یا خانهای خالههای خویش یا خانه که بتصرف شماست کلیدهای او یا نگاهبان و وکیل حفظ او باشید یا خانهای
دوست خویش نیست بر شما هیچ گناهی در آنکه بخورید همه یکجا یا متفرق یعنی اذنی که از رسم و عادت مفهوم است
کفایت می کند و حاجت اذن صریح نیست والله اعلم پس چون در آیید بخانها سلام گوئید بر قوم خویش دعای خیر
با برکت پاکیزه فرود آمده از نزدیک خدا همچنین بیان میکند خدا برای شما آیات را بود که بفهمید انما
المؤمنون الذین امنوا بالله ورسوله واذا کانوا معه علی امر جامع لم یذهبوا
حتی یستاذنوه ان الذین یستاذنونک اولئک الذین یؤمنون بالله ورسوله
فاذا استاذنوک لبعض شانهم فاذن لمن شئت منهم واستغفر لهم الله ان
الله غفور رحیم ٭ جز این نیست که مسلمانان آنانند که ایمان آورند بخدا و برسول او و چون باشند
با وی بر کاری که جمع کردن ایشان می طلبد نروند تا آنکه دستوری طلبند از پیغامبر هر آینه آنانکه دستوری
میطلبند از تو ایشان آنانند که ایمان آورند بخدا و برسول او پس چون اگر دستوری طلبند از تو برای بعض
کار خود دستوری ده هر کرا خواهی از ایشان و آمرزش طلب کن برای ایشان از خدا هر آینه خدا آمرزنده
مهربان است لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضا قد یعلم الله الذین
یتسللون منکم لواذا فلیحذر الذین یخالفون عن امره ان تصیبهم فتنة او
یصیبهم عذاب الیم ٭ مشمارید طلبیدن پیغامبر را در میان خویش مانند طلبیدن بعض از شما
بعض دیگر را هر آینه میداند خدا آنانرا که بآهستگی بیرون روند از شما پناه جویان پس باید که بترسند آنانکه
خلاف حکم پیغامبر می کنند از آنکه برسد بر ایشان بلائی یا برسد بایشان عذابی درد دهنده الا ان لله

مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا

وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ • آگاه شو هر آینه خدا راست آنچه در آسمانها و زمین است میداند روشنی که شما

بر آنید و روزیکه گردانیده شوند بسوی او خبر دهد ایشان را بآنچه کرده اند و خدا بهر چیز داناست

[illegible] بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلٰى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا • بسیار با برکت است آنکه

فرود آورد فرقان خویش بر بندهٔ خویش تا باشد ترساننده عالمیان را الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ

وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهُ

تَقْدِيرًا • آنکه او راست پادشاهی آسمانها و زمین و هیچ فرزند نگرفت و هیچ شریک نیست او را در

پادشاهی و بیافرید هر چیز را پس اندازه کرد او را باندازه وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ

شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا

وَلَا حَيٰوةً وَلَا نُشُورًا • و گرفتند کافران بجز الله آن معبودان را که نمی آفرینند چیزی و خود

نشان آفریده میشوند و نمی توانند برای خویش زیانی و سودی و نمیتوانند مرگ را و نه زندگانی را و نه

برانگیختن را • وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هٰذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرٰهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ

آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا • و گفتند کافران نیست این قرآن مگر دروغی که بر بافته است او را

و یاری داده اند او را بر آن ای وی گروه دیگر پس بعمل آوردند ستم و دروغ را وَقَالُوا أَسَاطِيرُ

الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلٰى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا • و گفتند قرآن افسانهای پیشینیان است

که برای خود نوشته است او را پس آن خوانده میشود بروی صبح و شام یعنی پیاپی گرد قُلْ أَنْزَلَهُ

الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا • بگو فرود آورده است

او را کسی که میداند آن نهان که در آسمانها و زمین است هر آینه وی هست آمرزنده مهربان وَقَالُوا

مَالِ هٰذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ

فَيَكُونَ مَعَهُ نَذِيرًا • و گفتند چیست آن پیغامبر را که میخورد طعام و میرود در بازارها چرا فرستاده نشد

بسوی وی

بسوی وی فرشته تا باشد همراه وی ترساننده أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ

مِنْهَا ۚ وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا ۞ یا چرا نه از آسمان برنهاده شد

بسوی وی گنجی یا چرا نیست او را باغی که بخورد از ان و گفتند ستمکاران پیروی نمی کنید مگر مرد جادو زده را

انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ۞ ببین چگونه زدند مثلها

در حق تو پس گمراه شدند پس نمی یابند هیچ راهی تَبَارَكَ الَّذِي إِن شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّن ذَٰلِكَ

جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَل لَّكَ قُصُورًا ۞ بزرگوارست آنکه خواهد بدهد ترا

بهتر ازین بوستانها که میرود زیر آن جویها و بدهد ترا محلهای بلند یعنی در دنیا بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ

وَأَعْتَدْنَا لِمَن كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا ۞ بلکه دروغ شمردند قیامت را و آماده ساختیم برای

کسی که تکذیب قیامت کند دوزخ را إِذَا رَأَتْهُم مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا ۞

چون به بیند دوزخ ایشان را از مسافت دور بشنوند از وی آواز خشم خوردن و غریدن وَإِذَا أُلْقُوا

مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا ۞ و چون انداخته شوند از ان دوزخ

بمکانی تنگ دست و پا بسته بد دعا کنند آنجا بر خویش بهلاک لَّا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا

وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا ۞ گوییم بد دعا مکنید امروز یک هلاک و بد دعا کنید بهلاک بسیار قُلْ أَذَٰلِكَ

خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ ۚ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا ۞ بگو آیا این بهترست

یا بهشت جاوید آنکه وعده داده شده است متقیان را باشد ایشان را پاداش و جائی بازگشت لَهُمْ فِيهَا

مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ ۚ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ وَعْدًا مَّسْئُولًا ۞ ایشان راست آنجا آنچه خواهند جاویدان است

بر پروردگار تو وعده طلبیده شده وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ

فَيَقُولُ أَأَنتُمْ أَضْلَلْتُمْ عِبَادِي هَٰؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ ۞ و آن روز که جمع کند خدا ایشان را

با آنانکه می پرستند بجز خدا پس گوید آیا شما گمراه کردید این بندگان مرا یا ایشان بخود غلط کرده اند راه را

قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنبَغِي لَنَا أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَٰكِن مَّتَّعْتَهُمْ

وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا ۞ گویند پاکی یاد میکنیم ترا نسزاوار نباشد ما را که

هیچ دوست کریم بجز تو ولیکن بهره مند ساختی ایشانرا و پدران ایشانرا تا آنکه فراموش کردند پند و شدند
گروه هلاک شده فَقَدْ كَذَّبُوكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِمْ کبیرا ۵
مِنْكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا • گوییم ای گروه کافران هر آینه دروغ داشتند شما را این معبودان در آنچه می گویید
پس نمی توانید دفع کردن و نه یاری دادن و هر که ستم کرده باشد از شما بچشانیمش عذاب بزرگ وَمَا
أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ
وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا • و نفرستادیم
پیش از تو پیغامبران مگر باین صفت که ایشان میخوردند طعام و میرفتند در بازارها و ساخته ایم بعض
شما را در حق بعض ابتلای آیا صبر می کنید و هست پروردگار تو بینا وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا ۱۹ ۵
لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا الجزء التاسعة عشره
كَبِيرًا • وگفتند آنانکه توقع ندارند ملاقات ما را چرا فرستاده نشد بر ما فرشتگان یا چرا نمی بینیم پروردگار
خود را هر آینه بزرگ شدند در زعم خویش و سرکشی کردند سرکشی بزرگ يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ
لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَحْجُورًا • روزی که ببینند فرشتگان را
هیچ مژده نیست آن روز گناهکاران را و گویند خدا کند که باز داشته شوید باز داشتن موکد وَقَدِمْنَا
إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا • و متوجه شدیم بسوی آنچه کردند از کردار پس
ساختیم آنرا مانند ذره های پراکنده یعنی حبط کنیم أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ
مَقِيلًا • اهل بهشت آن روز بهتر اند از جهت قرارگاه و نیکوتر اند باعتبار جای استراحت وَيَوْمَ تَشَقَّقُ
السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا • و روزی که بشکافد آسمان همراه ابر و فرود آورده شوند
فرشتگان فرود آوردنی مترجم گوید یعنی آسمان بهیئة معتاده خود باشد اما ابر ناگاه منشق شود والله اعلم
الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا • پادشاهی حقیقی
آن روز خدا راست و باشد آن روز روز دشوار بر کافران وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ
يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا • و روزی که بگزد ستمکار دو دست خود را گوید ای کاش

یا ویلتی

من كرفتمي همراه بيغامبر راهي يا ويلتى ليتني لم اتخذ فلانا خليلا ○ اي واي بر من كاشكي دوست
نكرفتمي فلانرا لقد اضلني عن الذكر بعد اذ جاءني وكان الشيطان للانسان خذولا
هرآينه وي كمراه كرد مرا از پند بعد ازانكه آمده بود بمن وهست شيطان آدمي را در محنت تنها كذارنده وقال
الرسول يا رب ان قومي اتخذوا هذا القران مهجورا ○ وكفت بيغامبر اي پروردكار من
هرآينه قوم من اين قرآن را متروك ساختند وكذلك جعلنا لكل نبي عدوا من المجرمين
وكفى بربك هاديا ونصيرا ○ وهمچنين ساخته ايم براي هر بيغامبر دشمنان از كناهكاران وبس است
پروردكار تو رهنماي ونصرت دهنده وقال الذين كفروا لولا نزل عليه القران جملة
واحدة كذلك لنثبت به فؤادك ورتلناه ترتيلا ○ وكفتند كافران چرا فرود آورده شده
قرآن بر بيغامبر يكدفعه همچنين بدفعات آورديم تا استوار سازيم بآن دل ترا باهستكي ولا ياتونك
بمثل الا جئناك بالحق واحسن تفسيرا ○ ونيارند كافران پيش تو هيچ داستاني مكر بيارم
پيش تو جوابي راست ونيكوتر در بيان الذين يحشرون على وجوههم الى جهنم اولئك
شر مكانا واضل سبيلا ○ آنانكه برانكيخته شوند افتان بر روي خويش بسوي دوزخ انجماعه
بدتر اند باعتبار مكان وغلط كننده اند راه ولقد اتينا موسى الكتب وجعلنا معه
اخاه هرون وزيرا ○ وهرآينه داديم موسي را كتاب ووزير ساختيم همراه او برادر او هارون را
فقلنا اذهبا الى القوم الذين كذبوا باياتنا فدمرناهم تدميرا ○ پس كفتيم برويد
بسوي آن قوم كه دروغ شمردند آيات ما را پس القصه هلاك ساختيم آن قوم را هلاك كردني وقوم
نوح لما كذبوا الرسل اغرقناهم وجعلناهم للناس اية واعتدنا للظلمين
عذابا اليما ○ وقوم نوح چون دروغ شمردند بيغامبران غرق ساختيم ايشانرا وكردانيديم ايشانرا
براي مردمان نشانه ومهيا كرديم براي ستمكاران عذاب درد دهنده وعادا وثمودا واصحب الرس
وقرونا بين ذلك كثيرا ○ وهلاك ساختيم عاد وثمود را واهل رس را وطبقات بسيار را در ميان
ايشانان وكلا ضربنا له الامثال وكلا تبرنا تتبيرا ○ وبراي هر يكي بيان كرديم داستانها

وهر یکی را هلاک ساختیم هلاک کردنی ولقد اتوا علی القریة التی امطرت مطر السوء
افلم یکونوا یرونها بل کانوا لا یرجون نشورا ۰ وهر آینه رسیده اند کافران بدهی که
بارانیده شد بروی باران یعنی باران سنگ ایا نمی دیدند آنرا بلکه توقع نمی داشتند برانگیختن را واذا
راوک ان یتخذونک الا هزوا اهذا الذی بعث الله رسولا ۰ وچون به بینند ترا
الا مسخره ایا این شخص است انکه خدای تعالی بعثت فرستاد ان کاد لیضلنا عن الهتنا لو
لا ان صبرنا علیها وسوف یعلمون حین یرون العذاب من اضل سبیلا ۰
هر اینه نزدیک بود که گمراه کند ما را از پرستش خدایان ما اگر نه آن بودی که شکیبائی کردیم بران و خواهند دانست
چون به بینند عذاب که کیست غلط کننده تر راه را ارایت من اتخذ الهه هویه افانت
تکون علیه وکیلا ۰ ایا دیدی آنرا که خدای خود گرفته است خواهش نفس خود را ایا تو متولی نگاهبان
بروی ام تحسب ان اکثرهم یسمعون او یعقلون ان هم الا کالانعام بل هم
اضل سبیلا ۰ ایا می پنداری که بیشتر ایشان می شنوند یا می فهمند نیستند ایشان الا چهارپایان
بلکه ایشان غلط کننده اند راه را الم تر الی ربک کیف مد الظل ولو شاء لجعله
ساکنا ثم جعلنا الشمس علیه دلیلا ثم قبضناه الینا قبضا یسیرا ۰ ایا ندیدی بسوی
پروردگار خود چگونه دراز کرد سایه را یعنی بعد اسفار قبل از طلوع آفتاب در اول روز واگر خواستی
گردانیدی آنرا ایستاده باز برگماشتیم آفتاب بروی راهنمای یعنی بهر صفت که آفتاب تقاضای کند میرود
باز فرا گرفتیم سایه را بسوی خویش فرا گرفتن آسان وهو الذی جعل لکم اللیل لباسا والنوم
سباتا وجعل النهار نشورا ۰ واوست آنکه ساخت برای شما شب پوششی وخواب راحتی
وساخت روز را وقت برخاستن وهو الذی ارسل الریاح بشرا بین یدی رحمته
وانزلنا من السماء ماء طهورا ۰ واوست آنکه فرستاد بادها را مژده دهنده پیش رحمت
خویش وفرود آوردیم از آسمان آب پاک را لنحیی به میتا ونسقیه مما خلقنا انعاما بلدة
واناسی کثیرا ۰ تا زنده ساختیم بآن آب شهر مرده را وتا نوشانیم آنرا از انچه آفریدیم چهارپایان را

ومردم بسیار را

ومردم بسیار را ولقد صرفناه بینهم لیذکروا فابی اکثر الناس الا کفورا ۝ وهر آینه
گوناگون بیان کردیم پند در میان ایشان تا پند پذیر شوند پس قبول نکردند بیشترین مردمان مگر
ناسپاسی را ولو شئنا لبعثنا فی کل قریة نذیرا ۝ واگر میخواستیم میفرستادیم در هر دیه
ترساننده فلا تطع الکفرین وجاهدهم به جهادا کبیرا ۝ پس فرمان مبر کافران را
وجهاد کن با ایشان بحکم قرآن جهاد بزرگ وهو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات
وهذا ملح اجاج وجعل بینهما برزخا وحجرا محجورا ۝ واوست آنکه درآمیخت دو دریا
این یک آب شیرین دافع تشنگی است وآن دیگر شور بد مزه وساخت میان هر دو حجابی وسدی
مضبوط وهو الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا وکان ربک قدیرا ۝
واوست آنکه آفرید از آب آدمی را پس ساخت آنرا خداوند نسب وخداوند قرابت دامادی وهست
پروردگار تو توانا ویعبدون من دون الله ما لا ینفعهم ولا یضرهم وکان
الکافر علی ربه ظهیرا ۝ ومی پرستند بجز خدا چیزی را که نفع نمیدهد بدیشان وضرر نمیرساند بدیشان
وهست کافر بر مخالفت پروردگار خود پشتی دهنده وما ارسلناک الا مبشرا ونذیرا ۝
ونفرستادیم ترا مگر بشارت دهنده وبیم کننده قل ما اسئلکم علیه من اجر الا من شاء
ان یتخذ الی ربه سبیلا ۝ بگو نمی طلبم از شما بر تبلیغ قرآن هیچ مزدی لیکن هر که خواهد که راه
گیرد بسوی پروردگار خویش گو بگیرد وتوکل علی الحی الذی لا یموت وسبح بحمده
وکفی به بذنوب عباده خبیرا ۝ وتوکل کن بران زنده که هرگز نمیرد وبپاکی یاد کن همراه
ستایش او وبس است وی بگناهان بندگان خویش آگاه الذی خلق السموات والارض
وما بینهما فی ستة ایام ثم استوی علی العرش الرحمن فسئل به خبیرا ۝ آنکه بیافرید
آسمانها وزمین را وانچه در میان آنهاست در شش روز باز مستقر شد بر عرش اوست بخشاینده پس
بپرس از حال وی دانایی را واذا قیل لهم اسجدوا للرحمن قالوا وما الرحمن انسجد
لما تامرنا وزادهم نفورا ۝ وچون گفته شود بکافران که سجده کنید رحمن را گویند چیست رحمن آیا

سجده

سجده کنیم چیزی را که میفرماید ما و زیاده کرد این سخن در حق ایشان رمیدن تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ

فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا بزرگوارست آنکه بساخت در آسمان

برجها و ساخت دران چراغ را یعنی آفتاب و ساخت ماه روشن وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ

خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ۝ و اوست آنکه ساخت شب و روز را جانشین یکدیگر

برای کسیکه خواهد پند گرفتن یا خواهد شکر گذاری کردن وَعِبَادُ الرَّحْمَٰنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى

الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ۝ و بندگان خدا آنانند که میروند بر زمین

باهستگی یعنی تواضع بر ایشان غالبست و چون سخن گویند با ایشان نادانان گویند سلام من شما با

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا ۝ و آنانکه شب میگذارند برای پروردگار خویش سجده کنان

و قیام کنان وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

و آنانکه میگویند ای پروردگار ما باز دار از ما عذاب دوزخ هر آینه عذاب دوزخ لازم شونده ست

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ۝ هر آینه عذاب دوزخ بد آرامگاهست و بد مقامیست وَالَّذِينَ

إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَٰلِكَ قَوَامًا ۝ و آنانکه چون خرج کنند

اسراف نمایند و تنگی نکنند و باشد عطای ایشان میان هر دو معتدل وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ

مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ

يَفْعَلْ ذَٰلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ۝ و آنانکه نمی پرستند با خدا معبود دیگر را و نمی کشند هیچ نفس را که حرام کرده ست

خدا مگر بحق و زنا نکنند و هرکه بکند این کار بر خورد بعقوبت بسیار يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا ۝ دو چند کرده شود او را عذاب روز قیامت و جاوید ماند انجا خوار کرده شده

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ

غَفُورًا رَحِيمًا ۝ مگر آنکه توبه کرد و ایمان آورد و عمل شایسته نمود پس جماعه بدل سازد خدا بدیهای ایشان

بنیکیها و هست خدا آمرزنده مهربان وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا

و هرکه توبه کرد و کار شایسته بعمل آورد پس هر آینه وی رجوع میکند بخدا رجوع کردن وَالَّذِينَ

عملاً

لا یشهدون

لا يشهدون الزور وإذا مروا باللغو مروا كراما ۝ وآنانكه گواهی دروغ نمیدهند وچون
بگذرند بر بیهوده بگذرند بروش بزرگان ۝ والذين إذا ذكروا بآيات ربهم لم يخروا عليها
صما وعميانا ۝ وآنانكه چون پند داده شود ایشانرا بآیات پروردگار ایشان کر و کور نه افتند
بلکه دیده و شنیده سجده کنند ۝ والذين يقولون ربنا هب لنا من أزواجنا وذرياتنا
قرة أعين واجعلنا للمتقين إماما ۝ وآنانكه میگویند ای پروردگار ما ببخش ما را از زنان ما
واز فرزندان ما روشنی چشم وبکن ما را پیشوای متقیان ۝ أولئك يجزون الغرفة بما صبروا
ويلقون فيها تحية وسلاما ۝ آن جماعه جزا داده شود ایشانرا محل بلند بمقابله آنکه صبر کردند و
برخورانیده شود ایشانرا آنجا بدعای خیر و سلام ۝ خالدين فيها حسنت مستقرا ومقاما ۝
جاویدان آنجا بهشت نیک آرامگاه است و نیک مقام است ۝ قل ما يعبأ بكم ربي لولا دعاؤكم
فقد كذبتم فسوف يكون لزاما ۝ بگو باقدر نمیشمارد شما را پروردگار من اگر نباشد عبادت شما

ربع

ع

پس هر آینه دروغ داشتید پس البته باشد جزای آن لازم

سورة الشعراء مكية سبع وعشرون و

بسم الله الرحمن الرحيم

طسم ۝ تلك آيات الكتاب المبين ۝ این آیات کتاب روشن است ۝ لعلك باخع
نفسك ألا يكونوا مؤمنين ۝ شاید تو هلاک کننده خویشتن را بسبب آنکه مسلمان نمی شوند
إن نشأ ننزل عليهم من السماء آية فظلت أعناقهم لها خاضعين ۝ اگر خواهیم
فرود آریم بر ایشان از آسمان نشانه پس شود گردن ایشان بسوی آن نیایش کننده ۝ وما يأتيهم
من ذكر من الرحمن محدث إلا كانوا عنه معرضين ۝ و نمی آید بدیشان هیچ پندی
از جانب پروردگار ایشان نو پدید آورده مگر میباشند از آن روی گردانند ۝ فقد كذبوا
فسيأتيهم أنباء ما كانوا به يستهزءون ۝ پس ثابت شد که ایشان دروغ شمردند پس خواهد آمد
بایشان ما صدق وعده که بآن تسخر میکردند ۝ أولم يروا إلى الأرض كم أنبتنا فيها من كل
زوج كريم ۝ آیا ندیده اند بسوی زمین چه قدر رویانیدیم درینجا از هر جنس نیک ۝ إن في ذلك

بدل
فسيأتيهم

لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ هر آینه درین ماجرا نشانه ایست و نبسند بیشترین ایشان مسلمان
وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝ و هر آینه پروردگار تو همان است غالب مهربان وَإِذْ نَادَى
رَبُّكَ مُوسَى أَنِ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ ۝ و آنگاه که آواز داد
پروردگار تو موسی را که بیا پیش گروه ستمکاران بیا پیش قوم فرعون آیا پرهیزکاری نمی کنند قَالَ رَبِّ
إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ۝ گفت ای پروردگار من هر آینه من میترسم از آنکه دروغ شمرند مرا
وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَى هَارُونَ ۝ و تنگ شود سینه من و جاری نگردد
زبان من پس پیغامبری فرست بسوی هارون وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ۝
و قوم فرعون را بر من گناهی هست پس میترسم که بکشند قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ
مُسْتَمِعُونَ ۝ گفت نه چنین باشد پس هر دو بروید با نشانهای ما هر آینه ما با شما شنونده ایم
فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ پس بیائید بفرعون پس بگوئید هر آینه ما
فرستاده پروردگار عالمها ایم أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ۝ باین پیغام که بفرست همراه ما
بنی اسرائیل را قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ ۝ گفت ای موسی
آیا پرورش نکردیم ترا در میان اهل خویش در حال طفلی و درنگ کردی در میان ما از عمر خود سالها
وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ۝ و کردی آن کردار خود را که از تو
بعمل آمد و تو از ناسپاس دارنده کافی قَالَ فَعَلْتُهَا إِذًا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ ۝ گفت کردم آن کردار
آنگاه و من از گمراهان بودم [illegible] مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي
مِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝ پس گریختم از پیش شما چون بترسیدم از عقوبت شما پس عطا کرد مرا پروردگار من
دانش و ساخت مرا از پیغامبران وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدْتَ بَنِي إِسْرَائِيلَ
و آیا این نعمتی است که منت می نهی بر من که بنده گرفتی بنی اسرائیل را یعنی بنده گرفتن بنی اسرائیل
نعمت شود پس همچنین پرورش کردن که بآن ضرورت بود نعمت نباشد قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا
رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝ گفت فرعون و چیست پروردگار عالمیان قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

ففررت

وما بينهما ان كنتم موقنين • كفت موسى پروردكار آسمانها و زمين و آنچه در ميان اينهاست
اكر يقين آرنده ايد قال لمن حوله الا تستمعون • كفت فرعون آنان را كه حوالى او بودند آيا
نمى شنويد قال ربكم ورب آبائكم الاولين • كفت موسى پروردكار شماست و پروردكار پدران
پيشين شماست قال ان رسولكم الذي ارسل اليكم لمجنون • كفت فرعون هر آينه پيغمبرى كه
فرستاده شد بسوى شما ديوانه است قال رب المشرق والمغرب وما بينهما ان كنتم تعقلون •
كفت موسى پروردكار مشرق و مغرب و آنچه در ميان اينهاست اكر در مى يابيد قال لئن اتخذت
الها غيري لاجعلنك من المسجونين • كفت موسى اكر خدا كرفتى غير مرا البته ترا كنم از زندانيان
قال اولو جئتك بشيء مبين • كفت آيا از زندانيان كنى اكر بيارم پيش تو چيزى روشن را قال
فات به ان كنت من الصادقين • كفت بيار آنرا اكر از راست كويانى فالقى عصاه فاذا
هي ثعبان مبين • پس بينداخت عصاى خود را پس ناكهان وى اژدهاى آشكارا بود ونزع يده
فاذا هي بيضاء للناظرين • و بر آورد دست خود را پس ناكهان وى سفيد بود براى بينندكان
قال للملا حوله ان هذا لساحر عليم • كفت فرعون جماعتى كه حوالى او بودند هر آينه اين شخص
جادوكريست دانا يريد ان يخرجكم من ارضكم بسحره فماذا تامرون • ميخواهد كه
بيرون كند شما را از زمين شما بسحر خود پس چه ميفرماييد قالوا ارجه واخاه وابعث في
المدائن حاشرين • كفتند موقوف دار او را و برادر او را و بفرست در شهرها نقيبان را
ياتوك بكل سحار عليم • تا بيارند پيش تو هر جادوكر دانا را فجمع السحرة لميقات
يوم معلوم • پس جمع كرده شد ساحران را بميعاد روزى معين وقيل للناس هل انتم
مجتمعون • و كفته شد بمردمان آيا شما جمع شونده ايد لعلنا نتبع السحرة ان كانوا
هم الغالبين • بود كه ما پيروى ساحران كنيم اكر ايشان غالب شوند فلما جاء السحرة قالوا
لفرعون ائن لنا لاجرا ان كنا نحن الغالبين • پس چون حاضر شدند ساحران كفتند فرعون را
آيا ما را مزدى بود اكر ما غالب شويم قال نعم وانكم اذا لمن المقربين • كفت آرى هر آينه شما

فالقوا حبالهم وعصیهم شما از مقربان باشید قال لهم موسی القوا ما انتم ملقون • گفت با ایشان موسی بافگنید آنچه شما افگننده اید
وقالوا بعزة فرعون انا لنحن الغالبون • پس انداختند رسنهای خود را و عصاهای خود را و گفتند
قسم بعزت فرعون هر آینه البته ما غالبیم فالقی موسی عصاه فاذا هی تلقف ما یافکون • پس
انداخت موسی عصای خود را پس ناگهان وی فرو می برد آنچه دغا بازی میکردند فالقی السحرة ساجدین
پس انداخته شدند ساحران سجده کنان قالوا آمنا برب العالمین • گفتند ایمان آوردیم بپروردگار
عالمها رب موسی وهارون • پروردگار موسی و هارون قال آمنتم له قبل ان آذن لکم
انه لکبیرکم الذی علمکم السحر فلسوف تعلمون • گفت فرعون آیا ایمان آوردید بموسی
پیش از آنکه دستوری دهم شما را هر آینه وی مهتر شماست آنکه جادو آموخت شما را پس خواهید دانست
لاقطعن ایدیکم وارجلکم من خلاف ولاصلبنکم اجمعین • البته ببرم دستهای شما را
و پاهای شما را یکی از جانب راست و دیگر از جانب چپ و البته بردار کنم شما را همه یکجا قالوا لا ضیر انا
الی ربنا منقلبون • گفتند هیچ زیان نیست هر آینه بسوی پروردگار خویش رجوع کنیم انا نطمع ان
یغفر لنا ربنا خطایانا ان کنا اول المؤمنین • هر آینه ما توقع داریم که بیامرزد برای ما پروردگار ما
گناهان ما را بسبب آنکه شدیم اول مسلمانان واوحینا الی موسی ان اسر بعبادی انکم متبعون •
و وحی فرستادیم بسوی موسی که بوقت شب روان کن بندگان مرا هر آینه شما تعاقب کرده شوید فارسل
فرعون فی المدائن حاشرین • پس فرستاد فرعون در شهرها نقیبان ان هؤلاء لشرذمة
قلیلون • که هر آینه بنی اسرائیل گروهی اندک اند وانهم لنا لغائظون • و هر آینه ایشان ما را بخشم
آورده اند وانا لجمیع حاذرون • و هر آینه ما جماعتیم سلاح پوشیده فاخرجناهم من جنات
وعیون • خدا میفرماید پس بیرون کردیم فرعون را از بوستانها و چشمها وکنوز ومقام کریم
و گنجها و منزل نیک کذلک واورثناها بنی اسرائیل چنین کردیم و میراث دادیم این اشیا بنی اسرائیل
فاتبعوهم مشرقین • پس تعاقب ایشان کردند بوقت اشراق در آمده فلما تراءا الجمعان قال
اصحاب موسی انا لمدرکون • پس چون یکدیگر را دیدند هر دو گروه گفتند یاران موسی هر آینه ما دریافته شدیم

قال کلا

قال كلا ان معي ربي سيهدين • گفت موسی نه چنین است هر آینه همراه من پروردگار من است راه
خواهد نمود فاوحينا الى موسى ان اضرب بعصاك البحر فانفلق فكان كل فرق كالطود العظيم
پس وحی فرستادیم بسوی موسی که بزن بعصای خود دریا را پس دریا شکافته پس شد هر پاره مانند کوه بزرگ
وازلفنا ثم الاخرين • ونزدیک آوردیم آنجا آن دیگران را وانجينا موسى ومن معه اجمعين
وخلاص ساختیم موسی را وآنان را که همراه وی بودند همه یکجا ثم اغرقنا الاخرين • باز غرق ساختیم
آن دیگران را ان في ذلك لاية وما كان اكثرهم مؤمنين • هر آینه درین ماجرا نشانهاست
ونبودند بیشتر ازین ایشان مسلمانان واتل عليهم نبا ابراهيم • وبخوان برایشان خبر ابراهیم اذ قال
لابيه وقومه ما تعبدون • چون گفت به پدر خود و قوم خود چه چیز را می پرستید قالوا نعبد
اصناما فنظل لها عاكفين • گفتند می پرستیم بتان را پس میباشیم برایشان مجاورت کننده قال
هل يسمعونكم اذ تدعون او ينفعونكم او يضرون • گفت آیا می شنوند آواز شما چون میخوانید
یا سودی میرسانند بشما یا زیانی میرسانند قالوا بل وجدنا اباءنا كذلك يفعلون • گفتند نه بلکه
یافتیم پدران خود را که چنین میکردند قال افرايتم ما كنتم تعبدون • گفت آیا دیدید آنچه می پرستید
انتم واباؤكم الاقدمون • شما و پدران پیشین شما فانهم عدو لي الا رب العالمين •
پس هر آینه انها دشمنان من اند لیکن دوست میدارم پروردگار عالمیان را الذي خلقني فهو يهدين
آنکه آفرید مرا پس همون راه نماید مرا والذي هو يطعمني ويسقين • وآنکه او طعام میخوراند مرا
ومی آشاماند واذا مرضت فهو يشفين • وچون بیمار شوم پس همون شفا میدهد مرا والذي
يميتني ثم يحيين • وآنکه بمیراند مرا و باز زنده گرداند مرا والذي اطمع ان يغفر لي
خطيئتي يوم الدين • وآنکه توقع دارم که بیامرزد برای من گناه من روز جزا رب هب لي
حكما والحقني بالصالحين • پروردگارا عطا کن مرا حکمت ولاحق کن مرا بشایستگان واجعل لي
لسان صدق في الاخرين • وپدید آر برای من ذکر نیک در پسینان واجعلني من ورثة
جنة النعيم • وبکن مرا از وارثان بهشت با نعمت واغفر لابي انه كان من الضالين •

وان ربك لهو العزيز الرحيم

وان ربك لغفور رحيم

دیا مرز پدر مرا هر آینه وی بود از گمراهان وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ • و رسوا مکن مرا روزیکه برانگیخته شوند
مردمان يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ • روزیکه فائده ندهد مال و فرزندان إِلَّا مَنْ أَتَى اللّٰهَ
بِقَلْبٍ سَلِيمٍ • لیکن صاحب فائده آن بود که بیارد به پیش خدا دل بی عیب وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ •
و نزدیک کرده شود بهشت برای متقیان وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ • و ظاهر نموده آید دوزخ برای
گمراهان وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ • و گفته شود با ایشان کجاست آنچه می پرستیدید مِنْ دُونِ اللّٰهِ
هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ • بجز خدا ایا نصرت میدهند شما را یا خود انتقام می کشند فَكُبْكِبُوا فِيهَا
هُمْ وَالْغَاوُونَ • پس بر روی انداخته شوند در آنجا بتان و گمراهان وَجُنُودُ إِبْلِيسَ
أَجْمَعُونَ • و لشکرهای شیطان همه یکجا قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ • گویند و ایشان آنجا
بایکدیگر مکابره کنند تَاللّٰهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ • بخدا هر آینه ما بودیم در گمراهی ظاهر
إِذْ نُسَوِّيكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ • چون برابر میساختیم شما را با پروردگار عالمها وَمَا
أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ • و گمراه نکردند ما را مگر این بدکاران فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ • پس
نیست ما را هیچ شفاعت کننده وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ • و نه دوست مهربانی نماینده فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً
فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ • پس کاش مر ما را یکبار رجوع باشد پس شویم از مسلمانان إِنَّ فِي ذٰلِكَ
لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ • هر آینه درین ماجرا نشانه هست و نیستند بیشترین ایشان
مسلمانان وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ • و هر آینه پروردگار تو همون است غالب مهربان
كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ • و دروغی شمردند قوم نوح پیغامبران را إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ ع
نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ • چون گفت با ایشان برادر ایشان نوح ایا نمی ترسید إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ •
هر آینه من برای شما پیغمبر با امانتم فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُونِ • پس بترسید از خدا و فرمان برداری
من کنید وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ • و سوال نمیکنم از شما
بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمها فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُونِ •
پس بترسید از خدا و فرمانبرداری من کنید قَالُوا أَنُؤْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ • گفتند

ایا ایمان آوریم

ایا ایمان آوریم بر تو حال آنکه پیروی تو کرده اند سفلگان قَالَ وَمَا عِلْمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ • گفت
نوح وچه کار است دانش من بآنچه میکردند إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ • نیست حساب ایشان
مگر بر پروردگار من اگر بدانید وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ • نیستم من دور کننده مسلمانان
إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ • نیم من مگر ترساننده آشکار قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنتَهِ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ
مِنَ الْمَرْجُومِينَ • گفتند اگر باز نمانی تو ای نوح البته شوی از سنگساران قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي
كَذَّبُونِ • گفت ای پروردگار من هر آینه قوم من دروغی شمردند مرا فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا
وَنَجِّنِي وَمَن مَّعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ • پس فصل کن میان من و میان ایشان فصل کردن عظیم
و خلاص کن مرا و آنانکه همراه من اند از مسلمانان فَأَنجَيْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ •
پس نجات دادیم او را و آنانرا که همراه او بودند در کشتی پر کرده شده ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ
باز غرق ساختیم بعد ازین باقی ماندگانرا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ • هر آینه
درین ماجرا نشانه است و نیستند اکثر ایشان مسلمانان وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ • و هر آینه
پروردگار تو همان است غالب مهربان كَذَّبَتْ عَادٌ الْمُرْسَلِينَ • دروغی داشتند قبیلهٔ عاد پیغامبرانرا
إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ • چون گفت بایشان برادر ایشان هود آیا نمی ترسید إِنِّي
لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ • هر آینه من برای شما پیغامبر امانتم فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ • پس بترسید از خدا
و فرمان برداری من کنید وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ • و سوال
نمی کنم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمها أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ
آيَةً تَعْبَثُونَ • آیا عمارت می کنید بهر بلندی علامتی بیفائده مشغول شده وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ
لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ • و میسازید محلهای استوار گویا جاوید خواهید ماند وَإِذَا بَطَشْتُم بَطَشْتُمْ
جَبَّارِينَ • و چون دست میکشائید ستمکار شده فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ •
پس بترسید از خدا و فرمان برداری من کنید وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُم بِمَا تَعْلَمُونَ • و بترسید از کسیکه
امداد کرد شما را بآنچه میدانید أَمَدَّكُم بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ • امداد کرده است شما را بچارپایان و فرزندان

وَجَنّٰتٍ وَعُيُونٍ و بوستانها و چشمها اِنِّيٓ اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ● هر آینه

من میترسم بر شما از عذاب روز بزرگ قَالُوا سَوَآءٌ عَلَيْنَآ اَوَعَظْتَ اَمْ لَمْ تَكُنْ مِّنَ الْوٰعِظِينَ

گفتند یکسان است بر ما که پند دهی یا نباشی از پند دهندگان اِنْ هٰذَآ اِلَّا خُلُقُ الْاَوَّلِينَ ● نیست این

مگر عادت پیشینیان وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ● و نیستیم عذاب کرده شدگان فَكَذَّبُوهُ فَاَهْلَكْنٰهُمْ

اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَةً وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ● پس دروغگو داشتند او را پس هلاک ساختیم ایشان را

هر آینه درین ماجرا نشانیست و نبودند بیشترین ایشان مسلمانان وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

هر آینه پروردگار تو همانست غالب مهربان كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ اِذْ قَالَ لَهُمْ اَخُوهُمْ صٰلِحٌ اَلَا تَتَّقُونَ ● چون گفت با ایشان

برادر ایشان صالح آیا نمی ترسید اِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ اَمِينٌ ● هر آینه من برای شما پیغامبر امانتم فَاتَّقُوا اللّٰهَ

وَاَطِيعُونِ ● پس بترسید از خدا و فرمانبرداری من کنید وَمَآ اَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ اِنْ اَجْرِيَ

اِلَّا عَلٰى رَبِّ الْعٰلَمِينَ ● و سوال نمی کنم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار

عالمها اَتُتْرَكُونَ فِي مَا هٰهُنَآ اٰمِنِينَ ● آیا ایمن گذاشته خواهید شد در آنچه اینجاست فِي جَنّٰتٍ

وَعُيُونٍ وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ ● در بوستانها و چشمها و کشتها و خرماستانی که شکوفه

آن نازک است وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فٰرِهِينَ و می تراشید از کوهها خانها استادکار شده

فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيعُونِ ● پس بترسید از خدا و فرمانبرداری من کنید وَلَا تُطِيعُوٓا اَمْرَ الْمُسْرِفِينَ

و انقیاد منمائید فرمان از حد گذرندگان را الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْاَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ● آنانکه

فساد می کنند در زمین و اصلاح نمی نمایند قَالُوٓا اِنَّمَآ اَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ● گفتند جز این نیست که تو از

جادو زدگانی مَآ اَنْتَ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَاْتِ بِاٰيَةٍ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِينَ ● نیستی تو مگر آدمی

مانند ما پس بیار نشانه اگر از راست گویانی قَالَ هٰذِهٖ نَاقَةٌ لَّهَا شِرْبٌ وَّلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ

گفت اینماده شتریست و برای یک نوبت آب خوردن است و شمارا نوبت روزی معین وَلَا تَمَسُّوهَا

بِسُوٓءٍ فَيَاْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ ● و دست مرسانید او را بعقوبت که آنگاه در گیرد شما را عذاب

روز بزرگ فَعَقَرُوهَا فَاَصْبَحُوا نٰدِمِينَ ● پس پی زدند او را پس گشتند پشیمان فَاَخَذَهُمُ

العذاب

الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ پس در گرفت ایشانرا عذاب هر آینه
درین ماجرا نشانه است و نبودند بیشترین ایشان مسلمانان وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝
و هر آینه پروردگار تو همان است غالب مهربان كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ ۝ دروغی شمردند
قوم لوط پیغامبرانرا إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ ۝ چون گفت بایشان برادر ایشان لوط
آیا نمی ترسید إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۝ هر آینه من برای شما پیغمبرا امانتم فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ
پس بترسید از خدا و فرمان من برید وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝
و سوال نمیکنم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمها أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ
مِنَ الْعَالَمِينَ ۝ آیا بقصد شهوت میروید بسوی مردان از اهل عالم وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ
مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ۝ و میگذارید آنچه آفریده است برای شما پروردگار شما از زنان
شما بلکه شما گروهی اید از حد گذشته قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ ۝ گفتند
اگر تو باز نمانی ای لوط هر آینه باشی از بیرون کردگان قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ ۝ گفت هر آینه من
مر عمل شمارا از دشمنانم رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ۝ پروردگارا نجات ده مرا و کسان مرا از وبال
آنچه می کنند فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ۝ پس نجات دادیم او را و کسان او را همه یکجا إِلَّا عَجُوزًا
فِي الْغَابِرِينَ ۝ مگر پیرزنی که بود از باقی ماندگان ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ ۝ باز هلاک ساختیم
آن دیگرانرا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ ۝ و باراندیم بر ایشان بارانی پس
بد است باران ترسانیدگان إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ هر آینه درین ماجرا
نشانه است و نبودند بیشترین ایشان مسلمانان وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝ هر آینه پروردگار تو
همان است غالب مهربان كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ ۝ دروغی شمردند باشندگان ایکه پیغمبرانرا
إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ۝ چون گفت بایشان شعیب آیا نمی ترسید إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۝
هر آینه من برای شما پیغمبرا امانتم فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۝ پس بترسید از خدا و فرمان برداری من کنید
وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ و سوال نمیکنم از شما بر تبلیغ رسالت

هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ
تمام بپیمائید پیمانه را و مباشید از زیان دهندگان وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ • و بسنجید بترازوی
راست وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ • و ناسره مدهید
بمردمان اشیای ایشان را و بی باک مگردید در زمین فساد کنان وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ
الْأَوَّلِينَ • و بترسید از خدا که آفرید شما را و خلق نخستینان را قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ
گفتند جز این نیست که تو از جادو کرانی وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ
و نیستی تو مگر آدمی مانند ما و هر آینه ما می پنداریم ترا از دروغ گویان فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِنَ
السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ • پس بیافکن بر ما پاره از آسمان اگر از راست گویانی قَالَ
رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ • گفت پروردگار من داناتر است بآنچه می کنید فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ
عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ • پس دروغی داشتند او را پس گرفتار کرد
ایشان را عذاب روز سایه بان یعنی آتش بشکل سایه بان ظاهر شد و هلاک ساخت و هر آینه وی بود عذاب
روز بزرگ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ • هر آینه درین ماجرا نشانه است
و نبودند بیشترین ایشان مسلمانان وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ • و هر آینه پروردگار تو همانست
غالب مهربان وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ • و هر آینه قرآن فرود آورده پروردگار عالمیانست
نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ • فرود آوردش او را روح الامین یعنی جبرئیل عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ
الْمُنْذِرِينَ • بر دل تو تا شوی از ترسانندگان بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ • بزبان عربی روشن
وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ • و هر آینه خبر وی در صحیفهای پیشینیانست أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةً
أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ • آیا نیست برای ایشان نشانه اینکه بدانند حقانیت قرآن را عالمان
بنی اسرائیل وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ • و اگر فرود آوردیم قرآن را بر بعض عجمیان فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ
مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ • پس بخواندی بر ایشان هرگز نبودندی آنرا باور دارندگان كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ
فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ • همچنین در آوردیم انکار را در دلهای گناهکاران لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّى

فیاتیهم بغتة وهم لا یشعرون

يروا العذاب الاليم • پس بيايد بايشان ناگهان و ايشان بيخبر باشند فيقولوا هل نحن
منظرون • پس گويند آيا مهلت داده شويم افبعذابنا يستعجلون • آيا عذاب ما را شتاب مطلبند
افرايت ان متعناهم سنين • آيا ديدي كه اگر بهره‌مند سازيم ايشانرا سالها ثم جاءهم
ما كانوا يوعدون • باز بيايد بديشان آنچه ترسانيده ميشدند ما اغنى عنهم ما كانوا
يمتعون • چه چيز را دفع كنند از ايشان بهره‌مند بودن ايشان وما اهلكنا من قرية
الا لها منذرون • و هلاك نكرديم هيچ ديه را الا او را بيم كنندگان بودند ذكرى وما كنا
ظلمين • بجهت پند دادن و نبوديم ستمكار وما تنزلت به الشياطين وما ينبغى لهم
وما يستطيعون • و فرود نياوردند قرآن شيطانان و سزاوار نيست ايشانرا و نمي‌توانند
انهم عن السمع لمعزولون • هر آينه شيطانان از شنيدن يعني شنيدن كلام ملائكه دور كردگانند
فلا تدع مع الله الها اخر فتكون من المعذبين • پس مخوان با خدا معبود ديگر را اگر خوانى
باشي از عذاب كردگانرا وانذر عشيرتك الاقربين • و بيم كن قبيله نزديك خود را واخفض
جناحك لمن اتبعك من المؤمنين • و پست كن بازوي خود را يعني تواضع كن براى آنكه
پيروى تو كردند از مسلمانان فان عصوك فقل اني بريء مما تعملون • پس اگر نافرماني كنند ترا
بگو هر آينه من بيزارم از آنچه شما مي‌كنيد وتوكل على العزيز الرحيم • و توكل كن بر غالب مهربان
الذي يريك حين تقوم • آنكه مي‌بيند ترا وقتيكه مي‌خيزي يعني وقت تهجد وتقلبك في
الساجدين • و مي‌بيند گشتن تو يعني از قيام بركوع و از ركوع بسجود در ميان سجده كنندگان يعني
نمازگزاران انه هو السميع العليم • هر آينه وي همانست شنوا دانا هل انبئكم على
من تنزل الشياطين • آيا خبر دهم شما را بر چه كس فرود مي‌آيند شيطانان تنزل على كل
افاك اثيم • فرود مي‌آيند بر هر دروغگوي گناهكار يلقون السمع واكثرهم كاذبون
مي‌نهند گوش را و بيشترين ايشان دروغگويانند والشعراء يتبعهم الغاون • و شاعران
پيروى ايشان كنند گمراهان الم تر انهم في كل واد يهيمون • آيا نديدي كه ايشان در

هر میدانی سرگردان شوند یعنی هر مضمونی مبالغه کنند وانهم یقولون ما لا یفعلون

وانکه ایشان میگویند انچه نمی کنند الا الذین امنوا وعملوا الصالحات وذکروا الله

کثیرا وانتصروا من بعد ما ظلموا وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

مگر انانکه ایمان اوردند و عملهای شایسته کردند و ذکر خدا کردند بسیاری وانتقام کشیدند بعد از انکه

مظلوم شدند و خواهند دانست ظالمان که بکدام جای باز خواهند گشت سورة النمل مکیة

ثلث وتسعون آية بسم الله الرحمن الرحیم

طس تلك ایت القران وکتب مبین اینها ایات قران وکتاب روشن است

هدی وبشری للمؤمنین هدایت و مژده است برای مسلمانان الذین یقیمون

الصلوة ویؤتون الزکوة وهم بالاخرة هم یوقنون آنانکه برپا میدارند نماز

ومیدهند زکوة را و ایشان باخرت یقین میدارند ان الذین لا یؤمنون بالاخرة

زینا لهم اعمالهم فهم یعمهون هر اینه انان که ایمان نمی آرند باخرت آراسته ایم برای ایشان

کردارهای ایشان را پس ایشان سرگردان میشوند اولئك الذین لهم سوء العذاب

وهم فی الاخرة هم الاخسرون اینجماعه انانند که برای ایشان است سختی عذاب و اینجماعه در آخرة

اینانند زیانکارتر وانك لتلقی القران من لدن حکیم علیم وهر اینه داده میشوی قران

از نزدیک خدا استوارکار دانا اذ قال موسی لاهله انی انست نارا سایتکم منها بخبر

او اتیکم بشهاب قبس لعلکم تصطلون یاد کن انگاه که گفت موسی باهل خود هر اینه

من دیده ام آتشی خواهم آورد از انجا خبری یا خواهم آورد شعله در هیمه فراگرفته باشد که شما گرم شوید

فلما جاءها نودی ان بورك من فی النار ومن حولها وسبحان الله رب العلمین

پس چون رسید باتش آواز کرده آمد که برکت داده شد کسی را که در آتش است وکسی را که در حوالی وی است

وپاکی خدای راست پروردگار عالمها مترجم گوید کسیکه در آتش است ملایکه که دران نور متصور بصورت آتش

بودند وکسی که گرد آتش بودند ملایکه دیگر وفروتر از ایشان والله اعلم یموسی انه انا الله

العزيز الحكيم • اي موسى بحق اينست كه من خداي غالب با حكمتم والق عصاك فلما

رآها تهتز كأنها جان ولى مدبرا ولم يعقب يا موسى لا تخف انى

لا يخاف لدي المرسلون • و بيفكن عصاي خود را پس چون ديد كه عصا مي جنبيد گويا وي

مار است روي بگردانيد پشت داده و باز نگشت گفتيم اي موسى مترس هر آينه نمي ترسند نزديك من پيغمبران

الا من ظلم ثم بدل حسنا بعد سوء فاني غفور رحيم • ليكن آنكه ستم كرد باز عوض آن كرد

نيكي بعد از بدي پس هر آينه من آمرزنده مهربانم وادخل يدك في جيبك تخرج بيضاء من

غير سوء في تسع آيت الى فرعون وقومه انهم كانوا قوما فسقين •

و در آر دست خود را بگريبان خود تا بيرون آيد سفيد شده از غير عيب با اين دو نشانه كه داخل اند

در نه معجزه برو بسوي فرعون و قوم او هر آينه ايشان بودند گروه فاسق فلما جاءتهم آيتنا

مبصرة قالوا هذا سحر مبين • پس آنگاه آمد بديشان نشانهاي ما روشن شده گفتند

اين سحر ظاهر است وجحدوا بها واستيقنتها انفسهم ظلما وعلوا فانظر كيف

كان عاقبة المفسدين • و انكار آن كردند از روي ستمكاري و سركشي و باور داشته بود

آنرا دل ايشان پس نگر كه چگونه بود آخر كار مفسدان ولقد آتينا داود وسليمن علما و

قالا الحمد لله الذي فضلنا على كثير من عباده المؤمنين • و هر آينه داديم داود

و سليمان را علم و گفتند ستايش آن خدايراست كه فضل داد ما را بر بسياري از بندگان مومن خويش

وورث سليمان داود وقال يا ايها الناس علمنا منطق الطير واوتينا

من كل شيء ان هذا لهو الفضل المبين • و وارث شد سليمان داود را و گفت اي مردمان

آموخته شد ما را گفتار مرغان و داده شد ما را از هر نعمتي هر آينه اينست فضل ظاهر وحشر

لسليمان جنوده من الجن والانس والطير فهم يوزعون • و هم آورده شد

براي سليمان لشكرهاي او را از جن و آدميان و مرغان پس انجا بعض را تا رسيدن بعض ايستاده كرده ميشدند

حتى اذا اتوا على واد النمل قالت نملة يا ايها النمل ادخلوا مساكنكم

لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝ تا وقتی که رسیدند بمیدان موران
گفت موریچه ای موریچگان در آئید بخانهای خود تا در هم نشکنند شما را سلیمان ولشکرهای او وادا نستند
فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ
عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ
الصَّالِحِينَ ۝ پس خندان تبسم کرد از گفتار موریچه و گفت ای پروردگار من الهام کن مرا
که شکر این نعمت تو کنم که انعام کرده بر من و بر پدر من و مادر من والهام کن مرا که بجا آرم کردار
شایسته که تو خشنود شوی بآن ودر آر مرا برحمت خود در زمرهٔ بندگان شایستهٔ خویش
وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ ۝ و باز جست احوال مرغان
پس گفت چیست مرا که نمی بینم هدهد را از غایبان شد لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ
أَوْ لَيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝ هر آینه عقوبت کنم مر او را عقوبت سخت یا ذبح کنم او را یا اینکه
بیارد پیش من حجت ظاهر فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ
سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِينٍ ۝ پس توقف کرد اندک مدت دور پس گفت دریافتم خبری که در نیافته بآن و آوردم پیش تو
از قبیلهٔ سبا خبری تحقیق إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ
عَظِيمٌ ۝ هر آینه من یافتم که زنی پادشاهی میکند بر ایشان و داده شده است ویرا از جنس هر نعمتی او را
تختی است بزرگ وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ
الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ۝ یافتم که او و قوم او سجده میکنند
آفتاب را بجز خدا و آراسته است برای ایشان شیطان کردارهای ایشان را پس باز داشت ایشان را
سجده
از راه پس ایشان راه نمی یابند أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ۝ راه نمی یابند سوی آنکه سجده کنند خدا را که بیرون آرد
پوشیده در آسمانها و زمین و میداند آنچه پنهان دارید و آنچه آشکارا میکنید اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ۝ خدای است معبود بحق غیر او پروردگار عرش بزرگ است قَالَ سَنَنْظُرُ

أَصَدَقْتَ

أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ • گفت سلیمان خواهیم دید آیا راست گفتی یا هستی از دروغ گویان
اِذْهَبْ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانْظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ • ببر این نامه مرا
پس بینداز آنرا بسوی ایشان باز روی بگردان از ایشان پس بنگر چه جواب باز میدهند • قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ
إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ • بلقیس گفت ای جماعه رئیسان هر آینه انداخته شد بسوی من نامه گرامی
إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ • هر آینه این نامه از جانب سلیمان است و هر آینه
این نامه بنام خدای بخشاینده مهربان است أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ • باین مضمون که تکبر مکنید
بر من و بیائید پیش من مسلمان شده • قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً
أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ • گفت بلقیس ای جماعه رئیسان جواب دهید مرا در تدبیر من نیستم من فیصل کننده
هیچ کار را تا وقتی که شما حاضر شوید پیش من • قَالُوا نَحْنُ أُولُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ
وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانْظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ • گفتند ما خداوند توانائیم و خداوند کارزار سختیم
و تدبیر مفوض بسوی تو است پس در نگر چه چیز میفرمائی • قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً
أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ • گفت هر آینه پادشاهان
چون در آیند بدیهی خراب کنند آنرا و سازند عزیزترین اهل آنرا رسوا تر و همچنین می کنند وَإِنِّي
مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ • و هر آینه من فرستنده ام
بسوی ایشان تحفه پس بینم که چه باز می آیند فرستادگان • فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ
بِمَالٍ فَمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ • پس چون آمد آن فرستاده نزدیک
پیش سلیمان گفت آیا امداد می کنید مرا بمالی پس آنچه عطا کرده است مرا خدای تعالی بهتر است از آنچه عطا
نموده شما را بلکه شما بتحفه خود شادمان میشوید • اِرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ
بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ • باز رو بسوی ایشان پس هر آینه بیاریم
بر ایشان لشکرهای که طاقت نباشد ایشانرا بمقابله آن و هر آینه بیرون کنیم ایشانرا از آن ده رسوا کرده
و ایشان خوار باشند مترجم گوید سلیمان علیه السلام خواست که بلقیس را معجزه نماید و عقل و جمال او را ادراک نماید

تا اگر مال فرستد بنکاح آرد پس تدبیر ساخت قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي
مُسْلِمِينَ ۝ گفت سلیمان ای عزیزان کدام یک از شما می آرد پیش من تخت او را پیش از آنکه بیایند نزدیک من
مسلمان قَالَ عِفْرِيتٌ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ
لَقَوِيٌّ أَمِينٌ ۝ گفت هیمنی از جن من می آرمش نزدیک تو پیش از آنکه برخیزی از جای خود هر آینه من
بدان عرش توانا با امانتم قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ
إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَٰذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ
أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ ۝
گفت شخصی که نزد او علم بود از کتاب الهی من می آرمش نزدیک تو پیش از آنکه باز گردد بسوی تو چشم تو
پس چون سلیمان دید آنرا قرار گرفته نزدیک خویش گفت این خارق عادت از پروردگار من است
امتحان کند مرا یا شکر گذاری می کنم یا ناسپاسی مینمایم و هر که شکر گذاری کند پس جز این نیست که شکر گذاری
می کند برای نفع خویش و هر که ناسپاسی کرد پس پروردگار من بی نیاز کرم کننده است قَالَ نَكِّرُوا
لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ ۝ گفت سلیمان متغیر سازید
برای امتحان این زن تخت او را ببینیم آیا راه شناخت می آید یا میشود از آنانکه راه نمی یابند فَلَمَّا
جَاءَتْ قِيلَ أَهَٰكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ۝
چون بیامد بلقیس گفته شد آیا همچنین است تخت تو گفت گویا وی همانست و داده شده ما را دانش بحقانیت
سلیمان پیش از این مقدمه و هستیم مسلمان وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا
كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ ۝ و باز داشت سلیمان آن زن را از آنچه عبادت میکرد بجز خدا هر آینه
وی بود از گروه کافران قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ
عَنْ سَاقَيْهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ گفته شد بوی که در آی باین کوشک
پس چون بدید آنرا پنداشتش حوض آب و جامه برداشت از دو ساق خود گفت سلیمان این کوشکی است
بی نقش درخشان ساخته شده از آبگینها قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ

لله رب العلمين

لله رب العالمين ۝ گفت بلقیس ای پروردگار من هر آینه من ستم کرده ام بر خویشتن و اسلام
آوردم همراه سلیمان برای خدای پروردگار عالمها ولقد ارسلنا الی ثمود اخاهم صالحا
ان اعبدوا الله فاذا هم فریقان یختصمون ۝ و هر آینه فرستادیم سوی ثمود برادر
ایشان صالح را که عبادت کنید خدا را پس ناگهان آن قوم دو گروه شدند و با یکدیگر خصومت مینمودند
قال یقوم لم تستعجلون بالسیئة قبل الحسنة لولا تستغفرون الله لعلکم
ترحمون ۝ گفت صالح ای قوم من چرا شتاب طلب میکنید سختی را پیش از راحت چرا نه طلب آمرزش میکنید
از خدا بود که رحم کرده شود بر شما قالوا اطیرنا بک وبمن معک قال طائرکم عند الله
بل انتم قوم تفتنون ۝ گفتند شگون بد گرفتیم از تو و از آنانکه همراه تواند گفت شگون بد شما
نزدیک خداست یعنی مصایب وفق قدرت الهی جاری میشود بلکه شما قومی هستید که امتحان کرده میشوید
وکان فی المدینة تسعة رهط یفسدون فی الارض ولا یصلحون ۝ و بود
دران شهر نه کس که فساد میکردند در زمین و اصلاح نمی نمودند قالوا تقاسموا بالله
لنبیتنه واهله ثم لنقولن لولیه ما شهدنا مهلک اهله وانا لصدقون
گفتند با یکدیگر قسم خدا خورده که البته شبیخون کنیم بر صالح و اهل خانه او باز البته خواهیم گفت
وارث او را حاضر نبودیم وقت هلاک شدن اهل او و هر آینه ما راست گوییم ومکروا مکرا
ومکرنا مکرا وهم لا یشعرون ۝ و بدسگالی کردند نوعی از حیله و بدسگالی کردیم ما نوعی
از حیله و ایشان نمی دانستند فانظر کیف کان عاقبة مکرهم انا دمرنهم وقومهم
اجمعین ۝ پس بنگر چگونه بود سرانجام بدسگالی ایشان که ما هلاک کردیم ایشانرا و قوم ایشانرا همه یکجا
فتلک بیوتهم خاویة بما ظلموا ان فی ذلک لایة لقوم یعلمون ۝ پس اینست خانهای
ایشان خالی مانده بسبب آنکه ستم کردند هر آینه درین ماجرا نشانه هست گروهی را که میدانند وانجینا
الذین امنوا وکانوا یتقون ۝ و نجات دادیم آنانرا که ایمان آوردند و پرهیزگاری میکردند
ولوطا اذ قال لقومه اتاتون الفاحشة وانتم تبصرون ۝ و فرستادیم لوط را چون

گفت بقوم خود را یا عمل آرید کار بیحیائی را و شما میدانید أئنكم لتأتون الرجال شهوة
من دون النساء بل أنتم قوم تجهلون • آیا شما می آئید بمردمان باراده شهوت
بجز زنان بلکه شما قوم نادانانید فما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوا آل
لوط من قريتكم إنهم أناس يتطهرون • پس نبود جواب قوم او مگر آنکه گفتند
بیرون کنید اهل خانه لوط را از دیه خویش هر آینه ایشان مردم پاکی طلب اند فأنجيناه
وأهله إلا امرأته قدرناها من الغابرين • پس نجات دادیم او را و اهل او را
مگر زنش که معین کردیم او را از باقیماندگان وأمطرنا عليهم مطرا فساء مطر
المنذرين • و باراندیم بر سر ایشان بارانی پس بد بود باران ترسانیدگان قل الحمد
لله وسلام على عباده الذين اصطفى آلله خير أما يشركون •
بگو سپاس خدا راست و سلام بران بندگان او که برگزیده است ایشان را آیا خدا بهتر است
بانچه شریک می آرند أمن خلق السموات والأرض وأنزل لكم من السماء ماء
فأنبتنا به حدائق ذات بهجة ما كان لكم أن تنبتوا شجرها أإله مع
الله بل هم قوم يعدلون • نه بلکه میپرسیم که بیافرید آسمان و زمین و فرود آورد
برای شما از آسمان آبی پس رویانیدیم بسبب آن بوستانها با تازگی ممکن نبود شما را که برویانید
درختهای آن آیا معبودی هست با خدا بلکه ایشان گروهی اند که کج میروند أمن جعل
الأرض قرارا وجعل خلالها أنهارا وجعل لها رواسي وجعل بين
البحرين حاجزا أإله مع الله بل أكثرهم لا يعلمون • نه بلکه میپرسیم که ساخت
زمین را قرارگاه و پیدا کرد درمیان زمین جویها و بیافرید برین زمین کوهها و بیافرید
درمیان دو دریا حاجز را آیا معبودی دیگر هست با خدا بلکه بیشترین ایشان نمیدانند أمن
يجيب المضطر إذا دعاه ويكشف السوء ويجعلكم خلفاء الأرض
أإله مع الله قليلا ما تذكرون • نه بلکه میپرسیم که قبول میکند از درمانده چون

الجزء

بخواندش

بخواندش و بردارد سختی و میسازد شما را جانشین بخشیدگان در زمین آیا معبودی دیگر هست با خدا
اندکی پند می پذیرید أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيَاحَ
بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَإِلَٰهٌ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۔ نه بلکه میپرسیم که ۲ الله
راه مینماید شما را در تاریکیهای بیابان و دریا که میفرستد بادها را مژده دهنده پیش پیش رحمت
خود آیا معبودی هست با خدا برتر است خدا از آنکه شریک میکنند أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ
يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَإِلَٰهٌ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا
بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۔ نه بلکه میپرسیم که نو میکند آفرینش را دیگر باز گرداندش
که روزی میدهد شما را از آسمان و زمین آیا معبودی هست با خدا بگو بیارید حجت خود را
اگر راست گویید قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ
وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ۔ بگو نمیداند هر که در آسمانها و زمین هست غیب را مگر خدا
و نمیدانند کی برانگیخته شوند بَلِ ادَّارَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ
مِنْهَا بَلْ هُمْ مِنْهَا عَمُونَ ۔ بلکه پی در پی متوجه شد علم ایشان در باب آخرت یعنی ناگاه
منقطع گشت بلکه ایشان در شبهه اند از آخرت بلکه ایشان از آخرت نابینا اند وَقَالَ
الَّذِينَ كَفَرُوا أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا أَئِنَّا لَمُخْرَجُونَ ۔ گفتند کافران آیا چون
شویم خاکی و پدران ما نیز آیا ما بیرون آورده شدگانیم یعنی از قبور لَقَدْ وُعِدْنَا هَٰذَا
نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۔ و هر آینه وعده داده شده
با این مقدمه ما را و پدران ما را پیش ازین نیست این مگر افسانهای پیشینیان قُلْ سِيرُوا
فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ۔ بگو سیر کنید در زمین پس
بنگرید چگونه بود انجام گناهکاران وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِمَّا
يَمْكُرُونَ ۔ و اندوه مخور بر ایشان و مباش در تنگدلی از بدسگالیدن ایشان وَيَقُولُونَ
مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۔ و میگویند کی باشد این وعده اگر راست گویید

قل عسى ان يكون ردف لكم بعض الذي تستعجلون • بگو شايد نزديك شده باشد
بشما بعض انچه شتاب مى طلبيد يعنى عقوبت دنيا وان ربك لذو فضل على الناس ولكن
اكثرهم لا يشكرون • و هر آينه پروردگار تو خداوند فضل ست بر مردمان وليكن بيشترين
ايشان شكر نمى كنند وان ربك ليعلم ما تكن صدورهم وما يعلنون • و هر آينه
پروردگار تو ميداند انچه پنهان ميكند سينه ايشان وانچه ظاهر مى نمايند وما من غائبة
فى السماء والارض الا فى كتاب مبين • و نيست هيچ مقدمه پوشيده در آسمان و زمين
مگر نوشته است در كتاب روشن ان هذا القرآن يقص على بنى اسرائيل اكثر
الذي هم فيه يختلفون • هر آينه اين قران بيان مى كند بيش بنى اسرائيل بيشترين انچه ايشان
دران اختلاف ميكردند وانه لهدى ورحمة للمؤمنين • و هر آينه وى هدايت
و رحمت است مومنان را ان ربك يقضى بينهم بحكمه وهو العزيز العليم
هر آينه پروردگار تو فيصل كند ميان ايشان بحكم خود و اوست غالب دانا فتوكل على الله
انك على الحق المبين • پس توكل كن بر خدا هر آينه تو بر دين راست روشنى انك لا تسمع
الموتى ولا تسمع الصم الدعاء اذا ولوا مدبرين • هر آينه تو نمى توانى شنوانيد مردگان را
و نمى توانى شنوانيد كران را آواز خواندن وقتى كه روى گردانند پشت داده وما انت
بهادى العمى عن ضلالتهم ان تسمع الا من يؤمن بآياتنا فهم مسلمون
و نيستى تو راه نماينده كوران را باز آيند از گمراهى خويش نمى شنوانى مگر كسى را كه ايمان آورده است
بآيتهاى ما پس انجماعه گردن نهنده گانند واذا وقع القول عليهم اخرجنا لهم دابة
من الارض تكلمهم ان الناس كانوا بآياتنا لا يوقنون • و چون متحقق شد
وعده عذاب بر ايشان بيرون آريم براى ايشان جانورى از زمين كه سخن گويد با ايشان بسبب آنكه
مردمان بآيات ما يقين نمى آوردند ويوم نحشر من كل امة فوجا ممن يكذب بآياتنا
فهم يوزعون • و آن روز كه برانگيزيم از هر امتى طايفه را از آنانكه دروغ مى شمردند آيات ما را

پس ايشان باز

بلکه ایشان بعض تا رسیدن بعض ایستاده کرده میشوند حتی اذا جاؤ قال اکذبتم
بآیاتی ولم تحیطوا بها علما اما ذا کنتم تعملون ۰ تا وقتی که حاضر آیند گوید خدا
آیا دروغ شمردید آیات مرا و در نگرفته بودید بآن از روی دانش یا چه کار میکردید ووقع
القول علیهم بما ظلموا فهم لا ینطقون ۰ و ثابت شد وعده عذاب بر ایشان بسبب
ستم کردن ایشان پس ایشان نمی گویند سخن الم یروا انا جعلنا اللیل لیسکنوا فیه والنهار
مبصرا ان فی ذلک لآیات لقوم یؤمنون ۰ آیا ندیده اند که ما پیدا کرده ایم شب را
تا آرام گیرند در آن و پیدا کرده ایم روز روشن شده هر آینه در همین مقدمه نشانهاست قومی را که
باور میدارند ویوم ینفخ فی الصور ففزع من فی السموات ومن فی الارض
الا من شاء الله وکل اتوه داخرین ۰ و یاد کن آن روز که دمیده شود در صور پس
مضطرب شوند آنانکه در آسمان اند و آنانکه در زمین الا مگر کسی که خدا خواسته است و هر یکی بیایند
پیش خدا خوار شده وتری الجبال تحسبها جامدة وهی تمر مر السحاب
صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون ۰ و می بینی کوهها را پنداری
آنرا بر جای ایستاده و آن میرود مانند رفتن ابر و صنعکاری آن خدایی که استوار ساخت هر چیز را
هر آینه وی باخبر است با آنچه می کنید من جاء بالحسنة فله خیر منها وهم من فزع
یومئذ آمنون ۰ هر که بیارد نیکی پس او راست بهتر باشد از آن و ایشان از اضطراب آن روز
ایمن باشند ومن جاء بالسیئة فکبت وجوههم فی النار هل تجزون
الا ما کنتم تعملون ۰ و هر که بیارد بدی پس نگونسار کرده شود روی ایشان در آتش جزا
داده نمیشوند مگر بموافق آنچه میکردند انما امرت ان اعبد رب هذه البلدة الذی
حرمها وله کل شیء وامرت ان اکون من المسلمین ۰ بگو یا محمد جز این نیست که فرموده شده
مرا که عبادت کنم خداوند این شهر را یعنی مکه آنکه محترم ساخت آنرا و بتصرف اوست هر چیز و فرموده شده
مرا که باشم از مسلمانان وان اتلوا القرآن فمن اهتدی فانما یهتدی لنفسه ومن ضل

فقل انما انا من المنذرین • وفرموده شد انکه بخوانم قرآن را پس هرکه راه یافت پس جز این است
که راه می یابد برای نفع خویشتن • و هرکه گمراه شود بگو جز این نیست که من از بیم کنندگانم • وقل الحمد
لله سیریکم ایته فتعرفونها وما ربك بغافل عما تعملون • و بگو ستایش خدا راست
خواهد نمود شما را آیات خود پس بشناسید آنرا و نیست پروردگار تو بیخبر از آنچه می کنید سورة القصص
مکیة ثمان و ثمانون آیة بسم الله الرحمن الرحیم •
طسم تلك ایت الکتب المبین • این آیتهای کتاب روشن است نتلوا علیك
من نبا موسی وفرعون بالحق لقوم یؤمنون • بخوانیم بر تو بعض خبر موسی و فرعون
براستی برای گروهی که باور میدارند ان فرعون علا فی الارض وجعل اهلها شیعا
یستضعف طائفة منهم یذبح ابناءهم ویستحیی نساءهم انه کان من
المفسدین • هر آینه فرعون تکبر کرد در زمین و ساخت اهل آنرا گروه گروه فرعون زبون میگرفت
جماعه را از ایشان میکشت پسران ایشانرا و زنده میگذاشت دختران ایشانرا و هر آینه وی بود از
مفسدان ونرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم ائمة
ونجعلهم الوارثین • و میخواستیم که نعمت فراوان دهیم بر آنان که زبون گرفته شدند
در زمین و بگردانیم پیشوایان ایشانرا و وارث گردانیم ایشانرا ونمکن لهم فی الارض ونری
فرعون وهامان وجنودهما منهم ما کانوا یحذرون • و دست رس دهیم
ایشانرا در زمین و بنمائیم فرعون و هامانرا و لشکرهای ایشانرا از آن زبون گرفتگان آنچه میترسیدند
واوحینا الی ام موسی ان ارضعیه فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم
ولا تخافی ولا تحزنی انا رادوه الیك وجاعلوه من المرسلین • والهام
فرستادیم بسوی مادر موسی که شیر بده او را پس چون بترسی بر وی پس بانداز آنرا بدریا و مترس و اندوه مخور
هر آینه ما باز رساننده اوییم بسوی تو و گرداننده اوییم از پیغامبران فالتقطه ال فرعون
لیکون لهم عدوا وحزنا ان فرعون وهامان وجنودهما کانوا خاطئین •

بس برداشت فرزند اورا

پس بر گرفتند او را اهل خانه فرعون تا آخر کار شود برای ایشان دشمن و سبب اندوه و فرعون و هامان
و لشکرهای ایشان هر آینه خطا کننده بودند وقالت امرأت فرعون قرت عين لي ولك
لا تقتلوه عسى أن ينفعنا أو نتخذه ولدا وهم لا يشعرون • و گفت زن فرعون
این طفل روشنی چشم است مرا و ترا مکشید شاید که نفع دهد ما را یا فرزند گیریم او را و ایشان حقیقت حال
نمیدانستند وأصبح فؤاد أم موسى فارغا إن كادت لتبدي به لولا أن
ربطنا على قلبها لتكون من المؤمنين • و گشت دل مادر موسی خالی از صبر هر آینه
نزدیک بود که آشکارا کند آن قصه را اگر نمی بستیم دل او یعنی صبر نمیدادیم تا باشد از باور دارندگان
وقالت لأخته قصيه فبصرت به عن جنب وهم لا يشعرون • و گفت
خواهرش را بر پی او برو پس دید او را از دور و قوم فرعون نمیدانستند وحرمنا عليه المراضع
من قبل فقالت هل أدلكم على أهل بيت يكفلونه لكم وهم له ناصحون •
و حرام ساختیم بر موسی شیر دایگان پیش از وصول خواهر پس خواهرش گفت آیا راه نمایم شما را بر اهل خانه
که خبرداری این طفل کنند برای شما و ایشان برای او نیکخواهان اند فرددناه إلى أمه كي تقر
عينها ولا تحزن ولتعلم أن وعد الله حق ولكن أكثرهم لا يعلمون • باز رسانیدیم
او را بسوی مادر او تا خنک شود چشم وی و اندوه نخورد و تا بداند که وعده خدا راست است و لیکن
بیشترین مردمان نمیدانند ولما بلغ أشده واستوى آتيناه حكما وعلما وكذلك
نجزي المحسنين • و چون رسید بنهایت جوانی خود و درست اندام شد دادیم او را حکمت
و دانش و همچنین جزا میدهیم نیکوکاران را ودخل المدينة على حين غفلة من أهلها
فوجد فيها رجلين يقتتلان هذا من شيعته وهذا من عدوه فاستغاثه
الذي من شيعته على الذي من عدوه فوكزه موسى فقضى عليه قال هذا
من عمل الشيطان إنه عدو مضل مبين • و در آمد بشهر در وقت بیخبری اهل آن
پس یافت آنجا دو شخص با یکدیگر جنگ میکردند آن یک از قوم موسی بود و آن دیگر از دشمنان پس مدد

طلب کرد شخصی که از قوم او بود بران دیگر که از دشمنان او بود پس مشت زد او را موسی پس بکشتش گفت این کار
از شیطان است هر آینه شیطان دشمن گمراه کننده است قَالَ رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي
فَغَفَرَ لَهُ اِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۔ گفت ای پروردگار من هر آینه من ستم کردم بر خویش
پس بیامرز مرا پس بیامرزیدش هر آینه وی آمرزنده مهربان است قَالَ رَبِّ بِمَا اَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ اَكُونَ
ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ ۔ گفت ای پروردگار من بحق انعام کردن تو بر من هرگز نخواهم بود مددکار
گناهکاران فَاَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَاِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْاَمْسِ
يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى اِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُبِينٌ ۔ پس بامداد کرد در شهر ترسان انتظار کنان
پس ناگهان شخصی که مدد طلب کرده بود دیروز باز بفریاد رسی بخواندش گفت بوی موسی هر آینه تو گمراه
آشکاری فَلَمَّا اَنْ اَرَادَ اَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَا مُوسَى اَتُرِيدُ اَنْ
تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْاَمْسِ اِنْ تُرِيدُ اِلَّا اَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْاَرْضِ وَمَا
تُرِيدُ اَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ ۔ پس چون خواست که دست درازی کند بشخصی که وی دشمن موسی
و دشمن فریاد کننده بود گفت فریاد کننده ای موسی آیا میخواهی که بکشی مرا چنانکه کشتی شخصی را دیروز
نمیخواهی مگر آنکه باشی ستمکاری در زمین و نمیخواهی که باشی از نیکوکاران یعنی چون موسی او را غوی مضل
مبین گفت دانست که غضب کرده بر سر من می آید وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ اَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ
يَا مُوسَى اِنَّ الْمَلَاَ يَاْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ اِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ ۔
و آمد شخصی از آخر شهر شتابان گفت ای موسی هر آینه رئیسان مشورت میکنند در حق تو تا بکشند ترا
پس بیرون رو هر آینه من از نیکخواهانم فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ
الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۔ پس بیرون آمد از ان شهر ترسان انتظار کنان گفت ای پروردگار من خلاص کن
مرا از گروه ستمکاران وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي اَنْ يَهْدِيَنِي
سَوَاءَ السَّبِيلِ ۔ و وقتی که متوجه شد بسوی شهر مدین گفت امید دارم از پروردگار خویش که دلالت کند
مرا براه راست وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ اُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ

از برای تو

من دوهم

مِن دونهم امرأتين تذودان قال ما خطبكما قالتا لا نسقي حتى يصدر الرعاء
وأبونا شيخ كبير • و وقتی که رسید با آب مدین یافت بر آن آب طایفه را از مردمان آب مینوشانید
مواشی را و یافت آنطرف از ایشان دو زن که باز میداشتند مواشی خود را گفت موسی آن دو زن را چیست
حال شما گفتند ما آب نمی‌نوشانیم تا آنکه باز گردانند شبانان مواشی را و پدر ما پیر کلان سال است فسقى
لهما ثم تولى إلى الظل فقال رب إني لما أنزلت إلي من خير فقير • پس موسی آب
نوشانید برای این هر دو و باز روی آورد بسوی سایه پس گفت ای پروردگار من هر آینه من بانچه فرود
آوردی بسوی من از نعمت محتاجم فجاءته إحداهما تمشي على استحياء قالت إن
أبي يدعوك ليجزيك أجر ما سقيت لنا فلما جاءه وقص عليه القصص
قال لا تخف نجوت من القوم الظالمين • پس آمد بموسی یکی از آن دو زن راه میرفت
بشرم گفت هر آینه پدر من میخواند ترا تا بدهد مزد آنکه آب دادی برای ما پس چون موسی آمد
بنزدیک شعیب و تقریر کرد پیش او قصه را گفت مترس خلاص شدی از قوم ستمکاران قالت إحداهما
يا أبت استأجره إن خير من استأجرت القوي الأمين • گفت یکی ازین دو دختر
ای پدر من مزدور بگیر او را هر آینه بهتر کسی که مزدور گیری شخص توانا با امانت باشد قال إني أريد
أن أنكحك إحدى ابنتي هاتين على أن تأجرني ثماني حجج فإن أتممت
عشرا فمن عندك وما أريد أن أشق عليك ستجدني إن شاء الله
من الصالحين • گفت شعیب هر آینه من میخواهم که بزنی دهم ترا یکی ازین دو دختر خود بشرط
مزدوری من کنی هشت سال و اگر تمام کنی ده سال را پس آن تبرع است نزدیک تو و نمیخواهم که مشقت
افکنم بر تو خواهی یافت مرا اگر خدا خواسته است از شایستگان قال ذلك بيني وبينك
أيما الأجلين قضيت فلا عدوان علي والله على ما نقول وكيل • گفت موسی
اینست عهد میان من و میان تو هر کدام ازین مدت که ادا کنم تعدی نباشد بر من و خدا بر آنچه
میگوئیم گواه است فلما قضى موسى الأجل وسار بأهله آنس من جانب الطور

نارا قال لاهله امكثوا اني آنست نارا لعلي آتيكم منها بخبر او جذوة من
النار لعلكم تصطلون • پس چون ادا کرد موسی میعاد را و روان شد با اهل خود دید
بجانب کوه طور آتش گفت با اهل خود توقف کنید هر آینه دیده ام آتشی امید دارم که از انجا بیارم
خبری یا بیارم شعله از آتش بود که شما تحصیل گرمی کنید فلما اتاها نودي من شاطئ الواد الايمن
في البقعة المباركة من الشجرة ان يا موسى اني انا الله رب العالمين •
پس چون آمد نزدیک آتش آواز داده شد از کرانهٔ راست از جایگاه با برکت از میان درخت
که ای موسی هر آینه من خدایم پروردگار عالمها وان الق عصاك فلما رآها تهتز كانها
جان ولى مدبرا ولم يعقب يا موسى اقبل ولا تخف انك من الآمنين
وانکه بیفکن عصای خود را پس چون دید که عصا حرکت میکند گویا وی ماریست روی برگردانید
پشت داده و باز نگشت گفتیم ای موسی پیش آی و مترس هر آینه تو از ایمنانی اسلك يدك
في جيبك تخرج بيضاء من غير سوء واضمم اليك جناحك من الرهب
فذانك برهانان من ربك الى فرعون وملائه انهم كانوا قوما فاسقين
و در آر دست خود را در گریبان خود تا بیرون آید سفید شده از غیر علتی و بهم آر سوی خود بازوی
خود را از ترس یعنی که تعجب ظهور خوارق پیدا شده پس این هر دو نشانه اند فرود آمده از جانب
پروردگار تو بسوی فرعون و جماعهٔ او هر آینه ایشان بودند گروه بدکار مترجم گوید بهم آوردن دو بازو
کنایتست از جمع خاطر و مشوش نشدن چنانکه خفض جناح کنایتست از تواضع قال رب
اني قتلت منهم نفسا فاخاف ان يقتلون • گفت ای پروردگار من هر آینه من کشته ام
از ایشان شخصی را پس می ترسم که بکشندم واخي هارون هو افصح مني لسانا فارسله معي
ردءا يصدقني اني اخاف ان يكذبون • و برادر من هارون فصیحتر است از من از جهة
زبان پس بفرست او را همراه من مدد کننده که باور دارد مرا هر آینه من میترسم از آنکه دروغ شمرند مرا
قال سنشد عضدك باخيك ونجعل لكما سلطانا فلا يصلون اليكما

بِآيَاتِنَا أَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ • گفت خدا محکم خواهم کرد بازوی ترا ببرادر تو
و خواهیم داد شما را غلبه پس نتوانند رسید بقصد اید بسوی شما بسبب نشانهای ما شما و آنانکه پیروی شما
کرده اند غالب خواهند شد فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ
مُفْتَرًى وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ • پس چون آورد موسی نشانهای ما را
واضح آمده گفتند نیست این مگر جادوی بربسته و نشنیده ایم این را در پدران نخستین خویش
وَقَالَ مُوسَى رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَى مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ
الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ • و گفت موسی پروردگار من داناتر است بهرکه آورده است
هدایت از نزدیک او و بهرکه او راست عاقبت پسندیده در آخرت هر آینه رستگاری نشوند ستمکاران
وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى
الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ •
گفت فرعون ای جماعه ندانسته ام برای شما هیچ خدای غیر من پس آتش برافروز برای من ای هامان
بر گل یعنی خشت بساز پس بنا کن برای من کوشکی بود که من بالا برآیم بسوی معبود موسی و هر آینه من گمان میبرم میپندارم
او را از دروغ گویان وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ
إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ • و تکبر کرد فرعون و لشکر او در زمین بغیر حق و گمان کردند که ایشان بسوی ما
باز گردانیده نشوند فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الظَّالِمِينَ • پس گرفتیم او را و لشکرهای او را پس افگندیم ایشان را بدریا پس در نگر چگونه بود انجام ستمکاران
وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنْصَرُونَ • و گردانیدیم ایشان را
پیشوایانی که میخوانند بسوی آتش و در روز قیامت نصرت داده نشوند وَأَتْبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ
الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ • و از پی ایشان فرستادیم درین دنیا
لعنت را و بروز قیامت ایشان از دور ساختگان باشند وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ
مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَى بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ •

وبه آینه دادیم موسی را کتاب بعد از آنکه هلاک ساختیم قرنهای نخستین را دلیل شده برای مردمان و هدایت
و بخشایش تا بود که ایشان پند پذیرند وما كنت بجانب الغربي اذ قضينا الى موسى
الامر وما كنت من الشاهدين • و تو نبودی بطرف غربی چون بانجام رسانیدیم سوی
موسی وحی را و نبودی از حاضران ولكنا انشأنا قرونا فتطاول عليهم العمر وما
كنت ثاويا ولكنا كنا مرسلين • ولیکن ما آوردیم قرنها را یعنی بعد موسی پس دراز شد بر ایشان
عمر و تو نبودی باشنده در اهل مدین که میخواندی بر ایشان آیات ما را ولیکن ما بودیم فرستنده وما
كنت بجانب الطور اذ نادينا ولكن رحمة من ربك لتنذر قوما ما اتاهم
من نذير من قبلك لعلهم يتذكرون • و نبودی بطرف طور چون آواز دادیم ولیکن
وحی آمد از روی بخشایش پروردگار تو تا ترسانی گروهی را که نیامده بود بدیشان هیچ ترساننده
پیش از تو بود که ایشان پند پذیرند ولولا ان تصيبهم مصيبة بما قدمت ايديهم
فيقولوا ربنا لولا ارسلت الينا رسولا فنتبع اياتك ونكون من المؤمنين •
اگر نه آن بودی که برسد بدیشان عقوبتی بسبب آنچه پیش فرستاده است دست ایشان پس گویند ای پروردگار
چرا نفرستادی سوی ما پیغامبری را تا پیروی آیات تو کنیم و باشیم از مسلمانان فلما جاءهم الحق
من عندنا قالوا لولا اوتي مثل ما اوتي موسى [illegible]
اولم يكفروا بما اوتي موسى من قبل قالوا سحران تظاهرا قالوا انا بكل
كافرون • پس چون آمد بدیشان وحی راست از نزدیک ما گفتند چرا داده نشد این پیغامبر
مانند آنچه داده شد موسی را آیا کافر نشدند بآنچه داده شده موسی را گفتند دو سحر اند موافق یکدیگر شده یعنی
توریت و قرآن و گفتند هر آینه ما بهر یک کافرانیم قل فاتوا بكتب من عند الله هو اهدى
منهما اتبعه ان كنتم صادقين • بگو پس بیارید کتابی فرود آمده از نزدیک خدا که وی راه نماینده تر
باشد ازین دو تا پیروی او کنم اگر راست گوئید فان لم يستجيبوا لك فاعلم انما يتبعون
اهواءهم ومن اضل ممن اتبع هويه بغير هدى من الله ان الله لا يهدي

القوم الظالمين

نصف

الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ • پس اگر قبول نکنند سخن ترا پس بدانکه جز این نیست که پیروی میکنند خواهش نفس خود را
و کیست گمراه تر از کسی که خواهش نفس خود کند بدون راهنمائی خدا هر آینه خدا راه نمی نماید گروه ستمکاران را
وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ • هر آینه پیاپی در پی آوردیم برای ایشان بقرآن را
تا بود که ایشان پند پذیرند الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ • آنانکه
داده ایم ایشانرا کتاب پیش از قرآن ایشان بقرآن ایشان ایمان می آرند وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا
آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ • چون قرآن خوانده میشود برایشان گویند
ایمان آوردیم بآن هر آینه وی راست از جانب پروردگار ما هر آینه ما پیش از نزول قرآن منقاد
بودیم أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ
وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ • اینجماعه داده شود ایشانرا مزد ایشان دوبار بسبب آنکه صبر کردند و دفع
میکنند بخصلت نیک بدیرا و از آنچه روزی دادیم ایشانرا خرج میکنند وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا
عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ • و چون
بشنوند سخن بیهوده را روی بگردانند از آن و گویند ما راست کردارهای ما و شما راست کردارهای شما
سلام بر شما با دمی نخواهیم صحبت جاهلان مترجم گوید یهود پیش از آنکه آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم بمدینه
هجرت کنند و به نسخ یهودیه تصریح فرماید معتقد قرآن بودند و می گفتند عرب را فرمان قرآن لازم نیست
إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ
یا محمد هر آینه تو راه نمی نمائی هر کرا دوست داری و لیکن خدا راه نماید هر کرا خواهد و او داناتر است براه یافتگان
وَقَالُوا إِنْ نَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفْ مِنْ أَرْضِنَا أَوَلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا
يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ • و گفتند
بعض اهل مکه اگر پیروی هدایت کنیم با تو ربوده شویم از زمین خود یعنی مردمان اخراج کنند آیا جا ندادیم
ایشانرا در حرمی با امن سپاینده شود بسوی وی میوه از هر جنس روزی از نزدیک ما ولیکن بیشتر ایشان
نمیدانند وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ

إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ ۝ وبسا هلاک کردیم دیهی که از حد در گذشتند در گذران خود
پس اینهاست جای ماندن ایشان مانده نشد اینجا بعد از ایشان مگر اندکی و بودیم ما بدرست آینده میراث ایشان وَمَا
كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي
الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ ۝ و هرگز نیست پروردگار تو هلاک کننده دیهها تا آنکه نفرستد در قصبه
آن پیغامبری که بخواند بر ایشان آیات ما و هرگز نیستیم هلاک کننده دیهها مگر دران حال که اهل آنها ستمکار باشند
وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ
أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝ و هرچه داده شد شما را از هر نوعی پس بهره مندی زندگانی دنیا و آرایش ویست
وانچه نزدیک خداست بهتر و پاینده تر است آیا نمی فهمید أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ
كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ۝ آیا کسیکه وعده
دادیمش وعده نیک پس او در یابنده آنست مانند کسی باشد که بهره مند ساختیمش بمنفعت زندگانی
دنیا باز وی روز قیامت از حاضر کردگان است یعنی در عذاب وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ
شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ۝ و روزیکه آواز دهد ایشانرا پس گوید کجااند آن شریکان
من که شما گمان کردید قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا
أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ ۝ گفتند آنانکه ثابت شد
بر ایشان حکم عذاب یعنی پیشوایان کفر ای پروردگار ما این جماعه که گمراه کردیم گمراه کردیم ایشانرا
چنانکه خود گمراه شدیم یعنی بغیر اکراه بی تعلق میشویم از همه بسوی تو ایشان ما را نمی پرستیدند وَقِيلَ
ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ ۝
و گفته شود بخوانید شریکان خود را پس بخوانند ایشان پس قبول نکنند دعای ایشان را و ببینند عذاب
و تمنا کنند کاش ایشان راه یافته بودندی ۝ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ
و روزیکه آواز دهد خدا ایشانرا پس گوید چه جواب دادید پیغامبرانرا فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ
فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ ۝ پس مشتبه شود بر ایشان خبرهای آنروز پس ایشان با یکدیگر سوال نکنند یعنی

جواب با صواب

جواب باصواب بیابند فَاَمَّا مَنْ تَابَ وَاٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسٰٓى اَنْ یَّكُوْنَ مِنَ
الْمُفْلِحِیْنَ ۔ پس آنکه توبه نمود و ایمان آورد و کار شایسته کرد پس امید هست که باشد از رستگاران
وَرَبُّكَ یَخْلُقُ مَا یَشَآءُ وَیَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِیَرَةُ سُبْحٰنَ اللّٰهِ وَتَعٰلٰى عَمَّا
یُشْرِكُوْنَ ۔ و پروردگار تو می آفریند هرچه خواهد و برمی گزیند هر کرا خواهد نیست ایشانرا اختیار
پاکی خدایراست و بلند مرتبت از آنکه شریک می آرند وَرَبُّكَ یَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُوْرُهُمْ
وَمَا یُعْلِنُوْنَ ۔ و پروردگار تو میداند آنچه پنهان دارد سینهای ایشان و آنچه آشکارا می کنند وَهُوَ
اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِی الْاُوْلٰى وَالْاٰخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَاِلَیْهِ تُرْجَعُوْنَ ۔
و اوست خدا نیست هیچ معبود بحق غیر او او راست ستایش در دنیا و آخرت مر او راست فرمانروائی و بسوی او
گردانیده شوید قُلْ اَرَءَیْتُمْ اِنْ جَعَلَ اللّٰهُ عَلَیْكُمُ الَّیْلَ سَرْمَدًا اِلٰى یَوْمِ الْقِیٰمَةِ مَنْ اِلٰهٌ
غَیْرُ اللّٰهِ یَاْتِیْكُمْ بِضِیَآءٍ اَفَلَا تَسْمَعُوْنَ ۔ بگو آیا دیدید که اگر گرداند خدای تعالی بر شما شب را
پاینده تا روز قیامت کیست معبودی غیر حق که بیارد پیش شما روشنی را آیا نمی شنوید قُلْ اَرَءَیْتُمْ اِنْ
جَعَلَ اللّٰهُ عَلَیْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا اِلٰى یَوْمِ الْقِیٰمَةِ مَنْ اِلٰهٌ غَیْرُ اللّٰهِ یَاْتِیْكُمْ بِلَیْلٍ
تَسْكُنُوْنَ فِیْهِ اَفَلَا تُبْصِرُوْنَ ۔ بگو آیا دیدید اگر گرداند خدای تعالی بر شما روز را پاینده تا روز
قیامت کیست معبودی غیر حق که بیارد بشما شبی که آرام گیرید در آن آیا نمی بینید وَمِنْ رَّحْمَتِهٖ جَعَلَ
لَكُمُ الَّیْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوْا فِیْهِ وَلِتَبْتَغُوْا مِنْ فَضْلِهٖ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ۔
و از رحمت خود ساخت برای شما شب و روز تا آرام گیرید در شب و تا روزی طلب کنید از فضل او یعنی
در روز و تا شکر گذاری کنید وَیَوْمَ یُنَادِیْهِمْ فَیَقُوْلُ اَیْنَ شُرَكَآءِیَ الَّذِیْنَ كُنْتُمْ تَزْعُمُوْنَ ۔
و روزیکه آواز دهد ایشانرا پس گوید کجا اند آن شریکان من که گمان میکردند وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ اُمَّةٍ
شَهِیْدًا فَقُلْنَا هَاتُوْا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوْٓا اَنَّ الْحَقَّ لِلّٰهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا یَفْتَرُوْنَ ۔
و بیرون کشیم از هر امتی گواهی را یعنی پیغامبری بر قوم خود گواهی دهد پس گوئیم قوم را بیارید دلیل خود پس بدانند
که حق بجانب خداست و گم شود از ایشان آنچه افترا میکردند اِنَّ قَارُوْنَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوْسٰى فَبَغٰى

عليهم واتيناه من الكنوز ما ان مفاتحه لتنوء بالعصبة اولي القوة اذ قال له قومه

لا تفرح ان الله لا يحب الفرحين ۔ وهرآینه قارون بود از قوم موسی پس تعدی کرد بر ایشان و عطا کرده

او را از گنجها آنقدر که کلیدهای او گرانی میکرد جماعه صاحب توانائی را چون گفت با او قوم او شاد مشو هرآینه خدا

دوست نمیدارد شاد شوندگان را وابتغ فيما اتاك الله الدار الاخرة ولا تنس نصيبك من

الدنيا واحسن كما احسن الله اليك ولا تبغ الفساد في الارض ان الله لا يحب المفسدين

و بجو در آنچه خدا عطا کرده است ترا اصلاح برای آخرت و فراموش مکن حصه خود را از دنیا یعنی از دنیا عمل صالح

بجا آر و نیکوکاری کن چنانکه احسان کرده است خدا بر تو و مجو فساد در زمین هرآینه خدا دوست نمیدارد فساد

کنندگان را قال انما اوتيته على علم عندي اولم يعلم ان الله قد اهلك من قبله من القرون

من هو اشد منه قوة واكثر جمعا ولا يسئل عن ذنوبهم المجرمون ۔ گفت جز این نیست که داده شده است

مرا مال فراوان بنابر دانشی که نزدیک من است آیا ندانست که خدا هلاک کرد پیش از وی از قرنهای آن قوم را

که توانا تر بود از وی و بیشتر بود در جمعیت و پرسیده نمیشوند از گناهان خویش گناهکاران یعنی در صورت

لزوم بادانش مجال عذر نیست والله اعلم فخرج على قومه في زينته قال الذين يريدون الحيوة

الدنيا يا ليت لنا مثل ما اوتي قارون انه لذو حظ عظيم ۔ پس بیرون آمد بر قوم خود در آرایش

خویش گفتند آنانکه طلب میکردند زندگانی دنیا را ای کاش مارا باشد مانند آنچه داده شده است قارون را هرآینه وی

خداوند نصیب بزرگ است وقال الذين اوتوا العلم ويلكم ثواب الله خير لمن امن وعمل

صالحا ولا يلقىها الا الصابرون ۔ و گفتند آنانکه داده شد ایشان را علم وای بر شما ثواب خدا بهتر است

مر آنکس را که ایمان آورد و کار شایسته کرد و قرین کرده نمیشود باین سخن مگر صابران را فخسفنا به وبداره

الارض فما كان له من فئة ينصرونه من دون الله وما كان من المنتصرين ۔

پس فرو بردیم قارون را و سرای او را بزمین پس نبود برای او هیچ گروهی که نصرت دهند او را غیر خدا و نبود

خودش از انتقام کشندگان واصبح الذين تمنوا مكانه بالامس يقولون ويكان الله

يبسط الرزق لمن يشاء من عباده ويقدر لولا ان من الله علينا لخسف بنا

ويكانه

وَيْكَأَنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ • و بامداد کردند آنانکه آرزو کردند منزلت او را دیروز میگفتند ای عجب
خدا گشاده میکند رزق را برای هرکه خواهد از بندگان خویش و تنگ میسازد و اگر نه آن بودی که خدا انعام کردی
بر ما هر آینه فرو بردی ما را ای عجب رستگاری نشوند کافران تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ
لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ • این سرای بازپسین را مقرر میکنیم
آنرا برای آنانکه نمی طلبند تکبر در زمین و نه فساد و حسن عاقبت پرهیزکاران راست مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ
فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
و هرکه بیارد نیکی پس او راست بهتر از آن و هرکه بیارد بدی پس جزا داده نمیشوند آنانکه بعمل آوردند خطاها
الا بحسب آنچه میکردند إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ
بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ • هر آینه خدائی که نازل کرد بر تو قرآن را البته بازگرداننده است ترا
بسوی بازگشت یعنی آخرت بگو پروردگار من داناتر است بآنکه آورد هدایت را و هرکه وی در گمراهی ظاهر است
وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ
و توقع نمیداشتی که فرود آورده شود بسوی تو کتاب لیکن فرو فرستاده شد بسبب رحمتی از پروردگار خود
پس هرگز مباش مددکار کافران وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنْزِلَتْ إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَىٰ
رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ • و باز ندارند کافران ترا از تبلیغ آیات خدا بعد از آنکه فرود آورده شد
بسوی تو و دعوت کن بسوی پروردگار خویش و هرگز مباش از مشرکان وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ
لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ • و مخوان با خدا معبود
دیگر را نیست هیچ معبودی بحق غیر او و هر چیز هلاک شونده است مگر روی او و مر او راست فرمانروائی و بسوی او
بازگردانیده شوید سورة العنكبوت بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ •
ثلث
الم أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ • آیا پنداشتند مردمان که بگذاشته شوند
بمجرد آنکه گویند ایمان آوردیم و ایشان امتحان کرده نشوند وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ
الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ • و هر آینه امتحان کردیم آنرا که پیش از ایشان بودند پس البته متمیز کند خدا

آنانرا که راست گفتند والبته متمیز کند دروغگویانرا ام حسب الذین یعملون السیئات ان یسبقونا
ساء ما یحکمون ۝ آیا گمان کردند آنانکه بعمل آورند خطاها که پیشی گیرند مارا بد چیزیست که بدان حکم میکنند من کان
یرجوا لقاء الله فان اجل الله لآت وهو السمیع العلیم ۝ وهرکه امید داشته باشد ملاقات خدارا
پس هرآینه میعاد خدا البته آینده است واوست شنوا دانا ومن جاهد فانما یجاهد لنفسه ان الله
لغنی عن العالمین ۝ وهرکه جهاد کند جز این نیست که جهاد میکند برای نفع خویش هرآینه خدای بی نیاز است از عالمها
والذین آمنوا وعملوا الصالحات لنکفرن عنهم سیئاتهم ولنجزینهم احسن الذی کانوا یعملون
وآنانکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند محو کنیم از سر ایشان بدیهای ایشانرا والبته جزا دهیم ایشانرا به نیکوترین
آنچه میکردند ووصینا الانسان بوالدیه حسنا وان جاهداک لتشرک بی ما لیس لک به علم

تطعهما

فلا تطعهما الی مرجعکم فانبئکم بما کنتم تعملون ۝ وامر کردیم آدمی را بنسبت مادر وپدر به نیک معامله کردن
واگر کوشش کنند با تو ای انسان تا شریک آری بمن آنچه نیست ترا بحقیقت آن دانشی پس فرمان برداری ایشان مکن
سوی من است بازگشت شما پس خبر دهم شمارا بآنچه میکردید والذین آمنوا وعملوا الصالحات لندخلنهم
فی الصالحین ۝ وآنانکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند البته درآریم ایشانرا در زمره شایستگان
ومن الناس من یقول آمنا بالله فاذا اوذی فی الله جعل فتنة الناس کعذاب الله
ولئن جاء نصر من ربک لیقولن انا کنا معکم اولیس الله باعلم بما فی صدور العالمین
واز مردمان کسی است که میگوید ایمان آوردیم بخدا پس چون تصدیع داده شد او در راه خدا شمرد رنج دادن مردمان را
مانند عذاب خدا واگر بیاید فتحی از پروردگار تو گویند هرآینه ما با شما بودیم آیا نیست خدا داناتر بآنچه در سینهای عالمیان
ولیعلمن الله الذین آمنوا ولیعلمن المنافقین ۝ والبته ممتاز کند خدا آنانرا که ایمان آوردند والبته ممتاز کند
منافقانرا وقال الذین کفروا للذین آمنوا اتبعوا سبیلنا ولنحمل خطایاکم وما هم بحاملین من
خطایاهم من شیء انهم لکاذبون ۝ وگفتند کافران مسلمانانرا پیروی راه ما کنید باید که ما برداریم گناهان
شمارا ونیستند ایشان بردارنده چیزی از گناهان ایشان هرآینه ایشان دروغگویانند ولیحملن اثقالهم
واثقالا مع اثقالهم ولیسألن یوم القیمة عما کانوا یفترون ۝ والبته بردارند بارهای خویش را

وبارها را همراه بارهای خویش و البته سوال کرده شوند روز قیامت از انچه افترا میکردند یعنی بار گمراه شدن و گمراه کردن

بردارند و بار تابعان از سر ایشان دفع نکند وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ

إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ • و هر آینه فرستادیم نوح را بسوی قوم او پس توقف کرد

در ایشان هزار سال مگر پنجاه سال در گرفت با ایشان طوفان و ایشان ستمکار بودند فَأَنجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ

وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ • پس نجات دادیم نوح را و اهل کشتی و ساختیم کشتی را نشانه برای عالمها وَإِبْرَاهِيمَ

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ • و فرستادیم ابراهیم

وقتیکه گفت بقوم خود پرستش خدا کنید و بترسید از وی این بهتر است شما را اگر میدانید إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِن

دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ

لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِندَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ • جز این نیست که

می پرستید بجز خدا بتان را و بر می بندید دروغ را هر آینه آنانکه پرستش میکنید بجز خدا نمی توانند برای شما روزی دادن

پس طلب کنید از نزدیک خدا روزی را و پرستش او کنید و شکر او بجا آرید بسوی او بازگردانیده خواهید شد وَإِن

تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ • و اگر دروغ شمرید پس

هر آینه دروغ شمرده بودند امتهای پیش از شما و نیست بر پیغامبر مگر پیغام رسانیدن آشکارا أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ

يُبْدِئُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ • آیا ندیدند که چگونه نو میکند خدا آفرینش را

باز دیگر بار کند آفرینش هر آینه این کار بر خدا آسان است قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ

بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ • بگو سیر کنید در زمین

پس درنگرید چگونه نو کرد آفرینش را باز خدا پیدا کند آن پیدایش را باز پسین هر آینه خدا بر همه چیز تواناست

يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَن يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ • عذاب کند هر کرا خواهد و رحم کند هر کرا خواهد

و بسوی او بازگردانیده خواهید شد وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُم مِّن

دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ • و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نه در آسمان و نیست شما را

بجز خدا هیچ دوست و نه یاری دهنده وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يَئِسُوا مِن

الله

رحمتی و اولئک لهم عذاب الیم • و آنانکه کافر شدند بآیات خدا و بملاقات او آنجماعه ناامید شدند
از رحمت من و آنجماعه ایشانراست عذاب درددهنده فما کان جواب قومه الا ان قالوا اقتلوه او
حرقوه فانجیه الله من النار ان فی ذلک لایت لقوم یؤمنون • پس نبود جواب قوم ابراهیم
مگر آنکه گفتند بکشید او را پس برهانید خدا او را از آتش هر آینه درین ماجرا نشانهاست برای گروهی که باور
میدارند وقال انما اتخذتم من دون الله اوثانا مودة بینکم فی الحیوة الدنیا ثم
یوم القیمة یکفر بعضکم ببعض ویلعن بعضکم بعضا وماویکم النار وما لکم من
ناصرین • وگفت ابراهیم جز این نیست که بت گرفته اید بجز خدا جهت دوستی درمیان خویش در زندگانی
دنیا باز روز قیامت معتقد شود بعض شما ببعض و لعنت کند بعض شما بعض را و جای شما دوزخ است و نیست
شما را هیچ یاری دهنده فامن له لوط وقال انی مهاجر الی ربی انه هو العزیز الحکیم •
پس باور داشت ابراهیم را لوط و گفت ابراهیم هر آینه هجرت کننده ام بسوی پروردگار خویش وی غالب
با حکمت است و وهبنا له اسحق و یعقوب و جعلنا فی ذریته النبوة والکتب و اتینه
اجره فی الدنیا وانه لمن الصلحین • و عطا کردیم او را اسحاق و یعقوب و مقرر داشتیم در
فی الاخرة
اولاد وی پیغامبری و کتاب و دادیم او را مزد او در دنیا و هر آینه او در آخرت از شایستگان است
ولوطا اذ قال لقومه انکم لتاتون الفاحشة ما سبقکم بها من احد من العلمین •
و فرستادیم لوط را و وقتیکه گفت بقوم خود هر آینه شما بعمل می آرید بجایی که پیش دستی نکرده است بر شما
بسوی آن هیچ کس از عالمها اینکم لتاتون الرجال و تقطعون السبیل و تاتون فی نادیکم
المنکر فما کان جواب قومه الا ان قالوا ائتنا بعذاب الله ان کنت من الصدقین
آیا شما بقصد شهوت می آئید بمردان و قطع طریق می کنید و بعمل می آرید در مجلس خویش کار ناپسندیده پس نبود
جواب قوم او مگر آنکه گفتند بیار بر ما عذاب خدا را اگر هستی از راستگویان قال رب انصرنی علی القوم
المفسدین • گفت ای پروردگار من نصرت ده مرا بر قوم مفسدان ولما جاءت رسلنا ابراهیم
بالبشری قالوا انا مهلکوا اهل هذه القریة ان اهلها کانوا ظلمین • و وقتیکه آمدند فرستادگان

پیش ابراهیم

بشرٰی ابراهیم مژده را گفتند هرآینه ما هلاک کننده اهل این دیاریم هرآینه اهل این دیه ستمکار بودند قال إن
فيها لوطا قالوا نحن أعلم بمن فيها لننجينه وأهله إلا امرأته كانت من الغابرين ٭
گفت ابراهیم هرآینه درانجا لوط است گفتند ما دانا تریم بهر که انجاست البته خلاص کنیم اورا و اهل اورا الا زن وی
باشد از باقیماندگان ولما أن جاءت رسلنا لوطا سيء بهم وضاق بهم ذرعا وقالوا لا تخف
ولا تحزن إنا منجوك وأهلك إلا امرأتك كانت من الغابرين ٭ و چون آمدند فرستادگان ما
پیش لوط اندوهگین کرده شد بسبب ایشان و تنگدل شد بسبب ایشان و گفتند آن فرستادگان مترس و اندوه مخور
هرآینه ما نجات دهنده توییم و اهل ترا مگر زن تو باشد از باقی ماندگان إنا منزلون على أهل هذه القرية
رجزا من السماء بما كانوا يفسقون ٭ هرآینه ما فرود آرنده ایم بر اهل این دیه عقوبتی را از آسمان بسبب آنکه
بدکاری میکردند ولقد تركنا منها آية بينة لقوم يعقلون ٭ و هرآینه گذاشتیم از آن دیه نشانه
واضح برای گروهی که در می یابند وإلى مدين أخاهم شعيبا فقال يا قوم اعبدوا الله وارجوا
اليوم الآخر ولا تعثوا في الأرض مفسدين ٭ و فرستادیم بسوی مدین برادر ایشان شعیب را گفت
ای قوم من عبادت خدا کنید و توقع دارید روز بازپسین و هرسو مگردید در زمین فسادکنان فكذبوه
فأخذتهم الرجفة فأصبحوا في دارهم جاثمين ٭ پس دروغی داشتند اورا پس درگرفت ایشانرا
از زلزله پس بامداد کردند در خانهای خویش مرده افتاده وعادا وثمود وقد تبين لكم من
مساكنهم وزين لهم الشيطان أعمالهم فصدهم عن السبيل وكانوا مستبصرين
و هلاک کردیم عاد و ثمود را و هرآینه واضح شده است شمارا بعض مساکن ایشان و آراسته ساخته بود
برای ایشان شیطان کردارهای ایشان باز داشت ایشانرا از راه و ایشان بینا بودند وقارون وفرعون
وهامان ولقد جاءهم موسى بالبينات فاستكبروا في الأرض وما كانوا سابقين ٭
و هلاک کردیم قارون و فرعون و هامان را و هرآینه آمده بود بایشان موسی با نشانهای واضح پس تکبر کردند در زمین
و نبودند سبقت کنندگان فكلا أخذنا بذنبه فمنهم من أرسلنا عليه حاصبا ومنهم من
أخذته الصيحة ومنهم من خسفنا به الأرض ومنهم من أغرقنا وما كان الله

يظلمهم ولكن كانوا انفسهم يظلمون • پس هر یکی را گرفتار ساختیم بوبال گناهش پس از ایشان کسی بود
که فرستادیم بروی سنگبار و از ایشان کسی بود که گرفت او را آواز سخت و از ایشان کسی بود که فرو بردیمش بزمین
و از ایشان کسی بود که غرق ساختیم هرگز ممکن نبود که خدا ظلم کند بر ایشان ولیکن ایشان بر خویشتن ستم میکردند مثل
الذين اتخذوا من دون الله اولياء كمثل العنكبوت اتخذت بيتا وان اوهن البيوت
لبيت العنكبوت لو كانوا يعلمون • دوستان آنانکه دوستان گرفته اند بغیر خدا همچو دستان عنکبوت
که فرا گرفت خانه و هر آینه سست ترین خانه ها خانه عنکبوت است اگر میدانستند حاصل قول آنست که ایشان
به بتان پناه برده اند و بتان هیچ نفع نه دهند چنانکه خانه عنکبوت هیچ فائده نمیدهد ان الله يعلم ما يدعون
من دونه من شيء وهو العزيز الحكيم • هر آینه خدا میداند حال چیزی که می پرستند بجز وی از هر چه
باشد و اوست غالب با حکمت وتلك الامثال نضربها للناس وما يعقلها الا العالمون • و این مثلها
بیان میکنیم برای مردمان و نمی فهمند آنرا مگر دانایان خلق الله السموات والارض بالحق ان في
ذلك لاية للمؤمنين • آفرید خدا آسمانها و زمین را ببند سر درست هر آینه درین کار نشانه است برای
مسلمانان اتل ما اوحي اليك من الكتب واقم الصلوة ان الصلوة تنهى عن الفحشاء
والمنكر ولذكر الله اكبر والله يعلم ما تصنعون • بخوان یا محمد آنچه وحی فرستاده شد
بسوی تو از کتاب و برپا دار نماز را هر آینه منع میکند از کار بیحیائی و فعل ناپسندیده و هر آینه یاد کردن خدا
بزرگتر است از همه خدا میداند آنچه می کنید ولا تجادلوا اهل الكتب الا بالتي هي احسن الا الذين
ظلموا منهم وقولوا امنا بالذي انزل الينا وانزل اليكم والهنا والهكم واحد
ونحن له مسلمون • و مکابره مکنید با اهل کتاب الا بخصلتی که وی نیک است مگر با آنانکه ستم کردند از ایشان
و بگوئید ایمان آوردیم بانچه فرود آورده شد بسوی شما و معبود ما و معبود شما یکی است و ما او را منقادیم
وكذلك انزلنا اليك الكتب فالذين اتيناهم الكتب يؤمنون به ومن هؤلاء
من يؤمن به وما يجحد باياتنا الا الكفرون • و چنانکه کتابهای سابق فرود آورده بودیم
همچنان فرود آوردیم بسوی تو کتاب پس آنانکه دادیم ایشانرا کتاب ایمان می آرند بآن و از عرب کسی هست که ایمان

بجاد

می‌ورزیدند و انکار نمی‌کنند آیات ما را مگر کافران وما کنت تتلوا من قبله من کتب ولا تخطه بیمینک

اذا لارتاب المبطلون • و نمی خواندی پیش از نزول قرآن هیچ کتاب و نمی نوشتی هیچ کتاب بدست راست خود

آنگاه در شک می افتادند این بدکیشان بل هو ایت بینت فی صدور الذین اوتوا العلم

وما یجحد بایتنا الا الظلمون • بلکه قرآن آیات روشن است محفوظ در سینهای آنانکه داده شد

ایشان را علم و انکار نمی کنند آیات ما را مگر ستمکاران مترجم گوید بعض مفسران گفته اند که مراد از الذین اوتوا العلم

اینها ذات حضرت پیغامبرست صلی الله علیه وآله وسلم والله اعلم [redacted] لولا انزل علیه ایت　　　وقالوا

من ربه قل انما الایت عند الله وانما انا نذیر مبین • و گفتند چرا فرستاده نشد بر پیغامبر

نشانها از جانب پروردگار وی بگو جز این نیست که نشانها نزدیک پروردگار من است و جز این نیست که من

ترساننده آشکارا ام اولم یکفهم انا انزلنا علیک الکتب یتلی علیهم ان فی ذلک لرحمة

وذکری لقوم یؤمنون • آیا کفایت نکرده است ایشان را آنکه فرستاده ام بر تو کتاب که خوانده میشود

بر ایشان هر آینه در این مفید صد رحمت و پندست گروه مومنان را قل کفی بالله بینی وبینکم

شهیدا یعلم ما فی السموت والارض والذین امنوا بالبطل وکفروا بالله اولئک

هم الخسرون • بگو بس است خدا گواه میان من و میان شما میداند آنچه در آسمانها و زمین است و آنانکه

ایمان آورده اند بناحق و کافر شدند بخدای ایشانند زیانکاران ویستعجلونک بالعذاب

ولولا اجل مسمی لجاءهم العذاب ولیاتینهم بغتة وهم لا یشعرون • شتاب میطلبند

از تو عذاب را و اگر نبودی میعادی معین البته آمدی بدیشان عذاب و هر آینه آید بدیشان ناگهان و ایشان

ندانند یستعجلونک بالعذاب وان جهنم لمحیطة بالکفرین • شتاب میطلبند از تو عذاب

و هر آینه دوزخ در گیرنده است کافران را یوم یغشهم العذاب من فوقهم ومن تحت ارجلهم

ویقول ذوقوا ما کنتم تعملون • روزیکه بپوشاند ایشان را عذاب از بالای ایشان و از زیر پای

ایشان و بگوید خدا بچشید جزای آنچه میکردید مترجم گوید خدای تعالی ترغیب میفرماید بهجرت جلسه و مدینه

باین آیات یعبادی الذین امنوا ان ارضی وسعة فایای فاعبدون • ای بندگان مسلمان من

هر آینه زمین من گشاده است پس مرا بالخصوص عبادت کنید كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ
هر شخصی چشنده مرگ است باز بسوی ما گردانیده شوید وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ
مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ۝ و آنانکه ایمان
آوردند و کار شایسته کردند البته فرود آریم ایشانرا از بهشت بمجلسهای بلند میرود در زیر آن جویها جاویدان
آنجا نیک است مزد این عمل کنندگان الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۝ آنانکه صبر کردند و بر
پروردگار خویش توکل میکنند وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ
وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ وبسا جانور که بر نمیدارد روزی خود را خدا روزی میدهد او را و شما را
نیز و اوست شنوا دانا وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ
لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ۝ واگر سوال کنی ایشانرا که کیست آنکه آفرید آسمانها و زمین و رام کرد
آفتاب و ماه را البته گویند که خداست پس از چه جهت گردانیده میشوند از راه توحید اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ
لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ خدای فراخ میکند روزی را برای
هر که خواهد از بندگان خویش و تنگ میسازد برای هر که خواهد هر آینه خدا بهر چیز داناست وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ
مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ
لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ۝ واگر پرسی ایشانرا کیست آنکه فرود آورد از آسمان آب پس زنده ساخت
بسبب آن زمین را بعد از مردن آن البته گویند آن خداست بگو ستایش خدا راست بلکه بیشتر ازین ایشان
نمی فهمند وَمَا هَٰذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ
كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ و نیست این زندگانی دنیا مگر بازی و بیهوده و هر آینه سرای آخرت همونست سرای
زندگانی اگر میدانستند فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ
إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ۝ پس چون سوار شوند در کشتیها دعا کنند بجناب خدا خالص کنان برای وی
عبادت را پس وقتیکه نجات داد ایشانرا بسوی زمین خشک ناگهان ایشان شریک می آرند لِيَكْفُرُوا بِمَا
آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۝ تا ناسپاسی کنند بآنچه عطا کردیم ایشانرا و تا بهره مند شوند

یعنی بدوستی یکدیگر بسبب اجتماع بر شرک بهره مند شوند پس حقیقت حال را خواهند دانست اولم یروا
انا جعلنا حرما امنا ویتخطف الناس من حولهم افبالباطل یؤمنون وبنعمة الله یکفرون
ایا ندیدند که ما پیدا کردیم حرم را امن را و ربوده میشوند مردمان از حوالی ایشان ایا بباطل اصل را باور میدارند و نعمت خدا
ناسپاسی میکنند ومن اظلم ممن افتری علی الله کذبا او کذب بالحق لما جاءه الیس فی
جهنم مثوی للکافرین ۝ و کیست ستمکارتر از کسی که افترا کرد بر خدا دروغی را یا دروغ داشت
سخن راست چون بیامد پیش او ایا نیست در دوزخ جای کافران والذین جاهدوا فینا لنهدینهم
سبلنا وان الله لمع المحسنین ۝ و انانکه جهاد کردند در راه ما البته دلالت کنیم ایشانرا براههای خود
و هر آینه خدا با نیکوکاران است سورة الروم مکیة ستون آیة بسم الله الرحمن الرحیم
مترجم گوید فارس بر روم غالب شدند و بعض بلاد سرحد را در تصرف خود آوردند چون این خبر بمکه رسید اهل اسلام
اندوهگین شدند زیرا که روم اهل کتاب بودند و کفار شادمان گشتند زیرا که ایشان اهل فارس ایمان بودند
خدای تعالی آیات نازل فرمود و بغلبه روم بر اهل فارس بشارت داد و این در چند سال بعد هجرت متحقق شد
و این قصه یکی از دلایل نبوت است الم غلبت الروم فی ادنی الارض وهم من بعد غلبهم
سیغلبون فی بضع سنین ۝ مغلوب شدند قوم روم در نزدیکترین زمین یعنی در سرحد خود و ایشان
بعد از مغلوب شدن خود غالب خواهند آمد در چند سال لله الامر من قبل ومن بعد ویومئذ یفرح
المؤمنون بنصر الله ینصر من یشاء وهو العزیز الرحیم ۝ خدا راست فرمان پیش از این
و بعد از این و آنروز شادمان شوند مسلمانان بنصرت خدا مدد میدهد هر کرا خواهد و اوست غالب مهربان وعد
الله لا یخلف الله وعده ولکن اکثر الناس لا یعلمون ۝ وعده کرده است خدا وعده خلاف نمی کند
وعده خود ولیکن بیشترین مردم نمیدانند یعلمون ظاهرا من الحیوة الدنیا وهم عن الاخرة
هم غافلون ۝ ظاهر را از تدبیر زندگانی دنیا و ایشان از آخرت بیخبران اند اولم یتفکروا فی
انفسهم ما خلق الله السموات والارض وما بینهما الا بالحق واجل مسمی وان کثیرا
من الناس بلقاء ربهم لکافرون ۝ ایا تامل نکردند در ضمیر خود که نیافریده است خدا آسمانها و زمین

وانچه درمیان آن هردوست مگر ببند بسر درست وبتعیین میعادی مقرر وهر آینه بسیاری از مردمان بملاقات
پروردگار خویش نامعتقد اند اَوَلَمْ یَسِیرُوا فِی الْاَرْضِ فَیَنْظُرُوا کَیْفَ کَانَ عَاقِبَةُ الَّذِینَ مِنْ
قَبْلِهِمْ کَانُوا اَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَاَثَارُوا الْاَرْضَ وَعَمَرُوهَا اَکْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ
رُسُلُهُمْ بِالْبَیِّنٰتِ فَمَا کَانَ اللّٰهُ لِیَظْلِمَهُمْ وَلٰکِنْ کَانُوا اَنْفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ • آیا سیر کرده اند
در زمین پس بنگرند چگونه شد عاقبت آنانکه پیش از ایشان بودند توانا تر از ایشان وشورانیدند زمین را
وآباد کردند آنرا بیشتر از آباد کردن ایشان آن زمین را وآمدند بدیشان پیغامبران ایشان بمعجزها پس ممکن نبود
که خدا ستم کند بر ایشان ولیکن ایشان بر خویشتن ستم میکردند ثُمَّ کَانَ عَاقِبَةَ الَّذِینَ اَسَاءُوا
السُّوٓاٰی اَنْ کَذَّبُوا بِاٰیٰتِ اللّٰهِ وَکَانُوا بِهَا یَسْتَهْزِءُونَ • باز حال بد عاقبت آنکسان شد که
بدی کردند بسبب آنکه دروغ داشتند آیات خدا را وبآن استهزا میکردند اَللّٰهُ یَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ
یُعِیدُهُ ثُمَّ اِلَیْهِ تُرْجَعُونَ • خدا نو میکند آفرینش را باز دوباره کندش باز بسوی او گردانیده شوید
وَیَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ یُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ • وروزیکه قایم شود قیامت ملزم شده خاموش مانند
گناهکاران وَلَمْ یَکُنْ لَهُمْ مِنْ شُرَکَائِهِمْ شُفَعٰٓؤُا وَکَانُوا بِشُرَکَائِهِمْ کٰفِرِینَ •
ونباشد از برای ایشان از شریکان ایشان هیچ شفاعت کننده وباشند بشریکان خویش نامعتقد
وَیَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ یَوْمَئِذٍ یَتَفَرَّقُونَ • وروزیکه قایم شود قیامت آنروز پراکنده شوند
مردمان فَاَمَّا الَّذِینَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَهُمْ فِی رَوْضَةٍ یُحْبَرُونَ • آنانکه
ایمان آوردند وکردند کارهای شایسته پس ایشان در بهشت خوشحال کرده شوند وَاَمَّا الَّذِینَ
کَفَرُوا وَکَذَّبُوا بِاٰیٰتِنَا وَلِقَآءِ الْاٰخِرَةِ فَاُولٰٓئِکَ فِی الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ • واما آنانکه
کافر شدند ودروغ داشتند آیات ما را وملاقات آخرت را پس ایشان در عذاب حاضر کردگان اند
فَسُبْحٰنَ اللّٰهِ حِینَ تُمْسُونَ وَحِینَ تُصْبِحُونَ • پس پاکیست خدا را وقتیکه شام میکنید
وبوقتیکه بصباح می آئید وَلَهُ الْحَمْدُ فِی السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَعَشِیًّا وَحِینَ تُظْهِرُونَ
ومراوراست ستایش در آسمانها و زمین و آخر روز و آنگاه که وقت زوال بجا در آئید مراد آنست که

در هر وقتی

در هر وقتی که این اوقات دلایل تنزیه او از رذایل و اتصاف او بمحامد متجدد میگردد پس مامور میشدند
بصلوة والله اعلم يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا
وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ ۝ بیرون آرد زنده را از مرده و مرده را از زنده و زنده میسازد زمین را
بعد مردن آن و همچنین بر آورده خواهد شد یعنی از قبور وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ
ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ ۝ و از نشانهای خدا آنست که آفرید شما را از خاک باز ناگهان
شما مردم شدید جا بجا پراگنده شده وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا
لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝
و از نشانهای خدا آنست که بیافرید برای شما از جنس شما زنان را تا آرام گیرید بسوی ایشان متوجه شده
و پیدا کرد میان شما دوستی و مهربانی هر آینه درین کار نشانهاست برای گروهی که تامل می کنند
وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
لَآيَاتٍ لِلْعَالِمِينَ ۝ از نشانهای اوست آفریدن آسمانها و زمین و گوناگون بودن زبانهای شما
و رنگهای شما هر آینه درین کار نشانهاست دانشمندان را وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ۝ و از نشانهای اوست
خفتن شما در شب و روز و رزق طلب کردن شما از فضل او و هر آینه درین کار نشانهاست برای قومی که
میشنوند وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي
بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ و از نشانهای اوست
که مینماید شما برق را از برای ترسانیدن و رغبت دادن فرود می آرد از آسمان آب پس زنده
می کند بسبب آن زمین را بعد مردن آن هر آینه درین کار نشانهاست برای قومی که می فهمند وَمِنْ
آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ
تَخْرُجُونَ ۝ و از نشانهای خداست که می ایستد آسمان و زمین بحکم او باز چون بخواند شما را یکبار
خواندن ناگهان شما از زمین بر آیید وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ ۝

ومراوراست انچه در آسمانها وزمین ست همگی برای او فرمانبردارند وَهُوَ الَّذِي يَبْدَؤُا

الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ واوست آنکه نو میکند آفرینش را وباز دوباره کندش واین دوبار کردن

آسانترست بروی ومراوراست صفت بلندتر در آسمانها وزمین واوست غالب باحکمت

ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ

فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝

بیان کرد برای شما دستانی از حال شما آیا هست برای شما از بندگانی که مالک ایشانست دست شما

هیچ شریکی در انچه عطا کردیم شمارا تا شما دران یکسان باشید بترسید از ایشان مانند ترسیدن از قوم

خویش همچنین بیان میکنیم نشانها برای قومیکه می فهمند حاصل مثل آنست که مملوک با مالک برابر نمی شود

پس مملوک خدا را شریک او نتوان گفت بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي

مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۝ بلکه پیروی کرده اند ستمکاران خواهش نفس خودرا

بغیر علم پس کیست که راه نماید کسی را که گمراه کرد خدا ونیست با ایشان هیچ یاری دهنده فَأَقِمْ وَجْهَكَ

لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذٰلِكَ الدِّينُ

الْقَيِّمُ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝ پس راست کن روی خودرا برای عبادت حنیف شده

وپیروی کن دین خدا که پیدا کرد مردمان را بروی بدل کردن نبود این دین خدارا اینست دین راست

ولیکن اکثر مردمان نمیدانند مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ

الْمُشْرِكِينَ ۝ عبادت کنید رجوع کرده بسوی وی وبترسید از وی وبرپا دارید نماز را ومباشید

از مشرکان مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ۝

مباشید از آنکه پراگنده ساختند دین خودرا وشدند گروه گروه هر گروهی بانچه نزدیک اوست

خرسندست وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُمْ مِنْهُ

رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ۝ وچون برسد بمردمان سختی بخوانند پروردگار خودرا

رجوع کرده بسوی وی باز چون بچشاند ایشانرا از جانب خود آسایشی ناگهان طایفه از ایشان به پروردگار
خود شریک می آرند لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ عاقبت حال ایشان
ناسپاسی کنند بآنچه عطا کردیم بایشان پس بهره مند شوید زود حقیقت حال خواهید دانست
أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ ۝ آیا فرود آوردیم بر ایشان
دلیلی پس آن دلیل بیان می کند برای ایشان بآنچه با خدا شریک می آرند وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا
بِهَا وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ ۝ و چون بچشانیم مردمانرا
بخشایشی شادمان شوند و اگر برسد بدیشان سختی بسبب آنچه پیش فرستاده است دست ایشان ناگهان
نا امید میشوند أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ
لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ آیا ندیدند که خدا گشاده می کند روزی را برای هر که خواهد و تنگ میسازد برای هر که میخواهد
هر آینه در این مقدمه نشانهاست برای قومی که ایمان می آرند فَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ
وَابْنَ السَّبِيلِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ پس بده
صاحب خویشی را حق وی و مسکین را و رهگذری را و این دادن بهتر است برای کسانیکه میطلبند روی خدا را
و آنجماعه ایشانند رستگار وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبًا لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو
عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ ۝
و آنچه داده باشید از سود تا بیفزاید در اموال مردمان پس وی نمی افزاید نزدیک خدا و آنچه داده باشید از صدقه
طلب خدا را پس آنجماعه ایشانند دو چند کننده مترجم گوید مالی که بشرط زیادت میدهند ربا نام نهاده شده
اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ
مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَٰلِكُمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا
يُشْرِكُونَ ۝ خدا آنست که بیافرید شمارا باز روزی داد شمارا باز میراند شمارا باز زنده کند شمارا
آیا از شریکان شما کسی هست که بکند از این کار چیزی پاکی اوراست و بلندتر است از آنچه شریک می آرند ظَهَرَ
الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

پیدا شد فساد در بیابان و در دریا بسبب انچه بعمل آورده است دستهای مردمان تا بچشاند ایشانرا جزای
بعض انچه عمل کردند بود که ایشان باز گردند یعنی قحط و غرق و سایر مصایب جزای عمل بنی آدم باشد قُلْ
سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ۝
بگو سیر کنید در زمین پس در نگرید چگونه بود انجام آنان که پیش از ایشان بودند بیشترین ایشان مشرکان
فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ ۝
پس راست کن روی خود را برای دین درست پیش از انکه بیاید روزیکه باز گشتن نیست انرا از جانب خدا آنروز
متفرق شوند مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنْفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ ۝ هر که کافر شد
پس ضرر بر ویست کفر او و هر که کرده باشد کار شایسته پس اینجماعه برای خویشتن آرامگاه راست میکنند
لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ۝ تا جزا دهد خدا
آنانرا که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند از فضل خود هر آینه وی دوست نمیدارد کافران را
وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ
بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ و از نشانهای خدا آنست که
می فرستد بادهای مژده دهنده تا بچشاند شمارا از رحمت خود یعنی باران و برای آنکه بروند کشتیها بامر وی
و برای انکه روزی طلب کنید از فضل او و برای انکه شما شکر کنید وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا
إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ
الْمُؤْمِنِينَ ۝ و هر آینه فرستادیم پیش از تو پیغامبران را بسوی قوم ایشان پس آوردند پیش قوم خود
نشانها پس انتقام کشیدیم از انکه نافرمانی کردند و بود نصرت مسلمانان لازم بر ما اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ
الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسَفًا فَتَرَى الْوَدْقَ
يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ۝
خدا آنست که می فرستد بادها پس برانگیزانید ابررا پس خدا بگسترانداّن ابررا در آسمان چنانکه خواهد و بگرداندش
پاره پاره پس می بینی که قطرات بیرون می آیند از میان آن پس چون رساندش بهر که خواهد از بندگان خود

ان

ناگهان ایشان

ناگهان ایشان شاد شوند وَإِن كَانُوا مِن قَبْلِ أَن يُنَزَّلَ عَلَيْهِم مِّن قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ ۝ واگرچه
بودند پیش از آنکه فرود آورده شد بر ایشان باران نا امید شونده فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ
كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ پس درنگر
بسوی آثار رحمت خدا چگونه زنده می‌کند زمین را بعد مرده بودن آن هر آینه وی البته زنده کننده
مردگان است و او بر همه چیز توانا است وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوا
مِن بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ ۝ واگر فرستیم بادی پس ببینند آن کشت را زرد شده البته شوند بعد آن ناسپاسی
فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ۝ پس هر آینه تو نمی‌شنوانی
مردگان را و نمی‌شنوانی کران را آواز خواندن چون روی بگردانند پشت داده وَمَا أَنتَ بِهَادِي الْعُمْيِ عَن
ضَلَالَتِهِمْ إِن تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُم مُّسْلِمُونَ ۝ و نیستی تو راه نماینده کوران از گمراهی ایشان
نمی‌شنوانی مگر کسی را که باور میدارد آیات ما پس ایشان منقاد کننده اند اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن ضَعْفٍ
ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ
وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ ۝ خدا آنست که آفرید شما را از ابتدای ناتوانی باز داد مر شما را بعد از ناتوانی توانائی
باز داد از توانائی ناتوانی و سفید موئی می‌آفریند هر چه می‌خواهد و اوست دانا توانا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ
يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَٰلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ ۝ و روزی که قائم شود قیامت
سوگند خورند گنهکاران که توقف نکردند یعنی در دنیا مگر ساعتی همچنین از راه برگردانیده میشدند یعنی چون
عقوبت مخلده معاینه کردند دنیا را بمنزله ساعتی خیال نمودند بر عکس آن که در دنیا حیات دنیا بمنزله خلود
خیال میکردند والله اعلم وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَىٰ
يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَٰذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَٰكِنَّكُمْ كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ و گویند آنانکه علم و ایمان داده شد
ایشان را هر آینه توقف کرده اید بر وفق کتاب خدا تا روز رستخیز پس اینست روز رستخیز لیکن شما نمی‌دانستید فیو
مَئِذٍ لَّا يَنفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ۝ پس آن روز سود ندهد ظالمان را عذر خواهی
ایشان و نه از ایشان توبه طلب کرده شوند وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِن

جئتهم بآية ليقولن الذين كفروا ان انتم الا مبطلون • و هر آینه بیان کردیم برای مردمان درین
قران هر داستانی را و اگر بیاری پیش ایشان نشانه گویند کافران نیستید مگر بیهوده گوی کذلك يطبع
الله على قلوب الذين لا يعلمون • همچنین مهر می نهد خدا بر دل آنانکه نمیدانند فاصبر
ان وعد الله حق ولا يستخفنك الذين لا يوقنون • پس صبر کن هر آینه وعده خدا
راست است و سبکبار نکنند ترا آنانکه یقین نمیدارند

سورة اللقمان على الغفران اربع ثلثون آية

بسم الله الرحمن الرحيم • الم تلك آيات الكتاب الحكيم • این آیتهای کتاب با حکمت است
هدى ورحمة للمحسنين • هدایت و بخشایش شده برای نیکوکاران الذين يقيمون الصلوة
ويؤتون الزكوة وهم بالآخرة هم يوقنون • آنانکه بر پا میدارند نماز را و میدهند زکوة را
و ایشان بآخرت یقین میدارند اولئك على هدى من ربهم واولئك هم المفلحون • انجماعه بر
هدایت اند از پروردگار ایشان و انجماعه ایشانند رستگار ومن الناس من يشتري لهو
الحديث ليضل عن سبيل الله بغير علم ويتخذها هزوا اولئك لهم عذاب مهين •
و از مردمان کسی هست که می ستاند سخنی را که برای بازیست یعنی مثل قصه رستم و اسفندیار تا گمراه کند مردم را
از راه خدا بغیر علم و تمسخر کرد راه خدا را انجماعه ایشانراست عذاب خوار کننده واذا تتلى عليه آياتنا
ولى مستكبرا كأن لم يسمعها كأن في اذنيه وقرا فبشره بعذاب اليم • و چون خوانده میشود
برین شخص آیات ما روی بگرداند تکبر کنان گویا نشنیده است آنرا گویا در گوش وی گرانیست پس خبر ده اورا
بعذاب درد دهنده ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات لهم جنات النعيم • هر آینه آنانکه ایمان آوردند
و کارهای شایسته کردند ایشانراست بهشتهای نعمت خالدين فيها وعد الله حقا وهو
العزيز الحكيم • جاودان آنجا وعده داده است خدا وعده راست و اوست غالب با حکمت
خلق السموات بغير عمد ترونها والقى في الارض رواسي ان تميد بكم وبث
فيها من كل دابة وانزلنا من السماء ماء فانبتنا فيها من كل زوج كريم • آفرید
آسمانها بغیر ستونها که ببینید آنرا و افگند در زمین کوهها برای احتراز آنکه بجنباند شما را و پراگنده کرد در زمین

از هر نوع جانور

از هر نوع جانور و فرود آوردیم از آسمان آبی پس رویانیدیم در زمین از هر جنس نیک هٰذَا خَلْقُ اللّٰهِ
فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظّٰلِمُونَ فِي ضَلٰلٍ مُبِينٍ • اینست آفرینش خدا پس بنمائید
چه چیز آفریدند آنکه بجز وی اند بلکه ستمکاران در گمراهی ظاهر اند وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمٰنَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ
لِلّٰهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ • و هرآینه عطا کردیم
لقمان را حکمت گفتیم که شکر کن خدا را و هر که شکر کند پس جز این نیست که شکر میکند برای نفع خود و هر که ناسپاسی
کند پس هرآینه خدا بی نیاز ستوده کارست وَإِذْ قَالَ لُقْمٰنُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يٰبُنَيَّ لَا تُشْرِكْ
بِاللّٰهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ • یاد کن چون گفت لقمان به پسر خود و او پند میداد آن پسر را ای پسرک من
شریک مقرر مکن با خدا هرآینه شرک ستمی است بزرگ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسٰنَ بِوٰلِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا
عَلٰى وَهْنٍ وَفِصٰلُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوٰلِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ • و حکم فرمودیم آدمی را
به نسبت پدر و مادر وی در شکم برداشته است وی را مادر وی در حال سستی بالای سستی دیگر یعنی
هر وقت سست تر میشود والله اعلم و از شیر باز کردن او در دو سال است با این مضمون که شکر گذاری کن
مرا و پدر و مادر خود را بسوی منست بازگشت وَإِنْ جٰهَدَاكَ عَلٰى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ
بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ
إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ • و اگر کوشش کنند با تو برای آنکه شریک
مقرر کنی با من چیزی که نیست ترا بحقیقت آن دانش پس فرمانبرداری کن راه کسی که رجوع دارد بسوی من
باز بسوی منست رجوع شما پس آگاه کنم شما را بآنچه میکردید يٰبُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ
مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمٰوٰتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللّٰهُ إِنَّ اللّٰهَ
لَطِيفٌ خَبِيرٌ • گفت لقمان ای پسرک من هرآینه خطیه اگر باشد هم سنگ دانه از سپندان پس باشد
در میان سنگی یا در آسمانها یا در زمین بهر حال حاضر کند آنرا خدا هرآینه خدا باریک بین خبردارست
يٰبُنَيَّ أَقِمِ الصَّلٰوةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلٰى مَا أَصَابَكَ إِنَّ
ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ • ای پسرک من بر پا دار نماز را و بفرما کار پسندیده و منع کن از ناپسندیده

وصبر کن بر هرچه برسد ترا هرآینه اینقدر از کارهای مقصودست ولا تصعر خدك للناس ولا تمش

في الارض مرحا ان الله لا يحب كل مختال فخور ۝ ومتاب خساره خودرا از طرف مردمان یعنی

تکبر در راه ومرو در زمین خرامان هرآینه خدا دوست نمیدارد هر نازنده خودستاینده را واقصد

في مشيك واغضض من صوتك ان انكر الاصوات لصوت الحمير ۝ ومیانه روی کن در رفتار خود

وفرود آر آواز خودرا هرآینه بدترین آوازها آواز خران باشد الم تروا ان الله سخر لكم ما في

السموات وما في الارض واسبغ عليكم نعمه ظاهرة وباطنة ومن الناس

من يجادل في الله بغير علم ولا هدى ولا كتاب منير ۝ آیا ندیده اید که خدا رام کرد

برای شما آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمین ست تمام فرود آورد بر شما نعمتهای خودرا آشکارا و

پنهان کسی ست که مکابره میکند در باب خدا بغیر دانش وهدایت وبغیر کتاب روشن واذا قيل لهم

اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه آباءنا اولو كان الشيطان

يدعوهم الى عذاب السعير ۝ وچون گفته شود بایشان که پیروی کنید چیزی را که فرود آورد

خدا گویند بلکه پیروی میکنیم چیزی را که یافتیم بر آن پدران خودرا آیا پیروی میکنند اگرچه شیطان میخواند ایشانرا

بسوی عذاب دوزخ ومن يسلم وجهه الى الله وهو محسن فقد استمسك بالعروة

الوثقى والى الله عاقبة الامور ۝ وهرکه متوجه ساخت روی خودرا بسوی خدا واوست نکوکار

پس هرآینه دست زده است بدست آویزی محکم وبسوی خداست بازگشت کارها ومن كفر

فلا يحزنك كفره الينا مرجعهم فننبئهم بما عملوا ان الله عليم بذات الصدور

وهرکه کافر شود پس اندوهگین نکند ترا کفر وی بسوی ماست رجوع ایشان پس خبردار کنیم ایشانرا بآنچه

میکردند هرآینه خدا داناست بخصلتی که در سینها باشد نمتعهم قليلا ثم نضطرهم الى

عذاب غليظ ۝ بهره مند میسازیم ایشانرا اندکی باز بیچاره کنیم ایشانرا بسوی عذاب سخت

ولئن سألتهم من خلق السموات والارض ليقولن الله قل الحمد لله بل اكثرهم

لا يعلمون ۝ اگر سوال کنی ازیشان کیست که بیافرید آسمانها وزمین را البته گویند خدا آورد بگو

ستایش خدارا

ستایش خدا راست بلکه اکثر ایشان نمیدانند لله ما فی السموات والارض ان الله هو الغنی
الحمید ○ خدا را آنچه در آسمانها و زمین هست هر آینه خدا همانست بی نیاز ستوده ولو ان ما فی الارض
من شجرة اقلام والبحر یمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت کلمت الله ان الله
عزیز حکیم ○ و اگر آنچه در زمین است از درختان قلمها شوند و دریا سیاهی بود زیاده میکند
آنرا بعد از این دریا هفت دریای دیگر بپایان نرسد سخنان خدا یعنی معلومات او هر آینه خدا غالب است
با حکمت ما خلقکم ولا بعثکم الا کنفس واحدة ان الله سمیع بصیر ○ نیست آفریدن شما
و نه برانگیختن شما الا مانند آفریدن و برانگیختن یک تن هر آینه خدا شنوا بیناست الم تر ان الله
یولج الیل فی النهار ویولج النهار فی الیل وسخر الشمس والقمر کل یجری
الی اجل مسمی وان الله بما تعملون خبیر ○ آیا ندیدی که خدا در می آرد شب در روز
و روز را در شب و رام گردانید آفتاب و ماه را هر یکی میرود مدتی معین و آیا ندیدی که خدا بآنچه میکنید
خبردار است ذلک بان الله هو الحق وان ما یدعون من دونه الباطل وان الله
هو العلی الکبیر ○ این کارها بسبب آنست که خدا همون است ثابت و بسبب آنست که آنچه می پرستید
بجز وی باطل است و بسبب آنست که خدا همون است بلند مرتبه بزرگ قدر الم تر ان الفلک تجری
فی البحر بنعمت الله لیریکم من ایته ان فی ذلک لایت لکل صبار شکور ○ آیا ندیدی
که کشتی میرود در دریا بفضل خدا تا بنماید شما را بعض نشانهای خویش هر آینه در این مقدمه نشانهاست هر صبر کننده
سپاس دارنده را واذا غشیهم موج کالظلل دعوا الله مخلصین له الدین فلما
نجهم الی البر فمنهم مقتصد وما یجحد بایتنا الا کل ختار کفور ○ و چون در گیرد
ایشانرا موج مانند سایبانها بخوانند خدا را خالص کرده برای او عبادت پس آنگاه که نجات داد ایشانرا
بسوی بیابان پس بعض ایشان میانه رو باشند و انکار نمیکنند آیات ما را مگر هر عهد شکننده ناسپاس
یا ایها الناس اتقوا ربکم واخشوا یوما لا یجزی والد عن ولده ولا مولود
هو جاز عن والده شیئا ان وعد الله حق فلا تغرنکم الحیوة الدنیا ولا

يغرنكم بالله الغرور ۝ اي مردمان بترسيد از پروردگار خويش و حذر كنيد از روزيكه كفايت نكند
هيچ پدر بجاي پسر خويش و نه فرزندي كفايت كننده باشد بجاي پدر خود چيزي را هر آينه وعده خدا راست است
پس فريب ندهد شما را زندگاني دنيا و فريب ندهد شما را در مقدمه خدا شيطان فريبنده إن الله
عنده علم الساعة وينزل الغيث ويعلم ما في الأرحام وما تدري نفس ما
ذا تكسب غدا وما تدري نفس بأي أرض تموت إن الله عليم خبير ۝
هر آينه خدا نزديك اوست علم قيامت و فرود مي فرستد باران را و ميداند آنچه در شكم حامله باشد و نميداند
هيچ شخصي كه چه كار خواهد كرد فردا و نميداند هيچ شخصي كه بكدام زمين خواهد مرد و هر آينه خدا دانا و خبردار است

سورة السجدة مكية ثلثون آية

بسم الله الرحمن الرحيم ۝

الم تنزيل الكتاب لا ريب فيه من رب العلمين ۝ فرود آوردن كتاب هيچ شبهه نيست در آن
از جانب پروردگار عالمها ست أم يقولون افتريه بل هو الحق من ربك لتنذر
قوما ما أتاهم من نذير من قبلك لعلهم يهتدون ۝ آيا ميگويند بر بافته است آنرا
بلكه وي راست است آمده از جانب پروردگار تو تا ترساني قومي را كه نيامده است بايشان هيچ
ترساننده پيش از تو تا بود كه ايشان راه يابند الله الذي خلق السموات والأرض وما
بينهما في ستة أيام ثم استوى على العرش ما لكم من دونه من ولي ولا
شفيع أفلا تتذكرون ۝ خدا آنست كه بيافريد آسمانها و زمين و آنچه ما بين آنهاست در
شش روز باز قرار گرفت بر عرش نيست شما را بجز وي هيچ دوستي و شفاعت كننده آيا پند پذير نميشويد
يدبر الأمر من السماء إلى الأرض ثم يعرج إليه في يوم كان مقداره ألف سنة
مما تعدون ۝ تدبير ميكند كار را فرود آورد از آسمان بسوي زمين باز بالا مي رود آن كار بسوي خدا
در روزيكه هست مقدار آن هزار سال از آن حساب كه ميشماريد يعني اگر مردمان نزول تدبير و عروج او
تصور كنند در كم از هزار سال خيال نمايند و آنچه پيش خداي تعالي در يك روز تمام ميشود غرض آنست كه
او هم ايشان بقدرت او نميرسد والله اعلم ذلك عالم الغيب والشهادة العزيز

الرحيم

الرَّحِيمِ ۝ اینست صفت داننده نهان و آشکار غالب مهربان الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ
وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ۝ آنکه به نیکوترین وجه ساخت هر چیز را که آفریدش و نو کرد آفرینش
آدمی را از گل ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ۝ باز پیدا کرد نسل او را از خلاصه از آب خوار
ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا
تَشْكُرُونَ ۝ باز درست اندام گردش و دمید در وی روح خود و پیدا کرد برای شما گوش و چشمها و دلها
اندکی شکر میکنید وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ
كَافِرُونَ ۝ و گفتند چون گم شویم در زمین آیا ما در آفرینش نو خواهیم بود بلکه ایشان بملاقات
پروردگار خویش کافرانند قُلْ يَتَوَفَّاكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ
بگو قبض روح شما میکند ملک الموت که گماشته شده است بر شما باز بسوی پروردگار خویش گردانیده شوید
وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا
نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ ۝ و تعجب کنی اگر در نگری وقتیکه گناهکاران نگونسار کننده سر خویش باشند
نزد پروردگار خویش گویند ای پروردگار ما دیدیم و شنیدیم پس بازگردان ما را تا بکنیم کار شایسته
هر آینه ما یقین کننده ایم وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَٰكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ
جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ۝ و اگر میخواستیم البته میدادیم هر شخصی را هدایت او و لیکن
ثابت شد وعده از جانب من که هر آینه پر کنم دوزخ از جنیان و آدمیان همه یکجا فَذُوقُوا بِمَا
نَسِيتُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ پس بچشید این عذاب بسبب آنکه فراموش
کردید ملاقات این روز خود را هر آینه ما نیز فراموش کردیم شما را و بچشید عذاب دائم بسبب آنچه میکردید
إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ
لَا يَسْتَكْبِرُونَ ۝ جز این نیست که ایمان می آرند بآیات ما آنانکه چون پند داده میشوند بآن نگونسار افتند
سجده کنان و بپاکی یاد کنند باستایش پروردگار خویش و ایشان تکبر نمیکنند تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ
الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۝ دور میشود پهلوی ایشان

ملأن

لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ

سجده ۹

از خوابگاه پروردگار خود بترس و امید واری و از انچه روزی داده ایم ایشانرا خرج می کنند فَلَا تَعْلَمُ
نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ پس نمیداند هیچ نفس چه چیز نهان
داشته شد برای ایشان از خنکی چشم پاداش داده شد بانچه میکردند أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ
فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ ۝ ایا کسی که مومن باشد مانند کسی هست که فاسق باشد برابر نمی شوند أَمَّا الَّذِينَ
آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ اما انانکه ایمان آوردند
وکارهای شایسته کردند پس ایشانرا بهشتهای جای ماندن بطریق مهمانی بسبب انچه میکردند وَأَمَّا الَّذِينَ
فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ
ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ ۝ اما انانکه فاسق بودند پس جای ایشان
دوزخ هست هرگاه که خواهند که بیرون آیند از انجا باز گردانیده شوند دران وگفته شود با ایشان
بچشید عذاب آتش که آنرا دروغ میداشتند وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ
الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ والبته بچشانیم ایشانرا عذاب یعنی در دنیا بطرف از عذاب
بزرگ بود که ایشان باز گردند وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ
الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ ۝ وکیست ستمکارتر از کسی که پند داده شد بآیات پروردگار خویش باز روی بگردانید
ازان هر آینه ما از گنهکاران انتقام کشنده ایم وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُن فِي مِرْيَةٍ
مِّن لِّقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا
لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ ۝ و هر آینه دادیم موسی را کتاب پس مباش در شبه از ملاقات
قران و ساختیم موسی را هدایت برای بنی اسرائیل و پیدا کردیم از ایشان پیشوایان که راه مینمودند بفرمان ما
وقتیکه صبر کردند و بآیات ما یقین می آوردند إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا
كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۝ و هر آینه پروردگار تو فیصل کند میان ایشان روز قیامت در انچه اندران
اختلاف میکردند أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي
مَسَاكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ ۝ ایا واضح نشد ایشانرا که چه قدر هلاک کردیم

الَّذِي

بسی از ایشان

بش از ایشان قرنها میروند ایشان در خانها و انجاء هر آینه درین کارها نشانهاست که می شنوند او لم یروا
أنا نسوق الماء إلى الأرض الجرز فنخرج به زرعا تأكل منه أنعامهم وأنفسهم
أفلا يبصرون • آیا نه بینند که ما روان کنیم آب را بسوی زمین بی گیاه تا بیرون آریم بسبب
آن زراعت چهارپایان ایشان و خود ایشان نیز آیا نمی بینند ويقولون متى هذا الفتح
إن كنتم صادقين • و میگویند کی خواهد بود این فتح اگر راست گوئید قل يوم لا ينفع
الذين كفروا إيمانهم ولا هم ينظرون • بگو روز فتح سود ندهد کافرانرا ایمان آوردن ایشان
و نه ایشان مهلت داده شوند فأعرض عنهم وانتظر إنهم منتظرون • پس روی بگردان
از ایشان و انتظار بکش هر آینه ایشان نیز منتظرانند سورة الأحزاب مدنية ثلث وسبعون آية
بسم الله الرحمن الرحيم • يا أيها النبي اتق الله ولا تطع الكافرين والمنافقين
إن الله كان عليما حكيما • ای پیغامبر بترس از خدا و فرمانبرداری مکن کافرانرا و منافقانرا و
هر آینه خداست دانا با حکمت واتبع ما يوحى إليك من ربك إن الله كان بما تعملون
خبيرا • و پیروی کن چیزیرا که وحی فرستاده میشود بسوی تو از جانب پروردگار تو هر آینه خدا است
بآنچه می کنید خبردار وتوكل على الله وكفى بالله وكيلا • و توکل کن بر خدا و خدا وکیل بس است
ما جعل الله لرجل من قلبين في جوفه وما جعل أزواجكم اللائي تظاهرون
منهن أمهاتكم وما جعل أدعياءكم أبناءكم ذلكم قولكم بأفواهكم والله يقول الحق
وهو يهدي السبيل • نیافریده است خدای تعالی برای هیچ مردی دو دل در داخل بدن او و نگردانیده
آن زنان شمارا که اظهار میکنید با ایشان مادران شما و نساخته است پسر خواندگان شمارا پسران شما این سخن
شماست که میگوئید بدهان خویش و خدا میگوید سخن راست و او دلالت میکند بر راه مترجم گوید که درین آیت
رد است بر قول کافری که مرا دو دل داده اند و بر آنچه اهل جاهلیت مقرر کرده بودند که مظاهره مثل مادر حرام
مؤید میشود و تعریض است بجواب طعن کافران و منافقان بنسبت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله وسلم
چون زینب را تزویج فرمود که زن پسر خود را بزنی گرفت ادعوهم لآبائهم هو أقسط عند الله

فان لم تعلموا آباءهم فاخوانكم في الدين ومواليكم وليس عليكم جناح فيما اخطأتم
به ولكن ما تعمدت قلوبكم وكان الله غفورا رحيما ۝ نسبت کنید پسر خواندگان را بپدران
ایشان این راست ترست نزدیک خدا پس اگر ندانید پدران ایشان را پس برادران شما اند در دین
و آزاد کردگان شما اند یعنی پس بدین لقب خوانید و نیست بر شما گناهی در لفظی که خطا کرده باشید بتکلم آن
ولیکن گناه آنست که قصد کرد دل شما و هست خدا آمرزنده مهربان النبي اولى بالمؤمنين
من انفسهم وازواجه امهاتهم واولوا الارحام بعضهم اولى ببعض في
كتاب الله من المؤمنين والمهاجرين الا ان تفعلوا الى اوليائكم معروفا
كان ذلك في الكتاب مسطورا ۝ پیغامبر سزاوار ترست بتصرف در امور مسلمین از ذوات
ایشان و زنان پیغامبر مادران ایشانند یعنی در حرمت نکاح و خداوندان قرابت بعض ایشان
نزدیکترانند ببعض در حکم خدا از سایر مسلمانان و هجرت کنندگان لیکن آنچه بکنید بسوی دوستان خود
رعایتی هست جایز بود این حکم در لوح محفوظ نوشته شده یعنی صله ارحام واجب است و توارث بهجرة
و اسلام منسوخ شد بتوارث بتقارب و ارحام واذ اخذنا من النبيين ميثاقهم
ومنك ومن نوح وابراهيم وموسى وعيسى ابن مريم واخذنا منهم
ميثاقا غليظا ۝ و یاد کن چون گرفتیم از پیغامبران عهد ایشان را و از تو بگرفتیم و از نوح و ابراهیم
و موسی و عیسی پسر مریم و گرفتیم از ایشان عهد محکم ليسأل الصادقين عن صدقهم واعد
للكافرين عذابا اليما ۝ تا خدای تعالی بپرسد آن راست گویان را از راستی ایشان و مهیا کرده است
برای کافران عذاب درد دهنده مترجم گوید کفار در غزوه احزاب بر مدینه هجوم کردند و آنحضرت
بخندق متحصن شدند و از منافقان سخنان سر زد و مخلصان استقامت ورزیدند و آخر بفتح اسلام واقع شد
خدای تعالی در ذم ایشان و مدح اینان و منت نهادن بر ایشان نازل ساخت يا ايها الذين
آمنوا اذكروا نعمة الله عليكم اذ جاءتكم جنود فارسلنا عليهم ريحا وجنودا
لم تروها وكان الله بما تعملون بصيرا ۝ ای مسلمانان یاد کنید نعمت خدا بر خویش

وقتیکه آمد

و فتنگ آمد بر سر شما لشکرها پس فرستادیم بر ایشان باد و لشکرها که ندیدید آنرا و هست خدا بانچه میکنید بینا

إِذْ جَاؤُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ

وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا ۝ چون آمد بر شما از جانب بالای شما و از جانب پایین شما و چون خیره ماند دیدها و رسید

دلها بحنجرها و گمان میکردید بنسبت خدا گمانهای مختلف هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا

زِلْزَالًا شَدِيدًا ۝ آنجا امتحان کرده شد مسلمانانرا و جنبانیده شدند ایشان جنبانیدن سخت إِذْ

يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا ۝

و چون گفتند منافقان و آنکه در دل ایشان بیماریست وعده نداد ما را خدا و رسول او مگر بطریق فریب دادن

وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ

النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا ۝ و چون گفتند

طائفه از ایشان ای اهل مدینه سرای ماندن نیست شما را پس باز گردید و دستوری میطلبید گروهی از ایشان

از جناب پیغامبر میگویند هر آینه خانهای ما نا مضبوط و نیستند آن خانها نا مضبوط نمی خواهند مگر گریختن را

وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا ۝

و اگر در آمده شد بر سر ایشان از نواحی آن پس طلب کرده میشد از ایشان خانه جنگی البته میدادند آنرا و توقف

نمیکردند در دادن فتنه مگر اندکی حاصل کلام آنست که در جهاد توقف میکنند و اگر جنگ در مقدمه نفسانی

میشد توقف نمیکردند وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُوَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ

عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا ۝ و هر آینه عهد بسته بودند با خدا پیش ازین که بر نگردانند پشت را و هست عهد خدا

پرسیده شده قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذًا لَا تُمَتَّعُونَ

إِلَّا قَلِيلًا ۝ بگو سود نمیدهد شما را گریختن اگر بگریزید از مرگ یا از کشته شدن و آنهنگام بهره مند

ساخته نشوید مگر اندکی قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ

رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۝ بگو کیست آنکه نگاهدارد شما را

از تصرف خدا اگر بخواهد در حق شما بدی یا خواهد در حق شما نعمتی و نیابند برای خویش بجز خدا دوستی و نه یاری دهنده

قد يعلم الله المعوقين منكم والقائلين لاخوانهم هلم الينا ولا ياتون البأس الا
قليلا ۝ هر آينه خدا ميداند بازدارندگان را از شما و گويندگان را به برادران خويش که بيائيد بسوی ما و حاضر
نمی شوند بکارزار مگر اندکی اشحة عليكم فاذا جاء الخوف رايتهم ينظرون اليك
تدور اعينهم كالذي يغشى عليه من الموت فاذا ذهب الخوف سلقوكم
بالسنة حداد اشحة على الخير اولئك لم يؤمنوا فاحبط الله اعمالهم وكان ذلك
على الله يسيرا ۝ بخل کنان به سبب شما يعنی در معاونت شما چون ترس بيايد ببينی که ايشان در مي نگرند
بسوی تو ميگردد چشمهای ايشان مانند کسی که بيهوش کرده شود از سختی موت پس چون برود ترس زبان درازی
کنند بر شما بزبانهای تيز بخل کنان بر مال غنيمت ايمان نياوردند پس نابود ساخت خدا کردارهای ايشان را و هست
اين کار بر خدا آسان يحسبون الاحزاب لم يذهبوا وان يات الاحزاب يودوا لو انهم
بادون في الاعراب يسالون عن انبائكم ولو كانوا فيكم ما قاتلوا الا قليلا ۝ مي پندارند گروهای
کفار نرفته اند و اگر بيايند لشکرها تمنا کنند کاش ايشان صحرانشين بودندی در ميان اعراب سوال ميکردندی از
اخبار شما يعنی از هر آينده و رونده و اگر باشند در ميان شما کارزار نکنند مگر اندکی لقد كان لكم في رسول الله
اسوة حسنة لمن كان يرجو الله واليوم الآخر وذكر الله كثيرا ۝ هر آينه هست شما را به پيغمبر خدا
پيروی نيک کسی را که توقع ميداشت ثواب خدا و توقع ميداشت روز آخر را و ياد کرد خدا را بسياری
ولما رأى المؤمنون الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله
وما زادهم الا ايمانا وتسليما ۝ و چون ديدند مسلمانان لشکرها را گفتند اينست آنچه وعده داده بود
ما را خدا و پيغامبر او و راست گفت خدا و رسول او و اين ماجرا نه افزود در حق ايشان مگر باور داشتن و گردن
نهادن من المؤمنين رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه و
منهم من ينتظر وما بدلوا تبديلا ۝ از مسلمانان مردانند که راست کردند آنچه عهد بسته بودند با خدا
بران پس از ايشان کسی هست که بانجام رسانيد قرار داد خود را يعنی شهيد شد و از ايشان کسی هست که انتظار ميکشد
و بدل نکردند هيچ وجه بدل کردنی ليجزي الله الصادقين بصدقهم ويعذب المنافقين ان شاء

او يتوب عليهم

أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا • تا جزا دهد خدا راست گویان را در مقابله راستی وایشان
وعذاب كند منافقان را اگر خواهد یا برحمت باز گردد بر ایشان هر آینه خداست آمرزنده مهربان وَرَدَّ اللهُ
الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللهُ قَوِيًّا عَزِيزًا •
وباز گردانید خدا کافران را با خشم ایشان نیافتند هیچ منفعتی وکفایت کرد خدا از طرف مسلمانان در معرکه جنگ
وهست خدا توانا غالب وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ
فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا • وفرود آورد آنان را که مددکاری این گروه
کرده بودند از اهل کتاب یعنی قریظه را فرود آورد از ایشان وافکند در دل ایشان خوف طایفه را می کشتند
واسیر می گرفتید طایفه را وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَئُوهَا وَكَانَ اللهُ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا • وعاقبت کار بشما داد زمین ایشان را وخانهای ایشان را ومالهای ایشان را ونیز عاقبت کار
بشما داد زمینی که پای سپر نکرده یعنی خیبر وهست خدا بر همه چیز توانا مترجم گوید از ازواج آنحضرت الخ نزدیک
آنحضرت نبود از زینت دنیا چیزها طلب میکردند خدای تعالی ایشان را پند داد وزجر فرمود واحکام معاشرت
با ایشان نازل ساخت وزینب رضی الله عنها در عقد زید بود در میان ایشان ناسازگاری پدید آمد و
رفته رفته بطلاق منجر شد وبعد انقضای عدة خدای تعالی او را داخل ازواج طاهرات گردانید
منافقان زبان طعن گشادند که زن پسر خود را بزنی گرفت خدای تعالی در بیان آنکه پسر خوانده حکم پسر
ندارد نازل ساخت يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا
فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا • ای پیغامبر بگو زنان خود را اگر خواسته باشید
زندگانی دنیا وآرایش آن پس بیایید تا جامه دهم شمارا ورها کنم شمارا رها کردن نیک وَإِنْ كُنْتُنَّ
م دار تُرِدْنَ اللهَ وَرَسُولَهُ وَالْآخِرَةَ فَإِنَّ اللهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا • واگر
میخواهید خدا وپیغامبر را وسرای آخرت را پس هر آینه آماده ساخت برای زنان نیکوکاری کننده از شما مزد بزرگ
يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ
وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللهِ يَسِيرًا • ای زنان پیغامبر هر که بعمل آرد از شما بدکاری ظاهر مراد ایذای

بیغامبر بزبان درازی دو چند کرده شود و برا عذاب دو چندان و هست این مقدمه بر خدا آسان

وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلّٰهِ وَرَسُولِهٖ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا

لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ۝ و هر که فرمانبرداری کند از شما خدا و پیغامبر او را و کند کار نیک بدهیم او را مزد دو بار

و مهیا کنیم برای او روزی نیک يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ

بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهٖ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ۝ ای زنان پیغامبر نیستید شما مانند

هر کدام از سایر زنان اگر پرهیزکاری دارید پس ملایمت مکنید در سخن گفتن که آنگاه طمع کند کسی که در دل او

بیماریست و گویید سخن نیکو وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولٰى وَ

أَقِمْنَ الصَّلٰوةَ وَآتِينَ الزَّكٰوةَ وَأَطِعْنَ اللّٰهَ وَرَسُولَهٗ إِنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ

عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ۝ و بمانید در خانهای خویش و اظهار تجمل مکنید مانند

اظهار تجمل که در جاهلیت پیشین بود و بر پا دارید نماز را و بدهید زکوة را و فرمانبرداری خدا و رسول او بکنید

جز این نیست که میخواهد خدا که دور کند از شما پلیدی را ای اهل بیت و پاک کند شما را پاک کردنی وَاذْكُرْنَ

مَا يُتْلٰى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللّٰهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللّٰهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ۝ و یاد کنید آنچه

خوانده میشود در خانهای شما از آیتهای خدا و از حکمت و هر آینه خدا هست لطف کننده و خبردار إِنَّ

الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ

وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ

وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ

وَالذَّاكِرِينَ اللّٰهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ۝ هر آینه

مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان باوردارنده و زنان باوردارنده و مردان طاعت کننده و

زنان طاعت کننده و مردان راست گوینده و زنان راست گوینده و مردان شکیبائی کننده و زنان

شکیبائی کننده و مردان فروتنی کننده و زنان فروتنی کننده و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده

و مردان روزه دارنده و زنان روزه دارنده و مردان محافظت کننده شرمگاه و زنان محافظت کننده

و مردان یاد کننده

ومردان یاد کننده خدا را و زنان یاد کننده مهیا کرده است خدای تعالی برای ایشان آمرزش و مزد بزرگ

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا ۝ و نیست هیچ مومن و هیچ مومنه را چون مقرر کند

خدا کاری و رسول او آنکه باشد ایشان را اختیار در آن کار خویش و هر که نافرمانی کند خدا و رسول او را پس

هر آینه گمراه شد گمراهی ظاهر درین آیت تعرض است بآن قصه که آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم نخست زینب را

با زید خطبه فرمود و آنرا زینب و برادرش مکروه داشتند و این معنی مناسب حال ایشان نبود والله اعلم

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ

وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا

قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ

أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ۝ و یاد کن چون میگفتی بآن شخصی که

انعام کرده است خدا برو و انعام کرده تو بر وی که نگاه دار بر خود زن خود را و بترس از خدا و پنهان میکردی

در ضمیر خویش آنچه خدا پدید آرنده اوست و میترسیدی از مردمان و خدا سزاوارتر است بآنکه بترسی ازوی پس

وقتیکه بانجام رسانید زید از زینب حاجت را یعنی طلاق داد و بزنی دادیم ترا زینب تا نباشد بر مسلمانان هیچ تنگی

در نکاح کردن زنان پسر خواندگان خویش چون بآخر رسانند از ایشان حاجت را و هست مراد خدا البته کردنی

درین آیت تعریض است بآن قصه که در خاطر مبارک آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم میگذشت که اگر در میان

زید و زینب مفارقت واقع شود آنرا در سلک ازواج طاهرات داخل فرماید لیکن او را برای رعایت مراسم

بنکوهی کس معاشرت دلالت میفرمود مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ

فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا ۝ نیست بر پیغامبر هیچ تنگی در آنچه حلال ساخت

خدا برای او مانند آئین خدا در حق آنانکه گذشتند پیش ازین و هست کار خدا اندازه مقرر کرده شده پیش از وجود آن

ن الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ

حَسِيبًا ۝ مانند آئین خدا در حق آنان که میرسانند پیغامهای خدا را و میترسند ازوی و نمیترسند از هیچکس مگر از خدا

وبس است خدا حساب کننده مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ
النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ۝ نیست محمد پدر هیچکس از مردان شما ولیکن پیغامبر خداست و مهر
پیغامبران است یعنی از وی هیچ پیغمبر نباشد و هست خدا بهر چیز دانا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ
ذِكْرًا كَثِيرًا وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ۝ ای مسلمانان یاد کنید خدا را یاد کردن بسیار و پاکی بخوانید او را
صبح و شام هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ
بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ۝ اوست آنکه رحمت میفرستد بر شما و دعای رحمت میکنند بر شما فرشتگان او تا برآورد
شما را از تاریکیها بسوی روشنی و هست خدا بمسلمانان مهربان تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ
لَهُمْ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ دعای خیر ایشان یعنی از جانب خدا و فرشتگان روزیکه ملاقات کنند بخدا اسلام است
و آماده کرده است برای ایشان مزد نیک يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا
ای پیغامبر هر آینه ما فرستادیم ترا گواهی دهنده و مژده رساننده و ترساننده وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ
بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا ۝ و خواننده بسوی خدا بحکم او و چراغ روشن وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ
لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا ۝ و بشارت ده مسلمانان را بآنکه ایشان را باشد از جانب خدا بخشایش بزرگ
وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ۝
و فرمان مبر کافران و منافقان را و از نظر اعتبار بگذار رنجانیدن ایشان ترا و توکل کن بر خدا و بس است خدا
کارساز يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ
فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُّونَهَا فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ۝ ای مسلمانان
چون نکاح کنید زنان مومنه را باز طلاق دهید ایشان را پیش از آنکه دست رسانید بایشان پس نیست شما را بر زنان
هیچ عدتی که شمار کنید آنرا پس متعه دهید این مطلقات را و بگذارید اینها را گذاشتن نیکو يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا
أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ
وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ
وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ

مِن دُونِ

مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ
لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ ای پیغامبر هر آینه ما حلال کردیم برای تو
زنان تو که داده مهر ایشان و کنیزکانی که مالک ایشان شده است دست تو از آنچه خدا عاید ساخته است بر تو
یعنی از کفار بتو رسانیده است و حلال کردیم دختران عم ترا و دختران عمه‌های ترا و دختران ترا و دختران
خالهای ترا آنانکه هجرت کرده اند با تو و حلال کردیم زن مسلمان اگر ببخشد خود را برای پیغامبر یعنی بغیر مهر
در نکاح آید اگر خواهد پیغامبر که نکاح کند آنرا خاص برای تو بجز مسلمانان هر آینه دانستیم آنچه فرض ساختیم
بر ایشان در حق کنیزکانی که مالک آنست دست ایشان سهل کردیم تا نباشد بر تو هیچ تنگی و هست خدا آمرزنده
مهربان یعنی در باب نکاح خیرهاست که بر امت فرض شد و بر آنحضرت نه تُرْجِي مَن تَشَاءُ مِنْهُنَّ
وَتُؤْوِي إِلَيْكَ مَن تَشَاءُ وَمَنِ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ
أَن تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَّ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ
وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ موقوف داری هر کرا خواهی از ایشان و جای دهی نزدیک خویش هر کرا خواهی
و اگر خواهش کنی زنی را از آنجمله که یکسو کرده آنها را پس نیست هیچ گناهی بر تو این رخصت دادن نزدیکتر است
از آنکه خنک شود چشم ایشان و اندوه نخورند و خشنود شوند بدانچه بدهی ایشانرا همه ایشان و خدا میداند
آنچه در دلهای شماست و هست خدا دانا بردبار لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِن بَعْدُ وَلَا أَن تَبَدَّلَ بِهِنَّ
مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا
و حلال نیستند ترا زنان بعد ازان دو صنف قریشیه مهاجره مهریه یا واهبه نفس غیر مهریه و نه حلال است آنکه
بدل کنی بجای ایشان زنان دیگر را اگرچه بشگفت آرد ترا حسن ایشان مگر آنچه مالک شده دست تو و هست خدا بر همه
چیزها نگهبان يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَن يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ
غَيْرَ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَٰكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ
لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ
مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِن وَرَاءِ حِجَابٍ ذَٰلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَن تُؤْذُوا

حَلِيمًا

رسول الله ولا ان تنكحوا ازواجه من بعده ابدا ان ذلكم كان عند الله عظيما ۝
ای مسلمانان درمیایید بخانهای پیغامبر مگر وقتیکه دستوری داده شود شمارا برای طعامی نه انتظارکنان پخته شدن طعام را
ولیکن چون خوانده شوید شما درآیید پس چون طعام خورید پراکنده شوید نه آرام گیران برای سخنی هرآینه این کار شما
رنجانید پیغامبر را پس شرم میداشت از شما و خدا شرم نمیدارد از سخن راست و چون طلب کنید از زنان پیغامبر رختی
پس طلب کنید آنرا از پس پرده این خصلت پاکتر است برای دل شما و دل ایشان و سزاوار نیست شمارا که برنجانید پیغامبر را
و نه آنکه نکاح کنید زنان او را پس از وی هرگز هرآینه اینکار هست نزدیک گناه بزرگ ان تبدوا شيئا او تخفوه
فان الله كان بكل شيء عليما ۝ اگر آشکارا کنید چیزی را یا پنهان دارید پس هرآینه خدا هست بهرچیز دانا لا جناح
عليهن في ابائهن ولا ابنائهن ولا اخوانهن ولا ابناء اخوانهن ولا ابناء اخواتهن
ولا نسائهن ولا ما ملكت ايمانهن واتقين الله ان الله كان على كل شيء شهيدا ۝
نیست هیچ بزه در زنان در پرده نپوشیدن پیش پدران خویش و نه پیش پسران خویش و نه برادران خویش و نه
پسران برادران خویش و نه پسران خواهران خویش و نه زنان همجنس خویش یعنی عفیفه و پاک زاده و نه آنچه مالک آن شد
دست ایشان و بترسید ای زنان از خدا و هرآینه خدا هست بر همه چیز گواه ان الله وملئكته
يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه وسلموا تسليما ۝ هرآینه خدا و فرشتگان او
درود میفرستند بر پیغامبر ای مسلمانان درود فرستید بر وی و سلام گویید سلام گفتنی ان الذين
يؤذون الله ورسوله لعنهم الله في الدنيا والاخرة واعد لهم عذابا مهينا ۝ هرآینه
آنانکه میرنجانند خدا و پیغامبر او را لعنت کرد ایشان را در دنیا و آخرت و مهیا ساخت برای ایشان عذاب
خوارکننده والذين يؤذون المؤمنين والمؤمنات بغير ما اكتسبوا فقد احتملوا
بهتانا واثما مبينا ۝ و آنانکه میرنجانند مردان مسلمان و زنان مسلمان را بغیر گناهی که بعمل آورده باشند
هرآینه برداشتند بار بهتان و گناه ظاهر را يا ايها النبي قل لازواجك وبناتك ونساء
المؤمنين يدنين عليهن من جلابيبهن ذلك ادنى ان يعرفن فلا يؤذين وكان
الله غفورا رحيما ۝ ای پیغامبر بگو زنان خود و دختران خود و زنان مسلمانان که فرو گذارند بر خود

بچادرهای خود

چادرهای خود را این نزدیکتر است با آنکه شناخته شوند پس ایشان ایذا داده نشوند و هست خدا آمرزنده مهربان
یعنی عفت ایشان ظاهر شود و فاسقی تعرض ایشان نکنند والله اعلم لَئِن لَّمْ يَنتَهِ الْمُنٰفِقُونَ وَالَّذِينَ
فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا
قَلِيلًا • و اگر باز نمانند منافقان و آنانکه در دلهای ایشان بیماری است و خبر بد فاش کنندگان در مدینه
یعنی از کردارهای خود البته برغلانیم ترا بر ایشان باز همسایه نباشند با تو در مدینه مگر زمانی اندک یعنی جلا وطن
کرده شوند مَّلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِّلُوا تَقْتِيلًا • لعنت کرده شدگان هرجا که یافته شوند
اسیر کرده شوند ایشان را کشتن بسیار سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلُ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ
تَبْدِيلًا • مانند روش خدا در آنانکه گذشتند پیش ازین و هرگز نیابی روش خدا را تغیری يَسْأَلُكَ
النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا •
سوال میکنند ترا مردمان از قیامت بگو جز این نیست که معرفت آن نزد خداست و چه چیز خبر داد ترا
شاید که قیامت موجود شود در زمان نزدیک إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكٰفِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا •
خدا لعنت کرده است کافران را و آماده ساخته است برای ایشان آتش خٰلِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَّا يَجِدُونَ
وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا • جاودان باشند آنجا همیشه نیابند دوستی و نه یاری دهنده يَوْمَ تُقَلَّبُ
وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يٰلَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَا • روزی که گردانیده شود
روی ایشان در آتش گویند ای کاش ما فرمان می بردیم خدا را و فرمان می بردیم پیغامبر را وَقَالُوا رَبَّنَا
إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا • و گویند ای پروردگار ما هر آینه ما فرمان بردیم سرداران
خود را و بزرگان خود را پس گمراه ساختند ما را از راه رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ
لَعْنًا كَبِيرًا • ای پروردگار ما بده ایشان را دو چند از عذاب و لعنت کن ایشان را لعنتی سخت يٰأَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِندَ اللَّهِ
وَجِيهًا • ای مسلمانان مباشید مانند آنانکه رنجانیدند موسی را پس پاک ساخت خدای تعالی او را از آنچه گفته بودند
و بود موسی نزدیک خدا با آبرو یعنی موسی وقت غسل ستر میکرد جهال بنی اسرائیل گفتند او را است عیب آن اتفاق برکناره آب

غسل میکرد و جامهای خود بر سنگ نهاده بود بفرمان خدای تعالی آن سنگ روان شد و موسی عقب سنگ دوید تا آنکه
از جماعه بنی اسرائیل عریان دیدند و گفتند او ورمه ندارد و او ورمه انتفاخ خصیه را گویند والله اعلم یا ایها
الذین امنوا اتقوا الله و قولوا قولا سدیدا یصلح لکم اعمالکم و یغفر لکم ذنوبکم
و من یطع الله و رسوله فقد فاز فوزا عظیما · ای مسلمانان بترسید از خدا و گویید سخن استوار
تا بصلاح آرد کردارهای شمارا و بیامرزد برای شما گناهان شمارا و هرکه فرمان برد خدا و رسول او را پس بیابد مطلب
بفیروزی بزرگ انا عرضنا الامانة علی السموات والارض والجبال فابین ان یحملنها
واشفقن منها و حملها الانسان انه کان ظلوما جهولا · هرآینه ما پیش آوردیم امانت را
یعنی استعداد تکلیف را با وامر و نواهی والله اعلم بر آسمانها و زمین و بر کوهها پس قبول نکردند آنرا و ترسیدند
ازان و برداشت آنرا آدمی هرآینه وی هست ستمکار نادان یعنی بالفعل عدالت و علم ندارد و قابلیت آنها
دارد والله اعلم لیعذب الله المنفقین والمنفقت والمشرکین والمشرکات و یتوب الله
علی المؤمنین والمؤمنت وکان الله غفورا رحیما · تا شود آخر کار آنکه عذاب کند خدای تعالی مردان
و زنان منافق را و مردان مشرک و زنان مشرک را و برحمت رجوع کند بر مردان مسلمان و زنان مسلمان و هست خدا
آمرزنده مهربان سورة السبا مکیة اربع و خمسون آیة بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله الذی له ما فی السموات وما فی الارض وله الحمد فی الاخرة وهو الحکیم الخبیر
همه ستایش خدا راست که بدست اوست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین هست و مر او راست ستایش
در آخرت و اوست با حکمت آگاه یعلم ما یلج فی الارض وما یخرج منها وما ینزل من السماء
وما یعرج فیها وهو الرحیم الغفور · میداند آنچه درمی آید بزمین و آنچه بیرون می آید از وی و آنچه فرود
می آید از آسمان و آنچه بالا میرود در وی و اوست مهربان آمرزنده وقال الذین کفروا لا تاتینا
الساعة قل بلی و ربی لتاتینکم عالم الغیب والشهادة لا یعزب عنه مثقال ذرة
فی السموات ولا فی الارض ولا اصغر من ذلک ولا اکبر الا فی کتب مبین · و گفتند
کافران نخواهد آمد بشما قیامت بگو آری قسم بپروردگار من البته خواهد آمد بشما پروردگاری که داننده پوشیده است

بار غنود از وی

غایب نمی شود از وی هم وزن ذره در آسمانها و نه در زمین و نیست خردتر از آن و نه بزرگتر مگر ثبت
در کتاب ظاهر لیجزی الذین آمنوا وعملوا الصالحات أولئک لهم مغفرة ورزق کریم ۝
تا جزا دهد آنان را که ایمان آوردند و عملهای شایسته کردند الجماعه ایشان راست آمرزش و روزی گرامی والذین
سعوا فی آیاتنا معاجزین أولئک لهم عذاب من رجز ألیم ۝ و آنانکه سعی کردند در رد
آیات ما مقابله کنان الجماعه ایشان راست عذاب از عقوبت درد دهنده ویری الذین أوتوا
العلم الذی أنزل إلیک من ربک هو الحق ویهدی إلی صراط العزیز الحمید ۝ و می بینند
آنانکه داده شده است ایشان را علم جزی که فرود آورده شد بسوی تو از جانب پروردگار تو راست است
و دلالت کننده بسوی راه خدای غالب ستوده کار وقال الذین کفروا هل ندلکم علی
رجل ینبئکم إذا مزقتم کل ممزق إنکم لفی خلق جدید ۝ و گفتند کافران با یکدیگر آیا دلالت کنیم
شما را بر مردی که خبر میدهد بشما چون پاره پاره کرده شوید تمام پاره پاره شدن هر آینه شما در آفرینش نو باشید
أفتری علی الله کذبا أم به جنة بل الذین لا یؤمنون بالآخرة فی العذاب والضلال
البعید ۝ آیا بر بسته است بر خدا دروغ را یا با وی جنی هست بلکه آنانکه ایمان نمی آرند بآخرت در عقوبت باشند
و در گمراهی دور اند أفلم یروا إلی ما بین أیدیهم وما خلفهم من السماء والأرض إن نشأ
نخسف بهم الأرض أو نسقط علیهم کسفا من السماء إن فی ذلک لآیة لکل عبد منیب ۝ آیا ندیدند
بسوی آنچه پیش روی ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است از آسمان و زمین اگر خواهیم فرو بریم ایشان را
بزمین یا بیافکنیم بر ایشان پاره ها از آسمان هر آینه درین کار نشانه است هر بنده رجوع کننده را ولقد آتینا
داود منا فضلا یا جبال أوبی معه والطیر وألنا له الحدید ۝ هر آینه دادیم داود را از
نزدیک خود بزرگی گفتیم ای کوهها بازگردید بتسبیح گوئید همراه او و مسخر ساختیم مرغان را و نرم گردانیدیم
برای او آهن را أن اعمل سابغات وقدر فی السرد واعملوا صالحا إنی بما تعملون بصیر ۝
و فرمودیم بساز زره کشاده و اندازه نگهدار در بافتن حلقها وای اهل بیت داود و بعمل آرید کردار نیک
هر آینه من بآنچه می کنید بینا ام ولسلیمان الریح غدوها شهر ورواحها شهر وأسلنا له عین

القطر ومن الجن من يعمل بين يديه باذن ربه ومن يزغ منهم عن امرنا نذقه من
عذاب السعير ۝ ومسخر ساختیم برای سلیمان باد را سیر روز او یکماهه راه بود و سیر آخر روز او نیز
یکماهه راه بود و روان ساختیم برای او چشمهٔ مس و مسخر ساختیم از دیوان کسی که کار میکرد پیش او بحکم پروردگار
خویش و هر که کجی کند از دیوان از حکم ما بچشانیم او را پاره از عقوبت دوزخ يعملون له ما يشاء من
محاريب وتماثيل وجفان كالجواب وقدور راسيات اعملوا آل داود شكرا وقليل
من عبادي الشكور ۝ میساختند برای او آنچه میخواست از قلعها و صورتها و کاسها بقدر حوضها و دیکها
ثابت در جای خود گفتیم بعمل آرید ای کسان داود سپاسداری را و اندک کسی است از بندگان من شکرگزارنده
فلما قضينا عليه الموت ما دلهم على موته الا دابة الارض تاكل منساته فلما خر
تبينت الجن ان لو كانوا يعلمون الغيب ما لبثوا في العذاب المهين ۝ پس چون مقرر کردیم
بروی مرگ دلالت نکرد دیوان را بر موت او مگر کرم چوب خواره که میخورد عصای سلیمان را پس چون بیفتاد واضح
بشد دیوان که اگر میدانستند غیب را درنگ نمیکردند در عذاب خوار کننده لقد كان لسبا في مساكنهم
آية جنتان عن يمين وشمال كلوا من رزق ربكم واشكروا له بلدة طيبة ورب غفور ۝
هر آینه بود قوم سبا را در جای ماندن ایشان نشانه بود دو بوستان از جانب راست و از جانب چپ گفتیم بخورید
رزق پروردگار خویش و شکر گوئید او را شهری هست پاکیزه و پروردگار آمرزنده فاعرضوا
فارسلنا عليهم سيل العرم وبدلناهم بجنتيهم جنتين ذواتي اكل خمط واثل وشيء
من سدر قليل ۝ پس روی گردانیدند یعنی از شکر پس فرستادیم بر ایشان سیلی که به آن پشتها بند کرده بودند و عوض
دادیم او شان را بجای دو بوستان ایشان دو بوستانی دیگر خداوند میوهای بدمزه خداوند درخت گز و چیزی
اندک از درخت کنار ذلك جزيناهم بما كفروا وهل نجازي الا الكفور ۝ باین سزا دادیم ایشانرا
بسبب ناسپاسی ایشان و سزا نمیدهیم مگر ناسپاس را وجعلنا بينهم وبين القرى التي باركنا
فيها قرى ظاهرة وقدرنا فيها السير سيروا فيها ليالي واياما آمنين ۝ و پیدا کردیم
میان ایشان و میان آن دیهها که برکت نهاده ایم در آن یعنی شام دیههای متصل با یکدیگر و مقرر کردیم در آن دیهها

آمد و رفت را

آمد و رفت را گفتیم سیر کنید درین دیه‌ها شبها و روزها ایمن شده فقالوا ربنا باعد بین
اسفارنا وظلموا انفسهم فجعلناهم احادیث ومزقناهم کل ممزق ان فی ذلك
لآیات لکل صبار شکور • پس گفتند یعنی بزبان حال ای پروردگار ما دوری پیدا کن درمیان سفرهای ما
وستم کردند بر خویشتن پس گردانیدیم ایشانرا افسانها و پاره پاره ساختیم ایشانرا تمام پاره پاره ساختن
هرآینه درین ماجرا نشانهاست هر صبر کننده شکر گوینده را ولقد صدق علیهم ابلیس ظنه
فاتبعوه الا فریقا من المؤمنین • هرآینه راست یافت شیطان در حق ایشان اندیشه خود را
پس پیروی او کردند مگر گروهی اندک از مومنان وما کان له علیهم من سلطان الا لنعلم
من یؤمن بالآخرة ممن هو منها فی شك وربك علی كل شیء حفیظ • و نبود
برایشان شیطانرا هیچ غلبه لیکن مبتلا کردانیدیم تا بدانیم کسی را که ایمان می آرد بآخرت از آنکه وی در
شبهه است ازوی و پروردگار تو بر هر چیز نگاهبان است قل ادعوا الذین زعمتم من دون
الله لا یملکون مثقال ذرة فی السموات ولا فی الارض وما لهم فیهما من شرك
وما له منهم من ظهیر • بگو بخوانید آنانرا که گمان می کنید بجز خدا مالک نیستند هموزن یکذره در
آسمانها و نه در زمین و نیست ایشانرا در آسمان و زمین هیچ شرکتی و نیست خدا را از ایشان هیچ
یاری دهنده ولا تنفع الشفاعة عنده الا لمن اذن له حتی اذا فزع عن
قلوبهم قالوا ماذا قال ربکم قالوا الحق وهو العلی الکبیر • و سود نکند درخواست
نزدیک خدای تعالی مگر برای کسی که دستوری داده باشد برای او اهل محشر مضطرب شوند تا آنگاه که
اضطراب دور کرده آید از دل ایشان گویند چه چیز فرموده است پروردگار شما ملاء اعلی گویند فرموده است
سخن راست یعنی اذن شفاعت داد و اوست بلند مرتبه بزرگ قدر قل من یرزقکم من السموات
والارض قل الله وانا او ایاکم لعلی هدی او فی ضلال مبین • بگو که روزی میدهد شما را
از جانب آسمانها و زمین باز بگو خدا میدهد و هرآینه ما یا شما با هدایت ایم یا در گمراهی ظاهر قل
لا تسألون عما اجرمنا ولا نسأل عما تعملون • بگو سوال کرده نخواهد شد شما را از گناه ما و

وسوال کرده نخواهد شد ما را از آنچه شما می کنید قل یجمع بیننا ربنا ثم یفتح بیننا بالحق وهو

الفتاح العلیم • بگو جمع خواهد کرد پروردگار ما میان ما باز حکم کند میان ما یعنی میان ما و شما براستی

و اوست حکم کننده دانا قل ارونی الذین الحقتم به شرکاء کلا بل هو الله العزیز

الحکیم • بگو بنمائید مرا آنانکه ایشان را لاحق کرده آید با خدا شریک ساخته نه چنین است بلکه خدا همونست

غالب با حکمت وما ارسلناک الا کافة للناس بشیرا ونذیرا ولکن اکثر الناس

لا یعلمون • و نفرستادیم ترا الا برای مردمان همه ایشان مژده دهنده و ترساننده ولیکن اکثر مردمان

نمی دانند ویقولون متی هذا الوعد ان کنتم صادقین • و میگویند کی بوجود آید این وعده

اگر شما راست گویید قل لکم میعاد یوم لا تستاخرون عنه ساعة ولا تستقدمون

بگو شما راست وعده روزی که باز پس نمانید از آن ساعتی و نه پیش دستی کنید وقال الذین کفروا

لن نؤمن بهذا القرآن ولا بالذی بین یدیه ولو تری اذ الظالمون موقوفون

عند ربهم یرجع بعضهم الی بعض القول یقول الذین استضعفوا للذین

استکبروا لولا انتم لکنا مؤمنین • گفتند کافران یعنی مشرکان هرگز باور نداریم این قرآن را و نه

آن کتاب را که پیش از وی بود و تعجب بکنی ای بیننده اگر به بینی چون ستمکاران ایستاده کرده شوند نزدیک

پروردگار خویش باز میگرداند بعض ایشان بسوی بعض سخن را یعنی جواب سوال کنند میگویند آنان که ناتوان

گرفته شد ایشان را با آنکه سرکشی کردند اگر نمی بودید شما هر آینه ما مسلمان میشدیم قال الذین استکبروا

للذین استضعفوا انحن صددناکم عن الهدی بعد اذ جاءکم بل کنتم مجرمین •

گفتند سرکشان بنا توانان آیا ما باز داشتیم شما را از هدایت بعد از آنکه آمد بشما بلکه شما بودید گناهکاران

وقال الذین استضعفوا للذین استکبروا بل مکر اللیل والنهار اذ تامروننا

ان نکفر بالله ونجعل له اندادا واسروا الندامة لما راوا العذاب وجعلنا

الاغلال فی اعناق الذین کفروا هل یجزون الا ما کانوا یعملون • وگفتند ناتوانان

سرکشان را نه بلکه باز داشت ما را مکر شما که پیوسته در سعی آن بودید بفرمودید ما را که کافر شدیم بخدا

نصف

ومورکم

ومقرر کنیم برای او همتایان را و در دل دارند همه ایشان پشیمانی چون ببینند عذاب را و بنهیم طوقها در
گردن کافران سزا داده نمیشوند مگر بوفق آنچه میکردند وما ارسلنا في قرية من نذير الا
قال مترفوها انا بما ارسلتم به كافرون • و نفرستادیم در هیچ دیهی بیم کننده را مگر گفتند
منعمان آن دیه هر آینه ما بآنچه فرستاده شده است شما را همراه آن نامعتقدیم وقالوا نحن اكثر
اموالا واولادا وما نحن بمعذبين • و گفتند ما زیاده تریم باعتبار اموال و اولاد و نیستیم ما
عذاب کرده شده قل ان ربي يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر ولكن اكثر الناس
لا يعلمون • بگو هر آینه پروردگار ما کشاده میکند روزی را برای هر که خواهد و تنگ میسازد و لیکن
اکثر مردمان نمی دانند وما اموالكم ولا اولادكم بالتي تقربكم عندنا زلفى الا من امن
وعمل صالحا فاولئك لهم جزاء الضعف بما عملوا وهم في الغرفات امنون • و نیست اموال شما
و نه اولاد شما آنچیز که مقرب گرداند شما را نزدیک ما بمرتبه قرب لیکن مقرب آنست که ایمان آورد و کرد کارهای
شایسته پس آن جماعه ایشان راست جزای دو چندان بمقابله آنچه عمل کردند ایشان در کوشکهای بلند ایمن باشند
والذين يسعون في اياتنا معاجزين اولئك في العذاب محضرون • و آنانکه سعی میکنند
در رد آیات ما مقابله کنان آن جماعه در عذاب حاضر کرده باشند قل ان ربي يبسط الرزق لمن يشاء
من عباده ويقدر له وما انفقتم من شيء فهو يخلفه وهو خير الرازقين • بگو
هر آینه پروردگار ما کشاده میکند روزی برای هر که خواهد از بندگان خود و تنگ میسازد برای هر که خواهد
و هرچه خرج کنید از هر جنس که باشد پس خدا عوض آن دهد و او بهترین روزی دهندگان است ويوم يحشرهم
جميعا ثم يقول للملائكة اهؤلاء اياكم كانوا يعبدون • و روزی که برانگیزد خدا ایشان را
همه یکجا باز گوید بفرشتگان آیا ایشان شما را عبادت میکردند قالوا سبحانك انت ولينا من دونهم
بل كانوا يعبدون الجن اكثرهم بهم مؤمنون • فرشتگان گویند پاکی تراست تو کارساز مایی
سوای ایشان بلکه ایشان عبادت میکردند دیوان را یعنی عبادت ملائکه بجهت وسوسه شیاطین بود
پس گویا عبادت شیاطین کردند اکثر ایشان بدیوان اعتقاد کردند فاليوم لا يملك بعضكم

لبعض نفعا ولا ضرا ونقول للذين ظلموا ذوقوا عذاب النار التي كنتم بها تكذبون
پس امروز نمیتوانند بعض شما برای بعض سود رسانیدن و نه زیان کردن و فرمائیم ستمکاران را بچشید عذاب
آتشی که شما دروغ میداشتید وإذا تتلى عليهم ءايتنا بينت قالوا ما هذا إلا رجل يريد
أن يصدكم عما كان يعبد ءاباؤكم وقالوا ما هذا إلا إفك مفترى وقال الذين
كفروا للحق لما جاءهم إن هذا إلا سحر مبين • و چون خوانده میشود برایشان آیات ما روشن آمده
گویند با یکدیگر نیست این پیغامبر مگر مردی میخواهد باز دارد شما را از آنچه می پرستیدند پدران شما و گویند
نیست این قرآن مگر دروغی بر بافته و گویند کافران سخن راست را چون بیاید بدیشان نیست این مگر سحر ظاهر
وما ءاتينهم من كتب يدرسونها وما أرسلنا عليهم قبلك من نذير • و ندادیم مشرکان
عرب را کتابها که بخوانند آنرا و نفرستادیم بسوی ایشان پیش از تو هیچ ترساننده وكذب الذين
من قبلهم وما بلغوا معشار ما ءاتينهم فكذبوا رسلي فكيف كان نكير • و دروغ
داشتند آنان که پیش از ایشان بودند و این مشرکان نرسیده اند بده یک آنچه داده بودیم پیشینیان را
پس بدروغ نسبت کردند پیغامبران مرا پس چگونه بود عقوبت من قل إنما أعظكم بوحدة
أن تقوموا لله مثنى وفرادى ثم تتفكروا ما بصاحبكم من جنة إن هو إلا
نذير لكم بين يدي عذاب شديد • بگو جز این نیست که پند میدهم شما را بیک کلمه که برخیزید
برای خدا دوگان دوگان و یک یک باز تامل کنید که نیست با این یار شما هیچ جنونی نیست او مگر بیم کننده
برای شما پیش از آمدن عذاب سخت قل ما سألتكم من أجر فهو لكم إن أجري إلا على الله
وهو على كل شيء شهيد • بگو آنچه سوال کرده باشم از شما از جنس مزد پس آن شما راست نیست مزد من
مگر بر خدا و او بر همه چیز خبردار است قل إن ربي يقذف بالحق علم الغيوب • بگو هر آینه پروردگار من
می پراند علم غیب وحی راست آن پروردگار دانا بپوشیده ست قل جاء الحق وما يبدئ البطل
وما يعيد • بگو آمد سخن راست و آفرینش نو نمی کند معبود باطل و نه دیگر بار آفریند قل إن ضللت
فإنما أضل على نفسي وإن اهتديت فبما يوحي إلي ربي إنه سميع قريب • بگو اگر گمراه شدم

پس جز این نیست که گمراه میشوم بر نفس خود و اگر راه یابم پس آن سبب که وحی میفرستد بسوی من پروردگار من
هر آینه وی شنوا نزدیکست وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ ۝ و تعجب
و اگر ببینی چون مضطرب شوند چون نباشد از عذاب خلاص شدن و گرفته شوند از هر جانب نزدیک یعنی گرفته
بآسانی وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ ۝ و گویند اکنون ایمان آوردیم بقرآن
و از کجا بود ایشان را بدست آوردن از جای دور یعنی محال شد وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِن قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِن
مَّكَانٍ بَعِيدٍ ۝ و حال آنکه کافر بودند بقرآن پیش از این و می انداختند یعنی ظن می انداختند نادیده از مکان دور
وَحِيلَ بَيْنَهُمْ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِم مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ ۝ و جدائی افکنده شد میان
ایشان و میان آنچه میخواستند چنانچه کرده شد با امثال ایشان پیش از این هر آینه ایشان بودند در شک قوی

وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ

سورة الفاطر مكية خمس واربعون آية ۝ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ
وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ همه ستایش خدا راست آفریننده
آسمانها و زمین سازنده فرشتگان را پیغام رساننده ایشان را خداوند بازوها دوگان دوگان و سه گان
سه گان و چهارگان چهارگان زیاده میکند در آفرینش هر چه خواهد هر آینه خدا بر هر چیز تواناست
مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِن بَعْدِهِ وَهُوَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ آنچه گشاده سازد خدا برای مردمان از رحمت پس هیچ بند کننده نیست آن را و آنچه
بند کند پس هیچ گشاده سازنده نیست آن را بعد از وی یعنی غیر وی و اوست غالب با حکمت يَا أَيُّهَا النَّاسُ
اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا
هُوَ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ ۝ ای مردمان یاد کنید نعمت خدا را بر خویشتن آیا هیچ آفریننده هست غیر خدا روزی
میدهد شما را از جانب آسمان و زمین نیست هیچ معبود مگر وی پس از کجا گردانیده میشوید وَإِن يُكَذِّبُوكَ
فَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۝ و اگر بدروغ نسبت کنند ترا پس هر آینه
بدروغ نسبت کرده شدند پیغامبران پیش از تو و بسوی خدا باز گردانیده میشود کارها يَا أَيُّهَا النَّاسُ

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ ای مردمان
هر آینه وعده خدا راست است پس فریفته نکند شما را زندگانی دنیا و فریب ندهد شما را بنسبت خدا شیطان فریب دهنده
إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ هر آینه
شیطان شما راست دشمن پس دشمن گیرید او را جز این نیست که میخواند تابعان خود را تا باشند از اهل دوزخ
الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ
آنانکه کافر شدند ایشانراست عذاب سخت و آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته ایشانراست
آمرزش و مزد بزرگ أَفَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ
وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسَرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ
آیا کسی که آراسته کرده شد برای او عمل زشت پس نیک دید آنرا مومن صالح باشد پس هر آینه خدا گمراه می کند
هر کرا خواهد و راه مینماید هر کرا خواهد پس باید که هلاک نشود نفس تو بر ایشان از روی دریغ هر آینه خدا
تواناست بانچه می کنند وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ
فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَٰلِكَ النُّشُورُ و خدای آنست که فرستاد بادها را پس برانگیخت
آن بادها ابر را پس روان کردیم ابر را بسوی شهر مرده پس زنده ساختیم بآن ابر زمین را بعد مرده بودن آن
همچنین خواهد بود برانگیختن مردمان مَن كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ
الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ
وَمَكْرُ أُولَٰئِكَ هُوَ يَبُورُ هر که خواهد ارجمندی پس خدا راست ارجمندی همه یکجا بسوی او بالا میرود
سخن پاک و عمل صالح بلند میکرداندش خدا و آنانکه می اندیشند فتنهای ایشانراست عذاب سخت و بد اندیشی ایشان
همون نابود شود وَاللَّهُ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا
تَحْمِلُ مِنْ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِن مُّعَمَّرٍ وَلَا يُنقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي
كِتَابٍ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ و خدا آفرید شما را از خاک باز از نطفه باز گردانید شما را جفت مرد
و زن و در شکم بر نمی دارد هیچ زنی و نمی زاید مگر بعلم خدا و زندگانی داده نمیشود هیچ درازعمری و کم کرده نمیشود

ازعمروی

از عموی الاثبت است در کتاب هر آینه این کار بر خدا آسان است وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَٰذَا عَذْبٌ
فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَٰذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِن كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً
تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ • و برابر نیستند
یعنی یکسان نمی شوند باختلاط دو دریا این یک شیرین در نهایت شیرینی است خوشگوار آب او و آن دیگر شور
به تلخی مایل است و از هر یکی میخورید گوشت تازه و بر می آرید زیوری که می پوشید آنرا و می بینید کشتیها را در دریا
شکافنده آب تا روزی طلب کنید از فضل او و تا بود که شما شکر گوئید يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ
النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ
وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِن قِطْمِيرٍ • در می آرد شب را در روز و در می آرد روز را
در شب و رام ساخت آفتاب و ماه را هر یکی میرود بمیعاد معین اینست خدا پروردگار شما مر اوراست
بادشاهی و آنانکه می پرستند بجز وی مالک نمی شوند مقدار پوست خسته إِن تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا
دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ
مِثْلُ خَبِيرٍ • اگر بخوانید ایشانرا نشنوند خواندن شما و اگر بفرض بشنوند قبول نکنند گفته شما و روز قیامت
منکر شوند شریک مقرر کردن شما و خبر ندهد ترا هیچکس مانند دانا مترجم گوید لا ینبئک مثل خبیر بمنزله مثل است
چون سخن بلیغ گویند و تحقیق بنهایت رسانند اینکلمه گویند يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ
وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ • ای مردمان شمائید محتاج بسوی خدا و خدا همونست بی احتیاج ستوده کار
إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ • اگر خواهد نابود سازد
شما را و بیارد آفرینش نو و نیست اینکار بر خدا دشوار وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِن تَدْعُ
مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم
بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ • و بر نمیدارد
هیچ بردارنده بار دیگری را اگر بخواند گران بار بسوی بار خویش برداشته نشود از آن بار چیزی اگرچه آنکس خداوند
خویشی باشد جز این نیست که بیم میکنی آنانرا که می ترسند از پروردگار خویش غایبانه و بر پا داشته اند نماز را و هر که

پاک شد پس جز این نیست که پاک میشود برای نفع خویش و بسوی خداست بازگشت وما یستوی
الاعمی والبصیر ولا الظلمت ولا النور ولا الظل ولا الحرور وما یستوی الاحیاء
ولا الاموات ان الله یسمع من یشاء وما انت بمسمع من فی القبور ان انت
الا نذیر • برابر نیستند نابینا و بینا و نه تاریکیها و نه روشنی و نه سایه و نه باد گرم و برابر نمیشوند زندگان
و مردگان هر آینه خدای شنود هر کرا خواهد و نیستی تو شنواننده کسی که در گور باشد و نیستی تو مگر ترساننده
انا ارسلنک بالحق بشیرا ونذیرا وان من امة الا خلا فیها نذیر • هر آینه ما فرستاده ایم ترا
بدین راست بشارت دهنده و بیم کننده و نیست هیچ امتی مگر گذشته است دران بیم کننده وان
یکذبوک فقد کذب الذین من قبلهم جاءتهم رسلهم بالبینت وبالزبر و
بالکتب المنیر ثم اخذت الذین کفروا فکیف کان نکیر • و اگر بدروغ نسبت کنند ترا پس هر آینه
دروغی داشته بودند آنان که پیش از ایشان بودند آمدند بدیشان پیغامبران ایشان بنشانهای
واضح و بنامهای الهی و بکتاب روشن باز گرفتار کردم کافران پس چگونه بود عقوبت من الم تر ان الله
انزل من السماء ماء فاخرجنا به ثمرت مختلفا الوانها ومن الجبال جدد بیض
وحمر مختلف الوانها وغرابیب سود • ایا ندیدی خدا فرود آورد از آسمان آب پس بر آوردیم
بسبب آن میوهای گوناگون رنگ آن و از کوهها است گوناگون رنگ او طایفه سفید و طایفه سرخ و طایفه
سیاه در نهایت سیاهی ومن الناس والدواب والانعام مختلف الوانه کذلک انما
یخشی الله من عباده العلمؤا ان الله عزیز غفور • و از مردمان و جانوران و چهار پایان
گوناگون است رنگ او همچنان جز این نیست که میترسند از خدا عالمان از بندگان او هر آینه خدا
غالب آمرزنده است ان الذین یتلون کتب الله واقاموا الصلوة وانفقوا مما
رزقنهم سرا وعلانیة یرجون تجارة لن تبور • هر آینه آنان که تلاوت می کنند کتاب خدا را
و بر پا داشته اند نماز را و خرج کرده اند از آنچه روزی داده ایم ایشان را پنهان و آشکارا امید دارند
سوداگری را که هرگز هلاک نشود لیوفیهم اجورهم ویزیدهم من فضله انه غفور

شکور

شکور. تا تمام رساند بسوی ایشان مزد ایشان را و زیاده دهد ایشانرا از فضل خود هر آینه وی آمرزنده
مهربانست والذی اوحینا الیک من الکتب هو الحق مصدقا لما بین یدیه ان الله
بعباده لخبیر بصیر. و آنچه وحی فرستادیم بسوی تو از قرآن همان حق است باور دارنده آنچه پیش از وی است
هر آینه خدا به بندگان خود خبردار بیناست ثم اورثنا الکتب الذین اصطفینا من عبادنا
فمنهم ظالم لنفسه ومنهم مقتصد ومنهم سابق بالخیرات باذن الله ذلک
هو الفضل الکبیر. باز میراث دادیم قرآن را بآنان که برگزیدیم ایشانرا از بندگان خود یعنی از پیغامبر
صلی الله علیه وآله وسلم بامت محمدیه رسید والله اعلم پس بعض ایشان ستمکار است بر نفس خود و بعض ایشان
میانه رو است و بعض ایشان سبقت کننده است بنیکیها بدستوری خدا اینست فضل بزرگ جنت
عدن یدخلونها یحلون فیها من اساور من ذهب ولؤلؤا ولباسهم فیها
حریر. بوستانها همیشه ماندن در آیند آنجا زیور داده شود ایشانرا آنجا از قسم دستوانهای طلا
و زیور داده شوند مروارید و لباس ایشان آنجا جامه ابریشمی باشد وقالوا الحمد لله الذی
اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور. و گفتند همه ستایش خدا راست که دور کرد
از ما اندوه را هر آینه پروردگار ما آمرزنده قدرشناس است الذی احلنا دار المقامة من فضله
لا یمسنا فیها نصب ولا یمسنا فیها لغوب. آنکه فرود آورد ما را بسرای همیشه ماندن
از فضل خود نرسد بما آنجا هیچ رنجی و نرسد بما آنجا هیچ ماندگی والذین کفروا لهم نار جهنم لا یقضی
علیهم فیموتوا ولا یخفف عنهم من عذابها کذلک نجزی کل کفور. و آنان که کافر
شدند ایشانراست آتش دوزخ نه حکم کرده شود بر ایشان تا بمیرند و نه سبک کرده شود از ایشان
عذاب دوزخ همچنین سزا میدهیم هر ناسپاس را وهم یصطرخون فیها ربنا اخرجنا نعمل
صالحا غیر الذی کنا نعمل اولم نعمرکم ما یتذکر فیه من تذکر وجاءکم النذیر
فذوقوا فما للظلمین من نصیر. و اهل دوزخ فریاد کنند در آنجا که ای پروردگار ما بیرون آر
ما را تا بکنیم کارهای شایسته بجز آنچه میکردیم گوییم آیا زندگانی ندادیم شما را آنقدر که پند پذیر شود در آن

هرکه پند پذیرفتن خواهد و آمد شمارا ترساننده پس بچشید پس نیست ستمکارانرا هیچ یاری دهنده إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ

غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ • هر آینه خدا داننده پنهان آسمانها و

زمین ست هر آینه وی داناست بمکنون سینها هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ

فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا • وی آنست که کردانید شمارا جانشینان

در زمین پس هرکه کافر شود ضرر بروی ست کفر او و نمی افزاید در حق کافران کفر ایشان نزدیک پروردگار

ایشان مگر غضب را و نمی افزاید در حق کافران مگر زیان را قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ

مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ

كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَتٍ مِنْهُ بَلْ إِنْ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا • بگو ایا دیدید

شریکان مقرر کردهٔ خود را آنان که می پرستید سوای خدا بنمائید مرا چه آفریده اند از زمین ایا ایشان راست

شرکتی در آسمانها نه بلکه ایا داده ایم ایشانرا کتابی پس ایشان بر حجت اند نه اند بلکه وعده نمیدهند ستمکاران

بعض از ایشان بعض را مگر بطریق فریفتن إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا

وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا • هر آینه خدا نگاه

میدارد آسمانها و زمین را از آنکه از جای خود بلغزانند و اگر بلغزانند نگاه ندارد این هر دو را هیچ کس بعد از

خدا یعنی غیر خدا هر آینه هست وی بردبار آمرزگار وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ

نَذِيرٌ لَيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا

و قسم خوردن بخدا سخت ترین قسمهای خود که اگر بیاید بایشان ترساننده زیاده نکرد در حق ایشان

مگر رمیدن را اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ

لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا • سرکشی در زمین و زیاده نکرد مکر بد اندیشی قبیح را و فرود نمی آید و بال بد اندیشی

قبیح مگر باهل او پس منتظر نیستند مگر آئین عقوبت پیشینیان را پس نخواهی یافت آئین خدا را تبدیلی و نخواهی یافت

آئین خدا را تغیری أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ

وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ

وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا
فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا • آيا سیر نکرده اند در زمین تا بینند که چگونه سرانجام آنانکه
پیش از ایشان بودند و آنجماعه بودند زیاده تر از ایشان در قوت و هرگز نیست که عاجز کند خدا را چیزی در
آسمانها و زمین هر آینه او هست دانا توانا وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى
ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ
بِعِبَادِهِ بَصِيرًا • و اگر گرفتار کردی خدا مردمانرا بسزای آنکه میکردند نگذاشتی بر پشت زمین هیچ
جانوری را ولیکن موقوف میدارد ایشانرا تا میعادی معین پس چون آمد میعاد ایشان پس هر آینه
خدا هست بر بندگان خود بینا • سورة یس مکیة ثلث وثمانون آیة بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يس ۚ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ • قسم بقرآن با حکمت إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ • بدرستی تو ای محمد هر آینه از جمله فرستادگان
عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ • بر راه راستی تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ • مراد دارم فرو فرستاده غالب
مهربان فرو فرستادنی لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا أُنْذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ • تا بترسانی قومی را که
ترسانیده نشده اند پدران ایشان پس ایشان غافلانند یعنی در بنی اسمعیل هیچ مبعوث نشده بود
لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ • هر آینه ثابت شد وعده عذاب بر اکثر ایشان
پس ایشان ایمان نیارند إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ
مُقْمَحُونَ • هر آینه ساختیم در گردن طوقها پس آن طوقها تا زنخ باشد پس ایشان سر بالا کردگانند
وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ
و ساختیم پیش روی ایشان دیواری پس پشت ایشان دیواری باز پوشیدیم ایشانرا پس ایشان
هیچ نه بینند مترجم گوید این هر دو آیت تمثیل و تصویر است یاس ایشانرا از شناختن وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ
أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ • و برابر است بر ایشان بیم کنی ایشانرا یا بیم نکنی ایشان را
ایمان نیارند إِنَّمَا تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ
وَأَجْرٍ كَرِيمٍ • جز این نیست که می ترسانی کسی را که پیروی پند کند و ترسد از خدا غایبانه پس بشارت ده

اورا بآمرزش و مزد گرامي إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ
أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ ۝ هرآينه ما زنده كردانيم مردكانرا و مي نويسيم آنچه پيش فرستادند يعني
از اعمال خير و شر و مي نويسيم نقش اقدام ايشانرا و هر چيزي را احاطه كرديم در كتاب ظاهر يعني لوح واضرب
لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ۝ و بيان كن براي ايشان داستان قصه ديهه چون آمدند
بآن ده پيغامبران إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ
مُرْسَلُونَ ۝ آنگاه كه فرستاديم بسوي ايشان دو كسرا پس بدروغ نسبت كردند ايشانرا پس قوت
داديم بسيومي پس هر سه گفتند هرآينه ما بسوي شما فرستادگانيم قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا
وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَٰنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ۝ اهل ديهه گفتند نيستند شما مگر آدمي
مانند ما و نه فرو فرستاده است خدا هيچ چيز نيستند شما مگر دروغ گوي قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا
إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ۝ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۝ گفتند پروردگار ما ميداند كه هرآينه ما بسوي
شما فرستادگانيم و نيست بر ما مگر پيغام رسانيدن ظاهر قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا
لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ گفتند ما هرآينه شگون بد گرفتيم بشما اگر باز نمانيد
سنگسار كنيم شمارا و البته رسد از جانب ما عقوبت درد دهنده قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ
أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ ۝ گفتند شگون بد شما همراه شماست آيا اگر پند داده شود
شمارا بر شگون بد عمل كنيد بلكه شما گروهي از حد گذشته ايد وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ
رَجُلٌ يَسْعَىٰ قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ۝ و آمد از دورترين محلهاي آن شهر مردي شتابان
گفت اي قوم من پيروي كنيد آن پيغامبران را اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ
مُهْتَدُونَ ۝ پيروي كنيد كسي را كه نمي طلبد از شما هيچ مزدي و ايشان راه يافتگانند وَمَا لِيَ
لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ و چيست مرا كه عبادت نكنم معبودي را كه بيافريد مرا
و بسوي او باز گردانيده خواهيد شد أَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَٰنُ بِضُرٍّ
لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ ۝ آيا بجز وي خداياني گيرم كه اگر بخواهد خدا

درحق من

درحق من زیانی دفع نکند از من شفاعت ایشان چیزی و ایشان خلاص نکنند مرا إِنِّي إِذًا لَّفِي ضَلَالٍ
مُّبِينٍ ۝ هرآینه من آنگاه در گمراهی ظاهر باشم إِنِّي آمَنتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ ۝ هرآینه من ایمان
آوردم بپروردگار شما پس بشنوید از من مترجم گوید اهل دهه آنرا شهید ساختند والله اعلم قِيلَ
ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ۝
گفته شد او را درآی به بهشت گفت ای کاش قوم من بدانند که بچه چیز بیامرزید مرا پروردگار من و ساخت مرا
از نواختگان وَمَا أَنزَلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِ مِن بَعْدِهِ مِن جُندٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنزِلِينَ ۝
و فرود نیاوردیم بر قوم او بعد از وی هیچ لشکری از آسمان و نیستیم ما فرو آرنده لشکر إِن كَانَتْ إِلَّا
صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ ۝ نبود عقوبت ایشان مگر یک فریاد پس ناگهان
ایشان چون آتش فرو مرده شدند يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا
بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝ ای وای بر بندگان نمی آید بدیشان هیچ فرستاده مگر با وی تمسخر میکردند أَلَمْ يَرَوْا
كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ۝ آیا ندیدی چه قدر هلاک ساختیم
پیش از ایشان طبقات مردم را ندیدند که آن جماعه بسوی ایشان باز نمی آیند وَإِن كُلٌّ لَّمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا
ع ٢ مُحْضَرُونَ ۝ و نیست هر طبقه مگر جمع آورده نزدیک ما حاضر کرده شده وَآيَةٌ لَّهُمُ الْأَرْضُ
الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ۝ و نشانه هست برای ایشان
زمین مرده زنده کردانیدیم آنرا و برآوردیم از آن دانه پس از آن دانه میخورند وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ
مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ لِيَأْكُلُوا مِن ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ
أَفَلَا يَشْكُرُونَ ۝ و آفریدیم در زمین بوستانها از درختان خرما و درختان انگور و روان ساختیم
در آن بوستان چشمها تا بخورند از میوه آنچه مذکور شد و نساخته است میوه ها را دست ایشان آیا شکر نمیکنند
سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ۝
پاکست آنکه آفرید اجناس تمام آن از آنچه میرویانید زمین و از جنس آدمیان و از آنچه ایشان نمیدانند
وَآيَةٌ لَّهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظْلِمُونَ ۝ و نشانه هست ایشانرا شب مانند پوست

می کنیم از روی روز را پس ناگهان ایشان در تاریکی آیندگان باشند والشمس تجری لمستقر لها ذلک
تقدیر العزیز العلیم ۝ و آفتاب میرود برای قرارگاه اوست اینست اندازه خدای غالب دانا والقمر
قدرنه منازل حتی عاد کالعرجون القدیم ۝ و ماه مقرر کردیم برای او منزلها تا آنکه باز گردد
بشکل شاخ کهنه لا الشمس ینبغی لها ان تدرک القمر ولا اللیل سابق النهار وکل فی
فلک یسبحون ۝ نه آفتاب سزاوار که دریابد ماه را و نه شب سبقت کننده است بر روز یعنی پیش از
انقضای روز نمی آید هر یکی از آفتاب و ماه و ستاره ها در آسمانی سیر میکنند وایة لهم انا حملنا ذریتهم
فی الفلک المشحون ۝ و نشانه هست ایشان را که ما برداشتیم قوم آدم در کشتی پر کرده شده وخلقنا
لهم من مثله ما یرکبون ۝ و آفریدیم برای ایشان مانند کشتی آنچه سوار میشوند بران یعنی شتر
و گردون وان نشا نغرقهم فلا صریخ لهم ولا هم ینقذون ۝ و اگر خواهیم غرق کنیم
ایشان را پس هیچ فریاد رس نباشد برای ایشان و نه ایشان رها کرده شوند الا رحمة منا و
متاعا الی حین ۝ لیکن رحمت کردیم از جانب خود و بهره مند ساختیم تا مدتی واذا قیل لهم اتقوا
ما بین ایدیکم وما خلفکم لعلکم ترحمون ۝ و چون گفته شود با ایشان که بترسید از عقوبتی که
پیش دو دست شما باشد و عقوبتی که پس پشت شما باشد بود که بر شما رحم کرده شود اعراض کنند وما تاتیهم
من ایة من ایت ربهم الا کانوا عنها معرضین ۝ و نمی آید بدیشان هیچ نشانه از
نشانهای پروردگار ایشان الا از ان روگردان باشند واذا قیل لهم انفقوا مما رزقکم الله
قال الذین کفروا للذین امنوا انطعم من لو یشاء الله اطعمه ان انتم الا فی
ضلل مبین ۝ و چون گفته شود با ایشان که خرج کنید از آنچه رزق داده است شما را خدای تعالی گویند
این کافران مسلمانان را آیا طعام دهیم کسی را که اگر خدای تعالی خواستی طعام دادی او را نیستید شما
مگر بگمراهی ظاهر ویقولون متی هذا الوعد ان کنتم صدقین ۝ و میگویند کافران کی باشد
این وعده اگر راست گوئید ما ینظرون الا صیحة واحدة تاخذهم وهم یخصمون ۝
انتظار نمی کشند مگر یک نعره تند را بگیرد ایشان را و ایشان خصومت کنان باشند فلا یستطیعون

کالعرجون

۳۶

وقف لازم ومنزل ابو غفران

توصية ولا الى اهلهم يرجعون ۝ پس نتوانند وصيت کردن ونه باهل خود باز گردند

ونفخ في الصور فاذا هم من الاجداث الى ربهم ينسلون ۝ ودميده شود در صور

پس ناگهان ايشان از قبرها بسوی پروردگار خويش نشتابند قالوا يا ويلنا من بعثنا من مرقدنا

هذا ما وعد الرحمن وصدق المرسلون ۝ گويند ای وای بر ما که برخيزانيد از خوابگاه ما آری

اين همان است که وعده داده بود خدای تعالی وراست گفتند پيغامبران ان كانت الا صيحة

واحدة فاذا هم جميع لدينا محضرون ۝ نباشد اين واقعه مگر يک نعره شد پس ناگهان

ايشان جمع آورده نزديک ما حاضر کرده شده باشند فاليوم لا تظلم نفس شيئا ولا تجزون

الا ما كنتم تعملون ۝ پس امروز ستم کرده نخواهد شد بر هيچ کس هيچ ستمی و جزا داده نخواهيد شد الا

بجز آنچه ميکرديد ان اصحاب الجنة اليوم في شغل فكهون ۝ هر آينه اهل بهشت امروز در

کاری هستند شادمان اند هم وازواجهم في ظلل على الارائك متكئون ۝ ايشان و زنان

ايشان در سايه‌ها بر تختها تکيه زده نشينند لهم فيها فاكهة ولهم ما يدعون ۝ ايشان راست

در بهشت ميوه وايشان راست آنچه طلب کنند سلام قولا من رب رحيم ۝ گفته شود سلام باد

از جانب پروردگار مهربان وامتازوا اليوم ايها المجرمون ۝ و گوييم جدا شويد امروز

ای گناهکاران الم اعهد اليكم يا بني آدم ان لا تعبدوا الشيطان انه لكم عدو

مبين ۝ آيا حکم نفرستادم بسوی شما ای اولاد آدم که نپرستيد شيطان را هر آينه وی شما را

دشمن است آشکار وان اعبدوني هذا صراط مستقيم ۝ وآنکه بپرستيد مرا اينست

راه راست ولقد اضل منكم جبلا كثيرا افلم تكونوا تعقلون ۝ وهر آينه گمراه ساخت

شيطان از قوم شما خلق بسيار را آيا نمی دانستيد هذه جهنم التي كنتم توعدون ۝

اين آن دوزخ است که وعده داده ميشد شما را اصلوها اليوم بما كنتم تكفرون ۝ در آييد

بآن امروز بسبب کافر بودن خود اليوم نختم على افواههم وتكلمنا ايديهم وتشهد

ارجلهم بما كانوا يكسبون ۝ امروز مهر می نهيم بر دهن ايشان و سخن گويد با ما دستهای

ایشان و گواهی دهد پایهای ایشان بانچه میکردند وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا

الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ ۝ واگر خواهیم نابود کنیم چشم ایشانرا پس سبقت کنند بسوی راه پس

از کجا بینند وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ

واگر خواهیم مسخ کنیم ایشانرا بر جای ایشان پس نتوانند گذشتن ازانجا و باز نگردند وَمَنْ نُعَمِّرْهُ

نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ ۖ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ۝ و هر کرا عمر دراز میدهیم نگونسار کنیمش در آفرینش اما در نمیابند

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ ۝ نه آموزانیدیم

این پیغامبر را شعر و لایق نیست او را نیست این مگر پند و قرآن آشکار لِيُنْذِرَ مَنْ كَانَ

حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ۝ تا بترساند هر کرا زنده باشد یعنی صاحب فهم باشد و

ثابت شود حجت بر کافران أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا

فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ ۝ ایا نه بدیدند که ما آفریدیم برای ایشان ازانچه ساخته است دست ما چهارپایانرا

پس ایشان آنرا مالک اند وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ۝ و رام ساختیم

چهارپایانرا برای ایشان پس بعض ازان سواری ایشانست و بعض ازان میخورند وَلَهُمْ فِيهَا

مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ ۖ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ۝ و ایشانراست در چهارپایان منفعتها و آشامیدنیها

ایا شکر نمیگزارند وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ ۝ گرفتند سوای

خدا معبودانرا تا بود که ایشان یاری داده شوند لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ

جُنْدٌ مُحْضَرُونَ ۝ نتوانند یاری کردن ایشان و این بتان برای ایشان لشکری حاضر کرده شده اند

فَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ ۘ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۝ پس اندوهگین نکند ترا سخن

ایشان و هر آینه ما میدانیم انچه پنهان میکنند و انچه آشکارا میکنند أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ

أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ۝ ایا ندیده است آدمی که ما آفریدیم

او را از نطفه پس ناگهان وی خصومت کننده آشکارا شد وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ

قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ ۝ و پیدا آورد برای ما داستانی و فراموش کرد آفرینش

ع ١٧

صلے

وقف لازم

خودرا

خود را گفت که زنده کند استخوانها در حالتیکه آن کهنه شده باشد قل يحييها الذي انشاها
اول مرة وهو بكل خلق عليم ۝ بگو زنده کندش آنکه آفرید او را اول بار و او بهر قسم آفرینش
داناست الذي جعل لكم من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم منه توقدون ۝
آنکه پیدا کرد برای شما از درخت سبز آتش پس اکنون شما از ان درخت آتش می افروزید اوليس الذي
وقف غفران خلق السموات والارض بقادر على ان يخلق مثلهم بلى وهو الخلاق العليم ۝ ايا نيست
آنکه آفرید آسمانها و زمین را توانا برآنکه آفریند مثل ایشان بلی و هموست آفریننده دانا انما
امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون ۝ جز این نیست که فرمان خدا چون بخواهد
آفریدن چیزی اینست که گویدش شو پس میشود فسبحن الذي بيده ملكوت كل شيء
ع ١٦ ٥ واليه ترجعون ۝ پس پاکست آنکه بدست اوست پادشاهی هر چیز و بسوی او باز گردانیده شوید

سورة الصافات مكية اثنان وثمانون آية بسم الله الرحمن الرحيم ۝

والصافات صفا ۝ قسم بجماعتی از ملایکه که صف میکشند یعنی نزدیک پروردگار خود صف
کشیدنی فالزاجرات زجرا ۝ پس قسم بجماعتی که میرانند یعنی شیاطین را والله اعلم راندنی
فالتاليات ذكرا ۝ پس قسم بجماعتی که تلاوت میکنند کتاب الهی را تلاوت کردنی ان الهكم
لواحد ۝ هر آینه معبود شما یکیست رب السموات والارض وما بينهما ورب
المشارق ط او پروردگار آسمانها و زمینست وانچه درمیان اینهاست و او پروردگار
مشرقهاست یعنی و مغربها نیز انا زينا السماء الدنيا بزينة الكواكب ۝ هر آینه ما
آرایش دادیم آسمان را بزینت یعنی بستاره ۝ وحفظا من كل شيطن مارد ۝ نگهداشتیم از
هر شیطان سرکش لا يسمعون الى الملا الاعلى ويقذفون من كل جانب ط دحورا
ولهم عذاب واصب مقصد آنکه گوش نهند شیاطین بسوی ملا اعلی و انداخته میشود
بسوی ایشان شهابها از هر جانب بجهت راندن ایشان و ایشان راست عذاب دایم الا من خطف
الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب ۝ مگر کسی که برباید یعنی کلمه را از کلمات ملا اعلی بیکبار ربودن

بس از پی او افتد شعلهٔ زنده فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ
طِينٍ لَازِبٍ ۞ پس استفسار کن از ایشان آیا ایشان سخت تراند در آفرینش یا کسی که ما آفریدیم
یعنی ملایکه و جن و سموات و غیر آن هر آینه ما آفریدیم ایشان را از گل چسفنده بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ
بلکه تعجب کردی یعنی از حال کافران و ایشان تمسخر کنند وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ۞ و چون بینند
نشانه را تمسخر کنند وَقَالُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ۞ و گفتند نیست این قرآن مگر سحر ظاهر وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ
أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ۞ آیا چون بمیریم و شویم خاکی و استخوا
چند آیا ما برانگیخته شویم أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ۞ آیا پدران نخستین ما برانگیخته شوند قُلْ نَعَمْ
وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ ۞ بگو آری و شما خوار باشند فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ ۞
پس جز این نیست که آن برانگیختن یک نعره شد باشد پس ناگهان ایشان بنگرند وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا
هَٰذَا يَوْمُ الدِّينِ ۞ و گویند ای وای اینست روز جزا هَٰذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ
تُكَذِّبُونَ ۞ گفته شود اینست روز فیصل کردن قضایا که آنرا در دروغ نسبت میکردید احْشُرُوا
الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطِ
الْجَحِيمِ ۞ گفته شود برانگیزید ای ملایکه ستمکاران را با همراهان ایشان یعنی با شیاطین والله اعلم و با آنچه
می پرستیدند بجز خدا پس دلالت کنید ایشان را بسوی راه دوزخ وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ ۞
و باز دارید ایشان سوال کرده خواهند شد مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ ۞ چیست شما را که با یکدیگر
یاری نمیکنید بَلْ هُمُ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ ۞ بلکه ایشان امروز گردن نهادگانند وَأَقْبَلَ
بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ۞ و رو آرند بعض از ایشان بر بعض با یکدیگر سوال کنان قَالُوا
إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ ۞ گویند هر آینه شما می آمدید پیش ما از جانب راست یعنی از جانب
جب نیز بجهت گمراه کردن والله اعلم قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ۞ گویند بلکه شما نبودید
مسلمانان وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَاغِينَ ۞ و نبود ما را هیچ
تسلطی بر شما بلکه شما بودید گروهی از حد گذشتگان فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ ۞

بی لازمنه

بس لازم شد بر ما سخن پروردکار ما که البته ما چشنده عذاب باشیم فَأَغْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ ۝
بس کمراه کردیم شما را که هر آینه ما کمراه بودیم فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ۝ بس
تحقیق همه ایشان آن روز در عذاب با هم شریک باشند إِنَّا كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ۝ هر آینه
همچنین میکنیم با کناهکاران إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ۝ هر آینه ایشان
چون کفته میشد بدیشان که نیست معبود مکر خدا سرکشی میکردند وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتِنَا
لِشَاعِرٍ مَجْنُونٍ ۝ و میکفتند آیا ترک کننده معبودان خود باشیم برای کفته شاعری دیوانه بَلْ جَاءَ
بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ ۝ بلکه آورد پیغامبر سخن درست و باور داشت سایر پیغامبران را
إِنَّكُمْ لَذَائِقُو الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ۝ هر آینه شما چشنده عذاب درد دهنده باشید وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا
مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ و جزا داده نخواهید شد مکر بحسب آنچه میکردید إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ۝
لیکن بندکان خالص ساخته خدا یعنی آنکه پاک ساخته شده‌اند از شرک و معاصی أُولَٰئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ
آن جماعه ایشان راست روزی مقرر فَوَاكِهُ وَهُمْ مُكْرَمُونَ ۝ انواع میوه‌ها و ایشان نواختکانند
فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۝ در بهشتهای نعمت عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ ۝ بر تختها رو بروی یکدیکر يُطَافُ
عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ ۝ کردانیده میشود بر ایشان جامی از شراب جاری بَيْضَاءَ لَذَّةٍ
لِلشَّارِبِينَ ۝ سفید رنک لذت دهنده نوشندکان را لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ ۝
نه در آن شراب تباهکاری باشد و نه ایشان از آن شراب مست شوند وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ
الطَّرْفِ عِينٌ ۝ و نزدیک ایشان زنان فرود آرنده چشم باشند فراخ چشمان كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ
مَكْنُونٌ ۝ کویا ایشان بیضه‌های شترمرغ در پرده پوشیده فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ
يَتَسَاءَلُونَ ۝ بس روی آرند بعض اهل بهشت بر بعض با یکدیکر استفسار کنان قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ
إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ۝ کفت کوینده از ایشان هر آینه بود مرا همنشینی يَقُولُ أَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ
با انکار میکفت که هر آینه تو از باور دارندکان شدی یعنی حشر را أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَ
عِظَامًا أَإِنَّا لَمَدِينُونَ ۝ آیا چون بمیریم خاکی و استخوانی چند آیا ما جزا داده خواهیم شد قَالَ هَلْ

انتم مطلعون ۝ باز گفت آیا شما در می نگرید یعنی دوزخیانرا فاطلع فراه في سواء الجحيم ۝
پس درنگریست پس دید آن همنشین خود در وسط دوزخ قال تالله ان كدت لتردين ۝
گفت بخدا هر آینه نزدیک بودی با آنکه هلاک کنی مرا ولولا نعمة ربي لكنت من
المحضرين ۝ و اگر نبودی بخشایش پروردگار من هر آینه شدمی از حاضر کردگان در عذاب
افما نحن بميتين ۝ البته نیستیم مرده شونده الا موتتنا الاولى وما نحن بمعذبين
مگر موت نخستین خود و نیستیم ما عذاب کرده شده ان هذا لهو الفوز العظيم ۝ هر آینه این است
فیروزی بزرگ لمثل هذا فليعمل العاملون ۝ برای اینچنین باید که عمل کنند عمل کنندگان
اذلك خير نزلا ام شجرة الزقوم آیا آنچه مذکور شد نیکوتر است مهمانی یا درخت زقوم
انا جعلناها فتنة للظالمين ۝ هر آینه ساختیم زقوم را عقوبتی برای ستمکاران انها شجرة
تخرج في اصل الجحيم ۝ وی درختی است که بر می آید در قعر دوزخ طلعها كانه رءوس
الشياطين ۝ خوشهای آن مانند سر شیاطین است فانهم لآكلون منها فمالئون منها البطون
پس هر آینه دوزخیان بخورند از آن درخت پس پر کنند از آن شکمها را ثم ان لهم عليها
لشوبا من حميم ۝ پس هر آینه ایشانرا بر آن طعام آمیختنی از آب گرم ثم ان مرجعهم
لالى الجحيم ۝ باز هر آینه بازگشت ایشان بسوی دوزخ بود یعنی بعد خوردن و نوشیدن
ایشانرا بدوزخ باز برند انهم الفوا آباءهم ضالين ۝ هر آینه ایشان گمراه یافتند پدران
خود را فهم على آثارهم يهرعون ۝ پس ایشان بر پی پدران خود زود رانده شوند ولقد
ضل قبلهم اكثر الاولين ۝ و هر آینه گمراه شده بودند پیش از این اکثر پیشینیان ولقد
ارسلنا فيهم منذرين ۝ و هر آینه فرستادیم میان ایشان ترسانندگان فانظر كيف
كان عاقبة المنذرين ۝ پس ببین چگونه شد انجام بیم کردگان الا عباد الله المخلصين ۝
مگر بندگان خاص ساخته خدا ولقد نادانا نوح فلنعم المجيبون ۝ و هر آینه آواز دادیم نوح را
پس نیک قبول کننده دعائیم ونجيناه واهله من الكرب العظيم ۝ و رهانیدیم او را

و کسان او را

وکسان اورا از اندوه بزرگ وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمُ الْبَاقِينَ ۝ وساختیم اولاد ایشانرا
فقط باقی ماند وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ۝ وگذاشتیم بروی ثنای در پسینیان سَلَامٌ
عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ۝ سلام باد بر نوح در عالمها إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝ هر آینه
ما همچنین جزا میدهیم نیکوکارانرا إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۝ هر آینه او از بندگان گرویده
ماست ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ ۝ باز غرق ساختیم دیگرانرا وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ
و هر آینه از اتباع نوح بود ابراهیم إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ۝ چون آمد پیش پروردگار خود
بدل پاک از عیب إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ۝ چون گفت به پدر خود و بقوم
خود چه چیز را عبادت می کنید أَئِفْكًا آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ ۝ آیا برای فاسد
معبودان را بجز خدا میخواهید فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ پس چیست گمان شما به پروردگار
عالمها فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ۝ پس در نگریست ابراهیم یکبار نگریستن در ستارها
فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ۝ پس گفت هر آینه من بیمار خواهم شد فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ ۝ پس باز گشتند
از وی پشت گردانیده فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ۝ پس پنهان متوجه شد بسوی معبودان
ایشان پس گفت آیا چیزی نمیخورید مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ ۝ پس چیست شمارا سخن نمیگوئید فَرَاغَ
عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ ۝ متوجه شد برایشان میزد زدنی بقوت فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُّونَ ۝
پس روی آوردند بابراهیم شتابکنان قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ۝ ابراهیم گفت آیا می پرستید
چیزی را که خود می تراشید وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ۝ وخدا پیدا کرد شمارا و آنچه میکنید قَالُوا
ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ ۝ گفتند بنا کنید یکی بنا کنید برای ابراهیم عمارتی پس انجا آتش لبا
نمایند والله اعلم پس بافگنید اورا در آتش بسیار فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ۝
پس قصد کردند با وی بدسگالی پس ساختیم ایشانرا زیر تر وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ ۝
و گفت ابراهیم که هر آینه من رونده ام بسوی پروردگار خود راه خواهد نمود مرا یعنی بجائیکه رضای
پروردگار ما باشد رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ ای پروردگار من عطا کن مرا یعنی فرزندی از

شایستکان فبشرناه بغلام حلیم • بشارت دادیم به نوجوانی بردباری فلما بلغ
معه السعی قال یا بنی انی اری فی المنام انی اذبحک فانظر ماذا تری قال
یا ابت افعل ما تؤمر ستجدنی ان شاء الله من الصابرین • چون رسید آن طفل بآن
رس که سعی تواند کرد همراه والد خود ابراهیم گفت ای پسرک من هر آینه من می بینم بخواب که من ذبح
میکنم ترا پس درنگر تا چه چیز بخاطر تو میرسد گفت ای پدر من بکن آنچه فرموده میشوی تراخواهی یافت مرا
اگر خواسته است خدا از شکیبائی کنندکان فلما اسلما وتله للجبین • چون منقاد شدند هر دو
و پدر بافکند فرزند را جانب پیشانی ونادیناه ان یا ابراهیم • آواز دادیم ابراهیم را که
ای ابراهیم قد صدقت الرؤیا انا کذلک نجزی المحسنین • هر آینه راست کردی خواب
هر آینه ما همچنین جزا میدهیم نیکوکاران را وفدیناه بذبح عظیم • و عوض او دادیم گوسپندی
هنیا برای ذبح بزرگ جثه وترکنا علیه فی الآخرین • وگذاشتیم بروی ثنای نیک در پسینان
سلام علی ابراهیم • سلام باد بر ابراهیم کذلک نجزی المحسنین • همچنین جزا میدهیم نیکوکاران را
انه من عبادنا المؤمنین • هر آینه وی از بندکان گرویده ماست وبشرناه باسحق
نبیا من الصالحین • وبشارت دادیم باسحاق پیغامبری از شایستکان وبارکنا علیه وعلی
اسحق ومن ذریتهما محسن وظالم لنفسه مبین • و برکت دادیم بر ابراهیم و بر اسحاق
واز اولاد ایشان بعض نیکوکار است بر خویشتن ولقد مننا علی موسی وهارون • و هر آینه
ما احسان کردیم بر موسی و هارون ونجیناهما وقومهما من الکرب العظیم • ونجات دادیم
ایشانرا و قوم ایشانرا از اندوه بزرگ ونصرناهم فکانوا هم الغالبین • ونصرت دادیم
ایشانرا پس ایشان بودند غالبان وآتیناهما الکتاب المستبین • ودادیم ایشانرا کتابی
واضح وترکنا علیهما فی الآخرین • و باقی گذاشتیم بر ایشان ثنای نیک در پسینان سلام
علی موسی وهارون • سلام باد بر موسی و هارون انا کذلک نجزی المحسنین • هر آینه
ما همچنین جزا میدهیم نیکوکاران را انهما من عبادنا المؤمنین • و هر آینه ایشان از بندکان ما

ان هذا البلاء المبین

وهدیناهما الصراط المستقیم

گرویده اند

کرویده ما الله وان الیاس لمن المرسلین ۝ و هر آینه الیاس از فرستادگان بود اذ قال
لقومه الا تتقون ۝ چون گفت بقوم خود آیا پرهیزگاری نمی کنید اتدعون بعلا و
تذرون احسن الخالقین ۝ آیا پرستش میکنید بعل را و بعل نام بتی است و ترک می کنید
نیکوترین آفرینندگان را الله ربکم ورب آبائکم الاولین ۝ خدا پروردگار شما و پروردگار
پدران نخستین شما فکذبوه فانهم لمحضرون ۝ پس دروغ پنداشتند او را پس هر آینه ایشان
حاضر کردگانند یعنی در دوزخ الا عباد الله المخلصین ۝ مگر بندگان خالص کرده خدا وترکنا
علیه فی الآخرین ۝ و گذاشتیم بر الیاس ثنای نیک در پسینیان سلام علی ال یاسین ۝
سلام باد بر الیاس انا کذلک نجزی المحسنین ۝ هر آینه اینچنین جزا میدهیم نیکوکاران را انه من
عبادنا المؤمنین ۝ هر آینه وی بود از بندگان گرویده ما وان لوطا لمن المرسلین ۝
هر آینه لوط بود از فرستادگان اذ نجیناه واهله اجمعین ۝ یاد کن چون نجات دادیم او را و
اهل خانه او را همه یکجا الا عجوزا فی الغابرین ۝ مگر پیرزنی که بود از باقیماندگان ثم دمرنا
الآخرین ۝ باز هلاک ساختیم آن دیگران را وانکم لتمرون علیهم مصبحین ۝ و هر آینه شما گذر میکنید
بر مساکن آن قوم صبح کنان وباللیل افلا تعقلون ۝ و بوقت شب نیز آیا در نمی یابید وان
یونس لمن المرسلین ۝ هر آینه یونس بود از فرستادگان اذ ابق الی الفلک المشحون ۝
چون گریخت بسوی کشتی پر کرده شده فساهم فکان من المدحضین ۝ پس قرعه انداخت
با اهل کشتی پس شد از مغلوبان فالتقمه الحوت وهو ملیم ۝ پس فرو برد او را ماهی و او کننده بود
کاری را که موجب ملامت باشد فلولا انه کان من المسبحین ۝ پس اگر نه آنست که وی از تسبیح کنندگان
بود للبث فی بطنه الی یوم یبعثون ۝ باقی ماندی در شکم ماهی تا روزیکه مردمان برانگیخته شوند
فنبذناه بالعراء وهو سقیم ۝ پس بر تافتیم او را بر زمین بی گیاه و او بیمار بود وانبتنا
علیه شجرة من یقطین ۝ و رویانیدیم و سر او درختی از قسم کدو وارسلناه الی مائة
الف او یزیدون ۝ و فرستادیم او را بسوی صد هزار یا بیشتر از آن باشند فآمنوا فمتعناهم

إِلَىٰ حِينٍ ۝ پس ایمان آوردند پس بهره مند ساختیم ایشانرا تا مدتی فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ
وَلَهُمُ الْبَنُونَ ۝ پس استفسار کن از مشرکان آیا پروردگار ایشان را دختران است و ایشانرا پسران
أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ۝ آیا دختران آفریدیم فرشتگانرا و ایشان حاضر بودند
أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ۝ آگاه باش هر آینه ایشان از دروغ گوئی خود می گویند وَلَدَ
اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۝ که فرزند داد خدای تعالی و ایشان دروغیانند أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى
الْبَنِينَ ۝ آیا اختیار کرد دختران از پسران مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ۝ چیست شمارا چگونه حکم
می کنید أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۝ آیا اندیشه نمی نمایند أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُبِينٌ ۝ آیا شمارا حجتی است واضح
فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ پس بیارید کتاب خود را اگر هستید راست گوی وَجَعَلُوا
بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ۝ و مقرر کردند کافران
میان خدای تعالی جنیان خویشی را و هر آینه دانسته اند جنیان که ایشان البته حاضر کردگانند یعنی
برای حساب و عذاب سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ۝ پاکیست خدارا از آنچه بیان می کنند إِلَّا عِبَادَ
اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ۝ مگر بندگان خاص کرده خدا یعنی بیان مخلصان موافق واقع است فَإِنَّكُمْ
وَمَا تَعْبُدُونَ ۝ پس هر آینه شما ای کافران و آنچه می پرستید یعنی بتان مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ
نیستید مگر گمراه کننده برای عبادت آن معبود باطل إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ ۝ مگر کسی را که او در آینده
دوزخ است در علم الهی وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَعْلُومٌ ۝ فرشتگان گفتند و نیست هیچ کس از ما
مگر او را جائیست معین وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ ۝ و هر آینه ما صف کشندگانیم وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ
و هر آینه ما تسبیح کنندگانیم وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ ۝ و هر آینه کافران عرب میگفتند لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا
ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ ۝ اگر بودی پیش ما چیزی از پیشینیان لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ
البته میشدیم بندگان خالص ساخته خدا فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۝ باز کافر شدند بآن قرآن
پس خواهند دانست عاقبت کار را وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ۝ هر آینه سابقا
صادر شد وعده ما برای بندگان فرستاده خویش إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ۝ هر آینه پیغامبران

وابصرهم فسوف يبصرون

ایشانند نصرت دادگان وان جندنا لهم الغالبون • و هر آینه لشکر ما هموست غالب

فتولّ عنهم حتی حین • پس روی بگردان ازیشان نیز خواهند دید افبعذابنا یستعجلون

آیا این کافران عذاب ما را شتاب میطلبند فاذا نزل بساحتهم فساء صباح المنذرین •

پس چون فرود آمد عذاب بمیدان ایشان بد باشد روز آن بیم کردگان وتولّ عنهم حتی حین •

و روی بگردان ازیشان تا مدتی وابصر فسوف یبصرون • و بنگر ایشان را پس ایشان نیز

خواهند دید سبحان ربك رب العزة عما یصفون • پاکیست پروردگار ترا خداوند

غلبه از انچه ایشان می کنند وسلام علی المرسلین • و سلام باد بر فرستادگان خدا

والحمد لله رب العالمین • و سپاس خدا راست پروردگار عالمها

سورة ص مکیة ثمانون وثمان آیة بسم الله الرحمن الرحیم • ص والقرآن

ذی الذکر • قسم بقران خداوند پند که انچه بدان دعوت میکنی راست است بل الذین کفروا

فی عزة وشقاق • بلکه کافران در سرکشی و مخالفت اند کم اهلکنا من قبلهم من قرن

فنادوا ولات حین مناص • بسیار هلاک کردیم پیش ازیشان قرنها را پس فریاد بر آوردند

و نبود آن وقت وقت خلاص وعجبوا ان جاءهم منذر منهم وقال الکافرون هذا ساحر

کذاب • و تعجب کردند از انکه بیاید بایشان بیم کننده از قوم ایشان و گفتند این کافران این شخص

جادوگر دروغگویست اجعل الالهة الها واحدا ان هذا لشیء عجاب • آیا کرد این

خدایان متعدد را یک خدای هر آینه این چیزیست عجب وانطلق الملأ منهم ان امشوا واصبروا

علی الهتکم ان هذا لشیء یراد • و برفتند اشراف قوم ازیشان با یکدیگر گویان که بروید و شکیبایی

کنید بر عبادت خدایان خویش هر آینه این دین تو فتنه ست که اراده کرده شده ست ما سمعنا بهذا

فی الملة الآخرة ان هذا الا اختلاق • نشنیدیم این قول را در دین پسین یعنی قران آخر

ما انرا دریافتیم والله اعلم نیست این مگر افتراء ءانزل علیه الذکر من بیننا بل هم فی شك من ذکری

بل لما یذوقوا عذاب • آیا فرود آورده شد بر این شخص قران از میان ما بلکه این کافران در شک اند

٣

فاستفتهم الربك البنات ولهم البنون

از بندمن بلکه بنوز نچشیده اند عذاب مرا أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ

آیا نزدیک ایشان ست از خزانها و رحمت پروردکار تو غالب بخشاینده أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ

وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ آیا ایشانراست پادشاهی آسمانها و زمین و

آنچه درمیان ایشانست پس باید که بالا روند آو بخته بر ریسمانها یعنی بر ریسمان آو بخته هم میتوانند که بآسمان

روند فکیف پادشاهی والله اعلم جُنْدٌ مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزَابِ لشکری هست اینجا

باهم آمده از گروهها شکست داده شده از جمله گروهها یعنی از جنس گروهها که با پیغامبران مخالفت کردند گذشته

قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ دروغ داشتند پیش از ایشان قوم نوح

و عاد و فرعون خداوند میخها یعنی بچهار میخ تعذیب میکرد وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ

أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ و ثمود و قوم لوط و ساکنان ایکه تکذیب کردند آنجماعتها إِنْ كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ

الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ نیست هیچکس از ایشان مگر دروغ داشت پیغامبران را پس سزاوار آمد عقوبت من

وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ و انتظار نمی برند کفار این عصر مگر یک نعره

تند را یعنی نفخهٔ قیامت که نباشد آنرا هیچ توقف وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ و گفتند

بطریق استهزای پروردکار ما شتاب ده ما را از عقوبت پیش از روز حساب اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ

وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ صبر کن بر آنچه میگویند و یاد کن بندهٔ ما را داود

خداوند قوت را هر آینه او رجوع کننده بود یعنی بسوی خدا إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ

وَالْإِشْرَاقِ هر آینه رام ساختیم همراه او کوهها را تسبیح میگفتند بوقت شام و صباح وَالطَّيْرَ

مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ و رام ساختیم مرغانرا بهم آورده هر یکی برای او فرمانبردار او بودند

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ و محکم کردیم پادشاهی او را و دادیمش حکمت

و سخن واضح مترجم گوید که داود علیه السلام نود و نه زن داشت معهذا زن دیگر که در خطبهٔ شخصی بود در نکاح او

بود درخواست کرد خدای تعالی فرشتگانرا بجهت تنبیه داود بشکل خصوم متمثل ساخت اشارت باین قصه است

درین آیات والله اعلم وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ و آیا آمده است پیش تو خبر کرده

ربنا

خصومی کننده

خصومت کننده با یکدیگر چون از دیوار جسته داخل شدند مسجد اِذْ دَخَلُوا عَلٰى دَاوٗدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ

قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغٰى بَعْضُنَا عَلٰى بَعْضٍ فَاحْكُمْ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا

اِلٰى سَوَاۤءِ الصِّرَاطِ چون در آمدند بر داود و ترسید از ایشان گفتند مترس ما دو خصومت کننده ایم ستم کرده

بعض ما بر بعض پس حکم کن میان ما براستی و جور مکن و دلالت کن ما را براه راست اِنَّ هٰذَآ اَخِيْ لَهٗ

تِسْعٌ وَّتِسْعُوْنَ نَعْجَةً وَّلِيَ نَعْجَةٌ وَّاحِدَةٌ فَقَالَ اَكْفِلْنِيْهَا وَعَزَّنِيْ فِي الْخِطَابِ

این برادر منست بدست او نود و نه میش و بدست من یک میش گفت بمن این شخص بسپار این یک میش را

و درشتی کرد با من در سخن گفتن قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ اِلٰى نِعَاجِهٖ وَاِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ

الْخُلَطَاۤءِ لَيَبْغِيْ بَعْضُهُمْ عَلٰى بَعْضٍ اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَقَلِيْلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ

دَاوٗدُ اَنَّمَا فَتَنّٰهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهٗ وَخَرَّ رَاكِعًا وَّاَنَابَ گفت هر آینه ستم کرد بر تو بخواستن

میش تو تا بهم آرد به میشهای خود و هر آینه بسیاری از شریکان ستم میکنند بعضی ایشان بر بعضی مگر

آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و اندک اند ایشان و شناخت داود که ما آزمودیم او را

پس طلب آمرزش کرد از پروردگار خود و بیفتاد سجده کنان و بازگشت بخدا فَغَفَرْنَا لَهٗ ذٰلِكَ وَ

اِنَّ لَهٗ عِنْدَنَا لَزُلْفٰى وَحُسْنَ مَاٰبٍ پس بیامرزیدیم او را آن ذات او و هر آینه او را نزد ما

قربت است و نیکو بازگشت يٰدَاوٗدُ اِنَّا جَعَلْنٰكَ خَلِيْفَةً فِي الْاَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ

بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوٰى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اِنَّ الَّذِيْنَ يَضِلُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ

شَدِيْدٌ بِمَا نَسُوْا يَوْمَ الْحِسَابِ گفتیم ای داود هر آینه ساختیم ترا پادشاه در زمین پس حکم کن میان

مردمان براستی و پیروی مکن خواهش نفس را که آن گمراه کند ترا از راه خدا هر آینه آنانکه گمراه میشوند از راه

خدا ایشانراست عذاب سخت بسبب آنکه فراموش کردند روز حساب وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاۤءَ وَالْاَرْضَ وَمَا

بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذٰلِكَ ظَنُّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فَوَيْلٌ لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنَ النَّارِ و نیافریدیم آسمان و زمین را

و آنچه درمیان اینهاست بیهوده و این گمان کافرانست پس وای کافرانرا از عقوبت آتش اَمْ نَجْعَلُ

الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ كَالْمُفْسِدِيْنَ فِي الْاَرْضِ اَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِيْنَ كَالْفُجَّارِ آیا میسازیم

سجده

نزد امام اعظم ابو حنیفه و مالک رحمهما الله سجده است و نزد امام شافعی و امام احمد [illegible] نیست

آنانرا که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند مانند فساد کنندگان در زمین آیا میسازیم پرهیزکارانرا مانند
بدکاران كِتَٰبٌ أَنزَلْنَٰهُ إِلَيْكَ مُبَٰرَكٌ لِّيَدَّبَّرُوٓا ءَايَٰتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا ٱلْأَلْبَٰبِ ۝ این قرآن
کتابیست بابرکت که فرود آوردیم بسوی تو تا مردان تامل کنند در آیات او و تا پند گیرند خداوندان خرد
وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَٰنَ نِعْمَ ٱلْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ۝ و عطا کردیم داود را فرزندی سلیمان نام نیکو
بنده بود سلیمان هرآینه او رجوع کننده بود بخدا إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِٱلْعَشِيِّ ٱلصَّٰفِنَٰتُ ٱلْجِيَادُ
و یاد کن چون نموده شد او را وقت بیگاه اسپان تیزرو فَقَالَ إِنِّيٓ أَحْبَبْتُ حُبَّ ٱلْخَيْرِ عَن ذِكْرِ
رَبِّي حَتَّىٰ تَوَارَتْ بِٱلْحِجَابِ ۝ پس گفت هرآینه دوست داشتم این اسپان را از قبیل رغبت بمال اما اعراض کردم
از ذکر پروردگار خود تا آنکه پنهان شد آفتاب در پرده یعنی نماز عصر فوت شد رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ
مَسْحًا بِٱلسُّوقِ وَٱلْأَعْنَاقِ ۝ باز گردانید این اسپانرا بر من پس شروع کرد دست رسانید بساقها
و گردنها را برید از جهت غیرت بر ذکر خدای تعالی والله اعلم وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَٰنَ وَأَلْقَيْنَا عَلَىٰ
كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ۝ و هرآینه آزمودیم سلیمان را و انداختیم بر تخت او کالبدی باز رجوع کرد بخدا
قَالَ رَبِّ ٱغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَّا يَنۢبَغِي لِأَحَدٍ مِّنۢ بَعْدِيٓ إِنَّكَ أَنتَ ٱلْوَهَّابُ ۝
گفت ای پروردگار من بیامرز مرا و عطا کن مرا آن پادشاهی که راست نیاید هیچکس را غیر از من هرآینه
تویی بخشاینده مترجم گوید سلیمان علیه السلام از امرای خود منغص شده بخاطر آورد که امشب با صد زن
صحبت دارم و هر زنی پسری زاید و هر یکی شاه سواری باشد جهاد کننده و مرا احتیاج تملق امرا نیفتد
گفت انشاء الله نگو سلیمان علیه السلام سهو کرد پس هیچ زن حامله نشد الا یک زن طفل ناقص الخلقت
زاد و آن طفل را بر تخت سلیمان انداختند سلیمان علیه السلام متنبه شد و رجوع بحضرت العزت کرد والله اعلم
فَسَخَّرْنَا لَهُ ٱلرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَآءً حَيْثُ أَصَابَ ۝ پس مسخر گردانیدیم باد را میرفت
بفرمان او باهستگی روان شده و هر جا که خواسته باشد وَٱلشَّيَٰطِينَ كُلَّ بَنَّآءٍ وَغَوَّاصٍ ۝
و مسخر گردانیدیم دیوانرا هر عمارت کننده را و هر فرو رونده را بدریا وَءَاخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي
ٱلْأَصْفَادِ ۝ و مسخر گردانیدیم دیوان دیگر دست و پا بهم بسته در زنجیرها هَٰذَا عَطَآؤُنَا فَٱمْنُنْ

او امسک

أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ گفتیم اینست بخشش ما عطا کن یا نگاه دار بغیر آنکه با تو حساب کرده شود
وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ ۝ و هر آینه او را نزدیک ما قربتی است و نیکو بازگشت است
وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ۝ و یاد کن
بندهٔ ما ایوب چون ندا کرد پروردگار خود که دست رساننده است مرا شیطان برنجوری و درد
ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَٰذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ۝ گفتیم زمین را بپای خود ناگهان آن چشمه باشد
که هست برای غسل سرد بود و آشامیدنی باشد وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَ
ذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۝ و عطا کردیم او را اهل خانه او و مانند ایشان همراه ایشان بخشایشی از
نزدیک خود و پندی خداوندان خرد را وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِب بِّهِ وَلَا تَحْنَثْ إِنَّا
وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِّعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ۝ و گفتیم بگیر بدست خود دستهٔ شاخها بزن با آن
یعنی زن خود و خلاف سوگند مکن هر آینه ما یافتیم او را شکیبا نیک بنده بود ایوب هر آینه او رجوع کننده
بخدا بود یعنی ایوب علیه السلام سوگند خورده بود که زن خود را صد ضربه زند خدای تعالی بروی سهل ساخت
وَاذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ ۝ و یاد کن بندهای ما ابراهیم
و اسحاق و یعقوب را خداوندان دستها و چشمها یعنی علم و عمل هر دو بکمال داشتند والله اعلم إِنَّا
أَخْلَصْنَاهُم بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ۝ هر آینه ما گرویده ساختیم ایشان را برای خصلتی پاک که یاد کرد آخرت است
وَإِنَّهُمْ عِندَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ ۝ و هر آینه ایشان نزدیک ما از برگزیدگان نیکان بودند
وَاذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ ۖ وَكُلٌّ مِّنَ الْأَخْيَارِ ۝ و یاد کن اسمعیل را و الیسع و ذا الکفل را
هر یک از نیکان بودند هَٰذَا ذِكْرٌ ۚ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ ۝ و این قرآن پندی است و هر آینه
پرهیزکاران را نیکی بازگشت است جَنَّاتِ عَدْنٍ مُّفَتَّحَةً لَّهُمُ الْأَبْوَابُ ۝ بوستانهای دایمی است
گشاده کرده است برای ایشان دروازها مُتَّكِئِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ۝
تکیه کننده در آنجا می‌طلبند آنجا میوه بسیار را و شراب وَعِندَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ و نزدیک
ایشان باشند زنان فرود آرنده چشم همعمر با یکدیگر هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ۝ اینست آنچه وعده

ثلث

وعده داده میشود شمارا در روز حساب إِنَّ هَٰذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِن نَّفَادٍ ۝ هر آینه این رزق ماست

نباشد آنرا هیچ زوال هَٰذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ ۝ اینست جزا و هر آینه از حد گذشتگانرا بد بازگشتی است

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ ۝ که دوزخ است در آنجا آیند پس بد آرامگاه است هَٰذَا فَلْيَذُوقُوهُ

حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ ۝ این عذاب آب گرم است و زرد آب است پس باید که بچشید آنرا وَآخَرُ مِن شَكْلِهِ

أَزْوَاجٌ ۝ و عذابی دیگر است مانند این انواع مختلف هَٰذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ

إِنَّهُمْ صَالُو النَّارِ ۝ چون تابعان خواهند که بدوزخ در آیند متبوعانرا گفته شود این فوجیست در آیند

باتش همراه شما متبوعان گویند زمین گشاده مباد برایشان هر آینه ایشان در آیندگان باتش اند قَالُوا

بَلْ أَنتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ فَبِئْسَ الْقَرَارُ ۝ تابعان گویند بلکه شمارا زمین گشاده مباد بر شما ٢ لنا

شما رسم قدیم ساخته اید کفررا برای ما پس بد قرارگاهیست دوزخ قَالُوا رَبَّنَا مَن قَدَّمَ لَنَا هَٰذَا فَزِدْهُ

عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ ۝ گویند ای پروردگار ما هر که آئین قدیم ساخته است برای ما کفررا پس زیاده کن در

حق او عقوبت دوباره در آتش وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ الْأَشْرَارِ ۝ گفتند

اهل دوزخ چیست مارا که نمی بینیم مردانی را که می شمردیم ایشانرا از بدان یعنی فقرای مسلمین أَتَّخَذْنَاهُمْ

سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ ۝ آیا مسخره میگرفتیم ایشانرا یا برگشته است از دیده ها إِنَّ

ذَٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ ۝ هر آینه این راست است مراد ازان خصومت کردن اهل دوزخ است

با یکدیگر قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۝ بگو جز این نیست که من ترساننده ام

و نیست هیچ معبود مگر خدای یگانه با قوت رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان اینهاست غالب آمرزگار قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ أَنتُمْ عَنْهُ

مُعْرِضُونَ ۝ بگو این خبر بزرگست شما ازوی روی گردانیده اید مَا كَانَ لِيَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ

إِذْ يَخْتَصِمُونَ ۝ نیست مرا هیچ دانش کار جماعه بلند قدر از فرشتگان چون با یکدیگر جواب و سوال می کنند

إِن يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۝ وحی فرستاده نمیشود بسوی من مگر آنکه من ترساننده

آشکارم إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ ۝ و یاد کن چون گفت پروردگار تو

بفرشتگان هر آینه من آفریننده ام آدمی از گل فاذا سويته ونفخت فيه من روحي فقعوا
له ساجدين ۝ پس چون راست کنم او را بدمم در وی روح خود را پس در افتید او را سجده کنان
فسجد الملئكة كلهم اجمعون ۝ پس سجده کردند فرشتگان تمام ایشان همه یکجا الا ابليس
استكبر وكان من الكفرين ۝ مگر شیطان سرکشی کرد و شد از کافران قال يا ابليس ما منعك
ان تسجد لما خلقت بيدي استكبرت ام كنت من العالين ۝ گفت خدا ای شیطان چه چیز
باز داشت ترا از آنکه سجده کنی چیزی را که آفریدمش بدو دست خود آیا تکبر کردی یا بحقیقت هستی از بلند قدران
قال انا خير منه خلقتني من نار وخلقته من طين ۝ گفت من بهترم از وی آفریدی مرا
از آتش و آفریدی او را از گل قال فاخرج منها فانك رجيم ۝ گفت بیرون شو از بهشت هر آینه
تو رانده شده وان عليك لعنتي الى يوم الدين ۝ و هر آینه بر تو لعنت من باد تا روز جزا قال
رب فانظرني الى يوم يبعثون ۝ گفت ای پروردگار من مهلت ده مرا تا آن روز که برانگیخته شوند
مردمان قال فانك من المنظرين الى يوم الوقت المعلوم ۝ گفت هر آینه تو از مهلت دادگانی
تا روز آن وقت معین قال فبعزتك لاغوينهم اجمعين ۝ گفت شیطان پس قسم بعزت تو
که البته گمراه کنم ایشان را همه یکجا الا عبادك منهم المخلصين ۝ الا بنده خالص کرده تو از ایشان
قال فالحق والحق اقول ۝ فرمود سخن راست است این و سخن راست میگویم لاملئن جهنم
منك وممن تبعك منهم اجمعين ۝ البته پر کنم دوزخ را از تو و از آنکه پیروی تو کنند
از ایشان همه یکجا قل ما اسئلكم عليه من اجر وما انا من المتكلفين ۝ بگو سوال نمیکنم بر
تبلیغ قرآن هیچ مزد را و نیستم از تکلف کنندگان یعنی دعوی وحی میکنم بغیر تحقیق ان هو الا ذكر
للعالمين ۝ نیست قرآن مگر پندی عالمها را ولتعلمن نباه بعد حين ۝ و البته خواهید دانست
صدق آن را بعد زمانی سورة الزمر مكية خمس وسبعون آية بسم الله الرحمن الرحيم
تنزيل الكتب من الله العزيز الحكيم ۝ فرو فرستادن این کتاب از جانب خدای غالب با حکمت است
انا انزلنا اليك الكتب بالحق فاعبد الله مخلصا له الدين ۝ هر آینه ما فرو فرستادیم بسوی تو

کتاب براستی پس عبادت کن خدای را خالص کرده برای او پرستش را الا لله الدین الخالص والذین
اتخذوا من دونه اولیاء ما نعبدهم الا لیقربونا الی الله زلفی ان الله یحکم
بینهم فیما هم فیه یختلفون ان الله لا یهدی من هو کاذب کفار ۝ آگاه باش مر خدا راست
یعنی مقبول نزدیک اوست پرستش کردن خالص یعنی بغیر شک و آنانکه دوستان گرفتند بجز خدا و گفتند
عبادت نمی کنیم ایشانرا مگر برای آنکه نزدیک سازند ما را بخدای در مرتبه قرب هرآینه خدا حکم میکند میان
ایشان در آنچه ایشان دران اختلاف دارند هرآینه خدا راه نمینماید کسی را که دروغ گوی ناسپاس است
لو اراد الله ان یتخذ ولدا لاصطفی مما یخلق ما یشاء سبحنه هو الله الواحد
القهار ۝ اگر خواستی خدا که فرزند گیرد البته برگزیدی از آنچه که خلق کرده است چیزی را که میخواست
پاکی او راست هموست خدای یگانه با قوت خلق السموات والارض بالحق یکور
اللیل علی النهار ویکور النهار علی اللیل وسخر الشمس والقمر کل یجری لاجل
مسمی الا هو العزیز الغفار ۝ آفرید آسمانها و زمین بتدبیر درست می پیچاند شب را
بروز و می پیچاند روز را بر شب و رام ساخت آفتاب و ماه را هر یکی میرود در زمان معین آگاه باش
هموست غالب آمرزگار خلقکم من نفس واحدة ثم جعل منها زوجها وانزل لکم
من الانعام ثمانیة ازواج یخلقکم فی بطون امهاتکم خلقا من بعد خلق فی
ظلمت ثلث ذلکم الله ربکم له الملک لا اله الا هو فانی تصرفون ۝ آفرید شما را
از یک شخص باز بیافرید از ان شخص زنش را و فرو فرستاد برای شما از چهارپایان هشت قسم یعنی نر و ماده
از شتر و گاو و گوسفند و بز والله اعلم می آفریند شما را در شکم مادران شما یعنی نو آفریدن بعد از
آفریدن دیگر در تاریکیهای سه گانه یعنی مشیمه و رحم و بطن والله اعلم اینست پروردگار شما مر او راست
پادشاهی نیست هیچ معبود مگر او پس از کجا گردانیده میشوید ان تکفروا فان الله غنی عنکم
ولا یرضی لعباده الکفر وان تشکروا یرضه لکم ولا تزر وازرة وزر اخری
ثم الی ربکم مرجعکم فینبئکم بما کنتم تعملون انه علیم بذات الصدور ۝ اگر

ناسپاسی کنید پس هر آینه خدای نیازست از شما نمی پسندد در حق بندگان خود ناسپاسی را اگر سپاسداری
کنید پسند کند آنرا برای شما و بر ندارد هیچ بردارنده بار دیگری را باز بسوی پروردگار شماست پس خبر دهد
شما را بانچه میکردید هر آینه او داناست بمکنون سینه ها وَاِذَا مَسَّ الْاِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهٗ
مُنِيْبًا اِلَيْهِ ثُمَّ اِذَا خَوَّلَهٗ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُوْا اِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلّٰهِ
اَنْدَادًا لِّيُضِلَّ عَنْ سَبِيْلِهٖ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيْلًا اِنَّكَ مِنْ اَصْحٰبِ النَّارِ ۝ و چون رسد
آدمی را رنجی دعا کند بجناب پروردگار خود رجوع کرده بسوی او باز چون عطا کندش نعمتی از نزدیک خود فراموش
سازد آنچه دعا میکرد بجهت او پیش ازین و مقرر کند برای خدا همسران تا گمراه کند از راه خدا بگو بهره مند
باش بکفر خود اندک زمانی هر آینه تو از اهل دوزخ اَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ اٰنَآءَ الَّيْلِ سَاجِدًا وَّقَآئِمًا
يَّحْذَرُ الْاٰخِرَةَ وَيَرْجُوْا رَحْمَةَ رَبِّهٖ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِيْنَ يَعْلَمُوْنَ وَالَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ
اِنَّمَا يَتَذَكَّرُ اُولُوا الْاَلْبَابِ ۝ آیا ناسپاس مشرک بهترست یا کسی که او عبادت کننده ست
در ساعتها از شب سجده کنان و ایستاده شدی ترسد از آخرت و امید میدارد رحمت پروردگار
خود را بگو آیا برابر میشوند آنانکه میدانند جز این نیست که پند پذیر شوند و بدان خرد قُلْ يٰعِبَادِ
الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوْا رَبَّكُمْ لِلَّذِيْنَ اَحْسَنُوْا فِيْ هٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَاَرْضُ اللّٰهِ وَاسِعَةٌ
اِنَّمَا يُوَفَّى الصّٰبِرُوْنَ اَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ بگو یا محمد از طرف من ای بندگان من که ایمان آورده اید
بترسید از پروردگار خود مر آنانرا که نیکوکاری کردند درین دنیا حالت نیک باشد و زمین خدا
گشاده ست جز این نیست که تمام داده میشود صابرانرا مزد ایشان بیشمار درین آیت تعریض است
بهجرت حبشه قُلْ اِنِّيْ اُمِرْتُ اَنْ اَعْبُدَ اللّٰهَ مُخْلِصًا لَّهُ الدِّيْنَ وَاُمِرْتُ لِاَنْ اَكُوْنَ اَوَّلَ
الْمُسْلِمِيْنَ ۝ بگو هر آینه فرموده شد مرا که عبادت کنم خدا را خالص ساخته برای او پرستش و فرموده شد مرا
که باشم نخستین مسلمانان قُلْ اِنِّيْ اَخَافُ اِنْ عَصَيْتُ رَبِّيْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ ۝ بگو هر آینه من
می ترسم اگر نافرمانی پروردگار خود کنم از عذاب روز بزرگ قُلِ اللّٰهَ اَعْبُدُ مُخْلِصًا لَّهٗ دِيْنِيْ
فَاعْبُدُوْا مَا شِئْتُمْ مِّنْ دُوْنِهٖ قُلْ اِنَّ الْخٰسِرِيْنَ الَّذِيْنَ خَسِرُوْا اَنْفُسَهُمْ وَاَهْلِيْهِمْ

يوم القيمة الا ذلك هو الخسران المبين ◦ بگو خدا را عبادت كنم خالص ساخته براي او پرستش خود را
يعني از شرك پس عبادت كنيد هر كرا خواهيد بجز خدا بگو هر آئينه زيان كاران آنانند كه در زيان دارند خويشتن را
و اهل خود را روز قيامت يعني هلاك كرد خود را و اهل خانه خود را بضلال و اضلال آگاه باش اين مقدمه همان است
زيان ظاهر لهم من فوقهم ظلل من النار ومن تحتهم ظلل ذلك يخوف الله به عباده
يا عباد فاتقون ◦ ايشان را از بالاي ايشان سايبانها باشند از آتش و از زير ايشان نيز مثل سايبانها
اين عذاب مي ترساند خدا از آن بندگان خود را اي بندگان من بترسيد از من والذين اجتنبوا الطاغوت
ان يعبدوها وانابوا الى الله لهم البشرى فبشر عباد الذين يستمعون القول
فيتبعون احسنه اولئك الذين هديهم الله واولئك هم اولوا الالباب ◦ و آنانكه
احتراز كردند از بت از آنكه عبادت كنند او را و رجوع كردند بسوي خدا ايشان راست مژده پس مژده ده
آن بندگان مرا كه شنوند سخن پس پيروي مي نمايند نيكوترين آنرا ايشانند آنانكه هدايت كرده است ◦
ايشان را خدا و ايشانند خداوندان خرد افمن حق عليه كلمة العذاب افانت تنقذ من في النار
پس كسيكه ثابت شد بر وي وعده عذاب آيا تو خلاص تواني كرد آن دوزخي را لكن الذين اتقوا
ربهم لهم غرف من غرف مبنية تجري من تحتها الانهار وعد الله لا يخلف
الله الميعاد ◦ ليكن آنانكه ترسيدند از پروردگار خود ايشان راست محلهاي بلند بالاي آنها
محلهاي ديگر عمارت كرده شده مي رود زير آنها جويها وعده كرده است خدا خلاف نميكند خدا وعده را
الم تر ان الله انزل من السماء ماء فسلكه ينابيع في الارض ثم يخرج به زرعا
مختلفا الوانه ثم يهيج فتريه مصفرا ثم يجعله حطاما ان في ذلك لذكرى
لاولي الالباب ◦ آيا نديدي كه خدا فرو فرستاد از آسمان آبي پس در آورد آنرا چشمه ها در زمين
باز بر مي آرد بسبب آن كشت را گوناگون اقسام او باز خشك مي شود پس مي بيني آنرا زرد شده باز ميكند
آنرا ريزه ريزه در بمقدمه پندي است خداوندان خرد را افمن شرح الله صدره للاسلام
فهو على نور من ربه فويل للقاسية قلوبهم من ذكر الله اولئك في ضلال مبين ◦

فوقها صح

ابالي

آیا کسی که گشاده کرده است خدای سینهٔ او را برای دین اسلام پس او را بروشنی باشد از جانب پروردگار خود
مانند سخت دلان است پس وای آنانرا که سخت است دل ایشان از یاد خدا ایشان اندر گمراهی ظاهر
اللّٰهُ نَزَّلَ اَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتٰبًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ
رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ اِلٰى ذِكْرِ اللّٰهِ ذٰلِكَ هُدَى اللّٰهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ
يَشَاءُ وَمَنْ يُضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ⊙ خدا نازل ساخت بهترین کتابی که بعض او مانند دیگر
آیات دو تو یعنی وعده یا وعید و انذار یا بشارت سوی خیر باشد از شنیدن آن پوست آنانکه می ترسند
از پروردگار خود بعد از آن نرم میشود پوست ایشان و دل ایشان نزدیک ذکر خدا اینست هدایت خدای
راهنما با آن هر کرا خواهد و هر کرا گمراه کند خدا پس نیست او را هیچ راه نماینده اَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَقِيلَ لِلظّٰلِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ⊙ آیا کسی که احتراز میکند بروی خود از سختی
عذاب روز قیامت یعنی بجز روی چیزی نیابد که عذاب را بآن نگهدارد مانند اهل نجات باشد و گفته شود
ستمکارانرا بچشید وبال آنچه میکردید كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَاَتٰهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ
لَا يَشْعُرُونَ ⊙ بدروغ نسبت کردند آنانکه پیش از ایشان بودند پس آمد بدیشان عذاب از آنجا که نمیدانستند
وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هٰذَا الْقُرْاٰنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ⊙ و هر آینه بیان کردیم برای
آدمیان درین قرآن از هر نوع دستان بود که ایشان پند گیرند قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ
لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ⊙ فرود آوردیم قرآن عربی بی عیب بود که ایشان پرهیزکاری کنند ضَرَبَ اللّٰهُ
مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا اَلْحَمْدُ
لِلّٰهِ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ⊙ بیان کرد خدای تعالی دستانی بنده که در وی شریکان مختلف اند و بنده
مسلم برای مردی آیا برابر اند در صفت ستایش خدا راست بلکه اکثر ایشان نمیدانند یعنی بنده چند کس
مالک او باشند ضایع شود همچنین کسی که معبودان بسیار را ستایش میکند ضایع است و بنده که خالص
برای یک کس است یک کس متولی جمیع امور او باشد همچنین کسی که موحد باشد و مخلص خدا کار ساز اوست
والله اعلم اِنَّكَ مَيِّتٌ وَاِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ⊙ یا محمد هر آینه تو خواهی مرد و ایشان خواهند مرد ثُمَّ اِنَّكُمْ

فَاَذَاقَهُمُ اللّٰهُ الْخِزْيَ
فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَ
لَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ
اَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

يوم القيمة عند ربكم تختصمون ۝ باز شما البته روز قيامت نزد پروردگار خويش باكديگر خصومت
خواهيد كرد فمن اظلم ممن كذب على الله وكذب بالصدق اذ جاءه اليس في جهنم
مثوى للكفرين ۝ پس كيست ستمكارتر از كسيكه دروغ نسبت بر خدا و دروغ داشت دين درست را
چون بيايد باو ايا نيست در دوزخ جاى كافران والذي جاء بالصدق وصدق به اولئك
هم المتقون ۝ وانكه آورد دين درست وانكه باور داشت انرا انجماعه ايشانند متقيان لهم
ما يشاءون عند ربهم ذلك جزاء المحسنين ۝ ايشانراست انچه خواهند نزديك
پروردگار ايشان اينست جزاى نيكوكاران ليكفر الله عنهم اسوأ الذي عملوا ويجزيهم
اجرهم باحسن الذي كانوا يعملون ۝ تا زايل كند خدا از ايشان بدترين انچه كردند بدهد ايشانرا
بحسب نيكوترين انچه ميكردند اليس الله بكاف عبده ويخوفونك بالذين من دونه
ومن يضلل الله فما له من هاد ۝ ايا نيست خدا كارساز بنده خود و مى ترسانند ترا بانانكه
غير خدا اند و هر كرا كمراه كند خدا پس نيست او را هيچ راه نماينده ومن يهد الله فما له من مضل
اليس الله بعزيز ذي انتقام ۝ و هر كرا راه نمايد خدا نيست او را هيچ كمراه كننده ايا نيست خدا
غالب خداوند انتقام كشيدن ولئن سألتهم من خلق السموات والارض ليقولن الله
قل افرءيتم ما تدعون من دون الله ان ارادني الله بضر هل هن كاشفت
ضره او ارادني برحمة هل هن ممسكت رحمته قل حسبي الله عليه يتوكل
المتوكلون ۝ و اكر بپرسي ايشانرا كه آفريد آسمانها و زمين البته بكويند خدا آفريد بكو ايا ديديد آنراكه
مى پرستيد بجز خدا اكر خواهد در حق من خداى تعالى سختى را ايا اين بتان دفع كننده سختى او هستند يا اكر
خواهد در حق من بخشايشى ايا اين بتان بازدارنده بخشايش او هستند بكو بس است مرا خدا بروى توكل كنندكان
قل يقوم اعملوا على مكانتكم انى عامل فسوف تعلمون من يأتيه عذاب يخزيه ويحل
عليه عذاب مقيم ۝ بكو اى قوم من عمل كنيد بر وضع خود پس خواهيد دانست كسى راكه بيايد بدترين عذابى
كه رسوا كندش و كسى راكه فرود آيد بروى عذاب دايم انا انزلنا عليك الكتب للناس بالحق

نِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ۝ هر آینه ما فرو داوردیم
بر تو کتاب برای مردمان براستی پس هر که راه یابد پس نفع اوراست و هر که گمراه شد پس جز این نیست که
گمراه میشود بضرر خود و نیستی برایشان نگاهبان اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي
لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى
إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ خدای تعالی قبض ارواح میکند نزدیک موت آن و آن
روح که نمرده است قبض آن میکند نزدیک خواب آن پس نگاه میدارد آنرا که حکم موت کرده است بروی
و میکذارد آن دیگر را تا وقتی معین هر آینه درین مقدمه نشانهاست برای قوم که تامل میکنند أَمِ
اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أَوَلَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ
آیا شفاعت کنندگان گرفته اند بجز خدا بگو ایشانرا که گرفتید اگرچه نمی توانستند هیچ کاری و نمیدانستند
قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ تُرْجَعُونَ ۝ بگو که
إِلَيْهِ
اختیار خداست شفاعت همه یکجا مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین باز بسوی او گردانیده خواهید شد
وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ
الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ۝ و چون یاد کرده شود خدا تنها متنفر شود
دل آنانکه ایمان نمی آرند بآخرت و چون یاد کرده شوند آنان که بجز او هستند ناگاه ایشان شادمان
میشوند قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ
بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۝ بگو بار خدایا ای پیدا کننده آسمانها و زمین داننده
نهان و آشکارا تو حکم کنی میان بندگان خود در چیزی که ایشان دران اختلاف میکردند وَلَوْ أَنَّ
لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ ۝ و اگر باشد آنانرا که ستم کردند
آنچه در زمین است همه یکجا و مانند آن همراه آن البته عوض خود دهند آنرا بسبب سختی عذاب روز قیامت
و ظاهر شود ایشانرا از جانب خدا آنچه گمان نمیداشتند وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ

بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝ وظاهر شود ایشان را جزای بد آنچه کرده بودند و در گرفت ایشان را
آنچه بدان استهزا میکردند فَإِذَا مَسَّ الْإِنسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ
إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ پس چون رسد آدمی را سختی
بخواند ما را پس چون بدهیم او را نعمتی از طرف خود گوید جز این نیست که داده شده است این نعمت
مرا بنا بر دانشی که در من هست بلکه این نعمت آزمایشی است ولیکن اکثر ایشان نمیدانند قَدْ قَالَهَا
الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ هر آینه گفتند این کلمه پیش از
ایشان بودند پس دفع نکرد از سر ایشان بلا را آنچه میکردند فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ
ظَلَمُوا مِنْ هَٰؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا هُم بِمُعْجِزِينَ ۝ پس رسید بدیشان
عقوبتها آنچه کردند و نیستند ایشان عاجز کننده أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن
يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ آیا ندانسته اند که خدا گشاده میسازد
رزق را برای هر که میخواهد و تنگ میدارد برای هر که خواهد هر آینه درین کار نشانهاست قومی را که ایمان
می آرند قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ
الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝ بگو از طرف من ای آن بندگان من که بیجا و زاید
کردید بر خود نا امید مشوید از رحمت خدا هر آینه خدا آمرزد گناهان را همه یکجا هر آینه خدا همانست آمرزگار
مهربان وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ۝
و رجوع کنید بسوی پروردگار خویش و منقاد شوید او را پیش از آنکه بیاید بشما عقوبت باز مدد کرده
وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنتُمْ
لَا تَشْعُرُونَ ۝ و پیروی کنید نیکوترین آنچه فرو فرستاده شد بسوی شما از جانب پروردگار شما
پیش از آنکه بیاید بشما عذاب ناگهان و شما خبردار نباشید أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَّطتُ
فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ ۝ رجوع بخدا کنید و اتباع قرآن نمائید بجهت ترس از آنکه
گوید شخصی که ای پشیمانی من بر تقصیر کردن من در حق خدا و هر آینه من بودم از تمسخر کنندگان أَوْ تَقُولَ

ابا آني

لَوْ اَنَّ اللّٰهَ هَدٰىنِيْ لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِيْنَ ۝ يا كويد اگر خدا هدايت كردي البته ميشدم از متقيان
اَوْ تَقُوْلَ حِيْنَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ اَنَّ لِيْ كَرَّةً فَاَكُوْنَ مِنَ الْمُحْسِنِيْنَ ۝ يا كويد وقتي كه
معاينه كند عذاب كاش مرا رجوعي باشد يعني بدنيا تا باشم از نيكوكاران بَلٰى قَدْ جَآءَتْكَ اٰيٰتِيْ فَكَذَّبْتَ
بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ ۝ آنگاه خدا فرمايد آري آمد بتو آيات من پس دروغ
داشتي آنرا و تكبر كردي و شدي از كافران وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ تَرَى الَّذِيْنَ كَذَبُوْا عَلَى اللّٰهِ وُجُوْهُهُمْ
مُسْوَدَّةٌ اَلَيْسَ فِيْ جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْمُتَكَبِّرِيْنَ ۝ و روز قيامت ببيني آنانرا كه دروغ داشتند
بر خداي روي ايشان سياه شده آيا نيست دوزخ جاي متكبران وَيُنَجِّي اللّٰهُ الَّذِيْنَ
اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوْٓءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ۝ و نجات دهد خدا متقيان را از رستگاري
خويش نرسد بديشان سختي و نه اندوهگين شوند اَللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ
شَيْءٍ وَكِيْلٌ ۝ خدا آفريننده هر چيز است و او بر هر چيز متصرف است لَهٗ مَقَالِيْدُ السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضِ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ۝ مر او راست كليدهاي آسمانها
و زمين يعني مختار و متصرف اوست والله اعلم و آنان كه كافر شدند بنشانهاي خدا آنجماعه ايشانند
زيان كار قُلْ اَفَغَيْرَ اللّٰهِ تَاْمُرُوْنِّيْ اَعْبُدُ اَيُّهَا الْجٰهِلُوْنَ ۝ بكو آيا ميفرمائيد مرا كه پرستش كنم
غير خدا را اي نادانان وَلَقَدْ اُوْحِيَ اِلَيْكَ وَاِلَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ اَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ
عَمَلُكَ وَلَتَكُوْنَنَّ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ۝ و هر آينه وحي فرستاده شد يا محمد بسوي آنانكه پيش از تو بودند
كه اگر شريك خدا مقرر كني البته نابود كردد عمل تو و البته شوي از زيانكاران بَلِ اللّٰهَ فَاعْبُدْ وَ
كُنْ مِنَ الشّٰكِرِيْنَ ۝ بلكه خدا را فقط عبادت كن و بشو از سپاسداران وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ
قَدْرِهٖ وَالْاَرْضُ جَمِيْعًا قَبْضَتُهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَالسَّمٰوٰتُ مَطْوِيّٰتٌ بِيَمِيْنِهٖ
سُبْحٰنَهٗ وَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ۝ و نشناختند خدا را حق شناختن او و زمين همه يكجا در مشت او
باشد روز قيامت و آسمانها پيچيده شوند در دست راست او پاكي اوراست و برتر است از آنكه شريك او
مقرر كنند وَنُفِخَ فِي الصُّوْرِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ اِلَّا مَنْ شَآءَ اللّٰهُ

ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنظُرُونَ ۞ و دمیده شود در صور پس بمیرد هر که در آسمانها
و هر که در زمین است مگر آنکه خدا خواسته است و دمیده شود در صور بار دیگر پس ناگهان ایشان ایستادگان باشند
می نگرند وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ
وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۞ و روشن شود زمین بنور پروردگار خود و نهاده شود
نامه اعمال و آورده شود پیغامبران را و گواهان را و حکم کرده شود میان آدمیان براستی و ایشان
ستم کرده نشوند وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ۞ و تمام داده شود
هر شخصی جزای آنچه کرده است و خدا داناترست بآنچه میکنند وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ
زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ
يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنْ حَقَّتْ
كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ ۞ و روان کرده شود کافران را بسوی دوزخ گروه گروه تا وقتیکه
بیایند بدوزخ واکرده شود دروازهای آن و گویند ایشان را نگاهبانان دوزخ آیا نیامده بودند
بشما پیغمبران از جنس شما میخواندند بر شما آیات پروردگار شما و می ترسانیدند شما را از ملاقات
این روز شما گفتند آری ولیکن متحقق شد حکم عذاب بر کافران قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ
خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ۞ گفته شود در آئید بدروازهای دوزخ جاویدان
در آنجا پس بد جای متکبران است دوزخ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا
حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا
خَالِدِينَ ۞ و روان کرده شوند آنان که ترسیدند از پروردگار خویش گروه گروه تا وقتیکه
بیایند نزدیک بهشت واکرده شود دروازهای آن و گویند ایشان را نگاهبانان بهشت سلام
بر شما باد و خوشحال شدید پس در آئید به بهشت جاویدان وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا
وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ۞
و گویند سپاس خدای را که راست کرد با ما وعده خود و عطا کرد ما را این زمین جای میگیریم از بهشت

ربع

هر جا كه خواهيم پس نيك مزد كاركنند كان بهشت وَتَرَى الْمَلٰٓئِكَةَ حَآفِّينَ مِنْ
حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِينَ
و به بيني فرشتگانرا گرداگرد شده حوالي عرش و تسبيح ميگويند همراه ستايش پروردگار خويش
و حكم كرده شود ميان ايشان براستي يعني در اختصام ملا اعلى و گفته شود ستايش خدايراست
پروردگار عالمها سورة المومن مكية خمس وسبعون آية بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
حٰمٓ تَنزِيلُ الْكِتٰبِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ فرو فرستادن كتاب از جانب
خداي غالب تواناست غَافِرِ الذَّنبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ
لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ آمرزنده گناه و پذيرنده توبه سخت كننده عقوبت خداوند
توانگري نيست هيچ معبود مگر او بسوي اوست بازگشت مَا يُجٰدِلُ فِي آيٰتِ اللّٰهِ إِلَّا
الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلٰدِ مكابره نمي كنند در آيات هاي خدا مگر
كافران پس غره نكنند ترا آمد و رفت ايشان در شهرها كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ
مِنۢ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍۭ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجٰدَلُوا بِالْبٰطِلِ لِيُدْحِضُوا
بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ دروغ داشتند پيش از اين قوم نوح و
جماعتهاي ديگر بعد از قوم نوح و قصد كرد هر جماعتي پيغامبر خود تا بگيرند او را و مكابره
كردند بشهادت بيهوده تا ناچيز سازند بآن سخن درست را پس گرفتم ايشانرا پس چگونه بود
عقوبت من وَكَذٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحٰبُ النَّارِ و بهمچنين
ثابت شد حكم پروردگار تو بر كافران كه ايشان اهل دوزخ اند الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ
وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا
رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ
عَذَابَ الْجَحِيمِ وآنانكه برميدارند عرش را و آنانكه گرداگرد عرش اند تسبيح ميگويند همراه
ستايش پروردگار خود و ايمان مي آرند باو و آمرزش ميخواهند براي مومنان ميگويند اي

پروردگار ما واکرفتی همه چیزرا به بخشایش و دانش پس بیامرز آنانرا که توبه کردند و پیروی راه تو
نمودند و نگاهدار ایشانرا از عذاب دوزخ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّٰتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ
وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝
ای پروردگار ما و در آر ایشانرا به بوستانها همیشه ماندن که وعده کرده با ایشان و در آر
نیز هر که شایسته کار باشد از پدران ایشان و زنان ایشان و فرزندان ایشان هر آینه توی
غالب با حکمت وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ
وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ و نگاهدار ایشانرا از عقوبتها و هر کرا نگاهداری از عقوبتها
دران روز پس هر آینه رحم کرده بروی و اینمقدمه نگاهداشتن همانست مطلب بالای بزرگ
إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ
إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ ۝ هر آینه آنانکه کافر شدند آواز داده شود ایشانرا که بتحقیق دشمن داشتن
خدا شمارا وقتیکه خوانده میشدند در دنیا بسوی ایمان پس کافر میماندند زیاده تر است
از دشمن داشتن خدا شمارا سخت تر است از دشمن داشتن شما خودرا وقتیکه خوانده میشدند بسوی
ایمان پس کافر میماندید یعنی قبول نکردن ایمان عداوت نفس خودست اگرچه این راضی داشتند پس
جزای این عداوت نفس خود عداوت خدا باشد اینرا لیکن عذاب و اضرار درینجا ظاهر شد
والله اعلم قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ
گویند ای پروردگار ما مرده ساختی ما را و زنده کردانیدی ما را دو بار پس اقرار کردیم بگناهان
خود پس آیا بسوی رفتن راهی هست یعنی حیله هست مترجم گوید نطفه بودند خدای تعالی جان داد
بعد ازان قبض روح کرد بعد زنده ساخت والله اعلم ذَٰلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ
كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ۝ این عذاب بسبب آنست که
چون یاد کرده میشد خدا تنها انکار میکردید و اگر شریک او مقرر کرده میشد باور میداشتید
پس فرمان خدا راست بلند قدر بزرگوار هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ

وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ

رزقا

رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ ۝ اوست آنکه مینماید شمارا نشانهای خود و میفرستد
برای شما از آسمان رزق را و پند پذیر نمی شود مگر کسی که رجوع میکند بخدا فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ
لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ۝ پس یاد کنید خدا را یکجهت ساخته برای او عبادت اگرچه ناخوش
دارند کافران رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ
عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِمَنِ الْمُلْكُ
الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ۝ اوست بلند کننده مرتبها خداوند عرش می اندازد وحی را از فرمان
خود بر هر که خواند از بندگان خود تا بترساند آن بنده را از روز ملاقات یعنی با خدا و فرشتگان
روزیکه ایشان بیرون آیند یعنی از قبور پوشیده نباشد بر خدا از ایشان چیزی خدا فرماید کراست
بادشاهی امروز باز خود جواب دهد خدای یگانه غالب را الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ
لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ امروز با داش داده شود هر شخصی بحسب آنچه کرده است
هیچ ستم نیست امروز هر آینه خدا زود حساب کننده است وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ
لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ
وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ ۝ و بترسان ایشان را از روز قیامت آنگاه دلها نزدیک حنجر گردن باشند
پر شده از غم نیست ستمکاران را هیچ دوستی و نه شفاعت کننده که سخن او قبول کرده شود میداند خدا
خیانت چشمها را و آنچه پنهان میدارند سینها وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ
مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝ خدای حکم میکند براستی
و آنانکه کافران می پرستند بجز خدا حکم نمیکنند بچیزی هر آینه خدا همونست شنوا بینا أَوَلَمْ يَسِيرُوا
فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ
قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ۝
آیا سیر نکرده اند در زمین تا بنگرند چگونه بود آخر کار آنان که پیش از ایشان بودند زیاده تر از ایشان بقوة
و بنشانها در زمین یعنی محلها و قلعهای بسیار بنا کردند پس گرفتار کرد ایشان را خدا بگناهان ایشان و نبود ایشان را

از خدا هیچ پناه دهنده ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانَتْ تَاْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَكَفَرُوا فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ
اِنَّهٗ قَوِيٌّ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ۝ این عقوبت بسبب آنست که می آمدند بایشان پیغامبران ایشان بنشانها
پس کافر شدند پس گرفتار کرد ایشانرا خدا هر آینه خدا توانا سخت عقوبت ست وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا مُوْسٰى
بِاٰيٰتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ اِلٰى فِرْعَوْنَ وَهَامٰنَ وَقَارُوْنَ فَقَالُوْا سٰحِرٌ كَذَّابٌ ۝ و هر آینه
فرستادیم موسی را به نشانهای خویش و حجت ظاهر بسوی فرعون و هامان و قارون پس گفتند جادو گری
دروغگوست فَلَمَّا جَآءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوْا اَبْنَآءَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ
وَاسْتَحْيُوْا نِسَآءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكٰفِرِيْنَ اِلَّا فِيْ ضَلٰلٍ ۝ پس چون آمد پیغامبر بدیشان به پیغام
راست از نزدیک ما گفتند بکشید فرزندان آنانکه ایمان آوردند همراه و زنده گذارید دختران ایشانرا
و نیست حیله سازی کافران مگر در تباهی وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُوْنِيْٓ اَقْتُلْ مُوْسٰى وَلْيَدْعُ رَبَّهٗ اِنِّيْٓ اَخَافُ
اَنْ يُّبَدِّلَ دِيْنَكُمْ اَوْ اَنْ يُّظْهِرَ فِي الْاَرْضِ الْفَسَادَ ۝ گفت فرعون ای یاران بگذارید مرا تا بکشم
موسی را باید که دعا کند بجانب پروردگار خویش هر آینه من می ترسم از آنکه بدل کند دین شمارا یا پدید
آرد در زمین فساد را وَقَالَ مُوْسٰىٓ اِنِّيْ عُذْتُ بِرَبِّيْ وَرَبِّكُمْ مِّنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَّا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ
و گفت موسی هر آینه من پناه گرفتم به پروردگار خود و پروردگار شما از شر هر متکبری که باور نمیدارد
روز حساب ۝ وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ اٰلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ اِيْمَانَهٗٓ اَتَقْتُلُوْنَ رَجُلًا اَنْ يَّقُوْلَ
رَبِّيَ اللّٰهُ وَقَدْ جَآءَكُمْ بِالْبَيِّنٰتِ مِنْ رَّبِّكُمْ وَاِنْ يَّكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهٗ وَاِنْ يَّكُ
صَادِقًا يُّصِبْكُمْ بَعْضُ الَّذِيْ يَعِدُكُمْ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِيْ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ۝ و گفت
مردی مسلمان از خویشان فرعون که پنهان میداشت ایمان خود را یا می کشید مردی را بسبب آنکه میگوید
پروردگار من خداست و هر آینه آورده است پیش شما نشانها از جانب پروردگار شما و اگر بفرض
دروغ گوی باشد پس وبال بروست دروغ او و اگر راست گوی باشد البته برسد بشما بعض آنچه وعده
میدهد شمارا هر آینه خدا راه نمینماید کسی را که باشد از حد گذرنده دروغ گوی يٰقَوْمِ لَكُمُ الْمُلْكُ الْيَوْمَ
ظٰهِرِيْنَ فِي الْاَرْضِ فَمَنْ يَّنْصُرُنَا مِنْۢ بَاْسِ اللّٰهِ اِنْ جَآءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَآ اُرِيْكُمْ اِلَّا

ما اري وما اهديكم الا سبيل الرشاد • اي قوم من شمارا ست پادشاهي امروز غالب شده در زمين
پس كه نصرت دهد مارا از عذاب خدا اگر بيايد بما گفت فرعون مصطفي نمينمايم شمارا مگر آنچه ادراك ميكنم و دلالت
نمي كنم شمارا مگر براه راستي وقال الذي امن يا قوم اني اخاف عليكم مثل يوم الاحزاب مثل داب
قوم نوح وعاد وثمود والذين من بعدهم وما الله يريد ظلما للعباد • و گفت شخصي كه
ايمان آورده بود يا قوم من هر آئينه من مي ترسم از شما از مانند روز جماعتهاي پيش مانند صورت حال
قوم نوح وعاد وثمود و آنانكه بعد از ايشان بودند و خدا اراده ستم نمي كند بر بندگان ويقوم اني
اخاف عليكم يوم التناد يوم تولون مدبرين ما لكم من الله من عاصم ومن يضلل مالكم ٣
الله فما له من هاد • يا قوم من هر آئينه مي ترسم بر شما از روز آواز دادن با يكديگر و روزيكه روي
بگردانيد پشت داده بود شمارا از خدا هيچ نگاهدارنده و هر كرا گمراه سازد خدا پس نيست او را هيچ راه نماينده
ولقد جاءكم يوسف من قبل بالبينت فما زلتم في شك مما جاءكم به حتي اذا هلك
قلتم لن يبعث الله من بعده رسولا كذلك يضل الله من هو مسرف مرتاب •
و هر آئينه آمده بود پيش از اين بشما يوسف با نشانها پس هميشه در شك بوديد از آنچه آورده بود پيش شما
آنرا تا وقتيكه بمرد گفتيد نخواهد فرستاد خداي بعد از وي پيغامبري را همچنين گمراه ميكند خداي هر كرا
هست او از حد گذرنده شك آرنده الذين يجادلون في ايت الله بغير سلطن اتهم
كبر مقتا عند الله وعند الذين امنوا كذلك يطبع الله علي كل قلب متكبر
جبار • گمراه مي كند آنراكه مكابره مي كنند در آيات خدا بغير حجتي كه آمده باشد پيش ايشان سخت ناپسند شد
اين مكابره ايشان نزديك خدا و نزديك آنانكه ايمان آورده اند و همچنين مهر مي نهد خدا بر هر دل
متكبر سركش وقال فرعون يا هامان ابن لي صرحا لعلي ابلغ الاسباب • و گفت
فرعون اي هامان عمارت كن براي من كوشكي تا باشد كه برسم اين راهها اسباب السموات
فاطلع الي اله موسي واني لاظنه كاذبا وكذلك زين لفرعون سوء عمله
وصد عن السبيل وما كيد فرعون الا في تباب • راههاي آسمانها تا در نگرم سوي

پروردگار موسی و هر آینه من دروغ گوی پندارمش و همچنین آراسته شد در نظر فرعون عمل بد او
و باز داشته شد از راه صواب و نبود حیله سازی فرعون مگر در حسابی وَقَالَ الَّذِيْٓ اٰمَنَ يٰقَوْمِ
اتَّبِعُوْنِ اَهْدِكُمْ سَبِيْلَ الرَّشَادِ ۔ و گفت آنکه ایمان آورده بود ای قوم من پیروی من کنید تا دلالت
کنم شما را براه راستی يٰقَوْمِ اِنَّمَا هٰذِهِ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَّاِنَّ الْاٰخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ۔
ای قوم من جز این نیست که این زندگانی دنیا اندک بهره است و هر آینه آخرت همواره ست سرای
همیشه باشیدن مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزٰٓى اِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ اَوْ اُنْثٰى
وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَاُولٰٓئِكَ يَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُوْنَ فِيْهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ۔ هر که عمل آورد
کار بد جزا داده نخواهد شد الا مانند آن و هر که بجا آورد کار شایسته خواه از جنس مرد خواه از جنس زن
و او مومن بود پس آنجماعه در آیند در بهشت رزق داده شود آنجا ایشانرا بغیر شمار وَيٰقَوْمِ
مَا لِيْٓ اَدْعُوْكُمْ اِلَى النَّجٰوةِ وَتَدْعُوْنَنِيْٓ اِلَى النَّارِ ۔ ای قوم من چیست مرا که میخوانم شما را بسوی
نجات و شما میخوانید مرا بسوی دوزخ تَدْعُوْنَنِيْ لِاَكْفُرَ بِاللّٰهِ وَاُشْرِكَ بِهٖ مَا لَيْسَ لِيْ
بِهٖ عِلْمٌ وَّاَنَا اَدْعُوْكُمْ اِلَى الْعَزِيْزِ الْغَفَّارِ ۔ میخوانید مرا بسوی آنکه کافر شوم بخدا و شریک او
مقرر کنم چیزی که نیست مرا بحقیقت آن علم و من میخوانم شما را بسوی خدای غالب آمرزگار لَا جَرَمَ
اَنَّمَا تَدْعُوْنَنِيْٓ اِلَيْهِ لَيْسَ لَهٗ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْاٰخِرَةِ وَاَنَّ مَرَدَّنَآ اِلَى اللّٰهِ
وَاَنَّ الْمُسْرِفِيْنَ هُمْ اَصْحٰبُ النَّارِ ۔ بی شبهه چیزی که شما میخوانید مرا بسوی آن نیست آنچیز را
قبول کردن دعا نه در دنیا و نه در آخرت و بی شبهه بازگشت ما بسوی خداست و بی شبهه از حد
گذشتگان ایشانند اهل دوزخ فَسَتَذْكُرُوْنَ مَآ اَقُوْلُ لَكُمْ وَاُفَوِّضُ اَمْرِيْٓ اِلَى اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ
بَصِيْرٌۢ بِالْعِبَادِ ۔ پس یاد خواهید کرد آنچه میگویم بشما و می سپارم مقدمهٔ خود را بخدا هر آینه خدا بیناست
باحوال بندگان فَوَقٰىهُ اللّٰهُ سَيِّاٰتِ مَا مَكَرُوْا وَحَاقَ بِاٰلِ فِرْعَوْنَ سُوْٓءُ الْعَذَابِ ۔
پس نگاه داشت او را خدا از سختیها و بد سگالی ایشان و گرفت گروهیان فرعون عذاب سخت
اَلنَّارُ يُعْرَضُوْنَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَّعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ اَدْخِلُوْٓا اٰلَ فِرْعَوْنَ

نصف

اشد العذاب

أَشَدَّ الْعَذَابِ • در گرفت ایشانرا آتش حاضر کرده میشوند بر آتش بگاه و بیگاه و روزیکه قایم شود
قیامت گوئیم در آرید خویشان فرعون را در سخت ترین عذاب وَإِذْ يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ
الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ •
و یاد کن چون باهم مکابره کنند در دوزخ پس گویند ناتوانان سرکشانرا هر آینه ما تابع بودیم شمارا
پس آیا شما دفع کننده هستید از سر ما یک حصه از عقوبت آتش قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ
فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ • گویند سرکشان ما همه در آتشیم هر آینه خدا مقدمه فصل کرده
در میان بندگان وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا
مِنَ الْعَذَابِ • و گویند آنانکه در آتش اند نگاهبانان دوزخ را دعا کنید بجناب پروردگار خویش
تا سبک کند از ما یکروز از عذاب قَالُوا أَوَلَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَىٰ
قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ • گویند نگاهبانان آیا نمی آمدند شما پیغامبران
شما با معجزهها گفتند آری نگاهبانان گویند پس دعا کنید نیست دعای کافران مگر در تباهی إِنَّا لَنَنْصُرُ
رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ • هر آینه ما نصرت دهیم
پیغامبران خویش را و آنانرا که ایمان آوردند در زندگانی دنیا و نیز روزیکه قایم شوند گواهان یعنی
فرشتگان گواهی دهند يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ
الدَّارِ • روزیکه سود ندهد ستمکارانرا عذر آوردن ایشان و ایشانراست لعنت و ایشانراست
ع
وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَىٰ
عقوبت آن سرای وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ هُدًى وَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ •
هر آینه دادیم موسی را هدایت و وارث کتاب ساختیم بنی اسرائیل را برای رهنمون و پند دادن
خداوندان خرد را فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ • پس صبر کن هر آینه وعده خدا راست است و آمرزش طلب برای گناهان خود
و تسبیح گوی با ستایش پروردگار خود بگاه و بیگاه إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ
بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ

هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝ هر آینه آنان که مکابره می کنند در آیتهای خدا بغیر حجتی که آمده باشد بایشان
نیست در سینه ایشان مگر ارادهٔ غلبه که نیستند ایشان رسنده بآن پس پناه طلب کن از خدا هر آینه خدا اوست
شنوا بینا ۝ لَخَلْقُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ
هر آینه آفریدن آسمانها و زمین بزرگتر است از آفریدن آدمیان یعنی اعادهٔ ایشان والله اعلم ولیکن
اکثر مردمان نمیدانند وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمٰى وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ
وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَا تَتَذَكَّرُونَ ۝ و برابر نیستند نابینا و بینا و برابر نیستند آنانکه ایمان
آوردند و کارهای شایسته کرده اند با بدکار اندکی پند پذیر میشوند إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ
لَا رَيْبَ فِيهَا وَلٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ هر آینه قیامت آمدنیست نیست شک دران
ولیکن اکثر مردمان باور نمیدارند وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ
عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ۝ و گفت پروردگار شما دعا کنید بجناب من تا
قبول کنم دعای شما را هر آینه آنانکه تکبر میکنند از عبادت من داخل خواهند شد بدوزخ خوار شده اَللّٰهُ
الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللّٰهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ
وَلٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ۝ خدای آنست که آفرید برای شما شب را تا آرام گیرید دران و آفرید
روز را بوجهی که دران دیدن ممکن باشد هر آینه خداوند فضل است بر مردمان ولیکن اکثر مردمان
شکر نمیکنند ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنّٰى تُؤْفَكُونَ ۝ اینست خدای
پروردگار شما آفریننده هر چیز نیست هیچ معبودی بجز وی پس از کجا بر گردانیده میشوید كَذٰلِكَ
يُؤْفَكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللّٰهِ يَجْحَدُونَ ۝ همچنین بر گردانیده میشوند آنانکه بآیات خدا
انکار میکردند اَللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ
صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝
خدای آنست که ساخت برای شما زمین را قرارگاه و آسمان را سقفی و صورت بست شما را پس نیکو ساخت
صورتهای شما زمین را قرارگاه و رزق داد شما را از پاکیزه ها اینست خدای پروردگار شما بسیار بابرکت

خدای پروردگار عالمیان هُوَ الْحَيُّ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعٰلَمِينَ ۝ اوست زنده نیست هیچ معبود مگر او پس عبادت کنید او را یک جهت ساخته برای او
عبادت ستایش خدای راست پروردگار عالمها قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ
دُونِ اللّٰهِ لَمَّا جَاءَنِيَ الْبَيِّنٰتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعٰلَمِينَ ۝ بگو هر آینه
منع کرده شده مرا از آنچه عبادت کنم آنها را که شما می پرستید بجز خدای تعالی وقتیکه آمد مرا نشانها از
جانب پروردگار من و فرموده شده مرا که منقاد شوم پروردگار عالمها را هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ
تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ
لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفّٰى مِنْ قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝
اوست آنکه آفرید شما را از خاک باز از نطفه منی باز از خون بسته باز بیرون می آرد شما را کودک شده باز
باقی میگذارد شما را تا برسید بنهایت قوت خود باز باقی میگذارد شما را تا شوید کلان سال و بعض از شما
کسی هست که قبض روح او کرده شود پیش از این و باقی میگذارد تا برسید بمدتی معین و تا بود که بفهمید هُوَ
الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضٰى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝ اوست آنکه زنده میکند و
می میراند چون پیدا کند چیزی را جز این نیست که میگوید مر او را بشو پس میشود أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ
فِي آيٰتِ اللّٰهِ أَنّٰى يُصْرَفُونَ ۝ آیا ندیدی بسوی آنانکه مکابره میکنند در آیات خدا از کجا گردانیده میشوند
الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتٰبِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۝ آنانکه دروغ شمردند کتاب را
و آنچه فرستادیم بآن پیغامبران خود را خواهند دانست حقیقت حال إِذِ الْأَغْلٰلُ فِي أَعْنٰقِهِمْ
وَالسَّلٰسِلُ يُسْحَبُونَ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ۝ وقتیکه طوقها در گردن ایشان باشد
و زنجیرها کشیده شوند در آب گرم باز در آتش تافته شوند ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ مِنْ
دُونِ اللّٰهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَكُنْ نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللّٰهُ الْكٰفِرِينَ ۝
باز گفته شود ایشان را کجاست آنچه شریک مقرر میکردید بجز خدا گویند گم شدند از نظر ما بلکه هرگز نمی پرستیدیم
پیش از این چیزی را همچنین گمراه میکند خدا کافران را ذٰلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ

بِمَا كُنتُمْ تَمْرَحُونَ ۝ این عقوبت بسبب آنست که شما شادمان میشدید در زمین ناحق و آنسبب که مینازیدید
ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ۝ در آئید بدروازهای دوزخ
جاویدان آنجا پس بد جای متکبران است دوزخ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ
الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ۝ پس صبر کن یا محمد هر آینه وعده خدا راست است
پس اگر بنمائیم ترا بعض آنچه وعده میدهیم ایشانرا فبها و اگر قبض روح تو کنیم پس بسوی ما بازگردانیده شوند کافران
وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُم مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُم مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ
وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ
هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ ۝ و هر آینه فرستادیم پیغامبرانرا پیش از تو از ایشان کسی است که قصه اش خوانده ایم
بر تو و از ایشان کسی است که قصه اش نخوانده ایم بر تو و نبود هیچ پیغامبر را که بیارد نشانه مگر بفرمان خدا پس
وقتیکه آمد فرمان خدا فیصل کرده شود براستی و زیانکار شدند آنجا بیهوده گویان اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ عز
الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ۝ خدای آنست که آفرید برای شما مواشی را تا سوار شوید بر بعض
آنها و بعض آنها را میخورید وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا
وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ۝ و شمارا در چارپایان منفعتها است و تا برسید سوار شده بر آنها بمقصدی که
در سینهای شما مستقر شده است و بر چارپایان و نیز بر کشتیها برداشته میشوید وَيُرِيكُمْ
آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنكِرُونَ ۝ و خدای نماید شمارا نشانهای خود پس کدام یک از نشانهای
خدارا انکار میکنید أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ
كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝
آیا سیر نکرده اند در زمین تا بنگرند چگونه بود آخر کار آنانکه پیش از ایشان بودند بیشتر از ایشان و زیاده
بقوت و به نشانها در زمین پس دفع نکرد از ایشان آنچه دفع میکردند فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم
بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِندَهُم مِّنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝ پس وقتیکه
آمدند پیغامبران ایشان با معجزه ها شادمان شدند بآنچه نزدیک ایشان بود از دانش یعنی علم معاش

و در گرفت

وحده

ودر گرفت ایشانرا آنچه بران استهزا میکردند فلما رأوا بأسنا قالوا امنا بالله وکفرنا بما کنا
به مشرکین • پس وقتیکه دیدند عقوبت مارا گفتند باور داشتیم خدا را تنها ومنکر شدیم بآنچه آنرا شریک
مقرر کردیم فلم یک ینفعهم ایمانهم لما رأوا بأسنا سنت الله التی قد خلت فی عباده
وخسر هنالک الکفرون • پس هرگز نفع نمیداد ایشانرا ایمان ایشان وقتیکه دیدند عقوبت ما
آئین خدا که گذشته است در بندگان او وزیانکار شده اند آنجا کافران سورة حم سجده

بسم الله الرحمن الرحیم •

حم تنزیل من الرحمن الرحیم • این فرو فرستادن است از جانب خدای بخشاینده
مهربان کتب فصلت ایته قرانا عربیا لقوم یعلمون • این کتابیست واضح ساخته شده
آیات او در حالیکه قران عربیست برای قومیکه میدانند بشیرا ونذیرا فاعرض
اکثرهم فهم لا یسمعون • درحالیکه مژده دهنده وترساننده است پس روی گردان شدند
اکثر مردمان پس ایشان نمی شنوند وقالوا قلوبنا فی اکنة مما تدعونا الیه وفی اذاننا وقر
ومن بیننا وبینک حجاب فاعمل اننا عاملون • گفتند دلهای ما در پردهاست از آنچه
میخوانی مارا بسوی آن ودر گوشهای ما گرانی است میان ما ومیان تو حجابیست پس کار کن هر آینه ما
کارکننده ایم یعنی بر طور خود قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد فاستقیموا
الیه واستغفروه وویل للمشرکین الذین لا یؤتون الزکوة وهم بالاخرة هم
کفرون • بگو جز این نیست که من آدمی ام مانند شما وحی کرده میشود بسوی من که پروردگار شما
معبود یگانه است متوجه شوید بسوی او وطلب آمرزش کنید از وی ووای آن مشرکانرا که نمیدهند
زکوة وایشان بآخرت نامعتقد اند ان الذین امنوا وعملوا الصلحت لهم اجر غیر ممنون •
هر آینه آنانکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند ایشانراست مزد غیر مقطوع قل ائنکم
لتکفرون بالذی خلق الارض فی یومین وتجعلون له اندادا ذلک رب العلمین •
بگو آیا شما منکر میشوید بکسیکه آفرید زمین را در دو روز ومقرر میکنید همتا برای او اینست پروردگار عالمها

وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِن فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ
سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ ۝ و پيدا كرد در زمين كوهها بالاي آن و بركت نهاد در آن و اندازه كرد اندر آن
قوت اهل آنرا در تتمه چهار روز بيان واضح كرده شد براي سوال كنندگان ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ
وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ۝ باز متوجه شد
بسوي آسمان و او دود مانند بود پس گفت او را و زمين را نيز بيائيد بخوشي يا ناخوشي يعني منقاد حكم من
شويد و الله اعلم گفتند هر دو آمديم بخوشي فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ
فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ
الْعَلِيمِ ۝ پس ساخت هفت آسمان در دو روز ديگر و وحي فرستاد در هر آسماني تدبير آنرا و آراستيم
آسمان دنيا بچراغها يعني ستارها و نگاه داشتيم يعني از شياطين اينست تدبير خداي غالب دانا فَإِنْ
أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِّثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ ۝ پس اگر روي گردان شوند
بگو ترسانيدم شما را از عقوبتي مانند عقوبت عاد و ثمود إِذْ جَاءَتْهُمُ الرُّسُلُ مِن بَيْنِ
أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنزَلَ مَلَائِكَةً
فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ كَافِرُونَ ۝ وقتي كه آمدند بديشان پيغامبران از پيش روي ايشان
و از پس پشت ايشان كه عبادت مكنيد مگر خدا را گفتند اگر خواستي پروردگار ما فرو فرستادي
فرشتگان را پس هر آينه ما بانچه فرستاده شده ايد نامعتقديم فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي
الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ
هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ۝ اما قوم عاد پس تكبر كردند در زمين ناحق
و گفتند كيست زياده تر از ما بقوت آيا نديدند كه آن خدائي كه بيافريد ايشان را او زياده ترست از ايشان
بقوت و ايشان بآيات ما انكار ميكردند فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ
لِّنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ
پس فرستاديم بر ايشان بادي تند در روزهاي شوم تا بچشانيم ايشانرا عذاب رسوائي در زندگاني دنيا

وهر آينه

و هر آینه عذاب آخرت سخت رسوا کننده است و ایشان نصرت داده نشوند وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ
فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝
اما ثمود پس راه نمودیم ایشانرا پس اختیار کردند نابینائی را بر راه یابی پس در گرفت ایشانرا عقوبت سخت
عذاب خواری بسبب آنچه میکردند وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ۝ و نجات دادیم
آنانرا که ایمان آوردند و پرهیزکاری میکردند وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ
و آنروز که برانگیخته شوند دشمنان خدا بسوی آتش پس ایشان با این صفت باشند که بعض ایشانرا
بعض ایستاده کرده میشود حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ
بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ تا وقتیکه بیایند نزدیک دوزخ گواهی دهد بر ایشان گوش ایشان و چشم
ایشان و پوست ایشان بآنچه میکردند وَقَالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا
اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ و گویند بپوستهای
خود چرا گواهی دادید بر ما گویند گویا کرد ما را آنخدا که گویا کرده است هر چیز را و او بیافرید شما را
اول بار و بسوی او باز گردانیده شوید وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ
وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَٰكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ ۝
و در پرده پنهان نمی شوید یعنی در دنیا از خوف آنکه گواهی دهد بر شما گوش شما و چشمهای شما و پوست
شما و لیکن پنداشتید که خدا نمیداند بسیاری از آنچه میکنید وَذَٰلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ
بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝ و این گمان شما که بغلط اندیشه میکردید در حق
پروردگار خویش هلاک کرد شما را پس زیانکار گشتند فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ
وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ ۝ وَقَيَّضْنَا لَهُمْ
قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ
خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ۝ و بر گماشتیم برای ایشان
همنشینان یعنی از شیاطین والله اعلم پس آراسته کردند آن همنشینان برای ایشان آنچه پیش
روی ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است و ثابت شد بر ایشان وعده عذاب داخل شده در امتانی که

بشر از ایشان گذشته اند از جن و آدمیان هر آینه ایشان زیانکار بودند وقال الذین کفروا
لا تسمعوا لهذا القرآن والغوا فیه لعلکم تغلبون ٭ و گفتند کافران مشنوید این قرآن را
و سخن بیهوده گوئید در اثنای خواندن آن بود که شما غالب شوید فلنذیقن الذین کفروا
عذابا شدیدا ولنجزینهم اسوء الذی کانوا یعملون ٭ پس البته بچشانیم کافران را عذاب سخت
والبته خواهیم داد ایشان را جزا بدترین آنچه میکردند ذلک جزاء اعداء الله النار لهم فیها
دار الخلد جزاء بما کانوا بایتنا یجحدون ٭ اینست جزای دشمنان خدا که آتش است ایشان را
در آنجا منزل علی الدوام باشد پاداش دادیم بر حسب آنکه بآیات ما انکار میکردند وقال الذین کفروا
ربنا ارنا الذین اضلانا من الجن والانس نجعلهما تحت اقدامنا لیکونا من
الاسفلین ٭ و گویند کافران ای پروردگار ما بنما ما را آن دو کس یعنی اهل آن دو فریق که گمراه ساختند
ما را از جنس جن و از جنس انس تا در آریم هر دو را زیر قدمهای خود تا شوند از فروتر ماندگان ان
الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملئکة الا تخافوا ولا
تحزنوا وابشروا بالجنة التی کنتم توعدون ٭ هر آینه آنانکه گفتند پروردگار ما خداست
باز قایم ماندند فرود آید بر ایشان فرشتگان یعنی نزدیک موت که مترسید و اندوه مخورید و خوشحال
شوید به بهشتی که شما را وعده داده میشد نحن اولیاؤکم فی الحیوة الدنیا وفی الاخرة
ولکم فیها ما تشتهی انفسکم ولکم فیها ما تدعون نزلا من غفور رحیم ٭ ما دوستان
شما بودیم در زندگانی دنیا و در آخرت نیز و شما راست در بهشت آنچه طلب کند نفسهای شما و شما راست آنجا
آنچه درخواست کنید بطریق مهمانی از جانب خدای پروردگار مهربان ومن احسن قولا ممن
دعا الی الله وعمل صالحا وقال اننی من المسلمین ٭ و کیست نیکوتر باعتبار سخن از شخصی که دعوت
کرد مردم را بسوی خدا و کار شایسته کرد و گفت هر آینه من از مسلمانانم ولا تستوی الحسنة ولا
السیئة ادفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک وبینه عداوة کانه ولی حمیم ٭
و برابر نیست نیکی و بدی مقابله کن بدی را بخصلتی که آن بهتر است پس ناگاه آنکس که میان تو و میان وی

دشمنی است

دشمنی باشد گویا کارساز خویش باوند شده ست وما یلقیها الا الذین صبروا وما یلقیها
الا ذو حظ عظیم • و قرین کرده نمی شوند باین خصلت مگر آنانکه صبر کردند و قرین کرده نمی شود باین
خصلت مگر صاحب نصیب بزرگ واما ینزغنک من الشیطن نزغ فاستعذ بالله انه
هو السمیع العلیم • و اگر باز گرداند ترا وسوسه باز گرداننده آمده از جانب شیطان پس پناه
طلب کن بخدا هر آینه خدا همونست شنوا دانا ومن ایته الیل والنهار والشمس والقمر لا تسجدوا
للشمس ولا للقمر واسجدوا لله الذی خلقهن ان کنتم ایاه تعبدون • و از نشانها
اوست شب و روز و آفتاب و ماه سجده مکنید آفتاب و نه ماه را سجده کنید خدا را که آفرید این چیزها را
اگر او را فقط عبادت میکنید فان استکبروا فالذین عند ربک یسبحون له بالیل والنهار
وهم لا یسئمون • یعنی اگر تکبر کنند کافران چه باک آنانکه نزدیک پروردگار تواند بپاکی یاد می کنند
او را شب و روز و ایشان مانده نمی شوند ومن ایته انک تری الارض خشعة فاذا
انزلنا علیها الماء اهتزت وربت ان الذی احیاها لمحی الموتی انه علی کل شیء قدیر
و از نشانهای اوست که می بینی زمین را فرسوده پس چونکه فرود آوردیم بر آن آب بجنبش آمد و
بلند شد هر آینه آنکه زنده کرده ست زمین را البته زنده کننده مردگانست هر آینه او بر همه چیز تواناست
ان الذین یلحدون فی ایتنا لا یخفون علینا افمن یلقی فی النار خیر ام من یاتی امنا یوم القیمة
اعملوا ما شئتم انه بما تعملون بصیر • هر آینه آنانکه کجروی میکنند در آیات ما پوشیده نیستند
از ما آیا کسی که انداخته شود در آتش بهترست یا کسی که بیاید ایمن شده روز قیامت بکنید هر چه خواهید
هر آینه خدا بانچه می کنید بیناست ان الذین کفروا بالذکر لما جاءهم وانه لکتب عزیز
لا یاتیه البطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید • هر آینه آنانکه کافر
شدند بقرآن وقتیکه آمد بدیشان پوشیده نیستند از ما و تحقیق وی کتابیست گرامی قدر راه نمی یابد بوی
باطل از پیش روی او و نه از پس پشت او فرستاده ست از خدای دانا و ستوده ما یقال لک الا ما
قد قیل للرسل من قبلک ان ربک لذو مغفرة وذو عقاب الیم • یا محمد گفته نمی شود

مگر آنچه گفته شده بود بپیغامبران از پیش از تو هر آینه پروردگار تو خداوند آمرزش است و خداوند عقوبت دردمند است

وَلَوْ جَعَلْنٰهُ قُرْاٰنًا اَعْجَمِيًّا لَّقَالُوْا لَوْلَا فُصِّلَتْ اٰيٰتُهٗ ءَاَعْجَمِيٌّ وَّعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا هُدًى

وَّشِفَآءٌ وَالَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ فِيْ اٰذَانِهِمْ وَقْرٌ وَّهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى اُولٰٓئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ

مَّكَانٍ بَعِيْدٍ • و اگر میساختیم این کتاب قرآنی بزبان عجم هر آینه میگفتند کافران عرب چرا واضح کرده نشد

آیات او را با قرآن عجمی است و مخاطب عربی بگو قرآن مسلمانان را هدایت و شفاست و آنانکه ایمان ندارند

در گوش ایشان گرانی است و آن قرآن بر ایشان کوری است این جماعه مثل جماعتی اند که آواز داده میشود از جای دور

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ فَاخْتُلِفَ فِيْهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ

وَاِنَّهُمْ لَفِيْ شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيْبٍ • هر آینه دادیم موسی را کتاب پس اختلاف کرده شد در آن و اگر نبودی کلمه

که سابق صادر شد از پروردگار تو البته فیصل کرده شدی در میان ایشان و هر آینه ایشان در شک قوی اند

از طرف قرآن مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهٖ وَمَنْ اَسَآءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيْدِ

هر که بکند کار نیک پس نفع او راست و هر که بدکاری کند پس وبال بروی و نیست پروردگار تو ستم کننده

بر بندگان اِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرٰتٍ مِّنْ اَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ اُنْثٰى

وَلَا تَضَعُ اِلَّا بِعِلْمِهٖ وَيَوْمَ يُنَادِيْهِمْ اَيْنَ شُرَكَآئِيْ قَالُوْٓا اٰذَنّٰكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيْدٍ

بسوی خدا حواله کرده میشود معرفت قیامت و بیرون نمی آید اجناس میوه از غلافهای خود و در شکم

بار نمی گیرد هیچ زنی و نمی نهد بار شکم را مگر بدانست او و روزیکه خدای آواز دهد ایشانرا که کجا اند آنانکه شما

شریک من مقرر کردید گویند خبر دادیم ترا که نیست از ما هیچکس اثبات کننده شریکان وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا

يَدْعُوْنَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُّوْا مَا لَهُمْ مِّنْ مَّحِيْصٍ • و گم شدند از نظر ایشان آنچه می پرستیدند پیش ازین

و دانست که نیست ایشانرا هیچ مخلصی لَا يَسْئَمُ الْاِنْسَانُ مِنْ دُعَآءِ الْخَيْرِ وَاِنْ مَّسَّهُ الشَّرُّ

فَيَئُوْسٌ قَنُوْطٌ • مانده نمیشود آدمی از طلب خیر و اگر برسد ش سختی پس نا امید طمع برنده است وَلَئِنْ

اَذَقْنٰهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَّآءَ مَسَّتْهُ لَيَقُوْلَنَّ هٰذَا لِيْ وَمَآ اَظُنُّ السَّاعَةَ قَآئِمَةً

وَّلَئِنْ رُّجِعْتُ اِلٰى رَبِّيْٓ اِنَّ لِيْ عِنْدَهٗ لَلْحُسْنٰى فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِمَا عَمِلُوْا وَلَنُذِيْقَنَّهُمْ

الجزء ٢٥

من عذاب

مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ۝ واگر بچشانیم او را بخشایشی از جانب خود بعد از سختی که رسیده باشد بوی گوید که این
برای من است یعنی خاطر جمع کند و خوف از دل او زایل شود والله اعلم و نمی پندارم که قیامت قایم شود و اگر فرض
باز گردانیده شوم بسوی پروردگار من هر آینه مرا نزدیک او حالت خوش باشد پس البته خبردار کنیم کافرانرا
بآنچه میکردند والبته بچشانیم ایشانرا از عقوبت سخت وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ
وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ ۝ و چون انعام کنیم بر آدمی روی بگرداند و دور شود بطرف خود
رفته و چون برسدش بلای پس خداوند دعای بسیار است قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ
كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ۝ بگو آیا دیدید که اگر باشد قرآن از جانب خدا باز کافر
شوید بآن کیست گمراه تر از شخصی که باشد در مخالفت دور از صواب سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ
وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝
خواهیم نمود ایشانرا نشانهای خود در اطراف عالم و در انفس ایشان نیز تا آنکه واضح شود بر ایشان که این سخن
راست است آیا بس نیست پروردگار تو بس است که او بر هر چیز مطلع است أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ
لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ ۝ آگاه شو هر آینه ایشان در شبهه اند از طرف ملاقات پروردگار
خویش آگاه شو هر آینه خدا بهر چیز در گیرنده است

سورة حم عسق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝ حم عسق كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ
اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ همچنین وحی میفرستد بسوی تو و بسوی آنانکه پیش از تو بودند خدای غالب
با حکمت لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ۝ او راست آنچه در آسمانها
و آنچه در زمین است و اوست بلند مرتبه بزرگ قدر تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ
وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ
الرَّحِيمُ ۝ نزدیک است آسمانها بشکافند از جانب بالای خود یعنی از هیبت الهی والله اعلم و فرشتگان
تسبیح میگویند همراه حمد پروردگار خود و آمرزش طلب میکنند برای آنانکه در زمین اند آگاه شو هر آینه خدا
اوست آمرزگار مهربان وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ

وما انت علیهم بوکیل ۝ و آنانکه دوستان گرفتند بجز خدای نگاهبان است بر ایشان و نیستی تو
بر ایشان متعهد وکذلک اوحینا الیک قرانا عربیا لتنذر ام القری ومن حولها وتنذر
یوم الجمع لاریب فیه فریق فی الجنة وفریق فی السعیر ۝ و همچنین وحی فرستادیم بسوی تو
قران عربی تا بترسانی اهل مکه را و آنانکه گرداگرد آن هستند و بترسانی از روز قیامت هیچ شبهه نیست
در آن گروهی در بهشت باشند و گروهی در دوزخ ولو شاء الله لجعلهم امة واحدة ولکن
یدخل من یشاء فی رحمته والظلمون ما لهم من ولی ولا نصیر ۝ اگر خواستی خدای کردی
ایشانرا یک ملت ولیکن در می آرد هر کرا خواهد برحمت خود و ستمکاران نیست ایشانرا هیچ کارساز
و همچون زنده می کند مردگان را و او بر هر چیز تواناست وما اختلفتم فیه من شیء فحکمه
الی الله ذلکم الله ربی علیه توکلت والیه انیب ۝ و آنچه اختلاف کردید در آن از چیز
باشد پس فیصل کردن او حواله بخداست اینست خدا پروردگار من بر او توکل کردم و بسوی او رجوع میکنم
فاطر السموات والارض جعل لکم من انفسکم ازواجا ومن الانعام ازواجا
یذرؤکم فیه لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر ۝ آفریننده آسمانها و زمین است
پیدا کرد از برای شما از جنس شما زنانرا و پیدا کرد از جنس چهارپایان اقسام چند پراکنده می کند شما را بآن
تدبیر نیست مانند او چیزی و اوست شنوا بینا له مقالید السموات والارض یبسط الرزق
لمن یشاء ویقدر انه بکل شیء علیم ۝ او راست کلیدهای آسمانها و زمین کشاده می کند
روزی را برای هر که خواهد و تنگ میکند برای هر که خواهد هر آینه او بهر چیز داناست شرع لکم من
الدین ما وصی به نوحا والذی اوحینا الیک وما وصینا به ابراهیم وموسی و
عیسی ان اقیموا الدین ولا تتفرقوا فیه کبر علی المشرکین ما تدعوهم الیه
الله یجتبی الیه من یشاء ویهدی الیه من ینیب ۝ مقرر کرد برای شما از آیین آنچه امر کرده بود
باقامت آن نوح را و آنچه وحی فرستادیم بسوی تو و آنچه امر کردیم باقامت آن ابراهیم و موسی و عیسی را
باین مضمون که قایم کنید دین را و متفرق نشوید در آن دشوار آمد بر مشرکان آنچه میخوانی ایشانرا بآن خدای

۴ ام اتخذوا من دونه اولیاء فالله هو الولی وهو یحیی الموتی وهو علی کل شیء قدیر

۵ الذی

برمی گردند بسوی خود هر کرا خواهد و راه مینماید بسوی خود هر که رجوع کند یعنی بسوی حق حاصل آنست که
انبیا علیهم السلام در اصول دین متفق اند و اختلاف شرایع در فروع هست والله اعلم وما تفرقوا
الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم ولولا کلمة سبقت من ربک الی اجل
مسمی لقضی بینهم وان الذین اورثوا الکتب من بعدهم لفی شک منه مریب
پراکنده نشدند بعد از آنکه آمد بدیشان دانش از روی حسد در میان خود و اگر نبودی سخنی که سابق شد در قضا
از پروردگار تو که مهلت داده شوند تا زمانی معین البته فیصل کرده میشد میان ایشان و هر آینه آنانکه
داده شد ایشانرا بعد از انبیا در شبهه قوی انداز هستند فلذلک فادع واستقم کما امرت
ولا تتبع اهواءهم وقل امنت بما انزل الله من کتب وامرت لاعدل بینکم
الله ربنا وربکم لنا اعمالنا ولکم اعمالکم لا حجة بیننا وبینکم الله یجمع بیننا
والیه المصیر • پس بسوی این دین دعوت کن و قایم باش بحسب آنکه فرموده شد ترا و پیروی مکن
خواهش ایشانرا و بگو ایمان آوردم بانچه فرود آورد خدای هر کتابی که هست و فرموده شدم تا که انصاف
کنم میان شما خدای پروردگار ماست و پروردگار شماست مارا عملهای ماست و شمارا عملهای شماست
گفت و گوی نیست میان ما و میان شما خدا جمع کند میان ما و میان شما یعنی روز قیامت و بسوی اوست
بازگشت والذین یحاجون فی الله من بعد ما استجیب له حجتهم داحضة
عند ربهم وعلیهم غضب ولهم عذاب شدید • و آنانکه گفت و گوی میکنند در دین خدا
بعد از آنکه قبول کرده شد فرمان او را یعنی جمعی در اسلام داخل شوند مکابره ایشان باطل است نزدیک
پروردگار ایشان و ایشانراست عذاب سخت الله الذی انزل الکتب بالحق والمیزان
وما یدریک لعل الساعة قریب • خدا آنست که فرود آورد کتاب براستی و ترازو را نیز
و چه چیز مطلع ساخت ترا بر حقیقت امر شاید که آمدن قیامت نزدیک شد یستعجل بها الذین
لا یؤمنون بها والذین امنوا مشفقون منها ویعلمون انها الحق الا ان
الذین یمارون فی الساعة لفی ضلل بعید • زود طلب میکنند قیامت را آنانکه ایمان نیاورند بآن

وآنانكه باور داشته اند ترسانند ازان و ميدانند كه آن راست ست آگاه شو هر آينه آنانكه مكابره مى كنند

در آمدن قيامت هر آينه در گمراهى دور اند اَللّٰهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهٖ يَرْزُقُ مَنْ يَّشَآءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ

الْعَزِيزُ ۝ خداى مهربان ست به بندگان خود روزى ميدهد هر كرا خواهد و اوست توانا غالب

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْاٰخِرَةِ نَزِدْ لَهٗ فِي حَرْثِهٖ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهٖ

مِنْهَا وَمَا لَهٗ فِي الْاٰخِرَةِ مِنْ نَّصِيبٍ ۝ هر كه خواسته باشد كشت آخرت بيفزائيم براى او در كشت او

و هر كه خواسته باشد كشت دنيا بدهيم او را بعضى دنيا و نيست او را در آخرت هيچ نصيب اَمْ لَهُمْ

شُرَكٰٓؤُا شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللّٰهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ

بَيْنَهُمْ وَاِنَّ الظّٰلِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ۝ آيا كافرانرا آن شريكان هستند كه مقرر كرده اند براى

ايشان از دين آنچه نفرموده است آنرا خداى و اگر نبودى وعده فيصل كردن البته فيصل كرده ميشد

ميان ايشان و هر آينه ستمكاران ايشانراست عذاب درد دهنده تَرَى الظّٰلِمِينَ مُشْفِقِينَ

مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ مَا يَشَآءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ

ذٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ۝ ببينى ستمكارانرا ترسان از جزاى آنچه بعمل آورده اند و آن البته رسنده است

بايشان و آنانكه ايمان آورده اند و كارهاى شايسته كرده اند در سبزه زار بوستانها باشند ايشانرا

باشد آنچه درخواست كنند نزديك پروردگار خويش اينست فضل بزرگ ذٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللّٰهُ

عِبَادَهُ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ قُلْ لَّا اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبٰى

وَمَنْ يَّقْتَرِفْ حَسَنَةً اِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ۝ اين آن ثوابست كه مژده ميدهد خدا بندگان

خود را كه ايمان آورده اند و كارهاى شايسته كرده اند بگو نمى طلبم از شما بر تبليغ قرآن مزدى ليكن بايد كه

بجز كه بيد دوستى در ميان خويشاوندان يعنى بايشان صله رحم كنيد و ايذا نرسانيد و هر كه بكند نيكى بيفزائيم

براى او در آن نيكى حسن را هر آينه خدا آمرزگار قدرشناس ست اَمْ يَقُولُونَ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ

كَذِبًا فَاِنْ يَّشَاِ اللّٰهُ يَخْتِمْ عَلٰى قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللّٰهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمٰتِهٖ اِنَّهٗ

عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝ آيا ميگويند پيغمبر افترا كرده است بر خدا دروغ را پس اگر خواهد خدا مهر نهد

فِي رَوْضٰتِ الْجَنّٰتِ

نَزِدْ لَهٗ فِيهَا حُسْنًا

١٠ ادل نو

بر دل تو و نابود میسازد خدا بیهوده را و اثبات میکند دین درست را بسخنهای خود هر آینه خدای
داناست بانچه در سینهاست وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ
وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ۝ و اوست انکه قبول میکند توبه را از بندگان خود و در میگذرد از جرمها و میداند
انچه میکنند وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ
عَذَابٌ شَدِيدٌ ۝ و قبول میکند دعای انانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند و زیاده میدهد
ایشانرا از فضل خود و کافران ایشانراست عذاب سخت وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ
لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَٰكِن يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ۝ اگر فراخ
کردی خدای رزق را بر بندگان خود البته فساد میکردندی در زمین و لیکن فرود می آرد باندازه انچه
خواهد هر آینه او خود دانا بیناست وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِن بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنشُرُ
رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ ۝ و اوست انکه فرود می آرد باران بعد از ان که نومید شوند و پراکنده
میسازد رحمت خود را و اوست کارساز ستوده کار وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ ۝ از نشانهای اوست آفریدن
آسمانها و زمین و آفریدن انچه پراکنده کرده است در میان این هر دو از جانوران و او بر هم آوردن ایشان
و قتیکه خواهد تواناست وَمَا أَصَابَكُم مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ ۝
و هر چه رسد بشما از مصیبتها بسبب گناهی ست که بعمل آورد دستهای شما و در میگذرد از بسیاری وَمَا
أَنتُم بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝ و نیستید شما
عاجز کننده در زمین و نیست شما را بجز خدا هیچ کارسازی و نصرت دهنده وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ
كَالْأَعْلَامِ إِن يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَىٰ ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ۝
و از نشانهای اوست کشتیها در دریا مانند کوهها اگر خواهد باز دارد باد را پس ایستاده شوند کشتیها بر پشت
دریا هر آینه در مقدمه نشانهاست هر صبر کننده شکر گذار را أَوْ يُوبِقْهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَن كَثِيرٍ ۝
اگر خواهد هلاک کند اهل کشتیها را بسبب انچه کردند و در گذراند از تقصیرات بسیار وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ

ربع

لآيات

فی آیاتنا ما لهم من محیص ۝ تا انتقام کشند از ایشان و تا بدانند آنانکه خصومت می کنند در آیات ما که
نیست ایشانرا هیچ مخلص فما اوتیتم من شیء فمتاع الحیوة الدنیا وما عند الله خیر و ابقی
للذین آمنوا و علی ربهم یتوکلون ۝ پس آنچه داده شده شما را از هر جنس که باشد اندک بهره ایست
از زندگانی دنیا و آنچه نزدیک خداست بهتر است و پاینده تر است برای آنانکه ایمان آورده اند و بر پروردگار
خود توکل می کنند والذین یجتنبون کبائر الاثم والفواحش واذا ما غضبوا هم یغفرون ۝
و آنانکه پرهیزکاری میکنند از گناهان کبیره و از بیحیاییها و چون بخشم می آیند ایشان می آمرزند والذین
استجابوا لربهم واقاموا الصلوة وامرهم شوری بینهم ومما رزقنهم ینفقون ۝ و آنانکه
قبول کردند فرمان پروردگار خود را و بر پا داشتند نماز را و کار ایشان از سر مشورت باشد با یکدیگر و از آنچه
روزی دادیم ایشانرا خرج میکنند والذین اذا اصابهم البغی هم ینتصرون وجزؤا سیئة
سیئة مثلها فمن عفا واصلح فاجره علی الله انه لا یحب الظلمین ۝ و آنان که چون برسد
بدیشان بغوی ایشان انتقام می کشند یعنی اگر بر ضعیفی ظالم تعدی نماید بزرگان قبله متفق شوند و انتقام
کشند والله اعلم و سزای بدی بدی است مانند آن پس هر که درگذرد و قضیه را باصلاح آرد پس مزد او بر خداست
هر آینه خدا دوست نمیدارد ظالمانرا ولمن انتصر بعد ظلمه فاولئک ما علیهم من سبیل ۝
و هر آینه کسیکه انتقام کشد بعد مظلوم شدن خود پس آنجماعه نیست بر ایشان هیچ راه ملامت انما السبیل
علی الذین یظلمون الناس ویبغون فی الارض بغیر الحق اولئک لهم عذاب الیم ۝ جز
این نیست که راه ملامت بر آنجماعه است که ظلم میکنند بر مردمان و فساد میطلبند در زمین ناحق آنجماعه ایشانراست
عذاب درد دهنده ولمن صبر وغفر ان ذلک لمن عزم الامور ۝ و هر که صبر کند و بیامرزد هر آینه
این صفت از کارهای مقصود است مترجم گوید مغفرت در حق خود عزیمت است و انتقام رخصت و در حق ضعفای
قوم انتقام لازم است مگر آنکه ضعفا درگذرند والله اعلم ومن یضلل الله فما له من ولی من بعده
وتری الظلمین لما راوا العذاب یقولون هل الی مرد من سبیل ۝ و هر که گمراه کند خدا پس نیست اورا
هیچ کارسازی بعد از وی و ببینی چون ستمکاران معاینه کنند عذاب را گویند آیا هست بسوی بازگشتن

هیچ راهی

الذین

صبح راهی و تریهم یعرضون علیها خشعین من الذل ینظرون من طرف خفی وقال
الذین امنوا ان الخسرین الذین خسروا انفسهم واهلیهم یوم القیمة الا ان الظلمین فی
عذاب مقیم ◦ و به بینی که ایشانرا پیش آورده شود نزدیک دوزخ متواضع شده از خواری می نگرند
بگوشه چشم نیم گشاده و گفتند اهل ایمان هر آینه زیانکاران آنانند که در زیان دارند خویشتن را و خویشاوندان
خویش را روز قیامت آگاه شو هر آینه ستمکاران در عذاب دایم باشند وما کان لهم من اولیاء ینصرونهم
من دون الله ومن یضلل الله فما له من سبیل ◦ نباشند ایشانرا کارسازان که نصرت دهند
ایشانرا بجز خدای و هر کرا گمراه کند خدای نیست او را هیچ راهی استجیبوا لربکم من قبل ان یاتی یوم
لا مرد له من الله ما لکم من ملجا یومئذ وما لکم من نکیر ◦ فرمان قبول کنید پروردگار خود را
پیش از انکه بیاید روزی که بازگشت نیست آنرا از جانب خدای نیست شما را هیچ بازخواست کننده فان
اعرضوا فما ارسلنک علیهم حفیظا ان علیک الا البلغ وانا اذا اذقنا الانسان منا
رحمة فرح بها وان تصبهم سیئة بما قدمت ایدیهم فان الانسان کفور ◦ پس اگر
روی بگردانند پس نفرستاده ایم ترا بر ایشان نگهبان نیست بر تو مگر پیغام رسانیدن هر آینه ما چون چشانیم
آدمی را از جانب خود رحمتی شادمان شوند بآن و اگر برسد بایشان مصیبتی بسبب آنچه پیش فرستاده است
دست ایشان پس آدمی ناسپاس دارنده است لله ملک السموت والارض یخلق ما یشاء
یهب لمن یشاء انثا ویهب لمن یشاء الذکور ◦ خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین می آفریند
هر چه خواهد عطا می کند دختران هر کرا خواهد و عطا می کند پسران و میسازد هر کرا خواهد نازاینده هر آینه او دانا توانا است
وما کان لبشر ان یکلمه الله الا وحیا او من وراء حجاب او یرسل رسولا فیوحی باذنه ما
یشاء انه علی حکیم ◦ و ممکن نیست هیچ آدمی را که سخن گوید با او خدا مگر باشارت یا از پس پرده یا بفرستد
فرشته را پس نازل کند بحکم خدا آنچه خدا خواسته است هر آینه خدا بلند مرتبه با حکمت است مترجم گوید اشارت
عبارت از دیدن خواب است و از القای علم در خاطر بطریق الهام و از پس پرده عبارت از آنست که آواز بشنود
کسی را نبیند و قسم ثالث آنست که فرشته بصورت آدمی متمثل شود و سخن گوید والله اعلم وکذلک اوحینا

او یزوجهم ذکرانا واناثا
ویجعل من یشاء عقیما
انه علیم قدیر ط

الیک روحا من امرنا ما کنت تدری ما الکتب ولا الایمان ولکن جعلنه نورا
نهدی به من نشاء من عبادنا وانک لتهدی الی صراط مستقیم ۝ و همچنین وحی فرستادیم
بسوی تو قرآن را از کلام خود نمیدانستی که چیست کتاب و نمیدانستی که چیست ایمان ولیکن ساخته ایم وحی را
روشنی راه مینمائیم هر کرا خواهیم از بندگان خویش و هر آینه تو هدایت میکنی بسوی راه راست صراط الله الذی
له ما فی السموات وما فی الارض الا الی الله تصیر الامور ۝ راه خدا که او راست آنچه در آسمانها
و آنچه در زمین است آگاه شو بسوی خدا باز میروند کارها

سورة الزخرف

بسم الله الرحمن الرحیم ۝ حم ۝ والکتب المبین ۝ قسم بکتاب واضح انا جعلنه قرانا
عربیا لعلکم تعقلون ۝ هر آینه ما ساخته ایم این کتاب کلام عربی بود که شما بفهمید وانه فی ام الکتب
لدینا لعلی حکیم ۝ و هر آینه این کتاب ثبت است در لوح محفوظ نزدیک ما هر آینه این کتاب بلند قدرست
با حکمت افنضرب عنکم الذکر صفحا ان کنتم قوما مسرفین ۝ آیا باز داریم از شما پند را اعراض کرده
برای آنکه هستید گروه از حد رفته وکم ارسلنا من نبی فی الاولین ۝ و بسیار فرستادیم از
پیغامبران در پیشینیان وما یاتیهم من نبی الا کانوا به یستهزءون ۝ و نمی آمد بایشان
هیچ پیغامبری الا باو استهزا میکردند فاهلکنا اشد منهم بطشا ومضی مثل الاولین ۝
پس هلاک کردیم سخت تر از قریش در قوت یعنی عاد و ثمود که از قریش قویتر بودند با عبارات درازے
و مذکور شد داستان پیشینیان ولئن سالتهم من خلق السموات والارض لیقولن
خلقهن العزیز العلیم ۝ و اگر سوال کنی از ایشان که چه کس پیدا کرد آسمانها و زمین را البته گویند پیدا کرد
اینها را خدای غالب دانا الذی جعل لکم الارض مهدا وجعل لکم فیها سبلا لعلکم
تهتدون ۝ وی آنست که ساخت برای شما زمین را بساط و ساخت برای شما در زمین کوچها بود که
شما راه یابید والذی نزل من السماء ماء بقدر فانشرنا به بلدة میتا کذلک تخرجون
و وی آنست که فرود آورد از آسمان آب باندازه پس زنده کردیم بآن شهر مرده را همچنین بر آورده خواهید شد
یعنی از قبور والذی خلق الازواج کلها وجعل لکم من الفلک والانعام ما ترکبون ۝

و وی آنکه

و وی آنست که بیافرید اقسام حیوانات را تمام آن و ساخت برای شما از کشتیها و از چهارپایان
چیزیکه بران سوار شوید لِتَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ
وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ۝
تا راست بنشینید بر پشت مرکوب باز یاد کنید نعمت پروردگار خود را وقتیکه راست نشینید بران و گوئید
پاکی خدایرا که مسخر ساخت برای ما این مرکوب و هرگز نبودیم بران توانا و هر آینه ما بسوی پروردگار خود
رجوع خواهیم کرد وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُبِينٌ ۝ و مقرر کردند
برای خدا از بندگان او اولاد را هر آینه آدمی ناسپاس ظاهرست أَمِ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ
بِالْبَنِينَ ۝ آیا فرا گرفت خدا از مخلوقات خود دختران را و برگزیده است شما را به پسران وَإِذَا بُشِّرَ
أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَٰنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ۝ و چون خبر داده شود یکی را از ایشان
بتولد آنچه مثل ساخته است برای خدا یعنی بتولد خدا والله اعلم روی او سیاه گردد و او پر از غم باشد أَوَمَنْ
يُنَشَّأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ۝ آیا آنرا که پرورده میشود در زیور و او در صفت
خصومت ظاهر نمیکرد برای خدا اثبات کرده اند وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَٰنِ
إِنَاثًا أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ ۝ و دختر مقرر کرده اند فرشتگانرا
که بندگان خدا اند آیا حاضر بودند نزدیک آفرینش ایشان نوشته خواهد شد این گواهی ایشان و پرسیده خواهند شد
وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَٰنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَا لَهُمْ بِذَٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ۝ گفتند
کافران اگر خواستی خدا پرستش نمیکردیم این فرشتگانرا نیست ایشانرا باین مقدمه دانش نیستند ایشان
مگر دروغگوی أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ ۝ آیا داده ایم ایشانرا کتابی پیش از
قرآن پس ایشان بآن کتاب چنگ زده اند بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ
مُهْتَدُونَ ۝ نی بلکه گفتند هر آینه ما یافتیم پدران خود را بر دینی و هر آینه ما بر پی ایشان راه یافتگانیم
وَكَذَٰلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا
عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ ۝ و همچنین نفرستادیم پیش از تو در هیچ دهی ترساننده را مگر گفتند

منعان آن دیه هرآینه یافتیم پدران خود را بر دینی و هرآینه ما بر پی ایشان متابعت کنندگانیم قٰلَ اَوَلَوْ جِئْتُكُمْ
بِاَهْدٰى مِمَّا وَجَدْتُّمْ عَلَيْهِ اٰبَآءَكُمْ قَالُوْٓا اِنَّا بِمَآ اُرْسِلْتُمْ بِهٖ كٰفِرُوْنَ ۝ گفت پیغامبر ایا بر متابعت پدران
ایا مقر میشمایید اگرچه آورده ام بشما دینی که زیاده تر راه نماینده ست از آنچه بر آن یافتید پدران خود را گفتند
هرآینه ما بآنچه فرستاده شد شما را همراه آن نامعتقدیم فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الْمُكَذِّبِيْنَ ۝ پس انتقام کشیدیم از ایشان پس درنگر چگونه بود عاقبت دروغ دارندگان وَاِذْ قَالَ
اِبْرٰهِيْمُ لِاَبِيْهِ وَقَوْمِهٖٓ اِنَّنِيْ بَرَآءٌ مِّمَّا تَعْبُدُوْنَ ۝ و یاد کن چون گفت ابراهیم پدر خود را و قوم
خود را هرآینه من بی تعلقم از آنچه شما پرستش میکنید اِلَّا الَّذِيْ فَطَرَنِيْ فَاِنَّهٗ سَيَهْدِيْنِ ۝ الا
آن کسی که بیافرید مرا پس هرآینه او هدایت خواهد کرد مرا وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِيْ عَقِبِهٖ لَعَلَّهُمْ
يَرْجِعُوْنَ ۝ و ساخت خدای تعالی کلمه توحید سخنی باقیمانده در فرزندان او تا بود که کافران رجوع کنند
یعنی ابنا در اولاد حضرت ابراهیم پیدا شدند بَلْ مَتَّعْتُ هٰٓؤُلَآءِ وَاٰبَآءَهُمْ حَتّٰى جَآءَهُمُ الْحَقُّ وَ
رَسُوْلٌ مُّبِيْنٌ ۝ بلکه بهره مند ساختیم این گروه را و پدران این گروه را تا وقتیکه آمد بدیشان دین راست و پیغامبر
ظاهر وَلَمَّا جَآءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوْا هٰذَا سِحْرٌ وَّاِنَّا بِهٖ كٰفِرُوْنَ ۝ و آنگاه که آمد بدیشان دین راست
گفتند این جادوست و هرآینه ما بدان معتقدیم وَقَالُوْا لَوْلَا نُزِّلَ هٰذَا الْقُرْاٰنُ عَلٰى رَجُلٍ مِّنَ
الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيْمٍ ۝ و گفتند چرا فرو فرستاده نشد این قرآن بر مردی بزرگ از اهل دو دیه یعنی
یکی از متمولان مکه و طایف والله اعلم اَهُمْ يَقْسِمُوْنَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَّعِيْشَتَهُمْ
فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجٰتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا
وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُوْنَ ۝ ایا ایشان قسمت میکنند رحمت پروردگار ترا ما قسمت کرده ایم
درمیان ایشان گذران ایشان را در زندگانی دنیا و بلند مرتبه ساختیم بعض را بر بعض تا مسخر گیرند بعضی از ایشان
بعضی را یعنی بچشم حقارت نگرند والله اعلم و رحمت پروردگار تو بهتر است از آنچه جمع می کنند وَلَوْلَا اَنْ
يَّكُوْنَ النَّاسُ اُمَّةً وَّاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَنْ يَّكْفُرُ بِالرَّحْمٰنِ لِبُيُوْتِهِمْ سُقُفًا مِّنْ فِضَّةٍ
وَّمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُوْنَ ۝ و اگر نه احتمال آن بود که میشدند مردمان همه یک گروه البته میساختیم

بکی را

برای کسی که نامعتقد است بخدا برای خانهای ایشان سقفها از نقره و نردبانها که بران بالا برآیند
وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِئُونَ ۝ و برای خانهای ایشان دروازها نیز از نقره و تختها که بران
نصف
تکیه زده بنشینند وَزُخْرُفًا وَإِن كُلُّ ذَٰلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِندَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ ۝
و میساختیم تجمل بسیار و نیست همه این مگر اندک بهره مندی زندگانی دنیا و آخرت نزدیک پروردگار تو
متقیان راست وَمَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَٰنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ ۝ و هر که غافل شد
از یاد خدا بر گماریم برای او شیطانی پس آن شیطان او را همنشین باشد وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ
وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ ۝ و هر آینه شیاطین باز میدارند آدمیان را از راه و آدمیان می پندارند که
ایشان راه یافتگانند حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ ۝
تا آنوقت که آدمی بیاید پیش ما گوید با شیطان خود ای کاش در میان من و در میان تو مسافت مشرق و مغرب
بودی پس بد همنشینی تو وَلَن يَنفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذ ظَّلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ۝ و گویند
سود ندهد شما را امروز از بسکه ستم کرده اید انکه در عذاب با هم شریک باشند أَفَأَنتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ
تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَن كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ یا محمد آیا تو توانی شنوانید کران را یا راه بینوانی نمود کوران را
و انکس را که در گمراهی ظاهر است فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُم مُّنتَقِمُونَ ۝ پس اگر ازین عالم ببریم ترا
پس البته ما از جماعه انتقام کشندگانیم أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ ۝
یا اینست که بنمائیم ترا انچه وعده دادیم با ایشان پس هر آینه ما بر ایشان توانائیم فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ
إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۝ پس چنگ زن با انچه وحی فرستاده شد بسوی تو براه راستی وَإِنَّهُ
لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ ۝ و هر آینه قرآن پندیست ترا و قوم ترا و شما سوال کرده خواهید شد
وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رُّسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِن دُونِ الرَّحْمَٰنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ ۝
و بپرس احوال آنانکه فرستاده بودیم پیش تو از پیغامبران آیا ساخته بودیم بجز خدا معبودان دیگر که پرستش کرده شود
آنهارا وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝
هر آینه فرستادیم موسی را با نشانهای خود بسوی فرعون و اشرف قوم او پس گفت هر آینه من پیغامبر پروردگار

عالمیان ام فلما جاءهم بایتنا اذا هم منها یضحکون • پس آن هنگام که آمد بدیشان با نشانها ناگهان
ایشان ازان نشانها می خندیدند وما نریهم من ایة الا هی اکبر من اختها واخذناهم
بالعذاب لعلهم یرجعون • ونمی نمودیم با ایشان هیچ نشانه مگر وی بزرگتر بود از قرین خود وگرفتار
گرفتار کردیم ایشانرا بعقوبت بود که ایشان رجوع کنند وقالوا یا ایه الساحر ادع لنا ربک بما عهد
عندک اننا لمهتدون • وگفتند ای جادوگر دعا کن برای ما بجناب پروردگار خود بآن اسما که وحی
کرده ست نزدیک تو هرآینه راه یابندگانیم یعنی مسلمان شویم فلما کشفنا عنهم العذاب اذا هم ینکثون
پس آن هنگام که دور کردیم ازیشان عقوبت را ناگهان ایشان عهدی شکستند ونادی فرعون فی
قومه قال یقوم الیس لی ملک مصر وهذه الانهر تجری من تحتی افلا تبصرون •
وآواز داد فرعون در میان قوم خود گفت ای قوم من آیا نیست بدست من پادشاهی مصر واین جویها میرود
زیر کوشک من آیا نمی بینید ام انا خیر من هذا الذی هو مهین ولا یکاد یبین • نی بلکه من
ازین شخص که وی خوارست ونزدیک نیست که سخن واضح گوید یعنی در زبان حضرت موسی لکنت بود والله اعلم
فلولا القی علیه اسورة من ذهب او جاء معه الملئکة مقترنین • پس چرا فرود آورده شده
برین شخص دستوانها از زر یا چرا نیامد همراه او فرشتگان مجتمع شده فاستخف قومه فاطاعوه
انهم کانوا قوما فسقین • پس بی عقل کرد قوم خود را پس قبول کردند فرمان او را هرآینه ایشان بودند گروه
فاسق فلما اسفونا انتقمنا منهم فاغرقنهم اجمعین • پس آنهنگام که بخشم آوردند مارا انتقام
کشیدیم ازیشان پس غرق ساختیم ایشانرا همه یکجا فجعلنهم سلفا ومثلا للاخرین • پس ساختیم ایشانرا
پیشرو ودستان پسینیانرا مترجم گوید بدین مسئله که هیچکس غیر خدای تعالی معبود نیست مشرکان ایراد کردند که
ترسایان عیسی را می پرستند واگر وی نیز معبود نبود راضی شدیم که آنهمه با عیسی باشند وگمان کردند که حجت غالب آمدند
خدای تعالی کشف شبه فرمود ولما ضرب ابن مریم مثلا اذا قومک منه یصدون • وآنگاه که
دستان زده شد به پسر مریم ناگاه قوم تو ازین دستان بخوشوقتی باواز باشدی کنند وقالوا ءالهتنا خیر
ام هو ما ضربوه لک الا جدلا بل هم قوم خصمون • وگفتند آیا معبودان ما بهتر اند یا عیسی آن حرف

نزدند با تو مگر مکابره بلکه ایشان قومی خصومت کننده اند إن هو إلا عبد أنعمنا عليه وجعلنه مثلا
لبني إسرائيل ۝ نیست عیسی مگر بنده که انعام کرده ایم بروی و ساختیم او را نشانه برای بنی اسرائیل ولو نشاء
لجعلنا منكم ملائكة في الأرض يخلفون ۝ و اگر میخواستیم البته کردمی بدل شما فرشتگان در زمین خلیفه شوند
وإنه لعلم للساعة فلا تمترن بها واتبعون هذا صراط مستقيم ۝ و هر آینه عیسی نشانه ایست قیامت را
پس شبه مکنید از قیامت و بگو یا محمد پیروی من کنید اینست راه راست ولا يصدنكم الشيطن إنه لكم
عدو مبين ۝ و باز ندارد شما را شیطان هر آینه او در حق شما دشمن ظاهر است ولما جاء عيسى بالبينت
قال قد جئتكم بالحكمة ولأبين لكم بعض الذي تختلفون فيه فاتقوا الله وأطيعون
إن الله هو ربي وربكم فاعبدوه هذا صراط مستقيم ۝ و آنگاه آمد عیسی با معجزها گفت
آورده ام بشما حکمت را و آمده ام تا بیان کنم برای شما بعض آنچه اختلاف میکنید در آن پس بترسید از خدا و فرمان من
برید هر آینه خدای پروردگار من و پروردگار شماست پس بپرستید او را اینست راه راست فاختلف
الأحزاب من بينهم فويل للذين ظلموا من عذاب يوم أليم ۝ پس اختلاف کردند جماعتها در میان
خویش پس وای آنان را که ستم کردند از عقوبت روز دردهنده هل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم
بغتة وهم لا يشعرون ۝ انتظاری کنند مگر قیامت که بیاید بدیشان ناگهان و ایشان خبردار نباشند
الأخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدو إلا المتقين ۝ دوستان آنروز بعضی ایشان از بعض دشمن باشند
مگر پرهیزکاران يا عباد لا خوف عليكم اليوم ولا أنتم تحزنون ۝ گفته شود ای بندگان من نیست
هیچ ترس بر شما امروز و نه شما اندوهگین شوید الذين آمنوا بآياتنا وكانوا مسلمين ۝ ای آن بندگان من
که ایمان آوردید بآیتهای ما و مسلمان بودند ادخلوا الجنة أنتم وأزواجكم تحبرون ۝ گفته شود
در آئید به بهشت شما و زنان شما خوشحال ساخته يطاف عليهم بصحاف من ذهب وأكواب وفيها
ما تشتهيه الأنفس وتلذ الأعين وأنتم فيها خالدون ۝ گردانیده شود بر ایشان کاسهای پر دار
از زر و کوزها نیز و در بهشت باشد آنچه خواهش کند نفس و لذت گیرد از دیدن او چشمها و شما اینجا جاودان باشید
وتلك الجنة التي أورثتموها بما كنتم تعملون ۝ و این آن بهشت است که عطا کرده شد شما را بسبب آنچه

عمل میکردید لکم فیها فاکهة کثیرة منها تأکلون • شما راست انجا میوه بسیار که ازان میخورید ان المجرمین
فی عذاب جهنم خالدون • هر اینه گنهکاران در عذاب دوزخ جاویدان اند لا یفتر عنهم وهم
فیه مبلسون • سست کرده نشود از ایشان عقوبت و ایشان دران عذاب ناامید شده خاموش باشند
وما ظلمناهم ولکن کانوا هم الظالمین • و ستم نکردیم بر ایشان ولیکن ایشان بودند ستمکار ونادوا
یا مالک لیقض علینا ربک قال انکم ماکثون لقد جئناکم بالحق ولکن اکثرکم للحق کارهون •
آواز دهند که ای مالک باید که بمرگ حکم کند بر ما پروردگار تو مالک گوید هر اینه شما همیشه باشندکاینده هر اینه آوردیم
بشما سخن راست ولیکن اکثر شما سخن راست را ناخواینده ام ابرموا امرا فانا مبرمون • ایا عزم مصمم کرده اند
برکاری پس هر اینه ما نیز عزم مصمم کننده کاریم ام یحسبون انا لا نسمع سرهم ونجواهم بلی ورسلنا
لدیهم یکتبون • ایا می پندارند که نمی شنویم سخن پنهان ایشان را و سرگوشی ایشان را آری می شنویم و فرستادگان ما
نزدیک ایشان می نویسند قل ان کان للرحمن ولد فانا اول العابدین • بگو اگر بوض باشد خدای را
فرزندی پس من نخستین عبادت کنندگان باشم سبحان رب السموات والارض رب العرش
عما یصفون • پاکست پروردگار آسمانها و زمین خداوند عرش ازانچه بیان می کنند فذرهم یخوضوا
ویلعبوا حتی یلاقوا یومهم الذی یوعدون • پس بگذار ایشانرا تا در باطل کب کنند و بازی
بکنند تا انکه ملاقات کنند بان روز خود که وعده داده میشود ایشانرا وهو الذی فی السماء اله وفی
الارض اله وهو الحکیم العلیم • و اوست انکه در آسمان فرمان اوست و در زمین فرمان اوست
و اوست با حکمت دانا وتبارک الذی له ملک السموات والارض وما بینهما وعنده
علم الساعة والیه ترجعون • و بسیار پاکست انکه اوراست پادشاهی آسمانها و زمین وانچه درمیان
هر دوست و نزدیک اوست علم قیامت و بسوی او رجوع کرده شوید ولا یملک الذین یدعون
من دونه الشفاعة الا من شهد بالحق وهم یعلمون • و نمی توانند انانکه کفار پرستش می کنند
بجز خدا شفاعت کردن لیکن کسی که گواهی راست داده باشد و ایشان میدانند یعنی اهل توحید را شفاعت کنند
ولئن سالتهم من خلقهم لیقولن الله فانی یؤفکون • واگر سوال کنی از ایشان که کدام کس پیدا کرد

ایشانرا

ایشانرا البته کویند خدا آفریده ست پس از کجا برکردانیده میشوند وَقِیلِهِ یَا رَبِّ إِنَّ هٰؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا یُؤْمِنُونَ

و بسا دعای پیغمبر که ای پروردکار من هر آینه ایشان کروهی هستند که ایمان نمی آرند فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ

فَسَوْفَ یَعْلَمُونَ ۝ فرمودیم اعراض کن از ایشان و بکو سلام وداع پس خواهند دانست

سورة الدخان

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ ۝ حٰمٓ وَالْکِتَابِ الْمُبِینِ ۝ قسم بکتاب واضح

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَةٍ مُبَارَکَةٍ إِنَّا کُنَّا مُنْذِرِینَ فِیهَا یُفْرَقُ کُلُّ أَمْرٍ حَکِیمٍ ۝ هر آینه ما فرود آوردیم

این کتاب را در شب مبارک هر آینه ما ترساننده بودیم درین شب فیصل کرده میشود هر کار استوار أَمْرًا

مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا کُنَّا مُرْسِلِینَ ۝ فرود آوردیم آنرا بوحی آوردن از نزدیک خویش هر آینه ما بودیم فرستنده

یعنی پیغامبر را رَحْمَةً مِنْ رَبِّکَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ ۝ بسبب بخشایش از نزد پروردکار تو هر آینه

اوست شنوا دانا رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَیْنَهُمَا إِنْ کُنْتُمْ مُوقِنِینَ ۝ پروردکار آسمانها

و زمین و آنچه درمیان این هر دوست اکر یقین کننده اید لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ یُحْیِی وَیُمِیتُ رَبُّکُمْ

وَرَبُّ آبَائِکُمُ الْأَوَّلِینَ ۝ نیست هیچ معبود مکر او زنده میکند و میمیراند پروردکار شماست و پروردکار

پدران پیشین شماست بَلْ هُمْ فِی شَکٍّ یَلْعَبُونَ ۝ بلکه کافران در شبهه اند بازی میکنند فَارْتَقِبْ

یَوْمَ تَأْتِی السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِینٍ ۝ پس منتظر باش روزی را که بیارد آسمان دودی ظاهر یَغْشَى النَّاسَ

هٰذَا عَذَابٌ أَلِیمٌ ۝ که فرو کیرد مردمانرا این عذاب درد دهنده ست أَنَّى لَهُمُ الذِّکْرَى وَقَدْ

جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِینٌ ۝ چکونه بود ایشانرا پند کرفتن و بتحقیق آمده بود بر ایشان پیغامبر ظاهر ثُمَّ

تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ ۝ باز روی کردانیدند ازو و کفتند این شخص آموخته دیوانه ست

إِنَّا کَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِیلًا إِنَّکُمْ عَائِدُونَ ۝ هر آینه ما دور کننده عذابیم اندکی شما عود کننده اید در کفر

یَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْکُبْرَى إِنَّا مُنْتَقِمُونَ ۝ روزیکه درکرفت کنیم آن درکرفت کردن بزرک

هر آینه ما انتقام کشنده ایم مترجم کوید این وعده متحقق شد و خدای تعالی در قریش قحط انداخت تا اکل شدت

جوع یا از کثرت الجزء چون دودی محسوس میشد و ایشان بخدای تعالی رجوع کردند خدای تعالی قحط را دور فرمود

باز بر کفر اصرار کردند خدای تعالی روز بدر از ایشان انتقام کشید که هفتاد کس را از روسای ایشان کشت و هفتاد کس را

۲ رَبَّنَا اکْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ

اسیر ساخت والله اعلم وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ ۝ و هر آینه ما امتحان کردیم
پیش از ایشان قوم فرعون را و آمد بدیشان پیغامبری گرامی قدر أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ
أَمِينٌ ۝ بدین سخن که تسلیم کنید بسوی من بندگان خدا را هر آینه من برای شما پیغامبر با امانتم وَأَنْ لَا تَعْلُوا
عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝ و سرکشی مکنید بر خدا هر آینه من بیارم پیش شما حجت ظاهر را وَإِنِّي
عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ ۝ و هر آینه من پناه بردم بپروردگار خود و پروردگار شما از آنکه سنگسار
کنید مرا وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَزِلُونِ ۝ و اگر باور ندارند مرا پس یکسو شوید از من فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ
هَؤُلَاءِ قَوْمٌ مُجْرِمُونَ ۝ پس دعا کرد بجناب پروردگار خود که اینجماعه قوم گناهکاراند فَأَسْرِ بِعِبَادِي
لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ ۝ پس گفتیم ببر بندگان مرا وقت شب هر آینه شما تعاقب کرده شوید وَاتْرُكِ الْبَحْرَ
رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُغْرَقُونَ ۝ و بگذار دریا آرمیده و کشاده شده هر آینه اینجماعه لشکری است غرق شده
كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ۝ بسیار گذاشته اند از بوستانها و کشتها
و محل گرامی وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ ۝ و گذران با رفاهیت که دران محظوظ بودند كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا
قَوْمًا آخَرِينَ ۝ همچنین شد و عطا کردیم این چیزها گروهی دیگر را فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا
كَانُوا مُنْظَرِينَ ۝ پس نگریست بر قوم فرعون آسمان و زمین و نشدند مهلت داده شده وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ
مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ۝ و هر آینه ما خلاص کردیم بنی اسرائیل را از عذاب خوار کننده مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ
عَالِيًا مِنَ الْمُسْرِفِينَ ۝ از جانب فرعون بود و هر آینه فرعون بود سرکشی از تعدی کنندگان وَلَقَدِ اخْتَرْنَاهُمْ
عَلَى عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ۝ و هر آینه برگزیدیم بنی اسرائیل را دانسته بر عالمها وَآتَيْنَاهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ
مُبِينٌ ۝ و دادیم ایشانرا از قسم معجزات آنچه دران امتحان ظاهر بود إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا
الْأُولَى وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ ۝ هر آینه اینجماعه میگویند که نیست عاقبت کار مگر همین موت نخستین ما و نیستیم
برانگیخته شده فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ پس بیارید پدران ما را اگر هستید شما راست گوی أَهُمْ
خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ۝ آیا اینجماعه بهتراند یا قوم تبع حمیری
و آنانکه پیش از ایشان بودند هلاک ساختیم آنها را هر آینه آنها گنهکار بودند وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

ثلث

و چشمها

وما بینهما

وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ ۝ ونیافریدیم آسمانها و زمین را و آنچه درمیان هر دو هست بازی کنان مَا خَلَقْنَاهُمَا
إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ ونیافریدیم این هر دو را مگر بتدبیر درست ولیکن اکثر ایشان نمیدانند
إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ هر آینه روز قیامت میعاد ایشان است همه یکجا يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى
عَنْ مَوْلًى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ۝ روزیکه دفع نکند هیچ از دوست دیگر چیزی را و نه ایشان را نصرت داده شود
إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝ مگر آنکه رحم کرد بر وی خدای هر آینه خدای غالب مهربان است إِنَّ
شَجَرَتَ الزَّقُّومِ طَعَامُ الْأَثِيمِ ۝ هر آینه درخت زقوم طعام گنهکاران است كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ
كَغَلْيِ الْحَمِيمِ ۝ مثل مس گداخته بجوشد در شکمها مثل جوشیدن آب گرم خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ
گوییم فرشتگان بگیرید این گنهکار را پس بسختی بکشیدش بسوی میانه دوزخ ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ
مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ۝ باز بریزید بالای سر او از آب گرم که عقوبت است ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ
گوییم بچش هر آینه تویی بزعم خود بزرگوار گرامی قدر إِنَّ هَٰذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ ۝ هر آینه اینست آنچه در ان
شبهه میکردید إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ۝ هر آینه متقیان در جایگاه با امن باشند فِي جَنَّاتٍ
وَعُيُونٍ ۝ در بوستانها و چشمها يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ ۝ میپوشند از
حریر نازک و حریر ستبر روبروی یکدیگر نشسته كَذَٰلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ۝ همچنین باشد حال و کدخدا کنیم
ایشان را با حوران فراخ چشم يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ ۝ بطلبند آنجا هر میوه را ایمن شده لَا
يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ۝ نچشند آنجا مرگ لیکن چشیده بود
مرگ نخستین را و نگاهداشت ایشان را خدای از عذاب دوزخ فَضْلًا مِنْ رَبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ
الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ بسبب بخشایش از جانب پروردگار تو اینست فیروزی بزرگ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ
بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝ جز این نیست که آسان ساختیم قرآن را بزبان تو که تا بود که ایشان
پند پذیر شوند فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ ۝ پس منتظر باش هر آینه ایشان منتظر اند

سوره جاثیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝ حم تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ
الْحَكِيمِ ۝ فرو فرستاد این کتاب از جانب خدای غالب با حکمت است إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

لآيات للمؤمنين ۝ هر آینه در آسمانها و زمین نشانهاست باور دارندگانرا وفي خلقكم وما
يبث من دابة آيات لقوم يوقنون ۝ و در آفرینش الخ پراکنده میسازد از جانوران نشانهاست
قومی را که یقین میکنند واختلاف الليل والنهار وما أنزل الله من السماء من رزق
فأحيا به الأرض بعد موتها وتصريف الرياح آيات لقوم يعقلون ۝ و در آمد و شد
شب و روز و در آنکه فرود آرد خدای از آسمان روزی را یعنی باران را پس زنده کرد بسبب باران
زمین را بعد مرده بودن آن و در گردانیدن بادها نشانهاست قومی را که در میابند تلك آيات
الله نتلوها عليك بالحق فبأي حديث بعد الله وآياته يؤمنون ۝ این نشانهای
خداست میخوانیم آنرا بر تو براستی پس بکدام سخن بعد بند خدای و آیاتهای او ایمان آرند ويل لكل
أفاك أثيم يسمع آيات الله تتلى عليه ثم يصر مستكبرا كأن لم يسمعها
فبشره بعذاب أليم ۝ وای بر دروغگو گناهکار را می شنود آیات خدا که خوانده میشود بروی
باز لازم میگیرد کفر تکبر کرده گویا نشنیده ست آنرا پس مژده ده او را بعذاب درد دهنده وإذا
علم من آياتنا شيئا اتخذها هزوا أولئك لهم عذاب مهين ۝ و چون واقف شد
بر چیزی از آیات ما میگیرد آنرا بتماشا ایشانراست عذاب خوار کننده من ورائهم جهنم
ولا يغني عنهم ما كسبوا شيئا ولا ما اتخذوا من دون الله أولياء ولهم عذاب
عظيم ۝ از طرف ایشان دوزخ است و دفع نکند از ایشان آنچه کسب کردند چیزی را و دفع نکند چیز آنکه
دوستان گرفته اند بجز خدا و ایشانراست عذاب بزرگ هذا هدى والذين كفروا بآيات
ربهم لهم عذاب من رجز أليم ۝ این قرآن هدایت است و آنانکه کافر شدند بآیات پروردگار
خویش ایشانراست عذاب درد دهنده از جنس عقوبت سخت الله الذي سخر لكم البحر
لتجري الفلك فيه بأمره ولتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون ۝ خدای آنست که
مسخر ساخت برای شما دریاها را روان شدن کشتیها در آن بفرمان او تا طلب معیشت کنید از فضل او بود
که شما شکرگزاری کنید وسخر لكم ما في السماوات وما في الأرض جميعا منه إن في ذلك

لآيات لقوم

لآیٰتٍ لقومٍ یتفکرون ۝ و مسخر کرد برای شما آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است همه یکجا
پدید آورده از جانب خود هر آینه درین مقدمه نشانهاست گروهی را که تفکر میکنند قل للذین آمنوا
یغفروا للذین لا یرجون ایام الله لیجزی قوما بما کانوا یکسبون ۝ بگو مسلمانانرا
که درگذر کنند از آنجماعه که توقع روزهای خدا ندارند یعنی معتقد نیستند که حوادث جزا بر اعمال ایشان باشد
تا سزا دهد خدا گروهی از ایشان بحسب آنچه میکردند من عمل صالحا فلنفسه ومن اساء فعلیها
ثم الی ربکم ترجعون ۝ هر که بکند کاری شایسته پس نفع او راست و هر که بدکاری کند پس وبال
بر اوست باز بسوی پروردگار خود رجوع کرده خواهید شد ولقد آتینا بنی اسرائیل الکتب
والحکم والنبوة ورزقنهم من الطیبت وفضلنهم علی العلمین ۝ و هر آینه دادیم بنی اسرائیل
کتاب و دانشمندی و پیغامبری و روزی دادیم ایشانرا از نعمتهای پاکیزه و فضیلت دادیم ایشانرا
بر عالمها وآتینهم بینت من الامر فما اختلفوا الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم
ان ربک یقضی بینهم
یوم القیمة فیما کانوا فیه یختلفون ۝ و دادیم ایشانرا نشانهای واضح در باب دین پس اختلاف
نکردند مگر بعد از آنکه آمد بدیشان دانش از روی تعدی با یکدیگر هر آینه پروردگار تو فیصل کند میان ایشان
روز قیامت در آنچه اختلاف میکردند در آن ثم جعلنک علی شریعة من الامر فاتبعها ولا
تتبع اهواء الذین لا یعلمون ۝ پس باز ساختیم ترا بر راه ظاهر از دین پس پیروی کن آنرا و پیروی
مکن خواهش آنانکه نمیدانند انهم لن یغنوا عنک من الله شیئا وان الظلمین بعضهم
اولیاء بعض والله ولی المتقین ۝ هر آینه ایشان دفع نخواهند کرد از تو چیزی از عقوبت خدا و
هر آینه ستمکاران بعض ایشان کارسازان بعض ایشانند و خدا کارساز متقیان است هذا بصائر
للناس وهدی ورحمة لقوم یوقنون ۝ این قرآن دلیلهای واضح است مردمانرا و هدایت است
و بخشایش گروهی را که یقین میکنند ام حسب الذین اجترحوا السیات ان نجعلهم
کالذین آمنوا وعملوا الصلحت سواء محیاهم ومماتهم ساء ما یحکمون ۝ آیا پنداشتند
آنانکه کردند گناهها که بکنیم ایشانرا مانند آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کردند یکسان باشد زندگانی

ایشان و مردن ایشان بحکم ایشان بدست این حکم و خلق الله السموات والارض بالحق ولتجزی

کل نفس بما کسبت وهم لا یظلمون • و آفرید خدا آسمانها و زمین بتدبیر درست و تا کار عاقبت کار

جزا داده شود هر شخصی بحسب آنچه عمل کرده است و بر ایشان ستم کرده نشود افرایت من اتخذ الهه هویه

واضله الله علی علم وختم علی سمعه وقلبه وجعل علی بصره غشاوة فمن یهدیه

من بعد الله افلا تذکرون • آیا دیدی کسی را که معبود خود گرفته است خواهش نفس خود را و گمراه کرد

او را خدای با وجود دانش و مهر نهاد بر گوش او و دل او و بنهاد بر چشم او پرده پس کیست که راه نماید او را بغیر خدا

آیا پند نمی گیرید وقالوا ما هی الا حیاتنا الدنیا نموت ونحیا وما یهلکنا الا الدهر وما

لهم بذلک من علم ان هم الا یظنون • و گفتند نیست زندگانی مگر همین زندگانی اینجهانی ما می میریم

و زنده میشویم و هلاک نمیکند ما را مگر زمانه و نیست ایشان را باین مقدمه هیچ دانش نیستند ایشان مگر گمان کننده

واذا تتلی علیهم ایاتنا بینت ما کان حجتهم الا ان قالوا ائتوا بابائنا ان کنتم صدقین

و چون خوانده شود بر ایشان آیتهای ما واضح آمده نبود شبهه ایشان مگر آنکه گویند بیارید پدران ما را اگر

هستید راست گوی قل الله یحییکم ثم یجمعکم الی یوم القیمة لا ریب فیه ولکن اکثر

الناس لا یعلمون • بگو خدای زنده می کند شما را باز بمیراند شما را باز جمع کند شما را بروز قیامت هیچ شبهه نیست

در آن ولیکن اکثر مردمان نمیدانند ولله ملک السموات والارض ویوم تقوم

الساعة یومئذ یخسر المبطلون • و خدا راست بادشاهی آسمانها و زمین و روزی که قایم شود

قیامت آن روز زیانکار شوند تباهکاران وتری کل امة جاثیة کل امة تدعی الی

کتابها الیوم تجزون ما کنتم تعملون • و ببینی هر گروهی را بزانو در آمده یعنی عاجز شده

و هر گروهی را خوانده شود بسوی نامه اعمال او امروز جزا داده شود شما را بحسب آنچه میکردید هذا کتبنا

ینطق علیکم بالحق انا کنا نستنسخ ما کنتم تعملون • گوییم این نامه ماست که اظهار حقیقت

میکند بر شما براستی هر آینه ما می نوشتیم آنچه شما عمل میکردید فاما الذین امنوا وعملوا الصالحات

فیدخلهم ربهم فی رحمته ذلک هو الفوز المبین • پس اما آنکه ایمان آوردند و کارهای شایسته

در رحمت خود

ثم یمیتکم

کردند پس در آرد ایشانرا پروردگار ایشان در رحمت خود اینست فیروزی ظاهر وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا
أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُجْرِمِينَ ۝ واما آنانکه کافر شدند ایشانرا گویم
ایا خوانده نمی شد بر شما آیات من پس تکبر کردید و قوم گنهکار بودید وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ
وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ
بِمُسْتَيْقِنِينَ ۝ و چون گفته میشد که وعده خدای راست و قیامت هیچ شبهه نیست در ان گفتید
نمیدانیم چیست قیامت تصور میکنیم انرا مگر باحتمال ضعیف و نیستیم ما یقین کننده وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ
مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝ و ظاهر شد ایشانرا عقوبتهای انچه بآن عمل کرده بودند
و فرو گرفت ایشانرا انچه باو استهزا میکردند وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا
وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۝ و گفته شود امروز فراموش کنیم شمارا چنانچه فراموش کردید
ملاقات این روز را و جای شما دوزخ است و نیست شمارا هیچ نصرت دهنده ذَٰلِكُمْ بِأَنَّكُمُ اتَّخَذْتُمْ
آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ۝
این عذاب بسبب انست که شما به تمسخر گرفتید آیات خدا را و فریفته کرد شمارا زندگانی دنیا پس امروز بیرون
کرده نشوند از دوزخ و نه از ایشان رضامند ساختن خدای طلب کرده شود فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ
وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ پس خدا راست ستایش پروردگار آسمانها و زمین پروردگار عالمها
وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ و او راست بزرگی در آسمانها و
زمین و اوست غالب با حکمت سورة الاحقاف بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
حم تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۝ فرو فرستادن کتاب از جانب خدای غالب
با حکمت است مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُسَمًّى وَالَّذِينَ
كَفَرُوا عَمَّا أُنْذِرُوا مُعْرِضُونَ ۝ نیافریدیم آسمانها و زمین و انچه در میان هر دوست مگر بتدبیر
درست و میعاد معین و انانکه کافر شدند از انچه ترسانیده شدند ازان رو گردانیده قُلْ أَرَأَيْتُمْ
مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ

ائتونی بکتب من قبل هذا او اثرة من علم ان کنتم صدقین • بگو آیا دیدید آنچه می پرستید
بجز خدا بنمائید مرا چه چیز آفریده اند از زمین آیا ایشانرا شرکتی هست در آسمانها بیارید بمن کتابی که آمده باشد
پیش ازین یا بقیه از علم اگر هستید راست گوی • و من اضل ممن یدعوا من دون الله من
لا یستجیب له الی یوم القیمة وهم عن دعائهم غفلون • و کیست گمراه تر از کسی که پرستد بجز خدای
چیزیرا که قبول نکند خواندنش تا روز قیامت و این معبودان باطل از خواندن ایشان غافل اند و اذا
حشر الناس کانوا لهم اعداء و کانوا بعبادتهم کفرین • و چون جمع کرده شوند مردمان
باشند این معبودان ایشانرا دشمن و باشند عبادت ایشانرا منکر و اذا تتلی علیهم ایتنا بینت
قال الذین کفروا للحق لما جاءهم هذا سحر مبین • و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما
واضح آمده گفتند این کافران سخن درست را چون بیامد بدیشان این سحر ظاهر است ام یقولون
افتریه قل ان افتریته فلا تملکون لی من الله شیئا هو اعلم بما تفیضون
فیه کفی به شهیدا بینی وبینکم وهو الغفور الرحیم • بلکه میگویند بربست آنرا پیغمبر
بگو اگر بسته ام آنرا پس نمی توانید شما برای من از خدا چیزی خدا دانا تر است بگفت و گوی شما از قرآن بس است
خدا اظهار حق کننده در میان ما و در میان شما و او هست آمرزنده مهربان • قل ما کنت بدعا من
الرسل وما ادری ما یفعل بی ولا بکم ان اتبع الا ما یوحی الی وما انا الا نذیر
مبین • بگو نیستم من نو آمده از پیغامبران و نمیدانم چه کرده خواهد شد بامن و با شما یعنی در دنیا پیروی
نمی کنیم الا بانچه وحی فرستاده میشود بسوی من و نیستم من مگر ترساننده آشکار • قل ارءیتم ان کان
من عند الله وکفرتم به وشهد شاهد من بنی اسرائیل علی مثله فامن واستکبرتم
ان الله لا یهدی القوم الظلمین • بگو آیا دیدید که اگر باشد قرآن از نزدیک خدا و منکر شوید آن را
و گواهی داده باشد گواهی دهنده از بنی اسرائیل بر قرآن پس بروی ایمان آورد و سرکشی کردید شما البته ستمکار
باشید هر آینه خدا راه ننماید ستمکارانرا • و قال الذین کفروا للذین امنوا لو کان خیرا ما سبقونا
الیه واذ لم یهتدوا به فسیقولون هذا افک قدیم • و گفتند کافران در حق مسلمانان

الی

اگر این دین

اگر این دین بهتر بودی سبقت نکردندی بر ما بسوی آن و چون راه نیافتند بآن خواهند گفت این دروغیست
قدیم وَمِنْ قَبْلِهِ كِتٰبُ مُوسىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهٰذَا كِتٰبٌ مُصَدِّقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنْذِرَ الَّذِينَ
ظَلَمُوا وَبُشْرىٰ لِلْمُحْسِنِينَ ۝ و پیش از قرآن کتاب موسی بود پیشوا و بخشایش و این کتابیست باور دارنده
بزبان عربی آمده برای آنکه بترساند ستمکاران را و برای مژده دادن نیکوکاران را إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللّٰهُ
ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ هرآینه آنانکه گفتند پروردگار ما خداست باز قدیم
ماندند پس هیچ ترس نیست بر ایشان و نه ایشان اندوه خورند أُولٰئِكَ أَصْحٰبُ الْجَنَّةِ خٰلِدِينَ فِيهَا
جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ آنجماعه اهل بهشت اند جاوید آنجا پاداش داده شوند بسبب آنچه میکردند
وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوٰلِدَيْهِ إِحْسٰنًا حَمَلَتْهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصٰلُهُ
أُمُّهُ
ثَلٰثُونَ شَهْرًا حَتّٰى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ
نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلىٰ وٰلِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صٰلِحًا تَرْضٰهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي
إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ و امر کردیم آدمی را در حق مادر و پدر او به نیکوکاری در شکم
کردن او
برداشته است او را مادر او بدشواری و زاده است او را بدشواری و اقل مدت بار گرفتن او و از شیر باز
سی ماهست و زنده ماند تا وقتیکه رسید بکمال خود و رسید بچهل سال گفت ای پروردگار من الهام کن تا شکر تو
گویم در مقابله نعمت تو که انعام کرده بر من و کار نیک کنم که خشنود شوی از آن و صلاح پیدا کن برای من
در فرزندان من رجوع کردم بسوی تو و هرآینه من از مسلمانانم أُولٰئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا
عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئٰاتِهِمْ فِي أَصْحٰبِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ
آنجماعه آنانند که قبول میکنیم از ایشان نیکوترین آنچه عمل کرده اند و درگذریم از جرمهای ایشان در اهل بهشت باشند
بوفق وعده راستی که وعده داده میشدند وَالَّذِي قَالَ لِوٰلِدَيْهِ أُفٍّ لَكُمَا أَتَعِدَانِنِي أَنْ
أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَغِيثٰانِ اللّٰهَ وَيْلَكَ آمِنْ إِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ
فَيَقُولُ مَا هٰذَا إِلَّا أَسٰطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝ و آن شخص گفت به پدر و مادر خود دلتنگ شدم بسبب شما
آیا وعده میدهید مرا که برآورده شوم یعنی از قبر و هرآینه گذشته اند طبقهای مردم پیش از من یعنی هیچکس از ایشان باز

زنده نشد والله اعلم وآن هردو فریاد میکنند بجناب خدا میگویند وای بر تو مسلمان شو هر آینه وعدهای خدا راستست
پس گوید نیست این وعده مگر افسانهای پیشینیان اولئک الذین حق علیهم القول فی امم قد
خلت من قبلهم من الجن والانس انهم کانوا خسرین • اینجماعه آنانند که ثابت شد بر ایشان
وعدهٔ عذاب از جمله امتها که گذشته اند پیش از ایشان از جنیان و آدمیان هر آینه بودند ایشان زیانکار
ولکل درجت مما عملوا ولیوفیهم اعملهم وهم لا یظلمون • و هر یکی را مرتبهاست
بحسب آنچه عمل کردند تا تمام دهد جزای اعمال ایشان و ایشان ستم کرده نشوند ویوم یعرض الذین
کفروا علی النار اذهبتم طیبتکم فی حیاتکم الدنیا واستمتعتم بها فالیوم
تجزون عذاب الهون بما کنتم تستکبرون فی الارض بغیر الحق وبما
کنتم تفسقون • و روزیکه پیش آورده شوند کافران بر آتش گفته شود آیا ضایع گردید نعمتهای
خود را در زندگانی دنیاوی خویش و بهره مند شدید بآن پس امروز جزا داده شوید شما را عذاب خواری
بسبب آنکه تکبر میکردید در زمین ناحق و بسبب آنکه بدکاری میکردید مترجم گوید این تصویر حال
سعید و شقی را پس سعید تو خدای تعالی و حق ابوین بجا می آرد و بانعام نعم محفوظ میشود و در جمیع
امور بحق تعالی رجوع میکند و شقی جمع میکند میان کفر و عقوق والدین و انکار معاد و صورت سعید
منطبق است بر حضرت ابو بکر صدیق رضی الله تعالی عنه والله اعلم واذکر اخا عاد اذ انذر قومه
بالاحقاف وقد خلت النذر من بین یدیه ومن خلفه الا تعبدوا الا الله
انی اخاف علیکم عذاب یوم عظیم • و یاد کن برادر قوم عاد را چون بترسانید قوم خود را
بسرزمین احقاف و هر آینه گذشته بودند ترسانندگان پیش روی وی و پس از وی یعنی از هر جانب
باین مضمون که عبادت مکنید مگر خدا را هر آینه من می ترسم بر شما از عقوبت روز بزرگ وقالوا
اجئتنا لتافکنا عن الهتنا فاتنا بما تعدنا ان کنت من الصدقین • گفتند آیا
آمده پیش ما تا باز داری ما را از پرستش معبودان ما پس بیار آنچه وعده میدهی ما را اگر از راستگویانی
قال انما العلم عند الله وابلغکم ما ارسلت به ولکنی اریکم قوما تجهلون •

حسرتی

گفت جز این

گفت جز این نیست که علم نزدیک خداست و میرسانم بشما آنچه فرستاده شدم همراه او ولکن می بینم
که شما گروهی هستید که نادانی میکنید فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَتِهِمْ قَالُوا هَٰذَا
عَارِضٌ مُمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ پس چون دیدند آن
عقوبت را بصورت ابری روی آورده بمیدانهای ایشان گفتند این ابریست بارنده بر ما بلکه بحقیقت
آن ابر چیزیست که شتاب طلب کردید آنرا بادیست که در وی عقوبت درد دهنده است تُدَمِّرُ كُلَّ
شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ۝
بر هم زند هر چیز را بفرمان پروردگار خویش پس گشتند باین صفت که دیده نمی شد بجز خانهای ایشان همچنین
جزا میدهیم گروه ستمکاران را وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا فيما
وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ
شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝ و هر آینه
جا داده بودیم قوم عاد را در آنچه جا نداده ایم شما را در آن و ساخته بودیم برای قوم عاد گوش و چشمها
و دلها پس دفع نکرد از ایشان گوش ایشان و چشمهای ایشان و دلهای ایشان چیزی را از بسکه انکار
میکردند به نشانهای خدا و فرا گرفت با ایشان آنچه بآن استهزا میکردند وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ
مِنَ الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ و هر آینه هلاک کردیم آنچه حوالی شماست
از دیهها و گوناگون پدید آوردیم نشانها بود که ایشان باز گردند فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ
اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَٰلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا
يَفْتَرُونَ ۝ پس چرا نصرت نداد ایشانرا آنانکه معبود میگرفتند بجز خدا قرب خداجویان بلکه
گم شدند از نظر ایشان و همین است دروغ ایشان و آنچه بر می بافتند مترجم گوید چند کس از جن
پیش آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم آمدند در آن حالت نماز فجر میگزارد در بطن نخل قران استماع کردند
و چون باز گشتند قوم خود را انذار نمودند اشارت باین قصه است درین آیات وَإِذْ صَرَفْنَا
إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا

قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِم مُّنذِرِينَ ۝ و یاد کن چون متوجه ساختیم بسوی تو جماعتی را از جن می شنیدند
قرآن پس چون حاضر شدند پیش پیغامبر با یکدیگر خاموش باشید پس چون تمام کرده شد باز گشتند بسوی
قوم خود بیم کنان قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا
بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ ۝ گفتند ای قوم ما هر آینه ما شنیدیم
کتابیکه فرود آورده شد بعد از موسی باور دارنده آنچه پیش از وی بود راه می نماید بسوی دین راست
و بسوی راه راست يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ
وَيُجِرْكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ ای قوم ما قبول کنید سخن دعوت کننده بسوی خدا و ایمان آرید
بوی تا بیامرزد خدای برای شما بعض گناهان شما را و پناه دهد شما را از عذاب درد دهنده وَمَن
لَّا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَٰئِكَ
فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ و هر که قبول نکند گفته خواننده بخدا پس نیست عاجز کننده در زمین و نیست اورا
بجز خدای دوستان آن جماعه در گمراهی ظاهر اند أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْيَ بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَن يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
آیا ندیدند خدائی که آفرید است آسمانها و زمین و مانده نشد در آفریدن اینها تواناست برانکه
زنده کند مردگان را آری چنین است هر آینه او بر هر چیز تواناست وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ
كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَٰذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا
كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ۝ و روزیکه پیش آورده شوند کافران بر آتش گفته شود آیا نیست این وعده
درست گفتند آری قسم بپروردگار ما درست است پس چشید عذاب را بسبب آنکه کافر می بودید
فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِل لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ
مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ
پس صبر کن چنانکه صبر کرده بودند خداوندان همت عالی از پیغامبران و شتاب طلب مکن عقوبت را
برای ایشان روزیکه ببینند آنچه وعده داده میشود ایشان را چنانست که ایشان نمانده بودند یعنی در دنیا

مگر از روز

مگر یکساعت از روز این پیغام رسانیدن است پس هلاک کرده نخواهد شد مگر قوم بدکاران

سورة محمد

بسم الله الرحمن الرحیم •

الذین کفروا وصدوا عن سبیل الله اضل اعمالهم • آنانکه کافر شدند و باز داشتند
مردمانرا از راه خدا حبط کرد خدای اعمال ایشانرا والذین آمنوا وعملوا الصلحت وآمنوا
بما نزل علی محمد وهو الحق من ربهم کفر عنهم سیئاتهم واصلح بالهم •
وآنان که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته و معتقد شدند بآنچه فرود آورده شد بر محمد
صلی الله علیه وآله وسلم وآن راست آمده از پروردگار ایشان دور ساخت از ایشان جرمهای ایشانرا
و بصلاح آورد حال ایشانرا ذلک بان الذین کفروا اتبعوا الباطل وان الذین آمنوا
اتبعوا الحق من ربهم کذلک یضرب الله للناس امثالهم • این از سبب آنست که کافران
پیروی ناراست کردند و مومنان پیروی دین راست کردند که از جانب پروردگار ایشان است
همچنین بیان میکند خدای برای مردمان دستانهای ایشان فاذا لقیتم الذین کفروا فضرب
الرقاب حتی اذا اثخنتموهم فشدوا الوثاق فاما منا بعد واما فداء حتی
تضع الحرب اوزارها ذلک ولو یشاء الله لانتصر منهم ولکن لیبلوا بعضکم
ببعض والذین قتلوا فی سبیل الله فلن یضل اعمالهم • پس چون مصاف کنید با کافران
بزنید گردنهای ایشانرا تا وقتیکه خونریزی بسیار کردید در ایشان پس محکم کنید قید را یا باحسان خلاص کردن
بعد ازین یا بجای بعوض گرفتن تا آنکه بنهد جنگ سلاح خود را یعنی جنگ موقوف شود و احتیاج بسلاح
نماند والله اعلم اینست حکم و اگر خواستی خدا خود انتقام کشیدی از ایشان ولیکن میخواهد که امتحان کند
بعضی را از شما با بعضی وآنانکه کشته شدند در راه خدا پس حبط نخواهد کرد عمل ایشانرا سیهدیهم ویصلح
بالهم ویدخلهم الجنة عرفها لهم • راه خواهد نمود ایشانرا و نیک خواهد کرد حال ایشانرا و خواهد در آورد
ایشانرا به بهشتی که شناسا کرده است ایشانرا بآن یا ایها الذین آمنوا ان تنصروا الله ینصرکم
ویثبت اقدامکم • ای مسلمانان اگر نصرت دهید دین خدا را نصرت دهد خدا شما را و ثابت کند

ان الله صح

قدمهای شما والذين كفروا فتعسا لهم واضل اعمالهم و آنانکه کافر شدند هلاک باد ایشانرا

وحبط کرد خدا عمل ایشانرا ذلك بانهم كرهوا ما انزل الله فاحبط اعمالهم این

بسبب آنست که ایشان ناپسند کردند چیزیرا که فرود آورده است خدا پس حبط کرد عمل ایشانرا افلم يسيروا

في الارض فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم دمر الله عليهم

وللكافرين امثالها آیا سیر نکردند در زمین تا بنگرند چگونه بود انجام آنانکه پیش از ایشان

بودند برهم زد خدای آنرا و کافرانرا میشود مانند این عقوبت ذلك بان الله مولى

الذين امنوا وان الكافرين لا مولى لهم این بسبب آنست که خدا کارساز مسلمانان است

و بسبب آنست که کافران هیچ کارساز نیست ایشانرا ان الله يدخل الذين امنوا وعملوا

الصالحات جنات تجري من تحتها الانهار والذين كفروا يتمتعون و

ياكلون كما تاكل الانعام والنار مثوى لهم هر آینه خدا درآرد آنانرا که ایمان آورده اند

و کارهای شایسته کردند ببوستانها میرود در زیر آن جویها و آنانکه کافر شدند بهره برمیگیرند

ومیخورند چنانکه میخورند چارپایان و آتش جای ایشان است وكاين من قرية هي اشد

قوة من قريتك التي اخرجتك اهلكناهم فلا ناصر لهم بسیار دیه که قوی تر بود

از دیه تو که جلاوطن کرد ترا هلاک ساختیم ایشانرا پس نیست هیچ نصرت دهنده برای ایشان

افمن كان على بينة من ربه كمن زين له سوء عمله واتبعوا اهواءهم

آیا هر که باشد بر طریقه روشن از پروردگار خویش مانند آنکس است که آراسته کرده شد در نظر او

بدکاری او و مانند آنانکه پیروی کردند خواهش خود را مثل الجنة التي وعد المتقون

فيها انهار من ماء غير اسن وانهار من لبن لم يتغير طعمه وانهار من

خمر لذة للشاربين وانهار من عسل مصفى ولهم فيها من كل الثمرات

ومغفرة من ربهم كمن هو خالد في النار وسقوا ماء حميما فقطع

امعاءهم صفت بهشتی که وعده داده شد متقیانرا اینست دران بهشت جویهاست از آب

که بدبو نشد

که بدبو ماند کی متغیر نشده و جویهاست از شیر که مزه او برنگشته و جویهاست از می لذت دهنده
آشامندگان را و جویهاست از شهد صاف کرده شده و ایشان راست انجا از هر جنس میوها و ایشان راست
آمرزش از پروردگار ایشان ایا ایجماعه مانند آنست که همیشه باشد در آتش و نوشانیده شود آب گرم
پس پاره پاره ساخت روده‌های ایشان را مترجم گوید از اینجا تا آخر سوره در باب اهل بد مردم ضعیف الایمان
نازل شد وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ
مَاذَا قَالَ آنِفًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ۝ و از مردمان کسی هست که
گوش نهد بسوی تو تا وقتیکه بیرون روند از نزدیک تو گویند با انانکه عطا کرده شد ایشان را علم چه خبر گفت پیغامبر
در حال ایجماعه آنان اند که مهر نهاده است خدای بر دل ایشان و پیروی کردند خواهش نفس خود را وَالَّذِينَ
اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ ۝ انانکه راه یاب شدند زیاده کرد خدا ایشان را هدایت و عطا کرد
بدیشان تقوی ایشان را فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا
فَأَنَّىٰ لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ ۝ منتظر نیستند مگر قیامت را که بیاید بدیشان ناگهان پس هر آینه آمده است
علامات قیامت پس از کجا باشد برای ایشان پند گرفتن ایشان وقتیکه بیاید قیامت ایشان را فَاعْلَمْ أَنَّهُ
لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ
وَمَثْوَاكُمْ ۝ پس یقین کن که نیست هیچ معبود مگر خدای و آمرزش طلب کن برای گناهان خود و در حق مردان
مسلمان و زنان مسلمان نیز خدا میداند جای آمد و رفت شما و جای ماندن شما حاصل این آیات ذم آن شخص است که
بمجلس علم در آید و بفهم حقیقت آن نرسد بسبب هجوم هوای نفس بر دل او و محتاج استفسار دیگران گردد و تخویف است
بقیامت مثل آن شخص را والله اعلم وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ
مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ
عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأَوْلَىٰ لَهُمْ طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ
خَيْرًا لَهُمْ ۝ و میگویند مسلمانان چرا فرو فرستاده نشد سورتی پس چون فرستاده شود سورتی واضح المعنی و ذکر
کرده شود در آن قتال می بینی آنرا که در دل ایشان بیماریست می نگرند بسوی تو مانند نظر کردن کسی که او را بیهوشی رسیده باشد

بسبب حضور موت پس بهتر برای ایشان فرمانبرداری است و سخن نیکو گفتن پس چون مصمم شود کار
اگر وعده خود راست کردندی با خدای بهتر بودی ایشانرا فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ
تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ • پس ای ضعیف ایمانان اگر متولی امور مردمان شوید
البته نزدیک آید از آنکه تباهکاری کنید در زمین و قطع قبیله داری نمائید أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ
اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعْمَىٰ أَبْصَارَهُمْ • انجماعه آنانند که لعنت کرد ایشانرا خدای پس کر ساخت ایشانرا
و کور کرد چشم ایشانرا أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا • آیا تامل نمیکنند در قران
یا بر دلها قفل آن دلهاست إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى
الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ • هر آینه آنانکه برگشتند بر جانب پشت خویش پس از آنکه ظاهر شد ایشانرا
راه هدایت شیطان آراسته کرده است برای ایشان و مهلت داده است ایشانرا ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا
لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ •
اینهمه بسبب آنست که ایشان گفتند با آنانکه ناپسند کرده اند چیزیرا که خدا فرستاده است یعنی منافقان
یهود گفتند فرمانبرداری شما خواهیم کرد در بعضی کار و خدا میداند سخن پنهان گفتن ایشانرا فَكَيْفَ
إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ • پس چه حال باشد وقتیکه قبض ارواح
ایشان کنند ملائکه بزنند بر رویهای ایشان و بر پشتهای ایشان ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ
اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ • این عقوبت بسبب آنست که ایشان پیروی چیزی
کرده اند که بخشم آورد خدا را و ناپسند کردند خشنودی او را پس خدا حبط ساخت اعمال ایشانرا أَمْ حَسِبَ
الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ • آیا پنداشته اند آنانکه در دل ایشان
بیماریست که ظاهر نخواهد کرد خدا کینهای ایشانرا وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ
وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ • و اگر میخواستیم مینمودیم ایشانرا بتو
پس میشناختی ایشانرا بعلامه ایشان یعنی ظلمت نفاق بر روی ایشان هویدا میشد والله اعلم والبته بشناسی
ایشانرا از اسلوب سخن و خدا میداند عملهای شمارا وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ

والصابرین

وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَا أَخْبَارَكُمْ • والبته امتحان کنیم شما را تا بشناسیم مجاهدان را از شما و صابران را
و بیازمائیم احوال شما را إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ
لَهُمُ الْهُدَى لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحْبِطُ أَعْمَالَهُمْ • هر اینه آنانکه کافر شدند و باز داشتند از راه خدا و مخالفت
کردند با پیغمبر بعد از آنکه واضح شد ایشان را راه هدایت هیچ زیان نرسانند خدا را و حبط خواهد کرد عملهای ایشان را یا
أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ • ای مسلمانان فرمان برید خدا را
و فرمان برید پیغامبر را و باطل مکنید عملهای خود را إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا
وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ • هر اینه آنانکه کافر شدند و باز داشتند از راه خدا باز مردند و ایشان کافر بودند
پس هرگز نخواهد آمرزید خدای ایشان را فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ
وَلَنْ يَتِرَكُمْ أَعْمَالَكُمْ • پس سستی مکنید و بسوی صلح مخوانید و شمائید غالب و خدا با شماست و ناقص نخواهد او شما را
جزای اعمال شما إِنَّمَا الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ •
جز این نیست که زندگانی دنیا بازیست و بیهودگیست و اگر ایمان آرید و پرهیزگاری کنید بدهد شما را مزد شما و نطلبد
از شما مال شما را یعنی جمیع مال را إِنْ يَسْأَلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبْخَلُوا وَيُخْرِجْ أَضْغَانَكُمْ • و اگر بطلبد از شما مال شما را
پس مبالغه کند در سوال آن بخل کنید و برروی کار آرد آن بخل کینهای شما را هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ
لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخَلُ وَمَنْ يَبْخَلْ عَنْ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ
فَإِنَّمَا يَبْخَلُ
تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ • آگاه شوید ای جماعه که خوانده شوید شما را تا خرج
کنید در راه خدا پس از شما کسی هست که بخل میکنید و هر که بخل میکند پس جز این نیست که بخل میکند از خویش یعنی سود
انفاق از خود باز میدارد و خدای توانگر است و شما محتاج آید و اگر روی گردان شوید بدل آرد گروهی دیگر را غیر شما
باز نباشد آن جماعه مانند شما

سورة الفتح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مترجم گوید آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم بخواب دیدند گویا آنحضرت با اصحاب در مکه داخل شدند و با طمینان
خاطر بحلق و قصر مشغول اند پس آن سال بقصد عمره متوجه کعبه شدند و چون بحدیبیه رسیدند کفار قریش از وصول بکعبه
مانع آمدند و بعد تشویش بسیار با کفار صلح کرده بغیر از وصول بکعبه باز گشتند حق تعالی آن عمل را از ایشان قبول نمود

و از آن بیعت که در اثنای تشویش بجهت تاکید عزم بآن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم کرده بودند راضی شد
و بثواب آن عمل فتوح بسیار نصیب ایشان گردانید بتحقیق فتح خیبر که بعد از این سفر بلا تراخی واقع شد و غنایم خیبر را
مخصوص بحاضران بیعت گردانید و غیر ایشان را از آن غزوه منع نمود و مضمون رؤیا سال آینده بظهور رسید و پس
در باب وعده فتوح و رد شبهه منافقان بسبب تعویق مضمون رؤیا و بیان حکمت تعویق و تهدید متخلفان از سفر
حدیبیه و بیان خشنودی خود با اهل بیعت این سوره نازل فرمود والله اعلم إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا لِيَغْفِرَ
لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا
مُسْتَقِيمًا وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا • هر آینه ما حکم کردیم برای تو بفتح ظاهر عاقبت فتح آنست که بیامرزد ترا
خدا آنچه که سابق گذشت از گناه تو و آنچه پس ماند و تمام کند نعمت خود را بر تو و بنماید ترا راه راست و تا نصرت دهد
ترا بنصرت قوی هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ
جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا • اوست آنکه فرود آورد اطمینان را بر دل مسلمانان تا
زیاده شود ایمان ایشان با ایمان سابق ایشان و خدا راست لشکر آسمانها و زمین و هست خدا دانا با حکمت لِيُدْخِلَ
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ
سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَٰلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا • عاقبت نزول سکینه آنست که در آرد مردان
مسلمانان را و زنان مسلمانان را بوستانها میرود در زیر آن جویهای جاوید آنجا و زایل کند از ایشان جرمهای
ایشان را و هست این مقدمه نزدیک خدا فیروزی بزرگ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَ
الْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ
اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا • و تا آنکه عذاب کند مردمان
منافق را و زنان منافق را و مردان شرک آرنده و زنان شرک آرنده را که گمان کننده اند بر خدا گمان بد
بر ایشان باد مصیبت و بد بختی آمد بر ایشان و لعنت کرد ایشان را و آماده ساخت برای ایشان دوزخ را
و بد جاییست دوزخ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا • و خدا راست
لشکر آسمانها و زمین و هست خدای غالب با حکمت إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

برانیه ما فرستادیم ترا اظهار حق کننده و بشارت دهنده و ترساننده لتؤمنوا بالله ورسوله
وتعزروه وتوقروه وتسبحوه بکرة واصیلا ● تا ایمان ارید ای مسلمانان بخدا و رسول او و تا نصرت
دهید دین خدا را و به بزرگی اعتقاد کنید او را و به پاکی یاد کنید او را بامداد و بیگاه ان الذین یبایعونک
انما یبایعون الله ید الله فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث علی نفسه ومن اوفی
بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجرا عظیما ● برانیه انانکه بیعت میکنند با تو جز این نیست
که بیعت میکنند با خدا دست خدا است بالای دست ایشان پس هر که عهد بشکند پس جز این نیست که میشکند
بضرر نفس خود و هر که تمام کند آنچه بران با خدا عهد کرده است خواهد داد او را مزد بزرگ سیقول لک المخلفون
من الاعراب شغلتنا اموالنا واهلونا فاستغفر لنا یقولون بالسنتهم ما لیس فی
قلوبهم قل فمن یملک لکم من الله شیئا ان اراد بکم ضرا او اراد بکم نفعا بل کان الله
بما تعملون خبیرا ● خواهند گفت با تو پس گذاشتگان عرب یعنی انانکه در سفر حدیبیه موافقت نکردند
والله اعلم مشغول کرد ما را اموال ما و فرزندان ما پس طلب امرزش کن برای ما میگویند بزبان خود آنچه نیست در دل
ایشان بگو که می تواند برای شما از خدا چیزی اگر خواهد زیان رسانیدن یا خواهد رحمت شما سود دادن بلکه
هست خدا بآنچه میکنید خبردار بل ظننتم ان لن ینقلب الرسول والمؤمنون الی اهلیهم
ابدا وزین ذلک فی قلوبکم وظننتم ظن السوء وکنتم قوما بورا ● بلکه ظن کردید که باز
نخواهد گشت پیغمبر و مسلمانان بسوی خانه اهل خویش هرگز و آراسته شد این ظن در دل شما و ظن کردید بظن بد
و گشتید قومی هلاک شده ومن لم یؤمن بالله ورسوله فانا اعتدنا للکافرین سعیرا
و هر که ایمان نیارد بخدا و پیغامبر او پس برانیه ما اماده کردیم برای این کافران آتش را ولله ملک السموات
والارض یغفر لمن یشاء ویعذب من یشاء وکان الله غفورا رحیما ● و خدای راست
پادشاهی آسمانها و زمین می آمرزد هر کرا خواهد و عذاب میکند هر کرا خواهد و هست خدای آمرزگار مهربان
سیقول المخلفون اذا انطلقتم الی مغانم لتاخذوها ذرونا نتبعکم یریدون
ان یبدلوا کلام الله قل لن تتبعونا کذلکم قال الله من قبل فسیقولون بل

تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا • خواهند گفت با تو پس گذاشتگان هرگاه که روانه
شوید بسوی غنیمتها یعنی غنیمتهای خیبر تا بدست آرید آنرا بگذارید ما را تا از پی شما رویم میخواهند که تغییر
کنند وعدهٔ خدا را بگو پسروی ما نخواهید کرد همچنین فرموده است خدای پیش ازین پس خواهند گفت نی
بلکه حسد میکنید با ما بلکه هستند فهم نمیکردند مگر اندکی قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ إِلَىٰ
قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا
وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا • بگو یا محمد پس گذاشتگان را از اعراب
که شما خوانده خواهید شد بسوی کارزار قومی خداوند کارزار سخت یعنی فارس و روم و این معنی در زمان حضرت
ابوبکر و حضرت عمر رضی الله عنهما متحقق شد والله اعلم که جنگ کنید با ایشان تا آنکه مسلمان شوند تا اگر فرمان برداری
کنید بدهد خدا شما را مزد نیک و اگر روگردان شوید چنانکه روی گردان شده بود پیش ازین عقوبت کند شما را
جزای عقوبت درد دهنده لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ
حَرَجٌ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ
عَذَابًا أَلِيمًا • نیست بر نابینا گناهی و نه بر لنگ گناهی و نه بر بیمار گناهی یعنی در تخلف در مثل این سفر
والله اعلم و هرکه فرمان برد خدا را و رسول او را در آردش بوستانها میرود در زیر آن جویها و اگر روی گردان
شود عقوبت کندش بعقوبت درد دهنده لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ
الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا وَمَغَانِمَ
كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا • هر آینه خوشنود شد خدا از مسلمانان وقتیکه بیعت میکردند
با تو زیر درخت پس دانست آنچه در دل ایشان است پس فرود آورد اطمینان دل بر ایشان و ثواب داد ایشان را
فتحی نزدیک و غنیمتهای بسیار که بدست آرند آنرا یعنی غنایم خیبر هست خدا غالب با حکمت وَعَدَكُمُ
اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَٰذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ
آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا • وعده داده است خدای غنیمتهای بسیار که بدست
آرید آنها را پس زود عطا کرد این غنیمتها یعنی غنایم خیبر و باز داشت دست مردمان را از شما یعنی در حدیبیه تا باشد

نشانه

انیمقدمه نشانه مسلمانان را و تا نماید شما را خدا راه راست یعنی کفار قریش جمع شدند که آن حضرت صلی الله
علیه وسلم را تشویشی رسانند خدا تعالی دست ایشان را از قتال باز داشت و مهم بصلح انجامید و
اخری لم تقدروا علیها قد احاط الله بها وکان الله علی کل شیء قدیرا ۝ وعده داد
خدا غنیمتهای دیگر نیز که هنوز دست نیافته اید بر آن و دانسته است خدای آنرا و هست خدا بر همه چیز توانا
یعنی غنایم فارس و روم ولو قاتلکم الذین کفروا لولوا الادبار ثم لا یجدون ولیا ولا نصیرا ۝
و اگر جنگ میکردند با شما کافران البته سوی شما میگردانیدند پشت را باز نمی یافتند کارسازی و نه نصرت دهنده
سنة الله التی قد خلت من قبل ولن تجد لسنة الله تبدیلا ۝ مانند آیین خدا که گذشته
است پیش ازین و نخواهی یافت آیین خدا را تبدیلی وهو الذی کف ایدیهم عنکم وایدیکم عنهم
ببطن مکة من بعد ان اظفرکم علیهم وکان الله بما تعملون بصیرا ۝ و اوست آنکه باز داشت
دست کافران را از شما و دست شما را از کافران در میان مکه بعد ازانکه فیروز ساخت شما را بر ایشان و هست
خدا بانچه میکنید بینا تعریض است بآن قصه که بعد انعقاد صلح هشتاد کس از اوباش قریش خواستند که بیخبر صحابه
تاخت آرند صحابه همه را اسیر کرده پیش آنحضرت آوردند و آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم عفو فرمود والله اعلم
هم الذین کفروا وصدوکم عن المسجد الحرام والهدی معکوفا ان یبلغ محله ولولا
رجال مؤمنون ونساء مؤمنات لم تعلموهم ان تطؤهم فتصیبکم منهم معرة بغیر
علم لیدخل الله فی رحمته من یشاء لو تزیلوا لعذبنا الذین کفروا منهم عذابا الیما ۝
این کفار قریش آنانند که کافر شدند و باز داشتند شما را از مسجد حرام و باز داشتند قربانی را موقوف داشته
ازانکه برسد بجای خود و اگر نبودندی مردان مسلمان و زنان مسلمان که نمیدانستند ایشان را اگر نبودی خوف
آنکه پی سپر کنید ایشان را پس میرسید بشما از ایشان گناهی بغیر دانست یعنی تصدیق رؤیا بالفعل متحقق شدی
و فتح عاجلا میگشتی والله اعلم فتح را مؤخر کرد خدا تا در آرد هر کرا خواهد برحمت خود اگر ازهم جدا می بودند این گروه
فرالبته عقوبت میکردیم کافران را عقوبت درد دهنده اذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیة
حمیة الجاهلیة فانزل الله سکینته علی رسوله وعلی المؤمنین والزمهم کلمة التقوی

وكانوا احق بها واهلها وكان الله بكل شيء عليما • آنگاه که مصمم کردند کافران در دل خویش غیرت را
از جنس غیرت جاهلیت پس فرود آورد خدا اطمینان خود را بر پیغامبر خود و بر مسلمانان و ثابت کرد برایشان
سخن پرهیزکاری و بودند سزاوار بآن و اهل آن و هست خدا بهمه چیز دانا یعنی جماعتی از مسلمانان این صلح را کاره
بودند آخر الامر خدا تعالی اطمینان را بدل ایشان انداخت تا بر رضای آنحضرت رضا دادند والله اعلم لقد صدق
الله رسوله الرؤيا بالحق لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله امنين محلقين رءوسكم
ومقصرين لا تخافون فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلك فتحا قريبا • براینه راست
نمود خدا تعالی پیغامبر خود را خواب مطابق واقع باین مضمون که البته داخل خواهید شد بمسجد حرام اگر خدا خواسته
است ایمن شده تراشیده موی سر خود را و بمقراض گرفته ترسان نشده پس دانست آنچه ندانستید شما پس مقرر
کرد پیش ازین فتحی نزدیک هو الذي ارسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين
كله وكفى بالله شهيدا • اوست آنکه فرستاد پیغامبر خود را بهدایت و دین راست تا غالب کند آن را بر دینها
همه آن و بس است خدا اظهار حق کننده محمد رسول الله والذين معه اشداء على الكفار
رحماء بينهم تريهم ركعا سجدا يبتغون فضلا من الله ورضوانا سيماهم في
وجوههم من اثر السجود ذلك مثلهم في التورية ومثلهم في الانجيل كزرع
اخرج شطئه فازره فاستغلظ فاستوى على سوقه يعجب الزراع ليغيظ
بهم الكفار وعد الله الذين امنوا وعملوا الصلحت منهم مغفرة واجرا عظيما •
محمد صلی الله علیه وسلم پیغامبر خداست و آنانکه همراه اویند سخت اند بر کافران مهربان اند در میان خود می
بینی ایشان را رکوع کننده و سجده نماینده می طلبند فضل را از خدای و خوشنودی را نشانه صلاح ایشان
در روی ایشان است از اثر سجده آنچه مذکور شود داستان ایشان است در توریه و داستان ایشان است
در انجیل مانند زراعتی که بر آورد گیاه سبز خود را پس قوی کرد آن را پس سطبر شد پس استاد بر ساقهای خود شگفت
می برد زراعت کنندگان را حاصل مثل آنست که اسلام در اول حال ضعیف بود و مسلمانان کم بودند رفته
رفته غالب و بسیار شدند والله اعلم عاقبت حال غلبه اسلام آنست که بخشم آرد خدا تعالی بسبب ایشان

کافران

کافران را وعده داده است خدای آنان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند از ایشان آمرزش
و مزد بزرگ

سورة الحجرات

بسم الله الرحمن الرحیم

مترجم گوید خدا تعالی این سوره را برای تعلیم آداب فرود آورد که از حضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم در امر و نهی
پیش دستی نکنند و با آن حضرت آواز بلند خطاب نکنند و اگر فاسق خبری گوید بغیر تفتیش حال امضای عزیمت
ننمایند و در صورتیکه میان ایشان خانه جنگی واقع شود اصلاح آن بچه قسم کنند و از استهزا با یکدیگر و لقب
بد نهادن و عیب کردن و ظن بد مقرر کردن و بعلو نسب بر دیگران فخر کردن منع کرد و ضعیف الایمان را
بر ضعف ایمان تنبیه فرمود والله اعلم یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ • ای مسلمانان پیش دستی مکنید و بروی خدا و رسول او و بترسید
از خدای هر آینه خدا شنوا دانا است یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ
له
النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ •
ای مسلمانان بلند مکنید آوازهای خود را بالای آواز پیغمبر و بلند مگوئید با او سخن را مانند بلند گفتن بعضی
برای احتراز از آنکه نابود شود عمل شما و شما خبر دار نباشید إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ
رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ
هر آینه آنانکه پست میکنند آواز خود را نزدیک پیغامبر خدا ایشان اند که آزموده است خدای دل ایشان را
برای ظهور تقوی ایشان را است آمرزش بسیار و مزد بزرگ إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ
أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ • هر آینه آنانکه آواز میدهند ترا از پس حجرها اکثر ایشان فهم نمیکنند وَلَوْ
لهم
أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ • و اگر ایشان صبر
کردندی تا که بیرون آئی بسوی ایشان بهتر بودی ایشان را و خدای آمرزگار مهربان است مترجم گوید این تعریض
است بحال قومی از بنی تمیم که بجهت مهمی پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمدند و چون در مسجد نیافتند
و نمیدانستند در کدام حجره تشریف دارند نزدیک حجرها آواز بلند ندا کردن شروع کردند والله اعلم یَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا

علی ما فعلتم نادمین • ای مسلمانان اگر بیارد پیش شما فاسق خبری را پس تفحص کنید برای
احتراز از آنکه ضرر رسانید قومی را بنادانی پس پشیمان شوید بر آنچه عمل کردید واعلموا ان فیکم رسول
الله لو یطیعکم فی کثیر من الامر لعنتم ولکن الله حبب الیکم الایمان وزینه
فی قلوبکم وکره الیکم الکفر والفسوق والعصیان اولئک هم الراشدون فضلا
من الله ونعمة والله علیم حکیم • و بدانید که در میان رسول خداست اگر فرمان برد شما را در بسیاری
از کارها هر آینه برنج در افتید و لیکن خدای دوست کرداینده نزدیک شما ایمان را و آراسته کرد آن را در دلهای
شما و ناخوش کردانید پیش شما کفر را و فسق و نافرمانی را این جماعة ایشانند راه یافتگان باحسان نزدیک
خدا و نعمت خدا و دانا با حکمت است وان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما
فان بغت احدیهما علی الاخری فقاتلوا التی تبغی حتی تفیء الی امر الله
فان فاءت فاصلحوا بینهما بالعدل واقسطوا ان الله یحب المقسطین • واگر
دو گروه از مسلمانان بایکدیگر جنگ کنند پس صلح کنید میان ایشان پس اگر تعدی کرد یکی از این دو بر دیگری
پس جنگ بکنید با آن گروه که تعدی میکنند تا آنکه رجوع کنند بسوی حکم خدا پس اگر رجوع کرد صلح کنید با
ایشان بانصاف و داد دهید هر آینه خدا دوست میدارد داد دهندگان را انما المؤمنون اخوة
فاصلحوا بین اخویکم واتقوا الله لعلکم ترحمون • جز این نیست که مسلمانان برادران
یکدیگر اند پس صلح کنید میان دو برادر خویش و از خدا تا بر شما رحم کرده شود یا ایها الذین امنوا
لا یسخر قوم عسی ان یکونوا خیرا منهن ولا تلمزوا انفسکم ولا تنابزوا
بالالقاب بئس الاسم الفسوق بعد الایمان ومن لم یتب فاولئک هم
الظالمون • ای مسلمانان تمسخر نکنید گروهی با گروهی احتمال است که آن گروه بهتر باشند از ایشان و
وعیب نکنید در میان خویش و یکدیگر را بلقبهای بد مخوانید بدنامی است فاسقی بعد از ایمان آوردن و هر که
توبه نکرد پس آن جماعة ایشانند ستمکاران یعنی بگناهی که در جاهلیت کرده باشند بعد از اسلام نشان نکنند
نباید ساخت یا ایها الذین امنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن

من قوم منهم ولا نساء من نساء
عسی ان یکن خیرا

اثم

اثم ولا تجسسوا ولا یغتب بعضکم بعضا ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا
فکرهتموه واتقوا الله ان الله تواب الرحیم ۞ ای مسلمانان احتراز کنید از بسیاری گمان
بد هر اینه بعض بدگمانی گناه است و جاسوسی مکنید بعض شما بعض را آیا دوست میدارد کسی از شما که بخورد گوشت
برادر خود که مرده باشد پس متنفر شوید از وی و بترسید از خدا هر اینه خدا توبه پذیرنده و مهربان است
یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر وانثی وجعلنکم شعوبا وقبائل لتعارفوا
ان اکرمکم عند الله اتقکم ان الله علیم خبیر ۞ ای مردمان هر اینه آفریدیم شما را از یک
مرد و یک زن ساختیم شما را جماعتها و قبیلها تا با یکدیگر شناسا شوید هر اینه گرامی ترین شما نزدیک
خدا پرهیزکارترین شما است و خدا دانا خبردار است قالت الاعراب امنا قل لم تؤمنوا ولکن
قولوا اسلمنا ولما یدخل الایمان فی قلوبکم وان تطیعوا الله ورسوله لا یلتکم من
اعمالکم شیئا ان الله غفور رحیم ۞ گفتند اعراب ایمان آوردیم بگو ایمان بحقیقت نیاوردید
ولکن بگوئید منقاد شدیم و هنوز در نیامده است ایمان بدلهای شما و اگر فرمان برداری خدا و رسول او
بکنید کم نکند شما را از جزای اعمال شما چیزی هر اینه خدا آمرزنده مهربان است انما المؤمنون الذین
امنوا بالله ورسوله ثم لم یرتابوا وجاهدوا باموالهم وانفسهم فی سبیل الله
اولئک هم الصادقون ۞ بجز این نیست که مومنان بحقیقت آنان اند که ایمان آوردند بخدا
٣ ١ و پیغامبر او و باز شبه نکردند و جهاد نمودند باموال خود و جان خود در راه خدای آنجماعت ایشانند راست گویان قل
الله اتعلمون بدینکم والله یعلم ما فی السموات وما فی الارض والله بکل شیء علیم
٢ بگو آیا خبردار میکنید خدا را بدین خود و خدا میداند آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین و خدا بهر چیز دانا است
علی یمنون علیک ان اسلموا قل لا تمنوا علی اسلامکم بل الله یمن علیکم ان هداکم
للایمان ان کنتم صادقین ۞ منت مینهد بر تو بانکه مسلمان شده اند بگو منت منهید بر اسلام خود بلکه خدا
منت می نهد بر شما بانکه هدایت کرد شما را بایمان اگر راست گویید ان الله یعلم غیب السموات
والارض والله بصیر بما تعملون ۞ هر اینه میداند خدا پنهان آسمانها و زمین و خدا بیناست بانچه

مکیه سورة ق بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
قٓ وَالْقُرْاٰنِ الْمَجِیْدِ • قسم بقران با بزرگی که تو پیغامبر خدای • بَلْ عَجِبُوْٓا اَنْ جَآءَهُمْ مُّنْذِرٌ
مِّنْهُمْ فَقَالَ الْکٰفِرُوْنَ هٰذَا شَیْءٌ عَجِیْبٌ • بلکه تعجب کردند کافران از آنکه آمد بدیشان ترساننده
از قوم ایشان پس گفتند آن کافران این چه چیزیست عجیب • ءَاِذَا مِتْنَا وَکُنَّا تُرَابًا ذٰلِکَ رَجْعٌ
بَعِیْدٌ • آیا چون بمیریم و خاک شویم این باز گردانیدن است دور از عقل • قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْاَرْضُ
مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا کِتٰبٌ حَفِیْظٌ • هر آینه دانسته ایم آنچه کم میکند زمین از ایشان یعنی آنچه میخورد از جثه
ایشان و نزدیک ما کتابی است نگاه دارنده یعنی لوح محفوظ • بَلْ کَذَّبُوْا بِالْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ فَهُمْ
فِیْٓ اَمْرٍ مَّرِیْجٍ • نی بلکه بدروغ نسبت کردند سخن راست را وقتیکه بیامد بدیشان پس ایشان در کاری شوریده اند
اَفَلَمْ یَنْظُرُوْٓا اِلَی السَّمَآءِ فَوْقَهُمْ کَیْفَ بَنَیْنٰهَا وَزَیَّنّٰهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوْجٍ • آیا ندیده اند
بسوی آسمان بالای خود چگونه بنا کرده ایم آن را و آراسته ایم آن را و نیست دران هیچ شگافی • وَالْاَرْضَ
مَدَدْنٰهَا وَاَلْقَیْنَا فِیْهَا رَوَاسِیَ وَاَنْبَتْنَا فِیْهَا مِنْ کُلِّ زَوْجٍ بَهِیْجٍ • و زمین را گسترده ایم
و افگندیم دران کوهها و رویانیدیم دران از هر نوع خوش آینده • تَبْصِرَةً وَّذِکْرٰی لِکُلِّ عَبْدٍ
مُّنِیْبٍ • برای راه نمودن و پند دادن هر بنده رجوع کننده را • وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءً مُّبٰرَکًا
فَاَنْبَتْنَا بِهٖ جَنّٰتٍ وَّحَبَّ الْحَصِیْدِ • و فرو آوردیم از آسمان آب با برکت پس رویانیدیم بسبب
آن بوستانها و دانه که درو میکنند آن را • وَالنَّخْلَ بٰسِقٰتٍ لَّهَا طَلْعٌ نَّضِیْدٌ • و درختان خرما را بلند
بالا بر آمده و آن را میوه است تو بر تو • رِزْقًا لِّلْعِبَادِ وَاَحْیَیْنَا بِهٖ بَلْدَةً مَّیْتًا کَذٰلِکَ الْخُرُوْجُ
روزی برای بندگان و زنده ساختیم بآن شهر مرده را همچنین باشد بر آمدن از گور • کَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ
قَوْمُ نُوْحٍ وَّاَصْحٰبُ الرَّسِّ وَثَمُوْدُ • بدروغ نسبت کردند پیش از ایشان قوم نوح و اهل رس و ثمود
وَعَادٌ وَّفِرْعَوْنُ وَاِخْوَانُ لُوْطٍ • و عاد و فرعون و برادران لوط • وَّاَصْحٰبُ الْاَیْکَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ
کُلٌّ کَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِیْدِ • و اهل ایکه و قوم تبع هر یکی بدروغ نسبت کردند پیغامبران را پس
ثابت شد وعده عذاب من • اَفَعَیِیْنَا بِالْخَلْقِ الْاَوَّلِ بَلْ هُمْ فِیْ لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِیْدٍ • آیا عاجز شده

بِالْخَلْقِ

بودیم ورا آفرینش نخستین بلکه ایشان در شبه اند از آفرینش نو ولقد خلقنا الانسان ونعلم ما
توسوس به نفسه ونحن اقرب الیه من حبل الورید • هر اینه آفریدیم آدمی را
ومیدانیم خبر یکه بخاطر میگذرد از نفس وما نزدیکتریم بآدمی از رگ جان • اذ یتلقی المتلقیان عن
الیمین وعن الشمال قعید • آنگاه یاد میگیرند یادگیرنده و به پهلوی راست نشیننده و به پهلوی
چپ نشیننده یعنی کرام الکاتبین • ما یلفظ من قول الا لدیه رقیب عتید • بزبان نمی آرد
آدمی سخن مگر نزدیک او نگهبانی است ومهیا یعنی اگر کلمه حق باشد فرشته دست راست می نویسد
واگر کلمه باطل باشد فرشته دست چپ می نویسد والله اعلم • وجاءت سکرة الموت بالحق
ذلک ما کنت منه تحید • وبیاید سختی موت براستی اینست آنچه از ان کناره میکردی • ونفخ
فی الصور ذلک یوم الوعید • ودمیده شود در صور اینست روز وعده عذاب • وجاءت
کل نفس معها سائق وشهید • وبیاید هر شخصی همراه او روان کننده هست وگواهی دهنده
لقد کنت فی غفلة من هذا فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید •
گوئیم هر اینه بودی در بیخبری ازین مقدمه پس برداشتیم از تو پرده ترا پس چشم تو امروز تیز بین
است • وقال قرینه هذا ما لدی عتید • وگفت فرشته همنشین او هست آنکه نزدیک
من بود حاضر کرده شده است • القیا فی جهنم کل کفار عنید • گوئیم بیفکنید ای دو فرشته
در دوزخ هر ناسپاس سرکش را مترجم گوید عادت پادشاهانست که اسیر را پیش ایشان دو کس گرفته
می آرند ازین جهت دو فرشته را خطاب میشود • مناع للخیر معتد مریب • الذی جعل
مع الله الها آخر فالقیاه فی العذاب الشدید • هر امساک کننده مال را در گذرنده از حد
هر شک آرنده را آنکه مقرر کرد با خدا معبودی دیگر پس بیفکنید این هر یک را در عذاب سخت • قال
قرینه ربنا ما اطغیته ولکن کان فی ضلال بعید • گفت همنشین او یعنی از شیاطین
الانس و یا جن ای پروردگار ما من گمراه نکردم این شخص را ولیکن وی بود در گمراهی دور • قال لا تختصموا
لدی وقد قدمت الیکم بالوعید • فرمود خصومت مکنید نزدیک من و پیش ازین فرستادم

بودیم بسوی شما وعدهٔ عذاب. مَا یُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَیَّ وَمَا اَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِیْدِ • تغیر داده نمیشود
وعده نزدیک من و نیستم من ستم کننده بر بندگان. یَوْمَ نَقُوْلُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُوْلُ
هَلْ مِنْ مَزِیْدٍ • روزیکه گوئیم دوزخ را آیا پر شدی و دوزخ گوید آیا هیچ زیاده ازین هست یعنی
هر چند در و انداختند زیاده طلب کند والله اعلم. وَاُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِیْنَ غَیْرَ بَعِیْدٍ • و نزدیک
گردانیده شود بهشت برای متقیان نه دور مانده. هٰذَا مَا تُوْعَدُوْنَ لِکُلِّ اَوَّابٍ حَفِیْظٍ
گوئیم اینست آنچه وعده داده میشد شما را نزدیک کرده شده برای هر رجوع کننده او بنگاه دارنده. مَنْ
خَشِیَ الرَّحْمٰنَ بِالْغَیْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُّنِیْبٍ • برای هر کسیکه ترسید از خدا نادیده و پیش آمد بدل
متوجه. اُدْخُلُوْهَا بِسَلَامٍ ذٰلِکَ یَوْمُ الْخُلُوْدِ • گوئیم داخل شوید در بهشت همراه سلامتی این است
روز همیشه باشیدن. لَهُمْ مَا یَشَاءُوْنَ فِیْهَا وَلَدَیْنَا مَزِیْدٌ • ایشانراست آنچه خواهند بهشت و
نزدیک ما زیاده است ازان. وَکَمْ اَهْلَکْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هُمْ اَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوْا
فِی الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَّحِیْصٍ • و بسیار هلاک کردیم پیش ازین امتها که قوی تر بودند ازین جماعه
در دست درازی پس تفحص کردند در شهرها که هیچ گریزگاهی هست. اِنَّ فِیْ ذٰلِکَ لَذِکْرٰی لِمَنْ
کَانَ لَهٗ قَلْبٌ اَوْ اَلْقَی السَّمْعَ وَهُوَ شَهِیْدٌ • هر آینه درین مقدمه پند است کسی راست که دل او دارد
و یا گوش نهد متوجه شده. وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَیْنَهُمَا فِیْ سِتَّةِ اَیَّامٍ
وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُّغُوْبٍ • هر آینه آفریدیم آسمانها و زمین و آنچه در میان هر دو هست در شش روز
و نرسید بما هیچ ماندگی. فَاصْبِرْ عَلٰی مَا یَقُوْلُوْنَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ قَبْلَ طُلُوْعِ الشَّمْسِ
وَقَبْلَ الْغُرُوْبِ • پس صبر کن بر آنچه میگویند و بپاکی یاد کن همراه ستایش پروردگار خود پیش از
برآمدن آفتاب و پیش از غروب شدن. وَمِنَ اللَّیْلِ فَسَبِّحْهُ وَاَدْبَارَ السُّجُوْدِ • و در بعض
اوقات شب بپاکی یاد کن خدا را و عقب نماز نیز. وَاسْتَمِعْ یَوْمَ یُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّکَانٍ
قَرِیْبٍ • و بشنو این قصه روزیکه آواز دهد آواز دهنده از جای نزدیک و این تصویر است آن را که
همه را استماع ندا مساوی باشد. یَوْمَ یَسْمَعُوْنَ الصَّیْحَةَ بِالْحَقِّ ذٰلِکَ یَوْمُ الْخُرُوْجِ •

روزیکه

روزیکه بشنوند نعره تند را بحق فرود آنروز روز برآمدن ایشان است إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ

وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ • هرآینه ما زنده می کنیم و می میرانیم بسوی ماست بازگشت يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ

سِرَاعًا ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ • روزیکه بشکافد زمین از سر ایشان بیرون آیند شتابان این

برانگیختن است آسان بر ما نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ

مَن يَخَافُ وَعِيدِ • ما دانایم آنچه میگویند و نیستی تو بر ایشان قهر کننده پس پند بده بقرآن هر کرا

می ترسد از وعده عذاب من

سورة الذاريات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَالذَّارِيَاتِ ذَرْوًا • قسم بباد های پراکنده کننده خاک و جز آن را پراکنده کردنی فَالْحَامِلَاتِ

وِقْرًا • پس قسم بابرهای بردارنده بار آب فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا • پس قسم بکشتیها روان شوند بسهولت

فَالْمُقَسِّمَاتِ أَمْرًا • پس قسم بفرشتگان تقسیم کننده کار یعنی ارزاق و باران را إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ

هرآینه وعده کرده می شوید راست است وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ • و هرآینه جزای اعمال بودنی است وَالسَّمَاءِ

ذَاتِ الْحُبُكِ • قسم بآسمان خداوند راهها یعنی صورتها و مختلف دارد و مانند شکل شیر و شکل بره و شکل

عقرب والله اعلم إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ • هرآینه شما در سخنی باهم اختلاف دارنده هستید

يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ • بازگردانیده میشود از قرآن هر که در علم الهی از خیر مصروف است قُتِلَ

الْخَرَّاصُونَ • لعنت کرده شد دروغ گویان را الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ • آنانکه در بیخبری فراموش

کننده اند يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ • می پرسند که کی خواهد بود روز جزا يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ

يُفْتَنُونَ • آری آنروز که ایشان را در آتش عذاب کرده شود ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَٰذَا الَّذِي كُنتُم بِهِ

تَسْتَعْجِلُونَ • گویند بچشید این عقوبت خود را این است آنچه آنرا شتاب طلب میکردید إِنَّ الْمُتَّقِينَ

فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ • هرآینه متقیان در بوستانها و چشمها باشند آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُحْسِنِينَ • بدست آرنده آنچه داد ایشانرا پروردگار ایشان هرآینه

ایشان بودند پیش ازین نیکوکار كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ • بودند باین صفت

که اندکی از شب خواب کردندی وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ • و بوقت سحر ایشان طلب آمرزش

میکردندی وفی اموالهم حق للسائل والمحروم • ودر اموال ایشان حصه مقرر بود برای سوال
کننده و برای تنگدست کم سوال وفی الارض ایت للموقنین • ودر زمین نشانهاست یقین
کنندگان را وفی انفسکم افلا تبصرون • ودر ذات شما نشانهاست ایا نمی نگرید وفی السماء
رزقکم وما توعدون • ودر آسمانهاست رزق شما وانچه وعده داده میشد شمارا یعنی
پیش از وجود خارجی در عالم ملکوت رزق وعقوبت در امثال آن متصور می شود والله اعلم فورب
السماء والارض انه لحق مثل ما انکم تنطقون • پس قسم به پروردگار آسمان وزمین
هر اینه این خبر راست است مانند انکه شما سخن میگوئید یعنی چنانچه در گفتن خود یقین میدارید
که ما البته میگوئیم همچنین این خبر یقین باید آورد والله اعلم هل اتک حدیث ضیف ابرهیم
المکرمین • ایا امده است پیش تو خبر مهمان گرامی ابراهیم اذ دخلوا علیه فقالوا سلما قال
سلام قوم منکرون • چون در آمدند بر ابراهیم پس سلام گفتند جواب سلام داده و بدل گفت گروهی
هستند ناشناخته فراغ الی اهله فجاء بعجل سمین • پس متوجه شد بسوی اهل خانه خود پس آورد
کباب گوساله فربه فقربه الیهم قال الا تاکلون • پس نزدیک ساخت آنرا با ایشان ای نمیخورید
فاوجس منهم خیفة قالوا لا تخف وبشروه بغلام علیم • پس چون نخوردند در خاطر خود
یافت از ایشان ترسی گفتند مترس وبشارت دادندش بفرزندی دانا فاقبلت امراته فی صرة
فصکت وجهها وقالت عجوز عقیم • پس پیش آمد زن ابراهیم باوازی وطپانچه زد بروی
خود را یعنی بتعجب گفت ایا بزاید زنی زاینده قالوا کذلک قال ربک انه هو الحکیم العلیم
فرشتگان گفتند همچنین فرمود پروردگار تو هر اینه اوست باحکمت دانا قال فما خطبکم ایها
المرسلون ابراهیم گفت پس چیست مقصد شما ای فرستادگان قالوا انا ارسلنا الی قوم
مجرمین • گفتند هر اینه ما فرستاده شدیم بسوی گروهی گناهکاران لنرسل علیهم حجارة من طین
تا بفرستیم بر سر ایشان سنگ واری از گل مسومة عند ربک للمسرفین • که نشانمند کرده شده
است نزدیک پروردگار تو برای آنانکه از حد بیرون شده اند فاخرجنا من کان فیها من

المؤمنين • پس برآوردیم هرکرا بود دران دیه از مومنان فما وجدنا فيها غير بيت من المسلمين
پس نیافتیم آنجا غیر یک خانه از مسلمانان یعنی خانهٔ حضرت لوط وتركنا فيها اية للذين يخافون
العذاب الاليم • وگذاشتیم دران دیه نشانه برای آنانکه می ترسند از عذاب درددهنده یعنی آثار
آن سنگ باران موجود است والله اعلم وفي موسى اذ ارسلناه الى فرعون بسلطان
مبين • و در قصهٔ موسی نشانه است چون فرستادیمش بسوی فرعون بدلیل واضح فتولى بركنه وقال
ساحر او مجنون • پس روی گردان شد بقوت خود یعنی لشکر خود و گفت جادوگری است یا دیوانه فاخذناه
وجنوده فنبذناهم في اليم وهو مليم • پس گرفتیم او را و لشکر او را پس افکندیم ایشان را
در دریا و او کننده بود کاری که موجب ملامت باشد وفي عاد اذ ارسلنا عليهم الريح العقيم
و در قصهٔ عاد نشانه است چون فرستادیم برایشان بادی بی منفعت ما تذر من شيء اتت عليه
الا جعلته كالرميم • نگذارد هیچ چیز را که برسد بوی مگر سازد آن را مانند استخوان بوسیده وفي
ثمود اذ قيل لهم تمتعوا حتى حين • و در قصهٔ ثمود نشانه است چون گفته شد ایشان را
بهره مند باشید تا مدتی فعتوا عن امر ربهم فاخذتهم الصاعقة وهم ينظرون • پس سر
کشیدند از فرمان پروردگار خویش پس درگرفت ایشان را نعره تند و ایشان میدیدند فما استطاعوا
من قيام وما كانوا منتصرين • پس نتوانستند برخاستن و نبودند انتقام کننده وقوم نوح
من قبل انهم كانوا قوما فاسقين • و هلاک ساختیم قوم نوح را پیش ازین هر آینه بودند
ایشان گروهی بدکار والسماء بنيناها بايد وانا لموسعون • و آسمان بنا کردیم بقوت و هر آینه
ما توانائیم والارض فرشناها فنعم الماهدون • و زمین را گسترانیدیم پس نیکو گسترانیده
ایم ومن كل شيء خلقنا زوجين لعلكم تذكرون • و از هر چیزی آفریدیم دو قسم تا شما پند
پذیر شوید یعنی اعلی و ادنی ففروا الى الله اني لكم منه نذير مبين • پیغامبر گوید بگریزید
بسوی خدا هر آینه من برای شما از جانب او ترساننده آشکارم ولا تجعلوا مع الله الها اخر
اني لكم منه نذير مبين • و مقرر مکنید با خدای معبودی دیگر را هر آینه من از جانب او ترساننده

كَذٰلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ۞ همچنین
نیامده است نزدیک آنانکه پیش از ایشان بودند هیچ پیغامبری مگر گفتند جادوگری است یا دیوانه
أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ۞ آیا یکدیگر وصیت کرده آمده اند بانکار بلکه ایشان گروهی گردنکش
اند فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ ۞ پس روی باز کش از ایشان پس نیستی تو ملامت کرده شده
وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ۞ و پند ده هر آینه پند دادن سود میدهد مومنانرا وَمَا
خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ۞ و نیافریدیم جن و انس را مگر برای آنکه بپرستند مرا مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ
مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ ۞ نمی خواهیم از ایشان رزق را و نمی خواهیم که مرا طعام دهند إِنَّ اللَّهَ
هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ۞ هر آینه خدا همو است رزق دهنده خداوند توانائی زورآور یعنی آدمیان
بنده بگیرند تا در اکل و شرب معاونت کنند بخلاف خلق والله اعلم فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذَنُوبًا
مِثْلَ ذَنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونِ ۞ پس هر آینه آنانرا که ستم کرده اند نصیبه است یعنی از
عقوبت مانند نصیبه یاران گذشته ایشان پس باید که شتاب نکنند از من فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا
مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ۞ پس وای کافرانرا از آن روز ایشان که وعده داده می شوند

سورة الطور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

وَالطُّورِ ۞ وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ قسم بکوه طور و قسم بکتاب نوشته شده فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ
در کاغذ گشاده یعنی توریت یا قرآن وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ۞ و قسم بخانه معمور آنکه در آسمان است
وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ ۞ و قسم بسقف برافراشته شده یعنی آسمان وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ۞ و قسم
بدریا پر کرده شده إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ۞ هر آینه عذاب پروردگار تو بودنی است مَا لَهُ مِنْ
دَافِعٍ ۞ نیست او را هیچ دفع کننده يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ۞ روزیکه جنبش کند آسمان
جنبش کردنی وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ۞ و روان شود کوهها روان شدنی فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ پس وای آن روز
دروغ شمارندگان الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ۞ آنانکه ایشان در بیهودگی بازی میکنند يَوْمَ يُدَعُّونَ
إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا ۞ روزیکه سخت رانده شوند بسوی آتش دوزخ راندنی هَٰذِهِ النَّارُ

التی

الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ • اینست آتشی که شما آنرا دروغ می شمردید أَفَسِحْرٌ هٰذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

آیا سحر است این یا شما در نمی نگرید اِصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا

تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ • در آئید باین آتش پس صبر کنید یا نکنید برابر است بر شما جز این نیست

که جزا داده خواهید شد بسبب آنچه میکردید إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ • هر آینه متقیان در بوستانها

و نعمتها باشند فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ • خوشحال

شده بسبب آنکه نعمت داد ایشانرا پروردگار ایشان و بسبب آنکه نگاه داشت ایشانرا از عذاب دوزخ

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ • بخورید و بنوشید گوارا بسبب آنچه میکردید

مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ • تکیه زده بر تختها برابر یکدیگر

گسترده و کدخدا کنیم ایشانرا بحوران کشاده چشم • وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ

بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ

بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ • آنانکه ایمان آوردند و پی ایشان رفتند اولاد ایشان در ایمان برسانیم بدیشان

اولاد ایشانرا و نقصان نکنیم ایشانرا جزای عمل ایشان چیزی هر مردی بآنچه عمل کرد در گرو باشد وَأَمْدَدْنَاهُمْ

بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ • و پی در پی عطا کنیم ایشانرا میوه و گوشتی از هر جنسی که طلب کنند

يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ • از دست یکدیگر میگیرند آنجا پیاله شراب

نه بیهوده گوی باشد در ان و نه بزه کاری وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ

و آمد و شد کنند حوالی ایشان نوجوانانی چند از ان ایشان گوئیا آن نوجوانان مروارید در پرده نهان اند

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ • در روی آورده بعض ایشان بر بعضی از یکدیگر سوال کنان

إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ • گفتند هر آینه ما پیش از ین در میان اهل خانه خود ترسناک بودیم

فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ • یعنی نعمت فراوان داد ما را خدای و نگاه داشت ما را

از عذاب باد گرم إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ • هر آینه پیش از ین عبادت

میکردیم او را هر آینه اوست احسان کننده مهربان فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا

مجنون • یا محمد بنده نیستی بفضل پروردگار خود کاهن و نه دیوانه ام یقولون شاعر نتربص
به ریب المنون • بلکه میگویند شاعر است انتظار میکشیم در حق او حوادث زمانه قل تربصوا
فانی معکم من المتربصین • بگو انتظار بکشید هر آینه من با شما از انتظار کنندگانم ام تامرهم
احلامهم بهذا ام هم قوم طاغون • آیا میفرماید بایشان عقیده عقلهای ایشان یا ایشان
گروهی سرکش اند ام یقولون تقوله بل لا یؤمنون • آیا میگویند که بربسته است قرآن را نی
بلکه ایمان نمی آرند فلیاتوا بحدیث مثله ان کانوا صادقین • پس باید که بیارند سخنی مانند
این اگر راست گوی هستید ام خلقوا من غیر شیء ام هم الخالقون • آیا ایشان آفریده شده
بغیر آفریننده یا خود ایشان آفریدگاراند ام خلقوا السموات والارض بل لا یومنون • آیا آفر
یدند آسمانها و زمین را بلکه ایشان باور نمی کنند ام عندهم خزائن ربک ام هم المصیطرون
آیا نزدیک ایشان خزانهای پروردگار تست یا ایشان چیره دست ام لهم سلم یستمعون فیه
فلیات مستمعهم بسلطن مبین • آیا ایشان را نردبانی است بران صعود کرده میشنوند
پس باید که بیارند شنونده ایشان دلیل ظاهر را ام له البنات ولکم البنون • آیا خدا را دختران
بود و شما را پسران ام تسألهم اجرا فهم من مغرم مثقلون • آیا سوال میکنی
از ایشان مزدی بر رسالت پس ایشان از غرامت گران بار شده اند ام عندهم الغیب
فهم یکتبون • آیا نزدیک ایشان علم غیب است پس ایشان می نویسند ام یریدون
کیدا فالذین کفروا هم المکیدون • آیا میخواهند بد اندیشی پس کافران ایشان اند در
طرز بد اندیشی گرفتار شده ام لهم اله غیر الله سبحن الله عما یشرکون • آیا
ایشانرا معبودی هست بجز خدای پاکی خدای راست از آنکه شریک مقرر میکنند وان یروا کسفا
من السماء ساقطا یقولوا سحاب مرکوم • اگر ببینند یکپاره را از آسمان افتاده گویند
این ابریست بر هم نشسته فذرهم حتی یلاقوا یومهم الذی فیه یصعقون
پس بگذار ایشانرا تا آنگه ملاقات کنند با آن روز که دران بیهوش کرده شوند یوم لا یغنی عنهم

کیدهم

كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنْصَرُوْنَ • روزیکه دفع نکند ازایشان مکر ایشان چیزی را و نه ایشان نصرت
داده شوند وَاِنَّ لِلَّذِيْنَ ظَلَمُوْا عَذَابًا دُوْنَ ذٰلِكَ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ • وهراینه
وهراینه ستمکاران را عذابی است غیر این ولیکن اکثر ایشان نمیدانند وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَاِنَّكَ
بِاَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِيْنَ تَقُوْمُ • وصبر کن بانتظار حکم پروردگار خود هراینه تو حضور
چشمهای ویای بپاکی یاد کن با ستایش پروردگار خود وقتیکه صبح برخیزی وَمِنَ الَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَاِدْبَارَ
النُّجُوْمِ • وبعضی اوقات شب بپاکی یاد کن خدا را وعقب غایب شدن ستاره‌ها نیز سورة النجم
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ وَالنَّجْمِ اِذَا هَوٰى • وقسم ستاره چون فرو رفته مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ
وَمَا غَوٰى • گمراه نشد این یار شما یعنی محمد صلی الله علیه وسلم وغلط نکرد راه را وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوٰى
وسخن نمیگوید از خواهش نفس اِنْ هُوَ اِلَّا وَحْيٌ يُّوْحٰى • نیست قران مگر وحی که بسوی او فرستاده می شود
عَلَّمَهٗ شَدِيْدُ الْقُوٰى • آموخته است او را فرشته بسیار قوت ذُوْ مِرَّةٍ فَاسْتَوٰى • صاحب حسن
پس راست استاد آن فرشته وَهُوَ بِالْاُفُقِ الْاَعْلٰى • واو بکناره بلند آسمان بود ثُمَّ دَنَا فَتَدَلّٰى
فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ اَوْ اَدْنٰى • پس نزدیک شد و فرود آمد پس رسید بمسافت دو کمان یا نزدیک تر
ازان فَاَوْحٰى اِلٰى عَبْدِهٖ مَا اَوْحٰى • پس پیغام رسانید بسوی بنده خدا آنچه رسانید مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ
مَا رَاٰى • دروغ داخل نکرد دل پیغامبر از آنچه معاینه کرد اَفَتُمٰرُوْنَهٗ عَلٰى مَا يَرٰى • آیا شما گفتگو میکنید
با پیغمبر در آنچه می بیند وَلَقَدْ رَاٰهُ نَزْلَةً اُخْرٰى • وهراینه دیده بود این فرشته را یکبار دیگر عِنْدَ سِدْرَةِ
الْمُنْتَهٰى عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَاْوٰى • نزدیک سدرة المنتهی نزدیک آن سدره است بهشت ارامگاه
اِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشٰى • فرشته را بدیدی که میپوشید سدره را آنچه می پوشید یعنی وقتیکه انوار
الهی از هر جانب سدره احاطه کرده این در شب معراج بود والله اعلم مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغٰى • کج رو
نکرد چشم پیغامبر واز مقصد تجاوز نمود لَقَدْ رَاٰى مِنْ اٰيٰتِ رَبِّهِ الْكُبْرٰى • هراینه معاینه کرد بعض
نشان پروردگار خود اَفَرَءَيْتُمُ اللّٰتَ وَالْعُزّٰى • آیا دیدید لات و عزی را وَمَنٰوةَ الثَّالِثَةَ الْاُخْرٰى
ومناة سیمین بقدر را اَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْاُنْثٰى • آیا شما را فرزند باشند وخدا را دختر تِلْكَ اِذًا قِسْمَةٌ

ضیزی • این قسمت انگاه قسمت بی انصاف باشد اِنْ هِیَ اِلَّا اَسْمَاءٌ سَمَّیْتُمُوْهَا اَنْتُمْ وَاٰبَاؤُكُمْ
مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ بِهَا مِنْ سُلْطٰنٍ اِنْ يَتَّبِعُوْنَ اِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْاَنْفُسُ وَلَقَدْ
جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدٰى • نیست این مگر نامهای چند که مقرر کرده اید آنرا شما و پدران شما
و فرود نیاورده است خدا برا ثبوت آن هیچ دلیلی پیروی نمی کنند مگر وهم فاسد را و جز بکه خواهش میکند
نفس و هر اینه آمده است ایشان را از پروردگار ایشان هدایت اَمْ لِلْاِنْسَانِ مَا تَمَنّٰى • آیا هست
آدمی را انچه آرزو میکند فَلِلّٰهِ الْاٰخِرَةُ وَالْاُوْلٰى • پس خدا یراست آن جهان و این جهان وَكَمْ
مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمٰوٰتِ لَا تُغْنِيْ شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا اِلَّا مِنْ بَعْدِ اَنْ يَاْذَنَ اللّٰهُ لِمَنْ
يَشَاءُ وَيَرْضٰى • و بسیار فرشته در آسمانها که نفع نمیکند شفاعت ایشان چیزی را مگر پس از انکه دستوری
دهد خدا و رضامند شود برای هر که خواهد اِنَّ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ لَيُسَمُّوْنَ الْمَلٰئِكَةَ
تَسْمِيَةَ الْاُنْثٰى • هر آینه آنانکه باور نمیدارند آخرت را مسمی میکنند فرشتگان را بنام دختران وَمَا
لَهُمْ بِهٖ مِنْ عِلْمٍ اِنْ يَتَّبِعُوْنَ اِلَّا الظَّنَّ وَاِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِيْ مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا • نیست ایشان را بثبوت
این مقصد هیچ دانش پیروی نمیکنند مگر وهم را هر اینه وهم نفع نمیدهد از شناختن حقیقت چیزی را
فَاَعْرِضْ عَنْ مَّنْ تَوَلّٰى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ اِلَّا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا • پس اعراض کن از کسیکه روی
گردان شد از یاد کردن ما و طلب نکرد مگر زندگانی این جهان را ذٰلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ اِنَّ رَبَّكَ
هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيْلِهٖ وَهُوَ اَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدٰى • این است نهایت ایشان
از برای دانش یعنی اینست نهایت علم ایشان هر اینه پروردگار تو دانا است بهر که غلط کرد راه خدا را
و او دانا است بهر که راه یافت وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِيْنَ اَسَاءُوْا وما فی
بِمَا عَمِلُوْا وَيَجْزِيَ الَّذِيْنَ اَحْسَنُوْا بِالْحُسْنٰى • و خدایراست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است
عاقبت کار جزا دهد آنانرا که بدکاری کردند بحسب انچه عمل مینمودند و جزا دهد آنانرا که نیکوکاری کردند بخصلت
نیک اَلَّذِيْنَ يَجْتَنِبُوْنَ كَبٰئِرَ الْاِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ اِلَّا اللَّمَمَ اِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ
هُوَ اَعْلَمُ بِكُمْ اِذْ اَنْشَاَكُمْ مِّنَ الْاَرْضِ وَاِذْ اَنْتُمْ اَجِنَّةٌ فِيْ بُطُوْنِ اُمَّهٰتِكُمْ فَلَا

تزکوا

تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى • انانکه پرهیزکاری میکنند از کبایر گناهان و بیحیاییها سوای
گناهان صغیره و هر اینه پروردگار تو بسیار آمرزش است اوست داناتر بحال شما وقتیکه پیدا کرد شما را
از زمین و وقتیکه شما بچه بودید در شکم مادران خویش پس ستایش مکنید خویشتن را خدا داناتر است
بکسی که پرهیزکاری کرد أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى • آیا دیدی کسی را که روی گردان شد وَأَعْطَى
قَلِيلًا وَأَكْدَى • و داد اندکی از مال و سخت دل شد أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَى • آیا
نزدیک اوست علم غیب پس او هر چیز را بچشم می بیند أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى
وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى • آیا خبر داده نشد بهیچه در صحیفهای موسی و ابراهیم وفادار بود
أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى • مضمونش انکه بر نخواهد داشت هیچ بردارنده بار گناه دیگری را
وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى • و انکه نرسد آدمی را مگر انچه عمل کرد وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى
و انکه سعی آدمی دیده خواهد شد ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى • باز داده خواهد شد بجای آن سعی
جزای تمام وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى • و انکه بسوی پروردگار تست بازگشت وَأَنَّهُ هُوَ
أَضْحَكَ وَأَبْكَى • و انکه او خندانید و گریانید وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا • و انکه او میرانید
و زنده کرد وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى • و انکه خدا آفرید دو قسم نر و ماده را
مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى • از نطفه چون ریخته شود در رحم وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَى • و انکه بر
خدا لازم است آن پیدا کردن دیگر وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَى وَأَقْنَى • و انکه او توانگر ساخت و سرمایه داد
وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشِّعْرَى • و انکه هم اوست آفریدگار ستاره شعری وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا
الْأُولَى • و انکه او هلاک ساخت عاد نخستین را وَثَمُودَ فَمَا أَبْقَى • و هلاک کرده ثمود را پس
هیچکس را باقی نگذاشت وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَى • و هلاک
کرد قوم نوح را پیش از پس هر اینه بودند ایشان ستمکارتر و از حد گذشته تر وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى
و شهرهای مؤتفکه را بر زمین افکند فَغَشَّاهَا مَا غَشَّى • پس بر روی پوشانید انچه می پوشانید یعنی سنگباران
کرد فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى • پس در کدام یک از نعمتهای پروردگار خود ای آدمی شبهه میکنی

هذا نذیر من النذر الاولی • این پیغمبر ترساننده است از جنس ترسانندگان پیشین
ازفت الازفة • نزدیک آمد قیامت لیس لها من دون الله کاشفة • نیست او را
سوای خدا هیچ ظاهر کننده افمن هذا الحدیث تعجبون • از این سخن تعجب میکنید
وتضحکون ولا تبکون • و خنده می نماید و نمی گریید وانتم سامدون • و شما بازی
کنندگان هستید فاسجدوا لله واعبدوا • پس سجده کنید خدا را و پرستش نمائید سجده ۱۲
بسم الله الرحمن الرحیم اقتربت الساعة وانشق القمر • نزدیک آمد قیامت و بشکافت ماه از بر
بآن قصه که کافران از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم معجزه طلب کردند خدای تعالی ماه را دو قطعه ساخت یکی بر کوه
ابوقبیس و دیگری بر کوه سعقان والله اعلم وان یروا آیة یعرضوا ویقولوا سحر مستمر
و اگر ببینند کافران نشانه اعراض کنند و گویند سحر است قوی وکذبوا واتبعوا اهواءهم وکل
امر مستقر • و دروغ شمردند و پیروی خواهش خود کردند و هر چیزی در وقت خود قرار گرفته است
ولقد جاءهم من الانباء ما فیه مزدجر • و هر آینه آمده است بدیشان از خبری آنچه در ان
پند است حکمة بالغة فما تغن النذر • دانش تمام پس فایده نمی دهد ترسانیدن فتول
عنهم یوم یدع الداع الی شیء نکر • پس اعراض کن از ایشان آن روز که بخواند خواننده بسوی چیزی
ناخوش خشعا ابصارهم یخرجون من الاجداث کانهم جراد منتشر • نیایش
ظاهر شده باشد بر چشم ایشان برآیند آنروز از قبور گوییا ایشان ملخ پراکنده اند مهطعین الی
الداع یقول الکافرون هذا یوم عسر • شتاب کنان بسوی آن خواننده گویند کافران این روزیست
دشوار کذبت قبلهم قوم نوح فکذبوا عبدنا وقالوا مجنون وازدجر • دروغ شمرد
پیش از ایشان قوم نوح پس دروغ داشتند بنده ما را و گفتند دیوانه است و با او سخن درشت گفته شد
فدعا ربه انی مغلوب فانتصر • پس دعا کرد بجناب پروردگار خود که من مغلوب شده ام پس
انتقام کش ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر • پس کشادیم درهای آسمان را باب بسیار ریزنده
وفجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر • و روان کردیم از زمین چشمها پس جمع شد

یوم

آب بر امر

آب از هر جانب بنا بر کاری که مقدر شده بود یعنی هلاک قوم وَحَمَلْنَاهُ عَلَىٰ ذَاتِ أَلْوَاحٍ وَدُسُرٍ
و سوار کردیم نوح را بر کشتی خداوند تختها و میخها تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِمَنْ كَانَ كُفِرَ • میرفت بحفظ
چشم ما بجهت انتقام آنکه باور نداشته بودند او را یعنی برای انتقام حضرت نوح وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً
فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ • و هر آینه گذاشتیم این عقوبت را نشانه پس آیا هیچ پندگیرنده است فَكَيْفَ
كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ • پس چگونه بود عقوبت من و ترسانیدنهای من وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ
لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ • و هر آینه آسان کردیم قرآن تا پندگیرند پس آیا هیچ پندپذیرنده است كَذَّبَتْ عَادٌ
فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ • دروغ شمردند قوم عاد پس چگونه بود عذاب من و ترسانیدنهای من
إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ • هر آینه ما فرستادیم بر ایشان بادی تند در
روز نحس دایم الشوم تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ • برمیکند مردمان را گویا ایشان تنههای
درختان خرما از بیخ برکنده اند فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ • پس چگونه بود عقوبت من و ترسانیدنهای
من وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ • هر آینه آسان کردیم قرآن را تا پندگیرند است پس
هیچ پندپذیرنده كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ • دروغ شمردند قوم ثمود ترسانندگان را فَقَالُوا أَبَشَرًا
مِنَّا وَاحِدًا نَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذًا لَفِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ • پس گفتند آیا یک آدمی را از قوم خود پس پیروی کنیم
هر آینه ما آنگاه در گمراهی و دیوانگی باشیم أَأُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ • آیا نازل
کرده شد بر وی وحی از میان ما نی بلکه او دروغگوی خودپسند است سَيَعْلَمُونَ غَدًا مَنِ الْكَذَّابُ
الْأَشِرُ خواهند دانست فردا کیست دروغگوی خودپسند إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ
وَاصْطَبِرْ • هر آینه ما خواهیم فرستاد ماده اشتر را بجهت آزمایش ایشان پس ای صالح منتظر باش
و صبر پیش گیر وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُحْتَضَرٌ • و خبردار کن ایشان را که
آب مقسوم است در میان ایشان بهر یک حصه از آب حاضر شود صاحبش فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَىٰ
فَعَقَرَ • پس آواز دادند یار خود را پس دست درازی کرد و مجروح ساخت فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ
پس چگونه بود عقوبت من و ترسانیدنهای من إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا

كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ • هر اينه ما فرستاديم بر ايشان يك نعره پس شدند مانند خظيره و درهم شكسته كه خظيره سازنده آنها
را بنا كرده باشند مترجم گويد خظيره احاطه است كه از شاخهاى خشك و خار براى گوسفند بنا كنند و آن بمرور زمان
پايمال مواشى ميگردد و خدا تعالى بآن پايمال شده تشبيه داده وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ • و هر اينه
آسان ساختيم قرآن را براى آنكه پند گيرند پس آيا هيچ پند گيرنده هست كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ • دروغ
شمردند قوم لوط ترسانندگان را إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ نِعْمَةً
من عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ • هر آينه ما فرستاديم بر ايشان باد سنگبار بجز اهل خانه لوط كه خلاص
ساختيم ايشان را وقت سحر بمهربانى از نزديك خويش همچنين جزا ميدهيم هر كرا شكرگذارى كرد وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ
بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ • و هر اينه لوط ترساننده بود ايشان را از عقوبت ما پس مكابره كردند در ان
ترسانيدنها وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ
هر آينه سخن گفتند تا غفلت دهند لوط را از حفظ مهمانان او پس محو كرديم چشم ايشان را گفتيم بچشيد عذاب
و ترسانيدنهاى مرا وَلَقَدْ صَبَّحَهُمْ بُكْرَةً عَذَابٌ مُسْتَقِرٌّ • و هر آينه غارت كرد ايشان را يك
بگاه عقوبتى جاى گيرنده فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ • پس گفتيم بچشيد عذاب مرا و ترسانيدنهاى مرا
وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ • و هر اينه آسان ساختيم قرآن را براى آنكه پند گيرند
پس آيا هيچ پند گيرنده است وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ • و هر اينه آمدند بگروه
فرعون ترسانندگان كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ • دروغ شمر
دند نشانهاى ما را همه آنرا پس دركرفتيم ايشان را مانند دركرفتن غالب قوى أَكُفَّارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أُولَئِكُمْ
أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ • آيا كافران شماى قريش بهتر اند ازين جماعتها آيا شما را حكم خلاصى است
در كتابهاى پيشين أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرٌ • آيا ميگويند ما جماعتى انتقام كشنده ايم سَيُهْزَمُ
الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ • شكست داده خواهد شد اين جماعه را و بگردانند ايشان پشت را بَلِ السَّاعَةُ
مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَى وَأَمَرُّ • بلكه قيامت وعده گاه ايشانست و قيامت سخت تر و تلخ تر
إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ • هر اينه گناهكاران در گمراهى و جهالت اند يَوْمَ يُسْحَبُونَ

فى

فِی النَّارِ عَلٰی وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ ۝ یاد کن روزی که کشیده شوند ایشان در دوزخ
بر روی ایشان گوییم بچشید دست رسانیدن دوزخ را اِنَّا كُلَّ شَیْءٍ خَلَقْنٰهُ بِقَدَرٍ ۝ هر آینه
ما هر چیز را پیدا کردیم باندازهٔ مقرر وَمَآ اَمْرُنَآ اِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍۢ بِالْبَصَرِ ۝ و نیست حکم ما مگر یک
کلمه مانند گردانیدن چشم یعنی در سرعت وجود مراد آسان بودن وَلَقَدْ اَهْلَكْنَآ اَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ
مُدَّكِرٍ ۝ و هر آینه هلاک ساختیم امثال شما را پس آیا هیچ پند گیرنده هست وَكُلُّ شَیْءٍ فَعَلُوهُ فِی الزُّبُرِ
و هر چیز که کرده اند مکتوب است در نامهٔ اعمال وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌ ۝ و هر خورد و بزرگ نوشته
شده است یعنی در لوح محفوظ اِنَّ الْمُتَّقِينَ فِی جَنّٰتٍ وَنَهَرٍ ۝ هر آینه پرهیزگاران در بوستانها
و چشمها باشند فِی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ ۝ هر آینه متقیان در مجلس راستی
باشند نزدیک پادشاه توانا

سورة الرحمن مکیة و هی سبع و سبعون آیة

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَلرَّحْمٰنُ عَلَّمَ الْقُرْاٰنَ ۝ خدا آموخت قران را خَلَقَ الْاِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ۝ آفرید آدمی را
و آموختش سخن گفتن اَلشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ۝ آفتاب و ماه بحساب مقرر میروند وَّالنَّجْمُ
وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ۝ و گیاه و درخت سجده میکنند وَالسَّمَآءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ اَلَّا
تَطْغَوْا فِی الْمِيزَانِ وَاَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ۝ و آسمان را بلند ساخت
و نهاد ترازو برای آنکه از حد نگذرید در ترازو و راست سنجید بانصاف و نقصان مکنید در ترازو وَالْاَرْضَ
وَضَعَهَا لِلْاَنَامِ ۝ و زمین را گسترد برای آدمیان فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْاَكْمَامِ ۝ در آن
زمین میوه است و درختان خرما است خداوند غلافها وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ۝ و در آن
زمین دانه خداوند برگ است و گل خوشبوی است اشاره بآنست که برگ حبوب غاذیه علف دواب
ایشان میشود پس این علاوه نعمت است فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ۝ پس کدام یک را از نعمتهای
پروردگار خویش ای جن و انس دروغ میشمرید خَلَقَ الْاِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ۝ وَخَلَقَ
الْجَآنَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّنْ نَّارٍ ۝ آفرید آدمی را از گل خشک مانند سفال شده و آفرید جن را از شعلهٔ آتش
فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ۝ پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید

رب المشرقين ورب المغربين ۝ پروردگار دو مشرق است و پروردگار دو مغرب است
فبأي آلاء ربكما تكذبان ۝ پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید مرج
البحرين يلتقيان ۝ گذاشت دو دریا را تا باهم جمع شوند بينهما برزخ لا يبغيان ۝ میان این دو
حجابی است که یکی بر دیگری تعدی نمیکند فبأي آلاء ربكما تكذبان ۝ پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار
خویش دروغ می شمرید يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان ۝ برمی آید ازین دو دریا مروارید و مرجان
فبأي آلاء ربكما تكذبان ۝ پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید وله
الجوار المنشآت في البحر كالأعلام ۝ و خدا راست کشتیهای روان شونده برافراشته در دریا
مانند کوهها فبأي آلاء ربكما تكذبان ۝ پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید
كل من عليها فان ۝ هرکه هست بر زمین فانی شود ويبقى وجه ربك ذو الجلال والإكرام ۝ نصف
باقی می ماند روی پروردگار تو خداوند بزرگی و انعام فبأي آلاء ربكما تكذبان ۝ پس کدام یک را از
نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید يسأله من في السماوات والأرض كل يوم هو في
شأن ۝ سوال میکنند از خدا هرکه در آسمانها و زمین است هر روزی خدا در حالتی است یعنی تعذیب یا تنعیم
اسعاد یا اشقا احیا یا اماته والله اعلم فبأي آلاء ربكما تكذبان ۝ پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار
خویش دروغ می شمرید سنفرغ لكم أيه الثقلان ۝ از همه فارغ شده بشما متوجه شویم ای جن و انس
فبأي آلاء ربكما تكذبان ۝ پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید يا معشر
الجن والإنس إن استطعتم أن تنفذوا من أقطار السماوات والأرض فانفذوا
لا تنفذون إلا بسلطان ۝ ای قوم جن و انس اگر می توانید که بیرون روید از کنارهای آسمان و زمین پس
بیرون روید بیرون نخواهید رفتن مگر بقوتی یعنی آن قوت کجا است فبأي آلاء ربكما تكذبان
پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید يرسل عليكما شواظ من نار
ونحاس فلا تنتصران ۝ فرستاده خواهد شد بر شما شعله از آتش و دود نیز پس مقابله نخواهید کردن
فبأي آلاء ربكما تكذبان ۝ پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید فإذا انشقت

السماء

السماء فكانت وردة كالدهان پس چون بشگافد آسمان پس شود مثل گل سرخ مانند ادیم
سرخ فبأي آلاء ربكما تكذبان پس كدام یک از نعمتهای پروردگار خویش دروغ فیومئذ
لا يسأل عن ذنبه إنس ولا جان پس آن روز سوال کرده نشود از گناه خود هیچ آدمی و نه
جنی فبأي آلاء ربكما تكذبان پس كدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید
يعرف المجرمون بسيماهم فيؤخذ بالنواصي والأقدام شناخته شوند گناهکاران بقیافه
خود پس گرفته شوی بپیشانی و پایها پس فبأي آلاء ربكما تكذبان پس كدام یک از نعمتهای
پروردگار خویش دروغ شمرید هذه جهنم التي يكذب بها المجرمون اینست آن دوزخ
که دروغ شمرده بودند آنرا گناهکاران يطوفون بينها وبين حميم آن آمد شد کنند میان
آن آتش و میان آب گرم جوشنده فبأي آلاء ربكما تكذبان پس كدام یک را از نعمتهای پروردگار
خویش دروغ می شمرید ولمن خاف مقام ربه جنتان و کسی را که ترسیده است از ایستاده
بحضور پروردگار خویش دو بوستان باشد فبأي آلاء ربكما تكذبان پس كدام یک از نعمتهای
پروردگار خویش دروغ شمرید ذواتا أفنان دو بوستان خداوند شاخهای بسیار فبأي
آلاء ربكما تكذبان پس كدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ شمرید فيهما عينان
تجريان دران دو بوستان دو چشمه میروند فبأي آلاء ربكما تكذبان پس كدام یک از
نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید فيهما من كل فاكهة زوجان دران دو بوستان
از هر میوه دو قسم باشد فبأي آلاء ربكما تكذبان پس كدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش
دروغ میشمرید متكئين على فرش بطائنها من إستبرق وجنى الجنتين دان
تکیه زده بر فرشها که استر آن از حریر تنک باشد و میوهای آن دو بوستان نزدیک باشد یعنی بسهولت
توان گرفت والله اعلم فبأي آلاء ربكما تكذبان پس كدام یک را از نعمتهای پروردگار
خویش دروغ می شمرید فيهن قاصرات الطرف لم يطمثهن إنس قبلهم ولا جان
دران کوشکها حوران باشند فرود آرنده چشم جماع نکرده است با ایشان هیچ آدمی پیش از ایشان و نه جنی

وقف لازم

ع ۲۰ ۱۱

جنی فبای آلاء ربکما تکذبان پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید کانهن
الیاقوت والمرجان کویا آن حوران یاقوت ومرجان اند فبای آلاء ربکما تکذبان پس
کدام یک از نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید هل جزاء الاحسان الا الاحسان
نیست جزای نیکوکاری مگر انعام بسیار فبای آلاء ربکما تکذبان پس کدام یک از نعمتهای پروردگار
خویش دروغ می شمرید ومن دونهما جنتان بجز این دو بوستان دیگر باشند فبای آلاء
ربکما تکذبان پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید مدهامتان
دو بوستان سبز که از غایت سبزی بسیاهی میزند فبای آلاء ربکما تکذبان پس کدام یک را
از نعمتهای پروردگار خویش دروغ میشمرید فیهما عینان نضاختان دران دو بوستان دو چشمه
جوشنده باشند فبای آلاء ربکما تکذبان پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید
فیهما فاکهة ونخل ورمان دران دو بوستان میوه و درختان خرما و انار باشند فبای
آلاء ربکما تکذبان پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید فیهن خیرات
حسان دران کوشکها زنان برگزیده باجمال باشند فبای آلاء ربکما تکذبان پس کدام یکی
از نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید حور مقصورات فی الخیام حوران نگاشته در
خیمها فبای آلاء ربکما تکذبان پس کدام یک را از نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید لم
یطمثهن انس قبلهم ولا جان جماع نکرده است بانها هیچ آدمی پیش از ایشان و نه هیچ جنی
فبای آلاء ربکما تکذبان پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید متکئین
علی رفرف خضر وعبقری حسان تکیه زده باشند بساطهای سبز و بالشهای نیک فبای
آلاء ربکما تکذبان پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید تبارک اسم
ربک ذی الجلال والاکرام بابرکت است نام پروردگار تو خداوند بزرگی و انعام

الواقعة مکیة مائة ایات

بسم الله الرحمن الرحیم اذا وقعت الواقعة
یاد کن آنگاه که متحقق شود قیامت لیس لوقعتها کاذبة نیست وقت بودن آن هیچ نفس دروغ

گویند یعنی همه مسلمانان شوند کفر و افترا آنجا نباشد خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ پست کننده است
جماعتی را و بلند کننده است طائفه را إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا • آنگاه که جنبانیده شود زمین
را جنبانیدن سخت وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا • و ریزه ریزه کرده شود کوهها را ریزه ریزه کردن بسیار
فَكَانَتْ هَبَاءً مُّنبَثًّا • پس شود مانند غبار پراکنده وَكُنتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً • و شوید شما سه قسم
فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ • پس اهل سعادت چه حال دارند اهل سعادت وَأَصْحَابُ
الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ • و اهل شقاوت چه حال دارند اهل شقاوت وَالسَّابِقُونَ
السَّابِقُونَ • پیش روندگان خود ایشان اند همه پیش روندگان أُولٰئِكَ هُمُ الْمُقَرَّبُونَ
آن پیش روندگان ایشانند نزدیک کردگان فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ • در بوستانهای نعمت باشند
ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ • سابقان جمعی بسیار اند از پیشینیان یعنی از امم سابقه
و اندکی اند از پسینیان یعنی از امت محمدیه عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ مُّتَّكِئِينَ عَلَيْهَا
مُتَقَابِلِينَ • بر تختهای زربافته نشسته باشند تکیه زده بران رو بروی یکدیگر نشسته يَطُوفُ عَلَيْهِمْ
وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ • آمد و شد میکنند بر ایشان نوجوانان جاوید بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ
مِّن مَّعِينٍ • با کوزه‌ها و ابریقها و پیاله‌ها از شراب جاری لَّا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ
نه درد سر داده شود ایشان را از آن شراب و نه بیهوش شوند وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ • و آمد و شد
کنند با میوه‌ها از هر جنس که پسند کنند وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ • و با گوشت مرغان از انچه آرزو کنند
وَحُورٌ عِينٌ • و ایشان راست حوران کشاده چشم كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ • مانند مروارید پوشیده
کرده شده جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ • پاداش و هم بسبب آنچه میکردند لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا
لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا • نشنوند در بهشت سخن بیهوده و نه حرفی گناه باشد إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا
لیکن بشنوند این سخن که هر یکی سلام میگوید وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ • و اهل سعادت
چه حال دارند اهل سعادت فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ • در درختان کنار بی‌خار وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ • و در درختان
موز تو بر تو ثمره آن وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ • و در سایه دراز وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ • و در آب ریخته شده

وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ • و در میوه بسیار لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ • نه پایان رسد و نه ازان
منع کرده شود وَفُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ • و فرشهای افراشته شده إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً فَجَعَلْنَاهُنَّ
أَبْكَارًا عُرُبًا أَتْرَابًا لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ • هر اینه آفریدیم حوران را یکنوع آفریدن پس ساختیم
ایشان را دوشیزه و محبوب شوند نزد یک شوهر یعنی بفتح و دلال هم عمرها یکدیگر برای اهل سعادت ثُلَّةٌ
مِنَ الْأَوَّلِينَ • اصحاب یمین جماعتی بسیار اند از پیشینیان وَثُلَّةٌ مِنَ الْآخِرِينَ • و جماعتی بسیار
اند از پسینیان وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ • و اهل شقاوت چه حال دارند
اهل شقاوت فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ • در باد گرم و آب گرم باشند وَظِلٍّ مِنْ يَحْمُومٍ • در سایه
دود سیاه لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ • که نه خنک باشد و نه با عزت بود إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ
مُتْرَفِينَ • هر اینه ایشان بودند پیش ازین بناز پرورده وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنْثِ الْعَظِيمِ
و مداومت میکردند بر گناه بزرگ یعنی شرک وَكَانُوا يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا
وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ • و میگفتند آیا چون بمیریم و خاک شویم و استخوانی چند باشیم
آیا برانگیخته شویم أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ • یا پدران نخستین ما برانگیخته شوند قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ
وَالْآخِرِينَ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ • کو هر اینه پیشینیان و پسینیان جمع کرده
شوند در میعاد روز مقرر ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ لَآكِلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ
زَقُّومٍ • باز هر اینه شمای گمراهان دروغ شمارندگان خواهید خورد از درختهای زقوم فَمَالِئُونَ مِنْهَا
الْبُطُونَ • پس پر خواهید کرد ازان زقوم شکمها فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ • پس خواهید
آشامید بر آن طعام از آب گرم فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ • پس خواهید آشامید مانند آشامیدن شتران
مستسقی هَٰذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ • اینست مهمانی ایشان روز جزا نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا
تُصَدِّقُونَ • ما آفریدیم شما را پس چرا نه باور کنید یعنی اعاده را أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ • آیا می بینید
آنچه میریزید در رحم زنان یعنی منی را ءَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ • آیا شمای آفرینید
آنرا یا ما آفریننده ایم یعنی تقلب میکنیم منی را از حالی بحالی تا آدمی پیدا شود نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ

وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ۝ ما معین کرده ایم در میان شما مرگ را و نیستیم ما عاجز شده عَلَىٰ أَنْ
نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنْشِئَكُمْ فِيمَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ از آنکه عوض شما آریم قومی مانند شما و بیافرینیم
شما را در عالمها که نمیدانید وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ۝ و هر اینه دانسته
اید آفرینش نخستین پس چرا نه پند میگیرید أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ۝ آیا دیدید آنچه میکارید
أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ۝ آیا شما میرویانید آنرا یا ما رویانیده ایم لَوْ
نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ ۝ اگر خواهیم بکردانیم آن زراعت را کیاهی درهم
شکسته پس تعجب نمائید إِنَّا لَمُغْرَمُونَ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ۝ گوئید هر اینه ما غرامت کشیدگانیم
بلکه ما محروم ماندگانیم أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ۝ آیا دیدید آن آب را که می آشامید
أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ ۝ آیا شما فرود آورده اید آنرا از ابر یا ما فرود
آرندگانیم لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ۝ اگر خواهیم شور گردانیم آنرا پس چرا شکر
نمیکنید أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ۝ آیا دیدید آن آتش را که از میان شاخ درخت بر می آرید
أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ ۝ آیا شما آفریده اید درخت آنرا یا ما آفریننده ایم
نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ ۝ ما ساختیم آن درخت را پند و منفعت برای مسافران
فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ۝ پس بپاکی یاد کن پروردگار بزرگ خود را فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ
ع ثلث
النُّجُومِ ۝ پس سوگند میخورم بافتادن ستاره یعنی شهب والله اعلم وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ
عَظِيمٌ ۝ و این قسمی است بزرگ اگر بدانید إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ۝ این کتاب قرآنیست گرامی قدر
فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ۝ نوشته شده است در کتاب پوشیده که
دست نمی رسانند بآن مگر پاکان یعنی در لوح محفوظ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ فرستاده
شده است از پروردگار عالمها أَفَبِهَٰذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ ۝ آیا باین سخن
شما انکار کننده اید وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ ۝ و میسازید نصیبه خود آنکه شما
بدروغ نسبت میکنید فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ وَأَنْتُمْ حِينَئِذٍ تَنْظُرُونَ

پس آنگاه که برسد روح شخصی بنای گلو و شما آنگاه می بینید وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَٰكِنْ لَا تُبْصِرُونَ
و ما نزدیک تریم باو به نسبت شما و لیکن نمی نگرید فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ تَرْجِعُونَهَا
إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ • پس اگر هستید غیر مقهور حکم الهی چرا نه باز گردانید روح را اگر راست گوئید
مترجم گوید لفظ لولا داخل است بر جعونها و اعاده آن برای تاکید است فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ
فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ • پس اما اگر باشد مرده از نزدیک کردگان بارگاه الهی پس او راست
راحت و گل و خوشبو و بوستان نعمت وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ
أَصْحَابِ الْيَمِينِ • و اما اگر باشد از اهل سعادت پس سلام ای مخاطب مر ترا از اهل سعادت وَأَمَّا إِنْ
كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ • و اما اگر باشد از دروغ شمارندگان
گمراهان پس او راست مهمانی از آب گرم و او راست در آوردن به دوزخ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ
هر اینه این خبر درست بی شبهه است فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ • پس بپاکی یاد کن پروردگار بزرگ
خود را سورة الحديد مدنية ... بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ سَبَّحَ لِلَّهِ
مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ • بپاکی یاد کرد خدا را هر چه در آسمانها
و زمین است و اوست غالب با حکمت لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ • او راست پادشاهی آسمانها و زمین زنده میکند و می میراند و او بر همه
چیز توانا است هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
اوست نخستین همه و اوست آخرین همه و اوست آشکارا و اوست پنهان و او بهر چیز دانا است
هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ
يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ
فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ • اوست آنکه آفرید آسمانها
و زمین در شش روز باز مستقر شد بر عرش میداند آنچه در می آید بزمین و آنچه بر می آید از ان و آنچه
فرود می آید از آسمان و آنچه بالا میرود اندران و او با شماست هر جا که باشید و خدا بآنچه میکنید بینا است

کم مدو

لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُوْرُ ۔ و اوراست پادشاهی آسمانها
و زمین و بسوی خدا باز گردانیده میشود کارها یُوْلِجُ الَّیْلَ فِی النَّهَارِ وَیُوْلِجُ النَّهَارَ فِی الَّیْلِ
وَهُوَ عَلِیْمٌ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ۔ در می آرد شب را در روز و در می آرد روز را در شب و او
داناست بمکنون سینها اٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَاَنْفِقُوْا مِمَّا جَعَلَکُمْ مُّسْتَخْلَفِیْنَ فِیْهِ
فَالَّذِیْنَ اٰمَنُوْا مِنْکُمْ وَاَنْفَقُوْا لَهُمْ اَجْرٌ کَبِیْرٌ ۔ ایمان آرید بخدا و رسول او و خرج کنید از جمله آن
مال که ساخته است شما را جانشین دیگران در وی پس آنانکه ایمان آوردند و خرج کردند از شما ایشان راست
مزد بزرگ وَمَا لَکُمْ لَا تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالرَّسُوْلُ یَدْعُوْکُمْ لِتُؤْمِنُوْا بِرَبِّکُمْ وَقَدْ
اَخَذَ مِیْثَاقَکُمْ اِنْ کُنْتُمْ مُّؤْمِنِیْنَ ۔ و چیست شما را که ایمان نیارید بخدا و رسول دعوت میکند
شما را که ایمان آرید به پروردگار خویش و هر اینه عهد گرفته است از شما یعنی روز الست بربکم اگر هستید
باور دارنده هُوَ الَّذِیْ یُنَزِّلُ عَلٰی عَبْدِهٖ اٰیٰتٍ بَیِّنٰتٍ لِّیُخْرِجَکُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَی النُّوْرِ وَاِنَّ
اللّٰهَ بِکُمْ لَرَءُوْفٌ رَّحِیْمٌ ۔ و اوست آنکه میفرستد بر بنده خود آیات واضح تا بیرون آرد شما را
از تاریکیهای بسوی روشنی و هر اینه خدا بر شما بخشاینده مهربان است وَمَا لَکُمْ اَلَّا تُنْفِقُوْا فِیْ
سَبِیْلِ اللّٰهِ وَلِلّٰهِ مِیْرَاثُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ لَا یَسْتَوِیْ مِنْکُمْ مَّنْ اَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ
الْفَتْحِ وَقٰتَلَ اُولٰٓئِکَ اَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِیْنَ اَنْفَقُوْا مِنْ بَعْدُ وَقٰتَلُوْا وَکُلًّا
وَّعَدَ اللّٰهُ الْحُسْنٰی وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِیْرٌ ۔ و چیست شما را که خرج نمیکنید در راه خدا و چیز مر اوراست
واپس گذاشته در آسمان و زمین یعنی هر کسی که بمیرد آنچه بگذارد ملک خدا باشد پس آن بخل کردن نهایت
شنیع است والله اعلم برابر نیست از شما آنکه خرج کرد پیش از فتح مکه و قتال کرد با آنکه اینچنین عمل بعد از
فتح مکه کرده باشد آن جماعه در مرتبه بزرگتراند از آنانکه خرج کردند بعد از فتح مکه و قتال کردند و هر یکی را وعده
داده است خدا حالت نیک و خدا بآنچه می کنید خبردار است مَنْ ذَا الَّذِیْ یُقْرِضُ اللّٰهَ
قَرْضًا حَسَنًا فَیُضٰعِفَهٗ لَهٗ وَلَهٗ اَجْرٌ کَرِیْمٌ ۔ و کیست آنکه قرض دهد خدا را قرض دادن نیک پس
دو چند دهد آن قرض را برای او و او راست مزد بزرگ یَوْمَ تَرَی الْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ

يَسْعَىٰ نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِم بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
خَالِدِينَ فِيهَا ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ یاد کن روزی که ببینی مردان مسلمان را و زنان مسلمان را
بآیین صفت که می‌شتابد نور ایشان پیش دست ایشان بجانب راست ایشان گفته شود فرود باد شما را مژده
شما راست بوستانها میرود در زیر آن جویها جاوید باشند آنجا اینست مطلب یابی بزرگ يَوْمَ يَقُولُ
الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِن نُّورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا
وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَّهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ
مِن قِبَلِهِ الْعَذَابُ ۝ روزی که گویند مردان و زنان منافق با مسلمانان بنظر شفقت نگرید بسوی ما تا روشنی
گیریم از نور شما گفته شود باز گردید پس پشت خویش پس بجویید روشنی را یعنی در دنیا روید و تحصیل نور
کنید اینجا سرای تحصیل نور نیست والله اعلم پس پیدا کرده شود در میان ایشان دیواری که او را دروازه
باشد اندرون آن دیوار در آنجا رحمت است و بیرون آن دیوار بجانب او عذاب است يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُن
مَّعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنَّكُمْ فَتَنتُمْ أَنفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ
حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ ۝ آواز دهند منافقان مسلمانان را آیا ما نبودیم
همراه شما گفتند آری ولیکن شما در بلا افگندید خویشتن را و انتظار کردید یعنی هزیمت مسلمانان را
و شک آوردید و فریفته کرد شما را آرزوها تا آنکه برسید فرمان خدا یعنی اجل و فریب داد شما را در فرمان
برداری خدا شیطان فریبنده ۝ فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْ
وَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ پس امروز گرفته نشود از شما فدای و نه از کافران
گرفته شود جای شما آتش است همان آتش لایق شما است و بد بازگشت است وی أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ
آمَنُوا أَن تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ
أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ
فَاسِقُونَ ۝ آیا وقت نرسیده است مسلمانان را که نیایش کنند دل ایشان وقت یاد کرد خدا و وقت یاد
آوردن آنچه آمده است از وحی الهی و نباشند مانند آنانکه داده شده است ایشان را کتاب پیش ازین

پیش از

پس دراز گذشت بر ایشان مدت پس سخت شد دل ایشان و بسیاری از ایشان بدکارانند اِعْلَمُوْٓا
اَنَّ اللّٰهَ يُحْيِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ • و بدانید
که خدا زنده میکند زمین را بعد مرده بودن آن هرآینه بیان کردیم برای شما نشانها بود که شما دریابید
اِنَّ الْمُصَّدِّقِيْنَ وَالْمُصَّدِّقٰتِ وَاَقْرَضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضٰعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ اَجْرٌ
كَرِيْمٌ • هرآینه مردان خیرات دهنده و زنان خیرات دهنده و آنانکه قرض داده اند خدا را قرض نیک دو چند
داده شود ایشان را و ایشان راست مزد گرامی • وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖٓ اُولٰٓئِكَ
هُمُ الصِّدِّيْقُوْنَ وَالشُّهَدَآءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ اَجْرُهُمْ وَنُوْرُهُمْ وَالَّذِيْنَ
كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَآ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَحِيْمِ • و آنانکه ایمان آوردند بخدا و پیغامبران
او آن جماعه ایشانند صدیقان و شهیدان نزدیک پروردگار خویش ایشان راست مزد ایشان و نور
ایشان و آنانکه کافر شدند و دروغ شمردند آیات ما را آن جماعه اهل دوزخ اند اِعْلَمُوْٓا اَنَّمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا
لَعِبٌ وَّلَهْوٌ وَّزِيْنَةٌ وَّتَفَاخُرٌۢ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْاَمْوَالِ وَالْاَوْلَادِ كَمَثَلِ
غَيْثٍ اَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهٗ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتَرٰىهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُوْنُ حُطٰمًا وَفِي
الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيْدٌ وَّمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَآ اِلَّا
مَتَاعُ الْغُرُوْرِ • بدانید که زندگانی دنیا بازیست و بیهودگی است و آرایش است و خودستائی است
در میان خویش و از یکدیگر زیادت طلبی است در مال و فرزندان مانند بارانی که بشگفت آرد زراعت
کنندگان را رستنی او باز خشک شود پس زرد بینی آنرا باز ریزه ریزه شکسته گردد و در آخرت عذاب سخت
است و نیز آمرزش است از جانب خدا و خوشنودیست و نیست زندگانی دنیا مگر بهره گرفتن
فریب باشد سَابِقُوْٓا اِلٰى مَغْفِرَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ
اُعِدَّتْ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖ ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَنْ يَّشَآءُ وَاللّٰهُ
ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ • سبقت کنید بسوی آمرزش از جانب خدا و بسوی بهشتی که پهنائی او مانند
پهنائی آسمان و زمین باشد آماده کرده شد برای آنانکه ایمان می آرند بخدا و پیغامبران او اینست فضل خدا

میدهدش بهر که خواهد خدا و خداوند فضل بزرگ است مَا أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ
وَلَا فِي أَنفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتٰبٍ مِّن قَبْلِ أَن نَّبْرَأَهَا إِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرٌ ۔
نرسید هیچ مصیبتی در زمین و در جان شما مگر نوشته شده است در کتابی پیش از آنکه بیافرینیم آن را مصیبت
هر آینه این کار بر خدا آسان است لِّكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ
وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ۔ خبر داده ایم تا اندوه نخورید بر آنچه رفت از دست شما
و نا شادان نشوید بآنچه عطا کرد شما را و خدا تعالی دوست ندارد هر تکبر کننده خود ستاینده را الَّذِينَ
يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۔ دوست
نمیدارد آنها را که بخل میکنند و مردمان را به بخل میفرمایند و هر که روی گردان شود هر آینه خدا هموست بی نیاز
ستوده لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنٰتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتٰبَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ
بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللّٰهُ مَن
يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ۔ هر آینه فرستادیم پیغامبران را به نشانهای واضح
و فرود آوردیم همراه ایشان کتاب و ترازو تا عمل کنند مردمان بانصاف و فرود آوردیم آهن را سبب آن
جنگ سخت است و منفعتهای دیگر است برای مردمان و تا بداند خدا کسی را که نصرت دهد خدا را غائبانه
و پیغامبران او را هر آینه خدا توانا غالب وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرٰهِيمَ وَجَعَلْنَا
فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتٰبَ فَمِنْهُم مُّهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فٰسِقُونَ ۔ و هر آینه
فرستادیم نوح را و ابراهیم را و نهادیم در اولاد ایشان پیغامبری و کتاب پس بعض ایشان راه یابند
و بسیاری از ایشان بدکارانند ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ
وَآتَيْنٰهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً
ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنٰهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللّٰهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ
رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فٰسِقُونَ ۔ باز فرستادیم
از پی ایشان پیغامبران خود را و از پی آوردیم عیسی پسر مریم را و دادیمش انجیل و نهادیم در دل تابعان او

مهربانی

مهربانی و بخشایش و گوشه نشینی که خود پیدا کرده بودند آنرا ما فرض نساخته بودیم بر ایشان لیکن اختراع
کردند طلب خوشنودی خدا پس نگاه داشت آن نکردند حق نگاه داشتن آن پس عطا کردیم آنانرا که ایمان آوردند
از ایشان یعنی بر محمد صلی الله علیه و آله وسلم مزد ایشان و بسیاری از ایشان بدکارانند یَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ
بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ ای آنانکه ایمان آوردید بترسید از خدا و ایمان آرید به پیغامبر
او یعنی محمد صلی الله علیه و آله وسلم تا بدهد شما را دو حصه از رحمت خود و بدهد شما نوری که راه روید
بآن و تا بیامرزد شما را و خدا آمرزگار مهربانست لِئَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ
مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۝
خدا با محمد مهر خبر داد تا بدانند اهل کتاب که ایشان قادر نیستند بر چیزی از فضل خدا و بدانند که فضل
بدست خداست میدهد آنرا بهر که خواهد و خدا صاحب فضل بزرگ است سورة المجادلة
اثنان وعشرون آیة بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ مترجم گوید که زنی از انصار گفت
انت علی کظهر امی تو بر من مانند پشت مادر منی آن زن پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمد و این ماجرا
عرض کرد فرمودند حرام شدی آن زن کثرت عیال و قلت مال عرض کرد خدا تعالی این آیت فرستاد قَدْ سَمِعَ
اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ
سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۝ هر آینه شنید خدا تعالی سخن آن زن که گفتگو میکرد با تو در باب شوهر خود و شکایت میکرد
پیش خدا و خدا می شنید گفتگو کردن شما هر آینه خدا شنوا بیناست الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ
نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ
مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ ۝ آنانکه از شما ظهار میکنند با زنان خود
یعنی تشبیه میدهند زنان خود را به پشت مادر نیستند آن زنان مادران ایشان نیستند مادران ایشان
الا آنکه زاده اند ایشانرا و لیکن ظهار کنندگان سخن نامعقول میگویند و دروغ و هر آینه خدا عفو کننده آمرزگار
است وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ

قبل ان یتماسا ذلکم توعظون به والله بما تعملون خبیر ۝ و آنانکه ظهار میکنند

از زنان خود باز رجوع میکنند در مخالفت آنچه گفتند پس واجب است آزاد کردن بنده پیش از انکه زن و مرد

با یکدیگر دست رسانند این حکم پند داده میشود شما را آن و خدا بآنچه میکنید خبردار است فمن لم یجد

فصیام شهرین متتابعین من قبل ان یتماسا فمن لم یستطع فاطعام ستین مسکینا

~~منکم~~ لتؤمنوا بالله ورسوله وتلک حدود الله وللکافرین عذاب الیم ذلک

پس هر که نیابد بنده را پس بروی واجب است روزه داشتن دو ماه پی در پی پیش از انکه مرد و زن بیکدیگر

دست رسانند پس هر که نتواند این را پس طعام دادن شصت فقیر این حکم برای آنست که منقاد شوید

خدا را و رسول او را و این حدها مقرر کرده خدا است و کافران را عذاب درد دهنده باشد ان الذین یحادون

الله ورسوله کبتوا کما کبت الذین من قبلهم وقد انزلنا آیات بینات و

للکافرین عذاب مهین ۝ هر اینه آنانکه مخالفت کنند با خدا و رسول او خوار کرده شدند چنانکه

خوار کرده شده آنانرا که پیش از ایشان بودند و هر اینه فرود آوردیم آیات واضح و کافران را عذاب خوار کننده

است یوم یبعثهم الله جمیعا فینبئهم بما عملوا احصاه الله ونسوه والله علی

کل شیء شهید ۝ روزیکه برانگیزد ایشانرا خدا همه یکجا پس خبر دهد ایشانرا بآنچه کرده بودند یاد داشت آنرا

خدای و ایشان آنرا فراموش کردند و خدا بر همه چیز مطلع است الم تر ان الله یعلم ما فی

السموات وما فی الارض ما یکون من نجوی ثلثة الا هو رابعهم ولا خمسة

الا هو سادسهم ولا ادنی من ذلک ولا اکثر الا هو معهم اینما کانوا ثم

ینبئهم بما عملوا یوم القیمة ان الله بکل شیء علیم ۝ آیا ندیدی که خدا میداند آنچه

در آسمانهاست و آنچه در زمین است نمی باشد بایکدیگر راز گفتن سه شخص مگر خدا چهارم ایشان است

و نمی باشد راز گفتن پنج شخص الا خدا ششم ایشان است و نه کمتر ازین مگر خدا با ایشان و نه زیاده تر

ازین مگر خدای با ایشان است هر کجا باشند باز خبر دهد ایشانرا روز قیامت بآنچه کرده اند هر اینه

خدا بهر چیز دانا است الم تر الی الذین نهوا عن النجوی ثم یعودون

الا هو

لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَإِذَا
جَاؤُكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللّٰهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا
اللّٰهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ آیا ندیدی بسوی آنانکه
منع کرده شد ایشان را از بایکدیگر راز گفتن یعنی یهود که راز ایشان در ایذای مسلمین بود والله
اعلم باز عود میکنند در آنچه از آن منع کرده شد ایشان را و بایکدیگر راز میگویند در باب گناه و تعدی
و نافرمانبرداری پیغامبر و چون بیایند پیش تو دعا کنند ترا بآن کلمه که دعا نکرده است ترا خدا بآن یعنی
بجای السلام علیک السام علیک گویند یعنی مرگ بر تو باد و میگویند در دل خویش چرا نه عذاب میکند
ما را خدا بسبب آنچه میگوییم یعنی اگر پیغامبر راست است بایستی که ما را عذاب رسیدی والله اعلم
بس است ایشان را دوزخ درآیند آنجا پس بد جای است دوزخ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا
تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ
وَالتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۝ ای مسلمانان چون بایکدیگر راز گویید پس
بایکدیگر راز مگویید در باب گناه و تعدی و نافرمانبرداری پیغامبر و راز گویید در باب نیکوکاری و پرهیز
کاری و بترسید از خدای که بسوی او حشر کرده خواهید شد إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ
آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللّٰهِ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝
جز این نیست که راز گفتن بد از کار شیطان است تا اندوهگین کند مسلمانان را و نیست هیچ زیان رساننده
بایشان مگر باراده خدا و بر خدا باید که توکل کنند مسلمانان يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ
تَفَسَّحُوا وَإِذَا قِيلَ انْشُزُوا يَرْفَعِ اللّٰهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ
دَرَجَاتٍ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ ای مسلمانان چون گفته شود شما را که گشاده بنشینید در مجلسها
پس گشاده کنید جای را تا گشاده کند خدا برای شما هر مشکلی را و چون گفته شود برخیزید پس برخیزید تا
بلند کند خدا مرتبه‌ها برای آنانکه ایمان آورده‌اند از شما و آنانکه عطا کرده شده است ایشان را علم و خدا
بآنچه میکنید خبردار است يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ

فَانْشُزُوا

فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ
اللّٰهُ لَكُمْ

نَجْوٰىكُمْ صَدَقَةً ذٰلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَاَطْهَرُ فَاِنْ لَّمْ تَجِدُوْا فَاِنَّ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ای
مسلمانان چون خواهید که راز گوئید با پیغامبر پس نخست بدهید پیش از راز گفتن خود خیرات را این کار
بهتر است شما را و پاکیزه تر پس اگر نیابید هر اینه خدا آمرزگار مهربان است مترجم گوید این حکم منسوخ است
بآیتی که می آید والله اعلم ءَاَشْفَقْتُمْ اَنْ تُقَدِّمُوْا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوٰىكُمْ صَدَقٰتٍ
فَاِذْ لَمْ تَفْعَلُوْا وَتَابَ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ فَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَاَطِيْعُوا
اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَاللّٰهُ خَبِيْرٌ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ۝ آیا ترسیدید از آنکه نخست دهید پیش از راز
گفتن خود خیرات را پس چون نکردید و درگذرانید خدا از شما پس باری بر پا دارید نماز را و بدهید
زکوة را و فرمان برداری کنید خدا را و رسول او را و خدا خبردار است بآنچه میکنید اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ
تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِّنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُوْنَ عَلَى الْكَذِبِ
وَهُمْ يَعْلَمُوْنَ ۝ آیا ندیدی بسوی آنانکه دوستی کردند با قومی که غضب کرده است خدا بر ایشان
یعنی منافقان با یهود دوستی کردند والله اعلم نیستند این منافقان از شما و نه از یهود و سوگند
میخورند بر دروغ و ایشان میدانند اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيْدًا اِنَّهُمْ سَآءَ مَا كَانُوْا
يَعْمَلُوْنَ ۝ آماده ساخته است خدا بر ایشان عذاب سخت هر اینه بد است آنچه میکردند اِتَّخَذُوْا
اَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ۝ بگرفته اند سوگندان
خود را پس باز داشتند مردم را از راه خدا پس ایشان راست عذاب خوار کننده لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ
اَمْوَالُهُمْ وَلَآ اَوْلَادُهُمْ مِّنَ اللّٰهِ شَيْئًا اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ
دفع نخواهد کرد از ایشان مال ایشان و اولاد ایشان از عذاب خدا چیزی را این جماعه اهل دوزخ اند ایشان
آنجا جاویدان باشند يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللّٰهُ جَمِيْعًا فَيَحْلِفُوْنَ لَهٗ كَمَا يَحْلِفُوْنَ لَكُمْ وَيَحْسَبُوْنَ
اَنَّهُمْ عَلٰى شَيْءٍ اَلَآ اِنَّهُمْ هُمُ الْكٰذِبُوْنَ ۝ روزیکه برانگیزد ایشان را خدا همه یکجا پس سوگند
خورند بحضور او چنانکه میخورند بحضور شما و می پندارند که ایشان بر چیزی هستند آگاه شو هر اینه ایشانند
دروغگوی اِسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطٰنُ فَاَنْسٰىهُمْ ذِكْرَ اللّٰهِ اُولٰٓئِكَ حِزْبُ الشَّيْطٰنِ

الا ان حزب الشیطن هم الخاسرون • غالب آمده است بر ایشان شیطان پس فراموش
ساخت از خاطر ایشان یاد کرد خدا را این جماعه لشکر شیطان است آگاه شو هر آینه لشکر شیطان اند
زیانکاران ان الذین یحادون الله و رسوله اولئک فی الاذلین • هر آینه آنانکه خلا
خلاف میکنند با خدا و رسول خدا این جماعه در جمله خوارترین مردم اند کتب الله لاغلبن انا و رسلی
ان الله قوی عزیز • حکم کرد خدا که هر آینه غالب شوند پیغامبران من هر آینه خدا توانا غالب است لا تجد
قوما یؤمنون بالله والیوم الاخر یوادون من حاد الله و رسوله ولو کانوا
اباءهم او ابناءهم او اخوانهم او عشیرتهم اولئک کتب فی قلوبهم الایمان
وایدهم بروح منه و یدخلهم جنت تجری من تحتها الانهار خالدین
فیها ابدا رضی الله عنهم و رضوا عنه اولئک حزب الله الا ان حزب
الله هم المفلحون • نخواهی یافت قومی را که ایمان دارند بخدا و روز آخر باین صفت که دوستی کنند با کسی
که خلاف کرده است با خدا و رسول او واگرچه آن جماعه باشند پدران ایشان یا پسران ایشان یا برادران
ایشان یا خویشاوندان ایشان آن مومنان که با کافران دوستی ندارند نوشته است خدا در دل ایشان
ایمان را و قوت داده است ایشان را بفیض غیبی از جانب خود و در آرد ایشان را به بوستانها میرود
زیر آن جویها جاویدان آنجا خوشنود شد خدا از ایشان و خوشنود شدند ایشان از خدا ایشانند
لشکر خدا هر آینه لشکر خدا ایشانند رستگاران سورة الحشر مدنیة اربع وعشرون آیة
بسم الله الرحمن الرحیم آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم چون بمدینه آمدند با بنی نضیر
صلح کردند و ایشان بسبب شقاوت ازلی سعی در عداوت آنحضرت پیش گرفتند آنحضرت اراده فرمود که
آنجماعه را جلاوطن فرماید منافقان آن ملاعین را پیغام فرستادند که شما قتال کنید و در جنگ استواری
ورزید که ما رفیق شما ایم خدا تعالی بر خلاف اراده منافقان در اول جمع کردن لشکر رعب بر یهود القا فرمود
تا عاجز آمدند و جلاوطنی اختیار کردند و سخن اهل نفاق را نشنیدند بقتال و تکرار جمع رجال احتیاج نه افتاد
اموال ایشان فی شد و فیء آنرا گویند بغیر قتال بدست مسلمانان افتد خدا تعالی منت بر مسلمانان نهاد و حکم فی

بیان نمود و از ارادهٔ منافقان خبر داد والله اعلم سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ • بپاکی یاد کرد خدا را آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و اوست غالب
با حکمت هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتٰبِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ
مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللّٰهِ فَاَتٰهُمُ مِنْ
حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ
وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ • اوست آنکه بر آورد آنانرا که کافر شدند از اهل
کتاب از خانهای ایشان در اول جمع کردن لشکر گمان نداشتید شما ای مسلمانان که بر آیند و گمان
میکردند آن کافران که نگاهدارنده ایشان باشند قلعهای ایشان از عقوبت خدا پس بیامد بدیشان عقوبت
خدا از انجا که نمیدانستند و افکند در دل ایشان ترس را خراب میکردند خانهای خود را بدست خویش
و بدست مسلمانان نیز خراب میکردند خانهای خود را بدست خویش و بدست مسلمانان نیز خراب میشد
پس عبرت گیرید ای خداوند دیدها وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا
وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ • و اگر نه آن بود که نوشت خدا بر ایشان جلا وطنی هر اینه خدا عقوبت
میکرد ایشانرا در دنیا یعنی چنو عذیکرد ایشانراست در آخرت عذاب آتش ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللّٰهَ
وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِّ اللّٰهَ فَإِنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ • این عذاب بسبب آنست که
ایشان مخالفت کردند با خدا و رسول او و هر که مخالفت کند با خدا پس هر اینه خدا سخت کننده عقوبت است
مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللّٰهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ
آنچه برید از درخت خرما یا گذاشتید آنرا ایستاده بر بیخ خودش پس بفرمان خدا بود تا خوار کند بدکاران
را یعنی قطع درخت میوه دار وقت جهاد جایز است و ترک آن نیز جایز والله اعلم وَمَا أَفَاءَ اللّٰهُ
عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يُسَلِّطُ
رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ • و آنچه عاید گردانید خدا بر پیغامبر خود
از اموال بنی نضیر پس نتاخته بودید بر آن اسپان را و نه شتران را و لیکن خدا غالب میکرداند پیغامبران

خود را بر هر که خواهد و خدا بر هر چیز توانا است مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ
وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً
بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ
اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ آنچه عاید گردانید خدا تعالی بر پیغامبر خود از اموال
ساکنان دیهها پس خدا راست و پیغامبر را و خویشاوندان را یعنی خویشاوندان پیغامبر را و یتیمان را
و فقیران را و رهگذری را بیان فرمودیم تا نباشد آن فیء دست گردان میان توانگران از شما و هر چه بدهد
شما را پیغامبر بگیرید آن را و هر چه منع کند شما را از آن باز ایستید و بترسید از خدا هر آینه خدا سخت کننده
عقوبت است لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ
فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ
آن فیء فقیران هجرت کننده را است آنان که بیرون کرده شدند از خانهای ایشان و اموال ایشان
می طلبند نعمت را از پروردگار خویش و خوشنودی او و نصرت میدهند خدا را و پیغامبر او را این
جماعه ایشانند راست وعده وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ
مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ
عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ
هُمُ الْمُفْلِحُونَ و نیز آنان را که جای گرفتند بدار الاسلام یعنی بمدینه و جای پیدا کردند در ایمان پیش از
مهاجران دوست میدارند هر که هجرت کند بسوی ایشان نمی یابند در خاطر خود دغدغه از طرف آنچه داده
شد مهاجران را و دیگران را اختیار میکنند بر خویشتن و اگر چه باشد ایشان را احتیاج و هر که نگاه داشته
شد از حرص نفس خود پس آن جماعه ایشانند رستگار وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ
رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا
غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ و نیز آنان راست که آمدند بعد از مهاجران
و انصار میگویند ای پروردگار ما بیامرز ما را و برادران ما را که سبقت کردند بر ما با ایمان و در دل ما منه

مکن در دل ما هیچ کینه نسبت آنانکه ایمان آوردند ای پروردگار ما هر اینه تو بخشاینده مهربانی مترجم گوید
ازین آیه معلوم شد که در فئ هر مسلمان را حق است پس احوج فالاحوج را که باید داد تا آنکه مال فئ کفایت
کند والله اعلم أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ
أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ
قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ . آیا ننگریدی بسوی آنانکه منافق شدند
میگویند آن برادران خود را که کافر اند از اهل کتاب بخدا اگر جلاوطن کرده شوید شما البته بیرون
شویم ما نیز همراه شما و فرمان قبول نکنیم در مقدمه شما هیچکس را هرگز و اگر قتال کرده شود با شما البته نصرت دهیم
شما را و خدا گواهی میدهد که ایشان اند دروغگویان لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ
قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ
بخدا اگر جلاوطن کرده شوند اهل کتاب جلاوطن نشوند همراه ایشان و اگر جنگ کرده شود با اهل کتاب
نصرت ندهند اهل کتاب را البته باز گردانند پشت خود را بعد از آن مدد کرده نشوند لَأَنْتُمْ
أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ . هر اینه
شما ای مسلمانان با رعب ترید در خاطر ایشان از خدا این بسبب آنست که ایشان قومی هستند که نمی فهمند
یعنی از عذاب خدا که موجل است پروا ندارند والله اعلم لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرًى
مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ
شَتَّىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ . جنگ نکنند با شما یکجا شده مگر در دیهها که بر آن
حصار ساخته باشند یا از پس دیوارها جنگ ایشان در میان خویش سخت تر است می پنداری ایشان را
یکجا مجتمع شده و دلهای ایشان پراکنده است این بسبب آنست که ایشان قومی هستند که درنمی یابند با آنکه
خانه جنگیها میدارند و مصلحت ایشان یکجا نیست والله اعلم كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا
ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ . داستان ایشان مانند داستان آنان است
که پیش از ایشان بودند در نزدیکی چشیدند وبال گناهان خود را و ایشان راست عذاب دردناک یعنی چنانکه

اهل بدر مغلوب و منهزم شدند ایشان نیز گشتند والله اعلم كَمَثَلِ الشَّيْطٰنِ اِذْ قَالَ لِلْاِنْسَانِ
اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ اِنِّيْ بَرِيْٓءٌ مِّنْكَ اِنِّيْٓ اَخَافُ اللّٰهَ رَبَّ الْعٰلَمِيْنَ ۔ و مثل
منافقان با اهل کتاب مانند مثل شیطان است چون گفت آدمی را کافر شو پس چون کافر شد گفت
هر آینه من بری ام از تو هر آینه من می ترسم از خدا پروردگار عالم فَكَانَ عَاقِبَتَهُمَآ اَنَّهُمَا فِي النَّارِ
خَالِدَيْنِ فِيْهَا وَذٰلِكَ جَزٰٓؤُا الظّٰلِمِيْنَ ۔ پس شد عاقبت این کار با شیطان و این آدمی آنکه
ایشان در آتش باشند جاوید ان جا و این است جزای ستمکاران يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ
وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌ بِمَا تَعْمَلُوْنَ
ای مسلمانان بترسید از خدا و باید که تامل کند هر شخصی که چه چیز پیش فرستاده است برای فردا یعنی برای
روز قیامت و بترسید از خدا هر آینه خدا خبردار است بانچه میکنید وَلَا تَكُوْنُوْا كَالَّذِيْنَ نَسُوا
اللّٰهَ فَاَنْسٰهُمْ اَنْفُسَهُمْ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ ۔ و مباشید مانند آنانکه فراموش
کردند خدا را پس خدا فراموش گردانید از خاطر ایشان تدبیر حال ایشان را این جماعه ایشانند بدکاران
لَا يَسْتَوِيْٓ اَصْحٰبُ النَّارِ وَاَصْحٰبُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَآئِزُوْنَ ۔ برابر نیستند اهل دوزخ
۳ اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ
و اهل بهشت ایشانند مطلب یابندگان لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰى جَبَلٍ لَّرَاَيْتَهٗ
خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ
يَتَفَكَّرُوْنَ ۔ اگر فرود می آوردیم این قرآن را بر کوهی هر آینه میدیدی اورا فروتنی کرده پاره پاره شده
از خوف خدا و این داستانها بیان میکنیم برای مردمان تا ایشان تامل کنند هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَآ اِلٰهَ
اِلَّا هُوَ عٰلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ ۔ اوست آن خدا که نیست
هیچ معبود بجز او داننده نهان و آشکارا اوست بخشاینده مهربان هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
اَلْمَلِكُ الْقُدُّوْسُ السَّلٰمُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيْزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحٰنَ اللّٰهِ
عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ۔ اوست آن خدا نیست هیچ معبود بجز او پادشاه نهایت پاک سلامت از همه
عیبها امن دهنده نگاهبان غالب خود اختیار بزرگوار پاکی خدا راست از شریک مقرر کردن ایشان

هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ اوست خدای آفریننده پیدا کننده صورت بخشنده او راست
نامهای نیک پاکی یاد میکند او را انچه در آسمانها و زمین است و او غالب با حکمت است سورة
الممتحنة مدنية ثلث عشر آيات بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ مروی است که
آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم خواستند که بفتح مکه متوجه شوند و مرضی شریف آن بود که کسی اهل مکه
را قصد آنحضرت مطلع ساخت خدا آنحضرت را صلی الله علیه وسلم اطلاع داد تا آن نامه را از راه
باز آوردند و خدا تعالی منع دوستی کفار نازل ساخت يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْا عَدُوِّيْ
وَعَدُوَّكُمْ اَوْلِيَاءَ تُلْقُوْنَ اِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوْا بِمَا جَاءَكُمْ مِّنَ الْحَقِّ
يُخْرِجُوْنَ الرَّسُوْلَ وَاِيَّاكُمْ اَنْ تُؤْمِنُوْا بِاللّٰهِ رَبِّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا
فِيْ سَبِيْلِيْ وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِيْ تُسِرُّوْنَ اِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَاَنَا اَعْلَمُ بِمَا اَخْفَيْتُمْ وَمَا
اَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَّفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيْلِ ای مسلمانان دوستی مگیرید دشمنان
مرا و دشمنان خود را می افکنید بسوی ایشان پیغام بسبب دوستی و هر آینه ایشان کافر شدند بانچه آمده است شما را از
دین راست جلا وطن میکنند پیغامبر را و شما را نیز برای آنکه ایمان آوردند بخدای پروردگار خویش دوست
میگیرید اگر برآمده آید از اوطان خود برای جهاد در راه من و طلب رضامندی من پنهان میفرستید بسوی ایشان
پیغام بسبب دوستی و من میدانم آنچه پنهان می کنید و آنچه آشکار مینمایید و هر که از شما کند این کار هر آینه غلط کرد راه
هموار را اِنْ يَّثْقَفُوْكُمْ يَكُوْنُوْا لَكُمْ اَعْدَاءً وَّيَبْسُطُوْا اِلَيْكُمْ اَيْدِيَهُمْ وَاَلْسِنَتَهُمْ بِالسُّوْٓءِ
وَوَدُّوْا لَوْ تَكْفُرُوْنَ اگر کافران یابند شما را دشمن باشند در حق شما و بکشایند بسوی شما دستهای خود را
و زبانهای خود را بایذا و دوست دارند که کافر شوید لَنْ تَنْفَعَكُمْ اَرْحَامُكُمْ وَلَا اَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ سود نخواهند داد شما را خویشاوندان شما و نه فرزندان شما
روز قیامت فیصل خواهد کرد خدا در میان شما و خدا بآنچه میکنید بینا است قَدْ كَانَتْ لَكُمْ اُسْوَةٌ
حَسَنَةٌ فِيْ اِبْرٰهِيْمَ وَالَّذِيْنَ مَعَهٗ اِذْ قَالُوْا لِقَوْمِهِمْ اِنَّا بُرَءٰٓؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُوْنَ

من دون الله كفرنا بكم وبدا بيننا وبينكم العداوة والبغضاء ابدا حتى تؤمنوا
بالله وحده الا قول ابراهيم لابيه لاستغفرن لك وما املك لك من الله
من شيء ربنا عليك توكلنا واليك انبنا واليك المصير هر اینه هست شما را پیروی
نیک با ابراهیم و آنانکه همراه او بودند چون گفتند قوم خود را هر آینه ما بی تعلقیم از شما و از آنچه می پرستید بجز خدا
نامعتقد شدیم بشما و پیدا آمد میان ما و شما دشمنی و ناخوشی همیشه تا وقتیکه ایمان آرید بخدا تنها تا شما را پیروی
نیک است با ابراهیم مگر در قول ابراهیم پدر خود را که البته آمرزش طلب خواهم کرد برای تو و نمی توانم از خدا
چیزی یعنی در قول اقتدا با ابراهیم نشاید کردن که استغفار برای کافر درست نیست والله اعلم گفت ابراهیم ای
پروردگار ما بر تو توکل کردیم و بسوی تو رجوع نمودیم و بسوی تو است بازگشت ربنا لا تجعلنا فتنة
للذين كفروا واغفر لنا ربنا انك انت العزيز الحكيم ای پروردگار ما مکن ما را زیر دست
کافران و بیامرز برای ما ای پروردگار ما هر اینه توئی غالب با حکمت لقد كان لكم فيهم اسوة
حسنة لمن كان يرجوا الله واليوم الآخر ومن يتول فان الله هو الغني الحميد
هر اینه هست شما را بجماعه مذکوره اقتدا و نیک کسی را از شما که امید دارد ملاقات خدا را و روز آخرت را و هر که
روی گردان شود پس هر اینه خدا بی نیاز ستوده کار است عسى الله ان يجعل بينكم وبين الذين
عاديتم منهم مودة والله قدير والله غفور رحيم نزدیک است خدا از آنکه پیدا کند
در میان شما و در میان آنانکه دشمنی داشته اید با آنها دوستی را یعنی آنان را توفیق اسلام دهد و خدا
توانا است و خدا آمرزگار مهربان است لا ينهكم الله عن الذين لم يقاتلوكم في الدين ولم
يخرجوكم من دياركم ان تبروهم وتقسطوا اليهم ان الله يحب المقسطين منع نمی کند
خدا شما را از مواصلت آنانکه جنگ کرده اند با شما در مقدمه دین و بیرون نکرده اند شما را از جاهای شما منع نمیکند
از آنکه احسان کنید با ایشان و انصاف کنید در حق ایشان و هر اینه خدا دوست میدارد انصاف کنندگان را
انما ينهكم الله عن الذين قاتلوكم في الدين واخرجوكم من دياركم وظاهروا
على اخراجكم ان تولوهم ومن يتولهم فاولئك هم الظالمون جز این نیست که منع میکند خدا شما را

ومن يتولهم

از مواصلت آنانکه جنگ کرده اند با شما در مقدمه دین و بیرون کردند شما را از خانهای شما و معاونت دیگران
کردند در برآوردن شما منع میکند از آنکه دوستی دارید با ایشان و هر که دوستی دارد با ایشان پس آنجماعه ایشانند
ستمکاران مترجم گوید در صلح حدیبیه بعض نساء کفار هجرت کرده بمدینه می آمدند و بعض نساء مسلمین مرتد
گشته بکفار ملحق میشدند خدایتعالی حکم اینجماعه بیان فرمود والله اعلم یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذَا جَاءَکُمُ
الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِیمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ
فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْکُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ یَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُمْ مَا أَنْفَقُوا
وَلَا جُنَاحَ عَلَیْکُمْ أَنْ تَنْکِحُوهُنَّ إِذَا آتَیْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِکُوا بِعِصَمِ الْکَوَافِرِ
وَاسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلْیَسْأَلُوا مَا أَنْفَقُوا ذَلِکُمْ حُکْمُ اللَّهِ یَحْکُمُ بَیْنَکُمْ وَاللَّهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ
ای مسلمانان چون بیاید پیش شما زنان مسلمان هجرت کرده پس امتحان کنید ایشان را یعنی قسم دهید که بسبب ناخوشی
شوهران خود یا بسبب عشق مردان دیگر نیامده اند والله اعلم خدا داناتر است بایمان ایشان پس اگر مسلمان دانید
ایشان را باز نفرستید ایشان را بسوی کافران نه این زنان حلال اند کافران را و نه آن کافران حلال اند این زنان را و بدهید
بشوهران آنچه خرج کردند یعنی مهر بکه شوهران کفار داده بودند باز گردانید والله اعلم و نیست گناه بر شما که نکاح
کنید با ایشان چون بدهید ایشان را مهر ایشان و نگاه ندارید دست آویز زنان نامسلمان را یعنی بر نکاح کافره
اقامت نباید کرد و طلب کنید آنچه شما خرج کردید و باید که مشرکان طلب کنند آنچه خرج کرده اند یعنی اگر زنی
مرتد شده با مشرکان ملحق شود مهر او را باید طلبید و اگر زنی مسلمان شده هجرت کند مهر او باید کرد والله اعلم
اینست حکم خدا فیصل کند میان شما و خدا دانا با حکمت است وَإِنْ فَاتَکُمْ شَیْءٌ مِنْ أَزْوَاجِکُمْ إِلَى
الْکُفَّارِ فَعَاقَبْتُمْ فَآتُوا الَّذِینَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِثْلَ مَا أَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِی
أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ و اگر از دست شما برود کسی از زنان شما بطرف کافران پس عقوبت رسانید
کافران را یعنی غنیمت ستانید از ایشان پس بدهید آنانرا که رفته باشند زنان ایشان مانند آنچه خرج کردند
و بترسید از خدا که شما او را باور دارنده اید مترجم گوید اگر کفار معاهد باشند و زنی مرتده با ایشان ملحق گردد از ایشان
مهر باید طلبید چنانچه در آیت سابقه معلوم شد و اگر کفار حربیان باشند از غنایم اموال ایشان شوهران مرتده را

مهر باید

مهربانی داد و بعد فتح مکه این احکام مرتفع شد نزدیک این فقیر نسخ این احکام ثابت نشده است بلکه ممکن است
که در صلح حدیبیه بود باز روی دهد محتمل که به همین احکام عمل کرده شود والله اعلم یا ایها النبی اذا
جاءک المؤمنت یبایعنک علی ان لا یشرکن بالله شیئا و لا یسرقن و لا یزنین
و لا یقتلن اولادهن و لا یاتین ببهتان یفترینه بین ایدیهن و ارجلهن
و لا یعصینک فی معروف فبایعهن و استغفر لهن الله ان الله غفور
رحیم • ای پیغامبر چون بیایند نزدیک تو زنان مسلمان که بیعت کنند با تو باین شرط که شریک
مقرر نکنند با خدا چیزی را و دزدی نکنند و زنا نکنند و نکشند اولاد خود را و پیش نیارند سخن دروغ
که بر بسته باشند آن را در میان دستهای خویش و در میان پایهای خویش یعنی فرزند کسی را بدیگری منسوب نکنند
والله اعلم و بیفرمانی نکنند ترا در کار نیک پس بیعت قبول کن از ایشان و طلب آمرزش کن برای ایشان
از خدا هر اینه خدا آمرزگار مهربان است یا ایها الذین امنوا لا تتولوا قوما غضب الله
علیهم قد یئسوا من الاخرة کما یئس الکفار من اصحب القبور • ای مسلمانان
دوستی مدارید با گروهی که خشم گرفته است خدا بر آنها الجماعه ناامید شده اند از ثواب آخرت چنانکه ناامید
شده اند آن کافران که از اهل گورند یعنی خدا تعالی حکم بعذاب ایشان کرده است پس هرگز ایمان نیارند و ثواب
نیابند چنانکه کافران بعد مردن بر کفر توقع ثواب ندارند

سورة الصف مدنیة اربع عشر آیة

بسم الله الرحمن الرحیم • سبح لله ما فی السموت و ما فی الارض و هو
العزیز الحکیم • بپاکی یاد کرد خدا را آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین است و اوست غالب
با حکمت یا ایها الذین امنوا لم تقولون ما لا تفعلون • ای مسلمانان چرا گویید آنچه نمی کنید
کبر مقتا عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون • بسیار ناپسند شد نزدیک خدا آنکه بگویید
چیزی که نکنید یعنی بخدا عهد کنید و بوفا نرسید والله اعلم ان الله یحب الذین یقاتلون فی
سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص • هر اینه خدا دوست میدارد آنان را که جنگ می کنند
در راه خدا صف زده گویا ایشان عمارتی هستند محکم با یکدیگر چسپیده و اذ قال موسی لقومه

يَا قَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ

اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۔ و یاد کن چون گفت موسی مر

خود را ای قوم من چرا میرنجانید مرا و هر آینه میدانید که من فرستاده خدایم بسوی شما پس چون کج

کردند کج ساخت خدا دل ایشانرا و خدا راه نمی نماید قوم بدکاران را وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاةِ

وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ

قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ۔ و یاد کن چون گفت عیسی پسر مریم ای بنی اسرائیل من پیغمبر خدایم بسوی

شما باور دارنده آنچه پیش دست منست از توریت و بشارت دهنده به پیغامبری که بیاید بعد از من که نام

او احمد باشد پس چون آمد احمد صلی الله علیه وسلم پیش ایشان با معجزه گفتند این سحریست ظاهر وَمَنْ أَظْلَمُ

مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي

الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۔ و کیست ستمکارتر از کسی که بربست بر خدا دروغ را و خوانده میشود بسوی اسلام

و خدا راه نماید گروه ستمکاران را يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ

نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ۔ میخواهند این کافران که فرو نشانند نور خدا بدهن خویش و خدا تمام

کننده نور خود است اگرچه ناخوش دارند کافران هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى

وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ۔ اوست آنکه فرستاد

پیغامبر خود را بهدایت و دین راست تا غالب کندش بر ادیان همه اگرچه ناخوش دارند مشرکان يَا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ۔ ای مسلمانان آیا دلالت

کنم شما را بر سوداگری که برهاند شما را از عذاب دردناک دهنده تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ

فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۔ ایمان آرید

بخدا و رسول او و جهاد کنید در راه خدا باموال خود و بجان خود این بهتر است برای شما اگر میدانید

يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ

طَيِّبَةً فِي جَنّٰتِ عَدْنٍ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ • اگر اینچنین کنید بیامرزد برای شما گناهان شما را
و در آرد شما را بوستانها می‌رود در زیر آن جویها و منزلهای پاکیزه در بهشتهای همیشه باشند این است فیروزی بزرگ
وَاُخْرٰى تُحِبُّوْنَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللّٰهِ وَفَتْحٌ قَرِيْبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ • و بدهد نعمتی دیگر که دوست
میدارید بش آن نعمت نصرت از جانب خداست و فتحی قریب الحصول است و مژده ده مسلمانان را
يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُوْنُوْٓا اَنْصَارَ اللّٰهِ كَمَا قَالَ عِيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيّٖنَ
مَنْ اَنْصَارِيْٓ اِلَى اللّٰهِ قَالَ الْحَوَارِيُّوْنَ نَحْنُ اَنْصَارُ اللّٰهِ فَاٰمَنَتْ طَّآئِفَةٌ مِّنْ بَنِيْٓ
اِسْرَآئِيْلَ وَكَفَرَتْ طَّآئِفَةٌ فَاَيَّدْنَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا عَلٰى عَدُوِّهِمْ فَاَصْبَحُوْا ظٰهِرِيْنَ
ای مسلمانان باشید نصرت دهنده خدا چنانچه گفت عیسی پسر مریم با یاران خاص خود کیستند نصرت دهندگان
من بسوی خدا گفتند حواریان مائیم نصرت دهندگان خدا پس در ترویج دین عیسی سعی کردند پس ایمان آوردند
جمعی از بنی اسرائیل و کافر ماندند جمعی پس قوت دادیم مومنان را بر دشمنان ایشان پس شدند غالب
سورة الجمعة [illegible]
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوْسِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ
بپاکی یاد میکند خدا را آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است خدا بادشاه نهایت پاک غالب با حکمت
هُوَ الَّذِيْ بَعَثَ فِي الْاُمِّيّٖنَ رَسُوْلًا مِّنْهُمْ يَتْلُوْا عَلَيْهِمْ اٰيٰتِهٖ وَيُزَكِّيْهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ
الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَاِنْ كَانُوْا مِنْ قَبْلُ لَفِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ • اوست آنکه برانگیخت
در ناخواندگان یعنی عرب پیغامبری از قوم ایشان میخواند بر ایشان آیات او را و پاک میکند ایشان را
و می آموزد ایشان را کتاب و دانش و هر آینه ایشان بودند پیش ازین در گمراهی ظاهر وَّاٰخَرِيْنَ
مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوْا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ • و نیز مبعوث کرد آن پیغامبر را در قومی دیگر
از بنی آدم که هنوز نه پیوسته اند با مسلمانان یعنی فارس و سایر عجم و اوست غالب با حکمت ذٰلِكَ
فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَنْ يَّشَآءُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ • این است فضل خدا
میدهد بش هرکه خواهد و خداوند فضل بزرگ است مَثَلُ الَّذِيْنَ حُمِّلُوا التَّوْرٰىةَ ثُمَّ

لم يحملوها كمثل الحمار يحمل اسفارا بئس مثل القوم الذين كذبوا بايات الله
والله لا يهدي القوم الظلمين • داستان آنانکه نهاده شد بر بنی اسرائیل توریة باز نبردند آنرا
یعنی بر وفق آن عمل نکردند مانند داستان خر است که بردارد کتابها را بد است داستان قومیکه بدروغ
می شمردند آیات خدا و خدا راه نمی نماید گروه ستمکاران را قل یا ایها الذین هادوا ان زعمتم انکم
اولیاء لله من دون الناس فتمنوا الموت ان کنتم صادقین • بگو ای یهود اگر گمان
دارید که شما دوستان خدا اید بجز سایر مردمان پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید راستگویان و لا
یتمنونه ابدا بما قدمت ایدیهم والله علیم بالظالمین • و آرزو نخواهند کرد آنرا هرگز
بسبب آنچه پیش فرستاده است دست ایشان و خدا داناست بستمکاران قل ان الموت الذی
تفرون منه فانه ملاقیکم ثم تردون الی عالم الغیب والشهادة فینبئکم بما
کنتم تعملون • بگو هر آینه مرگی که بر میگریزید از ان البته وی رسنده است بشما باز رجوع کرده خواهید شد بسوی
داننده نهان و آشکارا پس خبر دهد شما را بآنچه میکردید یا ایها الذین امنوا اذا نودی للصلوة من یوم
الجمعة فاسعوا الی ذکر الله وذروا البیع ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون • ای مسلمانان
چون اذان داده شود برای نماز در روز جمعه پس سعی کنید بسوی یاد کرد خدا و بگذارید خرید و فروخت را
این بهتر است شما را اگر میدانید فاذا قضیت الصلوة فانتشروا فی الارض وابتغوا
من فضل الله واذکروا الله کثیرا لعلکم تفلحون • پس چون تمام کرده شود نماز متفرق
شوید در زمین و طلب کنید از فضل خدا و یاد کنید خدا را بسیار تا شما رستگار شوید واذا راوا تجارة
او لهوا انفضوا الیها وترکوک قائما قل ما عند الله خیر من اللهو ومن
التجارة والله خیر الرازقین • و آن مسلمانان چون بینند کاروانی را یا بازی را متفرق شده
توجه شوند بسوی آن و بگذارند ترا ایستاده یعنی در خطبه بگو آنچه نزدیک خداست بهتر است از بازی
و سوداگری و خدا بهترین روزی دهندگان است مترجم گوید این آیت عتابست بر اصحاب و اشارت است بآن
قصه که کاروانی از شام آمد و در اثنای خطبه آنرا دیده متفرق شدند و در خدمت آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم

نماندند

نمانند بکرد و ازده شخص که حضرت ابوبکر و عمر از انجمله بودند والله اعلم

سورة المنافقون مدنية

احدى عشر آية

بسم الله الرحمن الرحيم اذا جاءك المنافقون قالوا نشهد
انك لرسول الله والله يعلم انك لرسوله والله يشهد ان المنافقين لكذبون ·
چون بیایند پیش تو منافقان گویند گواهی میدهیم که تو پیغمبر خدائی و خدا میداند که تو اوئی و خدا گواهی میدهد
که منافقان دروغ گوی اند مترجم گوید پیش منافقان در بعض اسفار بکلمات نفاق تکلم شد آن شخص را از انصار
بعض آنحضرت صلی الله علیه وسلم رسانید منافقان بمجلس شریف آمده قسم خوردند که مرتکب آن کلمات نشده اند این
سوره در حکایات آن اقوال و تهدید و تکذیب ایشان نازل شد اتخذوا ايمانهم جنة فصدوا
عن سبيل الله انهم ساء ما كانوا يعملون · سپر گرفته اند قسمهای خود را پس باز مانند از راه خدا
هرآینه ایشان بد است آنچه میکنند ذلك بانهم آمنوا ثم كفروا فطبع على قلوبهم
فهم لا يفقهون · این بسبب آنست که ایشان ایمان آوردند باز کافر شدند پس مهر کرده شد بر
دل ایشان پس ایشان نمیفهمند واذا رأيتهم تعجبك اجسامهم وان يقولوا تسمع
لقولهم كانهم خشب مسندة يحسبون كل صيحة عليهم هم العدو فاحذرهم
قاتلهم الله انى يؤفكون · و چون به بینی ایشان را متعجب کند ترا ابدان ایشان و اگر بگویند گوش نهی
بسخن ایشان گویا ایشان چوبها اند بدیوار باز نهاده می پندارند هر آواز تندی را هلاکی بر خود ایشان اند دشمنان
پس بترس از ایشان لعنت کرد ایشان را خدا از کجا گردانیده میشوند واذا قيل لهم تعالوا يستغفر
لكم رسول الله لووا رءوسهم ورأيتهم يصدون وهم مستكبرون · چون گفته شود
منافقان را بیائید تا طلب آمرزش کند برای شما پیغامبر خدا بجنبانند سر خود را و به بینی ایشان را که روی
میگردانند تکبر کنان سواء عليهم استغفرت لهم ام لم تستغفر لهم لن يغفر الله
لهم ان الله لا يهدى القوم الفاسقين · یکسان است در حق این جماعه که آمرزش طلب کنی
برای ایشان یا آمرزش نطلبی برای ایشان نخواهد آمرزید خدا ایشان را هرآینه خدا راه نمی نماید گروه فاسقان را
هم الذين يقولون لا تنفقوا على من عند رسول الله حتى ينفضوا ولله

خزائن السموات والارض ولکن المنفقین لا یفقهون . ایشانند آنکه میگویند یاران
خود را خرج مکنید بر جماعه که نزد رسول خدااند یعنی بر فقراء مهاجرین تا پراکنده شوند و خدا راست خزانهای
آسمان و زمین ولکن منافقان نمیدانند یقولون لئن رجعنا الی المدینة لیخرجن الاعز منها　　لئن
الاذل ولله العزة ولرسوله وللمؤمنین ولکن المنفقین لا یعلمون . میگویند اگر
رسیم بمدینه برآرد بزرگتر خوارتر را از مدینه یعنی تو اگر راه اهل نفاق فقراء مسلمین را و خدا راست بزرگی
و پیغامبر او را و مسلمانان را ولیکن منافقان نمیدانند یا ایها الذین امنوا لا تلهکم اموالکم ولا
اولادکم عن ذکر الله ومن یفعل ذلک فاولئک هم الخاسرون . ای مسلمانان
مشغول نگرداند شما را اموال شما و فرزندان شما از یاد کرد خدا هرکه بکند این کار پس آن جماعه ایشانند
زیان کاران وانفقوا مما رزقنکم من قبل ان یاتی احدکم الموت فیقول رب
لولا اخرتنی الی اجل قریب فاصدق واکن من الصلحین . و خرج کنید از آنچه
روزی کرده ایم شما را پیش از آنکه بیاید یکی از شما را مرگ پس گوید ای پروردگار من کاش موقوف
گذاشتی مرا تا مدتی اندک تا صدقه دادمی و شدمی از صالحان ولن یؤخر الله نفسا اذا جاء
اجلها والله خبیر بما تعملون . و هرگز مهلت ندهد خدا هیچکس را چون بیاید اجل او و خدا خبردار
است بآنچه میکنید سورة التغابن مدنیة ثمان عشر آیه　بسم الله الرحمن الرحیم
یسبح لله ما فی السموات وما فی الارض له الملک وله الحمد وهو علی کل
شیء قدیر . پاکی یاد میکند خدای را آنچه در آسمانهاست و هرچه در زمین است او راست
پادشاهی و او راست ستایش و او بر همه چیز توانا است هو الذی خلقکم فمنکم کافر
ومنکم مؤمن والله بما تعملون بصیر . اوست آنکه آفرید شما را پس بعض از شما کافر است
و بعض از شما مومن و خدا بآنچه میکنید بینا است خلق السموات والارض بالحق وصورکم
فاحسن صورکم والیه المصیر . آفرید آسمانها و زمین تدبیر درست و صورت بست
شما را پس نیک ساخت صورتهای شما را و بسوی اوست بازگشت یعلم ما فی السموات

والارض

ثلث

وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ
میداند آنچه در آسمانهاست و زمین و میداند آنچه پنهان میدارید و آنچه آشکارا میکنید و خدا داناست
بمکنون سینها أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ آیا نیامده است بشما خبر آنانکه کافر بودند پیش از این پس چشیدند وبال کار خود را
و ایشانراست عذاب درددهنده ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا
أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ این عذاب
بسبب آنست که می آمدند پیش ایشان پیغامبران ایشان با معجزها پس گفتند آیا آدمیان راه نمایند ما را پس
کافر شدند و روی گردانیدند و بی نیاز است خدا و خدا توانگر ستوده است زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا
أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ
پنداشتند کافران که انگیخته نخواهند شد بگو آری قسم بپروردگار من البته برانگیخته شوید باز خبر داده شود
شما را بآنچه میکردید و این بر خدا آسانست فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي
أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ پس ایمان آرید بخدا و رسول او و بنوریکه فرو فرستاده ایم
یعنی قرآن و خدا بآنچه میکنید خبردار است يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ
وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ خبر داده شود شما را وقتیکه
بهم آرد شما را در روز قیامت آن روز روز ظهور غبن بعضی بنسبت بعضی باشد و هرکه ایمان آرد بخدا و بکند
کار شایسته دور کند از وی جرمهای او را و در آرد وی را در بوستانها میرود در زیر آن جویها جاویدان
آنجا همیشه اینست فیروزی بزرگ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ
خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ و آنانکه کافر شدند و بدروغ نسبت کردند آیات ما را آنجماعه اهل دوزخ اند
جاویدان آنجا و بد جایی است دوزخ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ
بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ نرسد هیچ مصیبت مگر بحکم خدا و هرکه رجوع کند بخدا راه نماید

شی

دل او را و خدا بهر چیز دانا است وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى
رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۝ و فرمان برداری کنید خدا را و فرمان برداری کنید رسول او را پس اگر
روگردان شوید پس جز این نیست که بر پیغامبر ما پیغام رسانیدن آشکارا است اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى
اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝ خدا هیچ معبود نیست مگر او و بر خدا باید که توکل کنند مومنان يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعْفُوا
وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ ای مسلمانان هر آینه بعض از زنان شما و بعض اولاد
شما دشمنان اند در حق شما پس بترسید از ایشان یعنی از آنکه بر بخل حمل کنند و اگر درگذر کنید و روی بگردانید
و بیامرزید پس هر آینه خدا آمرزگار مهربان است إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ
أَجْرٌ عَظِيمٌ ۝ جز این نیست که اموال شما و اولاد شما امتحان است و خدا نزدیک او است مزد بزرگ
فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقَ
شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ پس بترسید از خدا آنقدر که توانید و سخن بشنوید و فرمان
برداری کنید و خرج کنید بهتر باشد برای جان شما و هر که نگاه داشته شد از بخل نفس خود پس آن جماعه ایشان اند
رستگاران إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ
اگر قرض دهید خدا را قرض نیکو دو چندان دهد آن را برای شما و بیامرزد و خدا قدر شناس بردبار است عَالِمُ
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ داننده پنهان و آشکارا غالب با حکمت سورة الطلاق
مدنية اثنا عشر آية بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ
فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ
بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ
يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَٰلِكَ أَمْرًا
ای پیغامبر بگو امت خود را چون اراده کنید طلاق دادن زنان پس طلاق دهید ایشان را در اول عدت ایشان
یعنی در اول طهری که مساس نکرده باشید و شمار کنید عدت را و بترسید از خدای پروردگار خویش بیرون مکنید

ایشان را

ایشان را از خانهای ایشان و باید که ایشان نیز بیرون نیایند مگر آنکه بعمل آرند کاری بجایی آشکار و این
حدها مقرر کرده خداست و هرکه تجاوز کند از حدهای خدا پس هر آینه ستم کرد بر جان خویش هیچکس نمیداند
شاید که خدا پیدا کند بعد از طلاق کاری را یعنی موافقت پدید آید و مراجعت کنید والله اعلم فاذا
بَلَغْنَ اَجَلَهُنَّ فَاَمْسِكُوْهُنَّ بِمَعْرُوْفٍ اَوْ فَارِقُوْهُنَّ بِمَعْرُوْفٍ وَّاَشْهِدُوْا عَدْلٍ ٢ ذوی
مِّنْكُمْ وَاَقِيْمُوا الشَّهَادَةَ لِلّٰهِ ذٰلِكُمْ يُوْعَظُ بِهٖ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ
وَمَنْ يَّتَّقِ اللّٰهَ يَجْعَلْ لَّهٗ مَخْرَجًا وَّيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَّتَوَكَّلْ
عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهٗ اِنَّ بَالِغُ اَمْرِهٖ قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا پس چون نزدیک ٢ الله
رسند مطلقات بمعاد خود پس نگاه دارید ایشان را بوجه پسندیده یا جدا شوید از ایشان بوجه پسندیده
و گواه گیرید دو کس صاحب تقوی را از قوم خود و راست ادا کنید شهادت را برای خدا این حکم پند داده میشود
بآنکه هرکه مؤمن باشد بخدا و بروز آخرت و هرکه بترسد از خدا پدید آرد برای او مخلصی و رزق دهدش از انجا که گمان
ندارد و هرکه توکل کند بر خدا پس او بس است او را هر آینه خدا رسنده است بمراد خود هر آینه ساخته است خدا هر چیز
را اندازه وَالّٰٓـِٔيْ يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيْضِ مِنْ نِّسَآئِكُمْ اِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلٰثَةُ
اَشْهُرٍ وَّالّٰٓـِٔيْ لَمْ يَحِضْنَ وَاُولَاتُ الْاَحْمَالِ اَجَلُهُنَّ اَنْ يَّضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ
يَّتَّقِ اللّٰهَ يَجْعَلْ لَّهٗ مِنْ اَمْرِهٖ يُسْرًا و زنانیکه نومید شده اند از حیض از جمله زنان شما یعنی از مطلقات
اگر شبه افتاده آید پس عدة ایشان سه ماه است و زنانیکه هنوز بحیض نرسیده اند نیز عدت ایشان سه ماه است
و خداوندان حمل عدت ایشان آنست که بنهد حمل خود را و هرکه بترسد از خدا پدید آرد برای او در کار او
آسانی ذٰلِكَ اَمْرُ اللّٰهِ اَنْزَلَهٗ اِلَيْكُمْ وَمَنْ يَّتَّقِ اللّٰهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّاٰتِهٖ وَيُعْظِمْ لَهٗ اَجْرًا
این حکم خداست که فرود آورد بسوی شما و هرکه بترسد از خدا دور کند از وی جرمهای او را و بزرگ دهد او را مزد
اَسْكِنُوْهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِّنْ وُّجْدِكُمْ وَلَا تُضَآرُّوْهُنَّ لِتُضَيِّقُوْا عَلَيْهِنَّ
وَاِنْ كُنَّ اُولَاتِ حَمْلٍ فَاَنْفِقُوْا عَلَيْهِنَّ حَتّٰى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَاِنْ اَرْضَعْنَ لَكُمْ
فَاٰتُوْهُنَّ اُجُوْرَهُنَّ وَاْتَمِرُوْا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوْفٍ وَاِنْ تَعَاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهٗٓ اُخْرٰى

ساکن کنید زنان مطلقه را جایی که شما باشید قدر طاقت خود و باید امر رسانید ایشان را تا تنگ گیرید بر ایشان

و اگر باشند خداوند حمل پس خرج کنید بر ایشان تا آنکه بنهند حمل خود را پس اگر شیر دهند فرزندان شما را پس بدهید

ایشان را مزد ایشان و حکم کنید هر کار فرمائی کنید در میان خویش بوجه پسندیده و اگر مضایقه کردید پس شیر خواهد

داد بفرموده او زنی دیگر لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ — رزقه

اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا ۝ باید که خرج کند صاحب

توانگری بقدر طاقت خویش و هر که تنگ کرده شده بروی روزی او پس خرج کند از آنچه عطا کرده است او را خدا تکلیف

نمیکند خدا هیچ کس را مگر بحسب آنچه داده است او را زود باشد که خواهد آورد خدا بعد از تنگدستی آسانی وَكَأَيِّنْ

مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا

نُكْرًا ۝ و بسا دیه که تجاوز کرد از فرمان پروردگار خویش و از فرمان پیغمبران او پس حساب کردیم با او حسابی

سخت و عقوبت کردیم او را عقوبتی دشوار فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا

خُسْرًا ۝ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۝ پس چشید سزای خود و شد سرانجام کار او زیان

کاری مهیا کرده است خدا تعالی برای ایشان عذاب سخت فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ

آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا ۝ پس بترسید از خدای خداوندان خرد ای مسلمانان هر آینه

فرود آورده است خدا بسوی شما کتابی رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا

يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا

فرستاده است پیغامبری میخواند بر شما آیات خدا را واضح آمده تا برآرد آنان را که ایمان آوردند و کارهای شایسته

کردند از تاریکیها بسوی روشنی و هر که ایمان آرد بخدا و کار شایسته در آردش بهوستانها میرود زیر

آن جویها جاودان آنجا همیشه هر آینه بوجه نیک ساخته است خدا برای او رزق را اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ

سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ

شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا خدای آنست که آفرید هفت آسمان و آفرید از

زمین

زمین مانند آن فرود می آید تدبیر کار در میان آسمانها و زمینها بیان کردیم تا بدانید خدا بر همه چیز تواناست و نیز بدانید که خدا بگرد آمده است هر چیز را باعتبار علم

سورة التحريم مدنية اثنتا عشرة آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ مترجم گوید آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم ماریه قبطیه سریه خود ساخت و ازواج آنحضرت غیرت کردند و آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم برای خاطر داشت ایشان ماریه را بر خود حرام گردانید و آنحضرت سری از اسرار خود با بعض ازواج اظهار نمود و در کتمان آن مبالغه کرد آن زوجه دیگری اظهار نمود آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم بطریق وحی بر افشای آن سر مطلع شدند و بنوعی از رمز آن قصه بیان نهاده شد و عتاب فرمودند خدا تعالی در باب بند ازواج طاهرات و تهدید ایشان نازل ساخت والله اعلم

يٰۤاَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَاۤ اَحَلَّ اللّٰهُ لَكَ تَبْتَغِيْ مَرْضَاتَ اَزْوَاجِكَ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ای پیغامبر چرا حرام میکنی چیزی را که حلال ساخته است خدا برای تو میطلبی خوشنودی زنان خود و خدا آمرزگار مهربان است قَدْ فَرَضَ اللّٰهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ اَيْمَانِكُمْ وَاللّٰهُ مَوْلٰىكُمْ وَهُوَ الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ هر آینه مشروع ساخته است خدا برای شما گشادن سوگندهای شما یعنی باداء کفارت و خدا کارساز شماست و اوست دانا با حکمت وَاِذْ اَسَرَّ النَّبِيُّ اِلٰى بَعْضِ اَزْوَاجِهٖ حَدِيْثًا فَلَمَّا نَبَّاَتْ بِهٖ وَاَظْهَرَهُ اللّٰهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهٗ وَاَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّاَهَا بِهٖ قَالَتْ مَنْ اَنْبَاَكَ هٰذَا قَالَ نَبَّاَنِيَ الْعَلِيْمُ الْخَبِيْرُ و یاد کن چون پنهان گفت پیغامبر با بعض زنان خود سخنی را پس چون افشای کرد آن سخن را و مطلع ساخت خدا تعالی پیغامبر را بر افشای آن سخن شناسا کرد پیغامبر بعض آن سخن و اعراض کرد از ذکر بعض پس وقتی که خبردار کرد آن زن را بافشا آن زن گفت که خبر داد ترا باین افشای راز پیغامبر فرمود خبر داد مرا خدای دانا خبردار اِنْ تَتُوْبَاۤ اِلَى اللّٰهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوْبُكُمَا وَاِنْ تَظٰهَرَا عَلَيْهِ فَاِنَّ اللّٰهَ هُوَ مَوْلٰىهُ وَجِبْرِيْلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمَلٰۤئِكَةُ بَعْدَ ذٰلِكَ ظَهِيْرٌ ای دو زن پیغمبر یعنی حفصه و عائشه والله اعلم اگر رجوع کنید بسوی خدا خوش باشد هر آینه کج شده است دل شما و اگر با هم متفق شوید بر رنجانیدن پیغامبر پس هر آینه خدا کارساز اوست و جبرئیل و مردمان شایسته از مسلمانان و نیز فرشتگان بعد از این مددکاراند عَسٰى رَبُّهٗۤ اِنْ طَلَّقَكُنَّ اَنْ

يبدله ازواجا خيرا منكن مسلمت مؤمنت قنتت تئبت عبدت سئحت
ثيبت وابكارا ۝ اگر طلاق دهد پیغامبر شما را نزدیک است که پروردگار او عوض دهد برای او زنان دیگر
بهتر از شما گردن نهادگان باور دارندگان دعا کنندگان توبه نمایندگان عبادت بجا آرندگان روزه دارندگان
شوهر دیدگان و شوهر نادیدگان يا يها الذين امنوا قوا انفسكم واهليكم نارا وقودها
الناس والحجارة عليها ملئكة غلاظ شداد لا يعصون الله ما امرهم ويفعلون
ما يؤمرون ۝ ای مسلمانان نگاه دارید خویشتن را و اهل خانه را از آتشی که آتش انگیزان مردمان باشند
و سنگها نیز بران آتش موکل اند فرشتگان درشت خو سخت رو نافرمانی نمیکنند در آنچه فرموده است
خدا ایشان را و می کنند هرچه حکم میشود ایشان را يا يها الذين كفروا لا تعتذروا اليوم انما
تجزون ما كنتم تعملون ۝ آن روز گویم ای کافران عذر پیش میارید امروز جز این نیست
که جزا داده میشود شما را بحسب آنچه میکردید يا يها الذين امنوا توبوا الى الله توبة
نصوحا عسى ربكم ان يكفر عنكم سيئاتكم ويدخلكم جنت تجري من
تحتها الانهار يوم لا يخزي الله النبي والذين امنوا معه نورهم يسعى
بين ايديهم وبايمانهم يقولون ربنا اتمم لنا نورنا واغفر لنا انك
على كل شيء قدير ۝ ای مسلمانان رجوع کنید بسوی خدا رجوع خالص امید هست از پروردگار
شما که زایل کند از شما جرمهای شما را و در آرد شما را ببوستانها میرود زیر آن جویها روزیکه رسوا
نکند خدا تعالی پیغامبر را ونه آنان را که ایمان آورده اند همراه او نور ایشان میرود میان دو
دست ایشان و بجانب راست ایشان میگویند ای پروردگار ما تمام ده برای ما نور ما را و بیامرز ما را
هر آینه تو بر هر چیز توانائی يا يها النبي جاهد الكفار والمنفقين واغلظ عليهم و
ماوىهم جهنم وبئس المصير ۝ ای پیغامبر جهاد کن با کافران و با منافقان و درشت
شو بر ایشان و جای ایشان دوزخ است و بد جائی است وی ضرب الله مثلا للذين
كفروا امرات نوح وامرات لوط كانتا تحت عبدين من عبادنا صلحين

فخا

فخانتاهما فلم یغنیا عنهما من الله شیئا و قیل ادخلا النار مع الداخلین ۝ پدید
آورد خدا داستانی را برای آنانکه کافر شدند زن نوح و زن لوط را بودند زیر نکاح دو بنده نیک
از بندگان ما پس خیانت کردند با آن دو بنده پس دفع نکردند ایشان از آن دو زن چیزی را از عذاب خدا
و گفته شود در آیید در دوزخ با در آیندگان و ضرب الله مثلا للذین آمنوا امرأت فرعون
اذ قالت رب ابن لی عندک بیتا فی الجنة و نجنی من فرعون و عمله
و نجنی من القوم الظالمین ۝ و پدید آورد خدا داستانی را برای آنانکه ایمان آوردند زن فرعون
چون گفت ای پروردگار من بنا کن برای من نزدیک خود خانه در بهشت و خلاص کن مرا از فرعون و کار او
و خلاصی ده مرا از قوم ستمکاران و مریم ابنت عمران التی احصنت فرجها
فنفخنا فیه من روحنا و صدقت بکلمات ربها و کتبه و کانت من القانتین
و مریم دختر عمران را که نگاه داشت فرج خود را پس دمیدم در فرج او روح خود را و راست داشت سخنان
پروردگار خود را و کتابهای او را و بود از فرمان برداران یعنی روح حضرت عیسی علیه السلام آمد در فرج که جای بچه
است از رحم

سورة الملك مكية وهي ثلثون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

تبارك الذي بيده الملك وهو على كل شيء قدير ۝ بسیار با برکت است آن خدا
که بدست اوست پادشاهی و او بر همه چیز توانا ان الذی خلق الموت و الحیوة لیبلوکم
ایکم احسن عملا و هو العزیز الغفور ۝ آن خدا که آفرید موت و حیات تا بیازماید
شما را از کدام یک از شما نیکوتر است در عمل و اوست غالب آمرزگار الذی خلق سبع سموات
طباقا ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل تری من فطور
آن خدا که آفرید هفت آسمان را تو بر تو نه بینی ای بنده در آفرینش خدا هیچ بی ضابطگی پس باز
گردان چشم را آیا می بینی هیچ شکستگی ثم ارجع البصر کرتین ینقلب الیک البصر
خاسئا و هو حسیر ۝ پس باز گردان چشم را دوباره تا باز آید چشم بجانب تو خوار شده
و لقد زینا السماء الدنیا بمصابیح و جعلناها رجوما للشیاطین و اعتدنا

لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ هر آینه زینت داده ایم آسمان نزدیک را بچراغها و ساختیم آن را
آلات رجم شیاطین و اماده کرده ایم برای شیاطین عذاب دوزخ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ
عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ و برای آنانکه کافر شدند بپروردگار عذاب دوزخ است و آن
بد جایی است إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ وقتیکه افکنده شوند ایشان را
بدوزخ بشنوند آنرا آوازی مانند آواز خران و دوزخ جوش میزند تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ
فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ نزدیک است که پاره پاره شود از خشم هرگاه
افکنده شود بدوزخ گروهی را سوال کنند از آن گروه نگاهبانان دوزخ آیا نیامده بود نزدیک شما هیچ
ترساننده قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي
ضَلَالٍ كَبِيرٍ گویند آری آمده بود ترساننده پس دروغ داشتیم و گفتیم نه فرود آورده است خدا هیچ چیز را
نیستید شما در گمراهی بزرگ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ و گویند
اگر شنیدیمی یا فهمیدیمی نمی شدیم داخل شده در اهل دوزخ فَاعْتَرَفُوا بِذَنْبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ
السَّعِيرِ پس اقرار کردند بگناه خویش پس لعنت باد اهل دوزخ را إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ
لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ هر آینه آنانکه می ترسند از پروردگار خویش غایبانه ایشان راست آمرزش
و مزد بزرگ وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ و پنهان
کنید سخن خود را یا آشکار گویید آنرا هر آینه خدا دانا است بآنچه در سینهها باشد أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ
وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ آیا نداند کسی که آفرید و اوست باریک بین خبردار هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ
الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ و اوست آنکه رام
ساخت برای شما زمین را پس راه روید در نواحی آن و بخورید از رزق خدا و بسوی اوست برانگیختن أَأَمِنْتُمْ
مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ آیا ایمن شده اند از کسی که در آسمانهاست
از آنکه فرو برد شما را بزمین پس ناگهان زمین جنبش کند أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ
عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ آیا ایمن شده اید از کسی که در آسمان است از آنکه بفرستد

بر شما باد سنگبار پس خواهید دانست چگونه است ترسانیدن من ولقد كذب الذين من
قبلهم فكيف كان نكير • و هر آینه دروغ داشتند آنانکه پیش از ایشان بودند پس چگونه بود عقوبت من
اولم يروا الى الطير فوقهم صافات ويقبضن ما يمسكهن الا الرحمن انه بكل
شيء بصير • آیا ندیده اند بسوی مرغان بالای خود گشاینده بازوی و گاه گاهی فراهم می آرند نگاه نمیدارد
ایشان را مگر خدا هر آینه او بهر چیز بیناست امن هذا الذي هو جند لكم ينصركم من دون
الرحمن ان الكافرون الا في غرور • آیا کیست آنکه وی لشکر است برای شما اگر باز گیرد
خدا رزق خود را بلکه محکم پیوسته اند در سرکشی و رمیدگی افمن يمشي مكبا على وجهه اهدى ام
من يمشي سويا على صراط مستقيم • آیا کسی که برود نگونسار افتاده بر روی خود راه یافته تر است
یا کسی که میرود راست ایستاده براه راست مترجم گوید این مثل است کافر و مومن را والله اعلم قل هو الذي
انشاكم وجعل لكم السمع والابصار والافئدة قليلا ما تشكرون • بگو اوست آنکه
بیافرید شما را و پدید آورد برای شما شنوائی و چشمها و دلها اندکی شکر میکنید قل هو الذي ذراكم
في الارض واليه تحشرون • بگو اوست آنکه پراکنده ساخت شما را در زمین و بسوی او بر انگیخته
خواهید شد ويقولون متى هذا الوعد ان كنتم صادقين • و میگویند کافران کی باشد این
وعده اگر راست گوید قل انما العلم عند الله وانما انا نذير مبين • بگو جز این نیست که علم
نزدیک خداست و جز این نیست که من بیم کننده آشکارا ام فلما راوه زلفة سيئت وجوه
الذين كفروا وقيل هذا الذي كنتم به تدعون • و آنگاه که بینند آن وعده را نزدیک
شده ناخوش کرده شود یعنی سیاه کرده شود روی آنانکه کافر شدند و گفته شود این است آنچه او را
میطلبید قل ارايتم ان اهلكني الله ومن معي او رحمنا فمن يجير الكافرين من
عذاب اليم • بگو آیا دیدید اگر هلاک کند مرا خدا و آن را که همراه منند یا رحمت کند بر ما بهر تقدیر که
خلاصی دهد کافران را از عذاب دردمند قل هو الرحمن امنا به وعليه توكلنا فستعلمون
من هو في ضلال مبين • بگو اوست بخشاینده بوی ایمان آوردیم و بر وی توکل نمودیم پس خواهید دانست

م
امن هذا الذي
هو يرزقكم ان امسك
رزقه بل لجوا في
عتو ونفور +

که کیست در گمراهی ظاهر قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ
بگو آیا دیدید اگر شود آب شما فرو رفته پس بیارد شما آب روان را [illegible]

[illegible] بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ نٓ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ قسم بقلم اعلی و بانچه
می نویسند فرشتگان مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ نیستی تو بفضل پروردگار خود دیوانه وَإِنَّ
لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ و هر آینه تراست مزدی بی نهایت وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ و هر آینه
و هر آینه تو بر خوی بغایت بزرگی فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ بِأَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ پس خواهی دید و ایشان نیز
خواهند دید که بکدام یک از شما دیوانگی است إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ
بِالْمُهْتَدِينَ هر آینه پروردگار تو داناتر است بکسی که غلط کرد راه او را و او نیز داناتر است براه یافتگان
فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ پس فرمان مبر دروغ دارندگان را وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ آرزو کردند کم
طاعتی کنی تا ایشان نیز طاعت کنند وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ و فرمان قبول مکن هر بسیار سوگند خورنده
محقر را هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ هر عیب کننده را هر رونده سخن چینی را مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ هر بخل کننده
بمال از حد گذشته کننده کار را عُتُلٍّ بَعْدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٍ هر سخت روی را بعد از این همه هر ملحق بقوم را
نه از اصل ایشان یعنی سنة الله است که مردم بد اصل غالبا متصف باین صفات ردیه باشند أَنْ كَانَ
ذَا مَالٍ وَبَنِينَ بسبب آنکه هست صاحب مال و فرزندان تکذیب کرد إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ
الْأَوَّلِينَ چون خوانده شود بروی آیات ما گوید افسانه پیشینیان است سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ
داغ خواهیم نهاد او را بر بینی مترجم گوید کنایت است از رسوا کردن إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ
إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ وَلَا يَسْتَثْنُونَ هر آینه ما آزمودیم ایشان را چنانکه آزموده بودیم خداوندان
بوستان را چون قسم خوردند که البته درو کنند بوستان را صباح کنان و ان شاء الله نمی گفتند فَطَافَ
عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ پس بگرد آمد بر آن بوستان بلای از جانب پروردگار تو پس
آتش در گرفت و ایشان خفته بودند فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ پس شد مانند زراعت بریده شده فَتَنَادَوْا
مُصْبِحِينَ پس با یکدیگر آواز دادند صباح کنان أَنِ اغْدُوا عَلَىٰ حَرْثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ که بگاه

رو بگشت خود کرده روکننده اید فانطلقوا وهم یتخافتون پس رفتند با یکدیگر سخن پنهان گویان
ان لا یدخلنها الیوم علیکم مسکین باید داخل نشود در بوستان امروز بر شما هیچ فقیری وغدوا علی
حرد قادرین بگاه رسیدند بر نیت بخل توانا بزعم خود فلما راوها قالوا انا لضالون پس آنگاه
که دیدند آن بوستان را گفتند هر آینه ما غلط کننده راهیم یعنی بوستان دیگر است بوستان ما نیست بل نحن
محرومون نه بلکه محروم کردگانیم قال اوسطهم الم اقل لکم لولا تسبحون گفت بهترین
ایشان آیا نگفته بودیم شما را که چرا تسبیح نمیگوئید یعنی رجوع بخدا کنید قالوا سبحن ربنا انا کنا ظلمین
گفتند پاکی یاد میکنیم پروردگار خود را هر آینه ما ستمکار بودیم فاقبل بعضهم علی بعض یتلاومون
پس روی آوردند بعض ایشان بر بعض با یکدیگر ملامت کنان قالوا یویلنا انا کنا طغین گفتند
ای وای ما هر آینه ما بودیم از حد گذشته عسی ربنا ان یبدلنا خیرا منها انا الی ربنا رغبون
امید است از پروردگار ما که عوض دهد ما را بوستان بهتر ازین هر آینه ما بسوی پروردگار خود توقع دارندگانیم
کذلک العذاب ولعذاب الاخرة اکبر لو کانوا یعلمون همچنین است عذاب و عذاب
آخرة بزرگتر است کاش میدانستند ان للمتقین عند ربهم جنت النعیم هر آینه متقیان را
نزدیک پروردگار ایشان بوستانهای نعمت است افنجعل المسلمین کالمجرمین آیا گردانیدیم
مسلمانان را مانند گناهکاران ما لکم کیف تحکمون چیست شما را چگونه مقرر میکنید ام لکم کتب
فیه تدرسون ان لکم فیه لما تخیرون آیا نزدیک شما کتابی هست که در وی تلاوت
میکنید این مضمون که هر آینه شما را باشد در معاد آنچه اختیار میکنید ام لکم ایمان علینا بلغة الی یوم القیمة
ان لکم لما تحکمون آیا عهدها محکم است بر ذمه ما که حکم آن تا قیامت باقی باشد این مضمون که هر آینه شما راست
آنچه مقرر کنید سلهم ایهم بذلک زعیم بپرس ازیشان کدام یک از ایشان بااین مقدمه متعهد است ام لهم
شرکاء فلیاتوا بشرکائهم ان کانوا صدقین آیا این مشرکان را شریکان هستند پس باید که
بیارند شریکان خود را اگر راست گویند یوم یکشف عن ساق ویدعون الی السجود فلا
یستطیعون روزیکه جامه برداشته شود از ساق وخوانده شود ایشان را بسوی سجده پس نتوانند

ترجمه گوید این کلمه کنایت است از شدت حال والله اعلم خاشعة ابصارهم ترهقهم ذلة وقد
کانوا یدعون الی السجود وهم سالمون • نیایش طاری باشند بر چشمهای ایشان فرو گیرد ایشان را
خواری و هر آینه خوانده میشد ایشان را بسجود حال آنکه ایشان بی علت بودند فذرنی ومن یکذب
بهذا الحدیث سنستدرجهم من حیث لا یعلمون • پس بگذار مرا با کسیکه دروغ می شمرد این
سخن را بپایه خواهیم کشید این جماعه را از آن راه که ندانسته واملی لهم ان کیدی متین • و مهلت
خواهیم داد ایشان را هر آینه حیله من محکم است ام تسئلهم اجرا فهم من مغرم مثقلون • آیا میطلبی
ازین جماعه مزدی پس ایشان از تاوان گرانبار اند ام عندهم الغیب فهم یکتبون • آیا نزدیک این
جماعه علم غیب است پس ایشان می نویسند فاصبر لحکم ربک کصاحب الحوت اذ نادی — ولا تکن
وهو مکظوم • پس صبر کن بانتظار حکم پروردگار خود و مباش مانند صاحب ماهی یعنی یونس علیه السلام
چون دعا کرد و او پر از غم شده بود لولا ان تدارکه نعمة من ربه لنبذ بالعراء وهو مذموم
اگر نه آنکه در یافت او را رحمتی از جانب پروردگار او البته برتافته می شد بزمین بی گیاه و او بد حال بودی
یعنی لیکن رحمت در رسید و بد حال نشد فاجتباه ربه فجعله من الصالحین • پس برگزیدش پروردگار
او پس ساخت او را از جمله صالحان وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا
الذکر ویقولون انه لمجنون • هر آینه نزدیک اند کافران که بلغزانند ترا بچشمهای تیز خود چون شنیدند
قرآن را و این کنایت است از شدت عداوت و میگویند هر آینه این پیغمبر دیوانه است وما هو الا ذکر
للعالمین • و بحقیقت نیست این قرآن کریم مگر پندی عالمها را سورة الحاقة مکیة و هی خمسون آیه بسم الله الرحمن الرحیم
الحاقة ما الحاقة • قیامت چیست آن قیامت وما ادریک ما الحاقة • و چه چیز خبردار کرد ترا که
چیست آن قیامت مترجم گوید ظاهر نزدیک بنده آنست که معنی آیت این است عقوبت ثابت چیست
آن عقوبت ثابت و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست آن عقوبت ثابت بعد از آن چند عقوبت گذشته را بیان
فرمود کذبت ثمود وعاد بالقارعة • دروغ شمردند قبیله ثمود و عاد قیامت را فاما ثمود
فاهلکوا بالطاغیة • اما ثمود پس هلاک کرده شد ایشان را بنعره تند و اما عاد فاهلکوا بریح

ضهم

صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ • واما عاد پس هلاک کرده شدند ایشان را بباد سخت از حد گذشته سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ
سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَىٰ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ •
خدا بگماشت آن باد را بر عاد هفت شب و هشت روز پیاپی نحس پس میدیدی ای بیننده آن قوم را
بزمین افتاده گویا ایشان تنهای درخت خرما از کهنگی بر هم شده اند فَهَلْ تَرَىٰ لَهُم مِّن بَاقِيَةٍ • پس آیا
می بینی ایشان را هیچ بقیه وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَن قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ • و بعمل آورد
فرعون و آنانکه پیش از وی بودند و اهل مؤتفکات نیز گناه را فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ
أَخْذَةً رَّابِيَةً • پس نافرمان برداری کردند فرستاده پروردگار خود را پس در گرفت خدا آن جماعه را بگرفتنی
عظیم إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ • هر اینه ما وقتیکه از حد گذشت آب سوار کردیم شما را
بر کشتی روان لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ • تا بکنیم این مقدمه را برای شما
پندی و یاد دارد آنرا گوشی یاد دارنده فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ • چون دمیده شود
در صور یکبار دمیدن وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً • و برداشته شود
زمین و کوهها پس کوفته شود ایشان یکبار کوفتن فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ • پس آن روز متحقق
شود قیامت وَانشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ • بشکافد آسمان پس آسمان آن روز
سست شده باشد وَالْمَلَكُ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ
ثَمَانِيَةٌ • و فرشتگان بر کنارهای آسمان باشند و بردارند تخت پروردگار را بالای خویش آن روز
هشت کس يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنكُمْ خَافِيَةٌ • آن روز پیش آورده شود شما را پنهان نماند
از اعمال شما هیچ سری فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَاؤُمُ اقْرَءُوا كِتَابِيَهْ • اما که
داده شد ویرا نامهٔ اعمال او بدست راست او گوید بگیرید بخوانید نامهٔ اعمال مرا إِنِّي ظَنَنتُ أَنِّي مُلَاقٍ
حِسَابِيَهْ • هر اینه من معتقد بودم که من هم بخواهم رسید بحساب خود فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ • پس آن
شخص در زندگانی پسندیده باشد فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ • در بهشتی بلند که میوه آن
قریب الحصول است كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ • گفته شود بخورید و بیاشامید

خوردن و آشامیدن کو را سبب آنچه فرستاده بود دیده در روزهای گذشته وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ
بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهْ • و اما داده شد نامهٔ اعمال او بدست چپ او گوید
ای کاش داده نشدی نامهٔ اعمال من وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَهْ • ای کاش نمیدانستم چیست حساب من
يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ • ای کاش مرگ آخر کننده کار بودی مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَهْ • هیچ دفع نکرد
از من مال من هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهْ • زایل شد از من پادشاهی من خُذُوهُ فَغُلُّوهُ • گفته شود
ای فرشتگان بگیرید ش پس طوق بگردن کنید ش ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ • باز در دوزخ داخل کنید ش
ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ • باز در زنجیر که مساحت آن هفتاد گز باشد
در آرید ش إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ • هر آینه این شخص ایمان نمیداشت بخدای بزرگ
وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ • و رغبت نمیداد مردمان را بر طعام دادن فقیر فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا
حَمِيمٌ • پس نیست این شخص را امروز اینجا خویشاوندی وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ
و نیست این شخص را هیچ طعامی مگر از زرداب که نخورند آن را مگر گناهکاران فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ وَمَا
لَا تُبْصِرُونَ • یعنی قسم میخورم بانچه می بینید و بانچه نمی بینید إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ • هر آینه قرآن
تلاوت فرشتهٔ بزرگوار است وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ • و نیست گفتار
کاهن اندکی پند می پذیرید تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ • فرود آورده شده است از جانب پروردگار
عالمها وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ • اگر می بست بر پیغامبر
بعض سخنها را هر آینه می گرفتیم از دست راست او را ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ • باز می بریدیم رگ
دل او را مترجم گوید عادت سیاف آنست دست راست اسیر را بدست چپ خود بگیرد و شمشیر کردن
او حواله کند لهذا باین اسلوب گفته شد فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ • پس نیست از شما
هیچکس او را باز دارنده یعنی عقوبت ما را وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ • و هر آینه قرآن پند است پرهیزگاران را
وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ • و هر آینه ما میدانیم که بعض شما دروغ دارنده اند وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ
عَلَى الْكَافِرِينَ • و هر آینه قرآن حسرت است بر کافران وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ • و هر آینه قرآن راست

قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ

یقین

سورة المعارج مكية

درست است فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ. پس پاکی یاد کن پروردگار بزرگ خود را

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ. سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ

لِلْكٰفِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ. طلب کرد طلب کننده عقوبتی بر کافران فرود آینده نیست و را هیچ باز

دارنده یعنی گفتند متی هذا الوعد ان کنتم صادقین مِنَ اللهِ ذِي الْمَعَارِجِ تَعْرُجُ الْمَلٰئِكَةُ وَالرُّوحُ

إِلَيْهِ. فرود آینده از جانب خدا خداوند مرتبها که بران صعود کرده شود بالا میروند فرشتگان و روح نیز

یعنی جبرئیل سوی خدای فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ. عقوبتی فرود آینده

بر کافران در روزیکه هست مقدار آن پنجاه هزار سال فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا. پس صبر کن صبر نیکو

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا. هر آینه کافران دور می بینند آن روز را و ما نزدیک

می بینیم. يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ. روزیکه شود آسمان مانند

مس گداخته و شود کوهها مانند پشم رنگین وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا. نپرسد هیچ خویشاوند

خویشاوند دیگر را يُبَصَّرُونَهُمْ. نموده شود ایشان را قرابتیان ایشان يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي

مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ. آرزو کند گناهکار که عوض دهد از عذاب آن روز فرزندان خود را

وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ. و نیز زن خود را و برادر خود را وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ. و نیز قبیله

که جای میداد او را وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ. و نیز هر که در زمین است همه تا پس

برهاند این عوض دادن خود را كَلَّا إِنَّهَا لَظَىٰ. حقا که دوزخ آتشی است شعله زننده نَزَّاعَةً

لِلشَّوَىٰ. پوست سر را برکشنده تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ. میخواند هر کرا اعراض کرد و روی

گردان شد وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰ. و جمع مال نمود پس نگاه داشت إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا

هر آینه آدمی آفریده شده است ناشکیبنده إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا. چون برسدش شر زاری

کننده است وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا. و چون برسدش رفاهیت بخل کننده إِلَّا الْمُصَلِّينَ

الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ. مگر نماز گذاران اما که ایشان بر نماز خویش همیشه پایندگان اند

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ. و آنانکه در اموال ایشان حصه هست مقرر لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ برای سائل

و بی مایه که سوال نکند والذین یصدقون بیوم الدین ۝ و آنانکه باور میدارند روز جزا را و
الذین هم من عذاب ربهم مشفقون ۝ و آنانکه ایشان از عذاب پروردگار خود ترسندگانند
ان عذاب ربهم غیر مامون ۝ هر اینه عذاب پروردگار ایشان چنانست که از آن ایمن
نتوان شد والذین هم لفروجهم حافظون ۝ و آنانکه ایشان شرمگاه خود را نگاهدارند کانند
الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین ۝ مگر بر زنان خود
یا کنیزکان که مالک آنها شده است دست ایشان پس هر آینه این فریق ملامت کرده نیستند فمن ابتغی وراء
ذلک فاولئک هم العادون ۝ پس هر که طلب کند سوای این انجماعه پس ایشانند از حد گذرندگان
والذین هم لاماناتهم وعهدهم راعون ۝ و آنانکه ایشان امانتهای خود را و عدهای خود را رعایت
کنند کانند والذین هم بشهاداتهم قائمون ۝ و آنانکه ایشان بگواهیهای خود متعهد شوند کانند و
الذین هم علی صلاتهم یحافظون ۝ و آنانکه ایشان بر نماز خود محافظت کنند کانند اولئک فی
جنت مکرمون ۝ این جماعه در بوستانها باشند گرامی کرده کانند فمال الذین کفروا قبلک
مهطعین ۝ پس چیست کافران را بسوی تو شتابان عن الیمین وعن الشمال عزین ۝ از جانب
راست و از جانب چپ گروه گروه شده ایطمع کل امرء منهم ان یدخل جنة نعیم ۝ آیا
طمع میکند هر شخصی از ایشان که در آورده شود ببوستان نعمت کلا انا خلقناهم مما یعلمون
نی نی هر اینه ما آفریده ایم ایشانرا از آنچه میدانند یعنی از منی فلا اقسم برب المشارق والمغارب
انا لقادرون ۝ پس قسم میخورم به پروردگار مشرقها و مغربها که هر اینه ما توانائیم علی ان نبدل
خیرا منهم وما نحن بمسبوقین ۝ بر آنکه عوض می آریم بهتر از ایشان و نیستیم ما عاجز فذرهم
یخوضوا ویلعبوا حتی یلاقوا یومهم الذی یوعدون ۝ پس بگذار یا محمد ایشانرا
که به بیهودگی در آیند و بازی کنند تا آنکه برخورند بآن روز خود که وعده داده می شود ایشانرا یوم یخرجون
من الاجداث سراعا کانهم الی نصب یوفضون ۝ روزیکه بر آیند از قبور شتابان
گویا ایشان بسوی نشانها میدوند خاشعة ابصارهم ترهقهم ذلة ذلک الیوم الذی

کانوا

كانوا يوعدون • نبايش ظاهر شده باشد بر ديدهاى ايشان دركيرد ايشان را خوارى انست آن روز كه

وعده داده مى شود سورة نوح [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنذِرْ قَوْمَكَ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

هر اينه ما فرستاديم نوح را بسوى قوم او كه بترسان قوم خود را پيش از آنكه بيايد بديشان عقوبتى دردد هنده

قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ • گفت اى قوم من هر اينه من براى شما ترسانندهٔ ظاهرم أَنِ

اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُونِ • باين مضمون كه عبادت كنيد خدا را و بترسيد از وى و فرمان من بريد

يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ

كُنتُمْ تَعْلَمُونَ • تا بيامرزد براى شما گناهان شما را و موقوف دارد شما را تا وقتى مقرر هر اينه وقت مقرر كردهٔ

خدا چون بيايد هرگز موقوف داشته نشود اگر ميدانيد قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا

وَنَهَارًا فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا • گفت اى پروردگار من هر اينه من ميخواندم قوم خود را

شب و روز پس زياده نكرد در حق ايشان خواندن من مگر گريختن را وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ

لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصَرُّوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا

و هر اينه من هرگاه كه دعوت كردم ايشان را تا بيامرزى براى ايشان در آوردند انگشتان خود را در گوش

خويش و بخود در پيچيدند جامههاى خويش و مداومت كردند بر كفر و سركشى نمودند سركشى تمام ثُمَّ

إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا • باز هر اينه من دعوت

كردم ايشان را بآواز بلند باز هر اينه من آشكارا گفتم با ايشان و پنهان گفتم ايشان را نيز پنهان گفتنى فَقُلْتُ

اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا • پس گفتم طلب آمرزش

كنيد از پروردگار خود هر اينه او هست آمرزنده تا بفرستد بر شما باران ريزنده وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَالٍ

وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَارًا • و مدد دهد شما را با موال و فرزندان

و بدهد شما را بوستانها و پديد آرد براى شما جويها مَّا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا وَقَدْ

خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا • چيست شما را كه اعتقاد نميكنيد براى خدا بزرگى را حال آنكه آفريده است شما را طورها

مختلف ألم تروا كيف خلق الله سبع سموات طباقا آیا نمی بینید چگونه آفرید خدا هفت
آسمان همه بر تو بر تو وجعل القمر فيهن نورا وجعل الشمس سراجا وساخت ماه را در میان
اینها افروزنده و ساخت آفتاب چراغ درخشنده والله أنبتكم من الأرض نباتا ثم يعيدكم
فيها ويخرجكم إخراجا وخدا رویانید شما را از زمین نوعی از رویانیدن پس باز در آورد شما را
وخدا رویانید شما را بزمین و بیرون آورد و نیز طوری از بیرون آوردن والله جعل لكم الأرض بساطا
لتسلكوا منها سبلا فجاجا وخدا ساخت برای شما زمین را فراشی تا بروید دران زمین راههای گشاده
قال نوح رب إنهم عصوني واتبعوا من لم يزده ماله وولده إلا خسارا گفت
نوح ای پروردگار من هر آینه این جماعه نافرمانی من کردند و پیروی نمودند بکسی که زیاده نکرده است در حق وی مال وی
و فرزندی مگر زیان را یعنی پروسا و کفر ومكروا مكرا كبارا وبد سگالی کردند بد سگالی
وقالوا لا تذرن آلهتكم ولا تذرن ودا ولا سواعا ولا يغوث ويعوق ونسرا
و گفتند هرگز ترک مکنید معبودان خود را و هرگز ترک مکنید ود و سواع و یغوث و یعوق و نسر را و این پنج
بت بودند وقد أضلوا كثيرا ولا تزد الظالمين إلا ضلالا و هر آینه گمراه کردند بسیاری را و زیاده
مکن خدایا ستمکاران را مگر گمراهی مما خطيئاتهم أغرقوا فأدخلوا نارا فلم يجدوا لهم
من دون الله أنصارا بسبب گناهان خود غرق کرده شدند پس در آورده شدند ایشان را
به آتش پس نیافتند برای خویش بجز خدا هیچ نصرت دهنده وقال نوح رب لا تذر على الأرض
من الكافرين ديارا وگفت نوح ای پروردگار من مگذار بر زمین از کافران هیچ ساکن شونده را
إنك إن تذرهم يضلوا عبادك ولا يلدوا إلا فاجرا كفارا هر آینه تو اگر بگذاری ایشان را
گمراه سازند بندگان ترا و نزایند مگر بدکار ناسپاس را رب اغفر لي ولوالدي ولمن دخل
بيتي مؤمنا وللمؤمنين والمؤمنات ولا تزد الظالمين إلا تبارا ای پروردگار
بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و هر که در آید بخانه من ایمان آورده و جمیع مؤمنین و مؤمنات را و زیاده مده ستمکاران را
مگر هلاکی سورة الجن مكية وهي عشرون وثمان آية بسم الله الرحمن الرحيم

مترجم گوید روزی آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم نماز صبح بیرون مکه میخواندند جماعه از جن آنرا استماع
کردند و ایمان آوردند خدا تعالی از ایمان ایشان و گفتگوی ایشان با قوم خود درین سوره خبر داده تا قوله
وان لو استقاموا والله اعلم قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا
قُرْآنًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا • بگو وحی فرستاده
شد سوی من که گوش نهاده جماعه از جن پس گفتند هر آینه ما شنیدیم قرآنی عجبی که دلالت میکند بسوی راه راست
پس ایمان آوردیم بآن و هرگز شریک مقرر نخواهیم کرد با پروردگار خویش هیچ یکی را وَأَنَّهُ تَعَالَى
جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا • بیان کردند آن جنیان که بلند است بزرگی پروردگار
ما فرا نگرفته است زنی و نه فرزندی وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا • و آنکه افترا
میکرد جاهل ما بر خدا دروغ را وَأَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ تَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا • و آنکه ما پنداشتیم
که هرگز نگویند بنی آدم و جنیان بر خدا سخن دروغ را وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ
بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا • و آنکه مردان بنی آدم پناه میگرفتند بمردان جن پس زیاده کردند
در حق آن جنیان سرکشی را اشارت است بآنکه در جاهلیت چون بجای فرود آمدندی گفتندی اعوذ بسید هذه
الوادی من سفهاء قومه وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا • و آنکه آدمیان
گمان کردند چنانکه شما کرده بودید که هرگز نفرستد خدا هیچکس را یعنی پیغامبر نفرستد وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ
فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا • و آنکه ما دست رسانیدیم باسمان پس یافتیم
آسمان را پر کرده شده بپاسبانان محکم و بستارهای فرود آینده وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ
لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا • و آنکه ما می نشستیم پیش ازین بجای یعنی برای
شنید کلام ملائکه پس هر که گوش نهد بهذا الحال یابد برای خود ستاره مهیا ساخته وَأَنَّا لَا نَدْرِي
أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا • و آنکه ما نمیدانیم آیا بلائی اراده کرده شده
در حق آنانکه در زمین اند یا اراده کرده است در حق ایشان پروردگار ایشان خیری را وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ
وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدَدًا • و آنکه از ما جمعی نیکوکاران اند و جمعی از ما سوای آن اند هستیم

فرقهای مختلف وَأَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللّٰهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا • و انکه ما دانستیم که هرگز
عاجز نتوانیم کرد خدا را در زمین و عاجز نتوانیم کرد او را از جهت گریختن وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ آمَنَّا
بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنْ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا • و انکه ما چون شنیدیم هدایت را ایمان آوردیم
بان پس هرکه ایمان آرد به پروردگار خویش پس نترسد از هیچ نقصانی و نه از هیچ ستمی وَأَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ
وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا • و انکه جمعی از ما مسلمانند و جمعی از
ما گناهکارانند پس هرکه مسلمان شد پس آن جماعه قصد کردند راه راست وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا
لِجَهَنَّمَ حَطَبًا • و اما گناهکاران پس شدند هیزم برای دوزخ وَأَنْ لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ
لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا • و نیز بگوی ای محمد که وحی فرستاده شده است بسوی من که بنی آدم اگر
راست می ایستادند البته می نوشانیدیم ایشان را آب بسیار لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ
يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا • تا امتحان کنیم ایشان را بآن یعنی ارزانی می شد و قحط نمی آمد والله اعلم و هرکه
اعراض کند از یاد کرد پروردگار خود در آردش بعذابی سخت وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلّٰهِ فَلَا تَدْعُوا
مَعَ اللّٰهِ أَحَدًا • و انکه مسجدها مخصوص برای خداست پس عبادت مکنید با خدا هیچ یک را وَأَنَّهُ
لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللّٰهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا • و انکه چون ایستاد بنده خدا یعنی محمد صلی الله
علیه وسلم که عبادت کند خدا را نزدیک بودند کافران که بر آن بنده یکی بر دیگری جمع شوند یعنی معاون
یکدیگر شوند در ایذای وی قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا • بگو جز این نیست که عبادت میکنم
پروردگار خویش را و شریک مقرر نمیکنم با او هیچ یک را قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا
بگو هر آینه من نمی توانم در حق شما ضرر رسانیدن و نه لازم کردن طریق راستی قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ
اللّٰهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا • بگو هر آینه نه دهد مرا از عقوبت خدا هیچ یک
و هرگز نیابم بجز وی پناهی إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللّٰهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ
لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا • لیکن بجای آرم خبر رسانیدن از جانب خدای و تبلیغ پیغامهای
او و هرکه نافرمان برداری کند خدا را و پیغامبر او را پس هر آینه او راست آتش دوزخ جاویدان در آنجا همیشه

حتی اذا

حَتّٰى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا
در غفلت خود باشند تا وقتیکه ببینند آنچه وعده داده میشود ایشان را پس خواهند دانست که ناتوان‌تر
باعتبار نصرت دهنده و کمتر از روی شمار اعوان قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ مَا تُوعَدُونَ أَمْ
يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا بگو نمیدانم آیا نزدیک است آنچه وعده داده می‌شود شما را یا مقرر کند
برای او پروردگار من میعادی عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا داننده پنهان است
پس مطلع نمی‌سازد بر علم غیب خود هیچ یک را إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ
مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا مگر کسی که پسند کرد او را از رسول مراد پیغامبر است
پس هر آینه خدا روان میکند پیش دست وی و پس پشت وی فرشتگان نگاهبان را لِيَعْلَمَ أَنْ
قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا
تا بداند که خدا که به تحقیق رسانیده اند پیغامهای پروردگار خود را یعنی تا تبلیغ در خارج متحقق گردد زیرا که
آن لازم علم است والله اعلم و خدا از هر جهت گرد آمده هست بر آنچه نزدیک ایشان است و فرا
گرفته است هر چیز را از روی شمار سورة المزمل مكية [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم
مترجم گوید در ابتدای اسلام خدا تعالی قیام لیل بر آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و بر مسلمانان فرض کرده بود
و چون این معنی بر ایشان نهایت دشوار آمد بعد یکسال رخصت نازل فرمود ان ربک یعلم الی آخر السوره
تا هر که خواهد قیام کند و هر که خواهد نکند و هر قدر که خواهد بخواند يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا
نِصْفَهُ أَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ای در جامه خود
پیچیده یعنی بسبب هیبت وحی قیام لیل کن مگر اندکی یعنی اگر بعض شبها نکنی گناه نباشد والله
اعلم قیام نیم شب کن یا اندکی از نیم شب کم نما یا اندکی بر نیم شب بیفزا و ترتیل کن قرآن را بوضوح ادا
إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا هر آینه ما نازل خواهیم کرد بر تو فرمانی دشوار یعنی دعوت کفار
باسلام إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا هر آینه قیام شب زیاده تر است
در پامال کردن نفس بهیمی و درست تر است در تلفظ الفاظ إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا

هر آینه ترا در روز شغلی است بسیار وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا ۝ و یاد کن نام پروردگار
خود را و از همه جهت گسسته شو متوجه شده بسوی او نوعی گسسته شدن رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلٰهَ
إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ۝ پروردگار شرق و مغرب نیست هیچ معبود مگر او پس بگیر او را کارساز
وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ۝ صبر کن بر آنچه میگویند و ترک کن ایشان را
ترک کردن نیکو وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا ۝ و بگذار مرا با دروغ
شمارندگان خداوندان رفاهیت و مهلت ده ایشان را اندکی إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا وَطَعَامًا
ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ۝ هر آینه هست نزدیک ما قیدهای گران و آتش افروخته و طعام
گلوگیر و عذاب درددهنده يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا
مَهِيلًا ۝ روزی که بجنبد زمین و کوهها و شود کوهها مانند تل ریگ از هم پاشیده شده إِنَّا أَرْسَلْنَا
إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا ۝ هر آینه ما فرستادیم
بسوی شما پیغامبری گواهی دهنده بر شما چنانکه فرستاده بودیم بسوی فرعون پیغامبری را فَعَصَىٰ
فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا ۝ پس نافرمانی کرد فرعون آن پیغامبر را پس
در گرفتیم او را در گرفتن سخت فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا
السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا ۝ پس اگر کافر شوید چگونه در پناه شوید از روزیکه الاطفال
پیر گرداند آسمان شگافته باشد در آن روز هست وعده خدا البته کردنی إِنَّ هَٰذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ
شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ۝ هر آینه این پندی است پس هر که خواهد راه بگیرد بسوی پروردگار
خویش إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ
وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ
فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ
يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ

قرضا

قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا
وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۔ هر آینه پروردگار تو میداند که تو برمیخیزی
نزدیک بدو ثلث شب و نیم شب و ثلث شب و نیز برمیخیزند جماعه از آنانکه همراه تواند و خدا
اندازه می کند شب و روز را و دانست خدا که شما احاطه نمی توانید کرد قیام لیل را یعنی مواظبت نمی
توانید کرد پس برحمت باز گشت بر شما پس بخوانید آنچه آسان باشد از قرآن و دانست خدا که خواهد
بود بعضی از شما بیماران و دیگران که سفر میکنند در زمین طلب می نمایند از فضل خدا و دیگران
که کارزار میکنند در راه خدا پس بخوانید آنچه آسان باشد از قرآن و برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را
و وام دهید خدا را وام دادن نیک یعنی صرف مال کنید در جهاد توقع ثواب آخرة والله اعلم و آنچه
پیش می فرستید برای خویشتن از عمل نیک آن را بهتر خواهید یافت نزدیک خدا و بزرگتر باعتبار مزد
و طلب آمرزش کنید از خدا هر آینه خدا آمرزگار مهربان است مترجم گوید این آیت بعد یکسال نازل شد
و آنحضرت صلی الله علیه وسلم در همین سوره لاحق کردند بجهت مناسبت لهذا ابا بر سوره در اسلوب
نمی ماند سورة المدثر مکیة وهی خمسون آیات بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ۔ ای در جامه بر خود پیچیده یعنی از هیبت وحی قُمْ فَأَنْذِرْ ۔ برخیز پس بترسان
وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ۔ و پروردگار خود را ببزرگی یاد کن وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ ۔ و جامهای خود را پاک ساز
وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ۔ و پلیدی را دور کن وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ ۔ و نباید که چیزی بخشی زیاده طلب کنان
یعنی هدیه بردن بر کسی تا وی زیاده از قیمت هدیه رعایت کند از اخلاق ردیه است وَلِرَبِّكَ
فَاصْبِرْ ۔ و برای حکم پروردگار خویش شکیبائی ورز فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ۔ پس وقتیکه دمیده شود
در صور روز دشوار شود حال فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ۔
پس آن روز روز دشوار باشد بر کافران نه وقت آسان ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ۔ بگذار مرا
با کسیکه آفریدمش تنها وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا ۔ و دادم او را مال فراوان وَبَنِينَ شُهُودًا
و فرزندان حاضر شوند بمجلس وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ۔ و وسعت دادم او را وسعت دادنی

ثُمَّ يَطْمَعُ اَنْ اَزِيْدَ ۝ باز طمع میکند که زیاده دهم کَلَّا اِنَّهٗ کَانَ لِاٰيٰتِنَا عَنِيْدًا
نی نی هر اینه او هست بآیات ما ستیزنده سَاُرْهِقُهٗ صَعُوْدًا ۝ تکلیف خواهم داد او را مشقتی اِنَّهٗ
فَكَّرَ وَقَدَّرَ ۝ هر اینه تامل کرد و اندازه مقرر نمود فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ۝ پس لعنت باد او را چگونه
اندازه کرد ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ۝ باز دیگر لعنت باد بر او چگونه اندازه کرد ثُمَّ نَظَرَ ۝ باز در نگریست
ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ۝ باز روی ترش کرد و پیشانی در هم کشید ثُمَّ اَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ۝ باز پشت کرد
و تکبر کرد فَقَالَ اِنْ هٰذَآ اِلَّا سِحْرٌ يُّؤْثَرُ ۝ پس گفت نیست این قرآن مگر جادویی که از ساحران نقل
کرده میشود اِنْ هٰذَآ اِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ۝ نیست این قرآن مگر کلام آدمی سَاُصْلِيْهِ سَقَرَ ۝ خواهم
در آورد او را به دوزخ وَمَآ اَدْرٰىكَ مَا سَقَرُ ۝ و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست دوزخ لَا تُبْقِيْ
وَلَا تَذَرُ ۝ باقی نمیگذارد و ترک نمیکند لَوَّاحَةٌ لِّلْبَشَرِ ۝ سوزنده است او میان را عَلَيْهَا تِسْعَةَ
عَشَرَ ۝ بر دوزخ موکل اند نوزده کس مترجم گوید این تصویر است حال کافر را که خدای تعالی او را نعمتها داده
باشد و او مصر باشد بر کفر و عبس و بسر و ادبر و استکبر تصویر حال تامل و تردد است والله اعلم وَمَا
جَعَلْنَآ اَصْحٰبَ النَّارِ اِلَّا مَلٰٓئِكَةً وَّمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ اِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِيَسْتَيْقِنَ
الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ وَيَزْدَادَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِيْمَانًا وَّلَا يَرْتَابَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ وَ
الْمُؤْمِنُوْنَ وَلِيَقُوْلَ الَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ وَّالْكٰفِرُوْنَ مَاذَآ اَرَادَ اللّٰهُ بِهٰذَا مَثَلًا
كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ يَّشَآءُ وَيَهْدِيْ مَنْ يَّشَآءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُوْدَ رَبِّكَ اِلَّا هُوَ
وَمَا هِيَ اِلَّا ذِكْرٰى لِلْبَشَرِ ۝ و نساختیم موکلان دوزخ مگر فرشتگان را و نساختیم شمار ایشان را مگر بلا در حق
کافران تا یقین کنند اهل کتاب و تا زیاد شوند مسلمانان در ایمان خود و تا شک نکنند اهل کتاب و مسلمانان و تا بگویند
آنانکه در دل ایشان بیماری است و کافران چه چیز اراده کرده است خدای بدین داستان همچنین گمراه میکند خدا هر کرا
خواهد و راه می نماید هر کرا خواهد و نمی داند لشکر پروردگار ترا مگر او تبارک و تعالی و نیست این مگر پندی برای
بنی آدم مترجم گوید این آیت اشارت است به شبهه کفار در عدد و تسعة عشر و آنحضرت صلی الله علیه وسلم از آن
در همین سوره لاحق فرمود بجهت ملابسه و لهذا با سایر سوره نمی ماند در اسلوب والله اعلم کَلَّا وَالْقَمَرِ

وَ

قسم بماه والليل اذ ادبر قسم بشب چون پشت برگرداند والصبح اذا اسفر وقسم بصبح چون روشن
شود انها لاحدی الکبر هرآینه دوزخ یکی از چیزهای بزرگ است نذیرا للبشر ترساننده بنی
آدم لمن شاء منکم ان یتقدم او یتاخر ترساننده است برای هرکه خواهد از شما که پیشتر آید یا باز
ماند کل نفس بما کسبت رهینة هر شخصی بآنچه کرده در گرو است الا اصحب الیمین فی جنت
یتساءلون عن المجرمین ما سلککم فی سقر مگر اهل سعادت در بوستانها باشند
سوال کنند از گناهکاران چه چیز آورد شما را در دوزخ قالوا لم نک من المصلین گویند نبودیم از
نمازگذارندگان ولم نک نطعم المسکین و طعام نمیدادیم بفقرا وکنا نخوض مع الخائضین
و با بیکاری در می آمدیم با در آیندگان وکنا نکذب بیوم الدین و دروغ می شمردیم روز جزا را
حتی اتانا الیقین تا وقتیکه آمد ما را موت فما تنفعهم شفاعة الشافعین پس سود ندهد ایشان را
شفاعت کنندگان فما لهم عن التذکرة معرضین پس چیست ایشان را از پند روی گردان
شده کانهم حمر مستنفرة گویا ایشان خران رم کرده اند فرت من قسورة که گریخته باشند
از شیری بل یرید کل امرئ منهم ان یؤتی صحفا منشرة بلکه میخواهد هر شخصی از ایشان
که داده شود نامهای گشاده یعنی میگویند که باید که کتاب بر هر یک نازل شود کلا بل لا یخافون
الآخرة نی نی بلکه نمی ترسند از آخرت کلا انه تذکرة نی نی هرآینه قرآن پند است فمن شاء ذکره
پس هرکه خواهد بخواند آن را وما یذکرون الا ان یشاء الله هو اهل التقوی واهل المغفرة
و یاد نمی کنند بندگان مگر وقتیکه خواسته باشد خدا اوست سزاوار آنکه از وی بترسند و اوست سزاوار
آنکه بیامرزد سورة القیمة مکیة وهی اربعون ایات بسم الله الرحمن الرحیم
لا اقسم بیوم القیمة قسم میخورم بروز قیامت ولا اقسم بالنفس اللوامة و قسم میخورم
بنفس ملامت کننده که البته آدمی مبعوث خواهد شد ایحسب الانسان الن نجمع عظامه
آیا می پندارد آدمی که جمع نکنیم استخوانهای او را بلی قادرین علی ان نسوی بنانه آری میکنیم
توانا شده بر آنکه هموار کنیم انگشتان او را بل یرید الانسان لیفجر امامه بلکه میخواهد آدمی که معصیت

کند در زمانیکه پیش روی وی است یعنی آمدنیست یسئل ایان یوم القیمة • می پرسد که کی خواهد بود روز
قیامت فاذا برق البصر • پس وقتیکه خیره شود چشم وخسف القمر • و تیره گردد و جمع
الشمس والقمر • و یکجا جمع کرده شود آفتاب و ماه یقول الانسان یومئذ این المفر • بگوید آدمی آنروز
کجا است گریزگاه • کلا لا وزر • نه نه هیچ نیست پناه • الی ربک یومئذ المستقر • بسوی پروردگار
تست امروز قرارگاه • ینبؤا الانسان یومئذ بما قدم واخر • خبر داده شود آدمی آن روز بحقیقت
حال آنچه پیش فرستاده بود و پس گذاشته مثل صدقه جاریه و علم باقی بل الانسان علی نفسه
بصیرة • بلکه هست آدمی برای الزام خود حجتی ولو القی معاذیره • اگر چه در میان آرد عذرهای خود را
مترجم گوید چون جبرئیل پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم وحی آوردی آنحضرت صلی الله علیه وسلم بحفظ آن
اهتمام تمام فرمودی و هم بحضور جبرئیل قبل انقضای وحی تکرار نمودی تا از خاطر مبارک نرود خدا تعالی
باین معنی اشاره فرمود لا تحرک به لسانک لتعجل به • مجنبان یا محمد بتکرار قرآن زبان خود را تا زود
بدست آری یاد کردن آنرا ان علینا جمعه وقرانه • هر آینه وعده است بر ما در سینه تو جمع
کردن قرآن و آسان کردن خواندن آنرا فاذا قرانه فاتبع قرانه • پس چون بخواند فرشته
ما آنرا اول خود را در پی خواندن او کن ثم ان علینا بیانه • باز هر آینه وعده است بر ما واضح کردن
آن مترجم گوید ظاهر نزدیک بنده آنست که معنی آیت چنین باشد هر آینه وعده لازم است بر ما جمع کردن
قرآن در مصاحف و حفظ قراءة آن عصرا بعد عصر او ایضاح و تفسیر معانی آن بر دست شیخین رضی الله
عنهما یعنی حضرت عمر و حضرت عثمان جمع آن کرد و در هر زمانی قاریان را توفیق داد که حافظ شوند و بتجوید بخوانند
و در هر زمانی مفسران را توفیق داد که در تفسیر آن سعی نمایند والله اعلم کلا بل تحبون العاجلة وتذرون
الاخرة • نی نی بلکه ای کافران دوست میدارید دنیا را و ترک می نمایید آخرت را وجوه یومئذ
ناضرة • یک پاره رویها آن روز تازه باشند الی ربها ناظرة • بسوی پروردگار خود نظر کننده
باشند ووجوه یومئذ باسرة • یک پاره رویهای آن روز پیشانی در هم کشیده باشند
تظن ان یفعل بها فاقرة • توقع کنند که در میان آورده شده باشد بایشان مصیبتی کلا اذا بلغت

یومئذ

التراقی

فلا صدق ولا صلى

التراقي وقيل من راق • تا فی وقتیکه رسد روح بچنبر گردن و گفته شود کیست افسون کنند
وظن انه الفراق • و یقین دانست محتضر که این وقت جدا شدن روح است والتفت
الساق بالساق • و به پیچید یک ساق محتضر با ساق دیگر یعنی در پای حرکت نماند الی ربک یومئذ
المساق • بسوی پروردگار تست آن روز روان کردن ولکن کذب وتولی • و لیکن دروغ شمرد
و روی گردان گشت ثم ذهب الی اهله یتمطی • باز برفت بسوی اهل خانه خود خرامان اولی
لک فاولی • وای بر تو پس وای بر تو ثم اولی لک فاولی • باز دیگر میگویم وای بر تو پس وای بر تو
ایحسب الانسان ان یترک سدی • آیا می پندارد آدمی که مهمل گذاشته شود الم یک نطفة
من منی یمنی • آیا نبود نطفه از منی که ریخته می شد در رحم ثم کان علقة فخلق فسوی • باز
خون بسته پس بیافرید خدا پس درست اندام کرد فجعل منه الزوجین الذکر والانثی • پس
ساخت از ان منی دو قسم مرد را و زن را الیس ذلک بقادر علی ان یحیی الموتی • آیا نیست
خدا توانا بر آنکه زنده بکند مردگان را

سورة الانسان مكية وهي احدى وثلثون آية

بسم الله الرحمن الرحيم هل اتى على الانسان حين من الدهر لم يكن شيئا
مذكورا • هرآینه آمده است بر آدمی مدتی از زمان که نبود چیزی ذکر کرده شده انا خلقنا الانسان
من نطفة امشاج نبتليه فجعلناه سميعا بصيرا • هرآینه ما آفریدیم آدمی را از یک پاره
منی در هم آمیخته از چند چیز یعنی منی مرد و منی زن و خون حیض از حالی بحالی میگردانیم پس ساختیمش شنوا
بینا انا هدیناه السبیل اما شاکرا واما کفورا • هرآینه ما دلالت کردیم آدمی را براه خود شکر کننده
یا ناشناس دارنده انا اعتدنا للکافرین سلاسل واغلالا وسعیرا • هرآینه ما آماده ساخته
ایم برای کافران زنجیرها و طوقها و آتش افروخته ان الابرار یشربون من کاس کان مزاجها
کافورا • هرآینه نیکوکاران می نوشند از پیاله شراب که آمیزش وی آب چشمه کافور باشد عینا
یشرب بها عباد الله یفجرونها تفجیرا • مراد میدارم از کافور چشمه می آشامند از ان بندگان
مقرب خدا روان کنند آن را روان کردنی یعنی جدولها از ان هرجا که خواهند ببرند والله اعلم یوفون

بالنذر ویخافون یوما کان شره مستطیرا و فا میکنند بنذر و می ترسند از روزی که شقت
آن فاش باشد ویطعمون الطعام علی حبه مسکینا ویتیما واسیرا و میدهند طعام
با وجود احتیاج بآن فقیر را و یتیم و زندانی را انما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء ولا
شکورا می گویند جز این نیست که طعام میدهیم شما را برای ذات خدای طلب نمیکنیم از شما مزدی و نه شکری
انا نخاف من ربنا یوما عبوسا قمطریرا هر آینه ما می ترسیم از پروردگار خود روز ترش رو
و نهایت سخت فوقیهم الله شر ذلک الیوم ولقیهم نضرة وسرورا پس نگاه داشت
این را خدا از سختی آن روز و رسانید این را تازگی و خوشحالی وجزیهم بما صبروا جنة وحریرا
و جزا داد این را بمقابله صبر ایشان بوستان و جامه ابریشمی متکئین فیها علی الارائک لا یرون
فیها شمسا ولا زمهریرا تکیه زده باشند آنجا بر تختها نه بینند آنجا گرمی آفتاب را و نه بینند سرما
ودانیة علیهم ظلالها وذللت قطوفها تذلیلا و نزدیک شده باشد بر ایشان سایهای
آن بوستان و سهل الحصول کرده شود میوهای آن سهل کردنی ویطاف علیهم بآنیة من فضة
واکواب کانت قواریرا و آمد و شد کرده شود بر ایشان به آوندها از نقره و با جامهای که باشد
مانند آبگینهای قواریرا من فضة قدروها تقدیرا مراد میدارم آبگینه از نقره اندازه کرده باشند
ساقیان آنرا اندازه کردنی ویسقون فیها کأسا کان مزاجها زنجبیلا و نوشانیده شود
ایشان را جام شرابی که هست آمیزش آن چشمه زنجبیل عینا فیها تسمی سلسبیلا که چشمه ایست در بهشت
که نام آن نهاده شود سلسبیل ویطوف علیهم ولدان مخلدون اذا رأیتهم حسبتهم
لؤلؤا منثورا و آمد و شد کنند بر ایشان نوجوانان جاوید چون بینی ایشان را پنداری که ایشان مروارید
از رشته افشانده شده واذا رأیت ثم رأیت نعیما وملکا کبیرا و چون نگاه کنی آنجا
ببینی نعمت فراوان و پادشاهی بزرگ عالیهم ثیاب سندس خضر واستبرق
وحلوا اساور من فضة وسقیهم ربهم شرابا طهورا بالای ایشان باشد جامهای
از دیبای نازک و نیز بالای ایشان باشد دیبای گنده و زیور پوشانیده شود ایشان را دستوانها از نقره

و نوشانند

سورة النازعات مکیة ... بسم الله الرحمن الرحيم والنازعات

غرقا قسم بجماعت فرشتگان که نزع میکنند یعنی یکبار ارواح را بوجه سختی والناشطات نشطا

وقسم بجماعات فرشتگان که بیرون می آرند یکباره دیگر را بطریق سهولت والسابحات سبحا وقسم بفرشتگان

والسابقات سبقا

که سبقت میکنند یعنی از یکدیگر سبقت کردنی فالمدبرات امرا پس قسم بجماعات فرشتگان که تدبیر

میکنند هر کار را آنچه گفته شود بود نیست یوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة روزیکه بجنبد

جنبنده از پس وی در آید از پس در آینده یعنی نفخهٔ اولی و نفخهٔ ثانیه بوجود آید قلوب یومئذ واجفة

یک جمع دلها آن روز ترسان باشند ابصارها خاشعة بر دیده های آنجماعه خواری هویدا شده باشد

یقولون ءانا لمردودون فی الحافرة میگویند آیا باز گردانیده شویم بحالت نخستین ءاذا

کنا عظاما نخرة آیا چون شویم استخوانها و پوسیده باز زنده شویم قالوا تلک اذا کرة خاسرة

گفتند آن رجوع آنگاه رجوع زیان دهنده باشد فانما هی زجرة واحدة پس جز این نیست که آن واقعه

یک آواز تند است فاذا هم بالساهرة پس ناگهان ایشان بر روی زمین آمده باشند هل اتاک

حدیث موسی آیا آمده است پیش تو خبر موسی اذ ناداه ربه بالواد المقدس طوی چون

آواز داد ویش پروردگار او بوادی پاک طوی نام اذهب الی فرعون انه طغی که برو بسوی فرعون

هر آینه وی از حد گذشته است فقل هل لک الی ان تزکی پس بگو هیچ میل هست ترا بآنکه پاکیزه

شوی واهدیک الی ربک فتخشی و راه نمایم ترا بسوی پروردگار تو پس بترسی فاراه

الآیة الکبری پس نمود فرعون آن معجزهٔ بزرگ را یعنی عصا و ید بیضا فکذب وعصی پس دروغ داشت

و نافرمانی کرد ثم ادبر یسعی پس از آن مجلس باز گشت تدبیر کنان فحشر فنادی پس جمع کرد قوم را پس

آواز داد فقال انا ربکم الاعلی پس گفت من پروردگار بزرگتر شما ام فاخذه الله نکال الآخرة

والاولی پس گرفتار کرد خدا او را بعذاب آخرت و دنیا ان فی ذلک لعبرة لمن یخشی هر آینه در این

خبر پندی هست برای هر که بترسد ءانتم اشد خلقا ام السماء بنها آیا شما محکم ترید در آفرینش

یا آسمان خدا بنا کرد آن آسمان را رفع سمکها فسوٰیها بلند ساخت ارتفاع آنرا پس راست ساخت آن را

وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحٰهَا • و تاریک کرد شب او را و بظهور آورد روشنی روز او را وَالْأَرْضَ
بَعْدَ ذٰلِكَ دَحٰهَا • و زمین را بعد از آفریدن آسمان هموار کرد مترجم گوید معنی هموار کردن همین است
که بفرماید أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعٰهَا • برآورد از زمین آب او را و چراگاه او را وَالْجِبَالَ أَرْسٰهَا
و کوهها را استوار نمود مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ • از برای منفعت شما و چهارپایان شما فَإِذَا جَاءَتِ
الطَّامَّةُ الْكُبْرٰى • و چون بیاید قیامت يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعٰى • روزیکه یاد کند آدمی آنچه
عمل کرده بود وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرٰى • و ظاهر کرده شود دوزخ برای هر که دیدنش خواهد ثواب
و عقاب متحقق گردد فَأَمَّا مَنْ طَغٰى وَآثَرَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوٰى • اما کسی از حد
گذشته باشد و برگزیده باشد زندگانی این جهان را پس دوزخ همان است جای او وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ
رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوٰى • و اما کسی که ترسیده باشد از ایستادن بحضور پروردگار خویش و باز داشته
باشد نفس را از شهوات فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوٰى • پس هر آینه بهشت همان است جای او يَسْئَلُونَكَ
عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسٰهَا • و می پرسند ترا از قیامت کی باشد تحقیق آن فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرٰهَا
إِلٰى رَبِّكَ مُنْتَهٰهَا • در چه منزلتی تو از علم آن بسوی پروردگار تست منتهای علم آن إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرُ
مَنْ يَخْشٰهَا • خبر این نیست که تو ترساننده کسی را که بترسد از وی كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا
إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحٰهَا • روزیکه ببینند چنانستی که ایشان درنگ نکرده بودند بدنیا مگر یک وقت یا یک وقت
ضحی که پیش از آن بودند

سورة عبس مكية ثلث وأربعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

نابینائی از فقرای صحابه بمجلس آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم درآمد و سوال آغاز کرد تشویش اوقات آنحضرت
صلی الله علیه وآله وسلم در آنحالت بدعوت اشراف عرب مشغول بودند پس آنرا مکروه داشتند و اعراض
نمودند خدای تعالی بر خلق عظیم ولا فرمود عَبَسَ وَتَوَلّٰى • روی ترش کرد و اعراض نمود أَنْ جَاءَهُ
الْأَعْمٰى • بسبب آنکه آمد پیش او نابینا وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكّٰى • و چه چیز خبردار کرد ترا آنکه وی
پاک میشد أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرٰى • یا پند می شنید پس نفع میداد او را آن پند شنیدن
وَأَمَّا مَنِ اسْتَغْنٰى • اما کسیکه توانگر است فَأَنْتَ لَهُ تَصَدّٰى • پس تو بسوی او اقبال میکنی

وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّىٰ • وزیان نیست بر تو در آنکه پاک نشود وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَىٰ
و اما کسی که بیاید پیش تو شتابان وَهُوَ يَخْشَىٰ • از خدای خود ترسان فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّىٰ •
پس تو از وی غفلت میکنی كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ • نی نی هر آینه این آیات قرآن پنداست فَمَنْ
شَاءَ ذَكَرَهُ • پس هر که خواهد یاد کند قرآن را فِي صُحُفٍ مُكَرَّمَةٍ • هر آینه آیات قرآن ثبت است
در نامهء گرامی مَرْفُوعَةٍ مُطَهَّرَةٍ • بلند قدر پاک کرده شده بِأَيْدِي سَفَرَةٍ • بدست نویسندگان
كِرَامٍ بَرَرَةٍ • بزرگ منش نکوکردار یعنی فرشتگان از لوح نقل میکنند قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ
لعنت کرده شد آدمی را چه بلا ناسپاس وار است مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ • خدای از چه چیز آفریدش
مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ • از نطفهء منی آفریدش پس اندازه معین کردش ثُمَّ السَّبِيلَ
يَسَّرَهُ • باز راه بر آمدن آسان نمودش ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ • باز بمیرانیدش پس در گور کردش ثُمَّ
إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ • باز وقتیکه خواست زنده ساختش كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ • نی نی بعمل نیاورد آنچه
فرمودش فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ • پس باید که در نگرد آدمی سوی طعام خود أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ
صَبًّا • بسوی آنکه ما ریختیم آب را ریختنی ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا • باز شگافتیم زمین را شگافتنی فَأَنْبَتْنَا
فِيهَا حَبًّا • پس رویانیدیم در آن زمین دانه را وَعِنَبًا وَقَضْبًا • و انگور را و سبز وَزَيْتُونًا
وَنَخْلًا • و زیتون را و درختان را وَحَدَائِقَ غُلْبًا • و باغها که درختان بسیار دارد وَفَاكِهَةً
وَأَبًّا • و میوه را و علف دواب مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ • برای منفعت شما و چهارپایان شما
فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ • پس وقتیکه بیاید آواز سخت يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ • روزیکه
بگریزد آدمی از برادر خود وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ • و از مادر خود و از پدر خود وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ
و از زن خود و فرزندان خود لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ • هر مردی را از ایشان را
آن روز شغلی است که کفایت میکندش وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ • یکپاره رویهای آن روز روشن
باشند ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ • خندان و شادان باشند وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ
و یکپاره رویها آن روز بر آن غبار باشد تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ • غالب آید بر وی تاریکی أُولَٰئِكَ

هم الکفرة الفجرة سورة التکویر مکیة تسع و عشرون آیة بسم الله الرحمن الرحیم

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ • و وقتیکه آفتاب بچیده شود وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ • و وقتیکه هر
ستاره ها تیره شود وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ • و وقتیکه کوهها روان شود وَإِذَا الْعِشَارُ
عُطِّلَتْ • و وقتیکه ماده شتران باردار را معطل گذاشته شود وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ •
و وقتیکه جانوران وحشی جمع کرده شود وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ • و وقتیکه دریاها را مثل آتش
افروخته شود وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ • و وقتیکه ارواح را با اجساد جمع کرده شود وَإِذَا
الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ • و وقتیکه دختر را که زنده در گور کرده بودند برسیده شود بِأَيِّ ذَنْبٍ
قُتِلَتْ • بکدام گناه کشته شدی وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ • و وقتیکه نامهای اعمال را کشاده شود
وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ • و وقتیکه آسمان را پوست برکنده شود یعنی سرخ شود مانند زنی که پوست
او سلخ کرده باشند وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ • و وقتیکه دوزخ افروخته شود وَإِذَا الْجَنَّةُ
أُزْلِفَتْ • و وقتیکه بهشت نزدیک ساخته شود عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ • بداند هر شخصی
آنچه حاضر ساخته است فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ • پس قسم میخورم بستاره باز گردنده الْجَوَارِ الْكُنَّسِ
سیر نماینده و غایب شونده مترجم گوید زحل و مشتری و مریخ و زهره و عطارد و پنج ستاره متحیر اند
چون سیر کرده بمقامی رسند از آن باز میگردند و بمقامیکه طی کرده بودند اقبال نمایند و چون وقت احتراق
آید غایب شوند و الله اعلم وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ • و قسم بشب چون باز گردد وَالصُّبْحِ إِذَا
تَنَفَّسَ • و قسم بصبح چون بدمد إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ • هر آینه قرآن گفتار فرشته است
گرامی قدر ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ • صاحب توانائی با وقار نزدیک خداوند
عرش مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ • فرمان برداری کرده شده در ملکوت آسمان متصف بامانت وَمَا
صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ • نیست آن یار شما دیوانه وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ • هر آینه یار شما
دیده بود آن فرشته را بکرانه ظاهر آسمان وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ • و نیست قرآن گفتار
شیطان رانده شده فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ • پس کجا میروید إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ • نیست قرآن

۲۴
وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ
و نیست [محمد] بر علم پنهان بخیل کننده

بابر

مگر پند عالمها را لمن شاء منکم ان یستقیم • برای هر که خواهد از زمره شما که راست کردار شود
وما تشاؤن الا ان یشاء الله رب العالمین • و نمی خواهید کرد وقتیکه بخواهد خدا پروردگار عالمها
سورة الانفطار مکیة تسع و عشرون آیة بسم الله الرحمن الرحیم اذا السماء انفطرت
وقتیکه آسمان شکافته شود و اذا الکواکب انتثرت • وقتیکه ستارگان از هم بریزد و اذا البحار
فجرت • وقتیکه دریاها روان کرده شود و بنهایت شدت و اذا القبور بعثرت • و وقتیکه
گورها کافته شود علمت نفس ما قدمت • و اخرت • بداند هر نفسی آنچه پیش فرستاده
بود و آنچه باز پس گذاشته بود یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم • ای آدمی چه چیز
فریفت ترا پروردگار بزرگوار تو الذی خلقک فسویک فعدلک • آن خدای که بیافرید ترا
پس درست اندام کرد پس معتدل قامت کرد ترا فی ای صورة ما شاء رکبک • در هر صورتیکه
خواست ترکیب داد ترا کلا بل تکذبون بالدین • نی نی بلکه دروغ میشمرید جزای اعمال را و ان
علیکم لحفظین • و هر آینه بر شما گماشته شده اند نگاهبانان کراما کاتبین • گرامی قدر نویسندگان
یعلمون ما تفعلون • میدانند آنچه میکنید ان الابرار لفی نعیم • هر آینه نیکوکاران در نعمت باشند
و ان الفجار لفی جحیم • هر آینه گنهکاران در دوزخ باشند یصلونها یوم الدین • در آیند بدوزخ
روز جزای اعمال وما هم عنها بغائبین • و نباشند از آنجا غایب شده وما ادریک
ما یوم الدین • و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست روز جزا ثم ما ادریک ما یوم الدین
باز میگویم که چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست روز جزا یوم لا تملک نفس لنفس شیئا
والامر یومئذ لله • روزیکه نتواند هیچکس برای هیچکس هیچ فایده رسانیدن و فرمان آن روز
خدا را باشد سورة المطففین مکیة و هی ثلثون آیة بسم الله الرحمن الرحیم ویل
للمطففین • وای حقوق مردم کاهندگان را الذین اذا اکتالوا علی الناس یستوفون
آنانکه برای خود به پیمانه بر مردمان سخت گرفته تمام گیرند و اذا کالوهم او وزنوهم یخسرون
و چون خواهند که بپیمایند بدیشان یا بسنجند بدیشان زیان رسانند الا یظن اولئک

أَنَّهُمْ مَّبْعُوثُونَ • نمیدانند آن جماعه که ایشان برانگیخته خواهند شد لِيَوْمٍ عَظِيمٍ يَوْمَ يَقُومُ
النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ • در روزی بزرگ روزیکه ایستاده شوند مردمان پیش پروردگار عالمها كَلَّا
إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ ۴ • و چه خبر مطلع ساخت ترا که چیست سجین كِتَابٌ مَّرْقُومٌ • کتابی است

۴ هر آینه اعمال گنهکاران در سجین است وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ

نوشته شده وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ • وای آنروز دروغ شمارندگان الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ
بِيَوْمِ الدِّينِ • آنانکه بدروغ نسبت میکنند روز جزا وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ
و دروغ نمی شمرد آنرا مگر هر ستمکار گناهکار إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ چون
خوانده شود بروی آیات ما گوید افسانهای پیشینیان است كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا
يَكْسِبُونَ • نی نی بلکه زنگ بسته است بر دل ایشان آنچه میکردند كَلَّا إِنَّهُمْ عَن رَّبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ
لَّمَحْجُوبُونَ • هر آینه ایشان از دیدار پروردگار خویش آنروز محجوب باشند ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ
باز هر آینه ایشان درآیندگان دوزخ باشند ثُمَّ يُقَالُ هَٰذَا الَّذِي كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ • باز گفته
شود ایشانرا این است آنچه شما آنرا دروغ می شمردید كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ • حقا هر آینه
نامه اعمال نیکوکاران داخل شود در علیین وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ • و چه خبر مطلع ساخت ترا که چیست
علیون كِتَابٌ مَّرْقُومٌ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ • کتابی است نوشته شده که حاضر شوند نزدیک آن
نزدیک کردگان خدا إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ • هر آینه نیکوکاران در نعمت باشند عَلَى الْأَرَائِكِ
يَنظُرُونَ • بر تختها نشسته نظر میکنند بهر جانب تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ
بشناسی در روی ایشان تازگی نعمت يُسْقَوْنَ مِن رَّحِيقٍ مَّخْتُومٍ • نوشانیده شود ایشانرا
از شراب خالص سربمهر خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ • بجای موم مهر او
مشک باشد و بهمین شراب پاک باید که رغبت کنند رغبت کنندگان وَمِزَاجُهُ مِن تَسْنِيمٍ • و آمیختنی
آن از آب تسنیم باشد عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ • مراد میدارم چشمه که می نوشند ازان نزدیک کردگان خدا
إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ • هر آینه گناهکاران با مسلمانان میخندیدند
وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ • و چون میگذشتند مسلمانان بایکدیگر چشم میزدند حقارت کرده وَإِذَا

انقلبوا الی اهلهم انقلبوا فکهین • و چون باز می گشتند باهل خانه خود باز می گشتند شادمان
شده • و اذا راوهم قالوا ان هؤلاء لضالون • و چون میدیدند مسلمانان را میگفتند
هر اینه ایشان گمراهانند • و ما ارسلوا علیهم حافظین • و نگاهبانان فرستاده نشده بودند بر
مسلمانان • فالیوم الذین آمنوا من الکفار یضحکون • پس امروز مسلمانان با کافران
با کافران میخندیدند • علی الارائک ینظرون • بر تختها نشسته نظر میکنند بهر جانب • هل
ثوب الکفار ما کانوا یفعلون • آیا جزا داده شد کافران بحسب آنچه میکردند • سوره
انشقت مکیه ثلث و عشرون آیه • بسم الله الرحمن الرحیم اذا السماء انشقت • و چون
آسمان بشگافد • و اذنت لربها و حقت • و گوش کند فرمان پروردگار خود را و آسمان سزاوار گوش
کردن است • و اذا الارض مدت • و وقتیکه زمین را کشیده شود • و القت ما فیها و تخلت
و بیرون اندازد آنچه در آن باشد و خالی شود یعنی اموات را بر آرد • و اذنت لربها و حقت • و گوش کند
پروردگار خود را و زمین سزاوار گوش کردن است حساب روز آخرت بودنی است • یا ایها
الانسان انک کادح الی ربک کدحا فملاقیه • ای آدمی هر اینه تو کار کننده تا ملاقات پروردگار
خود بکوشش تمام پس ملاقات خواهی کرد به پروردگار خود • فاما من اوتی کتابه بیمینه • اما
هر که داده شد او را نامه اعمال او بدست راستش • فسوف یحاسب حسابا یسیرا • پس
با او حساب کرده شود حساب آسان • و ینقلب الی اهله مسرورا • و باز گردد بسوی اهل خانه خود
شادمان شده • و اما من اوتی کتابه وراء ظهره • و اما هر که داده شد او را نامه اعمال او از
پس پشتش • فسوف یدعوا ثبورا • و یصلی سعیرا • پس خواهد گرد هلاکت و خواهد در آمد بدوزخ
انه کان فی اهله مسرورا • هر اینه بود در دنیا با اهل خانه خود شادمان • انه ظن ان لن
یحور • هر اینه وی گمان کرده بود که رجوع نکند بسوی خدا تعالی • بلی ان ربه کان به بصیرا •
آری رجوع کردن متحقق است هر اینه پروردگار او بود با حوال او بینا • فلا اقسم بالشفق • پس سوگند
میخورم بسرخی کناره آسمان در اول شب • و اللیل و ما وسق • و قسم میخورم بشب و آنچه شب آن را جمع کرد

وَالْقَمَرِ اِذَا اتَّسَقَ ۝ و قسم میخورم بماه چون تمام شود لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ۝ خواهید رسید بحالی
بعد حالی یعنی بهول موت بعد ازان سوال منکر و نکیر و بعد ازان حشر و حساب و مرور بر صراط بعد ازان دوزخ
یا بهشت والله اعلم فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ ۝ پس چیست این کافران را که ایمان نمی آرند وَاِذَا قُرِئَ
عَلَيْهِمُ الْقُرْاٰنُ لَا يَسْجُدُوْنَ ۝ و چون خوانده میشود بر ایشان قرآن سجده نمیکنند بَلِ الَّذِيْنَ — سجده ۱۳
كَفَرُوْا يُكَذِّبُوْنَ ۝ بلکه این کافران دروغ می شمرند وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا يُوْعُوْنَ ۝ و خدا داناتر است
بآنچه در دل خود نگاه میدارند فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ۝ پس خبر کن ایشان را بعذاب درد دهنده
اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ اَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُوْنٍ ۝ لیکن آنانکه ایمان آوردند و کارهای
شایسته کردند ایشان راست مزدی بی نهایت

سورة البروج مكية اثنا عشر آيات

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ وَالسَّمَاۤءِ ذَاتِ الْبُرُوْجِ ۝ قسم باسمان خداوند برجها یعنی بروج دوازده
گانه وَالْيَوْمِ الْمَوْعُوْدِ ۝ و قسم بروزیکه وعده کرده میشود یعنی روز قیامت وَشَاهِدٍ وَّمَشْهُوْدٍ
و قسم بروزیکه در هر هفته حاضر میشود یعنی روز جمعه و قسم بروزیکه حاجیان بآن روز حاضر میشوند یعنی روز عرفه
هر آینه مجازات متحقق است قُتِلَ اَصْحٰبُ الْاُخْدُوْدِ النَّارِ ۝ هلاک کرده شدند اهل خندقها
ذَاتِ الْوَقُوْدِ ۝ خندقها از قسم آتش خداوند هیزم بسیار اِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُوْدٌ ۝ وقتیکه ایشان گرد
آن خندق نشسته بودند وَّهُمْ عَلٰى مَا يَفْعَلُوْنَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ شُهُوْدٌ ۝ و ایشان بآنچه میکردند بمسلمانان
حاضر بودند وَمَا نَقَمُوْا مِنْهُمْ اِلَّآ اَنْ يُّؤْمِنُوْا بِاللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْحَمِيْدِ ۝ و عیب نکردند ازیشان
مگر این خصلت را که ایمان آرند بخدا غالب ستوده الَّذِيْ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاللّٰهُ
عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدٌ ۝ آنکه او راست پادشاهی آسمانها و زمین و خدا بر همه چیز مطلع است مترجم گوید
پادشاهی جباری رعیت خود را تکلیف کفر کرد و چون کافر نشدند خندقها را با آتش پر کرد و ایشان را با آتش
افگند خدا تعالی آن آتش را بر پادشاه و همنشینان او مسلط ساخت تا از خندق پریده همه را بپاک بسوخت
والله اعلم اِنَّ الَّذِيْنَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوْبُوْا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ
وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيْقِ ۝ و زنان مسلمان را باز توبه نمودند پس ایشان راست عذاب دوزخ و ایشان را

عذاب سوختن إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ • هر آینه آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند ایشان راست بوستانها میرود

زیر آن جویها اینست فیروزی بزرگ إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ • هر آینه دست درازی پروردگار

تو سخت است إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ • هر آینه او آفرینش دوباره میکند وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ

و اوست آمرزگار دوستدار ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ • او خداوند عرش است گرامی قدر فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ کند

کننده است هر چیز را که خواهد هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ • آیا آمده است

بتو خبر لشکرها که فرعون و ثمود باشند بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ

مُحِيطٌ • بلکه کافران در دروغ شمردن اند و خدا از گرداگرد ایشان گیرنده است بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ فِي

لَوْحٍ مَحْفُوظٍ • بلکه این قرآن گرامی قدر است نوشته شده در لوح محفوظ سورة الطارق مکیة ثمان

عشر آیات بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ • قسم باسمان و قسم بچیزیکه وقت شب

پدید می آید وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ • و چه چیز مطلع ساخت ترا چه چیز بوقت شب پدید آینده است

النَّجْمُ الثَّاقِبُ • آن ستاره درخشنده است إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ • نیست هیچ

شخص مگر بروی فرشته نگهبانی کننده است فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ • پس باید که بهبیند آدمی از چه چیز آفریده

شد خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ • آفریده شده است از آب جهنده يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ

التَّرَائِبِ • که بر می آید از میان پشت مرد و استخوان سینه زن إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ • هر آینه

خدا بر دیگر بار آفریدن توانا است يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ • روزیکه امتحان

کرده شود ضمیرهای مردمان را پس نباشد آدمی را طاقتی و نباشد نصرت دهنده وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ

و قسم باسمان خداوند باران وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ • و قسم بزمین صاحب شگافتن یعنی نباتات را بیرون

آید إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ • هر آینه قرآن سخن واضح است وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ • و نیست قرآن سخن بیهوده

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا • هر آینه کافران بد اندیشی میکنند یکطور بد اندیشی کردنی وَأَكِيدُ كَيْدًا

و من نیز بد اندیشی میکنم یکطور بد اندیشی و این وعده روز بدر متحقق شد فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ

رُوَيْدًا ۝ پس مهلت ده کافران را و فرو گذار ایشان را اندکی سورة الاعلی مکیة تسع عشر آیة
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْاَعْلٰى ۝ پاکی یاد کن پروردگار برتر خود را اَلَّذِيْ
خَلَقَ فَسَوّٰى ۝ آنکه بیافرید پس درست اندام کرد وَالَّذِيْ قَدَّرَ فَهَدٰى ۝ و آنکه اندازه کرد پس راه
نمود یعنی جمیع مخلوقات را اندازه و بحسب اندازه در مخلوقات تصرف فرمود تا همان صورت بروی کار
آمد پس این تصرف را بهدایت تعبیر فرمود والله اعلم وَالَّذِيْ اَخْرَجَ الْمَرْعٰى ۝ و آنکه برآورد گیاه تازه را
فَجَعَلَهٗ غُثَآءً اَحْوٰى ۝ باز ساخت آنرا خشک شده سیاه گشته سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسٰى
قرآن تعلیم خواهیم کرد ترا پس فراموش نخواهی کرد اِلَّا مَا شَآءَ اللّٰهُ اِنَّهٗ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا
يَخْفٰى ۝ مگر آنچه خدا خواسته هر اینه خدا میداند آشکار او نهان را مترجم گوید فراموش گردانیدن آیه از خاطر
مبارک آنحضرت صلی الله علیه وسلم نوعی از نسخ است وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرٰى ۝ و توفیق خواهیم داد ترا
بمعرفت شریعت آسان فَذَكِّرْ اِنْ نَّفَعَتِ الذِّكْرٰى ۝ پس پند ده اگر سود کند پند دادن سَيَذَّكَّرُ
مَنْ يَّخْشٰى ۝ پند خواهد گرفت هر که می ترسد وَيَتَجَنَّبُهَا الْاَشْقَى ۝ و یکسو خواهد شد ازان پند بدبخت
ترین مردم اَلَّذِيْ يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرٰى ۝ آنکه خواهد در آمد بآتش بزرگ ثُمَّ لَا يَمُوْتُ
فِيْهَا وَلَا يَحْيٰى ۝ باز نمیرد آنجا و نه زنده باشد قَدْ اَفْلَحَ مَنْ تَزَكّٰى ۝ هر اینه رستگار گشت هر که
پاک شد وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهٖ فَصَلّٰى ۝ یاد کرد نام پروردگار خود را پس نماز گذارد بَلْ تُؤْ
ثِرُوْنَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ۝ بلکه اختیار میکنید زندگانی این جهانی را وَالْاٰخِرَةُ خَيْرٌ وَّاَبْقٰى
و آخرت بهتر است و پاینده تر است اِنَّ هٰذَا لَفِي الصُّحُفِ الْاُوْلٰى ۝ هر اینه این مقدمه
مذکور بود در صحیفهای نخستین صُحُفِ اِبْرٰهِيْمَ وَمُوْسٰى ۝ صحیفهای ابراهیم و موسی
سورة الغاشیة مکیة ست و عشرون آیة بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ هَلْ اَتٰىكَ حَدِيْثُ
الْغَاشِيَةِ ۝ آیا آمده است بتو خبر قیامت وُجُوْهٌ يَّوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ۝ یکپاره رویها
آن روز خوار باشند عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ ۝ کار کننده محنت کشنده باشد تَصْلٰى نَارًا حَامِيَةً
در آیند بآتش افروخته شده تُسْقٰى مِنْ عَيْنٍ اٰنِيَةٍ ۝ آب نوشانیده شوند از چشمهٔ بنهایت گرم

لَيْسَ

لیس لهم طعام الا من ضریع لا یسمن و لا یغنی من جوع ۰ نباشد ایشان را هیچ طعامی
مگر از ضریع که فربه نکند و دفع گرسنگی نماید و ضریع نام گیاه خاردار است وجوه یومئذ ناعمة
لسعیها راضیة ۰ یک پاره رویها آن روز تازه باشد بسعی خود رضامند شده باشد فی جنة
عالیة ۰ در بهشت عالی لا تسمع فیها لاغیة ۰ نشنوی آنجا هیچ سخن بیهوده فیها عین جاریة
دران چشمه روان باشد فیها سرر مرفوعة ۰ دران تختهای بلند باشد و اکواب موضوعة
و کوزها نهاده شده و نمارق مصفوفة ۰ و وسادها برابر یکدیگر گذاشته و زرابی مبثوثة
و بساطهای نفیس پراگنده کرده افلا ینظرون الی الابل کیف خلقت ۰ آیا نمی نگرند بسوی
شتران چگونه آفریده شد و الی السماء کیف رفعت ۰ و بسوی آسمان چگونه برداشته شد و الی
الجبال کیف نصبت ۰ و بسوی کوهها چگونه برافراشته شد و الی الارض کیف سطحت
و بسوی زمین چگونه پهن کرده شد فذکر انما انت مذکر ۰ پس پند ده جز این نیست که تو پند دهنده
لست علیهم بمصیطر ۰ نیستی بر ایشان گماشته شده الا من تولی و کفر ۰ لیکن هر که روی گردانید
و کافر شود فیعذبه الله العذاب الاکبر ۰ عذاب کند او را خدا عقوبت بزرگ انا الینا
ایابهم ۰ هر آینه بسوی ماست رجوع ایشان ثم ان علینا حسابهم ۰ باز هر آینه بر ماست حساب ایشان
سورة الفجر مکیة وهی ثلثون آیة بسم الله الرحمن الرحیم والفجر ۰ قسم بصبح و لیال
عشر ۰ و شبهای ده گانه یعنی عشر ذی الحجة و الشفع و الوتر ۰ و قسم بجفت و طاق یعنی بعضی نماز جفت است
و بعضی طاق و اللیل اذا یسر ۰ و قسم بشب چون روان شود هل فی ذلک قسم لذی حجر ۰
آیا درین مقدمه سوگند معتبر است صاحب خرد را که خدا جزا دهنده بندگان است بر اعمال ایشان الم
تر کیف فعل ربک بعاد ۰ آیا ندیدی که چگونه معامله کرد پروردگار تو با قوم عاد ارم ذات
العماد ۰ که عاد ارم باشد خداوند قدهای بلند التی لم یخلق مثلها فی البلاد ۰ که آفریده نشده
مانند آن در شهرها و ثمود الذین جابوا الصخر بالواد ۰ و چگونه معامله کرد با قوم ثمود که تراشیده
بودند سنگهای بزرگ در وادی قری و فرعون ذی الاوتاد ۰ و چگونه معامله کرد با فرعون

صاحب میخها یعنی بچهار میخ بسته عقوبت میکرد والله اعلم الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ همه این جماعتها
آنانکه سرکشی کردند در شهرها فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ پس بسیار بعمل آوردند در انجاف وسلا
فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ پس بریخت برایشان پروردگار تو یکنوع عذاب
إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ هراینه پروردگار تو بکمین گاهست فَأَمَّا الْإِنسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ
فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ اما آدمی پس چون امتحان کندش پروردگار او پس گرامی
کندش ونعمت دهدش گوید پروردگار من گرامی ساخت مرا وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ
فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ واما چون امتحان کندش پس تنگ سازد بروی رزق وی را گوید پروردگار من خوار
کرد مرا كَلَّا بَل لَّا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ نی نی بلکه گرامی نمیدارید یتیم را وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ
با یکدیگر رغبت نمیدهید بر طعام دادن فقیر وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا ومیخورید مال میراث را خوردن
بسیار یعنی زنان وتیمان را حق ایشان نمیدهید حق ایشان را بمال خود جمع میکنید وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا
جَمًّا ودوست میدارید مال را دوست داشتن بسیار یعنی اسباب اکرام الهی اکرام یتیم واطعام مسکین است
اکرامی باید کرد وشما باین صفت هستید که یتیمان را حق ایشان نمیدهید وحق ایشان را بمال خود جمع میکنید كَلَّا
إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا نی نی چون پست کرده شود بلندی زمین را پست کردن بعد پست کردن
یعنی جبال واتلال را با سایر ارض برابر کرده شود وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا وبیاید پروردگار تو
وبیاید فرشتگان صف صف شده وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ
الْإِنسَانُ وَأَنَّىٰ لَهُ الذِّكْرَىٰ وآورده شود آن روز دوزخ را آن روز یاد کند آدمی وکجا باشد
او را نفع آن یاد کردن يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي گوید کاش من پیش فرستادی عمل
نیک برای این زندگانی جاویدان خویش فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ پس آن روز
عقوبت نکند مانند عقوبت خدا هیچکس وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ وبند نکند مانند بند کردن خدا
هیچکس یعنی بوجهی واقع شود که هیچ کس غیر او بران قادر نیست والله اعلم يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ
ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً گفته شود روح مومن را وقت مرگ ای نفس آرام گیرنده

بازگرد

و بنوشانند ایشان پروردگار ایشان شراب نهایت پاک إِنَّ هَٰذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُم
مَّشْكُورًا • هرآئینه این نعمت هست شمارا جزای اعمال و هست سعی شما قبول کرده شده إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا
عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنزِيلًا • و هرآئینه فرود آوردیم بر تو قرآن را فرود آوردنی فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ
وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا • پس شکیبائی کن بر حکم پروردگار خود و فرمان مبر از زمرهٔ بنی آدم
گناهکار را یا ناسپاس داری وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا • و یاد کن نام پروردگار خود صبح
و شام وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا • و بعض ساعات شب نماز گذار برای او و پاکی یاد کن
او را وقت دراز شب إِنَّ هَٰؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا
هرآئینه این کافران رغبت میکنند دنیا را و گذاشته اند پس پشت خود روز گران نَّحْنُ خَلَقْنَاهُمْ
وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَالَهُمْ تَبْدِيلًا • و ما آفریدیم ایشان را و محکم کردیم رگ
ایشان را و چون خواهیم عوض آریم قومی مانند ایشان بطریق بدل کردن إِنَّ هَٰذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَن شَاءَ
اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا • هرآئینه این پند است پس هر که خواهد بگیرد بسوی پروردگار خود راه را وَمَا
تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا • و نمی خواهید مگر وقتی که خواهد خدا هرآئینه خدا
هست دانا حکمت يُدْخِلُ مَن يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا
داخل میکند هر کرا خواهد در رحمت خود برای ستمکاران آماده کرده است عقوبتی درد دهنده سورة
المرسلات مکیه وهی خمسون آیه بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا • قسم بادهای
فرستاده شده بوجه نیک فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا • پس قسم بادهای تند وزنده بطریق تندی
وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا • و قسم بادهای بردارنده ابر بهم آوردن فَالْفَارِقَاتِ فَرْقًا • پس قسم بادهای
از هم جدا کننده ابر بپاره پاره نمودن فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا • پس قسم بجماعت فرشتگان فرود آرنده وحی
عُذْرًا أَوْ نُذْرًا • برای دفع عذر و برای ترسانیدن إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ • هرآئینه آنچه وعده
داده می شود شمارا البته بودنی است فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ • پس وقتیکه ستارهای بی نور کرده شود
وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ • و وقتیکه آسمان شکافته شود وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ • و وقتیکه کوهها

پاره پاره نموده آید وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِّتَتْ و وقتیکه پیغامبران را بمیعادی معین جمع کرده شود متحقق گردد
آنچه متحقق گردد آنچه متحقق گردد لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ برای کدام روز پیغامبران را موقوف داشته شده
لِيَوْمِ الْفَصْلِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ برای روز فیصل کردن و چه چیز خبر داد ترا که چیست
روز فیصل کردن وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ وای آن روز دروغ شمارندگان را أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ
آیا هلاک نکرده ایم نخستیان را ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ بعد از آن در پی ایشان آریم پسینیان را كَذَٰلِكَ
نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ همچنین میکنیم با گناهکاران وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ وای آنروز دروغ شمارندگان را
أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ آیا نیافریدیم شما را از آب محقر فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ پس نهادیم
آن آب را در جای مضبوط إِلَىٰ قَدَرٍ مَعْلُومٍ تا اندازه معین فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ
پس اندازه کردیم پس نیکو اندازه کنندگانیم وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ وای آنروز دروغ شمارندگان را أَلَمْ نَجْعَلِ
الْأَرْضَ كِفَاتًا آیا نساخته ایم زمین را جمع کننده أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا جمع کننده زندگان را و مردگان را
وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ و آفریدیم در زمین کوههای بلند وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا
و نوشانیدیم شما را آب شیرین وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ وای آنروز دروغ شمارندگان را انْطَلِقُوا
إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ گفته شوند بروید بسوی چیزیکه آنرا دروغ می شمردید انْطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلٍّ ذِي
ثَلَاثِ شُعَبٍ بروید بسوی سایه صاحب سه شعبه لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ نه سایه سرد
باشد و نه کفایت کند از گرمی آتش إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ هرآینه آن آتش می افکند شررها مانند کوشک
كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ گویا آن شراره شتران زرد است وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ وای آن روز دروغ
شمارندگان را هَٰذَا يَوْمُ لَا يَنْطِقُونَ این روز روزیست که سخن نگویند وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ
و نه دستوری داده شود ایشان را تا عذر تقریر نمایند وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ وای آنروز دروغ شمارندگان را
هَٰذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ این روز روز فیصل کردن است جمع کردیم شما را با پیشینیان
فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ پس اگر شما را حیله هست بد سگالی کنید در حق من وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ
لِلْمُكَذِّبِينَ وای آنروز دروغ شمارندگان را إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ هرآینه متقیان در سایها

باشند

ويل يومئذ للمكذبين

باشند و در خشها و فواكه مما يشتهون ، و در ميوها از جنسى كه رغبت كنند كلوا واشربوا
هنيئا بما كنتم تعملون ، بگوييم بخوريد و بنوشيد خوردنى و نوشيدنى گوارا بسبب آنچه ميكرديد
انا كذلك نجزى المحسنين ، بگوييم ما همچنين جزا ميدهيم نيكوكاران را كلوا وتمتعوا قليلا انكم
مجرمون ، اى دروغ شمارندگان بخوريد و بهره مند باشيد اندكى هر اينه شما گناهكاريد ويل
يومئذ للمكذبين ، واى آن روز دروغ شمارندگان را ~~كلوا وتمتعوا قليلا انكم مجرمون~~
اى دروغ شمارندگان بخوريد و بهره مند باشيد اندكى شما گناهكاريد ~~ويل يومئذ للمكذبين~~ ،
واى آن روز دروغ شمارندگان را واذا قيل لهم اركعوا لا يركعون ، و چون گفته شود ايشان را
نماز گذاريد نماز نميگذارند ويل يومئذ للمكذبين ، واى آن روز دروغ شمارندگان را فباى حديث
بعده يؤمنون ، پس بكدام سخن بعد از قرآن ايمان خواهند كرد سورة النبأ مكية وهى اربعون
آيات بسم الله الرحمن الرحيم عم يتساءلون ، از چه چيز كافران با يكديگر سوال ميكنند عن
النبإ العظيم الذى هم فيه مختلفون ، آرى سوال ميكنند از خبرى بزرگى كه ايشان در ان
اختلاف دارند مراد بعث و قيامت كلا سيعلمون ، نى نى خواهند دانست ثم كلا سيعلمون
باز ميگوييم نى نى خواهند دانست الم نجعل الارض مهادا ، آيا نساخته ايم زمين را فرشى
والجبال اوتادا ، و نساخته ايم كوهها را ميخها وخلقناكم ازواجا ، و آفريديم شما را نر و ماده
وجعلنا نومكم سباتا ، و ساختيم خواب شما را راحتى وجعلنا الليل لباسا ، و ساختيم شب را
پرده وجعلنا النهار معاشا ، و ساختيم روز را وقت طلب معيشت وبنينا فوقكم سبعا
شدادا ، و بنا كرديم بالاى شما هفت آسمان محكم وجعلنا سراجا وهاجا ، و آفريديم چراغى
درخشنده يعنى آفتاب وانزلنا من المعصرات ماء ثجاجا ، و فرود آورديم از ابرها آب ريزان
لنخرج به حبا ونباتا ، تا برآريم بسبب آن آب دانه و گياه را وجنات الفافا ، و بوستانها در هم
پيچيده را ان يوم الفصل كان ميقاتا ، هر اينه روز فيصل كردن است وقتى معين يوم
ينفخ فى الصور فتاتون افواجا ، روزيكه دميده شود در صور پس بيائيد گروه گروه شده

وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ اَبْوَابًا ۝ وشکافته شود آسمان پس باشد دروازه دروازه وسیر کرده شود

الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ۝ وروان کرده آید کوهها را پس باشند سراب اِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ

مِرْصَادًا ۝ هرآینه دوزخ است انتظار کننده لِلطَّاغِيْنَ مَاٰبًا ۝ سرکشان راهست مرجع ایشان لٰبِثِيْنَ

فِيْهَا اَحْقَابًا ۝ درآیند بدوزخ اقامت کنندگان درینجا مدتهای دراز لَا يَذُوْقُوْنَ فِيْهَا بَرْدًا

وَّلَا شَرَابًا ۝ نچشند آنجا خنکی را ونه هیچ آشامیدنی را اِلَّا حَمِيْمًا وَّغَسَّاقًا ۝ مگر آب گرم را وزرداب

جَزَاۤءً وِّفَاقًا ۝ جزا داده شد جزا موافق اِنَّهُمْ كَانُوْا لَا يَرْجُوْنَ حِسَابًا ۝ هرآینه ایشان توقع

نداشتند حساب را وَّكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا كِذَّابًا ۝ تکذیب میکردند آیات ما را بدروغ داشتنی وَكُلَّ شَيْءٍ

اَحْصَيْنٰهُ كِتٰبًا ۝ وهر چیز را ضبط کردیم بطریق نوشتن فَذُوْقُوْا فَلَنْ نَّزِيْدَكُمْ اِلَّا عَذَابًا

پس بچشید زیاده نخواهیم داد شما را مگر عقوبت اِنَّ لِلْمُتَّقِيْنَ مَفَازًا ۝ هرآینه متقیان را مطلب یابی باشد

حَدَاۤئِقَ وَاَعْنَابًا ۝ بوستانها باشد ودرختان انگور باشد وَّكَوَاعِبَ اَتْرَابًا ۝ وزنان دوشیزه

هم عمر با یکدیگر باشند وَّكَاْسًا دِهَاقًا ۝ وپیاله شراب پر کرده باشد لَا يَسْمَعُوْنَ فِيْهَا لَغْوًا

وَّلَا كِذّٰبًا ۝ نشنوند آنجا سخن بیهوده را ونه دروغ شمردن را جَزَاۤءً مِّنْ رَّبِّكَ عَطَاۤءً حِسَابًا

جزا داده شد عطا نموده آمد حساب کرده شده ازجانب پروردگار رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ

وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمٰنِ لَا يَمْلِكُوْنَ مِنْهُ خِطَابًا ۝ پروردگار آسمانها وزمین وآنچه مابین ایشانهاست

خدای بخشاینده نتوانند از هیبت وی سخن گفتن يَوْمَ يَقُوْمُ الرُّوْحُ وَالْمَلٰۤئِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُوْنَ

اِلَّا مَنْ اَذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ وَقَالَ صَوَابًا ۝ روزیکه ایستد فرشته روح نام وسایر فرشتگان صف

زده سخن نگویند حاضران محشر مگر کسیکه دستوری داده باشد او را خداوند وگفته باشد سخن درست یعنی کلمه

اسلام ذٰلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاۤءَ اتَّخَذَ اِلٰى رَبِّهٖ مَاٰبًا ۝ این روز متحقق است پس هرکه خواهد

بگیرد بسوی پروردگار خود مرجع اِنَّآ اَنْذَرْنٰكُمْ عَذَابًا قَرِيْبًا يَّوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ

يَدٰهُ وَيَقُوْلُ الْكٰفِرُ يٰلَيْتَنِيْ كُنْتُ تُرٰبًا ۝ هرآینه ما ترسانیدیم شما را از عقوبت نزدیک

آینده روزیکه ببیند آدمی آنچه پیش فرستاده بود دو دست وی وبگوید کافران ای کاش من خاک بودمی

سوره

بازگرد بسوی پروردگار خویش تو خشنود شده و از تو نیز خوشنود گشته فَادْخُلِي فِي عِبَادِي
وَادْخُلِي جَنَّتِي • پس در آی در زمرهٔ بندگان خاص من و در آی به بهشت من سورة البلد مکیة و هی
اثنا عشر آیة بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ لَا أُقْسِمُ بِهٰذَا الْبَلَدِ • قسم میخورم باین شهر
یعنی مکه مبارک وَأَنْتَ حِلٌّ بِهٰذَا الْبَلَدِ • و تو حلال خواهی شد باین شهر یعنی ترا قتال در مکه
حلال خواهد شد وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ • و قسم میخورم بزاینده و هرچه زاده است یعنی آدم و جمیع
ذریت لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ • هر آینه آفریدیم آدمی را در مشقت أَيَحْسَبُ
أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ • آیا گمان میکند آدمی که قادر نشود بروی هیچکس یعنی عادت
آدمی است که بقوت فخر کند و نه بیند که چه قدر ناتوانیها کند و نیز بسبب مال فخر کند و نمیداند که خدا
او را می بیند که بغایت حقیر و بخیل است أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ • آیا نیافریده ایم برای او دو چشم
وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ • و زبان را و دو لب وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ • و دلالت کردیم او را
بر دو راه یعنی خیر و شر فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ • پس در نیامد بگذرگاه سخت وَمَا أَدْرَاكَ
مَا الْعَقَبَةُ • و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست گذرگاه سخت یعنی بتحقیق قوت آن نیست که این
اعمال بجا آرد فَكُّ رَقَبَةٍ • خلاص کردن برده أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ
يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ • یا طعام دادن بروز گرسنگی یتیم صاحب قرابت را أَوْ مِسْكِينًا
ذَا مَتْرَبَةٍ • یا فقیر صاحب خاک ریرا ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ
وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ • بعد از آن باشد از آنانکه ایمان آوردند و باکدیگر وصیت کردند بشکیبائی
و باکدیگر وصیت کردند بشفقت بر خلق الله أُولٰئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ • این جماعت
ایشانند اهل نیک بختی وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ • و آنانکه کافر شدند
بآیات ما ایشانند اهل بدبختی عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤْصَدَةٌ • بر ایشان آتشی است که بسته شده از هر جهت
گرد آورده شده سورة الشمس مکیة و هی خمس عشر آیات بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا • قسم بآفتاب و روشنی او وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا • و قسم بماه چون از پی

صح
يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا
لُبَدًا أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ
يَرَهُ أَحَدٌ

آفتاب در آید یعنی شب چهاردهم نمایان کند آفتاب وَالنَّهَارِ اِذَا جَلّٰهَا • و قسم بروز چون نمایان

کند آفتاب را وَاللَّيْلِ اِذَا يَغْشٰهَا • و قسم بشب چون بپوشاند آفتاب وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنٰهَا

و قسم باسمان و بذاتی که ساخت او را وَالْاَرْضِ وَمَا طَحٰهَا • و قسم بزمین بذاتی و قسم بزمین بذاتی

که هموار کرد او را وَنَفْسٍ وَّمَا سَوّٰهَا • و قسم بنفس آدمی و بذاتی که درست اندام کرد او را فَاَلْهَمَهَا

فُجُوْرَهَا وَتَقْوٰهَا • پس تعلیم کرد با و گناه او را و تقوی او را قَدْ اَفْلَحَ مَنْ زَكّٰهَا • هر اینه رستگار

شد هر که پاک ساخت وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسّٰهَا • هر اینه زیان کار شد هر که باسفل السافلین برد آزا

كَذَّبَتْ ثَمُوْدُ بِطَغْوٰهَآ • دروغ شمرد قوم ثمود بسبب سرکشی خود اِذِ انْۢبَعَثَ اَشْقٰهَا • و قتیکه

برخاست بدبخت ترین آن قوم فَقَالَ لَهُمْ رَسُوْلُ اللّٰهِ نَاقَةَ اللّٰهِ وَسُقْيٰهَا • پس گفت

این پیغمبر خدا نگاه دارید ماده شتری را که خدا آفریده است و متعرض نشوید آب خوردن او را فَكَذَّبُوْهُ

فَعَقَرُوْهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْۢبِهِمْ فَسَوّٰهَا • پس دروغ شمردند پیغامبر را پس

بکشتند ناقه را پس عقوبت فرود آورد بر ایشان پروردگار ایشان بسبب معصیت ایشان پس هموار کرد

عقوبت را بر سر ایشان یعنی بهمه رسانید وَلَا يَخَافُ عُقْبٰهَا • و خدا نمی ترسد از بازپرس آن عقوبت

سورة والليل مكية وهي عشرون آيات بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ وَاللَّيْلِ اِذَا يَغْشٰى

و قسم بشب چون بپوشاند وَالنَّهَارِ اِذَا تَجَلّٰى • و قسم بروز چون ظاهر شود وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْاُنْثٰى

و قسم بذاتی که آفرید نر و ماده را اِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتّٰى • که هر اینه سعی شما مختلف است فَاَمَّا مَنْ اَعْطٰى

وَاتَّقٰى • و اما هر که عطا کرد و پرهیزکاری نمود وَصَدَّقَ بِالْحُسْنٰى • و تصدیق کرد ملت نیک را

فَسَنُيَسِّرُهٗ لِلْيُسْرٰى • توفیق دهیم او را برای رسیدن ببرای آسایش وَاَمَّا مَنْۢ بَخِلَ وَاسْتَغْنٰى

و هر که بخل کرد خود را بی نیاز شمرد وَكَذَّبَ بِالْحُسْنٰى • و بدروغ نسبت کرد ملت نیک را فَسَنُيَسِّرُهٗ

لِلْعُسْرٰى • پس توفیق دهیم او را برای رسیدنگاه برای دشواری وَمَا يُغْنِيْ عَنْهُ مَالُهٗۤ اِذَا تَرَدّٰى

و هیچ دفع نکند از وی مال او وقتیکه نگون را اِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدٰى • هر اینه بر ما لازم است راه نمودن وَاِنَّ

لَنَا لَلْاٰخِرَةَ وَالْاُوْلٰى • و هر اینه از آن ماست آنجهان و اینجهان فَاَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظّٰى • پس بیم کردم شما را

اذا تلظی

از آتشی که شعله میزند لا یصلیها الا الاشقی در نیاید بآن آتش مگر بدبخت ترین مردم الذی
کذب وتولی آنکه دروغ شمرد وروی گردان شد وسیجنبها الاتقی ویکسو داشته خواهد شد
ازان آتش پرهیزکارترین مردم الذی یؤتی ماله یتزکی آنکه میدهد مال خود را تا پاک نفس گردد وما
لاحد عنده من نعمة تجزی ونیست هیچکس را نزد او هیچ نعمتی که جزا داده شود الا ابتغاء
وجه ربه الاعلی لیکن میدهد بطلب روی پروردگار بزرگوار خود ولسوف یرضی وهر اینه
خوشنود خواهد شد سورة الضحی مکیة وهی احدی عشر آیه بسم الله الرحمن الرحیم
مترجم گوید چند روز وحی نیامده بود کفار گفتند ودعه ربه وقلاه خدا تعالی برای تسلی این سوره فرود
آورد والضحی قسم بوقت چاشت واللیل اذا سجی وقسم بشب چون پوشیده شد ما ودعک ربک
وما قلی فرو نگذاشت ترا پروردگار تو ودشمن نداشت وللآخرة خیر لک من الاولی
وهر اینه آخرت بهتر خواهد بود ترا از دنیا ولسوف یعطیک ربک فترضی والبته نعمت خواهد داد
ترا پروردگار تو پس خوشنود خواهی شد الم یجدک یتیما فآوی آیا یتیم نیافت ترا پس جای داد
ووجدک ضالا فهدی ووجدک عائلا فاغنی ویافت ترا راه گم کرده یعنی شریعت
نمیدانستی پس راه نمود ویافت ترا تنگدست پس توانگر ساخت فاما الیتیم فلا تقهر اما یتیم را
پس ستم مکن واما السائل فلا تنهر واما سایل را پس بانگ مزن واما بنعمة ربک فحدث
واما بنعمت پروردگار خود پس حدیث کن سورة الم نشرح مکیة ثمان آیات بسم الله الرحمن الرحیم
الم نشرح لک صدرک آیا کشاده نکرده ایم برای تو سینهٔ ترا ووضعنا عنک وزرک
ودور کردیم از تو بار ترا الذی انقض ظهرک ورفعنا لک ذکرک
وبلند ساختیم برای تو ثنای ترا فان مع العسر یسرا زیرا که هر اینه متصل دشواری آسانی است
ان مع العسر یسرا البته متصل دشواری آسانی است فاذا فرغت فانصب پس چون از کار
فارغ شوی در عبادت خدا محنت کش والی ربک فارغب وبسوی پروردگار خود تضرع نمای
سورة التین مکیة ثمان آیه بسم الله الرحمن الرحیم والتین والزیتون قسم بانجیر وزیتون

وَطُورِ سِينِينَ • قسم بطور سینا وَهَٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ • وقسم باین شهر با امن لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ
فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ • هر اینه آفریدیم آدمی را در نیکوترین صورتی ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ
پس گردانیدیم آنرا فروتر از همه فرو ماندگان یعنی وقتیکه کافر شد فطرت سلیمه را ضایع ساخت إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ • مگر آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند پس ایشانراست
اجر بغیر نهایت فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ • پس ای آدمی چه چیز حمل میکند ترا بعد اینهمه بینه بر دروغ
گفتن در باب جزای و شاید که معنی آیت چنین باشد چه چیز باعث تکذیب تو می شود در مقدمهٔ جزای اعمال بعد اینهمه
بینه أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ • آیا نیست خدا حکم کننده ترین حاکمان سورة العلق مكية وهي
ثمان عشرة آية بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ • مترجم گوید اقرأ باسم ربك تا ما لم تعلم اول جزئیست که بر
آنحضرت صلی الله علیه وسلم نازل شد و معنی اقرأ اینجا است برای وحی قرآن و تلاوت آن اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ
الَّذِي خَلَقَ • بخوان ببرکت نام پروردگار خود که آفریدگار است خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ • آفرید
آدمی را از خون پارهٔ بسته اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ • بخوان و پروردگار تو بزرگتر است الَّذِي
عَلَّمَ بِالْقَلَمِ • آنکه علم آموخت بدستیاری قلم عَلَّمَ الْإِنسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ • آموخت آدمی را آنچه نمیدانست
كَلَّا إِنَّ الْإِنسَانَ لَيَطْغَىٰ • حقا هر اینه آدمی از حد میگذرد أَن رَّآهُ اسْتَغْنَىٰ • وقتیکه می بیند خود را توانگر
شده إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ • هر اینه بسوی پروردگار تو است رجوع أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ عَبْدًا
إِذَا صَلَّىٰ • آیا دیدی شخصی که منع میکند بنده را چون نماز گذارد أَرَأَيْتَ إِن كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ
آیا دیدی که چه میشد اگر براه راست بودی أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ • یا به پرهیزگاری فرمودی أَرَأَيْتَ إِن كَذَّبَ
وَتَوَلَّىٰ • آیا دیدی که چه شد اگر دروغ شمرد و روی گردان گشت أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ • آیا ندانست
این روی گرداننده که خدا می بیند یعنی باید دانست که عاقبت اهتدا و هدایت بهشت است و عاقبت ضلال و
اضلال دوزخ پس این معنا را بنوعی از بلاغت ادا کرده شد كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ
نی نی اگر باز نخواهد ایستاد خواهیم کشید او را بموی پیشانی نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ • بآن موی پیشانی
دروغ زن خطاکار فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ • پس باید که فریاد کند اهل مجلس خود را سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ

۱۴
سجده

ما نیز خواهیم طلبید بیادها را یعنی فرشتگان سخت عقوبت کننده را كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ
نی نی فرمان او قبول مکن و نماز گذار و قرب خدا طلب نما سورة القدر مکیة ست آیة بسم الله الرحمن الرحيم
إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ هر اینه ما فرود آوردیم قرآن را در شب قدر یعنی یکدفعه از لوح محفوظ با آسمان
دنیا وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ و چه چیز ترا مطلع ساخت که چیست شب قدر لَيْلَةُ الْقَدْرِ
خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ شب قدر بهتر است از هزار ماه تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ
مِنْ كُلِّ أَمْرٍ فرود می آیند فرشتگان و روح در آن شب بفرمان پروردگار خویش برای سرانجام کردن هر کاری
سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ آن شب تا وقت طلوع فجر محض سلامتی است سورة البينة
مکیة وهی ثمان آیات بسم الله الرحمن الرحيم لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ
الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ نبودند کافران یعنی حال ایشان
مقتضی ارسال رسول و انزال کتاب بود ازین جهت رسول فرستادیم و قرآن فرود آوردیم از اهل
کتاب و مشرکان جدا شوند یعنی از آئین خود تا وقتیکه بیامد ایشان حجت ظاهر یعنی ایشان از تکلیف
نگردیدم ترک ادیان خویش مگر بعد اقامت حجت ظاهر رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً
فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ که پیغامبر است از جانب خدا میخواند صحیفهای پاک یعنی سور قرآن در آن
صحیفها حکمهای است راست و درست وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ
بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ و متفرق نشدند اهل کتاب یعنی بعضی مقبول شدند و بعض مردود
مگر بعد از آنکه آمد بایشان حجت ظاهر وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ
حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ و فرموده نشده
ایشان را مگر آنکه عبادت کنند خدا را خالص ساخته برای او پرستش را متدین بدین ابراهیم و بر پا دارند
نماز را و بدهند زکوة را و این است احکام ملت درست إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ هر اینه آنانکه کافر شدند
اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخ باشند جاویدان آنجا ایشانند بدترین خلق إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ • هرآینه آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته
کردند بهترین خلق جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ
جزای ایشان نزدیک پروردگار ایشان بوستانهای همیشه باشیدن است میرود زیر آن جویها جاوید
آنجا همیشه خوشنود شد خدا از ایشان و خوشنود شدند ایشان از خدا این وعده کسی راست که بترسد از
پروردگار خود سورة الزلزال مکیة وهی ثمان آیة بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا • وقتیکه جنبانیده شود زمین را بان جنبش خود وَأَخْرَجَتِ
الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا • و بیرون آید زمین بارهای خود را یعنی گنجها را وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا
و گوید انسان چه حالت است زمین را يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا • امروز تقریر کند زمین قصهای
خود را بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا • بسبب آنکه پروردگار تو حکم فرستاده است بسوی زمین يَوْمَئِذٍ
يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ • امروز باز گردند مردمان بر احوال مختلف یعنی از
جای حساب تا نموده شود بایشان جزای اعمال ایشان فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ
پس هر که کرده باشد همسنگ یک ذره عمل نیک به بیند آنرا وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ
و هر که کرده باشد همسنگ یکذره عمل بد به بیند آنرا سورة العادیات مکیة وهی تسع آیات
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا • قسم باسپان تیز رونده بوجهی که از دم زدن شوند
فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا • پس قسم باسپان آتش برآرنده بانکه بنعل خود سنگ را بزنند فَالْمُغِيرَاتِ
صُبْحًا • پس قسم باسپان غارت کنند چون در وقت صبح درآیند فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا • پس برانگیزند
به آنوقت غبار را البته بدین فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا • پس درآیند بان وقت در میان جماعتی یعنی
از اعدا مترجم گوید این قسم اشارت است بانکه جهاد مشروع خواهد شد و رضای الهی باسپان غازیان
متعلق خواهد شد إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ • هرآینه آدمی به نسبت پروردگار خود ناشکر
کنداست وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ • و هرآینه آدمی بر ناسپاسی خود مطلع است وَإِنَّهُ

لحب

لحب الخیر لشدید • وهر آینه آدمی در دوست داشتن مال مبالغه کننده است افلا یعلم اذا بعثر
ما فی القبور • آیا نمی داند که چون برانگیخته شود هر آنچه در گورها باشد وحصل ما فی الصدور
وظاهر ساخته شود هر آنچه در سینه ها باشد ان ربهم بهم یومئذ لخبیر • هر آینه پروردگار ایشان
باحوال ایشان آن روز خبردار است سورة القارعة مکیة وهی ثمان آیات بسم الله الرحمن الرحیم
القارعة ما القارعة • قیامت چیست آن قیامت وما ادریک ما القارعة • وچه چیز مطلع
ساخت ترا که چیست آن قیامت یوم یکون الناس کالفراش المبثوث • قیامت متحقق
شود روزیکه باشند مردمان مانند پروانها پراکنده ساخته وتکون الجبال کالعهن المنفوش •
وباشند کوهها مانند پشم رنگین محلوج ساخته فاما من ثقلت موازینه • پس اما هر که گران باشد
پلهای حسنات او فهو فی عیشة راضیة • پس آن شخص در گذران پسندیده باشد واما من
خفت موازینه • واما هر که سبک باشد پلهای حسنات فامه هاویة • پس جای ماندن آن شخص
٢ وما ادریک ما هیه
هاویه نار حامیة • آتشی است افروخته سورة التکاثر مکیة وهی ثمان آیات بسم الله الرحمن الرحیم
الهٰکم التکاثر • غافل کرد شما را از یکدیگر بسیار طلبی مال حتی زرتم المقابر • تا وقتیکه رسیدید بگورستان
یعنی مدفون شدید کلا سوف تعلمون • نی نی خواهید دانست ثم کلا سوف تعلمون • باز میگویم
نی نی خواهید دانست کلا لو تعلمون علم الیقین • نی نی اگر بدانید حقیقت کار را بعلم یقین غافل نشوید
لترون الجحیم • البته خواهید دید دوزخ را ثم لترونها عین الیقین • باز البته خواهید دید دوزخ را دیدن
ظاهر بی شبه ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم • باز البته سوال کرده خواهید شد آن روز از نعمت
یعنی در مقابله آن شکر کردید یا کفران ورزید سورة العصر مکیة وهی ثلث آیات
بسم الله الرحمن الرحیم والعصر • قسم بزمان ان الانسان لفی خسر الا الذین
امنوا وعملوا الصلحت وتواصوا بالحق وتواصوا بالصبر • هر آینه آدمی در زیان است
مگر آنانکه ایمان آوردند وعملهای شایسته کردند ویکدیگر را وصیت کردند بدین درست ویکدیگر را وصیت کردند
بشکیبائی سورة الهمزة مکیة وهی تسع آیة بسم الله الرحمن الرحیم • ویل لکل همزة

لُمَزَةٍ . وای هر عیب کننده غیبت گوینده را الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ آنکه فراهم آورد مال را

و نگاه داشت آنرا يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ می پندارد که مال او زندگی جاوید دهدش كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ

فِي الْحُطَمَةِ نی فی البته انداخته خواهد شد بحطمه وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ و چه چیز مطلع ساخت

ترا که چیست حطمه نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ آتش خدا افروخته شده که غالب

شود بر دلها إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُؤْصَدَةٌ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ هر آینه آن آتش بر ایشان گماشته شده

است بستونهای دراز آورده شده است سورة الفيل مكية وهي خمس آيات

بسم الله الرحمن الرحيم مترجم گوید ابرهه پادشاه یمن عزم هدم کعبه کرد و فیلان بسیار و لشکر بیشمار بهم آورد

چون نزدیک کعبه رسید خدای تعالی ابابیل را حکم فرمود تا هلاک کنند أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ

الْفِيلِ آیا ندیدی چگونه معامله کرد پروردگار تو با اهل فیل أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ آیا نه ساخت

بد اندیشی ایشانرا در بیفایدگی وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ و فرستاد بر ایشان جانوران فوج فوج .

تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ می انداخت بسوی ایشان ریزه‌های از سنگ گل فَجَعَلَهُمْ

كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ پس ساخت ایشانرا مانند آخر باقی مانده بعد از خوردن دواب سورة القريش

مكية وهي اربع آيات بسم الله الرحمن الرحيم لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ برای شکر الفت دادن

قریش إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ یعنی الفت دادن ایشان بسفر زمستان و تابستان

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَٰذَا الْبَيْتِ باید که عبادت کنند پروردگار اینخانه را الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ

جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ آنکه طعام داد ایشانرا از بهر آنکه گرسنه بودند و امن داد ایشانرا از بهر آنکه

ترسان بودند سورة الماعون مكية وهي سبع آيات بسم الله الرحمن الرحيم أَرَأَيْتَ

الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ آیا دیدی آن شخص را که دروغ شمرد جزای اعمال را فَذَٰلِكَ الَّذِي يَدُعُّ

الْيَتِيمَ پس آن شخص مردیست که باهانت میراند یتیم را وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ و رغبت

نمیدهد بر طعام دادن فقیر فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ وای آن نماز کنان را الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ

سَاهُونَ که ایشان از نماز خود غفلت میورزند الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ

آ بانکه ایشان ریا میکنند و عاریت نمیدهند ماعون را یعنی سوزن و دیگ و پیاله و دلو و مانند آن مترجم گوید

نصف این سوره تصویر حال منافق والله اعلم سورة الکوثر مکیة وهی ثلث ایات

بسم الله الرحمن الرحیم انا اعطیناک الکوثر • یا محمد هر اینه ما عطا کردیم ترا و کوثر نام حوضی است

که در آخرت خواهد بود امت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم از ان خواهند آشامید فصل لربک وانحر

پس نماز گذار برای پروردگار خود و شتر را نحر کن ان شانئک هو الابتر • هر اینه دشمن تو همان است

دم بریده سورة الکافرون مکیة وهی ست ایة بسم الله الرحمن الرحیم قل یا ایها

الکافرون • بگو ای کافران لا اعبد ما تعبدون • پرستش نمیکنم آنچه شما می پرستید ولا انتم

عابدون ما اعبد • و نه شما پرستش خواهید کرد آنچه من می پرستم لکم دینکم ولی دین • شما را

دین شماست و مرا دین منست سورة النصر مدنیة وهی ثلث ایات بسم الله الرحمن الرحیم

اذا جاء نصر الله والفتح • و قتیکه آمد نصرت خدا و بظهور آمد فتح ورأیت الناس یدخلون

فی دین الله افواجا • و ببینی که مردمان داخل میشوند در دین خدا فوج فوج فسبح بحمد ربک

واستغفره انه کان توابا • پس به پاکی یاد کن همراه ستایش پروردگار خود و امرزش طلب

کن از وی هر اینه خدا هست برحمت رجوع کننده یعنی اینهمه علامت قرب اجل تو است یا محمد پس مستعد آخرت

مقید شو سورة اللهب مکیة وهی خمس ایات بسم الله الرحمن الرحیم

مترجم گوید آنحضرت صلی الله علیه و سلم اقارب خود را از آتش دوزخ تخویف فرمود ابی لهب سنگ

بطرف آنحضرت انداخت که آیا این کار ما را جمع کرده بودی این سوره نازل شد تبت یدا ابی لهب

وتب • هلاک باد دو دست ابی لهب و هلاک باد ابو لهب دو دست کنایه از ذات اوست ما اغنی

عنه ماله وما کسب • هیچ دفع نکرد از سر ابو لهب مال او و آنچه پیدا کرده بود سیصلی نارا

ذات لهب • و خواهد در آمد با آتش صاحب شعله وامرأته حمالة الحطب • و زن او نیز در آید مراد

میدارم بردارنده [illegible]

از لیف خرما یعنی [illegible]

ولا انا عابد ما عبدتم

ولا انتم عابدون ما اعبد

[illegible]

از ابن عباس و عروه بن زبیر در مجمع البیان روایت کرده که [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد • بگو خدا یکانه است الله الصمد • خدای بی نیاز
است لم یلد ولم یولد • نه زاد و نه زاده شده ولم یکن له کفوا احد • و نیست هیچکس اورا
همسر سورة الفلق مکیة وهی خمس آیات بسم الله الرحمن الرحیم قل اعوذ برب
الفلق • بگو پناه میگیرم به پروردگار صبح من شر ما خلق • از شر هر چه آفریده است ومن شر غاسق
اذا وقب • و از شر شب تاریک چون تاریکی او منتشر شود ومن شر النفاثات فی العقد
و از شر زنان سحر کننده در گره ها دم زننده ومن شر حاسد اذا حسد • و از شر هر حاسد چون حسد
کند سورة الناس مکیة وهی ست آیة بسم الله الرحمن الرحیم قل اعوذ برب الناس
بگو پناه میگیرم به پروردگار مردمان ملک الناس • پادشاه مردمان اله الناس • معبود مردمان من
شر الوسواس الخناس • از شر وسوسه اندازنده چون ذکر گفته شد باز پس رونده الذی یوسوس
فی صدور الناس • آنکه وسوسه می افکند در سینه‌های مردمان من الجنة والناس
از جنس جن باشد یا از جنس مردمان

بالخیر تمت وبالعافیة عمت

تفسیر فتح الرحمن

لقد تمت هذا بتاریخ ۱۲ رجب سنه ۱۲۹۳ هجری جناب منشی السلطان بهادر مرحمت فرمودند

مملوکه احمد حسین جعفری